

مجموعه مقالات

هم اندیشی زیارت



جلد دوم

مجموعه آثار هم اندیشی زیارت ۱


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : زیارت : مجموعه مقالات هم اندیشی 1 و 2/ تالیف جمعی از نویسندگان؛ تهیه‌کننده پژوهشکده حج و زیارت.
مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲۰۳ ص.
فروست : مجموعه مقالات در رد وهابیت؛ ۲.
شابک : 978-964-540-488-6
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : زیارت و زائران
موضوع : زیارت و زائران -- فلسفه
موضوع : زیارت و زائران -- احادیث
شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت
رده بندی کنگره : BP۲۶۲/ز۳ ۹۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶
شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۰۵۹۶۸
ص: 1

اشاره

داشتن ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه، یکی از بهترین راه‌ها و شیوه‌های تربیتی به شمار می‌رود. روح و جان آدمی، در جریان این ارتباط، صیقل و صفا می‌یابد و از کدورت‌ها و ناپاکی‌ها خلاص می‌گردد. این تأثیرپذیری، در پرتو الگوبرداری از رفتار، منش، خُلق و خوی و حَسَنات و تمایلات انسان‌های بزرگ است.
از سوی دیگر، تأثیر معنوی و اشراف ارواح بزرگ بر دیگران نیز قابل انکار نیست.
انبیا و اولیای الهی، بهترین الگوهایی هستند که انسان‌ها می‌توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود، بهره برند. این ارتباط، در قالب «زیارت» مطرح شده است. زیارت قبور اولیای الهی می‌تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگوبرداری از خصلت‌های الهی آنان بینجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح و جان آدمی تأثیرگذار باشد.
استقبال انسان‌ها از اماکن زیارتی در تمامی ادیان آسمانی و بشری و نیز اشتیاق مسلمانان به زیارت اماکن و مزارات مقدّس، بر کسی پوشیده نیست. به عنوان نمونه، تنها از میان ایرانیان، سالانه میلیون‌ها زائر به مکان‌های زیارتی سفر می‌کنند و از آنها بهره معنوی می‌گیرند؛ مکان‌هایی از قبیل:
1. خانه خدا و مزار پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام در عربستان
2. عتبات مقدّس در عراق
3. حَرَم امام رضا علیه السلام در مشهد
4. حرم امامزادگان در قم، شهرری و شیراز.

5. مزار سایر امامزادگان، صحابه و اولیای الهی.
جایگاه معنوی و بلند زیارت از یک سو و گستردگی و فراوانی زیارت و استقبال از آن از سوی دیگر، این الزام را به میان می‌آورد که مسأله زیارت، از ابعاد مختلف، مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد و در کنار آن، به بررسی آفت‌ها و آسیب‌های این پرونده نیز پرداخته شود. چنین پژوهشی، از یک سو برای متولّیان امر زیارت، مفید است تا در برنامه‌ریزی‌ها از آن بهره گیرند و از دیگر سو برای زایران، تا بهره معنوی خویش را بالا برند.
معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه و دفتر امور حج و زیارت سازمان صدا و سیما، با انگیزه تحقق چنین آرمانی، در سال 1385، تصمیم به برگزاری هم‌اندیشی «زیارت» گرفت تا صاحب‌نظران و عالمان و محققان بتوانند ابعاد اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی زیارت را مورد پژوهش قرار داده، دستاوردهای خود را در این موضوع، ارائه نمایند.
در این راستا، در سال 1386، فراخوان مقاله و آثار ادبی، در محورهای هفتگانه زیر، اعلام گردید:
1. کلیات
2. مبانی فکری و اعتقادی زیارت
3. آداب زیارت
4. آثار زیارت
5. آسیب‌شناسی زیارت
6. مباحث مرتبط با زیارت
7. آثار هنری مرتبط با زیارت.
نتیجه این فراخوان، دریافت 290 مقاله و نوشته ادبی بود که کمیته علمی هم‌اندیشی، به بررسی آنها در دو مرحله پرداخت و از آن میان، 49 اثر برگزیده شد:

42 مقاله که در مجموعه مقالات هم‌اندیشی منتشر می‌شوند. دو نوشته ادبی که در خبرنامه نشر می‌یابند و پنج سفرنامه که در کتابی مستقل با عنوان سفرنامه‌های زیارتی در دسترس علاقه‌مندان و اهل نظر قرار خواهند گرفت.

در کنار آن، کمیته علمی، دو برنامه دیگر را نیز در دستور کار قرار داد: یکی سفارش تهیه کتابشناسی زیارت و دیگری تهیه خبرنامه هم‌اندیشی زیارت.

اینک به یاری خداوند و ارواح بزرگ پیامبر و ائمه علیهم السلام محصولات هم‌اندیشی در قالب چهار عنوان و شش مجلد، در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

1. مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت 2 جلد
2. کتابشناسی زیارت 1 جلد
3. سفرنامه‌های زیارتی 1 جلد
4. خبرنامه هم‌اندیشی زیارت 2 شماره

گفتنی است مجموعه مقالات برگزیده- که در دو جلد، نشر می‌یابد-، در شش عنوان کلی به شرح زیر، سامان یافته است:

1. کلیات 8 مقاله
2. مبانی فکری و اعتقادی زیارت 6 مقاله
3. نقد و بررسی شبهات زیارت 5 مقاله
4. آداب زیارت 2 مقاله
5. آثار و فواید زیارت 14 مقاله
6. زیارت در فرهنگ و ادب فارسی 7 مقاله.

امید است این حرکت علمی، با یاری خداوند، گامی راه‌گشا برای نشست‌های تخصصی و همایش‌های دیگر باشد تا در آنها زوایای زیارت بیش از پیش مورد پژوهش و تبیین، قرار گیرد.

بخش یک: کلیات

1. مفهوم زيارت

اشاره

ص: 13

خدیجه نعمتیان

چکیده

خداوند متعال ما را به زیارت محبوبانش و منتخبانش هدایت نمود و زیارت آنان را راهی برای وصول به برترین منازل فوز و فلاح قرار داد. در این مختصر که نگرش ابتدایی و متوسط به مقوله با ارزش زیارت دارد، سعی شده تا به لایه‌هایی از این حقیقت والا اشاره شود و در این پرده‌برداری و تفسیر از مواقف و منازل برج رفیع زیارت، به ساحت‌های نو و عرصه‌های تازه‌ای پرداخته شود. شناخت زیارت و مفهوم‌شناسی زیارت به معنای واقعی آن، می‌تواند جلو راه هرگونه خرافات، تحریفات و انحرافات را بگیرد. به ویژه در دورانی که راه شهوات باز و باب شبهات گشوده و قلم‌های تحریف روان و قدم‌های انحراف دوان است.
در این نوشتار مباحث زیارت در آیات و روایات، زیارت در فقه، زیارت با معرفت مورد بررسی قرار گرفته است، سپس به اهمیت و ضرورت زیارت، ارکان زیارت و اهداف زیارت پرداخته و در آخر با ذکر نتیجه و خلاصه، مقاله را به پایان رسانده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، زایر، زیارتنامه، معرفت، اهل بیت علیهم السلام.

مقدّمه

زیارت حضور زایر است در پیشگاه معشوق، اتصال قلبی است با مبدأ فیض، کسب نور است از سرچشمه انوار الهی، زیارت آرامش است، آرامشی پریشانی زدا و اضطراب شوی و آرامشی گوارا. زیارت سعادت و خوشبختی است، و چه خوشبختی بالاتر از حضور در کنارمعصوم. حضور فقط «بودن» نیست، بلکه همنفس

شدن با فرشتگان، همصدایی با نیازمندان و همدعایی با دعاگویان است، یک حضور روحانی، ویک پرواز معنوی، بال گشودن تا حریم قدس، گویی از این جا راه آسمان نزدیک‌تر است و رسیدن به عرش ساده‌تر، این جا سوخته دلان می‌آیند تا شفاعتی نزد خالق یابند، این جا بی‌کسان می‌آیند تا با «کس بی‌کسان» انس گیرند. پاکان می‌آیند تا صفا افزون کنند و آلودگان می‌آیند تا زنگار از دل بشویند، گناهکاران می‌آیند تا توبه کنند و توبه کنندگان می‌آیند تا عهد خویش تقویت کنند.

حضور پیدا کردن در مقابل امام معصوم یا مرقد مطهر او فیضی است که مرحله‌ای از زیارت با آن تحقق می‌یابد، اما در هر زیارتی این گونه است که بعد از دیدار ظاهری و تعارف متداول به گفت‌وگو با مزور و معشوق می‌نشینند تا دیدار را طولانی‌تر و لذت وصال را بیشتر کنند.

کلیم حق تعالی در آن وادی مقدس، به سوی آتشی رفت تا شعله‌ای برگیرد، ناگهان صدای محبوب خود را شنید که با وی سخن می‌گوید. در آن میان از او پرسید: «وَمَا تِلْکَ بِیَمِینِکَ یمُوسَی»؛ (1) ای موسی! آن چیست که در دست توست؟ «قَالَ هِیَ عَصَایَ أَتَوَکَّؤُاْ عَلَیْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَی غَنَمِی وَ لِیَ فِیهَا مَارِبُ أُخْرَی»؛ (2) موسی علیه السلام در جواب گفت:

این، عصای من است که بر آن تکیه می‌کنم، برای گوسپندانم از درخت برگ می‌ریزم و منفعت‌های دیگری نیز برای من دارد. برخی از مفسران گفته‌اند: با آن که حضرت موسی علیه السلام می‌توانست به یک جمله «هِیَ عَصَایَ» اکتفا کند، بقیه جملات را برای طولانی‌تر کردن مناجات و مذاکره با خدا بر زبان آورد. (3) بهترین عامل برای اطاله گفت‌وگو، اظهار عشق و ارادت به معشوق و ذکر کمالات و نیکویی‌های اوست. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود، به نام هشام بن سالم فرمود: «إذا أحببت رجلاً فأخبره بذلک فإنّه أثبت للمودّة بینکما»؛ (4) اگر به کسی علاقه مند

1- سوره طه، آیه 17.

2- همان، آیه 18.

3- المیزان، ج 14، ص 143.

4- کافی، ج 2، ص 644، باب اخبار الرجل اخاه بحبه.

هستی و وی را دوست می‌داری، دوستی و محبت خود را به او اعلام کن، زیرا این اعلام، موجب تثبیت مودت بین شما می‌شود. اظهار عشق و ارادت همراه با ثناگویی و ذکر کمالات معشوق، از یک سو تکلیف، بلکه تشریف عاشق را روشن می‌کند و به اومی‌فهماند که در برابر چنین محبوبی چه وظیفه سنگینی دارد و از سوی دیگر معشوق را دلگرم می‌کند که ارادت عاشق، صوری و ناپایدار نیست. در نتیجه ثناگویی و ذکر اوصاف و کمالات، حضور و دیدار را پرشورتر، گرمابخش‌تر و شیرین‌تر می‌گرداند و به اوج خود می‌رساند. متن این ثنانامه، مثنوی و منشور ارادت است که اصطلاحاً زیارتنامه خوانده می‌شود و عاشق صادقی با خواندن آن از یک سو نهایت محبت و علاقه خود را به محبوب اعلام می‌دارد و از سوی دیگر یکی از نیازهای فطری خود، یعنی ثناخوانی و تمجید از کمالات را برآورده می‌کند.

معنای زیارت

یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی، هنری و معنوی آنان می‌گردد. افزون بر این که عامل پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده با نسل‌های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است.
زیارت از ریشه «زور» به معنای میل و عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زور گفته‌اند که از راه حق مایل و منحرف می‌گردد. (1) احمد بن فارس در ادامه می‌گوید:
زایر را بدین جهت زایر می‌گویند که وقتی به زیارت تو می‌آید از غیر تو عدول می‌کند و رو برمی‌گرداند. (2) از این رو برخی معتقدند: زیارت، به معنای قصد و توجه است. (3)

1- الزاء والواو والراء اصل واحد یدل علی المیل والعدول. من ذلک الزور: الکذب؛ لانه مائل عن طریقه‌الحق ... یقال: ازور عن کذا: ای مال عنه(مقاییس الغة، ج 3، ص 36، «زور») راغب اصفهانی ریشه دیگری برای این واژه ذکر کرده است.

2- و من الباب: الزائر لانه اذا زارک فقد عدل من غیرک(همان).

3- زاره، یزروه، زیارة وزورا: قصد فهو زائر(المصباح المنیر، «زور»).

فیومی سپس می‌گوید: زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت و انس گرفتن با کسی به وی روی آورد. (1) نیز برخی گفته‌اند: این که بر ملاقات اولیا و بزرگان، اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند. در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور و زیارت شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (2) این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد.
گویا تنها موردی که قرآن کریم این واژه را در این معنا استعمال کرده، (زرتم) در آیه کریمه «أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» است. مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند:
دو طایفه از قریش، یعنی «بنی عبد مناف» و «بنی سهم بن عمرو» به مفاخره با یکدیگر پرداختند و هر کدام، بزرگان و افراد قبیله خویش را به رخ دیگری می‌کشید که در نهایت بنو عبد مناف در این مفاخره برتری یافت. گروه مقابل، یعنی بنی سهم برای جبران شکست خویش گفتند: در جاهلیت بسیاری از افراد طایفه ما بر اثر بغی و ستم نابود شدند که اگر زنده می‌بودند، بر شما غلبه می‌کردیم، از این رو به قبرستان رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. بنابراین قرآن کریم به سراغ کسی یا چیزی رفتن و دیدار کردن با او را زیارت نامیده است.

از آن جا که زیارت، شریعه ورود به دریای ولایت، و ظهور تمسک و نمود اعتصام به مستمسک امامت است، و با توجه به این نکته که توصیه‌های قرآنی به اعتصام و

1- والزیارة فی العرف قصد المزور اکراما له و استیناسا به(همان).

2- مجمع البحرین، ج 1، ربع 2، ص 305.

تمسک به حبل الهی از طریق زیارت تحقق می‌یابد، شایسته است در حد گذرا و مختصر به برخی از آیاتی که بر این ارتباط تأکید دارد، اشاره کنیم.
خدای سبحان در قرآن کریم از سه طریق عمده هدایتگری می‌کند و راه پیوند و قرب به اولیای الهی را توصیه می‌کند:
یکم. بیان جایگاه و موقعیت والای آنان در نظام تکوینی و عالم تشریع و نیز برشماری اوصاف و کمالات شایسته و خصایص زنده، کامل و مؤثر آنها در نظام بشری، و عصمت و مصونیت آنان از هر نوع رجس و پلیدی مادی و معنوی. چنین کمالاتی به دلالت التزامی لزوم تبعیت و اطاعت و محبت و مودت به آنها را به همراه دارد.
دوم. پرهیز دادن از اعراض و دوری از آنها که هم موجب انحطاط و سقوط بوده و هم حرمان از کمالات انسانی و الهی است. خداوند متعال با این گونه بیان راه هرگونه گسست و سهل‌انگاری در مقابل عترت طاهره علیهم السلام را می‌بندد، بلکه همه آن راه‌ها را اعوجاج و انحراف می‌داند.
سوم. آیاتی مستقل، صریح و روشن در جهت همراهی، مصاحبت و بلکه مسئولیت در مقابل اهل بیت علیهم السلام که با عبارات مختلف قرآن این معنا را تذکر می‌دهد.
به نمونه‌هایی از این آیات اشاره می‌کنیم:
1. از جمله آیاتی که با تصریح و با فعل امر، همراهی با سفرای الهی و اوصیای معصوم از هر گونه خطا و لغزشی را توصیه می‌کند، این آیه است: «يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ كُونُواْ مَعَ الصدِقِينَ»؛ (1) ای انسان‌های مؤمن ضمن کسب تقوا، همواره با صادقین همراه باشید. در این آیه توصیه به تقوا بیانگر این معناست که این مصاحبت، تبعیت، اطاعت و ملازم بودن باید با قدرت، عزم و تصمیم جدی همراه باشد؛ زیرا تقوا در مصاحبت، این پیام را دارد که هم صادقین را درست بشناسید و هرگز غیر

1- سوره توبه، آیه 119.

صادقین را با صادقین اشتباه نکنید و هم بعد از شناخت، لحظه‌ای درنگ نکرده و همواره با کمال جدیت و با همه وجود همراهی با صادقین را رعایت کنید؛ همان‌گونه که رسول مکرم صلی الله علیه و آله نیز در این معیت و مصاحبت به حدی در عبودیت و بندگی به پروردگار عالم مداومت و همراهی می‌کرد که احدی در این مسیر با او یار نبود، از این رو فرمود: «لی معی اللّه وقت لایسعه ملک مقرّب ولا نبیّ مرسل»؛ (1) برای من نسبت به خداوند حالاتی است که هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی فرستاده‌ای یارای قدم نهادن در آن عرصه را ندارد، و از فرط این مصاحبت خداوند او را به عنوان حبیب خود اتخاذ کرد: «واتّخذتک حبیباً». (2) و به تبع آن حضرت، امام علی علیه السلام نیز نسبت به آن حضرت همین حد از متابعت را داشت، که اولاً خود را به عنوان بنده‌ای از بندگان حضرت محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده:
«... إنّما أنا عبد من عبید محمد صلی الله علیه و آله» (3) و در خطبه «قاصعه» کیفیت این تبعیت و همراهی را یاد می‌کند: «ولقد کنت اتبعه اتباع الفصیل اثر امّه یرفع لی فی کل یوم من أخلاقه علما و یأمرنی بالاقتداء به»؛ (4) تبعیت من از پیامبر گرامی به حدی بود که از لحظه‌ای او جدا نمی‌شدم و هر روز نکته‌ای از اخلاق نیک وپسندیده به من می‌آموخت و به من فرمان می‌داد که پیروی کنم.
این مصاحبت به حدی بود که در بین همه مؤمنان تنها او برادر و همتای حقیقی پیامبر شد و طبعاً او نیز محبوب الهی و به منزله جان رسول اللّه صلی الله علیه و آله معرفی شد: «یا علی أنت منّی و أنا منک و أنت اخی». (5) باید توجه داشت که این معیت و همراهی، وقتی به اوج رسید و انسان در مسیر عبودیت و اطاعت الهی میادین، مواقف و منازل را طی کرد. این معیت که همراهی و مصاحبت ویژه بوده و متضمن هدایت، کمال و آشنایی با اسرار عالم است، از ناحیه

1- بحارالأنوار، ج 18، ص 360.

2- همان، ص 383.

3- همان، ج 3، ص 283.

4- نهج البلاغه، خطبه 192.

5- بحارالأنوار، ج 51، ص 108.

پروردگار عالم نیز به انسان خواهد رسید، و اگر خداوند در قرآن می‌فرماید: با صادقین همراه باشید، در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»؛ (1) خداوند با محسنین است.
در این مورد نیز اگر انسان با اهل بیت علیهم السلام باشد و رابطه با آنها را جدی گرفته، اعتصام، اتصال و تمسک را رعایت کرده باشد، یعنی تولی صورت پذیرفته و دوستی و ولای آنان در قلب و ارکان وجودی آدمی نشسته باشد، از آن سوی ولایت و سرپرستی اهل بیت علیهم السلام نسبت به انسان‌ها، که خود برترین و مؤثرترین نعمت است، نیز ظاهر می‌شود.
بدیهی است که با مولویت و حاکمیت عترت علیهم السلام بر قلمرو وجود انسانی، زمینه‌های رشد و بالندگی انسان شکوفا می‌شود و همراهی و مصاحبت به معیت و حضور دائم مبدل می‌گردد: «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُوْلئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِم مّنَ النَّبِیّینَ وَالصّدّیقِینَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصلِحِینَ وَحَسُنَ أُوْلئِکَ رَفِیقًا»؛ (2)
و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در گروه کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته،(یعنی) با پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکوهمدمانند. این همراهی و حشر با اولیای الهی در سخت‌ترین مراحل با انسان بوده است و طبق احادیث فراوان، در مواقف و مهالک دشوار، این معیتِ شفاعت آفرین، موجب گشایش و آسودگی است.
در زیارت شب و روز عرفه آمده که هدف از زیارت آن است که معیت و همراهی دنیا و آخرت را از شما مسئلت کنم: «أسال اللّه بالشأن الذی لک عنده و بالمحلّ الذی لک لدیه أن یصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخرةَ بمنّه و جوده و کرمه». (3) اساساً یکی از بهره‌های انسان در زیارت همین همراهی و مرافقت است.

1- سوره عنکبوت، آیه 69.

2- سوره نساء، آیه 69.

3- بحارالأنوار، ج 98، ص 361.

در زیارت عسکریین(امام هادی و امام عسکری علیهما السلام) نیز می‌خوانیم: «أسال اللّه ربّی و ربّکما أن یجعل حظّی من زیارتکما الصلاه علی محمّد و أهل بیته و أن یرزقنی مرافقتکما فی الجنان مع آبائکما الصالحین». (1) از همین رهگذر زیارت نقش مهم و اساسی خودرا در فراهم آوردن زمینه مصاحبت و همراهی تام دارد.

یکی از بهترین و مؤثرترین آثار زیارت همانا پذیرش و تأیید افکار و آرمان‌های مزور و زیارت شونده است. اگر انسان بر مبنای بیانات اعتقادی و روایاتی همانند آنچه جابربن عبداللّه انصاری، اولین زایر حرم حسینی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بیان داشته، این معنا را بیابد که زیارت نماد همفکری و همدلی است و کسی که به زیارت می‌رود، خود را از نظر اعتقادی، اخلاقی و رفتاری با زیارت شونده هماهنگ ساخته و نیت همراهی همه جانبه را دارد و خود نیز به این گرایش مایل و امیدوار است. این جاست که موفق به کسب همراهی و مصاحبت شده و آیه «وَ کُونُواْ مَعَ الصدِقِینَ» (2) را تحقق بخشیده است. با توجه به حدیث جابر این نکته روشن‌تر می‌شود.

جابربن عبداللّه انصاری به عطیه کوفی می‌گوید: «من أحبّ قوماً حشر معهم و من أحبّ عمل قوم أشرک فی عملهم»؛ (3) دوستم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی مردمی را دوست داشته باشد، با آنها محشور می‌شود و هر کسی عمل و کار مردم و ملتی را علاقه‌مند باشد، با آنها در عملشان شریک است. از این رهگذر کسانی که به هر نحو نتوانستند در عرصه کربلا حاضر شوند، با اظهار همدردی و همراهی، خود را از نظر فکری و روحی نزدیک کرده و با تدارک کردن آن نقیصه همراهی خود را اعلام می‌دارند؛ چنان که در زیارت امام حسین علیه السلام به آن حضرت عرض می‌کنیم: «لبّیک داعی اللّه إن کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک و لسانی عند استنصارک فقد أجابک قلبی و سمعی و بصری، سبحان ربّنا إن کان وعد ربّنا لمفعولاً»؛ (4) ای حسین عزیز که در دعوت به کمک،

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 94.

2- سوره توبه، آیه 119.

3- بحارالأنوار، ج 65، ص 131.

4- همان، ج 98، ص 337.

به خدا دعوت داشتی، اگر هنگام استغاثه و کمک طلبی تو، نتوانستم شما را با بدن و زبانم کمک کنم، هر آینه قلب، گوش و چشمم شما را اجابت کرده است. منزه است خدای ما و وعده خدای ما هر آینه محقق است.

البته این اعتراف و تصدیق به همراهی و تبعیت، شایستگی همراهی با آنان را نیز افزون می‌گرداند؛ از این رو در نوع زیارتنامه‌ها آرزوی مصاحبت آمده است: «یا لیتنی کنت معکم فأفوز فوزاً عظیماً»؛ (1) ای کاش با شما بودم و به رستگاری عظیمی نایل می‌شدم. یا در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب عرفه آمده است: «أسأل اللّه ... أن یصلّی علی محمّد وآل محمّد و أن یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخرة»؛ (2) از خدا می‌خواهم که بر محمد صلی الله علیه و آله و آلش درود فرستد و مرا با شما در دنیا و آخرت همراه دارد. این خصیصه در زیارت وداع و دعای آن برجسته است و بر آن تأکید شده است؛ زیرا یکی از خواسته‌های جدی در زیارت وداع همین مصاحبت و همراهی است: «... اللهم لاتجعله آخر العهد من زیارتی إیاهم و أشرکنی معهم فی صالح ما أعطیتهم علی نصرتهم ابن نبیک و حجتک علی خلقک و جهادهم معه»؛ (3) بارالها این زیارت را آخرین عهد و زیارت من قرار مده و مرا با این شهیدان در عطای ولایت شریک گردان؛ عطایی که به پاس یاری کردن فرزند رسولت و حجتت بر خلق و جهاد آن شهیدان همراه با او به آنها عطا کرده‌ای.

2. حل مشکلات علمی و اخلاقی و بیرون آمدن از ورطه ضلالت و جهالت، تنها در سایه ارتباط و اتصال علمی با آشنایان و عالمان حقیقی دین، یعنی اهل بیت علیهم السلام ممکن است و بدون ارتباط و سؤال از آنها نه علمی ایجاد می‌شود ونه هدایتی ممکن است؛ از این رو خدای سبحان به صورت صریح توصیه می‌کند: «فَسَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِن کُنتُمْ لَاتَعْلَمُونَ»؛ (4) پس اگر نمی‌دانید از دانایان کتاب‌های آسمانی جویا شوید. این آیه

1- همان، ص 166.

2- همان، ص 361.

3- همان، ص 204.

4- سوره نحل، آیه 43؛ سوره انبیاء، آیه 7.

در دو سوره مستقل تکرار و تأکید شده که از اهل ذکر سؤال کنید. هدف از پرسش، رهیدن از جهل و ظلم و مشکلات فکری، روحی، اخلاقی و عملی در مسایل فردی و اجتماعی است و مناسب‌ترین بستر برای آن زیارت است؛ چه در حال حضور اولیای الهی و چه در حال غیبت و ممات آنان.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ این پرسش که اهل ذکر در آیه شریفه چه کسانی هستند، فرمود:

«الذکر أنا و الأئمة علیهم السلام أهل الذکر»؛ (1)

من ذکر هستم و امامان علیهم السلام اهل ذکر هستند.

حضرت امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ همین سؤال فرمود:

«نحن اهل الذکر و نحن المسئولون»؛ (2)

ما اهل ذکر و پرسش شوندگان هستیم.

در بیانی دیگر از امام رضا علیه السلام آمده است:

«الذکر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و نحن اهله و ذلک بین فی کتاب اللَّه حیث یقول فی سورة الطلاق

«فَاتَّقُواْ اللَّهَ یأُوْلِی الْأَلْبَبِ الَّذِینَ ءَامَنُواْ قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْرًا رَّسُولًا یَتْلُواْ عَلَیْکُمْ ءَایتِ اللَّهِ مُبَیِّنتٍ»

فالذکر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و نحن أهله».

در ذیل آیه «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسُولُونَ» (3)

نیز در برخی احادیث آمده است که مورد سؤال، ولایت اهل بیت و مودت به آنهاست؛ (4) بنابراین، چیزی که با این اصرار و تأکید درخواست شده و چنین نقش و تأثیر عمده‌ای در دنیا و عقبی دارد، ضرورت آن حتمی و اهمیت آن قطعی است.

3. نمونه بارز و آشکار دیگر، توصیه و فرمان الهی به اطاعت و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام مطابق آیه شریفه «أَطِیعُواْ اللَّهَ وَأَطِیعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِی الْأَمْرِ مِنکُمْ» (5)

است. در این کریمه به همان صورتی که به اطاعت از رسول گرامی صلی الله علیه و آله توصیه شده بدون تکرار امر، به همان وجه تبعیت از صاحبان حقیقی امر و ولایتمداران دستور داده شده است.

1- بحارالأنوار، ج 16، ص 359.

2- کافی، ج 1، ص 210.

3- سوره صافات، آیه 24.

4- بحارالأنوار، ج 36، ص 78.

5- سوره نساء، آیه 59.

کسانی که در کنار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اطاعت از آنها الزامی شناخته شده، قطعاً مواليان و واليان راستين هستند و اساساً بدون اطاعت واليان امر، اطاعت از خدا و رسول امکان ندارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
«إنّه من أتی البیوت من أبوابها اهتدی و من أخذ فی غیرها سلک طریق الردی وصل اللّه طاعة ولی أمره بطاعة رسوله و طاعه رسوله بطاعته فمن ترک طاعة ولاة الأمر لم یطع اللّه و لا رسوله و ...»؛ (1)
تنها کسانی که از باب ولایت به بیوت هدایت و سعادت گام نهاده‌اند، هدایت یافته‌اند و کسانی که در غیر این مسیر راه می‌پیمایند، در راه ضلالت و پستی گام می‌نهند و در واقع اطاعت اولواالامر و اطاعت رسول در پرتو اطاعت الهی خواهد بود و اگر کسی اطاعت اولواالامر را ترک کند، در واقع خدا و پیامبرش را اطاعت نکرده است.
تولی، تبعیت و اطاعت از اولواالامر به همان حدی معتبر است که اطاعت از رسول گرامی صلی الله علیه و آله دارای ارزش و بهاست و خداوند این اطاعت را اطاعت از خود دانسته و فرموده است:
«مَّن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»
و طاعت آنها را مقرون به طاعت خود دانسته است: «و قرن طاعتكم بطاعته» با چنین اهمیت و ارزشی طبعاً اتصال و اعتصام به آنها یک ضرورت برای کمال وجودی انسان‌ها خواهد بود و بدیهی است که زیارت با شاخصه‌های برجسته و دلنشین آن جلوه‌های اطاعت و تبعیت را در دل‌ها می‌نشاند.
4. مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام به قدری عظیم و ارزشمند است که تنها اجر رسالت شمرده شده است: «قُل لَّآ أَسَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبَى». (2)
و تنها کسانی می‌توانند در مقابل رسول اکرم صلی الله علیه و آله روسفید و سرفراز باشند که با معرفت و مودت نسبت به خویشاوندان آن حضرت حرکت انسان و الهی خویش را تصحیح کرده و به این حسنه دنیا و عقبی رسیده باشند؛ «وَ مَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُو فِيهَا حُسْنًا»؛ (3)
قطعاً کسانی که خیر و نیکی، یعنی مودت به اهل بیت علیهم السلام را تحصیل کرده باشند، برای آنها

1- بحارالأنوار، ج 66، ص 10.

2- سوره شوری، آیه 23.

3- همان.

احسان و انعام الهی افزون خواهد بود. تردیدی نیست که از بهترین راه‌های ایجاد محبت و دوستی و تحصیل ارادت و معرفت اهل بیت علیهم السلام حضور در مشاهد آنان و خواندن زیارتنامه‌های جامع و زیبای آنان است.
5. ندامت و خسران همواره بر کسانی است که در دنیا توانایی خود را در جهت پیوند با اهل بیت علیهم السلام به کار نگرفتند. خدای سبحان حال این افراد را این گونه حکایت می‌کند: درحالی که دو دست خود را از سر ندامت و حسرت به دندان گرفته، واحسرتا سر داده و با خود می‌گویند: ای کاش پیوند خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله تحکیم کرده و راه به رسالت را که همان ولایت عترت علیهم السلام است، اتخاذ می‌کردیم:
«وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَی یَدَیْهِ یَقُولُ یلَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً».
طبق بیان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها طریق و راهی که به رسالت ختم می‌شود، راه ولایت است؛ زیرا وقتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد «جنب اللَّه» چیست؟ فرمود: همان چیزی است که به رسالت منتهی می‌شود و انسان ظالم در روز قیامت به سبب ترک ارتباط با آن، دو دست حسرت به دندان می‌گیرد؛ فقالوا: «یا رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و ما جنب اللَّه هذا؟» فقال: «هوالذی یقول اللَّه فیه: «وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَی یَدَیْهِ یَقُولُ یلَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً» فوصیّی السبیل إلی من بعدی». (1) 6. انسان‌های دور افتاده از طریق هدایت و منقطع شده از مسیر ولایت، در وادی حسرت با صد افسوس و آه از تفریط و کوتاهی، و از قصور و تقصیر خود پشیمان و نادم هستند که چرا در دنیا به «حبل اللَّه»، «نور اللَّه» و «جنب اللَّه» نزدیک نشده و از آن دور و جدا مانده‌اند: «أَن تَقُولَ نَفْسٌ یحَسْرَتَی عَلَی مَا فَرَّطتُ فِی جَنبِ اللَّهِ»؛ (2)
نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرود آمده است، پیروی کنید تا این که(مبادا) کسی بگوید: «دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم». شیخ صدوق رحمه الله فرموده است: جنب در لغت عرب به معنای طاعت است؛ گفته می‌شود:

1- بحارالأنوار، ج 36، ص 17.

2- سوره زمر، آیه 56.

«هذا صغیر فی جنب اللَّه، یعنی فی طاعة اللَّه عزوجل؛ پس معنای قول امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: «أنا جنب اللَّه» یعنی «أنا الذی ولایتی طاعة اللَّه». (1) مرتبه جنب اللهی ویژه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیای معصوم آن حضرت است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «خلت أنا و أنت یا علی من جنب اللَّه تعالی فقال: یا رسول اللَّه ما جنب اللَّه تعالی؟ قال صلی الله علیه و آله: سر مکنون و علم مخزون لم یخلق اللَّه منه سوانا فمن أحبّنا وفی بعهد اللَّه و من أبغضنا فإنّه یقول فی آخر نفس: «یحَسْرَتَی عَلَی مَا فَرَّطتُ فِی جَنبِ اللَّهِ»؛ (2) خلقت من و تو یا علی از جنب اللَّه است. از حضرت پرسیدند: جنب اللَّه چیست؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: سِرّ الهی و علم پنهان ربوبی است که جز ما اهل بیت از آن سرشته نشده و نمی‌شود و کسانی که عهد امامت و میثاق رسالت را وفا کردند با ما می‌باشند و آنها که آن را گسستند و رابطه با ما را نپسندیدند در حسرت و نگرانی باقی می‌مانند.

بنابراین، تنها مصداق جنب اللَّه، عترت طاهره علیهم السلام هستند و انسان مقصر، همواره به سرزنش درونی و عذاب بیرونی معذب است.

در زیارت پنجم امیرالمؤمنین علیه السلام آمده: «وأشهد أنّک جنب اللَّه و بابه و أنّک حبیب اللَّه و وجهه الذی منه یؤتی و أنّک سبیل اللَّه»؛ (3) من گواهی می‌دهم که تو جنب اللهی و طریق اهلی و حبیب و وجه خدایی که راه و طریق ارتباط با خدایی. و امام باقر علیه السلام فرمود:

«معنی جنب اللَّه أنّه لیس شیء أقرب إلی اللَّه من رسوله و لا أقرب إلی رسوله من وصیّه»؛ معنای جنب اللَّه این است که هیچ چیزی از رسول اللَّه به خدا نزدیک‌تر نیست و هیچ کسی هم از وصی او به رسول اللَّه نزدیک‌تر نیست. (4) نیز آن حضرت فرمود: «نحن جنب اللَّه»؛ ما جنب اللَّه هستیم. (5) امام حسن عسکری علیه السلام طی نامه‌ای گلایه آمیز به اسماعیل بن اسحاق نیشابوری ضمن اشاره به کوتاهی کردن شیعیان در امر امامت، آنها را از وادی حسرت و صحرای

1- بحارالأنوار، ج 4، ص 9.

2- مصباح الهدایه، ص 281.

3- بحارالأنوار، ج 97، ص 379.

4- همان، ج 4، ص 9.

5- همان، ج 24، ص 191.

ندامت پرهیز می‌دهد: «و إیّاکم أن تفرطوا فی جنب اللَّه فتکونوا من الخاسرین»؛ (1) از کوتاهی نسبت به جنب اللَّه(که همان ولایت اولیای الهی است) بپرهیزید که از خسارت دیدگان خواهید شد.
بدیهی است که زیارت با شاخصه‌ها، آداب و شرایط ویژه‌ای که دارد، از عاطفی‌ترین و در عین حال نزدیک‌ترین راه حضور و تقرب به آنهاست و خروج از وادی تحسر و برهوت تأسف و نیز عدم سقوط در آن مهالک جز از این طریق و با این شیوه امکان‌پذیر نیست.

عبداللّه، پسر خلیفه دوم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «من جائنی زائراً لا تحمله إلّازیارتی کان حقاً علیّ أن أکون له شفیعاً یوم القیامة»؛ (2) هر کس به زیارت من بیاید و انگیزه‌ای جز زیارتم نداشته باشد، بر من لازم است که شفیع او در روز قیامت باشم.

متتبع بزرگ، علامه امینی این حدیث را از شانزده تن از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل کرده است. همچنین آورده است: چهل و یک نفر از بزرگان آنان از عبداللّه بن عمر نقل کرده‌اند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (3) هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود. آن عالم امین افزون بر این دو روایت، بیست روایت دیگر نیز در این زمینه از منابع اهل سنت نقل کرده است. (4) اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «مرّوا بالمدینه فسلّموا علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و إن کانت الصلاه تبلغه من بعید»؛ (5) به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هر چند که سلام و درود از راه دور نیز به آن حضرت می‌رسد. زیارت از دور نیز گرچه مورد قبول و توصیه است، اما این حدیث، نشان می‌دهد که حضور زایر

1- تحف العقول، ص 496.

2- الغدیر، ج 5، ص 97.

3- همان، ص 93.

4- همان.

5- وسائل الشیعة، ج 14، کتاب الحج، ابواب المزار، باب 4، ص 338، ح 14.

در کنار مزور و قبر وی خصوصیتی دارد، لذا مورد توصیه و سفارش قرار گرفته است.
از جمله این خصوصیت‌ها عبارت است از:
1. بهره‌مند شدن از فضای معنوی حرم‌های شریف- که محل رفت و آمد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا و محل تردد و تعلق ویژه روح بلند آن مزور است- و دعا کردن در مظان استجابت دعا. چنان که بهره‌مندی از فضای معنوی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و دعا کردن در آن فضا را حتی وهابیان حجاز نیز قبول دارند و به آن عمل می‌کنند.
2. گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بین راه‌ها و شهرهای مسیر مشاهد مشرفه.
3. نشانه صداقت زایر در دوستی و علاقه به مزور و زیارت شونده.
4. ارتباط ملت‌ها و ملیت‌های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقات و امکانات یکدیگر.
5. عمل به توصیه کلی قرآن بر سیر در اقطار زمین و تماشای فرجام مجرمان: «قُلْ سِيرُواْ فِى الْأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ». (1)
6. وفاداری به رهبر و مقتدا و تعهد به پیمانی که با اوبسته است. (2) 7. حرم‌های شریف امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام‌ها و نهضت‌ها، محل پیمان بستن و هم قسم شدن برای انقلاب‌های رهایی‌بخش، جنبش‌های انتقام آمیز و ... بوده است.
این برکات، جملگی از ایاب و ذهاب و مراوده زایران ناشی می‌شود.
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زارنی أو زار أحداً من ذرّیتی زرته یوم القیامه فأنقذته من أهوالها»؛ (3) کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به زیارت و

1- سوره نمل، آیه 69.

2- ر. ک: روایت امام رضا علیه السلام.

3- وسائل الشیعة، ج 14، کتاب الحج، ابواب المزار، باب 2، ص 332، ح 23.

دیدار او خواهم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌های آن روز نجاتش خواهم داد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «یا علی! من زارنی فی حیاتی أو بعد موتی أو زارک فی حیاتک أو بعد موتک أو زار ابنیک فی حیاتهما أو بعد موتهما ضمنت له یوم القیامة أن اخلّصه من أهوالها و شدائدها حتی أصیره معی فی درجتی»؛ (1) ای علی، هر کس مرا یا تو و فرزندانت را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از سختی‌ها و شداید روز قیامت نجات دهم، تا آن که او را مانند درجه خودم می‌گردانم.

این روایت و امثال آن نشان می‌دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ آنها، اجر و آثار یکسان دارد. از این جهت لازم است که زایر به گونه‌ای در حرم شریف آنان حضور پیدا کند که اگر زنده می‌بودند، همان‌طور در کنارشان حضور پیدا می‌کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت در دوران حیات را برای او داشته باشد. چنان که هم درجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون حساب و برنامه نیست، بلکه سنخیت روحی، اخلاقی و معنوی لازم دارد و این سنخیت، باید در دنیا کسب شود. اصل زیارت، توجه به مقام مزور، تأمل در متن زیارتنامه و تلاش در تهذیب و تزکیه نفس، می‌تواند در ایجاد این سنخیت و تتمیم و تکمیل آن کمک کند.

زید شحّام از صادق آل محمد صلی الله علیه و آله پرسید: ثواب کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند، چیست؟ فرمود:

«کمن زار اللّٰه عزوجل فوق عرشه»؛

همانند کسی است که در برتر از عرش با خدا ملاقات کند. پرسید: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟ فرمود:

«کمن زار رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله». (2)

مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند.

شیخ مفید رحمه الله در معنای این حدیث گفته است: مراد این است که ثواب و تکریم زایر آن حضرت صلی الله علیه و آله در روز قیامت، همانند کسی است که خداوند او را به آسمان برده

1- همان، ص 328، ح 16.

2- کافی، ج 4، ص 585.

و به عرش خود که ملائکه حامل آن هستند نزدیک می‌کند و فرشتگان برگزیده خود را به او می‌نمایاند، به گونه‌ای که موجب تأکید بر تکریم او می‌گردد. (1) مشابه این تعبیر را مجلسی اول رحمه الله نیز آورده است. (2) از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «من زار قبر ولدی علی کان له عند اللّٰه کسبعین حجّة مبرورة»؛ هر کس که فرزندم امام رضا علیه السلام را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار است. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟ فرمود:

«ربّ حجّة لاتقبل ...»؛ (3)

بلکه هفتاد هزار حج. راوی دوباره با تعجب پرسید: هفتاد هزار حج؟

فرمود: چه بسا حج که مورد قبول واقع نمی‌شود.

فقیه فیلسوفان و فیلسوف فقیهان، ملامحسن فیض کاشانی رحمه الله می‌گوید: روایاتی که ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام را بیشتر از حج، عمره و جهاد در راه خدا می‌داند، بیش از آن است که شمارش شود و سرِّ آن همه ثواب آن است که:

اولاً، هر کسی که ادعای مسلمانی می‌کند- حتی اگر ناصبی باشد- اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالی که زیارت ائمه اطهار علیهم السلام فقط اختصاص به کسانی دارد که آشنای به قدر و منزلت آنان هر چند ناقص و معتقد به ایشان باشند.

ثانیاً، حرم‌های شریف ائمه علیهم السلام مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور اشباح برزخی نوریشان است. آن ارواح بلند در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مکان‌های شریف حضور پیدا می‌کنند(و زایر در فضایی که روح امام معصوم علیه السلام حضور دارد نفس می‌کشد، عبادت و راز و نیاز می‌کند و ...).

ثالثاً، زیارت اهل بیت، صله و نیکی به خود آنان، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، شیعیان، دوستدارانشان و بلکه نیکی به سایر انبیا و اوصیای الهی است و

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 4.

2- روضة المتقین، ج 5، ص 363.

3- کافی، ج 4، ص 585، کتاب الحج، باب فضل زیارة أبی الحسن الرضا

عليه السلام.

موجب خوشحالی آنان، اجابت دعا، تجدید عهد با ولایت، زنده نگه داشتن مرام آنها و غلبه بر دشمنانشان می‌گردد که بدون تردید همه اینها عبادت خداست و سبب می‌شود که انسان به فضایل و برکاتی که نزد خداست برسد و به رضای او دست یابد؛ زیرا خوشحال کردن مؤمن عادی اگر آن همه فضیلت و ثواب دارد، فضیلت و ثواب خوشحال کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت زهرا که از خطا و گناه معصوم هستند و خداوند آنان را پیشوای مؤمنان و مولای متقیان قرار داد، آسمان و زمین را برای آنان آفرید، صراط، سبیل و راهنمای به سوی او، دروازه رحمت الهی، وسیله ارتباط بین او و بندگانش هستند و ... غیر قابل توصیف است.

اما حج، عمره، جهاد و عباداتی مانند آنها اگرچه موجب انفاق مال، ترک وطن، تحمل مشقت‌ها و ... می‌گردد، اما فضیلت این امور در حد زیارت نیست؛ زیرا با آن که عبادت الهی، اجابت امر او و موجب خشنودی خدا و اولیای او می‌شود، اما آن فضایل دیگر را کم‌تر می‌توان در اینها یافت. (1)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«إن لکل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعته و إن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زیاره قبورهم. فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقا بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعائهم یوم القیامه»؛ (2)

شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفای به آن عهد، در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن وجودهای نورانی علیهم السلام است.

این حدیث بیانگر نکاتی است که ذیلاً ذکر می‌گردد:

1. زیارت قبر امام نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست؛ «إن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیارة قبورهم». سخنگوی نهضت پیامبر، بلال حبشی در دوران اقامت خویش در شام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود: ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که به زیارت من نایل آیی؟ در این رؤیا،

1- الحقایق، ص 287.

2- کافی، ج 4، ص 567.

ترک زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جفا نامیده شده، طبعاً زیارت آن، وفای به عهد خواهد بود.

2. زیارت باید همراه با رغبت، شوق، علاقه و عشق قلبی به مزور(امام) باشد؛ «رغبة فی زیارتهم».

3. زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مزور بدان رغبت داشته، مورد علاقه وی بوده و در راه آن فداکاری کرده است؛ «و تصدیقاً بما رغبوا فیه».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام خبر داد که تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد. علی علیه السلام پرسید: کسی که قبر ما را زیارت و عمران کند و تعهد خویش را با آن حفظ کند، چه اجری دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قبر تو و قبر فرزند تو را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت و قطعه‌ای از قطعه‌های آن قرار داده است. قلب جوانمردان و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار داده، به گونه‌ای که سختی اذیت در راه شما را تحمل می‌کنند و قبرهای شما را آباد می‌سازند و با انگیزه تقرب به خدا و دوستی رسول او، فراوان به زیارت قبور شما می‌شتابند. ای علی! تنها آنان از شفاعت من برخوردار، وارد شونده بر حوضم و زایران من در بهشت هستند.

ای علی! کسی که قبر شما را آباد کند و به تعهد خویش پای بند باشد، مانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری رساند. کسی که قبر شما را زیارت کند، ثواب هفتاد حج- غیر از حجة الاسلام که واجب است- دارد و از گناهان خود بیرون می‌آید، همانند روزی که از مادرش متولد می‌شود. پس بشارت باد تو را و به دوستانت نیز بشارت بده به نعمت‌ها و لذت‌هایی که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به قلب کسی خطور کرده است. اما نابخردانی، زایران قبور شما را سرزنش می‌کنند، آن گونه که زنان بدکار را بر اثر نابکاریشان سرزنش می‌کنند. اینها اشرار امت من هستند، شفاعت من به آنها نرسد و بر حوض من وارد نشوند. (1)

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 22، ح 50، باب فضل زیارة امیر المؤمنین علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج 97، ص 120.

ص: 32

توجه به این نکته ضروری است که ثواب‌های مورد اشاره در این گونه روایات، بیانگر مقام و عظمت و جایگاه معنوی امام است، چنان که از آثار مثبت فردی و اجتماعی زیارت نیز حکایت می‌کند.

فقهای شیعه و اهل سنت با استناد به توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی که درباره زیارت شده است، فتوا به استحباب زیارت داده‌اند. فقیه نامور امامیه، مرحوم محقق حلی گفته است: بر حج‌گزار مستحب مؤکد است که به زیارت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله بشتابد. (1) وی حتی می‌گوید: اگر مردم زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ترک کردند، حاکم اسلامی باید آنها را بر زیارت اجبار کند؛ زیرا ترک زیارت آن حضرت موجب جفای به اوست. (2) مرحوم شیخ طوسی نیز گفته است: «... و کذلک إن ترکوا زیارة النبی کان علی الإمام إجبارهم علیها». (3) این بزرگان به حدیثی استناد کرده‌اند که این گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: کسی که برای حج گزاردن به مکه عزیمت کند و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است. (4) اگرچه برخی از فقها در وجوب این احادیث خدشه کرده‌اند، (5) لیکن شهید ثانی رحمه الله گفته است: اگر همگان زیارت آن حضرت را ترک کنند، بزرگ‌ترین سنت الهی تحقیر و بی‌ارزش می‌شود. از این جهت به مقداری که این تحقیر و تهاون رفع گردد، بر آن اجبار می‌شود. (6) عالم بزرگ اهل سنت، ابن قدامه می‌گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا از خود آن حضرت روایت شده است:

«من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکانّمأ زارنی فی حیاتی»؛ (7)

کسی که حج بگزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند همانند آن

1- شرایع الاسلام، ج 1، ص 278؛ جواهر الکلام، ج 20، ص 79.

2- شرایع الاسلام، ج 1، ص 277.

3- النهایه، ص 285؛ المبسوط، ج 1، ص 385.

4- جواهر الکلام، ج 20، ص 52.

5- همان، ص 52؛ مسالک الافهام، المستحبات بعد الحج، المسئلة الخامسه، ج 2، ص 374.

6- مسالک الافهام، ج 2، ص 374.

7- المغنى والشرح الكبير، ج 3، ص 588.

است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد. و در روایت دیگر از آن حضرت رسیده است:

«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (1)

کسی که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود. ابن هبیره می‌گوید: پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر کرده‌اند. (2) برخی از فقهای شیعه گفته‌اند: با ادله اربعه، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌توان رجحان و فضیلت داشتن زیارت قبور صلحا، ابرار، متقیان و نیکان را نیز اثبات کرد تا چه رسد به زیارت انبیا، اوصیای معصوم علیهم السلام و علمای بزرگ. آن گاه به اثبات ادعای خویش پرداخته است. (3) فقیه نامدار امامیه در جواهر کلام خود هنگام شرح کلام محقق حلی رحمه الله، استحباب زیارت صدیقه کبرا، فاطمه زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان، علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار علیهما السلام را مورد کاوش و بررسی قرار داده است. (4) افزون بر این، در جای خود ثابت شده است که ائمه اطهار علیهم السلام یک نور در چهارده رواق هستند:

«و أنّ أرواحکم و نورکم و طینتکم واحدة» (5)

زید شحّام از امام صادق علیه السلام پرسید: امام حسن علیه السلام افضل است یا امام حسین علیه السلام؟ آن حضرت در جواب فرمود:

«... إنّ فضل أوّلنا یلحق بفضل آخرنا و فضل آخرنا یلحق بفضل أولنا ... خلقنا واحد و علمنا واحد و فضلنا واحد و کلّنا واحد ... أوّلنا محمد و أوسطنا محمّد و آخرنا محمد»

؛ (6) فضل اول ما به آخر ما و فضل آخر ما به اول ما برمی‌گردد ... خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، فضل ما یکی است، همه ما در نزد خدا یکی هستیم ... اول ما محمد است، وسط ما محمد است، آخر ما نیز محمد است.

شبیه این مطلب را عبدالرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام پرسید و گفت: زیارت

1- همان.

2- الغدیر، ج 5، ص 110.

3- ر. ک: مهذب الاحکام، ج 15، ص 33.

4- ر. ک: جواهر الکلام، ج 20، ص 85- 100.

5- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

6- بحارالأنوار، ج 25، ص 363.

امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت فلان امام، فلان امام ...؟ و یک یک امامان را نام برد. امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: «یا عبدالرحمن بن مسلم! من زار أوّلنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد زار أوّلنا و من تولی أوّلنا فقد تولّی آخرنا و من تولّی آخرنا فقد تولّی أوّلنا، و من قضی حاجة لأحد من أولیائنا فکأنّما قضاها لجمیعنا ...»؛ (1) ای عبدالرحمان! هر کس اولین نفر ما را زیارت کند، آخرین نفر ما را زیارت کرده است، چنان که اگر آخرین ما را زیارت کند، اولین نفر ما را زیارت کرده است. هر کس ولایت اولین نفر ما را بپذیرد، ولایت آخرین نفر ما را پذیرفته است، همان‌طور که اگر ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین نفر ما را پذیرفته است، کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است ....

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: «إنّ اللّه قد وکّل بفاطمة رعیلا من الملائکة یحفظونها من بین یدیها و من خلفها و عن یمینها و عن یسارها و هم معها فی حیاتها و عند قبرها بعد موتها، یکثرون الصلاة علیها و علی أبیها و بعلها و بنیها، فمن زارنی بعد وفاتی فکأنّما زار فاطمة و من زار فاطمة فکأنّما زارنی و من زار علی بن أبی طالب فکأنّما زار فاطمة و من زار الحسن و الحسین فکأنّما زار علیّاً و من زار ذرّیتهما فکأنّمّا زارهما»؛ (2) خدای سبحان گروهی از فرشتگان را مأمور کرده تا فاطمه زهرا علیها السلام را از پیش رو، پشت، سمت راست و چپ محافظت کنند، در مدت حیاتش با او باشند و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی کنند، بر او، پدرش، شوهرش و فرزندانش بسیار صلوات بفرستند. پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است و کسی که فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده است، کسی که علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است(در نتیجه مرا زیارت کرده است) کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده است(در نتیجه فاطمه و مرا زیارت کرده است) هر کس که ذریه حسن و حسین را زیارت کند، گویا خودشان را زیارت کرده است(در واقع علی و فاطمه و مرا زیارت کرده است).

1- همان، ج 97، ص 122.

2- همان، ح 28.

بنابراین، زیارت هر کدام در حقیقت زیارت همه آنان است و از نظر فضیلت نیز یکسان هستند، اما برخی عوارض خارجی، مانند دوری راه، غربت، فشار و سخت‌گیری‌های حاکمان ستمگر و ... سبب شده که به زیارت برخی از امامان، مانند امام حسین و امام رضا علیهما السلام توصیه ویژه‌ای نموده‌اند، یا ثواب مخصوصی ذکر کرده‌اند.
چنان که ممکن است فداکاری و ایثار ویژه امام حسین علیه السلام برای حفظ دین سبب توصیه ویژه به زیارت آن حضرت شده باشد.
بدین ترتیب می‌توان گفت: دلایل اثبات فضیلت و استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات فضیلت و ثواب زیارت سایر امامان و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، کفایت می‌کند، حتی اگر دلیل خاصی درباره زیارت آن بزرگواران نداشته باشیم.
زیارت، کلاس درس و مدرسه تعلیم و تربیت و زیارتنامه‌ها متون آموزشی این کلاس‌ها و مدرسه‌هاست. ائمه علیهم السلام که همواره به تعلیم و تربیت پیروان حق و بیان حقایق و معارف دین همت داشتند، مباحثی در توحید و صفات الهی، نبوت و پیامبرشناسی، امامت و رهبری، تاریخ زندگی و بیان مظلومیت‌ها و رنج‌های ائمه علیهم السلام، افشای ستم‌های حاکمان جنایت پیشه در برابر حق‌طلبی یاران عدالت خواه و حقیقت‌جو، لزوم همگرایی در فکر، موضع، اقدام و عمل و ... را در این زیارتنامه‌ها بیان کرده‌اند. در این زیارتنامه‌ها، اوصاف معصومین هنگام سلام دادن تکرار می‌گردد و به ذکر اسم بسنده نمی‌شود. این، از آن جهت است که مقام مرتبت شخص زیارت‌شونده برای زایر روشن‌تر گردد و توجه پیدا کند که محبوب او برای اعلای کلمه توحید، اقامه نماز، ادای زکات، احیای امر به معروف و نهی از منکر، تلاوت کتاب خدا و ... چه رنج‌هایی کشیده است.
زیارتنامه‌های مأثور دو گونه است:
1. زیارت‌نامه‌های اختصاصی که معصومی خاص با آن زیارت می‌شود و زایر به سلام و اظهار ارادت به یکی از آن پیشوایان نور می‌پردازد؛ مانند: «السلام علیک یا رسول اللَّه و رحمة اللَّه و برکاته، السلام علیک یا محمد بن عبداللَّه ...» (1) «السلام علیک یا ممتحنة

1- مفاتیح الجنان، ص 114، زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز شنبه.

امتحنک الذی خلقک قبل أن یخلقک و کنت لما امتحنک به صابرة ...». (1)
«السلام علی أبی الأئمة و خلیل النبوّة و المخصوص بالاخوّة ...»؛ (2)
«السلام علیک یا أبا عبداللّه و علی الأرواح التی حلّت بفنائک ...»؛ (3)
«اللهم صلّ علی علیّ بن موسی الرضا المرتضی الامام التقی النقی ...»؛
(4) «السلام علی محی المؤمنین و مبیر الکافرین، السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم ...». (5) 2. زیارتنامه‌هایی که مضمونی عام و محتوایی کلی دارد و هر معصوم و امامی را با آن می‌توان زیارت کرد، مانند زیارت امین اللّه، (6) زیارت جامعه کبیره، (7) زیارت مخصوص ماه رجب «الحمد اللّه الذی أشهدنا مشهد أولیائه فی رجب ...»، (8) زیارت جامعه صغیره (9) و .... (10)

معرفت امام و آگاهی از منزلت او مورد سفارش و تأکید بسیاری از روایات است. از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «... فمن زاره مسلماً لأمره عارفاً بحقّه کان عند اللَّه جل و عز کشهداء بدر»؛ (11) ... هر کس امام رضا علیه السلام را(که در شهر غربت از دنیا می‌رود) زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای

1- همان، ص 115، زیارت حضرت زهرا علیها السلام در روز یکشنبه.

2- همان، ص 601، زیارت چهارم امیر المؤمنین علی علیه السلام.

3- همان، ص 765، زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا.

4- همان، ص 834، زیارت امام رضا علیه السلام.

5- همان، ص 874، زیارت حضرت بقیة اللَّه(عج).

6- همان، ص 597.

7- همان، ص 898.

8- همان، ص 257.

9- همان، ص 897.

10- . علامه مجلسی چهارده زیارت جامعه ذکر کرده است(بحارالأنوار، ج 99، ص 126- 209).

11- . بحارالأنوار، ج 99، ص 41، جنگ بدر، نخستین جنگ رسمی مسلمانان با مشرکان بود که مشرکان درکمال قدرت و مسلمانان در قلت عِدّه و عُدّه قرار داشتند. پیروزی یا شکست در این جنگ تأثیری شگرف در سرنوشت اسلام و مسلمانان داشت و شرکت صادقانه در آن، حکایت از

صداقت در ایمان می‌کرد. از این رو، عنوان «بدریون» عنوانی پرافتخار برای شرکت کنندگان در آن جنگ بود و در برخی موارد معیار سنجش اعمال، مقایسه عمل با شرکت در جنگ بدر بود.

بدر برخوردار است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «زوروا الحسین ولو کلّ سنة فإنّ کلّ من أتاه عارفاً بحقّه غیر جاحد لم یکن له عوض غیر الجنه و رزق رزقاً واسعاً و أتاه اللّه بفرج عاجل ...»؛ (1) امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، هر چند که سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس عارف به حق او باشد و زیارتش کند، پاداشی جز بهشت ندارد، از رزق واسعی بهره‌مند می‌شود و خداوند گشایشی در کار او ایجاد می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وکّل اللّه بقبر الحسین علیه السلام أربعة آلاف ملکاً شعثاً غبراً یبکونه إلی یوم القیامة، فمن زاره عارفاً بحقّه شیّعوه حتّی یبلّغوه مأمنه و إن مرض عادوه غدوه و عشیه و إن مات شهدوا جنازته و استغفروا له إلی یوم القیامة»؛

خداوند چهار هزار فرشته ژولیده موی و غبار غم گرفته را موکل قبر امام حسین علیه السلام کرده که تا روز قیامت برای او گریه می‌کنند. پس کسی که عارف به حق آن حضرت باشد و زیارتش کند، آن ملائکه، وی را همراهی می‌کنند تا به مأمنش برسانند، اگر مریض شود صبح هنگام و شبانگاهان عیادتش می‌کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه‌اش کرده، تا روز قیامت برای وی استغفار می‌کنند؛ همچنین به بشیر فرمود:

«یا بشیر! من زار قبر الحسین بن علی صلوات اللّه علیه عارفاً بحقّه کان کمن زاراللّه فی عرشه»؛ (2)

هر که قبر حسین بن علی علیه السلام را همراه با معرفت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است؛ این گونه روایات درباره سایر ائمه علیهم السلام نیز وارد شده است.

سرّ این که توصیه کرده‌اند زیارت زایر با معرفت باشد، این است که آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت امام مزور است، نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، معماری، ستون‌ها، چراغ‌ها، شمعدان‌ها، درها، پنجره‌ها و ... این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت.

ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است،

1- همان، ج 98، ص 2.

2- كامل الزيارات، باب 77، ص 349، ح 1.

یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زایر گردد، نه بر سیاحت و زیارت جسمی و صوری.

شاهد این ادعا کلام بزنطی است که می‌گوید: در نامه حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که فرمود:

«أبلغ شیعتی إنّ زیارتی تعدل عند اللّه عزّوجلّ ألف حجّه»؛

این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابر می‌کند.(تعجب کردم، از این رو) به امام جواد علیه السلام گفتم: واقعاً با هزار حج برابری می‌کند؟ فرمود: «أی واللّه ألف ألف حجّة لمن زاره عارفاً بحقّه»؛ (1) آری، به خدا سوگند! با هزار هزار(یک میلیون) حج برابری می‌کند، اما برای کسی که با معرفت زیارتش کند.

معرفت و آگاهی، نه تنها شرط کمال زیارت ائمه اطهار علیهم السلام است، بلکه درباره طواف کعبه نیز این تعبیر آمده است. ابراهیم تیمی گوید: در حال طواف کعبه بودم که امام صادق علیه السلام با تکیه زدن بر من فرمود:

«ألا اخبرک یا إبراهیم مالک فی طوافک هذا؟»؛

ای ابراهیم! آیا می‌خواهی تو را از فضیلت این طوافی که انجام می‌دهی آگاه سازم؟ گفتم:

بله قربانت گردم. فرمود:

«من جاء إلی هذا البیت عارفاً بحقّه فطاف به اسبوعاً و صلّی رکعتین فی مقام إبراهیم علیه السلام کتب اللّه له عشرة آلاف حسنة ورفع له عشرة آلاف درجة ...»؛ (2)

هر کس به زیارت این خانه بیاید و در حالی که عارف به حق آن است، هفت مرتبه دور آن طواف کند و سپس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام بگزارد، خداوند ده هزار حسنه برای او می‌نویسد و ده هزار درجه وی را بالا می‌برد.

درباره مؤمن نیز در حدیث صادقین علیهما السلام آمده است:

«أیّما مؤمن خرج إلی أخه یزوره عارفاً بحقّه کتب اللّه له بکل خطوة حسنة و محیت عنه سیئة و رفعت له درجة فإذا طرق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا التقیا و تصافحا و تعانقا أقبل اللّه علیهما بوجهه ثمن باهی بهما الملائکه فیقول: انظروا إلی عبدی تزاورا و تحابّا فیّ حقّ علیّ إلّااعذّبهما بالنار بعد ذا الموقف ...»؛ (3)

هر که برای زیارت برادر مؤمنش از خانه خارج شود، در حالی که عارف

1- بحارالأنوار، ج 99، ص 33.

2- همان، ج 71، ص 319.

3- همان، ج 73، ص 34.

به حق وی باشد، برای هر قدمی که برمی‌دارد حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌گردد و درجه‌ای بالا می‌رود. هنگامی که در خانه او را به صدا در می‌آورد، درهای آسمان به رویش گشوده می‌شود. وقتی که با یکدیگر ملاقات، مصافحه و معانقه می‌کنند، خداوند به آنها توجه کرده، بر ملائکه مباهات می‌کند و می‌گوید: بنگرید به دو بنده من که برای رضایت من یکدیگر را زیارت می‌کنند و همدیگر را دوست می‌دارند. بر من لازم است که آنان را عذاب نکنم ... بنابراین، نقش اصلی را در فضیلت و کمال زیارت، معرفت و آگاهی حق مزور ایفا می‌کند.

این که امام معصوم علیه السلام چه شخصیتی است، دستیابی به معرفت او چگونه ممکن است؟ حق او چیست؟ حق معرفت او چیست و ... مطالبی است که بحث‌های طولانی طلب می‌کند، (1) اما به طور خلاصه می‌توان گفت:

امام، جامع کلام تکوین و تدوین، واجد کتاب حقیقت و شریعت و شامل نشئه حقیقی و اعتباری است، چنین جامعیتی نه در خور نظام سه گانه هستی(عالم عقل، عالم مثال و عالم طبیعت) است؛ زیرا هر کدام از مراحل سه گانه نظام هستی، تکوین صرف است و غیر از بود و نبود، چیزی ندارد؛ و نه در وسع نظام تدوینی قرآن کریم؛ زیرا همه مضامین آن، اعم از اخبار و انشا از حوزه لفظ، مفهوم و حکایت‌های علم حصولی است، هر چند مخازن برین آن حقایق تکوینی نظام هستی است. اما انسان کامل که مثل اعلای آن اسره عصمت و طهارت علیهم السلام هستند، افزون بر حوزه فراگیر تکوین، از منطقه گسترده اعتبار نیز برخوردارند؛ زیرا انسان، موجود متفکر و مختاری است که صرف نظر از قوانین نظام هستی، از قوانین اعتباری نیز پیروی می‌کند، گرچه پشتوانه این مقررات اعتباری همان قوانین تکوینی است و اصول آن نظام عینی، پرتوافکن بر فروع این منطقه اعتباری است. از این جهت هیچ موجودی

1- این سؤال را ابوذر از سلمان فارسی- رضوان اللّه علیهما- پرسید. سلمان گفت: نزد امیر المؤمنین علیه السلام می‌رویم و از خود آن حضرت می‌پرسیم. برای آگاهی از جواب مبسوط آن حضرت به این دو صحابی، ر. ک: بحارالأنوار، ج 26، ص 1- 7.

به جامعیت انسان کامل نخواهد بود و اوست که می‌تواند «کون جامع» باشد.
جامعیت عینی و علمی اهل بیت نبوت و امامت علیهم السلام به این معناست که اولاً، واجد هر کمال ممکن را می‌باشند. ثانیاً، هر چه را دارا هستند، مصون از عیب و نقص است.
ثالثاً، هر چه را در مرحله حدوث واجد بودند، در مرحله بقا نیز دارا خواهند بود. این مقام جمع الجمعی را می‌توان از عدیل بودن آنان با کتاب بی‌بدیل الهی، یعنی قرآن، استنباط کرد؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق نقل محدثان شیعه و سنی فرمود:
«إنّی تارک فیکم الثقلین ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی، أحدهما أعظم من الآخر: کتاب اللّه، حبل ممدود من السماء إلی الأرض، وعترتی أهل بیتی، ولن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما». (1)
مخاطبان این پیام، وارثان تمدن غنی و قوی اسلام در پهنه زمان و گستره زمین‌اند، یعنی نه نسل هیچ عصر و زمانی از آن توصیه سعادت آفرین مستثناست و نه مردم هیچ مصر و دیاری از آن جدا خواهند بود.
چنین وصیت فراگیری نشان از هماهنگی کامل تکوین انسانی و تدوین الهی است، به طوری که همه مردم روی زمین تا بامداد معاد، در بخش علم و عمل، نیازمند به رهنمود و رهبری قرآن و عترت هستند و هیچ مکتبی تا شامگاه تاریخ بشری پدید نمی‌آید جز آن که لازم است جهان بینی و جهان آرایی آن بر قرآن و عترت علیهم السلام عرضه شود و پاسخ نفی یا اثبات آن از ثقلین استنباط گردد.
چنین کاری عزم جامعه انسانی و جزم امت اسلامی را طلب می‌کند، تا اولاً، توان استنطاق از آن دو وزنه وزین را در هاضمه فکری خویش احیا کنند. ثانیاً، گوش هوش را برای اصغای آوای حیات بخش آن دو وزنه وزین آماده سازند. ثالثاً، نقدهای صاحب نظران و نیز تحلیل‌های سودمند صاحب بصران را پس از جمع بندی برای تنفیذ نهایی به بارگاه ثقلین معروض دارند، تا از این صعود و هبوط و از آن سؤال

1- سنن ترمذی، ج 5، ص 663؛ بحارالأنوار، ج 2، ص 100، و ج 23، ص 108.

و جواب، کام فکر بشر شیرین و گام عمل او استوار گردد و به دام تدلیس بیگانه و تلبیس اهریمن گرفتار نشود. چنین آگاهی و معرفت به مقام و منزلت امام می‌تواند زمینه اطاعت و تسلیم در مقابل اوامر و نواهی مزور را- که همان فرمان خداست- فراهم کند.

روزی امام صادق علیه السلام از فضیلت زیارت عارفانه امام رضا علیه السلام سخن گفت. حمزة بن حمران پرسید: قربانت گردم منظور از معرفت حق او چیست؟ فرمود: «یعلم أنّه مفترض الطاعة غریب شهید ...»؛ (1) این که بداند او واجب الاطاعه و غریب و شهید است(و برای تبلیغ دین و هدایت مردم و پایداری و استقامت در راه حق، غریبانه به شهادت رسیده است). امام صادق علیه السلام فرمود: «من زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّه یأتم به غفر اللّه له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر»؛ (2) هر کس زیارت کند حسین علیه السلام را در حالی که عارف به حق وی باشد و او را امام خود برگزیند، خداوند گناهانش را می‌آمرزد.

امام کاظم علیه السلام نیز کم‌ترین پاداش زیارت قبر حسین علیه السلام را آمرزش گناهان معرفی کرده است، اما به شرط آن که زایر، عارف به حق امام، احترام و ولایت وی باشد؛ «أدنی ما یثاب به زائر الحسین علیه السلام بشط الفرات إذا عرف حقّه و حرمته و ولایته إن یغفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر». (3) در روایت دیگری آمده است: یک درهم خرج کردن در راه زیارت قبر امام واجب الاطاعه هفتاد هزار حسنه دارد، هفتاد هزار سیئه را محو می‌کند و نام او در دیوان صدیقین و شهدا ثبت می‌شود؛ «من نوی من بیته زیارة قبر إمام مفترض طاعته و أخرج لنفقته درهماً واحداً کتب اللّه جل ذکره له سبعین ألف حسنة و محی عنه سبعین ألف سیئة و کتب اسمه فی دیوان الصدیقین و الشهداء ...». (4) از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام- که تجلی گاه اسلام راستین نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام است- انسان، آزاد خلق شده و طوق طاعت کسی به گردن او نیست: «لاتکن

1- بحارالأنوار، ج 99، ص 35، ح 17.

2- کامل الزیارات، باب 54، ص 264، ح 7.

3- همان، باب 54، ص 263، ح 4.

4- بحارالأنوار، ج 97، ص 124، ح 34.

عبد غیرک و قد جعلک اللَّه حرّاً». (1) حتی اختیار خودش نیز در این زمینه محدود است، یعنی همان‌گونه که حق ندارد سلامتی خود را به خطر بیندازد، دست و پای خودش را قطع سازد، چشم خود را کور و گوش خود را کر کند و ... عزت، آبرو و آزادی خود را نیز نمی‌تواند به خطر بیندازد. سرّش آن است که عزت مؤمن اکتسابی نیست که چوب حراج بر آن بزند، بلکه امانتی ویژه الهی به دست وی است. اختیار چنین امانتی به دست خداست و تصرفات مؤمن نباید فراتر از تصرفات امانت‌داری پارسا باشد: «إنّ اللَّه فوّض إلی المؤمن أمره کلّه ولم یفوّض أن یکون ذلیلاً. أما تسمع اللَّه عزوجل یقول: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ» فالمؤمن یکون عزیزاً و لا یکون ذلیلاً». (2) بنابراین، مردم سالاری و دموکراسی در نظام سیاسی اسلام، زمانی قابل قبول است که بر محور دین و در چارچوب شرع باشد و با حفظ چنین شرطی، آرای مردم برای حاکمان تعهد شرعی می‌آورد. از این رو نقض کردن و زیرپا گذاشتن آن حرام شرعی است، نه این که یک قرارداد عرفی محض باشد و تخلف از آن یک کار غیر اخلاقی به شمار آید.

نتیجه این که اختیار انسان به دست خداست و اطاعت و انقیاد او بر همگان واجب است و اطاعت دیگران(پیامبر، امام، پدر، مادر، حاکم و ...) از آن جهت بر انسان واجب می‌شود که خدای سبحان چنین اطاعت و تبعیتی را واجب کرده است و بدون در نظر گرفتن دستور او هیچ کس حق حاکمیت و حکومت بر دیگری ندارد.

بنابراین، زایر زمانی عارف به حق امام است وبه ولایت و حرمت وی آگاهی دارد و از او پیروی می‌کند که او را معصوم، افضل و اعلم از دیگران، جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و منصوب از جانب خدا بداند، اوامر و دستورهایش را اوامر الهی بشمارد، تبعیت از وی را در تمام امور زندگی واجب بداند، با اقتدا و پیروی از سیره و سنت او خط سیر زندگی خود را ترسیم کند و ... چنین معرفت و شناختی هر چند که مقول به

1- نهج البلاغه، نامه 31، بند 87.

2- بحارالأنوار، ج 64، ص 72.

تشکیک و دارای مراتب فراوانی است و هرکس به مقدار ظرفیت وجودی خود بهره‌مند می‌گردد، اما مبتنی بر مقدمات بسیاری است تا مستدل و برهانی شود.
زیارتنامه‌های مأثور یکی از منابع شناخت و آگاهی از مقام مزور است.

چنان که گذشت، روح زیارت ارتباط و اتصال زایر با مزور است و این ارتباط زنده، مؤثر و حیات‌بخش می‌باشد. اکنون باید دید این ارتباط چه پیامدهایی دارد و آثار و لوازم آن چیست و ترک آنچه مفاسد و مشکلاتی را در پی خواهد داشت تا با شناخت آن به میزان ضرورت و اهمیت این ارتباط و زیارت پی برده شود.

گرچه هیچ شأن و حقیقتی به عظمت توحید نیست و طبعاً هیچ انسانی هم به ارزش موحد نیست و نیز اگرچه رسالت و امامت، دو جلوه الهی و ربانی است که ظهور قدرت الهی در هدایتگری، ولایت و سرپرستی است و این دو حقیقت نیز به نوبه خود معادل ندارد، اما آنچه راه وصول به جلوه‌ها و مظاهر الهی و در پرتو آن قرب به حق و توحید را تأمین و تضمین می‌کند تنها، ارتباط و اتصال به رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت است و بدون این طریق راهی نیست و هیچ کمال انسانی و الهی جز از این راه حاصل نمی‌شود:

«فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقّ إِلَّا الضَّللُ»؛

«پس از حق چیزی جز گمراهی نیست».

این معنا در سوره مبارکه «رعد» به این صورت آمده است: «أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْکَ مِن رَّبّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمَی إِنَّمَا يَتَذَکَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبِبِ* الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَايَنقُضُونَ الْمِيثقَ* وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِی أَن يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ* أُوْلئِکَ لَهُمْ عُقْبَی الدَّارِ»؛ (1)

پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تونازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کوردل است؟ تنها خردمندانند که عبرت می‌گیرند. همانان که به پیمان خدا وفا دارند و عهد(او) را نمی‌شکنند. و آنان که آنچه

1- سوره رعد، آیات 19- 22.

را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند ... برای ایشان است فرجام خوش سرای باقی».

در این آیه براساس اولویت و اهمیت، ابتدا به عهد و میثاق الهی، یعنی توحید اشاره شده: «یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ» و پس از آن به میثاق و پیمان رسالت و امامت تذکر داده شده: «وَ لَایَنقُضُونَ الْمِیثَقَ» سپس به مسأله ارتباط و اتصال به حقایقی که همه خیر و نیکی از آنها نشئت می‌گیرد و مستقیماً هم مورد توصیه و امر الهی واقع شده، توجه داده شده است: «الَّذِینَ یَصِلُونَ مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ» که این همان «بِحَبْلٍ مّنَ اللَّهِ» یعنی قرآن و «وَحَبْلٍ مّنَ النَّاسِ» (1) یعنی اهل بیت علیهم السلام است: عن ابی عبداللّه علیه السلام قال:

«الحبل من اللّه کتاب اللّه و الحبل من الناس هو علی بن ابی طالب علیه السلام»

. (2) این چینش و ترتیب نشانگر اهمیت و ارزش هر یک از آنهاست و بدون توجه به آن، که حلقه اصلی ارتباط است، خیر و سرای ابد و دار رضوان نصیب کسی نخواهد شد؛ از این رو بر هیچ حقیقتی پس از توحید و رسالت، به اندازه ارتباط و اتصال با آنان، بلکه محبوب داشتن آن، تأکید و اصرار نشده است؛ چنان که هیچ عداوت و دشمنی هم در مقیاس الهی بیش از خصومت و دشمنی به سفرای الهی و اوصیای آنها نبوده و نیست.

زیارت تفسیر این ارتباط و تبیین و تحقق آن اتصال است و به همان میزانی که ایجاد آن اتصال و تحکیم آن رابطه در هندسه معرفتی اسلام ضرورت دارد و مهم است، زیارت هم چون تنها طریق عملی و راه تحقق آن رابطه است، ضروری و مهم خواهد بود؛ از این رو همان طور که ایجاد و تحکیم این رابطه موجب خردمندی در دنیاست: «إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبَبِ» سبب نیک‌بختی در آخرت نیز هست: «لَهُمْ عُقْبَی الدَّارِ». در مقابل آنها، کسانی که رابطه و اتصال به جریان رسالت و ولایت را گسستند و اتصال آن رابطه‌ای که به امر الهی بوده قطع کرده و بریدند: «وَ الَّذِینَ ... یَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ

1- سوره آل عمران، آیه 112.

2- نورالثقلین، ج 1، ص 383.

اللّهُ بِهِی أَن یُوصَلَ» آنها هم در دنیا از رحمت الهی محرومند و هم در آخرت تیره‌بختی و شقاوت دامن گیر آنهاست: «أُوْلَئکَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». (1)

با توجه به همین نکته است که خدای سبحان شماری از آیات قرآن را به ایجاد و تثبیت و تحکیم رابطه و ضرورت و اهمیت آن اختصاص داده و در شمار دیگری از آیات در جهت مذمت گسستن این رابطه سخن گفته است: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُو مَعِیشَهً ضَنکاً وَ نَحْشُرُهُو یَوْمَ الْقِیمَهِ أَعْمَی»؛ (2)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ وسختی خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم. «مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُو یَحْمِلُ یَوْمَ الْقِیمَهِ وِزْرًا* خلِدِینَ فِیهِ وَ سَآءَ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیمَهِ حِمْلاً»؛ (3)

هر کس از(پیروی) آن(قرآن) روی برتابد، روز قیامت بار گناهی بر دوش می‌گیرد، پیوسته در آن(حال) می‌ماند، و چه بد باری روز قیامت خواهد داشت.

سرّ مذمت و راز نگون‌بختی این افراد این است که این اعراض و روی‌گرداندن موجب می‌شود تا انسان از ذکر خدا و هر آنچه که مایه کمال و خیر است در غفلت بماند. و شناخت لازم و کافی به آن را از دست بدهد، یا به دست نیاورد و آن‌گاه رابطه خود با آن حقیقت مؤثر و سودمند را قطع کرده و می‌گسلد. این گسستن رابطه، خطرات و مهالک فراوانی را در پی دارد؛ زیرا وقتی انسان از خیر جدا شد یا به شر می‌پیوندد و با آن ارتباط و اتصال وجودی پیدا می‌کند، یا در وادی حیرت و سرگردانی که خود شر مضاعف است سقوط می‌کند «ظُلُمتُ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»؛ (4)

تاریکی‌هایی که بعضی روی بعضی دیگر قرار گرفته است.

مهم‌تر از همه این که خدای مهربان و رئوف نیز چون این انسان را فاقد قابلیت و ظرفیت می‌بیند هم خود از او اعراض کرده و لطفش را ممنوع می‌کند و هم به پیامبرش دستور می‌دهد که او را به حال خود واگذارد تا در حیرت و سرگردانی خود باقی باشد:

1- سوره رعد، آیه 25.

2- سوره طه، آیه 124.

3- سوره طه، آیات 100 و 101.

4- سوره نور، آیه 40.

«قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ»؛ (1)
بگو: خدا، آن‌گاه بگذارشان تا در ژرفای باطل خود به بازی سرگرم باشند».
زیرا چنین شخصی به مثابه درخت خشکیده‌ای است که سودی نخواهد داد:
«سَوَآءٌ عَلَیْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَایُؤْمِنُونَ»؛ (2)
چه آنها را بترسانی و چه نترسانی، آنها ایمان نمی‌آورند. «سَوَآءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ». (3)
بنابراین، نه تنها زیارت موجب ارتباط و وابستگیِ وجودی با اهل بیت علیهم السلام است، که خود منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است، بلکه انصراف از آن و بی‌میلی به آن موجب انصراف رحمت و برگشت نعمت خواهد بود. کسی که چنین علقه و علاقه‌ای را در جان خود نپروراند و تقویت نکند، از چشم رحمت و لطف خدا و رسولش صلی الله علیه و آله خواهد افتاد.
یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به حضرت عرض کرد: به فدای شما گردم، به حضور شما رسیدم در حالی که توفیق نداشتم که به زیارت قبر امیرالمؤمنین بروم حضرت در پاسخ فرمود: «بئس ما صنعت! لولا أنک من شیعتنا ما نظرت إلیک، ألا تزور من یزوره اللّٰه تعالی مع الملائکه و یزوره الأنبیاء علیهم السلام، و یزوره المؤمنون؟!» کار بسیار ناپسندی انجام دادی، اگر نبود که تو از پیروان و شیعیان مایی، هرگز به تو نگاه نمی‌کردم! چگونه زیارت نکردی شخصیتی را که خداوند با فرشتگان آسمان و همه انبیا و مؤمنان او را زیارت می‌کنند، آن شخص گفت: این مطلب را من نمی‌دانستم. حضرت فرمود: «فأعلم أنّ أمیرالمؤمنین علیه السلام عند اللّٰه أفضل من الأئمة کلّهم وله ثواب أعمالهم و علی قدر أعمالهم فضلوا»؛ (4) بدان که در نزد خداوند امیرالمؤمنین علیه السلام از همه ائمه برتر و افضل است و برای اوست پاداش تمامی اعمال، و برتری هر کسی به میزان اعمال و عملکرد اوست.
بنابراین، زیارت به عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی

1- سوره انعام، آیه 91.

2- سوره بقره، آیه 6.

3- سوره منافقون، آیه 6.

4- تهذيب الأحكام، ج 6، ص 20.

رحمت ضروری است. حدیث مزبور موقعیت والا و عظیم و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام و همچنین زیارت خداوند، انبیا و مؤمنان نسبت به آن حضرت علیه السلام را بیان می‌کند. البته تفاوت مراتب زیارت خداوند متعال با زیارت پیامبران و زیارت مؤمنان، از دید صاحب نظران مخفی نیست.

براساس آنچه گفته شد، انسان همواره باید آرزوی زیارت اولیای الهی و امید وصال و دوستی مشاهد آنان را در دل زنده دارد و از خداوند به طور جدی طلب کند:

«اللهم ... و حبّب إلیّ مشاهدهم و ألحقنی بهم و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخرة یا أرحم الراحمین». (1) از این رو وقتی توفیق زیارت نصیب شد، جای سپاس و ثنای الهی است؛ انسان شاکر و ثناگوی خدایی است که در وادی نظر او را هدایت کرده و در وادی عمل توفیق حضور به او داده است؛ چنان که در زیارت روز عرفه و عید قربان پیش از زیارت امام حسین علیه السلام این جملات آمده است: «الحمد للّه‌الذی هدانی لولایتک و خصّنی بزیارتک و سهّل لی قصدک»؛ (2) سپاس خدایی را که مرا به ولایت شما هدایت کرد و توفیق دیدار و حضور داد و قصد زیارت به سوی شما را آسان کرد.

در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام و زیارت امام حسین علیه السلام در روز عید فطر نیز این عبارت آمده است: «والحمد للّه‌الفرد ... الذی من تطوّله سهّل لی زیاره مولای بإحسانه و لم یجعلنی عن زیارته ممنوعاً و لا عن ذمّته مدفوعاً بل تطوّل و منح»؛ (3) سپاس و حمد از آن خداست؛ خدایی که عطا و بخشش دارد، پروردگارا در سایه احسانت زیارت مولایم را برای من آسان بگردان و مرا از زیارت او محروم و ناکام مفرما و مرا از ذمه او وامرهان، بلکه تفضل و انعامت را بر من دریغ مفرما.

یکی از آموزه‌های جدی فرهنگ زیارت همین نکته است که وقتی انسان موفق

1- همان، ص 58.

2- مصباح کفعمی، ص 666؛ مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

3- همان، زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان.

شد در میدان معرفت‌ها حجاب‌ها را کنار زده و خود را به حوزه معرفتی امام نزدیک کند و در سایه این معرفت کرامت بیابد و از نظر ارادت نیز توانسته سختی‌ها و مشکلات سفر را تحمل کرده، فاصله‌ها را پشت سر بگذارد و خود را به آنها نزدیک کرده و در پرتو این قرابت ولایت و مودت تحصیل کند، قطعاً به یکی از بهترین توفیقات و بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دست یافته است.
این معنا در زیارات فراوانی و به صورت برجسته در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «الحمد للّٰه‌الذی أکرمنی بمعرفة رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و من فرض طاعته رحمة منه و تطوّلاً منه علیّ بالایمان، الحمد للّٰه‌الذی سیّرنی فی بلاده و حملنی علی دوابّه، وطوی لی البعید و دفع عنّی المکروه حتی أدخلنی حرم أخی رسوله صلی الله علیه و آله فأرانیه فی عافیة. الحمد للّٰه‌الذی جعلنی من زوّار قبر وصی رسوله. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَلنَا لِهذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلآَ أَنْ هَدَلنَا اللَّهُ»؛ (1)
سپاس خدایی را که در پرتو معرفت خود و رسولش و کسانی که طاعت آنها واجب است مرا کرامت بخشید و این رحمت و زیادتی نعمت بر من است و بر من به جهت ایمان و باور به این معرفت‌ها منت نهاد. شکر خدایی را که مرا در شهرها گرداند و قدرت سوار شدن بر مرکب‌های خود را داد تا مقصد دور نزدیک شود، و سختی‌ها و دشواری‌های سفر را از من دور داشت تا توفیق ورود به حرم برادر رسول گرامی صلی الله علیه و آله نصیبم شد. خدا را سپاس که مرا از زایران قبر وصی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد. خدا را سپاس که تنها این هدایت از اوست و اگر هدایت او نبود چنین هدایت و توفیقی نصیب من نمی‌شد.
در ذیل زیارت آن حضرت آمده است: «اللهم أنت مننت علیّ بزیارة مولای و ولایته و معرفته»؛ (2) خدایا تو بر من به سبب زیارت مولایم و ولایت و معرفت او منت نهادی و نعمت عظیم عطا کردی.
از این گونه تعابیر پرشمار این پیام قطعی حاصل می‌شود که اولاً، زیارت و تشرف

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 25.

2- همان، ص 28.

به مشاهد اولیا، توفیق بزرگ الهی است. ثانیاً، این توفیق نصیب نمی‌شود مگر از ناحیه لطف الهی. ثالثاً، زیرا در مقابل این توفیق و نعمت همواره باید ثناگوی حق و شاکر نعمت‌هایش باشد و بالأخره باید بداند که نه تنها تشرف به محضر اولیا توفیقی مهم است، بلکه باریابی به بارگاه و زیارتگاه آنان کرامتی ویژه و شرافتی خاص است؛ از این رو در زیارت بارگاه حسینی علیه السلام می‌گوییم: «اللهم هذا مقام کرّمتنی و شرّفتنی به». (1) حاصل سخن این که، زیارت ضرورتی دینی و الهی می‌باشد و از اهمیت والایی برخوردار است.

اهمیت و ضرورت زیارت از منظر اسلام به حدی فراوان است که خداوند عالم تعبیرهای گونه‌گون و مؤکدی به کار گرفته است؛ به این بیان که بعد از امر به اصل اتصال: «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ»، (2)

با تعبیر تمسک که «أخذ با قدرت» است از آن یاد می‌کند: «فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ»؛ (3)

پس به آنچه به سوی تو وحی شده است، محکم چنگ بزن. از این حد هم فراتر رفته، واژه اعتصام را که «چنگ زدن و رها نکردن» است به کار برده است: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا». (4)

از این گونه تعابیر و اصرار قرآن بر ارتباط و اتصال این که همگی با هم به ریسمان خدا چنگ بزنید، روشن می‌شود که این، تنها طریق ارتباط با حقایق علوی و تسخیر جلوه‌های روحانی و معنوی است و غیر از آن راهی نیست؛ چنان که تلاش دشمنان انسانی خواه درونی همانند نفس و خواه بیرونی، یعنی شیاطین انس و جن در گسستن همین ارتباط است.

تذکر: برای راهیابی و وصول به یک حقیقت و دست یابی به آثار آن تماس و ارتباط تنگاتنگ و وثیق لازم است و بر این پایه مسأله تقرب، نیل، وصول و نظایر آن در فرهنگ دینی رایج است و ضرورت تلقی می‌شود؛ همان گونه که از ناحیه خداوند متعال نیز وقتی بحث ارتباط با بنده و اعطای الهی مطرح است، خداوند در بهترین و

1- همان، ص 56.

2- سوره رعد، آیه 21.

3- سوره زخرف، آیه 43.

4- سوره آل عمران، آیه 103.

عالی‌ترین شکل و در عین حال بلیغ‌ترین وجه عطیه خود را عرضه می‌کند؛ به گونه‌ای که هیچ مانع و حجابی برای وصول تام وجود ندارد.
خدای سبحان درباره قرآن کریم که عطیه الهی به انسان‌هاست می‌فرماید: «وَ لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ (1)
و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. اگر انسان بخواهد به مرحله تذکر برسد و آثار و علایم یک حقیقت را در خود زنده کند، باید یک اتصالی تام و ارتباطی وثیق پیدا کند. این همان ارتباط قلبی و عقلی است که زمینه تذکر و فراگیری تام را فراهم می‌آورد، وگرنه آشنایی از دور و ارتباط با فاصله به جهت وجود غبار مادیت و کدورت‌ها و تیرگی‌های طبیعت زمینه تماس صحیح و لقای کامل را مهیا نمی‌سازد.
شاید سِرّ برخی از آداب زیارت، مانند نزدیک شدن به قبر، گذاردن دست یا صورت بر روی قبر، بوسیدن قبر و نزدیک ساختن بدن به قبر، همه و همه نمادهای آن ارتباط وثیق قلبی و روحی و فکری باشد که به صورت این اعمال استحبابی ظاهر شده است.

بعد از آن که دانسته شد اصل اتصال و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام ضرورتی انسانی و الهی است و بدون آن انسان بی‌معنا و بی‌هویت بوده و هیچ‌گونه کمالی بر او مترتب نیست، باید به شیوه‌ها و راهکارهای این ارتباط اندیشید و نزدیک‌ترین، مؤثرترین و در عین حال زنده‌ترین راه ارتباطی را جست‌وجو کرد.
از آن‌جا که دین مجموعه‌ای کامل و به هم پیوسته است، طریق تماس و ارتباط وثیق را از ناحیه زیارت معرفی می‌کند. زیارت با شرایط و آداب خاص، به ویژه معارف زیارت‌نامه‌ای آن، بهترین، سودمندترین و در عین حال شاداب‌ترین راه ارتباط است و به گونه‌ای حس حضور در محضر امام علیه السلام را در انسان ایجاد می‌کند که گویا با

1- سوره قصص، آیه 51.

امام علیه السلام حضوراً گفت‌وگو می‌کند و نیاز وجودی خود را در هر زمینه‌ای از او می‌طلبد.
خطاب‌های زیارتی گاهی به حدی صریح و شفاف ادا می‌شود که گویا هیچ حجاب و فاصله‌ای بین زایر و امام او نیست؛ با هر سلامش، جوابی و با سؤالش، پاسخی را به همراه دارد. خواسته‌اش بی‌اجابت نیست و نیازش بدون جواب نمی‌ماند و این ارتباط ملموس و زنده جز در سایه زیارتی با معرفت حاصل نمی‌شود. درباره عرفان و معرفت زیارت بحثی را در پیش خواهیم داشت.
زیارت و زیارتنامه کتاب وجود انسان را در محضر ولی خدا باز می‌کند و به نقاط نقص و ضعف و به فقر و عجز زایر اشاره می‌کند، راه کمال و سعادت را می‌نمایاند و امام را به شفاعت می‌طلبد و ده‌ها و صدها نکته حیاتی و تربیتی را تذکر می‌دهد. انسان را از غفلت و سهو درآورده، به وادی تنبه و تذکر می‌کشاند. خصلت‌های ممدوح و پسندیده اورا برجسته و احیا می‌کند و خصلت‌های زشت و ناپسند او را با استغفار و طلب رحمت از خداوند برطرف کرده و با نظر مرحمت الهی جبران می‌کند و بالأخره در کنار چشمه امامت که عین الحیات است، انسان را شست‌وشو می‌دهد و پاک و پاکیزه از میخانه طهور امامت خارج می‌شود و این همان اثر زیارت است.
این نگرش که زیارت ارتباطی وثیق و زنده است، اقتضا می‌کند که انسان فاصله‌های زمانی ومکانی را پشت سر گذاشته و خود را در عصر ولی خدا و در زمان حضور او ببیند و کاملاً به محیط و فضای حضور آن ولی درآید و او را در تنهایی و غربتش حس و ادراک کند و در سختی‌ها و مشکلات مطیع و یاور او باشد. تنها با چنین تلقی از زیارت است که حضور و نقش امام را در عرصه اجتماع با همه وجود می‌یابد، دعوت و ندای او را لبیک می‌گوید، امرش را اطاعت و نهیش را تبعیت می‌کند و اجتماع را آن گونه که او خواسته و اراده کرده می‌سازد.
سرّ بیان خصایص و نیز رویکردها، نقطه نظرها، سیرت‌ها و سنت‌های آن موالیان کریم در زیارتنامه‌ها نیز همین است که انسان خود را با خواسته‌ها و ارادات آنها تطبیق دهد و از مسیر ترسیمی آنها فاصله نگیرد. تنها کسی از زیارت بهره کامل می‌برد که

حس حضور امام علیه السلام در صحنه زندگی را پیدا کند، خود را مخاطب سخنان او بداند و او را نیز مخاطب بداند، نه مغایب؛ از این رو زیارتنامه‌ها همه در قالب تخاطب و گفت‌وگوی طرفینی و متقابل ایراد شده است؛ سلام‌ها، تحیت‌ها و صلوات‌ها همه به صورت خطابی انشا شده و حتی بیان اوصاف و ویژگی‌ها نیز به صورت خطاب است؛ چنان که مثلاً می‌گوییم: «السلام علیک یا رسول اللّٰه»، «صلی اللّٰه علی روحک الطیّب»، «أنت الذی ...» و این گونه گفتمان‌های حضوری در القای حس حضور کمال تأثیر را دارد. نیز طرح نیازهای دنیوی و اخروی همه به صورت حضوری و تخاطب است و این نیز در جهت حضور بخشیدن نقش مؤثری دارد.

از نمونه‌های بارز احساس حضور در زیارتنامه‌ها، زیارت بارگاه حسینی علیه السلام است که در ادب آن چنین آمده است: «دست چپ را روی قبر می‌گذاری و با دست راست اشاره می‌کنی و می‌گویی: «السلام علیک یا ابن رسول اللّٰه إن لم أکن أدرکت نصرتک بیدی فها أناذا وافد إلیک بنصرتی قد أجابک قلبی و سمعی و بصری وبدنی و رأیی و هوای علی التسلیم لک و الخلف الباقی من بعدک الأدلّاء علی اللّٰه من ولدک، فنصرتی لکم معدّة حتّی یحکم اللّٰه بأمره و هو خیر الحاکمین»؛ (1) درود بر تو ای فرزند پیامبر خدا، اگر زمان شما را درک نکردم تا شما را با دستم نصرت کنم، اما اکنون با همه وجودم، قلبم، گوش و چشمم، بدن و رأیم و همه خواسته‌هایم تسلیم امر شما هستم و در راه نصرت شما و جانشینان شما، یعنی راهنمایان به سوی خدا از فرزندان شما هستم. اکنون تمام نصرت و یاری من برای شما آماده است تا به هنگامی که خداوند اراده و حکم کند و او بهترین حاکم است.

از همین بخش از زیارتنامه معنای انتظار و کیفیت آمادگی برای ظهور امام علیه السلام روشن می‌شود، جان و دل، عقل و سر، رأی و هوا، همه را در راه دوست مهیا داشتن و بر اراده و خواست آنان خود را همسو کردن، روح انتظار است که جمله «والخلف الباقی من بعدک» به این معنا هم اشاره دارد.

1- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 58.

برای اعتصام به حبل الهی قرآن، شیوه‌های مختلفی، مانند تلاوت، تدبر، تفکر، تعقل، حفظ، انس و حشر با قرآن مطرح شده، تا حس حضور قرآن در صحنه وجود انسانی ایجاد شود و انسان قرآن را همانند طبیبی دوّار همواره به همراه داشته باشد، تا اخلاق و روحیات و نیز منش و روش او قرآنی شود و به جایی برسد که با همه وجود بگوید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعلَمِینَ». (1)
و این همان تحقق تمسک و اعتصام به حبل الهی و اتصال به حقیقتی است که به پیوند با آن امر شده است: «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ». (2)
همچنین در مورد حبل الهی اهل بیت علیهم السلام باید آنها را نیز شناخت و به همان صورت با آنان مأنوس و محشور شد. این حبل الهی که از منظر دیگر به «وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ» (3)
لقب گرفته، همان حقیقتی است که به اعتصام و تمسک به آن نیز امر شده است؛ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد که مراد از «حبل من الناس» چیست؟ فرمود: مراد از آن وصی من است: «فقالوا: یا رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و من وصیک؟ فقال: هو الذی أمرکم اللَّه بالاعتصام به فقال عزوجل: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا ولا تَفَرقوا». (4)
فقالوا: یا رسول اللَّه بین لنا ما هذا الحبل؟ فقال صلی الله علیه و آله هو قول اللَّه: «الا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ» (5)
فالحبل من اللَّه کتابه و الحبل من الناس وصیّی». (6) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «وأنت ممّن أمرنی اللَّه بصلته و حثّنی علی برّه و دلّنی علی فضله و هدانی بحبّه»؛ (7) شما کسی هستید که خداوند مرا امر فرموده تا با شما ارتباط و اتصال برقرار کنم و خداوند مرا به نیکی و رعایت ادب نسبت به شما دعوت کرده و بر فضل شما و محبت به شما راهنمایی و هدایت نموده است.

1- سوره انعام، آیه 162.

2- سوره رعد، آیه 25.

3- سوره آل عمران، آیه 112.

4- همان، آیه 103.

5- همان، آیه 112.

6- بحارالأنوار، ج 36، ص 112.

7- تهذيب الأحكام، ج 6، ص 27.

پروردگار عالم، ذلت و مسکنت را از آن قومی می‌داند که از «حبل من اللّه» و «حبل من الناس» بگسلند. آنان به هر جا بروند و پناه بگیرند، هرگز سایه عزت را نمی‌بینند: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَاثُقِفُواْ إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ». (1)
همین آیه می‌تواند سند قرآنی حدیث ثقلین نیز محسوب شود.
بنابراین، تا احساس حضور و درک واقعی محضر حاصل نشود، دل و دیده سپردن و تبعیت را با افتخار پذیرفتن، به راحتی به دست نمی‌آید؛ از این رو انسان باید تلاش و جدیت کند تا خود را به زیارتگاه اولیای الهی برساند و از فیض زیارت آنان بهره‌مند شود؛ و اگر سختی راه و دشواری روزگار اجازه نداد، لااقل از دور زیارت و سلام به اهل بیت علیهم السلام را فراموش نکند.
امام صادق علیه السلام فرمود:
«إذا بعدت بأحدکم الشقة و نأت به الدار فلیعل علی منزله و لیصل رکعتین و لیؤم بالسلام إلی قبورنا فإنّ ذلک یصل إلینا و تسلّم علی الائمة علیهم السلام من بعید کما تسلّم علیهم من قریب غیر انک لا یصح ان تقول: «أتیتک زائراً» بل تقول فی موضعه: «قصدت بقلبی زائراً اذ عجزت عن حضور مشهدک و وجهت الیک سلامی لعلمی بأنه یبلغک صلی اللّه علیک فاشفع لی عند ربک جل و عز» و تدعوا بما أحببت»؛ (2)
زمانی که دوری راه بر شما عارض شد، به قسمت مرتفع و بالای منزل بروید و دو رکعت نماز گزارده و با سلام به قبر ما اشاره کنید، حتماً سلام شما به ما می‌رسد و همان گونه که از راه نزدیک به ائمه علیهم السلام سلام می‌کنید، همان گونه از راه دور به آنها سلام کنید، اما نگویید: به سوی شما آمدم برای زیارت، بلکه در همان محلی که هستید بگویید: من با قلبم و جانم قصد زیارت شما را کردم؛ زیرا اکنون ناتوان از زیارت شما از نزدیک هستم، و سلامم را تقدیم حضورتان می‌کنم؛ زیرا مطمئنم که سلامم به شما خواهد رسید. حال از شما می‌خواهم که در نزد خدا از من شفاعت کنید و نیز در حق ما دعا کنید.

1- سوره آل عمران، آیه 112.

2- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 103؛ بحارالأنوار، ج 98، ص 370.

زیارت که واقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، نه پنداری، ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن و پایه اصیل مرکب است.
یکم. زایر، یعنی شخصی که میل و گرایش به چیزی یا کسی دارد.
دوم. مزور، یعنی زیارت شونده، شخص یا چیزی که زایر میل به سوی او دارد.
سوم. خصیصه‌ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است. روشن است که هر یک از این ارکان سه‌گانه مختل شود یا از واقعیت و عینیت تهی باشد، زیارت تحقق نمی‌یابد و تنها پنداری از زیارت باقی می‌ماند؛ از این رو در جایی که مزور امری موهوم و پنداری باشد و زایر خود را با امری خرافی و به دور از واقعیت سرگرم کرده و بدان قصد و میل پیدا کند، قطعاً زیارت راستین تحقق نیافته، آثار عینی و واقعی آن هم مترتب نخواهد شد؛ گرچه نباید تأثیر زیارت خیالی را انکار کرد.
بدیهی است هر چه ارکان سه‌گانه فوق از بنیان و اساس محکم‌تری برخوردار باشد، حقیقت زیارت وآثار آن نیز عینی‌تر و ظاهرتر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر زایر از معرفت و ایمان و کمالات وجودی والاتری برخوردار باشد، و همچنین اگر مزور شخصیتی ربانی و مؤثر در نظام هستی باشد، یا اگر تصمیم و قصد با کمال معرفت و جدیت و اراده جزمی همراه باشد، قطعاً جلوه کامل‌تری از زیارت عرضه می‌شود و حتماً تأثیرات چشمگیر و گسترده‌ای خواهد داشت. و برعکس، هر چه این ارکان سه گانه به ضعف و سستی گراید و از توان و صلابت لازم برخوردار نباشد، معنا و حقیقت زیارت وآثار آن نیز ضعیف و سست خواهد بود.
بنابراین، زیارت واقعیتی اصیل است و هرگز یک پندار خیالی و تهی از واقعیت نیست و اساساً همین نگاه هستی شناسانه به معنا و حقیقت زیارت است که راه درست فهم چیستی زیارت و ماهیت پیچیده آن را هموار می‌کند؛ زیرا گرچه معنای شرح الاسمی زیارت آسان و گفتن آن روان است، اما معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی

همراه است که باید به تدریج آنها را آموخت؛ زیرا به صورت یک اصل و قاعده کلی، هر حقیقتی که میزان تأثیر کمی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد، ضرورتاً از معنا و حقیقت بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است.

پس از آن که دانسته شد زیارت ارتباط زنده و مؤثری است که از دو طرف زنده ایجاد می‌شود، اکنون مناسب است این معنا را با منطق و عقل و زبان برهان تبیین کنیم؛ از مهم‌ترین مباحث معرفتی دین اسلام بحث معرفت نفس و احکام آن است. بزرگان حکمت و کلام، ادله فراوانی را در خصوص تجرد نفس و نزاهت آن از شوب ماده و طبیعت بیان داشته و مبرهن ساخته‌اند. از احکام اولی موجود مجرد، بقا، ثبات و پایداری است. هرگز فنا و نیستی در حوزه نفس راه ندارد، بلکه زوال و نابودی در دایره طبیعت و عالم ماده است.

تعبیر رسا و حکیمانه قرآن درخصوص نفس این است که هر نفسی طعم مرگ را می‌چشد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ»؛ (1)

هر جانداری چشنده طعم مرگ است. نه این که مرگ نفس را بچشد و چون مرگ انتقال از عالمی به عالم دیگر است و نفس با چشیدن مرگ به عالم برتر رفته، حیات کامل‌تر و قدرت وجودی و کمالات برتری یافته و دایره شمول و احاطه او بیش‌تر و وسیع‌تر می‌شود، گرچه بدن و جسم می‌میرد و زایل می‌گردد. از این رهگذر انسان مرده به لحاظ جان و نفس زنده‌تر از انسان زنده است و شدت حیات او حجاب رؤیت حیات برتر اوست؛ از این رو انسان‌هایی که از روح قوی‌تر برخوردارند قدرت مشاهده نفوس و ارواح را دارند. این پندار و گمان انسان است که زندگان واقعی را مرده می‌پندارد. براساس همین منطق است که علی علیه السلام دانشمندان و عالمان را باقی و ماندگار می‌داند: «والعلماء باقون ما بقی الدهر». (2) و هر چه نفس در عالم طبیعت از کمال و قدرت بیشتری برخوردار باشد، این توان مضاعف شده و در آن نشئه ظهور می‌کند و این معنا به صورت روشن در سخنان ارباب حکمت

1- سوره آل عمران، آیه 185.

2- نهج البلاغه، حکمت 147، بند 6.

و عرفان آمده است.
حکیم بزرگ ابوعلی سینا در جوابیه‌ای که برای جناب شیخ عارف ابوسعید ابوالخیر می‌نویسد، در پاسخ سؤال از زیارت و تأثیر آن، از زایر، مزور و زیارت، تحلیلی عمیق و عالی ارائه می‌کند. او می‌نویسد: زایر که با همه وجودش اعم از بدن و نفس به سمت مزور می‌رود، از نفس و جان مزور استمداد می‌طلبد تا خیری را تحصیل یا زیان و اذیتی را دفع کند و همه وجودش در سلک استعداد و استمداد در می‌آید. از آن سوی نفس مزور نیز به جهت مشابهت و مجاورتی که با عقول یافته، منشأ تأثیر و اثربخشی فراوان و کامل‌تری خواهد بود و چون زایر با جسم و جان به سمت مزور روی آورده، هم بهره‌های جسمانی می‌برد و هم بهره‌های روحانی و نفسانی.
اما بهره جسمانی این است که همان طور که اگر مزاج و جهاز جسمانی انسان در حال اعتدال و تساوی باشد، تأثیر ارادات نفسانی در آن راحت‌تر و آسان‌تر است، نفوس مجرد و عاری از ماده در این مزاج‌های مستعد و مستمد بیشتر و بهتر تأثیر گذاشته و موجب رفع یا حتی دفع آفات و مضرات می‌شوند و در خصوص حالتی که زایر با شوق و رغبت و با میل و اراده به زیارت مزاری می‌رود، آمادگی و توجه او بهتر و بیشتر بوده و جهت‌گیری نفس دقیق‌تر و عمیق‌تر است. در این حالت نفس با داشتن قوت و شرافت افزون، به ویژه در مواضع و مکان‌هایی که بارگاه و زیارتگاه مزار است، ذهن و حواس انسان از کدورت و تیرگی‌های روزمره پاک و صاف شده و شواغل و خواطر هم وجود ندارد، با ذهنی صاف و آماده و خاطری جمع و آرام، استعداد و آمادگی بیشتری پیدا می‌کند تا از مزور بهره برتری بگیرد؛ مثلاً در زیارت بیت اللّه تعالی انسان به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که برای او حاصل شده، نزدیک است که به ساحت ربوبی و حضرت الهی راه بیابد و به جهتی روی آورد که حضور حضرت الهی فراهم آید. در این‌جاست که انسان از عذاب‌های دنیوی رهایی می‌یابد و در واقع این نفس است که با درمان جسم و شفای تن راحت می‌شود؛ زیرا بدن نه احساس درد دارد و نه احساس لذت.

اما بهره‌های نفسانی که از رهگذر زیارت نصیب انسان می‌گردد، بسیار ارزشمندتر است؛ مانند اعراض و بی‌توجهی به متاع دنیا، حتی طیبات و حلال دنیا و همچنین دور ساختن شواغل و موانعی که او را از مسیر کمال باز می‌دارد و در نتیجه فکر به ساحت قدس جبروت منصرف شده و در پرتو نور و اشراق ربانی در جان و سویدای وجود، تمامی اندوه‌ها و نگرانی‌ها و خوف‌ها و حزن‌ها برطرف شده و این نیز خلاصی جان و آزادی دل است که امید است خدا ما و شما(خطاب به ابوسعید ابوالخیر) را به این امر هدایت کرده و نفس را از شوائب این عالم فانی و زایل رها سازد. (1) از این رو در امر زیارت باید دو مسأله خاص مورد توجه و دقت قرار گیرد:

اول، انسان پس از مرگ از حیاتی برتر و کامل‌تر برخوردار است و ارتباط و تعلق او به عالم بالا و انس و حشر او با جواهر قدسی موجب گسترش وجود و میدان احاطه و شمول وی می‌شود و طبعاً آثار وجودی او قوی‌تر و گسترده‌تر است. و تفسیر زیارت به ارتباطی زنده میان دو حقیقت زنده بدین معناست که نفس زایر با نفس و جان مزور ارتباط برقرار می‌کند، و هرگز زیارت ارتباط زایر با بدن مدفون مزور نیست، بلکه بدن تنها به لحاظ تعلق و وابستگی شدید وجودی بین جان و تن مزور است که علامت گویا و نشانه‌ای رسا از مزور را به همراه دارد.

دوم، ارتباط و توجه خاص مزور به بدن موجب می‌شود که بدن و جسد اویک نوع مرکزیت و محوریتی پیدا کند و همین مایه توجه و زیارت قبر و بدن می‌شود. گرچه روح و جان انسانی زمان و مکان ندارد و انسان در هر شرایطی و در هر مکان و زمانی با درود فرستادن و اهدای سلام و صلوات و ... می‌تواند مزور را شادمان کند، یا خود از او اثر وجودی بپذیرد، اما به لحاظ توجه و عنایت خاصی که آن نفس، به هر جهت، به شیء دارد موجب می‌شود در آن فرصت زمانی ومکانی موقعیت ویژه ایجاد شود. از باب تمثیل، خداوند متعال فراتر از همه چیز است و هیچ چیزی او را محدود

1- رسائل ابن سینا، ص 338.

نمی‌سازد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:
«ان اللّٰه تبارک و تعالی لایوصف بزمان و لا مکان و لا حرکة و لا انتقال و لاسکون، بل هو خالق الزمان و المکان و الحرکة و السکون، تعالی اللّٰه عمّا یقولون علوّاً کبیراً» (1)
و انسان در هر زمان و مکان و در هر شرایط و موقعیتی می‌تواند به سمت خداوند روی آورد: «فَأَیْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ (2)
پس به هر سو رو کنید آن‌جا روی(به سوی) خداست؛ اما خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به مکانی مانند کعبه، یا به زمانی مانند لیلة القدر و ... یا حتی به اشخاصی مانند دل شکستگان: «و سئل رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله:
أین اللّٰه؟ فقال: عند المنکسرة قلوبهم» (3)
و ... توجه ویژه دارد. لذا از دو جهت انسان می‌تواند به آن مکان یا زمان یا اشخاص یا ... دل ببندد و تعلق وجودی پیدا کند:
جهت اول این که، آن مکان یا زمان، مورد توجه و عنایت محبوب و حقیقت مورد علاقه است و انسان با توجه به آن، قطعاً مولا و محبوبش را تعظیم و تکریم کرده و ارادت و عشق خود را، که نوعی سپاس و شکر است، اظهار داشته و از این راه تعلق و پیوند خود را نسبت به اومی‌نمایاند و متعهد به پایداری دو تا می‌شود؛ مانند این که با عبادت در مسجد یا لیلة القدر به امر الهی توجه کرده که احیا و تعظیم شعایر الهی در واقع تعظیم و تکریم خداوند کریم و عظیم است.
جهت دوم این که، با حضور در این گونه مکان‌ها و زمان‌ها، به مراتب فرصت تقرب فراهم‌تر است. بدیهی است که انسان مؤمن و عاقل این فرصت‌ها را از دست نمی‌دهد و با توجه به موقعیت‌های ویژه، با تلاش اندک به اجر بیشتری دست یافته، از خیر کثیر و مبارکی بهره می‌برد.
در خصوص ابدان و قبور پاک صالحان و معصومان گرامی نیز همین گونه است؛ یعنی گرچه می‌شود در هر شرایط و در هر مکان و زمانی برای آنها هدایای معنوی و

1- التوحید، ص 184.

2- سوره بقره، آیه 115.

3- بحارالأنوار، ج 70، ص 157، ح 3.

الهی تحفه داد، اما بدن و جسم آنان که محل نشو و نمای جان شریف آنان و بسیار مورد علاقه و تعلق جان آنها بوده و هست و چیزی برای روح، عزیزتر از بدن نیست، از این رو توجه به آن فرصت مناسبی است که انسان می‌تواند به آن روح بزرگ و عالی نزدیک شود. با این تحلیل عقلی، رفتن به سوی قبور و مزار اهمیت خاص خود را می‌یابد.

امام خمینی رحمه الله که روحش در ملکوت اعلی با علیین قرین باد، همین مضمون را در تعلیقات خود بر شرح فصوص الحکم قیصری در ذیل فص عزیری از استاد عارف کامل خود، آیت اللّٰه شاه آبادی رحمه الله نقل می‌کنند: استاد عارف کامل ما که سایه‌اش مستدام باد، فرمود: ممکن است گفته شود که علاقه روح به بدن بعد از مرگ باقی است؛ زیرا بدن محل قرار و جایگاه رشد و پرورش اوبوده است.

من می‌گویم آنچه را که استادم فرمودند، محقق بزرگ میرداماد در رساله فارسی که منسوب به ایشان است، راجع به سِرّ زیارت اموات تذکر داده‌اند و آنچه من از آن نوشته به خاطر دارم این است که فرمود: برای نفس دو نوع علاقه به بدن وجود دارد:

علاقه صوری و علاقه مادی. البته مرگ موجب قطع علاقه صوری می‌شود، اما علاقه مادی همچنان پایدار است و از همین جهت زیارت قبور تشریع و جایز شمرده شده است. (1) بنابراین، بدن مزور از آن جهت که مورد تعلق و توجه روح و جان است و تنها علامت مادی و شاخص بعد از حیات انسان همانا بدن و قبر اوست، لذا توجه به آن ضرورت دارد.

اما در خصوص نحوه تعلق ممکن است اقوالی وجود داشته باشد؛ برخی معتقدند که ارواح قوی، گرچه هنگام مرگ از بدن مفارقت می‌کنند، اما چون به بدن علاقه و تعلق دارند، همواره بدن را تدبیر و آن را از آفت زدگی و پوسیدگی و نظایر آن محفوظ

1- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، ص 174 و 175.

می‌دارند؛ همان‌گونه که در حال حیات این تدبیر و حفاظت روح از بدن موجب صیانت و سلامت بدن است. بدیهی است که ارواح ضعیف بر اثر اشتغال به مصائب خود، به بدن توجهی نداشته و در اندک زمانی بدن پوسیده و از بین می‌رود و سِرّ ماندگاری ابدان صالحان و عالمان که در تاریخ شواهد و نمونه‌های فراوانی دارد، در همین نکته است. اما عده‌ای از بزرگان حکمت و کلام در خصوص چگونگی تدبیر روح نسبت به بدن بعد از مفارقت، بیانی دارند که لازم است در محل خود مورد بحث قرار گیرد و از حوصله این نوشتار بیرون است.

زیارت کلاس تربیت است، زیارت می‌خواهد آلودگی‌های وجود ما را بشوید. زیارت می‌خواهد ما را از حضیض ذلت به اوج عزت برساند. زیارت واقعی آن است که وقتی آمدم کنار قبر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و برگشتم احساس کنم نورانیت و روحانیت تازه‌ای پیدا کرده‌ام، احساس کنم از بار گناه سبک شده‌ام، احساس کنم آن نورانیتی که از قبر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام پیدا کرده‌ام تا یک ماه دو ماه، یک سال دو سال در وجود من هست، البته این بستگی دارد که عمق زیارت من چقدر باشد.
هدف زیارت تربیت است، تمام این برنامه‌ها و تعالیم دینی، آمدن یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر، آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و از آن جمله زیارت برای تربیت انسان است، اگر این برنامه‌ها انسان را تربیت نکند خالی از محتوا می‌شود، مصداق «ربّ تال القرآن و القرآن یلعنه» (1) کسانی که قرآن را می‌خوانند و آیه آیه قرآن آنها را لعن می‌کند. به حج خانه خدا رفته است از زیارت خانه خدا برگشته است، اما تمام تعریفی که از حج می‌کند این است که در آن‌جا میوه‌های گوناگون چه رقم بود، وسائل سوغات چگونه بود، وسائلی که بار حجاج را سنگین‌تر می‌کند، پس تو به زیارت خانه خدا نرفتی، به زیارت آن میوه‌ها و وسائل صنعتی و ابزارها رفته‌ای؟! چرا

1- بحارالأنوار، ج 92، ص 184.

تعریف نمی‌کنی در اولین لحظه‌ای که چشمت به خانه خدا افتاد چه حالی به تو دست داد؟ در اولین طواف کعبه چه حالی داشتی؟ در آن بیابان عرفات در زیر آن خیمه‌ها وقتی دعای عرفه امام حسین علیه السلام را می‌خواندی چه حالی داشتی؟ شب مشعر چه حالی داشتی؟

در روایت آمده است کسی که از زیارت خانه خدا برمی‌گردد مانند انسانی است که تازه از مادر متولد شده است (1) آیا در بازگشت از حج احساس می‌کنی تولد دومی پیدا کرده‌ای؟ آدم تازه‌ای شده‌ای؟ اگر احساس می‌کنی، حج تو حج است والا حج نیست.

حج آن است که انسان را تربیت کند، تا انسان به حج نرود نمی‌داند حج چیست؟

هر نویسنده توانا و هر گوینده توانا محال است بتواند بیان کند که در آن‌جا چه احساسی برای انسان پیدا می‌شود، کنار خانه خدا، عرفات، مشعر و منی، مگر این‌که لمس کند، ببیند و احساس کند.

اسلام چهار منبع برای برنامه تربیتی و دستورالعمل زندگی دینی دارد که تمام آنها یک هدف را دنبال می‌کنند:
1. قرآن، 2. نهج البلاغه و روایات معصومین علیهم السلام، 3. ادعیه، دعاهایی مانند صحیفه سجادیه، 4. مجموعه زیارات، مانند زیارت‌های عاشورا، امین اللّٰه، جامعه کبیره. این چهار برنامه به سوی یک هدف حرکت می‌کنند، اما از چهار بعد.
قرآن از سوی خداوند نازل شده است، دعاها قرآن صاعد است و به سوی خدا می‌رود، نهج البلاغه همان محتوای قرآن است، در لباس خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار. زیارتنامه‌ها هم همان محتوای قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه است، اما در غالب زیارت.
هر چهار راه، به سوی یک هدف یعنی تربیت انسان و تهذیب نفوس و قرب الی اللّٰه حرکت می‌کند.

1- وسائل الشیعة، ج 8، ص 5.

برای این‌که مطلب روشن شود به تناسب موضوع مقاله چند نمونه از زیارت‌ها را ذکر می‌کنم، ببینید زیارت‌ها به ما چه مسایلی آموزش می‌دهند و تلقین می‌کند.
از جمله مسایلی که زیارتنامه‌ها به ما تلقین می‌کند، ارزش‌های وجودی امام علیه السلام است. می‌گوییم: ای امام اگر به زیارت شما می‌آییم به خاطر این ارزش‌ها و مقاماتی است که در وجود شما است. مثلاً هنگامی که به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رویم و مطابق بعضی از روایات هر قدمی که برمی‌داریم ثواب حج و عمره دارد، یعنی اگر می‌خواهی ارزش پیدا کنی، بیا و این چنین باش. در زیارت امام حسین علیه السلام می‌گویم:
«أشهد أنّک قد أقمت الصلوه و آتیت الزکوه وأمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر».
تو دارای چهار ارزش وجودی بالا بودی:
1. اقامه نماز کردی، نه تنها نماز خواندی، نماز را بپا کردی، نماز را زنده کردی.
2. زکات دادی، در معنای وسیع کلمه که «لکل شیء زکوة» (1) همه چیز زکات دارد، تو از تمام هستیت زکات دادی.
3. امر به معروف کردی، دعوت به سوی نیکی‌ها.
4. نهی از منکر کردی.
اینها ارزش وجودی امام حسین علیه السلام است که به خاطر آن به زیارتش می‌رویم، ما به زیارت امامی می‌رویم که این ارزش‌ها را دارد، آیا من به سوی او نروم؟ من اقامه نماز و ایتاء زکات و امر به معروف و نهی از منکر نکنم؟ اگر نکنم پس دروغ می‌گویم، این زیارت نیست، اگر اینها ارزش وجودی اوست، پس چگونه این ارزش‌ها در من نباشد؟
نمونه دیگر زیارت امین اللّه که از زیارت‌های بسیار مهم معصومین علیهم السلام است، از کجا شروع می‌شود؟ اولین جمله‌ای که می‌گوییم: «السلام علیک یا امین اللّه فی ارضه»؛ سلام بر تو ای امین خدا در سرتاسر کره زمین، اگر امین اللّه بودن خوب است، پس چرا

1- بحارالأنوار، ج 2، ص 25.

تو امانت‌دار نیستی؟ اگر راستی زیارت می‌کنی معنایش این است که مهم‌ترین ارزش وجودی یک انسان که اولین صفت امام معصوم قرار داده‌ایم مسأله امانت است، همین یک درس تربیت است که من هم به سوی امانت عهدم حرکت کنم.
«أشهد أنک جاهدت فی اللّٰه حقّ جهاده»؛ شهادت می‌دهم تو حق جهاد را انجام دادی، یعنی نه تنها جهاد کردی، بلکه آخرین درجه جهاد را انجام دادی، جهاد با نفس، جهاد با دشمن، جهاد در طریق علم، جهاد با جان، با مال، همه انواع جهاد در این کلمه جمع است، یعنی ارزش مقام امام از این جاست، اما اگر من قدمی به سوی جهاد برندارم، نه جهاد با نفس، نه با دشمن، نه جهاد از طریق علم، نه جهاد از طریق عمل، آیا من زایر هستم؟ اگر قدمی برندارم، این زیارت، دروغ است، قلابی است.
«وأتبعت سنن نبیّک»؛ افتخار تو ای امام معصوم این است که تابع سنت‌های رسول اللّٰه بودی، تو تابع بودی. اما اگر من که زایر تو هستم تابع هیچ یک از سنت‌ها نباشم، آیا این قابل قبول است؟
این است که می‌گویند: زیارت‌ها باید انسان را تربیت کند و می‌کند، زیارت کار قرآن و نهج البلاغه و دعا را می‌کند و همه اینها بار تربیتی دارد.

زیارت سه هدف عمده دارد:
هدف اول: تعلیم معارف دینی و الهی: یعنی خدا را معرفی کردن، زیارتنامه‌ها درباره خدا و اوصاف او چه می‌گوید، همچنین معرفت رسول اللّٰه و معرفت مقام ولایت، در همین زیارت جامعه کبیره که پنج سلام در آغاز آن هست، در هر کدام از این سلام‌ها مقداری از مقامات امامان معصوم بیان شده است، در این پنج سلام حدود شصت صفت برای امام ذکر می‌شود یعنی مقام ولایت را با شصت صفت بیان می‌کند.
بنابراین زیارت معرفی مقام ولایت است، البته گاهی ما در هنگام خواندن زیارت توجهی به محتوای آن نداریم که در این صورت قطعاً آن اثر تعلیم معرفت الهی و

معرفت پیامبر و مقام ولایت در آن نیست.
هدف دوم: بیان ارزش‌ها: زیارت‌ها بیان می‌کند که چه چیزهایی از نظر اسلام دارای ارزش است. به عنوان نمونه به این جملات از زیارت جامعه کبیره توجه کنید:
«السلام علی الدعاة إلی اللَّه»؛ سلام بر شما ای دعوت کنندگان به سوی خدا، معلوم می‌شود دعوت الی اللّه یک ارزش مهم اسلامی است. «والأ دلاء علی مرضاة اللَّه»؛ سلام بر شما ای کسانی که جامعه انسانیت را به سوی خشنودی خدا رهنمون شدید.
«والمستقرّین فی أمر اللَّه»؛ سلام بر شما ای کسانی‌که در امر الهی استقرار دارید، شما در انجام اوامر الهی باوفا بودید، نه این‌که انسان یک روز به سوی خدا حرکت کند و یک روز غرق در گناه شود. «والتأمین فی محبّة اللَّه» شما در محبت خدا کامل بودید، یعنی کامل بودن در محبت خدا یک ارزش والا است و ما به خاطر این ارزش امام معصوم را زیارت می‌کنیم. «والمخلصین فی توحید اللَّه»؛ توحید شما خالص از هر گونه شرک است، یعنی توحید خالص داشتن یک ارزش است. «والمظهرین لأمر اللَّه و نهیه»؛ شما اوامر و نواحی الهی را اظهار کردید. «و عباده المکرمین»؛ شما بنده خدا بودید، افتخار شما در بندگی خدا بود. «الذین لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون» یک گام از اوامر خدا جلو نمی‌افتادید، یک گام عقب نمی‌افتادید، تسلیم خدا بودید. ارزش‌های الهی اسلامی و عقاید شیعه اینها است، وقتی من امام را با این ارزش‌ها می‌ستایم، می‌دانم چه چیزهایی ارزش دارند و چه چیزهایی ارزش ندارند.
هدف سوم: تلقینات: سومین هدفی که زیارت‌ها دارد یک سلسله تلقین‌ها است، روایات به ما تلقین می‌کند که این چنین باشید، روحیات شما افکار شما، خواسته‌ها و حاجات شما باید این‌گونه باشد. البته باید این تلقین‌ها را در وجودمان پیاده کنیم. در زیارت امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «یا مولای أتیتک زائراً وافداً، عائذاً ممّا جنیت علی نفسی و احتطبت علی ظهری»؛ مولای من، من به عنوان زایر به محضر تو، مهمانم آمده‌ام، پناه آورده‌ام از آن جنایاتی که بر ضد خودم کرده‌ام. گناه من جنایت بر خودم است گناهانی

که انجام داده‌ام، بار هیزمی بود بر دوشم به سوی جهنم، چقدر این تعبیر آموزنده است؟ این تعبیر چه چیزی را تلقین می‌کند؟ اولاً آمده‌ام و مهمانم، ثانیاً کارم چیست؟
آمده‌ام پناه ببرم به شما از گناه، کدام گناه؟ گناهی که اولین ضربه را به من می‌زند.
وقتی انسان در این چند جمله دقت می‌کند، می‌بیند این زیارت چه پیام عمیقی دارد، چه تلقینی به زایر می‌کند، این است که گفتیم یک سوم زیارتنامه‌ها بحث‌های تلقینی است که زایر را تربیت می‌کند.

نتیجه

هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام مثل یک دریا هستند. دریای آب شیرین و زلال، آب حیات، افرادی که به سراغ این دریا می‌روند، هر کدام پیمانه‌ای دارند و به اندازه پیمانه خود می‌توانند برداشت کنند، بعضی همراه با یک استکان می‌روند و آب برمی‌دارند، دریا بخیل نیست، پیمانه وجودی ما کوچک است، برخی یک کف آب برمی‌دارد، اما بعضی استخر وجودخود را به این دریا متصل می‌کنند، نگویید با وجود زیارت هر یک از ائمه معصومین پس چرا ما این چنین هستیم؟ او کامل است، من که می‌روم باید استعداد دریافت داشته باشم، قرآن می‌گوید: «أَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةُم بِقَدَرِهَا». (1)
آب باران که نازل می‌شود محدودیتی در آن نیست، اما این زمین‌ها هستند که هر کدام به اندازه گنجایش خود از آب باران استفاده می‌کنند، هر دره و هر وادی به اندازه گنجایش خود بهره می‌گیرد.
بنابراین هنگامی که به کنار قبر هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام می‌رویم باید با این سه نیت باشیم: 1. کامل کردن معارف الهی. 2. آشنایی با ارزش‌های اسلامی، چه چیزی ارزش است و چه چیزی ضد ارزش، در زیارتنامه‌ها صفات دشمنان هم گفته می‌شود، در زیارت عاشورا بیشتر ضد ارزش‌ها بیان شده است، یعنی صفات دشمنان.
3. تلقین‌ها؛ اگر واقعاً بفهمیم در این زیارات چه می‌گوییم، یک جلسه زیارت، ما را

1- سوره رعد، آیه 17.

عوض می‌کند، تا چه رسد به این‌که مثلاً ده روز در کنار مزار یکی از ائمه معصومین علیهم السلام بمانیم، اگر این مدت بگذرد، برگردیم و ببینیم همان آدم سابق هستیم، نه نورانیتی، نه روحانیتی، نه صفایی، نه معنویتی، نه سبک شدن از بار گناهان، نه تربیتی، مثل کسی که تشنه به کنار چشمه آب برود و تشنه برگردد، باید خودش را نفرین کند، چشمه آب حیات چیزی کم ندارد.

خلاصه

1. زیارت حضور زایر در پیشگاه معشوق، اتصال قلبی با مبدأ فیض، کسب نور از سرچشمه انوار الهی است. زیارت آرامش است، آرامشی پریشانی زدا، اضطراب شوی. زیارت سعادت و خوشبختی است، پاکان می‌آیند تا صفا افزون کنند و آلودگان می‌آیند تا زنگار از دل بشویند، گنه‌کاران می‌آیند تا توبه کنند و توبه‌کنندگان می‌آیند تا عهد خویش تقویت کنند.

زیارت به معنای عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زور گفته‌اند که از راه حق منحرف می‌گردد. زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد. زیارت در اصطلاح دینی تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم‌گرایش جدی پیدا کرده و به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. و این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به مزور را با خود دارد.

2. قرآن کریم از سه طریق هدایتگری می‌کند و راه پیوند و قرب به اولیای الهی را توصیه می‌نماید. اول: بیان جایگاه والای آنان در نظام تکوینی و عالم تشریع و نیز برشماری اوصاف و کمالات شایسته و خصایص زنده کامل و مؤثر آنها در نظام بشری. دوم: پرهیز از دوری از آنها که موجب انحطاط بوده و حرمان از کمالات انسانی و الهی است. سوم: آیاتی مستقل و روشن در جهت همراهی، مصاحبت و بلکه مسئولیت در مقابل اهل بیت علیهم السلام که با عادات مختلف این معنا را تذکر می‌دهد.

نمونه‌ای از این آیات، که با فعل امر همراهی با سفرای الهی و اوصیای معصوم را توصیه می‌کند، آیه «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ کُونُواْ مَعَ الصدِقِینَ» است.
3. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود. کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به دیدار او خواهم رفت و از وحشت‌های آن نجاتش خواهم داد.
4. علمای شیعه و سنی با استناد به توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی که درباره زیارت شده است، فتوا به استحباب زیارت داده‌اند.
5. معرفت مزور و آگاهی از منزلت او مورد سفارش و تأکید بسیاری از روایات است. سرّ این که توصیه کرده‌اند زیارت با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام مزور است، نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت، که به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت و ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است.
6. زیارت به عنوان شاخصی برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت ضروری است. اهمیت این ارتباط به حدی است که خداوند تعبیرهای گوناگون و مؤکدی به کار گرفته است. به این بیان که بعد از امر به اصل اتصال «مَآ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یُوصَلَ» با تعبیر تمسک که اخذ با قدرت است از آن یاد می‌کند: «فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ»؛ پس به آنچه به سوی تو وحی شده است، محکم چنگ بزن. و از این حد هم فراتر رفته، واژه اعتصام را که در چنگ زدن و رها نکردن است به کار برده است:
«وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا».
7. زیارت که واقعیتی اصیل و خارجی است، نه ذهنی و خیالی، آثار و برکات فراوان وجودی دارد و از سه رکن مرکب است، اول: زایر به معنی شخصی که میل به چیزی یا کسی دارد. دوم: مزور یعنی شخص یا چیزی که میل به سوی اوست. سوم:
خصیصه‌ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.

ص: 69

8. هدف زیارت تربیت است، تمام برنامه‌های دینی، آمدن یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر، قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و زیارت برای تربیت انسان است. سه هدف در زیارت است: اول: تعلیم معارف دینی و الهی. دوم: بیان ارزش‌ها، به عنوان نمونه در زیارت جامعه کبیره است: «السلام علی الدعاة إلی اللَّه» سلام بر شما ای دعوت کنندگان به سوی خدا، معلوم می‌شود دعوت الی اللَّه یک ارزش است. سوم: تلقینات:

روایات به ما تلقین می‌کنند که این چنین باشید، روحیات و افکار شما، خواسته‌ها و حاجات شما باید این گونه باشد. چهار فایده زیارت: 1. اخلاق ما را پاکیزه می‌کند، 2. آلودگی‌هایی که بر نفس ما نشسته پاک می‌نماید، 3. ما را تزکیه می‌کند، 4. کفاره گناهان ماست.

در نتیجه هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام مثل یک دریا هستند، افرادی که به سراغ این دریا می‌روند، هر کدام به اندازه پیمانه خود می‌توانند برداشت کنند. دریا بخیل نیست، پیمانه وجودی ما کوچک است، نگویید با وجود زیارت ائمه اطهار علیهم السلام پس چرا ما این چنین هستیم؟ او کامل است من باید استعداد داشته باشم. اگر واقعاً بفهمیم در این زیارات چه می‌گوییم، یک جلسه زیارت ما را عوض می‌کند.

فهرست منابع

1. ادب فنای مقربان، آیت اللَّه عبداللَّه جوادی آملی.
2. امثال و حکم، محمّد غروی.
3. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی.
4. تحف العقول، حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی.
5. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی واعظ جوادی.
6. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی.
7. المراقبات، جواد بن شفیع ملکی تبریزی.
8. معراج السعاده، ملّا احمد نراقی.
9. نهج البلاغه، گردآوری محمد بن حسین بن موسی(سید رضی).
10. وسائل الشیعه، محمدبن حسن حر عاملی.

2- بازشناسی مفهوم زیارت

اشاره

محمدهادی فلاح

چکیده

زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب خاص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک، با موضوع ویژه و با زبان دینی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است. زیارت، با خاستگاه دینی و مذهبی، از ویژگی‌های برجسته و متعارف حساب شده و شکل گرفته است و ارکان ویژه را به ذهن می‌رساند، مانند زمان، زبان، موضوع، آداب و حالات، که هر کدام از اینها در بازشناسی مفهوم زیارت کارگر می‌باشند. بار معرفتی و آثار وجودی زیارت در فرد و جامعه بسیار فراوان است و باید ذهن را از تفسیرهای نادرست و برداشت‌های غیر منطقی از معنا و مفهوم زیارت، نهی ساخت و با نگاه واقعی و درست، این معنا را تعقیب کرد. از آن‌جا که زیارت مفهومی بسیار گسترده دارد و نمی‌شود آن را در یک حدّ فراگیر محدود ساخت، از این رو تعریف جامع آن ناممکن است و تنها باید به ویژگی‌های برجسته و متعارف آن پرداخت.
کلیدواژه‌ها: مفهوم زیارت، زایر، مزور، زیارت مأثور، زیارتگاه.

معنای واژگانی

«زیارت»، (1) که به زبان انگلیسی، آن را() گویند، واژه‌ای است عربی که استفاده از آن در زبان فارسی نیز با همین ماده و شکل، معمول است؛ پژوهندگان

Ziarat -1

واژه‌شناس، معنای حقیقی زیارت را با قیود گوناگون چنین یاد کردند:
1. «دیدار و ملاقات، به دیدار کسی رفتن»، (1) «سرزدن، دیدن، دیدن کردن، دیدار»؛ (2) «زارَ: بازدید کرد، سر زد». (3) 2. حاضر شدن نزد مزور: «البته مزور در این معنا، مشخص نشده است که کدام است! شیء، شخص یا مکان؟». (4) 3. «به معنی گرامی داشت احترام‌آمیز، (5) دیدار کردن از چیزی، کسی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت است». (6) 4. «به معنی برگردیدن و برگشتن از چیزی و مایل شدن از آن». (7) «زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است، گویی زیارت کننده روی از دیگران گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل و قصد کرده است». (8) زیارت در لغت، عدول از جانبی و گرایش به جانب دیگر است. ابن فارس گوید:
زور یک چیز است که هم بر میل و هم بر عدول دلالت دارد، و زایر از این سنخ است؛ زیرا هرگاه تو را رو کند از دیگری برگشته است. (9) و غیر از این معنا، معنای قصد نیز یاد شده است و این با معنای پیشین، مخالفت ندارد؛ زیرا گرویدن به جانبی، از قصد، جدا نیست. طریحی گوید: قصد کرد او را، پس زایر است. در حدیث، یاد شده است:
هر کس برادرش را در کناره شهر، زیارت کند؛ یعنی قصد کند. و در دعا آمده است: بار

1- معارف و معاریف، ج 6، ص 113.

2- فرهنگ واژه‌های فارسی سره.

3- فرهنگ بزرگ جامع نوین(عربی به فارسی)، ص 790.

4- دائرة المعارف الاسلامیة الشیعه، ج 13، ص 106.

5- المنجد فی اللغة، ص 310.

6- فرهنگ بزرگ سخن، ص 3921.

7- فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص 790؛ مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص 386 و 387، ماده الزَّور(فتح واو).

8- دایرة المعارف تشیع، ج 3، ص 36.

9- الزیارة فی الکتاب و السنة(تحلیل لمفهوم الزیارة و آثارها وأحکامها)، ص 73. به نقل از ابن فارس، مقاییس اللغة، ج 3، ص 36.

خدایا، مرا از زایران خویش قرار ده؛ (1) یعنی از کسانی قرار ده که تو را قصد کرده‌اند و به تو پناه جسته‌اند. (2) زیارت، قصد مزور است، از جهت گرامی داشت، ارج‌گذاری و انس‌گیری با او. (3) از کلام ابن فارس و آنچه یاد کرده پیداست که معنای زیارت، فقط قصد خالی نیست، بلکه قصدی است که(به سبب یکی از اهداف یاد شده: اکرام، تعظیم و استئناس) به حضور زایر نزد مزور، سپری می‌شود. (4) زیارت،(به سبب یکی از اهداف یاد شده: اکرام، تعظیم و استئناس) حضوری است از روی قصد نزد مزور، (5) که بر پایه شأن و مقام و منزلت مزور، متفاوت می‌شود. (6)

یادسپاری

اشاره

«الزَّور»، به معنی برگردیدن و برگشتن است، و از آن جهت که گشتن از جهتی، رویارو شدن با جهت دیگر را در پی دارد، این لازم را معنای واژه زیارت دانستند، اما با اندک تأمل، روشن می‌شود که این، معنای حقیقی و واژگانی زیارت نیست، بلکه یکی از

1- بحار الأنوار، ج 18، ص 377. «در خصوص زیارت خداوند نیز که در دعای «اللهم اجعلنی من زوّارک» آمده است به معنای قصدکنندگان به سوی او و پناه‌آورندگان به درگاهش تفسیر شده است.(مجمع البحرین، ج 1، ربع 2، ماده زور، ص 304). بدیهی است که چنین معنا و حقیقتی حضور واقعی و اصیل زایر در نزد مزور را به همراه دارد و از این رو، اگر زیارت به «حضور زایر در نزد مزور» معنا شد، این تعریف به لازم معناست؛ البته لازم بیّن و حتمی آن معنا». ر. ک: فلسفه زیارت و آیین آن. البته در لازم بیّن و حتمی بودن آن، تأمّل است. نگارنده.

2- ر. ک: مفتاح الفلاح، ص 42.

3- الزیارة فی الکتاب و السنة، ص 73. به نقل از مجمع البیان، ج 1، ص 305.

4- ر. ک: الزیارة فی الکتاب و السنة، ص 73.

5- برای نمونه، در زیارت جناب رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، چهار هدف یاد کردند: برای یاد کرد مرگ و آخرت؛ به‌خاطر دعا برای آن حضرت؛ برای متبرک شدن به وجود آن جناب که از اعظم برکات است؛ برای ادای حق آن جناب صلی الله علیه و آله. ر. ک: همان، ص 74.

6- همان، ص 73.

معانی(البته معنای لازم) است که برای آن یاد کردند، چنان‌که برخی از پژوهندگان معاصر همین یک معنا را معنای واژگانی و حقیقی زیارت پنداشته و البته با تکلّف و افزودن قیودی، آن را به معنای لغوی، نزدیک دانسته‌اند:

«زیارت در لغت عبارت از تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد هم همراه باشد یا نه؛ و اعمّ از این که با اکرام و تعظیم مزور همراه باشد یا نه». (1) یعنی تمایلی همراه با حرکت حسی(دور یا نزدیک)، بی آن‌که داشتن و نداشتن نیت و قصد قلبی(حرکت باطنی)، و نیز پاسداشت و کُرنش در آن شرط شده باشد.

از این رو، به‌کارگیری زیارت به معنی یادشده، درباره انسان و غیر انسان حتی عناصر مادّی هم رواست؛ چنان‌که قرآن کریم درباره اصحاب کهف فرمود: «وَ تَرَی الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَ وَرُ عَن کَهْفِهِمْ ذَاتَ الْیَمِینِ وَ إِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ»؛ (2)

و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو می‌شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند. (3) 5. برخی از پژوهندگان در ارتباط زایر و زیارت با عمره و عمارت، گزارشی را یاد کردند که از آن، معنی «آبادسازی» بر می‌آید: «زایر با حضور در زیارتگاه، موجب آبادی و عمران آن مکان می‌شود و از این رو، عمل زایر را از این رهگذر «عمره» می‌نامند که موجب آبادی آن مکان می‌شود؛ از این جهت صاحب جواهر در ابتدای کتاب العمرة در تعریف عمره می‌فرماید: عمره در لغت به معنی زیارت است و از عمارت گرفته شده است؛ زیرا زایر با زیارت خود، مکانِ زیارت را آباد می‌سازد. (4) گرچه از منظر دیگر می‌توان گفت: در واقع این زایر است که به سبب زیارتش آباد

1- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 19.

2- سوره کهف، آیه 17.

3- ترجمه آیات این مقاله از استاد فولادوند است.

4- جواهر الکلام، ج 2، ص 441.

می‌شود و جانش از ویرانی و خرابی خارج می‌گردد». (1)

اشاره

معانی یادشده را می‌توان کوتاه در سه دسته، رده‌بندی کرد: 1. دیدارِ حضوری از کسی با هدف گرامی داشت او؛ 2. رویکردی قصد شده و حضوری، به منظور گرامی داشت، ارج‌گذاری و انس‌گیری با زیارت شونده، که بر پایه شأن و مقام و منزلت مزور، متفاوت است. 3. آبادسازی(شیء، جا و یا شخص)؛ یعنی عملی است که مکان، شیء، شخص و یا آرمان و فرهنگ ویژه‌ای را آباد و جاودان می‌سازد، و البته در آباد شدن جان زیارت‌کننده نیز کارگر است. از نظر نگارنده، معنای دوّم، یعنی «رویکرد قصدشده و حضوری ...»، نزدیک‌ترین معنا به واژه زیارت است.

معانی گرته‌برداری شده

اشاره

برخی نیز در واژه‌شناسی زیارت و معنای لغوی آن، با گرته‌برداری و گزینش از مفهوم اصطلاحی آن، چنین نوشتند:
1. «الزیارة: رؤیة الشیء، زیارة الأولیاء و الأماکن المقدسة». (2) زیارت، دیدن رو در رو است؛ مانند زیارت اولیا و مکان‌های مقدس.
2. «الإتیان بقصد الإلتقاء» آمدن با هدف دیدار و رسیدن به هم: «زارَ یکی از معانی‌اش زارَ- زیارةً و مزاراً و زوراً و زُواراً و زُوارَةً: أتاه بقصد الإلتقاء بِهِ». (3) 3. «الزیارة: مصدر زارَ یزورَ المکانَ أو الشخص: به آن مکان یا نزد آن شخص رفت به خاطر انس و الفت به آن یا برای انس دادن او». (4) 4. برخی زایر را دیدار کننده مکان مقدس دینی و آن را مقابل مجاور و مقیم دانستند:

1- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 20.

2- المنجد فی اللغة، ص 310.

3- همان، ص 310؛ یادداشت‌های استاد مطهری، ج 5، ص 413، به نقل از المنجد.

4- فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص 249.

«کسی که به زیارت/ دیدار مکان مقدسی دینی می‌رود(مقابل مجاور و مقیم)». (1) 5. «(احترام آمیز) دیدار کردن از چیزی، کسی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت است». (2) این تعریف، زیارت را شامل دیدار از اشیا و اشخاص و اماکن ارزشمند و با اهمیت، دانسته است.
6. «بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ، رفتن به مشاهد متبرکه». (3) 7. الف) «حج و سفر به مشاهد متبرک و کسب فیض از قبر منور آن حضرت صلی الله علیه و آله و قبور ائمه هدی علیهم السلام و تشرف در عتبات عرش درجات آنها». ب) «دیدار کردن از آرامگاه‌های ائمه و بزرگان دین یا مکان‌های مقدس به قصد کسب ثواب و تبرک». (4) این دو تعریف، با یادکرد مصداق زیارت(حج و مسافرت به مشاهد متبرک) و نیز هدف زیارت(کسب فیض از قبر شخصیت‌های متعالی و یا کسب ثواب و تبرک)، آن را با نگاهی درون دینی و مذهبی، معرفی کرده است.
8. «به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعاهایی که به عنوان تشرف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیا است خواندن». (5) این تعریف نیز، زیارت را علاوه بر رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها، همراه با خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور»، دانسته است.

اشاره

معانی گرته‌برداری شده، از مفاهیم اصطلاحیِ متعارف گرفته شده‌اند، اما در حقیقت نه این هستند و نه آن، بلکه چیزی بین معنای لغوی و اصطلاحیِ متعارف‌اند و البته به‌زعم گروهی که آن را یاد کردند، معنای لغوی حقیقی محسوب می‌شوند. این معانی با بهره‌جویی از تعریف‌های گوناگون اصطلاحیِ متعارف، هر کدام با قیود متفاوت،

1- دایرة المعارف فارسی، ص 1197.

2- ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن، ص 3921.

3- ر. ک: فرهنگ عمید.

4- فرهنگ بزرگ سخن، ص 3921.

5- لغت‌نامه دهخدا به نقل از فرهنگ فارسی معین.

متنوّع یاد شدند که من برای راحت‌تر شدن دقّت و قضاوت خوانندگان، به گونه کوتاه از آنها یاد می‌کنم:
1. دیدن رو در رو(حضوری)؛ مانند زیارت اولیا و مکان‌های مقدس؛ به سبب انس و الفت به آن یا برای انس گرفتن با او؛
2. آمدن با هدف دیدار و رسیدن به هم؛
3. دیدار غیرمجاور و غیرمقیمی است که به دیدن مکان مقدس دینی آمده باشد؛
4. دیدار احترام‌آمیز از شیء، مکان یا شخصی که دارای ارزش و اهمیت است؛
5. دیدار از شخص بزرگ یا مشاهد متبرکه؛
6. حج و مسافرت به مشاهد متبرک با هدف کسب فیض از قبر امامان معصوم علیهم السلام یا شخصیت‌های بزرگ دینی و یا به منظور کسب ثواب و تبرّک؛
7. رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها، همراه با خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور».
چنان‌که یاد شد، در جست و جو و بازکاوی حقیقت معنای واژگانی، این معانی به مفهوم اصطلاحی آن، نزدیک‌تر است تا معنای دقیق کلمه.
معنای لغوی، همواره به حقیقت معنایی که از ساختار و بافتار شکلی و ماده‌ای کلمه بر می‌آید بدون پیش فرض و پیش زمینه ذهنی و علمی و اعتقادی می‌پردازد و جز ارائه معنای حقیقی کلمه، هدفی را دنبال نمی‌کند و علی القاعده، فروتر از مفهوم اصطلاحی است و بیرون از علم و اعتقاد دینی و مذهبی و یا باور و فرهنگ عرفی، تنها به حقیقت لغوی کلمه اشاره دارد.
در بازشناسی معناها و مفاهیم سره از ناسره، این خرده‌گیری رواست که: شماری از دانشوران علم لغت، در ترجمه دسته‌ای از لغات، گاه معانی لغوی و مفاهیم اصطلاحی آن را خلط کرده، معناهایی را برای یک واژه، باز می‌نویسند که از مفهوم و یا مفاهیم اصطلاحی آن، گرته‌برداری و گزینش شده است و دقیقاً معنای حقیقی آن

واژه نیست! و چنان‌که یاد کردم، در ترجمه لغت «زیارت» از مفهوم اصطلاحی آن گرته‌برداری و گلچین شده است! در صورتی که در بازشناسی واژگانی و مفهومی یک کلمه، اگر بناست از مفهوم اصطلاحی آن یاد شود، بایسته و شایسته این است که مفهوم اصطلاحی، مجزا از معنای حقیقی کلمه، مطرح شود. از این رو، من نیز در نگاشتهٔ پیش رو، بر آنم تا این روال را رعایت کنم.

مفهوم اصطلاحی

مفهوم اصطلاحی معمولاً در ساحت علمی یا دینی و مذهبی و یا در باور و فرهنگ عرفی، با سبقه ذهنی خاص مطرح می‌شود و فراتر از معنای حقیقی کلمه، و البته در محدوده برگزیده، مقصود ویژه‌ای را دنبال می‌کند. مفهوم اصطلاحی، در نگاه درون دینی، ناظر به یک حقیقت شرعی است و خواست آیین‌گزار در آن دخالت دارد.

چنان‌که در خصوص زیارت چنین است. زیارت یک اصطلاح دینی است و مفهوم آن، همواره بار دینی و مذهبی داشته و با قصد آیین‌گزار همراه بوده است؛ مثلاً «زایر بیت اللّه، مسلمانی است که بنابر بر وجوب دینی، یا از روی استحباب، به زیارت خانه خدا می‌رود و حاجی می‌شود ... غالب مسلمانان به زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبور ائمه علیهم السلام نیز می‌روند و با خواندن زیارتنامه، ادای احترام می‌کنند». (1)

اکنون به چند تعریف اصطلاحی اشاره می‌گردد:

1. «زیارت، برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی است». (2) 2. «زیارت در عرف شیعه، حضور در یکی از مشاهد مقدس است». (3) 3. «زیارت نزد شیعه، حضوری روحی است. و روحانیت بزرگ‌تر از آن مزور است و نفسیت ممتاز و صفات قدسی او بر نفس زایر، افاضه می‌شود و او از آن بهره می‌جوید تا بعد از اضطراب به اطمینان و پس از شقاوت به سعادت و بعد از نا امیدی

1- دایرة المعارف فارسی.

2- مفاتیح نوین، ص 203.

3- دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج 13، ص 106.

به امیدواری و پس از رویکردن به روشنی برسد». (1) 4. «زیارت به کسرِ زاء به معنی قصد و ملاقات، و قصد مزور به جهت گرامی داشت و ارجمندی و انس با اوست. در حدیث آمده است: یکدیگر را زیارت و ملاقات و امر ما را یاد و احیا کنید. و باز در حدیث آمده است: هر کس چنان کند، همانا خدا را در عرشش زیارت کرده است. شیخ صدوق گوید: زیارت خدای تعالی، زیارت پیامبران و حجت‌های اوست؛ هرکس آنان را زیارت کند همانا خدای عزّوجلّ را زیارت کرده است، چنان‌که هر کس آنان را پیروی کند، همانا خدا را پیروی کرده و هر کس آنان را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است». (2) زیارت در عرف، به دیدار کسی به جهت تکریم و تعظیم یا انس‌گیری رفتن. حج خانه خدا را زیارت بیت گویند.
چنان‌که به کنار قبور معصومین به قصد تعظیم و توسّل و دعا رفتن زیارت آن بزرگواران، و به کنار قبر مردگان جهت استرحام نیز زیارت آنها گویند. (3) امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلُ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ فَيُصَلِّى رَكْعَتَيْنِ وَ لْيُومِ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِيرُ إِلَيْنَا»؛ (4)
هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آن‌جا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتماً به ما خواهد رسید. (5) 5. برخی از واژه‌شناسان نیز، بر این باورند که زیارت در اصطلاح دینی، تمایلی است همراه با حرکت حسی(دور یا نزدیک) و البته با شرط نیت و قصد قلبی(حرکت باطنی)، و نیز انس روحی و پاسداشت و کرنش زیارت شونده. (6)

1- همان.

2- دائرة المعارف المسماة بمقتبس الأثر و مجدّد مادثر، ج 19، ص 62.

3- معارف و معاریف، ج 6، ص 113.

4- کامل الزیارات، ص 286 و 287.

5- همان، ص، 868.

6- مجمع البحرين، ج 17، ص 305 «زور».

در تعاریف یادشده اصطلاحی، قیودی که یاد شدند عبارت‌اند از:
1. رو در رو:(حضوری)؛
2. حرکت حسی؛
3. نیت؛
4. موضوع:(به آن مکان یا نزد آن شخص رفتن)،(بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ، رفتن به مشاهد متبرک)؛(دیدار کردن از اشیا و اشخاص و اماکن ارزشمند و با اهمیت)؛
5. هدفمندی:(کسب فیض از قبر شخصیت‌های متعالی و یا کسب ثواب و تبرک)؛(به سبب انس و الفت به آن یا برای انس دادن او)؛
6. زبان:(خواندن دعا «به عنوان تشرف باطنی برای شخص مزور»).

اشاره

زیارت در یهودیت و مسیحیت با معنا و مفهوم خاص، مثل نیایش و گاه نیز مشترک با اسلام، وجود داشته و دارد.

«در بین غیر مسلمین نیز زیارت مقابر و مشاهد رواج داشته است؛ از جمله بیت المقدس زیارتگاهی است که در نزد مسلمانان و یهود و مسیحیان هر سه محترم است.

در ایران یهودیان را نیز پس از زیارت آن‌جا حاجی می‌نامند». (1) «به دستور پاپ، مسیحیان هر چند سال یک بار به عنوان زیارت به شهر رم می‌روند؛ از جمله زیارتگاه‌های مسیحیان پیرو کلیسای کاتولیک رومی در اروپا، لورتو، سانتیاگو دکومپوستلا، لورد، فاطمه، و کنتربری ... را می‌توان نام برد». (2) زیارتگاه‌های هندویی، انواعی دارد. (3) هفت مکان مقدس/ هفت رودخانه مقدس. (4) «از دید هندوان، هر مکان زیارتی ویژگی‌هایی دارد و برکات مخصوصی را به

1- دایرة المعارف فارسی، ص 1197.

2- همان.

3- ر. ک دانش‌نامه دین، زیارت در آیین هندو، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، ص 179.

4- همان، ص 178.

زایرانش ارزانی می‌کند؛ برای مثال زیارتگاه‌های منطقه‌ای هست که به داد نابینایان می‌رسد، یا مخصوص بی‌فرزندان است، و یا حتی برخی زیارتگاه‌ها به امور جزیی‌تری مثل شفای عارضه‌های پوستی شهرت دارد». (1)
«برخی دیگر از اماکن زیارتی چنان اند که به زعم هندوها اگر کسی در آن بمیرد از تولد مکرّر(سَمساره یا تناسخ) نجات می‌یابد، و به این سبب برخی هندوهای متدین مایل اند اواخر عمر را در وارانَسی، یا همان بنارس، در ساحل رود گنگ در ایالت اوتّرپرادِش مجاور گردند». (2) در آیین هندو، (3) «بنابه مهابهارته، سفر زیارتی، یا همان تیرتهه یاترا، در گذشته مجاهده‌ای بود برای کسب و انباشتن ثواب، که به ویژه کسانی که توان اهدای قربانی‌های پرهزینه را نداشتند، آن را بر خود هموار می‌کردند. اما هم اکنون این واژه معنای عامی پیدا کرده است، به طوری که شامل دیدارهایی نیز می‌شود که شاید بیشتر آمیزه‌ای از سیر و سیاحت و تفریح و زیارت است». (4) شاید به سبب ماهیتِ تلفیقی، جذب کننده و همگون سازنده آیین هندو، و نیز تکثر و گوناگونی سنّت‌های خداباور در این آیین، زیارت هندویی از بساطت اولیه درآمده و نظام پیچیده‌ای پیدا کرده است. در حالی که در متون پورانه‌ای، زیارت اغلب وسیله‌ای برای انباشتن ثواب که الزامی هم نبوده تلقی شده است». (5) «زیارت برای هندوها، همه خواصِ دینی و معنوی مورد انتظار از این مؤلفه مهم دینی را در بر دارد. تقریباً همه آثار و برکاتی را که مسیحیان و مسلمانان از زیارت می‌طلبند، هندوها نیز در نظر دارند. اما علاوه بر آن، و شاید بیشتر از سایر ادیان،

1- همان، ص 182.

2- همان، ص 183.

3- همان.

4- البته این دیگرگونی در زیارت شیعیان نیز رخ داده است؛ یعنی آمیزه‌ای از سیر و سیاحت و تفریح و زیارت، و گویا آخرین آنها، زیارت شده است. نگارنده.

5- دانش‌نامه دین، زیارت در آیین هندو، ص 178.

هندوها به وسیله زیارت به بُعد دیریابی از آیین هندو راه می‌برند که مشکل می‌توان آن را با چیز دیگری تبیین کرد. در آیینی مثل آیین هندو، با آن همه تنوع و تکثر، خودآگاهی هندویی، یا آگاهی به آنچه یک نفر به وسیله آن خود را در چارچوب این آیین حس می‌کند، امری است دیرفهم و پیچیده، اما در اجتماعات بزرگِ هندویی، به ویژه کومب مِلاها، چنین مایه وحدت و هم بستگی‌ای به خوبی ادراک می‌شود». (1) البته «درون مایه اصلی اعمال دینی میلیون‌ها هندو ترس از خدایان خیرخواه و بدخواهی است که به همه چیز آگاه‌اند و همواره بر وقایع زندگی همه کس ناظرند.

لازم می‌دانند هر خدایی را به نحو شایسته‌ای دلجویی کنند تا از بدبختی امان یابند و امنیت‌شان تضمین شود». (2) «معمولاً هندوهای روستایی، دو آرزوی دینی یا معنوی بزرگ در دل دارند: رفتن به زیارت یکی از اماکن مقدس، و شرکت در جشنواره‌های معبدی. مکان‌های مقدس زیارتی در سرتاسر هند به وفور یافت می‌شود. کوه‌ها، غارها، رودها، و مکان‌هایی که وقایع اساطیری(مانند جنگ‌ها یابازی‌های خدایان) در آنها رخ داده است، مکان مقدس و زیارتی محسوب می‌شود. بر روی این زمین‌ها یا در کنار آنها معبد و ضریح ساخته و به زیارت آن می‌روند. مکان‌هایی مانند هَردوار (3) در کوه‌های هیمالیا، ساحل بِنگال، و وَرَنسی (4)(بِنارس) از جمله سرزمین‌های مقدس شمرده می‌شود. از سرتاسر هند عازم زیارت این مکان‌ها می‌شوند». (5) در آیین بود: «زیارت به شهرهای مقدس(مکان‌های مقدس) کار پسندیده محسوب می‌شود و یک فرد هر چه زیارت‌های بیشتری را کامل کند، خیرات بیشتری به دست می‌آورد. چهار مقصد بیشترین زیارت بوداییان را به خود اختصاص می‌دهد:

1- همان، ص 183.

2- آشنایی با ادیان(آیین هندو)، ص 66.

3- Hardwa r

4- Varanasi

5- همان، ص 68.

محل تولد بودا، مکان روشن شدگی او، بستانی که او اولین موعظه خود را ایراد کرد، و جایی که او مُرد. میلیون‌ها زایر در طول قرون- راهبان، راهبه‌ها، و توده‌های مردم از تمام خاور دور- در سفری طولانی به این چهار مکان بسیار دور مسافرت کرده و می‌کنند. آنها اغلب پیاده به این سفر می‌روند و بسیاری مواقع با خطرهای زیادی روبه‌رو می‌شوند و به ندرت اتفاق می‌افتد که این سفر بدون مشقت باشد». (1)

اشاره

اما از نظر این کم‌ترین: زیارت، با خاستگاه دینی و مذهبی(شرعی)، از ویژگی‌های برجسته و متعارف(جنس و فصل مانند)، حساب شده و شکل گرفته است و ارکان ویژه را به ذهن می‌رساند؛ مانند زمان، زبان، موضوع، آداب و حالات، که هر کدام از اینها در بازشناسی مفهوم زیارت، کارگر می‌باشند و باید دیده شوند.
چنان‌که برخی نوشته‌اند: «گرچه معنای شرح الإسمی زیارت آسان و گفتن آن روان است، لیکن معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی همراه است که باید به تدریج آنها را آموخت؛ زیرا به صورت یک اصل و قاعده کلی، هر حقیقتی که میزان تأثیر کمّی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد، ضرورتاً از معنا و لبّ بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است». (2) «به هر تقدیر، بار معرفتی و آثار وجودی زیارت در فرد و جامعه بسیار فراوان است و باید از همین آغاز، ذهن را از تفسیرهای نادرست و برداشت‌های غیرمنطقی از معنا و مفهوم زیارت، تهی و با نگاه واقعی و درست، این معنا را تعقیب کرد». (3) من در این مقالت، با آراستگی و پیوند فراخور، هر کدام از ویژگی‌های متعارف در

1- همان، ص 173.

2- ر. ک: فلسفه زیارت و آئین آن، ص 22.

3- همان، ص 19 و 20. با این‌که نویسنده محترم در کتاب خود از برخی ویژگی‌های تعریف زیارت با دقت یاد کردند، اما معلوم نیست که با این اعتقاد، چرا از ارائه مفهومِ فراگیر، غفلت کردند و معنا و مفهوم زیارت را نارس باز گفتند!

مفهوم زیارت را پسِ یکدیگر، روشن خواهم ساخت، و مرحله به مرحله، همچنین در پایان، تحت عنوان «نتیجه پژوهش»، از نظرِ به دست آمده یاد خواهم کرد، اما نخست باید گفت: زیارت، عملی دیداری است که بین زیارت کننده(زایر) و زیارت شونده(مزور) رخ می‌دهد، اما نه از نوع عیادت؛ عیادت، دیدن تن درست از رنجوری است که ناخوش و دردزده در بستر افتاده است، ولی زیارت، دیدن دردمندِ دلخسته آزرده آرزومند از شیء و جا و وجود متعالی و تن (1) و جان راست و درستی است که در گشایش گِره‌های خواهش، کارگر است.

هدف در عیادت، تقویت روح طرف مقابل و رساندن او به سلامتی است، اما در زیارت، مقصودْ بیشتر، تقویت روح زیارت کننده، واسطه زیارت شونده و بازشدن گِره‌ها و رسیدن به خواسته‌ها توسط اوست. زیارت، تأثیرپذیری، و عیادت، تأثیرگذاری است.

«زیارت از جمله حقایق ارزشمند و حیاتی است». (2) «زیارت، واقعیتی اصیل است». (3) واقعیت اصیل است، یعنی زنده و عینی است و با موضوعی زنده و واقعی سروکار دارد و نیز با آثار عینی، رو در رو در خواهش‌ها و آرزوهای زایر، کارگر است؛ به دیگر بیان: هرچند بر آن خرافه بسته‌اند، ولی امری جعلی و با اساس خرافی نیست، موضوع و آثار خیالی و ذهنی و سرگرم کننده ندارد. از این رو، نوشته‌اند: «ارتباط و پیوند با مزور، حقیقی و عینی است و اساساً از آن جهت که این پیوندِ زایر با مزور، حقیقی، عینی، زنده و مؤثر است، لزوماً طرفین این پیوند که زایر و مزور هستند نیز باید حی و زنده باشند، وگرنه نمی‌شود که رابطه بین دو شیء نا؟ پایدار، زنده و منشأ اثر باشد و طرفین یا یکی از دو طرف موهوم یا معدوم و فانی باشد؛ از این جهت زیارت در واقع

1- جان درست، بعد از مرگ هم می‌تواند از جسم خود نگهداری کند.

2- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 180.

3- همان، ص 21.

ارتباط حی و زنده با حی و زنده دیگر است». (1) استاد شهید مطهری، زیارت را فراتر از رابطه دیداری زنده‌های مادی دانسته است: «در مذهب با اولیاء اللَّهِ از دنیا رفته هم چنین عمل می‌شود که با زنده، بلکه زنده‌تر از زنده‌های معمولی. چون در آنِ واحد هزارها نفر با او سخن می‌گویند و درود می‌فرستند و در عالم ضمیر خود یک ارتباط واقعی برقرار می‌کنند». (2) «به طور کلی بزرگان و خدمتگزاران پس از مرگشان به نوعی تجلیل می‌شوند، ولی تجلیل غیر دینی صرفاً جنبه اعتباری و تشریفاتی دارد، در حقیقت نوعی تلاعب است ...؛ مانند «زنده یاد» نوشتن برای به یاد ماندن وجود ذهنی یک شخصیت، و از این قبیل است دسته‌گل نثار قبر کردن، یک دقیقه سکوت کردن، از برابر عکسش رژه رفتن». (3) «احیاناً ارتباط متقابل؛ از شکل امر تشریفاتی و قراردادی و اعتباری و در حقیقت از شکل بازی- که صرفاً فرض و اعتبار است- خارج می‌شوند. به طور کلی اعیاد مذهبی و سوگواری‌های مذهبی همه از صورت قرارداد و تشریفات خارج است». (4) پس زیارت، واقعیتی است اصیل.

عمل حسی

مقصود از عمل حسی در این‌جا عملی است که واسطه جسم، انجام می‌گیرد و توسط چشم، دیده می‌شود؛ به دیگر بیان: عمل حسی، از جنس تفکر که به طور مطلق، عمل عقلی است و از دستهٔ نیت که مطلقاً، عمل قلبی است به شمار نمی‌آید.
پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی.

از نگاه دینی، اعمال انسان باورمند به دو دسته رده‌بندی می‌شود: الف) اعمال عبادی؛ ب) اعمال غیر عبادی.

1- همان، ص 33.

2- یادداشت‌های استاد مطهری، ج 5، ص 413 و 414.

3- همان.

4- همان.

از جمله تفاوت اعمال عبادی از غیر عبادی در این است که غیر عبادت، بیشتر رابطه انسان، با جهان هستی، همنوع و خویشتن است، اما عبادت، رابطه‌ای ویژه با خدای سبحان و تنها برای او است؛ اساساً جز برای او، روا و پذیرفته نیست. تفاوت دیگرشان، یکی از ویژگی‌های عبادت است؛ یعنی قصد قربت یا همان نیت؛ عبادت باید با قصد نزدیک شدن به خداوند انجام شود وگرنه علم فقه، صحتش را اعلام نمی‌کند و آسمان، آن را نمی‌پذیرد. بر خلاف اعمال غیرعبادی که این مهم در آنها شرط نیست. نیت در عبادت، دمیدن روح در کالبد عمل است؛ بال رهایی از ناسوت به لاهوت و از ملک به ملکوت است. زیارت نیز از سنخ عبادت دانسته شده است. از این رو، نیت باید در شراشر ویژگی‌های برجسته و متعارفِ زیارت، سریان و جریان داشته باشد.

مرحوم شهید ثانی، تحت چهاردهمین آداب زیارت نوشته است: زیارت از روی نیت در زمان‌های مشهور- مناسبت‌های ویژه- مستحب است». (1) در حدیث آمده است:

«مَنْ أَتَی الْحُسَیْنَ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»؛ (2)

هر کس، نزد مزار سیدالشهدا علیه السلام با معرفت به حق آن حضرت برود، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را بیامرزد.

همچنین روایت شده است:

«وَ مَنْ زَارَهُ یَوْمَ عَاشُورَاءَ فَکَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ (3)

هر کس او سیدالشهدا علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، مانند زیارت کسی است که خداوند را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

امام رضا علیه السلام دوستداران و شیعیان را وامدار امامشان دانسته و زیارتشان را با شرایط «تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء» و «رغبةً» و «تصدیقاً لما رغبوا فیه»، زیارت

1- الدروس الشرعیّة فی فقه الإمامیّة، ج 2، کتاب المزار، ص 24.

2- الکافی، ج 4، ص 582، ح 10.

3- مستدرک الوسائل، ج 10، ص 292، ح 12041- 12045.

نتیجه‌مند برشمرده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

«إِنَّ لِکُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِی عُنُقِ أَوْلِیَائِهِمْ وَ شِیعَتِهِمْ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِیَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِی زِیَارَتِهِمْ وَ تَصْدِیقاً لِمَا رَغِبُوا فِیهِ کَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ»؛ (1)

هر امامی، پیمانی بر گردن دوستداران و شیعیانش دارد، وفای کامل این پیمان و ادای نیکوی آن، زیارت مزار آنان است. پس هر کس در زیارت‌شان از روی رغبت، و بر آنچه رغبت‌شان است از روی تصدیق، آنها را زیارت کند، امامان‌شان در روز قیامت، شفیع‌شان خواهند شد.

استاد شهید مطهری می‌گوید: «در زیارت ابا عبداللّٰه علیه السلام می‌گوییم: یا لیتنا کنا معک فنفوز فوزاً عظیماً که یک ورد شده برای ما و به معنای آن هم توجه نمی‌کنیم، یعنی یا ابا عبداللّٰه ! ای کاش، ما با تو بودیم و رستگاری عظیم پیدا می‌کردیم. معنایش این است که ای کاش ما در خدمت تو بودیم و شهید می‌شدیم و از راه شهادت رستگاری عظیم پیدا می‌کردیم. آیا این ادعای ما از روی حقیقت است؟ افرادی هستند که از روی حقیقت ادعا می‌کنند، ولی اکثر ما که در زیارتنامه‌ها می‌خوانیم، لقلقه زبان است». (2) «زیارت، نوعی عبادت و موجب تقرب به خداست، لزوماً باید زایر نیت کند؛ چون روح عبادت نیت است و عبادت بدون نیت جسد بی‌روح است؛ از این رو، علامه حلی رحمه الله در کتاب شریف تذکرة الفقهاء در مقدمه بحث مزار می‌فرماید: در همه زیارات نیت(قربة الی اللّٰه) شرط است؛ زیرا زیارت، عبادت است». (3) پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی.

پای ویژگی بالا، به ترتیب از حقیقت ادب و آداب زیارت و آداب عرفی می‌نویسم:
1. مقصود از آداب در این‌جا، همان شرایط ظاهری یک عمل است. ادب، کرانه تشخص یک عمل و جلال و شکوه و جمال و زیبایی آن است. جامه زیورین و آبروی

1- التهذیب، ج 6، ص 79.

2- ر. ک: گفتارهای معنوی، ص 272.

3- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 181.

آن به شمار می‌آید. بروزگاه ارزش یک عمل و آیین پیوند دادن بیرون با درون و گذرگاه رسیدن به بارگاه باطن است. از این رو، فرجام پاییدن راست و درست مرز آداب، راه یافتن به اندرونی و سرسرای یک عمل کامل، قلمداد می‌شود.

2. آداب زیارت، درآمدی برای درک بایسته و شایسته خود زیارت است؛ پیش آهنگ عجز و نیاز زایر است؛ بار عام و نیز ورودگاه خلوتیان خاص و خاص الخاص است؛ ایجاد سنخیت و انتقال از ظاهر خودی به ظاهر خدایی است؛ مثال طهارت ظاهری برای مس ظاهر یک حقیقت متعالی؛ اساساً در رسومات آسمانی، برای تماس با هر لایه از یک حقیقت، طهارتی متناسب، شرط است؛ برای تماس با ظاهر، طهارت ظاهر، و برای تماس با باطن، طهارت باطن. رسماً به همه اعلام شده است: «لَّایَمَسُّهُو إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ (1)

یعنی ساختار و بافتار حقایق فراسویی به گونه‌ای است که جز با طهارت نمی‌توان بدان دست رساند، و هر که بام طهارتش بیش، نزول فرشتگان سپید پوش و نزولات نورانی بر آن بیشتر. «إِنَّ الَّذِینَ قَالُواْ رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلئِکَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَ لَاتَحْزَنُواْ وَ أَبْشِرُواْ بِالْجَنَّةِ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ (2)

در حقیقت، کسانی که گفتند:

«پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».

آن‌که از گذار آداب زیارت، شایسته نگذرد، از فیض رب، محروم می‌ماند و در گلستان دِهِش، بادبه دست می‌میرد. شاید این مختصر، فلسفه تأکید دین بر استحباب آداب زیارت را اندکی روشن ساخته باشد.

آداب زیارت، مختلف یادشده است: چهارده(شهید در دروس)، هفده(علامه مجلسی در تحفة الزائر) و نیز افزون بر چهل(محدث نوری در تحیة الزائر): غسل

1- سوره واقعه، آیه 79:(که جز پاک شدگان بر آن دست نزنند).

2- سوره فصلت، آیه 30.

زیارت، اذکار غسل زیارت، پوشیدن لباس تمیز، اذن دخول، بوسیدن عتبه، آهسته سخن گفتن، تکبیر، نزدیک شدن به ضریح و بوسیدن آن، استقبال قبله حقیقی، خواندن زیارت مأثور، نماز زیارت، دعای پس از نماز زیارت، تلاوت قرآن، تکریم حرم و خادمان آن، زیارت وداع، کمک به تهی‌دستان (1) که البته برخی از آنها مانند غسل و پوشیدن لباس پاکیزه، بین بیشتر اعمال عبادی، مشترک است و بعضی از آنها نیز به حالات و شرایط باطنی مربوط است؛ یعنی کار درونی و قلبی زایر است؛ مانند خضوع و خشوع، حضور قلب و توبه، دگرگونی منش و روش.

3. ادب عرفی، که بیشتر به زیست و روابط اجتماعی مربوط است، به طور مسلّم از آداب زیارات بیرون است و افزودن و دخالت دادن آن در آداب پرمغز متعالی، نوعی بدعت محسوب می‌شود.

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب خاص.

در این بخش، کوتاه از حالات منفی و حالات مثبت و کارکرد این دو و نیز از حقیقت و فلسفه حالات مثبت می‌نویسم و از مرتبه مزور و مراتب زیارت یاد می‌کنم:

1. انسان، موجودی است آزاد با گزینش‌های دلخواه؛ از این رو، حالات او، گمارده خود اوست و بر همین پایه، درونگاه او، یا فرودگاه فضایل است و یا انباری انباشته از رذایل. رذایل، شرایط باطنی انسان را فوق العاده می‌سازد و سو به سستی و نیستی می‌برد، اما فضایل، شرایط باطنی را رو به روال و سمت سامان، سوق می‌دهد؛ در واقع دل انسان را به گستره عوالم وجود، گشاده و فراخ می‌سازد و او را سزاوار به عالم اکبر، رهنمون می‌شود.

مرحوم شهید ثانی، در دومین آداب زیارت نوشته است: کسی که قصد زیارت

1- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 179- 219.

دارد اگر خشوع و نازک دلی یافت، وارد شود و الّا بهتر آن است که زیارت را به زمان دل نازکی واگذارد. چون مهم‌ترین هدف در زیارت، حضور قلب برای دریافت رحمتی است که از سوی پروردگار نازل می‌شود: و چون خشوع و رقّت قلب یافت وارد شود و گرنه بهتر، جست‌وجوی زمان رقّت قلب است؛ زیرا مهم‌ترین هدف، حضور قلب به منظور رسیدن به رحمتی است که از سوی پروردگار نازل است. (1) همچنین نهمین آداب زیارت را این دانسته است: قلب را در تمام احوال هرجور که می‌تواند حاضر کند. (2) و نیز پنجمین آداب زیارت را این دانسته است: زیارت به زبان مأثور است و سلام و حضور، کفایت می‌کند. (3) البته شاید مقصود از حضور در این‌جا، حاضر شدن در مزار باشد که بعید به نظر می‌رسد. چون می‌بایست حضور بر سلام، مقدم یاد می‌شد.

2. مقصود از حالات در این‌جا، شرایط مثبت باطنی است که طهارتی است از جنس باطن برای مس باطن حقیقت متعالی؛ گریزی است از خودخواهی به سوی خداخواهی؛ اذن دخول است برای تشرف به اندرونی حقیقت؛ درآمدی است برای گذر از پوسته و رسیدن به هسته و درک ژرفای حقیقت و حضور در محضر مزور و دریافت رضایت از دستان انسان کامل؛ «مهدیا، پیشتر و بیشتر از زیارت، رضایتت را آرزو دارم که بی‌زیارت می‌توانم سربلند و دل آرام بگذرانم، ولی بی‌رضایت تو، روزگاری هرچند هزاران بار به زیارت کعبه و عتبات عالیات حضور یافته باشم، سرافکنده و بدفرجام خواهم بود». (4) اساساً زایر واقعی و بهره‌مند کسی است که جانش را مالامال از فضایل کرده و با جانبخشی به زندگی‌اش، بین خود و مزور، سنخیت تام و تمام را برای رسیدن به

1- الدروس الشرعیّة فی فقه الإمامیة، ج 2، کتاب المزار، ص 23.

2- همان، ص 24.

3- همان، ص 23.

4- زمزمه‌های انتظار، ص 79.

آرزوهایش پدید آورده باشد. بوعلی، اتصال زایر با مزور را به نوعی پیش زمینه استمداد یاد کرده است. (1) قصور و تقصیر زایر در این مهم، جز او را محروم نمی‌سازد:
«گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟»

1. البته مرتبه و کمال زیارت شونده در تحرک حسی و حالات باطنی زیارت کننده و نگهداشت حرمت و حریم او دخالت دارد؛ زیرا «هر چه مزور برتر و کامل‌تر باشد، قصد جدی‌تر و درجه تکریم و تعظیم نیز برتر بوده که شاهد آن اظهار محبت و مودت جوانحی و ابراز طاعت و تبعیت جوارحی است؛ آن گونه که در زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی آن حضرت مشاهده می‌شود». (2) 2. باز البته این به معنای جواز ترک زیارت برای برخی از افراد نیست، بلکه به معنای ذومراتب بودن زیارت است. از این رو، اگر کسی به هر دلیلی بر زیارت متعالی و رو در رو، قدرت نداشت، نباید خود را از مراتب پایین‌تر زیارت و از راه دور، محروم سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله در ترغیب و تشویق مسلمانان به زیارت مرقدشان فرمودند:

«مَنْ زَارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی کَانَ کَمَنْ هَاجَرَ إِلَیَّ فِی حَیَاتِی فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِیعُوا فَابْعَثُوا إِلَیَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ یَبْلُغُنِی»؛ (3)

هر کس بعد از مرگم، مزارم را زیارت کند، مانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی من مهاجرت کرده است؛ و اگر نتواند مزارم را زیارت کند، پس به سویم سلام گسیل دارد؛ زیرا به من می‌رسد. و نیز امام صادق علیهم السلام فرمود:

«مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی صِلَتِنَا فَلْیَصِلْ صَالِحِی مَوَالِینَا وَ مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی زِیَارَتِنَا فَلْیَزُرْ صَالِحِی مَوَالِینَا یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ زِیَارَتِنَا»؛ (4)

کسی که نتواند به ما بپیوندد، با دوستان شایسته ما بپیوندد، و هر که

1- «ان النفوس الزائرة المتصلة بالبدن الغیر المفارقة تستمدّ من تلک النفوس المزور جلب خیر أو دفع ضررو أذی» ر. ک: رسائل ابن سینا، ص 338.

2- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 20.

3- التهذیب، ج 6، ص 79.

4- آثار الصادقین، ج 8، ص 51، ح 10917، به نقل از بحارالأنوار، ج 71، ص 354.

نتواند به‌دیدار ما آید، با دوستان شایسته ما دیدار کند، تا پاداش دیدار کردن ما برای او نوشته شود.
پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی.

زمان

اشاره

این بخش را در دو نگاه یاد می‌کنم:

نگاه اول

زمان در گذار ظاهری، ابر مانند بر بلندای همه اعمال، یکسان می‌گذرد، اما در گذار باطنی و مقدّر و بر پایه نگاه درون دینی و مذهبی، مثال ابری که آبستن رحمت است بر بالای زمین و اهل آن می‌گذرد، چنان‌که امیر سخن، آن تیزهوش بی مانند علیه السلام، گذار زمان را به گذار ابر، و خود زمان را به ابر، همانند فرمود:

«الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». (1)

فرصت، مثال گذار ابر، می‌گذرد. از این رو، دسته‌ای از اوقات با بعضی از اعمال، در فرود آمدن رحمت الهی، نقش و پیوند ویژه دارند، گویا ازدواجی است که پنهانی و رازگونه بین‌شان صورت یافته و از پس آبستن شدن زمان، فرزند استجابت و تعالی و تقرب، زاییده می‌شود. به تعبیر دانشور بلندپایه، مرحوم سید بن طاوس: همانا وقت‌های پذیرش، اسراری دارد که از آن خداوند است و جز با آیات و روایات شناخته نمی‌شوند. (2) و البته برابر با نظریه نوشته شده علامه حسن زاده آملی: «برخی به معقول نیز شناخته و با شعوری مرموز ادراک می‌شود»؛ (3) برای نمونه از عید مبعث یاد می‌کنم که فرجام پاییدن‌های مناسبت‌های زمانیه، واسطه جناب رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و آغازگاه

1- وسائل الشیعه، ج 6، ص 84، ح 21044.

2- اقبال الأعمال، ص 527.

3- رساله نور علی نور، فصل 5، ص 58.

دریافت‌های ویژه به شمار می‌آید. مبعث، پربارترین زمانه اعتنای خداوند به بشر و جلوه سزاواری انسان کامل برای همکلام شدن ذات اقدس یگانه با اوست.
شاید پس از این توضیح کوتاه، تکیه قرآن کریم و توصیه عالی جنابان عصمت علیهم السلام به برخی از اوقات، بیشتر فهمیده و قدرشناخته شود:
«وَاذْکُرُواْ اللَّهَ فِی أَیَّامٍ مَّعْدُودَ تٍ»؛ (1)
و خدا را در روزهایی معیّن یاد کنید.
«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بَِایَتِنَآ أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُمتِ إِلَی النُّورِ وَ ذَکّرْهُم بِأَیَّلمِ اللَّهِ إِنَّ فِی ذَ لِکَ لَأَیتٍ لّکُلّ صَبَّارٍ شَکُورٍ»؛ (2) و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم و به او فرمودیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این یادآوری، برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت‌هاست.
«قُل لّلَّذِینَ ءَامَنُواْ یَغْفِرُواْ لِلَّذِینَ لَایَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ لِیَجْزِیَ قَوْمَام بِمَا کَانُواْ یَکْسِبُونَ»؛ (3)
به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو: تا از کسانی که به روزهای پیروزی خدا امید ندارند درگذرند، تا خدا هر گروهی را به سبب آنچه مرتکب می‌شده‌اند به مجازات رساند.
ماه‌های ذی قعده، ذی حجه، رجب، شعبان، رمضان، شب‌های قدر، شب‌ها و روزها و عصرهای جمعه، هنگام غروب، همه از اوقات ویژه دانسته شدند و ویژه‌تر از همه، گاه سحر که جناب رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فرمود:
«خَیْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِیهِ الْأَسْحَار»؛ (4)
بهترین و سودمندترین زمانی که خدای عزوجل را در آن بخوانید، اوقات سحر است. هرچه می‌خواهی خبر، وقت سحر.
«روی ... أنّ زیارته الإمام الشهید أبو عبداللّٰه الحسین علیه السلام یوم عرفة بعشرین حجّة و عشرین عمرة مبرورة وعشرین غزوة مع النبی صلی الله علیه و آله أو الإمام علیه السلام» (5) بل روی: (6) «أنّ مطلق

1- سوره بقره، آیه 203.

2- سوره ابراهیم، آیه 5.

3- سوره جاثیه، آیه 14.

4- الكافى، ج 2، ص 478، ح 6.

5- ثواب الأعمال، ح 24، ص 115 لم اعتر على غير هذا.

6- وسائل الشيعة، باب 45، من ابواب المزار، ج 10، ص 348، ح 5.

زيارته خير من عشرين حجّة، و أنّ زيارته (1) يوم عرفة مع المعرفة بحقّه بألف ألف حجّة و ألف ألف عمرة متقبّلات و ألف غزوة مع النّبى أو الإمام»؛ (2) روايت شده است ... زيارت امام حسين عليه السلام در روز عرفه، با بيست حج و بيست عمره و بيست غزوه همراه با پيامبر صلى الله عليه و آله يا امام عليه السلام محسوب مى‌شود. بلكه روايت شده: زيارت امام حسين عليه السلام در هر زمانى باشد، از بيست حج، بهتر است، و زيارت آن حضرت در روز عرفه، از سر شناخت حق آن جناب، با هزاران حج و هزاران عمره قبول و هزار غزوه همراه پيامبر صلى الله عليه و آله و امام عليه السلام به شمار مى‌آيد.

«روى ... أن الجمع فى سنة واحدة بين زيارته ليلة عرفة و الفطر و ليلة النصف من شعبان بثواب ألف حجّة مبرورة و ألف عمرة متقبّلة و قضاء ألف حاجة للدنيا و الآخرة»؛ (3) گزارش شده است ... جمع(انجام) زيارت امام حسين عليه السلام بين زيارت شب عرفه و فطر و شب نيمه شعبان در يک سال، با ثواب هزار حج مبرور و هزار عمره قبول و برآورده شدن هزار حاجت دنيايى و آخرتى، برابر است.

«وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ (4)
هر كس او سيدالشهدا عليه السلام را در روز عاشورا زيارت كند، مانند زيارت كسى است كه خداوند را بالاى عرشش زيارت كرده باشد.

«روى ... زيارته يوم عاشوراء مع معرفته بحقّه كمن زار اللّه فوق عرشه»؛ (5) روايت شده ... زيارت با معرفت حق امام حسين عليه السلام مانند زيارت كسى است كه خدا را بالاى عرشش زيارت كرده باشد.

1- همان، باب 49، من ابواب المزار، ج 10، ص 359، ح 2.

2- الدروس الشرعيّة فقه الإماميّة، ج 2، كتاب المزار، ص 10.

3- همان، باب 54، من ابواب المزار، ج 10، ص 371، ح 2.

4- همان، باب 55، من ابواب المزار، ج 10، ص 371، ح 1.

5- همان.

این یادشده‌ها، مناسبت‌های زمانیه‌اند و مناسبت‌های زمانیه، از تمام‌ترین مناسبات‌اند و بی‌شک در خواستن و احوال و حالات نمازگزار و دعا و زیارت کننده، بسیار تأثیرگذار می‌باشند و فرصت تقرّب در آن، فراهم‌تر است. (1) مرحوم شهید ثانی، در چهاردهمین آداب زیارت نوشته است: زیارت از روی نیت در زمان‌های مشهور- مناسبت‌های ویژه- مستحب است. (2) امام رضا علیه السلام به بزنطی فرمود:
«احضر یوم الغدیر عند أمیرالمؤمنین علیه السلام ...»؛ (3)
روز غدیر نزد مزار امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شو. و بر همین پایه، «خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به ... زمانی مانند لیلة القدر ... توجه دارد». (4)

ابن الوقت/ ابوالوقت

معنای واژگانی «ابن الوقت» یعنی پسر وقت و معنای لغوی «ابوالوقت» یعنی پدر وقت، اما در اصطلاح اهل عرفان، خصوصیت جنسی ندارد، بلکه کسی(مرد یا زن) را گویند که فرصت‌ها را غنیمت بشمارد و با هوشیاری و راستی و به زیبایی و درستی از زمان‌های پیش آمده برای تقرب به پروردگار سود ببرد و برای همین منظور، همواره در کمین اوقات پیش آینده باشد.
اگر زایری بتواند «ابن الوقت» و یا برتر از آن «ابوالوقت» بشود و بماند؛ یعنی همواره در خواستن، چه خواستن، چگونه خواستن و احوال خویش هوشمندانه و یکدله، مناسبت‌ها و اولویت‌های زمانی آن را با راستی و درستی بپاید، بی‌شک دست به استجابت و تعالی و تقرب پروردگار رسانده و از صراط احوال ناپایدار، گذشته و در بهشت حال و مقام ماندگار، آرام یافته است.

1- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 27.

2- الدروس الشرعيّة فی فقه الإماميّة، ج 2، کتاب المزار، ص 24.

3- وسائل الشيعة، باب 28، من ابواب المزار، ج 10، ص 302، ح 1.

4- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 26.

نگاه دوم

زیارت هم مانند همه اعمال، از چنته و سیطره زمان، بیرون نیست و ناچار در آن، انجام می‌شود. به همین اعتبار، زیارت را می‌توان در سه دسته، رده‌بندی کرد:

الف) زیاراتی که هیچ، وقت ویژه‌ای ندارند؛ مثل زیارت مشاهد متبرکه.

ب) زیاراتی که در وقت فراخ، توصیه شده‌اند؛ مثل زیارت خانه خدا(حج عمره).

ج) زیاراتی که باید در زمان تنگ و اندک، انجام گیرند؛ مثل زیارت خانه خدا در ماه معین(حج تمتع) یا زیارت سیدالشهدا علیهم السلام در روز معین(اربعین یا شب جمعه).

پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک(که به آن توصیه شده است).

موضوع

اشاره

از آن جهت که موضوع زیارت، شیء، مکان و شخص را در بر می‌گیرد، درباره ویژگی یادشده با ترتیب به هر سه می‌پردازم:

1. شیء

در برخی از باورها، شیء نیز زیارت می‌شود، در آیین هندو مجسمه‌هایی که نمادی از خدایان آنها به شمار می‌آیند؛ در آئین بودا، مجسمه بودا؛ در اسلام(حجر الأسود)؛ در مسیحیت مجسمه مریم و عیسی مسیح، و ....
البته در غیر آیین اسلام، گویا به قصد حاجت و ثواب، زیارت می‌شوند، ولی در اسلام، حجر الأسود، تنها به قصد تبرّک و ثواب زیارت می‌شود و کسی به قصد روا شدن حاجت دنیایی‌اش آن را زیارت نمی‌کند.

2. مکان

زیارتگاه، مرقد، گور، آرامگاه و مزار، «زیارت جا، زیارتکده، زیارتگه». (1) کلماتی‌اند

1- فرهنگ بزرگ سخن، ج 5، ص 3921.

که برای مکان زیارت، کاربرد دارند؛ برای نمونه:
- زیارتگاه، واژه‌ای است ترکیبی از عربی- فارسی، به معنی:
«جای زیارت، مزار، مرقد امام یا امامزاده یا شخص بزرگ که مردم به زیارت آن بروند». (1)- مزار: «گور، آرامگاه». (2) «جای زیارت، زیارتگاه، در فارسی گور یا آرامگاه نیز می‌گویند. مزارات جمع». (3) البته چنان‌که می‌بینید جامع‌ترین ترجمه برای واژگان یادشده، محل و جای زیارت است؛ زیرا برخی از امکنه، زیارتگاه، مرقد، گور، آرامگاه و مزار کسی نیست، ولی با این حال، موضوع رسمی زیارت مردم است؛ مثل خانه خدا در باور مسلمانان.
چنان‌که برخی نوشتند: «زیارت گاه، زیارتگاه: مکانی مقدس(مانند آرامگاهِ بزرگان دین) که به زیارت آن می‌روند». (4)

1. امروزه بر پایه علوم جدید و کشفیات تازه، آثار وضعی و طبیعی مکان، غیرقابل انکار است و به همین سبب است که «همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا». (5) البته آثار وضعی و طبیعی مکان‌ها یکسان نیست؛ زیرا برخی از آنها به انسان، آرامش می‌دهند و بعضی از آنها دلگیرند.
2. مکان گرایی در دعا و زیارت، به صورت مقدس و خرافه، در فرهنگ‌های آیینی و بشری وجود داشته است:
الف) «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَ هِیمُ رَبّ اجْعَلْ هذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا ...»؛ (6)
و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان ....

1- فرهنگ عمید.

2- فرهنگ واژه‌های فارسی سره.

3- فرهنگ عمید.

4- فرهنگ بزرگ سخن، ج 5، ص 3921.

5- فصیح الزّمان شیرازی.

6- سوره ابراهیم، آیه 35.

«رَّبَّنَآ إِنّی أَسْکَنتُ مِن ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ»؛ (1)
پروردگارا، من یکی از فرزندانم را در دره‌ای بی‌کِشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم.
ب) «إِذْ قَالَتْ رَبّ ابْنِ لِی عِندَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ»؛ (2)
یاد آر زمانی را که همسر فرعون گفت: پروردگارا ...، پیش خود در بهشت، خانه‌ای برایم بساز.
ج) زیارت قبور، پیش از اسلام با قصد فخرفروشی، در میان مردم حجاز، مرسوم بوده است: «حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛ (3) تا این‌که به زیارت گورستان رفتید.
3. آثار معنوی و روحی مبارک و شگفت‌آور برخی از امکنه، از اراده‌ای فراسویی برمی‌آید؛ مثلاً «خداوند متعال به لحاظ ظرفیت، شأنیت و به هر دلیلی به مکانی مانند کعبه ... توجه دارد». (4) همچنین وقتی کسی به نام و یاد خدای متعال، اماکن عبادی مانند مسجد را بنا می‌کند، انسان با حضور در آن‌جا آرامش ویژه‌ای می‌یابد و از آن لذت می‌برد. مکان مقدس، دل و جان پیروان یک آیین را بیشتر به هم پیوند می‌دهد و نیز کالبدشان، همچنین دل و جسم حاجتمندانی از دیگر ادیان و مذاهب را نیز گرد خود جمع می‌کند. علاوه بر این، با حضور در این گونه مکان‌ها، فرصت تقرّب، فراهم‌تر است. (5)

1- سوره ابراهیم، آیه 37.

2- سوره تحریم، آیه 11.

3- سوره تکاثر، آیه 2.

4- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 26. «المواضع التی تجتمع فیها أبدان الزوّار و المزورین فإنّ فیها تکون‌الأذهان أکثر صفاءً و الخواطر أشدّ جمعاً و النفوس أحسن استعداداً کزیارة بیت اللّه تعالی و اجتماع العقائد علی أنّه الموضع الذی یزدلف به الی الحضرة الرّبوبیّة و یتقرّب به الی الجهه المعدّة الالهیّة و فیه حکم عجیبة فی خلاص النفوس من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر». در مواضع و مکان‌هایی که بارگاه و زیارتگاه مزار است، ذهن و حواس انسان از کدورت و تیرگی‌های روزمره پاک وصاف شده و شواغل و خواطر هم وجود ندارد، با ذهنی صاف و آماده و خاطری جمع و آرام،

استعداد و آمادگی بیشتری پیدا می‌کند تا از مزور بهره برتری بگیرد؛ مثلاَ در زیارت بیت اللّٰه تعالی انسان به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که برای او حاصل شده نزدیک است که به ساحت ربوبی و حضرت الهی راه بیابد و به جهتی روی آورد که حضور حضرت الهی فراهم آید.

5- فلسفه زیارت و آئین آن، ص 27.

این اعتنا در قرآن کریم نیز زیاد به چشم می‌آید و البته برخی از آنها، رمزآلود به نظر می‌رسد:
الف) «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِّلْعلَمِینَ». (1)
در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است.
«وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَ هِیمَ مَکَانَ الْبَیْتِ ....» (2)
به خاطر بیاور زمانی که برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم ....
«جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرَامَ ...»؛ (3) خدا کعبه را خانه حرام قرار داد ....
«فَلْیَعْبُدُواْ رَبَّ هذَا الْبَیْتِ»؛ (4)
پس باید خداوندِ این خانه را بپرستید.
«وَلْیَطَّوَّفُواْ بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ»؛ (5)
باید بر گرد آن خانه کهن کعبه طواف به جای آرند.
«وَ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ»؛ (6)
سوگند به آن خانه آباد خدا.
«وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ»؛ (7)
سوگند به این شهر امن و امان.
ب) «وَ الطُّورِ»؛ (8)
سوگند به طور.
«وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ* وَ طُورِ سِینِینَ»؛ (9)
سوگند به تین و زیتون، و طور سینا.
«فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی»؛ (10)
پای پوش خویش بیرون آور، که تو در وادی مقدس «طوی» هستی.
«إِذْ نَادَلهُ رَبُّهُو بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی»؛ (11)
آن‌گاه که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» ندا در داد.

1- سوره آل عمران، آیه 96.

2- سوره حج، آیه 26.

3- سوره مائده، آیه 97.

4- سوره قریش، آیه 3.

5- سوره حج، آیه 29.

6- سوره طور، آیه 4.

7- سوره تین، آیه 3.

8- سوره طور، آیه 1.

9- سوره تین، آیه 1 و 2.

10- . سوره طه، آیه 12.

11- . سوره نازعات، آیه 16.

ج) «سُبْحنَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِی لَیْلًا مّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِی بِرَکْنَا حَوْلَهُو لِنُرِیَهُو مِنْ ءَایتِنَآ ...»؛ (1)
منزه است آن خدایی که بنده‌اش را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی- که پیرامون آن را برکت قرار داده‌ایم- سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم ....
پس برخی از امکنه به صورت وضعی و طبیعی و نیز فراطبیعی و رمزگونه در روحیات و رسیدن به آمال و خواسته‌های انسان، اثر مثبت یا منفی دارند.
4. نکته درخور توجه این‌که: در همه باورها، چه زیارت از اشیاء باشد، چه از اشخاص، ناچار در یک مکان ویژه خواهد بود. از این رو، باید قید مکان را در تعریف زیارت، قید دائم الحضور دانست.
5. چنان‌که خوانده‌اید، مقصود از ویژگی مکان، امکنه مقدس و دارای بنیه اعتقادی- آسمانی است. از این رو، مکان‌هایی که از خیال و خرافه‌های پوچ و بی‌اساس بشری برآمده، از مفهوم زیارت بیرون دانسته شد.
6. برخی از نویسندگان، وجود بقاع و مشاهد در ایران و نیز معماری و تزیینات آنها را مدیون تفکر فضیلت‌مندی و ثواب‌داری زیارت قبور ائمه علیهم السلام و امامزاده‌ها دانستند: «بسیاری از بقاع و مشاهد در ایران، که هر یک از جهت معماری و تزیینات نیز در جای خود قابل توجه است، مدیون این طرز تفکر بوده است». (2) 7. «چه بسا کارهای بزرگی که از نظر ما بزرگ است و در نزد خدا پشیزی نمی‌ارزد.
شاید بسیاری از بناهای عظیم از معابد و مساجد و زیارتگاه‌ها و بیمارستان‌ها و پل‌ها و کاروانسراها و مدرسه‌ها چنین سرنوشتی داشته باشند، حسابش با خداست». (3)

مزور: «مزور مَ ع ص نعت مفعولی از زیارت. زیارت شده و دیده شده». (4)

1- سوره اسراء، آیه 1.

2- دایرة المعارف فارسی.

3- عدل الهی، ص 279.

4- لغت‌نامه دهخدا به نقل از منتهی الأرب، اقرب الموارد، ناظم الأطباء.

«آن‌که به زیارت او شده‌اند. زیارت کرده شده». (1)
شد تمام، القصه مسجد بی فتور بُد سلیمان زایر و مسجد مزور (2)
در این بخش به ترتیب بایسته‌هایی را یاد می‌کنم:
1. همواره، اصالت با پاک گهری انسان است. از این رو، ارجمندی مکان، شاخه‌ای از ارزشمندی انسان پاک نهاد، شمار می‌آید. اماکن خجسته، شرافت‌شان را وامدار ارج و آبروی کسانی هستند که در آن‌جا قرار گرفته‌اند و یا اثری در آن‌جا از آنها به جای مانده است، چنان‌که گفته شده: «شرف المکان بالمکین». بی‌شک اثر مکان، از اثر وجودی مکین است که در تار و پود مکان به جای مانده و مثال انرژی مثبت، از آن ساطع می‌شود و در روحیات و آرامش و خواهش دیگران اثر می‌گذارد.
«لَآ أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ* وَ أَنتَ حِلُم بِهذَا الْبَلَدِ»؛ (3)
سوگند به این شهر و حال آن‌که تو در این شهر جای داری.
مرحوم علامه مجلسی پای دو آیه یادشده نوشته است: خدای سبحان به مکه، سوگند یاد کرده و سوگندش را به درآمدن رسولش صلی الله علیه و آله در آن، مقید نموده است، تا افزونی فضلیت آن جناب را آشکار کرده باشد و تا آگهی دهد که شرف مکان، شرف اهل آن است. (4) 2. خداگرایی مخلصانه انسان کامل، با نگاه زمینی، همواره زمان را جلوتر بوده و این مهم همواره به نامش ثبت است، و با نگاه آسمانی، بیرون از درازنای وقت و طاقت مکان می‌باشد؛ بالاتر این‌که: زمان و مکان در قبضه یداللهی اوست و ملک طلق او محسوب می‌شود، حتی ارج و ارجمندی او از مکان و زمان خدایی نیز بیشتر است؛ او می‌تواند ماه، این ویژگی زمان‌ساز را به دو نیم، شکاف دهد و یا خورشید را فرمان براند و زمان را تازه کند؛ مکان نیز زیر پای اراده و تصرف اوست؛ اوست که در مکان

1- لغت‌نامه دهخدا.

2- مولوی.

3- سوره بلد، آیات 1 و 2.

4- بحار الأنوار، ج 18، ص 173.

موات، تازگی و شکوه می‌دمد و شگفت‌آور، دل‌های مرده را احیا می‌کند و آنان را مالک می‌شود، حتی می‌تواند آثاری را که در زمان و مکان خویش به جای گذارده است، به همه زمان‌ها و مکان‌ها تسری داده، در پهنای هستی و درازنای زمان و در همه جان‌ها تزریق کند. شاید اکنون روشن شده باشد که چرا امام صادق علیه السلام فرمود:

«زِيَارَةَ أَبِی عَلِیٍّ علیه السلام تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»؛ (1)

زیارت امام علی علیه السلام معادل دو حج تمتع و دو عمره است.

و نیز چرا دانشور شیعه، مرحوم بحرالعلوم رحمه الله در مقایسه بین کربلا و کعبه سروده بود:

و من حدیث کربلا و الکعبة لکربلا بان علوّ الرتبة (2)

درباره کربلا و کعبه باید گفت: برتری رتبه کربلا از کعبه، آشکار است.

انسان کامل با دست کشیدن بر سر بشر، خِردشان را افزون می‌کند، اندیشه و عمل‌شان را سامان می‌دهد و روحیات و زندگی‌شان را رونق و رمق می‌بخشد و زمان و مکان را دلکش و گیرا می‌سازد.

دلیل بر کارکرد نفوس قدسیه در نظام هستی

بدان که نفوس نیرومند قدسی، ویژه نفوس پیامبران و امامان علیهم السلام زمانی که بدن‌های شریف‌شان بر زمین می‌افتد و از آن جدا می‌شوند و به عالم تجرّد بالا می‌روند، در نهایت احاطه و استیلا بر این عالم، دیده‌وَر می‌شوند و این عالم در نظرشان پیدای بی‌پرده می‌گردد. از این رو، بر آنان که سرِ مزارشان برای زیات حاضر می‌شوند آگاهی دارند، به‌ویژه که مزارشان مشهد ارواح قدسیِ بلندپایه آنها و محل حضور کالبد برزخیِ نوری‌شان است؛ زیرا آنان در آن‌جا شاهدند «بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبّهِمْ يُرْزَقُونَ». (3)
بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. و به آنچه خدای‌شان داده، شاداند. پس آنها نسبت به زایران و حاضران مزارشان، و خواهش و توسّل و شفیع خواهی و ناله و زاری آنها، تمام علم و اطلاع را دارند. از این رو، دَمِش الطاف‌شان را بر

1- التهذیب، ج 6، ص 21، ح 5.

2- مفاتیح الجنان، آداب زیارت.

3- سوره آل عمران، آیه 169.

آنان می‌بخشند و رشحات انوارشان را بر آنها افاضه می‌کنند و در قضای حوایج‌شان، نزد خداوند شفیع می‌شوند و درخواست مقاصد و غفران گناهان و رفع اندوه‌شان را بر عهده می‌گیرند. (1)

1. در برابر این کرامت، برخی از انسان‌های توحید گریز با واپس‌گرایی، سامانی دل و جان و روان بشر را برهم می‌زنند و او را از فراز بر فرود می‌کشانند و زمان و مکان را دلگیر می‌سازند؛ مثال چشم زخمِ شور چشمی که سلامتی را از ما بستاند.
2. شخصیت‌هایی که مورد اهتمام و احترام در زیارت هستند را می‌توان در سه دسته، رده‌بندی کرد:
الف) پیامبران و پیشوایان دین؛
ب) علما و اندیشمندانی که برای روشنی بخشیدن به دیگران مانند شمع سوختند؛
ج) مجاهدانی که در راه مبارزه با ستم و برپایی عدالت، جان باختند. (2) 3. «حضور در پیشگاه شخص به جسم و جان، با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا، زیارت است». (3)

امام صادق علیه السلام به پسر خود فرمود:
«یَا بُنَیَّ إِذَا زُرْتَ فَزُرِ الْأَخْیَارَ وَ لَا تَزُرِ الْفُجَّارَ فَإِنَّهُمْ صَخْرَةٌ لَا یَنْفَجِرُ مَاؤُهَا وَ شَجَرَةٌ لَا یَخْضَرُّ وَرَقُهَا وَ أَرْضٌ لَا یَظْهَرُ عُشْبُهَا ....»؛ (4)
پسرم، اگر می‌خواهی زیارت کنی، خوبان را زیارت کن و فاجران را زیارت نکن؛ زیرا آنان صخره‌ای را می‌مانند که از آن، آب نمی‌جوشد و درختی را می‌مانند که برگ آن سبز نمی‌شود و زمینی را شبیه‌اند که گیاهی بر آن، ظاهر نمی‌شود ....

1- الزیارة فی الکتاب والسنة، ص 13 و 14.

2- همان، ص 12.

3- دایرة المعارف تشیع، ج 8، ص 564.

4- آثار الصادقین، ج 8، ص 52، ح 10919، به نقل از بحار الأنوار، ج 71، ص 354.

پس امکنه هم به خاطر شخصی که در آن‌جا زیسته یا مدفون است و یا اثری از او در آن‌جا به جای مانده، فرحبخش یا دلگیر می‌شود. اما مقصود از ویژگی مکان در مفهوم زیارت، مکانی نیست که اثر وضعی و طبیعی مثبت یا منفی دارد، همچنین مکان خرافی و مکانی که به خاطر فردِ دور از رحمت الهی، دارای اثر منفی است، از مفهوم حقیقی زیارت، بیرون است، و تنها مکانی در تعریف زیارت، دخالت دارد که به خاطر اراده الهی، دارای آثار واقعی و کارگر است؛ مانند کعبه، و نیز جایی که شخصیت آسمانی در آن زیسته و یا کالبدش در آن‌جا مدفون است، مانند شهر مدینه و مزار رسول اعظم صلی الله علیه و آله.

«از سنت‌های پسندیده در همه اقوام متمدّن، رفتن کنار قبور اموات و تجدید عهد با آنان است». (1) استاد شهید مطهری می‌نویسد: «من هر وقت به قم مشرف می‌شوم آرزو دارم قبر این مرد بزرگ عارف بزرگ مرحوم حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی از بزرگان اهل معرفت زمان را زیارت کنم». (2) پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک(که به آن توصیه شده است) با موضوع خاص(شیء، مکان یا شخص).

زبان، کلید و ابراز ارسال پیام است. ابزار ویژه‌ای است برای انتقال جَوَلان نوپدید ذهنی و تحولات فزاینده و کاهنده روحی. بروزگاه پویه‌های اندیشه‌ای و نمایشگاه دیگرگونی درونگاه انسانی است. گستره وجودی انسان و رمزآلودی و تودرتویی

1- دائرة المعارف تشیع، ج 8، ص 566.

2- فلسفه اخلاق، ص 211.

و توبرتویی او، هزاران زبان بازگفته دارد، اما زبان سربسته و نهفته، بیشتر است. زبان، پرکارترین عضو انسانی است که هیچ‌گاه خسته نمی‌شود و با سودمندی فراوان و آسیب بسیار، اتوبان بهشت و بزرگراه دوزخ است. از این رو، هر جوری، همه جا جای او نیست، به‌ویژه در دعوات و زیارات، هر زبانی را یارای
«لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها»
(و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید) و پدیدارسازی هر پیام و نیاز درونی نیست؛ پیام و نیاز مخصوص، زبان ویژه می‌خواهد. این ویژگی، در دعاها و زیارت‌ها با شرایط مخصوص، نقش ویژه‌ای را عهده دارد. وقتی «در روزگار کنونی مسأله زبان به طور خاصی موضوعیت یافته و فلسفه‌های تحلیل منطقی زبان در دستور کار متفکران قرار گرفته است». روا نیست که ما از ویژگی زبان در بازشناسی مفاهیم دینی، از جمله مفهوم زیارت، فراموشکار بمانیم.

مقصود از زبان عرفی در این‌جا، زبان خودساخته و اختراعی کسانی است که برای خواسته‌های شخصی، از پیش خود، ادعیه و زیارات عمومی می‌سازند و فرافکنانه به دیگران می‌آموزند. معمولاً دعاهای ذهن ساخت، دور از شناخت بایسته و ادب شایسته، حرمت و حریم درخواست شونده را پاس نمی‌دارد. این زبان در ادعیه و زیارات جورکرده و گردآوری شده، دور از آگاهی و در دامن نادانی، با بافته‌های خیالی، پایه و اساس آموزه‌های دینی را در باور مردم سست می‌کند؛ زیرا هیچ در آرامش و تعالی و برآورده شدن درخواست‌هایشان اثر ندارد. علاوه این‌که آنان را نسبت به دعاها و زیارات وارده از اهل بیت علیهم السلام بی‌رغبت می‌سازد و این زبان متعالی را در نظرشان خوار می‌کند. زبان عرفی در ادعیه و زیارات به کلید نادرست و خرابی می‌ماند که برای بازکردن درهای بسته، عمداً به دست فرد مستأصلی سپرده باشند.
«عبدالرحیم قصیر گوید: وارد بر امام صادق علیه السلام شدم و گفتم: فدایت شوم از پیش

خود دعایی اختراع کردم، امام فرمود: واگذار اختراع خود را! هرگاه تو را حاجتی باشد پناه به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیاور و دو رکعت نماز بخوان و آن را به حضرتش هدیه کن ...». (1) این زبان در مفهوم زیارت، جایی ندارد و از آن بیرون است.

مقصود از زبان دینی در این‌جا، زبانی است که از اهل بیت علیهم السلام برای ادعیه و زیارات، به ما رسیده است. وقتی اسم هرچیز، کلید آن است و هر اسمی از اسمای الهی، درهای ویژه‌ای را باز می‌کند، و این همه از سوی باری تعالی به اهل بیت علیهم السلام سپرده شده است، شایسته نیست، بلکه روا نیست که از اسم و کلید دیگر، آن هم از بیگانه این راه، استفاده کنیم.

کسی که بر لب کوثر چشید جام مراد دهان خویشتن از آب شورتر نکند

زبان خواستن باید به زبان کسی باشد که بلد این راه است و از راه‌های تودرتو و توبرتوی خواهش‌های انسانی، آگاهی دارد. آن‌که از قفل‌های وجودی انسان خبر دارد، می‌داند چه کلیدی برای گشایش کدام در بسته به‌کار می‌آید. و تنها دست زبان اوست که می‌تواند درهای بسته پیش روی ما را باز کند.

بر در شهر امید، دست تو راز کلید دیر رسیدم اگر مانده خجولم بده (2)

و اوست که از نیازها، خواسته‌ها، چه خواستن، چه وقت خواستن، کجا خواستن، چگونه خواستن بشر و از راز و رمز دعا و زیارت، آگاهی دارد، و مهم‌تر از همه این‌که:

نسبت به برآورده ساز(قاضی الحاجات) کمال معرفت را داراست. «وَلِلَّهِ الأَسْمَآءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»؛ (3)

و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید.

اوست که می‌داند زبان دعا و زیارت، زبان عجز و تضرع است، نه زبان غرور و لاف و بادسری و پرافادگی. «ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُو لَايُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ (4)

پروردگار خود

1- مفاتیح نوین، ص 217، به نقل از کافی، ج 3، ص 276، ح 1.

2- نگارنده.

3- سوره اعراف، آیه 180.

4- همان، آیه 55.

را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد.

زبان زیارت

زیارتنامه، واژه‌ای است عربی- فارسی. «دعاهایی که در وقت زیارت آرامگاه امام یا امامزاده‌ای از روی نوشته یا از بر می‌خوانند». (1) شهید ثانی نیز چنان‌که یاد کردم، پنجمین آداب زیارت را: زیارت به زبان مأثور و سلام و حضور. (2) دانسته و همچنین نوشته است: با زبان مأثور، زیارت کند. (3) و یا این‌که: متن دعا و اذن دخول، با زبان مأثور باشد. (4) و نیز در یازدهمین آداب زیارت نوشته است: و چون زمان خروج فرا رسید، وداع کند و با زبان مأثور، دعا بخواند. (5) پس در باور درون دینی و درون مذهبی ما، زبان دعا و زیارت، یک زبان دینی و مذهبی و اهل بیتی است. و این زبان رسمی است که در مفهوم زیارت، ویژگی نقش آفرین قلمداد می‌شود.

1. گاه زبان زیارت، درباره موضوع خاص، زمان ویژه‌ای را می‌طلبد، و گاه نیز علی رغم داشتن موضوع خاص، فرازمانی و فرامکانی است. از این رو، در مذهب ما واسطه عترت رسول صلی الله علیه و آله این ویژگان و خبرگان مناجات، زیارتنامه‌ها دو جور یاد شده‌اند:
الف) زیارات مخصوص: زیارت‌هایی که در موضوع خاص وارد شده‌اند و باید در وقت معیّن خوانده شوند؛ مثل زیارت عاشورا، عرفه، اربعین و ....
ب) زیارات مطلقه: زیاراتی که در موضوع خاص وارد شده‌اند و می‌توان آنها را در

1- فرهنگ عمید.

2- الدروس الشرعیّة فی فقه الإمامیّة، ج 2، ص کتاب المزار، ص 23.

3- همان، ص 12.

4- همان، ص 23.

5- همان، ص 24.

هر جا و هر وقت خواند؛ مانند زیارت وارث و امین اللّٰه و ....
2. از ویژگی‌های یادشده در مفهوم زیارت، زمان و مکان و زبان، برای زایر، به‌ویژه در ادیان آسمانی، معقول تعیین شده است، اما تحقق نیت و عمل حسی، شرایط ظاهری و حالات را با ارائه آن، دور از اختراع از او خواسته‌اند.
پس زیارت، واقعیتی است اصیل و عملی است حسی، عبادی، با آداب مخصوص و حالات متعالی، در زمان فراخ یا اندک(که به آن توصیه شده است) با موضوع خاص(شیء، مکان یا شخص) و با زبان دینی(وارده از اهل بیت علیهم السلام).

هدف

زیارت از جنس و سنخ خواستن به نظر می‌آید. چون دیداری است پر از خواهش، ولی یک کشش و نیاز نفسانی با اهداف متفاوت و پرمراتب است. در بیان هدف زیارت که آن را رکن اساسی زیارت می‌دانم می‌نویسم: مقصد و مقصود زایر را می‌توان در سه دسته، رده‌بندی کرد:
الف) مکانی که جسم مزور در آن به خاک شده و یا به دلیل دیگر از او قدسیت یافته است.
ب) نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت(به تعبیر بوعلی). (1) ج) نفس مزور.
سه رده یادشده، از اهداف زیارت، به شمار می‌آیند و به استعداد و بینش و آگاهی زایر باز می‌گردند. بیان رده نخست، در ویژگی موضوع، یاد شد؛ نیاز به خیر و دفع

1- برخی با توجه به اهداف زیارت، آن را در دو رده یاد کردند: زیارت اهل قبور و زیارت اولیای الهی، که اولی با هدف سودرسانی است؛ چون آنان نیازمند و رنجوراند، و دومی به نیتِ سودبری است؛ چون آنها دارنده و گنجوراند. «مطلق زیارت اهل قبور برای طلب رحمت و نثار فاتحه و دعا برای مغفرت آنهاست، ولی زیارت اولیا شکل طلب رحمت و مغفرت ندارد، بلکه نوعی ستایش و درود است. سلام است؛ تمجید و ثناست». ر. ک: یادداشت‌های استاد مطهری، ج 5، ص 413.

ضرر و اذیت [(1)] نیز همه فهم است، اما در بیان رده سوم باید بنویسم: معمولاً زیارت، التقا و مصب دو نفس است؛ زایر و مزور در بیشتر زیارات، دو نفس انسانی است؛ [(2)] جسم زایر در زیارت به منزله مرکبی است که بر آن سوار می‌شود تا به مقصد و مقصود خود برسد و مرسوماً جسم مزور نیز هدف زیارت نیست، حتی برای زایران عوام و خواص که به خاطر نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت به زیارت آمده‌اند، نفس مزور و مزار او هم هدف نمی‌باشد، بلکه معمولاً از قرار گرفتن در کنار خاک و نفس او، بیشتر مؤثر بودنش در نظام هستی و قدرتش در رواسازی خواهش‌ها را هدف قرار می‌دهند که البته شاید کمی خودخواهانه به نظر برسد؛ و این بدان خاطر است که وضعیت به هم ریخته موجودشان، یعنی نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت، حجاب‌شان شده و آنها را از نفس مزور بی‌خبر ساخته است. از این رو، جز این نمی‌خواهند. چون خواستن، فرع بر دانستن است و آنها از خیر بالاتر بی‌خبراند و چون نمی‌دانند، نمی‌خواهند. به همین سبب، هم سطح و هم سنخ با استعداد و بینش و آگاهی‌شان، استمداد دارند و طلبی جز خیر یا دفع ضرر و اذیتی که می‌فهمند ندارند! که البته از نگاه عشق بازانِ دلداده، مزور متعالی در این سطح از استعداد و بینش و آگاهی و استمداد، فقط عمله اجابت دانسته و به زیر کشانده شده است! اما در استعداد و بینش و آگاهی متعالی، استمداد هم متعالی است و رنگ و بوی محبوب گرایی دارد.

هر کس ز درِ تو حاجتی می‌خواهد من آمده ام از تو، تو را می‌خواهم

زایر عشق بازِ دلداده در این رده از زیارت و در یک کشش نفسانی، بر مرکب جسم می‌نشیند و خاطرخواهانه بدون چشم داشت مادی، با گذشت از خود و به قصد

1- ر. ک: رسائل ابن سینا، ص 338.

2- «الموت یوجب سلب العلاقة الصوریة لا المادیة ولهذا شرّع زیارة الأموات». مرگ موجب قطع علاقه‌صوری می‌شود، اما علاقه مادی همچنان پایدار است و از همین جهت زیارت قبور تشریع و جایز شمرده شده است. ر. ک: تعلیقات علی شرح فصوص الحکم ومصباح الأنس، ص 174 و 175.

وصال مزور، آگاهانه آهنگ او می‌کند و وضعیت موجودش هرچه باشد(نیاز به خیر یا دفع ضرر و اذیت)، حس حضورش را نمی‌دزد، و نگاهش را به زمین نمی‌دوزد و از دِهِش‌های جمالی دلبر و دلدار باز نمی‌ماند. از این رو، استعداد نفسانی و بینش و آگاهی‌اش را با استمداد آسمانی در می‌آمیزد و طلبی جز این مطلوب ندارد. اساساً او چون از خیرات فرازین باخبر است می‌طلبد و چون می‌داند، می‌خواهد. بدین جهت، بسنده کردن به خواهش‌های فرودین، با استعداد و بینش و آگاهی‌اش سازگار نیست و برایش به زندگی اجباری زیر خط فهم و گرفتاری در دوزخ می‌ماند.

دیدار پرآب و مشوب کجا و زیارت نابِ محبوب کجا؟! گوارا این زیارت به کام کسانی که تنها به قصد اتصال با نفس مزور، گام برداشته‌اند و چونان قطره، یکی شدن با دریا را آرزو می‌کنند و با گرفتن صد در دامن، نود را نیز پیش رو دارند؛ الحق و الانصاف، زیارت حقیقی، همین است؛ بلکه نزدیک به بالاترین مرتبه غیر معمول زیارات و از سنخ و جنس زیارت اللّه است: «اللّهم اجعلنی مِن زُوّارک»؛

(1) بار خدایا، مرااز زایران خویش قرار ده.

زیارت بیت اللّه کجا و زیارت اللّه کجا؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «شغلنی عن مسألته لذّة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر إلی وجهه الکریم»؛ (2) لذّتی که از خدمت حضرت حق می‌برم مرا از هر خواهشی بازداشته است: حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.

1- بحارالأنوار، ج 18، ص 377. «در خصوص زیارت خداوند نیز که در دعای «اللهم اجعلنی من زوّارک» آمده است به معنای قصدکنندگان به سوی او و پناه آورندگان به درگاهش تفسیر شده است.(مجمع البحرین، ج 1، ربع 2، ماده زور، ص 304). بدیهی است که چنین معنا و حقیقتی حضور واقعی و اصیل زایر در نزد مزور را به همراه دارد و از این رو، اگر زیارت به «حضور زایر در نزد مزور» معنا شد، این تعریف به لازم معناست؛ البته لازم بیّن و حتمی آن معنا». ر. ک: فلسفه زیارت و آئین آن، ص 20. البته در لازم بیّن و حتمی بودن آن، تأمّل است. نگارنده.

2- نهج الحیاة(فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، ص 99، ح 56.

روزی که برفتند حریفان پی هر کار زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه (1)
کی نوبت ما می‌شود، اللّه داند کی این قفس وا می‌شود، اللّه داند
کی طور دل از آن اناالحق نام گیرد کی سینه سینا می‌شود، اللّه داند
در صحنه‌ام، امیدوارم، انتظارم کی صبر معنا می‌شود، اللّه داند
جانم به جان آید در آن هنگامه بزم وقتی که برپا می‌شود، اللّه داند (2)
دست‌یابی به حقیقت یادشده که کامل‌ترین مرتبه زیارت است، مشروط به پشت پا زدن به همه رذایل و روی آوردن به تمامی فضایل و نیز منوط به همگونی و همراهی فکر و خیال و قلب و زبان و عمل با آموزه‌های شریعت است: در این‌جا سزاوار اشاره است که خطیبان و عالمان می‌بایست مسلمانان را به آداب درست زیارت، ارشاد و توجیه کنند و آنان را به آنچه در دنیا و آخرت سودشان می‌بخشد یادآور شوند، تا زایر دریابد که حضور در مزارِ شریف، وسیله‌ای برای یادکرد است و از عمل به شریعت و دین و سنت و تخلق به اخلاق، جدا نیست. (3) و اگر جز این باشد، مردود و به خودخواهی و فریب، محکوم است:
برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه
شهید ثانی، دوازدهمین آداب زیارت را این می‌داند: زایر می‌بایست پس از زیارت، بهتر از قبل باشد؛ زیرا اگر او به قبول دست رسانده باشد، بارهای سنگین را به زمین گذاشته است. (4)

1- دیوان کامل شیخ بهایی، ص 161.

2- نگارنده.

3- الزیارة فی الکتاب والسنة، ص 86.

4- الدروس الشرعیّة فی فقه الإمامیّة، ج 2، کتاب المزار، ص 24.

پس، زیارت آن است که در اندیشه و عمل، کارگر بیفتد و زیست فردی و اجتماعی را محتوا ببخشد. زیارت، نفخه‌ای نو در کالبد زیستن و ترجمانی از «نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی» (1) است. زیارت آن است که کاسه کسبِ دل و جان و عقیده زایر را پر کند و برکت را بر دامن زندگی عمل او سرازیر سازد.

زیارت آن است که حظّ حضور زایر را با محضر مزور در آمیزد.

زیارت آن است که برات رضایت حق را به دست زایر، هدیه دهد.

حرف‌های آخر

اشاره

در پایان، از خاستگاه و فلسفه زیارت همراه با نکته‌هایی و نیز از نتیجه پژوهش، هموند و همگون با آنچه نگاشته‌ام یاد می‌کنم که البته برخی از اینها برای پژوهندگان علاقه‌مند، جهت پژوهشی تازه، به ویژه در نگاه درون دینی و مذهبی، دست‌مایه خوبی به نظر می‌رسد:

1. خاستگاه زیارت

زیارت انسان از دوست صمیمی یا از کسی که با او پیوند روحی یا مادی داشته است، از اموری شمار می‌آید که دل و جان سالم بدان اشتیاق دارد. (2) از این رو، روا نیست دینی که اساسش بر فطرت استوار است، با این عمل مخالفت ورزد یا انسان را از نزدیک شدن و رودرویی با دوستانش باز بدارد، بلکه بر عهده اسلام است که آن را تعریف و آدابش را یاد کند و از برخی اموری که در نهاد زیارت، وارد نیست ممانعت ورزد. (3) انسان نسبت به معشوق و محبوبش، علاقه‌ای دارد که با مرگ آن معشوق و محبوب، قطع نمی‌شود، بلکه بعد از فراق او هم به شکلی خاص آن را نگه می‌دارد؛ و

1- سوره حجر، آیه 29.

2- الزیارة فی الکتاب و السنة، ص 9.

3- همان.

این، نکته‌ای است که انسان از صمیم قلبش آن را حس می‌کند. از این رو، بر شریعت آسمانی که پاسخ فطرت است روا نیست که انسان را از چنین علاقه‌ای منع کند، بلکه عهده اوست که آن را میانه و حدّ دار سازد و اضافات را از آن ازاله کند. (1) کوتاه سخن این‌که: زیارت، نمایِ عشقی پایدار است.

2. فلسفه زیارت

زیارت شخصیت‌های بزرگ و قدیسان صاحب رساله، آثار مثبتی است که گاه به زایر و گاه مزور باز می‌گردد:
اما نخست: همانا زیارت پیوست بین کامل و کسی است که کمال را می‌خواهد.
پس ماندگاری این پیوستگی به این است که او چشم خود را برای تخلق به اخلاق کامل، تیز کند و راه و روش او را پیروی کند و عهد با او را تجدید سازد. (2) و دوم، یعنی آثار مثبتی که به مزور باز می‌گردد، این است که زیارت شخصیت‌های بزرگ، جاودان سازی یادشان و برجسته سازی رساله‌های آنان در اذهان است. (3) پس اگر ما زیارت را از قاموس زندگی‌مان حذف کنیم و مزار بزرگان و قدیسان را رها سازیم و بر خانه‌هایشان قفل بزنیم و سال‌ها درباره آثارشان تلاشی نکنیم، همانا آثارشان را در معرض نابودی و تباهی قرار داده‌ایم! (4) در صورتی که زیارت، بخشی از نیازهای روحی و زندگی معنوی و اجتماعی است. در زیارت، تلقین و تعلیماتی است که انسان زایر را از جهل و گمراهی نجات می‌دهد و او را به سمت و سوی زندگی شایسته فردی و اجتماعی رهنمون می‌شود.
چنان‌که «زیارت آن بزرگواران(معصومان) به شکلی که در بالا گفته شد و به عنوان «اولیاء اللّه» و درخواست از آنان به عنوان «شفیعان درگاه الهی» و «عباد صالحین

1- همان، ص 15.

2- همان، ص 83.

3- همان، ص 84.

4- همان.

پروردگار» عین توحید و یکتاپرستی است، و سبب پرورش روح تقوا و ایمان است». (1) «کسی که کم‌ترین آشنایی با مسایل روانی و روحیه الگوپذیری انسان داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر زایری با توجه و حضور قلب و با عنایت به «محتوای بلند کلمات و جملات زیارات» در حرم آن بزرگواران حضور یابد، در هر جمله‌ای از این زیارات یک درس مهم تربیتی و انسان ساز نهفته است». (2) از این رو، با صراحت و افتخار می‌توان نوشت: پرمحتواترین، زیباترین، واقعی‌ترین و متعالی‌ترین زیارات، زیارات مأثوره شیعی‌اند.

کوتاه اشاره می‌کنم که زیارتِ متعارف در مذهب تشیّع، شرک نیست. استاد شهید مطهری در این خصوص می‌نویسد: «انبیا و اولیا راه‌های خدا هستند: أَنْتُمُ السَّبِیلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ؛ (3) شمایید راه بزرگ و صراط پایدار. آنان علامت‌ها و نشانه‌های سیر الی اللّه هستند: وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَ مَنَاراً فِی بِلَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ عَلَی صِرَاطِهِ؛ (4) و نماینده خود برای بندگان و علامت روشن در بلاد عالم و راهنمایان صراط مستقیم خود گردانید.

هادیان و راهنمایان به سوی حق می‌باشند: ... الدُّعَاةِ إِلَی اللَّهِ وَ الْأَدِلَّاءِ عَلَی مَرْضَاةِ اللَّه؛ (5) داعیان به سوی خدا، راهنمایان بر خشنودی خداوند.

پس مسأله این نیست که توسل و زیارت و خواندن اولیا و انتظار، کاری مافوق الطبیعی از آنها شرک است، مسأله چیز دیگر است. اولاً باید بدانیم انبیا و اولیا چنین صفودی در مراتب قرب الهی کرده‌اند که از ناحیه حق تا این حد مورد موهبت واقع شده باشند یا نه؟ از قرآن کریم استفاده می‌شود که خداوند به پاره‌ای از بندگان خود

1- مفاتیح نوین، ص 207.

2- همان.

3- «انْتُمُ الصّراطُ الأقْوَمُ(السَّبِیلُ الأعْظَمُ)» بخشی از زیارت جامعه کبیره.

4- همان.

5- همان.

چنین مقامات و درجاتی عنایت کرده است». (1) مسأله دیگر این است که آیا مردمی که توسلات پیدا می‌کنند و به زیارت می‌روند و حاجت می‌خواهند، از نظر توحیدی درک صحیحی دارند یا ندارند؟ آیا واقعاً با نظر(به سوی اویی) به زیارت می‌روند یا با فراموشی(او) و مقصد قرار دادن شخص زیارت شده که بدون شک اکثریت مردم با چنان توجه غریزی به زیارت می‌روند.

ممکن است اقلیتی هم باشند که فاقد درک توحیدی- ولو در حد غریزی- باشند، به آنها باید توحید آموخت، نه آن‌که زیارت را شرک دانست». (2)

پس از بازشناسی ویژگی‌های برجسته و متعارفِ رُکنی و نقش آفرین در مفهوم زیارت، به این نظر، دست رسانده‌ام که: زیارت در یک نگاه آزادِ برون دینی و مذهبی و دور از جانبداری، مفهومی بسیار گسترده دارد و نمی‌شود آن را در یک حدِّ فراگیر، محدود ساخت. از این رو، بر این باورم که زیارت، دارای مجموعه‌ای بی‌شمار از ویژگی‌های گوناگونِ متعارف و غیر متعارف است که در یک حدّ نمی‌گنجد؛ زیرا هم شاملِ آفریدگار می‌شود: «اللهم اجعلنی من زوّارک»، هم شامل آفریده‌ها: ذوی العقول و غیر ذوی العقول، عناصر مختلف، اهریمنی و غیر اهریمنی، زنده و مرده، زمینی و آسمانی، فیزیکی و متافیزیکی، جسم و روح، خوراکی و غیر خوراکی و ... در سطوح متفاوت و مراتب مختلف.
از این رو، تعریفِ جامعِ زیارت، ناممکن به نظر می‌رسد، و به همین سبب من در این وجیزه، تنها به ویژگی‌های برجسته و متعارف آن پرداخته‌ام.

1- ر. ک: رساله ولاءها وولایتها.

2- مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی(جهان‌بینی توحیدی)، ج 2، ص 79 و 80.

فهرست منابع

1. قرآن کریم، ترجمه آقای فولادوند.
2. آثارالصادقین، حاج شیخ صادق احسانبخش، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، رشت، چاپ اول، تابستان، 1369.
3. ادیان شرق، محمدعلی رستمیان و علی موحدیان، در دست چاپ.
4. التهذیب، شیخ طوسی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 10 جلد، 1365.
5. إقبال الأعمال، سیدبن طاوس، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1367.
6. بحارالأنوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت- لبنان، 1404 ق.
7. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الأنس، روح اللَّه الموسوی(امام خمینی)، پاسدار اسلام، قم، 1416 ق.
8. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، شریف رضی، قم، 1364.
9. دائرةالمعارف الأسلامیة الشیعة، حسن الأمین، دار التعارف للمطبوعات، لبنان، بیروت، الطبعة السادسة، 1422 ق/ 2002 م.
10. دائرةالمعارف المسماة بمقتبس الأثر و مجدّد مادثر، الشیخ محمد حسین الشیخ سلیمان الأعلمی المهرجانی الحائری، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، کربلا، الطبعة الأولی، 1388 ق- 1968 م.
11. دانش‌نامه دین، زیارت در آیین هندو، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، قم، سال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار 1385.
12. دایرةالمعارف تشیع،(نویسنده مقاله: مهدی حائری) زیر نظر احمدصدر حاج سیدجوادی، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نشر شهید سعید محبی، تهران، چاپ اول، 1379.
13. دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، امیرکبیر، تهران، 1380.
14. الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، الشیخ شمس الدین محمد بن مکی العاملی(الشهید الأول)، مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الاولی، 1414 ق.

15. دیوان کامل شیخ بهایی(شامل اشعار و آثار فارسی)، با مقدمه استاد سعید نفیسی، چکامه، تهران، 1362.
16. رسائل ابن سینا، ابو علی حسین بن عبداللّه سینا معروف به شیخ الرئیس، بیدار، قم، 1400 ق.
17. رساله نور علی نور، علامه حسن حسن‌زاده آملی، تشیع، قم، 1375.
18. زبان قرآن، مسعود فراستخواه، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، 1376.
19. زمزمه‌های انتظار، محمدهادی فلاح، مرکز مهدویت، قم، چاپ اول، بهار 1385.
20. الزیارة فی الکتاب و السنة(تحلیل لمفهوم الزیارة و آثارها و أحکامها)، جعفر سبحانی، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
21. عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ هفتم، 1372.
22. فرهنگ بزرگ جامع نوین(عربی به فارسی)، ترجمه المنجد، لویس معلوف، مترجم: احمد سیاح، اسلام، تهران، چاپ پنجم، 1384.
23. فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی دکتر حسن انوری، انتشارات سخن، تهران، چاپ دوم، 1381.
24. فرهنگ عمید، حسن عمید.
25. فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی(عربی به فارسی همراه با معادل انگلیسی)، سیدمحمد حسینی، سروش، تهران، چاپ اول، 1382.
26. فرهنگ واژه‌های فارسی سره(برای واژه‌های عربی در فارسی معاصر)، فریده رازی، نشر مرکز، تهران، چاپ چهارم، 1380.
27. فلسفه اخلاق، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ یازده، 1372.
28. فلسفه زیارت و آئین آن، مرتضی واعظ جوادی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم، 1385.
29. الکافی، ثقةالإسلام کلینی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، 1365.
30. کامل‌الزیارات، ابن قولویه قمی، مرتضویه، نجف اشرف، 1356.

ص: 118

31. گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ چهاردهم، 1373.
32. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.
33. مجمع البحرین، شیخ فخر الدین طریحی، تحقیق: احمد حسینی، انتشارات ایران، تهران، 1375.
34. مستدرک الوسائل، محدث میرزا حسین نوری، مؤسسة آل البیت، قم، 1408 ق.
35. معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، مؤلف، چاپ دوم، 1376.
36. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
37. مفاتیح نوین، مکارم شیرازی و همکاران(احمد قدسی و سعید داودی)، مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ ششم، 1386.
38. مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، دارالأضواء، بیروت، 1405 ق.
39. مفردات الفاظ القرآن الکریم، راغب الأصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داوودی، طلیعةالنور، چاپ الأولی، بی جا، 1426 ق.
40. مقدّمه‌ای بر جهان بینی اسلامی(جهان بینی توحیدی)، شهید مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ ششم، 1372.
41. المنجد فی اللغة، لویس معلوف، انتشارات اسلام، چاپ سوم، 1383.
42. نهج الحیاة(فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، 1372.
43. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، 29 جلدی، 1409 ق.
44. یادداشت‌های استاد مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ دوم، 1383.

3. صفای زیارت

اشاره

غلامرضا گُلی زواره

چکیده

در منابع روایی ما آمده است که برای هر امامی پیمانی برگردن پیروانش می‌باشد.
وفای به این میثاق هنگامی کامل می‌گردد که مراقد آن بزرگواران زیارت شود. از این رو زیارت تجدید دیدار و عهد و پیمان زایر با امام معصوم و انسان کامل است. زیرا زایر به وسیله زیارت، رشته مودت خود را محکم می‌کند و میزان اطاعت از دستورات امام خویش را افزایش می‌دهد. و با تکیه بر مضامین آموزنده زیارتنامه مأثور و مستند که از اهل بیت رسیده است با مقام معصومین و یا اولاد کرام آنان ارتباط قلبی و معنوی برقرار می‌کند.
برخی دیگر از مباحث این نوشتار مطالبی است که در ذیل این عناوین آمده است:
معنای زیارت، متون زیارتی، زیارت در قرآن، سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار در زیارت، روش علما و حکما و عرفا، حکمت زیارت، نقش تربیتی زیارت، بصیرت زایر، آداب زیارت، آفات زیارت و ...
کلیدواژه‌ها: زایر، زیارت، ائمه اطهار، معصومین، ادب زیارت.

معنای زیارت

زیارت در لغت دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است، گویی زایر از دیگران روی گردانیده و به سوی زیارت شونده قصد کرده است. (1) در عُرف عموم مردم، قصد زیارت کننده یک نوع اکرام و تعظیم

1- معجم مقاييس اللغة، ج 3، ص 36.

می‌باشد. (1) همچنین زایر با نوعی امیدواری به سوی زیارت شونده می‌رود و در صدد است بر اثر ارتباطی معنوی، یا از بار گناهان و خطاهای خود کم کند، یا آن که با این حضور روحانی از گرفتاری‌های خویش بکاهد.
در هر حال زایر در این برنامه با برکت و معنوی یک نوع ترقی و تعالی را طالب است و می‌خواهد ظرفیت‌های خویش را به سوی خوبی‌ها و خصلت‌های ارزنده ارتقا دهد. (2) زیارت معصومین در حال حیات یا پس از شهادت تفاوتی ندارد؛ چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قتلوا فی سَبیلِ اللّٰه امْواتاً بَلْ احْیاءٌ عِنْدَ رَبَّهُمْ یُرْزَقونَ» (3)
و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.
مقصود اصلی زیارت این است که انسان مسلمان و معتقد، به مشاهد متبرک و بقاع مقدس برود و با تکیه بر متون مأثور و مستند که از اهل بیت رسیده است با مقام معصومین یا اولاد آنان ارتباط قلبی و معنوی برقرار کند، امّا گاهی این اتصال روحانی از راه دور برقرار می‌گردد. در اعمال عبادی سیاسی حج نیز خانه خدا طی اعمال خاصی توسط حاجیان زیارت می‌شود.
علاوه بر این، زیارت قبور مؤمنین و مؤمنات نیز در این مقوله می‌گنجد که استحباب آن در منابع روایی مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است و فواید اخلاقی و مزایای عبرت‌انگیزی دارد. نوع دیگر زیارت، دیدار مؤمنان در حال زنده بودنشان، هنگام سلامتی یا بیماری است که از جمله آداب مهم دینی و اجتماعی است و در احادیث معتبر به آن تأکید شده و پاداش‌های فراوانی برای این عمل خیر بیان گردیده است، زیارت برادران دینی نیز آدابی دارد و باید برای میزبان تکلّف و زحمت به

1- مجمع البحرین، ج 2، ص 305؛ المصباح المنیر، ص 354.

2- کشف الارتیاب، ص 459؛ دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج 12، ص 67.

3- سوره آل عمران، آیه 169.

وجود نیاورد، میزبان باید به استقبال زیارت کننده بیاید و در تکریم او بکوشد و در حد توان از وی پذیرایی کند. (1) گاهی دیدار با مشاهیر و علما و شخصیت‌های برجسته دینی نیز مفهوم زیارت را در ذهن متبادر می‌کند. (2)

در بسیاری از منابع شیعی متون ارزشمندی به عنوان زیارتنامه از امامان نقل شده است. متن‌هایی که به کمک آنها می‌توان یکی از ائمه اطهار یا اولادشان را زیارت کرد، از متون معتبر و مستند هستند که امام معصوم نقل نموده و یا توسط ائمه هدی به خواندن آنها تأکید گردیده است. عبارت‌های فصیح، جمله بندی‌های ظریف، معانی دقیق، محتوای سازنده و رشد دهنده، مضامینی که عقاید شیعه را مطرح می‌کند، جبهه‌گیری در برابر ستمگران و دفاع از مظلومان و محرومان، همراهی با حماسه آفرینان و تقاضای همگامی با نوریان و پاکان و نفرت از اهل شرارت، از ویژگی‌های مهم متون زیارتی می‌باشد. شیوایی کلام، والایی مضمون و معارف و کمالاتی که در زیارتنامه‌های مستند موج می‌زند خود گویای اصالت و مُعرّف دانش ارجمند و الهی گوینده آن است.

زیارت جامعه کبیره از جمله متون بسیار معتبری است که هر یک از ائمه اطهار را می‌توان با آن زیارت کرد، این زیارتنامه به سندهای موثق از امام هادی علیه السلام روایت شده و جمع بسیاری از علما و مؤمنین به خواندن آن مداومت داشته و دارند. سند آن به موسی بن عبداللّٰه نخعی می‌رسد که امام هادی علیه السلام وی را به این متن بلیغ و کامل برای زیارت هر کدام از امامان تعلیم فرموده است. (3) زیارت آل یس، زیارت رجبیه و

1- دائرة المعارف تشیع، ج 8، ص 566.

2- لغت‌نامه دهخدا، ج 9، ص 13054.

3- این زیارت در من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 3؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 277؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 95 و دیگر منابع روایی نقل شده است.

زیارت عاشورا نیز شهرت فراوانی دارند. در کتاب‌هایی چون کامل الزیارات ابن قولویه، مصباح المتهجد شیخ محمّد بن جعفر مشهدی، مهج الدعوات ابن طاووس، المزار الکبیر شیخ محمّدبن بهایی، تحفة الزائر علامه مجلسی و نیز مصباح المنیر و مفاتیح الجنان، متون زیارتی متعددی درج گردیده است. (1)

در قرآن کریم درباره اصحاب کهف می‌خوانیم: «قالَ الّذین غَلَبُوا عَلی امرهم لَنَتخّذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجداً» (2)
(آنان که از رازشان آگاهی یافتند و ماجرای آنها را دلیلی بر روز رستاخیز دیدند) گفتند: ما در کنار(مدفن) آنها مسجدی بنا می‌کنیم(تا یاد و خاطره آنان فراموش نگردد). این موضوع نشان می‌دهد که ساختن عبادتگاه، مرقد و بارگاه به احترام بزرگان دین، نه تنها خلاف شرع نمی‌باشد- و آن چنان که فرقه منحرف وهّابی حرام می‌پندارند نیست- بلکه جایز و کار خوب و شایسته‌ای خواهد بود. اصولاً بناهای یاد بود که خاطره افراد برجسته را احیا می‌کند، یک نوع قدردانی از تلاش آنان و نیز تشویقی برای آیندگان است.
علامه طباطبایی ذیل آیه فوق حدیثی را نقل کرده است که ترجمه آن چنین می‌باشد: «ملک گفت: سزاوار است این جا مسجدی ساخته شود تا آن را زیارت کنیم.
از این آیه و نیز روایت استفاده می‌شود که محل دفن افراد مؤمن و مُوحّد و مجاهدان در راه اعتلای توحید را می‌توان زیارت کرد و حتی بر مزارشان مسجدی بنا نمود که در آن ذکر پروردگار گفته شود و سازندگان مسجد نیز خداپرست و عابد بوده‌اند». (3) در آیه دیگری آمده است: «وَ لَوْ انَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا انْفُسَهُمْ جاؤکَ فاسْتَغْفَرُاللّه و استغفر لَهُمْ

1- موسوعة زیارت المعصومین که توسط مؤسسه امام هادی تدوین گردیده، درباره سند و مدرک این متون پژوهش‌های ارزنده و جالبی دارد.

2- سوره کهف، آیه 21.

3- تفسیر المیزان، ج 13، ص 30 و 385؛ تفسیر نمونه، ج 12، ص 388.

الرسول لوجدوا اللَّه تواباً رحیماً» (1)
هنگامی که به خود ستم می‌کردند(ای پیامبر) نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌نمودند و پیامبر هم برایشان استغفار می‌کرد،(پس) خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. این آیه با صراحت می‌گوید: پیامبر را می‌توان به درگاه خدا شفیع قرار داد و توسط او رحمت و مغفرت الهی را جلب کرد.
همچنین از این کلام وحی بر می‌آید که توسّل جستن به پیامبر و امام، شرک نمی‌باشد و رواست. و در زیارت‌ها مؤمنین از مقام معصوم می‌خواهند برای قبول توبه آنان در پیشگاه خداوند واسطه باشند و نیز از منزلت معنوی ائمه برای مغفرت و بخشش خطاهای خود استفاده می‌کنند.
نورالدین فرزند سمهودی از سبکی نقل می‌کند: این آیه علاوه بر این که به طلب استغفار نزد پیامبر تأکید دارد مُبَیّن آن است که چنین حالتی با رحلت آن حضرت قطع نمی‌گردد. وی اضافه می‌کند: با این وصف می‌توان بر کنار مرقد آن حضرت از پیشگاه حق تعالی، طلب استغفار کرد. (2) قرآن می‌فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظّمْ حُرُمتِ اللّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لّهُ ... (3)
و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد برایش نزد پروردگار بهتر است.
روشن است که منظور از «حرمات» در این آیه اشاره به اعمال و مناسک حج است، اما در منابع تفسیری و تاریخی اهل سنت و شیعه مراعات احترام و تکریم مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله جزء حرمات الهی است و هر گونه تعدی به این حریم مقدس در ایمان و تقوای آدمی خلل ایجاد می‌کند، چرا که آیه دیگری می‌فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظّمْ شَعلِرَ اللّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ» (4)
و نیز قرآن تأکید می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُو لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیَا وَ الْأَخِرَةِ» (5)
و نیز خداوند فرموده است: «وَأَذَ نٌ مّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِی إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجّ

1- سوره نساء، آیه 64.

2- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ج 4، ص 1360 و 1364.

3- سوره حج، آیه 30.

4- همان سوره، آیه 32.

5- سوره احزاب، آیه 57.

الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مّنَ الْمُشْرِکِینَ وَرَسُولُهُ». (1)
طبیعی است وقتی چنین حرمتی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اثبات گردید، تکریم شئونات اهل بیت علیهم السلام او نیز ملازم و مقرون با آن است، چرا که قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ الرّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهّرَکُمْ تَطْهِیرًا» (2)
و نیز آیه مودّت دلیلی برای چنین ادعایی است: «قُل لَّآأَسَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی». (3)
و مگر نه این است که طبق قول پروردگار، خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند و از مؤمنان خواسته شده است چنین کنند: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلئِکَتَهُو یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیّ یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَیْهِ وَ سَلّمُواْ تَسْلِیمًا»
(4) در منابع مستند روایی آمده است که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقام و فضلی داده که این ویژگی به دیگر پیامبران اختصاص داده نشده است، از جمله آن که خداوند در قرآن بر نوح، ابراهیم، موسی و هارون علیهم السلام درود می‌فرستد: «سَلمٌ عَلَی نُوحٍ فِی الْعلَمِینَ»، (5)
«سَلمٌ عَلَی إِبْرَ هِیمَ»، (6) «سَلمٌ عَلَی مُوسَی وَ هرُونَ». (7)
در این آیات به خاندان نوح، ابراهیم، موسی و هارون درود فرستاده نشده، امّا در روایت معتبری آمده است منظور از یس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و «سَلمٌ عَلَی إلْ یَاسِینَ» (8)
یعنی درود بر خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. این حدیث را حضرت امام رضا علیه السلام در یک اجتماع بزرگی که مأمون و عده‌ای از دانشمندان عراق و خراسان حضور داشتند نقل کرده‌اند. (9) سیوطی در تفسیر خویش ذیل آیه: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» (10)
گفته است: وقتی پیامبر این آیه را تلاوت فرمود، مردی از جای برخاست و پرسید:
منظور کدام خانه‌هاست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیوت انبیاست. و چون آن مرد پرسید:

1- سوره توبه، آیه 3.

2- سوره احزاب، آیه 33.

3- سوره شوری، آیه 23.

4- سوره احزاب، آیه 56.

5- سوره صافات، آیه 79.

6- همان سوره، آیه 109.

7- همان سوره، آیه 120.

8- همان سوره، آیه 130.

9- تحف العقول، ص 323.

10- . سوره نور، آیه 36.

آیا مصداق آن بیت، خانه حضرت علی علیه السلام و فاطمه است، پیامبر فرمود: آری، از افضل آنهاست و بر حرمت آن تأکید فرمود و افزود: رعایت احترام آن همان است که خداوند به آن امر کرده است. (1) و نیز ابو سعید خدری گفته است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حُرُمات الهی سه تاست، حرمت اسلام، حرمت من و حرمت عترت من. (2)

در منابع روایی و کتب حدیث معتبر آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش آمنه بنت وهب می‌رفت و می‌گریست و مسلمین از گریه آن حضرت، می‌گریستند. (3) نقل نموده‌اند هنگام بازگشت از نبرد بدر، اولین کس از مهاجرین که در مدینه فوت کرد، عثمان بن مظعون بود که پیامبر به زیارت قبرش رفت. (4) همچنین آن حضرت بر مزار شهدای احُد حاضر می‌گردید و این آیه را تلاوت می‌فرمود: «سَلمٌ عَلَیْکُم بِمَاصَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ» (5)
و چون آن حضرت به زیارت قبور بقیع می‌رفت می‌فرمود:
السلام علیکم دار قوم مؤمنین و اتاکم توعدون غداً مؤجّلون، و إنّا إن شاء اللّه بکم لاحقون، اللهم اغفر لأهل البقیع الغر قد. (6) عایشه نقل می‌کند پیامبر فرمود: جبرئیل نزدم آمد و گفت: پروردگارت به تو امر می‌کند در قبرستان بقیع حاضر گردی و برای درگذشتگان طلب آمرزش کنی. (7)
انس بن مالک از پیامبر نقل کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند چنان است که در حال حیات مرا زیارت کرده باشد و هر کس قبرم را زیارت کند، در روز رستاخیز شفاعتم بر او واجب می‌گردد. (8) آن حضرت فرمود: هر کس به زیارت من آید و هیچ قصدی غیر از آن نداشته

1- الدر المنثور، ج 5، ص 50.

2- خصال، ص 146؛ بحار الأنوار، ج 24، ص 185.

3- طبقات الکبری، ج 1، ص 78.

4- موسوعة زیارت المعصومین، مقدّمه، ص 96.

5- سوره رعد، آیه 24.

6- موسوعة زیارت المعصومین، ص 96.

7- الغدیر، ج 5، ص 148.

8- همان، ص 170؛ احیاء علوم الدین، ج 1، ص 81.

باشد، بر خدای سبحان سزاوار است که من در روز قیامت شفیع او باشم، غزالی که این روایت‌ها را در کتابش آورده است، در آن هنگام از بزرگان اهل سنت بوده، ولی بعد به مذهب اهل بیت مشرّف گردیده است، او در همان زمان و قبل از شیعه شدن در اثر معروفش نوشته است: یکی از آداب حج این است که به مدینه بروی و مرقد پیامبر را زیارت کنی و این زیارتنامه را بخوانی. و سپس متن زیارتی را آورده و افزوده است:
مستحب می‌باشد که به قبرستان بقیع رفته و قبر چهار امام را زیارت کنی. (1) امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده است: کسی که برای زیارت خانه خدا به مکه برود و مرا در مدینه زیارت نکند، در قیامت به او اعتنایی نمی‌کنم(او را مشمول شفاعت خود قرار نمی‌دهم.) (2) رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
آنان که قبور شما را زیارت کنند مانند کسانی هستند که بعد از حج واجب، هفتاد حج به جای آورده باشند و به هنگام بازگشت از زیارت شما همانند روزی هستند که از مادر متولد شده‌اند و از گناهان پاک می‌گردند. ای علی دوستانت را بشارت باد به نعمت‌هایی که چشمی ندیده، گوشی نشنیده و بر قلب بشری خطور نکرده است، ولی افراد فرومایه زایران قبر شما را نکوهش می‌کنند؛ گویی به گناه و عمل ناشایستی دست یازیده‌اند، آنها بدترین امّت من هستند، شفاعت من به آنان نمی‌رسد و در کنار حوض کوثر بر من وارد نمی‌گردند. (3) رسول اکرم صلی الله علیه و آله تأکید نموده است: زیارت اهل قبور عموماً تذکری برای آخرت و موجب زهد ورزی در دنیاست، قلب را رقت می‌دهد و اشک را جاری می‌سازد. آن حضرت فرمود: قبور مُردگان خود را زیارت کنید و بر آنان سلام بفرستید که یاد آنها مایه پند شماست. و نیز فرمود: هر کس هر جمعه قبر پدر و مادر خود یا یکی از آنان را زیارت کند، خداوند او را مورد آمرزش قرار می‌دهد و در شمار کسانی خواهد بود که

1- احیاء علوم الدین، ج 1، ص 82 و 83.

2- التهذیب، ج 6، ص 4، ح 5.

3- بحار الأنوار، ج 100، ص 121؛ سفینة البحار، ج 3، ص 516.

درباره والدین خود نیکی و وظیفه فرزندی را ادا کرده باشد. (1)

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هر روز به زیارت مرقد پدرش می‌رفت و می‌گریست و می‌فرمود: پدر جانم بر من مصائبی نازل شد که اگر بر روزها وارد می‌شد، به شب تبدیل می‌گردید. (2) حضرت علی علیه السلام برای همسرش حضرت زهرا علیها السلام مکانی به نام بیت الاحزان ساخت که در آن به گریه و زاری می‌پرداخت و نیز در اوقات بسیاری آن بانوی دو سرا برای زیارت قبور به قبرستان بقیع می‌رفت. آن بانو مرقد شهدای احُد را نیز مورد زیارت قرار می‌داد و در آن جا می‌گریست. (3) حضرت علی علیه السلام نیز قبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت می‌نمود، او بر سر مزار پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: گریستن جز بر فقدان آن حضرت روا نمی‌باشد، آن‌گاه صورت خویش را بر خاک می‌نهاد و می‌گریست و ناله می‌کرد. حضرت امام حسین علیه السلام هنگام غروب هر جمعه قبر برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام را در بقیع زیارت می‌نمود. سایر ائمه نیز مرقد رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را زیارت می‌کرده و اصحاب و یاران و سایر مؤمنین را بر این امر توصیه می‌نموده‌اند. (4)

زیارت پیامبر اکرم و ائمه اطهار سیره مستمر تمام عالمان تشیع و مراجع عظام بوده و می‌باشد. امام خمینی در تمام ایّام اقامت در نجف، جز موارد استثنایی، برنامه زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در هر شب ترک نکرد. و در اغلب ایّام زیارتی در کنار

1- بحار الأنوار، ج 102،(کتاب المزار) باب زیارة المؤمنین و آدابها.

2- تاریخ الخمیس، ج 2، ص 173.

3- موسوعة زیارت المعصومین، ص 99، مقدّمه.

4- درباره اهتمام ائمه هدی به زیارت مشاهد معصومین، بنگرید به مأخذ قبل، ص 102 و 103.

بارگاه امام حسین علیه السلام در کربلا به سر می‌برد و هر روز زیارت عاشورای معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می‌خواند. (1) وحید بهبهانی زمانی که برای زیارت به حرم سیدالشهدا مشرّف می‌شد، اوّل آستان کفش‌کن آن جناب را می‌بوسید، روی و محاسن خویش را بدان می‌مالید، پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب، به اندرون حرم مشرّف می‌شد و زیارت می‌کرد. (2) شهید قدوسی می‌گفت: علامه طباطبایی در ایام محرم و صفر خواندن زیارت عاشورا را ترک نمی‌کرد و به زیارت جامعه هم اهتمام داشت و معتقد بود از نسخه‌ای معتمد استفاده کند. (3) شهید قدوسی خود نیز به این امور تقیّد زیادی داشت. شهید مصطفی خمینی هر سال به مناسب‌هایی از جمله در روزهای نیمه شعبان، عرفه، اربعین، اول و نیمه رجب که مردم از نجف به کربلا می‌رفتند، با پای پیاده به این مکان مقدس می‌رفت، و گاهی می‌شد که بر پایش تاول‌هایی می‌زد و از آنها خون به راه می‌افتاد و کاملاً مجروح می‌شد، ولی باز هم برای زیارت با پای پیاده مصمم بود. (4) مرحوم میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل هم این گونه بود. و اصولاً پیاده‌روی از نجف به کربلا در دوران شیخ انصاری متداول بود ولی پس از چندی ترک شد.

مرحوم نوری چون وضع را بدین منوال دید، بدین شیوه شایسته همت گماشت و به آن ملتزم گردید و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر حیوان کرایه می‌کرد، ولی خود و یارانش پیاده راه می‌رفتند و چون دچار ضعف مزاج گردید این مسیر را در سه شب طی می‌کرد. (5) ملاصدرا عالم عرفانی و فلسفی بود، گاه از این دیار به قم می‌آمد و ضمن زیارت

1- فرازهای فروزان، ص 157 و 158.

2- قصص العلماء، ص 202.

3- جرعه‌های جانبخش، ص 265.

4- سیمای فرزانگان، ص 190.

5- همان، ص 193.

بارگاه حضرت فاطمه معصومه، از روح مقدس آن بانو برای رفع معضلات علمی و اجتماعی استمداد می‌جست. (1) البته از این نمونه‌ها در سیره علما بسیار زیاد است و ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند همان انسان‌های کامل و برگزیدگانی هستند که قلّه‌های بلند تقوا و فضیلت را به وجود آورده‌اند. چهارده نور مقدسی که به انسان و فرشتگان پرستش ذات باری تعالی را آموختند، معصومانی که خداوند ایشان را از هر لغرش، اشتباه، خطا، نادرستی و .... پاک و دور نگاه داشته است. محبت ورزیدن به این وجودهای مبارک یک دستور الهی است و نیز کسی که آنها را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و دشمنان آنان در ردیف دشمنان خداوند هستند. (2) خداوند خطاب به حضرت آدم می‌فرماید: اهل بیت پیامبر بهترین مخلوقات من می‌باشند که به سبب وجود آنان به بندگان ثواب و عقاب داده می‌شود و باید در درگاه من به آنان توسّل جُست و هر گاه به تو ابتلائات دست دهد این وجودها را نزدم شفیع قرار ده و به وسیله آنان طلب حاجت نما و من سوگند یاد کرده‌ام هر کس ایشان را در درگاه من شفیع خود قرار دهد و به وسیله آنان نیاز خود را مطرح کند، درخواستش را اجابت کرده و شفاعت آنان را بپذیرم. (3) رسیدن به مقامات معنوی و کمالات ملکوتی، بدون دوستی اولیای الهی امکان‌پذیر نمی‌باشد و پذیرش اعمال هر مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت خواهد بود؛ به قول مولوی:

هر که خواهد همنشینی با خدا او نشیند در کنار اولیا

و به قول شاعری دیگر:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

زیارت از بهترین طریقه‌های ارتباط با پیشوایان معصوم است که موجب جلب معنویت خواهد شد. زیارت حضور عارفانه در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زایر از سرای زیارت شونده، اظهار ارادت نسبت به محبوب و دل دادن صمیمانه در کوی دلدار است.

زایر در برنامه زیارت در برابر پارسایان برگزیده فروتنی می‌نماید، وفاداری صادقانه مرید نسبت به مراد در زیارت آشکار می‌گردد، زایر خود را فراموش می‌کند تا مبادا دیانت و ارزش‌ها فراموش گردند و یا به حاشیه رانده شوند. یکی از راه‌های تکریم مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب استمرار راه و مسیر معنوی آنان خواهد شد.

حرم‌های شریف و مشاهد متبرک محل تردد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا و محل حضور روح زیارت شونده است، به همین دلیل در این فضای معنوی زایر یک نوع پالایش و پاکی را در خود احساس می‌کند و دعایش در مظان استجابت قرار می‌گیرد، وجود انبوه زایران در این گونه مکان‌ها موجب ترویج فرهنگ یکتا پرستی، گسترش فرهنگ اهل بیت، افزایش مودّت و رحمت بین مؤمنین و ایجاد اتحاد و انسجام بین مِسلمانان خواهد شد و

افراد با آگاهی از برخی دشواری‌های یکدیگر اولًا از بار مشکلات هم می‌کاهند و کم‌تر دچار فشار روحی می‌شوند. ثانیاً برای برداشتن باری از دوش دیگران مصمم‌تر می‌گردند و این روند کار نامه اعمال آنان را درخشان می‌نماید. به علاوه حرم‌های شریف امامان در طول تاریخ از مراکز مهم گسترش و نشر علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام‌ها و نهضت‌ها و محل رویش و شکل‌گیری انقلاب‌های رهایی بخش و جنبش‌های ضد ستم و استکبار بوده است.
زایر در برنامه مذکور احساس می‌کند در فضایی قرار گرفته که می‌تواند با زیارت

1- فوائد الرضویه، ص 380.

2- مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه کبیره.

3- تفسیر جامع، ج 1، ص 148.

انسانی کامل یک نوع ارتباط قلبی برقرار کند و از این رهگذر در یک حالت آرام‌بخش و نوید دهنده، قادر است با امام درد دل کند، گرفتاری‌ها و نا بسامانی‌های خود را نزد او مطرح نماید و با زبان سر و دل با او به گفت‌وگو بنشیند و با زمزمه کردن با او به زیباترین گویش عاطفی سخن گوید. و به دلیل آن معرفتی که در این مکان‌ها احساس می‌گردد و بر آن فضای روحانی حاکم است، زایران به قدر ظرفیت‌هایی که دارند می‌توانند از سرچشمه زلال معارف ناب خاندان عترت بهره‌مند شوند.
مکان‌های زیارتی، پناهگاه امنی برای بندگانی هستند که می‌خواهند به درگاه حق تعالی استغفار کنند، تضرع نمایند و میثاق خویش را با خدای خود تجدید کنند، قلب زایر همچون لامپی با یک منبع تولید کننده انرژی، چنان ارتباط برقرار می‌کند که نوعی انس معنوی با بوستان ملکوتی در خود احساس کرده و بدین گونه از تاریکی‌های خلاف و گناه فاصله می‌گیرد و صفحه دل را برای تابش نور حق مهیّا می‌کند، در اخلاق و رفتار خود تجدید نظر کرده، محاسباتی در زندگی خود انجام می‌دهد و موازین شرع مقدّس را بیش از گذشته رعایت می‌کند. راستی کجا بهتر از این فضاهاست که در آنها آدمی متوجه آخرت می‌گردد، به خود می‌آید، پوسته‌های غفلت و نسیان را دور می‌ریزد و خود را برای اعمال صالح و تقویت ایمان و پارسایی آماده‌تر می‌بیند:
در بارگهت به صد امید آمده‌ام با موی سیه رفته سپید آمده‌ام

زایرین در کنار مراقد مقدس به خواندن متونی روی می‌آورند که محتوایی عمیق و سازنده دارند و از باورهای دینی، کمالات معصومین، اولیا، صالحین و فرزندان اهل بیت حکایت دارند. در این زیارتنامه‌ها آن چنان مضامین بکر و عبارات جاویدان و بارقه‌های معنوی دیده می‌شود که با وجود آن که زایر بارها این متون معتبر و موثق را

می‌خواند خسته نمی‌شود، بلکه چشمه‌های شوق، صفا و معرفت در اعماق روح و ذهنش به جوشش در می‌آید و هر چه بیشتر در این نوشته‌های نورانی دقت نماید، معانی و نکات لطیف‌تری را به دست می‌آورد؛ گویی در اقیانوسی از حکمت و فضیلت غوّاصی می‌کند و مشغول به دست آوردن مرواریدها و گوهرهای گرانبها می‌باشد.
نقش پرورشی و هدایتی این گونه متن‌های مقدس برای شخص زایر بسیار قابل توجه و در خور تعمق و بررسی است، چرا که در زیارات معتبر مباحث اعتقادی، امامت و ولایت و ارتباط آن با توحید به شیوه‌ای محکم و متین مطرح می‌شود، که اوّلین ثمرات آن، این است که زندگی انسان را هدف‌دار و جهت‌دار می‌نماید و در قلب و روح او نوعی اطمینان، آرامش و امیدواری ایجاد می‌کند. این که زایر در چنین مکان‌های منوّری به درگاه خداوند التماس می‌کند تا به اذن الهی آن وجودهای مقدس برایش شفاعت کنند و یا از خداوند می‌خواهد که شفاعت این پاکان را شامل حال او کند او به رحمت الهی امیدوارتر می‌گردد. و این ویژگی است که مسلمین و مؤمنین زایر را از غم‌های جانکاه، نگرانی‌های فرساینده و آشفتگی‌های روانی می‌رهاند.
زیارت هم به عنوان دعا و سخن گفتن با معبود است، اما به طور غیر مستقیم و با واسطه انسان کامل و از این روی می‌تواند درهای رحمت الهی را به سوی زایر بگشاید. در هنگام زیارت افراد احساس می‌کنند در فضایی ملکوتی اوج گرفته‌اند و فیوضات ربّانی از هر سو به طرف آنان جاری است. سنّت مسافرت برای زیارت و نیز برنامه‌های گوناگون زیارتی از چنان غنای فکری و فرهنگی و برکات فراوان معنوی و حتی مادی برخوردار است که در طول زمان نه تنها کهنه و فرسوده نشده، بلکه با کنار رفتن حجاب‌های جهل، غفلت و خرافات، مفاهیم والای آنها روز به روز روشن‌تر، رساتر و کامل‌تر شده است.
اعتقاد به این مسأله اختصاص به شیعه نداشته و در گذشته در انجام این اعمال

مستحبی تفاوتی بین شیعیان و اهل سنت نبوده است، زیرا همه مسلمانان به زیارت مرقد معصومین و افرادی از خاندان آنان می‌شتافته‌اند، اما متأسفانه از زمان پیدایش فرقه گمراه کننده وهابیت، علیه این سنت نیکو و مصداق بارز شعایر الهی تبلیغات منفی گسترده‌ای راه اندازی شد و برخی افراد کم بهره از خرد و منطق فریب شایعات این گروه منحط را خورده و تصور کرده‌اند که زیارت از مسایل مختص به شیعه است و نا دانسته و گاهی هم مغرضانه آن را مورد هجوم تبلیغات مسموم خود قرار داده‌اند و مسلمانان را از مزایای فراوان یک برنامه تربیتی و رشد دهنده محروم کرده‌اند.

به قول ابن سینا وقتی به زیارت اهل قبور می‌رویم، چون روح زیارت شونده فارق از دنیا و ماده است، می‌تواند بر زایر اثرات زیادی بگذارد و خیرات و برکات بسیاری را برای وی به ارمغان آورد و مزاجش را به سوی خوبی‌ها و فضایل راغب‌تر سازد. (1) شیخ شهاب الدین سهروردی هم تأکید می‌نماید وقتی اهل سلوک معنوی با خلوص نیت و نوعی استقامت و بردباری درب بیوت نورانی را می‌کوبند، فرشتگان با هدایای آسمانی از آنان پذیرایی می‌کنند و بدیهی است نفوس کاملی که در مراتب معرفتی ترقی کرده‌اند، با انوار و اشراق‌های خود نفس‌های ناقص را به فیض می‌رسانند. (2) فخر الدین رازی می‌گوید: وقتی انسان در کنار قبری حاضر می‌گردد، روح زایر با آن تربت ارتباط برقرار می‌کند و چون روح فرد در گذشته با آن خاک در اتصال است، در این هنگام این دو روح یکدیگر را ملاقات کرده و مثل دو آیینه در برابر هم قرار می‌گیرند و تابش هر کدام به دیگری سرایت می‌کند و معارف و مکارم هر کدام به فرد دیگر می‌رسد. (3)

1- رسایل ابن سینا، ج 1، ص 338.

2- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 2، ص 244 و 245.

3- ر. ک: المطالب العالية من العلم الالهی، ج 7، ص 275- 277.

عرفا، عالمان و اهل حکمت معتقدند هیچ چیزی برای دل‌های غافل مفیدتر از زیارت اهل قبور نمی‌باشد، دل‌هایی که به زنگار دنیا آلوده شده‌اند و از مکارم معنوی فاصله گرفته‌اند، با حضور در این مکان‌ها موعظه می‌شوند، عبرت می‌گیرند و با مشاهده امور در گذشتگان بسیاری از امراض اخلاقی آنان، چون حسد، طمع، حرص و آرزوهای دراز دنیایی معالجه می‌گردد. آدمی با زیارت اهل قبور از خواب غفلت بیدار می‌شود، فریب دنیا را نمی‌خورد و متوجه می‌شود از امکانات این سرای فانی باید سرمایه‌ای برای آخرت خود تدارک ببیند. یاد مرگ در این مواقع در دل انسان زنده می‌شود و این پدیده آرزوهای غیر الهی را کوتاه می‌کند، قساوت دل بر اثر این برنامه بر طرف می‌گردد. حضرت علی علیه السلام پس از تلاوت آیه «أَلْهَلکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (1)
فرمود: شگفتا! چه مقصد بسیار دوری و چه زیارت کنندگان بی‌خبری و چه کار دشوار و مرگباری. (2) وقتی انسان قبری را مشاهده می‌کند به یاد احوال در گذشته می‌افتد و متوجه می‌شود صاحب آن مدتی در این دنیا زیسته و اکنون بدنش اسیر خاک شده و روحش در عالم برزخ است، این تفکر توأم با یک بیداری بوده و مانع دنیا زدگی و عافیت طلبی او می‌شود. همچنین وقتی آدمی مشاهده می‌کند مردم به مرقد یک انسان برجسته، پاک و پارسا اقبال فراوانی نشان می‌دهند و مقام او را تکریم کرده و به او توسل جُسته و نذر و نیاز برایش اختصاص می‌دهند و بر عکس به مردگان دنیا طلب و دور از معنویت هیچ رغبتی نشان نمی‌دهند، می‌فهمد خوب زیستن و درست زندگی کردن، حتی در زندگی دنیایی اثر دارد، چه رسد به سرای جاوید، به همین دلیل در دینداری و پروا پیشگی اهتمام می‌ورزد و از تشریفات دنیایی روی گردان می‌شود و این روند در خودسازی و رهایی وی از خسران آشکار بسیار مؤثّر است. (3)

1- سوره تکاثر، آیه 1 و 2.

2- تفصیل کلام حضرت در خطبه 221 نهج البلاغه آمده است.

3- ترجمه و شرح رساله زیارة القبور فخر رازی(فلسفه زیارت)، ص 29 و 30.

انسان زایر باید قبل از هر چیز تهذیب و طهارت ظاهری و باطنی داشته باشد، بعد از آن سعی کند با برداشتن گام‌های کوتاه، تمرکز حواس و ذکر گفتن، قلبش را به سوی مکان زیارتی متوجّه نماید. مسلمان مشتاق زیارت باید بداند آن جا محل حضور عالم ملکوت است و لذا ضرورت دارد با حالتی وارد آن مکان مبارک گردد که متناسب با زیارتگاه باشد. زایر باید تلاش کند بین خود و شخصیتی که می‌خواهد او را زیارت کند، حالت متناسبی برقرار کند، یعنی یک نوع تحول در رفتار، خصال، اندیشه و باورهای خود پدید آورد و توجه داشته باشد که می‌خواهد با انسانی پاک، شایسته و صالح و عبد پروردگار ملاقات کند و بدیهی است این دیدار محتاج یک توازن و معرفتی است. زایر قبل از انجام زیارت باید وظایف شرعی و دینی خود را انجام داده و نسبت به ادای حقوق مردم کوشا باشد. آگاهی و میزان معرفت زایر نیز در این برنامه اهمیتی به‌سزا دارد و در صورتی که آدمی تسلیم امر و عارف به حق در امر زیارت باشد، قطعاً در پیشگاه پروردگار منزلت والایی به دست می‌آورد. بی‌تردید اعمال بدون شناخت و عاری از هر گونه کمالات ایمانی، همچون پیکری بی‌روح هستند که فاقد خاصیت می‌باشند؛ از این روی در منابع روایی تأکید شده که زیارت ائمه با چندین حج برابری می‌کند؛ البته این در صورتی است که توأم با بصیرت درونی و یک ارتباط معرفتی باشد، زایر بداند اگر چه انسان کاملِ معصومی که مشهدش را زیارت می‌کند بر حسب ظاهر از دنیا رفته است، امّا کاملاً از نیت و حالات زایر آگاهی دارد، به خواسته‌های او توجه می‌کند و برای بر آوردن حاجتش دعا می‌نماید.

بزنطی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمود:

«ما زارنی من أولیایی‌عارفاً بحقّی إلّاتشّفعت فیه یوم القیامة»

یعنی هر یک از اولیا و پیروان، مرا با معرفت زیارت کند، در روز قیامت او را شفاعت می‌کنم. (1)

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 44.

اذن دخول

یکی از آداب مهم در امر زیارت اذن دخول است، این برنامه قبل از ورود به حرم مطهّر صورت می‌گیرد. شهید اول تأکید می‌نماید: زایر در کنار درب حرم توقف نماید و اذن دخول بخواند، اگر در خود رقت قلب و خشوع احساس کرد، داخل شود. نشانه اذن دخول، دل شکستگی و یک نوع دگرگونی در درون می‌باشد. اذن دخول در حرم‌های معصومین یک معنای صوری و ظاهری ندارد، بلکه در واقع بدین مفهوم است که آیا اجازه دارم به محفل نورانی و مرکز اسرار شما راه یابم؟ این اجازه از حریم الهی آغاز می‌گردد، سپس اجازه ورود از حریم سرّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام تقاضا می‌شود. هر کسی به اندازه ظرفیت، لیاقت و توانایی درونی خود به این فضای معطر و بوستان با صفا گام می‌نهد، اجازه خواستن و آداب ورود به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله نکته‌ای است که قرآن بدان اشاره دارد: «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَاتَدْخُلُواْ بُیُوتَ النَّبِیّ إِلَّآ أَن یُؤْذَنَ لَکُمْ» (1)

یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌های پیامبر داخل نشوید، مگر این که به شما اجازه داده شود. در ادامه همین آیه، قرآن می‌فرماید: «وَ مَا کَانَ لَکُمْ أَن تُؤْذُواْ رَسُولَ اللَّهِ» یعنی شما هرگز نباید پیامبر خدا را آزار دهید. پس بی‌مقدّمه و بی‌موقع به حریم این خاندان وارد شدن، خود یک نوع اذیت به شمار می‌رود. از آیات دیگری که گویای اذن دخول در خانه پیامبران و ائمه است، این آیه شریف می‌باشد:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُو یُسَبّحُ لَهُو فِیهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ» (2)

آن نور در خانه‌هایی است که خداوند رخصت داده که ارجمندش دارند و نامش در آن جا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند.

نور خداوند می‌تواند قرآن کریم، هدایت الهی، ایمان، آیین اسلام، معرفت درونی و پیامبر و ائمه هدی باشند، خداوند خود پیامبر را سراج منیر معرفی می‌کند (3) و در

1- سوره احزاب، آیه 53.

2- سوره نور، آیه 36.

3- سوره احزاب، آيه 46.

زیارت جامعه درباره پیشوایان معصوم و انسان‌های کامل آمده است: «خلقکم اللّٰه أنواراً فجعلکم بعرشه محدقین» خداوند شما را از نورهایی آفرید که گرد عرش او حلقه زده بودید، در همان زیارت می‌خوانیم: «و أنتم نور الأخیار و هداة الأبرار» شما نور خوبان و هدایت کننده نیکوکاران هستید. این نور در خانه‌هایی است که اهل آن هر صبح و شام و هر لحظه خدا را تسبیح می‌گویند، این مکان‌ها مرکز یاد خداست و حقایق و معارف اسلام از آنها نشر می‌یابد و در یک معنای گسترده مساجد، خانه‌های انبیا و اولیا، شامل این آیه هستند. امام باقر علیه السلام فرمود:
«هی بیوت الأنبیاء و بیت علی منها» (1)
یعنی این آیه به خانه پیامبران اشاره دارد و بیت حضرت علی علیه السلام هم در این زمره محسوب می‌گردد.
رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز مصداقش را خانه‌های فرستادگان الهی معرفی کرد و خانه حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را از برترین این بیوت دانست. (2) امام باقر علیه السلام با قتاده(فقیه اهل بصره) گفت‌وگویی داشت. وی از حضور در مجلس امام و ابهت خاص آن حضرت اظهار شگفتی کرد، امام به وی فرمود: می‌دانی کجا نشسته‌ای؟ در برابر همان‌ها که خداوند درباره آنها فرموده است: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ ...»، سپس فرمود: تو آن هستی که گفتی(فقیه اهل بصره) و ما این هستیم که قرآن معرفی می‌نماید. قتاده در جواب گفت: راست گفتی فدایت شوم، به خدا سوگند منظور آیه خانه‌های سنگی و گلی نمی‌باشد(بلکه هدف خانه‌های وحی و ایمان و هدایت است.) (3) مشاهد ائمه هدی همان مکان‌هایی است که در آنها کسانی آرمیده‌اند که وجودشان یک‌پارچه ذکر، عبادت و توحید بوده و هدفی جز تقوا و پارسایی و تقرب به خداوند نداشته‌اند و نیز در این مکان‌ها مردم زایر خدا را عبادت می‌کنند، خدا را یاد می‌نمایند و آنان که لیاقت دارند هدایت می‌شوند، پس اذن دخول برای چنین اماکنی که مخصوص انسان کامل است ضرورت دارد.

1- تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 607.

2- تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه 53، سوره احزاب.

3- تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 603.

آداب زیارت

زایر علاوه بر جنبه‌های معرفتی و معنوی و آمادگی‌های روحی و طهارت درونی، لازم است آداب زیر را در امر زیارت در نظر گیرد و مراعات نماید:

1. نیت خالصانه و انگیزه الهی.
2. غسل زیارت.
3. در بر کردن جامه پاک و دوری از پوشیدن لباسی که دیگر زایران را اذیت می‌کند.
4. استفاده از مال حلال برای سفر زیارتی.
5. معطر نمودن با خوشبو کننده‌های طبیعی.
6. ذکر و تسبیح در هنگام عزیمت به اماکن زیارتی.
7. داشتن وضو.
8. توبه و استغفار از گناهان و اعراض از لغزش‌های اخلاقی و رفتاری.
9. توقف بر باب مشهد معصوم و خواندن اذن دخول از روی متون مأثور.
10. توقف در برابر ضریح با حالت فروتنی، خشوع و رقت قلب.
11. زیارت کردن شخص مورد نظر با توجه به معنای متن‌های معتبر و موثق که از معصوم رسیده است.
12. اقامه نماز زیارت و خواندن دعا پس از آن.
13. تلاوت قرآن در کنار مرقد و اهدای ثواب آن به زیارت شونده.
14. صدقه دادن و رسیدگی به محرومان و بینوایان.
15. رعایت حرمت حرم مُطهر و پرهیز از اموری که هر گونه بی‌احترامی و خدشه‌ای به ساحت آن مکان مبارک وارد می‌کند.
16. تضرع همراه با ادب در جوار بارگاه معصومین.
17. صلوات فرستادن بر پیامبر و آل او که باید با وقار توأم باشد و برای دیگران

مزاحمت فراهم نکند و از هیاهو و سر و صدای آزار دهنده در حضور این جایگاه معنوی بپرهیزد. قرآن می‌فرماید: «يأَيُّها الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِىّ وَ لَاتَجْهَرُواْ لَهُو بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمٰلُكُمْ وَ أَنتُمْ لَاتَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُوْلٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌعَظِيمٌ» (1)
: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را از صوت پیامبر بلندتر مکنید، چنان که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، با او به آواز بلند سخن مگویید که اعمالتان ناچیز شود و آگاه نشوید. کسانی که نزد پیامبر صدای خود را پایین می‌آورند همان‌هایند که خداوند دل‌های آنان را به تقوا آزموده است، برای آنهاست آمرزش و اجر بسیار. بنابراین در هنگام انجام اعمال اسلامی باید ادب و احترام رعایت گردد و اگر بلند کردن صدا در کنار مرقد پیامبر و ائمه نوعی هتک و بی‌احترامی باشد، بدون شک جایز نمی‌باشد، مگر این که به صورت اذان نماز، تلاوت قرآن یا ایراد خطابه و امثال آن باشد.
در حدیثی از امام باقر علیه السلام درباره ماجرای دفن امام حسن مجتبی علیه السلام و ممانعتی که در خصوص دفن آن حضرت به عمل آمد و سر و صداهایی که بلند شد، آمده است:
حضرت امام حسین علیه السلام این آیه را تلاوت و به آن استدلال فرمود و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این جمله را نقل نمود که فرمود: «ان اللّه حرم من المؤمنین امواتاً ما حرم منهم احیاء»:
خداوند آنچه را از مؤمنان در حال حیات تحریم کرده، در حال مرگشان نیز تحریم کرده است. (2) حتی برخی مفسران آیات مورد بحث را توسعه داده و گفته‌اند: در مراحل پایین‌تر یعنی نزد علما و رهبران فکری و اخلاقی باید مسلمانان آداب را رعایت کنند و البته در برابر امامان معصوم این مسأله روشن‌تر است. یکی از یاران با حالت جنابت

1- سوره حجرات، آیات 2 و 3.

2- تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 80 به نقل از اصول کافی.

خدمت یکی از ائمه رسید، آن حضرت بدون مقدّمه فرمود: آیا نمی‌دانی سزاوار نیست با حالت جُنُب وارد بیوت پیامبران شوی!؟ (1) 18. ترک امور بیهوده و لغو و پرهیز از گفت‌وگوهای بی‌جا و سخنان نامناسب.

19. سلام دادن به هنگام مشاهده مرقد مطهر به این گونه: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة». (2) 20. وارد شدن به حرم با پای راست و بیرون آمدن از حرم با پای چپ.

21. خواندن زیارت در حال ایستاده و رو به حضرت و پشت به قبله. (3)

22. در نظر گرفتن بستگان و دوستان هنگام زیارت و دعا. (4) 23. در هنگام اعمال زیارتی چون بوسیدن ضریح و سایر مسایل به دیگران فشار نیاورد، حقوق زایران دیگر را ضایع نکند و مراقب چشم و نگاه‌های خود باشد.

24. هنگام فراغت از زیارت، از مقام مقدس معصومِ زیارت شونده شفاعت طلب کند و از خداوند بخواهد برای دفعات بعدی چنین توفیقی را نصیب او کند. (5)

اشاره

زیارت برکات و مزایای فراوان و گسترده‌ای دارد، اما پیروان راستین مکتب اهل بیت و دست‌اندرکاران اماکن زیارتی و برنامه‌ریزان فرهنگی و تبلیغی نباید اجازه دهند این سنت با ارزش و شعار شعور آفرین، پویا و اثر بخش دچار برخی آفت‌ها و آسیب‌های فرساینده گردد و از هدف اصلی خود که ایجاد تحول روحی در انسان‌ها و گرایش آنان به سوی خیر و صلاح، تقوا، معرفت و هدایت است باز ماند. در این زمینه محورهای ذیل می‌تواند قابل تأمّل باشد:

1- بحار الأنوار، ج 27، ص 255.

2- وسائل الشیعة، ج 1، ص 304.

3- بحار الأنوار، ج 97، ص 134.

4- همان، ص 134.

5- همان

1. محرومیت از معرفت و جهالت باطنی

حالات معنوی، راز و نیاز راستین و نوشیدن جرعه‌های جان بخشی از سرچشمه فیاض امام و انسان کامل موقعی به دست می‌آید که این ویژگی‌ها با شناختی ارزشمند توأم گردد. محرومیت از چنین معرفتی و نا آگاهی درونی، غفلت و خود فراموشی با محروم گردیدن از فضایل و مکارم قرین خواهد بود. وقتی اشتیاق ما به ساحت مقدس معصوم از نوعی بصیرت بی‌بهره باشد، آن وقت چگونه می‌توانیم او را از طرف خداوند مفترض الطاعة بدانیم، اطاعت از دستوراتش را در برنامه زندگی فردی و اجتماعی و جهت‌گیری‌های فکری و سیاسی خود وارد کنیم. آیا می‌توان با جهالت و غفلت خود نصایح، تعلیمات و توصیه‌های هشدار دهنده امام را از عمق وجود پذیرفت و آن را در مسیر حیات فرهنگی خویش جاری ساخت.

2. غفلت از ارزیابی خود

زایر باید هنگام حضور در بارگاه معنوی، سرمایه‌های ایمانی و اخلاقی خود را مورد بررسی قرار دهد و به این واقعیت برسد که آیا با تحمّل رنج سفر و پشت سر نهادن مشقّات فراوان و تشرّف به بارگاهی مبارک چه چیزی را به دست آورده است. آیا این جاذبه معنوی توانسته است خواهش‌های نفسانی او را تعدیل نماید. و نیز آیا موفق گردیده است برخی عادات مذموم و رفتارهای ناروا و زشت را از خود دور کند؟

این گونه فضاهای معنوی همچون آیینه‌های صاف و شفاف هستند که می‌توان به وسیله آنها کاستی‌ها و عیوب خود را تشخیص داد و درباره رفع آنها اقدام کرد، ارمغان مهم سفرهای زیارتی باید این باشد که ضعف‌ها را به قوت و ضلالت‌ها را به انوار هدایت تبدیل کند و آنچه را در زیارت خوانده و مرور کرده، بدان عمل نماید و دل و زبان را با هم هماهنگ کند.

چقدر خسران و زیان دارد کسی که در مقابل مرآتی فضیلت نما قرار گیرد و به

دلیل فرو رفتن در خواب غفلت و غافل شدن از خویشتن اصیل، از برطرف کردن نقص‌ها و گرایش به کمالات عاجز باشد و برای انکسار درونی و زنگارهایی که قلبش را دچار کدورت کرده فکری نکند. زایر خود را به میزان حق عرضه می‌کند و توسط مقام معنوی امام توانایی خود را در معرض محک قرار می‌دهد. او در برابر انسانی کامل، تندیس عصمت، فضیلت و جلوه‌ای از نور الهی و مشعلی از فیض ربانی، تجسمی از عبودیت، اخلاص و ایمان قرار می‌گیرد و حال کسی که از این پرتو افشانی‌ها حداکثر استفاده را نکند، مثل این است که انوار فراوانی به جسمی بتابد، ولی تیرگی و تاریکی و سیاهی‌های درونی آن به قدری زیاد است که نمی‌تواند این تابش معنوی را از خود عبور دهد.
چقدر غافل‌اند آنهایی که زحمت پیمودن رنج سفرهای طولانی را تحمل می‌کنند و به اوج قلّه معرفت دست می‌یابند، امّا صرفاً وجود فیزیکی‌شان این مسیر را در نوردیده است و وجود راستین آنان همچنان در درّه‌های جهل و غفلت آرمیده‌اند و در مرداب ضلالت و باتلاق گمراهی فرو افتاده‌اند، در دام ابلیس و قَفَس نَفْس گرفتارند و با وجود این عروج معنوی، در بیابان بی‌ایمانی سقوط کرده‌اند.
پس باید در بارگاه نور و ایمان انسان‌های وارسته، به محاسبه و سنجش خود بپردازیم، فرازها را فروزان و فرودها را هموار سازیم و برای زدودن غبارهای خطا و لغزش اقدام کنیم و این است معنای اصلی زیارت و الّا اگر صدها بار هم به زیارت برویم و این ارزیابی فکری و معنوی را در برنامه خود قرار ندهیم، در موجی از غفلت و جهالت گرفتار شده‌ایم و بدین‌گونه خود را از فیض مکرّر امام بی‌بهره ساخته‌ایم.

3. انجماد روحی و تصلّب فکری

در جوار تربت اسوه‌های تقوا و پارسایی انسان‌های کامل، باید خاک وجود ما کیمیا و مس درونمان به طلای ناب و خالص تبدیل شود، ائمه اطهار همان طور که میزان

اعمال هستند، مقلّب احوال هم می‌باشند، البته این ویژگی در درجه اوّل مختص ذات پاک خداوند است، ولی پروردگار متعال چنین امتیازی را به ولیّ خویش اعطا می‌نماید تا او بتواند دل‌ها را دگرگون کند. در منابع روایی تأکید شده است و متون زیارتی هم بر این واقعیت اصرار می‌ورزد که زایر پس از زیارت باید با قبل از آن فرق داشته باشد و اصولاً یکی از تقاضاهای زیارت کننده باید این باشد که امام با قدرت معنوی خود، وی را از انجماد روحی، تصلّب فکری و ایستایی و رکود که فضیلت‌سوز است برهاند.

نمونه‌های زیادی بوده‌اند که با کوله باری از گناه و عصیان به این بارگاه‌های مبارک روی آورده‌اند و با توجهی خالصانه، التماس و تضرّعی صادقانه از پیشگاه پاکان و نیکان تقاضا کرده‌اند، آنان را از این وضع مرارت بار و جاهلیت زدگی و پریشانی فکری نجات دهد، که خواسته آنان اجابت گردیده و به ندامت رسیده‌اند و سرطان ایمان و تقوا را از ذهن خویش دور ساخته‌اند و اجازه نداده‌اند بعد از فیض حضور در این گلستان با طراوت پیچک‌های گناه و انحراف و علف‌های هرز و خطرناک از رویش و شکوفایی آنان جلوگیری کند. زیارت هم می‌تواند چون آتشی سوزان تمام ناخالصی‌ها را بسوزاند و هم چون چشمه‌ای مصفا بر شعله‌های گناه ریخته شود و آنها را برای همیشه خاموش سازد.

4. عدم مراعات ادب حضور

زیارت با انصراف قلب به غیر و عدم توجه به حق سبحانه و تعالی عین بی‌ادبی است و این گونه زیارت نه تنها قرب و اتصال روحانی پدید نمی‌آورد، بلکه فاصله‌ها را افزایش می‌دهد. ادب اقتضا می‌کند که در مطرح کردن تقاضاها، نیازها و آلام خویش، شئونات مقام با قداست امام را در نظر داشته باشیم و خواستار مواردی نباشیم که با هدف امام، سیره و سخن آن وجود مقدس مغایرت داشته باشد.

شخصی که بار سفر برای زیارت بر بسته و عزم خویش را جزم نموده تا مشهدی مطهر را زیارت کند. باید در تمام برنامه‌های مسافرتی و ایام اقامت در جوار بارگاه امام همت و تلاشش زیارت باشد و محور تمامی تکاپوهای او این موضوع قرار گیرد، نه این که دائم در حرم باشد، بلکه به هر جای شهر که می‌رود، و در ارتباطها، تصمیم‌گیری‌ها اصل ماجرا و حکمت زیارت را در نظر بیاورد. بداند که امام ناظر بر اعمال و رفتارش می‌باشد و پیروی از فرامین آن حضرت بر هر کار دیگری مقدم است. در پارک‌ها، مراکز تفریحی، بازار و مراکز تجارتی، زمینه‌های خلاف فراهم می‌گردد، پس به خود اجازه ندهد چنین عفونت‌هایی را سدّ راه معنوی خویش کند.
باید برای زیارت حسابی ویژه بگشاید و حتی از سرگرمی‌های غفلت‌آور که مانع رسیدن به هدف اصلی است پرهیز نماید.
اگر آداب و شرایط زیارت رعایت نگردد، ما اگر چه حضور فیزیکی در جوار آستانی با برکت را داریم، ولی از نظر فکری و قلبی غایب هستیم و این سنّت پسندیده به عملی بدون روح و گشت و گذاری تفنّنی و دیدن دیوارها، گچبری‌ها، مقرنس‌ها، کاشی کاری‌ها، چراغ‌ها، لوسترها و رفت و آمد مردم تبدیل می‌شود. اگر چه در ادب ظاهری، زایر باید غسل کند، وضو سازد و خود را خوشبو نماید و لباس پاکیزه بر تن کند، امّا آمادگی روحی و صفای دل برای دیدار با چنین شخصیتی مقدّس و کسب فیض از حضورش ضرورت افزون‌تری دارد. قصد قربت و پیروی از موازین شرعی، اجتناب از خود نمایی، تفنّن و گرایش‌های نفسانی، باید اصل برنامه زایر باشد. دیده‌ها باید از نگریستن‌های معصیت زا و مخرّب اعراض کنند که چشم آلوده قادر نخواهد بود نور و ملکوت را ملاقات کند. به قول حافظ:
چشم آلوده نظر از رُخ جانان دور است بر رُخ او نظر از آینه پاک انداز

5. فراموش کردن میثاق با امام

در منابع روایی آمده است: برای هر امامی پیمانی بر گردن پیروانش می‌باشد، وفای به این میثاق وقتی کامل می‌گردد که مراقد آن بزرگواران زیارت شود. پس کسی که مزار ائمه را با شوق درونی و میل باطنی زیارت کند، و به آنچه خواست آنان بوده، تصدیق داشته باشد، امام در روز قیامت شفیع چنین زایری خواهد بود. (1) در واقع زیارت تجدید دیدار و عهد و پیمان با انسان کامل است، زایر مشتاق دیدار یار است و برای رسیدن به این مقصد، سختی را بر خویش هموار می‌کند تا به وصال مذکور نائل گردد. بر اثر زیارت آن رشته مودّت و میزان اطاعت از دستورات امام باید افزایش یابد و نیز عمیق‌تر شود. پس زایر وقتی از سفر زیارتی بر می‌گردد باید بر میثاقی که هنگام زیارت آن را استوار نموده است، باقی بماند. این میثاق پیامی مهم در بر دارد و آن این است که در ابلاغ هدف امام قصور نورزد، به خصال و فضایلی که امام بر آنها اصرار داشته روی آورد، به اموری فردی اکتفا نکند و برای دور کردن جامعه از انحراف، نفاق و ریا بکوشد، با طاغوت‌ها سازش نکند کسی که غیر از این عمل نماید، میثاقی را که در موقع زیارت مرقد امام تجدید نموده، فراموش کرده است.

6. روی آوردن به امور خرافی

ائمه هدی نمونه‌های متعالی از عابدان و پرهیزگاری‌اند و در بُعد عملی نخستین کسانی هستند که حتی برای لحظه‌ای از یاد خدا غافل نبوده‌اند، آستان‌هایی که به این بزرگان اختصاص دارد نیز آراسته به نور حق و جلوه‌های ملکوتی هستند و به برکت آن ذوات مقدّس زایران از بام تا شام به دعا و عبادت مشغولند و تجارت و شغل و امور شخصی را رها و فراموش کرده‌اند تا بهتر بتوانند در این مراکز معنوی با خداوند ارتباط بر قرار کنند و اصولاً اساس تربیت اسلامی یاد حق است و ریشه تمام تباهی‌ها

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 116؛ وسائل الشيعة، ج 10، ص 53.

و ضلالت‌ها اعراض از ذکر خداست.
سازندگی زیارت وقتی محقّق می‌گردد که تقرب به حق و عبودت در آن جلوه‌ای برجسته داشته باشد و اصولاً مقام و منزلتی که ائمه هدی نزد خدای متعال به دست آورده‌اند به برکت بندگی آنان در برابر پروردگار متعال است و ما وقتی می‌خواهیم سلام نماز را به جای آوریم، اوّل در مورد خاتم پیامبران و برگزیده انبیای الهی لفظ «عبده» را به‌کار می‌بریم و سپس می‌گوییم «و رسوله». زایر باید مراقب باشد که از چنین مسیری خارج نشود و برای رسیدن به مقاصد و امیال خویش و نیز حلّ مشکلات نباید دستگاهی جدای از یکتا پرستی در ذهن خود ترسیم نماید. یکی از افکار خطرناک که آفت بزرگی برای زیارت است، این می‌باشد که هر کاری با قیافه خوب و معیار حق، ثواب دارد؛ اگر چه روح پاک آن معصوم از این حرکت بیزار باشد و خاطر مبارکش را برنجاند. دستگاه ائمه اطهار جدای از توحید و عبودیت نمی‌باشد و هیچ‌گاه معصومین در عرض قدرت الهی قرار نمی‌گیرند، بلکه آن وجودهای مقدّس از پرتو مشکات الهی نور گرفته‌اند و به برکت مصباح منیر پروردگار مظهر لطف و رحمت حق تعالی هستند. این نکته اعتقادی آموزه‌ای رفیع است که خود ائمه بر آن تأکید داشته‌اند، هیچ گاه بزرگان شیعه نخواسته‌اند همچون تفکرات زردشتی‌ها ثنویت را ترویج کنند. آنان همواره از عقاید شرک‌آمیز که برخی مکاتب و فرق به ترویج آنها مبادرت می‌ورزند، نفرت خود را اعلام کرده‌اند.
پرهیز از امور وهن‌انگیز و خرافی و آغشته به بدعت باید در دستور کار زایر باشد، چه بسا افرادی که در جوار بارگاه امام به روح مقدس آن حضرت درود می‌فرستند، اما از لحاظ فکر و باور در صف کسانی قرار می‌گیرند که ائمه از آنان بیزارند.
تأیید اهل تقوا و پویندگان مسیر حق اگر چه مفید و اثر بخش است، ولی کافی نمی‌باشد و آدمی را در ردیف اهل سعادت قرار نمی‌دهد و چنین افرادی که صرفاً با لسان از خوبی‌ها سخن می‌گویند و یا به دفاع از ابرار در لفظ بسنده می‌کنند، از جرگه

بدکاران بیرون نمی‌روند، مگر آن که به اعمال صالح، ذکر، عبادت و اجتناب از منکرات روی آورند. امکان ندارد کسی با دوری از خدا و نادیده گرفتن موازین شرع مقدس که ائمه هدی برای حفظ و حراست و ترویج آنها اهتمام ورزیده‌اند و حتی در این راه به شهادت رسیده‌اند، به امام نزدیک گردد و با خشم پروردگار امام را خشنود سازد.
برخی با وجود چنین سرمایه‌های ارزشمند دینی، دستگاهی در مقابل حرام و حلال و ثواب و عقاب پروردگار به راه انداخته‌اند. وای بر حال زایری که در اقامه نماز قصور ورزد و کاهلی کند و به دستورات قرآنی، سنت محمّدی و فرهنگ عترت پیامبر بی‌اعتنا باشد، حقوق مردم را رعایت نکند و مرتکب امور ناروا گردد و آن گاه دل خود را به این خوش کند که بله من زایر مثلاً امام رضا علیه السلام هستم، چندین بار مشرف شده‌ام، زیارت کربلا نصیبم گردیده و عتبات ائمه را بوسیده‌ام. باید از این فرد پرسید تو چگونه خود را در زمره زوّار ائمه قرار داده‌ای در حالی که نه اعمال صالح امام و نصایح او را خوش می‌داری و نه حضرت از کارنامه اعمالت راضی است.
امام حامی راستی و درستی است، اما تو در ارتباط با مردم، معاملات و مانند آنها به دروغ، تزویر و کم‌فروشی روی می‌آوری. او امانت‌دار بوده تو خیانت می‌کنی. او دائم در حال نماز، دعا، استغفار، ذکر، تلاوت قرآن، رسیدگی به امور مردم، حمایت از نیکان و صالحان و مبارزه با متجاوزین و ستم‌کاران بوده و در راه خدا از بذل هر چه داشته دریغ ننموده است، ولی تو به خلاف‌ها و نارواها راغب‌تری.
البته زایری که مقام امامت را به درستی می‌شناسد، گرفتار این انحرافات و خسران‌های آشکار نمی‌گردد و برای وجود مبارک امام در مقابل دستگاه خداوند حسابی جداگانه باز نمی‌کند و به خوبی واقف است که رفعت، عظمت و ابهت امام بر پایه عبودیت، تقوا و مکارم اخلاقی استوار است و جز از این راه نمی‌توان از فیض امام بهره گرفت.

همچنین زایر راستین هیچ گاه اعمال صالح، سنت‌های درست و مبتنی بر روایات ائمه را با خرافات، ترشحات فکری و ذهنی افراد منحرف و عقیده‌های مخلوط به عُقده نمی‌آمیزد. زیارت باید ناب و خالصانه با همان آداب و موازینی که در منابع روایی و کتب معتبر حدیث آمده است انجام گردد.
زیارت مصداق بسیار خوبی برای تولی و تبرّی است؛ یعنی زایر باید نفرت خود را از کارگزاران فساد، ظلم و بی‌عدالتی اعلام کند و از جبهه حق و مجاهدان راه اعتلای فضیلت دفاع کند.

فهرست منابع

1. احیاء علوم الدین(احیاء العلوم)، ابو حامد محمد غزالی، بیروت، دار الکتب العربی.
2. بحارالأنوار، علامه محمّد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ سوم، 1403 ق.
3. تاریخ الخمیس، الدیار بکری.
4. تفسیر جامع(تفسیر قرطبی) ابو عبد اللّٰه قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422 ق.
5. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، تهران، مؤسسة الهدی، طبع اول، 1417 ق.
6. تفسیر نور الثقلین، عبد علی حویزی، تحقیق سید علی عاشور، بیروت، مؤسسة تاریخ العربی، طبع اول، 1422 ق.
7. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1366.
8. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، 1365 ق.
9. جرعه‌های جان‌بخش، غلامرضا گلی‌زواره، قم، حضور، چاپ چهارم، 1383.
10. خصال، ابو جعفر محمد بن بابویه قمی(صدوق)، دفتر انتشارات اسلامی، 1403 ق.
11. دائرة المعارف الاسلامیّة الشیعیة، سید حسن امین، بیروت، 1395 ق/ 1975 م.
12. دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید محبی، 1379.
13. الدرالمنثور، جلال الدین سیوطی، قم، مکتبة المرعشی، 1404 ق.
14. رسائل ابن سینا، ابو علی حسین بن عبد اللّٰه بن سینا، قم، بیدار، 1400 ق.
15. سیمای فرزانگان، رضا مختاری، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، 1372.
16. طبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دار الطباعة والنشر، 1404 ق/ 1994 ق.
17. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، 1390 ق.
18. فرازهای فروزان، غلامرضا گلی‌زواره، قم، حضور، چاپ اول، 1379.
19. فلسفه زیارت(شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی)، احمد عابدی، قم، زائر، 1376.

20. فوائد الرضویه، حاج شیخ عباس قمی، تهران، بی‌جا، بی‌تا.
21. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، اسلامیّه، چاپ دوم، 1364.
22. کشف الارتیاب، سید محسن امین، بی‌جا، چاپ پنجم، 1347 ق.
23. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، 1377.
24. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، 1408 ق.
25. المطالب العالیه من العلم الالهی، فخر رازی، تحقیق احمد حجازی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
26. معجم مقاییس اللغة، ابو الحسین احمد بن فارس القزوینی الهمدانی.
27. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، 1404 ق.
28. موسوعة زیارات المعصومین، قم، مؤسسة الامام الهادی، چاپ اول، 1383.
29. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ چهارم، 1414 ق.
30. وسایل الشیعه، شیخ حُرّ، بیروت(لبنان)، مؤسسة الوفاء، چاپ چهارم، 1391 ق.
31. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، نور الدین علی بن احمد السمهوری، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ چهارم، 1404 ق/ 1984 م.

4. پیشینه زیارت در آموزه‌های دینی ایرانیان

اشاره

حسین قاسم‌نژاد

چکیده

مردم ایران از دیر باز، تا آن‌جا که مرز اسطوره به تاریخ مدوّن تبدیل می‌شود، به یگانگی ذات اقدس اله آشنایی داشتند و فرهنگ پرستش با تمام سستی و فطور در میان‌شان جریان داشت. بنابر شواهد تاریخی مردم ایران را باید خدا باورترین انسان‌های روی زمین نامید. چرا که از ابتدا به نوعی یگانگی و خدای واحد معترف بوده‌اند.
باید پذیرفت که تفسیر غلط از دین سبب شده بود که بسیاری از زرتشتیان ایران با اعمال سیاست حکومت‌های ساسانیان به سمت ثنویت گرایش پیدا کنند. که اتفاقاً ظهور دین اسلام سبب شد تا موبدان اصیل و درستکار رنگ سیاست را از دین زدوده و آرام آرام یکتاپرستی در دین زرتشتی نمود بیشتری یابد و امروزه رکن رکین این دین همان یکتاپرستی است. در واقع مباحث دینی زرتشتی و یهودی و مسیحی و مانوی و مزدکی و سایر ادیان زمینی و آسمانی ایرانیان جهت بررسی مفهوم و رسوم زیارت در آن ادیان است. سعی شده است تا حد مقدور در نهایت ایجاز بحث درباره زیارت ایرانیان در این متن مطرح شود. ضمن این‌که خود واژه زیارت دارای ابعاد و تعاریف مختلفی است و معنی کاربردی زیارت در این متن همان توسل قلبی از راه دور و یا بازدید معنوی و دینی از یک یا چند جایگاه مقدس نورانی و در واقع همان تعریف عامه از زیارت است که در بین مردم مسلمان و مؤمن متداول است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارت حضوری، زیارت باطنی، اسلام، زرتشت، مسیحیت، یهودیت، تاریخ.
... خداوندان امروزی چه دانند؟ خداخواهان از روز الستیم

اگر چه با شراب تلخ گرمند ولی ما می‌نخورده مست مستیم
تمام حسن ما اخلاق نیکوست دَرِ اخلاق نیکو را نبستیم
و در علم است از حضرت اشارت که از مرز ثریا هم سَرَستیم
زِما ایرانیان جز عشق و وحدت نمی‌بینند چون یکتاپرستیم (1)

تعریف زیارت

زیارت در لغت یعنی: «دیدار کردن شخص بزرگ و محترم، بازدید کردن، به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن، دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امامان و امامزاده‌ها و اولیا خوانند». (2) زیارت در تعریف عامه و در مطالب علمی به دو صورت باطنی و قلبی از راه دور و زیارت از نزدیک که با حضور شخص امکان‌پذیر است معنی می‌یابد. بنابراین در این متن هم زیارت به دو صورت قلبی و بازدید از مکان معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای نمونه ما در مذهب تشیع زیارت عاشورا داریم که نمونه زیارت باطنی و قلبی است. و علاقه‌مندان به حضرت امام حسین علیه السلام از هر جای دنیا که هستند به‌خصوص در ایران در منزل خود و یا هفته‌ای یک بار در مساجد به صورت دسته جمعی این زیارت را می‌خوانند و سلام می‌دهند و در پایان آن دو رکعت نماز برای هدیه به امام می‌خوانند. از طرف دیگر رفتن کاروان‌های زیارتی به عراق و بازدید مرقد مطهر و تجدید عهد ائمه از نزدیک هم زیارت است که در واقع زیارت شهودی و حضوری است.

فلسفه زیارت در عالم مادی را می‌توان نوعی دلدادگی نامید که انسان متعهد نسبت به اعتقادات خود از مکان‌های متبرک یا دعاهای قلبی از راه دور ابراز می‌دارد و این رسم

1- قسمتی از یک غزل، سروده نویسنده.

2- فرهنگ معین، ص 520؛ فرهنگ عمید، ص 742.

از دیر باز، حداقل از زمانی که انسان نمادهایی را به عنوان مظاهر الهی در امر پرستش پذیرفت جریان داشته است. بنابراین قدمت آیین زیارت به قدمت تاریخ بشریت است. چنان‌که در اسطوره‌ها که هنوز رد شفافی از تاریخ نیست، نیز زیارت از مکان‌های مقدس یا افراد بزرگ دیده می‌شود. به همین دلیل زیارت همواره در فلسفه یک نماد مشخص است و در مکاتبات وآثار فیلسوفان زیارت واژه‌ای پر کاربرد است.

به عنوان مثال قبر کورش کبیر تا سالیان درازی توسط ایرانیان و یهودیان مورد بازدید معنوی قرار می‌گرفت که با حمله اسکندر مقدونی معلوم شد قبر کورش در آن جایگاه نیست. و تاریخ مسیر حرکت رو به مرگ کورش را در آخرین لشگر کشی به شمال ایران منطقه‌ای حایل بین تالشات و اردبیل می‌داند. (1) در رم باستان هم مکان‌ها و نمادهای خدایان در معبدهای گوناگون مورد زیارت رومیان قرار می‌گرفت و این مسأله در مورد مصریان و هندوان و چینیان باستان نیز صدق می‌کند. اکنون هم در کشورهایی که دین بودا بر آن حاکم است، مثل چین و قسمتی از هندوستان و کشورهای آسیای شرقی، مردم برای زیارت معابد که مجسمه‌های بودا در آن قرار دارد می‌شتابند، و نذرها و نیازهای خود را می‌بندند. این روش در ادیان آسمانی هم ادامه پیدا کرد. در آیین یهود مردم به زیارت کنیسه‌ها می‌روند و سالیان درازی مردم برای زیارت هیکل سلیمان می‌رفتند و کورش کبیر وقتی به بابل حمله کرد و یهودیان را آزاد نمود، به آنها اجازه داد تا کما فی السابق به زیارت هیکل سلیمان بروند. در آیین مسیحیت هم مردم به زیارت کلیساهای رم باستان و مقبره شهادت اسقف‌های اعظم مثل ژوستین مقدس و ... می‌روند. اکنون هم به زیارت پاپ در واتیکان می‌روند و علاوه بر آن از مزار پاپ‌های گذشته نیز دیدن می‌کنند و حاجت می‌بندند.

1- ر. ک: کورش کبیر، تعلیقات و مقدّمه.

البته در دین اسلام هم زیارت یک اصل انکارناپذیر است و برترین مؤلفه آن که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است، زیارت از مکه مکرمه و طواف آن و برگزاری مراسم حج است. و تمامی فرق اسلامی به آن اعتقاد راسخ دارند. در مذهب شیعه اثنی عشری و مذاهب شیعی که تا کنون پویا مانده‌اند، مثل زیدیان و اسماعیلیان و ... نیز زیارت از مرقد فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل زیارت از ائمه بقیع و کربلا جریان دارد.

پیروان مذهب شیعه امامی علاوه بر امامان و امامزاده‌های نسل اول تا پنجم به زیارت سایر امامزاده‌ها و اولیای الهی و مرقد و مزار دانشمندان و ادیبان بزرگی چون حافظ و سعدی شیرازی و مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز می‌روند.

بنابراین فلسفه زیارت در اندیشه‌های بشری با نیل به آرزوهای خداپرستی و فطرت خداگرایی انسان آغاز شد و همچنان ادامه دارد. کسی به معنی درست و واقعی زمانِ مشخص اولین زایر و زیارت کننده را نمی‌داند. خداوند در قرآن کعبه را اولین خانه مقدس می‌داند که مردم با ادیان مختلف برای زیارتش اقدام می‌کردند و طبعاً به غیر از کعبه، مکان‌های مقدس دیگری هم وجود داشته که توسط مردم نقاط دیگر جهان به عنوان نماد مقدس مورد زیارت قرار می‌گرفت. (1)

در آیین نیایش ایرانیان و در کهن‌ترین کتاب مقدس مردم ایران که همان کتاب اوستاست، زیارت به دو صورت قلبی و حضوری جریان داشته. با توجه به این‌که در رد پای اساطیر ایرانی نیز زیارت مشهود و مبرهن است، در کهن‌ترین یادداشت و زنده داشت اساطیر ایرانی که همان شاهنامه فردوسی است، قهرمانان و بزرگان ایرانی برای تقویت نیروی معنوی خود به زیارت عبادتگاه‌های خویش می‌رفتند و همیشه در دل خود ارادت قلبی خویشتن را به اهورا مزدا و نیروهای مقدس که همان نفوس

1- ر. ک: سوره آل عمران، آیه 96.

مطهر انسانی مقرب درگاه الهی است، ابراز می‌داشتند. در شاهنامه این یکتاپرستی به چشم می‌خورد و تنها اسباب پرستش متفاوت است، چنان‌که مسلمان سنگ را در محراب می‌گذارد، نیاکان ما آتش را نماد پرستش قرار دادند:

نیا را همی بود آیین و کیش پرستیدن ایزدی بود پیش

بدآن گه بدی آتش خوبرنگ چو مر تازیان است محراب سنگ

به‌سنگ اندر آتش از او شد پدید کز او روشنی در جهان گسترید ... (1)

بنابراین آتش خود نماد پرستش و آتشگاه محل زیارت ایرانیان باستان بوده است.

البته مردم ایران دارای ادیان مختلف اولیه‌ای چون میترائیسم و باورهای توتمی و تابویی بودند. و بیشتر به سمت مرزهای شرقی ایران باستان یعنی هندوستان و پاکستان امروزی سکونت داشتند که بسیاری از این مردم هنوز هم بر همان اعتقادات میترایی و هندو و باورهای توتمی وتابویی، مثل اعتقاد به عظمت گاو و مار و ... دارند.

اما بحث درباره اکثریت مردم ایران است که در فلات مرکزی ایران بین دو رشته کوه زیبای البرز و زاگرس تا حوالی بین النحرین امتداد داشت. این اقوام به شواهد تاریخی و به دلیل رفت و آمد مصلحان و پیامبران بزرگ دینی «از جمله تعداد زیادی از پیامبران بنی اسرائیل مانند دانیال نبی، حزقیال نبی، میکاه نبی و ... که همگی دارای کتابند و مزارشان نیز در ایران است و محل زیارت مردم منطقه و مسلمانان و سایر ادیان الهی قرار دارند» بر یکتاپرستی خود استوار بوده‌اند. بنابراین آتشگاه یا همان محل عبادت مردم ایران، محل زیارت ایرانیان بوده است. اما به غیر از این در اسطوره‌ها هم دعای قلبی و زیارت باطنی بین مخلوق و خالق جریان داشته که در نوع خود بی‌نظیر است. چنان‌که در شاهنامه می‌خوانیم:

شنیدم که رستم از آغاز کار چنان یافت نیرو زپروردگار

1- شاهنامه، دفتر اول، ص 19.

که گر سنگ را او به سر بر شدی همی هر دو پایش بدو در شدی
از آن زور پیوسته رنجور بود دل او از آن آرزو دور بود
بنالید بر کردگار جهان به زاری همی آرزو کرد آن
که لختی ز زورش ستاند همی به زاری همی آرزو کرد آن
بر آن سان که از پاک یزدان بخواست ز نیروی آن کوه پیکر بکاست ... (1)
البته از نوع دیگر تعریف زیارت یعنی به ملاقات اشخاص مهتر یا دانشمندان رفتن نیز در شاهنامه بسیار نقل شده است. چنان‌که فردوسی در مورد ملاقات رفتن سام نزد دانشمندان برای مطالعه ستاره‌شناسان از وضعیت تولد کودک و چگونگی حالات فرزند نو رسیده آورده است:
چو برخاست از خواب با موبدان یکی انجمن کرد و با بخردان
کشاد آن سخن بر ستاره شمر که فرجام این بر چه آید بسر
دو گوهر چو آب و چو آتش بهم بر آمیختن باشد از بن ستم
همانا که باشد به‌روز شمار فریدون و ضحاک را کارزار
ز اختر بجویید و فرمان دهید سر خامه بر بخش فرّخ نهید
ستاره شناسان به‌روز دراز همی زآسمان باز جستند راز
بدیدند و با خنده پیش آمدند چو شادان دل از بخت خویش آمدند
به‌سام نریمان ستاره شمر چنین گفت که ای گر زرّین کمر
تو را مژده از دخت مهراب وزال که باشند هر دو دو فرّخ همال
از این دو هنرمند پیل ژیان بیاید ببندد به مردی میان ... (2)
از اسطوره که بگذریم، در کهن‌ترین کتاب دینی ایرانیان که به اوستا معروف است و خود شامل چند بخش یا در واقع چند کتاب جدا گانه به نام‌های «یشت‌ها، یسنا

1- همان، ج 2، ص 369(نبرد رستم وسهراب).

2- همان، ج 1، ص 140(ابیات 806 تا 815).

ویسپرد، وندیداد، خرده اوستا» است. و کتاب گاثه‌ها که سروده‌های زرتشت را در خود دارد، به عنوان نماد افکار ایرانیان سرشار از روح تعبد و زیارت‌های باطنی و قلبی است. متأسفانه این کتاب هم مانند بسیاری از کتب دینی دستخوش حملات گوناگون قرار گرفته است ولی با وجود این، به عنوان سندی ماندگار برای بررسی آرا و عقاید دینی ایرانیان تا کنون مانده و بسیار هم قابل ارزش و در نوع خود دارای احترام است. چون بعد از قرآن تنها کتابی است که خدا را مجسم نمی‌کند.(مانند تورات که در سفر پیدایش، خدا در باغ بهشت قدم می‌زد و از آدم و حوا که دچار گناه میوه ممنوعه شده بودند خبر نداشت و یا اناجیل اربعه که در آنها خدا به شکل انسان ظهور می‌یابد.) (1) علاوه بر آن بر یکتاپرستی و عظمت اهورامزدا اعتقاد راسخ دارد و در حکم خداوندی او شریکی قایل نیست. و اهریمن ساخته‌ای از خود اوست که بر او متمرد شده است. اما همان‌طور که گفته شد، این کتاب دستخوش تغییراتی هم شد؛ از جمله بسیاری از آرا و افکار میترایی و چند خدا پرستی در بخش‌هایی از یشت‌ها رسوخ پیدا کرد که مطمئناً مربوط به سیاست‌های شاهنشاهی ایران قدیم بوده است، تا بتوانند در این راستا عظمت کروبی برای شاهان در نظر بگیرند. البته تفاوت‌های ساختاری متون به خوبی تغییرات را نشان می‌دهد؛ ولی در کل، ما ایرانیان باید به خودمان ببالیم که همواره یکتاپرستان روی زمین بوده‌ایم. چنان‌که در گاثه‌ها که سروده‌های زرتشت است می‌خوانیم:

«اوست خداوندی که در آغاز پیدایش، درباره بهترین سرزمین و نور اندیشید و چون چنان کرد، زمین و نور پدید آمد، و این پیدایش از پرتو خرد او بود و این است نیرویی که همچنان است که در آغاز بود و هیچ دگرگونی درش راه ندارد. آن‌گونه تو را

1- ر. ک: سفر پیدایش، آیات 17 به بعد.

شناختم ای مزدا، که از روی خرد، به درون اندیشه کردم، سپس دریافتم که تویی خرد کل جهان، و چون در اندیشه تو را یافتم، در سراسر هستی نیز تو را دیدم، تویی که آغازی و تویی که انجامی و تویی که خداوند جان و خرد و سرور راستی هستی». (1) بنابراین اگر گستره دینی مردم ایران را زرتشتی بدانیم، مردم ایران یک زیارتگاه به نام آتشگاه داشتند که در آن عبادت می‌کردند و توسل می‌جستند و از موبدان و دانشمندان یاری می‌طلبیدند. که در واقع همان زیارت از مکان‌های زیارتی است و در نوع دیگر زیارت که همان زیارت قلبی یا باطنی است، نیز در اوستا مشهود دیده می‌شود. و قسمت یشت‌ها از کتاب اوستا سرشار از این زیارت باطنی به ارواح مطهر یا انسان‌های پاک و آبرومند درگاه خداوند است:

«فروهرهای نیرومند پاکان را می‌ستایم که آب‌ها را که پس از آفرینش ساکن بودند، روان کردند به سوی سرزمین‌های مزدا آفریده تا خشنود گردانند اهورامزدا وامشاسپندان را». (2) و یا در جایی دیگر در یشت‌ها می‌خوانیم:

«می‌ستایم اشی وَنگوهی را که زیبا اندام است و گردونه‌اش به استواری روان است، که بخشنده ثروت و برکت است، و درمان بخش نیرومند و بسیار هوشمند. از مزداست، همچنان‌که امشاسپندان از اویند. داننده است، همچون سوشیانت‌ها، چون خوب ستایش شود، به ستایشگر دانایی و شناسندگی بخشد، خواه این آیین‌گزاری از سرزمین‌های دور باشد یا نزدیک، و هر که بستاید وی را، چونان است که مهر را ستوده باشد». (3)
بنابراین افراد چه دور باشند و چه نزدیک، می‌توانند آیین عبادی را انجام دهند که

1- گاثه‌ها- یسنا- هات، 31(اوستا، ص 31).

2- اوستا- یشت‌ها- کرده، 14- 16 بخش هفتم(اوستا، ص 302).

3- همان، ارت یشت(اوستا، ص 324).

همان تداعی کننده زیارت قلبی است. چون در ادامه می‌فرماید که زیارت او در واقع همان زیارت مزداست.
و از این دست زیارت‌ها بسیار است که در جای جای اوستا قرار دارد. البته در ادامه یشت‌ها بندهای «مهر نیایش» و «ماه نیایش» و ... هم وجود دارند که ستایش از آفریده‌های خداوند کریمند و به نظر می‌آید که این بندها مربوط به دخل و تصرفات گوناگون در یشت‌ها و در اوستا است. که هم همخوانی با بندهای دیگر ندارد و هم در ستایش جمادات و نباتات، گاه غلو دیده می‌شود که بیشتر می‌توان آن را مداخله افکار میترائیسم در اندیشه‌های زرتشت نامید. در این بندها رگه‌هایی از ثنویت هنوز باقی مانده است.

قوم بنی اسرائیل علاوه بر این‌که از مزار و مقبره پیامبران خود و کنیسه‌های مقدس زیارت می‌کنند، دارای زیارتنامه‌ها و سرودهای مقدسی هستند که از جانب پیامبران خود به یادگار دارند. مانند سرود موسی در تورات و مزامیرهای حضرت داود و حضرت سلیمان و سرودهای پیامبران بنی اسرائیل که در نوع خود بی‌نظیرند. زیارت حضرت موسی در کوه نور و ملاقات او با نماد الهی و صحبت کردن با حضرت حق، خود نمایی از زیارت در این آیین است. بررسی زیارت در آیین یهود از این نظر که دین بسیاری از مردم ایران بوده وهست قابل ارزش است. در تورات در سفر خروج زیارت موسی علیه السلام است که به نوعی زیارت قلبی با خدای کریم است:

«آن‌گاه موسی و بنی اسرائیل در ستایش خداوند این سرود را خواندند:
خداوند را می‌سراییم که شکوهمندانه پیروز شده است
او اسب‌ها و سواران‌شان را به دریا افکنده است
خداوند قوت و سرود و نجات من است
او خدای من است، پس ستایش می‌کنم

او خدای نیاکان من است، پس او را تجلیل می‌نمایم
او جنگاور است و نامش خداوند است
خداوند لشکر و عرابه‌های فرعون را به دریا سرنگون کرد
مبارزان برگزیده مصر در دریای سرخ غرق شدند
آب‌های دریا آنها را پوشاندند
و آنها مانند سنگ به اعماق دریا فرو رفتند
دست راست تو ای خداوند قدرت عظیمی دارد
به نیروی دستت، دشمنانت را در هم کوبیدی
با عظمت شکوهت دشمنان را نابود ساختی
آتش خشم تو، ایشان را همچون کاه سوزانید ...». (1) در جایی دیگر که خداوند دستور ساختن قربانگاه می‌دهد تا مردم برای زیارت به آن‌جا بروند و قربانی‌های خود را تقدیم خداوند کنند، آمده است:
«قربانگاهی که برای من می‌سازید باید از خاک زمین باشد. از گله و رمه خود قربانی‌های سوختنی و هدایای سلامتی روی این قربانگاه قربانی کنید. در جایی که من برای عبادت تعیین می‌کنم، قربانگاه بسازید تا من آمده شما را در آن‌جا برکت دهم ...». (2) البته این زیارت و عبادت به اشیاء مقدس مثل صندوق عهد، میز نان مقدس، چراغدان با هفت چراغ، خیمه عبادت و قربانگاه و ... نیز تعلق می‌گیرد که ابزار مقدسی برای عبادت یهوه یا همان خدای یهود هستند. بنابراین زیارت در آیین یهود نیز به صورت حضوری و مشاهده جریان دارد. مثل زیارت از هیکل سلیمان و کنیسه‌های قدیمی و قربانگاه‌ها و چراغدان‌های عبادت و مزار پیامبران‌شان. و هم زیارت به صورت ارادت قلبی و باطنی جریان دارد

1- تورات، سفر خروج، فصل 15، بند 1- 8.

2- تورات، سفر خروج، فصل 20، بند 24.

که بهترین نمونه‌های آن سرودهای حضرات موسی و داود و سلیمان در مزامیر هستند که به زبور حضرت داود معروفند. در حالی که «هفتاد و دو مزمور را حضرت داود نوشته، دو مزمور را حضرت سلیمان، دوازده مزمور را آساف، نه مزمور را خاندان قورح و بالأخره یک مزمور را حضرت موسی به رشته تحریر در آورده است». (1) در مزمور سه داود در برابر بد عهدی‌های زمانه و قوم بنی اسرائیل چنین می‌سراید:

«ای خداوند، دشمنانم چقدر زیاد شده‌اند، بسیاری بر ضد من بر می‌خیزند
بسیاری می‌گویند که خدا به داد من نخواهد رسید
اما ای خداوند، تو سپر من هستی
و از هر سو مرا محافظت می‌نمایی
تو مرا پیروز و سربلند می‌سازی
و شهامت مرا به من باز می‌گردانی
به سوی خداوند فریاد بر می‌آورم و او از کوه مقدس خود مرا اجابت می‌کند
با خیال آسوده به خواب می‌روم و از خواب بیدار می‌شوم، زیرا خداوند از من مراقبت می‌نماید
از هزاران دشمنی که مرا از هر سو احاطه کرده‌اند ترسی ندارم ...». (2)

بنابراین در آیین یهود، زیارت ریشه‌ای استوار دارد و درخت تناور اعتقادات آنها را تشکیل می‌دهد. امروزه هم صهیونیست‌ها در اسرائیل تمام هدف‌شان ساخت و احیای مجدد هیکل سلیمان در جنب یا در جایگاه مسجد الاقصی برای جلب تمام یهودیان و زیارت از آن مکان مقدس است، تا بدین وسیله و با عوام فریبی از اعتقادات مردم یهود سوء استفاده کرده و مهاجرت یهودیان را روز افزون کنند.

1- کتاب مقدس، مزامیر، توضیحات ابتدای کتاب.

2- کتاب مقدس، مزامیر، زمور 3.

آیین مسیحیت یکی از ادیان مردم ایران در قبل از اسلام بوده وهست. در این دین نماد اصلی پرستش بر پایه زیارت است. زیارت از کلیسا و پاپ و اسقف‌ها و همچنین زیارت خواندن برای مسیح و پاپ‌های شهید و ارواح مطهر از آداب عبادی این دین به شمار می‌رود. زیارت با هر دو تعریف کاربردی آن، یعنی زیارت قلبی و باطنی و مشاهده کردن مکان‌های مقدس در آیین مسیح جریان دارد. چنان‌که در انجیل متی از زبان عیسی آمده است:

«ای تمامی کسانی که زیر یوغ سنگین، زحمت می‌کشید، نزد من آیید و من به شما آرامش خواهم داد، یوغ مرا به دوش بکشید و بگذارید من شما را تعلیم دهم، چون من مهربان و فروتن هستم ...». (1) در واقع زیارت یا نوعی عبادت قلبی در دین مسیح مستقیماً به خود مسیح و مادر او بر می‌گردد. در واقع هر چه در مورد مسیح باشد عبادت است و هرچه در مورد مادر مسیح و حواریون و استمداد یاری از ارواح مطهر شهدا و قدیسان دین مسیح باشد، زیارت است. چه این زیارت با حضور بر مقبره شهدای دین باشد، که زیارت شهودی و حضوری است، و چه زیارت باطنی و قلبی باشد. در هر صورت زیارت زیر بنایی‌ترین تفکر دین مسیح است و حتی ابزار وجودی ارتباط با خود مسیحی که در باورشان خدای بزرگ آسمان‌ها هست و دارای اقانیم سه گانه است، با زیارت آغاز می‌شود. چنان‌که در مکاشفه یوحنا در مورد پیام مسیح با کلیساها به عنوان مجمع زیارت مسیحیان آمده است:

«هر که پیروز شود، او را در خانه خود ستونی محکم خواهم ساخت تا همواره در حضور خدا باشد و دیگر هرگز بیرون نرود. نام خدای خود را نیز بر او خواهم نهاد تا

1- انجیل متی، باب 11، بند 28.

متعلق به شهر خدایم یعنی اورشلیم جدید گردد که از آسمان از جانب خدایم می‌آید.
همچنین نام جدید خود را بر او خواهم نهاد. هر که این را می‌شنود، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه می‌گوید». (1) از این رو کلیساها رکن رکین زیارتگاه‌های مردم و محل عبادت خداوندند. از طرفی دیگر کلیساهای قدیس شامل کلیساهای قدیمی از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند و کلیسای واتیکان هر ساله محل زیارت ده‌ها میلیون مسیحی است که از سراسر دنیا برای زیارت کلیساهای قدیمی و متعدد این شبه کشور دینی موجود در کشور ایتالیا مسافرت می‌کنند و یا برای حضور در عشای ربانی و مراسم‌های دینی مسیحیان با حضور پاپ شرکت می‌کنند. مسیحیان ایران نیز همان رسم و رسوم مسیحیان دیگر جهان را بر اساس فرق‌شان که ارتودکس یا کاتولیک ویا پروتستان و ... باشند انجام می‌دهند؛ با این تفاوت که برخی از مسیحیان کشورمان بر اساس نذرها و نیازهای خود در روزهای عاشورا برای حضرت عباس و امام حسین علیهما السلام نذر می‌کنند و زیارت می‌خوانند، بدون این‌که از دین خود خارج شده باشند. این کار تنها نشانه ارادت قلبی‌شان است و یا حاجاتی که با نام این عزیزان دریافت کرده‌اند که در نوع خود بی‌نظیر است.
نمونه ارادت قلبی مسیحیان به آداب و سنن مسلمانان را در لبنان هم می‌توان به عینه دید البته قرآن کریم هم مسیحیان را بهترین دوستان مسلمانان معرفی می‌نماید که در دل‌شان به مسلمانان نزدیکند. (2) حال شاید به دلایل سیاسی وسایر مؤلفه‌های اجتماعی و دینی در ظاهر نشان ندهند. ارادت قلبی بالاتر از این که جرج جرداق

1- انجیل، مکاشفه یوحنا، باب 3، بند 12.

2- ر. ک: آیه 82 سوره مائده که می‌فرماید: «به طور مسلّم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود ومشرکان خواهی یافت و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصارا هستیم» این به خاطر این است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند، و آنها تکبر نمی‌ورزند».

مسیحی لبنانی بالغ بر چهارصد بار نهج البلاغه را خوانده و یکی از حافظان آن است.

مانی بعد از این‌که دین مسیح در درگیری‌های میان رومیان و کشت و کشتارهای پراکنده مؤمنان نجات یافت و آخرین قیصر روم علناً کیش مسیحیت را پذیرفت، کم کم جایگاه مسیحیت تقویت شد و کار به جایی رسید که مسیحیت ابزاری برای نیل به اهداف پادشاهان شد که به غلط به حکومت کلیسا و تفتیش عقاید در تاریخ معروف شد؛ چون کلیسا نبود که حکومت می‌کرد. همان رومیان با نرمش در مقابل دین مسیحیت و آمیخته کردن آن با انواع خدایان خود مسیحیت را پذیرفتند. چنان‌که سالیان درازی مسیح را اوزیریس یعنی همان خدای رم باستان که برای نجات بشر خود را فدا می‌کرد می‌نامیدند. اتفاقاً تفتیش عقاید و کشتارها برای کفار نبود، بلکه مؤمنان حقیقی مسیح علیه السلام را می‌گرفتند و می‌کشتند، تا یکتاپرستی برای همیشه از این دین رخت بندد. با وجود چند قرن کشتار و از بین بردن مؤمنان حقیقی، اکنون بالغ بر پنجاه هزار نفر مسیحی در کشورهای پرتقال و اسپانیا و اندکی به صورت پراکنده در سایر کشورهای دنیا زندگی می‌کنند که به خدای یگانه اعتقاد کامل دارند و مسیح را جلوه و نشانه عظمت خدا می‌دانند، نه خود خدا. البته از طرف کلیسای واتیکان مورد نفرت قرار داشته و مطرودند، ولی مؤمنان حقیقی هستند که معجزه فاطیما که در اوایل قرن بیستم در محلی که بعدها فاطیما نامیده می‌شود، اتفاق افتاد و مردم آن دیار برای همیشه بسیاری از اعتقادات گذشته را کنار گذاشته و اندک رابطه‌ای که با کلیسای کاتولیک واتیکان داشتند بهم زدند و برای خود به صورت مستقل عبادت می‌کنند.

آنها به شدت در اقلیتند و از بسیاری از مواهب اجتماعی محروم هستند.

مانی در زمانی متولد شد که امپراطوری روم توانسته بود دین مسیح را با تخریب بسیار به دین رسمی خود تبدیل کند و در این راه مخالفان حقیقی که همان مؤمنان به مسیح بودند را به وحشیانه‌ترین روش به مجازات برساند. بنابراین مسیحیت دین

سیاسی و ابزار توسعه امپراطوری رم قرار گرفت و تنها نامش به امپراطوری رم مقدس تغییر کرد که بعدها انشعابات گسترده‌ای پیدا نمود و القاب و عناوین مختلفی را از آن خود کرد. مانی در ایران متوجه شد که دین زرتشت مورد بازیچه پادشاهان ساسانی قرار گرفته و از طرفی دیگر گرایش مردم ایران به سمت ادیان بودایی و یهودی و مسیحی، روز به روز بیشتر می‌شود. پس با مطالعه بسیار زیاد بر ادیان مختلف، روش جدیدی را بنیان نهاد که بر اساس محور ثنویت یعنی خدای خیر و خدای شر صدق می‌کرد. او توانست در کوتاه‌ترین زمان طرفداران زیادی را جذب کند. جذبه مانی که هنرمندی تمام عیار بود و با ذوق بلیغ خود سخن می‌گفت، سبب وحشت دربار و موبدان شد که البته مرگ او نتوانست از تعداد پیروان او بکاهد.

امروزه اگر چه دین مانی به نام مانی وجود ندارد، ولی بسیاری از فرق ثنویت هندو و چینی را می‌توان وارثان پیچ و تاب خورده دین مانی نامید که هنوز هم در میان مردم رواج دارند. در آیین مانی زیارت از مکان‌های مقدس مورد تأیید است. و زیارت قلبی که همان عبادتنامه خواندن و یا زیارتنامه خواندن با تصور حضور باطنی است نیز جریان دارد. مطالعه بیشتر افکار و آرای مانی با پیدا نمودن بسیاری از کتب او در غارهای چین ادامه دارد. قتل مانی به دستور مستقیم بهرام نوه شاپورساسانی، در سال 277 میلادی بوده و او دارای کتاب‌های زیادی از جمله: 1. شاپورگان، 2. انجیل زنده، 3. گنجینه زندگی، 4. پراگماتیا(یا همان کتاب اعمال)، 5. کتاب رازها، 6. کتاب دیوها و .... بود، که امروزه تعدادی از این کتب پیدا شده و در حال بررسی‌اند. (1)

مزدک به تمام معنی یک دان‌کیشوت ایرانی بود که برای نجات مردم قیام کرد.
مشکلات مردم ایران سبب شد تا تاریخ مردی با نام مزدک را بپروراند که با دیدگاهی

1- ر. ک: تاریخ ادیان، جان بی‌ناث؛ تاریخ ادیان، عبداللّٰه مبلغی آبادانی.

آنارشیستی و ضد حکومتی برای غلبه بر بحران زندگی حیاتی مردم حرکتی را آغاز کند. در مورد دین و آرا و تفکرات مزدک حرف‌های متناقض زیاد است. ولی او از طرفداران مانی بوده و بسیاری از آداب او را در دین خود گنجانده بود. کشتار شدید مزدک و یارانش سبب شد که مزدک و آیینش برای همیشه ابتر بماند و آنچه که در مورد آیین او توسط مورخان بیان شده است، فقط در حد اما و اگر و شاید و احتمالاً می‌باشد. در واقع مزدک نتوانست مثل مانی به تبلیغ رسالت خود بپردازد. مثل او دارای مطالعه و قریحه خوش نبود. بیشتر یک طغیانگر و یک آشوبگر برای نجات مردم بود. که گاه دچار افراط، یا تفریط در فرمان‌هایش نیز می‌شد. که از جمله فرامین او حتی تقسیم زنان بود. و شرایط زمانه مجال ارائه آثار و افکار او را فراهم نساخت.

مزدک در سال‌های حدود 300 میلادی قیام خود را آغاز نمود و چند سال بعد به دستور مستقیم انوشیروان، او و تمام یارانش یک‌جا قتل عام شدند. باقی یاران مزدک نیز از اعتقادات خود توبه کردند و به زرتشت ایمان مجدد آورند و از مرگ نجات یافتند. (1)

آیین بودا در قسمتی از کشور ایران باستان شامل هند و پاکستان و افغانستان که در ایران قدیم جزو قلمرو ایران محسوب می‌شدند، جریان داشته و دارد. در آیین بودا زیارت از مجسمه‌های بودا عبادت تلقی می‌شود. علاوه بر این‌که از تمامی مکان‌های مقدس، مثل معبد زیارت به عمل می‌آید. زیارت با حضور قلبی هم با استفاده از نیایش‌های موجود در کتاب‌های منشعب شده از دین بودا جریان دارد. بودا پادشاه‌زاده‌ای نجیب بود که بالغ بر سی سال از عمر خود را در ریاضت به سر برد و با ارائه یک متد و روش نیک، دینی جدید را پایه‌گذاری نمود. البته بسیاری از مواردی

1- همان.

که به بودا نسبت داده می‌شود، خرافاتی بیش نبود که اکنون هم جریان دارد، مثل معجزاتی که به او نسبت می‌دهند و نحوه تولد اساطیر گونه او که چگونه بود و چه اتفاقی افتاد. در دین بودا مظاهر یکتاپرستی بیشتر به چشم می‌خورد. هر چند خرافات و دستبردهای گوناگون این آموزه‌ها را به شدت آلوده کرده، ولی با شعارهای زیبایی که دارد و بی‌آلایشی و صمیمیتِ زاهدانه‌ای که در این دین جریان دارد، هنوز هم بسیاری از مردم دنیا را به سمت خود می‌کشاند. امروزه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کلیساهای جهان، به‌خصوص واتیکان، گرایش بیش از حد جوانان به آیین بودا و اسلام است.

در قرآن زیارت خانه خدا به عنوان یکی از فضایل معنوی و دینی بیان شده و سوره‌ای از قرآن هم نام حج را به خود گرفته است. این خود نشان دهنده جایگاه معنوی زیارت در ساختار دین مبین اسلام است. در واقع اسلام با اصلاح خرافات از آیین زیارت در طول تاریخ، مردم را به سمت پاکی و روشنایی سوق می‌دهد. کسی که به زیارت مکه می‌رود، در حقیقت به زیارت خدا می‌رود و برای این کار باید تمام پل‌های مادی اطراف خود را بشکند. زایر خدانه خدا از همه حلالیت می‌طلبد و با عزمی راسخ قدم در وادی عشق می‌گذارد. در طواف خانه دوست می‌چرخد تا هرچه که از خود دارد دور کند و از من به ما برسد. سپس در آخرین مرحله از پرستش خدا نفس خود را به قربانگاه منا می‌برد تا با قربانی کردن، ارادت قلبی خود را نشان دهد و با تراشیدن موهای خود، آخرین حلقه زیبایی‌های مادی را از خود دور کند. او به زیارت عشق رفته و پاک است، آن‌چنان که فرزند از مادر زاده شده است. از آن پس باید مراقب احوال و نفوس خود باشد.
در المیزان ذیل آیه شریفه: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» (1)
آمده

1- سوره کهف، آیه 21.

است: از این آیه شریفه استفاده می‌شود که محل دفن افراد مؤمن و موحّد را می‌توان زیارت نمود و بلکه نزد قبر آنان مسجد بنا کرد و ذکر خدای متعال در آن‌جا نمود. و در حدیث آمده که افرادی پیشنهاد ساختن مسجد بر قبر اصحاب کهف را ذکر کردند همه آنان موحّد بودند، همان‌گونه که علامه طباطبایی نیز فرموده است. (1) طبق آیه شریفه قرآن مردم موحد خواستند تا در محل غار اصحاب کهف مسجد و جایگاه عبادتی بسازند و ضمن زیارت از قبور متبرکه به عبادت خداوند بپردازند.

در قرآن نیز بارها دعاهای قلبی و باطنی به قرب الی اللّٰه یافت می‌شود که از زبان و بیان پیامبران و اولیای الهی نقل شده است. ولی بزرگ‌ترین مؤلفه زیارت همان حج است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِیمَ مَکَانَ الْبَیْتِ أَن لَّاتُشْرِکْ بِی شَیًا وَطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّآئِفِینَ وَ الْقَآئِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ»؛ (2)

زمانی را که جای خانه را برای ابراهیم آماده ساختیم چیزی را همتای من قرار مده، و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان پاک ساز.

و در ادامه می‌فرماید مردم را برای زیارت خانه من دعوت کن: «وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»؛ (3)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن، تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

مردم برای زیارت خانه خدا بروند تا در این راه انفاق کنند و به یتیمان و مسکینان برسند و آلودگی‌های‌شان را پاک کنند و دور خانه خدا بچرخند. (برای زیارت طواف کنند).

«ثُمَّ لْیَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَ لْیُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْیَطَّوَّفُواْ بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ»؛ (4)

سپس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ وبه نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف نمایند.

1- ر. ک: المیزان، ج 13، ص 30.

2- سوره حج، آیه 26.

3- همان، آیه 27.

4- همان، آیه 29.

ص: 169

البته حج از شعایر الهی است و جزء پایه‌های نمادین و عبادی دین اسلام است که باید پاس داشته شود:

«وَ مَن یُعَظِّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ»؛ (1)

و هر کس شعایر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست.

و البته خداوند برای هر قوم قربانگاه‌هایی برای عبادت و قربانی نمودن نفس مکاره قرار داده است. و برای مسلمین همان جایگاه نمادین و مقدس قربانی نمودن اسماعیل در کوه منی است که خداوند آن را مکانی زیارتی معرفی می‌نماید:

«وَ لِکُلّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَکاً لّیَذْکُرُواْ اسْمَ اللَّهِ عَلَی مَا رَزَقَهُم مّنم بَهِیمَةِ الْأَنْعمِ فَإِلهُکُمْ إِلهٌ وَ حِدٌ فَلَهُو أَسْلِمُواْ وَ بَشّرِ الْمُخْبِتِینَ»؛ (2)

برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا(هنگام قربانی) نام خدا را بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را.

در جای جای قرآن کریم علاوه بر زیارت عظیم کعبه و مسجد الحرام، برای عبادت معنوی حج، نکاتی وجود دارد که در مورد آداب زیارت است. از جمله این‌که به هر جا می‌روید ابتدا در بزنید. در زدن یا دق الباب کردن تنها یک امر اخلاقی نیست، بلکه یکی از مصادیق آن آداب زیارت افراد مختلف و به‌خصوص افراد کریم و بزرگ روزگار است و این‌که در هر جایی که می‌روید نمایانگر اخلاق نیکو باشید.

در روایات نیز جایگاه خاصی برای زیارت در نظر گرفته شده است. حدیث مشهور امام حسن عسکری علیه السلام در مورد امامزاده عبدالعظیم حسنی علیه السلام مشهور و متواتر است که: «من زار عبدالعظیم بری کمن زار حسین بکربلاء»؛ کسی که در ری مزار امامزاده عبدالعظیم حسنی را زیارت کند، مانند آن است که حسین 7 را در کربلا زیارت کرده باشد».

1- همان، آیه 32.

2- همان، آیه 34.

امام رضا علیه السلام درباره زیارت خواهر بزرگوارشان فرمود: «من زارها فله الجنة»؛ (1) کسی که حضرت فاطمه معصومه را زیارت کند پاداش او بهشت است.
همچنین از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که ثواب زیارت مرا در می‌یابد». (2) از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «ألا إنَّ حرمی و حرم ولدی بعدی قم»؛ (3) آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان بعد از من، قم است.
همچنین امام جواد علیه السلام در مورد زیارت قبر عمه مکرمه خود می‌فرماید: «من زار قبر عمّتی بقم فله الجنة»؛ (4) کسی که عمّه‌ام را در قم زیارت کند، پاداش او بهشت است.
اصولاً زیارت از قبور در مذهب تشیع یکی از موهبات خداوند است، چون می‌تواند سبب رهایی بسیاری از بندهای شیطانی شود و از نظر روان‌شناسی هم این مسأله صدق می‌کند.
ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «کانت فاطمة بنت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزة بن عبد المطلب کلّ جمعة و علّمته بصخرة»؛ (5) فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر جمعه‌ای قبر حمزه را زیارت می‌نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.
در بعضی از روایات آمده است که امام حسین علیه السلام در شام هر جمعه به زیارت قبر امام حسن علیه السلام می‌رفت. چنانکه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام اسرای کربلا بعد از آزادی از شام به زیارت قبور مطهّر آمدند و یا زیارت تاریخی صحابی بزرگ رسول خدا جابر از مزار شهدای کربلا که مشهور است. در نهج الفصاحه و بحار الأنوار آمده است:
«مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از قساوت دل شکایت نمود، حضرت فرمود: به قبرستان برو و از قیامت عبرت گیر».

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ص 234.

2- همان.

3- همان؛ بحار الأنوار، ج 6 ص، 31.

4- بحار الأنوار، ج 48، ص 307.

5- الجامع لاحكام القرآن، ج 10، ص 381؛ تفسير منير، ج 15، ص 251.

بنابراین زیارت قبور عادی مسلمین هم ثواب دارد. علاوه بر این‌که تأثیر معنوی و روانی زیارت از قبرستان بسیار بر شخص زایر اثر می‌گذارد و اگر ضمیرها آماده باشد زایر برای همیشه آگاه شده و ترک گناه می‌کند.
رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی، اهمیت زیارت مزار خود را پس از رحلتشان چنین بیان می‌نماید:
«مَنْ زارنی بَعدَ وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (1)
هرکس پس از وفاتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.
و در جایی دیگر فرمود:
«مَنْ وَجَدَ سعةً ولم یَفد إلیّ فقد جفانی»؛ (2)
هر کس توانایی مالی داشته باشد و به زیارت من نیاید به من جفا نموده است.
عظمت و جایگاه زیارت تنها منوط به روایات شیعه نیست. بلکه در روایات و مستندات اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز جریان دارد. منتها افکار وهابی‌ها بزرگ‌ترین مانع تفهیم این مسأله است، به طوری که برخی از علمای اهل سنت به خود جرأت نمی‌دهند در این مبحث سخن بگویند. چون به حد زیاد تبلیغ منفی وهابیت بر این مسأله سیطره یافته است. ولی علمای گذشته اهل سنت متفق القول زیارت از قبور و قبرستان‌ها را دارای ثواب دانسته و اقدام آن را مقدم و برتر از ترک آن معرفی نموده‌اند. در سنن ابو داود و شرح صحیح مسلم هم زیارت از قبور مسلمین دارای ثواب دانسته شده و زیارت قبر پیامبر را ثوابی بزرگ می‌دانند. تنها مسح و بوسیدن و سجده بر دیوارها و ضریح قبر پیامبر را جایز نمی‌دانند. (3) بنابراین علما و دانشمندان تمامی مذاهب اسلامی زیارت را متفق القول قبول دارند، ولی نمود عینی زیارت در اندیشه‌های امامیه بیشتر است و آثار و مکارمی را که بر آن در نظر گرفته‌اند نیز در احادیث شیعه بیشتر به چشم می‌خورد.

1- احیاء علوم الدین، ج 1، ص 81.

2- همان.

3- برای گسترده‌تر نشدن مبحث وخارج نشدن از موضوع اصلی به همین درجه از ایجاز کفایت شده است. و پژوهشگران می‌توانند به کتاب‌های

صحیح سنن مصطفی نوشته ابوداود و صحیح بخاری و صحیح مسلم و شرح صحیح مسلم نوشته نووی و احیاء علوم الدین غزالی و .... مراجعه نمایند.

مردم ایران بعد از این‌که به دین اسلام گرویدند، بلافاصله برخی از احکامی را پذیرفتند که برای سردمداران روزگار مناسب نبود. از جمله بسیاری از مردم ایران در شمال کشور بعد از قیل و قال اندکی که زیدیان کردند و با حضور سادات امامی مذهب اولین پایه‌های حکومت مستقل را در گیل و دیلم و تا دارالمرز چالوس گستراندند. در این حکومت که به مدت چند قرن توسط سادات کیاییان که همگی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام بودند فرهنگ تشیع به آسانی جا گرفت و محل رفت و آمد دانشمندان بزرگ علوی شد. به گونه‌ای که ری از بزرگ‌ترین خاستگاه‌های اجتماعی علوی گردید. بنابراین فرهنگ شیعی از گیل و دیلم و از مرکز فرهنگی‌شان یعنی شهر ری به اقصا نقاط ایران صادر می‌شد.

از طرف دیگر مردم ایران به تدریج اسلام را پذیرفتند، آنها در افکارشان، حتی زمانی که اکثریت مردم ایران مذهب تسنن را پذیرفته بودند، باز هم دوستدار خاندان نبوت بودند. بسیاری از دانشمندان با وجود این‌که اهل سنت بودند در عقایدشان نسبت به فقه جعفری و نسبت به ارادت قلبی به ائمه در جهان معروف شدند. این به مذاق حکومت عباسی بغداد خوش نبود. بنابراین ایران عزیز همیشه درگیر حوادث خونین بود و ایرانیان هم به هیچ وجه اهل باج دادن به خلفای عباسی نبودند. به همین دلیل ترکان اهل سنت همواره مورد قبول دستگاه عباسی قرار می‌گرفتند، حتی اگر آدم‌کُش شیادی چون محمود غزنوی باشد که افتخارش بریدن بیش از حد سرهای علویان و یا به قول خودش رافضیان است.

ایرانیان به لطف خداوند و علی رغم میل باطنی خلیفه عباسی میزبان میهمان عزیزی بزرگوار و نور چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام شدند. و او امام هشتم شیعیان عالم، حضرت امام رضا علیه السلام است. مصادف با حضور امام رضا علیه السلام در ایران و به علت تنگنای زندگی در مدینه و مکه و بصره و بغداد، شیعیان و

سادات علوی که شامل برادران و خواهران و پسر عموهای امام علیه السلام بودند، به ایران آمدند و به دلایلی مورد یورش دشمنان قرار گرفتند و بیشترشان شهید شدند. و برخی هم به شمال ایران که خاستگاه قیام شیعیان بود، رفتند تا نهضتی آزادانه و شیعی را تشکیل دهند. یکی از این مردان خدا امامزاده حسن اطروش است(که زیدیان او را امام خود می‌دانند ولی او در آثار مکتوب و در اشعارش ارادت خود را به ائمه ثابت می‌کند و علناً می‌سراید که امامی مذهب است و به آن مفتخر است) او که از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام است، مزارش به نام امامزاده عبداللّٰه در آمل محل زیارت عاشقان است. عظمت وی به حدی بود که به شواهد اسناد تاریخی، در یک روز بالغ بر چهار هزار نفر از ادیان قبلی خود که شامل یهودیت و زرتشتی و ... بودند، به اسلام گرویدند. (1)
به علت درگیری‌های بی‌شماری که سادات علوی با ایادی دست نشانده قدرت حاکم و دستگاه عباسی در ایران داشتند، بسیاری از امامزاده‌ها شهید شدند و بسیاری دیگر به سبب بیماری و حزن و اندوه فراوان وفات نمودند که در اقصی نقاط ایران مدفون شدند. بسیاری از این امامزاده‌ها دارای نشان هستند و بسیاری دیگر برای همیشه مزارشان مانند مزار مادرشان حضرت زهرای مرضیه ناپیدا ماند. و هنوز هم کسی نمی‌داند که در کجای ایران چه تعداد مقبره قرار دارد. تنها رد پای تاریخی است که مسیر حرکت و انتهای حرکت را نشان می‌دهد و می‌شود حدس زد که در آن حدود و در آن بلد یا شهر یا روستا مزار مطهر فلان امامزاده مدفون است. اما سایر مزارها و زیارتگاه‌ها که دارای نشانند و امروزه به عنوان زیارتگاه محل آمد و شد عاشقان به خاندان عصمت و طهارت هستند و از دیر باز مورد زیارت سیل عاشقان قرار گرفته‌اند، اکنون هم مورد زیارت مردم ایران قرار می‌گیرند.

1- ر. ک: پیشینه تاریخی لاهیجان، محمد علی و زین العابدین قربانی.

زیارت و فرهنگ زیارت در تمام ادیان آسمانی و زمینی وجود دارد. همچنین عقلا و علمای تمامی مذاهب اسلامی زیارت را تأیید می‌کنند. حال ممکن است این فرهنگ در میان برخی از عوام شیعه گاهی همراه با خرافات باشد و یا از طرف عوام اهل سنت شرک و گناه محسوب شود. ولی وقتی که خداوند کریم خانه خود را مکانی برای زیارت مردم معرفی می‌کند. و از طرفی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در احادیثی مستند و متواتر بیان می‌فرماید که هر کسی به زیارت من بیاید شبیه آن است که در زنده بودن من مرا دیده است و یا کسی که به دیدن من بیاید و مزارم را زیارت نکند به من ظلم نموده است، خود به خود این تلقی را ایجاد می‌کند که خداوند کریم به این وسیله از مردم می‌خواهد که ضمن طواف خانه خود و زیارت مسجد الحرام، به مزار شهدا و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بروند. چون بارها در قرآن آمده است که شهدا زنده‌اند و روزی داده می‌شوند.
از طرف دیگر ارواح مطهر انسان‌های پاک قدرت فراوانی در دربار الهی دارند و می‌توانند شفاعت و شفای بیماران را از حضرت حق دریافت نموده و عیناً به اذن خداوند کریم و با حمایت روح مطهر انسان مستأصل و بیمار را نجات دهند. و این همه نشانه قدرت ارواح ملکوتی است، که جزء مقربان درگاه الهی و از دوستان حضرت حقند. بنابراین زیارت از مکان‌های زیارتی کریم و کریمه بیش از همه سبب جلای روحی و معنوی افراد می‌شود. در بسیاری از موارد هم مردم به اذن خدا خواسته‌های خود را از توجه و توسل به آن آبرودار درگاه الهی به دست می‌آورند. این مسأله مخصوص مسلمانان نیست که عده‌ای بخواهند آن را خرافات بدانند. امروزه در بسیاری از کلیساها نجات مردم از ارواح خبیث انجام می‌شود و در مورد شفای بیماران لاعلاج هم تلاش‌هایی انجام شده و می‌شود. اما مطمئناً جایگاهی که مردم مسلمان و مذهب شیعه نسبت به ائمه دارد تا آنها که به واسطه کشیش یا اسقف با

مسیح مقدس ارتباط برقرار می‌کنند، تفاوت‌شان از زمین تا آسمان است.
بنابراین فرهنگ زیارت امری پذیرفتنی و قابل قبول است و از نظر علم روان‌شناسی و متافیزیک و روح‌شناسی این مسأله مورد تأیید است. چون خود به خود آرامشی به انسان می‌دهد که او را در برابر سختی‌ها صبور نگه می‌دارد. در آیین‌ها و ادیان آسمانی و زمینی هم این رسومات پذیرفتنی هستند و اسلام یکی از شعایر دین را زیارت خانه خدا معرفی می‌نماید. از طرفی در احادیث هم به شدت این مسأله مورد حمایت قرار دارد، تا آن‌جا که ابعادی از مباحث اخلاقی ما را نیز به خود اختصاص داده است. اکنون باید دید مسأله مهم در این باره چیست؟ چه چیزی در این میان حلقه مفقوده است؟ و چه کسانی متولی برخورد با آن هستند؟
حقیقت این است که بزرگ‌ترین مسأله آسیب‌پذیری فرهنگ زیارت و زیارت به معنی عام که گاه حتی عزاداری‌ها و سایر آداب و سنن را نیز در بر می‌گیرد.(چون عزاداری‌ها به قصد قلبی زیارت انجام می‌شود و به نوعی زیارت باطنی محسوب می‌گردد). وجود خرافات و خرافه‌پذیری در برخی آیین‌های مذهبی است که باید هر چه زودتر حد و مرز زیارت و خرافه توسط مسئولین امر روشن شود و از طریق رسانه‌ها به سمع و نظر مردم عزیز ایران برسد. چون به این واسطه جلوی بسیاری از موج حملات خرافه‌پذیری که از طرف فرکانس‌های غربی به سمت مردم ایران نازل می‌شوند خنثی می‌شود و مردم هم به خواسته قلبی خود نزدیک‌تر می‌گردند و جوانان پرسشگر هم جواب سؤالات‌شان را دریافت می‌کنند.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. احیای علوم الدین، امام محمد غزالی.
3. انجیل لوقا(مجموعه کتاب مقدس).
4. انجیل متی(مجموعه کتاب مقدس).
5. انجیل مرقس(مجموعه کتاب مقدس).
6. انجیل یوحنا(مجموعه کتاب مقدس).
7. اوستا(یشت‌ها، یسنا، وندیداد، ویسپرد، خرده اوستا) و گاثه‌ها، نوشته و تحقیق:
هاشم رضی.
8. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی.
9. پیشینه تاریخی لاهیجان، محمد علی قربانی.
10. تاریخ اجتماعی ایران، سعید نفیسی.
11. تاریخ ادیان، عبداللّٰه مبلغی آبادانی.
12. تاریخ ادیان، جان بی ناث، ترجمه فریدون بدره‌ای.
13. تاریخ ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب.
14. تاریخ تفسیر قرآن کریم، محمّد رضا آشتیانی.
15. تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان.
16. تاریخ تمدن جهان، ویل دورانت، ترجمه احمد آرام.
17. تاریخ قرآن، آیت اللّٰه محمّد هادی معرفت.
18. تاریخ قرآن، دکتر محمود رامیار.
19. تفسیر نمونه، آیت اللّٰه مکارم شیرازی و همکاران.
20. تورات(شامل سفر پیدایش، سفر خروج، لاویان، تثنیه و اعداد).
21. چون ابر در انتظار جاری شدنم(مجموعه شعر)، حسین قاسم‌نژاد.
22. دیوان شمس، جلال الدین محمد مولوی بلخی.

23. زیارت قبور، امام فخر رازی، ترجمه احمد عابدی.
24. سادات گیل و دیلم و طبرستان، میر ظهیر الدین مرعشی.
25. سفینة البحار، شیخ عباس قمی.
26. سنن صحیح، مصطفی ابوداوود.
27. شاهنامه فردوسی، فردوسی، تصحیح: ژول مول.
28. صحیح بخاری، بخاری.
29. صحیح مسلم، مسلم.
30. فرهنگ عمید، تک جلدی، حسن عمید.
31. فرهنگ معین، تک جلدی، محمد معین.
32. کتب اسرائیلیات(غزل‌های سلیمان، اول تواریخ، دوم تواریخ، اول سموئیل، دوم سموئیل، کتاب زکریا، کتاب دانیال، کتاب صفنیا، کتاب حزقیال، کتاب میکاه، کتاب عذرا و ...).
33. کورش کبیر، ابوکلام آزاد، ترجمه دکتر ابراهیم باستانی پاریزی.
34. گلستان سعدی، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی.
35. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی.
36. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق.
37. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی.
38. نهج الفصاحه، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده.
39. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی.

5. زیارات و نیایش‌ها در متون مقدس

اشاره

دکتر مرتضی بدخشان

چکیده

خداجویی و ارتباط با خدا همواره از دغدغه‌های مهم بشر در طول تاریخ بوده است.
راه‌های رسیدن به خدا در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، شکل‌ها و نیز قالب‌های خاصی داشته است. از جمله نمادهای ارتباط با خدا نیایش و نماز و زیارت بوده است که از مشترکات تمام ادیان الهی به شمار می‌رفته است. در متون مقدس، دعا و نماز و زیارت چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی، جزء ضروریات دین محسوب می‌شده است. نویسنده در این نوشتار به بررسی آیین‌ها و نیایش‌ها و زیارات قبور و نذورات در متون مقدس پرداخته و خاطرنشان کرده است که مقصود از متون مقدس، کتب عهد عتیق و نیز کتب عهد جدید می‌باشد که هر کدام شامل چندین رساله و کتاب و صحیفه است.
کلیدواژه‌ها: دعا، زیارت، آیین‌ها، متون مقدس، تورات، انجیل، اپوکریفا.

1. هیکل: معبد یهودیان در اورشلیم که بنای آن به دست حضرت سلیمان آغاز و به دست حضرت داود به اتمام رسید.
2. مذبح: محلی بود برای قربانی کردن حیوانات که گاهی انسان‌ها را نیز در آن قربانی می‌کردند.
3. تابوت مقدس، تابوت عهد، تابوت شهادت: صندوقی بود که حضرت موسی به امر حق‌تعالی از چوب شطیم ساخت. و حقّه مَنّ(نان آسمانی) و عصای هارون را که

شکوفه نموده بود و دو لوح عهد که احکام بر آنها مکتوب بود، در کنار کتاب تورات داخل آن گذاشته بودند.(حقّه مَنّ و عصای هارون در زمان سلیمان در آن نبود).

مقدّمه

خداوند پس از خلقت حضرت آدم و حوا جایگاه آنان را باغ عدن قرار داد و آن را برایشان پربرکت ساخت. آنها را نسبت به حسادت‌ها و شرارت‌های شیطان آگاه کرد.
اما آنها فریب خوردند و از باغ رانده شدند. آدم و همسرش از عملی که مرتکب شده بودند توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت، زیرا که او توبه‌پذیر مهربان است. (1) اما به سبب این غفلت، آنها را به روی خاک فرستاد تا در آن‌جا توالد و تناسل کنند و برای این‌که نسل او نیز مورد آزمایش قرار گیرد، برای هدایت آنان پیامبرانی را فرستاد تا احکام الهی را بر آنها بیان کنند و آنها را از طغیان و سرکشی بازدارند. سلسله این انبیا از حضرت آدم شروع شده و تا حضرت خاتم به پایان رسیده است.
حس خداجویی و ارتباط داشتن با خدای یکتا همواره در نسل آدم بوده است و انسان پیوسته بازگشت به اصل خود را جست‌وجو می‌کرده است. آنچه باعث فلاح و رستگاری یا ضلالت و عقوبت بشر گردیده، انتخاب راه درست یا نادرست در این بازگشت بوده است. از آن پس بعضی راهی را که انبیا راهنمای آن بوده‌اند انتخاب و طی کرده‌اند، و جماعت کثیری که هوای نفس بر آنها غلبه داشت، کالای دنیا را برگزیدند و راهنمایشان شیطان شد.
آنچه که بشر در طول تاریخ به دنبال آن بوده است، راه‌های رسیدن به خداست که این راه‌ها در زمان‌ها و در مکان‌های مختلف، شکل و قالب خاصی داشته است.
از جمله فرایضی که ایجاد کننده این ارتباط بوده و از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله اهمیت خاص خود را داشته، راز و نیاز با خداوند بوده است که به شکل‌های مختلفی، چون دعا و نماز و زیارت و ... تجلی یافته است.

1- سوره بقره، آیه 37.

در این تحقیق به بررسی زیارات، آیین‌ها و نیایش‌ها در متون مقدس پرداخته شده است، و مقصود از متون مقدس، کتب عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد.
کتب عهد عتیق شامل موارد زیر می‌باشد: اسفار خمسه، صحیفه یوشع بن نون، کتاب داوران، کتاب روت، کتاب اول سموئیل نبی، کتاب دوم سموئیل نبی، کتاب اول پادشاهان، کتاب دوم پادشاهان، کتاب اول تواریخ، کتاب دوم تواریخ، کتاب عزرا، کتاب نحمیا، کتاب استر، کتاب ایوب، زبور داود، امثال سلیمان، جامعه سلیمان، غزل غزل‌های سلیمان، صحیفه اشعیاء، صحیفه ارمیا، صحیفه مرائی ارمیا، صحیفه حزقیال، صحیفه دانیال، صحیفه هوشع، صحیفه یوئیل، صحیفه عاموس، صحیفه اوبدیا، صحیفه یونس، صحیفه میکاه، صحیفه ناحون، صحیفه حبقوق، صحیفه صفنیا، صحیفه حجی، صحیفه زکریا و صحیفه ملاکی‌ء.
کتب عهد جدید شامل موارد زیر بوده است: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، انجیل یوحنا، کتاب اعمال رسولان، رساله‌های پولس رسول(چهارده رساله)، رساله یعقوب، رساله اول بطرس، رساله دوم بطرس، رساله اول یوحنا، رساله دوم یوحنا، رساله سوم یوحنا، رساله یهودا و مکاشفه یوحنا.

دعا به معنی صدا زدن و کمک طلبیدن است و دعا له یعنی برای او دعا کرد و دعا علیه یعنی بر او نفرین کرد. (1) واژه زیارت یعنی مَیل. و زایر اسم فاعل است. (2) زیارت یک دیدار ارادی و خواست عقلی است که با علاقه و تمایل همراه است، نه یک موضوع غیر ارادی یا تصادفی. یعنی زایر به کسی گفته می‌شود که با عشق و علاقه و میل و رغبت به زیارت کسی یا محلی برود. پس دیدارهای تصادفی یا غیر ارادی از مقوله این تعریف خارج است.

1- المنجد.

2- لسان العرب.

با مروری در زندگی انبیای الهی به روشنی پی خواهیم برد که آن بزرگواران بیش از سایرین، دعا کرده‌اند و در استجابت آن اصرار بیشتری ورزیده‌اند.
دعا یکی از عوامل مؤثر در تهذیب و تزکیه انسان است که اعتماد به نفس، صبر و پایداری در هنگام مصایب و مشکلات بخشی از ثمره طیبه آن است.
نیایش و نماز همواره در میان امت‌ها مرسوم بوده و نمادی از رابطه مستقیم انسان با خدای خود بوده است. انبیا و پیامبران الهی پیوسته این دو فریضه را خود انجام داده و امت‌های خویش را نیز به انجام آنها ترغیب نموده‌اند. دعا و نماز که موجب تقویت روحی نوع بشر بوده‌اند، انسان را از سردرگمی‌ها نجات داده و در حل مشکلات یاری کرده‌اند، یأس و ناامیدی را از انسان دور ساخته و امید و نشاط را در حیطه زندگی او گسترش داده‌اند.
در متون مقدس، دعا، نیایش و نماز، چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی، جزءِ ضروریات دین بوده است.
آنچه که از متون عهد قدیم استفاده می‌شود این است که زمان نماز و دعا مشخص بوده است و مؤمنین باید این فرایض را در ساعت و روزهای خاص بجا آورند. مثلاً آنچه که در مزامیر داوود علیه السلام و کتاب دانیال نبی علیه السلام مورد تأکید قرار داشته است، انجام فریضه دعا و نماز در ساعت‌های 3 و 6 و 9 روز و اوایل شب و انتهای آن و وقت غذا خوردن بوده است. (1) نماز در میان یهودیان مقدماتی داشت که یک فرد یهودی باید انجام می‌داد.
یهودیان برای نماز به پیشانی یا بازوی چپ خود «عصابه» می‌بستند و آن عبارت بود از قطعه چرم مکعبی شکل که دارای چهار آیه بود و هر آیه بر قطعه‌ای از پوست یا کاغذ نوشته شده در عصابه قرار داده می‌شد. این چهار آیه عبارت بودند از: 1. آیات 2 تا 10 باب 12 سفر خروج؛ 2. آیات 11 تا 21 باب 12 سفر خروج؛ 3. آیات 4 تا 9 باب 6

1- مزامیر 55: 17 و کتاب دانیال نبی 6: 11.

سفر تثنیه؛ 4. آیات 18 تا 21 باب 11 سفر تثنیه. (1) مراسم نیایش و نمازهای جمعی در بین یهودیان به شیوه‌های خاص انجام می‌گرفت. در این مراسم افراد براساس رتبه و مرتبه شخصیتی و خانوادگی بر یکدیگر تقدم و برتری داشتند و بر همین اساس در مجمع می‌نشستند.
«اول جایگاه مخصوص مشایخ بودند» (2) بعد «رؤسای مجلس که مرکب از بزرگان و صاحب منصبان بود و سپس خادمان» (3) پس از آن جایگاه شماسان بود که صدقه‌ها را تقسیم می‌کردند و بعد کسی که دعا را می‌خواند قرارداشت.
مراسم نیایش و نماز این گونه شروع می‌شد که واعظ بر منبری می‌رفت و همه حاضرین به پا می‌خاستند و پس از دعا همگی نماز اقامه می‌کردند که در آن برخی از آیات، قرائت گردید. (4) در دعا شخص داعی همان‌طور که برای خود دعا می‌کرد، برای دیگران نیز دعا می‌کرد. علی الخصوص برای سلاطین و صاحبان منصب (5) این دعا حتی می‌تواند برای دشمنان و قاتلان خود هم باشد، همان گونه که «استیفانِ» یهودی بعد از این‌که کلیسای اورشلیم او را تعیین کرد تا به حواریون در خدمت رسانی به فقرا مساعدت نماید، باعث اشتعال غیرت و ضدیت و تعصب یهود گردید. لذا نسبت کفرگویی به وی داده، دستگیرش نمودند و پس از محاکمه او را سنگسار کردند و در حین سنگسار شدن زانو زد و ندا سر داد که «خداوندا این گناه را بر اینها مگیر» این را گفت و خوابید. (6) بعدها حواریون نیز در مراسم با یهودیان مشارکت می‌کردند و این مشارکت در انجام فرایض بین یهودیان و مسیحیان وجود داشت، تا زمانی که حواریون مورد کینه

1- برگرفته از قاموس کتب مقدس تحت کلمه عصابه.

2- انجیل متی 23: 6.

3- انجیل لوقا، 4: 20.

4- سفر اعداد 15: 37- 41.

5- رساله اول تیموس 2: 2.

6- کتاب اعمال رسولان 7: 59 و 60.

قرار گرفتند و از مجامع یهود رانده شدند. پس از آن مسیحیان ناچار بودند مراسم دعا و نماز را در خانه‌ها به صورت جمعی برگزار کنند.

البته امروزه بسیاری از آیین‌ها و مراسمی که در گذشته بین یهودیان و مسیحیان معمول بوده است، رو به افول گذاشته است، زیرا نیاز فطری آنها که همانا خداجویی و ارتباط با خدا بوده را اقناع نکرده است.

«به جرأت می‌توان گفت که عشای ربانی، دیگر محور آیینی زندگی غالب مسیحیان غربی، چه کاتولیک و چه پروتستان نیست و آیین‌های اعتراف و توبه اکنون بیشتر به گذشته تعلق دارند». (1) امروزه در جوامع مسیحی گرایش مردم به نماز، آن هم به صورت انفرادی و در خانه‌ها گسترش یافته که شاید به خاطر این است که نماز بهترین و بی واسطه‌ترین راه ارتباط با خداست.

یهودیان در عهد عتیق غالب مراسم و عبادات رسمی و بزرگ خود را در هیکل‌ها یا معابد برگزار می‌کردند و زیارت هیکل‌ها در نزد آنان، از اهمیت بالایی برخوردار بود.
هیکل عبارت بود از چادر جماعت بزرگی که مراسم مذهبی و ذبح و قربانی نیز در آن‌جا انجام می‌گرفت. این چادر بزرگ در اطراف خود، ایوان‌ها و ستون‌ها داشت و خانه‌ها و حجره‌های کاهنان در آن‌جا بود.
ساختن یک هیکل کاری بسیار دشوار، طاقت فرسا و زمان بر بود، مثلاً هیکلی را که حضرت داود علیه السلام بنای آن را شروع کرد، با بیش از یکصد هزار نفر کارگر پس از مدت چند سال به دست سلیمان علیه السلام به پایان رسید (2) مقصود از هیکلی که در بیشتر مواضع کتاب مقدس از آن نام برده شده است، هیکل اورشلیم است که بر کوه «موریا»

1- ادیان جهان، ص 146.

2- کتاب اول تواریخ 17: 1 و 12.

بنا شده بود. در کتاب مقدس از سه هیکل نام برده شده است که عبارت‌اند از: 1. هیکل سلیمان؛ 2. هیکل زرُو بابل؛ 3. هیکل هیرودیس.
تابوت مقدس را که حضرت موسی به امر خداوند ساخته بود در هیکل اورشلیم(هیکل سلیمان) قرار داشت. تابوت عهد(مقدس) صندوقی بودکه موسی به امر حق‌تعالی از چوب شطیم ساخت. طولش سه قدم و نه قیراط و عرض و ارتفاعش دو قدم و سه قیراط بود و بیرون و اندرونش به طلا پوشیده بر اطراف سر آن تاج‌های طلایی ساخت و سرپوشی از طلای خالص بر آن گذارده و دو کروب(فرشته) بر زیر آن قرار دارد که با دو بال خود بر سرپوش آمرزش سایه افکن بودند و بر هر یک از طرفین آن دو حلقه طلایی برای عصاهای چوبی که به طلا پوشیده شده برای برداشتن تابوت بود ساخت و حقّه مَنّ(نان آسمانی) (1) و عصای هارون را که شکوفه نموده بود و دو لوح عهد که احکام بر آنها مکتوب بود در کنار کتاب تورات داخل آن گذاشته بودند (2) همچنان آن را تابوت شهادت هم گفته‌اند. (3) لازم به تذکر است که حقّه مَنّ و عصای هارون در زمان سلیمان در آن نبوده‌اند. (4) زمانی که قوم بنی اسرائیل کوچ می‌کردند تابوت عهد را برداشته و به دنبال آن حرکت می‌کردند. امورات مخصوص به تابوت عهد منحصر بود به هارون و پسرانش. آن‌گونه که از متون مقدس برداشت می‌شود، به نظر می‌رسد که چون بنی اسرائیل در دوران حضرت موسی در انجام دستورات الهی تعلل ورزیده و وارد جزئیات شده، زیاد بهانه می‌آوردند، خداوند نیز در اجرای فرایض از آنها می‌خواست که جزئیات را نیز رعایت کنند؛ مثلاً در سفر اعداد باب چهارم آیات 5 تا 15 در مورد تابوت عهد می‌فرماید: «هنگامی که اردو کوچ می‌کند هارون و پسرانش داخل خیمه اجتماع شده و پوشش حجاب را پایین بیاورند و تابوت شهادت را با آن بپوشانند و

1- سفر خروج 16: 4.

2- رساله عبرانیان 9: 3 و 4 و سفر تثنیه 31: 26.

3- سفر خروج 25: 16 و 40: 21.

4- کتاب اول پادشاهان 8: 9.

بر آن پوشش پوست خز آبی بگذارند و جامه‌ای که تمام آن لاجوردی باشد بالای آن پهن نموده، چوب دسته‌هایش را بگذارند و بر میز نان تقدمه جامه لاجوردی بگسترانند و بر آن بشقاب‌ها و قاشق‌ها و کاسه‌ها و پیاله‌های ریختنی را بگذارند و نان دائمی بر آن باشد و جامه قرمز بر آنها گسترانیده، آن را با پوشش پوست خز بپوشانند و چوب دسته‌هایش را بگذارند و جامه لاجوردی گرفته، شمعدان روشنایی و چراغ‌هایش و گل‌گیرهایش و سینی‌هایش و تمامی ظروف روغنش را که با آنها خدمتش می‌کنند بپوشانند و آن را و همه اسبابش را در پوشش پوست خز گذاشته بر چوبدستی بگذارند و بر مذبح زرین جامه لاجوردی گسترانیده، آن را به پوشش پوست خز بپوشانند و چوب دست‌هایش را بگذارند و تمامی اسباب خدمت را که با آنها در قدس خدمت می‌کنند گرفته، آنها را در جامه لاجوردی بگذارند و آنها را به پوشش پوست خز بپوشانند و بر چوب دست بنهند و مذبح را از خاکستر خالی کرده، جامه ارغوانی بر آن بگسترانند و جمیع اسبابش را که به آنها خدمت آن را می‌کنند، یعنی مجمرها و چنگال‌ها و خاک اندازها و کاسه‌ها، همه اسباب مذبح را بر روی آن بنهند و بر آن پوشش پوست خز گسترانیده، چوب دست‌هایش را بگذارند و چون هارون و پسرانش در هنگام کوچ کردنِ اردو از پوشانیدن قدس و تمامی اسباب قدس فارغ شوند، بعد از آن پسران «قهات» برای برداشتن آن بیایند، اما قدس را لمس ننمایند مبادا بمیرند». (1) این قانون سخت و پیچیده ای بود که خدا بر بنی اسرائیل نازل کرد و اگر کوچک‌ترین خطایی در انجام امور فوق الذکر اتفاق می‌افتاد، خاطی فوراً عقوبت می‌شد؛ مثلاً «عزّه» پسر ابی ناداب وقتی تابوت عهد که بر روی عرابه در نزدیک خانه‌اش توقف نموده بود، چون گاوان حمل کننده تابوت لغزیدند و او دستش را دراز کرد تا جلو لغزش تابوت عهد را بگیرد. چون دستش به تابوت خورد فوراً خداوند او را کشت، زیرا او از خانواده‌ای نبوده که مجاز به دست زدن به تابوت

1- سفر اعداد 4: 15.

هستند (1) و خداوند انجام امورات خاصه تابوت عهد را به دست هارون و پسرانش واگذار کرده بود و گفته بود و دیگران اجازه دست زدن به آن را نداشتند. و یا «عزّیا» پسر «امصیا» در سن شانزده سالگی به تخت سلطنت می‌نشیند و پنجاه و دو سال بر قوم خود حکومت می‌کند و در این مدت همواره بر دشمنان خود پیروز شده، شهرت فراوانی به دست می‌آورد. آن‌گونه که در کتاب دوم پادشاهان، باب 15، آیه 1 تا 7 آمده است، وی روزی بر پیروزی‌هایش می‌بالد و جسارت می‌ورزد و می‌خواهد کاری را انجام دهد که مختص کاهنان است، یعنی سوزاندن بخور. خداوند پس از اقدام او به این‌کار و به خاطر جسارتش، وی را به بیماری «برص» مبتلا می‌کند و تا آخر عمرش در خانه‌ای که مخصوص این بیماران است زندگی می‌کند.

اگر چه در این چند قرن گذشته آیین‌های مذهبی از رونق افتاده بود؛ یا به سخن دیگر، به خاطر رفتار نامناسب کلیساها با مسایل جدید علمی و مقابله با عقل‌گرایی بشر، نوعی دین‌گریزی در جوامع مسیحی گسترش یافته بود، ولی امروزه جمعیت مسیحیان و یهودیان، در زیارتگاه‌ها موج می‌زند.

«در سال 1992 میلادی، بقعه لورد در فرانسه پنج و نیم میلیون زایر داشت که یک و نیم میلیون نفر بیشتر از ده سال قبل بود. از زیارتگاه‌های دیگری مانند سانتیاگو، کمپوستلا در اسپانیا و فاتیما در پرتغال نیز افزایش مشابهی گزارش شده است.

بسیاری برای شفا جویی به این بقاع می‌آیند ... با این‌که از زمان جنبش اصلاح دینی در اروپا زیارت به کلی منع شده است، پروتستان‌های اروپا نیاز درونی خود را به احساس حضور قدسی در زیارتگاه‌های کاتولیک برآورده می‌سازند». (2)

آنچه که از مطالعه متون مقدس به دست می‌آید، آن است که قوم یهود در طول تاریخ نسبت به مراسم غسل، تکفین و تدفین اموات عنایت و دقت خاصی داشته‌اند و

1- برگرفته از کتاب دوم سموئیل، باب ششم، آیه 3 تا 7.

2- دین مسیح، ص 151.

عدم دفن میت نشانه بی‌احترامی به احکام شرع بوده و همواره یکی از نشانه‌های تدین افراد، دفن اموات بوده است.
در شرع یهودیان حتی اموات دشمنان هم می‌بایست دفن شود (1) همچنین یهودیان وصیت می‌کردند که در قبرستان یا محلی که پدرانشان در آن‌جا مدفون بودند، به خاک سپرده شوند (2) یعقوب در وصیت خود می‌گوید: مرا با پدرانم در مغاره‌ای که در صحرای «عفرون حتی» است دفن کنید(ابراهیم آن را با آن صحرا از عفرون حتی برای ملکیت مقبره خریده بود؛ ابراهیم و زوجه‌اش ساره را در آن‌جا دفن کردند.
اسحاق و زوجه‌اش رفقه را دفن کردند و من‌در آن‌جا «لیه» را دفن نمودم ... چون یعقوب وصیت را با پسران خود به پایان برد، پاهای خود را به بستر کشید، جان بداد و به قوم خویش ملحق گردید (3) و در همان جایی که وصیت کرده بود به خاک سپرده شد.
مصریان مردگان خود را بزرگ می‌داشتند و برای جلوگیری از فساد، آنان را مومیایی می‌کردند و با عطر درخت «بلسان» آنان را تدهین کرده، معطر می‌ساختند(س پ 37: 25) همچنین برای خوشبو کردن خود یا مداوا کردن بیماران یا معطر ساختن اجساد از «پاتیلچه» که روغن مقدس و ترکیبی مطبوع بود که از چند ماده ترکیب می‌شد استفاده می‌کردند. (4) چون شخصی به حالت احتضار می‌رسید، رسم بود خویشان وی و اطرافیان چشم‌های او را ببندند و آخرین بوسه‌ها را بر سر و روی او بزنند و بر بالین او گریه و زاری کنند. (5) و این عزاداری و ماتم و سوگواری تا مدت‌ها بعد از دفن میت ادامه داشت (6) و گاه می‌شد که زنان تعزیه خوان و نوحه سرا را برای داغ‌تر کردن مجلس و گریانیدن حاضران اجیر می‌کردند. (7) و گاه این عزاداری‌ها با اصوات موزیک‌های غم‌انگیز همراه بود. (8) بعد از دفن میت خانواده او ناهار یا شامی را به شرکت کنندگان می‌دادند و تا مدت‌ها بعد از دفن میت دوستان و خویشاوندان هر

1- سفر تثنیه 21: 22 و 23

2- کتاب اول پادشاهان 11: 43.

3- سفر پیدایش، باب 49.

4- ایوب 41: 31.

5- سفر پیدایش 46: 4 و 50: 1.

6- یوحنا 11: 19.

7- کتاب ارمیا 9: 17.

8- کتاب حزقیل 24: 17.

روزه به قبرستان می‌رفتند و بر قبر گل می‌ریختند و گریه و زاری می‌کردند.
یهودیان عادت داشتند که بر سر قبور و زیارتگاه‌های اموات خود رفته، بر سر مزار مورد نظر نماز بخوانند. آنها بر میت می‌گریستند و هر چه فرد فوت شده به شخص نزدیک‌تر می‌بود یا جایگاه والاتری می‌داشت، مراسم عزاداری و ایام آن بیشتر می‌بود. ایام نوحه‌گری هفت روز بود، ولی برای بزرگان این ایام تا سی روز یا بیشتر ادامه داشت. (1) آنچه که در آخرین آیات سفر پیدایش درباره وفات حضرت یعقوب آمده است، این است که چون یعقوب چشم از جهان فرو بست، بنی اسرائیل بسیار گریستند، حضرت یوسف بر روی پدر خود افتاد، بر وی گریست و او را بوسید و طبیبانی را که از بندگان او بودند فرمود تا پدر او را حنوط کنند و طبیبان اسرائیل(یعقوب) را حنوط کردند و چهل روز در کار وی سپری شد، زیرا که این قدر روزها در حنوط کردن صرف می‌شد و اهل مصر هفتاد روز برای وی ماتم گرفتند. (2) یوسف پس از فوت پدر جسدش را در همان جایی که وصیت کرده بود دفن کرد.
امروز نیز یهودیان از اول تا هشتم ماه «آب» برای شهادت زکریا عزادار هستند و روز هشتم به زیارت اموات رفته و به مستمندان کمک می‌کنند. همچنین یک روز قبل از عید «کیپور» به زیارت قبور رفته و به فقرا صدقه می‌دهند و فردای آن روز که دهمین روز ماه «تشری» است و عاسور یعنی عاشورا نامیده می‌شود را روزه می‌گیرند و تمام روز به عبادت و استغفار مشغول می‌شوند. (3) بنی اسرائیل، قبرها و معابد خود را همچون مصریان باستان و آشوریان باصُوَر و تماثیل رنگارنگ منقش می‌ساختند. (4) حزقیل نبی آنان را از این کار منع می‌کرد و

1- سفر اعداد 20: 29.

2- سفر پیدایش 50: 1- 3.

3- اصل و نسب و دین‌های ایران باستان، ص 425 و 426.

4- سِفر اعداد 33: 52.

می‌فرمود که خدا مرا گفت: ای پسر انسان آیا آنچه را که مشایخ خاندان اسرائیل در تاریکی و هرکس در حجره‌های بت‌های خویش می‌کند دیدی. زیرا می‌گویند که خدا ما را نمی‌بیند و خدا این زمین را ترک کرده است. (1) در متون مقدس مواردی از شفاعت که ذکر شده است و آن درخواست نمودن عفو از شخصی که تقصیر درباره او واقع شده می‌باشد و شخص شافع، هم مدعی و هم مدعی الیه را مستخلص می‌سازد و گاهی خود شافع برای دشمن خود شفاعت می‌نماید، چنانچه در رساله پولس رسول به رومانیان در حق مردم مکتوب است که می‌گوید: «خدا قوم خود را که از قبل شناخته بود، رد نفرموده است، آیا نمی‌دانید که کتاب در باره‌الیاس چه می‌گوید، چگونه بر اسرائیل از خدا استغاثه می‌کند». (2) و یا در باب هشتم، آیه بیست و ششم همین رساله گوید: «و همچنین روح نیز، ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند ...» شاید مقصود این باشد که آن‌گونه که می‌پذیرد به ما می‌آموزد که چنین کنیم یعنی به ما الهام می‌کند.

یهودیان در زیاراتشان برای اجابت درخواست‌های خود، اظهار عجز و تواضع نموده و انابه می‌کردند و برای بخشش گناهان خود روزه می‌گرفتند و به خطاهای خویش اقرار می‌کردند، تا رضایت ذات اقدس الهی را به دست بیاورند و درون خویش را آرام سازند. (3)

ارسال سلام‌ها و درودها برای صالحان

سلام و درود به بندگان صالح، چه آنانی که از دنیا رفته‌اند و چه حاضرین در میان امت‌ها، امری معمول بوده است. در متون مقدس به خصوص در رساله‌های پولس رسول، این سلام‌ها و درودها برای درگذشتگان و حاضران زیاد به چشم می‌خورد:

1- کتاب حزقیل 8: 12.

2- رساله پولس رسول به رومیان باب یازدهم، آیه 2.

3- مستفاد از سفر داوران 20: 26 و کتاب اول سموئیل 7: 5 و 6.

«از قیامت مردگان یعنی خداوند ما، عیسی مسیح، که به او فیض و رسالت را یافتیم برای اطاعت ایمان در جمیع امت‌ها به خاطر اسم او، که در میان ایشان، شما نیز خوانده شده عیسی مسیح هستید، به همه که در روم محبوب خدا و خوانده شده و مقدسید، فیض و سلامتی از جانب پدر، خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. اول شکر می‌کنم خدای خود را به وساطت عیسی مسیح درباره همگی شما که ایمان شما در تمام عالم شهرت یافته است، زیرا خدایی که او را به روح خود در انجیل پسرش خدمت می‌کنم مرا شاهد است که چگونه پیوسته شما را یاد می‌کنم و دائماً در دعاهای خود مسئلت می‌کنم که شاید الآن به اراده خدا سعادت یافته نزد شما بیایم. (1) در میان همین سلام‌ها و دعاها گاه «پولس» افرادی را که نام یهودی دارند، ولی اعمالشان نشان آن است که بهره‌ای از تعالیم الهی نبرده‌اند را مؤاخذه و مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد که در باطن و روح و عمل یهود با شند نه در حرف و ظاهر. (2)

زیارت اماکن مقدس و قربانی کردن برای خدایان در بسیاری از اقوام معمول بود و در مراسم خاص که به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌گردید، برای ادای دین و نذری که داشتند، قربانی می‌آوردند و معمول این بود که قربانی از میان حیواناتی همچون گاو، میش، بز، بره و یا پرندگان باشد. آنچه که برای قربانی آورده می‌شد غالباً دو نوع بود:
1. قربانی خونی؛ 2. قربانی غیر خونی. قربانی خونی آن بود که از حیوانات اهلی پاک، مانند گاو و گوسفند و ... یا پرندگان باشد. قربانی غیر خونی عبارت بود از نوبرهای مواسم‌های مختلف و شراب و آرد و روغن و ....
چنانچه قربانی، خونی می‌بود، شخص قربان گذار دست خود را بر قربانی می‌گذاشت و سپس توسط کاهن یا لاوی ذبح می‌شد. کاهنان که محرمانه‌ترین امور

1- رساله پولس رسول به رومیان 1: 5 تا 10

2- رساله پولس به رومیان 2: 28 و 29.

مربوط به هیاکل یا بت‌ها را به عهده داشتند، افرادی بودند که با استفاده از کلام سجع و پرداختن به برخی امور و ریاضت‌ها، اطلاعات ناقصی از بعضی امور ساده غیب را از طریق شیاطین به دست بیاورند. «لا یقوی الکاهن علی الکمال فی إدراک المعقولات لأنّ وحیه من وحی الشیطان». (1) کاهنان، آنچه را که مأمور به سوزانیدن آن بودند، پس از کندن پوست و قطعه قطعه کردن گوشت حیوان در قربانگاه می‌سوزاندند. (2) انتخاب نوع قربانی، با توجه به وضع مالی قربانی گذار بود، مثلاً افراد فقیر از برای قربانی حیوانات کوچک‌تر یا از پرندگانی همچون کبوتر و قمری که نوعی پرنده مانند کبوتر بود و در اراضی مقدسه فراوان یافت می‌شد را می‌آوردند. (3) در هر صورت قربانی‌ها یا از حیوانات بود که به مذبح آورده می‌شد و یا آرد و روغن و مواد دیگر ....

تمام مراسمات مذهبی یهودیان اعم از زیارات، دعاها، نیایش‌ها و قربانی کردن‌ها، همراه با موسیقی و آوازهای مختلف بود.

یهودیان با وجود خلف وعده‌های بی‌شمارشان نسبت به انجام تعهداتشان در برابر خداوند،- که تورات و انجیل و قرآن پر است از این نمونه‌ها- گاه نذوراتی غیر معمول و غیر معقول می‌کردند و بر اجرای آنها پافشاری می‌نمودند، حتی اگر نذرشان به ضرر و زیان آنها می‌بود، مثل قربانی کردن بهترین نزدیکان و خویشاوندانشان.

در متون مقدس موارد زیادی از قربانی کردن انسان‌ها برای خدایان آورده شده است، در زیر چند نمونه از نذورات غیر مرسوم بنی اسرائیل را که در متون مقدس مذکور است، آورده‌ایم.

«یفتاح» وقتی پیشوای مشایخ جلعاد گردید، در جنگی که با بنی عمون در پیش داشت نذر کرد اگر خداوند او را در جنگ پیروز کند، هنگام مراجعت هرچه را که به

1- مقدّمه ابن خلدون،، ص 108.

2- مستفاد از سفر خروج 29: 22 و سفر لاویان 3: 9 و 7: 3.

3- سفر پیدایش 15: 9 و سفر لاویان 5: 7 و 12.

استقبال او از در خانه‌اش بیرون بیاید از آن خداوند باشد و آن را برای قربانی سوختنی بگذارد. وی فقط یک دختر داشت و او اولین کسی بود که پس از مراجعت پدر از جنگ به استقبال پدر آمد. وقتی «یفتاح» چشمش به دختر افتاد، پیراهن چاک کرده، نذر خود را آشکار کرد و دختر نیز پذیرفت تا قربانی شود و چنین شد. پس از آن دختران بنی اسرائیل هر سال چهار روز را برای دختر یفتاح عزاداری می‌کردند. (1) پادشاه موآب که از مقاومت در برابر «یهورام» و «یهوشافات» عاجز و درمانده شد، به جهت تحریک غیرت قوم خود یا دشمن خود، نخست زاده خود یعنی پسر بزرگ خود را قربانی سوختنی قرار داد. (2) «عمّونیان» بتی داشتند به نام «مولک» یا «ملکون» این بت از مس تو خالی ساخته شده و سر گوساله داشت که بر صندلی نشسته بود. معمولاً برای این بت که خدای عمّونیان بود، قربانی‌های انسانی به خصوص از میان بچه تقدیم می‌شد. روش قربانی کردن به این شکل بود که در درون این بت آتش روشن می‌کردند تا زمانی که بازوهای این بت مسی، قرمز می‌شد، آن‌گاه قربانی مورد نظر را بر روی دست‌های بت می‌گذاشتند تا فوراً بسوزد.
در همین حین طبل‌ها نواخته می‌شد تا صدای داد و فریاد قربانی شنیده نشود.
در کتاب دوم پادشاهان چنین آورده شده که: «اهل سَفَروایم پسران خود را برای «ادرمَّلک» و «عنَّملک» که خدایان سفروایم بودند به آتش می‌سوزانیدند». (3) انبیای بنی اسرائیل بارها و بارها یهودیان را از این نوع کارها منع کرده بودند، ولی «آنها به مواعظ انبیا توجه نکردند، تا این‌که خشم یهُوه بر آنها افروخته شد». (4)

بت‌پرستی پس از اسارت، در میان بنی اسرائیل شیوع گسترده‌ای یافت و با این‌که مواعظ انبیا را می‌شنیدند، اما از کار خود دست بر نمی‌داشتند، تا این‌که گرفتار غضب

1- سفر داوران 11: 30- 40.

2- کتاب دوم پادشاهان 3: 6- 27.

3- باب هفدهم آیه 31.

4- کتاب عاموس 5: 25 ج 27 و کتاب دوم پادشاهان 23: 10.

الهی می‌شدند. آنچه که از کتب مقدس به دست می‌آید نشان می‌دهد که بنی اسرائیل برای خدایان خود هیکل‌ها(مجسمه‌ها) و نمادها یا تماثیلی می‌ساختند و آنها را پرستش کرده، برای آنها قربانی می‌کردند. این مجسمه‌ها و تماثیل که خدایان اقوام بودند، گاه به شکل‌های پادشاهان و یا حیوانات و یا ممزوجی از انسان و حیوان یا فرشتگان ساخته می‌شدند.

با این‌که خداوند گفته بود «هیچ شکلی از آنچه در آسمان و زمین و دریاست برای خود مساز و نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما» (1) ولی پرستش و عبادت یهُوَه(خدای یکتا) کم کم به پرستش اوثان و تماثیل تبدیل شد و این نوع پرستش کم کم حالت رسمی گرفت تا آن‌جا که «تمثال غیرت» را بر سردر دروازه اورشلیم نصب کردند تا دلالت نماید برای این‌که عبادت تماثیل در این شهر آشکار و واضح گشته است. (2) «هر امت خدایان خود را ساختند و در خانه‌های مکان‌های بلند که سامریان ساخته بودند گذاشتند، یعنی هر امتی که در شهر خود ساکن بودند، پس اهل بابل «سکّوت بنوت» را و اهل کوت «نَرجَل» و اهل حمات «اشیما» را ساختند و عِوّیان «نِبحَز» و «تَرتاک» را ساختند». (3) انسان امروزی که در قرن بیست و یکم بعد از میلاد زندگی می‌کند نیز گرفتار شرک و بت‌پرستی است و در بعضی از کشورها هنوز مردمی هستند که برای خود بت‌هایی ساخته‌اند و شب و روز به عبادت آنها مشغول و برای آنها رکوع و سجود و قربانی می‌کنند.

در قاموس کتاب مقدس تحت کلمه میمون آمده است: «فعلاً در هندوستان بت میمون‌مورد پرستش می‌باشد، چه که در آن‌جا هیکلی و معبدی برای آن حیوان برقرار دارند می‌باشدکه دارای هفتصد ستون است».

در رساله پولس به رومیان آمده است: (4) ای کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا

1- سفر خروج، باب 20.

2- حرقیال 8: 3 و 5.

3- کتاب دوم پادشاهان 29: 17- 31.

4- رساله پولس 2: 21- 24.

خود را نمی‌آموزی؟ وعظ می‌کنی که دزدی نباید کرد، آیا خود دزدی نمی‌کنی؟ و از زنا کردن نهی می‌کنی، آیا خود زانی نیستی؟ از بت‌ها نفرت داری، آیا به تجاوز از شریعت، خدا را اهانت نمی‌کنی؟ زیرا که به سبب شما در میان امت‌ها اسم خدا را کفر می‌گویند، چنان که مکتوب است.
البته هرگاه احکام الهی از جامعه طرد می‌شد و ستمگران ستمگری می‌کردند و مانع می‌شدند که قوم خدا، او را عبادت کنند، خداوند وعید عذاب به آنها می‌داد؛ از جمله عذاب‌هایی که بر مصریان رفت، عذاب‌های ده‌گانه بود که عبارت بودند از:
1. تلخ شدن رود نیل 2. هجوم وزغ‌ها، 3. هجوم پشه‌ها، 4. هجوم مگس‌ها، 5. بیماری وبا، 6. بیماری پوستی(دمل)، 7. سرما و تگرگ، 8. هجوم ملخ‌ها 9. تاریکی مطلق هوا، 10. قتل نخست زادگان(اولین مولود پسر) مصریان.
(1)

نتیجه‌گیری

نتیجه این‌که آیین‌ها و فرایض مذهبی همچون دعا، نماز و زیارات از مشترکات تمام ادیان الهی بوده است که در تمام دوره‌های تاریخی در میان امت‌ها وجود داشته، فقط شکل و نوع و شدت ضعف و قوت آن متفاوت بوده است. در متون مقدس نمونه‌های پایبندی مردم به این آیین‌ها به وفور یافت می‌شود. و هر گاه انسان خواسته است از نمادهای ارتباط با خدا فاصله بگیرد، فوراً این حصار را شکسته و دوباره مراجعت کرده است، مانند آنچه که می‌بینیم امروزه در جوامع مسیحی و یهودی جهان گرایش به دعا و زیارت به شدت رو به گسترش است و این نشان‌دهنده آن است که دین‌گریزی در میان آنان در قرون گذشته که به خاطر عملکرد نامناسب متولیان دینی بوده، نه این‌که مشکل را حل نکرده که مشکلات عدیده‌ای برای آنان به وجود آورده است. لذا حل بسیاری از معضلات و ناهنجاری‌های موجود در جوامع خود را در روی آوری به دعا، نماز و زیارات می‌دانند.

1- سفر خروج ابواب 7- 10.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. دین مسیح، برایان ویلسون، ترجمه حسن افشار تهران، مرکز، 1384.
3. قاموس کتاب مقدس، هاکس، تهران، اساطیر، 1383.
4. کتب عهد جدید(27 مورد، انجیل‌ها و کتاب‌ها و رساله‌ها به غیر از انجیل برنابا)، انجمن پخش کتب مقدس، 1980 م.
5. کتب عهد عتیق(39 کتاب و رساله و صحیفه بدون رساله‌های اپوکریفایی)، انجمن پخش کتب مقدس، 1980 م.
6. لسان العرب، ابن منظور.
7. مقدّمه، ابن خلدون، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، 1998 م.
8. المنجد فی اللغه، لویس معلوف.

6. نذر و نیاز در دین زرتشت و ایران باستان

اشاره

دکتر سید حسین امیدیانی [1]

چکیده

از مطالعات انسان شناختی استنباط می‌شود که نذورات و زیارت اماکن مقدس از دیرپا، بنیادین و کهن‌ترین صور رفتارها و تجربه‌های دینی فرهنگ‌ها و جامعه‌ها بوده است. ثروتی را که در گذشته زایران از طریق اهدای نذرها برای زیارتگاه‌ها هزینه می‌کرده‌اند با توجه به امکانات محدود مادی و تنگناهای معیشتی، شگفت‌آور بوده است. یکی از سنت‌های پسندیده مردم ایران باستان که پیرو آیین یکتاپرستی دین رزتشت بوده‌اند، نیکی و نیکوکاری و کمک به همنوع و اهدای نذرها به معابد و اماکن زیارتی بوده است. زرتشتیان این عمل نیک را از جمله وظایف ملی و مذهبی آیین خود می‌دانسته و به آن عمل می‌کردند. دین زرتشت با توجه به نمونه‌هایی که در کتاب مقدس «اوستا» به آنها اشاره شده، به موضوع نذر و نیاز، چه برای اهورا مزدا(خدای یکتا) و چه برای انجام مراسم مذهبی در آتشکده‌ها و اهدا به آن‌جا و یا پیشکش نمودن به همنوعان پرداخته شده است. هم‌اکنون نیز هموطنان زرتشتی ما در کرمان و یزد، نذورات و موقوفاتی دارند که نذر و وقف برگهنبار شده و همه ساله درآمد آنها در محل صرف نیات نذر کننده و واقف می‌شود.
کلیدواژه‌ها: اهورا مزدا، زرتشت، اوستا، گات‌ها، نذر و نیاز، یسنا.

مقدّمه

شناخت فرهنگ هر ملت، برای مردم آن مرز و بوم، در حقیقت نوعی خودشناسی و آگاهی به منابع فرهنگی و ریشه‌های موجودیت و شناسنامه آن قوم و ملت محسوب

1- عضو پیوسته انجمن فیزیک ایران، عضو پیوسته انجمن نجوم ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآنی تهران.

می‌شود. برای ما ایرانیان که خوشبختانه وارث فرهنگی بسیار غنی و سرشار، چه از عهد باستان و قبل از اسلام و چه بعد از ظهور دین پر برکت اسلام هستیم، شناخت و آگاهی از مدنیت و فرهنگ، ضروری و واجب است.

شناسانیدن ایران و جلوه‌های گوناگون عناصر با ارزش تاریخ و تمدن ایرانی به مردم و آگاه ساختن آنان از ویژگی‌های ظریف و عشق به زیبایی و روش‌ها و سنت‌های نیک اجتماعی، از جمله مهم‌ترین وظایفی است که ایران دوستان و پژوهشگران و اهل قلم و مربیان و معلمان بر عهده دارند.

از شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی و مطالعات انسان‌شناختی چنین استنباط می‌شود که اهدای نذور و زیارت اماکن مقدس از دیرپا، بنیادین و کهن‌ترین صور رفتارها و تجربه‌های دینی فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و جمعیت‌ها بوده است. همه تجربه‌های دینی به طریقی با زیارت و اعمال زایرانه جمعیت‌های متدین درپیچیده‌اند. به دیگر سخن دینی را بدون زیارت و اعمال و آداب آن و نذر و نیاز سراغ نداشته و نمی‌شناسیم. اصولاً هر اندازه فرهنگ‌ها، جامعه‌ها و جمعیت‌ها دینی‌تر زیسته و هستی را متدینانه و آیینی‌تر تجربه کرده‌اند، با ادب و آدابی زایرانه‌تر نیز زندگی را تشکّل داده‌اند. لایه‌های باستانی‌تر فرهنگ‌ها، پرمایه و غنی از تمثیل‌های آیینی و کنش‌ها و رفتارهای زایرانه و آداب عمیقاً معنوی جمعیت‌های زایر بوده است.

سرمایه و ثروتی را که در گذشته جمعیت‌های زایر از طریق اهدای نذرها برای زیارتگاه‌ها و اماکن متبرک خود هزینه می‌کرده‌اند، با توجه به امکانات محدود مادی و تنگناهای معیشتی که با آن دست و پنجه می‌فشرده‌اند، شگفت‌آور بوده است. امر اتفاقی نیست که زنده، غنی، معنوی و فعال‌ترین محوطه‌ها و مکان‌ها در گذشته زیارتگاه‌ها بوده‌اند. معماری، هنر، ادبیات و آداب زیارت و اهدای نذور را بی‌اغراق می‌توان از گرانمایه‌ترین ذخایر معنوی و میراث جمعیت‌های زایر دانست.

باستان‌شناسان و مورخان ادیان اطلاعات مهمی را از میراث زایران و سنت و معنویت و آداب و ادبیات زیارت در فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف در دوران‌های گذشته در اختیار ما می‌نهند. از مطالعات تطبیقی- تاریخی و پدیدار شناختی زیارت و زایری و مناسبات آن با دیانت و دینداری نیز چنین استنباط می‌شود که نسبت، رابطه یا مواجه زایرانه با «چیزها» با امرالوهی، قدسی و متعالی که هر سه از عناصر بنیادین تجربه‌های دینی هستند سخت و استوار درتنیده است. (1) یکی از سنت‌ها و خصلت‌های پسندیده مردم ایران باستان، نیکی و نیکوکاری و کمک به همنوع و اهدای نذور به معابد و اماکن مقدس بوده است و این عمل را جزء وظایف ملی و مذهبی خود می‌دانسته‌اند. در هر دین الهی، نذر و نیاز و داد و دهش و خیر و خیرات و نیکوکاری از وظایف عمده پیروان آن دین به شمار می‌رود و پیامبران الهی بر این مطلب تأکید فراوانی نموده‌اند.

ایرانیان باستان پیرو آیین یکتاپرستی زرتشت بوده‌اند و در کتاب مذهبی آنان یعنی" اوستا" در بخش گات‌ها چنین آمده است:

ات‌راتوم زرتوشترو تنوس چیت خوخیاو اوتنم ددائیتی پئوروتات مننگهس چاونگهوش مزدا شیوتنهیا اشایی یاچا اوخذ خیاچا سروشم خشتروم چا(یسنا- هات 33- بند 14)
14. زرتشت همه جسم و جان خود را با گزیده‌ترین منش پاک خود چون پیشکشی بی‌ارزش به خداوند خرد(هدیه- فدیه) نیازمی کند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار و همه نیروی خود را به اشا ارمغان می‌آورد. (2)

1- «زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره 52، ص 66 و 67.

2- ترجمه و تفسیر گات‌ها سرودهای زرتشت، ج 1، ص 441- 444.

1. «ای مزدا رفتار و گفتار نیک و پرستش بی‌ریایی که در پرتو آنها مردم از بخشایش جاودانی و پارسایی و نیروی معنوی و رسایی برخوردار می‌گردند همه را نخست به تو ای خداوند هستی بخش پیشکش(نیاز) می‌نماییم». (1)(یسنا- هات 34- بند 1)

خداوند متعال برای هر امتی پیامبری فرستاده که مردم را به راه راست هدایت کند، به طور مثال می‌فرماید: «وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلّ أُمَّةٍ رَّسُولاً ...». (2)

و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم تا به خلق ابلاغ کند که خدای یکتا را بپرستید ....

در کتاب آسمانی قرآن همیشه از پیامبران گذشته با احترام و نیکی یاد نموده و به مؤمنین نیز توصیه می‌کند، ضمن احترام به همه پیامبران و رسولان به تمام آنها ایمان داشته باشند. از جمله فرموده: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَیْهِ مِن رَّبّهِی وَالْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَللِکَتِهِی وَکُتُبِهِی وَرُسُلِهِی لَانُفَرّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مّن رُّسُلِهِ ...». (3)

رسول خدا به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و(گفتند) ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم.

زرتشت پیامبر الهی، طبق نظر پژوهشگران و محققین، بین حدود 1700- 1400 سال پیش از میلاد یعنی 3700- 3400 سال پیش ظهور نموده است. کتاب مقدس پیروان زرتشت اوستا می‌باشد که مجموعه شعایر، آداب و رسوم، برداشت‌ها و معتقدات مذهبی آنان در آن آمده است. در کتب مقدس آسمانی تورات و انجیل و قرآن، هر گاه خواسته‌اند از مذهب باستانی ایران سخنی به میان آورند، تنها به نام" مجوس" بسنده کرده‌اند. در قرآن مجید کلمه مجوس یک بار به کار رفته است: «إِنَّ الَّذِینَ ءَامَنُواْ

1- همان، ص 445- 447.

2- سوره نحل، آیه 36.

3- سوره بقره، آیه 285.

وَ الَّذِینَ هَادُواْ وَ الصبِینَ وَ النَّصرَی وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِینَ ...». (1)
مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه مذکور می‌نویسد: «منظور از مجوس قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویده و کتاب مقدسشان اوستا نام دارد .... و در قدیم الایام مجوسیان در ایران و چین و هند وغیر آنها آتشکده‌هایی داشتند و وجود همه عالم را مستند به اهورامزدا دانسته و او را ایجاد کننده همه می‌دانستند». (2) از این آیه شریفه و ترجمه و تفسیر آن که در المیزان خیلی مفصل نقل شده معلوم می‌شود که قرآن کریم ملت مجوس را اهل کتاب دانسته و آن طایفه را با یهود و نصاری که از امم خداپرست و دارای احکام و شریعت متقنی بودند، در یک دریف آورده و کلمه مجوس را با واو وصل به ایشان می‌پیوندد و به توسط حرف موصول دوم(کلمه الّذین)؛ آنان را از مشرکین جدا می‌سازد. در ضمن ذکر حدیثی از ابا عبداللّه علیه السلام راجع به مجوس در انتهای آن از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مجوس را پیغمبری بوده است که او را بکشتند و کتابی آورد که آن را بسوزانیدند و بر دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود». (3) می‌دانیم که کافران و دشمنان زرتشت او را به شهادت رسانیدند و کتاب اوستا نیز در حمله اسکندر به ایران به آتش کشیده شد. در این‌جا به ذکر چند نمونه از سروده‌های خود زرتشت که در بخش گات‌های اوستا آمده، می‌پردازیم که دلیلی است بر یکتاپرستی ایرانیان باستان کهن‌ترین و مطمئن‌ترین قسمت اوستا بخش گات می‌باشد.
«اوست نخستین اندیشه‌گری که با نور خود افلاک را درخشان ساخت و با نیروی خرد خویش راستی بیافرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای هستی بخش و دانای بزرگ؛ ای کسی که همیشه در هر حال یکسانی، با روح مقدست فروغ ایمان را در قلب ما بر افروز». (4)

1- سوره حج، آیه 17.

2- ترجمه تفسیر المیزان، ج 14، ص 505 و 506.

3- بحار الأنوار، ج 5، ص 379.

4- اوستا، بخش یسنا، 31، بند 7.

«ای مزدا، هنگامی که تو را با دیده دل نگریستیم در اندیشه خود دریافتیم که تویی سرآغاز، که تویی سرانجام، که تویی پدرمنش پاک، که تویی آفریننده راستی، که توی داور دادگر کارهای جهانی». (1) گر مسلمان، گر نصاری هم مجوس و هم یهود
ذاکر درگاه او هریک همی گوید خدا
همه جا خانه یار است چه مسجد چه کنشت.

«لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكاً هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَزِعُنَّكَ فِی الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلَی رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلَی هُدًی مُّسْتَقِیمٍ»؛ (2)
ما برای هر امتی پرستشگاهی مقرر کردیم تا به خدا توجه کنند(و آن‌جا سبب وحدت و انس و الفت آن امت شود) پس(ای رسول) نباید مردم(در امر کعبه و قربانگاه و سایر دستورهای الهی) با تو به منازعت برخیزند و تو خلق را به سوی خدا دعوت کن که خود به راه راست و هدایت کامل هستی.
اولین آتشکده‌هایی که در ایران باستان شناخته شد، به منظور حفظ و نگهداری آتش مقدس برای رفع احتیاجات روزمره مردم بود، ولی با گذشت زمان احترام این عنصر درخشان و گرمابخش و بزرگداشت آن چنان در مردم ریشه دواند که از هر گوشه و کنار به زیارت آن می‌آمدند و در برابر آتش به ستایش و پرستش خداوند بزرگ می‌پرداختند. پس از ظهور زرتشت نیز مغان و موبدان، بسیاری از سنت‌های قبل از زرتشت را به مرور وارد آیین زرتشت نمودند و مجدداً آتشکده‌ها محلی شد برای اجتماع مؤمنین به منظور ادای نماز و ستایش اهورامزدا و به تدریج به مقتضای زمان تغییراتی در آتشکده‌ها راه یافت. آتشکده‌ها که تا آن زمان تنها محل زیارت و عبادت و نیایش به درگاه ایزد یکتا به شمار می‌رفت، به لحاظ فعالیت‌های موبدانی که

1- اوستا، بخش یسنا، بند 8.

2- سوره حج، آیه 67.

اهل فضل و دانش بودند و نیز در کانون توجه افراد عادی و دولتی و حکومتی قرار داشت، به تدریج به محل آموزش، کتابخانه و موزه مجهز گردید و نیز از محوطه آن برای برگزاری مراسم و جشن‌ها استفاده می‌گردید.

پیامبران بزرگ هر یک قبله یا سویی جهت پرستش پیروان خود تعیین نموده‌اند، تا آنها بتوانند هنگام پرستش خدا رو به سوی قبله نموده، با خدای بزرگ راز و نیاز نماید، در قرآن آمده: «وَ لِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَ تِ ...». (1)
و برای هر جمعیتی وجهه و قبله‌ای است که بدان رو می‌کنند، پس هر جا که بودید در خیرات سبقت بگیرید. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «کلمه وجهه به معنای چیزی است که آدمی رو به آن می‌کند، مانند قبله، که آن نیز به معنای چیزی است که انسان متوجه آن می‌شود. در این آیه بیان سابق را خلاصه نموده، عبارت اخرایی می‌آورد تا مردم را هدایت کند به این مسأله که قبله را تعقیب نکنند، و بیش از این درباره آن بگومگو راه نیاندازند و معنایش این است که هر قوم برای خود قبله‌ای دارند که بر حسب اقتضای مصالحشان برایشان تشریع شده است. خلاصه، قبله یک امر قراردادی و اعتباری است، نه یک امر تکوینی ذاتی، این حرف‌ها را بگذارید و به دنبال خیرات شتاب بگیرید و از یکدیگر سبقت بجویید که خدای تعالی همگی شما را در روزی که شکی در آن نیست جمع می‌کند، ولو هر جا که بوده باشید که خدا بر هر چیزی تواناست». (2) بر این اساس همان طور که ملاحظه می‌فرمایید، قبله در ادیان مختلف متفاوت است. قبله مسلمین خانه کعبه است و قبله کلیمیان، اورشلیم یا بیت المقدس می‌باشد و نیز کلیسا طوری ساخته شده است که محراب آن همیشه در سمت مشرق واقع شده،

1- سوره بقره، آیه 148.

2- ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، ص 492.

به طوری که عیسویان مؤمن که به کلیسا می‌روند، الزاماً رو به سوی محراب که در خاور واقع شده نماز می‌خوانند.

قبله زرتشتیان نیز نور است به هر شکلی که جلوه نماید، خواه این نور از شعله آتش یا شمع فروزان باشد و خواه از خورشید یا هر شیئی نورانی دیگر. در اوستا فقره اول از کرده دوم هفتن یشت آمده است: «ای خدای هستی بخش دانای بی‌همتا که بخشاینده همه چیز و از دیده ظاهربین ما ناپدیدی، این آتش را که در برابر گذاشته‌ایم، نور آفرینش تو می‌دانیم و آن را به منزله قبله می‌شناسیم و به وسیله این نور که ذره ای از ذرات انوار تو است، خواستاریم که خود را به نور حقیقت تو برسانیم».

و در فقره اول اردیبهشت یشت به زرتشتیان صریحاً دستور داده شده که هنگام پرستش اهورامزدا در برابر نور و روشنایی قرار گیرند. و به پیروی از این دستور، هنگامی که زرتشتیان به آتشکده می‌روند، در آن‌جا روبه‌روی آتش فروزان قرار می‌گیرند و با خدا راز و نیاز می‌نمایند.

در قرآن مجید چنین می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ ...» (1)

خدا نور آسمان‌ها و زمین است ....

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این مورد می‌فرماید: «خدای تعالی نوری است که آسمان‌ها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته‌اند ... خدای تعالی کامل‌ترین مصداق نور می‌باشد ...».

در انجیل، رساله اول ژان، باب اول، آیه پنجم آمده است: «این پیغامی است که ما از او شنیده و اینک بازگو می‌کنیم که خداوند نور محض است و ظلمت و تیرگی در او وجود ندارد».

متأسفانه برخی مردم ناآگاه و حتی بعضی از مستشرقین سطحی‌نگر، این احترام به آتش در میان زرتشتیان را دلیل آتش‌پرستی آنها دانسته و تهمت بزرگی را به آنها روا

1- سوره نور، آیه 35.

داشته‌اند. در صورتی که همان طور که در توضیحات بالا اشاره شد، زرتشتیان، اهل کتاب و یکتاپرست هستند و نور و آتش، در هنگام نماز و عبادت قبله آنها می‌باشد.

فردوسی، شاعر نامدار نیز، در این باره سروده است:

نگویی که آتش‌پرستان بدند پرستنده پاک یزدان بدند

که آتش بدانگاه محراب بود پرستنده را دیده پرآب بود

وجود آتشکده‌های مختلف در اقصی نقاط ایران باستان، خود دلیلی بر مؤمن بودن و یکتاپرستی ایرانیان بوده است. هر یک از آتشکده‌ها نیز به نوبه خود و با توجه به وسعت و اهمیت و موقعیتی که داشته‌اند، دارای موقوفات و نذوراتی بوده‌اند و اداره امور آنها توسط موبدان و هیربدان از محل درآمد همان نذرهای اهدایی و موقوفات بوده است.

مؤمنان همواره قسمتی از نذور و هدایایشان را به صورت چوب‌ها و گیاهان خوشبو چون، هذانئپت(چوب انار) (1) اورواسن(چوب صندل) (2) و هوگئون(لبان) (3) و .. وهوکرتی(عود) (4) نذر و به آتشکده‌ها تقدیم می‌کردند. (5).

روز سوم از ماه اردیبهشت که اردیبهشتگان خوانده می‌شود، مرسوم بوده است که زرتشتیان به آتشکده رفته و مراسم ستایش بجای آورند. زراتشت بهرام پژدو در شرح حال زرتشت موسوم به زرتشت‌نامه، از نصایح امشاسپند اردیبهشت به زرتشت آورده است:

به پیش آمدش فرخ اردیبهشت بدانگه که همراه زو درگذشت

به زرتشت گفتا که ای پاک تن پذیرفته ایزد ذوالمنن

پیامی بر از من به گشتاسب‌شاه بگو کای خداوند دیهیم و گاه

Hazanaepata. -1

. Urvasan. -2

Vohugaona. -3

Vohukereti. -4

5- فرهنگ نام‌های اوستا، کتاب ا و ب، ص 6- 8.

به هر شهر بنهند آتشکده فراموش مکن رسم‌های سده
چو ما واگهش را پدید آورند برو بر بسی وقف‌ها گسترند
که تا کار او را بود برگ و ساز نگیرند این گفته ما مجاز
که آن نور از نورهای خداست کزآن‌گونه رخشان به پیش شماست (1)
همان گونه که در شعر ملاحظه می‌شود، توصیه شده که در هر شهری آتشکده‌ای بنا شود و پس از احداث آن نذور و موقوفات زیادی را برایش منظور کنند تا مایحتاج و مخارج آتشکده تأمین شود. لیست برخی آتشکده‌های ایران در کتاب جغرافیای تاریخی ایران باستان آمده است. (2)

پس از شرحی که در مورد وضعیت اجتماعی ایران باستان داده شد، اینک در ابتدا به طور مختصر به ذکر قسمت‌هایی از اوستا می‌پردازیم که در آنها راجع به نذر و نیاز مطالبی بیان شده است.

در حقیقت می‌توان گفت: گات‌ها کهن‌ترین، مقدس‌ترین، مطمئن‌ترین و پرمغزترین مدرک اوستایی است که از دستبرد زمان محفوظ مانده و شامل چکیده آیین زرتشت است. چون به شعر سروده شده، بهتر در حافظه‌ها مانده و از سینه به سینه نقل گردیده است. گات‌ها از سخنان خود زرتشت بوده و مسلّم است که برای بیان افکار و پیام او از هر منبع دیگری قابل اعتمادتر است.

نذر و نیاز و نیکوکاری و دهشمندی زرتشتیان از روزگاران کهن تاکنون بر سه گونه است:
1. نیاز: در این گونه دهش، نیکوکاران زرتشتی آنچه را می‌خواستند بدهند در

1- همان، ص 7 و 8.

2- جغرافیای تاریخی ایران باستان.

دسترس گردانندگان نیایشگاه‌ها و آتشکده‌ها که در روزگاران کهن سازمان‌های دینی و کشورداری، هر دو به شمار می‌آمد قرار می‌دادند تا موبدان موبد، موبدان و یا هریک از سامانگران که ویژه انجام کارهای دهشی و نیکوکاری و خیرات بوده است، برابر با خواست شخص نیکوکار و خیر دهشمند و در پاره‌ای از زمان‌ها بسته‌به نیاز نیایشگاه و آتشکده به انجام کارهای نیک و امور عام المنفعه برساند. نیاکانمان باور داشتند که دهش باید به گونه‌ای همگانی انجام شود، نه دست به دست که بی‌گمان فراگرد(جامعه) را به یک گونه تنبلی و گداپروری وا می‌دارد.
اگر با موشکافی چگونگی دهش و به ویژه دهش‌ها و کمک‌های دست به دست(فردی) را بررسی کنیم، می‌بینیم که دستورهای داده شده در انجام این گونه دهش‌ها تا چه اندازه دشوار بوده است. به این بخش از وندیداد(کتاب قانون) بنگرید که در آن آمده است: «... هرگاه خوراک به کسی دهی تا شکمش را از آن سیر کنی، هرگونه(ثواب) و گناهی که آن کس کند، دهشمند هم بهره‌ای از آن خواهد داشت». و یا در پوزش‌نامه زرتشتیان آمده است: «خورش اگر خورم و به ناکاران(بیکاران) دادم، پشیمانم و پوزش می‌خواهم ...». همچنین در اندرز گواه(خطبه عقد) به هنگام بستن پیمان زناشویی، زن و مرد هریک چنین گوید: «اگر خوراک به ناارزانیان دادم پوزش می‌خواهم».
بنابراین شاید می‌توان این گونه داوری کرد که این دشواری‌ها برای آن است که دهش‌ها، نذرها و کمک‌های دست به دست گسترش نیابد، مگر آن زمان که دهشمند بی‌چون و چرا نیازمندی و ارزانی بودن تنگدستی را بداند. پس آن زمان که این گونه دهش در میان نبود، دهشمندان و نیکوکاران به کمک‌های همگانی روی می‌آوردند و موبدان و روحانیون آتشکده‌ها با روشن‌بینی ویژه‌ای که داشتند، در انجام هدف دهشمند و شخص نیکوکار به کارهای نیک و امور عام المنفعه می‌پرداختند. باید یادآوری کنیم همین نذرها و نیازها که گاه ارزش چندی‌اش چندان زیاد نبود، روی هم

انباشته می‌گشت و به راه خیر و سازندگی‌های نیک چون بنیان‌گذاری و احداث نوانخانه‌ها، آموزشگاه‌ها و یا بیمارستان‌ها، یعنی بناهای موقوفه‌ای که واقف آن همگان بودند می‌انجامید. (1) 2. اشوداد: این‌گونه دهش و کمک را بخشش در راه پارسایی و نیکی گفته‌اند، چه دهشمند و شخص نیکوکار به هنگام این گونه بخشش تنها به پاس نیکی و نیکوکاری و عمل صالح این کار را انجام می‌دهد. به گفته دیگر، شاید بتوان گفت: اشوداد، دهش و کمک از چیزهای جابه‌جا شدنی نیست. همواره خانه، زمین، بوستان، کشتزار یا از این گونه دارایی را به نیایشگاه و آتشکده واگذار می‌کرده‌اند، یعنی در واقع املاک مذکور را نذر و وقف می‌نموده‌اند. گردانندگان نیایشگاه‌ها یا موبدان و روحانیونی که کارشان سامان دادن به اشودادها(این گونه نذورات و موقوفات) بوده است، نمی‌توانستند دارایی‌هایی که از راه اشوداد به نیایشگاه داده شده(وقف گردیده) را به فروش برسانند. اشوداد درباره پارسایان و یا موبدان گاهی شده است. حتی آنان نیز پروانه فروش اشوداد(وقف) را نداشته‌اند. همان طور که ملاحظه می‌شود، می‌توان اشوداد را گونه‌ای از پیوسته نیکی یا وقف دانست. (2) 3. گاهنبار: یکی از سنن ایرانیان باستان که برای داد و دهش و خیر و خیرات برگزار می‌شد، مجالس شش گاهنبار یا گهنبار بود. این آیین بسیار قدیمی است. در زمان، یا پس از ظهور زرتشت، تغییراتی در روش برگزاری گهنبار داده شد. در ابتدا بخش‌هایی از اوستا را موبدان می‌خواندند، آن‌گاه سفره عام می‌کشیدند و هرکس- اعم از فقیر و غنی- بر سر سفره گهنبار می‌نشستند و از آن استفاده می‌کردند. این روش تا زمان انوشیروان ساسانی ادامه یافت. در زمان او به علت اوج گرفتن فاصله طبقاتی بین مردم، تغییراتی در آیین گهنبار به وجود آمد.

1- نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان، ص 35 و 36.

2- همان، ص 36 و 37.

شش گاهنبار یا گاهان‌بار- به طور کلی- اشاره به شش گاه یا شش هنگام از اوقات مختلف سال دارد که موقع آفرینش عالم و عالمیان می‌باشد. در آیین مزدیسنی(یکتاپرستی) زرتشت، این شش گاه یا شش هنگام که به شکرانه نعمت‌های خداوند متعال جشن می‌گیرند و زرتشتیان- مانند ایرانیان قدیم- در این جشن‌ها بذل و بخشش و نذر و نیاز و داد و دهش و خیر و خیرات و انفاق می‌نمایند و احسان می‌کنند و سپاس اهورامزدا را بجا می‌آورند. درآمد و منافع حاصله از موقوفات و نذور گهنبار نیز در این ایام صرف نیات خیرخواهانه و نیکوکارانه واقف یا نذرکننده می‌شود.
شش جشن گاهان بار مربوط به اوقات شش‌گانه آفرینش جهان و جهانیان است.
در تورات و قرآن مجید نیز آمده است که خداوند متعال آسمان و زمین و مخلوقات و موجودات را در شش روز(مرحله) آفریده است.
اوستا نیز آفرینش جهان را در شش وقت قرار می‌دهد. به همین لحاظ در آیین ایران باستان، این شش هنگام به یاد اوقات شش‌گانه عالم خلقت جشن گرفته می‌شد. نام این جشن‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:
1. میدیوزرم: (1) میان بهار که زمین سبز و خرم است. براساس اعتقاد کهن ایرانیان در این روز آسمان آفریده شده است.
2. میدیوشم: (2) میان تابستان. در این هنگام آب آفریده شد ..
3. پیتی‌شهیم: (3) وقتی که گندم می‌رسد. در این‌گاه زمین خلق‌شده است ..
4. ایاثرم: (4) یعنی آغاز سرما. در این هنگام نباتات خلق شده‌اند ..
5. میدیارم: (5) حدوداً میانه فصل سرد. در این روز جانداران آفریده شده‌اند ..
6. همس پت میدیم: (6) در این روز انسان آفریده شده است و با خلق شدن او کار آفرینش پایان یافته است.

1- Maidyo Zaram

2- Maidyo Shem. .

3- Paity Shahim. .

4- Ayatheram. .

. Maidyarem. -5

Hamas Path Maidyam -6

در همه گاهان‌بارها به طور کلی نماز آفرینگان گاهان‌بار می‌خوانند. شش گاهان‌بار سال نزد زرتشتیان ایران و هند، اوقات عبادت و انفاق و احسان و نیکی و خیرات و مبرات و کمک به مستمندان است. از وجوهات مربوط به اوقات گاهانبار و از محل درآمد و منافع نذورات موقوفاتی که بر گهنبار نذر و یا وقف شده‌اند، مراسم و جشن‌های بزرگ می‌آرایند، توانگر و بی‌نوا، هر دو در آن شرکت می‌کنند، آنانی که خود از عهده مخارج این مراسم برنمی‌آیند، باید در مراسم دینی که دیگران بانی آن هستند، یا از نذورات و موقوفات مربوطه دایر می‌شود شرکت کنند و از خوان نعمت توانگران که در همه جا گسترده می‌شود بهره‌مند گردند. در کتاب صد در بندهش، باب 94 می‌گوید: «اگر کسی در سال یک بار به گاهانبار نرود، یک سوم از ثواب‌هایی که کرده بکاهد و یک سوم به گناهانش بیفزاید».

هم‌اکنون نیز هم‌وطنان زرتشتی ما در کرمان و یزد، نذورات و موقوفاتی دارند که نذر و وقف بر گهنبار شده و همه ساله درآمد آنها در محل صرف نیات نذرکننده و واقف می‌شود. (1)

از زمان پیدایش ادیان و معابد و پرستشگاه‌ها و زیارتگاه‌ها در روی زمین، موضوع نذر و نیاز و زیارت نیز وجود داشته است، زیرا امور معابد و زیارتگاه‌ها معمولاً از طریق هدایا و نذورات پیروان آن ادیان و معابد و یا از محل درآمد اراضی موقوفه‌ای بوده که وقف یا نذر بر آن معبد یا پرستشگاه یا زیارتگاه می‌شده است و روحانیون مخصوصی تصدی انجام این امور را به عهده داشته‌اند.
در ایران باستان نیز نذر و وقف، ریشه‌ای دیرینه دارد و از زمان ورود آریاها به فلات ایران و هندوستان، نذورات و موقوفات معابد و زیارتگاه‌ها وجود داشته است.

1- «گاهنبار در ایران باستان»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره 3، ص 46 و 47.

ص: 211

در کتاب‌های ریگ ودای هندوها و اوستا، از نذر و نیاز صحبت شده است. البته آنها مربوط به دین و آیین آریاهای قبل از ظهور زرتشت بوده است، برای این‌که تا حدودی به چگونگی نذر و نیاز آن دوران آشنا شویم، به توضیح مختصری می‌پردازیم:

«ریگ ودا» کتاب مقدس هندوها (1)
تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان، با تاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه و اصل واحد و نزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت با مطالعه ودا و اوستا نمایان می‌شود. فرهنگ باستانی ایران و هند را نمی‌توان از یکدیگر جدا شناخت، و این موضوع باید هم همین‌طور باشد. زیرا هر دو از یک فرهنگ هندوایرانی منشأ گرفته و از یک سرچشمه سیراب شده‌اند. (2) واژه «ودا»،(/ بید) در زبان سانسکریت (3) از ریشه «وید»(/ دانستن) مشتق شده و به معنی «دانش» است. اما به طور اخص به معنی «دانش الهی» یا «علم مُنزَل» است.
کتاب ودا در نظر غالب «هندوان» در حکم وحی مُنّزَل است و از نظر دین‌باوران «هندو» تعلیمات آن کامل و بالاترین سند و مدرک مذهب است. این تعلیمات حاکم بر جمیع شئون زندگانی هر فرد می‌باشد و وظایف او را در هر وضع و شکل و در هر مرحله‌ای از مراحل حیات، از تولد و کودکی و جوانی و پیری و مرگ معیّن می‌کند. به عبارت دیگر این تعلیمات وظیفه هر هندویی را از گهواره تا گور زیر نظر دارد.
«ودا» ها مرجع کلیه آداب و سنن است. همه قوانین و مقررات در چهارچوب تعلیمات و تفسیرهای آنها به وجود آمده و مراسم و تشریفات مذهبی، مانند دعا و نماز و نذر و نیاز و زیارت و آداب و رسوم اجتماعی هندو از آنها سرچشمه گرفته‌اند.

1- ترجمه گزیده ریگ ودا، قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند، ص 7- 10.

2- در بمبئی اردشیر خبردار از زرتشتیان هند، گات‌ها را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در آخر آن‌کتاب فرهنگی ترتیب داده و لغات مشترکی را که در گات‌ها و ریگ ودا به کار برده شده، با نشان دادن تلفظ «ودای» و «اوستایی» استخراج کرده است.

3- Sanskrit.

همان‌گونه که در عالم اسلام روح «قرآن» مجید در کتاب‌های اسلامی جلوه‌گر شده و زبان قرآن در «فرهنگ اسلام» بنیاد نوین و استواری به وجود آورده است، و کم‌تر کتاب اسلامی را می‌توان یافت که از روح قرآن الهام نگرفته باشد. به همین مقیاس هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» تألیف و تدوین نشده، مگر آن که تعلیمات وداها کم و بیش نویسنده را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده باشد. با این تفاوت که اسلام دین جهانی الهی است و از سرزمین عربستان به کشورهای دور و نزدیک دیگر هم گسترش یافته است، ولی حوزه مذهب هندو در طول تاریخ بشر محدود به همان شبه جزیره هند بوده و جنبه مذهب بومی و ملّی دارد. (1) راجع به قدمت این کتاب در میان محققان هندی و غیر هندی اختلاف نظر است.
در قرن نوزدهم برخی از دانشمندان هندی مانند تیلک (2) بعضی از قسمت‌های ریگ ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به پنج تا شش هزار سال پیش از میلاد مسیح و حتی قدیمی‌تر دانسته‌اند، ولی ماکس مولر (3) تاریخی را در حدود 1200 سال پیش از میلاد در نظر گرفته است.
آنچه مسلّم است به وجود آمدن این سرودها قرن‌ها پیش از بودا و تبلیغ عقاید بودایی بوده و از طرف دیگر شروع آن همزمان یا کمی قبل و یا بعد از ورود قوم آریایی به هندوستان است. ژاکوبی (4) براساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه می‌گیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ ودا در هزاره پنجم پیش از میلاد است. به هر حال آنچه قطعی به نظر می‌رسد، ریگ ودا قدیم‌ترین اثر قوم آریایی هند است، و بی‌شک تاریخ به وجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی موجود قوم یهود است. (5)

1- همان، ص 47- 49.

2- Tilk

3- Max Muller.

4- Jacobi

5- دین قدیم ایرانی، ص 25- 93.

پیش از آن‌که از دین آریایی‌های ایرانی سخن بگوییم، لازم است از چگونگی احوال آریایی‌های هندی در آغاز ورود به هندوستان و اخلاق و فرهنگ و دیانتشان اطلاع حاصل نماییم، چه این آگاهی کمکی است بسیار شایسته به شناخت بهتر فرهنگ و دیانت آریاهای ایرانی که در ابتدا، و زمان نزدیکی مشترکاً می‌زیسته و بعد بر اثر حوادثی از یکدیگر جدا گشته و هریک در منطقه‌ای استقرار یافته و دو فرهنگ بزرگ جهانی بنیاد نهادند.
در زمانی که آریاها به هند هجوم آوردند، قدیم‌ترین مردم تاریخی هند یعنی ناگاها (1) بر قسمت شمالی آن سرزمین تسلط داشتند. اینان مطابق با یافته‌های باستانی درّه سند برای مار احترام زیادی قایل بودند و آن را ستایش می‌نمودند و هنوز بازماندگانشان در کوهستان‌های دورافتاده هند زندگی می‌کنند. در قسمت جنوبی نیز مردمی سیاه‌پوست با بینی‌های پهن زندگی می‌کردند که آنها را دراویدی (2) می‌نامند.
اینها ظاهراً از فرهنگ و تمدنی در زمان هجوم آریاها برخوردار بوده‌اند. بیشتر مردمانی تاجرپیشه بودند که به وسیله دریاگردی تا بابل و سومر راه داشته و از ذوق هنری بهره فراوانی داشته‌اند. چنان‌که به نظر می‌رسد آریاها پس از استقرار تحت تأثیر این قوم قرار گرفته‌اند.
غلبه آریاها بر این طوایف بومی و انقیادشان از رویدادهای تاریخی است که منجر به تفوق آریاها بر دراویدی‌ها شد. آریاها از ناحیه دریای خزر مهاجرت کردند، یعنی همان محلی که پسرعموهای ایرانی‌شان آن را «یا خانه آریایی‌ها» (3) می‌نامیدند.
آریاهای هندی تقریباً زمانی که کاسیان (4) بابل را فتح کردند، داخل هند شدند.

Nagas -1

Dravidian -2

Ariyana- Vaeyo -3

4- (Kassites) در قسمت مرکزی زاگرس Zagros قسمتی برآمده وجود دارد که به سوی غرب و در بین النهرین پیش می‌رود. این قسمت لرستان کنونی بوده که در حدود هزاره دوم پیش از میلاد ساکنان آن‌جا، یعنی

کاسیان بابل را فتح کرده و مدت پنج قرن در آن‌جا حکمروایی داشتند.

دسته‌ها و گروه‌های کوچک آریایی، با جذب بومیان اولیه کم کم مراکزی پر جمعیت با قدرت مرکزی به وجود آوردند. هریک از این مراکز که به وسیله گرد آمدن عده‌ای از گروه‌های پراکنده تشکیل شده بود، به وسیله شاهی اداره می‌شد. (1)

قربانی و اهدای آن به خدایان چون جمله مذاهب باستان در آیین ودایی نیز انعکاس دارد.
همچون ایرانیان آریایی گاه اسب را به عنوان قربانی برای خدایان نذر می‌کرده‌اند. در مورد اجرای مراسم و آداب قربانی به وسواسی بسیار قایل بودند، هرگاه مراسم درست، صحیح و مطابق با خواست خدایان انجام می‌شد، تقاضا و درخواست صاحب قربانی اجابت می‌شد، و اگر نه پاداشی وجود نداشت. مجری این رسوم کاهنان بودند که در سرودهای «ریگ ودا» عمل قربانی برای جلب توجه‌خدایان اهمیت شایان دارد.
در وداها خدایان موجودات مهربان و خیرخواهی‌اند که در میان مردم آمد و شد می‌کنند و از بشر والاتر و قوی‌ترند و به مناسبت عظمت و نیرومندی سزاوار ستایش و احترام می‌باشند. علاقه به نذر و قربانی دارند، به همین سبب قربانی و نذور برجسته‌ترین مشخصات مذهب ودایی است. در این قربانی‌ها حیوانات ذبح و تقدیم و یا مواد خوراکی و غیر حیوانی نذر و اهدا می‌شود. در مراسم قربانی، نذور و تقدیمی‌ها و نیازها با ترانه‌ها و خواندن آیات بید، مقدس می‌گردد. خدایانی که خوانده می‌شوند در محل قربانی حضور می‌یابند.
آگنی واسطه انتقال قربانی به خدایان دیگر است. آب و باد نیز گاهی وسیله انتقال قربانی می‌باشند. عمل قربانی و اهدای نذور خدایان را وامی دارد که خورشید را طالع نمایند و باران را به زمین برسانند، و دانه‌ها را برویانند و به ثمر برسانند و حیوانات را

1- همان.

از گزند محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند. قربانی و نذر و نیاز قدرت کامله خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای بزرگ افزایش می‌دهد، و از تجاوز افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری می‌کند. (1)

در این‌جا به عنوان نمونه به موضوع نذر در سرود پیدایی جهان در ریگ ودا می‌پردازیم:
1. در آغاز «هرن گربهه» بود، چون به وجود آمد یگانه خداوند آفرینش بود. او زمین و آسمان را نگاه می‌داشت. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
2. بخشنده روح و دهنده نیرو است، و فرمان او را(حتی خدایان دیگر) بجا می‌آورند. خداوند مرگ است، و سایه او ابدیّت است. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
3.(به او) که به بزرگی خویش یگانه پادشاه جهان نفس کشنده و بیننده است. و بر مجموع دوپایان و چهارپایان حکم می‌راند. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
4. آن که به عظمت او این کوه‌های پوشیده از برف موجود است. آن‌که مردم او را مالک دریاها و رودخانه‌ها می‌دانند. آن که این قسمت‌های فضا از اوست، و آن که بازوان به او تعلق دارد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
5. آن که به او آسمان محکم و زمین پابرجاست، و آن که به آسمان‌ها و کره آفتاب ثابت‌اند، و آن که اندازه آب در افلاک است. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
6. آن که آسمان و زمین به حمایت او به وجود آمدند، و به روشنی درخشان است.
با فکر خود او را می‌نگرد، و خورشید طالع در او می‌درخشد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟

1- همان، ص 101- 104.

7. هنگامی که آب‌های بی‌پهنا جهان را که شامل جرئومه بود فراگرفت، و آگنی را به وجود آورد، و در آن زمان تنها نفس خدایان پیدا شد. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
8. آن که به قدرت خویش آب‌ها را در اطراف نگاه داشت، و شامل نیروی خلاقه بود، و قربانی را به وجود آورد. آن که در میان خدایان بالاترین خدای یکتا بود. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
9. او که پدر زمین‌است، و بی‌اشتباه جهان بر او متکی است، و آسمان را به وجود آورده و آب‌های بی‌پهنا و ژرف و دل‌انگیز را آفریده است، باشد که او ما را گزندی نرساند. پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نماییم؟
10. هیچ‌کس جز تو ای «پر جاپتی» وجود را به همه این موجودات نداده است.
باشد که حاجات ما که به منظور آنها برای تو قربانی می‌کنیم، روا گردد.
باشد که صاحب ثروت شویم (1). (2)

پس از این دوران بود که زرتشت به عنوان پیامبر الهی ظهور نمود و علیه کاهنان و خدایان متعدد آنان قیام کرد و گفت: خداوندِ تمام جهانیان یکی است و او «اهورامزدا» خدای یکتاست که آفریدگار همه جهان می‌باشد و تنها اوست که شایسته پرستش و عبادت و نذر و نیاز می‌باشد.

الف) بخش یسنا

اوستای کنونی پنج بخش است: بخش نخست یسنا، دوم ویسپرد، سوم یشت‌ها، چهارم خرده اوستا، پنجم وندیداد. ذیلاً به قسمت‌هایی از یسنا که در آنها درمورد نذر

1- ماندلای دهم، سرود 121.

2- گزیده ریگ ودا(منبع شماره 12)، ص 6- 8.

و نیاز و نیکوکاری اشاره شد می‌پردازیم:
یسنا بیشتر جنبه تقدس دارد و حاوی سرودهای ستایش است که برای ایزدان در معنی وسیع کلمه، هر چیز نیکو و سودرسان و زندگی‌بخش سزاوار ستایش است. ایزد در اوستا یزت (1) می‌باشد، یعنی هرچیز شایسته ستایش. کاربرد پهلوی واژه یزد و یزدان به معنی شایسته ستایش و سزاواران ستایش، مفهوم ایزد یا فرشته را پیدا کرد. از لحاظ دستوری یزدان جمع یزد است در پهلوی، و در فارسی جدید عنوانی عام برای خداوند شده است.
آب پاک نیالوده، باران سودرسان زندگی‌بخش، ماه گوی چهره زیبا، خورشید تابنده برکت‌بخش، ستارگان فروغمند، آسمان، رودها، دریاها، چشمه‌ها، گیاهان سودمند، زمین گهواره‌سان برای انسان، چارپایان و دام‌های سودرسان، سال و ماه و روز، گاه‌ها وقت‌ها، شهرها و روستاها، خان و مان، بزرگان و پارسایان، فَروَشی‌ها و روانان نیک، ایزدان و امشاسپندان سی و سه گانه، دین مزدایی زرتشتی، قوانین نیک زندگی ساز، کوه‌های آسایش بخش، داد و دهش(انفاق و صدقات)، علم و دانش، نعمت و ثروت و برکت، دلیری و زورمندی، راستی و درستی و بسیاری دیگر که همه سزاوار ستایش و نیایش هستند. اهورامزدا خود خیر محض، دانش محض، نیکی محض، خرد محض، جوهر اولای زیبایی و نیکی و سودمندی است. ستایش و نیایش هر پدیده نیک و سودرسان در واقع ستایش و پرستشی است برای خود اهورامزدا و همه ایزدان جلوه‌های بی‌شمار از ذات خداوندی او به شمار می‌روند.
در مراسم دینی که بدین شکل میان زرتشتیان چندین قرن است ادامه دارد، سرودهای یسنا را دو موبد با هم تلاوت کرده و می‌خوانند. این دو موبد زوت (2) و راسپی (3) نامیده. می‌شوند. اما پیش از آن، در زمان ساسانیان و حتی سده‌های اولیه تسلط تازیان، مراسم ستایش و یسناخوانی و آداب مربوط به آن به وسیله هفت موبد انجام می‌شد. (4)

1- Yazata

2- Zut

3- Raspi

4- اوستا، سرودهای زرتشت، ص 150- 153.

در این‌جا ناچار از توضیح و شرح بسیار کوتاه برای چند اصطلاح می‌باشیم:
زور (1) در اوستا زَاثرَ (2) در پهلوی زور (3) و زوهر (4) آمده است.
امروزه زرتشتیان آن را ... «آبزور» می‌نامند و آن عبارت است از دهش و نذر آشامیدنی و مایع که برابر با مراسم و آیین انجام می‌شد و هنگام برگزاری مراسم دینی و خواندن یسنا در سفره می‌نهادند.
نوعی دیگر نذر خوراکی، مَیزدَ (5) در اوستا و میزد (6) در پهلوی است.
زَور که نذر مایع و. آشامیدنی است، می‌زد، نذر غیر مایع عبارت از نان و میوه و گوشت و غیره ... می‌باشد.
در اوستا بَرسَمن (7) و در پهلوی بَرسَم (8) عبارت است از شاخه‌های صاف و بدون گره. انار یا گز که به شماری چند آنها را دسته کرده، هنگام اجرای مراسم دینی و خواندن سرودها به دست می‌گیرند. برسم از ریشه (9) به معنی رشد کردن، بالیدن و نمو است.
شاید منظور از به دست گرفتن شاخه‌های گیاهی در مراسم دینی و ستایشی، بجای آوردن سپاس جهت نباتات و روییدنی‌ها و گیاهان باشد که موجب نعمت و برکت و پرورش و بالیدن و تغذیه انسان و چارپایان قرار می‌گیرد.
درون (10) نیز خوراکی دیگری است که در سفره چنین مراسم ستایشی نهاده می‌شود. در اوستا درَانَگه (11) درَانه (12) و در پهلوی درون (13) نام دارد و عبارت است از نان .. گرد و کوچکی که تهیه آن دارای آداب و تشریفات ویژه‌ای بوده که آن مراسم و تشریفات را «درون یشتَن» (14) می‌نامند ..
هوم در اوستا هَئُومَه (15) و در سنسکریت سومَه (16) نام گیاهی مقدس بوده است که. شیره آن را با مراسم و تشریفاتی بسیار با آب و شیر آمیخته و شربت آن را

Zavr. -1

Zaothra. -2

Zavr. -3

Zohr. -4

پراهوم (1) می‌خواندند و در مراسم دینی، مؤمنان هر یک جرعه‌ای می‌نوشیدند ..
هنگام انجام مراسم سرود خواندن و اجرای تشریفات و ستایش اهورامزدا، گیاهان خوشبو و چوب‌های ویژه در آتشدان نهاده می‌شد. کلمه «هاونی» نیز معنی بامداد را می‌دهد و هاون گاه یعنی بامدادان. واژه رتو (2) / رد یعنی سرور، جمع آن ردان می‌شود سروران، مثلاً رد خانواده، یعنی سرور خانواده. همچنین رد معنی روحانی و موبد را هم می‌دهد. (3)

واژه‌هایی که در اوستا به مفهوم نذر، بخشیدن و وقف است

دا

دا (4).

دا در فرس هخامنشی مصدر است به معنی دادن، بخشیدن، بخشودن، ارزانی داشتن، ساختن، آفریدن، نهادن، گماشتن و فرونهادن، که در پهلوی داتن و در فارسی دادن شده است. دا گاهی به معنی نگهداری و پرستاری کردن، و نیز در راه خدا بخشودن هم آمده است. دا به عنوان صفت به معنی داده شده یا دهنده و بخشنده نیز دیده می‌شود.

از همین بنیاد است داترز، در پهلوی داتارو در فارسی دادار که به معنی بخشنده یا بخشایشگر و آفریدگار است. در برخی از جاها نیز به معنی اندیشیدن و شناختن آمده است. به طور کلی منظور نذر و وقف کردن و در راه خداوند انفاق کردن است. (5)

مثال:

یسنا هات 4:

بند 1. این پندارهای نیک و گفتارهای نیک و کردارهای نیک، این هوم‌ها و میزدها و زورها و به رسم از روی راستی گسترده شده و گوشت خوشی دهنده، رسایی

1- Prahum

2- Ratu

3- همان، ص 157 و 158.

4- Da

5- دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، ص 296.

(خرداد) و بیمرگی(امرداد) و شیر خوشی‌دهنده و هوم و پراهوم، هیزم و بوی را، این بهره از زندگی(دیگر سرا) و پاکی و نماز ردپسندردان و سرود گات‌ها و فرمان ایزدی نیک بجای آورده شده(همه اینها را) تقدیم می‌کنیم و نذر می‌کنیم.

بند 2. افعالی که به پیشکش(تقدیم کردن و نذر کردن) ترجمه شده، اولی از مصدر دا (1) که به معنی دادن و بخشیدن می‌باشد مشتق است(و مربوط است به واژه دَدِمَ هی) که مصدر به پئیری (2) به معنی پیشکش نمودن و تقدیم کردن و در راه خدا بخشودن است ..

دومین فعل وَیدیم هی، از مصدر وَئِذ (3) می‌باشد که در این‌جا مصدر به «آ» که پیشوند است شده و به معنی نذر کردن و وقف نمودن و در راه خدا انفاق کردن است.

(ترجمه استاد پور داوود).

در بند 1 می‌بینیم برخی نام‌ها و فروزه‌ها را یاد می‌کند و در پایان می‌گوید: همه اینها را می‌دهیم و می‌بخشیم و پیشکش و نذر می‌کنیم. از این گفته‌ها چنین برمی‌آید سخنان این بخش را درباره نذر و نیاز کردن و به درگاه خدایا به جهان زندگی پیشکش نمودن و ارمغان فرستادن است. آنچه که در این بند یاد شده و از سوی سراینده یسنا پیشکش و نذر می‌شود بر دو گونه است: یکی از راه‌اندیشه و گفتار و کردار و برتری و بزرگی و برخی فروزه‌های دیگر مینوی است. جور دیگر از آنها چیزهایی است که می‌توان آنها را به دیگران داد و بخشید و انفاق کرد. مانند خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و هوم و پراهوم و به جز آنها.

این هر دو جور نذر و نیاز کردن و بخشش و پیشکش و انفاق نمودن، بسیار بجا و درست است و هردو پسندیده و شایسته می‌باشند. نذر و نیاز و پیشکش و انفاق، تنها این نیست که آدم چیزی به دیگران بدهد، بلکه روی هم رفته نتیجه سودمند از خود نشان دادن و یادگارهای خوب بجا گذاشتن(الباقیات الصالحات) است. این نتیجه‌ها

1- Da

2- Pairi

3- Vaedh

و سودها و یادگارها می‌تواند از راه اندیشه و گفتار و کردار نیک و اعمال صالح و کارهای خیر و راهنمایی‌های مینوی و کار و کوشش برای آبادی جهان و آسایش مردم آن و یا از راه داد و دهش و انفاق و خیرات و مبرّات باشد. ساختن و وقف نمودن یک مدرسه، یک بیمارستان و یا یک درمانگاه، یک پل و ... و آن را برای استفاده عموم به خداوند متعال نذر و پیشکش و تقدیم نمودن، از مصادیق همین کارهای نیکی است که در این بند به آن اشاره شده است.
تمام انبیا و اولیا و صلحا و شهدا که جانشان و عمرشان را برای خدمت به خلق خدا و در جهت ارشاد و هدایت جامعه بشری مصروف داشته‌اند، معلمینی که عمر خود را وقف آموزش و پرورش فرزندان مردم می‌کنند، دانشمندانی که تمام لحظات زندگیشان را صرف پیشرفت علم و دانش برای خدمت به بشریت می‌کنند و مثلاً نتیجه تحقیقاتشان باعث نجات جان میلیون‌ها انسان می‌گردد و عالمی که با نوشتن کتاب‌های آموزنده و ارزنده روح و روان جوانان را به سوی تکامل و انسان شدن اعتلا می‌دهد و بالأخره تمام کسانی که در هر شغلی با انجام وظایف خود، به نوعی خیرشان به جامعه می‌رسد و در گمنامی مطلق با ایثار و فداکاری ثمره کارشان خیر و صلاح جامعه و به خصوص خدمت به محرومین می‌باشد، در واقع همه زندگی خود را وقف و عمرشان را برای خدمت به مردم به درگاه خداوند متعال نذر و تقدیم داشته‌اند.
بند 2 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به اهورامزدا و به سروش پاک و امشاسپندان و به فروهرهای پاکدینان و به روان‌های پاکدینان و به آذر اهورامزدا و به روان بزرگوار و به سراسر آفرینش پاک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 3 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: این پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک، این هوم‌ها و میزدها و زورها و برسم از روی راستی گسترده شده و جاندار نیک، خرداد و امرداد و شیر خوب و هوم و پراهوم و هیزم و بوی را، این بهره زندگی(دیگر سرا) و پاکی و نماز ردپسندردان و سرود گات‌ها و فرمان(ایزدی) نیک به جای آورده شده

(همه اینها را) تقدیم می‌کنیم و نذر می‌دهیم.
بند 4 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به امشاسپندان، شهریاران نیک خوب کنش(حاکم عادل و نیکوکار) جاودان زنده، جاودان سوددهنده که در منش نیک بَسربرند و زن‌های آنان نیز.(همچنین زنان نیک اندیش.)
بند 5 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: از برای افزایش این خان و مان، و از برای فزونی این خان و مان از رمه‌ها و مردان پاک زاییده شده و آنانی که زاییده خواهند شد که از آن(خانه) هستند.
بند 6 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فروهرهای نیک‌پاکان که نیرومندان و پیروزگران و یاور پاکانند.
بند 7 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به دادار اهورامزدای رایومند فرهمند، نیروی مینوی، به امشاسپندان ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 8 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به(فرشتگان) گاه‌ها، ردان پاکی، به هاوی پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به ساونگهی(ایزد نگهبان چارپایان) و ویسنه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 9 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به رپیتون پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فرادت فشووزنتوم پاک و ردپاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به اردیبهشت و به آذر اهورامزدا ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 10 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به ازیرین پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی وآفرین.

اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فرادت ویر دخیوم پاک و رد پاکی ستایش ونیایش وخشنودی وآفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به سرور بزرگوار نپات اپم و آب‌های مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 11 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به اویسر و تربم ائیبی گیته پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فرادت و یسپم هوجیایی و به زرتشت پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فروهرهای پاکدینان و به زنان با گروه فرزندان و به یائیریه هوشتی و به امَ خوب ساخته شده خوب رَسته(خوب بالا) و به بهرام اهورا داده و به اوپرتات شکست دهنده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 12 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به اشهین(سپیده‌دم) پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به برجیه و نمانیه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به سروش مقدس پاداش‌دهنده پیروزگر جهان‌افزا، به رشن راست‌ترین، و به ارشتاد جهان‌افزا و بالنده(پرورانده) جهان.
بند 13 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به(فرشتگان) ماه، ردان پاکی به اندرماه پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به پُرماه و ویشپتت پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی وآفرین.
بند 14 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به(فرشتگان) گهنبارها، ردان پاکی به میدیوزرم پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به پتیه شهیم پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به ایاسرم پاک و رد پاکی(هنگامی که گله) فرودآینده و گوسفند نر رهاشده، ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به میدریام پاک و رد پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به همسپتم پاک و ردپاکی ستایش ونیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به(فرشتگان) سال، ردان پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 15 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به همه این که سی‌وسه ردان پاکی هستند نزدیک پیرامون هاونی، آنان از بهترین اشا(راستی و پاکی) هستند که مزدا آموخته، زرتشت گفته، ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 16 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به اهورا و مهر، بزرگواران آسیب‌نیابندگان پاکان و به ستارگان آفریدگان خرد مقدس(سپند مینو) و به ستاره تشتر رایومند و خرهمند و به ماه در بردارنده تخمه گاو(چارپایان) و به خورشید تیز اسب، دید، اهورامزدا، به مهر دهخدای(شهریار) ممالک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم:(روز) به هرمزد(روز) را یومند و خرهمند ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم:(ماه) به فروهرهای(فروردین ماه) پاکدینان ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
بند 17 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به آب‌های نیک و به همه آب‌های مزدا داره و به همه گیاه‌های مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

ص: 225

بند 18 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به ماراسپندپاک کارگر(ورزیده) به قانون ضدّ دیوها، به قانون زرتشتی، به سنّت کهن، به دین نیک مزدیسنا ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 19 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به کوه اوشیدرنَ مزدا داده و رفاهیت راستی بخشنده و به همه کوه‌های رفاهیت راستی بخشنده و بسیار رفاهیت بخشنده مزدا داده، به فرّ کیانی مزدا داده فرّ به دست نیامدنی مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به ارت نیک، به چیستی(علم) نیک، به رسستات نیک، به فرّ و سود مزدا داده ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 20 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به آفرین نیک پارسا و به خود(پارسا)، بن مرد پاکدین و به داموئیش اوپَمنَ ایزد چیر دلیر ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 21 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به این جاها و روستاها و چراخورها و میهن‌ها و آبخورها و آب‌ها و زمین‌ها و گیاه‌ها(رستنی‌ها) و این زمین و آن آسمان و باد پاک، به ستاره و ماه و خُروانیران جاودانی و به همه آفریدگان خرد مقدس(سپند مینو)، و به همه مقدسین و مقدسات که روان پاکی(تقدس) اند ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 22 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به رد بزرگوار پاکی، به ردان روز و گاه‌ها و ماه گهنبارها و سال که ردان پاکی هستند و در وقت هاونی(بامداد) ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 23 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم:(رسپی) به خشنودی سروش مقدس دلیر تن فرمان قوی سلاح اهورایی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به خشنودی فروهر زرتشت سپنتمان پاک ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.

بند 24 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به فروهرهای چیر پیروزگر پاکدینان، به فروهرهای نخستین آموزگاران کیش، به فروهرهای نیاکان ستایش ونیایش و خشنودی و آفرین.

بند 25 اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به همه ردان پاکی ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین.
اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم: به همه نیکی دهندگان ایزدان مینوی و جهانی که به ستایش و نیایش(برازنده) هستند، از روی بهترین راستی امشاسپندان شهریاران خوب کنش را ما می‌ستاییم.
بند 26 «ینگهه هاتم» مزدااهورا آگاه است از آن کسی که(چه مرد و چه زن) در میان موجودات ستایش بهتر است، به حسب راستی، این چنین مرد و این چنین مرد و این چنین زنان را ما می‌ستاییم. (1) همچنین در بخش ویسپرد و بخش یشت‌ها(هرمز یشت، بهرام یشت، زامیاد یشت، هوم یشت) نیز مطالب فراوانی در مورد نذر و نیاز می‌باشد که به علت محدودیت مقاله از ذکر آنها خودداری می‌شود.

الف. دوره هخامنشیان: در این دوره از چهار نوع اراضی مزروعی و کشاورزی از نظر نوع مالکیت، یک دسته از آنها مربوط به اراضی موقوفه می‌باشد که درآمد آنها نذر شده بوده که به مصرف هزینه‌های پرستشگاه‌ها و آتشکده‌ها و روحانیون و مغ‌ها و موبدان می‌رسیده است. (2) م. م دیاکونوف می‌نویسد: «قسمتی از اراضی به معابد(پرستشگاه‌ها و آتشکده‌ها) و شهرها نیز اختصاص داشت». (3) معابد و آتشکده‌ها در دوره هخامنشی دارای نذورات و املاک موقوفه فراوانی بوده‌اند که درآمد آنها صرف هزینه‌ها و امور معابد و روحانیون و موبدان می‌گشته است و این درآمدها علاوه بر

1- تفسیر و تألیف یسنا(جلداول) جزئی از نامه مینوی اوستا، ص 138-144.

2- تاریخ اقتصادی زندگی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، ص 233 و 234.(به نقل از: تاریخ ایران باستان، کتاب ششم، قطع جیبی، ص 1500. و ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، ص 29.)

3- ایران از آغاز تا اسلام، ص 175.

نذورات جنسی و نقدی بوده که به معابد اهدا می‌گردیده است.
ب. دوره سلوکیان: در این دوره همه زمین‌ها به حکم فتوحات متعلق به شاه بود.
معابد نیز دارای زمین‌هایی بودند و هرچند ما اطلاعی از املاک آنها در ایران نداریم، از پیش باید قبول کنیم که معابد مهمی مانند معابد هگمتانه(همدان)، کنگاور یا نهاوند، می‌بایست دارای متصرفاتی بزرگ یا دهکده‌هایی باشند، این معابد ثروت‌های بسیار داشتند و دارای موقوفات و نذورات زیادی بودند. (1) ج. دوره پارتیان یا اشکانیان: استرابون نوشته که روحانیون این زمان را محافظین آتشکده می‌گفتند و این عبارت ترجمه آثروان است که به فارسی امروزی آتشبان می‌شود. (2) از عمده‌ترین زمین‌ها، املاک خالصه و وقفی بود. پرستشگاه‌ها همچون دوران هخامنشیان بر املاک وسیع با روستاهای فراوان و سرف‌های بی‌شمار تسلط داشته و فرمانروایی می‌کردند و سلوکیان و اشکانیان قلمرو آنان را محترم می‌شمردند. این زمین‌ها یا از طرف پادشاه و یا به وسیله بزرگان در هرجا به منظور جلب رؤسای موبدان به پرستشگاه‌ها اعطا می‌شد، نذر و وقف آنها می‌گردید.
د. دوره ساسانیان: پروفسور آرتور کریستین سن در مورد دین این دوره می‌نویسد: «مغان در اصل قبایل ماد یا طبقه‌ای از قوم مذکور بودند که ریاست روحانی دین مزدینی(غیر زرتشتی) به آنان تعلق داشته است. آن‌گاه که شریعت زرتشت بر نواحی غرب و جنوب ایران، یعنی ماد و پارس مستولی شد و دین باستانی را اصلاح کرد، مغان رییس دیانت جدید شدند. در کتاب اوستا نام طبقه روحانی را به همان عنوان قدیمی که داشته‌اند، یعنی آثروان می‌بینیم، اما در عهد اشکانیان و ساسانیان، معمولاً این طایفه را مغان می‌خوانده‌اند و افراد این طایفه خود را از یک‌ریشه می‌دانستند. امین مارسان می‌گوید: در این عهد اهل ایران مغان را از یک قبیله

1- همان، ص 265 و 266.

2- تاریخ ایران، ص 173 و 174.

می‌شناختند که تکلیفشان اجرای اعمال دینی است. (1) رییس همه موبدان که منزلت پاپ زرتشتیان را داشت، موبدان موبد بود. اولین دفعه که ما نام چنین صاحب مقامی را می‌شنویم، آن‌جایی است که اردشیر شخصی را که ظاهراً ماهداد نام داشته، به مقام موبدان موبدی نصب کرده است. شاید این مقام پیش از اردشیر هم بوده است، لکن اهمیت آن را از وقتی بالا گرفت که دین مزدیسنی در ایران صورت رسمی یافت.

نذر و نیاز و تشریفات مذهبی که مستلزم اطلاع و تجربه مخصوص بود در معابد(آتشکده‌ها) به وسیله هیربدان اجرا می‌شد. هیربد همان است که در اوستا ائراپائیتی (2) خوانده شده است. خوارزمی معنی لفظ هیربد را «خادم آتش» گفته است. طبری حکایت می‌کند که خسرو دوم آتشکده‌هایی بنا کرد(وقف نمود) و دوازده هزار هیربد برای «زمزمه» ادعیه و سرودن اغانی در آن آتشکده‌ها برگماشت. (3) همان طور که قبلاً اشاره شد اداره امور معابد و آتشکده‌ها در مناطق مختلف کشور، علاوه بر نذورات و هدایای مردم احتیاج به تأمین هزینه‌های مربوط داشته و می‌بایست منابع مالی تأمین این مخارج و هزینه‌ها مشخص باشد. لذا از طرف پادشاهان و حکام و بزرگان، چه برای رضای خدا به عنوان انجام یک وظیفه دینی و مذهبی و چه برای جلب نظر و حمایت موبدان زرتشتی و توده مردم و تثبیت موقعیت و مقام خود، املاک فراوانی را وقف و نذر بر معابد و پرستشگاه‌ها و آتشکده‌ها کرده و معمولاً تولیت آنها را به یکی از روحانیون و موبدان برجسته واگذار می‌کردند.

به طور مثال می‌توان به متن کتیبه کعبه زرتشت واقع در نقش رستم در چند

1- ایران در زمان ساسانیان، ص 70.

2- Aeura Paiti

3- همان، ص 74.

کیلومتری تخت جمشید اشاره کرد که در آن کریتر که از روحانیون برجسته و متنفذ دربار ساسانیان بود می‌گوید: «تمام این چندین آتش‌های وقفی و خدماتی که در این کتیبه ذکر گردیده(منظور کتیبه شاپور) حتی بیش از اینها بوده، مخصوصاً توسط شاپور شاهنشاه(با فرمان مربوطه) به این‌جانب واگذار گردیده. متن فرمان شاپور چنین است: و این خانه بنیادی تعلق به شما خواهد داشت و به بهترین وجهی که صلاح می‌دانید عمل کنید که موجب رضای خاطر خدا و خاطر ما باشد». (1) گذشته از پولی که معابد(آتشکده‌ها) از خزانه مرکزی می‌گرفته‌اند و خوارزمی حساب آنها را آتش هماره دبیر به معنای حسابدار آتشکده یاد کرده است. خراج برخی دیه‌ها وقف برخی از معابد(آتشکده‌ها) بوده است که موبدان درآمد آن دیه‌ها را خود می‌گرفته و خرج می‌کرده‌اند. (2) به طور کلی می‌توان گفت: در زمان ساسانیان دیوان موقوفات بر اموال وقفی نظارت داشته است. (3) اما صدقات و اوقاف و نذر و نیازهایی که از طرف طبقات مختلف به آتشگاه‌ها هدیه می‌شد، احتیاج به دفاتر و اسناد(ثبت اسناد و املاک موقوفه و تنظیم وقفنامه‌ها) داشت و به سازمان‌های منظم روحانی. طبقه روحانی مخصوصاً در اواخر دوره ساسانی که اوج قدرت خود را در اتحاد بین دین و دولت به دست آورد، مشتمل بود بر دو دسته موبدان و هیربدان که البته دسته نخست به علت ارتباط مستمر با حکومت و عامه، بر دسته اخیر که کارش بیشتر جنبه علمی و تربیتی داشت مقدم شمرده می‌شد. (4) ریچارد. ن. فرای نیز در کتاب میراث باستانی ایران می‌نویسد: «چنین می‌نماید که واگذاری یک آتشکده کاری بس پر ثواب بوده، همچنان که در میان پارسیان امروزی

1- گزارش‌های باستان‌شناسی، ج 4، ص 186- 194.

2- ایران از آغاز تا اسلام، ص 411 و 412.

3- تاریخ اجتماعی ایران، ج 5، ص 51 و 440.

4- تاریخ مردم ایران، ص 490.

نیز چنین است. بسیاری از این آتشکده‌ها به نام نذرکننده و وقف‌کننده خویش نامگذاری شده بودند. شک نیست که زمین‌های فراوان و خواسته‌ها و ثروت‌های بی‌کران نذر و وقف آتشکده‌ها می‌شد ...». (1) قبل از این که در مورد چگونگی اداره امور موقوفات و تشکیلات دیوان اوقاف در دوره ساسانیان بحث کنیم، خلاصه‌ای از وضعیت طبقاتی و دیوانی و سازمان‌های اداری این دوره را بیان می‌نماییم. اهمیتی که دیوان و کارکنان آن- دبیران- در حفظ و ایجاد تمرکز و وحدت داشتند، از نقشی که دیوان بعدها در دوران عباسیان در اداره امور پیدا کرد، به خوبی برمی‌آید.

عنوان پاره‌ای از صاحب منصبان اداری این عصر که در روایات اسلامی هست و البته در طی اصلاحات اداری وظایف آنها نیز مکرر عرصه تحول شده است، به هر حال تصوری از تنوع و وسعت وظایف اداری آنها را به دست می‌دهد. این عنوان‌ها از جمله شامل مشاغل؛ شهر آمار دبیر، کذک آمار دبیر، گنج آمار دبیر، داد آمار دبیر، آخور آمار دبیر، آتش آمار دبیر، روانگان دبیر؛ می‌شد که از این جمله دو عنوان اخیر شامل شغل متصدی آتشگاه‌ها و امور خیریه، و دو عنوان نخست شامل مسئول درآمدهای دولتی و سلطنتی بود. (2) مشخص است که اداره امور نذورات و موقوفات آتشگاه‌ها و نظارت بر درآمد اراضی موقوفه مربوطه و هزینه آنها با متصدی آتشگاه‌ها بوده است.

در واقع می‌توان شغل مذکور را به وزیر اوقاف یا رییس سازمان اوقاف در دوران معاصر مشابه دانست.

کریستین سن هم از قول خوارزمی، دبیران دولتی را چنین می‌شمارد: «داد دیبهر(دبیر عدلیه)، شهر آمار دیبهر(دبیر عواید دولت شاهنشاهی)، کذک آمار دیبهر(دبیر عایدات دربار سلطنتی)، کنز آمار دیبهر(دبیر خزانه)، آخور آمار دیبهر(دبیر اسطبل شاهی)، آتش آمار دیبهر(دبیر عایدات آتشکده‌ها، درآمد نذورات و موقوفات

1- میراث باستانی ایران، ص 379.

2- تاریخ مردم ایران، ص 502 و 503.

مربوطه)، روانگان دیبهر(دبیر امور خیریه). یک نفر دبیر امور عرب نیز در دربار شاهنشاه ایران بود که سمت مترجمی هم داشت و مزد و حقوق او را عرب حیره به جنس می‌پرداختند.

غالباً طبری کلمات وزیران و دبیران را چنان به کار می‌برد که گویی دو دسته از بزرگان هستند که قائم مقام یکدیگر می‌شده‌اند. برای مثال این عبارت طبری را ذکر می‌کنیم که گویی گاهی همه وزیران و دبیران هنگام جلوس شاهنشاه جدید تغییر و تبدیل می‌یافته‌اند. (1) اشخاصی که همواره جزء این طبقه به حساب می‌آمده‌اند از این قرارند: وزرگ فرماذار، موبذان موبذ، اران سپاهبذ، اران دیبهربذ، و استرپوش بذ. در بعضی ادوار هیربذان هیربذ(رییس کل آتشکده‌ها، تقریباً مشابه رئیس کل سازمان اوقاف) نیز عضو هیأت وزرا بوده و گاهی استبذ(رییس تشریفات) هم در زمره آنان قرار می‌گرفته است. (2) طبقه دبیران شامل اصنافی مانند محاسبان، نویسندگان محاکم و قراردادها، مورخان، پزشکان، شعرا و منجمان می‌شد.

خوارزمی در مفاتیح العلوم، هفت نوع خط فارسی برشمرده است که هر کدام را کمینه باید معرف یک دیوان دانست؛ داد دفیره(خطی که احکام دادگستری را با آن می‌نوشتند)، شهر همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های شهری بوده است)، کده همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های کشوری بوده است)، گنج همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های خزانه بوده است)، اهر(آخور) هماره دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های اصطبل بوده است)، آتش همار دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های آتش و نذورات مربوطه بوده است)، روانگان دفیره(خطی که برای نوشتن حساب‌های اوقاف و امور خیریه بوده است). (3)

1- ایران در زمان ساسانیان، ص 84.

2- همان، ص 84 و 85.

3- تاریخ مدارس ایران، ص 27.

همچنین پطروشفسکی نیز در کتاب خود از دیوان موقوفات در زمان ساسانیان نام می‌برد که وظیفه آن نظارت بر نذورات واموال وقفی بوده است. (1) با توجه به مواردی که از کتب مختلف به عنوان نمونه ذکر شد، ملاحظه می‌گردد که تشکیلات اداری سازمان اوقاف و امور خیریه در ایرانِ زمان ساسانی بسیار گسترده و حایز اهمیت بوده است، زیرا همان‌طور که اشاره شد، اولاً، از هفت دیوان دولتی، تصدی دو دیوان آن یعنی آتش آمار دبیر و روانگان دبیر مربوط به تشکیلات دیوانی نحوه اداره معابد و آتشکده‌ها و چگونگی درآمد و هزینه نذورات و موقوفات و همچنین امور دینی و خیریه بوده است. ثانیاً، از هفت نوع خط فارسی که در این دوره نام برده‌اند، دو نوع خط آن مربوط به حساب‌های آتشکده‌ها و معابد و نذورات و موقوفات بوده است. ثالثاً، علاوه بر این که دو نفر از دبیران دیوان‌های دولتی مربوط به امور اوقاف و نذورات آتشکده‌ها بوده‌اند. گاهی نیز متصدی شغل رییس کل آتشکده‌ها که در واقع رییس کل اوقاف معابد و آتشکده‌ها نیز بوده و مسئولیت اداره امور اراضی موقوفه متعلق به معابد و آتشکده‌ها و نذورات آنها و سایر امور مربوطه با او بوده(یعنی هیربدان هیربد) عضو هیأت وزرا نیز بوده است و این موارد ناشی از اهمیت و موقعیت ویژه تشکیلات اوقاف در این دوران می‌باشد.

از طرف دیگر همان‌طور که ملاحظه شد در دین زرتشت نیز با توجه به نمونه‌هایی که از کتاب مقدس اوستا به آنها اشاره گردید، به موضوع نذر و نیاز، چه برای اهورامزدا(خدای یکتا) و چه برای انجام مراسم مذهبی در آتشکده‌ها و اهدا به آن‌جا و یا پیشکش نمودن به همنوعان پرداخته شده است. وجود اعتقاد و انجام نذر و زیارت در مورد سایر ادیان الهی مثل مسیحیت و یهود نیز صدق می‌کند که خود مقاله‌ای مستقل را طلب می‌نماید.

1- گزارش‌های باستان‌شناسی، ج 4، ص 352- 357.

ص: 233

فهرست منابع

1. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین.
2. ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن آرتور، ترجمه رشید یاسمی.
3. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی.
4. تاریخ اقتصادی زندگی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، غلامرضا انصافپور.
5. تاریخ ایران، حسن پیرنیا و عباس اقبال.
6. تاریخ ایران باستان، کتاب ششم، قطع جیبی.
7. تاریخ مدارس ایران، حسین سلطانزاده.
8. تاریخ مردم ایران،.
9. ترجمه و تفسیر گات‌ها سرودهای زرتشت، موبد فیروزآذرگشسب.
10. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمّد حسین طباطبایی، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی.
11. ترجمه گزیده ریگ ودا، قدیمی‌ترین سرودهای آریایی هند، دکتر سید محمدرضا جلالی نایینی(با پیشگفتار دکتر تاراچند مورخ و فیلسوف بزرگ هند).
12. تفسیر و تألیف یسنا(جلد اول) جزئی از نامه مینوی اوستا، پورداوود، انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران، بمبئی از نفقه یشوتن مارکز.
13. جغرافیای تاریخی ایران باستان، محمدجواد مشکور.
14. دانشنامه مزدیسنا، دکتر جهانگیر اوشیدری، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت، شرکت نشر مرکز، چاپ اول، 1376.
15. دین قدیم ایرانی، هاشم رضی، مؤسسه انتشارات آسیا، 1343.
16. زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟، دکتر حکمت اللّه ملاصالحی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره 52، 1384.
17. سرودهای زرتشت، اوستا، هاشم رضی، فروهر، 1363.

ص: 234
18. فرهنگ نام‌های اوستا، کتاب ا و ب، هاشم رضی.
19. گاهنبار در ایران باستان، سیدحسین امیدیانی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره 3، 1372.
20. گزارش‌های باستان‌شناسی، جلد چهارم، حفاری و خاکبرداری و تعمیرات پاسارگاد و تخت جمشید از سال 1331 تا 1338، علی سامی.
21. میراث باستانی ایران، ریچارد. ن فرای، ترجمه مسعود رجب‌نیا.
22. نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان، برهان ابن یوسف، فروهر.

7. استفاده ابزاری از زیارت در مکه و مدینه

اشاره

محمدمهدی رادمند (1)

چکیده

زیارت قبور صالحین، در بین مسلمانان در دو گروه متفاوت شکل گرفته است که عبارتند از گروه اول، شیعیان که ضمن تأکید بر امکان گفت‌وگو با ارواح پاک آنها، امکان شفاعت‌طلبی و دعای خیرخواهی از آنان را نیز میسر می‌دانند، گروه دوم، اهل سنت که فقط قبور را وسیله تذکر مرگ و یادآوری و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان دانسته و هرگونه شفاعت‌طلبی و گفت‌وگو با اموات و ارواح آنها را عملی عبث و مظهر شرک و حرام می‌پندارند. ضمن تأکید بر خطا بودن برخی از سوء استفاده‌های ناآگاهان و غلوکنندگان شیعه که متأسفانه باعث هجمه به فرهنگ شیعی شده است، به دلیل تأکیدی که برادران اهل سنت در دو شهر مکه و مدینه بر این مهم دارند و در واقع با استفاده ابزاری از تسلط خود بر این اماکن مقدس، از زوار نیز استفاده ابزاری نموده و با نشر جزوات و تبلیغ نزد قبور ائمه بقیع علیهم السلام، اقدام به تبلیغات فرقه‌ای می‌کنند، این نوشتار با هدف بررسی انحرافات در این زمینه به رشته تحریر درآمده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، استفاده ابزاری، اهل سنت، وهابیت، بدعت.

مقدّمه

مقوله زیارت از دیرباز در مفاهیم و گفتمان دینی بشر دارای جایگاه خاصی بوده است. با عنایت به ابهامات فراوانی که فرا روی بشر قرار داشته است و با توجه به

1- کارشناس ارشد مدیریت.

ماهیت مفاهیم دینی که به صورت اجتناب ناپذیری با مقوله زیارت در ارتباط می‌باشد، این مقوله حایز اهمیت دو چندان بوده است.
زیارت که همان دیدار و ملاقات آگاهانه است، در خصوص انسان‌های مقدس و صالحین در دو گروه قابل تقسیم است: زیارت در زمان حیات شخص مقدس، زیارت پس از رحلت یا شهادت شخص مقدس.
در خصوص زیارت صالحین در زمان حیات، طبق روایتی که نقل شده است، امام رضا علیه السلام به محول سیستانی فرمود: من را خوب زیارت کن، من از کنار قبر جدم خارج می‌شوم و در غربت از دنیا خواهم رفت و .... (1) درباره زیارت صالحین پس از رحلت آنها، طبق روایتی از حاکم نیشابوری- که خود از علمای اهل سنت می‌باشد- چنین نقل شده است: حضرت سلطان الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلواة اللّٰه و سلامه علی رسول اللّٰه و علی ائمة المعصومین و أبنائهم اجمعین فرمود: یکی از سادات و از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله(منظور امامزاده محمّدمحروق در نیشابور) در این شهر مدفون است، به زیارت ایشان رویم و نیز به روضه سلطان محمّد در تلاجرد تشریف برد و آن روضه مقدس را زیارت نمود .... (2) همچنین به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است: این تربت من است، من در این‌جا مدفون خواهم شد. بعد از این خداوند این محل را مکان ورود دوستان من خواهد گردانید. به خدا سوگند هر کس از دوستان من مرا در این مکان زیارت کند، یا به من سلام کند، البته حق تعالی مغفرت و رحمت خود را به شفاعت ما اهل بیت بر او واجب می‌گرداند. (3) البته از دیدگاه دیگری زیارت به دو گونه دیگر نیز قابل تقسیم است: زیارت اماکن

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 217؛ بحار الأنوار، ج 49، ص 117.

2- تاریخ نیشابور، ص 211.

3- وسائل الشیعة، ج 14، ص 559.

مقدس، مانند مکه و بیت المقدس؛ و زیارت قبور مقدس و مربوط به اشخاص صالح.
در این خصوص مثلاً به روایت مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: بین خانه من و منبر من باغی از باغ‌های بهشت قرار دارد، یا این‌که فرمود: یک نماز در مسجد النبی بهتر از هزار نماز در غیر آن است، به جز مسجد الحرام(روایتی که در صحیح مسلم آمده) و یا یک نماز در مسجد النبی بهتر از هزار نماز در غیر آن است و یا یک نماز در مسجد الحرام بهتر از یکصد نماز در مسجد النبی می‌باشد که از عبداللّه بن زبیر روایت شده و در مسند احمد و صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبّان نقل گردیده است، در این زمینه هزاران روایت در منابع شیعی و سنی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.
زیارت اماکن مقدس مثل زیارت مسجد الحرام یا بیت المقدس یا مسجد قبا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشتند و به طور کلی هر مکانی که مشمول آیه شریفه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّٰهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ ...» (1) می‌باشند، یعنی اماکنی که خداوند برای برپاداشتن نام و یاد خود برگزیده است. زیارت قبور صالحین در بین مسلمانان در دو گروه متفاوت شکل گرفته است که عبارتند از:
1. شیعیان که ضمن تأکید بر امکان گفت‌وگو با ارواح پاک آنها، امکان شفاعت‌طلبی و دعای خیرخواهی از آنان را هم میسر می‌دانند و حتی گاهی بی‌اعتنایی به قبور بزرگان و والدین خود را موجب عاق والدین شدن و خشم ارواح آنها می‌دانند.
2. اهل سنت که فقط قبور را وسیله تذکر مرگ و یادآوری و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان می‌دانند و هرگونه شفاعت‌طلبی و گفت‌وگو با اموات و ارواح آنها را اولاً عملی عبث و بیهوده می‌دانند و ثانیاً آن را مظهر شرک و بی‌توجهی به خداوند قلمداد می‌کنند.
ضمن تأکید بر خطا بودن برخی از سوء استفاده‌های ناآگاهان و غافلان جوامع شیعی از مقوله زیارت و حتی غلو کنندگان که متأسفانه باعث تهاجم به فرهنگ دینی

1- سوره نور، آیه 36.

و شیعی شده‌اند، به دلیل تأکیدی که برادران اهل سنت در دو شهر مدینه و مکه بر این مهم دارند و در واقع با استفاده ابزاری از تسلط خود بر این اماکن مقدس از زوار هم استفاده ابزاری می‌کنند و با نشر جزوات و تبلیغ بر سر قبور ائمه بقیع علیهم السلام اقدام به تبلیغات فرقه‌ای می‌کنند، این نوشتار در این راستا نوشته شده است.
بدیهی است آسیب‌شناسی مقوله زیارت در داخل جوامع شیعی و بهره برداری‌ها و خواستگاه‌های سیاسی و حضور سیاستمداران و قدرتمندان در طول تاریخ برای بهره‌برداری ابزاری از زیارت و زوار باید در نوشتار مستقلی مورد بحث قرار گیرد.

قبل از ورود به بحث از باب منافعی که تذکر دادن برای مؤمنین در بر دارد، لازم است آفات عمومی یک زیارت را مورد اشاره قرار دهیم. اهم عناوین این آفات عبارتند از:

1. تظاهر و ریاکاری در زیارت.
2. غرور و تکبر به خاطر توفیق یافتن برای زیارت.
3. عدم ایمان به خالق هستی.
4. عدم انجام کارهای نیک و پسندیده و احساس کفایت کردن زیارت از انجام واجبات یا سایر کارهای نیک.
5. شرک به خداوند در حین زیارت.
6. توبه نکردن از گناهان در قبل و حین زیارت در پیشگاه خداوند.
7. بدون توجه و علم به زیارت پرداختن(زیارت کور کورانه).
8. عدم اسرار و پافشاری در دعاهایی که در هنگام زیارت از خداوند خواسته می‌شود.
9. بی‌توجهی به گناهانی که زایر قبلاً انجام داده است و اقرار نکردن به آنها برای طلب بخشش از خداوند.

ص: 239

10. عدم انتفاع و قطع امید از همه چیز به جز خداوند باری تعالی در هنگام زیارت و نخواندن دعاهای وارد شده در هنگام زیارت.

همان‌گونه که در تعریف زیارت مشاهده شد، بهره برداری و انتفاع از مقوله زیارت، اعم از استفاده صحیح یا استفاده ابزاری از آن در سه جنبه کلی قابل مطالعه و بررسی می‌باشد:

1. استفاده از زیارت شونده(مکان زیارتی).
2. استفاده از زایر(زیارت کننده).
3. استفاده از تجهیزات و لوازم زیارت.

در هر نوع مکان زیارتی، اعم از مبارک بودن مکان زیارتی به صورت مطلق(مثل مکه مکرمه که قرآن آن را مبارک می‌خواند) یا به علت وجود مزار یکی از اولیای خدا و بندگان صالح خداوند(مثل قبور ائمه اطهار) خود به خود دارای مزایایی هستند که البته در اسلام استفاده بهینه از آنها مورد تأکید قرار گرفته است.

مثلاً مبارک بودن کعبه فی نفسه برای همگان اثرات خاص خود را دارد. یا وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات که ایشان به تنهایی و فی نفسه مبارک است، چرا که خداوند می‌فرماید: «لَآ أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنتَ حِلُم بِهذَا الْبَلَدِ» (1)

یا در مورد حضرت عیسی علیه السلام که می‌فرماید: خداوند مرا مبارک قرار داد .... در این موارد، منافع مکان زیارتی بدون اراده بشر دارای ثمرات و برکاتی است که هر مجاوری را بهره‌مند می‌سازد.

نکته دوم در مورد زایر است که آن نیز وجود زیارت کنندگان به خودی خود دارای برکات و ثمراتی است که مورد توجه قرآن مجید هم قرار دارد. زمانی که ابراهیم علیه السلام خانواده‌اش را در کنار کعبه مستقر می‌کند در دعایی می‌فرماید: «رَّبَّنَآ إِنّی أَسْكَنتُ مِن

1- سوره بلد، آیات 1 و 2.

ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِندَ بَيْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ الصَّلَوةَ فَاجْعَلْ أَفِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِى إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَ تِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ (1)
خداوندا من فرزندانم را در سرزمین غیر قابل کشاورزی نزدیک خانه کعبه سکونت دادم تا نماز را بپا دارند، پس قلوب مردم را به آنها مهربان گردان و به آنها روزی برسان تا شکرگزار تو باشند.
ملاحظه می‌شود استفاده صحیح زایر از محل زیارت در این آیه شریفه مورد اشاره قرار گرفته است و دعا برای بهره‌مند شدن آنها از نعمت‌های الهی و داشتن ارتباط حسنه و دوستانه با مردم محل زیارتی، از جمله دعاهایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواسته است.
نکته سوم استفاده از تجهیزات و لوازم زیارت است. در مطالعه تاریخ کعبه با دو موضوع مهم مواجه می‌شویم که در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند:
1. پرده‌برداری کعبه؛ 2. آب دادن به حاجیان. علاوه بر این دو مقوله حایز اهمیت، در خصوص انجام برخی مناسک خاص- اعمال دینی ویژه- در قربانگاه، عرفات، مشعر الحرام و حتی پوشیدن لباس خاص در اماکن مقدس(لباس احرام) و ... از جمله مسایلی است که در حاشیه زیارت اماکن مقدس می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

هرگونه استفاده درست از این سه عنصر اساسی در مقوله زیارت که مطابق با قانون خدا «قرآن مجید» و شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «سنت» باشد، همانا استفاده شرعی از زیارت قلمداد می‌شود. و هرگونه استفاده نادرست از ارکان و عناصر زیارت، به گونه‌ای که موجبات ایجاد منافع خاص برای بهره‌بردار گردد را استفاده ابزاری از زیارت می‌نامند.
با این تعریف می‌توان انحراف‌های ایجاد شده در مقوله زیارت را در بین جوامع

1- سوره ابراهیم، آیه 37.

اسلامی، به ویژه در دو گروه شیعیان و اهل سنت مورد تحقیق و بررسی قرار داد.
در جوامع شیعی، به دلیل شبهاتی که سایرین ایجاد کرده‌اند و نیز به دلیل خصلت اسطوره‌سازی و اسطوره‌پرستی که در ایران باستان وجود داشته است، این اغراق‌ها مشهودتر است.

هر چند این نوشتار با هدف بررسی انحرافات در عربستان سعودی تنظیم شده است، اما به عنوان نیم نگاهی گذرا به این پدیده به صورت تیتر وار به برخی از آنها به دلیل لزوم رعایت اعتدال در کارهای پژوهشی اشاره می‌شود.

1. استفاده کردن از اماکن زیارتی به عنوان وسیله تجاری، مثل فروش قبور و غرفه‌های تجاری حاشیه اماکن با قیمت‌های گزاف.

2. استفاده کردن از اماکن زیارتی به عنوان وسیله‌ای برای جمع آوری پول و هدایا که اخیراً توسط یکی از مراجع در خصوص محراب مسجد جمکران با قاطعیت برخورد شد.

3. تأکید و تبلیغ بر برخی خواب‌های دیده شده و مبنای اعتقادی بعضی از زایران را با خواب‌ها تدوین کردن و به تدریج اصول را فراموش نمودن.

4. جلوگیری نکردن از سجده ناآگاهان در آستانه اماکن مبارکه و تعظیم برخی زایران به قبور که موجبات هتک حرمت شیعه را فراهم کرده است.

5. ترویج حالت حاجت خواهی از قبور متبرکه که آفت اتهام به شرک را در بعضی از فرق اسلامی به شیعه به همراه داشته است.

6. تکیه به زینت و زیور دادن قبور و آینه‌کاری‌های طلاگونه، به نحوی که معنویت فدای تجملات در اماکن متبرکه شده است.

7. تبلیغ و ترویج روایات ساختگی و فاقد سند معتبر درباره اماکن متبرکه و ثواب زیارت و ... که موجبات تزلزل اعتقادی عده‌ای را فراهم آورده است.

8. تشکیل گروه‌هایی از انسان‌های کاسب تحت عنوان روضه‌خوان حرم یا مداح حرم که اغلب در حد زمزمه و تحت عنوان نذر، روضه ... می‌باشد و سوق دادن مردم برای نذر پرداخت وجه به آنها در این اماکن.
9. نگاه وسیله‌ای به اماکن متبرکه با همان نگاه «هدف وسیله را توجیه می‌کند» برای جلب مردم، که البته اثرات تخریبی به همراه داشته است.
10. استناد و هدایت زایران به احادیثی که بعضاً فاقد سند معتبر در منابع اسلامی هستند و این امر موجبات سوء استفاده فرصت‌طلبان را فراهم آورده است.
11. در جوامع شیعی سوء استفاده از کتاب‌های دعا که به عنوان جزئی از زیارت مطرح هستند هم رایج است. چاپ زیارتنامه‌های خاص با رنگ‌های متنوع و اسامی گوناگون و ثبت حقوق معنوی آنها به نام اشخاص و حق نشر گرفتن‌ها و ... از جمله استفاده‌های ابزاری از زیارت می‌باشد که باید درباره اصلاح آن اقدام کرد.
مثل اقدام مثبتی که در حرم امام رضا علیه السلام انجام شد و زیارتنامه‌های متحدالشکل مستند و از طریق خود آستانه، بدون هدف مادی چاپ می‌گردد.

جايگاه سنت در زيارت

اشاره

قبل از ورود به این بحث لازم است به دو نکته اساسی توجه شود:

1. با عنایت به اقتدار گروه وهابی‌ها در عربستان سعودی، فقط رفتار و کردار آنها را در مقوله زیارت مورد مطالعه قرار می‌دهیم و سایر گروه‌های اهل سنت در این نوشتار مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.
2. هرگونه اطلاعات مورد استفاده در این بخش، از منابع اهل سنت است که خود منتشر کرده‌اند و صحت سندهای مربوطه به عهده مروجان این افکار در جامعه، به ویژه کتب منتشر شده در بین حجاج به زبان‌های مختلف می‌باشد.

با توجه به این دو مقوله لازم است دو نکته اساسی را در مباحث دو طرفه با برادران اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد.

الف) تکیه بر قرآن به عنوان محور اساسی و اصلی مشترک بین مسلمانان، اقدامی پسندیده و صحیح است و آنچه بر مبنای قرآن باشد، توسط هیچ یک از مسلمانان قابل انکار نیست. البته باید موضوع ناسخ و منسوخ بودن برخی آیات را با شفافیت مورد کنکاش قرار داد و سپس استنباط فقهی به عمل آورد.
ب) تکیه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در بین شیعه و سنی، مطلوب و مورد تأکید است. برای روشن شدن مطلب، عین نوشته علامه عبدالعزیز بن عبداللَّه بن باز در کتاب وجوب عمل به سنت رسول اللَّه و کفر کسی که آن را انکار کند، چاپ دار القاسم للنشر را نقل و بررسی می‌کنیم:

«چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم واگذار می‌کند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا این‌که حجت و ثابت نباشد!

مثال این آیه سوره نور می‌باشد که باری‌تعالی می‌فرماید: «قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تُطِيعُوهُ تهْتَدُواْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَغُ الْمُبِينُ»؛ (1)

ای رسول خدا بگو: از خدا و رسول خدا اطاعت کنید، اگر به فرمان آنها پشت کردید، و از دستورات روی گردانی نمودید، و راه نفاق را در پیش گرفتید، و فرمان پیامبر خدا را اجرا نکردید، بدانید که وظیفه پیامبر فقط تبلیغ وحی و رسالت است، و او وظیفه خود را انجام داد و رسالت خود را تبلیغ نمود، و وظیفه شما است که از او اطاعت کنید و در آن مخلص باشید، اما شما عقب‌نشینی کردید و وظیفه خود را انجام ندادید، اگر از پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمانداری می‌کردید به راه راست می‌رسیدید، وظیفه پیامبر صلی الله علیه و سلم فقط بیان واضح و آشکار است، اگر شما روی گردانی کنید وی مسئول ایمان نیاوردن شما نیست.

1- سوره نور، آیه 54.

و همچنین در همان سوره می‌فرماید: «وَ أَقِيمُواْ الصَّلَوةَ وَءَاتُواْ الزَّكَوةَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (1)
در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در إتباع و پیروی از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می‌باشد. و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا این‌که گفته شود سنت او صحیح نیست! و یا گفته شود نمی‌توان بر آن سنت اعتماد کرد!
و باری‌تعالی در سوره نور می‌فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (2)
کسانی که با أمر رسول خدا مخالفت می‌کنند باید بترسند از این‌که مبادا دچار فتنه و مصیبتی شوند، یا این‌که عذابی دردناک در دنیا یا آخرت به سبب نافرمانی به آنها برسد.
و خداوند متعال در سوره حشر می‌فرماید: «وَ مَآ ءَاتَلكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَلكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ»؛ (3)
(در این‌جا یک قاعده مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) که هر چه پیامبر به شما داد آن را بگیرید، و هر چه پیامبر شما را از آن منع کرد از آن دور شوید.
آیات در این موضوع بسیار است و همه آنها بر وجوب اطاعت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت می‌کنند، چنان‌که قبلاً دلیل وجوب إتباع کتاب خدا و تمسک به آن طاعت و أوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو اصل و اساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شدنی نیستند، هر کس یکی از آن دو را انکار کند، مانند این‌که دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به إجماع اهل علم و ایمان کفر و ضلالت و گمراهی و خروج از دایره اسلام می‌باشد.
احادیث در وجوب اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اتّباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او به طور متواتر وارد شده است؛ آن هم در حق کسی که در زمان او بوده و

1- سوره نور، آیه 56.

2- سوره نور، آیه 63.

3- سوره حشر، آیه 7.

بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.
از جمله این احادیث، حدیثی است که در صحیحین از أبی‌هریره رضی الله عنه ثابت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:
«من أطاعنی فقد أطاع اللّٰه و من عصانی فقد عصی اللّٰه»؛
کسی که از من اطاعت کند، مانند این‌که از خدا اطاعت کرده، و کسی‌که از من نافرمانی کند، مانند این‌که خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.
و در صحیح بخاری نیز از أبی هریره روایت است که رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم فرمودند:
«کل امتی یدخلون الجنة إلا من أبی قیل یا رسول اللّٰه و من یأبی قال: من أطاعنی دخل الجنة و من عصانی فقد أبی»؛
همه امت من داخل بهشت خواهند شد، مگر کسی‌که خود از دخول از آن امتناع ورزد، گفته شد: ای رسول اللّٰه چه کسی است که از دخول آن امتناع می‌ورزد؟
فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسی که از من نافرمانی کند او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.
أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از مقدام بن معدی کرب از رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم روایت می‌کنند که فرمودند:
«ألا إنّی أوتیت الکتاب و مثله معه، ألا یوشک رجل شبعان علی أریکته یقول علیکم بهذا القرآن فما وجدتم فیه من حلال فأحلّوه و ما وجدتم من حرام فحرّموه»؛
همانا به من قرآن و مثل و مانند آن قرآن (1)، داده شده است، همانا به زودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید پس آن را حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید آن را حرام بدانید. (2) أبوداود و ابن ماجه با سند صحیح از ابن أبی رافع و او از پدرش روایت کرده که رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم فرمودند:
«لا ألفین أحدکم متکئا علی أریکته یأتیه الأمر من أمری مما أمرت به أو نهیت عنه فیقول لا ندری، ما وجدنا فی کتاب اللّٰه اتبعناه»؛
نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و امری از اوامری که من به آن امر کرده‌ام و یا از آن نهی کرده‌ام بر او آید

1- يعنى حديث رسول اللّه صلى الله عليه و آله و سلم.

2- يعنى حديث و سنت پيامبر صلى الله عليه و آله را قبول نكنيد.

و او گوید نمی‌دانم ! فقط آنچه در کتاب خدا پیدا کردیم قبول خواهیم کرد.
از حسن بن جابر رواست است که گفت: شنیدم از مقدام ابن معدی کرب رضی الله عنه که می‌گوید: «حرم رسول اللَّه یوم خیبر أشیاء ثم قال یوشک أحدکم أن یکذبنی و هو متکی یحدث بحدیثی فیقول بیننا و بینکم کتاب اللَّه فما وجدنا فیه من حلال استحللناه، و ما وجدنا فیه من حرام حرمناه، ألا إن ما حرم رسول اللَّه مثل ما حرم اللَّه»؛ رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم روز غزوه خیبر چیزهایی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا می‌شود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالی که بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت می‌کند، سپس می‌گوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آن را حلال می‌دانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم آن را حرام می‌دانیم، بدانید که همانا آنچه رسول اللَّه حرام کرده مانند آن چیزی است که خدای تعالی آن را حرام فرموده است.
و أحادیثی به طور متواتر از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم ثابت است که در خطبه خود وصیت می‌فرمود: حاضرین به غایبین ابلاغ کنند، و می‌فرمود: ممکن است کسی که به او ابلاغ شده برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.
از آن أحادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم در حجة الوداع در خطبه خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمود: افراد حاضر به افراد غایب برسانند، زیرا ممکن است کسی که به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.
پس اگر سنت او بر شنوندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامت باقی نمی‌ماند، به آنها دستور تبلیغ داده نمی‌شد.
پس معلوم می‌شود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جاست، بر شنونده‌ای که از زبان رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم شنیده، و بر کسی که برای او با اسانید صحیحه نقل شده است.
اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده‌اند و همچنین

تابعین، سپس تابعین آن را ابلاغ کرده‌اند به نسل بعدی خود، و همچنین علما و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد می‌باشد، نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده‌اند.
آن را در کتاب‌های خود جمع آوری و بیان کرده‌اند و صحیح و ضعیف آن را بیان کرده‌اند. برای شناخت صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معینی بین خود قرار داده‌اند، تا به‌وسیله این قوانین، صحیح و ضعیف احادیث شناخته شوند.
علما و دانشمندان، کتاب‌های سنت أعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب‌های دیگر را به خوبی و به طور کامل حفظ کرده‌اند، همچنان که خداوند کتاب خودش(قرآن) را طبق وعده‌اش از بازیچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنان که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُو لَحفِظُونَ»؛ (1)
ما قرآن را نازل کردیم و ما حافظ و نگهدارنده آن هستیم.
جای هیچ شک و تردیدی نیست که سنت رسول اللّه صلی الله علیه و سلم وحی نازل شده است و خداوند آن را حفظ فرموده، چنان‌که کتاب خود قرآن را حفظ نموده، و باری تعالی برای آن سنت علمایی نقاد و جدا کننده خوب از بد برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور می‌کنند و هر آنچه را که دروغگویان و نادانان و ملحدان به آن چسبانیده‌اند دور می‌کنند، زیرا باری تعالی آن را تفسیری برای قرآن کتاب خود و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه‌ها و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمه او و بین زن و خاله او و غیر از این از احکام که در سنت صحیح رسول اللّه صلی الله علیه و سلم وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.
ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و اهل علم و دانش در تعظیم سنت

1- سوره حجر، آیه 9.

رسول اللّه صلی الله علیه و سلم و وجوب عمل به آن وارد شده، در صحیحین از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: وقتی رسول اللّه صلی الله علیه و سلم دنیا را وداع گفتند، بعضی از عرب کافر شدند، أبوبکر رضی الله عنه گفت: به خدا قسم که جنگ خواهم کرد با کسی که بین نماز و زکات فرق گذارد، پس عمر بن الخطاب رضی الله عنه به او گفت: چگونه با آنان جنگ می‌کنی در حالی که رسول اللّه صلی الله علیه و سلم فرمودند:
«أمرت أن أقاتل الناس حتی یقولوا لا إله إلا اللّه فإذا قالوها عصموا منّی دماءهم و أموالهم إلا بحقها».
متفق علیه
مأمور شده‌ام با مردم بجنگم تا این‌که بگویند: لا إله إلا اللّه: معبود به حقی به جز خدای یکتا نیست، پس اگر آن را گفتند، خون، و جان، و اموال آنها، به جز به حق آن (1) از من حفظ می‌شود.
أبوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: آیا زکات از حق آن نیست؟ به خدا قسم اگر گردنبند شتری که به رسول اللّه صلی الله علیه و سلم می‌دادند از من منع کنند به خاطر منع آن، با آنان جنگ خواهم کرد، عمر رضی الله عنه گفت: در نتیجه دانستم که خداوند سینه و قلب أبوبکر را برای جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است.
و صحابه رضی اللّه عنهم رأی و مشورت أبوبکر رضی الله عنه برای قتال اهل ردت را قبول کردند و با او به جنگ پرداختند تا این‌که آنان را به اسلام برگردانند، و کسی که بر آن اصرار کرد او را کشتند. و این قصه برای تعظیم و بزرگداشت سنت رسول اللّه صلی الله علیه و سلم و وجوب عمل به آن واضح‌ترین دلیل است.
مادر بزرگی به سوی أبوبکر آمد و از میراث خود سؤال کرد، أبوبکر رضی الله عنه به او جواب داد که در کتاب خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمی‌دانم که رسول اللّه صلی الله علیه و سلم در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از صحابه رضی اللّه عنهم سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مادر بزرگ را سهم یک ششم داده، پس أبوبکر رضی الله عنه به آن قول قضاوت کرد.

1- یعنی به جز این‌که کارهایی انجام دهند و آن کار موجب شود با آنها به جنگ بپردازم.

عمر رضی الله عنه عاملان خود را وصیت می‌کرد که بین مردم با کتاب خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم رجوع کنند، و وقتی درباره سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشکال پیدا کرد، از صحابه رضی اللَّه عنهم سؤال کرد، پس محمّد بن مسلمه و المغیرة بن شعبه رضی اللَّه عنهما نزد او شهادت دادند که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم در باره این به آزاد کردن کنیزی و یا برده‌ای قضاوت کرده، پس عمر رضی الله عنه به آن حکم قضاوت کرد.
و وقتی عثمان رضی الله عنه حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمی‌دانست کجا باید عزادار باشد، فریعة دختر مالک بن سنان خواهر أبو سعید الخدری رضی اللَّه عنهما به او خبر داد که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم به او امر فرمودند بعد از وفات شوهرش در خانه‌اش عزاداری کند تا این‌که حداد و عزای او تمام گردد، پس عثمان رضی الله عنه به همان حکم قضاوت کرد.
همچنین در اجرای حد و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم قضاوت کرد.
وقتی به علی علیه السلام خبر رسید که عثمان رضی الله عنه از حج تمتع منع می‌کند، علی علیه السلام حج تمتع انجام داد- یعنی به حج و عمره با هم لبیک گفت- و فرمود: سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را به خاطر قول و سخن یک نفر ترک نمی‌کنم.
وقتی بعضی از مردم بر عبداللَّه بن عباس رضی اللَّه عنهما در مورد حج تمتع اعتراض کردند و گفتند: أبوبکر و عمر به حج إفراد تشویق کرده و آن را مقدم می‌دانستند، عبداللَّه بن عباس رضی اللَّه عنهما گفت: می‌ترسم که سنگ‌هایی از آسمان بر شما پرتاب شود، می‌گویم رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم چنین فرمود، و شما می‌گویید أبوبکر و عمر رضی اللَّه عنهما چنین گفتند!
پس کسی که به خاطر قول أبوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید بیم آن می‌رود که دچار عذاب شود، پس حال کسی که به خاطر قول غیر أبوبکر و عمر رضی اللَّه عنهما

مجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت می‌کنند چه خواهد شد؟
و وقتی بعضی از مردم با عبداللَّه بن عمر بن الخطاب رضی اللَّه عنهما در مورد سنت‌ها اختلاف کردند، عبداللَّه رضی الله عنه گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر باشیم؟
مردی به عمران بن حصین رضی اللَّه عنهما گفت: ما را از کتاب خدا قرآن سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می‌آورد، عصبانی شد و گفت:
سنت بیان کننده و تفسیر کننده کتاب خداست، اگر سنت نبود نمی‌دانستیم که نماز ظهر چهار رکعت است و مغرب سه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و تفصیل و شرح احکام زکات و غیر اینها که در سنت است نمی‌دانستیم.
اخبار بسیاری از صحابه رضی اللَّه عنهم در تعظیم شأن سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت به آن وارد شده است.
همچنین عبداللَّه بن عمر رضی اللَّه عنهما وقتی روایت کردند که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا تمنعوا إماء اللَّه مساجد اللَّه». متفق علیه. کنیزان خدا (1) را از رفتن به مساجد منع مکنید. بعضی از پسران او گفتند: به خدا قسم که آنان را منع می‌کنیم، پس بر آنها عصبانی شد و به آنان بدی گفت، و گفت: می‌گویم رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمود و می‌گویید به خدا قسم آنان را منع می‌کنیم!
و وقتی عبداللَّه بن المغفل المزنی رضی الله عنه(و او از صحابه رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می‌باشد) دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب می‌کنند، از آن عمل منع کرد و به او گفت: رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمود و فرمود: این سنگریزه‌ها چیزی را صید نمی‌کند، و دشمنی را شکست نمی‌دهد، و او را باز نمی‌دارد، ولیکن دندانی را می‌شکند، و چشمی را بیرون می‌آورد و کور می‌کند، سپس او را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام می‌دهد، گفت: به خدا قسم که تا أبد با تو سخن نمی‌گویم، از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم تو را با خبر می‌کنم که از آن نهی فرمود، سپس

1- یعنی زنان مسلمان.

دوباره آن را انجام می‌دهی؟
امام بیهقی در کتاب خود سنن الکبری از أیوب السختیانی تابعی جلیل روایت می‌کند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی به سخن و گفتار آوردی و او گفت: ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.
و امام اوزاعی رحمت اللَّه علیه گوید: سنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب خدا است و مطلق‌های کتاب را مقید می‌کند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده می‌پردازد.
چنانکه باری تعالی می‌فرماید: «وَ أَنزَلْنَآ إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ» (1). (2)
قبلاً گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را ذکر کردیم که فرمود: «ألا إنی اوتیت الکتاب و مثله معه».
راجع شود به ص 17 همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.
امام بیهقی از عامر الشعبی رحمت اللَّه علیه روایت می‌کند که به بعضی از مردم گفت: «إنما هلکتم فی حین ترکتم الآثار». البیهقی. به راستی شما هلاک شدید و از بین رفتید، وقتی اثر و سنت صحیح رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را ترک کردید.
امام بیهقی رحمه الله از امام اوزاعی رحمت اللَّه علیه روایت می‌کند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم حدیث و سنتی به تو رسید، مبادا به غیر از آن سخن بگویی، زیرا رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم ابلاغ کننده‌ای از جانب باری تعالی بود.
و إمام بیهقی از إمام سفیان بن سعید الثوری رحمه اللَّه روایت می‌کند که گفت: همانا همه علم و دانش علم به سنت و آثار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می‌باشد.
و إمام مالک رحمت اللَّه علیه به طرف قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم رو کرد و فرمود: سخن و گفتار همه ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست. (3)

1- سوره نحل، آیه 44.

2- در تفسیر آن راجع شود به ص 12 همین کتاب(وجوب عمل به سنت ...).

3- یعنی قول صحیح او واجب القبول است.

و إمام أبوحنيفه رحمه اللَّه گوید: اگر حدیث و سنتی از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم آمد، آن را بر سر و چشم می‌گذاریم.
و إمام شافعی رحمه اللَّه گوید: هر گاه از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم حدیث صحیحی روایت کردم و آن را نگرفتم و عمل نکردم، شما را گواه می‌دانم که عقلم را از دست داده‌ام.
و همچنین می‌گوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم بر خلاف گفتار من بود، پس قول و گفتار مرا به دیوار بزنید.
و إمام أحمد بن حنبل رحمه اللَّه به بعضی از یاران خود گفت: مرا تقلید مکنید، و إمام مالک را تقلید مکنید، و إمام شافعی را تقلید مکنید، و بگیرید از آن جایی که ما آن را گرفتیم،(یعنی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم).
و همچنین می‌گوید: تعجب کردم از اقوامی که إسناد و صحت إسناد حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را دانستند، سپس می‌روند و رأی سفیان را می‌گیرند.
و باری تعالی می‌فرماید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِى أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (1). (2)
سپس گفت: آیا می‌دانی فتنه چیست، فتنه شرک است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم را رد کرده، قبول نکند، در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاک گردد.
و إمام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت می‌کند در قول خداوند: «فَإِن تَنزَعْتُمْ فِى شَىْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (3)
اگر در باره چیزی اختلاف نمودید، برای رفع اختلاف به کتاب خدا و سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید.
گفت: برگردانیدن به سوی خدا، یعنی: به سوی کتاب او، و برگردانیدن به سوی رسول، یعنی: به سوی سنت اوست. پس اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به سوی خدا و رسول خدا برگردانید.

1- سوره نور، آیه 63.

2- در تفسیر آن راجع شود به ص 15 همین کتاب.

3- سوره نساء، آیه 59.

و إمام بیهقی از محمّد بن شهاب زهری رحمه اللَّه روایت می‌کند که گفت: کسانی که از علما و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند، می‌گفتند: اعتصام و پیروی از سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم نجات و پیروزی است.
و موفق الدین بن قدامه رحمه اللَّه در کتاب خود: روضة الناظر در بیان اصول احکام چنین می‌گوید: اصل و اساس دوم از دلایل، سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم می‌باشد و گفتار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم حجت است، زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و باری تعالی به طاعت او و تحذیر از مخالفت او أمر فرموده است.
و إمام ابن کثیر رحمه اللَّه در تفسیر این آیه گوید: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِى أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (1). یعنی: از اوامر رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم، آن هم طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنی آدم با گفتار و کردار رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم مقایسه و مطابقت می‌شود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده می‌شود، و آن هم هر که خواهد باشد.
چنانکه بخاری و مسلم در صحیح خود و دیگران از رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد».
متفق علیه. هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.
پس بترسد و برحذر باشد، کسی که ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم باشد «أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ» که به آنان مصیبتی در قلب‌هایشان از کفر و نفاق و بدعت به وجود آید. «أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» یعنی در دنیا به کُشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از اینها مبتلا شوند.
إمام أحمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت کند که أبوهریره گوید: رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم فرمودند:
«مَثَلی و مَثَلُکم کمثل رجلٍ إسْتَوقَدَ ناراً فلمّا أضاءت ما حولها

1- سوره نور، آیه 63، تفسیر آن در ص 15 گذشت.

جعل الفراشُ و هذِهِ الدواب اللائی یقعْنَ فی النّار یقعْنَ فیها و جعلَ یحجُزُهُنَّ و یَغلبْنَهُ فَیقْتَحِمْنَ فیها قال فذلک مثلی و مثلکم أنا آخذُ بحجزکم عن النّار هلمَّ عن النّار فتغلبونی و تقتحمون فیها».
متفق علیه
مَثَلِ من و مَثَلِ شما مانند مردی است که آتشی روشن کرده، وقتی اطراف خود را نورانی و روشن کرد و پروانه‌ها و حشرات که اطراف آن می‌گردند در آتش می‌افتند، آن مرد جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد که پروانه‌ها و حشرات در آتش بیفتند، ولی بر او غلبه کرده، خود را در آتش می‌اندازند، فرمود: پس این مَثَل من و شماست، من کمربند شما را گرفته، از آتش دور می‌کنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم می‌کنید و خود را در آتش می‌اندازید.
و إمام سیوطی رحمه اللَّه در کتاب خود مفتاح الجنة فی الاحتجاج بالسنة (1) چنین گوید:
«بدانید- خدا شما را رحمت کند- هر کس حجیت حدیث رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم قولی و فعلی با شروط معروف آن در اصول دین را انکار کند کافر می‌باشد و از دایره اسلام خارج است و روز قیامت با یهود و نصاری و با فرقه‌ها و طایفه‌های گمراه و کافر محشور خواهد شد».
و اخبار از صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند از علما و دانشمندان در تعظیم سنت و وجوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.
و امیدوارم آنچه در این‌جا ذکر کردیم از آیات و احادیث و اخبار کافی و قانع کننده باشد برای کسی که حق طلب است، و از باری تعالی برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه خداوند رضایت آن را دارد مسئلت دارم، و سلامت از اسباب خشم و غضب او، و این‌که تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، زیرا او شنونده و نزدیک است. و صلی اللَّه علی عبده و رسوله نبینا محمّد و علی آله و أصحابه و أتباعه بإحسان.

1- کلید بهشت در احتجاج به سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم.

عبدالعزیز بن عبداللَّه بن باز مفتی عام عربستان سعودی و رئیس کبار علماء و رئیس دایره بحث‌های علمی و فتوی شرعی. (1)

اینک در این قسمت چند سؤال اساسی مطرح است:

1. از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال 96 هجری(حدود 86 سال) طبق دستور حکام، نقل هرگونه حدیث و روایت تحت هر عنوان ممنوع اعلام شد. یعنی نوشتن حدیث و بیان آن جرم بود و حتی کسانی در این میان محاکمه و تنبیه شدند که مراجعه به کتب مرجع اهل سنت هم این مهم را تأکید می‌کند.

2. تنها گروهی که حفظ و نقل و نوشتن روایات رسول اللّٰه را تأکید داشتند و عمل کردند، شیعیان بودند. معروف‌ترین آنها مصحف علی علیه السلام در موضوع جمع آوری قرآن بود که تمام مطالب نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله را در خود داشت، اما به دلایلی از جامعه حذف شد و به اعتقاد شیعه، نسل به نسل بین امامان تاکنون حفظ شده است.

3. انحراف‌های زیادی از سنت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله در اهل سنت رواج دارد که در محل خود مطالعه و بررسی می‌شود.

4. در سنت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فقط سنت ایشان ملاک عمل است و خلفای راشدین، حق قانون گذاری نداشته‌اند. لذا استناد به عمل آنها در تدوین قوانین جفای به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

5. شیعه شاخصی کلی دارد. هر قانونی که خلاف قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد محکوم است و قابل اجرا نیست. این مهم جامعه اسلامی را از هرگونه انحراف محفوظ می‌دارد.

6. اگر حدیث و روایتی از امامان شیعه مطرح می‌شود، در بررسی سلسله راویان سند همان امام تأکید کرده‌اند که با واسطه از پدرانشان که در صداقت و راست گویی

1- پایان سخن علامه بن باز.

مشکلی در آنها وجود نداشته است- و حتی برادران اهل سنت نیز به صداقت و صالح بودن آنها اقرار دارند- تأکید شده است که تمامی آنها استناد اصل صدور حکم یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را در سلسله سند بیان کرده‌اند.

7. مشکل خاصی که وجود دارد، علمای اهل سنت فقط روایات و احادیثی را که خود آنها جمع آوری کرده‌اند مورد قبول می‌دانند و احادیث جامعه شیعی را مورد غفلت قرار داده‌اند، این امر موجب ایجاد شکاف بین فرقه‌های گوناگون اسلامی شده است.

با شکافته شدن مبانی بحث، اینک می‌توانیم وارد اصل مطلب مورد مطالعه گردیم.
مقوله‌ای که می‌تواند در صورت طرح صحیح و نگرشی اصولی و اصلاحات جدی، اثرات قابل توجهی را در ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی به همراه داشته باشد. این بخش در سه زیر مجموعه کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد: 1. استفاده ابزاری از اماکن زیارتی، 2. استفاده ابزاری از زایر، 3. استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات.

استفاده ابزاری از اماکن زیارتی

اشاره

مهم‌ترین اماکن زیارتی جهان اسلام در دو شهر مکه و مدینه واقع هستند. همان گونه که در روایات مذکور در صحیحینِ اهل سنت آمده است، سفر زیارتی جایز نیست مگر به سه مسجد که عبارَتند از:

1. مسجد الحرام در مکه.
2. مسجد النبی در مدینه.
3. مسجد الاقصی در بیت المقدس.

هر چند طبق روایات شیعی، هر جا که رایحه‌ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت وجود داشته باشد، به شرط این‌که آن ذریه پاک پیامبر از صالحین باشد،

می‌تواند مکان مقدس و قابل احترامی قرار بگیرد که قبلاً برخی از این روایات مورد اشاره قرار گرفت.
از آن جا که به دلایلی سیاسی از حدود یکصد سال پیش، این دو مکان مقدس با مدیریت آل سعود که از فرقه وهابیت پیروی می‌کنند اداره می‌شود، این گروه از این اماکن چندین استفاده ابزاری می‌کنند که در این‌جا مورد بحث قرار می‌گیرد:

1. تبلیغ به نفع یک فرقه خاص

همان گونه که می‌دانیم برداشت از پیام‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به چندین گروه و طبقه منجر شده است. اعتقاد شیعه به حقانیت عقاید خویش است و دلایل و مدارک و مستنداتی دارد که قابل مطالعه است. همان طور که اهل سنت و حداقل چهار فرقه اصلی آن هم دارای ملاک و دلایلی هستند.

کنکاش پیرامون حقانیت هر کدام با این‌که تقریب اساسی بین مذاهب گوناگون وجود دارد، امری تخصصی و محتاج استدلال علما و کارشناسی می‌باشد. کشانیدن این بحث‌ها در سطح کوچه و خیابان و پخش جزوات فراوان با ضعف‌های کارشناسی و استدلالی زیاد، موضوعی است که اخیراً توسط علمای وهابیت به شدت مورد توجه قرار گرفته و این مهم یکی از جلوه‌های بارز استفاده ابزاری از پدیده قداست زیارت اماکن مقدس مکه و مدینه می‌باشد.

2. نصب تابلوها در اماکن مقدس

بسیاری از تابلوهای منصوب در اماکن مقدس که نقش تبلیغ عقاید یک فرقه را دارند، مورد قبول تمام مسلمانان نیست. هر چند گاهی بیان واضحاتی است که یک فرقه قصد پنهان شدن زیر چتر آن امر بدیهی و واضح را دارد تا سایر عقاید غلط و خطاهای خود را بپوشاند.
مثلاً تابلوهای با این عنوان: برادر مسلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ روایتی برای قداست این محل نقل نشده است ...- مانند تابلوی مقابل غار حرا- را می‌توان مثال زد. شیعه و

سنی یک پارچه درباره این‌که اگر بدعتی در دین پدید آید، نامطلوب و حرام است، اتحاد نظر دارند، اما بررسی روایات و تعیین قسمت و سهم آنها را نباید فرقه‌ای کرد.

یا این‌که «سحر و جادو باطل و حرام است» این امور بدیهی است و تمام مسلمانان به آن واقف هستند. حال پشت این بدیهیات پنهان شدن برای اثبات خیلی از خطاها، امری است که به عنوان استفاده ابزاری از مکان‌های زیارتی باید مورد توجه قرار گیرد.

3. تحریف‌ها

همان گونه که می‌دانیم نقل روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله- علی رغم تأکید حضرت نبوی- در میان خلفای اول و دوم و سوم به شدت محکوم بود و بارها ورقه‌های حاوی روایات را در مقابل خلیفه اول شست‌وشو داده‌اند تا روایتی از سنت نبوی نقل نشود. این پدیده شوم تا حدود یکصد سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان اهل سنت ادامه داشت؛ اما شیعیان از همان ابتدا روایات پیامبر را سینه به سینه نقل کردند و روی حفظ آن کوشیدند. هیچ یک از امامان شیعه از سوی خود مطلبی را بیان نکرده‌اند، مگر این‌که به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله منتهی شده باشد.

حال به روایتی از امام مالک(که فرقه وهابیت شعبه‌ای از آن مذهب می‌باشد) توجه می‌کنیم.

در صفحه 23 آداب زیارت مسجد نبوی به قلم علامه عبدالعزیز بن عبداللّٰه بن باز چنین آمده است: «امام مالک رحمه اللّٰه که تمام عمرش را در مسجد النبی به نشر علم و سنت مشغول بود، تا جایی که او را امام دارالهجرة می‌نامند گفته است: آخر این امت را اصلاح نمی‌کند، مگر آنچه اول آن را اصلاح کرده است و اول امر این امت حرکت در مسیر منهج نبوی صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین و صحابه مرضیین- کسانی که خداوند از آنان اعلان رضایت و خشنودی نموده است- و پیروان نیکوکار آنان بوده است ...».

در همین یک صفحه می‌توان تحریف‌های گوناگونی را به وضوح دید.
الف) آیا مالک طبق سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر در مسجد اقامت داشت که امام دارالهجرة نامیده شود؟ اگر این کار ثواب داشت، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نکرد؟!
ب) آیا فرمول مالک در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا مرام ایشان بوده و بیان شده؟! ایشان چگونه خودسرانه و بدون استناد به قرآن و سنت، فرمولی را ارائه داده‌اند که وهابیت بر اساس آن شکل بگیرد و در جهان اسلام تفرقه و نزاع به وجود آید. اگر این کلام صحیح است، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله یا قرآن مجید به آن اشاره نکرده است؟!
ج) آیا در اول اسلام خلفای راشدین اجازه اظهار نظر یا ابراز وجود در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را داشتند که ایشان اول اسلام را مرام آنها معرفی کند؟!
د) اتفاقاً خلفای راشدین به سر اسلام آن آوردند که مالک و فرقه وهابیت در حال حاضر دفاعی عقلانی از آنها ندارند. وقتی مشکلات عدول آنها از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اوامر قرآن مجید مطرح می‌شود و امام علی علیه السلام را که پیامبر صلی الله علیه و آله او را حق نامیده، به عنوان شاخص معرفی می‌کنیم، می‌گویند: آنها هر کدام طبق فتوای خود از دین عمل کرده‌اند و پیش خدا مأجور هستند؟! آیا این شیوه آخر کار امت را اصلاح می‌کند؟!
ه) اگر پیروی از پیروان خلفا راه اصلاح امت است، از آقایان وهابی می‌پرسیم: آیا پیروی از معاویه، یزید، مروان و ... که پیرو سه خلیفه اول بودند به اصلاح امت نزدیک‌تر است یا پیروی از امام حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام و ...؟!
ملاحظه می‌شود که بدون استناد به تاریخ صحیح و روشن و با چشم پوشی از خطاهای بزرگی که بزرگان وهابیت و امامانِ امام مالک عمل کرده‌اند که هر دو تحریف تاریخ می‌باشد، سعی در تبلیغ عقاید خود با روش استفاده ابزاری از اماکن زیارتی که موجب جلب مسلمانان و عزیمت آنان به حوزه تحت حکومت آنها شده است به گمراه کردن امت مشغول هستند.
در پایان این قسمت اعلام می‌داریم که از نظر امامان شیعه برای اصلاح امت، عمل

ص: 260
به حدیث ثقلین کافی است و زمانی که با مجاهدت بی‌سابقه امام علی علیه السلام و تلاش ده ساله امام حسن علیه السلام و سپس ده سال مجاهدت امام حسین علیه السلام، امکان بازگردانیدن امت به راه پیامبر صلی الله علیه و آله فراهم نشد. همان گونه که امام حسین علیه السلام فرمود:
«إن کان دین محمّد لم یستقم إلا بقتلی فیا سیوف خذینی»؛
اگر پایداری دین پیامبر صلی الله علیه و آله جز با قیام من و کشته شدنم در راه خدا امکان‌پذیر نیست، پس ای شمشیرها مرا دریابید.

4. تبلیغ در مجاورت قبور

مستقر کردن افرادی که با زبان فارسی به عدم فهم و درک و شعور مردگان تأکید می‌کنند، در قبرستان بقیع و حرم نبوی از دیگر استفاده‌های ابزاری می‌باشد. در بیانات این مبلغان تناقض‌هایی است که مورد اشاره قرار می‌گیرد.
آنها می‌گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام مراجعه به قبرستان، می‌فرمود:
«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنّا إن شاء اللّٰه بکم لاحقون نسأل اللّٰه لنا و لکم العافیة».
یا این‌که ترمذی از ابن عباس نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به قبور کرده و می‌فرمود:
«السلام علیکم یا أهل القبور یغفر اللّٰه لنا و لکم أنتم سلفنا و نحن بالأثر».
و همان گونه که ابن ماجه طبق حدیث 1569 اشاره کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:
«زوروا القبور فإنّها ذکرکم الآخرة»؛
قبرها را زیارت کنید که این کار شما را به یاد آخرت و قیامت می‌اندازد.
و طبق تأکید شیخ عبدالعزیز بن عبداللّٰه بن باز(فقیه بزرگ وهابی‌ها) در صفحه 29 کتاب بیان ما تشرع زیارته من المساجد المدینة اشاره دارد که: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله زیارت قبور بقیع و قبور شهدا و قبر حمزه بوده و ....
حال با این مقدمه چندین سؤال مطرح می‌شود:
1. اگر اموات نمی‌فهمند و درک و شعور ندارند، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها سلام می‌کند و خطاب به قبور آنها سخن می‌گوید؟! آیا پیامبر صلی الله علیه و آله کار عبث و بیهوده‌ای را انجام داده است؟!

2. پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل قبور عافیت طلب می‌کند، مگر برای جسم بی شعور و بی درک می‌توان دعا کرد؟!
3. اگر سفر برای زیارت قبور جایز نیست، چرا پیامبر مرتباً به مزار شهدای احد برای زیارت تشریف می‌بردند؟!
4. اگر فقط هدف دیدن قبور بود و اهل قبور اهمیتی نداشتند، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به بقیع برای متذکر شدن به آخرت تشریف نمی‌بردند و با پای پیاده به کرات تا محل شهادت شهدای احد برای زیارت تشریف می‌بردند؟
5. اگر فقط هدف تذکر مرگ و آخرت بود، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله زیارتنامه و دعای خاص برای زیارت اهل قبور تعیین کرده و تأکید داشتند که این‌گونه زیارت کنید؟! مگر با سکوت بهتر نمی‌شود تمرکز و تفکر کرد ....
6. کدام شیعه قبر صالحین و ائمه اطهار را سجده‌گاه یا محل شادی و جشن و تبرک قرار داده است که در کتاب‌های وهابیت این قدر در نکوهش این عمل تأکید می‌شود؟!
7. اگر عده‌ای از اهل سنت خطای خاصی مثل آنچه در شهر ریاض از کشف حجاب و شرب خمر و تداخل زن و مرد نامحرم و ... انجام می‌دهند، آیا جفا نیست که این خطا را به پای همه اهل سنت گذاشت؟!
8. اگر هدف تخریب شیعیان نیست و استفاده ابزاری از زیارت نمی‌شود، طبق آیه شریفه «بشارت باد به بندگان صالح که سخن‌ها را می‌شنوند و بهترین آنها را می‌پذیرند ...». چرا به شیعیان در همان محل اجازه پاسخ‌گویی و حتی طرح سؤالات خود را نمی‌دهند؟!

5. قداست لباس پیامبر صلی الله علیه و آله

هر زیارت کننده مکه و مدینه با خاطراتی که از کتاب‌های دینی درباره لباس پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، وقتی این لباس را بر تن عرب‌های این دو شهر می‌بیند، ناخواسته احترامی به پاس بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای افراد ملبس به این لباس قایل می‌شود(همان‌گونه که

ص: 262

در ایران هم برای علما به لحاظ پوشیدن لباس پیامبر صلی الله علیه و آله حرمت قایل می‌شوند)، این حرمت و احترام در کنار تشابه سازی ذهنی قیافه پیامبر، زبان پیامبر، محل زندگی پیامبر و ... همگی باعث می‌شود که حرمت خاص برای اعراب قایل شوند. گماشتن افرادی با پوشش لباس پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ و ترویج عقایدی که انتساب آن به پیامبر صلی الله علیه و آله قطعیت ندارد، نوعی دیگر از جلوه استفاده ابزاری از زیارت قلمداد می‌شود.

6. تکیه بر ظواهر

ساماندهی فقط دو شهر مکه و مدینه بر اساس آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعم از پوشش زنان و مردان، انجام فرایض پنج‌گانه و اخلاق خوب داشتن، ریش گذاشتن مردان و ... این در حالی است که در فاصله نزدیک مکه، شهر بندری جده با مدنیت مورد نظر پیامبر سال‌ها فاصله دارد و شهر ریاض که پایتخت عربستان سعودی است وضعی بدتر و ناهنجارتری دارد.

اسلام دینی جامع با اهداف بلند مدت می‌باشد و آن را فقط در حد ظواهری مثل پوشش و ادای نماز(که فقط یکی از پنج رکن اسلام است) آن هم فقط در دو شهر زیارتی خلاصه کردن از جلوه‌های بارز استفاده ابزاری از زیارت می‌باشد.

7. قوانین خشک

هر تازه واردی به دو شهر زیارتی مکه و مدینه، تعطیلی مغازه‌ها در هنگام وقت‌های نماز را به عنوان یک نماد پسندیده ملاحظه می‌کند، اما وقتی چند روزی در این دو شهر اقامت گزید، ملاحظه می‌کنید که بسیاری از کسبه فقط از ترس قانون درب مغازه‌ها را می‌بندند و مشغول صرف غذا و مرتب کردن مغازه و جور کردن جنس و استراحت و ... می‌شوند و کم‌تر در نماز جماعت شرکت می‌کنند و پوشش زنان در این دو شهر تابع همین گردن نهادن به قانونی خشک می‌باشد و از آن استفاده ابزاری می‌شود.

8. تظاهر و ریا

از جمله موارد استفاده‌های ابزاری، می‌توان به تظاهر و ریا اشاره کرد. در این میان فقط در چهار شاخه مطالبی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:
1. اذان؛
2. مُهر؛
3. تداخل زن و مرد در مسجد الحرام؛
4. صلوات.
1. اذان: چگونگی اذان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص است. هر چه بوده باشد، اولاً «الصلاة خیر من النوم» را نداشته و خلیفه دوم در آن بدعت ایجاد کرده است. ثانیاً پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز صبح فقط یک اذان را امر فرموده‌اند و تقسیم آن به سه اذان صبحگاهی از مصادیق بدعت در سنت نبوی و تظاهر و ریا در عبادت خلایق به عنوان یک استفاده ابزاری از فضای زیارتی می‌باشد.
2. مهر: استفاده از مُهر در سجده نماز هر چه باشد حتماً شرک نیست. یعنی اگر سجده بر فرش و لباس و سجاده و ... مجاز باشد، در جایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم بر حرام بودن سجده بر خاک(مُهر) را ندانسته‌اند، پس نهی شیعیان از این عمل به گونه‌ای که گویا حرامی مؤکد را عمل کرده‌اند، نوعی جفا به زایر و استفاده ابزاری از زیارت است.
در حالی که طبق روایات صحیح مسلم،(ج 1، ص 371) و صحیح بخاری(ج 1، ص 91) و مسند احمد(ج 1، ص 250) و الوسائل ج 2، ص 969 و ارشاد الساری(ج 1، ص 435) همگی تأکید دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«جُعِلت فی الارض مساجداً وطهوراً»
یعنی زمین برای من سجده‌گاه و پاک کننده قرار داده شده است.
3. تداخل زن و مرد در مسجد الحرام: همان‌گونه که می‌دانیم سنت نبوی، یعنی عمل کردن به اوامر رسول اکرم صلی الله علیه و آله. ایشان تداخل زن و مرد در حال طواف و در صحن

مسجد الحرام را نهی نکرده است. یعنی کل فضای مسجد الحرام، حرم امن الهی است. پس گماردن اشخاصی با اخلاق تند و رفتاری زننده و توهین مکرر به مسلمانان، با عبارت‌های حرام ... حرام ... برای دور کردن زنان از مقام ابراهیم علیه السلام که تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر نزدیکی اقامه نماز طواف به این محل مقدس می‌باشد، چه معنایی دارد؟! آیا این رفتار برای تخریب روحیه شیعیان و آنها را ناآشنا به قوانین الهی وانمود کردن و توهین به آنها و رفتار خلاف سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیست؟!

4. ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله: در این میان هم چهار فعل خطا به نام اسلام و در ترکیبی تظاهرکارانه و ریاکاری انجام می‌شود:

نوع صلوات؛

مکان صلوات؛

بلند فرستادن صلوات؛

تحریف صلوات.

1. طبق روایات متعدد، پیامبر صلی الله علیه و آله امر به فرستادن صلوات به این‌گونه «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد» فرموده است. مثلاً ابی مسعود البدری طبق روایت احمد در صحیح مسلم و کعب بن عجرة در البخاری و مسلم و ابی حمید الساعدی در همان مدرک و طلحة بن عبیداللّه به نقل از احمد و ابی هریره در الطحاوی و حسن در النسائی، همه آنها این مطلب را مورد تأکید قرار داده‌اند. به راستی با این همه تأکید، چرا:

عبارت «و آل محمد» را ترک می‌کنید؟

عبارت «و علی صحبه و ...» را اضافه می‌کنید؟

برای انجام این فریضه تبلیغ نمی‌کنید؟

از انجام این فعل حسنه توسط سایرین جلوگیری می‌کنید؟

آیا همه اینها استفاده ابزاری از زیارت و انحراف آن به واسطه قدرت هیئت حاکمه نیست؟!

ص: 265

2. طبق نوشته محمد بن جمیل زینو(مدرّس دارالحدیث مکه) در کتاب فضائل الصلاة والسلام علی محمد خیر الأنام در نُه فصل صلوات توصیه شده است:

در تشهد آخر نماز طبق روایت مسلم.

در نماز میت طبق روایت شاخصی از ابی امامة بن سهل.

بعد از اذان(اذا سمعتم المؤذن فقولوا ...) طبق روایت مسلم.

هنگام دعا کردن طبق روایت ابن مخلد در المغنی.

هنگام ورود به مسجد و خروج از آن طبق روایت صحیح النسائی.

هنگام تشکیل جلسه(اجلسوا قوم مجلساً ...) به روایت الترمذی.

هنگام بردن نام پیامبر صلی الله علیه و آله طبق روایت احمد و غیره.

روز جمعه(فأکثروا علیّ من الصلاة ...) به روایت احمد.

در ابتدا و انتهای روز به روایت حسن الطبرانی.

در این موارد ملاحظه می‌شود که از فعل جمع استفاده شده است و فعل جمعی باید نمود و شاخص جمعی داشته باشد و در این زمینه ضمن این‌که شائبه لزوم بلند گفتن ذکر صلوات وجود دارد، ولی حتی اگر این استنباط هم نباشد، قطعاً نهی و یا تحریم آن انجام نشده است؛ در حالی که تا کسی اقدام به فرستادن صلوات با صدای بلند می‌کند، بلافاصله با ترمز حرام ... حرام او را نهی می‌کنند(بر خلاف سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله) و این استفاده ابزاری از اقتداری است که در سرزمین وحی به دست آورده‌اند.

3. همان‌گونه که گفته شد، بلند فرستادن صلوات اگر چه از مصادیق تعظیم شعایر الهی است و طبق دستور صریح پیامبر صلی الله علیه و آله به شکل صحیح آن یعنی «اللّهم صل علی محمّد و آل محمّد» انجام می‌شود، اما هیچ روایت و حکایتی دال بر لزوم آهسته فرستادن آن حتی در نماز وجود ندارد اما ....

4. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقف گوناگون و مجالس متعدد، روش صحیح صلوات را

گفته‌اند. اما آقایان وهابی، اولاً: بخشی از آن را حذف می‌کنند(... و آل محمد ...) ثانیاً:
بر سبیل بدعت‌گذاری «وعلی أصحابه و ...» را به کلام و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله افزوده‌اند.
و جالب این‌که بر این بدعت و گناه خود تأکید هم می‌ورزند. آیا این موارد نیز استفاده ابزاری از زیارت و اماکن زیارتی تحت سلطه آنها نیست؟!

استفاده ابزاری از زایر در زیارت

اشاره

در تقسیم‌بندی اولیه مبحث استفاده ابزاری از زیارت را در سه گروه اساسی مورد مطالعه قرار دادیم. اینک به استفاده‌های ابزاری از زایر می‌پردازیم:

1. عدم تسلط زایر به زبان عربی

همان‌گونه که می‌دانیم درصد زیادی از زایران مکه و مدینه یا بی سواد هستند یا به زبان عربی تسلط کامل ندارند. این موضوع به عنوان ابزاری در دست کسانی که می‌خواهند قرائت خود از قرآن و سنت را بر حق جلوه دهند درآمده است و هر گونه که می‌خواهند به تفسیر و تأویل می‌پردازند.
مثلاً در شرح آیه شریفه «... فَاغْسِلُواْ وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ ...» (1) که معنی کلمه «الی» سبب استنباط متفاوت در شستن دست در هنگام وضو واقع شده است. با این معنی تحت اللفظی کلمه مورد نظر، به تصدیق روش وضوی اهل سنت می‌پردازند و این در حالی است که معانی متفاوتی برای «الی» در کتاب‌های لغت بیان شده است و می‌بایست از مفسران خبره در این میان کمک گرفت.

2. عدم دسترسی به منابع

هر زایری امکان مطالعه جامع منابع را ندارد؛ چون اولاً به زبان عربی است. ثانیاً در منابع متعدد و متفاوت وجود دارد. ثالثاً هر روایت باید از لحاظ سند و متن به صورت کارشناسی مطالعه شود. رابعاً راویان احادیث باید در علم رجال مورد بررسی قرار

1- سوره مائده، آیه 6.

گیرند تا صدق و کذب گوینده خبر مشخص شود.
مثلاً ابو هریره که اهل سنت گفتارش را قبول دارند، آن قدر روایت ساختگی بیان کرد که عمر بن خطاب، خلیفه دوم، به دروغگو بودن او شهادت داد و این موضوع در منابع اهل سنت موجود است، اما آنها مورد غفلت قرار می‌دهند.

3. فرصت محدود

اغلب زایران خانه خدا و مسجد نبوی شاید در طول عمر فقط یک بار و در زمان محدود به این افتخار شرف حضور پیدا کنند. بدیهی است زایر ترجیح می‌دهد بیشتر به مناسک و مستحبات اعمال بپردازد و فرصت بحث و مجادله و ارائه سند و مدرک را ندارد.

از این فرصت نداشتن زایر به عنوان ابزاری برای تبلیغ یک سویه و ناعادلانه بهره‌برداری ابزاری می‌شود.

4. دلهره سفر

هر زایری به علت ناآشنا بودن به کوچه و خیابان‌ها و لزوم تهیه سوغات و ناآشنا بودن به زبان کشور میزبان و دوری از خانواده و احیاناً خطر مفقود شدن مال و اموال خود یا سرقت آنها و ... مواجه است. این امور برای زایر دلهره سفر ایجاد می‌کند و فرصت تعمق و تأمل در شنیده‌ها و تبلیغات یک جانبه را ندارد و طرف مقابل از این محدودیت زایر به عنوان یک فرصت برای خود بهره‌برداری ابزاری می‌کند.

5. ندانستن قوانین قضایی کشور میزبان

زایران مکه و مدینه در صورت دانستن زبان عربی و تسلط به منابع فقهی و عدم دلهره سفر، به هر حال از محاکم کشور میزبان و مافیای وهابیانی که به دنبال قرار دادن علمای شیعه در لیست ممنوع شده‌های سفر به حج می‌باشند، نگران هستند.
تاکنون افراد زیادی از دانشمندان زایر را به بهانه‌های واهی و در قالب پروژه

پرونده سازی برای جلوگیری از حضور آنها در مکه و مدینه مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند.
نگارنده به کرات دانشجویان حساس و انقلابی که تحمل یاوه‌گویی‌ها را نداشته‌اند مشاهده کرده است که توسط عوامل حکومتی دستگیر و راهی دادگاه‌های سعودی شده‌اند.
در چنین فضای آلوده حقوقی آیا امکان استدلال و ارشاد طرفینی وجود دارد؟
در جایی که ذکر صلوات با صدای بلند در مسجد الحرام و مسجد النبی حرام قلمداد می‌شود.(به بهانه آیه شریفه «لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَ تَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيّ» (1) مشاهده می‌شود که شیخی بر کرسی انحصاری نشسته و با بلندگو و داد و فریاد به فحاشی به شیعیان می‌پردازد، آیا این استفاده ابزاری از زایران و عدم تسلط آنها به قوانین سعودی نیست؟!

6. کعبه آرایی و ناآگاهی زایران

تأکید بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله شعار اساسی برادران اهل سنت است. از آنها سؤال می‌شود:
الف) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه ناودان طلا داشت؟!
ب) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله درب کعبه از طلا بود؟!
ج) مگر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه دارای دو درب نبود؟!
د) آیا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پرده کعبه دارای این همه تشریفات و طلاکاری بود؟!
ه) چه کسی آیات را برای طلا دوزی روی پرده کعبه انتخاب می‌کند؟!
و) آیا جای مقام ابراهیم علیه السلام همین جا بود، یا به دستور خلیفه دوم این مقام الهی که در قرآن از آن نام برده شده است جابه‌جا شد؟! تکلیف وظایف شرعی طواف کنندگان را چه کسی تعیین می‌کند؟!

1- سوره حجرات، آیه 2.

ص: 269

ملاحظه می‌شود که به علت عدم آشنایی زایران با تاریخ کعبه و انحراف‌های به وجود آمده از آنها استفاده ابزاری می‌شود و هیچ سخنی از این همه انحراف از سنت نبوی به میان نمی‌آید.

7. انحصارطلبی

زایری که وقت محدود دارد، قوانین را نمی‌داند، از تخصص علم رجال و درایه و ...
برخوردار نیست، دلهره سفر دارد و ... باید الزاماً کتاب‌هایی را بخواند که دچار انحراف هستند، یا سخنان و خطابه‌ای را بشنود که حق دفاع از خود را ندارد و حتی نسبت یک درصد هم برای او ارزش قایل نمی‌شوند که جوابی بگوید، آیا این انحصارطلبی در تبلیغ و ترویج عقاید یا قرائت یک فرقه خاص از قرآن و سنت، از مصادیق بارز استفاده ابزاری از زایر نمی‌باشد؟!

8. محو آثار باستانی

زایر با آموخته‌های خود از احادیث و روایات، وارد مسجد النبی یا خانه کعبه می‌شود.

او در تاریخ اسلام، کوچه بنی هاشم، نخلستان‌های علی علیه السلام، مسجدی که سدّ الأبواب إلّا بابه را در روایات درباره‌اش دیده است، مسجد ذوقبلتینی که دارای دو قبله بوده است ... و صدها آثار باستانی دیگری که در ذهن دارد، وارد مکه و مدینه می‌شود.

در آن‌جا هیچ نشانه‌ای از منزل حضرت زهرا علیها السلام را نمی‌یابد، اما با پلاک قبر عمر و عثمان مواجه می‌شود. آیا این تلاش در راستای ستم‌های جدید به فاطمه زهرا علیها السلام نیست؟! آیا اینها استفاده ابزاری از زایر نمی‌باشد؟!

9. زیارتنامه جعلی !

در تمام ایام سفر و اماکن زیارتی مثل قبرستان بقیع، کوه احد، غار حرا و غار ثور و ... با تابلوهایی مواجه می‌شویم که چون از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نداریم که در این‌جا آمده باشند و کاری انجام داده باشند، پس ما هم این اعمال را روا نمی‌دانیم.

بعد به شدت تبلیغ می‌شود که مرده هیچ فهم و شعوری ندارد و لذا سخن گفتن با مرده خرافات و کاری حرام است، اما وقتی وارد مبحث زیارت می‌شویم، می‌گویند:
عبداللّٰه بن عمر- پسر عمر بن خطاب- بعد از سلام برای پیامبر- که پیامبر فرموده ملکی هست که آن سلام را در برزخ به من می‌رساند- می‌گفت: «السلام علیک یا ابوبکر السلام علیک یا عمر»! حال می‌پرسیم:
الف. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود به این دو نفر سلام کنید؟
ب. آیا آنها نمرده‌اند و می‌فهمند! آیا این بدعت نیست!
ج. آیا شأن آنها را در ردیف پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادن جفا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟
د. اگر سلام بر عشره مبشّره یا خلفای راشدین روا هست، چرا به سایر آنها مثل علی علیه السلام سلام و درود نمی‌فرستیم؟!

10. کسب درآمد از زایر

مکه و مدینه متعلق به همه مسلمانان است. هر زایر که به نحوی یک جهانگرد هم هست در مطالعات اقتصادی جهان دارای مزیت‌های فراوانی برای کشور مقصد می‌باشد. اهم این منافع وارد کردن ارز، مبادلات فرهنگی، ایجاد اشتغال، زمینه سازی سرمایه‌گذاری‌های کلان در ساخت هتل و فروشگاه‌های بزرگ و ... می‌باشد که منافع آن مستقیم یا غیر مستقیم به هیئت حاکمه می‌رسد. آیا همه این موارد استفاده ابزاری از زایر نمی‌باشد؟!

استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات

اشاره

آخرین گروه از مجموعه‌های مربوط به زیارت را که به وسیله وهابیت مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

1. استفاده از پلیس (نیروی قهریه) برای ارشاد

همان‌گونه که در تاریخ ثبت شده است، حکومت بر شهرهای مقدس مکه و مدینه در طول سال‌های گذشته هر از چند گاهی بین حاکمان دارای مذاهب مختلف دست به

دست گشته است. گاه شیعیان و گاه اهل سنت؛ اما همیشه حرمت کعبه حفظ شده و آرای تمام مذاهب در اداره این اماکن محترم شمرده شده است. از ایجاد حکومت آل سعود بیش یکصد سال نگذشته و چه مقدار دوام داشته باشد هم جز بر خدا بر کسی معلوم نیست. آیا استفاده از پلیس برای امر به معروف و نهی از منکر منطقی است؟ آیا وجود سربازان در اطراف مسجد النبی، آن‌جا را به یک پادگان نظامی به جای مکان امن الهی تبدیل نکرده است؟!

آیا مردمی که برای زیارت آمده‌اند و همان‌گونه که طبق روایات اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به بقیع تشریف می‌بردند، به آن محل می‌روند، شایسته تهدید و توهین و تحقیر هستند؟! آیا این رفتار، استفاده ابزاری از زیارت نیست؟!

2. داخل شدن در کعبه مشرفه

سالیانه در ایام خاص و با تشریفات خاص علمای وهابیت و حاکمان سعودی به داخل کعبه مشرف می‌شوند و نماز می‌خوانند و این را برای خود سعادتی و امتیازی ویژه می‌دانند. حال باید پرسید:
الف. اگر این عمل سنت است چرا سایر مردم را محروم می‌دارید؟
ب. اگر این عمل شرافتی است چرا دیگران به آن مشرف نشوند؟
ج. اگر حق حاکمان است، پس چرا سایر حکام جهان اسلام سهمی ندارند؟
د. اگر هیچ کدام نیست، پس آیا نوعی بدعت قلمداد نمی‌شود؟!

3. پرده‌داری کعبه

تشریفات پرده داری کعبه به جایی رسیده است که کارخانه‌ای عظیم با پرسنل و تجهیزات خاص برای پرده دوزی ایجاد شده و در طول سال به کار مشغول است. اگر کعبه یک سنگ نشان است که ره گم نشود ... آیا برای قطعه پارچه‌ای که مثلاً یک سال به کعبه مالیده شود این همه تشریفات لازم است؟!

پس از تعویض پرده، قطعات آن به رسم هدیه به بزرگان و حاکمان جهان اسلام و

غیر اسلام اهدا می‌شود. این پارچه ابزاری برای بزرگنمایی حاکمان سعودی تبدیل شده است که مراسمی خاص و تشریفاتی ویژه دارد.
البته اگر یک حاجی در طول سال و در حالی که این پارچه پوششی برای کعبه است، اقدام به بوسیدن آن پارچه یا لمس آن نماید یا خدای ناکرده رشته نخی از آن را بخواهد بردارد با برخوردهای رکیک و عبارات حرام، حرام ... چنان بلایی را به سر خویش خواهد دید که به کافر و مشرک و ... متهم خواهد شد. به راستی این استفاده ابزاری از پرده کعبه نیست؟!

4. حج بزرگان

در طول سال حاکمان و علمای بزرگ برخی کشورهای اسلامی به مکه و مدینه مشرف می‌شوند. حکومت سعودی در سکوت نابجای علمای خود، به ایجاد فضای امنیتی خاص و اسکورت بزرگان تا کنار حرم و آزار و اذیت سایر مسلمانان و ...

می‌پردازد تا مثلاً تکریم مهمان کرده باشد و البته این امکانات برای آن دسته از سران است که حکومت سعودی می‌خواهد به آنها امتیازی داده باشد. آیا این استفاده ابزاری از اماکن مقدس مکه و مدینه و زیارت آنها نمی‌باشد؟!

5. نوشته‌های روی پرده کعبه

هر ساله طرح‌های خاصی برای روی پرده کعبه انتخاب می‌شود. اگر چه از آیات قرآن استفاده می‌شود، اما مثلاً سوره قریش(اشاره به عربیت پیامبر) و آیاتی از این دست انتخاب می‌شود. اینک سؤال‌هایی مطرح می‌شود:
الف. آیا نوشتن آیات روی پرده کعبه سنت است یا بدعت؟!
ب. آیا نوع آیات نوشته شده دارای منشأ سنت است یا سلیقه و انتخاب افراد خاص؟!
ج. اگر کعبه فضایی دارای کاربرد تبلیغاتی است، چرا از آن استفاده بهینه نمی‌شود؟
مثلاً از کل سطح پرده فقط کم‌تر از 5% آن با نوشته‌ها اشغال شده است.

ص: 273

د. آیا رنگ سیاه پرده و نوشته‌های از جنس طلا سنت است یا بدعت؟!

ه. تعویض دوره‌ای(سالیانه) پرده کعبه سنت است یا بدعت؟ چرا چند ساله نباشد؟ چرا ماهیانه نباشد؟

و. اگر پرده کعبه محل هنرنمایی هنرمندان است، چرا هر سال به وسیله یک ملت مسلمان و با هنرهای ملل مختلف جهان تزیین نمی‌شود؟!

این سؤالات همگی نشان دهنده این است که از پرده کعبه به عنوان یک ابزار در جهت اهداف فرقه‌ای استفاده می‌شود.

6. جابجایی نمادهای حج

همان‌گونه که می‌دانیم محل مقام ابراهیم علیه السلام در زمان خلیفه دوم جابه جا شد. سپس در بازسازی مسجد الحرام در طی سال‌ها نیز تغییراتی- هر چند کم- در صحن مسجد الحرام داده شد.

اخیراً به علت ازدحام جمعیت در صحن مسجد، نماد چشمه زمزم که یکی از آیات الهی است به کلی از بین رفته و فقط آب آن لوله کشی شده است. آن هم آبی که از دریای سرخ منتقل می‌شود. آیا این عمل بدعت است یا سنت؟!

اگر سنت نیست آیا طبق فتوای علمای فرقه‌ای خاص از مذاهب اسلام جفا به دین پیامبر صلی الله علیه و آله، استفاده ابزاری از تجهیزات و لوازم زیارت نمی‌باشد؟!

7. حضور کفار در مکه و مدینه

حرمت حضور کفار در این دو شهر مقدس در قرآن به صراحت بیان شده است. از طرفی می‌دانیم که صنعت گردشگری در جهان یکی از رشته‌های پول‌ساز و پردرآمد است.
نگاهی به اطراف مسجد الحرام و مسجد نبوی ما را با هتل‌های خاصی مواجه می‌کند. مانند هتل اینتر کنتیننتال به نام دار التوحید، هتل شرایتون، هتل هیلتون، هتل ...
اینها هتل‌های معروف جهانی هستند که سهامداران اصلی آنها کفار، به ویژه یهودیان

می‌باشند. سؤال این‌جاست که:
آیا هدف قرآن حذف حضور فیزیکی آنها در این دو شهر بود، یا این‌که اسلام می‌خواهد منافع کفار، به ویژه از قِبَل مسلمانان را قطع کند؟
آیا اسم هتل را عوض کردن(مثلاً دار التوحید) باعث حذف منابع سرشار کفار از این مکان‌های مقدس می‌شود؟
آیا تغافل از کافر بودن سهامداران و اجازه فعالیت اقتصادی سودآور کلان در حاشیه این اماکن مقدس، موجب رضای خدا و تقویت امت اسلامی است؟!
مطالعه در ساختار هتل‌های موجود، استفاده ابزاری از کعبه و قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برملا می‌سازد.

8. قصر امیر

در نزدیک‌ترین نقطه به کعبه معظمه و در کنار کوه صفا که از آیات الهی است، قصری با عظمت که چیزی از عظمت کعبه(نعوذ باللّٰه) کم ندارد، خودنمایی می‌کند. این کاخ ملک فهد بوده و مشابه این کاخ در منی و در کنار محل رمی جمرات وجود دارد. بر همه واضح است که منی محلی مقدس و مورد توجه قرآن برای انجام مناسک الهی می‌باشد.
آیا به واسطه حکومت به کشور سعودی، ساخت و ساز کاخ‌هایی این‌گونه در اماکن مقدس که هر روز فضای آن برای انجام مناسک مسلمانان تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود، جفا بر جهان اسلام و استفاده ابزاری از این اماکن مقدس نمی‌باشد؟!

9. نماز میت

در این راستا نیز سه موضوع مهم قابل توجه است که به بررسی آن می‌پردازیم:

الف. در مکه و مدینه مؤسساتی هستند که با پول گرفتن از خانواده میت آن جنازه را کفن و دفن می‌کنند که البته رانت‌های وابستگی به حاکمان در اخذ مجوز این‌گونه فعالیت‌ها قابل انکار نمی‌باشد. آنها اگر خانواده میت پول ویژه‌ای بدهند، میت را به

طواف کعبه یا مسجد نبوی برده و در آن‌جا به میت اقامه نماز می‌شود. پس همه اموات شهر به ویژه فقرا از این نعمت برخوردار نیستند.
ب. اصل نماز میت عملی از نوع واجبات کفایی است. یعنی اگر تعدادی این کار را کردند، به سایرین تکلیفی نیست. این عمل مستحب را بر واجباتی چون نمازهای یومیه وصل کردن، آیا نوعی بدعت قلمداد نمی‌شود؟ آن هم بدعتی که عملاً همه را مجبور به حضور در این نماز می‌کند.
ج. در طول ایام برگزاری مراسم حج و در کتب اداره امر به معروف و نهی از منکر سعودی در مکه و مدینه بر این‌که طلب شفاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار شیعه عملی عبث و بیهوده است تأکید می‌شود.
در نماز میت(صلاة الجنازة) وقتی تکبیر سوم را می‌گویند طبق روایت ابی هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله که شیخان اهل سنت صحت آن را گواهی کرده‌اند، آمده است: «اللّهم إنّا جئناک شفعاء له فشفعّنا فیه»؛ یعنی خدایا ما به عنوان شفاعت از این مرده آمده‌ایم، پس شفاعت ما را قبول کن ...
سؤال این است که اگر شفاعت هر بنده خدا برای بنده دیگر او پسندیده و سنت است، چرا شما با این پدیده به شدت برخورد حذفی دارید؟!
به راستی این استفاده ابزاری از زیارت مسلمانان قلمداد نمی‌شود؟!

10. برخورد با مُهر

اشاره

به نظر می‌رسد که امامان شیعه برای جلوگیری از پرستش هر چیز غیر از خدای متعال، سجده بر طلا و جواهر و مصنوعات بشری را به پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام دانسته‌اند.

از طرفی علمای اهل سنت برای جلوگیری از مورد پرستش قرار گرفتن چیزی غیر از خدا صِرف اتصال به زمین را برای سجده کفایت دانسته‌اند و لذا بر هر چیزی سجده را روا می‌دانند.

پس اصل موضوع و هدف هر دو گروه شیعه و سنی نیل به خلوص در عبودیت حضرت احدیت و اجتناب از هر گونه انحراف به سوی بت پرستی جدید می‌باشد که هدف هر دو محترم و قابل توجه است.
برای حل این مشکل بهترین کار مراجعه به سنت نبوی است. لذا چندین روایت مستند اهل سنت را در این زمینه از کتاب آغاز و اتمام سجده، اثر آیت اللّه احمدی میانجی به شرح ذیل مطالعه می‌کنیم.

از تمامی ادلّه قطعی که تا بدین جا ذکر شد، اعمّ از اقوال، افعال، تصریح‌ها و اشاره‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و عمل و سیره صحابه- رضی اللّٰه عنهم- و آراء و نظریه‌های آنان و فتاوای فقها، به خوبی روشن شد که «سجده» در آغاز تشریع خود تنها بر زمین بوده و انجام می‌شده است، مگر در موارد ضرورت و اضطرار.

ولی باید توجه داشت که از دسته‌ای دیگر از ادله قطعی متواتر می‌توان چنین استنباط نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله سجده بر گیاهان غیر خوراکی و پوشیدنی را در زمان‌های بعد اجازه فرمود. و به تعبیری دیگر: پیامبر صلی الله علیه و آله در مسأله سجده، گیاهان زمین را به خود زمین ملحق نموده و آنها را از اجزای زمین به حساب آورد و بدین ترتیب بود که مسأله سجده آسان شده و مشکلات و سختی‌هایی که تحمل آنها برای مسلمانان دشوار می‌نمود، مرتفع گردید. و حتی بالاتر از این، به مسلمانان اجازه داده شد تا از گیاهان چیزی به نام «خمره» تهیه کرده و در خانه و مسجد، همراه خویش داشته باشند.

«خمره» از شاخ و برگ خرما و به اندازه صورت بافته می‌شد که در خانه‌ها و مساجد گذاشته و در نماز بر آن سجده می‌کردند و این کار به تدریج شیوع پیدا کرد و زیاد شد.

گر چه در این زمینه روایات زیادی وجود دارد، ولی ما در این‌جا تنها بخشی از آنها

را نقل می‌کنیم:
1. انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. (1) 2. ابن عباس روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. (2) 3. از ابن عمر روایت شده است که می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌گزارد. (3) 4. از عایشه چنین روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌گزارد. (4) 5. از امّ سلمه روایت شده که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. (5)

1- «کان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمرة». تاریخ اصبهان، أبی نعیم، ج 2، ص 141؛ المصنف، ج 1، ص 394؛ السنن الکبری، بیهقی، ج 2، ص 421؛ سیرتنا، ص 130؛ مجمع الزوائد، ج 2، ص 56- 57؛ به نقل از طبرانی در الأوسط والصغیر با سندهایی که رجال بعضی از آنها موثق هستند.

2- «انّ النبی کان یصلّی علی الخمرة». السنن الکبری، بیهقی، ج 1، ص 421؛ مسند احمد، ج 1، ص 269، 309، 320، 358، با سندهای متعدّد؛ ترمذی، ج 2، ص 151 که این دو، بابی را برای خمره گشوده‌اند؛ سیرتنا، ص 129؛ منحة المعبود، ج 1، ص 85؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 398؛ در مجمع الزوائد، ج 2، ص 56 و 57، از جابر نقل می‌کند که وی گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. راوی خبر هم بزّاز است.

3- «کان النبی صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمرة». مسند احمد، ج 2، ص 92 و 98 با دو سند، و در ج 6، ص 111 چنین آمده است: «انّ النبی صلی الله علیه و آله سجد علی الخمرة؛ یعنی: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره سجده می‌کرد». الطبقات، ج 1، ص 160، ق 2؛ ترمذی، ج 2، ص 151؛ شرح عون المعبود، ج 1، ص 108؛ مجمع الزوائد، ج 2، ص 56- 57، به نقل از احمد و بزّاز و طبرانی در الکبیر والأوسط، و این عبارت به آن اضافه شده است: «یسجد علیها؛ و بر آن سجده می‌کرد»؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 399.

4- «انّ النبی صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمرة». مسند احمد،

ج 6، ص 149، 179، 209، 248 و 334، با سندهای متعدد الطبقات، ج 1، ص 160، رقم 2 با سندهای متعدد. و در بابی که به همین عنوان گشوده است، ترمذی بعد از نقل این حدیث از ابن عباس می‌گوید: در این باب روایاتی از امّ حبیبه و ابن عمر و امّ سلیم و عایشه و میمونه و امّ کلثوم- دختر ابی سلمه- نیز وارد شده است. و سپس می‌افزاید: حدیث ابن عباس صحیح بوده و بعضی از اهل علم به آن فتوا داده‌اند. و احمد و اسحاق گفته‌اند: نماز خواندن بر خمره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است(منحة المعبود، ج 1، ص 85؛ مجمع الزوائد، ج 2، ص 56- 57).

5- مسند احمد، ج 6، ص 302؛ ترمذی، ج 2، ص 151؛ سیرتنا، ص 130؛ بحار الأنوار، ج 85، ص 157 از امام صادق و حضرت علی علیهما السلام است که: «ان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمرة».

6. از میمونه هم روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌گزارد. (1) 7. امّ ایمن می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: از مسجد برای من خمره بیاور.
عرض کردم: من حایض هستم. حضرت فرمود: حیض تو به دستت نیست. (2) 8. ابی قلابه می‌گوید: وارد خانه امّ سلمه شدم، سپس در مورد مکان نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختر پسر او سؤال کردم. او مسجد را به من نشان داد که خمره‌ای در آن وجود داشت، خواستم آن را بردارم و از آن‌جا دور کنم که امّ سلمه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. (3) 9. از امّ سلیم نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته نزد او می‌رفته و در آن‌جا خواب قیلوله می‌کرده و امّ سلیم برای حضرتش پوستی می‌گسترانیده تا پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی آن بخوابد. رسول خدا بسیار عرق می‌کرده و ام سلیم عرق او را جمع نموده و آن را در عطر و شیشه عطر می‌ریخته است. ام سلیم گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند. (4)

1- «کان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یصلّی علی الخمرة» مسند احمد، ج 6، ص 330، 331 و 335 با سندهای متعدد؛ منحة المعبود، ج 1، ص 85؛ ترمذی، ج 1، ص 151؛ سیرتنا، ص 126؛ الطبقات، ج 1، ص 160، ق 2؛ فتح الباری، ج 1، ص 364 و 413؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 328؛ سنن نسائی، ج 2، ص 57؛ سنن دارمی، ج 1، ص 319؛ بخاری، ج 1، ص 107؛ مسند ابی عوانه، ج 2، ص 80؛ و المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 398.

2- الإصابة، ج 4، ص 433؛ در شرح حال نامبرده: «قالت: قال لی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: ناولینی الخمرة من المسجد. قلت: انّی حائض. قال: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

3- الطبقات، ج 1، ص 160، ق 2: «دخلت بیت امّ سلمة، فسألت ابنة ابنها عن مصلّی النبی صلی الله علیه و آله، فأرتنی المسجد، فاذا فیه خمرة فأردت أن انحیّها، فقالت: انّ النبیّ صلی الله علیه و آله کان یصلّی علی الخمرة».

4- «انه کان یأتیها فیقیل عندها فتبسط له نطعاً فیقیل عندها و کان کثیر العرق فتجمع عرقه فتجعله فی الطیب والقواریر. قالت: وکان یصلّی علی

الخمرة». مسند احمد، ج 6، ص 477 به دو سند و ج 3، ص 103؛ سیرتنا، ص 129؛ در بحار الانوار، ج 85، ص 157 به نقل از دعائم الاسلام، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن حضرت بر خمره نماز می‌خواند. مجمع الزوائد، ج 2، ص 56- 57، به نقل از احمد، طبرانی در الکبیر، و ابی یعلی غیر از این‌که او گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله خمره و حصیری داشت که بر آنها نماز می‌خواند(کان لرسول اللّٰه صلی الله علیه و آله حصیر وخمرة یصلّی علیهما). از ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خمره نماز می‌خواند، که ابویعلی و طبرانی در الکبیر و المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 398، آن را نقل کرده‌اند و رجال ابی یعلی رجال صحیح هستند.

در عبارت احمد آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل ام سلیم می‌رفت و او برای آن حضرت پوستی را می‌گستراند تا حضرت بر روی آن بخوابد و ام سلیم عرق پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌گرفت و آن را به عطر خویش می‌افزود. و نیز برای آن حضرت، خمره‌ای پهن می‌نمود و حضرت بر آن نماز می‌خواند. (1) 10. عایشه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: برای من خمره‌ای بیاور، عرض کردم:
من حایض هستم. حضرت فرمود: حیض تو در دستت نیست. (2) در عبارتی دیگر از وی نقل شده است که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: خمره‌ای برای من بیاور. من گفتم: حایض هستم. و حضرت فرمود: آن را بیاور، همانا حیض زن در دست و زبان او نیست. (3) و در نقل دیگری آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود:
خمره‌ای از مسجد برای من بیاور. عایشه گفت: من حایض هستم. حضرت فرمود: آیا حیض تو در دست تو می‌باشد؟ (4) 11. از عایشه چنین روایت شده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود که به کنیزی فرمود: خمره‌ای برای من بیاور. جاریه عرض کرد که من حایض هستم.
حضرت فرمود: حیض او در دستش نیست. عایشه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله

1- مسند احمد، ج 3، ص 103: «كان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله يدخل على امّ سليم، فتبسط له نطعاً فيقيل عليه، فتأخذ من عرقه فتجعله فى طيبها وتبسط له الخمرة فيصلّى عليها».

2- «ان النبى صلی الله علیه و آله قال لها: ناولينى الخمرة. قالت: أنا حائض. قال: إنّها ليست فى يدک». صحیح مسلم، ج 1، ص 245؛ المصنف، ج 1، ص 327؛ ترمذی، ج 1، ص 90؛ سنن نسائی، ج 1، ص 192؛ ابن ماجه، ج 1، ص 207؛ ابوداوود، ج 1، ص 197؛ السنن الكبرى، بیهقی، ج 1، ص 186 و 189؛ مسند احمد، ج 2، ص 70 و 86 و ج 6، ص 101، 110، 112، 114، 173، 214، 229 و 245؛ تاریخ اصبهان، ابی نعیم، ج 2، ص 12؛ شرح عون المعبود بر سنن ابی داوود، ج 1، ص 108، به نقل از ابوهریره و ابن عمر و عایشه؛ سنن دارمی، ج 1، ص 248؛ منحة المعبود، ج 1، ص 62؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 398.

3- «قالت: قال رسول اللّه صلى الله عليه و آله: ناولينى الخمرة. قلت: إنّى حائض. قال: ناولينيها، فإنّ حيض المرأة ليس فى‌يدها ولافمها».

4- «إنّ النبى صلى الله عليه و آله قال لعائشة: ناولينى الخمرة من المسجد. فقالت: إنّى أحدثت. فقال: أو حيضتک فى يدک؟».

می‌خواست تا خمره را پهن کند و روی آن نماز بجا آورد. (1) 12. عایشه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خمره‌ای از مسجد برای من بیاور. من به حضرتش گفتم: حایض هستم و حضرت فرمود: حیض تو در دست تو نیست. (2) 13. میمونه- همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله- می‌گوید: رسول خدا نماز می‌خواند و من مقابل او بودم، گاهی در هنگام سجده لباس حضرت به من برخورد می‌کرد و آن حضرت بر خمره نماز می‌گزارد. (3) 14. نیز از میمونه منقول است: یکی از ما زن‌ها- در حالی که حایض بود- خمره را به مسجد برده و پهن می‌کرد. (4) 15. و نیز از میمونه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل او وارد می‌شد، در حالی که وی حایض بود، سپس او برای حضرت خمره‌ای را در محلّ نماز پهن کرده و

1- «إن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله کان فی المسجد، فقال للجاریة: ناولینی الخمرة. فقالت: إنّها حائض. فقال: إنّ حیضتها لیست فی یدها. فقالت عائشة: أراد أن تبسطها فیصلّی علیها». الطبقات، ج 1، ص 160، ق 2؛ سنن دارمی، ج 1، ص 247 و 197؛ سنن ترمذی، ج 1، ص 242؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 207؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 245؛ سنن ابی داود، ج 1، ص 68؛ سنن نسائی، ج 1، ص 146 و 192؛ مسند احمد، ج 6، ص 45، 106، 179، 214، 229 و 245؛ و با اندکی تفاوت در مسند ابی عوانه، ج 1، ص 313- 314، با سندهای متعدد.

2- «قال رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله: ناولینی الخمرة من المسجد. قالت، قلت: إنّی حائض. فقال: إنّ حیضتک لیست فی یدک». الطبقات، ج 1، ص 160، ق 2؛ سنن دارمی، ج 1، ص 247 و 197؛ سنن ترمذی، ج 1، ص 242؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 207؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 245؛ سنن ابی داود، ج 1، ص 68؛ سنن نسائی، ج 1، ص 146 و 192؛ مسند احمد، ج 6، ص 45، 106، 179، 214، 229 و 245؛ و قریب به این مضمون در مسند ابی عوانه، ج 1، ص 313- 314، با سندهای متعدد.

3- «عن میمونة- زوج النبی صلی الله علیه و آله- قالت: کان رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله یصلّی وأنا خداؤه وربما أصابنی ثوبه اذا سجد وکان یصلّی علی الخمرة». صحیح مسلم، ج 1، ص 458؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 328؛ سنن بیهقی، ج 2، ص 421؛ ارشاد الساری، ج 1، ص 405- 406؛

صحیح بخاری، ج 1، ص 90 و 106؛ سنن ابی داوود، ج 1، ص 176؛ شرح عون المعبود، ج 1، ص 248؛ سنن دارمی، ج 1، ص 319؛ فتح الباری، ج 1، ص 364 و 410؛ تیسیر الوصول، ج 1، ص 315(چاپ هند)؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 286 و ج 2، ص 360.

4- سنن نسائی، ج 2، ص 147 و 192؛ تراتیب الاداریه، ج 1، ص 81: «تقوم أحدنا بالخمرة إلى المسجد فتبسطها وهی حائض».

رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل او و بر آن خمره نماز می‌خواند. (1)(روایت را مختصر کردیم)
16. و نیز از او چنین نقل شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله سر خود را بر دامن یکی از زن‌های خویش می‌گذارد و قرآن تلاوت می‌کرد، در حالی که آن زن، حایض بود. یا این‌که یکی از ما زن‌ها در حالی که حایض بود، خمره آن حضرت را به مسجد برده و پهن می‌کرد. (2) 17. از عثمان بن حنیف نقل شده که می‌گوید: ای کنیز! خمره‌ام را بیاور و کنیز در جواب می‌گوید: من حایض هستم و وی در جواب کنیز می‌گوید: همانا حیض تو، در دست تو نیست. (3) 18. ابن عمر در غیر مسجد، روی خمره ایستاده و بر آن سجده می‌کرد، در حالی که حصیر خانه او، زیر آن پهن بود. (4) 19. در مورد ابن عمر نقل شده است که کنیزان او پاهایش را می‌شستند در حالی که حایض بودند و خمره برای او می‌آوردند. (5) 20. عمر بن عبدالعزیز روی خمره نماز می‌خواند. (6) 21. بعضی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام وضو بر دست پیامبر صلی الله علیه و آله آب می‌ریختند و

1- المصنف، عبدالرزاق، ج 1، ص 325: «إنّ رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یدخل علیها قاعدة وهی حائض، فتسبط له الخمرة فی مصلّاه، فیصلّی علیها فی بیتی(فی حدیث طویل، اختصرناه).

2- سنن نسائی، ج 1، ص 192: «کان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله یضع رأسه فی حجر إحدانا، فیتلوا القرآن وهی حائض. وتقوم إحدانا بخمرته إلی المسجد فتسبطها وهی حائض».

3- الطبقات، ج 8، ص 313؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج 2، ص 360: «إنّ عثمان بن حنیف قال: یا جاریة ناولینی الخمرة. قالت: لست أصلّی. قالت: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

4- المصنف، عبدالرزاق، ج 1، ص 394: «إنّ ابن عمر کان یصلّی علی خمرة تحتها حصیر بیته فی غیر مسجد، فیسجد علیها ویقوم علیها».

5- الموطأ، مالک، ج 1، ص 73؛ المصنف، عبدالرزاق، ج 1، ص 327 و 396؛ سنن دارمی، ج 1، ص 246؛ و قریب به آن در ص 249: «إنّ جواربه یغسلن رجلیه وهنّ حیض ویلقین إلیه الخمرة».

6- الطبقات، ج 1، ص 366، ق 2: «كان عمر بن عبدالعزيز يصلّى على الخمرة».

خمره برای او می‌آوردند، در حالی که حایض بودند. (1) 22. اشکالی ندارد که زن حایض بر دست وضو گیرنده آب ریخته و برای او خمره بیاورد. (2) 23. در مورد ابن عمر گفته شده است که وی روی خمره، نماز می‌گزارد. (3) 24. از ابوذر نیز نقل شده است که او نیز بر خمره، نماز می‌گزارده است. (4) 25. روایت شده که ابن عمر به کنیز خود گفت: خمره‌ای از مسجد برای من بیاور. کنیز در پاسخ او گفت: من حایض هستم. ابن عمر به او گفت: حیض تو در دست تو نیست. (5) احادیث مذکور در کتاب‌های وسائل الشیعه و المحاسن برقی و بحار الأنوار نیز آمده است. (6) شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، روایاتی را که بر جواز سجده بر خمره دلالت می‌کنند جمع آوری کرده است که ذکر بخشی از آنها گذشت. (7) وی به نقل از «کافی» از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که از ایشان درباره نماز بر روی خمره‌ای که در مدینه بافته می‌شود، سؤال شد و حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمود: روی آنچه نخ در آن به کار رفته است، نماز بخوان و بر آنچه پوست، در آن به کار رفته است، نماز نخوان. (8)

1- کافی، ج 3، ص 110(چاپ جدید)؛ التهذیب، ج 1، ص 397(چاپ جدید): «قد کان بعض نساء النبیّ تسکب علیه الماء وهی حائض وتناوله الخمرة».

2- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 95(چاپ جدید): «ولا بأس أن تسکب الحائض علی ید المتوضّی وتناوله الخمرة».

3- المصنف، ابن ابی شیبه، ج 1، ص 399: «عن ابن عمر: انّه کان یصلّی علی الخمرة».

4- همان مدرک: «عن أبی‌ذر: انّه کان یصلّی علی الخمرة».

5- المصنف، ابن ابی شیبه، ج 2، ص 360: «عن ابن عمر: انّه کان یقول لجاریته: ناولینی الخمرة من المسجد. فتقول: إنّی حائض. فیقول: إنّ حیضتک لیست فی یدک».

6- ر. ک: وسائل الشیعة، ج 1، ص 595 که از مشایخ سه گانه و المحاسن برقی نقل کرده است. و بحار الأنوار، ج 81، ص 108.

7- وسائل الشیعة، ج 3، ص 603.

8- «صلّ علی ما کان معمولاً بخیوطة ولا تصلّ علی ما کان معمولاً بسیورة». «سیور» چیزی است از پوست که به طول بریده می‌شود. و شاید تفاوت حصیری که نخ در آن به کار رفته با حصیری که در آن از پوست استفاده شده است- علی رغم این‌که هر دو در داخل شاخه‌های خرما پوشیده شده و مخفی هستند- این است که گاهی از اوقات، کارگران از مردار پرهیز نمی‌کنند و یا این‌که معتقدند که پوست مردار به وسیله دبّاغی پاک و طاهر می‌شود، چنان‌که الوافی، در حاشیه کافی به این مطلب اشاره دارد.(ر. ک: کافی، ج 3، ص 331 حاشیه آن).

ص: 283

مطالب فوق عیناً از کتاب آغاز و اتمام سجده، نوشته آیت اللّٰه علی احمدی میانجی نقل شده است.

ملاحظه می‌شود که در این میان دو استفاده ابزاری مهم انجام می‌شود:

1. کار شیعه نه تنها انحراف از سنت نبوی نیست که عیناً انجام سنت است.

2. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حتی خلفا هیچ‌گونه نهی از سجده بر خاک نکرده‌اند، یعنی اگر فعل اهل سنت خلاف شرع نباشد و قابل اغماض باشد(ان‌شاء اللّٰه) فعل شیعه با هیچ‌گونه نهی مواجه نشده است.

با این تفاصیل آیا برخورد با استفاده شیعه از مُهر نوعی استفاده ابزاری از قدرت حکومت بر مکه و مدینه قلمداد نمی‌شود؟!

11. مفاتیح و کتب ادعیه

اصل دعا مورد قبول اهل سنت هم قرار دارد. خواندن دعا بعد از دعاهای قرآنی در اهل سنت نیز دارای آداب و رسومی است و کتاب‌های بسیاری از علمای اهل سنت در این زمینه چاپ شده است.
مشکل کتاب مفاتیح الجنان، وجود زیارت عاشورا و لعن‌های پنجگانه در این زیارت است که غضب حاکمان سعودی و علمای آنها را به همراه دارد. این در حالی است که:
اولاً: این پنج نفر شامل کسانی هستند که حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نقض کرده و حقوق فرزندان‌شان را غصب نموده‌اند. اگر خلفای راشدین اهل سنت شامل این افراد نیستند پس این تعصب بی جا و غیر منطقی است.

ثانیاً: در مفاتیح هیچ اسمی از خلفا برده نشده است که تأکیدی باشد و این‌گونه با آن برخورد حذفی کردن کاری غیر معقول است.
ثالثاً: طبق نقل مجموع الفتاوی شیخ الاسلام(40/ 437) که از بزرگان علمای اهل سنت و مورد قبول وهابیت می‌باشند: «و أمّا من قتل الحسین أو أعان علی قتله أو رضی بذلک فعلیه لعنة اللّٰه والملائکة والناس أجمعین»؛ یعنی هر کس حسین علیه السلام را به شهادت رسانید یا در قتل او کمک کرد یا به آن راضی بود لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد. وقتی علمای وهابیت قاتل امام حسین علیه السلام و زمینه ساز این قتل(حتی اگر چهار نفر باشند) را مورد لعنت قرار می‌دهند، پس زیارت عاشورا که افراد مورد لعن را هم نام نمی‌برد هیچ اشکالی ندارد.
رابعاً: طبق روایات متعدد صحیح مسلم در باب فضائل علی علیه السلام (1) به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«اذکرکم اللّٰه فی أهل بیتی. اذکرکم اللّٰه فی أهل بیتی ...»؛ خیلی سفارش می‌کنم شما را به خدا درباره اهل بیتم. خیلی سفارش می‌کنم شما را به خدا درباره اهل بیتم ... حال اگر شیعه آنهایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او جفا کرده‌اند را لعن کند، آیا فعل حرامی انجام داده است؟
خامساً: طبق روایتی که اهل سنت نقل می‌کنند: روزی عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از جفای اعراب به خاندان نبوی شکایت کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به خدا هرگز مؤمن نمی‌شوید تا این‌که شما من را و اهل بیتم را به خاطر خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست بدارید.
آیا لعن کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی ایمانی آنها را در این حدیث شریف گواهی داده است کاری خلاف شرع است؟!
با این اوصاف آیا برخورد با کتاب مفاتیح الجنان در گمرک و در مشاهد شریفه به

1- ج 15، ح 188.

ص: 285
گونه‌ای که گویا شیعه کالای قاچاقی همراه دارد، استفاده ابزاری از لوازم و تجهیزات زیارت نمی‌باشد؟!

12. مصحف علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

از تبلیغ علیه شیعه در خطبه‌های نماز جمعه و نیز در کتب منتشر شده و همچنین در سخنرانی‌های داخل حرم‌های شریف و متهم ساختن آنها به داشتن مصحف فاطمه علیها السلام و مصحف علی علیه السلام به عنوان آخرین استفاده ابزاری از لوازم زیارت نام می‌بریم.

در جوامع شیعی هیچ قرآنی به این نام وجود ندارد. تمام شیعیان همان قرآن و مصحف محمدی را قبول دارند که در زمان عثمان خلیفه سوم جمع آوری شده است و امام صادق علیه السلام تأکید فرمود که این قرآن بی هیچ کم و زیاد مورد نظر اسلام است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به علت سعی در رعایت اختصار، به طور کلی در سه گروه استفاده‌های ابزاری به ترتیب ذیل، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت:

1. در گروه استفاده ابزاری از اماکن زیارتی، تعداد هشت مورد.
2. در گروه استفاده ابزاری از زایر، تعداد ده مورد.
3. در گروه استفاده ابزاری از ابزار و تجهیزات زیارتی، تعداد دوازده مورد.

1. قرآن مجید.
2. آغاز و اتمام سجده، آیت اللّٰه علی احمدی میانجی، دفتر انتشارات اسلامی.
3. ایمان به فرشتگان، دکتر صالح بن فوزان الفوزان، عضو کمیته فتاوای عربستان سعودی، ترجمه ابو عبداللّٰه، ریاض.
4. بیان ما تشرع زیارته و ...، عبدالعزیز بن باز، چاپ سوم، مکه مکرمه، 1427 ق.
5. پناهگاه توحید، عبدالرحمن السعدی عبدالعزیز بن باز، ترجمه اسحاق بن عبداللّٰه العوضی، 1384 ق.
6. التحریر من البدع، عبدالعزیز بن باز، مکه مکرمه، چاپ چهارم، 1426 ق.
7. تحفة الأبرار فی الأدعیة والآداب والأذکار، محمد بن جمیل زینو، چاپ سوم، 1427 ق.
8. زیارت مسجد نبوی و احکام و آداب آن، علامه عبدالعزیز بن عبدالدین باز، ترجمه اریس مسلم نژاد.
9. سخنرانی و اندرزهای پیامبر در حجة الوداع، عبدالرزاق بن عبدالحسن البدر، ترجمه فتح اللّٰه مطیع، چاپ اول، مکه مکرمه، 1427 ق.
10. فضائل الصلاة والسلام علی محمد خیر الانام، محمد بن جمیل زینو، مدرّس دارالحدیث مکه، 1427 ق.
11. مسائل توحید از طریق سؤال و جواب، دکتر ابراهیم بن صالح الخضری، قاضی محکمه بزرگ ریاض، 1424 ق.
12. نبذة فی العقیدة الاسلامیه، محمد بن صالح العثمین، چاپ عنیزه، 1428 ق.
13. الواسطه بین الحق والخلق، ابن تیمیه(شیخ الاسلام)، مدینه منوره.
14. وحدت و شفقت صحابه و اهل بیت، صلح درویش از علمای اهل سنت.

8. جامعه‌شناسی زیارت

اشاره

فاطمه بطیار

چکیده

زیارت مراقد مطهر معصومین گامی در مسیر تزکیه زایر است. این دیدارها، مقدّمه قرب معنوی است. زمینه را برای همسو شدن با آن انسان‌های والا و اسوه‌های کمال فراهم می‌سازد. اماکن زیارتی مهم در شاخه شیعه دین اسلام، مکه، آرامگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام از جمله عتبات عالیات در عراق و آرامگاه امام رضا علیه السلام در مشهد است. زیارت در معنی مذهبی به یک سفر طولانی به منظور انجام دستور مذهبی گفته می‌شود. زیارت اکثراً برای انجام یک کردار یا فریضه دینی و به اماکن مذهبی انجام می‌گیرد، اماکنی که برای پیروان آن دین مقدس به شمار می‌آیند. پدیده زیارت کمابیش در بیشتر دین‌های جهان وجود دارد. زیارتگاه‌ها، محیطهایی پاک است که صداقت و کمال را به یاد می‌آورد و بازدارنده از رذایل اخلاقی و افزاینده فضایل است. هر چه میزان خداشناسی، پیغمبرشناسی و ولی‌شناسی بیشتر باشد، به همان اندازه نصیب زایر از برکات این قبور نورانی و مزارهای متبرک بیشتر خواهد بود.
کلیدواژه‌ها: زیارت، ائمه، امامزاده، جامعه‌شناسی، شیعه.

مقدّمه

زیارت، خود را با الگو سنجیدن است. زایر هر که باشد، زیارت، هر گاه که انجام شود ... مزار در هر جا و هر سرزمین که باشد، کانونی برای رشد معنویات و زمینه‌ای برای رشد ارزش‌های الهی در انسان‌هاست، چه زیارت خانه خدا باشد، چه زیارتِ

مرقد رسول اللَّه، چه زیارت قبور اولیای دین و مدفونین مظلوم بقیع، و چه شهدای احد، مدفونین قبرستان ابوطالب(در مکه) و به خاک آرمیدگان در شهرهای مختلف و زیارتگاه‌های دور و نزدیک، مشهور و گمنام.
اینها همه، دل و جان را روشن ساخته و امید می‌بخشند، حتی زیارت قبور مؤمنان و صالحان نیز انسان را به یاد آخرت و صلاح می‌اندازد و یاد خدا را در دل‌ها بیدار می‌سازد. از قبور اولیا اللَّه، نور معرفت و هدایت می‌درخشد.
مکان‌های مقدس و مذهبی، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و حالت خضوع و آرامش ایجاد کرده، روح را سرشار از خلوص، دل را پر از امید، جان را لبریز از صفا و عشق می‌سازد. (1).
همت زایر در این مکان‌های مقدس باید توجه به این موارد باشد:
استفاده هر چه بیشتر از فضای پرنور این مکان مقدس با استغفار و طلب آمرزش و دعا برای خود و برادران دینی و قرائت قرآن کریم و خواندن دعاها و زیارت‌های وارد از ائمه علیهم السلام مانند زیارت جامعه و زیارت امین اللَّه و دعای عالیة المضامین و دعای مکارم الأخلاق و مناجات خمسه عشر امام سجاد علیه السلام. (2).

1. سلام، 2. شهادت، 3. توسل. هر یک از این محورها، مضامین بلندی دارد در «معنا و محتوا»؛
«سلام»، معرفت، محبت و اطاعت پاکان را صلا می‌زند و تولّای آنان را بازخوانی می‌کند. انسان با بیان سلام‌های خود مانند «السلام علیک یا سبیل اللّه الذی من سلک غیره هلک»، مهر و عشق خود را به تنها راه اظهار می‌کند و به راه می‌افتد.
«شهادت»، حضور یافتن در ساحت «معرفت»، «محبت» و «اطاعت» و بار یافتن در

1- http ://aftab .ir.

2- www .masoumeh .com /far /page .php ?page 2 id 1.

ساحل «تولّای پاکان و پاکی‌ها» است. این حضور و گواهی، در گلزار سخن و کلام و دامنه سرسبز بیان، جلوه می‌کند و زیبایی‌ها را در «أشهد أنّ بولایتک تقبل الأعمال و ...»، این گونه به تماشا می‌گذارد.
با توسل به قامت بلند تنها راه، روح خود را به سوی دشت و دمن پاکان روانه می‌سازد و زمینه‌های درخواست و اجابت آن را از معبود خود فراهم می‌کند و این سان ناله و نجوا سر می‌دهد: «و أتوسل بک و ... و أسئله ... أن تجعل لی کثرةً فی ظهورک و رجعةً فی أیّامک لأبلغ من طاعتک و مرادی» و «اللّهم أنصره نصراً عزیزاً و أفتح له فتحاً یسیراً» و ظهور، نصرت، فتح و ... را برای تنها راه از خدا، دعا و طلب می‌کند.

جامعه‌شناسی زیارت (1).

پیش از آن‌که مقصود از اصطلاح «جامعه‌شناسی زیارت» را توضیح دهیم، ابتدا هر یک از دو واژه «جامعه‌شناسی» و «زیارت» را تعریف می‌کنیم تا مدخل بحث فراهم آید و از ابهامات احتمالی آن بکاهد.

«جامعه‌شناسی» را می‌توان علم شناخت زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی تلقی نمود؛ (2) یعنی هنگامی که گروه‌ها، قشرها و طبقات بزرگ و کوچک یک جامعه را به طور نظام‌مند مطالعه می‌کنیم، در واقع، به جامعه‌شناسی آن جامعه پرداخته‌ایم. در این زمینه، نیازهای اساسی آنها و راه‌های جمعی را که آنها به برآورده ساختن نیازهای خود می‌پردازند، مورد توجه قرار می‌دهیم و اعمال و رفتار و کنش‌های جمعی الگودار آنها را مطالعه می‌کنیم. حال فرقی نمی‌کند که کل واقعیت اجتماعی و یا جامعه کل را مورد بررسی قرار دهیم(جامعه‌شناسی کلان) و یا تنها یک گروه، یک فرقه، یک اقلیت قومی و مذهبی را تحقیق نماییم(جامعه‌شناسی خرد).

1- http:// www. hawzah. net/ Per/ Magazine/ MR/ 540/ mr 90540. Asp

2- Giddens, Anthony, Sociology polity

اما «زیارت» اگر چه در اصل، به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن است، (1) ولی در معنای اصطلاحی متداول آن، به هرگونه دیدار و ملاقاتی زیارت اطلاق نمی‌شود.
بلکه زیارت ملاقات با اشخاص و دیدار از اماکنی است که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، شرافت، برتری و خارق‌العادگی می‌باشند. همین مفهوم را نیز می‌توان در متون دینی مشاهده نمود؛ مثلاً، در متون دینی به ما تأکید می‌شود که به زیارت عالمان دین برویم (2) و یا خانه خدا و قبر شریف پیغمبر صلی الله علیه و آله و قبور شریف امامان شیعه علیهم السلام را زیارت کنیم. (3) بدین‌روی، افراد به زیارت چهره‌های علمی و معنوی می‌روند و یا زایر اماکن عالیه و مشاهد مشرفه می‌شوند تا از اعتبار، قدسیت، فضیلت، معنا و روحانیتی که در شخص و یا مکان مزبور وجود دارد، بهره‌مند گردند.
حال با این توضیح، هنگامی که اصطلاح «جامعه‌شناسی زیارت» را به کار می‌بریم، مقصود عبارت از مطالعه آن دسته از رفتارهای گروهی، جمعی و جامعه‌ای است که عرفاً به عنوان عمل «زیارتی» (4) نامیده می‌شود. مطالعه منظم و روشمند رفتار یک گروه کوچک، که به زیارت امامزاده روستای خود می‌رود «جامعه‌شناسی زیارت» است، مطالعه جامعه‌شناسانه اعمال یک جمع چند هزار نفری که به زیارت امام رضا علیه السلام می‌روند هم «جامعه‌شناسی زیارت» است. همچنین مطالعه حالات، حرکات و سکنات و رویه و رفتار یک جمع چند میلیونی که سالانه به زیارت خانه خدا مشرف می‌شوند نیز «جامعه‌شناسی زیارت» است. در این زمینه، کوچکی یا بزرگی عرصه عمل اجتماعی و مطالعه آن، تفاوتی در صدق عنوان اصطلاح مورد بحث پدید نمی‌آورد، هرچند ممکن است تفاوت‌های عمقی را برای یک جامعه‌شناس ظاهر سازد.
همین معنا را با عبارت دیگری نیز می‌توان توضیح داد. هنگامی‌که پدیده زیارت را

1- زاره، یزوره، زیارة، زوراً أی قصده، فهو زائر، و هم زوار. ر. ک: المفردات، ماده «زور»؛ المصباح المنیر.

2- اصول کافی، ج 1، ص 39.

3- وسائل الشیعة، ج 8، ص 15.

4- زیارت از راه دور نیز اگر چه زیارت است، ولی در کانون بحث ما قرار ندارد.

چه در قالب زیارت یک گروه کوچک و یا در قالب یک جمع بسیار بزرگ با راه‌ها و روش‌های جامعه‌شناسانه مورد تحقیق قرار می‌دهیم، در واقع، به جامعه‌شناسی زیارت مبادرت ورزیده‌ایم. پس «جامعه‌شناسی زیارت» عبارت از شاخه‌ای و یا حوزه‌ای از جامعه‌شناسی است که به رفتار زیارتی جمع(به عنوان یک کنش جمعی و اجتماعی) می‌پردازد. در عین حال، از آن‌جا که زیارت مشاهد مشرفه و اماکن مذهبی خود یک عمل دینی است، جامعه‌شناسی زیارت در واقع، عرصه‌ای خاص از جامعه‌شناسی دین را تشکیل می‌دهد و در زیر مجموعه‌های آن قرار می‌گیرد.

به هر تقدیر، آنچه تاکنون گفته شد در واقع، شرحی متداول و متعارف و در عین حال، «آکادمیک» و همساز با ضوابط و قواعد جامعه‌شناسی از اصطلاح جامعه‌شناسی زیارت است، ولی این اصطلاح را می‌توان به شیوه‌ای گسترده‌تر و عمیق‌تر نیز توضیح داد و آن هنگامی است که در مطالعه پدیده زیارت، از ایده‌ای که جامعه‌شناس معروف معاصر سی‌رایت میلز در اثر بدیع خود به نام تخیل جامعه‌شناسانه (1) پیشنهاد کرده استفاده کنیم. آنتونی گیدنز یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان حاضر نیز در کتاب جامعه‌شناسی خود، این ایده را بسط داده و به طور نمونه، در مطالعه عمقی خود درباره «قهوه» به کار گرفته است. (2).

تخیل جامعه‌شناسانه به معنای فاصله گرفتن از شیوه متداول تفکر و اندیشیدن، و دور ساختن اندیشه از جریان‌های عادی زندگی روزانه، برای از نو نگریستن به آنهاست. حال اگر بخواهیم تخیل خلاق جامعه‌شناسانه را در مطالعه پدیده «زیارت» به کار گیریم، باید زیارت را نه تنها در رابطه با زایران، بلکه در شبکه وسیعی از روابط اجتماعی انسان‌هایی که به نحوی درگیر پدیده زیارتند، مورد مطالعه قرار دهیم. در این‌صورت، همه آنها که در تعامل مشترک با یکدیگر قرار می‌گیرند تا زیارت جمع

1- Mills, C. Wright The Sociological(0791. Penguim)Imagination

2- Giddens ,Anthony ,Op .cit ,p

شکل گیرد، در محدوده تحقیق و بررسی ما قرار می‌گیرند.
به توضیح بیش‌تر، جامعه برای انجام زیارت(در سطح کلان)، کارهای متعدد و متنوعی را تدارک دیده است، طیف وسیعی از نقش‌هایی را پدید می‌آورد که همگی در تحقق زیارت، سهیم می‌باشند، به گونه‌ای که بدون این کارها و بدون ایفای این نقش‌ها، زیارت جمعی تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، جامعه‌شناسی زیارت با استفاده از این اندیشه خلاق، که از سی‌رایت میلز فرا گرفته، پدیده زیارت- مثلاً، زیارت حضرت امام رضا علیه السلام- را تنها در سطح زیارت کنندگانی که به راحتی قابل مشاهده‌اند، محصور نمی‌بیند، بلکه مجموعه‌ای از ارتباطات و پیوستگی متقابلی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد که می‌تواند به صورت ذیل دسته‌بندی گردد:
1. در بدو امر، مجموعه انسان‌های بزرگ و کوچک، پیر و جوان، زن و مردی قرار دارند که عرفاً به عنوان «زوار» و یا «زایران» نامیده می‌شوند.
2. سپس دسته‌ای از انسان‌هایی که به کار ساختن، بازسازی، تعمیر و مرمت قبر و ضریح و حرم و بنای لازم برای زیارت جمع مشغولند.
3. دسته‌ای از افرادی که به آماده‌سازی فضای زیارتی مشغولند؛ مثلاً، نور، سرما، گرما، تهویه، نظافت زیارتگاه و امثال آن را آماده می‌کنند.
4. دسته‌ای از انسان‌هایی که به خدمات رسانی به زایران اشتغال دارند؛ آنها را به حرم راهنمایی می‌کنند، به هدایت گم‌شدگان می‌پردازند، نذورات و هدایا را دریافت می‌کنند، هدایایی به زایران می‌دهند، برای زایران زیارتنامه و روضه می‌خوانند، برای آنها مراسم سخنرانی برپا می‌کنند و ده‌ها کار دیگر شبیه این انجام می‌دهند.
5. دسته وسیعی از کارها و شغل‌ها که به آماده‌سازی غذای زیارت‌کنندگان می‌پردازند؛ مواد خام می‌آورند، پخت و پز می‌کنند و معمولاً به طور مجانی بین زایران توزیع می‌کنند و یا به آنها می‌فروشند.
6. بسیاری از کارها و شغل‌ها برای تأمین سرپناه زایران شکل می‌گیرد؛

مجموعه‌ای از هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، خانه‌های اجاره‌ای، چادرها، حسینیه‌ها، زایرسراها و نظایر آن‌که هزاران نفر را به یکدیگر مربوط می‌سازد.
7. دسته‌ای از افراد که به تأمین پارکینگ برای اتومبیل زایران مشغولند.
8. گروهی که برای زایران، قرآن و دعا و زیارتنامه چاپ می‌کنند و دسته‌ای که آنها را به فروش می‌رسانند.
9. دسته‌ای که برای زایران سوغات تدارک می‌بینند؛ آنهایی که مهر و تسبیح و نبات و نقل و نخود و کشمش و پرچم و انگشتر و عطر تولید می‌کنند و کسانی که آنها را به فروش می‌رسانند.
10. دسته‌ای که به امر بیماری و ناخوشی زایران می‌پردازند و بیمارستان و درمانگاه و داروخانه را سرپا نگه می‌دارند.
11. گروهی که برای پرکردن ساعات خالی زایران و سرگرمی آنها، کارهایی را در نظر می‌گیرند و اماکن و برنامه‌های تفریحی، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و امثال آن را می‌چرخانند.
12. دسته‌ای که وسایل سفر را مهیا می‌کنند و به امر ایاب و ذهاب و جابه‌جایی زایران از اطراف و اکناف کشور و گاه بیرون از کشور در سطحی بین‌المللی اشتغال دارند. انواع وسایل نقلیه(اتوبوس، قطار، هواپیما، اتومبیل شخصی) و درصد افرادی که از آنها استفاده می‌کنند نیز مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.
و ده‌ها مورد کارهایی از این قبیل. پس ملاحظه می‌کنید که شبکه بسیار وسیع و گسترده‌ای از عمل جمعی و تعامل گروهی در شکل‌گیری پدیده «زیارت» وارد عرصه می‌شوند که ذهن خلاق و چشم تیزبین جامعه‌شناس باید به دقت آنها را ملاحظه و محاسبه نماید تا بتواند شناخت دقیق و جامعی از آن به دست آورد. با این حساب، می‌توان حدس زد که اگر به طور مثال، سالانه سه میلیون نفر به زیارت مشهدالرضا علیه السلام می‌روند، احتمالا سی میلیون انسان به نحوی از انحا در شکل‌گیری این امر دخیل

بوده، بافت ارتباطی فوق‌العاده عظیمی از عمل و عکس‌العمل، کنش و واکنش، نقش‌ها و وظیفه‌ها را پدید می‌آورند که جامعه‌شناسی زیارت از بررسی و توصیف و تفسیر و تبیین آنها ظاهر می‌گردد.
نکته‌ای را که در این‌جا باید متذکر شویم این است که تمامی شبکه ارتباطی وسیعی که در سطور فوق به آنها اشاره شد، در حول یک کانون نمادین یک حرم، یک زیارتگاه(مثلاً، حرم حضرت رضا علیه السلام) شکل گرفته و تداوم می‌یابد که جزءجزء آن مکان برای شبکه ارتباطی مذکور محترم و مکرم بوده، ایجاد حالات معنوی و طراوت روحی می‌کند.
با این توضیح، اکنون تخیل جامعه‌شناسانه بهتر شناخته شد و دید وسیع و نگرش جامع‌الاطراف ناشی از آن به طور خرد و ریز بیان گردید. در واقع، پس از فراغت از این مرحله از بررسی و توصیف است که به مرحله دیگر- یعنی تفسیر و یا تبیین عمل جمعی زیارت- وارد می‌شویم و از خود می‌پرسیم که چرا و به چه خاطر، چنین جمع وسیعی از انسان‌ها به چنین کاری، که «زیارت» نامیده می‌شود، اقدام کرده، همواره آن را تکرار می‌کنند. آنها چه هدف و یا چه اهدافی را از عملشان منظور می‌دارند و زیارت چه کارکردی برای آنها دارد و چه نیازی از نیازهای انسانی، روانی و اجتماعی آنها را برآورده می‌سازد.
در پاسخ بدین سؤال، در ابتدا به حدس می‌پردازیم:(طرح فرضیه) و عامل و یا عواملی را که از نظر ما قادر است عمل زیارت را توجیه و تفسیر نماید، نامزد می‌کنیم(مثلاً معناخواهی، معنویت‌جویی) و سپس به ارزیابی آن پرداخته، توانایی، استحکام و جامعیت و اعتبار آن را مجدداً بازبینی می‌کنیم:
(ارزیابی فرضیه) و سرانجام، تفسیری از عمل زیارت ارائه می‌دهیم:(ارائه نظریه) که در واقع، دیدگاه ما نسبت به سؤال فوق در زمینه چرایی و چگونگی پدیده «زیارت» را بازگو می‌کند.

هر کدام از ما در اطراف محل زندگی خود با زیارتگاه امامزادگان زیادی مواجه شده‌ایم. اگر به مسافرتی نیز برویم در مسیر راه، ده‌ها امامزاده مشاهده می‌کنیم. در مسیرهای صعب، بالای کوه، در روستاهای کوچک و بسیاری جاهای باور نکردنی، مقبره‌هایی به نام امامزاده مشاهده کرده‌ام. این مکان‌ها که اکثراً مقبره فرزندان و نوادگان ائمه معصومین است، کارکرد و نقش فراوانی در زندگی اجتماعی ما ایرانیان ایفا کرده‌اند. در اکثر روستاها، در کنار امامزاده، قبرستان روستا نیز بنا شده است.
فعالیت‌های جمعی روستا، اعیاد و عزادارای‌ها، خصوصاً عزاداری روز عاشورا از امامزاده آغاز می‌شود و یا در آن پایان می‌یابد. مسافران و گذری‌ها نیز معمولاً از امکانات امامزاده استفاده می‌کنند. بسیاری از مریض‌ها، حاجتمندان و ... برای امامزاده نذر و نیاز می‌کنند. و حاجات خویش را از طریق امامزاده از خداوند طلب می‌کنند. در یک کلام امامزاده‌ها هویت خاصی به مذهب شیعه و پیروان آن داده‌اند که در هیچ جامعه‌ای یافت نمی‌شود. وقایع تاریخی و سیاسی و اجتماعی خاص، کتاب‌ها، فیلم‌ها، داستان‌ها و مقالات مختلفی بر این مبنا شکل گرفت. (1).

نتیجه‌گیری

زیارت، یک عمل تکراری و بی‌روح نیست. زایر، نباید به ظواهر، شکل‌ها، ساختمان‌ها، در و دیوار و نور و رواق بنگرد و از عظمت و معنویت معصومین غافل شود. سختی سفر جهت زیارت ائمه اطهار باعث دیدار ائمه از زایر در قیامت و کاهش گناهان او می‌شود. از دیدگاه سنت اسلامی، زیارت مؤمن در هر دو حال حیات و مرگ ثواب و اجر فراوان دارد، به‌ویژه اگر او، امام و پیشوای مؤمنان باشد.
به‌علاوه زیارت قبور انبیا و اوصیای آنان ترویج شعایر دین و زنده نگاه داشتن

.http:// khodayeman. blogfa. com/ post- 31. aspx -1

آیین و جاودانگی نام ایشان و توجه دادن دل‌ها به سویشان و تشویق و ترغیب مردم به پیروی از مرام و دینشان می‌باشد، و این کاری است که همه عقلای جهان آن را می‌پسندند و هر قوم در احیای آثار بزرگانشان و زنده نگاه داشتن نام و نشانشان و رواج دادن مرامشان می‌کوشند.
آری، دیدار مزار پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام تعظیم و بزرگداشت شعایر دینی است و تعظیم شعایر الهی از نشانه‌های تقوای دل‌هاست.
هنگام تشرف به آستان رفیع ائمه علیهم السلام و فرزندانشان از انجام کارهایی که باعث سوء استفاده دشمنان دین می‌شود، خودداری نماییم، مثل سجده کردن هنگام مشاهده ضریح و قبر منور، چرا که این قبیل اعمال نه مورد رضای خداست و نه صاحب این بارگاه نورانی آن را می‌پسندد؛ بلکه موجب تهمت افترای دشمنان شیعه به پیروان مکتب حیاتبخش اهل بیت علیهم السلام می‌شود.
بانوان و خواهران مسلمان، هنگام شرفیابی به محضر اولیای دین، باید رعایت حجاب کامل را نموده و از پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و زیارت با چهره‌ای نامناسب و یا خلاف شئون اسلامی خودداری نمایند، و حرمت آن حریم مقدس الهی را حفظ کنند، که در غیر این صورت زیارت آنها خودنمایی و سیاحتی بیش نخواهد بود، و نه تنها از فضیلت و پاداش برخوردار نخواهند شد، بلکه برای خود عذابی دردناک تدارک خواهند دید.

فهرست منابع

1. المفردات، راغب اصفهانی.
2. المصباح المنیر، فیومی.
3. اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1388 ق.
4. الحیاة، محمدرضا حکیمی و ...، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1360.
5. زیارة العلماء؛ الجلوس عندالعلماء.
6. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
7. بینش جامعه‌شناختی؛ نقدی بر جامعه‌شناسی امریکایی، سی. رایت میلز، ترجمه عبدالمعبود انصاری، شرکت‌سهامی انتشار، 1360 ..
8.:// . 9...//. 2 .1 .01.://..//// 540/ 90540..
11.،،. 21.،.) 0791.(. 31.،،.،. 41.://../- 31...

بخش دو مبانی فکری و اعتقادی

1. زيارت

اشاره

ص: 301

علی پناه اشتهاردی (1)

چکیده

در این نوشتار پس از بررسی مفهوم واژه زیارت و برشماری وجوه معنی زیارت، تحت عنوان اقسام زیارت‌های ثواب‌دار، به ده نوع زیارت که در احادیث آمده، اشاره شده است بدین قرار: زیارت بیت اللّٰه با حج یا عمره، زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام، زیارت قبور ائمه اطهار، زیارت امامان از راه دور، زیارت قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام، زیارت قبر عبد العظیم حسنی، زیارت مؤمنین، زیارت مؤمن بیمار، و زیارت قبور مؤمنین. سپس در ادامه مقاله درباره نقش و اثرات و ثواب زیارت، مستندات و شواهد زیارت از دیدگاه احادیث سخن به میان آمده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، حج، عمره، زیارت قبور، زیارت در احادیث.

مفهوم کلمه زیارت

زیارت به چهار معنی اطلاق می‌شود:

1. به معنی دیدار(به زبان فارسی) چنانچه در فرهنگ معین آمده است. لکن به این معنی نمی‌شود اکتفا و بسنده کرد، در اکثر مواردی که این کلمه به کار زده شده:

مثل «من زارنی(یعنی محمد صلی الله علیه و آله) کمن زار اللَّهَ فی عرشه» دیدار نیست.

بلکه زیارت هر یک از معصومین علیهم السلام «من زار فاطمة بقم وجبت له الجنّة». «من زار

1- با تأسف بسیار، هم‌زمان با ارسال این کتاب برای چاپ، حضرت آیت اللَّه علی‌پناه اشتهاردی استاد برجسته حوزه و اسوه و نمونه اخلاق در ماه مبارک رجب و بعد از خواندن نماز مغرب به دیدار حق شتافت. روحش شاد و با اولیای طاهرین قرین باد. کمیته علمی همایش.

عبدالعظیم بری کمن زار الحسین علیه السلام بکربلاء».
بلکه در قرآن مجید: «أَلْهاکُمُ التَّکاثُرُ* حَتّی زُرْتُمُ الْمَقابِرَ».
در خیلی از مقامات دیدار به معنی رؤیت به بصر و مردمک چشم یا محال عقلی است، مثل «زار اللّه فی عرشه» (1) یا محال عادی است، مثل زیارت ائمه معصومین علیهم السلام یا غیر معصومین و یا بی‌فایده است، مثل زیارت اهل قبور، چنانکه در «زُرْتُمُ الْمَقابِرَ» آمده است.
2. زیارت به معنی قصد(زار، یزور، زوراً و زیارةً، قصده) مجمع البحرین «من زار أخاه فی المصر أی قصده ابتغاء وجه اللّه فهو زوّره». (2) و در دعا آمده است: «اللهم أجعلنی من زوّرک(بالواو المشدّدة) أی من القاصدین لک». (3) 3. زیارت به معنی عرفی عمومی: «و الزیارة فی العرف قصد المزور إکراماً له و تعظیماً له و استیناساً به»؛ (4) یعنی زیارت در عرف مردم قصد کردن زایر است شخص مزور را برای گرامی داشت او و بزرگ شمردن او و برای انس با او.
4. زیارت بیت شریف در عرف فقها، قصد بیت اللّه شریف است برای تقرب، یعنی در عرف فقها و مجتهدین زیارت بیت اللّه شریف وقتی گفته می‌شود که فقط برای تقرب معنوی به باری تعالی باشد، نه تجارت و نه افتخار و نه عناوین دیگر غیر از تقرب به خداوند.

معنی چهارم زیارت به چند وجه است

1. حج: و لفظ زیارت و حِج(به کسر حاء) به یک معنی است و لذا آیه شریفه «وَ لِلَّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» (5) تفسیر شده است به قصد بیت(أی قصده و سعی الیه) (6) «... و الحج فی

1- چه زیارت خداوند در عرش باشد یا در فرش، یکسان است و این نه چنان است که طایفه ای از مسلمین گمان کرده اند که خداوند در عرش برقرار است. رجوع شود به کتاب عقیدة اهل السنة و الجماعة، تالیف محمد بن صالح، ترجمه اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی باللغة الفارسیة) ص 28، 30 و 42 و لازمه این تجسم است و مجسمه کافرند ..

2- مجمع البحرین، ج 2، ص 304.

3- همان.

4- همان، ص 305.

5- سوره آل عمران، آیه 97.

6- مجمع البحرین، ج 1، ص 458.

اللغة القصد و فی عرف الفقهاء قصد البیت للتقرب». (1) 2. عمره: کلمه زیارت و کلمه عمره هم به معنی واحد است، عمره بجا آورد، یعنی زیارت بیت اللّٰه را کرد.

«اعتمر الرجل زار البیت و المعتمر الزائر، و من هنا سمیت العمرة عمرة لأنّها زیارة البیت»؛ (2) یعنی عمره بجا آورد، زیارت کرد بیت را، و معتمر یعنی زایر و از این جهت عمره نامیده شده است برای این که عمره، زیارت بیت است.

«و یقال اعتمر فهو معتمر ای زار وَ قَصَد، و فی الشرع زیارة البیت الحرام بشروط مخصوصة مذکورة فی محلها»؛ (3) یعنی گفته می‌شود عمره بجا آورد، پس او معتمر است، یعنی زیارت کرد و قصد کرد و در شرع مقدس: زیارت بیت الحرام با شرایط مخصوصی که در محل خود(کتاب الحج) ذکر شده است.

از مجموع مطالب گذشته استفاده می‌شود: زیارت، حج، عمره به معنی قصد است.

بلی در ترتب ثواب در نزد فقها شرط است که در این مفاهیم سه گانه انگیزه‌اش خدا باشد و اگر انگیزه تقرب به خداوند نباشد، هر چند دیدار بصری فقط یا حضور زایر نزد مزور کافی نیست در ترتب ثواب و اجر، هر چند از حیث لغت صدق زیارت می‌کند و شاید کسانی که زیارت را دیدار معنی کردند(هر چند در اکثر استعمالات منطبق نمی‌شود) مرادشان صرف صدق لغوی است.

اقسام زیارت‌های ثواب‌دار

1. زیارت بیت اللّه شریف

آنچه که از بررسی احادیث اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید این است که حقیقت حج همان طواف بیت شریف بوده است تا زمانی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله حجة الوداع را انجام

1- همان.

2- همان، ج 3، ص 249.

3- همان.

داد (1) و قبل از انجام اعلام فرمود: «خُذُوا عَنّی مَناسِکَکُم». (2) پس کسانی که قبلاً در خود مکه معظمه یا حوالی مکه بودند، زیارت البیت آنها خودِ طواف بوده و صرفِ وجودشان در بیت حتی یا نظر به بیت فقط زیارتِ بیت نبوده و نیست، هر چند بعد از اسلام برای اهتمام این بیتِ شریف، معصومین فرمودند: «النظر الی بیت اللّٰه عبادة»، لکن زیارة البیت نبوده است.

زیارت بیت اللّٰه با حج یا عمره

اصل مشروعیت هر دو از ضروریات اسلام است و در ضروریات نیازی به ذکر دلیل دیگر نیست، بلکه از اول بنیاد این بیت شریف مورد نظر و توجه همه انبیای عظام بوده و امت هر پیغمبری که خود را امت آن پیغمبر می‌دانستند قهراً تبعیّت می‌کردند، پس ضروری همه افراد بشر مؤمنِ به خدا و رسول خودشان بود.

و هر کدام از امم سالفهِ مؤمن به پیغمبر زمان خود با اعمال مخصوص احترام می‌گذاشتند. برای تیمّن به بعض روایات اشاره می‌کنیم.

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کشتی نوح در هنگامی که زمین را آب فرا گرفته بود مأمور طوافِ بیت شد، پس از آن کشتی در ایام منی(ایام البیض) آمد پس از آن برگشت و مأمور طواف نساء بیت شد. (3) و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود: کشتی نوح خانه خدا را طواف کرد و در صفا و مروه هفت دور سعی کرد. (4) و در حدیث دیگر از امام باقر علیه السلام: حضرت موسی بن عمران با همراهی بقباد پیغمبر از درّه‌های زمین روحاء با عبای قطوانیّه می‌گفتند: «لبیک عبدک ابن عبدک». (5) و در حدیث دیگر(سنداً اصحّ روایات دیگر است) حضرت موسی به صفحه

1- فروع کافی، باب بدء الحجر و باب بدء البیت و بابان اول ما خلق اللّٰه من الارضین موضع البیت.

2- مستدرک الوسائل، ج 9، ص 420.

3- کافی، باب حج الأنبیاء، ج 4، ص 212، ح 1.

4- همان، ح 2.

5- همان، ص 213، ح 3.

زمین روحاء (1) بر شتر قرمز رنگ عبور کرد، دهنه آن شتر از لیف بود و دو عبای قطوانیّه همراه داشت و در آن حال می‌گفت: «لبیک یا کریم لبیک». راوی می‌گوید: یونس بن متی به همین سرزمین رفت و عیسی بن مریم و محمد صلی الله علیه و آله (2) به صفائح الرَّوحاء رفتند و همه اینها لبیک‌گویان به الفاظ مختلف. (3) و در حدیث دیگر حضرت باقر علیه السلام فرمود: سلیمان بن داود حج بیت کرد همراه جن و انس و پرنده‌ها و بادها و پوشش قباطی (4) به خانه خدا پوشاند. (5) و در حدیث دیگر حضرت باقر علیه السلام فرمود: هفتصد پیغمبر در مسجد خیف نماز خوانده‌اند و بین رکن و مقام پر از قبور انبیا و قبر حضرت آدم در حرم خداوند است. (6) و از مجموع این احادیث استفاده می‌شود که تمام انبیای عظام مأموریت طواف بیت شریف که همان زیارت است را داشتند و همه هم به امر الهی بود، حتی کشتی حضرت نوح علیه السلام چون در بردارنده نوح و مؤمنین به نوح علیه السلام بود. در زیارت این بیت معظم، همین قدر اکتفا می‌کنم.

2. زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

زیارت کردن پیغمبر گرامی خاتم صلی الله علیه و آله که دو صورت دارد:
الف. در حال حیات آن وجود مبارک، حضرت ابی عبداللّه امام حسین علیه السلام می‌فرماید: به پدرم عرضه داشتم: ای پدر چه اجر و ثوابی است برای کسی که زیارت کند تو را؟ رسول خدا فرمود: ای پسرک من هر کس زیارت کند مرا در حال زنده بودن و مرده بودن من یا زیارت کند پدر تو را(علی علیه السلام) یا برادرت را(حسن علیه السلام) یا تو را(حسین علیه السلام) بر من حق است که او را در روز قیامت زیارت کنم و خلاصی دهم او را از گناهان. (7)

1- روحاء بر وزن قمراء شهری است در چهل میلی(80 کیلومتر) مدینه و همچنین است و صفائح الروحاء(مضمون بیان مجمع البحرین).

2- قبل از بعثت.

3- همان، ح 4.

4- پارچه سفید مصری.

5- همان.

6- همان، ح 7.

7- فروع کافی، کتاب الحج ابواب الزیارات، باب زیارة النبی، ح 4.

مؤلف گوید: هدف از نقل این حدیث شریف همان جمله اولی است که هر کس زیارت کند مرا در حال حیات، و اما بقیه مذکورات، پیغمبر اسلام تفضلاً بیان کرده است، به اعتبار این که اینها منسوبین آن حضرت بودند.
ب. بعد از وفات آن حضرت، در حدیث شریف آمده است: ابن ابی نجران می‌گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم چه اجری است برای کسی که رسول اللّٰه را متعمداً زیارت کند؟ فرمود: برای او است بهشت.
و در حدیث دیگر نقل شده که فضیل بن یسار گفته است: (1) زیارت قبر رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و زیارت قبور شهدا و قبر حسین علیه السلام، برابر با انجام حج است با رسول خدا (2) و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که: رسول خدا فرموده است: هر کس برای زیارت من بیاید من روز قیامت شفیع او هستم. (3) و اخبار دیگر که تواتر معنوی دارد و همین چند حدیث برای تبرّک نقل کردیم.
اصل تأکید در استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسلّمات است و فرقی نیست بین این‌که برای حج برود و بعد از اعمال حج یا قبل از آن باشد، هر چند صاحب الوسائل خصوصیّت را بعد از اعمال حج عنوان کرده است. (4)

3. زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام

در حدیث آمده است که یونس ابی وهب القصری، می‌گوید: وارد مدینه شدم و به محضر حضرت صادق علیه السلام رسیدم، عرض کردم: محضر شما رسیدم و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نکردم، حضرت فرمود: بد کاری کردی، اگر نه این بود که تو از شیعیان ما هستی به تو نگاه نمی‌کردم، چرا زیارت نکردی کسی را که خدا و ملائکه و

1- در وسائل الشیعة، ج 10، ص 255(20 جلدی)، ح 13: فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام(از کافی) و این‌صحیح است شاید در نسخه کافی این‌جانب سقط شده است و اللّه العالم.

2- کافی، همان، ح 1.

3- کافی، همان، ح 3.

4- وسائل الشیعة، باب 2، من ابواب المزار، ج 10، ص 252.

انبیا و مؤمنین او را زیارت کرده‌اند؟ عرض کردم: نمی‌دانستم این را، فرمود:
بدان امیرالمؤمنین علیه السلام با فضیلت‌تر است در نزد خدا از همه ائمه علیهم السلام و برای او است ثواب اعمال تمام ائمه، یعنی به مقدار اعمال ائمه به او فضیلت داده می‌شود. (1) مؤلّف گوید: از این حدیث ظاهر الصدق استفاده می‌شود که اعمال امیرالمؤمنین علیه السلام به تنهایی مطابق همه اعمال ائمه است و هر یک از ائمه هم بر طبق اعمال خود بر همدیگر برتری دارند.

4. زیارت همه ائمه علیهم السلام

در حدیث شریف آمده است که حسن بن علی الوشّا می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: هر امامی عهدی و پیمانی در گردن دوستان و شیعیان خود دارد، و از جمله خوب ادا کردنِ آن، زیارت قبور آنهاست؛ پس هر کس زیارت کند آنها را برای میل و رغبت در زیارت آنان و برای تصدیق کردن به چیزی که آنها راغبند، ائمه معصومین همگی شفعاء او هستند در روز قیامت. (2) و در حدیث دیگر نقل شده است که زید شحّام، می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چه چیز است برای کسی که زیارت کند یکی از شما را؟ فرمود: مثل کسی است که رسول خدا را زیارت کرده است. (3)

5. زیارت هر یک از امامان از راه دور

ابن ابی عمیر به نحو ارسال(که حکم اسناد به راوی آخری را دارد) می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: هرگاه برای یکی از شما شیعه‌ها زحمتِ آمدنِ نزد قبور ما و خانه او دور بود و در اثر دوری به زحمت می‌افتد، پس بالا برود به بلندترین جای منزل خود

1- کافی، کتاب المزار، باب فضل الزیارات و ثوابها، ح 3.

2- همان باب، بدون عنوان(بعد از باب مسجد غدیر)، ح 2.

3- همان، ح 1.

یعنی پشت بام و دوِ رکعت نماز بگزارد و به سوی قبور ما اشاره کند و بگوید: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا فلان»، این سلام به ما می‌رسد. (1)

6. زیارت قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام

در حدیث شریف آمده است که سعد بن سعد می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام درباره زیارت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام در قم پرسیدم، فرمود: کسی که زیارت کند او را پس برای او است بهشت. (2)
و در حدیث دیگر نقل شده است که ابن الرضا علیه السلام فرمود: کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند پس برای اوست بهشت. (3)

7. زیارت قبر عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی در ری

در حدیث شریف آمده است که محمد بن یحیی نقل می‌کند از کسی که به نزد امام هادی علیه السلام رفت، و آن کس از اهل ری بود، می‌گوید: نزد ابی الحسن العسکری علیه السلام وارد شدم، حضرت فرمود: کجا بودی؟ عرض کردم: زیارت حسین علیه السلام بودم، فرمود: آگاه باش اگر زیارت کرده بودی قبر عبدالعظیم را که در نزد شما اهل ری است، هر آینه مثل کسی است که زیارت کرده باشد حسین علیه السلام را. (4)

8. زیارت مؤمنین خصوصاً صلحا

در حدیث است که یعقوب بن شعیب گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که برادری را که در شهری دیگر دارد برای خدا زیارت کند، حکم زایر خدا را دارد و بر حق تعالی است که گرامی بدارد زایر خود را. (5)

1- کافی، کتاب المزار، باب النوادر، ح 1، مؤلف گوید: درباره زیارت فاطمة الزهرا علیها السلام رجوع شود به وسائل الشیعة، کتاب الحج، ج 10، ابواب المزار، باب 96، ح 1، چون طولانی بود نقل نکردیم، ص 453.

2- وسائل الشیعة، کتاب الحج، ابواب المزار، ج 10، ص 452، ح 1.

3- همان، ح 2.

4- وسائل الشیعة، کتاب الحج، ابواب المزار، باب 93، ح 1.

5- وسائل الشیعة، باب 97، ح 1.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مسلمانی برادر مسلمان خود را در راه خدا و برای خدا زیارت کند، به او ندا می‌شود: ای کسی که این چنین زیارت کردی، پاکیزه شدی و پاکیزه باد برای تو بهشت. (1) حضرت باقر علیه السلام فرمود: سه طایفه‌اند که برای خدا داخل بهشت می‌شوند: 1. کسی که بر علیه خود حکم کند به حق؛ 2. مردی که زیارت کند برادر مؤمن خود را در راه خدا؛ 3. کسی که برادر مؤمن خود را بر خود مقدم بدارد در راه خدا. (2) حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کسی که توانایی صله ما را ندارد، صله کند فقرای شیعیان ما را و کسی که توانایی زیارت ما را ندارد، زیارت کند برادران صالح ما را. (3) مؤلف گوید: اخبار در این باب زیاد است و همه، زیارت برادران را مقید فرموده‌اند به این‌که اگر دیدار صرفاً برای خدا باشد ثواب دارد، نه برای دنیا. بنابراین همه باید مواظب باشند که زیارت علما برای همین جهت باشد، نه برای اغراض مادی و دنیایی.

9. زیارت مؤمن هر چند مریض یا دور باشد

در حدیث است که ابی غرّه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس زیارت کند برادر خود را در راه خدا، چه در مرض و چه در صحّت و به قصد خدعه و گول زدن او نباشد و به قصد این‌که چون او هم به زیارت او آمده بود، هم نباشد، خداوند متعال هفتاد هزار ملائکه را وادار می‌کند که ندا کنند در پشت سر آن مؤمن زایر که پاک شدی و پاک باد برای تو بهشت، شما(زوار مؤمن) زایرین خداوند و واردین بر رحمان هستید، تا به منزل خودش برگردد، بشیر می‌گوید: فدایت شوم هر چند راه دور باشد؟ فرمود: ای بشیر هر چند به اندازه یک سال راه باشد، خداوند جواد است و ملائکه مشایعت می‌کنند او را تا به منزل خود برگردد. (4)

1- وسائل الشیعة،، همان، ح 2.

2- همان، ح 4.

3- همان، ح 5.

4- همان، باب 99، ح

ص: 310

مؤلف گوید: نظایر این اخبار بسیار زیاد است و به جهت رعایت اختصار به همین اکتفا می‌شود.

10. زیارت قبور مؤمنین و دعا برای آنها

صدوق رحمه الله به نحو ارسال از حضرت رضا علیه السلام نقل کرد، فرمود: «ما من عبدٍ زار قبر مؤمن فقرء علیه انا انزلناه فی لیلة القدر سبع مرات الا غفر اللَّه له و لصاحب القبر»؛ (1) هیچ عبدی نیست که زیارت کند قبر مؤمنی را و پس از آن قرائت نماید سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را هفت مرتبه، مگر این‌که خداوند می‌آمرزد برای او و صاحب قبر را.

مؤلف گوید: این ثواب مخصوص برای قرائت آن سوره است نه صرف زیارت.

و روایات متعدد دیگری هم در همان باب 57 وسائل به این مضمون وارد شده که علاقه‌مندان می‌توانند مراجعه فرمایند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زیارت کنید مردگان خود را، چون آنها به واسطه زیارت شما خوشحال می‌شوند و باید طلب کنند حاجت خود را نزد قبر پدر و مادر، با آنچه که دعا می‌کنید برای پدر و مادر. (2) مؤلف گوید: چون حضرت در این حدیث امر کرده به زیارت قبور، پس اصل زیارت آنها مطلوب است مستقلاً هر چند چیزی نگوید و نخواهد.

از مجموع این اخبار شریف به دست می‌آید که اصل زیارت مطلقاً جنبه عقلایی دارد، اما ثواب آخرتی متوقف است بر این که به قصد قربت باشد تا این که از عبادات محسوب شود.

چنانچه تذکر داده شد، زیارت یک امری عقلایی جهانی است و هر گروهی و هر مذهبی عملاً و قولاً به کار می‌زنند.
نقش زیارت در تأثیرگذاری روحیه انسان‌ها پیرو انگیزه‌هاست، به حکم «إنّما

1- همان، باب 57، ح 5.

2- همان، باب 54، ح 5.

الأعمال بالنیّات» (1) پس انگیزه و نیّت فقط ارتباط صوری مادی است و جز این اثری ندارد.
و اگر با قطع نظر از جهات مادی است، به این معنی که زایر می‌خواهد با مزور محبت پیدا کند، بلا اشکال همین مقدار که انگیزه‌اش بوده است مرتب است و اگر با قطع نظر از هر دو(مادی- ایجاد محبّت) یعنی چون خداوند امر فرموده است زیارت کنید چه مزور معصومین علیهم السلام باشند یا برادران دینی یا احیاناً غیر دینی(چنانچه در مقام تقیّه باشد) یعنی فقط نیّت و انگیزه، فرمانبرداری باشد، نتیجه و اثرش فقط تقرب زایر به فرمانده است.
از این جهت است که شرع مقدس هم انواع و اقسام زیارت را مقید کرده است که فی اللّه یا للّه‌باشد، یعنی چون خداوند فرموده است برود به زیارت معصوم علیهم السلام یا غیر معصوم از سایر برادران دینی یا مذهبی، بلکه زیارت بشر و این انگیزه(للّه و فی اللّه) تمام آثار را در بر دارد. مثل ارزش‌های معنوی، بهداشت روانی، نشاط درون، امید به آینده، تقویت باورهای مذهبی، تبلور عواطف، سلامت خانواده، ظلم‌ستیزی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، بلکه جایگاه اقتصادی، اما آن اقتصادی که مبتنی بر موازین شرعی باشد، همان شرعی که زیارت را امر کرده، همان اقتصاد را امر کرده نه اقتصاد غربی یا شرقی و به عبارت واضح‌تر غیر خدایی. بلکه ویژگی‌های زایر، مزور، رفتارهای مطلوب.

1. عمل نیکان عالم وجود، مانند انبیا، اولیا، معصومین و غیر معصومین.
2. دستور اهل بیت علیهم السلام، صاحب وسائل بابی را عنوان کرده به عنوان(باب استحباب زیارة المؤمنین خصوصاً الصلحاء) که در این باب دوازده روایت نقل فرموده، حقیر

1- وسائل الشیعة، ج 1، باب 5، من ابواب مقدمة العبادات، ح 6 و 7.

حدیث دوازدهم را نقل می‌کنم. عباد بن صهیب می‌گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام حدیثی را بیان می‌فرمود: و در آن سه کلمه است و هر سه تعبیر شده به مهمان خدا

1. فرمود: مردی که حج یا عمره انجام می‌دهد، پس او مهمان خداست تا به منزلش برگردد.

2. کسی که در نماز است، او در حفظ خداوند است تا از نماز فارغ شود.

3. مردی که زیارت کند برادر مؤمن خود را برای خدا، پس او زائر خداست و اجر و ثواب او به سرعت به او می‌رسد و او در خزاین رحمت خداست. (1)

خواننده محترم ملاحظه می‌کند که در این حدیث، خداوند زایر برادر مؤمن را زایر خود دانسته است و اما حاج و معمر و نمازگزار را در حفظ خود قرار داده است.

شاید سرّ این اختلاف تعبیر، این باشد که آنها واجب می‌باشند، اما زیارت برادر مؤمن مستحب است، شبیه سلام و جواب سلام، با این‌که سلام کردن مستحب است و جوابش لازم بلکه جواب سلام چند برابر جوابش است، چنانچه در بعضی اخبار است. (2) و اما در رابطه با تعمیر قبور کسانی که مورد توجه هر گروهی بودند، به نظر می‌رسد که حسن این، جزء امور بین المللی امم گذشته هم بوده است.

چند شاهد

1. خداوند متعال در قرآن مجید در داستان اصحاب کهف بنابر قولی که شیخ طریحی در مجمع البحرین نقل کرده که اینها پسران سلاطین روم بودند، خداوند اسلام را روزی اینها کرد و در زمان دقیانوس که یک نحوه فترت و فاصله بود بین زمان عیسی بن مریم و محمد صلی الله علیه و آله. (3)

1- وسائل الشیعة،، ج 10، کتاب الحج، باب 97، ص 458، ح 12.

2- ر. ک: وسائل الشیعة، باب 33، من ابواب احکام العشرة من کتاب الحج، ص 437.

3- مجمع البحرین، مادّه کهف.

بعد از آن که خداوند متعال آنها را بیدار کرد و به عین الیقین مردم آن زمان دیدند که وعده خدای به بعث و حشر راست است و دیگر بدانند که در قیامت هیچ شک نیست، و در امکان و وقوع آن. (1) عده‌ای از مردم آن زمان گفتند: ساختمان درست کنیم مثل دیوار تا مردم نبینند و اینها کسانی بودند که منکر حشر بودند، (2) دسته دیگر که غالب بودند در امر دین گفتند:

باید مسجدی فرا گیریم که در آن نماز بخوانند، یعنی بر قبور آنها مسجد بسازیم، در نتیجه مردم به یاد اینها باشند.

معلوم می‌شود که متدینین آن زمان، حفظ قبور اصحاب کهف را به این می‌دانستند که در آن جا مسجد ساخته شود تا مردم به زیارت آنها نایل گردند و بدین وسیله مثاب و مأجور شوند.

2. حضرت زینب علیها السلام (3)(در مسیر اسارت وقتی که مشاهده کرد لشکریان طاغوت کشته‌های خود را دفن کردند، دید حضرت زین العابدین صلوات اللّٰه علیه خیلی ناراحت است، به طوری که نزدیک است جان خود را از دست بدهد) خطاب به برادرزاده کرده اظهار داشت: به جزع و فزع نیندازد تو را به خدا قسم این یک عهدی و پیمانی بود از جانب خداوند به جد تو(پیغمبر) و پدرت(علی) و عموی تو(حسن) و به تحقیق خداوند عهد و میثاقی از مردمان این امت گرفته که نمی‌شناسند آنها را فرعون‌های روی زمین که خودشان شناسایی شده‌اند بین آسمانی‌ها(ملائکه و جنود معنوی).
و آنها می‌آیند برای جمع این اعضای متفرقه(شهدای کربلا) پس پنهان

1- این عبارت مأخوذ از تفسیر زواره‌ای استاد ملا فتح اللّٰه کاشی می‌باشد.

2- «قالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلى أمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» سوره کهف، آیه 21. مفسرین گفتند مراد از غلبوا دراین آیه یعنی اکثریت دین‌دارهای آن زمان.

3- صدوق، علی بن الحسین بابویه فرمود: اعتقاد من این است که حضرت زینب علیها السلام ولایت موقته داشته‌است از جانب خداوند برای حفظ امام زین العابدین تا از کشته شدن به دست دشمنان محفوظ بماند تا نسل امامت تا ظهور حضرت مهدی(عج) باقی بماند.

می‌کنند این اجساد به خون آغشته را و برافراشته می‌کنند در این مکان طفّ(شهادت) نشانه‌هایی برای قبر پدر تو(حسین بن علی علیهما السلام، سید الشهداء) هیچ‌گاه کهنه نخواهد شد و هیچ‌گاه آثار او از بین نخواهد رفت هر چند روزگار سپری شود چه شب‌ها و روزهای زیادی هر چه کوشش و جد و جهد کنند سَرْدَمداران کفر و شیعیان رؤسای گمراه در محو و از بین بردن(بلکه به عکس و وارونه اثر دارد) و آن این‌که ظهور او آشکارتر می‌شود و بالا می‌گیرد. (1) مؤلّف می‌گوید: اساساً شیطان که دشمن قسم خورده همیشگی است، از روز اول قسم خورده است که همه بندگان خدا را اغوا کند، راه را منحصر به این دانسته است که کسانی که راهنما و هدایت‌کننده به طرف خداوند هستند را متهم کند یا به سحر یا به جنون یا به سفاهت و بی‌عقلی و لذا هیچ وقت خداوند پیغمبری نفرستاده است مگر این‌که این‌گونه افسانه‌ها را به آنها می‌گفتند، «یا حَسْرَةً عَلَی الْعِبادِ ما یَأْتیهِمْ مِنْ رَسُولٍ إلاّ کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ». (2) 3. حدیث شریف ابی عامر الواعظ که در تهذیب شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی رحمه الله است(تهذیب یکی از کتب چهارگانه، که مدار فقه امامیه بر این چهار کتاب است).

و چون این حدیث شریف در دو جای کتاب مزار تهذیب: 1. نسب مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث 7، 2. باب من الزیارات حدیث 5 نقل شده است و سند هر دو جا هم مفصل بود اکتفا می‌کنم به ذکر راوی آخری که از معصوم علیه السلام نقل نموده است.

ابی عامر السابی(البنانی خ) واعظ اهل الحجاز می‌گوید: آمدم به محضر حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما السلام، عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا چه چیز است(از اجر

1- نفس المهموم، فصل 5، فی رحلة عمر بن سعد من کربلا الی الکوفه، ص 340، طبع السید احمد الکتابجی صاحب المکتبة الاسلامیه، 1368 ه. ق نقل به معنی.

2- سوره یس، آیه 30.

و ثواب) برای کسی که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام و معموره کند تربت و خاک آن قبر شریف را؟

فرمود: ای اباعامر حدیث کرد مرا پدرم(محمد باقر علیه السلام) او از پدرش(امام سجاد علیه السلام) او از جدش حسین بن علی (1) از علی علیهم السلام: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا قسم محققاً تو را می‌کشند و کشته می‌شوی در زمین عراق و در همان جا دفن می‌شوی، عرض کردم: ای رسول خدا چه پاداشی است برای کسی که زیارت کند قبور ما را و معموره کند و بر عهده خود بداند این امور را(یعنی مکرّر کند)؟

پیغمبر خدا در پاسخ علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن خداوند متعال محققاً قبر تو را و قبرهای فرزندان تو را، بقعه‌ای (2) از بقعه‌های بهشت و میدانی از میدان‌های بهشت قرار داده و خداوند متعال قرار داده دل‌های نجیب‌ها از مخلوقات خود را و برگزیدگان از بندگان خود را مایل به سوی شما، و همین نجیب‌ها و برگزیده‌ها، بار ذلّت و اذیّت را تحمل می‌کنند و در نتیجه این تحمّل اذیت معموره می‌کنند قبور شما را و زیاد به زیارت این قبور می‌آیند برای تقرب به پروردگار و برای محبت و دوستی که با پیغمبر دارند، اینها هستند که شفاعت ما اختصاص به اینها دارد و اینها هستند که وارد بر حوض من می‌شوند و اینها زایرین من هستند و اینها همسایگان من هستند، اینها زیارت می‌کنند مرا فردای قیامت در بهشت.

یا علی کسی که معموره کند قبور شما(اهل بیت علیهم السلام) را و ملازم آن قبور باشد یعنی بر عهد خود بداند تکرار در حضور را، مثل این است که کمک کرده حضرت سلیمان بن داود علی نبیّنا و آله و علیهما السلام را بر ساختن بیت المقدس(که قبله اوّل مسلمین بوده است) و کسی که زیارت کند قبور شما(اهل بیت علیهم السلام) را مساوی و هم عِدل است با ثواب هفتاد حج بعد از حجّة الاسلام و بیرون می‌آید از گناهان تا برگردد

1- هکذا فی التهذیب.

2- بقعه قطعه‌ای از قطعات زمین است(مجمع البحرین)

از زیارت شما و نحوه بیرون آمدن از گناه مثل آن روزی که از مادر متولد شده.

پس مژده باد تو را و مژده بده یا علی دوستان خود را و کسانی که در ولایت با شما هستند، به سوی نعمت‌ها و چشم روشنایی‌ها، به اموری که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده. ولکن یک دسته از مردم شبیه آشغال‌ها و مردمان پستی هستند و هیچ خیری در آنها نیست، سرزنش می‌کنند زایرین قبور شما را و منشأ سرزنش همین زیارت کردن است و نحوه سرزنش آنها مثل سرزنش کسی که زنا داده است و به وسیله زنا او را سرزنش می‌کنند. این دسته از مردم که سرزنش شما را می‌کنند بدترین و پست‌ترین امتی هستند(یعنی ادعا می‌کنند از امت منند و خود را مسلمان معرفی کرده‌اند) و اینها به شفاعت من نمی‌رسند و بر حوض من وارد نمی‌شوند. (1) مؤلف گوید: هیچ باکی و ترسی و هولی نباید از این قبیل افراد پست داشت چون بالعیان و قابل مشاهده است که با همه بذله‌گویی و ترّهات روز به روز مقام اهل بیت علیهم السلام در نزد علاقه‌مندان، اعم از شیعه و غیر شیعه افزوده می‌شود، روزی خواهد آمد که به برکت انفاس قدسیه حضرت ولی عصر(عج) و به برکت خون شهدای والامقام و به برکت انقلاب اسلامی ایران و بیداری جوانان و اندیشمندان که محسوس است روزبه‌روز رو به پیشرفت است چه از جهات مادی و چه معنوی و توجه متفکران و اندیشمندان و هوشیاری علماء باللّٰه و فی اللّٰه و للّٰه.

1- تهذیب شیخ طوسی، کتاب الحج، باب فضل زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام، ح 7 و باب من الزیارات، ح 5.

2. دعا از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام

اشاره

علی کریمی

چکیده

مقاله حاضر نگاهی کوتاه دارد به بررسی آیات و روایاتی که در مورد دعا و نیایش می‌باشد. خداوند دعا را وسیله ارتباطی بین خود و بنده خویش قرار داده است، تا بلکه بنده بتواند خود را به معبود خویش نزدیک کند. دعا به انسان ارزش و اعتبار می‌دهد و انسان را به باورهای دینی نزدیک‌تر می‌کند. دعا می‌بایست همراه با شناخت و آگاهی کامل از خداوند باشد.
دعا باعث کاهش جرم و جنایت در اجتماع شده، و سبب پیشرفت انسان، هم در بُعد معنوی و هم در بُعد مادی می‌شود. دعا موجب از بین بردن تشویش‌ها و هیجان‌های انسان می‌گردد. دعا یا به اجابت می‌رسد یا ذخیره آخرت می‌شود و یا باعث دفع بلا می‌گردد.
دعا کشتی‌ای است که انسان را از گرداب طوفان‌های بلا حفظ کرده، و او را صحیح و سالم به ساحل نجات می‌رساند.
دعا خشنودی خداوند را به همراه دارد، و ذکر آن بالاتر از تلاوت قرآن است. دعا تکیه‌گاهی است که ناراحتی‌های روحی انسان را برطرف کرده، و امید را در دل او روشن می‌سازد.
کلیدواژه‌ها: قرآن، عترت، دعا، خدا، انسان.

دعا به انسان قوت قلب می‌دهد. همان‌طوری که انسان در بُعد جسمانی تلاش می‌کند تا غذای سالم و نشاط‌آوری مصرف کند، روح انسان هم نیاز به غذای سالم دارد،

چنانچه اگر روح ناسالم باشد از ادامه زندگی باز می‌ماند و وی را گرفتار بیماری‌های روانی خواهد کرد. غذایی که باید به روح داده شود، دعا و مناجات با پروردگار خویش است. اگر نگاهی به قرآن و روایات اسلامی بیفکنیم، می‌بینیم که پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام توجه خاصی به دعا می‌نمودند، چراکه خداوند فرمود: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ (1)

«بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». بنابراین بدون هیچ تردیدی باید دانست که دعا و نیایش یک چیز بی‌معنی نمی‌تواند باشد.

تمام انبیای الهی از طریق دعا و وحی با خدا ارتباط برقرار می‌کردند، و ما انسان‌ها هم برای رفع مشکلاتی که از دست بنده ساخته نیست، توسط دعا از خدا یاری می‌طلبیم. همان‌طور که در احادیث آمده است، خداوند می‌فرماید: اگر شما یک قدم به طرف من(خدا) بردارید، من ده قدم به سوی شما خواهم آمد.

دعا ریسمانی است که همه اهل عالم برای نجات خود باید آن را بگیرند. سوره حمد یک نوع دعاست و مناجات با پروردگار است. وقتی می‌گوییم: «إِیَّاک نَعْبُدُ وَ إِیَّاک نَستَعینُ»؛ یعنی خدایا ما فقط تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌گیریم.

خداوند از همان ابتدا بنده‌اش را با دعا و نیایش- که در نماز است- تربیت کرده، چنانچه می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ لَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ»؛ (2)

نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد و ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است.

پس ما باید بیش از پیش به دعا توجه کنیم، انسانی که از خدا چیزی می‌طلبد، خداوند از او خشنود می‌شود، نه از باب این‌که خداوند نیاز به دعای ما دارد، بلکه نتیجه و عصاره دعا به خود ما بر می‌گردد، و وجود ما را از عطش درونی رفع تشنگی می‌دهد.

دعا دارای کلیدی است، کلید دعا صلوات بر پیامبر و آلش می‌باشد. در دعا از همه کس قطع امید کرده و فقط به خداوند امیدوار باشید. یکی از موقعیّت‌هایی که دعا اثر

1- سوره غافر، آیه 60.

2- سوره عنكبوت، آيه 45.

بیشتری دارد، در نیمه‌های شب است. مناجات در شب زیاد سفارش شده، زیرا توجه و خلوص بنده بیشتر است.

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد دَرِ بام دوست پرواز کنند
هر جا که دری بود به شب دربندند الّا درِ دوست که به شب باز کنند

دعا به معنی خواندن است. در قرآن این واژه تقریباً در هفت معنا و مفهوم به کار رفته است:

1. معنی ندا و صدا، سوره آل عمران می‌فرماید: «إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لا تَلْوُونَ عَلى أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فى اخْراكُمْ ...»؛ (1)

هنگامی که از کوه بالا می‌رفتید، به عقب‌ماندگان نگاه نمی‌کردید و پیامبر از پشت شما را صدا می‌کرد.

در این آیه دعا به معنی صدا زدن به کار برده شده و همچنین است در آیه دیگر می‌فرماید: «وَ أَمّا مَنْ اوتِىَ كِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ* فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا»؛ (2)

اما آن کس که کارنامه‌اش از پشت سر(به دست چپ) او دهند، او برنامه خود تأسّف می‌خورد.

2. به معنی دعوت به مکتب: «قالَ رَبِّ إِنّى دَعَوْتُ قَوْمى لَيْلاً وَ نَهارًا* فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعائى إِلاّ فِرارًا»؛ (3)

پروردگارا! من شب و روز قوم خود را به سوی توحید دعوت کردم، آنان را سودی نبخشید، مگر فرار و دوری.

3. دعا به معنی جعل و قرارداد، می‌فرماید: «وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ»؛ (4)

و هرگز با خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست دیگری را به خدایی مخوان.

4. دعا به معنی درخواست و طلب: «وَ لَكُمْ فيها ما تَشْتَهى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فيها ما تَدَّعُونَ»؛ (5)

تدّعون به معنی درخواست است برای شما در بهشت آنچه دلتان

1- سوره آل عمران، آیه 153.

2- سوره انشقاق، آیات 10 و 11.

3- سوره نوح، آیات 5 و 6.

4- سوره قصص، آیه 88.

5- سوره فصلت، آیه 31.

می‌خواهد و آنچه درخواست می‌کنید هست. «وَ یَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیْرِ»؛ (1)
انسان بدی‌ها را می‌طلبد آن‌گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد.
5. دعا به معنی به سوی خود خواندن: «قالَتْ إنَّ أبی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أجْرَ ما سَقَیْتَ»؛ (2)
دختر شعیب گفت: پدرم تو را می‌طلبد که اجرت کار تو را بدهد.
«قالَ رَبِّ السِّجْنُ أحَبُّ إلَیَّ مِمّا یَدْعُونَنی إلَیْهِ»؛ (3)
خداوندا زندان برایم محبوب‌تر از کاری است که این زن‌ها مرا به سوی خود می‌خوانند. معلوم است که زن‌ها او را برای چه به سوی خود دعوت می‌کردند.
6. دعا به معنی سؤال و پرسش: «قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنا ما لَوْنُها»؛ (4)
بنی اسرائیل به موسی گفتند: از خدا بپرس توضیح دهد به ما رنگ این گاو چیست؟
7. دعا به معنی نیایش و ابتهال: «قُلْ مَنْ یُنَجّیکُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً»؛ (5)
بگو کیست که شما را از تاریکی‌های بیابان‌ها و دریاها نجات دهد که می‌خوانید او را با حالت خشوع و پنهانی؟ «ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً»؛ (6)
پروردگارتان را با حالت تضرع و پنهانی بخوانید. آیات دیگری که دعا در آنها به معنای ابتهال است کم نیست. (7) دعا در مورد نارسایی‌های قدرت ماست، نه درباره توانایی و قدرت. به عبارت دیگر دعای مستجاب دعایی است که به مضمون آیه «أمَّنْ یُجیبُ الْمُضْطَرَّ إذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ»؛ (8) مفهوم دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن هم از کسی که قدرتش بی‌پایان و هر امری برای او آسان است.
ولی این درخواست باید از تمام وجود او برخیزد تا به اقیانوس بی‌پایان بپیوندد و

1- سوره اسراء، آیه 11.

2- سوره قصص، آیه 25.

3- سوره یوسف، آیه 33.

4- سوره بقره، آیه 69.

5- سوره انعام، آیه 63.

6- سوره اعراف، آیه 55.

7- شرح دعای عرفه، ص 6.

8- سوره نمل، آیه 62.

اتصال معنوی برقرار کند. به عبارت دیگر مفهوم آن توجه به این حقیقت است که اسباب و عوامل طبیعی، هر چه دارند از ناحیه او دارند، و به فرمان او هستند، اگر به دنبال دارو می‌رویم، و از آن شفا می‌طلبیم، به خاطر آن است که او اثر بهبودی را به دارو بخشیده(این نوع دیگری از دعاست که در احادیث اسلامی به آن اشاره شده است). رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
«الدّعاءُ مُخُّ الْعبادةِ وَ لا یُهْلَکُ مَعَ الدّعاء احَد»؛ (1)
دعا مغز و هسته عبادت است و با وجود دعا کسی هلاک نمی‌شود. در حدیثی دیگر دارد:
«الدّعاء سلاحُ المؤمِنِ وَ عَمدُ الدّینِ وَ نُورُ السّماواتِ وَ الْارَضینَ»؛ (2)
دعا سلاح مؤمن و ستون و اساس دین و نور آسمان‌ها و زمین‌ها است.
دعا یک نوع آگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌هاست، لذا امیرالمؤمنین می‌فرماید:
«لا یَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَّلَ دُعاءَ قَلبٍ لاه»؛ (3)
خداوند دعای غافل‌دلان را مستجاب نمی‌کند. نباید خدا را از روی بی‌میلی یاد کرد. خداوند به داود فرمود: «اذْکُرْنی فی ایّامِ سَرّائِکَ حَتّی أَسْتَجِیبُ لَکَ فی ایّامِ ضَرّائِکَ»؛ (4)
مرا در روزهای خوشی و آسایش هم یاد کن، تا من دعای تو را در روزهای گرفتاری و سختی اجابت کنم.
قرآن کریم می‌فرماید: «ألا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (5)
دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرد. البته ذکری که مقدمه فکر، و فکری که انگیزه عمل باشد. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود:
«ذِکرُ اللَّهِ عِنْدَ ما أَحَلَّ وَ حَرَّمَ»
یاد خدا کردن به هنگام انجام کارهای حلال و حرام، یعنی به یاد خدا بیفتد تا به سراغ حلال برود و از حرام چشم بپوشد. (6) در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انَ اللَّه عَزّوَجَّلَ لا یَسْتَجیبُ دُعاءَ بظهر قلبٍ ساهٍ». (7)
در حدیثی دیگر دارد: دعا سپر مؤمن است و هر زمانی که بسیار در را کوبیدی به

1- بحار الأنوار، ج 93، ص 300.

2- همان، ص 294.

3- تفسیر نمونه، ج 1، ص 643.

4- بحار الأنوار، ج 93، ص 381.

5- سوره رعد، آیه 28.

6- رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ص 160.

7- تفسیر نمونه، ج 1، ص 643.

روی تو باز می‌شود. (1) در جای دیگر می‌فرماید:

«الدّعاءُ هُو الْعبادَةُ الْتی قال عزَّوَجَلَّ»؛ (2)

به راستی دعا، همان عبادت است که خداوند عزّوجل فرمود: «وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ (3)

مرا بخوانید شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبّر می‌ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند. رسول مکرّم اسلام می‌فرماید:

«عَمَلُ البِرِّ کلّهُ نِصْفُ الْعِبادَةِ وَ الدُّعاءُ نِصْفٌ فَاذا أرادَ اللّهُ تَعالی بِعَبْدٍ خَیْراً انتَحی قَلْبَهُ لِلدُّعاءِ»؛ (4)

همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است و دعا نیمه دیگر و چون خدا برای بنده‌ای خیر خواهد، قلب او را به دعا متمایل کند.

آنها که حقیقت و روح دعا و اثرات تربیتی و روانی آن را نشناخته‌اند ایرادهای گوناگونی به مسأله دعا دارند، گاه می‌گویند: دعا عامل تخدیر است، چراکه مردم را به جای فعالیت و کوشش و استفاده از وسایل پیشرفت و پیروزی، به سراغ دعا می‌فرستد و به آنها تعلیم می‌دهد که به جای همه این تلاش‌ها دعا کنند! و گاه می‌گویند: اصولاً آیا دعا کردن فضولی در کار خدا نیست؟! خدا هر چه را که مصلحت بداند انجام می‌دهد، او به ما محبت دارد، مصالح ما را بهتر از خود ما می‌داند، پس چرا ما هر ساعت مطابق دلخواه خود از او چیزی بخواهیم؟! و زمانی می‌گویند: از همه اینها گذشته آیا دعا منافات با مقام رضا و تسلیم در برابر اراده خداوند ندارد؟

کسانی که چنین ایرادهایی را مطرح می‌کنند از آثار روانی، اجتماعی، و تربیتی و معنوی دعا و نیایش غافلند؟ زیرا انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی‌ها به تکیه‌گاهی مطمئن نیاز دارد. دعا چراغ امید را در درون انسان روشن می‌سازد.

انسان‌هایی که دعا و نیایش را فراموش کنند، با عکس‌العمل‌های نامطلوب روانی و اجتماعی مواجه خواهند شد.

1- کافی، ج 6، ص 21.

2- همان، ج 6، ص 18.

3- سوره غافر، آیه 60.

4- رهنمای انسانیت، ص 282.

یکی از روان‌شناسان معروف به نام الکسیس کارل می‌گوید: جامعه‌ای که در آن دعا و نیایش نباشد، آن جامعه سقوط می‌کند، وقتی مردم آن اجتماع نیایش را در خود کشته‌اند از فساد و جرم و جنایت مصون نخواهد بود.
البته نیایش باید پیوسته باشد، تا اثر خود را در انسان از دست ندهد. آنان که برای دعا اثر تخدیری(سست شدن) قائلند، معنی دعا را نفهمیده‌اند، زیرا معنی دعا این نیست که از وسایل و علل طبیعی دست بکشیم و به جای آن دست به دعا برداریم؛ بلکه مقصود این است که نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل به کار ببندیم، تا آن جا که دست ما کوتاه شد و به بن‌بست رسیدیم، به سراغ دعا برویم.
دعا به انسان صفای روح و متانت رفتار و انبساط و شادی درونی می‌دهد. و حتی به انسان‌های عقب مانده و کم استعداد نیز می‌تواند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند. اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در چهره حقیقی‌اش بشناسد بسیار کم است. (1) از آنچه که گفتیم، پاسخ این ایراد که می‌گویند دعا برخلاف «رضا و تسلیم» است نیز روشن شد، زیرا دعا همان‌طور که در بالا شرح داده شده یک نوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیادتر از فیض بی‌پایان پروردگار است. انسان به وسیله دعا توجه تازه‌ای به ذات خداوند پیدا می‌کند، همان‌طوری که عبادات اثر تربیتی دارد، دعا هم چنین اثری خواهد داشت.
کسانی که می‌گویند: «دعا فضولی در کار خداست! خدا هر چه مصلحت باشد انجام می‌دهد» توجه ندارند که مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقت‌ها تقسیم می‌شود، هر قدر استعداد و شایستگی بیشتر باشد سهم بیشتری از آن مواهب نصیب انسان می‌گردد.
لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«انّ للّٰهعَزّوجلَّ منزِلة لا تنالَ إلّابمسألة»؛
در نزد خداوند

1- تفسیر نمونه، ج 1، ص 641.

مقاماتی است که بدون دعا کسی به آنها نمی‌رسد. (1) دانشمندان می‌گویند: امروزه جدیدترین علم یعنی روانپزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند، چرا؟ به علت این که پزشکان روانی دریافته‌اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتی‌های ماست برطرف می‌سازد.

روایات متعددی که از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان بزرگ، نقل شده است، اهمیت دعا را کاملاً روشن می‌سازد. در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلي الله عليه و آله آمده است:

«مَنْ سَرَّهُ أنْ يُسْتَجابَ لَهُ دَعْوتُهُ فَلْيُطِبْ مَكْسَبَهُ»؛ (2)

کسی که دوست دارد که دعایش مستجاب گردد باید غذا و کسب خود را پاک کند.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان سؤال کرد؟ «ما تَقول فی رجلین دَخلا المَسجد جمیعاً کان أحدهما اكْثر صلاة، و الآخر دعاء فأيّهما أفضل؟ قال: كلّ حسن»؛ دو نفر وارد مسجد شدند، یکی از آنها مشغول نماز شد و دیگری مشغول دعا خواندن، کدام یک از این دو افضلند؟

آن حضرت فرمود: هر دو خوبند، ولی آن کس که بیشتر دعا می‌کند افضل است، مگر سخن خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را، سپس افزود: «هی العِبادة الكُبری»؛ دعا عبادت بزرگ است.

هم دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو

گر خطا گفتم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سخن (3)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چیزی نزد خدا افضل از این نیست که از او تقاضا کنند و از آنچه نزد او است بخواهند، و هیچ کس نزد خداوند مبغوض‌تر و منفورتر از کسانی

1- همان.

2- کافی، ج 6، ص 68.

3- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، دفتر دوم، ص 365.

نیست که از عبادت او تکبُّر می‌ورزند و از مواهب او تقاضا نمی‌کنند.
در جای دیگر می‌فرماید: نزد خدا مقامی است که جز با دعا و تقاضا نمی‌توان به آن رسید. و اگر بنده‌ای دهان خود را از دعا فرو بندد و چیزی تقاضا نکند چیزی به او داده نخواهد شد، پس از خدا بخواه تا به تو عطا شود.
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
«الدعاء افْضَل مِن قرائة القُرآن»؛ (1)
دعا کردن از تلاوت قرآن هم افضل شمرده شده است. دعا به انسان اعتماد به نفس می‌دهد، و از یأس و نومیدی باز می‌دارد و به تلاش و کوشش بیشتر دعوت می‌کند. انسان نباید دعا را جانشین تلاش و کوشش کند، زیرا قطعاً مستجاب نخواهد شد. مثلاً کار و کوشش نکند و بگوید خدا روزی‌رسان است، خدا کمک می‌کند، این با نظام الهی منافات دارد. (2)
یکی از مردان خدا گفت: برای دعا کردن و عرض حاجت کافی است که سر را به سوی آسمان بالا کرده، آن هم نه از نظر آن که خدا در آسمان است، بلکه از آن نظر که حضرت سجّاد علیه السلام عرض کرد:
«وَالی جُودِکَ وَ کَرَمَکَ ارْفَعُ بَصَری»
از این جهت سر را به آسمان بالا کند، در حالی که بداند خدا به او نزدیک است و سپس دل را متوجه عالم اعلا نماید، چون او سبحانه و تعالی از راه هر کس آگاه است «وَ عالِمُ السّرِ وَ الْخَفیّات» (3) است. برای اجابت دعا خوب است انسان قبل از این‌که گرفتار سختی شود به دعا مشغول باشد.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«مَنْ سرَّهُ أنْ یُسْتجابَ لَهُ فِی الشِّدَّةِ فَلْیُکْثِرِ الدُّعاءَ فِی الرَّخاء»؛ (4)
هر که دوست دارد که در حال سختی دعایش به اجابت رسد، باید در حال راحتی بسیار دعا کند. در ادامه می‌فرماید: یکی دیگر از راه‌های اجابت دعا این است که کسب خود را پاک و حلال کند. (5)

1- تفسیر نمونه، ج 20، ص 149.

2- همان.

3- بیان حقیقت، ص 100.

4- کافی، ج 6، ص 33.

5- همان، ص 69.

مولای موحدان علی علیه السلام می‌فرماید: هرگز از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیّت است. گاهی در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست‌کننده بیشتر و جزای آرزومندان یا در وقت مشخص، به تو خواهد بخشید، یا به جهت اعطا بهتر از آنچه خواستی، دعا به اجابت نمی‌رسد، زیرا چه خواسته‌هایی داری که اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود. پس خواسته‌های تو به گونه‌ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین، و رنج و سختی را از تو دور کند، پس نه مالِ دنیا برای تو پایدار است، و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند. (1) اجابت دعا در زمان مشخص است. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا را در چهار زمان بخوانید. موقع وزیدن بادها، هنگام ظهر، هنگام فرود آمدن باران، هنگام ریختن خون مؤمن در راه خدا(جبهه جنگ) زیرا در این زمان‌ها درهای آسمان گشوده است. (2) در حدیثی دیگر از رسول اکرم آمده: هنگام نزول باران و هنگام دیدار کعبه. (3) امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«المُؤمن مِنْ دُعائِهِ عَلی ثَلاثٍ امّا یُدَّخَرُ لَهُ وَ امّا یُعَجَّلُ لَهُ وَ امّا یُدْفَعُ عَنْهُ البَلاءُ یُریدُ انْ یُصِیبَهُ»؛ (4)

مؤمن نسبت به دعای خود از سه حال خارج نیست: یا برای او ذخیره می‌شود و در آینده دور یا نزدیک و حتی در آخرت به او داده می‌شود، و یا با شتاب به او خواهد رسید و یا مانع بلایی می‌گردد که می‌خواهد او را فرا گیرد.

قرآن می‌فرماید: «إنَّ ناشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ أشَدُّ وَطْئاً وَ أقْوَمُ قیلًا»؛ (5)
یعنی مسلماً برنامه(عبادت) شبانه پابرجاتر و با استقامت‌تر است.
عبادت شبانه، نیایش و مناجات در سحرگاهان، و راز و نیاز و نجوای با محبوب، در تهذیب نفس و پرورش روح و جان اثر فروانی می‌گذارد. در آیه بعد می‌افزاید: «إِنَ

1- نهج البلاغه، نامه 31، ص 379.

2- کافی، ج 6، ص 45.

3- رهنمای انسانیت، ص 284.

4- بحار الأنوار، ج 78، ص 138.

5- سوره مزمل، آیه 6.

لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِیلاً»؛ (1)
این به خاطر آن است که در روز تلاش و کوشش مستمر و فراوانی خواهی داشت. (2) رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: نیمه شب درهای آسمان را می‌گشایند و یکی ندا می‌کند: آیا کسی هست که دعا کند تا مستجاب شود، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا به او داده شود، آیا غم‌زده‌ای هست که غمش تخفیف یابد، در این هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می‌پذیرد. (3)
سوز دل، اشک روان، آه سحر ناله شب این همه، از نظرِ لطف شما می‌بینم
آری نخستین ویژگی داعیان شب این است که آنها کسانی هستند هنگامی که آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شود به خاک می‌افتند و سجده می‌کنند و گریه شوق سر می‌دهند. (4) از امام صادق روایت شده است که آن حضرت فرمود: در شب ساعتی است که اگر بنده مؤمنی در آن دعا کند، قطعاً مستجاب می‌شود. راوی می‌گوید: فدایت شوم این چه ساعتی از شب است. فرمود: هنگامی که نیمی از شب گذشته، و یک ششم اول نیمه شب فرا رسیده است. (5) امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: می‌خواهی تمام ابواب خیر را به تو معرفی کنم. گفت: بفرمایید فدایت شوم. امام فرمود: «الصوم جُنّة، و الصدقة تذهب بالخطیئة، و قیام الرجل فی جوف اللیل بذکر اللّه، ثّم قرأ: «تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ»؛ (6)
روزه سپری است در مقابل آتش و صدقه محوکننده گناهان است، و برخاستن انسان در دل شب او را به یاد خدا می‌اندازد، سپس آیه «تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ» (7) را تلاوت فرمود.

1- سوره مزمل، آیه 7.

2- تفسیر نمونه، ج 25، ص 175.

3- رهنمای انسانیت، ص 281.

4- سوره مریم، آیه 58.

5- المراقبات، ص 254.

6- تفسیر نمونه، ج 17، ص 155.

7- سوره سجده، آیات 16 و 17.

علاء بن کامل می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: بر تو باد به دعا کردن، زیرا دعا درمان هر دردی است. دعا پایگاه اجابت است، چنانچه ابر پایگاه باران است. هیچ بنده‌ای دست به درگاه خدای عزیز جبّار برنیاورد جز این‌که خداوند عزّوجل حیا دارد از این‌که آن را تهی برگرداند، تا از فضل و رحمت خود در آن بنهد و هرگاه یکی از شماها دعا کرد، دستش را برنگرداند تا آن را به روی و سر خود بکشد.
هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می‌دانید بلا طولانی است یا کوتاه است؟ گفتم: نه، فرمود: چون به هر کدام که شما مبتلا شوید، الهام شد که دعا کنید، بدانید که مدت بلا کوتاه است. ابی ولّاد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که خدای عزوجل بدو الهام بخشید تا دعا کند، جز این‌که برطرف شدن آن بلا نزدیک است و هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که از دعا کردن خودداری کند، جز این‌که بلا طولانی باشد، پس هرگاه بلا نازل شد، بر شما باد که دعا و زاری کنید به درگاه خداوند عزوجل. (1) مولای موحدان علی علیه السلام می‌فرماید: آن کس که به شدت گرفتار دردی است، نیازش به دعا بیشتر از تندرستی که از بلا در امان است، نمی‌باشد. (2) زیرا دعا درمان هر دردی است. لذا می‌بینیم امام در دعای کمیل می‌فرماید: «یا مَنِ اسمُهُ دَواءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفاءٌ و طاعَتُهُ غِنی ...» ای کسی که به جز دعا و تضرّع به درگاهت چیزی نداریم، ای که نامت دوای دردمندان عالم، و یادت شفای بیماران است، و طاعتت بی‌نیازی از هر چه در عالم است را به همراه دارد، ترحّم کن به کسی که تمام امیدش تو هستی.
امام صادق علیه السلام فرمود:
«عَلَيْكَ بِالدُّعاءِ، فَإِنَّ فيهِ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ»؛ (3)
بر تو باد به دعا کردن، زیرا که شفای هر دردی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إذا مَسَّ الْإِنْسانَ الضُّرُّ

1- کافی، ج 6، ص 31 و 32.

2- نهج البلاغه، حکمت 302، ص 501.

3- میزان الحکمه، ج 4، ص 1648.

دَعانا لِجَنْبِهِ أوْ قاعِدًا أوْ قائِماً فَلَمّا كَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأنْ لَمْ یَدْعُنا إلی ضُرٍّ مَسَّهُ کَذلِکَ زُیِّنَ لِلْمُسْرِفینَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ»؛ (1)
و هنگامی که به انسان زیان و(ناراحتی) برسد ما را(در همه حال) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است می‌خواند. امّا هنگامی که ناراحتی او را برطرف ساختیم چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده نخوانده، این‌گونه برای اسرافکاران اعمالشان زینت داده شده است.
چه خوب گفته مولوی:
آن زمان که می‌شوی بیمار تو می‌کنی از جرم استغفار تو
می‌نماید بر تو زشتی گنه می‌کنی نیّت که باز آیم به ره
عهد و پیمان می‌کنی که بعد از این جز که طاعت نبودم کاری گزین
پس یقین گشت این که بیماری تو را می ببخشد هوش و بیداری تو را
هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او آگاه‌تر، رخ زردتر (2)
بلی انسان فطرتاً خداجوی است و نور فطرت در روح دمیده شده، ولی بر اساس مسایلی که در اجتماع به وجود می‌آید، گرفتار گناه و زیان‌کاری می‌شود. لذا خداوند باب توبه را باز گذاشته و وسیله نزدیکی به خود را دعا و نیایش قرار داده است.
بنابراین می‌بینیم مولا علی علیه السلام می‌فرماید:
«ادْفَعُوا أمواج البَلاءِ بِالدُّعاءِ ...»؛ (3)
امواج بلا را با دعا دور کنید. بلا دیده‌ای که بلا جانش را به لب رسانده است، نیازش به دعا بیشتر از عافیت چشیده‌ای نیست که از بلا در امان نیست.
امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خدایا مرا از آنان قرار مده که خوشی سرمستشان می‌کند و بلا و گرفتاری از پایشان در می‌آورد. اینان فقط زمانی تو را می‌خوانند که گرفتار شوند و تنها هنگامی به یاد تو می‌افتند که به مصیبتی گرفتار آیند؛ در این هنگام در برابر تو به خاک می‌افتند و دست خواهش به سویت بر می‌دارند. (4)

1- سوره یونس، آیه 12.

2- مثنوی، دفتر اول، استعلامی، ص 123.

3- میزان الحکمه، ج 4، ص 1650.

4- همان، ص 1653.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دعاکننده باید ادب دعا را رعایت کند و بنگرد که چه کسی را، چگونه و برای چه می‌خواند؟ عظمت و بزرگی خداوند را باور داشته باشد، با دیده دل آگاهی او از باطن و اسرار و اعتقادات خود را بنگرد و راه نجات و هلاکت خود را دریابد، مبادا چیزی از خدا بخواهد که باعث هلاکت او شود. (1) در واقع عجول بودن انسان برای کسب منافع بیشتر و شتابزدگی او در تحصیل خیر و منفعت، سبب می‌شود که تمام جوانب مسایل را مورد بررسی قرار ندهد، و چه بسا که با این عجله، نتواند خیر واقعی خود را تشخیص دهد، بلکه هوی و هوس‌های سرکش چهره حقیقت را در نظرش دگرگون سازد و به دنبال شر برود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «و اعرف طریق نجاتک و هلاکک، کی لا تدعوا اللّٰه بشیء عسی فیه هلاکک، و أنتَ تظنّ أن فیه نجاتک، قال اللّٰه تعالی: «وَ یَدْعُ الْإِنسنُ بِالشَّرّ دُعَآءَهُو بِالْخَیْرِ وَ کَانَ الْإِنسنُ عَجُولًا»؛ (2)

انسان نمی‌تواند راه نجات و هلاکت خود را بشناسد و مبادا از خدا چیزی طلب کند که نابودی او در آن باشد؛ در حالی که خود انسان گمان می‌کند نجاتش در آن است، خداوند متعال می‌گوید: انسان دعای شرّ می‌کند، آن‌گونه که دعای خیر می‌کند، چرا که انسان عجول است.

در عین حال از خدا بخواهید «فَلْیَسْتَجِیبُواْ لِی وَلْیُؤْمِنُواْ بِی»؛ (3)

(با تمام وجود) مرا اجابت کنید و به من ایمان بیاورید. در دعاهای معصومین علیهم السلام آمده است: خداوند! ظاهر ما را با فرمانبرداریت، باطن ما را با شناختت، و دل‌های ما را با دوستیت و جان‌های ما را با دیدارت روشن فرما. (4)

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ مَنْ یُنَجّیکُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً لَئِنْ

1- المراقبات، ص 452.

2- تفسیر نمونه، ج 12، ص 41.

3- سوره بقره، آیه 186.

4- المراقبات، ص 451.

أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاکِرِینَ»؛ (1)
بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا(به هنگام درماندگی) رهایی و نجات داد؟ در حالی که او را آشکارا و در پنهانی می‌خوانید و(می‌گویید) اگر خداوند ما را از این ظلمت رهایی دهد، از شکرگزاران خواهیم بود.
حال اگر همین ظلمت و تاریکی در یک سفر دریایی همراه با بیم موج و گردابی حایل محاصره شود، در چنین لحظاتی است که انسان همه چیز را فراموش کرده و جز نور تابناکی که در اعماق جانش می‌درخشد که او را به سوی مبدأیی می‌خواند که تنها اوست می‌تواند چنان مشکلات را حل کند، در چنین حالتی از درون دل و جان خود او را می‌خواند این جاست که انسان دست به دعا بر می‌دارد، و همه امیدش به اوست و به غیر از او دل به کسی نبسته است.
پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خیر الدعاء الخفی و خیر الرزق ما یکفی»؛ بهترین دعا آن دعایی است که پنهانی و از روی اخلاص صورت گیرد و بهترین روزی آن است که به قدر کافی باشد. (2) امام حسن علیه السلام فرمود: خداوند از دل پرهیزگار و دعای پنهان آگاه است، چه بسا کسی قرآن را جمع کرده است و همسایه‌اش از وی خبر ندارد، چه بسا کسی فقه را بسیار می‌داند و مردم بدان آگاهی ندارند و چه بسا شخصی نمازهای طولانی می‌گزارد و حتی نزد او دیدارکننده هم هست و آنها بدان آگاهی ندارند. در مقابل، ما به دسته‌هایی برخورده‌ایم، اگر در یک نگاه عملی امکان سرّی انجام دادن آن باشد، آنها آن را مخفیانه انجام نمی‌دهند، و همیشه آن عمل را آشکارا، انجام می‌دهند، آن عمل افشا نخواهد شد. (3) امام رضا علیه السلام فرمود: یک دعای پنهانی برابر با هفتاد دعای آشکار است و در روایت

1- سوره انعام، آیه 63.

2- تفسیر نمونه، ج 5، ص 281.

3- فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، ص 332.

دیگر نقل شده است: یک دعا در پنهانی، بهتر است نزد خدا از هفتاد دعا که آشکار باشد. (1) در جایی دیگر آمده است: با دیگران دعا کنید که دعای جمع باعث اجابت می‌شود. بهترین جمعیت برای دعا چهل نفر است و به جای آن چهار نفر هم می‌شود هر کدام ده بار دعا کنند. اگر نتوانست در جمع دعا کند، خود می‌تواند یک نفره چهل بار دعا کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خیفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلینَ»؛ (2)

و پروردگارت را از روی خوف و تضرّع، آهسته و آرام در دل خود و در هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.

امام صادق علیه السلام فرموده است: عظمت ثواب دعا و تسبیحی را که بنده در خلوت خویش گوید، جز خدای تبارک و تعالی کس نداند. (3)

خداوند به عیسی علیه السلام وحی نمود:

ای عیسی مانند غریق غمزده‌ای که یاوری ندارد، به درگاه من دعا و دلت را برایم خوار کن و در خلوت بسیار به یاد من باش و آگاه باش من با چاپلوسی تو خوشحال می‌شوم. با خوشحالی و نشاط این عمل را انجام بده و صدای غمناک خود را به من برسان. و خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: یا موسی هنگامی که مرا می‌خوانی ترسان باش، صورت خود را خاک آلود کن و با اعضای مهم بدنت برایم سجده کن. و با ایستادن در مقابل من به اطاعت من مشغول شو و با ترسی که از قلبی ترسان برخاسته است، با من مناجات کن، قلبت را با ترس از من بمیران، زنده دل و کهنه لباس باش، در میان زمینیان ناشناس و در آسمان معروف باش، همنشین خانه و چراغ شب باش. (4)

شب هجران خدا روز جهان افروز است روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

قرآن کریم اثبات‌کننده این ادّعاست که می‌فرماید: «إِنَّما یُؤْمِنُ بِآیاتِنا الَّذینَ إِذا ذُکِّرُوا بِها خَرُّوا سُجَّداً وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ»؛ (5)

تنها کسانی به آیات ما ایمان

1- کافی، ج 6، ص 43.

2- سوره اعراف، آیه 205.

3- میزان الحکمه، ج 4، ص 1669.

4- المراقبات، ص 242 و 243.

5- سوره سجده، آیه 15.

می‌آورند که هر وقت این آیات به آنها یادآوری شود به سجده می‌افتند، و تسبیح و حمد پروردگارشان را به جای می‌آورند و تکبر نمی‌کنند.

اگر دعای شما نبود ارزشی نداشتید

قرآن می‌فرماید: «قُلْ ما يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبّى لَوْ لا دُعاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزاماً»؛ (1)

بگو اگر دعا نکنید پروردگار من برای شما ارزشی قائل نیست، شما(آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید و سرانجام دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد.

درباره معنی دعا در این جا احتمالات زیادی داده شده است. (2) بعضی گفته‌اند: دعا به همان معنی دعا کردن معروف است. و بعضی دیگر به معنی عبادات و توحید، و بعضی به معنی شکر و ....

امام علی علیه السلام در فرازی می‌فرماید: در دعا پروردگارت را با اخلاص بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. (3) آنچه که به انسان ارزش می‌دهد ارتباط با خداوند است.

مولای متقیان علی علیه السلام ضمن سفارش به یکی از اصحاب خود به نام نوف فرمود:

ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند؛ آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس رویین خود قرار دادند. (4)

1- سوره فرقان، آیه 77.

2- تفسیر نمونه، ج 15، ص 172.

3- نهج البلاغه، نامه 31، ص 371.

4- همان، حکمت 104، ص 461.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. اصول کافی، محمّد بن یعقوب کلینی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسوه، چاپ دوم، 1372.
3. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، تهران، المکتبة الاسلامیة.
4. بیان حقیقت، احمد زمردیان، شیراز، انتشارات نوید، 1376.
5. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ پانزدهم، 1376.
6. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، علی محمّد حیدری نراقی، قم، اعتماد، 1384.
7. رهنمای انسانیت، مرتضی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1376.
8. شرح دعای عرفه، محمّدباقر مدرس بستان آبادی، تهران، گوهر اندیشه، 1379.
9. فرهنگ سخنان امام حسن علیه السلام، ترجمه محمّد دشتی، قم، محدث، 1382.
10. مثنوی مولانا، محمّد استعلامی، تهران، قلم، چاپ ششم، 1379.
11. المراقبات، حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه ابراهیم محدث، قم، اخلاق، 1376.
12. میزان الحکمة، محمّد محمدی ری شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ پنجم، 1384.
13. نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ هجدهم، 1383.

3. مبانی فکری و اعتقادی زیارت

اشاره

یاسر آقایی

چکیده

زیارت دارای ابعاد گوناگون اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است. زایر هرکه باشد، زیارت می‌تواند آثار تربیتی و جنبه‌های سازندگی برای او داشته باشد و عاملی برای رشد معنویات و زمینه‌ای برای تقویت ارزش‌های الهی او باشد. هر چه معرفت زایر بیشتر، به همان میزان نصیب او و از برکات و فیوضات مزارهای معصومان افزون‌تر خواهد بود. نویسنده در نوشتار حاضر پس از نگارش مقدّمه، به بررسی مستندات دینی زیارت پرداخته، سپس زیارت را در سیره و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز در مکتب اهل بیت علیهم السلام مورد ارزیابی قرار داده و آن‌گاه به بررسی تطبیقی زیارت و بنای قبور از دیدگاه شیعه و مذاهب چهارگانه اهل سنت پرداخته است. در خلال مباحث این مقاله، با اشاره به برخی انتقادات فرقه وهابیه درباره زیارت و احداث بنا بر قبور، اقدام به پاسخگویی آنها نموده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، فرقه وهابیت، مبانی زیارت، آثار زیارت.

مقدّمه

زیارت، حضور عارفانه در دیار دوست، دیدار مشتاقانه زایر از سرای مزور، اظهار ارادت محبّ به محبوب، دل دادن صمیمانه دلداده در کوی دلدار، سرسپردن سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دین‌دار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دین‌داری است.

زیارت، اعلام وفاداری صادقانه مرید است به مراد؛ ابراز علاقه مطیع است به

مطاع؛ و اعلام خودفراموشی جان برکف مخلص است نسبت به جانان.
زیارت، عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است؛ ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجا می‌توان رسید.
زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه است که از سرای دل آغاز می‌شود؛ از راه دل عبور می‌کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می‌رسد و بار بر زمین می‌نهد.
معرفت، پای را به رفتن می‌گشاید و «دوستی» به «دیدار» می‌انجامد. و گاهی جریان، بر عکس این است. یعنی «دیدن»، «دوست داشتن» را به دنبال دارد و دیدار، شور و شوق می‌آفریند و «زیارت» سبب حصول معرفت می‌گردد.
وقتی که دیدار، بذر عشق بپاشد، «ملاقات»، «محبت» می‌آورد و نزدیک شدن جسم، نزدیک شدن روح را به دنبال دارد و از قرب مادی می‌توان به قرب معنوی رسید و از رفتن به خانه‌ای محبت صاحبخانه را می‌توان به دل گرفت.
چه بسیار پیوندها و محبت‌ها که مولود یک برخورد بوده است. چه بسیار انس‌ها و الفت‌ها، که در سایه حضور و دیدار فراهم شده است. یعنی گاهی موتور محرک انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است- که از آن یاد کردیم- و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می‌گردد. چرا که از نزدیک، جمال معنی را می‌بیند و به مشاهده ارزش‌های متعالی می‌رسد و علاقه‌مند می‌شود.
و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره‌آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه بسا که حرارت معنی، وجود یخزده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند.
منتهی، صرفِ رفتن کافی نیست؛ «دیدن» هم لازم است. تا به شهود جمال حق، نایل نشود؛ آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی‌سازد. اگر رفت و دید و به شهود

رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، معرفت هم می‌یابد. آن‌که شور و شوق داشته باشد، به زیارت هم می‌رود. برای عاشق شاید، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه‌ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه‌دار است و دلداده را به سوی خود می‌کشد.

در زیارت چنین است. چگونه می‌شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیاء اللّٰه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللّٰه و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره‌آمیز و شوق‌انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

به گفته مرحوم علامه امینی: «اگر مدینه منوره، حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلش و مدفونین آن‌جا ارزش‌های فراوان بیان شده است، به خاطر همان انتساب به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. بر مبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به پیامبران و اوصیا و اولیای الهی و صدیقین و شهدا و افراد مؤمن دارد، ارزش پیدا می‌کند و شرافت می‌یابد ...». (1) زیارت می‌تواند نمودی از احساس شوق درونی انسان باشد. نشانی از محبت و دلیلی بر محبوب و علامتی از تعلق خاطر باشد. زیارت، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است.

برای عاشق، حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه‌ای که روزی دلبر از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن‌جا می‌زیسته، سنگی که دست محبوب به آن رسیده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است، دوست داشتنی و شوق‌انگیز است.

1- سیرتنا و سنّتنا، ص 160 و 161.

در زیارت و مزار، مسأله در ظاهر سنگ و چوب و آجر و آهن و ضریح و ساختمان و صحن و سرا و گنبد و گلدسته و رواق و ... خلاصه نمی‌شود، تا به زیارت و بوسیدن و تقدیس اینها اشکال شود. بلکه نقش عمده با آن محبت و شناخت و معنویت و عشقی نهفته است که در ورای اینهاست که حتی به اینها، معنی و جهت و قداست و حرمت بخشیده است. وقتی قلب، در گرو یک عشق بود، صاحب آن دل، از نام و یاد و لباس و کوچه و شهر محبوب، خوشش می‌آید و لذت می‌برد و همه اینها برایش جاذبه دارد و در هر یک از اینها عکس رخ یار را می‌بیند.

ما با محبت وافر و علاقه و احساسی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داریم، اگر باخبر شویم که در جایی رد پایی و نشانی از آن حضرت باقی است، آیا شوق دیدنش را نخواهیم داشت؟ «مقام ابراهیم» در مسجد الحرام، برای حاجی چرا آن‌قدر خاطره به همراه دارد؟ جز این است که سنگی است که حضرت ابراهیم در بالا بردن دیواره کعبه، به کمک فرزندش اسماعیل، آن را زیر پا می‌گذاشته است و جای قدم او بر سنگ باقی است؟!

می‌بینیم که وادی زیارت، وادی عرفان است. در قلمرو دل، گاهی پای عقل هم می‌لنگد و وقتی عشق فرمان می‌دهد، عقل چاره‌ای جز تسلیم و فرمانبرداری ندارد.

مرحوم علامه امینی نقل می‌کند: «... فقیه و ادیب بزرگوار اهل سنت، تاج الدین فاکهانی(م 734 ق) به دمشق رفت به قصد زیارت کفش پیامبر صلی الله علیه و آله، که در «دار الحدیث الاشرفیه» نگهداری می‌شد. وقتی کفش را دید، افتاد و شروع به بوسیدن کرد و صورتش را بر آن می‌مالید و اشک شوق از دیدگانش جاری بود و شعری به این مضمون را می‌خواند: اگر به مجنون گفته شود: لیلی و وصال و دیدار او را می‌خواهی، یا دنیا را و آنچه را در آن است؟ او در جواب خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی برایم محبوب‌تر است و شفابخش‌تر برای دردهای من ...». (1)

1- الغدیر، ج 5، ص 155.

آری ... وقتی عشق در کار باشد، خاک ره دوست را باید سرمه چشم نمود. و برای عاشق، آنچه ارزشمند است، محبوب و دیدار او و هر چیزی که منسوب به اوست.

برادرانه بیا قسمتی کنیم، رقیب جهان و هر چه در آن است از تو، یار از من. این یک طرف قضیه است که محبت، انسان را به زیارت وا می‌دارد. سوی دیگر قضیه آن است که «زیارت»، محبت و شناخت می‌آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننده است. زیارت، تجدید عهد با خط امامت است، میثاق با خون شهید است، پیمان با محور توحید و بیعت با رسالت و وحی است.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«إنّ لکلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إنّ مِن تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمّتهم شفعائهم یوم القیامة»؛ (1)

برای هر امامی بر گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است و از جمله وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع آنان خواهند بود.

بر اساس همین وفای به عهد است که شیعه، همواره در احیای نام و یاد و زیارت و مزار اولیای دین، چه رنج‌ها که کشیده و چه شهیدها که داده است و هم اکنون نیز این خط ایثار و شهادت تداوم دارد.

تعظیم، تکریم، گرامی داشت و یادکرد انسان‌های شایسته، فرهیخته، فرهنگ‌ساز، نقش‌آفرین، مصلح، متحوّل‌کنندگان تاریخ و ... و نیز زنده نگه‌داشتن نام و یاد آنان پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان به نیکی‌ها و کمالات است و ریشه در فطرت و سرنوشت آدمی دارد. (2)

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 253، ح 5.

2- امور فطری به چیزهایی گفته می‌شود که: 1. همگانی باشد و اختصاص به رنگ، نژاد، تاریخ، ملیت یا سرزمین خاصّی نداشته باشد؛ 2. همانند علوم حصولی نیاز به تعلیم و تعلّم نداشته باشد، بلکه در نهان و نهاد آدمی تعبیه شده باشد؛ 3. تبلیغات منفی، تحمیل و فشار نتواند آن را ریشه‌کن کند، اگر چه ممکن است از شدت و حرارت آن بکاهد. این تبلیغات، شبیه غبار روی آیینه شفاف است که نسیمی آن را برطرف نموده و چهره آیینه را آشکار می‌کند. توجه به این نکته نیز ضروری است که امور فطری به لحاظ هماهنگی آن با طبیعت انسان و نظام خلقت اگر در مسیر صحیح قرار گیرد و به شیوه پسندیده از آن استفاده شود قطعاً موجب کمال انسان خواهد بود.(ر. ک: فطرت در قرآن، ص 26).

امروزه شاهدیم که ملت‌ها و ملیّت‌های مختلف، بزرگان علم، ادب و هنر خویش را با برگزاری سمینارها، همایش‌ها، کنفرانس‌ها گرامی می‌دارند، فضایل و کمالاتشان را برمی‌شمارند، به وجود آنان افتخار می‌کنند. این نکوداشت‌ها اختصاص به عصر حاضر ندارد؛ بلکه در طول تاریخ همواره ادامه داشته، هرچند که در کیفیت و کمّیت مختلف بوده است.
تلاش جوامع گوناگون بر حفظ آثار نیکان و احیای میراث گذشتگان و رواج موزه‌ها، نمونه‌ای از نکوداشت مفاخر نیاکان است. بدین ترتیب در تکریم و تعظیم صاحبان کمال، تفاوتی بین زندگان و مردگان نیست. گرچه در کیفیت و شکل نکوداشت‌ها هر روز تغییراتی حاصل می‌شود ولی ریشه این بزرگداشت‌ها، تکریم‌ها و تعظیم‌ها، زیبا دوستی انسان و عشق و ارادت فطری او به کمال است. هر کسی با کشش درونی و خداداد خویش، زیبایی را دوست می‌دارد، به کمال عشق می‌ورزد، صاحبان کمال و زیبایی را می‌ستاید و در مقابل آنان از خود فروتنی نشان می‌دهد.
چنان که از عوامل و انگیزه‌های عبادت آدمی در پیشگاه کمال مطلق(جل‌جلاله) نیز همین کمال دوستی است.
در مقابل، شخصیت‌های صالح با توجه به پایگاهی که در عقاید، احساسات و عواطف ملت‌ها دارند، نام و یادشان همواره زنده می‌ماند و علاقه‌مندان به آنان برای زنده نگه‌داشتن یادشان تا پای دار پایداری می‌کنند و تا قطع قدم، ثابت قدم می‌مانند و برای نیل به کام معنا گام به دام بلا می‌نهند.

ذکر مناقب و فضایل آل‌طاها و یاسین، احساس شادمانی و سرور در موالید و تألّم و اندوه در مصایب آنان از یک سو موجب تقرّب به خداست؛ زیرا ارتباط عقلی و عاطفی با آن ذوات نوری که انسان‌های کامل‌اند مایه بهره‌وری از معارف قرآن و استفاده از سنت معصومان علیهم السلام می‌گردد و سبب تحکیم پیوند با خلیفه خدا می‌شود.

زیارت از ریشه «زَور»، به معنای میل و عدول از چیزی است. دروغ را از آن جهت، زُور گفته‌اند که از راه حق منحرف می‌گردد. (1) زایر را از آن جهت زایر می‌گویند که وقتی که به زیارت تو می‌آید، از غیر تو، رو برمی‌گرداند. (2) از این‌رو برخی گفته‌اند:
زیارت، به معنای قصد و توجه است. (3) زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او، به وی روی آورد. (4) نیز برخی گفته‌اند: این‌که بر ملاقات اولیا و بزرگان، اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند.
تنها موردی که قرآن کریم این واژه را در این معنا استعمال کرده، «زرتم» در آیه کریمه «أَلْهَلکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (5) است. مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند: دو طایفه از قریش، یعنی «بنی عبد مناف» و «بنی‌سهم، بن عمرو» به مفاخره با یکدیگر پرداختند (6) و هر کدام، بزرگان و افراد قبیله خویش را به رخ دیگری می‌کشید که در نهایت بنو عبد مناف در این مفاخره برتری یافت. گروه مقابل، یعنی بنی‌سهم برای

1- مقاییس اللغة، ج 3، ص 36(زور). راغب اصفهانی ریشه دیگری برای این واژه ذکر کرده است.

2- همان.

3- المصباح المنیر.

4- همان.

5- سوره تکاثر، آیه 1 و 2.

6- برخی نیز گفته‌اند: دو طایفه از یهود بودند(مجمع البیان، ج 9- 10، ص 811، ذیل آیه).

جبران شکست خویش گفتند: در جاهلیت بسیاری از افراد طایفه ما بر اثر بغی و ستم نابود شدند که اگر زنده می‌بودند، بر شما غلبه می‌کردیم. از این‌رو به سراغ قبرستان‌ها رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. (1)

در مورد زیارت قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، سندهایی وجود دارد که در زیر به آن اشاره می‌شود. وهابیت، به عنوان یکی از تأثیر گذارترین باورها در دو دهه اخیر، تفسیر جدیدی از اسلام سنی است که عبدالوهاب سردمدار آن بود. وی طرفدار و بسط دهنده اندیشه‌های ابن تیمیه بود که بر اساس بنیان‌های فکری او، مکتب وهابیت بنا گشته است.
ابن تیمیه در سال 1263 میلادی در حران از شهرهای ترکیه کنونی به دنیا آمد و در سال 1328 میلادی وفات یافت. از جمله ویژگی‌های ابن تیمیه، جسارتش در ارائه عقاید و باورهایش بود. وی نقش بسیاری در پیروزی سپاه ممالیک مصر بر خیل مغولان بر عهده داشت. ابن تیمیه در فقه حنبلی به مقام اجتهاد رسید، ولی در ارائه فتاوا هرگز خود را محدود به فقه حنبلی نمی‌کرد و حتی بسیاری از فتاوای وی مطابق هیچ‌یک از مذاهب اربعه اهل تسنن نبود. یکی از نخستین آثار او کتاب العقیدة الحمویة الکبری بود که به نوعی خرق عادت در میان سنیان محسوب می‌شد. وی در این کتاب، به نقد و رد بسیاری از عقاید کلامی اشاعره پرداخته و نسبت به سستی و ضعف آن باورها، معترض بوده است.
ابن کثیر در شرح باورهای وی پیرامون زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید:
ابن‌تیمیه زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به کلی منع نکرده، بلکه مجرد قصد رفتن به

1- تفسیر صافی، ج 5، ص 369. البته تفسیر دیگری نیز برای این آیه ذکر شده است(المیزان، ج 20، ص 351، ذیل آیه)، اما «زرتم» به همان معنای ملاقات است.

زیارت را منع کرده است، یعنی اگر کسی بدون قصد زیارت به مسجد النبی برود تا نماز بخواند و در آن‌جا قبر را زیارت کند، مانعی ندارد.

تا قرن دوازدهم، مسلمین، خاطره بزرگان اسلام را گرامی می‌داشتند؛ آنها را به درگاه الهی شفیع قرار می‌دادند؛ روی قبور آنان، قبه و بارگاه می‌ساختند؛ برای زیارت قبور آنان از راه دور و نزدیک می‌شتافتند؛ به آنها توسل می‌جستند و برای آنها نذر می‌کردند و قربانی می‌نمودند؛ قبور و ضریح آنها را می‌بوسیدند و به آنها احترام می‌گذاشتند.
در این قرن، شخصی به نام محمد بن عبد الوهاب(1111- 1207 ق) که از اهالی عینیة از شهرهای نجد بود، با حمایت استعمار، در عربستان ظهور کرد و همه امور یاد شده را به عنوان مظاهر شرک، قدغن و تحریم نمود و هر کس را که با عقیده او موافق نبود، کافر و واجب القتل دانست و در این راه محمد بن سعود جدّ آل سعود را که در آن وقت امیر دراعیة از شهرهای معروف نجد بود، به کمک طلبید. به این‌جا و آن‌جا حمله کرده قتل و غارت راه انداختند و از آن جمله بارها به کربلا و نجف، لشکرکشی کردند و بسیاری از مردم بی‌گناه را شهید و قبر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا را خراب و مورد هتک قرار دادند و اموال گران‌بهای حرم و خانه‌های مردم را غارت کرده، میان خود و سربازانشان به عنوان غنیمت تقسیم کردند. همچنین بارها به مکه و مدینه حمله کرده، گنبدها و ساختمان‌های گورستان خبة العلی و قبور ابو طالب و عبد المطلب و خدیجه و فرزندان پیغمبر و گنبد زادگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ابوبکر و علی و حضرت خدیجه را خراب کردند و در مدینه نیز همه گنبدها و زیارتگاه‌ها و قبور صالحان را ویران کرده و با خاک یکسان نمودند، مانند مزار حمزه، شهدای احد، ائمه چهارگانه بقیع(امام حسن، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق علیهم السلام)، مرقدهای عباس عموی پیغمبر، عبداللّٰه و آمنه پدر و مادر آن حضرت، همسران آن بزرگوار، قبر اسماعیل امام اسماعیلیه، قبر مالک و ... اگر ترس از امت اسلام نبود، قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

را نیز خراب می‌کردند!
وهابی‌ها بدون توجه به همه ابعاد کتاب و سنت و بدون توجه به سیره مستمره مسلمین که تا زمان رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله، امتداد داشته و بدون تعمیق در مسایل بنیادی اسلام و تجمد به ظواهر برخی از آیات و روایات، بسیاری از مقدسات مسلمین را که قرن‌ها مورد احترام بود، احترام گذاران به آن مقدسات را مشرک، کافر و واجب القتل دانستند.
در عروة آمده است: «و المراد بالکافرمن کان منکر الاهیة أو التوحید أو الرسالة أو المعاد أو ضروریاً من ضروریات الدین مع الالتفات إلی کونه ضروریاً»؛ (1) مراد از کافر کسی است که منکر الوهیت یا توحید یا نبوت یا معاد باشد و یا منکر یکی از ضروریات دین با توجه به ضروری بودن آن باشد.
بنابراین، کسی که به همه اصول و ضروریات دین باور دارد و قبور صالحان را به جهت شایستگی و خدمتشان گرامی می‌دارد؛ در کنار آنها برای خدا عبادت می‌کند، روی آنها گنبد و بارگاه می‌سازد؛ آنها را به درگاه الهی به خاطر مقامی که نزد خدا دارند، شفیع قرار می‌دهد؛ به زیارت آنها می‌رود؛ نمی‌شود چنین فردی را کافر و مهدور الدم دانست.
از این رو، توحید که به معنای خدا را در ذات و صفات و افعال، یکتا دانستن و هرگونه شریک و انباز را از او نفی کردن و در مقام عبادت، تنها او را پرستش کردن است، هدف همه انبیای الهی به ویژه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده و هست؛ ولی وهابی‌ها به قدری دایره شرک را وسیع گرفته‌اند که هر گاه کسی قبر عبد صالح و شهیدی را که در راه خدا گام برداشته و جانش را در راه پیشبرد دینش گذاشته است، ببوسد و احترام بگذارد، مشرک می‌دانند. در صورتی که زایر در این کار، نظری جز تکریم به خاطر بندگی خاص او برای خدا و فداکاریش در راه دین او نداشته و هرگز او را از مرز بندگی فراتر نبرده است.

1- عروة الوثقی، محشی با توجه به حاشیه آیت اللّٰه خوئی، ص 24.

زیارت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتح مکّه و به هنگام مراجعت، در ابواء قبر مادرش آمنه را زیارت کرد و در کنار آن نشست و عاطفه سرشار و روح لطیفش موجب گردید که خاطرات گذشته و زحمات طاقت فرسای مادرش را تداعی کند و گریه شدید سردهد؛ به طوری که صحابه آن حضرت نیز شدیداً متأثّر گشته و گریه کردند.
همه صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز، آن تکریم و احترام را از سوی آن حضرت نسبت به مادرش مشاهده نمودند. زیارت کردن قبر مادر و گریه شدید کردن در مرئی و منظر عموم، چیزی نبود که در آن شرایط و با وجود چند هزار نفر که در این سفر به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، به فراموشی سپرده شود و حادثه‌ای باشد که بتوان از اصل انکارش نمود. لذا با حفظ اصل این جریان تاریخی، در کیفیت آن دخل و تصرف کردند و از همان شیوه‌ای که در ماجرای غدیر و در تصرف و تحریف در لفظ «مولا» استفاده نمودند، در این جریان نیز بهره گرفته و چنین گفتند: «این که پیامبر صلی الله علیه و آله قبر مادرش را زیارت و در کنار آن گریه کرد و صحابه نیز گریه کردند، درست است، اما این عملکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیل بر ایمان و توحید مادر آن حضرت نیست؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله پس از این مراسم جمله‌ای فرموده است که شرک و کفر مادر او را به اثبات می‌رساند! و آن این که: «از خداوند برای مادرم اجازه طلب مغفرت کردم، ولی چنین اجازه‌ای به من داده نشد؛ امّا برای زیارت قبرش اجازه خواستم که خداوند این اجازه را به من داد!».
این حدیث که ناقل آن ابوهریره است، در صحیح مسلم، (1) سنن نسائی، (2) سنن ابن ماجه، (3) سنن ابی داود (4) و تاریخ المدینة ابن شَبّه (5) آمده است. در سه سنن یاد شده، با مضمون آن، بر

1- ج 1، کتاب الإیمان، باب مَن ماتَ علی الکُفرِ فَهُوَ فی النّار.

2- ج 4، کتاب الجنائز، باب زیارة قبر المشرک.

3- ج 1، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی زیارة قبور المشرکین.

4- ج 2، ص 195.

5- ج 1، ص 118.

جواز زیارت قبور مشرکان، استدلال گردیده است و برای این حدیث، باب مستقلّی به عنوان: «جواز زیارة قبر المشرک» اختصاص یافته است.

برخی از محققین معتقدند که مسأله استحباب زیارت قبور اولیا و صلحا، چیزی است که قرآن و سنت و اجماع و عقل بدان دلالت دارد که ما ذیلاً تنها به چند حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب زیارت به آن اشاره می‌کنیم:

الف. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (1) هرکس قبرم را زیارت کند، شفاعتم برای او واجب خواهد شد.

ب. «من جائنی زائراً لا تحمله حاجة إلا زیارتی کان حقاً علیّ أن یکون له شفیعاً یوم القیامة»؛ (2) هر کس به زیارتم بیاید و جز زیارتم قصد دیگری نداشته باشد، بر من فرض است که در قیامت شفاعتش نمایم.

ج. «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»؛ (3) کسی که خانه خدا را زیارت کند آن‌گاه قبرم را زیارت نماید، همانند این است که در زمان حیاتم زیارتم کرده باشد.

د. «من زارنی بعد موتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (4) کسی که بعد از مرگم مرا زیارت کند، همانند این است که در حیاتم زیارتم کرده باشد.

ه. «زوروا القبور فإنّها تذکّرکم الآخرة»؛ (5) قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد.

و. «إنّی نهیتکم عن زیارة القبور فمن شاء أن یزور قبراً فلیزره فإنّه یرقّ القلب و یدمع

1- وفاء الوفاء سمهودی، ج 4، ص 1336- 1348؛ الغدیر، ج 5، ص 93- 108؛ کشف الارتیاب، ص 460- 471؛ منهج الرشاد، ص 140- 143.

2- همان منابع.

3- همان منابع.

4- همان منابع.

5- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 500.

العین و یذکر الآخرة و لا تقولوا هجراً»؛ (1) من قبلاً شما را از زیارت قبور، نهی می‌کردم، ولی اکنون هرکس می‌خواهد قبری را زیارت کند، چرا که دل را نرم و چشم را گریان می‌کند و آخرت را به یاد می‌آورد پس حرف‌های بیهوده نگویید.
از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است: خدای سبحان، گروهی از فرشتگان را مأمور کرده تا فاطمه را از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپ محافظت کنند؛ در مدت حیاتش با او باشند و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی کنند؛ بر او، پدرش، شوهرش و فرزندانش صلوات فراوان بفرستند. پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است و کسی که فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت کرده است. کسی که علی بن ابی طالب را زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت کرده است در نتیجه مرا زیارت کرده است. کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده است در نتیجه فاطمه و مرا زیارت کرده است. هر کس که ذریّه حسن و حسین را زیارت کند، گویا خودشان را زیارت کرده است در واقع علی و فاطمه و مرا زیارت کرده است. (2) بنابراین، زیارت هر کدام در حقیقت زیارت همه آنان است و از نظر فضیلت نیز یکسان هستند، اما برخی عوارض خارجی، مانند دوری راه، غربت، فشار و سخت‌گیری‌های حاکمان ستمگر و ... سبب شده که به زیارت برخی از امامان، مانند امام حسین و امام رضا علیهما السلام توصیه ویژه‌ای نموده‌اند یا ثواب مخصوصی ذکر کرده‌اند. چنان‌که ممکن است فداکاری ویژه امام حسین علیه السلام برای حفظ دین، سبب توصیه ویژه به زیارت آن حضرت شده باشد. بدین ترتیب اثبات فضیلت و استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اثبات فضیلت و ثواب زیارت سایر امامان و حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام، کفایت می‌کند، حتی اگر دلیل خاص درباره زیارت آن بزرگواران نداشته باشیم.
روایت‌هایی که در مورد حجاجی که مشرّف می‌شوند به زیارت روضه مطهر و

1- صحیح مسلم، ج 1، ص 388.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 122، ح 28.

آستانه منور حضرت سید المرسلین محمد بن عبد اللَّه صلی الله علیه و آله و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می‌شود که جفا شود در حق او در روز قیامت. و شیخ شهید فرمود: اگر مردم زیارت آن حضرت را ترک کنند، بر امام است که آنان را مجبور کند به رفتن زیارت آن حضرت؛ زیرا ترک زیارت آن حضرت، موجب جفای محرم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، هر کس که مرا در زمان حیات یا مرگم زیارت کند، یا تو و فرزندانت را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از اهوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آن که او را هم‌درجه خودم می‌گردانم. (1) همچنین فرمود: کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به زیارت و دیدار او خواهم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌های آن، نجاتش خواهم داد. (2) در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: کسی که از راه دور به من سلام دهد، به من ابلاغ می‌شود و هر کس که نزد قبرم به من سلام دهد، می‌شنوم. (3) و در روایت دیگری تصریح شده که این سلام، به وسیله فرشتگان به آن حضرت ابلاغ می‌شود. (4) بنابراین، سلامی که در قالب زیارت بر پیشوایان نور و امامان هدایت علیهم السلام می‌فرستیم، چیزی جز پیروی از سنت قرآن کریم نیست؛ زیرا اصل سلام بر صالحان را تجویز کرده و سلام بر مردگان را نیز جایز دانسته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام خبر داد که تو در سرزمین عراق کشته و دفن خواهی شد.

علی علیه السلام پرسید: کسی که قبر ما را زیارت و تعمیر کند و تعهد خویش را با آن حفظ کند، چه اجری دارد؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابا الحسن! خداوند قبر تو و قبر فرزند تو را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت و زمینی از زمین‌های آن قرار داده است. قلب جوانمردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان بندگانش را مشتاق شما قرار داده، به

1- وسائل الشیعه، ابواب المزار، باب 2، ج 14، ص 328، ح 16.

2- همان، ص 332، ح 23.

3- بحارالأنوار، ج 97، ص 182.

4- همان، ص 181.

گونه‌ای که در راه شما آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کنند و قبرهای شما را آباد می‌سازند و با انگیزه تقرّب به خدا و دوستی رسول او، فراوان به زیارت قبور شما می‌شتابند. ای علی! آنان از شفاعت من برخوردار، و بر حوضم وارد می‌شوند و زایران من در بهشت هستند. ای علی! کسی که قبرهای شما را آباد کند و به تعهد خویش پای‌بند باشد، مانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت‌المقدس یاری رساند. کسی که قبرهای شما را زیارت کند ثواب هفتاد حج غیر از حَجّةُالاسلام که واجب است دارد و از گناهان خود بیرون می‌آید، همانند روزی که از مادرش متولد می‌شود. پس بشارت باد به تو و به دوستانت نیز بشارت بده به نعمت‌ها و چشم‌روشنی‌هایی که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به دل کسی خطور کرده است. اما نابخردانی از مردم، زایران قبور شما را سرزنش می‌کنند، آن‌گونه که زنان نابکار را بر اثر نابکاریشان سرزنش می‌کنند. اینها اشرار امت من هستند که شفاعت من به آنها نرسد و بر حوض من وارد نشوند. (1) توجه به این نکته ضروری است که ثواب‌های مورد اشاره در این‌گونه روایات، بیانگر عظمت و جلالت قدر زیارت شونده است، چنان‌که حکایت از آثار مثبت فردی و اجتماعی زیارت می‌کند.

1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شهادت حسین علیه السلام و زیارت قبر آن حضرت به ابن عباس فرمود:
«من زاره فقد زارنی و من زارنی فکأنّما زار اللّٰه و حقّ علی اللّٰه أن لا یعذّبه بالنار»؛ (2)
هر کس او را زیارت کند، مرا زیارت کرده است و هر که مرا دیدار کند، گویی خدا را دیدار کرده است و خداوند او را به آتش دوزخ عذاب نکند.
2. همچنین ایشان درباره زیارت قبر امام حسن علیه السلام در بقیع فرمود:
«من زار الحسن

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 22، ح 50، باب فضل زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام؛ بحارالأنوار، ج 97، ص 120.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 352.

فی بقیعه ثبت قدمه علی الصراط یوم تزلّ فیه الأقدام»؛ (1) هر کس امام حسن را در بقیع او زیارت کند، در روزی که قدم‌ها می‌لغزد، گام او بر صراط، استوار خواهد بود.
3. «من زار أخاه فی اللّٰه قال اللّٰه عزوجل له: أنت ضیفی و زائری، علی قراک و قد أوجبت لک الجنّة بحبّک إیّاه»؛ (2)
هر کس برادر دینی خود را خالصانه دیدار کند، خدای متعال به او می‌فرماید: تو مهمان و زایر منی؛ پذیرایی از تو بر عهده من است و من به خاطر این‌که برادر دینی‌ات را دوست می‌داری، بهشت را بر تو واجب ساختم.
4. «الزیارة تنبت المودّة»؛ (3) زیارت، مودت و دوستی پدید می‌آورد.
5. «من أتانی زائراً کنت شفیعه یوم القیامة»؛ (4) هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

آثار و سازندگی زیارت

حضور پیدا کردن در مقابل امام معصوم یا مرقد مطهر او، فیضی است که مرحله‌ای از زیارت با آن تحقق می‌یابد؛ اما در هر زیارتی این‌گونه است که بعد از دیدار ظاهری و تعارف متداول به گفت وگو با مزور و محبوب می‌نشینند تا دیدار را طولانی‌تر و لذت وصال را بیشتر کنند. و ذکر کمالات معشوق، از یک سو تکلیف، بلکه تشریف عاشق را روشن می‌کند و به او می‌فهماند که در برابر چنین محبوبی چه وظیفه سنگینی دارد و از سوی دیگر معشوق را دلگرم می‌کند که ارادت عاشق، صوری و ناپایدار نیست.
این حدیث، بیانگر نکاتی است که ذیلاً ذکر می‌گردد:
این روایت و امثال آن، نشان می‌دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد.

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 141.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 457.

3- بحار الأنوار، ج 71، ص 355.

4- وسائل الشیعة، ج 10، ص 261.

از این جهت لازم است که زایر به گونه‌ای در حرم شریف آنان حضور پیدا کند که اگر زنده می‌بودند، همان‌طور در کنارشان حضور پیدا می‌کرد و زیارت در دوران مرگ باید همان آثار و سازندگی زیارت دوران حیات را برای او داشته باشد. چنان‌که هم‌درجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون حساب و برنامه نیست، بلکه سنخیّت روحی، اخلاقی و معنوی لازم دارد و این سنخیّت، باید در دنیا کسب شود. اصل زیارت، توجه به مقام مزور، تأمل در متن زیارتنامه و تلاش در تهذیب و تزکیه نفس، می‌تواند در ایجاد این سنخیّت و تتمیم و تکمیل آن کمک کند. امام رضا علیه السلام فرمود: شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفای به آن عهد، در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبور آن ذوات نورانی علیهم السلام است. (1) این حدیث، بیانگر نکاتی است که ذیلاً ذکر می‌گردد:

1. زیارت قبر امام، نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست. سخنگوی نهضت پیامبر صلی الله علیه و آله، بلال حبشی در دوران اقامت خویش در شام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او می‌گوید: ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که به زیارت من نایل آیی؟ (2) در این رؤیا، ترک زیارت قبر مطهّر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جفا نامیده شده، طبعاً زیارت آن، وفای به عهد خواهد بود.

2. زیارت باید همراه با رغبت، شوق و علاقه قلبی به مزور باشد.

3. زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مزور بدان رغبت داشته، مورد علاقه وی بوده و در راه آن فداکاری کرده است.

ظهور تولّی و تبرّی در زیارت عاشورا نسبت به زیارت‌های دیگر، حالت ویژه و استثنایی دارد؛ زیرا زایر این زیارت نه تنها بر مقتدا و مراد خویش و سردار و ساقی

1- کافی، ج 4، ص 567.

2- ر. ک: همان، ص 67.

عشق، یعنی حسین بن علی علیهما السلام صد مرتبه سلام می‌دهد، بلکه بر فرزندان او و بر پروانه‌های عاشقی که گرداگرد شمع وجود سالار خویش گردیدند، و در آتش ارادت به او سوختند و در آستان آن امام همام آرمیدند، نیز صد مرتبه سلام می‌دهد.
از سوی دیگر، نه تنها بر یزید که دست ناپاک ستم از آستین وی به درآمد و گلوی حق را به انگیزه نابودی فشرد، نفرین می‌فرستد؛ بلکه بر تمام مشایعت‌کنندگان، همراهان، بیعت‌کنندگان، تابعان و خلاصه اولین کسی که بر پیشوایان نور، ستم روا داشت و آخرین کسی که در این ستم‌پیشگی، آنان را تبعیت کرد، صدمرتبه نفرین دارد. سرّ این سلام و لعن ویژه، آن است که ستیغ نبرد امامت علوی و سلطنت اموی- که استمرار نبرد اسلام و کفر است- عاشوراست.
تذکر: همان‌طور که تخلیه، مقدم بر تحلیه است تبرّی قبل از تولّی است. پس در زیارت عاشورا نخست تبرّی و لعن صورت می‌پذیرد. سپس تولّی؛ هر چند ممکن است نسبت به دلباختگان ولایت، تبرّی از دشمنان ولایت به منظور غبارروبی و گردگیری از چهره شفاف مرآت ولایت باشد. نظیر نفی آلهه دروغین در کلمه طیّبه «لا إله إلا اللّه» که به منظور غبارروبی شرک است تا توحید مستقرّ و ثابت و اصیل، روشن و هویدا گردد.

ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام

فقیه و فیلسوف بزرگ، ملا محسن فیض کاشانی رحمه الله می‌گوید: روایاتی که ثواب زیارت ائمه اطهار علیهم السلام را بیشتر از حج، عمره و جهاد در راه خدا می‌داند، بیش از آن است که شمارش شود. و سرّش آن است که:

اولًا، هر کسی که ادعای مسلمانی می‌کند- حتی اگر ناصبی باشد- اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالی که زیارت ائمه اطهار علیهم السلام اختصاص به کسانی دارد که آشنای به قدر و منزلت آنان- هر چند ناقص- و معتقد به ایشان باشند.

ثانیاً، حرم‌های شریف ائمه علیهم السلام مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور

اشباح برزخی نوریشان است. آن ارواح بلند در حالی که زنده، خوشحال و روزی خورنده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مکان‌های شریف حضور پیدا می‌کنند و زایر در فضایی که روح امام معصوم علیه السلام حضور دارد، نفس می‌کشد؛ عبادت و راز و نیاز می‌کند و ....

ثالثاً، زیارت ائمه علیهم السلام صله و نیکی به خود آنان، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه علیها السلام، شیعیان، دوستدارانشان و بلکه نیکی به سایر انبیا و اوصیای الهی است و موجب خوشحالی آنان، اجابت دعوت، تجدید عهد با ولایت، زنده نگه‌داشتن مرام و غلبه بر دشمنانشان می‌گردد. همه اینها عبادت خداست و سبب می‌شود که انسان به فضایل و برکاتی که نزد خداست برسد و به رضای او دست یابد؛ زیرا خوشحال کردن مؤمن عادی اگر آن همه فضیلت و ثواب دارد، فضیلت و ثواب خوشحال کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام غیر قابل وصف است. زیرا که آنان از خطا و گناه معصوم هستند و خداوند آنها را امام مؤمنان و پیشرو پیشگان پروا قرار داد؛ آسمان و زمین را برای آنان آفرید. آنها صراط، سبیل و راهنمای به سوی او، دروازه رحمت الهی، وسیله ارتباط بین او و بندگانش هستند.

اما حج، عمره، جهاد و مانند آن، اگرچه موجب انفاق مال، ترک وطن، تحمل مشقت‌ها و ... می‌گردد، ولی فضیلت این امور در حدّ زیارت نیست؛ زیرا با آن‌که عبادت الهی، اجابت امر او و موجب خشنودی خدا و اولیای او می‌شود، اما آن فضایل دیگر را کم‌تر می‌توان در اینها یافت. (1) از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «هرکس که فرزندم امام رضا علیه السلام را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار است. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟

فرمود: آری، هفتاد هزار حج. راوی دوباره با تعجب پرسید: هفتاد هزار حج؟ فرمود:

چه بسا حج که مورد قبول واقع نمی‌شود. (2)

1- الحقایق، ص 287.

2- کافی، ج 4، ص 585، کتاب الحج، باب فضل زیارة أبی الحسن الرضا علیه السلام.

شاهد این ادعا، کلام بزنطی است که می‌گوید: در نامه حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه السلام خواندم که فرمود: این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابری می‌کند. تعجب کردم، از این‌رو به امام جواد علیه السلام گفتم: واقعاً با هزار حج برابری می‌کند؟ فرمود: آری، به خدا سوگند! با هزار هزار یک میلیون حج برابری می‌کند لیکن برای کسی که همراه با معرفت زیارتش کند. (1)

معرفت مزور و آگاهی از منزلت او، مورد سفارش و تأکید بسیاری از روایات است. از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «... هر کس امام رضا علیه السلام را که در شهر غربت از دنیا می‌رود زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقّش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر برخوردار است». (2) امام صادق علیه السلام فرمود: «امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، هرچند که سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس عارف به حقّ او باشد و زیارتش کند، پاداشی جز بهشت ندارد، از رزق واسعی بهره‌مند می‌شود و خداوند گشایشی در کار او ایجاد می‌کند». (3) امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند چهار هزار فرشته ژولیده موی غبار غم گرفته را موکّل قبر امام حسین علیه السلام کرده که تا روز قیامت برای او گریه می‌کنند. پس کسی که عارف به حق آن حضرت باشد و زیارتش کند، آن ملائکه، وی را همراهی می‌کنند تا به مأمنش برسانند، اگر مریض شود، صبح هنگام و شبانگاهان عیادتش می‌کنند و اگر بمیرد، تشییع جنازه‌اش کرده، تا روز قیامت برای وی استغفار می‌کنند». (4) همچنین به بشیر فرمود: «کسی که قبر حسین بن علی علیهما السلام را همراه با معرفت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است». (5) این‌گونه

1- بحارالأنوار، ج 99، ص 33.

2- همان، ج 99، ص 41.

3- همان، ج 98، ص 2.

4- کامل الزیارات، ص 349، باب 77، ح 1.

5- بحارالأنوار، ج 98، ص 77.

روایات درباره سایر ائمّه علیهم السلام نیز وارد شده است.
سرّ این که توصیه کرده‌اند زیارت زایر با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت امام است، نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صِرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، شمارش ستون‌ها، چراغ‌ها، شمعدان‌ها، درها، پنجره‌ها و .... این کارها، به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت. ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است، یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زایر گردد، نه بر سیاحت و زیارت صوری.
معرفت و آگاهی، نه تنها شرط کمال زیارت ائمه اطهار علیهم السلام است، بلکه درباره طواف کعبه نیز این تعبیر آمده است. ابراهیم تیمی گوید: در حال طواف کعبه بودم که امام صادق علیه السلام با تکیه زدن بر من فرمود: ای ابراهیم! آیا تو را از فضیلت این طوافی که انجام می‌دهی، آگاه سازم؟ گفتم: قربانت گردم، مایل هستم. فرمود: هر کس به سراغ این خانه بیاید و در حالی که عارف به حق آن است، با هفت شوط دور آن طواف کند و سپس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام بگزارد، خداوند ده هزار حسنه برای او می‌نویسد و ده هزار درجه وی را بالا می‌برد. (1) افزون بر این، در جای خود ثابت شده است که ائمه اطهار علیهم السلام یک نور در چهارده رواق هستند:
«و أنّ أرواحکم و نورکم و طینتکم واحدةٌ». (2)
زید شحّام از امام صادق علیه السلام پرسید: امام حسن افضل است یا امام حسین؟ آن حضرت در جواب فرمود: فضل اول ما به آخر ما و فضل آخر ما به اول ما برمی‌گردد ... خلقت ما یکی است، علم ما یکی است، فضل ما یکی است، همه ما در پیش خدا یکی هستیم ... اول ما محمد است، وسط ما محمد است، آخر ما نیز محمد است. (3)

1- همان، ج 71، ص 319.

2- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

3- بحارالأنوار، ج 25، ص 363.

شبیه این مطلب را عبدالرحمن بن مسلم از امام کاظم علیه السلام پرسید و گفت: زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت فلان امام، فلان امام ...؟
و یک یک امامان را نام برد. امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: هر کس که اولین ما را زیارت کند، آخرین ما را زیارت کرده است، چنان‌که اگر آخرین ما را زیارت کند، مانند اولین نفر ما را زیارت کرده است. هرکس ولایت اولین نفر ما را بپذیرد، ولایت آخرین نفر ما را پذیرفته است؛ همان‌طور که اگر ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین نفر ما را پذیرفته است. کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است .... (1)

اشاره

زیارت قبور مؤمنان، خصوصاً زیارت بستگان و آشنایان، یکی از اصول اسلامی است که برای خود آثار سازنده‌ای دارد؛ زیرا مشاهده وادی آرام قبرستان که چراغ زندگی انسان‌ها در آن‌جا به خاموشی گراییده، دل و جان را تکان می‌دهد، و برای انسان‌های عبرت‌آموز درس عبرت می‌شود. این‌گروه با خود می‌گویند: این زندگی موقت که پایان آن، پنهان شدن در زیر خروارها خاک است، ارزش تلاش‌های ناروا را ندارد. و سرانجام این افراد در برنامه زندگی خود تجدید نظر می‌کنند و تحولی در روح و روان آنها پدید می‌آید.
گذشته از این، زیارت بزرگان دین، نوعی ترویج از دین و مقامات معنوی است، و توجه مردم به مدفن بزرگان، این فکر را تقویت می‌کند که معنویت آنان مایه این گرایش‌هاست؛ و گرنه صاحبان قدرت و ثروت ولی فاقد معنویت، زیر خاک خفته و کسی به آنها توجهی ندارد.
رسول گرامی صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای عمر خود، به قبرستان بقیع رفت و درباره اهل

1- همان، ج 97، ص 122.

قبور، طلب آمرزش کرد و فرمود: پروردگارم دستور داده است که به سرزمین بقیع بیایم و برای آنان طلب مغفرت کنم. آن‌گاه فرمود: هر گاه به زیارت آنان شتافتید بگویید:
«السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین یرحم اللّٰه المستقدمین منّا و المستأخرین و إنّا إن شاء اللّٰه بکم لاحقون»؛ (1) درود بر ساکنان این وادی از مؤمنان و مسلمانان، رحمت خدا بر گذشتگان از ما، و بازماندگان و ما به خواست خدا به شما می‌پیوندیم.
در کتاب‌های حدیثی، زیارت قبور اولیای الهی و پیشوایان دین به صورت یک مستحب مؤکد آمده و پیوسته ائمه اهل بیت علیهم السلام به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، و دیگر امامان متقدم بر آنها می‌رفتند و پیروان خود را بر انجام آن دعوت می‌نمودند.
پیامبران دیگر هم یادآوران بزرگی بودند که انسان را به «میثاق فطرت» یادآوری می‌کردند و با تذکر به «هویت» انسان‌ها، آنها را در مسیر حرکت از «هست» ها به «باید» ها یاری و راهنمایی می‌کردند. علمای اهل سنت نقل کرده‌اند که ابن منکدر، از بزرگان تابعین(م 130 ق)، با اصحابش در مجلسی که می‌نشست و تشنگی شدیدی بر او عارض می‌شد، برخاسته و صورت بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نهاد و بر می‌گشت. وقتی مورد سؤال قرار می‌گرفت، می‌گفت: حالت خطرناکی به من دست می‌دهد که در این حالت، به وسیله قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شفا می‌طلبم. و نیز به محلی در صحن مسجد می‌آمد و در آن‌جا خود را به خاک می‌افکند. وقتی علت را می‌پرسیدند، می‌گفت: در خواب، پیامبر صلی الله علیه و آله را در این مکان دیدم. (2) یا وقتی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، چشم نابینای یعقوب فراق کشیده و هجران دیده را بینا می‌کند، مرقد رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله نمی‌تواند کرامت نشان دهد؟ وقتی بنا به روایات، غبار مدینه، شفابخش جذام باشد، تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین و قبر امام رضا علیهما السلام شفا نمی‌دهد؟ مگر نه این‌که دختر آن رسول پاک، حضرت فاطمه علیها السلام پس از

1- صحیح مسلم، ج 3، باب ما یقال عند دخول القبور، ص 64؛ منشور عقاید امامیه، ص 250.

2- الغدیر، ج 5، ص 150.

وفات پیامبر، کنار قبر پدر ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر دیدگان خویش نهاد و گریست و گفت: چه باک! آن کس را که تربت محمد را بوییده، هرگز در طول زمان، مُشک و بوهای خوش را نبوید؟
این‌گونه احترام‌ها و محبت‌ها و شفاطلبی‌ها و تبرک جویی‌ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می‌گیرد. (1) وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی را که متعلق به شافعی بوده، می‌شوید و آب آن را می‌نوشد تا از مقام علم، تجلیل کرده باشد، (2) پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و ائمه علیهم السلام، جای خود دارد.

زیارت، تکریم این‌گونه ارزش‌هاست، و احیای قداست منسوب به اولیای خداوند است. حال چند نمونه از سیره عملی اسوه‌های خود را یاد می‌کنیم تا معلوم گردد که چگونه پیشوایان دینی ما این «حق» را ادا می‌کردند و آن فرهنگ را زنده نگه می‌داشتند.

حضرت فاطمه علیها السلام قبر حمزه سید الشهدا را زیارت می‌کرد؛ اصلاح می‌نمود؛ علامت می‌گذاشت و هر دو سه روز یک‌بار، قبور شهدای احد را زیارت می‌کرد؛ کنار مزار، نماز می‌خواند؛ می‌گریست و دعا می‌کرد و هر جمعه، قبر حضرت حمزه را دیدار کرده، نزد آن می‌گریست. (3)

«حضرت زهرا علیها السلام، بعد از رسول خدا، هفتاد و پنج روز زیست. در این مدت، هرگز شاد و خندان دیده نشد. در هفته دو روز(روزهای دوشنبه و جمعه) سر خاک شهدا می‌آمد و می‌گفت: رسول خدا این‌جا بود، و مشرکان آن‌جا ...». (4)

1- همان، ص 147.

2- همان، ص 151.

3- وسائل الشیعة، ج 10، ص 279، ح 1 و 2؛ کشف الارتیاب، ص 481.

4- وسائل الشیعة، ج 10، ص 279؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 195.

یعنی نوعی گزارش می‌داد از صحنه‌های درگیری حق و باطل، و ترسیم میدان نبرد و یادآوری خاطره جنگ احد و غیره ... آموزش تاریخ در صحنه! بیان واقعه در محل وقوع! مرحوم صدوق، حضور بر مزار شهیدان احد را به عنوان زیارت، مستحب می‌داند. (1) در روایات، ضمن آن‌که برای زایر مدینه، زیارت و دعا نزد قبور شهدا مستحب به شمار آمده است، نقل شده که: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، هر گاه به زیارت شهیدان می‌رفت، خطاب به آنان می‌فرمود:

«السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار». (2)

امام صادق علیه السلام نیز در مورد زیارت شهدای احد، سفارش فرموده است که خطاب به آنان گفته شود: «السلام علیکم یا أهل الدیار، أنتم لنا فرط و إنّا بکم لاحقون»؛ (3) سلام بر شما ای اهل این دیار! شما پیشاهنگ مایید و ما هم به شما خواهیم پیوست. حضرت زهرا علیها السلام که اولین شهید عترت پیامبر صلی الله علیه و آله در راه دفاع از حق بود، طبق وصیت خویش، مخفیانه به خاک سپرده شد و حضرت علی علیه السلام صورت چند قبر را هنگام دفن وی ساخت تا جای دفن آن مظلومه مشخص نباشد. (4) آن‌گاه، به طور مکرر به زیارت قبر آن بانوی بزرگوار می‌رفت و طبق بعضی نقل‌ها: «امیر المؤمنین علیه السلام هر روز قبر فاطمه زهرا علیها السلام را زیارت می‌کرد؛ یک روز که به زیارت آمده بود، خود را بر قبر افکند و گریست و شعری را به این مضمون خواند: چه جانگداز است هنگامی که بر قبر حبیبم عبور می‌کنم و سلام می‌دهم و جوابی نمی‌شنوم. ای قبر! چه شده که جواب مرا نمی‌دهی؟ آیا بعد از من، دیگر دوستی با کسان، ملالت‌آور شده است؟». (5) حسین بن علی علیه السلام هنگام غروب هر جمعه، تربت برادرش امام مجتبی علیه السلام را زیارت می‌کرد. (6) محمد حنفیه را برای زیارت قبر امام حسن در بقیع می‌آمد و

1- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 229.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 276.

3- همان، ج 10، ص 277.

4- بحار الأنوار، ج 43، ص 193.

5- مالی مررت علی القبور مسلما/ قبر الحبیب، فلا یرد جوابی یا قبر، مالک لا تجیب منادیا امللت بعدی خلة الاحباب؟(الغدیر، ج 2، ص 16).

6- وسائل الشیعة، ج 10، ص 317.

می‌گفت: سلام بر تو ای بازمانده مؤمنان و ای فرزند اولین مسلمان. چرا چنین نباشد، در حالی که تو سلاله هدایت و هم پیمان با تقوا و پنجمین نفر از اهل کسایی. دست رحمت، تو را تغذیه کرده و در دامان اسلام تربیت شدی و از پستان ایمان، شیر خوردی. تو در حال حیات و مرگ پاکیزه‌ای .... (1) زیارت مرقد سید الشهدا علیه السلام بیش از همه مورد توجه و عنایت ائمه بود و به زایران آن کوی حق احترام زیادی می‌کردند.
حمران بن اعین نقل می‌کند که: از زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برگشتم. امام باقر علیه السلام به دیدنم آمد و فرمود: «ای حمران! بشارتت باد ... هر کس قبر شهدای آل محمد را زیارت کند و هدفش از این زیارت، خدا و پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، همچون روز تولد از مادر، از گناهانش بیرون آمده، پاک می‌شود». (2) اولین زایر قبر حسین شهید، صحابی والاقدر پیامبر، جابر بن عبد اللّه انصاری بود که به همراه عطیه، به زیارت نایل شد. نقل شده است که اسیران اهل بیت علیهم السلام، پس از ماجراهای کربلا و بازگشت از سفر شام، در مسیرشان به مدینه از مأموران نگهبان خواستند تا آنان را از کربلا عبور دهند تا با قبرسید الشهدا تجدید عهد نمایند. در اربعین شهادت حسین بن علی بوده که به آن محل رسیدند. هنگام گذر از آن دشت خونین، زن‌های علویه با گریه و فریادهای دردمندانه، به سوی قبر شتافتند و اشک‌ها ریخته شد و سه روز در آن‌جا گذراندند. در همان موقعیت بود که امام سجاد علیه السلام با جابر دیدار نمود. امام با جابر در این دیدار، که بر تربت شهیدان کربلا انجام گرفت، درباره حوادث تلخی که بر آنان گذشته بود، سخن‌ها گفت، سپس به سوی مدینه رهسپار شدند. (3)

1- بحارالأنوار، ج 97، ص 205.

2- وسائل الشیعة، ج 10، ص 259، ح 22؛ امالی، شیخ طوسی، ج 2، ص 28.

3- حیاة الامام الحسین بن علی، ج 3، ص 422؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 374، ح 3. البته این نکته که این زیارت، در اربعین همان سال بوده یا سال بعد، بین مورخین دو نظراست. برای تحقیق بیشتر، به کتاب اربعین از شهید قاضی طباطبایی مراجعه کنید.

دعبل خزاعی، شاعر متعهد شیعه که در زمان امام رضا علیه السلام می‌زیست، هنر خویش را در راه احیای حق آل محمد، و ذکر شهدای عترت پیامبر و بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام قرار داده بود و نزد ائمه شیعه منزلتی داشت. آن‌گاه، از قبرهایی یاد می‌کند که از این دودمان، در سرزمین کوفه، مدینه، مکه، فخ، جوزجان، بغداد، طوس، کربلا ... قرار دارد و از شهدایی چون شهید فخ، یحیی بن زید، ابراهیم بن عبد اللّٰه، موسی بن جعفر، و شهدای کربلا یاد می‌کند. (1) نقل شده است که وقتی دعبل، در شمارش این زمین‌های نورانی و مرقدهای پاک، به آن جان مطهر و ارزشمندی که در بغداد مدفون است، رسید(یعنی امام کاظم علیه السلام) حضرت رضا علیه السلام فرمود که این را هم اضافه کند: «و قبر بطوس یا لها من مصیبة»، که یادی بود از قبر مصیبت‌بار و اندوه‌آور که در خاک طوس است. دعبل پرسید: این قبر، قبر کیست که در طوس است؟ امام فرمود: قبر من است؛ مدتی نمی‌گذرد که طوس، محل رفت و آمد شیعیان و زایران من می‌گردد. هر کس مرا در غربتم در سرزمین طوس زیارت کند، با من خواهد بود و گناهش در قیامت بخشوده خواهد شد. آن‌گاه امام برخاست و صله و هدیه‌هایی به عنوان تقدیر، به دعبل عطا کرد. (2) امام هم، برای تکمیل قصیده بلند او، که تمام قبور و مزار شهدای مظلوم فرزندان فاطمه علیها السلام را دارد، از قبر خویش که در طوس خواهد بود، یاد می‌کند و دو بیت به قصیده‌اش می‌افزاید.

این خط کلی و درخشان ائمه علیهم السلام است که مردم را با این مزارها و مدفونین آنها آشنا کنند تا از این طریق، مردم راه هدایت و نجات را بیابند و در بیراهه‌های ظلمانی نیفتند.

1- قصیده دعبل، که با بیت «مدارس آیات خلت من تلاوة ...» معروفیت دارد، به صورت‌های گوناگون، کم و زیاد، در منابع مختلفی نقل شده است که مفصل‌ترین صورت نقل این قصیده، در کتاب کشف الغمه، ج 3، ص 108 به بعد نقل شده است که حدود 121 بیت می‌باشد.

2- الغدیر، ج 2، ص 361.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:
«مرّوا بالمدینة فسلّموا علی رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و إن کانت الصلاة تبلغه من بعید»؛ (1)
به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هر چند که سلام و درود از راه دور نیز به آن حضرت می‌رسد. زیارت از دور نیز هر چند مورد قبول و توصیه است، لیکن این حدیث، نشان می‌دهد که حضور زایر در کنار قبر وی خصوصیتی دارد، لذا مورد سفارش قرار گرفته است.
از جمله این خصوصیت‌ها عبارت است از:
1. بهره‌مند شدن از فضای معنوی حرم‌های شریف- که محل تردد فرشتگان، ارواح انبیا و اولیا به‌ویژه روح بلند آن مزور است- و دعا کردن در مظانّ استجابت دعا.
چنان‌که بهره‌مندی از فضای معنوی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و دعا کردن در آن فضا را وهابیان حجاز نیز قبول دارند و به آن عمل می‌کنند.
2. گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در بین راه‌ها و شهرهای مسیر مشاهد مشرفه.
3. نشانه صداقت زایر در دوستی و علاقه به مزور.
4. ارتباط ملت‌ها و ملیت‌های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقّات و امکانات یکدیگر.
5. عمل به توصیه کلی قرآن بر سیر در اقطار زمین و تماشای فرجام مجرمان: «قُلْ سِيرُواْ فِى الْأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ». (2)
6. وفاداری به مقتدا و تعهد به پیمانی که با او بسته است. (3) 7. حرم‌های شریف امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام‌ها و نهضت‌ها، محل پیمان بستن و هم قَسَم شدن برای انقلاب‌های

1- وسائل الشیعة، کتاب الحج، ابواب المزار، باب 4، ج 14، ص 338، ح 3.

2- سوره نمل، آیه 69.

3- ر. ک: روایت امام رضا علیه السلام.

رهایی‌بخش، جنبش‌های انتقام‌آمیز و ... بوده است. این برکات، جملگی از ایاب و ذهاب و مراوده زایران ناشی می‌شود.

عالم بزرگ اهل سنت، ابن قُدامه می‌گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا از خود آن حضرت در این باره روایت شده است. ابن هبیره می‌گوید:

پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد بن حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند. (1)

برخی از فقهای شیعه گفته‌اند: با ادله اربعه، یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌توان رجحان و فضیلت داشتن زیارت قبور صلحا، ابرار، متقیان و نیکان را نیز اثبات کرد تا چه رسد به زیارت انبیا، اوصیای معصوم علیهم السلام و علما. آن‌گاه به اثبات ادعای خویش پرداخته است. (2) فقیه نام‌دار امامیه در جواهر الکلام هنگام شرح کلام محقق حلّی، استحباب زیارت صدیقه کبرا، فاطمه زهرا علیها السلام، امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار علیهم السلام را مورد کاوش و بررسی قرار داده است. (3)

فضیلت و اجر و سازندگی زیارت

هر زیارتی دارای فضیلت، اجر، سازندگی و ... است، اما تردیدی نیست که اگر با مقدماتی همراه باشد- به‌ویژه مقدمات مشقت‌آور- دلیل روشن‌تری بر صداقت، محبت و ارادت زایر است و اجر، فضیلت و سازندگی آن نیز بیشتر خواهد بود. از این جهت سفر کردن از راه دور و نزدیک برای زیارت و دیدار دلدار و حضور در حرم او مورد تأکید و سفارش ائمه اطهار علیهم السلام است. چنان‌که فقیهان اهل سنت نیز به استحباب زیارت شهدای احُد و به ویژه سید شهیدان، حضرت حمزه- که امروزه نیز بیرون شهر مدینه واقع شده است- فتوا داده‌اند. (4) چنان‌که فاطمه زهرا علیها السلام هر جمعه، برای زیارت

1- الغدیر، ج 5، ص 110.

2- ر. ک: مهذب الاحکام، ج 15، ص 33.

3- جواهر الکلام، ج 20، ص 85- 100.

4- الغدیر، ج 5، ص 160.

قبر عمّ بزرگوار خود به سوی احُد بار می‌بست، در آن‌جا نماز می‌خواند و در کنار قبر وی گریه می‌کرد. (1)

ساختن بنا و تعمیر قبور

یکی دیگر از اموری که مورد انتقاد فرقه وهابیه قرار گرفته، موضوع احداث بنا، روی آن قبور و زیارت و دعا و نماز، کنار آن و نذر و ذبح حیوانات برای آنهاست.
وهابی‌ها خیال می‌کنند که این گونه امور که از ناحیه گروه‌های مختلف اسلامی در طول تاریخ صورت می‌گرفته، یک نوع بت پرستی است که باید با تمام مظاهر آن، مبارزه کرد و توحید خالص را تحقق بخشید. بدین جهت، قبور صالحان و ائمه بقیع را در مکه و مدینه ویران کرده، آثارشان را از بین برده‌اند و همواره از مراسم مذهبی کنار قبور آنان جلوگیری می‌نمایند!
در صورتی که این نوع کارها از موحدینی صورت می‌گیرد که جز خدای یکتا را نمی‌پرستند و آنها را به عنوان تعظیم شعایر و تجلیل از نیکان و ترغیب مردم به ادامه راه آنان، انجام می‌دهند و صاحبان آن قبور را عباد صالح و بندگان شایسته خداوند می‌شناسند.
در این‌جا توضیح دو نکته لازم به نظر می‌رسد:
1. کسانی که قبور را تعمیر و یا روی آنها ساختمان می‌کنند(اکثریت قاطع مسلمانان)، برای صحت عمل خود به عمومات کتاب و سیره مسلمین، بدین شکل استدلال می‌کنند: احداث بنا روی قبور، یکی از راه‌های زنده نگاه داشتن یاد و راه الهی و ابراز محبت و ارادت نسبت به آنهاست وگرنه به مرور زمان، کم رنگ شده و شکوه و شادابی خود را از دست می‌دهد و چه بسا شک و تردید در آن راه می‌یابد و بدین جهت است که همواره قبور رجال دین و سیاست را گرامی می‌دارند. از این رو، این کار مصداق تعظیم شعایر است که قرآن بر آن تأکید دارد. (2)

1- همان، ص 169، ح 26.

2- ر. ک: سوره حج، آیه 32.

اما سیره مسلمین، هنگامی که اسلام جزیرة العرب و کشورهای مجاور را فتح کرد، قبور پیامبران و صالحانی با قبه و تشریفات، در آنها وجود داشت از قبیل: قبر اسماعیل و مادرش هاجر در مکه و در «حِجر»، قبر دانیال در شوش، هود و صالح و یونس و ذوالکفل در عراق، قبور ابراهیم و اسحاق و یعقوب و یوسف در بیت المقدس، قبر حوا در جده و ... و اگر هدم آنها واجب بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمین آنها را خراب می‌کردند. در صورتی که دست به ترکیب آنها نزدند و این نشان می‌دهد که ایجاد بنای روی قبور، به طور کلی حرام نبوده و جنبه بت‌پرستی نداشته است.

و از صدر اسلام تاکنون، مسلمین برای تجلیل از پاکان و ترغیب مردم به ادامه راه آنان، قبور آنان را مورد احترام قرار می‌دادند و روی آنها ساختمان می‌ساختند و در کنار آنها مساجد و مرافق عمومی تأسیس می‌کردند و در آن مکان‌ها، عبادت خدا و تبلیغ و ترویج از آیین محمدی می‌نمودند که قبور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه طیبه و ائمه بقیع و امامان در عراق و ایران و مشاهد مشرفه بلاد اسلامی گویای این واقعیت روشن است و اگر این کار، حرام و مصداق بت‌پرستی بود به هیچ وجه عالمان و سنگرداران دین که جانشان را در راه حفظ آثار دین گذاشتند، تحمل یک چنین خلاف بنیادی را نمی‌کردند. (1) 2. احادیث ابی الهیاج و ...

وهابی‌ها بدون توجه به دلایل یاد شده در مورد جواز تعمیر قبور و ساختن بنا روی آنها و نیز بدون توجه به نظرات مذاهب اربعه اهل سنت که وضع بیت یا قبه یا مدرسه و مسجد را روی قبر جایز دانسته‌اند، (2) حکم به حرمت و وجوب تخریب آن داده‌اند و در این راه به روایاتی از قبیل: حدیث ابی الهیاج، جابر و ناعم و امثال اینها تمسک جسته‌اند. در صورتی که آن روایات، هم از لحاظ سند، به خاطر افرادی مانند:

وکیع، سفیان ثوری، حبیب بن ابی ثابت، ابی وائل، ابن جریحفوهبفابن لهیعه و ...

1- کشف الارتیاب، ص 357- 393؛ الوهابیه فی المیزان، ص 53- 122؛ آیین وهابیت، ص 39- 95.

2- یکره أن یبنی علی القبر بیت أو قبة أو مدرسة أو مسجد.(الفقه علی

المذاهب الاربعة، ج 1، ص 536)

نادرست است و هم از لحاظ دلالت مربوط به مدعای وهابی‌ها نیست و نیز مربوط به قبور کفار و کسانی است که قبور افرادی را برای خود قبله اتخاذ می‌کردند و همانند بت‌پرست‌ها آنها را پرستش می‌نمودند که برای بررسی جزییات این بحث، لازم است به کتب مربوطه مراجعه شود. (1)

نظر مرحوم کاشف الغطا

آیت اللّٰه العظمی حاج شیخ جعفر کاشف الغطا، در رساله‌ای که در جواب نامه سلطان عبد العزیز بن محمد بن سعود دومین حاکم آل سعود، نوشت درباره تعمیر قبور و ساختن بنا روی آنها می‌نویسد: زمان‌ها و شرایط در مورد افعال و اعمال مردم تأثیر دارد و بر همین اساس، مسلمین به‌خصوص پیشوایانشان در صدر اسلام از لحاظ لباس و غذا و مسکن و حتی تعمیر قبور رعایت اضعف مردم را می‌کردند، ولی بعدها که رفاه نسبی پدید آمد و گشایشی در اعمال آنان در این زمینه‌ها آشکار گردید، از این رو اگر در صدر اسلام در مورد مساجد و مشاهد مشرفه تجلیل زیاد نمی‌کردند، دلیل آن نمی‌شود که در اعصار بعد که زندگی عمومی رونق گرفته، تجلیل کامل صورت نگیرد و مجاز نباشد. و چون تجلیل از آن قبور از عوامل حفظ آنها از اندراس و احترام به صاحبان آنها و ادامه راه آنهاست، از این رو به مرور زمان، در تجلیل و رونق آنها افزودند و صرف نظر از عمومات آیات و سیره مسلمین در طول تاریخ، روایات فراوانی نیز از طریق ما در استحباب این کار رسیده که تنها به روایت زیر اکتفا می‌شود: (2) ابو عامر تبانی واعظ اهل حجاز می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا پاداش کسی که قبر امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت و تعمیر کند، چیست؟ فرمود: ای ابا عامر پدرم از پدرش و او از پدرش، علی علیه السلام روایت کرده

1- به مصادر یاد شده مراجعه شود.

2- منهج الرشاد، ص 153- 155.

که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله به او فرموده است: به خدا قسم که تو در زمین عراق کشته می‌شوی.
امیر از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: پاداش کسی که قبور ما را زیارت و تعمیر کند، چیست؟
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابا الحسن، خداوند قبر تو و فرزندانت را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصات آن قرار داده و خداوند قلوب نجیبان و برگزیدگانش را متوجه شما ساخته و در این راه تحمل رنج و همه نوع گرفتاری می‌نمایند تا قبور شما را تعمیر و به جهت تقرب به خدا و علاقه‌شان به رسول خدا زیاد آنها را زیارت کنند، اینان مخصوص به شفاعتم هستند و در حوضم وارد می‌شوند و اینان فردا زایرانم در بهشت خواهند بود. (1)

اشاره

آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا عبارت‌اند از: توجه به خدا، تقرب به خدا، تحول روحی و توبه و گناه زدایی که به گونه اختصار، به بحث و بررسی آن می‌پردازیم.

اساس تربیت روحی مسلمان، «ذکر خدا» است، و ریشه تباهی اخلاق، «غفلت» و «دوری» و «نسیان» می‌باشد. اگر از «سازندگی زیارت» سخن می‌گوییم، باید آن را در ارتباط با «یاد خدا» بشناسیم که در مزار معصومین و شهیدان پدید می‌آید. اگر ائمه معصوم، مقرب درگاه پروردگارند، به خاطر آن است که «عبودیت خدا» را در اوج متعالیش دارا بودند. اگر آنها اسوه و الگوی مایند، برای آن است که در تقوا و طاعت خدا، سرآمد اهل روزگار بودند. اگر سخن و عملشان برای ما سند و ملاک است، از آن روست که «حجت» های خدایند. اگر نزد خداوند، مقام و مرتبه‌ای والا دارند، رازش در ارتباط عمیق و همواره و عاشقانه آنان با خدای عالم است.

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 120.

نتیجه آن‌که: زایری که در مرقد پاکشان، آستانه ادب می‌بوسد و به تکریم و احترام می‌پردازد، باید به یاد خدا افتد. چرا که ائمه علیهم السلام، واسطه خالق و خلق‌اند؛ راه منتهی به خدایند؛ آینه حق‌نمایند؛ زیارتشان، یادآور خداوند است. وقتی توجه به خدا، نقش تربیتی و سازنده و بازدارنده از گناه دارد، قطعاً این توجه، در کنار مزار اولیای خدا بیشتر و شدیدتر است.
پس زیارت باید بازدارنده از گناه باشد، چرا که در زیارتگاه، به ادای احترام امامی می‌ایستیم که عظمت و قداستش را مدیون بندگی خداست. مگر می‌شود کسی مدعی عشق و محبت دوستان خدا باشد، ولی راه و روش و عمل و زندگی او برخلاف رضا و خواست آنان باشد؟
چه بسا که به دیدار کسانی برویم، ولی به یاد خدا نیفتیم. چه بسیار جاهای دیدنی و اماکن باستانی و آثار هنری و موزه‌ها و بناها، که دیدارش یادآور خدا نیست. اما زیارت معصومین و مزار ائمه و قبور اولیای خدا و امامزادگان، جدا از یاد خدا و منفصل از معنویت و روحانیت نیست.
مزارها، جلوه‌های ربوبی دارند و «صبغة اللّه» در آنها مشهود است. زیرا «آن» که به دیدارش آمده‌ایم، با «او» پیوند داشته است.
زایر هم، از این رهگذر، غنچه فطرتش را می‌شکوفاند و با یاد خدا و توجه به معبود، دل را صفا می‌بخشد. احساس کششی به سوی مبدأ می‌کند. پاک و زلال می‌شود و از گناه دور می‌گردد. و دوری از گناه، یعنی نزدیکی به خدا. نزدیکی به خدا هم، یکی دیگر از آثار سازندگی زیارت است.

تقرب به خدا

اشاره

والاترین هدف خلقت، الهی شدن انسان و قرب به خداوند است. منظور، نزدیک شدن مکانی نیست، که خدا مکان ندارد. و مقصود، نزدیک شدن خدا به ما نیست، چرا که خداوند، به ما نزدیک است:

از رگ گردن به ما باشد خدا نزدیک‌تر هر چه ما دوریم از او، او به ما نزدیک‌تر

این نص قرآن کریم است که: «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ». (1)

دوست، نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

بلکه هدف، نزدیک شدن ما به خداوند است، از طریق کسب فضایل، از راه آراسته شدن به مکارم اخلاق، از راه تخلق به اخلاق اللّه، به وسیله بندگی و طاعت و اخلاص و تقوا.

«زیارت»، چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است، زمینه کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی، و در نتیجه تقرب به خدا می‌گردد.

وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می‌گیرد و به آن مدل و الگو توجه می‌کند، انگیزه کمال‌یابی، او را به قرب معنوی به خدا می‌کشد و زیارت، مایه تقرب می‌گردد.

تقرب به اولیای خدا، راهی است برای تقرب به خداوند. چرا که اینان، وسیله و صراط و راهنما و مشعل هدایت‌اند. آشنایی و انس با اینان، زایر را با خداوند بیشتر مأنوس و آشنا می‌سازد. تا انسان نخواهد که تقرب بجوید، نزدیک هم نمی‌شود. باید «تقرب» جست، تا به «قرب» رسید.

به همین جهت، تعبیر «أتقرّب» در زیارتنامه‌ها زیاد است و دیدار مرقد ولیّ خدا، سبب نزدیک شدن به خدا به حساب آمده است.

از موارد فراوان، به چند نمونه اشاره می‌شود: در زیارت امام علی علیه السلام می‌گوییم:

خدایا! بنده و زایر تو، با زیارت قبر برادر پیامبرت، به تو تقرب می‌جوید: «اللّهم عبدک و زائرک، متقربّ إلیک بزیارة قبر أخی رسولک». (2) و در زیارت موسی بن جعفر علیه السلام می‌خوانیم: «متقرّبا بزیارتک إلی اللّه تعالی» (3) و در زیارت ائمه معصومین علیهم السلام، خطاب به آنان می‌گوییم: «متقرب بکم إلیه». (4)

1- سوره ق، آیه 16.

2- محجة البیضاء، ج 4، ص 87.

3- مفاتیح الجنان، زیارت موسی بن جعفر علیه السلام.

4- همان، زیارت جامعه کبیره.

زیارت امام، وسیله نزدیک شدن به خداوند است و آراسته شدن به اوصاف و اخلاقیات معصومین آراستگی به اوصاف الهی است و در همین قرب به خدا، کمال وجودی انسان نهفته است.
ابو سعید ابو الخیر، از شیخ الرئیس بو علی سینا، نابغه دوران، درباره تشرف به زیارت، پرسشی می‌کند. ایشان در پاسخ می‌گویند: «در این هنگام(هنگام تشرف به زیارت) اذهان، صفای زیادتری پیدا کرده، خاطره‌ها با تمرکز شدیدتری جلوه نموده و باعث نزدیکی به خداوند می‌گردد». (1)
زایر، حتی این قرب را «احساس» هم می‌کند.
جلوه‌ای از فیوضات را در خویش می‌یابد و احساس «تصعید وجودی» می‌نماید، خود را به خدا نزدیک‌تر می‌یابد؛ دلش شکسته‌تر می‌شود؛ با فطرت خدا آشنای خود، صمیمی‌تر و در گوشی‌تر به نجوا می‌پردازد، و تصمیم بر توبه‌ها و انابه‌ها، از رهگذر همین توجه‌ها و تقرب‌ها پدید می‌آید.

تحول روحی

دگرگونی، از حالات روحی انسان است. عواملی چند، انسان را «متحول» می‌کند.

خدایی که «محوّل الحال» است، این اعجاز را و این تأثیر شگفت را و این کیمیای دگرگون‌ساز را، گاهی در یک «تربت» می‌نهد؛ گاهی در یک «زیارت» قرار می‌دهد؛ گاهی به برکت یک «شهید» فراهم می‌سازد، گاهی در فیض یک «نگاه» و فوز یک «نظر» می‌بخشد؛ گاهی «حال» را در یک «دیدار» می‌بخشد و «حضور»، منشأ این تحول می‌شود.

آری، «زیارت»، نقش دگرگون‌ساز و تحول‌آفرین در انسان دارد. در زیارت مولای متقیان علیه السلام می‌خوانیم: «السلام علی میزان الأعمال و مقلّب الأحوال». (2) گر چه مقلّب القلوب بودن و دگرگون‌سازی دل‌ها و حال‌ها، کار خداست، ولی خداوند، این ولایت را به

1- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 37.

2- مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام(پایین پا).

«ولیّ خود» هم می‌بخشد، و امام علی علیه السلام هم می‌تواند احوال را دگرگون کند و فیض نظرش خاک را کیمیا و مس دل را طلا سازد.

اگر در زیارت، این تحول روحی پدید نیاید، چه سود؟ آن‌که از زیارت برمی‌گردد، باید همراه با تحول و تغییر و توبه و انابت باشد؛ باید فرقی کرده باشد؛ وگرنه از زیارت بهره نگرفته است.

گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحبخانه چیست؟! گنهکار، از محیط پاک زیارتگاه اثر می‌پذیرد و در فضای دیگری قرار می‌گیرد.

این تحول، چه بسا از دور فراهم نگردد. باید بیاید؛ رنج سفر ببیند؛ پای به راه نهد؛ با شوق و درد، وادی‌ها را بپیماید؛ تا در کنار مرقد، «قرار» گیرد. آن‌گاه این «حضور»، تأثیر تربیتی دارد.

بار معنوی زیارت تا حدی است که گاهی یک انقلاب روحی، یک تحول حال، یک «توجه» در مزار معصوم، منشأ اثر در یک عمر است. لحظات «شب‌قدر گونه» ای که برای زایر در کنار قبر اولیای پاک خدا حاصل می‌شود، گاهی برکاتی دارد که پیش از سال‌ها مراقبت و مواظبت، بازدهی دارد و می‌توان ره صد ساله را یک شبه پیمود. چه توبه‌های عظیم، چه تطهیر قلب‌های جدی، چه تصمیم‌های بزرگ، چه اصلاح درون‌های سرنوشت‌ساز، که از آثار «زیارت» است. در عتبات ائمه حضور یافتن و به «حساب» خود رسیدن، به گذشته خویش و اعمال خود توجه کردن و تصمیم به «پاک بودن» و «خوب زیستن» گرفتن، از آثار دیگر زیارت است.
گناه، زایده‌ای است روییده بر تنه اخلاق انسان؛ غفلت، آفتی است افتاده به جان «قلب»؛ هواپرستی، باد مسمومی است وزیده بر گلستان «فطرت»؛ دنیازدگی، کرمی است ساقه‌خوار، چسبیده به شاخه «وجود»؛ شهوات، آتشی است هستی‌سوز، افتاده به خرمن «ایمان».
«زیارت» چه می‌کند؟ ... زیارت، مؤمن را در آستانه ایمان مجسم و در عتبه اسوه‌های

اخلاق، می‌نشاند، فطرت را زیر اشراق ملکوت مرقد معصومین علیهم السلام، آفت‌زدایی می‌کند. زیارت، آبی ابراهیمی است که بر آتش شهوت نمرودیان ریخته و آن را سرد و سلامت می‌کند. زیارت، انسان را به خطاهایش «متوجه» و «معترف» می‌سازد و در او، بارقه «امید» و «مغفرت» می‌آفریند. زایر، باید خود را در چنین جایگاه و مقامی احساس کند.

در زیارت امامان مدفون در قبرستان بقیع می‌خوانیم: «هذا مقام من أسرف و أخطأ و استکان و أقرّ بما جنی و رجی بمقامه الخلاص»؛ (1) این‌جا، محل ایستادن و جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده است، این‌جا کسی در حضورتان ایستاده که شکسته و خاکسار، به جرم خویش اقرار می‌کند و به خاطر حضورش در این مقام، امید «نجات» دارد.

تا انسان خود را اسرافکار و بزهکار نداند، خاکسار نمی‌شود و تا خاکی نشود، به گناه اعتراف نمی‌کند و تا اقرار به اشتباه نکند، امید نجات در او نیست.

مزار ائمه علیهم السلام، یکی از بهترین جاها برای «محاسبه نفس» و رسیدگی به پرونده اعمال خویش است. در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «إنّی أتیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی و إنّی أتوجّه بک إلی ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی». (2) استغفار و توبه از گناهان و توجه به خدا و امید مغفرت، در زایر رسول اللّٰه لازم است. بدین‌گونه، زیارت، عامل تزکیه نفس و خودسازی و تربیت است.

همچنان که دریاها و گیاهان و عالم طبیعت، سموم و گاز کربنیک‌های هوا را می‌گیرند و به تطهیر و پالایش جو و محیط و هوا می‌پردازند، در عالم معنویات هم، انسان‌های نمونه و روح‌های متعالی و مظاهر کمال، چنین خاصیتی دارند و جان‌ها را پاکسازی می‌کنند و اخلاق‌ها را اصلاح و دل‌ها را از رذایل شست‌وشو می‌دهند. (3) این

1- مفاتیح الجنان، زیارت ائمه بقیع.

2- همان، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله.

3- با استفاده از بیان شهید مطهری در عدل الهی، با عنوان «اصل تطهیر»، ص 274.

وساطت در فیض است که از خداوند، اما از کانال اولیایش، به ما می‌رسد.
وقتی که زیارت ائمه علیهم السلام و پیوند با آنان در تطهیر جان‌ها و اصلاح اخلاق و تربیت نفوس مؤثر است، این خود، نوعی هدایت و امامت و رهبری ائمه را می‌رساند. این هم نوعی شفاعت است که در همین دنیا اثرش روشن می‌شود و به تعبیر شهید مطهری: «شفاعت رهبری» و «شفاعت عمل» است. (1) برای وجودهای گریزان از مرکزیت توحید و فطرت و پاکی، نیروهای جاذبه معنوی لازم است تا این تعادل و حرکت در «خط سیر» و شناوری در «فلک فوز و فلاح» را هماهنگ و برقرار سازد. با کار گریز از مرکز و جاذبه، تعدیل فراهم می‌شود.
مزارهای معصومین علیهم السلام، کانون‌های جاذبه‌دار، برای کشش فطرت‌ها و دل‌های مستعد، به خیر و صلاح است.
و بالأخره زیارت، عامل «توجه به خدا»، «تقرب به خدا»، «تحول روحی» و «توبه و گناه‌زدایی» است. اینهاست آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا. به شرط آن‌که زایر، عارف باشد؛ عارف به حق ائمه و مقام و شخصیتشان، عارف به وظیفه خود در مقابل امامان. این چشم‌انداز را در حیات شخصیت‌های برجسته و انسان‌های نمونه می‌توان یافت و به محدوده این قلمرو وسیع با توجه به عظمت مقام ائمه علیهم السلام می‌توان پی برد.
امامان، که «انسان‌های برتر» اند، شخصیتی دارند که حد و مرز تعالی انسان را نشان می‌دهند. آنان، چون «انسان» اند، الگوی انسان‌ها هستند، وگرنه قابل تأسی نبودند.
انسان کامل بودن آنان، به ما نشان می‌دهد که تا کجاها می‌توان پر کشید و طیران کرد و کمال یافت.
به زیارت این اسوه‌ها رفتن، ما را به آن قله‌ای که باید برسیم، به آن حد و مرزی که باید قدم بگذاریم، و به آن مرتبه‌ای که باید نایل شویم، «راهنمایی» می‌کند.

1- ر. ک: همان، ص 268، تحت عنوان «شفاعت رهبری».

گفتیم که این، منحصر به ائمه علیهم السلام نیست؛ در مراتب مختلف، همه انسان‌های والا، این هدایت و امامت را برای ما دارند.
به راستی هم، اولیای دین که زیارتشان بر ما فرض و لازم است، بیان کننده این حد و مرز سیر صعودی انسان‌ها در مسیر پاکی و طهارت و کمال‌اند. و این، خود، یکی از شیوه‌های امامت و خواص رهبری آنان است.
در تعبیراتی که در زیارتنامه‌ها به کار رفته است، به وضوح این نشان دادن حد و مرز را می‌توان دید. از امامان معصوم، با کلمات و عناوینی یاد شده که در این باب، بسیار راهگشاست.
تعبیراتی همچون «آیه»، «بینه»، «حجت»، «گواه»، «شهید»، «صراط»، «راه»، «نشانه»، «راهنما»، «منار»، «امام»، «در»، «چراغ»، «نور»، «ستاره»، «ماه»، «خورشید»، «دلیل»، «پرچم»، «علامت»، و ... که در متون زیارتی دیده می‌شود، مبیّن این نکته است. (1) نمونه‌ها، همیشه معیار و میزان‌اند و محدوده و گستره و میدان رشد انسان‌ها را نشان می‌دهند. به همین جهت، در برنامه‌های تربیتی اسلام، تأکید فراوانی روی نشان دادن الگو شده است.
استاد حکیمی می‌نویسد: «... از حقیقت‌هایی که در انعقاد شخصیت انسان و ساختن آن سخت مؤثر است، توجه انسان است به نمونه‌های والای فکر و اعتماد و اقدام و عظمت و حماسه و جهاد. اگر این نمونه‌های والا در میان زندگان باشند، چه بهتر، ولی انسان به گونه‌ای ویژه، به اشخاص تاریخی و گذشتگان اعتقاد دارد و کمالات و عظمت‌های آنان را- تا سر حد اساطیر- تقدیس می‌کند و بزرگ می‌دارد. بنابر این، بشر به طور فطری، از توجه به آثار باقیمانده، ابزار کار، محل سکونت و قبور بزرگان تاریخ و تأمل در احوالات آنان، چیزها می‌آموزد و به عظمت‌ها می‌رسد». (2)

1- به زیارتنامه‌ها و کتب‌ها مراجعه و در تعبیرات، دقت کنید. از جمله: زیارت جامعه و دعای ندبه و ....

2- حماسه غدیر، ص 302.

ایستادن در برابر آیینه‌های فضیلت‌نما، «رذیلت» ها را هم خود به خود می‌نمایاند و قرار گرفتن در مقابل آینه‌های کمال، «نقص» ها را نشان می‌دهد. «زیارت»، نوعی حضور در برابر آینه است. زیارت، خود را به «میزان» عرضه کردن است، زیارت، خود را «محک» زدن است، زیارت، خود را با «الگو» و «مدل» سنجیدن است. وقتی ما در برابر یک معصوم و امام شهید قرار می‌گیریم، و در مزار پیشوایان دین، با شناخت و بصیرت حضور می‌یابیم و می‌دانیم که اینان، کمال مجسم و عینیت فضیلت، و جلوه‌هایی از نور خدا و چشمه‌ای از فیض رب، و تبلوری از ایمان و خلوص و عبودیت و پاکی‌اند، در این صورت، عظمت آنان، ما را متوجه نقایصمان می‌کند؛ و پاکی آنان، ما را به آلودگی‌هایمان آشنا می‌سازد؛ معنویت و روحانیت آنان، ما را به مادیت و دنیاگراییمان واقف می‌گرداند؛ «طاعت» آنان، معصیت ما را روشن می‌نماید؛ نورانیت آنان، تیره جانی و تاریکدلی ما را؛ صفای آنان، غل و غش ما را؛ خدا ترسی آنان، هواپرستی ما را؛ تعالی روح و رتبه والایشان، تنزل مقام و پستی منزل ما را.
حضور در مزار امامان پاک، ما را آگاه می‌کند که: اگر آنان در «قله» اند، ما هنوز به «دامنه» هم نرسیده‌ایم؛ اگر آنان «مطهر» اند، ما هنوز در فکر طهارت هم نیستیم؛ اگر آنان «معصوم» اند، ما گرفتار معصیتم؛ اگر آنان «برگزیده خدا» یند، ما هنوز در دام ابلیس و هوای نفس اسیریم؛ اگر آنان در اوج «معراج معنوی» اند، ما در «هبوط مادی» مانده‌ایم؛ اگر آنان «بنده خدا» یند، ما در بند «خود» یم.
زیارت، زمینه‌ساز این تقابل و تقارن و مقایسه و محاسبه است و تا این سنجش انجام نگیرد، به کاستی‌های اخلاقی و ضعف‌های معنوی خود واقف نخواهیم شد.
این است که زیارت را قرار گرفتن در برابر آیینه می‌دانیم. در عظمت زیارت عاشورا همین بس که از احادیث قدسیه بوده و ظاهر خبر صفوان بن جمّال مهران آن است که خداوند متعال، این زیارت را به جبرئیل امین القا کرده و او به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسانده است.

تباهی و فساد، در میان جوانانی که ریشه و تبار صحیح و معلومی ندارند، بیشتر است.
فرزندان نامشروع و بی پدر و مادر، برای بزهکاری و جرم و جنایت، زمینه مساعدتری دارند. انقطاع فرهنگی یک نسل از گذشته درخشان خویش، زمینه‌ساز بردگی فکری و استعمار فرهنگی آنان، از سوی تاراجگران فکر و اندیشه و استقلال ملت‌هاست.
غرض این‌که: در مسایل اخلاقی و تربیتی هم، پیوند با نیکان و رابطه با صالحین و آشنایی با خانواده‌های ریشه‌دار و صاحب کرامت و شرف، سازنده است، به همان شکل که گسیختگی از تبار پاکان و بریدگی از ریشه‌های فرهنگی و اخلاقی، زمینه‌ساز فساد و گناه و بی مبالاتی و عدم تعهد است.
زیارت، عاملی در جهت پیوند زدن با صالحان، یا تقویت رابطه معنوی با وارستگان است. ایجاد رابطه(اگر نیست) و تحکیم پیوند(اگر هست).
هر کس، در یک جامعه و امت، ریشه‌های عقیدتی، فرهنگی و معنوی دارد. برای ما مسلمانان این ریشه‌ها همان «عترت» پیامبر است. و ... زیارت، عاملی برای تحکیم این پیوند است.
زایری که به دیدار یک ولی از اولیای خدا می‌رود، یا بر مزار امامی از ائمه یا پیامبری از انبیا حاضر می‌شود، یا بوسه بر آستان پاک پیشوای شهیدی می‌زند، و سلام می‌دهد، یا به ادب و احترام، در پیش روی مرقد معصومین و صالحین و صدیقین و شهدا می‌ایستد، به یاد گذشته فرهنگی و میراث فکری و ریشه‌های معنوی خویش می‌افتد و اهل صلاح و سداد می‌شود.
همچنان که انتساب به یک پدر خوشنام و نیاکان شریف، انسان را از غلتیدن در دامان بدنامی و هتاکی و هرزگی، تا حدودی نگاه می‌دارد و عامل کنترل حرکات و رفتار است، انتساب به دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت علیهم السلام و شهیدان راه خدا نیز چنین نقشی دارد.

مگر نه این‌که از خانواده شهدا توقعی و انتظاری بیش از دیگران است؟ مگر نه این‌که از ذریه پیامبر علیهم السلام، چشمداشت دیگری است؟ مگر نه این‌که به خانواده یک عالم مذهبی و پیشوای دینی، به چشم دیگری می‌نگرند و توقع دیگری دارند؟! ...

خود این پیوندها و نسبت‌ها و رابطه‌ها، انسان را در بستری از نیکی و عفاف و تعهد قرار می‌دهد. همه خویشاوندی‌ها نسبی و سببی نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پدران این امت‌اند. شیعه، فرزندان فکری ائمه‌اند. هر مسلمان، خویشاوندی معنوی با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین دارد. حال، زایری که به زیارت امامی از ائمه می‌رود، این صله رحم و تجدید دیدار با یک خویشاوند معنوی و با نیاکان مکتبی است. زایر، مدعی است که به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عشق می‌ورزد؛ با آنان رابطه و آشنایی دارد؛ از آنان است؛ با آنها است؛ آنان را می‌شناسد، با آنان هم‌ریشه و هم‌خانواده است و اهل یک مملکت و آبادی و خاک و خون‌اند.

نشانه این پیوند هم، همین «زیارت» است، چرا جای دیگر نرفت؟ ... چرا کار دیگر نکرد؟ ... چرا دل را برداشت و به عتبه بوسی یک امام آمد؟ آیا این نشانه ریشه در یک «آب» داشتن نیست؟ این نشانه، هم‌خانه و هم‌خوشه و هم‌ریشه و همخون بودن نیست؟ ....

- چرا.

گر بر کنم دل از تو و مهر از تو بگسلم این مهر بر که افکنم این دل کجا برم؟

نامم زکارنامه عشاق محو باد گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم

ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر من کی رسم به وصل تو، کز ذره کم‌ترم

با این حال، آن‌که عشق و محبت اولیای خدا را در سینه دارد، آن‌که از دیگران گسسته و به ائمه علیهم السلام پیوسته است، آن‌که زیارت را شاهد صدقی بر ارادت خویش به پاکان می‌داند، آن‌که خود را مرتبط با دودمان طهارت و عصمت می‌شناسد، آن‌که خود را با معصومین هم‌خانواده می‌بیند، آیا سزاست که ناپاک باشد و تبهکار؟

آیا پذیرفتنی است که نسبت به اهل بیت تقوا و پاکی، ناخلف باشد؟! آیا شرمندگی ندارد که در ارتباط با صالحان باشد و ناصالح باشد؟! این است که زیارت، یادآوری پیوندهای معنوی و خویشاوندی فکری و فرهنگی یک مؤمن، با اولیای خدا و پیشوایان دینی خود است و سازنده است. چرا که یادآور است. و بسیاری از تقواها در سایه تذکرها پدید می‌آید. در زیارتنامه‌ها هم جزء درخواست‌ها، تداوم این رابطه و تکرار این دیدار و تقویت این پیوند در دنیا و آخرت می‌باشد.

به عنوان نمونه، زایر امام رضا علیه السلام از خداوند در لحظه وداع آن حضرت، چنین می‌طلبد: «خدایا! این بار را آخرین بار زیارت من، قبر فرزند پیامبر و حجت خودت قرار مده! خدایا! میان من و او در بهشت، جمع کن. مرا با او محشور ساز. مرا در حزب او قرار بده. مرا با شهیدان و صالحان قرار بده که اینان، رفقای شایسته و نیکویند ...». (1) علاقه به دیدار مجدد، و قول و قرار با خدا و حجت خدا برای زیارتی دیگر هم، در اصلاح نفس مؤثر است. جلوه‌های حبّ و بغض در اشکال و صور گوناگون، ظهور و بروز می‌کند که حضور در جمعِ مشخص یا مکان معیّن از جمله آنهاست. امروزه نیز شرکت در تظاهرات، راهپیمایی، میتینگ و تجمعات حزبی به معنای اعلام موضع، وفاداری، ارادت و علاقه به گروه یا فکر و فرهنگ خاص و بیزاری از گروه مقابل است.

بدین ترتیب زیارت، یکی از شیوه‌های اعلام موضع است؛ زیرا زایر با حضور خود در مقابل مزور یا در حرم او و ترنّم عاشقانه متن زیارت، جایگاه خود را روشن می‌کند که از جهت فکری، اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و ... به کدام جبهه وابستگی دارد و اگر در زمان مزور حضور می‌داشت، در کجا، کنار چه کسانی و با چه کسانی نبرد می‌کرد. این جبهه‌گیری و اعلام موضع در قالَب لعن و سلام جلوه می‌کند.

1- مفاتیح الجنان، زیارت امام رضا علیه السلام(اللهم لا تجعله آخر العهد ...).

ارتباط عقل و دل در مورد زیارت

در بحث زیارت، پیش از آن‌که استدلال شود که چرا باید رفت و رفتن به زیارت را چه سود؟ اگر شناختی محبت‌آور، نسبت به صاحبان مزار باشد، جایی برای این سؤال و استدلال باقی نمی‌گذارد. در زیارت، بیش از فلسفه و برهان، اشتیاق و شور و محبت نهفته است. بیش از آن‌که عقل، محاسبه کرده و در یابد که چرا؟ دل، فرمان داده و زایر را به مزار رسانده است.

وادی زیارت، بیش و پیش از آن‌که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر، اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست؟، دیگر نمی‌پرسد: کجاست؟. به راه می‌افتد و همچون خضر، به دنبال آب حیات، و همچون موسی علیه السلام در پی عبد صالح روان می‌گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود.

زیارت، از این مقوله است؛ پیوند قلبی است، محبت و علاقه است.

آنچه زایر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می‌بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می‌شود.

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطه و قلمرو محبت اللّٰه و اولیاء اللّٰه وارد شد، خود این محبت چاره‌ساز است. مگر می‌شود انسانی خدا را دوست داشته باشد، ولی خدا او را دوست ندارد؟ مگر می‌شود کسی شیفته پیامبر باشد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به او بی‌توجه باشد؟ مگر می‌شود کسی خدا را یاد کند، ولی خداوند او را یاد نکند؟ خداوند فرموده است:
«فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ»؛ (1)
مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم.

1- سوره بقره، آیه 152.

وقتی مزور، در خاطر زایر باشد، زایر هم در خاطر مزور است. هنگامی که انسان به پیامبر و امام معصوم سلام می‌دهد، آنها نیز جواب می‌دهند و توجه دارند. در زیارتنامه‌ها، در موارد متعددی چنین تعبیری وجود دارد که خطاب به مزور گفته می‌شود: «أشهد أنّک تشهد مقامی و تسمع کلامی و تردّ سلامی»؛ یعنی شهادت می‌دهم که تو شاهد این مقام و موقعیت زیارتی من هستی و سخنم را شنیده و سلامم را پاسخ می‌گویی.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «خداوند فرشتگانی دارد که در روی زمین می‌گردند و سلام‌های امت مرا به من می‌رسانند». (1) و در روایت دیگر فرموده است:

«هر که در هر جا بر من سلام دهد، به من رسانده می‌شود و اگر کنار قبرم سلام بدهد، می‌شنوم». (2) وقتی چنین است که زیارت پیامبر در حال مرگ و حیات، یکسان است و آنان در هر دو حال می‌دانند و می‌فهمند و پاسخ می‌دهند، خود سلام دادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین دیگر چه از دور، چه از نزدیک، یک رابطه روحی و معنوی است. آیا فکر می‌کنید اگر سلام و تحیت شما را به پیامبر برسانند، پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ نظر لطفی نخواهد داشت؟ آری در این‌جا محبت، یک‌طرفه نیست. به قول مولوی:

هر که عاشق دیدیش، معشوق دان کو به نسبت هست، هم این و هم آن
تشنگان گر آب جویند از جهان آب هم جوید به عالم، تشنگان
چونکه عاشق اوست، تو خاموش باش او چو گوشت می‌کشد، تو گوش باش

این‌جاست که دست زایر را گرفته و بالا می‌برند و به مهمان‌سرای فیض حضور برده و بر مائده‌های معنویت، می‌نشانند. این‌جاست که غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود، نادیدنی‌ها مشهود می‌گردد، نگاه‌ها حرف می‌زند، توجه‌ها تربیت می‌کند. و این، فیض شگفت نظر است. این، برکت توجه کسانی است که خاک را به نظر کیمیا کنند.

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 264.

2- همان.

اقبال لاهوری، در خطاب به خدا و رسول و مددخواهی از توجه آنان، می‌گوید:
فقیرم، از تو خواهم هر چه خواهم دل کوهی خراش، از برگ کاهم
مرا درس حکیمان، درد سر داد که من پرورده فیض نگاهم
آنچه این نظرها و توجه‌ها در پی دارد، خواندنی نیست، چشیدنی است. که این، وادی عشق است که با کاغذ و دفتر سر و کار ندارد. در این صورت، «یافتن» ها به جای «بافتن» ها می‌آید. و آنچه بر دل تابیده، بسیار کارساز است، که:
یا تو گو آنچه که عقلت «یافته» است یا بگویم آنچه بر من «تافته» است
زیارت، زمینه‌ساز چنین ارتقای روحی است. زیارت، چه دیدار از خانه خدا باشد و مناسک حج، چه زیارت مرقد رسول اللّٰه باشد، چه زیارت انبیای بزرگ و ائمه معصومین و اولیای دین، چه حضور بر تربت خونین و لاله خیز شهیدان، چه رفتن به مزار صالحان و نیکان ... همه و همه، هم دلیل عشق و محبت است، هم نشانه جهت‌گیری انسان است، الهام بخش و آموزنده است. الهام گرفتن از اسوه‌هاست؛ خط دهنده است. تعظیم شعایر است؛ تقدیر از فداکاری‌ها و تجلیل گرامی داشت فضیلت‌هاست؛ زمینه‌ساز شناخت و تربیت است؛ بالا برنده و تعالی بخش است؛ و پرورش یافتن از «فیض نگاه» است.
به قول حافظ:
بلبل از فیض گل آموخت سخن، ور نه نبود این همه قول و غزل، تعبیه در منقارش
و به قول مولوی:
از محبت، تلخ‌ها شیرین شود وز محبت، مس‌ها زرین شود
از محبت دردها صافی شود وز محبت، دردها شافی شود
از جمله مطالبی که از سوی خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی شده، این است:
«ای داود! به اهل زمین برسان که من دوست کسی هستم که مرا دوست بدارد.

همنشین کسی می‌باشم که همنشین من باشد، مونس کسی هستم که با یاد من انس گیرد. هر که مرا برگزیند، من هم او را برمی‌گزینم. کسی که مطیع من باشد، من هم مطیع او می‌شوم؛ هر که را صاحب محبتی از صمیم قلب بیابم؛ من او را برای خودم می‌پذیرم و چنان دوستش می‌دارم که پیش از آن، کسی از بندگانم آن‌گونه دوستش نداشته باشد؛ هر که به حق مرا بطلبد، مرا می‌یابد ... پس ای زمینیان! غرورها را رها کرده و به کرامت و مصاحبت و انس با من روی آورید تا من هم با شما انس گرفته و به محبت شما بشتابم ...». (1) این طبیعت حالت «جذب و انجذاب» است که در عالم، وجود دارد و پیوند دهنده کائنات به یکدیگر است و باید رفت و رفت تا به وادی محبت رسید و مقیم کوی دوست گردید. کدام کیمیایی دگرگون کننده‌تر از محبت می‌توان یافت؟!....

بلال، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت را در خواب دید، که به او می‌گوید: «ای بلال! این چه جفایی است؟ ... آیا هنوز وقت آن نرسیده است که به زیارت من آیی؟» بلال، هراسان و غمگین از خواب بیدار شد، بر مرکب خویش سوار شده، آهنگ مدینه کرد.
وقتی به مدینه رسید، نزد قبر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله رفت و شروع کرد به گریستن و چهره خود را به مرقد مطهر آن حضرت می‌سایید که در این حال، امام حسن و امام حسین علیه السلام آمدند. بلال، آن دو بزرگوار را هم به سینه چسبانید و بوسید. (2) آری! کهربای محبت نبوی صلی الله علیه و آله بلال را به سوی خود می‌کشد و جذب می‌کند.
استعداد و آمادگی بلال را ببین که محمد صلی الله علیه و آله مشتاق دیدار اوست و در خواب، از او گله و شکوه می‌کند که چرا به دیدنم نمی‌آیی؟
در واقع این زیارت‌ها، زایر را شارژ کرده، باطری وجود است، الهام گرفتن

1- میزان الحکمه، ج 2، ص 222.

2- الغدیر، ج 5، ص 147.

ص: 383

از ارواح طیبه و ملکوتی اولیای خدا است، تطهیر «جان» در زمزم ایمان و معنویت است، اتصال دو روح همگون و آشنا و هم‌سنخ است، به دریا پیوستن قطره است، عمل به مقتضای عقل و اندیشه است ... نه ... بلکه عقل را هم تحت فرمان محبت دل در آوردن است.

دیدیم که زیارت، هم جنبه اعتقادی داشت، هم بعد سیاسی و اجتماعی، و هم از سازندگی و تربیت برخوردار بود. با این وصف، نه زیارت کهنه شدنی است، و نه آثار تربیتی و جنبه‌های سازندگی آن کم می‌شود.
زایر، هر که باشد و زیارت، هر گاه که انجام شود و مزار در هر جا و هر سرزمین که باشد، کانونی برای رشد معنویات و زمینه‌ای برای تقویت ارزش‌های الهی در انسان‌هاست.
چه زیارت خانه خدا باشد، چه زیارت مرقد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، چه زیارت قبور اولیای دین و مدفونین مظلوم بقیع، و چه شهدای احد، مدفونین قبرستان ابو طالب، به خاک آرمیدگان در شهرهای مختلف و زیارتگاه‌های دور و نزدیک، مشهور و گمنام.
اینها همه، دل و جان را روشن ساخته و امید می‌بخشد. حتی زیارت قبور مؤمنان و صالحان نیز انسان را به یاد آخرت و صلاح می‌اندازد و یاد خدا را در دل‌ها بیدار می‌سازد. از قبور اولیاء اللَّه، نور معرفت و هدایت می‌درخشد. مکان‌های مقدس و مذهبی، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و حالت خضوع و خشوع و آرامش ایجاد کرده، روح را سرشار از خلوص، دل را پر از امید، جان را لبریز از صفا و صمیمیت می‌نماید.
با زیارت مراقد مطهر معصومین علیهم السلام، باید گامی در مسیر تزکیه برداریم و این‌گونه دیدارها را، مقدّمه‌ای برای قرب معنوی و هم جهت‌شدن با آن انسان‌های والا و اسوه‌های کمال بسازیم.

نباید زیارت، تنها یک عمل تکراری و بی‌روح باشد. زایر نباید به ظواهر و شکل‌ها و ساختمان‌ها و در و دیوار و نور و رواق بنگرد و از عظمت معنویت معصومینی که در این زیارتگاه‌ها آرمیده‌اند، غافل شود. زیارتگاه‌ها، باید محیطی پاک، معنوی، یادآور صداقت و کمال، بازدارنده از گناه‌ها و رذایل و زنده کننده ارزش‌های اسلامی باشد. این‌جاست که انسان از راه زیارت، به خدا نزدیک می‌شود، چرا که با نیتی خالص، «ولی خدا» را زیارت کرده است.

زمینه‌ساز این قرب، «معرفت» است. هر چه میزان خداشناسی، پیغمبرشناسی و ولی‌شناسی ما بیشتر باشد، به همان اندازه، نصیب ما از برکات این قبور نورانی و مزارهای متبرک بیشتر خواهد شد.

4. زیارت در سیره معصومین و علما

اشاره

سیدحسین اسحاقی

چکیده

علمای اسلامی در طول تاریخ اسلام بر جواز، بلکه استحباب زیارت قبور اولیای الهی اجماع داشته‌اند، تنها مخالف این امر ابن تیمیه بود که بعدها محمد بن عبدالوهاب هم به پیروی از او برخاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها به زیارت قبور امر نموده، بلکه خود نیز به زیارت قبور می‌رفت تا عملاً استحباب و جواز این مسأله را تثبیت کند. بزرگان دین و اولیای الهی، در حیات و ممات خود در حقیقت الگوهایی هستند که با اقتدای به آنان به کمال و سعادت در دنیا و آخرت می‌رسیم. زیارت تجدید عهد با آنان است و حضور در کنار قبر اولیای خدا انسان را از نظر معنوی زنده کرده و روح معنوی به آدمی می‌بخشد، زیارت قبور اولیای الهی در حقیقت اعلان عملی به ادامه دادن راه آن بزرگان و انزجار و تبری از دشمنان آنان است. این نوشتار در بردارنده سیره و سخن معصومین علیهم السلام و صحابه و علمای بزرگ اسلام در جهت زیارت می‌باشد. در پایان مقاله قلم را متوجه کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت معصومه علیها السلام ساخته‌ایم.
کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، سیره معصومین، سیره علما، اولیای الهی.
بی‌شک اولیای الهی انسان‌های بزرگی هستند که هر چند انگشت‌شمارند، اما وجودشان سرچشمه حیات طیبه و فیض و برکت است. آنان مجاری فیض حق و واسطه بین خالق و مخلوقند. چه بسیار انسان‌هایی که از کانال وجود آنان به حق رسیده و از کوثر وجودشان سیراب شده‌اند. از این‌رو هر چه پیوند با اولیای الهی

بیشتر باشد، بهره‌های معنوی، اخلاقی و علمی بیشتر و بهتری نصیب انسان خواهد شد.

بدیهی است که این ارتباط به دوره زندگی معصومین و اولیای الهی محدود نمی‌شود، چنان‌که پیروی از آنان نیز چنین است. مرگ تنها ارتباط ظاهری را از بین می‌برد، اما ارتباط باطنی و معنوی و پیروی از دستورات و سیره آنان جاودان است.

به عبارت دیگر هر یک از اولیای الهی را با مردم عهدی است که پس از مرگ نیز استمرار دارد و وفای به عهد آن با ارتباط و زیارت قبور آنان تکمیل می‌شود.

چنان‌که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر امامی را بر دوش پیروانش عهد و پیمانی است که بایستی به آن وفا کنند. به درستی که تکمیل و وفای کامل به آن عهد با زیارت قبور آنان، پس از مرگ انجام می‌گیرد. هر کس که با میل و علاقه امامان علیهم السلام را زیارت کند و آنچه مورد علاقه و اراده آنان است، بپذیرد، در قیامت مشمول شفاعت آنها خواهد شد». (1)

بر این اساس زیارت، استمرار وفای به عهد و تکمیل‌کننده آن است. زیارت محدود به مردم نیست، بلکه منابع اسلامی نشان می‌دهد که ملائکه و پیامبران علیهم السلام نیز هماره به زیارت امامان می‌شتابند. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند بزرگ هیچ آفریده‌ای به اندازه ملائکه نیافریده است، در هر روز و شب هفتاد هزار ملک به طواف خانه خدا رفته، از آن‌جا به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام می‌شتابند و سلام و درود می‌فرستند؛ سپس در حرم حسین بن علی علیه السلام حضور یافته، تا هنگام سحر در برابر قبر آن حضرت می‌ایستند؛ آن‌گاه به آسمان عروج کرده و بر می‌گردند». (2) در زیارت اولیای الهی اسراری وجود دارد که با بررسی گفتار و سیره معصومین،

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 116.

2- همان، ص 117.

پرتوی از آن کشف خواهد شد. آنان با گفتار و کردار خویش زیارت اولیا و امامان را به مردم می‌آموختند، حتی گاهی آن را لازم می‌شمردند. از این‌رو در می‌یابیم که مسلمانان، از صدر اسلام تا کنون، قبور پیامبران، امامان و بزرگان دین را زیارت می‌کردند و با خواندن نماز و دعا و توسل به آنان به خدا تقرب می‌جستند.
مخالفان زیارت می‌کوشند تا ساحت قدس مکتب اهل بیت علیهم السلام را به اتهام کفر و شرک خدشه‌دار ساخته و اثرات سازنده زیارت اولیای خدا را از بین ببرند. بنابراین یکی از مواردی که شایسته است در سیره معصومین علیهم السلام به آن پرداخته شود و مورد بررسی قرار گیرد، مسأله زیارت است. باید دانسته شود که سبک آنان در زیارت چگونه بوده است؟ آیا از این کار جلوگیری می‌کردند یا خود بدان می‌پرداختند؟

بقیع، شخصیت‌های بزرگی را در خود جای داده است، امام حسن بن علی، امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام، همچنین عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، برخی از همسران و عمه آن حضرت، شهدای احد و بسیاری دیگر از صحابه در گورستان بقیع حضور دارند. از این‌رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام قبور بقیع را زیارت می‌کردند. فقها بر استحباب زیارت آن تأکید کرده و آن را وسیله تقرّب به خداوند متعال دانسته‌اند. در این‌جا به نمونه‌هایی از سیره معصومین اشاره می‌کنیم:

صفوان جمّال می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شامگاه پنجشنبه همراه گروهی از یاران خود به زیارت قبرستان بقیع مدینه‌می‌شتافت، آن‌گاه سه بار درود می‌فرستاد و سه مرتبه طلب رحمت می‌کرد». (1) عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «جبرئیل نزدم آمد و گفت:

1- وسایل الشیعه، ج 3، ص 224.

پروردگارت دستور داده است به بقیع بروی و برای آنان درخواست آمرزش کنی.
عایشه پرسید: ای رسول خدا چگونه دعا کنم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بگو درود بر مؤمنان و مسلمانانی که در این دیار آرمیده‌اند، خداوند متعال پیشینیان را بیامرزد و ما ان شاءاللّٰه به شما ملحق خواهیم شد». (1) رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از مردم به سوی قبرستان رفت و چگونگی زیارت و دعا به مؤمنان را این‌گونه آموزش داد: «السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنا أن شاء اللّٰه بکم لا حقون أسأل اللّٰه لنا و لکم العافیه»؛ «درود بر شما مؤمنان و مسلمانان که در این دیار آرمیده‌اید. ما نیز اگر خدا بخواهد، به شما ملحق خواهیم شد، شما پیشرو قافله ما هستید و ما نیز پیروتان خواهیم بود، از خداوند بزرگ عافیت می‌خواهیم». (2) ابوالبختری از امام سجاد علیه السلام چنین روایت می‌کند: «امام حسین علیه السلام در هر شامگاه جمعه قبر برادرش امام حسن علیه السلام را زیارت می‌کرد». (3) از این همه در می‌یابیم که زیارت معصومین علیهم السلام با تصمیم قلبی و با برنامه‌ریزی بوده و همراه یارانشان به زیارت می‌شتافتند، بنابراین سخن کسانی که می‌گویند سفر جز برای سه مسجد روا نیست، نادرست و با سیره معصومین ناسازگار است.

مشهور است که شهیدان احد هفتاد نفرند و زیارت آنها به ویژه در روزهای پنجشنبه، مستحب است. حمراوی یکی از علمای اهل سنت می‌گوید: «شهدای احد وسیله رسیدن به آرزوهای ما هستند، زیرا آن‌جا محل فرود آمدن رحمت‌های الهی بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای پروردگارتان در دوران زندگی نسیم‌های روح‌بخشی است، خود را در برابر آن قرار دهید، بدون تردید این مکان محل فرود

1- الغدیر، ج 9، ص 879.

2- همان، ص 283.

3- وسائل الشیعه، ج 10، ص 317.

آمدن رحمت‌های الهی است. پس شایسته است زایران از این نسیم‌های ربانی بهره‌مند شوند. چگونه چنین نباشد در حالی که آنان دوستان خدا و وسیله‌های بزرگ، به سوی پروردگار و رسولش هستند، از این‌رو سزاوار است کسی که به آنها متوسل شده، به آرزوهایش نایل و به درجات عالی فایز شود، چون آنان کریمان زنده‌اند و کسی که به مقام بزرگ شهدا توجه کند، محروم بر نمی‌گردد». (1) ابن شبه می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز هر سال به زیارت قبور شهدای احد می‌آمد و می‌گفت: درود بر شما به خاطر صبر و مقاومتی که از خود نشان دادید، پس خانه عاقبت شما نیکوست». (2) امام صادق علیه السلام فرمود: «فاطمه زهرا علیها السلام در هر صبحگاه شنبه به زیارت شهدا می‌رفت، آن‌گاه نزد قبر حمزه می‌رفت و برای او درخواست رحمت و استغفار می‌کرد». (3) حاکم نیشابوری از حضرت علی علیه السلام چنین روایت کرده است: «فاطمه زهرا علیها السلام هر جمعه، قبر عمویش حمزه را زیارت می‌کرد و پس از زیارت، در کنار قبر، به نماز و گریه می‌پرداخت». (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چندین بار به زیارت قبر مادرش آمنه رفته است. در روایات آمده است:
«پیامبر صلی الله علیه و آله قبر مادرش را زیارت می‌کرد و می‌گریست و اطرافیانش نیز گریه می‌کردند». (5) ابن سعد در طبقات می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمره حدیبیه هنگامی که از ابواء(محل دفن مادرش آمنه) گذشت فرمود: خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله خود اجازه داده است قبر مادرش را زیارت کند. آن‌گاه به زیارت آمد و قبر مادر را اصلاح و ترمیم کرد

1- الغدیر، ج 9، ص 269.

2- وفاء الوفاء، ج 2، ص 930.

3- وسائل الشیعة، ج 3، ص 224.

4- وفاء الوفاء، ج 2، ص 932.

5- مسند احمد، ج 2، ص 441.

و گریست، پس مسلمانان نیز گریه کردند. گریه آن حضرت بر برخی از اصحاب گران و سخت آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت و مهربانی مادرم را در خود یافتم و گریه کردم». (1)

زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره معصومین علیهم السلام

رفتار و کردار معصومین علیهم السلام برای تمامی مسلمانان حجت و الگوست، چنان‌که گفتار و سخنان آنان نیز سرمشق و هدایتگر است. با بررسی و تحقیق در تاریخ و روایات در می‌یابیم که تمامی معصومین علیهم السلام قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زیارت می‌کردند. آنان نه تنها با سیره و سنت خویش بر عظمت و ارزش زیارت افزودند، بلکه پاداش و ثواب آن را، با پاداش حج و عمره برابر دانسته‌اند. بدین سبب بر پیروان و شیعیان آنان است که چگونگی زیارت را از سیره و سنت امامان علیهم السلام بیاموزند تا هیچ دستاویزی جهت خدشه‌دار کردن ساحت مقدس مکتب اهل بیت به دست بدخواهان و معاندان ندهند.

از امام علی علیه السلام روایت شده است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دفن کردند، حضرت فاطمه علیها السلام کنار قبر ایستاد، مقداری از خاک قبر را برداشت و بر چشمش گذاشت.
آن‌گاه گریه کرد و شعری را خواند که ترجمه آن چنین است: «چه باک کسی را که خاک کوی احمد را ببوید و هرگز در طول زمان مشک و عنبری را نبوید. مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می‌شد، شب تار می‌گردید». (2)

آن حضرت شبی از منزل بیرون آمد، نزد قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و چنین گفت: «درود بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، من حسین فرزند تو و فرزند دخترت هستم، یکی از دو گوهری که در میان امت به جای گذاشتی، پس گواه باش ای پیامبر خدا، که

1- موسوعة الی النبی، ص 172 به نقل از نشریه کوثر، ش 3.

2- وفاء الوفاء، ج 2، ص 444 به نقل از نشریه، کوثر، ش 1.

امت تو چگونه مرا خوار و ضایع کردند، از گوهرت نگهداری نکردند، این شکواییه‌ای است به سوی شما تا هنگام دیدار فرا رسد». (1) بار دیگر امام حسین علیه السلام به زیارت آمد و پس از بجا آوردن نماز فرمود: «خدایا این قبر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله است و من پسر دختر پیامبرت هستم، برای من مشکلی پدید آمده که خود آگاه هستی، خدایا من معروف را دوست دارم و منکر را انکار می‌کنم، ای صاحب جلالت و بزرگی، از تو درخواست دارم به حق این قبر و کسی که در آن جای گرفته، آنچه مورد پسند خود و رسول و مؤمنین است، برای من اختیار نمایی». (2) مخالفان زیارت می‌گویند: نمی‌توان خداوند متعال را با جمله «بحق هذا القبر» سوگند داد و از او درخواست کرد، زیرا در پیشگاه خداوند کسی حقی ندارد و حق تنها ویژه مقام الوهیت است، در صورتی که امام حسین علیه السلام با عمل خویش امور اشتباه را بر طرف نمود، به این معنا که خداوند متعال، گرچه حق مطلق را دارد، ولی بخشی از آن را به افراد خاصی واگذار کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم امام سجاد علیه السلام هنگامی که به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف می‌برد؛ در کنار قبر ایستاده، سلام می‌داد، سپس به قبر نزدیک شده، آن را لمس می‌کرد، پشت خود را به قبر تکیه می‌داد و رو به سوی قبله چنین می‌فرمود: «خدایا، کار و مشکل خود را نزد تو آوردم؛ پشت خود را بر قبر محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسولت تکیه دادم، رو به سوی قبله‌ای کردم که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیده‌ای، خدایا صبح کردم در حالی که خوبی‌هایی را برای خودم امید دارم، مالک نیستم و توان دفع بدی‌هایی که بر خود ترس دارم، در خود نمی‌یابم، صبح کردم در حالی که امور به دست توست، هیچ فقیری نیازمندتر از من نیست و به آنچه از خوبی فرو فرستی نیازمندم». (3)

1- مقتل خوارزمی، ص 186.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 153.

3- کامل الزیارات، ص 17.

محمد بن مسعود می‌گوید: امام صادق علیه السلام را در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دیدم، در حالی که دست مبارکش را بر قبر گذاشته بود، می‌گفت: «از خدایی که تو را برگزید و هدایتت کرد و به وسیله تو مردم را هدایت نمود می‌خواهم که بر تو درود فرستد؛ همانا خدا و فرشتگانش بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله درود می‌فرستند، پس ای کسانی که ایمان آورده‌اید شما نیز درود فرستید و بر او سلام مخصوص بدهید». (1) از این روایت استفاده می‌شود که بهترین دعا هنگام زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله درود و صلوات بر آن حضرت است.

ابن فضال می‌گوید: «امام ابوالحسن علیه السلام را، هنگام وداع برای رفتن به عمره، مشاهده کردم، امام پس از غروب به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف می‌برد، آن‌گاه بالای سر مبارک ایستاده سلام کرد، نزدیک قبر رفته، آن را در آغوش گرفت، پس از آن کنار قبر ایستاد، نماز بجا آورد، آن‌گاه شانه چپ را به قبر چسباند و شش یا هشت رکعت نماز گزارد.

مقدار رکوع و سجده آن حضرت سه تسبیح یا بیشتر بود، زمانی که فارغ شد، سجده طولانی بجای آورد، به گونه‌ای که سنگریزه‌ها از عرق آن حضرت خیس شد». (2)

مرحوم شیخ صدوق از محوّل سجستانی چنین روایت کرده است: «هنگامی که مأمون درخواست کرد تا امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان بیاورند، حضرت برای وداع و زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، به طور مکرر با قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وداع می‌کرد؛ پیوسته بیرون می‌آمد و نزد قبر باز می‌گشت، در هر بار صدای مبارکش به گریه بلند بود؛ نزد آن حضرت رفتم و سلام کردم؛ جواب داد؛ به خاطر سفری که در پیش داشت، حضرت فرمود: مرا زیارت کن، همانا از جوار جدم بیرون می‌روم و در

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 268.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 151.

غربت می‌میرم و دفن می‌شوم». (1)

محمد بن ابی‌العلا می‌گوید: «یک روز وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شدم، در حالی که پیرامون قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله به طواف مشغول بودم، امام جواد علیه السلام را دیدم که بر قبر آن حضرت طواف می‌کند؛ از فرصت استفاده کرده، مسایل فراوانی را با آن حضرت در میان گذاشتم، آن حضرت پاسخ تمام آنها را روشن فرمود». (2) البته روایات مذکور گوشه‌ای از احادیث بسیاری است که در این زمینه نقل شده است. در این جا ذکر این نکته نیز لازم است: با نگاهی به سیره معصومین می‌آموزیم که اصالت در همه کارها، از جمله زیارت و عبادات، فقط پرستش خداوند متعال است. اگر به زیارت اهمیت داده می‌شود، بدین جهت است که توحید در آن جلوه‌گر است و می‌توان از کانال شناخت حجت‌های خداوند متعال، خدا را بهتر شناخت.

بلال حبشی- او بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله به شام هجرت نمود، شبی از شب‌ها رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به من فرمود: ای بلال این چه جفایی است که در حق ما نمودی؟ آیا وقتش نشده که به زیارت ما بیایی؟ بلال سراسیمه از خواب بیدار شد و سوار مرکب شده به قصد زیارت آن حضرت، وارد مدینه شد و مستقیماً بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، شروع به گریه کرد و صورت خود را بر قبر مبارک مالید. (3) عبداللَّه بن عمر- سمهودی نقل می‌کند که هرگاه عبداللَّه بن عمر از سفری باز می‌گشت نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و به آن حضرت سلام می‌داد. (4) ابوایوب انصاری- حاکم نیشابوری نقل می‌کند که مروان روزی به بقعه رسول

1- منتهی الآمال، ص 283.

2- زیارت در سیره عترت، حسین رجبی، کوثر، ش 3.

3- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص 302 به نقل از اسد الغابه، ج 1، ص 307.

4- همان به نقل از: وفاء الوفاء، ج 4، ص 1340.

خدا صلی الله علیه و آله وارد شد، مشاهده کرد شخصی صورت خود را بر قبر رسول خدا نهاده است، مروان گردن او را گرفت و بلند نمود و به او گفت: آیا می‌دانی چه می‌کنی؟ ناگهان مشاهده کرد که او ابوایوب انصاری از صحابه بزرگوار پیامبر است. در جواب فرمود:
آری، من به جهت این سنگ نیامده‌ام، بلکه به جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام. (1) روایت سفیان- سفیان بن عنبر از عتبی که هر دو از مشایخ شافعی‌اند نقل می‌کند:
کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که اعرابی‌ای وارد شد و خطاب به رسول خدا عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا، خداوند متعال فرمود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّاباً رَحِیماً» من به نزد تو آمده‌ام و از گناهان خود استغفار می‌نمایم و تو را شفیع نزد خداوند آورده‌ام، آن‌گاه گریه کرد و اشعاری درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سرود. (2) سمعانی شبیه همین قصه را از امام علی علیه السلام نقل می‌کند (3) اگر این عمل جایز نبود چرا صحابه، خصوصاً امام علی علیه السلام که در آن مکان حاضر بود از آن منع نفرمود. (4) انس بن مالک- او از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: هر کس مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند آن است که در حال حیاتم زیارت کرده است و هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعتم در روز قیامت بر او واجب می‌شود و هر کس از متمکنین امتم به زیارت قبر من نیاید عذری ندارد. (5)

سیره و سخن علمای بزرگ برای زیارت

اشاره

از آن‌جا که زیارت اهل بیت اطهار علیهم السلام یکی از آموزه‌های مکتب انسان‌ساز تشیع است، بدین جهت تمام علما خود را موظف و مقید می‌دانستند که همواره به زیارت اهل بیت علیهم السلام مشرف شوند.

1- همان، به نقل از مستدرک حاکم، ج 4، ص 560.

2- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1361.

3- همان، ج 2، ص 612.

4- همان.

5- شیعه‌شناسی، ص 302 به نقل از شفاء السقام، ص 37.

امام خمینی قدس سره

حضرت آیت اللّٰه العظمی امام خمینی در سال‌های پیش از تبعید، هر روز بعد از درس غروب تا موقع نماز، یک تشرف مختصر به زیارت حضرت معصومه علیها السلام داشتند و این کار به طور مداوم بود. (1) معظم له در نجف اشرف هم هر شب به حرم مطهر و منور مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام مشرف می‌شدند.

علامه طباطبایی رحمه الله

وی در ماه رمضان هر روز پیش از افطار به حرم مشرف می‌شد و با بوسه به ضریح مطهر حضرت معصومه روزه خود را می‌گشود.

او سال‌ها در روستای کهک قم به سر می‌برد، هرگاه یک مشکل علمی و گِرِه فلسفی برایش پیش می‌آمد، یا از حل یک مسأله فلسفی در می‌ماند، آهنگ زیارت دختر موسی بن جعفر علیه السلام می‌کرد و فاصله چهار فرسخی تا قم را می‌پیمود و با زیارت و استمداد از روح بلند حضرت معصومه علیها السلام مشکل علمی خود را حل می‌کرد و به محل اقامت خود باز می‌گشت.
این بزرگواران، از زیارت چه می‌دیدند و می‌یافتند که ما نمی‌یابیم؟ بی‌شک معرفت آنان بیشتر بود، در نتیجه بهره روحی‌شان هم از زیارت افزون‌تر بود. (2)

آیت اللّه مرعشی نجفی رحمه الله

اومی‌فرمود: پدرم مرا سفارش می‌کرد که من قادر به زیارت ایشان نیستم، اما تو به زیارت آن حضرت برو، لذا من به خاطر همین سفارش، برای زیارت فاطمه معصومه علیها السلام و ثامن الائمه علیه السلام به ایران آمدم و به اصرار مؤسس حوزه علمیه قم، حضرت آیت اللَّه حائری در قم ماندگار شدم.

1- نگین قم، ص 26 و 27.

2- همان، ص 24 و 25.

آیت اللّٰه مرعشی در آن زمان می‌فرمود: شصت سال است که هر روز من اول زایر حضرتم. آقای شیخ عبداللّٰه موسیانی از حضرت آیت اللّٰه مرعشی نجفی رحمه الله نقل می‌کند:
شب زمستانی بود که من دچار بی‌خوابی شدم، خواستم حرم بروم، دیدم بی‌موقع است، آمدم خوابیدم، دست خود را زیر سرم گذاشتم که اگر خوابم برد خواب نمانم، در عالم خواب خانمی وارد اطاق شد و به من فرمود: سید شهاب! بلند شو و به حرم برو، عده‌ای از زوّار من پشت در حرم از سرما هلاک می‌شوند، آنها را نجات بده.
ایشان می‌فرمود: من به طرف حرم راه افتادم، دیدم پشت درِ شمالی حرم، اطراف میدان آستانه عده‌ای از زوار اهل پاکستان یا هندوستان(با لباس‌های مخصوص خودشان) در اثر سردی هوا، به خود می‌لرزند، در زدم، حاج آقا حبیب(که جزء خدّام حضرت بود) با اصرار من در را باز کرد، من از مقابل و آنها پشت سر من وارد حرم شدند و آنها در کنار ضریح آن حضرت مشغول زیارت و عرض ادب بودند، من هم آب خواستم و برای نماز شب و تهجّد وضو ساختم.
آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی در جلد اول الرافد در مورد عالم جلیل القدر حاج محمد ابراهیم کلباسی می‌فرماید: «علامه کلباسی که از عالمان اصفهان بود، آن‌گاه که به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می‌آمد، به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که می‌رسید از کنار پُل، کفش از پای بیرون می‌آورد و پای برهنه به طرف صحن مطهر حرکت می‌کرد! هنگامی که از او سؤال شد که چرا پای برهنه می‌روید؟ در پاسخ گفت: محدثان و عالمان احادیث خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در این منطقه دفن شدند و این‌جا گورستان بزرگی بوده است و من دوست ندارم بر این ابدان پاک گام بگذارم و کفش در پای داشته باشم!» می‌گویند: حدود هفتصد تن از محدثان بزرگ و روایت شناسان اهل بیت علیهم السلام در این منطقه دفن شده‌اند، از این‌رو مؤمنان در این منطقه آب دهان بر زمین نمی‌انداختند. (1) آیت اللّٰه مرعشی نجفی به عادت شصت ساله در زمستان و تابستان، صبح قبل از

1- حضرت معصومه علیها السلام و شهر قم، ص 35.

اذان، عبا را بر سر افکنده و پشت در صحن(طرف خیابان موزه) خود را به صحن چسبانده و با کمال تواضع در انتظار آمدن خدّام برای باز کردن در نشسته؛ تو گویی شخص نیازمند و دردمندی به در خانه حضرت معصومه علیها السلام پناهنده شده است.

او در وصیت‌نامه خود چنین سفارش نموده است: جنازه مرا روبه‌روی مرقد مطهر بی‌بی فاطمه معصومه علیها السلام قرار داده و در این حال یک سر عمامه‌ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به تابوت بسته،(به عنوان دخیل و توسل) در این هنگام مصیبت وداع مولای من حسین مظلوم با اهل بیت طاهرینش علیهم السلام را بخوانند. (1)

آیت اللّه بروجردی رحمه الله

نقل شده روزی شاه عربستان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای مرجع کل، حضرت آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله فرستاد، آقا در میان آن هدایا، چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را باز گردانید. در ضمن شاه عربستان تقاضای ملاقات با آقای بروجردی کرده بود(و این تقاضا توسط سفیر عربستان به آقا ابلاغ شد) ولی آقای بروجردی این تقاضا را رد کردند. وقتی که از علت این امر سؤال شد، آقا فرمود: این شخص(شاه عربستان) اگر به قم بیاید به خاطر این‌که وهابی است به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نمی‌رود و اگر به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود، به مقام ارجمند حضرت معصومه علیها السلام توهین خواهد شد و من به هیچ وجه چنین امری را- که توهین غیر مستقیم به حضرت معصومه علیها السلام است- نمی‌پذیرم و تحمل نمی‌کنم. (2)

آیت اللّه بهجت

ایشان نیز از جمله مراجع تقلیدی است که هر روز پس از نماز صبح با پای پیاده به

1- بر ستیغ نور، شرح حال مرحوم آیت اللَّه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ص 70 و 71 و 131.

2- حضرت معصومه فاطمه علیها السلام دوم، ص 13، به نقل از آیت اللَّه شیخ لطف اللّٰه صافی گلپایگانی.

ص: 398
زیارت حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و مدت طولانی به ذکر و دعا و زیارت مشغول می‌باشد.

آیت اللّه فاضل لنکرانی رحمه الله

ایشان فرمود: حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از طرف مادر، عمه حقیر است و برای من محرم هستند و از این‌رو من خطاب به ایشان عمه جان می‌گویم. روزی تشرف پیدا کردم به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و بعد از این‌که زیارت را خواندم، خدمت عمه جان عزیز عرض کردم که من امروز آمده‌ام و هیچ حاجتی مثل پول و منزل و امثال ذلک ندارم. فقط یک حاجت دارم و آن این است که در فهم آیه تطهیر مورد عنایت شما واقع شوم. آیه تطهیر را درست بفهمم و بنویسم و حل مشکل بکنم.

بعد آمدیم و شروع کردیم به نوشتن آیه تطهیر. یک مسائلی و یک مطالبی به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای ما روشن شد که شاید اگر پنجاه سال دیگر درس می‌خواندم، آن مطالب برای ما روشن نمی‌شد. به جایی رسید که برای ما روشن شد جای آیه تطهیر حتماً در بین آیات مربوط به زن‌های پیامبر بوده، لکن حرف خداوند متعال این بوده که با پرانتز آیه تطهیر اهل بیت علیهم السلام را جدا کند و فضیلتی را برای اهل بیت علیهم السلام ثابت کند و بفرماید که این فضیلت به زن‌های پیامبر مربوط نیست، بلکه مربوط به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و همین طور امامان بعدی است. (1)

محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی رحمه الله

وی نوشته است: افضل دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، سیده جلیله معظمه فاطمه بنت امام موسی علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده طیبه قم است و دارای قبه عالیه و ضریح و صحن‌های متعدد و خدمه بسیار و

1- نشریه کوثر، ش 5، ص 9.

موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامه خلق است و در هر سال، جماعات بسیار از بلاد بعیده شدّ رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه علیها السلام. (1)

آیت اللّه گلپایگانی رحمه الله

در روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار شد از بیت آیت اللَّه العظمی گلپایگانی رحمه الله هیئتی از طلاب برای عرض تسلیت به مقام والای دختر موسی بن جعفر علیه السلام، به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوند، وقتی طلاب وارد صحن مطهر شدند.
دیدند آیت اللَّه العظمی گلپایگانی وسط صحن حضرت معصومه علیها السلام روی زمین نشسته‌اند، هر چه خواستند فرشی برای آقا بیاورند، آقا قبول نکرد و فرمود: روی زمین نشستم جهت عرض ادب و اخلاص به بی‌بی حضرت معصومه علیها السلام و اشک چشمش را با دستمال پاک می‌کرد.
ایشان می‌فرمود: طلاب عزیز بر شماست که قصد را خالص کنید و ارتباط مداوم خود را با ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً حضرت صاحب و مولایم، حضرت ولی عصر علیه السلام تداوم بخشید و کثرت تلاوت قرآن کریم و ادعیه صالحه و عرض اخلاص و ادب به دخت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام داشته باشید و اینها همه رمز موفقیت و توفیق در راه ادامه تحصیل ماست. (2)

بعد از زیارت چهارده معصوم علیهم السلام، برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام ترغیب و تشویق فراوانی صورت گرفته است. در پاداش زیارت زایران حضرت معصومه علیها السلام تعبیرات ارزشمندی چون؛ اهل بهشت، بهشت از آنِ اوست و بهشت بر او واجب است، وارد شده و ارزش زیارت آن کریمه اهل بیت، معادل بهشت و همسنگ زیارت

1- منتهی الآمال، ص 844.

2- متن وصیت‌نامه آیت اللّٰه العظمی گلپایگانی، ص 2.

امام هشتم علیه السلام قرار داده شده است.
امام رضا علیه السلام می‌فرماید:
«مَنْ زارَها فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛
هر کس او را زیارت کند، بهشت از آنِ اوست. (1) امام جواد علیه السلام فرمود:
«مَنْ زار عَمَّتی بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛
هر کس عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت از آنِ اوست. (2) همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
«انَّ للَّه‌حَرَمَاً وَ هُوَ مَكَّةُ وَ لِرَسُولِهِ حَرَمَاً وَ هُوَ المَدينَةُ و لِاميرِ الْمُؤمِنينَ حَرَماً وَ هُوَ الكُوفَةُ وَ لَنا حَرَماً وَ هُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فيهِ امْرَأَةٌ مِنْ وُلدى تُسَمّى فاطِمَةَ مَنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛
برای خدا حرمی است و آن مکه است، برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، برای امیرمؤمنان نیز حرمی است و آن کوفه است، اهل‌بیت را حرمی است و آن قم است. به زودی بانویی به نام فاطمه از فرزندان من در آن‌جا دفن می‌شود که هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.
راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام این سخن را زمانی فرمود که هنوز مادر حضرت موسی بن جعفر او را به دنیا نیاورده بود. (3) باز هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است:
«انَّ زيارَتَها تُعادِلُ الجَنَّةَ»؛
زیارت حضرت معصومه همسنگ بهشت است. (4) همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:
«تُقبَضُ فيها امْرأَةٌ مِنْ وُلْدى اسْمُها فاطِمَةُ بِنْتُ مُوسى تُدخَلُ بِشَفاعَتِها شِيعَتى الجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»؛
در قم بانویی که از فرزندان من است و نام گرامیش فاطمه دختر موسی علیه السلام است، رحلت می‌کند، با شفاعت او همه شیعیانم(چنانچه شرایط شفاعت را داشتند) وارد بهشت می‌شوند. (5) امام رضا علیه السلام خطاب به سعد بن سعد احزم می‌فرماید:
«يا سَعْدُ! مَنْ زارَها فَلَهُ الجَنَّةُ او

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 271.

2- کامل الزیارات، ص 324.

3- بحار الأنوار، ج 99، ص 267.

4- بحار الأنوار، ج 48، ص 317.

5- بحار الأنوار، ج 57، ص 228.

«هُوَ مِنْ اهلِ الجَنَّةِ»؛
ای سعد! هر کس او را زیارت کند، بهشت از آن اوست و یا «او اهل بهشت است». (1) باز هم از امام رضا علیه السلام رسیده است:
«مَنْ زارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ کَمَنْ زارَنی»؛
هر کس حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند، همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد. (2) هم ایشان است که می‌فرمایند: هر کس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که همان ثواب زیارت مرا در می‌یابد. (3)

نخست اشتیاق دیدار و زیارت در دل احساس می‌شود، آن‌گاه انسان از کسب و تجارب چشم می‌پوشد، به موانع سفر و مشکلات دست و پاگیر زندگی اعتنا نمی‌کند و آهنگ سفر می‌نماید. برای پیمودن راه‌های دور و دراز مهیا می‌شود و ساز و برگ سفر را آماده می‌سازد و به امید گوشه چشمی از محبوب به سوی کعبه مقصود عزیمت می‌کند تا در فضای معنوی و ملکوتی قرار گیرد. مهم‌ترین گامی که یک زایر بر می‌دارد، تلاش بی‌امان برای اصلاح خویشتن است. او می‌کوشد که خود را از هرگونه عیب و نقصی پاک سازد و زنگار گناه را با اشک ندامت بزداید، تا شایسته دیدار شود.

زایر با تمام قدرت در تقویت کمالات خویش می‌کوشد تا در حریم یار مَحرَم شود. از همه می‌برد تا به یار بپیوندد. کوله بارش را بر زمین می‌نهد و سر به آستان محبوب می‌گذارد، اشک شوق چون سیل از دیدگانش فرو می‌ریزد. و آن‌گاه چشمانش پر فروغ می‌گردد، آتش محبت زبانه می‌کشد، هر چه تلاش می‌کند که شرط

1- همان.

2- ناسخ التواریخ، ج 3، ص 68.

3- زبدة التصانیف، ج 6، ص 159، از این حدیث مقام حضرت حمزة بن موسی بن جعفر علیه السلام که در جوار حضرت عبدالعظیم در ری مدفون می‌باشد، نیز روشن می‌شود.

ادب بجای آورد و از دور عرض ارادت نماید، دل اجازه نمی‌دهد و شور نمی‌گذارد، سرانجام شور نشأت گرفته از شعور، او را به کنار ضریح می‌کشاند.
سعی می‌کند که صورتش را بر ضریح نگذارد که گَرد گناه بر چهره‌اش نشسته و تیرگی گناه بر رویش سایه انداخته است، ولی بارقه امید بر دلش نورافشانی می‌کند و نوید و رحمت پروردگار بر سرش بال می‌گستراند، با یک دنیا امید صورت بر ضریح می‌گذارد و باران اشکش جاری می‌شود و زیر لب زمزمه می‌کند: «بَلْدَةٌ طَیِّبَةٌ وَ رَبٌّغفُورٌ». (1)
آن‌گاه تصمیم جدی به انجام خیر در تمام سلول‌های مغزش نقش می‌بندد و دلش به مغفرت خداوند غفور گواهی می‌دهد و خود را شایسته دیدار می‌بیند و در انتظار عنایت محبوب می‌نشیند که گرامی داشتِ مهمان، سیره این خاندان است. (2)

شایسته است زایر حریم خاندان عصمت و طهارت نکات زیر را در زمینه آداب زیارت بجا آورد:
1. در طول مسافرت از کارهای لغو و بیهوده و انجام کار ناصواب به شدت پرهیز کند که چه بسا مانع قبولی زیارت و دیگر اعمال انسان بشود.
2. به هنگام تشرف به زیارت حتماً با وضو باشد و پیش از ورود غسل زیارت کند.
3. لباس‌های پاکیزه بپوشد و خود را خوشبو سازد.
4. در آستانه بایستد و اذن دخول بخواند، هر وقت دلش رقّت پیدا کرد، آن را نشانه اذن بشمارد و با توجه به این‌که حرم یکی از بیوتات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و محل نزول فرشتگان است، با خضوع و خشوع و توجه کالم وارد حرم شود.
5. برای دیگر زایران ایجاد مزاحمت ننماید.
6. در احترام به زوّار و خدّام تلاش کند، زیرا احترام به آنها، احترام به امامان و امامزادگان است.

1- سوره سبأ، آیه 15.

2- کریمه اهل بیت، ص 135- 137.

7. در حرم امامزادگان در طرف بالای سر، رو به قبله بایستد و زیارتنامه بخواند.
سعی کند متن زیارت را با توجه کامل و تلفّظ صحیح بخواند.
8. بعد از زیارت دو رکعت نماز زیارت در بالای سر یا مسجد متصل به حرم بخواند، در این نماز بهتر است که در رکعت اول بعد از حمد، سوره مبارکه «یس» و در رکعت دوم، سوره مبارکه «الرحمن» بخواند.
9. در قنوت نماز زیارت، حاجت‌های مؤمنان دیگر و خود را از خدا بخواهد که یکی از موارد استجابت دعاست و در رأس همه حوایجش برای فرج حضرت بقیة اللّٰه(عج) دعا کند.
10. بعد از زیارت و نماز، در دعا و مناجات تلاش و اصرار کند.
11. بعد از نماز و دعا، با حفظ ادب و رعایت حق تقدم دیگران و عدم ایذای زایران، خود را به کنار ضریح مقدس برساند و صورت بر ضریح مطهر نهاده، با خدای خود راز و نیاز کند و موقع مراجعت پشت به حرم نکند.
12. از طرف پدر، مادر، خویشان، دوستان، حق‌داران، سفارش‌کنندگان و همه شیعیان امیرمؤمنان علیه السلام نیز به نیابت زیارت کند.
13. در حرم مطهر مقداری از قرآن را با دقت تلاوت کند و به امامزاده‌ای که در حضورش هست اهدا نماید.
14. در مدت اقامتش در مشاهد مشرّفه، زیاد به حرم تشرف یافته و سعی کند نمازهایش را در حرم مطهر و در صورت امکان با جماعت بخواند.
15. به هنگام تودیع حرم، زیارت وداع بخواند و از خدا بخواهد که آخرین زیارت او نباشد.
16. بعد از مراجعت از زیارت سعی کند تا نورانیت به دست آمده همچنان در او باقی بماند. (1)

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 124- 138 با تلخیص.

ص: 404

مجاورین حرم مطهر نیز باید سعی کنند که حق مجاورت را بجا آورده و در تشرف به حرم مطهر و حفظ شئون این سرزمین مقدس کوشا باشند، در ایام زیارتی، شب‌های جمعه و دیگر مناسبت‌ها، از زیارت غفلت نکنند، در اعیاد قبل از دیدار هر کسی به زیارت این گوهرهای اهل‌بیت بشتابند، تبریک بگویند و عیدی بخواهند، در روزهای وفات نیز به قصد عرض تسلیت به حضورشان بشتابند.

آگاهی از فرهنگ و روش زندگی پر افتخار خاندان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آل علی علیه السلام یکی از اصیل‌ترین راه‌های شناخت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و بهره‌مندی از آن است. زیرا آنها از سرچشمه زلال اسلام سیراب گشته و تبلوری از مکتب حیات‌بخش اسلام می‌باشند. بی‌گمان بقای مذهب راستین تشیع به وجود اهل‌بیت عصمت و طهارت و ذریه گران‌قدر آنها گره خورده است. هر انسانی که دست تمسک و نیاز به سوی آن خاندان دراز کرد، نجات یافت و هر کس که از صراط آنها سر پیچید در ورطه نابودی افتاد.

اساساً برای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام زیارت حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام یک آرزوی بزرگ است و هرگاه فرصتی دست دهد و امکاناتی فراهم آید، خود را موظف می‌دانند به این اماکن مقدس مشرف شوند و به ثوابی که در روایات و احادیث معصومین علیهم السلام آمده، دست یابند. برای ما ایرانیان که در جوار پیشوای مهر حضرت ثامن الحج، امام رضا علیه السلام و کریمه اهل بیت زندگی می‌کنیم، دستیابی به این ثواب‌ها آسان‌تر است.

از همان اجر و پاداش‌هایی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«سَتُدْفَنُ فیها إمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلادی تُسَمَّی فاطِمَةَ فَمنْ زارَها وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛ (1)

به زودی در آن‌جا(قم) زنی از اولاد من دفن می‌شود که نام او فاطمه است پس هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.

1- بحار الأنوار، ج 60، ص 216.

همچنان که درباره برادر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: مردی از فرزندان پسرم موسی به دنیا می‌آید که نامش نام امیرالمؤمنین علیه السلام است و در دیار طوس که در خراسان است، با زهر کشته می‌گردد و غریبانه در همان جا به خاک سپرده می‌شود، هر کس وی را در حالی که عارف به حق اوست، زیارت کند، خداوند متعال به او پاداش کسی را که پیش از فتح مکه انفاق کرده و جنگیده است، عطا خواهد کرد. (1) بنابراین اهل بیت علیهم السلام آرمان‌های همیشه زنده شیعیان می‌باشند و هماره از زبان دل آنان سخن گفته و نسبت به آنان عاطفه‌های بسیار نشان داده و در تنگناها به کمک آنان شتافته‌اند و آنگاه که آنان را واسطه فیض و حوایج قرار داده‌اند، خداوند به احترامشان گره‌گشایی نموده است آنان همه از نور واحد و از شجره طیبه طوبی هستند. امید آن‌که در دنیا توفیق زیارت و در عقبی به شفاعت آنان نائل آییم.

1- همان، ج 49، ص 284.

فهرست منابع

1. ارشاد، شیخ مفید، قم، 1413 ق.
2. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت.
3. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، قم، 1399 ق.
4. انوار المشعشعین، شیخ محمد علی بن حسین کاتوزیان، چاپ سنگی، تهران.
5. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
6. بر ستیغ نور، شرح حال مرحوم آیت اللّٰه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی، 1373.
7. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه حسن بن علی قمی، تهران، 1361.
8. تذکرة الخواصّ، سبط ابن جوزی، نجف، 1383 ق.
9. حضرت معصومه، فاطمه دوم، محمد محمدی اشتهاردی، علامه، قم، 1375.
10. حضرت معصومه علیها السلام و شهر قم، محمد حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.
11. دارالسلام، میرزا حسین نوری، چاپ سوم، قم.
12. زبدة التصانیف، مولی حیدر خوانساری، قم، 1415 ق.
13. زندگانی حضرت معصومه، سید مهدی صحفی، قم، 1378 ق.
14. زندگی و کرامات حضرت معصومه علیها السلام، احمد بانپور، الف، قم، 1374 ق.
15. شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، تهران، مشعر، 1382.
16. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، انتشارات جهان، 1378.
17. فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت.
18. فروغی از کوثر، الیاس محمد بیگی، امور فرهنگی آستان مقدسه، قم، 1374.
19. کامل الزیارات، ابی القاسم جعفر بن محمد، بن قولویه، نجف اشرف، انتشارات مرتضویه، 1356 ق.

20. کریمه اهل‌بیت علیهم السلام، علی اکبر مهدی‌پور، حاذق، قم، 1374.
21. گنجینه آثار قم، عباس فیض، قم، 1349.
22. اللّؤلؤة الثّمینة، محمد بن محمد بن احمد چشتی داغستانی، مصر، 1306 ق.
23. ماهنامه کوثر، آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام، ش 1 و 3، 1376.
24. مجالس المؤمنین، قاضی نور اللّٰه شوشتری، تهران، 1019 ق.
25. مستدرک وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، قم، 1407 ق.
26. مقتل خوارزمی، موفق بن اخطب خوارزمی، قم، انوار الهدی، 1418 ق.
27. مسند احمد، احمد بن حنبل، قاهره، دار الجیل، 1410 ق.
28. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، مشهد، هاتف، 1379 ق.
29. ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی خان سپهر، چاپ سنگی، 1297 ق.
30. نگین قم(آشنایی با شخصیت حضرت معصومه علیها السلام)، جواد محدثی، معروف، قم، 1374.
31. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، مؤسسه آل البیت، 1409 ق.
32. وفاء الوفاء، نور الدّین سمهودی، بیروت، 1401 ق.

5. زیارت از دیدگاه عقل و نقل

اشاره

5. زیارت از دیدگاه عقل و نقل (1)

علیرضا حاجیان (2)

چکیده

در این مقاله نخست به معنای زیارت و فلسفه قداست زیارتگاه‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته شده، سپس با بررسی دلایل جایز بودن زیارت قبور بزرگان دین و اهمیت آن از دیدگاه آیات و احادیث به طور مفصل اثبات اهمیت بی‌نظیر زیارت در تقویت روح و بعد معنوی زایر و ایجاد محبت و عشق در قلب او، ارائه می‌گردد. در ادامه به بررسی زیارت از دیدگاه فیلسوفان بزرگی نظیر ارسطو، ابن سینا، فخر رازی، امام محمد غزالی، شیخ سید حیدر آملی، میر داماد، صدرالمتألهین، ملا هادی سبزواری و امام خمینی رضوان اللّٰه تعالی علیهم پرداخته شده است و به دلیل سادگی بیان و کلام روان فخر رازی در باب دلایل فلسفی زیارت، خلاصه‌ای از فصل چهارم رساله زیارت قبور او ذکر شده است. همچنین در مورد دلایل قلبی و روحانی و تأثیرات زیارت در وادی محبت و قلمرو دل به گونه مبسوط مورد بحث واقع شده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، فلسفه، ائمه اطهار، اهمیت زیارت، زایر.

مقدّمه

زیارت دیداری مشتاقانه و حضور در خدمت محبوب است. در زیارت یک ارتباط قلبی بین زایر و مزور- زیارت شونده- ایجاد می‌شود که آن ارتباط هر چه محکم‌تر

1- این مقاله با یاری و همکاری آقایان علی و مهدی حاجیان نگارش یافته است.

2- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

باشد اجر و پاداش و نتیجه آن زیارت عالی‌تر و پاک‌تر است.
زیارت امام یعنی تجلیل و تکریم از مقام شهید، یعنی ادای احترام به پیکره دین و اسوه تقوا، زیارت یعنی ایجاد ارتباط معنوی با محبوب و بالأخره از دست دادن خودی و خودبینی و در پایان فانی شدن در سر هستی و پرده‌وار حبیب.
یکی از دستورات اکید در اسلام زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام است که برای آن ثواب عظیمی ذکر شده است، زیرا حقیقت زیارت، دیدار مشتاقانه محبوب است.
شک نیست که «زیارت» در اسلام، به‌خصوص در فرهنگ شیعه، جایگاه والایی دارد. امامان و اولیای خدا، تا حد بسیاری دعوت و تشویق به زیارت کرده‌اند.
پاداش‌ها و ثواب‌های فراوانی برای «زایر» بیان شده است. زیارت، در ارزش و پاداش، همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از آنها حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است. مزارها در اسلام، از اعتبار خاصی برخوردار است.
مزورها، مورد تکریم فراوان قرار گرفته‌اند و «زیارتنامه» ها، یک دنیا تعلیمات و فرهنگ و آموزش و تربیت را شامل است. راستی این همه دعوت و تشویق به زیارت، چرا؟ این همه پاداش و اجر و ثواب، برای هر قدم زیارت، برای چه؟ چه تناسبی میان عمل زایر با آن پاداش‌های عظیم و خیره کننده و بهت‌آور است؟ مگر نه این‌که «اجر»، در مقابل «عمل» است؟ و مگر نه این‌که تناسبی باید بین «کار» و «مزد» باشد؟
اساساً چرا باید به زیارت رفت؟ فایده زیارت برای زایر چیست؟ زیارتگاه‌ها چه نقش تربیتی و تهذیبی دارند و باید داشته باشند؟ زیارتنامه‌ها چه متن‌هایی است و چه آموزش‌هایی دارد؟
در زیارت، باید به «دل» پرداخت یا به «عقل»؟ زیارت، ریشه در منطق و برهان دارد، یا خاستگاه آن، وادی شور و شوق و جذبه و عرفان است؟ زیارت فقط در صدر اسلام، مهم و مفید بوده، یا همیشه و هم اکنون هم سازنده و تعهد بار و رسالت

آشناست؟ در زیارت، به «منفعت» باید اندیشید یا به «معرفت»؟ زایر، «عاشق» است یا «جهانگرد»؟

زیارت، «دخل» است یا «خرج»؟ زیارت، عملی عبادی است، یا جنبه «سیاسی» هم دارد؟ زیارت، ساخته و پرداخته شیعیان است، یا اصلی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منادی آن است و ریشه در متن دین دارد و عقل، پشتوانه آن است و عرف، حامی آن و ملت‌ها و اقوام بشری عامل به آن؟!

تمام اینها و مطالب و مسایل دیگری، انگیزه آن است که از میان آن همه زمینه‌ها و دستورالعمل‌ها و برنامه‌ها که اشاره می‌شود و در فضای تربیتی دین و مکتب وجود دارد، در این مقاله به مقوله «زیارت» از دیدگاه عقلی و قلبی و نیز روایات ائمه اطهار بپردازیم.

معنای زیارت

زیارت یعنی در حوزه اشراقات الهی قدم گذاردن و در دریای رحمت و فیض رحمانی غوطه‌ور شدن.
زیارت یعنی تجلیل و تکریم از مقام شهید جان‌باخته در راه حق؛
زیارت یعنی ادای احترام به پیکره دین و مجسمه تقوا؛
زیارت یعنی دلدادگی و دلباختگی به محبوب، و از دست دادن خودی و خودبینی و فانی شدن در راه هستی حبیب.
زیارت یعنی آیینه تمام نمای خدا را دیدن و به دیدار جمال یار مشرّف شدن.

اهمیت فلسفی تقدس زیارتگاه ائمه

1. زیارتگاه ائمه محل نزول ملائکه

زیارتگاه ائمه اطهار، محل نزول ملائکه رحمت الهی است. آن‌جا عبادتگاه صالحان و دریای پاکی است. آن‌جا خلوتگه راز است. خلوتی برای تفکر و اندیشه، خلوتی برای توبه و انابه.

قبور شریف ائمه اطهار، یادآور شمع سوختگانی است که تا ابد نورافشانی می‌کنند. لذا دشمنان دین آن مکان‌های مقدّس را خراب می‌کردند یا حتی المقدور آنها را مخفی نگه می‌داشتند، همان‌طور که قبر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا حدود زمان امام صادق علیه السلام مخفی و بدون زایر مانده بود.

2. فلسفه زیارت قبور

سؤالی که در ذهن بسیاری از ما خطور می‌کند این است که اگر روح با بدن مثالیش اصالت دارد و جسدی که در دل خاک سپرده شده هیچ هویت و شخصیتی، جز «مشتی خاک» بودن، ندارد؛ پس چرا بر مزار آنها حاضر می‌شویم و برایشان فاتحه می‌خوانیم و حتی آنها را چنان مورد خطاب قرار می‌دهیم که گویی آنها در قبورشان حاضرند و ما را می‌بینند؟ در پاسخ باید گفت: تردیدی نیست که آنچه در درون حفره خاک قرار دارد، نه تنها خود انسان نیست، بلکه جسد و ابزار جسمانی انسان هم نیست، البته زمانی بود ولی اینک، مشتی اندک و ناچیز از توده عظیم طبیعت و ماده است، نه چشمی که ببیند و نه گوشی که بشنود و نه قلبی که بتپد و نه ...، اما بر اساس روایات فراوان، نباید در این تردید داشت که روح، به قبر و مدفن جسم خویش توجه و عنایت خاصی دارد و علتش چند چیز می‌تواند باشد:

1. محل دفن، آخرین مرحله از نشئه دنیا و اولین مرحله از سفر اخروی است، بدین جهت روح این خاطره را هرگز فراموش نمی‌کند و به این نقطه حساس(محل دفن) عنایت خاصی دارد.

2. این نقطه محل اجتماع یاران و خویشان متوفی است که به یاد او گرد هم جمع آمده و کارهای خیری نظیر خیرات و مبرات و صدقات و تلاوت قرآن و ... انجام می‌دهند. هر چند که آثار این کارهای مفرح، روح متوفی را از فاصله دور هم تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما انجام این کارها در کنار قبر متوفی آثار شدیدتری دارد.

3. همان‌گونه که خانه کعبه نزد خداوند از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و خداوند

بندگانش را در کنار خانه خود بیشتر مورد عنایت و لطف خویش قرار می‌دهد، متوفی- به‌ویژه این‌که از اولیاء اللّه باشد- نیز عنایت بیشتری به زایران قبرش دارد. بنابراین مردگان از آنچه که بر بندگان می‌گذرد بی‌خبر نیستند، به‌خصوص هنگامی که زندگان به نزد مزارشان آمده و آنها را با کارهای خیر شادمان می‌سازند. حضور در کنار قبر اموات یکی از مسلمات دین مبین اسلام است که قرآن کریم بدان تصریح فرموده است: «وَلَا تُصَلّ عَلَی أَحَدٍ مّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَی قَبْرِهِی إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِی وَمَاتُواْ وَهُمْ فسِقُونَ»؛ (1)

یعنی بر هیچ کدام از آنها(کافرین و منافقین) که مرده‌اند نماز مگزار و بر سر قبرش نه ایست، زیرا آنها به خدا ورسولش کفر ورزیدند و در حالی مردند که فاسق بودند. البته میعادگاه اموات با زندگان تنها در کنار مزار آنها نیست، بلکه اموات(ارواح برزخی) به نقاط مخصوصی در روی زمین توجه دارند، از جمله جاهایی که ارواح مؤمنین حضور دارد، مشاهد متبرک و اماکن زیارتی است. محل اجتماع اصلی ارواح دو وادی مهم شبه جزیره عربی، که یکی در شهر نجف اشرف است به نام وادی السلام، و دیگری در یمن به نام برهوت.

وادی السلام محل اجتماع ارواح سعادتمند و محبین اهل بیت علیهم السلام است، و برهوت محل تجمع شقاوتمندان و دشمنان اهل بیت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «بنا به منزلتی که مؤمن نزد خدا دارد، هر هفته یا هرماه و یا هر سال یک‌بار از خانواده خود دیدار می‌کند ... و هرگاه آنان را در خیر و خوبی ببیند غرق در شادی و سرور می‌شود، اما اگر آنان را در سختی و حاجتی ببیند غمگین و اندوهناک گردد. (2) بدون تردید احترام به بزرگان و رهبران دین در نهاد و سرشت هر شخص متدین و آزاده‌ای وجود دارد، به این جهت پیش از اسلام و پس از آن همیشه قبور صالحان و اولیای الهی مورد توجه خاص و زیارت مردم بسیاری بوده است. تا قرن یازدهم

1- سوره توبه، آیه 84.

2- بحار الأنوار، ج 6.

هجری در این مسأله هیچ اختلافی بین شیعه و اهل سنّت وجود نداشته است. علمای هر دو مذهب کتاب‌ها و رساله‌هایی در این موضوع نگاشته‌اند.
برخی از این آثار به جنبه‌های نقلی مسأله پرداخته و آداب زیارت و کیفیت آن را با استناد به احادیث و آثار بیان کرده‌اند، و تعدادی نیز به بحث‌های عقلی آن پرداخته و با نگاهی فیلسوفانه آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. یکی از این آثار رساله ارزشمند زیارة القبور امام فخر الدین رازی است. این رساله از آن جهت که مؤلّفش سنّی مذهب و امام المشككين بوده و در هر مسأله عقلی دچار شک و تردید شده- اما در این مسأله هیچ تردیدی به خود راه نداده و آن را مورد بحث عقلی و فلسفی قرار داده است- از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در قرن یازدهم هجری محمد بن عبد الوهاب پدید آمد و در شک و تردید گوی سبقت را از فخر رازی ربود و این مسأله را مورد انکار قرار داد، و تصور نمود که زیارت قبور از اختصاصات شیعیان است. شاید اگر او این رساله زیارة القبور را که از دانشمندان بزرگ خودشان است دیده بود، گرفتار این انحرافات نمی‌گردید.
مسأله زیارت قبور اهل بیت عصمت علیهم السلام و نیز زیارت قبر مؤمنان و صالحان، یکی از شعایر دین مقدس اسلام است، و آیات شریفه‌ای از قرآن مجید و روایات زیادی بر آن دلالت دارد که در این مقاله به آنها اشاره خواهیم نمود. اعتقاد به این مسأله اختصاص به شیعه نداشته و در زمان قدیم در این مسأله هیچ تفاوتی بین شیعه و سنی نبوده است، زیرا همه مسلمانان به زیارت اموات و مخصوصاً زیارت قبر سادات و اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رفته‌اند. چنان‌که زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره به عنوان شعار اصلی دین بوده و آرزوی هر زن و مرد مسلمان از سراسر جهان می‌باشد.
اما متأسفانه از زمان پیدایش مذهب وهابیت، تبلیغات گسترده‌ای علیه زیارت قبور راه‌اندازی شده و برخی از افراد ساده لوح و دور از عقل و منطق فریب وهابیت را خورده و گمان کرده‌اند این مسأله اختصاص به شیعه داشته و نادانسته آن را مورد

هجوم تبلیغات مسموم خود قرار داده‌اند. جدیدترین این افتراءات کتاب سراسر دروغ دکتر قفاری است. جهل نویسنده این کتاب به اصول اسلامی و بیگانگی او از ضوابط و معیارهای تحقیق علمی از سراسر کتاب نمایان است. زمانی که مسلمانان بیش از هر چیز به اتحاد نیاز دارند، این نویسنده برای جلب رضایت صهیونیست‌های غاصب تلاش کرده است که خشم مسلمانان را از اسرائیل دور نموده و مذهب اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عنوان مهم‌ترین خطر و دشمن معرفی نماید و به این وسیله رضایت خاطر امریکا را به همراه غضب خدا بر خود خریده است.
اینان برای اصول دین و اعتقادات جبری و اشعری خود در مسأله توحید و امامت و تفسیر قرآن چیزی بهتر از کتاب‌های فخر رازی ندارند، و او را امام تحقیقات خود می‌دانند. هرگز کسی از آنان در صحّت عقاید فخر رازی شک و تردید ننموده است.
در عین حال فخر رازی مسأله زیارت قبور را به صورت عقلی مورد بحث قرار داده و آن را برهانی کرده است، و انصافاً از عهده این بحث دقیق فلسفی به خوبی برآمده است. با مطالعه این کتاب به چند دلیل، روشن می‌شود که چرا وهابیان با زیارت قبور مخالفت می‌کنند: اولاً از مسایل علمی و عقلی دور بوده و از منطق و استدلال آگاهی ندارند. ثانیاً به دین و مذهب خودشان نیز پای‌بند نیستند، زیرا فخر رازی که از علمای بزرگ و بلکه مجدّد مذهب آنان در ابتدای قرن هفتم است، معتقد به زیارت قبور بوده است، و فقط وهابیان با آن مخالفت می‌کنند. و ثالثاً آنان نصوص دینی و روایات و اسناد تاریخی را نیز نادیده می‌گیرند.

3. راز قداست قبور ائمه و بزرگان

گر چه زمان‌ها و مکان‌ها از نظر ذات با هم تفاوت ندارند، ولی به خاطر تعلقی که به کسی یا چیزی و انتسابی که به امر مهم یا شخص محترم یا حادثه‌ای خاص دارند، کرامت و قداست پیدا می‌کنند.
مرحوم سید محسن امین، در قصیده بسیار بلند و والا و عمیق و زیبای خود که در

رد اشکالات وهابی‌ها سروده است، به نام «العقود الدریه»، در قسمتی از آن می‌گوید:

«خداوند بین آفریده‌هایش تفاوت‌هایی قرار داده است، خاک با طلا برابر نیست. ماه رمضان بر ماه‌های دیگر فضیلت دارد. از ایام هفته و ساعت‌های روز، برخی برترند.

خورشید بر ستاره «سها» و ماه بر ستاره «فرقد» برتری روشن دارد. شیر مثل خرگوش نیست و باز شکاری با هدهد برابر نمی‌باشد. سرزمین‌ها هم همین گونه متفاوت هستند. شرافت مکه بیش از صرخد شهری در شام‌است و مسجد الاقصی در فضیلت مانند دیگر جاها نیست. قبرها هم به اعتبار کسانی که در آن آرمیده‌اند، در فضل و شرف متفاوت‌اند». (1)

مرحوم سید محسن امین، در بیان راز قداست مقابر و مدفن‌های اولیای دین و لزوم احترام آنها می‌نویسد: «... همچنان که یک فرد- که مثل دیگران است- با مبعوث شدن به رسالت، واجب الاطاعه می‌شود و موقعیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، یک قطعه زمین هم در اصل، با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می‌شود، به واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی پیدا می‌کند که از قبل نداشته است، از این رو، احترامش لازم و اهانتش حرام می‌گردد. از جمله احترامات، آهنگ زیارت آن کردن و بنای قبه و بارگاه و ضریح و ... است. و از جمله اهانت‌ها، ویران کردن و با خاک یکسان نمودن و آلوده ساختن و ... است. وقتی خداوند، یک سنگ را(مقام ابراهیم) که هنگام بنای کعبه زیر پای ابراهیم خلیل الرحمن قرار داشته محترم شمرده و آن را «مصلا» قرار می‌دهد، (2) آیا برای مدفن جسد ابراهیم یا محل دفن سرور و سالار انبیا احترامی قرار نخواهد داد؟ ...». (3) آری ... بزرگداشت آن‌که خدا او را اکرام کرده،

1- قصیده مذکور در کتاب کشف الارتیاب ایشان(در فصل پایانی) نقل شده است با مطلع:

2- «وَ اتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَ هِیمَ مُصَلًّی» سوره بقره، آیه 125.

3- کشف الارتیاب، ص 108.

طاعت و عبادت و تعظیم خداوند و خضوع در برابر اوست. اگر مدفن انبیا و اولیا، شرافت یافته، به سبب آن است که اجساد پاک و اجسام مطهر و شریف این پاکان و معصومین را در بر گرفته است.

1. مقدّمه

گر چه اگر عقل به طور مستقل و قطعی بر حکم یک مسأله دلالت کند، اعتماد به آن جایز بوده و نیازی به دلیل دیگر نیست، ولی شرع مقدس با آیات شریفه و روایات به کمک عقل آمده و آن را تأیید نموده‌اند. در بحث زیارت قبور چنان‌که عقل بر صحت و حسن آن دلالت می‌کند- و در آینده بیان خواهد شد- روایات زیادی نیز بر استحباب آن دلالت می‌کند. ما در این‌جا قسمتی از آنها را از کتاب‌های اهل سنت و شیعه نقل می‌کنیم.
علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» (1)
این حدیث را نقل کرده است: «قال الملک ینبغی أن نبنی هیهنا مسجداً نزوره فإنّ هؤلاء قوم مؤمنون» (2) پادشاه گفت: سزاوار است این‌جا مسجدی ساخته و آن را زیارت کنیم.
از این آیه شریفه و روایت مذکور استفاده می‌شود که محل دفن افراد مؤمن و موحّد را می‌توان زیارت نمود و بلکه نزد قبر آنان مسجد بنا کرد و ذکر خدای متعال در آن‌جا نمود. افرادی که پیشنهاد ساختن مسجد بر قبر اصحاب کهف را ذکر کرده بودند، همه آنان موحّد بوده‌اند، همان‌گونه که علامه طباطبایی نیز فرموده است. (3) فخر رازی نیز ذیل همان آیه مربوط به اصحاب کهف گوید: آنان می‌گفتند مسجدی نزد قبر اصحاب کهف بسازیم تا خدا را در آن عبادت کنیم و آثار اصحاب

1- سوره کهف، آیه 21.

2- تفسیر المیزان، ج 13، ص 300.

3- ر. ک: همان، ص 285.

کهف را نیز به وسیله آن مسجد حفظ کنیم. (1) صابونی نیز در تفسیر خود شبیه این کلام را بیان کرده است. (2) قرطبی در تفسیر خود آیه مذکور را طوری تفسیر نموده که به روشنی دلالت دارد بر آن‌که مؤمنان و موحدان واقعی در آن زمان نزد قبر اصحاب کهف مسجدی ساختند، ولی وقتی دیده است که عقیده اهل سنت بر خلاف این آیه است، و برای آن‌که با عقیده اهل سنت مخالفت نکند، دست از معنای ظاهر آیه شریفه برداشته و چند روایت ضعیف السند را نقل کرده مبنی بر این‌که آن روایات خلاف‌نظر قرآن مجید هستند، اما او آن روایات را بر قرآن مجید مقدم داشته است!! (3) و عجیب‌تر آن‌که خود قرطبی از ابان بن تغلب از امام جعفر بن محمد علیهما السلام نقل کرده است که: «کانت فاطمة بنت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزة بن عبدالمطلب کلّ جمعة وعلّمته بصخرة» (4) یعنی فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر جمعه‌ای قبر حمزه را زیارت می‌نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.
آقای وهبه زحیلی گوید: «مسلمانان و پادشاه آنان تصمیم گرفتند که بر درب غار اصحاب کهف مسجدی ساخته تا آن‌که مسلمانان در آن نماز بخوانند و به آن مکان تبرک جویند». (5) وی در این کلام صریحاً تبرک جستن به مکان و محلّ اصحاب کهف را مورد تأیید قرارداده است. و در جای دیگر از کتاب خود گوید: «ینتفع الانسان بصحبة الأخیار ومخالطة الصلحاء و الأولیاء» (6) یعنی انسان از همراهی نیکان و معاشرت با افراد صالح و اولیای خدا بهره می‌برد، او سپس حدیثی درباره آن نقل کرده است. ضمناً آقای زحیلی برای تصحیح و تطبیق کلمات گذشته با مذهب وهابیان گوید: «ساختن مسجد و نماز خواندن در آن در شرع اسلام جایز نیست و حدیثی

1- تفسیر الکبیر، ج 21، ص 105.

2- ر. ک: صفوة التفاسیر، ج 2، ص 187.

3- ر. ک: الجامع لاحکام القرآن، ج 10، ص 379.

4- همان، ص 381، و در بعضی از روایات آمده است که امام حسین علیه السلام در شام هر جمعه به زیارت قبر امام‌حسن علیه السلام می‌رفت(کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص 651).

5- التفسير المنير، ج 15، ص 226.

6- همان.

درباره آن نقل کرده است». (1) غافل از آن‌که اگر این حدیث درست باشد، تمام زایران قبور مورد لعن واقع شده‌اند، زیرا این حدیث نگفته است که زایران قبور در زمان‌های گذشته و ادیان سابق مورد استثنا هستند، بلکه تمام زایران را چه آن‌که مربوط به شرع اسلام یا ادیان دیگر باشند مورد لعن قرار داده است. در این‌صورت این حدیث خلاف قرآن می‌باشد و اعتباری نخواهد داشت، زیرا قرآن مجید عمل زایران قبر در زمان‌های گذشته را مورد تأیید قرار داده است.

2. روایاتی در باب اهمیت زیارت قبور

در این‌جا چند روایت دیگر از طریق اهل سنت نقل می‌شود:
الف: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از قساوت دل شکایت نمود، حضرت فرمود:
«به قبرستان برو و از قیامت عبرت گیر». (2) ب: حضرت علی علیه السلام هرگاه نزد قبری می‌رفت می‌فرمود:
«السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین». (3)
این حدیث به خوبی بر زیارت قبور و سلام به صاحبان آنها دلالت دارد.
ج: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قبرستان می‌رفته و می‌فرمود:
«السلام علیکم أیها الأرواحُ الفانیة، والأبدانُ البالیة، والعظامُ النخرة، التی خرجت من الدنیا وهی مؤمنةٌ، اللهم أدخل علیهم رَوحاً منک وسلاماً منّی». (4)
د: علی علیه السلام مجاورت قبرستان بقیع را انتخاب کرده و می‌فرمود:
«اینان را همسایگان راستین یافتم، بدی نمی‌کنند و ما را به یاد آخرت می‌اندازند». (5) ه: عن النبی صلی الله علیه و آله قال:
«کنت نهیتُکم عن زیارة القبور، ثمّ بدا لی، فزوروها فإنّها ترقّ

1- همان، ص 235.

2- کنزالعمال، ج 15، ص 762، ح 42999.

3- همان، ص 761، ح 42997.

4- همان، ح 42995.

5- همان، ص 759، ح 42989.

القلوب وتُدْمِعُ العينَ وتذكّر الآخرةَ، فزوروا ولا تقولوا هُجراً» (1)
یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
من قبلاً شما را از زیارت قبور برحذر می‌داشتم، اما اکنون تصمیم من عوض شد(برایم بداء حاصل شد) پس قبور را زیارت کنید، زیرا سبب نرمی دل‌ها شده و چشم را به گریه می‌اندازد و آخرت را یادآوری می‌کند، آنها را زیارت کنید و سخنی که موجب دوری شود نگویید.
این حدیث از جهات مختلف مورد توجه و دقت است، زیرا اولاً صریحاً «بداء» را پذیرفته است و اهل سنت بر خلاف این حدیث بداء را انکار می‌کنند. ثانیاً این حدیث دوبار امر به زیارت قبور نموده است و امر دلالت بر وجوب و یا لااقل بر استحباب دارد. و این‌جا ربطی به بحث امر عقیب حظر ندارد و با دقت روشن است. ثالثاً این حدیث فواید مختلف زیارت قبور را بیان کرده است و چیزی که این فایده‌ها را داشته باشد قبلاً نیز مورد نهی نمی‌تواند واقع شده باشد.
و: در بعضی احادیث نیز نقل کرده‌اند که عمر بن خطاب به قبرستان می‌رفت و با مردگان صحبت می‌نمود. (2) گرچه آنان کلامی را که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است به عمر نسبت داده‌اند، (3) اما به‌هرحال این گونه احادیث دلالت بر مشروعیت زیارت قبور و خواندن زیارتنامه می‌نماید.
در این‌جا توجه به این نکته نیز لازم است که مهم‌ترین دلیل برخی از علمای اهل سنت بر حرمت زیارت قبور این حدیث است: «لعن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله زائرات القبور». (4) و این حدیث اولاً اختصاص به زنان دارد (5) و شامل مردها نمی‌شود و بسیار جای تعجب

1- همان، ص 761، ح 42998، در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص 285، نیز حدیثی درباره این‌موضوع نقل شده است.

2- ر. ک: همان، ص 751، ح 42977.

3- ر. ک: همان، ص 756، ح 42983.

4- همان، ص 758، ح 42986.

5- زیرا اولاً جمع مؤنث است و ثانیاً در روایات دیگر نیز صریحاً زنان را نهی

کرده، مثل حدیث 42986 درکنزالعمال، و ثالثاً ابن ماجه این حدیث را در باب «النهی عن زیارة النساء القبور» نقل کرده است.

است که آنها حکمی که اختصاص به زنان دارد در مورد مردها نیز جاری کرده‌اند. ثانیاً حدیثی که صفحه قبل نقل شد دلالت بر نسخ این حکم دارد. ثالثاً این حدیث سند صحیح و قابل اعتماد ندارد.
ز: عن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله:
«مَنْ زارنی بَعدَ وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی» (1)
یعنی هر کس من را پس از وفاتم زیارت کند، گویا در زمان حیاتم زیارت کرده است.
ح: عن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله:
«مَنْ وَجَدَ سعةً ولم یَفد إلیّ فقد جفانی» (2)
هرکس توانایی مالی داشته باشد و به زیارت من نیاید به من جفا نموده است.
ط: عن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله:
«مَنْ جاءنی زائراً لا یَهُمّه إلّا زیارتی کان حقّاً علی اللّٰه سبحانه أن أکونَ له شفیعاً» (3)
یعنی هر کس به زیارت من آید و هیچ قصدی غیر از زیارت من نداشته باشد، بر خدای سبحان سزاوار است که من در روز قیامت شفیع او باشم.
مسلم نیز فقط احادیث جواز زیارت قبور را نقل کرده است. (4) نووی در شرح صحیح مسلم پس از نقل حدیثی که بر جواز زیارت قبور دلالت می‌نماید، گوید: «این حدیث در روایت ابو العلاء بن ماهان مغربی و نیز در آخر کتاب الجنائز و بسیاری از اصول موجود است. و نیز ابو داود در سنن خود و نسایی و ابن ماجه آن را نقل کرده‌اند و اینان ثقه هستند، پس این حدیث صحیح می‌باشد». وی پس از نقل حدیث دیگری گوید: «این حدیث صراحت دارد در این‌که نهی مردها از زیارت قبور نسخ شده است، بلکه اجماع داریم بر این‌که زیارت قبور برای مردها سنّت است و اما زیارت قبور برای زنان اختلافی است، برخی آن را حرام می‌دانند و برخی آن را مکروه و بعضی مباح می‌دانند». (5) ابن حزم زیارت قبور را مستحب و بلکه یک بار را واجب می‌داند و گوید: زن و

1- احیاء علوم الدین، ج 1، ص 81.

2- همان.

3- همان.

4- ر. ک: صحیح مسلم بشرح النووی، ج 7، ص 45.

5- همان.

مرد در این حکم مساوی می‌باشند. وی پس از نقل چند حدیث صحیح درباره زیارت قبور، گوید: تنها عمر از آن نهی کرده و حدیث آن نیز صحیح نمی‌باشد. (1) عسقلانی نیز جواز زیارت قبور را پذیرفته و پس از شرح حدیث گوید: تفاوتی نمی‌کند که زایر مرد باشد یا زن و مزور مسلمان باشد یا کافر. (2) ابن قدامه از فقهای بزرگ حنبلیان پس از ذکر لزوم احترام به اموات مسلمانان و این‌که میّت حتی صدای پای مردم را می‌شنود، گوید: «بین اهل علم هیچ اختلافی در مباح بودن زیارت قبور برای مردها نیست و از احمد حنبل نقل شده است که زیارت قبور افضل از ترک آن می‌باشد و مستحب است هنگام زیارت قبور بگوید: «السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین ...» وی سپس استحباب قرائت سوره یس را نزد قبر والدین و دعا و استغفار بر آنها را نقل کرده است». (3)

3. زیارت قبور در آثار فیلسوفان

چون رساله زیارت قبور فخر رازی به بحث فلسفی درباره زیارت قبور پرداخته و از دید یک فیلسوف آن را مورد بحث قرار داده است، ما در این‌جا به نقل کلمات تعدادی از فلاسفه بزرگ در مورد زیارت قبور می‌پردازیم تا به این وسیله علاوه بر کمک به فهم مقصود و مراد جدی فخر رازی، میزان نوآوری و ابداعات او نیز در این رساله روشن گردد.

1. ارسطو: ارسطو در لغت به معنای انسان کامل فاضل است. (4) و ارسطاطالیس بن نیقوماخس که در قرن چهارم پیش از میلاد می‌زیسته است، به حق انسان کامل فلسفه مشّاء است، وی با پی‌ریزی فلسفه مشّاء و منطق نام خود را جاودانه تاریخ بشریت ساخت.

1- المحلّی بالأثار، ج 3، ص 388، مسأله 600.

2- فتح الباری، ج 3، ص 115.

3- المغنی والشرح الکبیر، ج 2، ص 424.

4- نزهة الارواح و روضة الافراح، معروف به تاریخ الحکمای شهروزی، ص 186.

در تاریخ الحکما آمده است: «پس از مرگ ارسطو مردم شهر اصطاغیرا استخوان‌های او را در ظرفی از مس نهاده و در موضعی که معروف به ارسطاطالیس بود دفن کردند، و آن را مجمعی ساختند که همگی در آن‌جا جمع می‌شدند و برای کارهای بزرگ مشورت و از قبر او طلب استراحت و آسایش می‌نمودند، و به استخوان او آرام می‌گرفتند، و هر گاه ایشان را حلّ مسأله‌ای از حکمت دشوار می‌شد به آن موضع می‌آمدند و می‌نشستند و شروع در مناظره مباحثه مسأله مطلوبه می‌نمودند، تا آن‌که مشکل روشن می‌گشت، و اختلاف ایشان برطرف می‌شد، و می‌یافته در خود که آمدن ایشان به آن موضع که استخوان آن حکیم بزرگوار بود باعث تزکیه عقول و تصحیح اذهان و تلطیف افکار ایشان می‌شود، و نیز به جهت تعظیم او بعد از موت، و تأسف بر جدایی، این اجتماع بر سر قبر او منعقد می‌گشت». (1) فخر رازی نیز در المطالب العالیه دوبار داستان حضور شاگردان ارسطو را بر قبر استاد خود نقل کرده و گوید: به وسیله این زیارت مشکلات علمی بر آنان حل می‌گردید. (2) 2. ابن سینا: شیخ رییس معتقد است انسانی که به زیارت قبور می‌رود، نفس او همراه با بدن مادی است، ولی چون نفس صاحب قبر مفارق از ماده است، شباهت به عقول داشته و می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. به همین جهت وقتی به زیارت قبور می‌رویم، روح شخص زیارت شده تأثیر بسیاری بر روح زیارت کننده می‌گذارد، و خیرهای زیادی را متوجه او و ضررهایی را از او دور می‌سازد، و زایر را به مزاج بدن و زیارت شده را به روح مؤثّر در بدن تشبیه می‌کند، و روشن است که وقتی مزاج معتدل باشد، روحِ معتدل‌تری در او حادث می‌شود، و این روح چقدر بر مزاج اثر می‌گذارد.

به همین جهت است که در مکان‌های زیارت، نفوس مردم آمادگی بیشتری برای پذیرش عقاید صحیح را دارند. اما فواید معنوی و نفسانی زیارت قبور، مثل تذکّر آخرت و اعراض از دنیا، بسیار بوده و قابل مقایسه با فواید مادی آن نیست.

1- همان، ص 190.

2- المطالب العالیه، ج 7، ص 131 و نیز ص 228.

ضمناً از فصل 16 و 17 در نمط 9 اشارات نیز می‌توان برای مسأله زیارت قبور از کلام شیخ استفاده نمود. به این تقریر که شخص زایر می‌تواند سرّ خود را همانند آیینه‌ای در برابر روح شخص زیارت شده قرار دهد و کاملاً خود را فراموش کند، در این صورت لذت‌های معنوی و حقیقی در نهان او نقش خواهد بست. (1) 3. شیخ شهاب الدین سهروردی: وی در حکمة الاشراق در وصف کسانی که سیر الی اللّٰه دارند گوید: «اینان با خلوص نیت و صبر درب خانه‌های نور را می‌کوبند و فرشتگان با تحفه‌های ملکوتی از آنان استقبال می‌کنند ... خود از نور خدا بهره برده و به افراد پایین نیز بهره می‌رسانند». (2) محمد شریف نظام الدین احمد بن هروی در ترجمه و شرح کلام شیخ اشراق گوید: «از آن نفوس کاملان- که به آن مراتب عقلیه عروج نموده‌اند- انوار و اشراقات بر نفوس ناقصان فایض می‌شود. از این عبارت معلوم شد که توجه به مرشد و استاد کامل در حال حیات و ممات او نافع است. و توسل به ارواح اولیا وعلمای متورّع نیز مفید است البته». (3) وی در این عبارت صریحاً توجه به ارواح اولیا و علما را- حتی در حال ممات آنان- مفید دانسته و برای کسب فیض از آنان مؤثّر می‌داند.

4. فخر الدین رازی: وی بهتر از هر فیلسوفی به بحث درباره این مسأله پرداخته و با دلیل‌های دقیق آن را برهانی نموده است، گرچه ریشه استدلال‌های او در کتاب‌های ابن سینا و نیز سهروردی مشاهده می‌شود، اما به هر حال تقریر و تفسیر فخر رازی خود بسیار عالی است و جای تحسین دارد.

وی برای تفسیر فلسفی زیارت قبور ابتدا این سه مقدّمه را بیان کرده است:

«مقدمه اوّل: با فنا شدن بدن روح فانی نمی‌شود. مقدمه دوم: روحی که از بدن جدا شده چون از جهتی قوی‌تر از روحی است که متعلق و وابسته به بدن است، همه علوم

1- ر. ک: الاشارات والتنبیهات، با شرح خواجه نصیر، ج 3، ص 386.

2- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 2، ص 246.

3- انواریه، ص 232.

و معارف را فرا می‌گیرد. و از طرف دیگر روحِ وابسته به بدن، از یک جهت دیگر قوی‌تر از روحی است که وابسته به بدن نیست، زیرا می‌تواند تکامل پیدا کند و علوم جدیدی را تحصیل نماید.
مقدمه سوم: ارتباط روح و بدن ارتباط عاشقانه است و پس از مرگ فوراً این ارتباط قطع نمی‌شود.
او پس از این سه مقدمه گوید: وقتی انسان نزد قبری می‌رود، روح زایر با آن تربت و خاک قبر ارتباط پیدا می‌کند، و چون روح میت نیز با آن تربت ارتباط دارد، در این هنگام این دو روح با یکدیگر ملاقات نموده و مثل دو آیینه متقابل می‌باشند که شعاع و نور از هر کدام به دیگری سرایت می‌کند و علوم و اخلاق و معارف هر کدام به دیگری می‌رسد، به این جهت زیارت قبور هم برای زایر مفید است و هم برای زیارت شده».
5. امام محمد غزالی: قبلاً کلام او را از کتاب إحیاء علوم الدین نقل کردیم، و از تکرار آن خودداری کرده خواننده محترم را به آن ارجاع می‌دهیم. وی در کتاب الأدب فی الدین ضمن آداب دخول مدینه منوره گوید: «یکی از آداب مسجد النبی صلی الله علیه و آله آن است که نزد قبر آن حضرت برود، گویا که آن حضرت را می‌بیند و آهسته با او تکلم نماید. ابتدا سلام نماید ... و هنگام بیرون رفتن پشت خود را به قبر نکند». (1) 6. شیخ سید حیدر آملی: وی پس از آن‌که می‌گوید: تمام قوانین الهی مبتنی بر رعایت زمان و مکان و برادران است، فرموده است: «وعند التحقیق ما وضعت صلاة الجماعة والجمعة والحج والاعیاد وزیارة الأنبیاء والرسل والأئمة علیهم السلام إلّا لأجل اجتماع هذه الثلاثة، لأنّ الصلاة فی الجماعة مثلاً مشتملة علی هذه الثلاثة، لأنّ المکان الذی یصلون فیه الجماعة هو مکان مخصوص موسوم ببیت اللّٰه تعالی. والزمان هو الوقت المعیّن الذی لا تحصل الصلاة بدونه. والإخوان هم المسلمون المجتمعون فی هذا المکان. وإذا حصلت هذه

1- المطالب العالیه من العلم الإلهی، ج 7، ص 228.

الثلاثة فلابدّ من إجابة دعائهم وقبول طاعتهم، وقس على ذلک الحج والأعیاد والزیارات وجمیع العبادات». (1) 7. میرداماد: ایشان معتقد است: نفس ناطقه از دو جهت علاقه تدبیری با بدن دارد:
یکی از جهت ماده بدن و دیگری از جهت صورت جوهری آن، و با مرگ ارتباط تدبیری روح با بدن از جهت صورت جوهری آن قطع می‌شود، به همین روی صورت آن بدن عوض می‌شود. اما ارتباط روح با ماده آن محفوظ می‌ماند. به همین جهت روح به وسیله همین بدنی که متلاشی شده است می‌تواند کسب خیر نماید، و روح زوّار هنگام زیارت قبور مثل آیینه صیقلی داده شده است که نور از هر کدام به دیگری منعکس خواهد شد.
8. صدر المتألّهین: ملا صدرا که به حق بزرگ‌ترین حکیم و فیلسوف جهان اسلام به شمار می‌رود، ابتکارات زیادی در فلسفه دارد، و هر کدام از آن نظرات منشأ تحول و نقطه عطفی در فلسفه اسلامی به شمار می‌روند. یکی از این نظرات جدید او، اثبات اتحاد عاقل به معقول است. وی روز جمعه هفتم جمادی الاولی سال 1037 قمری از روستای کهک قم به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشرف می‌شود و این مسأله برای او روشن می‌گردد.
وی در حاشیه کتاب اسفار گوید: «کنت حین تسویدی هذا المقام بکهک من قری قم، فجئت إلی قم زایراً لبنت موسی بن جعفر سلام اللَّه علیهما مستمداً منها وکان یوم جمعة فانکشف لی هذا الأمر بعون اللَّه تعالی». (2)
9. ملا هادی سبزواری: صدر المتألّهین در فصل سوم باب اول سفر نفس می‌فرماید:
«وقتی نفس از بدن مفارقت نمود، گاهی آن بدن باطل و مضمحل شده و گاهی نفس یک صورتی در آن باقی می‌گذارد که طبیعت آن ماده را حفظ می‌نماید». حاج ملا هادی سبزواری در تعلیقات خود بر اسفار گوید: «حق آن است که نفس چنین صورتی را در

1- جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص 284 و 285.

2- دروس اتحاد عاقل به معقول، ص 108.

بدن باقی می‌گذارد و علت زیارت قبور نیز چیزی جز این نیست». (1)
شاهدی که برای کلام این دو فیلسوف می‌توان آورد، بدن برخی از اولیای خداست که پس از گذشت چند قرن از وفات آنان هنوز بدنشان سالم است، مثل آنچه که درباره بدن‌های اصحاب کهف، حرّ بن زیاد ریاحی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و ... رضوان اللّٰه تعالی علیهم نقل شده است.
10. امام خمینی: ایشان در تعلیقات خود بر شرح فصوص الحکم قیصری می‌فرمایند:
«استادم عارف کامل شاه آبادی مدّ ظلّه فرمود: می‌توان گفت پس از مرگ علاقه روح به بدن هنوز باقی است، زیرا بدن خانه و محلّ نشو و نموّ آن بوده است و به همین جهت مردگان را در همین دنیا نیز می‌توان زنده نمود، مثل داستان عُزیر که در قرآن مجید آمده است، گرچه می‌توان ادعا نمود که زنده کردن به معنای تمثّل به بدن حسی یا مثالی نیز می‌باشد».
سپس امام خمینی می‌فرماید: «آنچه را ایشان ابتداءً بیان کردند، مرحوم میرداماد در رساله فارسی که منسوب به ایشان است نیز اشاره نموده است، و سرّ زیارت اموات در آن نهفته است، وی آن‌گونه که به ذهنم است فرموده: نفس دارای دو علاقه و ارتباط با بدن است: ارتباطی صوری، و ارتباطی مادی. و مرگ باعث می‌شود که ارتباط صوری آن قطع شود، اما ارتباط مادی آن محفوظ می‌ماند و به همین جهت زیارت اموات تشریع شده است». (2) ضمناً در کتاب‌های عرفان نظری نیز بحث زیارت قبور عنوان شده و مورد تأیید همه عرفای بزرگ است؛ مثلاً محی الدین ابن عربی زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را لازم شمرده و گوید: ایمان بدون آن کامل نیست. (3) و در جای دیگر این شعر را نقل کرده است که:
ولولا زیارة قبر النبی لکنتم کسائر من قد ترا
(4)

1- الحکمة المتعالیة، معروف به اسفار، ج 8، ص 49.

2- تعلیقات علی شرح فصوص الحکم، ص 175.

3- الفتوحات المکیه، ج 11، ص 230، باب 72.

4- همان، ص 241.

این شعر که داستانی زیبا و خواندنی دارد، درباره تولیت داود بن عیسی بن موسی و مقایسه بین دو شهر مدینه منوره و مکه مکرمه، و سراینده شعر عیسی بن عبد العزیز سعلبوس است. برای اطلاع از آن به فتوحات رجوع شود. (1)

4. خلاصه‌ای از گفتار فخر رازی در فواید زیارت قبور

در این بخش از مقاله خلاصه‌ای از استدلالات فلسفی فخر رازی درباره فواید زیارت ارائه می‌گردد. وی در فصل چهارم رساله خود سه فایده برای زایر و سه فایده برای زیارت شده بیان می‌نماید، که ترجمه آن در زیر خواهد آمد.

اولین فایده‌ای که از زیارت قبور به زایر می‌رسد، یک فایده اخلاقی است. حب دنیا منشأ همه مفاسد و گناهان است و زیارت قبور برای از بین بردن حب دنیا بسیار مؤثر بوده و انسان را متوجه آخرت و دوری از دنیا می‌کند.

آری، یاد مرگ موجب زهد در دنیا و توجه به آخرت می‌گردد. کسی‌که به یاد مرگ و قبر باشد همه سختی‌های دنیا بر او آسان می‌گردد، زیرا متوجه می‌شود که: اولاً این سختی‌ها ماندنی نیستند. ثانیاً مرگ از همه این مصیبت‌ها سخت‌تر است. یاد مرگ دل‌ها را سوزانده، چشم‌ها را گریان و شهوت‌ها را می‌میراند. کسی‌که به زیارت قبور می‌رود، اگر با حالت فکر و تأمّل باشد و غفلت را از خود دور کند، می‌فهمد که ثروت‌اندوزان ثروتشان برای آنان سودی نداشته و هرگز مرگ را از آنان دور ننموده، و از اهوال و سختی‌های قبر و قیامت رهایی نیافتند.

فراموش نکنیم که تنها نصیب و بهره ما از دنیا یک کفن است، بنابر این دنیا آن‌قدر ارزش ندارد که همه تلاش و همت خود را متوجه آن سازیم. ورّام بن ابی فراس که از علمای بسیار بزرگ اخلاق است گوید: «جنازه و مقبره بهترین موعظه هستند به شرط آن‌که تصور کنید که خود شما در آن هستید». [(2)] روزی عمر بن عبد العزیز از قبرستانی

1- ر. ک: همان، ص 232- 246.

2- تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، معروف به مجموعه ورام، ج 1، ص 283.

می‌گذشت، وقتی قبرها را دید گریه کرد و گفت: اینها قبر پدران و مادران ماست که در دنیا اسیر لذت‌های فریبنده آن بودند و اکنون همنشین خاک می‌باشند، سپس به قدری گریست که غش نمود و پس از به هوش آمدن گفت: به خدای سوگند کسی را سعادتمندتر از آن نمی‌دانم که در قبر گرفتار عذاب الهی نشود، و کفنی که در این خاک پوسیده و تباه نمی‌شود عمل صالح و تقوای الهی است. (1) مرحوم شیخ عباس قمی نیز در بعضی آثار خود بحث مفصلی درباره عبرت گرفتن از قبر مطرح نموده است. (2)
غزالی گوید: به امیر المؤمنین علی علیه السلام گفته شد: چرا مجاور و همنشین قبرستان شده‌ای؟ حضرت فرمود: اینان را بهترین همسایگان یافتم، اینان همنشینان درستی هستند، زبان خود را باز داشته غیبت نمی‌کنند، و انسان را به یاد آخرت می‌اندازند».
سپس گوید: ربیع بن خثیم در خانه خود قبری ساخته بود و هرگاه احساس قساوت در دل خود می‌نمود، مدتی داخل آن قبر می‌خوابید و سپس این آیه شریفه را تلاوت می‌کرد «رَبّ ارْجِعُونِ لَعَلّی أَعْمَلُ صلِحًا فِیمَا تَرَکْتُ» (3) و چند بار آن را تکرار می‌نمود، سپس می‌گفت: ای ربیع تو را بر گرداندیم پس اکنون عمل کن». (4) به هر حال هدف اصلی از زیارت قبور باید عبرت گرفتن از احوال مردگان باشد، غزالی گوید: «زیارة القبور مستحبة علی الجملة للتذکر والاعتبار، وزیارة قبور الصالحین مستحبة لأجل التبرک مع الاعتبار». (5) فیض کاشانی نیز فرموده است: «مقصود از زیارت قبور برای زیارت کنندگان عبرت گرفتن است، و برای شخص زیارت شده سود بردن به دعای زایرین است، پس سزاوار است که زایرین از دعای بر خود و بر میت غافل نشوند. و راه تحصیل عبرت آن است که در دل خود تصور کند که مرده است و در یکی از این قبرها قرار دارد و اجزای بدنش متلاشی شده و چگونه از آن خارج خواهد

1- همان، ج 2، ص 238.

2- ر. ک: منازل الآخرة، ص 21.

3- سوره مؤمنون، آیات 99 و 100.

4- احیاء علوم الدین، ج 6، ص 169.

5- همان، ص 174.

شد و به زودی گرفتار این سرنوشت می‌شود». (1) قرطبی که از فقهای بزرگ مالکی در قرن هفتم بوده است، پس از نقل دو حدیث درباره آن‌که زیارت قبور موجب زهد در دنیا و یاد آخرت می‌گردد، گوید: «عالمان معتقدند هیچ عزتی برای دل‌ها بهتر و مفیدتر از زیارت قبور نیست، مخصوصاً اگر آن دل‌ها دارای قساوت باشند و باید آن را با حضور در مجالس موعظه و یاد مرگ و مشاهده مردگان معالجه نمود. اما تأثیر زیارت قبور از همه اینها بیشتر است، و سود بردن به آن سزاوارتر است. پس باید زیارت قبور را با همه آداب و سنّت‌هایش انجام داد، تنها به فکر طواف بر قبرها نباشد، بلکه قصد قربت واصلاح فساد قلب خود و سود رساندن به میت به وسیله قرآن خواندن را داشته باشد، به صاحب آن قبرها سلام کرده و بداند که سرنوشت او نیز مثل صاحبان همان قبرهاست». (2) با توجه به آنچه گذشت معلوم شد که زیارت قبور:

اولاً موجب عبرت است، و انسان را از خواب غفلت بیدار کرده که فریب دنیا را نخورد و بداند زهد در دنیا بهترین سرمایه برای آخرت است.

ثانیاً یاد مرگ را در دل انسان زنده می‌کند، و توجه به مرگ آثار تربیتی بسیار زیادی در زندگی انسان‌ها دارد، و شاید در دین مقدس اسلام پس از توجه به حضور دایمی خداوند و این‌که عالم محضر خداست، هیچ عاملی برای جلوگیری از گناه مهم‌تر از توجه به مرگ و معاد نباشد.

ثالثاً موجب کوتاه شدن آرزوهای غیر الهی می‌گردد. در برخی روایات اسلامی از طول امل و آرزوهای بلند نکوهش شده است. زیارت قبور و توجه به مرگ این آرزوهای باطل را از ذهن و خاطر انسان پاک می‌نماید.

رابعاً باعث دور شدن قساوت دل از انسان می‌گردد. به همین جهت دین اسلام

1- المحجة البیضاء، ج 8، ص 292.

2- التذکرة فی أحوال الموتی و امور الآخرة، ج 1، ص 25- 27.

سفارش زیاد نموده است که عیادت مریض، تشییع جنازه، یاد مرگ و آخرت و قبر و سؤال نکیر و منکر و تلقین و زیارت قبور داشته باشید و ثواب بسیاری را برای آن نقل نموده است. (1) ضمناً اهمیت فوق العاده خطبه 221 نهج البلاغه را نباید فراموش کرد که امام علیه السلام پس از تلاوت آیه شریفه: «أَلْهَلکُمُ التَّکَاثُرُ حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» آن خطبه را ایراد نمود. (2) ابن ابی الحدید گوید: «به خدای سوگند من پنجاه سال است که این خطبه را بیش از هزار بار خوانده‌ام، و در هر مرتبه‌ای که آن را خواندم آثار آن در تمام وجودم ظاهر گردیده، و هیچ سخنی مثل این سخن دارای تأثیر نبوده است». (3) او سپس برخی از اشعار و حکایت‌ها درباره مردگان را نقل کرده است.

یکی دیگر از فایده‌های بسیار مهم زیارت قبور که به زایر برمی‌گردد ایجاد رغبت در دین است، زیرا وقتی زایر به قبرستان می‌رود می‌بیند هیچ کس نزد قبر افراد ثروتمند و پادشاهان نمی‌رود، و قبر آنان مندرس بوده و کسی برای آنان دعا یا ترحمی ندارد. اما قبور علما و افراد صالح و متدین مورد توجه و رغبت مردم بوده و به زیارت آنها می‌روند. پس معلوم می‌شود که دین و عمل صالح حتی در این دنیا بر حکومت و پادشاهی دنیا ترجیح دارد تا چه رسد به آخرت. نتیجه آن‌که شخص زایر رغبت به دین و علم پیدا کرده و علاقه به دنیا از دل او کنده می‌شود.

فخر رازی نیز در تفسیر خود گوید: مردم همیشه قبور شهدا را زیارت نموده و به آنها تعظیم و تکریم می‌نمایند. (4) سومین فایده‌ای که فخر رازی برای زیارت قبور ذکر نموده است یک فایده اعتقادی است. توضیح این فایده آن است که انسان با دلیل‌های عقلی می‌داند که خداوند متعال واجب الوجود و علت بر تمام موجودات بوده و قدرت او عام است و

1- جامع الأخبار، فصل 132، ص 193.

2- نهج البلاغه، خطبه 221، ص 338.

3- شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 153.

4- التفسیر الکبیر، ج 4، ص 165.

شامل تمام موجودات می‌شود، به طوری که «لا مؤثّر فی الوجود إلّااللَّه تعالی». تمام موجودات دیگر ممکن الوجود و معلول او هستند، و هر معلولی ربط محض و کاملاً وابسته به خدای متعال است. پس دلیل عقلی می‌گوید تمام موجودات مقهور قدرت و ربوبیت الهی هستند. ولی در عین حال می‌بیند بسیاری از مردم فریفته مال و قدرت و حکومت‌های دنیا شده و در برابر خداوند متعال هیچ‌گونه تواضع و فروتنی ندارند، و آنچه انسان می‌بیند بر خلاف آن چیزی است که دلیل عقلی بر آن راهنمایی می‌کرد.

اما وقتی انسان به زیارت قبور می‌رود می‌بیند همه طاغوت‌ها و پادشاهان و ظالمان که خود را تحت قدرت الهی ندانسته و مطلق العنان بوده‌اند اکنون اسیر خاک شده و همه آنان مقهور قدرت الهی هستند.

پس زیارت قبور باعث می‌شود که آنچه انسان با دلیل عقلی به دست آورده بود تقویت شود، و حسّ انسان به کمک و تأیید دلیل عقلی و اعتقادات بشتابد.

فخر رازی سپس سه فایده برای اموات ذکر کرده است. او می‌گوید: با زیارت قبور علاوه بر فایده‌ها و نتایجی که متوجه زیارت کننده می‌گردد، سه فایده نیز شامل میت یا شخص زیارت شده می‌شود.

فایده اول آن است هنگامی که زایر مشغول دعا و تضرع به خداست همه حجاب‌های ظلمانی از او برطرف می‌گردد و نور جمال و جلال الهی را مشاهده می‌کند. چون این دعا و تضرع زایر نزد قبر میت می‌باشد، پس نفس زیارت کننده ارتباط محکمی با نفس آن میت پیدا می‌کند و در این‌صورت انواری که از عالم قدس الهی به روح زایر می‌رسد به روح آن میت نیز منعکس شده و او نیز از آن بهره می‌برد، مثل آن‌که نور خورشید به آیینه بتابد و از آن به محل خاصی از سقف منعکس گردد. در حدیث آمده است: «إنّ أعمالکم تعرض علی عشائرکم وأقاربکم من الموتی»؛ (1) اعمال شما بر امواتی که خویشاوندان شما هستند عرضه می‌گردد. بنابر این وقتی زایر نزد قبر یک

1- التذکرة فی أحوال الموتی و امور الآخرة، ج 1، ص 79.

میت مشغول دعا باشد، حتی اگر چه برای خودش دعا کند نه برای میت باز هم آن دعا برای میت مفید بوده و او از آن دعا بهره‌مند خواهد شد.
فایده دوم این است که وقتی نفس زایر با نفس میت ارتباط پیدا کرد، همانند دو آیینه متقابل خواهند بود که شعاع هر کدام در دیگری منعکس خواهد شد و هر چه در یکی از آنها تجلی کند در دیگری نیز متجلی می‌گردد.
سومین فایده‌ای که فخر رازی ذکر کرده این است که نفس مزور مفارق از ماده است، و نفس زایر مقارن ماده می‌باشد و هر کدام از این دو نفس، از جهتی کامل‌تر از دیگری می‌باشد.
اما نفس مفارق از این جهت که مشغول به تدبیر بدن نمی‌باشد، هیچ مانعی از فراگیری همه علوم و معارف ندارد و معارف در آن نفس نقش می‌بندند، و در آن تجلی می‌نمایند، در این دنیا ماده حجاب می‌باشد، اما وقتی که نفس از بدن جدا می‌شود، حجابی نداشته و لذا معارف در آن متجلی می‌شوند.
و اما نفس زایر چون همراه با ماده است هنوز می‌تواند تکامل پیدا کند، زیرا تکامل نوعی حرکت است و هر حرکتی احتیاج به قوه و استعداد و حامل حرکت دارد و این از خصوصیات ماده است. لذا در عالم قیامت اگر ماده به معنای حامل قوه و استعداد وجود نداشته باشد حرکت نیز نخواهد بود، گرچه تکامل برزخی از مسلمات بوده و آن هم به جهت این‌که نوعی بدن مثالی یا برزخی که حامل قوه باشد در آن‌جا قابل تصور است. به‌هر حال چون نفس زایر مقارن با ماده است می‌تواند تکامل پیدا کند و کمالات کسبی را به دست آورد که نفس مزور نمی‌تواند به دست آورد، زیرا نفس مزور مفارق از ماده بوده و این تکاملی را که نفس زایر دارد او ندارد، هر چند شاید تکامل دیگری برای او قابل تصور باشد.
همان‌طور که اشاره شد، در فلسفه اثبات می‌شود که نفس به جزئیات عالم است، بنابر این نفس مفارق حتی پس از مرگ نوعی ارتباط با ماده بدن داشته و عالِم به آن

می‌باشد. پس وقتی که زایر نزد آن قبر برود آن نفس مفارق از آمدن این شخص زایر با خبر شده و این دو نفس هر دو با این اجزای خاکیِ داخلِ قبر ارتباط پیدا می‌کنند، و بدن میتی که در قبر است وسیله ارتباط و جمع شدن این دو نفس می‌باشد، پس کمالات هر کدام به دیگری سرایت می‌کند.

5. زیارت زمینه ساز معرفت و محبت

معرفت و عشق، پای را به رفتن می‌گشاید و «دوستی» به «دیدار» می‌انجامد. و گاهی جریان، بر عکس این است. یعنی «دیدن»، «دوست داشتن» را به دنبال دارد و دیدار، عشق می‌آفریند و «زیارت» سبب حصول معرفت می‌گردد.
وقتی که دیدار، بذر عشق بپاشد، «ملاقات»، «محبت» می‌آورد و نزدیک شدن جسم، نزدیک شدن روح را به دنبال دارد و از قرب مادی می‌توان به قرب معنوی رسید و از رفتن به خانه‌ای محبت صاحب‌خانه را می‌توان به دل گرفت.
چه بسیار پیوندها و محبت‌ها که مولود یک برخورد بوده است. چه بسیار محبت‌ها و انس‌ها و الفت‌ها، که در سایه حضور و دیدار فراهم شده است. یعنی گاهی موتور محرک انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می‌گردد. چرا که از نزدیک، جمال معنی را می‌بیند و به مشاهده ارزش‌های متعالی می‌رسد و علاقه‌مند می‌شود، و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره‌آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه بسا که حرارت معنی، وجود یخ‌زده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند.
منتهی صرف رفتن کافی نیست، دیدن هم لازم است. تا به شهود جمال حق نایل نشود، آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی‌سازد. اگر رفت و دید و به شهود رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، «معرفت» هم می‌یابد.

وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطه و قلمرو محبت اللّٰه و اولیاء اللّٰه وارد شد، خود این محبت چاره‌ساز است. مگر می‌شود انسانی خدا را دوست داشته باشد، ولی خدا او را دوست نداشته باشد؟ مگر می‌شود کسی شیفته پیامبر باشد، ولی پیامبر به او بی‌توجه باشد؟ مگر می‌شود کسی خدا را یاد کند، ولی خداوند او را یاد نکند؟ خداوند فرموده است: مرا یاد کنید تا من هم به یاد شما باشم «فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ». (1) وقتی مزور، در خاطر زایر باشد، زایر هم در خاطر مزور است. وقتی انسان به پیامبر و امام معصوم سلام می‌دهد، آنان جواب می‌دهند و توجه دارند. در بسیاری از زیارتنامه‌ها چنین تعبیری وجود دارد که خطاب به مزور گفته می‌شود: «اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی». یعنی شهادت می‌دهم که تو شاهد این مقام و موقعیت زیارتی من هستی و سخنم را شنیده و سلامم را پاسخ می‌گویی. از پیامبر اسلام نقل شده است: «خداوند فرشتگانی دارد که در روی زمین می‌گردند و سلام‌های امت مرا به من می‌رسانند». (2) در روایت دیگر فرموده است: «هر که بر من سلام دهد در هر جایی از زمین که باشد، به من رسانده می‌شود و اگر کنار قبرم سلام بدهد، می‌شنوم». (3) وقتی چنین است که زیارت پیامبر و ائمه در حال مرگ و حیات یکسان است و آنان در هر دو حال می‌دانند و می‌فهمند و پاسخ می‌دهند، بنابراین سلام دادن بر پیامبر و معصومین دیگر چه از دور، چه از نزدیک، یک رابطه روحی و معنوی است. آیا فکر می‌کنید اگر سلام و تحیت شما را به پیامبر برسانند، پیامبر هیچ

1- سوره بقره، آیه 152.

2- إنّ للّٰه‌ملائکة سیّاحین فی الأرض یبلغونی عن امّتی السلام.(وسائل الشیعة، ج 10، ص 264)

3- من سلّم علیّ فی شیء من الأرض أبلغته و من سلّم علیّ عند القبر سمعته.(وسائل الشیعة، ج 10، ص 264).

نظر لطفی نخواهد داشت؟ آری این‌جا محبت، یک‌طرفه نیست. به قول مولوی:

هر که عاشق دیدیش، معشوق‌دان کو به نسبت هست، هم این و هم آن
تشنگان گر آب جویند از جهان آب هم جوید به عالم تشنگان
چونکه عاشق اوست، تو خاموش باش او چو گوشت می‌کشد، تو گوش باش.

این‌جاست که آنها دست زایر را گرفته و بالا می‌برند و به مهمانسرای فیض حضور برده و بر مائده‌های معنویت می‌نشانند. این‌جاست که غیر ممکن‌ها ممکن می‌شود، نادیدنی‌ها مشهود می‌گردد، نگاه‌ها حرف می‌زند، توجه‌ها تربیت می‌کند و این، فیض شگفت «نظر» است. این برکت توجه کسانی است که خاک را به نظر کیمیا کنند. اقبال لاهوری، در خطاب به خدا و رسول و مددخواهی از توجه آنان، می‌گوید:

فقیرم، از تو خواهم هر چه خواهم دل کوهی خراش، از برگ کاهم
مرا درس حکیمان، درد سر داد که من پرورده فیض نگاهم

آنچه این نظرها و توجه‌ها در پی دارد، خواندنی نیست، چشیدنی است. که این، وادی عشق است و عشق با کاغذ و دفتر سر و کار ندارد.

بشوی اوراق، اگر همدرس مایی که علم عشق، در دفتر نباشد

در این صورت، «یافتن» ها به جای «بافتن» ها می‌آید. و آنچه بر دل تابیده، بسیار کارساز است، که:

یا تو گو آنچه که عقلت «یافته» است یا بگویم آنچه بر من «تافته» است (1)

«زیارت»، زمینه‌ساز چنین ارتقای روحی است. زیارت، چه دیدار از خانه خدا باشد و مناسک حج، چه زیارت مرقد رسول اللّٰه باشد، چه زیارت انبیای بزرگ و ائمه معصومین و اولیای دین، چه حضور بر تربت خونین و لاله‌خیز شهیدان، چه رفتن به مزار صالحان و نیکان ... همه و همه، هم دلیل عشق و محبت است، هم نشانه

1- مولوی.

جهتگیری انسان است، الهام‌بخش و آموزنده است. الهام گرفتن از اسوه‌هاست، خط دهنده است. تعظیم شعایر است، تقدیر از فداکاری‌ها و تجلیل گرامی داشت فضیلت‌هاست، زمینه‌ساز شناخت و تربیت است، بالا برنده و تعالی بخش است، و پرورش یافتن از «فیض نگاه» است.

پیامبر اسلام از خداوند می‌خواهد که «محبت خدا» در نزدش «محبوب‌ترین» چیزها باشد. در نیایش دیگری از خداوند می‌طلبد: «خدایا من محبت تو را می‌خواهم و نیز محبت کسی که تو را دوست دارد و هر کاری که مرا به محبتت برساند. خدایا عشق خودت را در نظرم از جان و اهلم و از آب گوارای سرد، محبوب‌تر گردان ...

«اللّهم إنّی أسئلک حبّک و حبّ من یحبّک و ...». (1) اگر شعله عشق خدا و رسول و اهل بیت، خرمن جان را سوزاند و دل را مشتعل ساخت ... دل بر صراط مستقیمی می‌رود که اولیای دین رفته‌اند.

برای یافتن این شعله، باید به کانون حرارت و روشنایی، به منبع نور و ضیا نزدیک شد. باید به زیارت رفت، باید زایر شد، تا عشق فراهم آید. و باید عاشق شد تا زیارت فراهم گردد. سخن از این است که زیارت اولیای خدا و توجه به آنان، باعث توجه آنان به زایر می‌گردد و این «توجه»، توفیق الهی را فراهم می‌کند و وسیله قرب به خدا می‌شود.

7. قطره، دریاست اگر با دریاست

بلال، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت را در خواب دید، که به او می‌گوید: «ای بلال! این چه جفایی است؟ آیا هنوز وقت آن نرسیده است که به زیارت من آیی؟».

بلال، هراسان و ترسان و غمگین از خواب بیدار شد. بر مرکب خویش سوار شده، آهنگ مدینه کرد. وقتی به مدینه رسید، نزد قبر رسول اللّٰه آمد و شروع کرد به گریستن

1- میزان الحکمه، ج 2، ص 214.(به نقل از کنز العمال).

و چهره خود را به مرقد مطهر آن حضرت می‌سایید که در این حال، امام حسن و امام حسین علیه السلام آمدند. بلال، آن دو بزرگوار را هم به سینه چسبانید و بوسید. (1) آری! کهربای محبت نبوی صلی الله علیه و آله بلال را به سوی خود می‌کشد و جذب می‌کند.

استعداد و آمادگی بلال را ببین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشتاق دیدار اوست و در خواب، از او گله و شکوه می‌کند که چرا به دیدنم نمی‌آیی؟ این زیارت‌ها، شارژ کننده وجود است، الهام گرفتن از ارواح طیبه و ملکوتی اولیای خدا است، تطهیر «جان» در زمزم ایمان و معنویت است، اتصال دو روح همگون و آشنا و هم سنخ است، به دریا پیوستن قطره است، عمل به مقتضای عقل و اندیشه است ... نه ... بلکه عقل را هم تحت فرمان محبت دل در آوردن است.

8. زیارت، مائده شرف و فضیلت

آب، از سرچشمه باید خورد، میوه را از شاخه باید چید، نامه را سربسته باید خواند، چهره را بی‌پرده باید دید. تشنه به دنبال آب می‌دود و عاشق، در پی معشوق. جان، اگر از کوثر شرافت سیراب شده باشد، جویای مائده‌های آسمانی است، که سرشار از فضیلت و حق و خیر و معنویت باشد. دل اگر طالب فیض باشد، سالک راه پاکان خواهد شد و خود را به نیکان متصل خواهد ساخت. این اقتضای هماهنگی و تجانس و الفت روح‌هاست.

علامه امینی قدس سره در الغدیر، درباره این‌که بلال حبشی هنگام زیارت قبر پیامبر، صورت بر آن می‌نهاد، از منابع اهل سنت آورده که پس از بیان این مطلب گفته‌اند:

«بدون شک، عشق و محبت فراوان، چنین عملی را اجازه می‌دهد، چرا که مقصود و هدف از تمام اینها بزرگداشت و احترام است و مردم به حسب اختلاف مرتبه محبتشان در این مورد فرق می‌کنند. چنان که در زمان حیات آن حضرت هم چنین

1- الغدیر، ج 5، ص 147.

بود. بعضی از مردم وقتی آن حضرت را می‌دیدند، نمی‌توانستند خویشتنداری کنند و به سوی او می‌شتافتند و برخی هم تأخیر و درنگ می‌کردند و هر کدام محل خیر است ...». (1) آنچه در فرهنگ دینی ما، با عنوان «توسل»، «شفاعت»، «تبرک» و ... وجود دارد، شیوه‌های بهره‌وری از مائده معنویت و برکت اهل بیت علیهم السلام و فیض بردن از «کوثر» این پاکان است. در هر حال، پیامبر و ائمه و صالحان و صدیقان، بندگان مقرب درگاه خدایند، و برای تقرب جویی باید با مقربین، انس و آشنایی داشت و خود را در زمره آنان قرار داد تا نمی از یم رحمت خدا به «زایر» هم برسد. باید با خضر، همراه و همسفر شد تا به معرفت و فضیلت رسید و آب حیات را چشید. زیارت، گامی در این تقرب‌جویی و سنخیت‌یابی است.

مرحوم نراقی می‌نویسد:

«نفوس نیرومند قدسی، به‌خصوص انبیا و ائمه، پس از آزادی از قفس تن و صعود به عالم تجرد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان‌اند. امور جهان نزد آنان آشکار است و قدرت تأثیرگذاری در مواد عالم را دارند و هر کس که به زیارتشان برود، از آن آگاه و بر او شاهدند و اطلاع کامل از زایران مرقدشان و از درخواست‌ها و توسل‌ها و تضرع‌ها و شفاعت طلبی‌هایشان دارند. پس نسیم لطف این اولیا بر زایران می‌وزد و رشحاتی از فروغ آنان بر زایرین می‌تابد و در رفع نیاز و برآورده شدن حاجت‌ها و رسیده به مقصودشان و بخشش گناهانشان و رفع گرفتاری‌هایشان، در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کنند. این است رمز این همه تأکید در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام.

علاوه بر این‌که در این زیارت‌ها، اجابت دعوت ائمه و پیوند با آنان و خشنود کردنشان و تجدید عهد با «ولایت» شان و احیای امرشان و بالا بردن و اعتلای

1- الغدیر، ج 5، ص 151.

سخنشان و نابودی و ذلت دشمنانشان نهفته است ... و همه اینها اجری بزرگ و پاداشی فراوان دارد ...». (1) از این رو، زایر، مهمان مائده معنوی اولیای خداست و با زیارت، شایستگی و موقعیت آن را می‌یابد که مورد توجه و عنایت قرار بگیرد. هم از سوی خدا، و هم از سوی معصومین بزرگوار علیهم السلام.

به درگاه خدا شفیع باید برد. شفیع‌های ما، واسطه‌های فیض الهی‌اند. درست است که بی‌واسطه هم خداوند سمیع و علیم و مجیب است و می‌توان او را خواند، ولی شرمندگی ما را چه توان کرد که روی آن نداریم که بی‌واسطه از خدا فیض بجوییم! حتی در مورد استغفار و توبه هم بی‌نیاز از توسل به اولیا و استشفاع آنان نیستیم. در زیارت، به وسیله این واسطه‌های فیض است که از خداوند حاجت می‌طلبیم. وقتی بار سنگین خطاها، انسان را از رفتن باز می‌دارد و گناهان بسیار، انسان را گرانبار می‌سازد، برای سرعت سیر در طریق عبودیت و طیران در فضای معنویت، باید از «توبه» استفاده کرد تا با ریختن گناهان، سبکبار و سبکبال شد. حالت تضرع و نیاز، شکسته دلی، پشیمانی، ندامت و انابت، خوف و رجا و بیم و امید لازم است. انکسار قلب در پیشگاه خداوند قادر قاهر میسر است و دلشکستگی و شرمندگی در برابر «عظمت» خدا و «عصمت» رسول فراهم می‌گردد. با واسطه قرار دادن چهره‌هایی چون پیامبر و اولیای خدا در برابر پروردگار، دریای رحمت و کرم او، زودتر گنهکار را فرا می‌گیرد و استحقاق غفران و توبه‌پذیری فراهم می‌آید. این رهنمود خداوند است که فرموده: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا». (2)
یعنی آنان که به خود ستم نموده‌اند، اگر پیش تو آیند و از

1- جامع السعادت، ج 3، ص 398.

2- سوره نساء، آیه 64.

خدا مغفرت بخواهند و پیامبر هم برای آنان از خداوند آمرزش بطلبد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان خواهند یافت.
تاریخ، بسیاری از زایران مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شناسد که در مزار و مرقد پیامبر به پیشگاه خداوند توبه و التجا نموده و رضای الهی را کسب کرده‌اند و یا حتی از بیماری‌های سخت، شفا گرفته‌اند.
علمای اهل سنت نقل کرده‌اند که ابن منکدر، از بزرگان تابعین(م 130 ق)، با اصحابش در مجلسی که می‌نشست، هرگاه تشنگی شدیدی بر او عارض می‌شد، برخاسته و صورت بر قبر پیامبر می‌نهاد و بر می‌گشت. هنگامی که مورد سؤال قرار می‌گرفت، می‌گفت: حالت خطرناکی به من دست می‌دهد که در این حالت، به وسیله قبر پیامبر شفا می‌طلبم. و نیز به محلی در صحن مسجد می‌آمد و در آن‌جا خود را به خاک می‌افکند. وقتی علت را می‌پرسیدند، می‌گفت: در خواب، پیامبر را در این مکان دیدم. (1) آیا وقتی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، چشم نابینای حضرت یعقوبِ فراق کشیده و هجران دیده را بینا می‌کند، مرقد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله نمی‌تواند کرامت نشان دهد؟ وقتی بنا به روایات، غبار مدینه، شفابخش جذام باشد، تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین و قبر امام رضا علیهما السلام شفا نمی‌دهد؟ مگر نه این‌که دختر آن رسول پاک، حضرت فاطمه علیها السلام پس از وفات پیامبر، کنار قبر پدر ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر دیدگان خویش نهاد و گریست و گفت:
ما ذا علی من شمّ تربة أحمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا (2)
چه باک! آن کس را که تربت محمد را بوییده، هرگز در طول زمان، مشگ و بوهای خوش را نبوید؟

1- الغدیر، ج 5، ص 150.

2- همان، ص 147.

این‌گونه عشق‌ها و احترام‌ها و محبت‌ها و شفا طلبی‌ها و تبرک جویی‌ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می‌گیرد. وقتی امام احمد حنبل، پیراهنی را که متعلق به شافعی بوده می‌شوید و آب آن را می‌نوشد تا از مقام علم، تجلیل کرده باشد، (1) پس ارزش صحابه پیامبر و تکریم آثار بر جای مانده از انبیا و ائمه، جای خود دارد. و زیارت، تکریم این‌گونه ارزش‌هاست، و احیای قداست منسوب به اولیای خداوند است.

10. زیارت سیره سلف صالح

زیارت، تجلیل از فضیلت‌های بزرگان و احیای ارزش‌های آنان و گرامی‌داشت خاطره آن اسوه‌های انسانیت و نمونه‌های پاکی‌هاست. خردمندان عالم را هم بنابر این بوده و هست که از بزرگان خود، به شیوه‌های گوناگون تجلیل کنند. زیارت هم یکی از این روش‌هاست. تجلیل از روح‌های متعالی، نشان تعالی روح انسان است.

مسلمانان نیز، از صدر اسلام تاکنون، نسل در نسل، از همه طبقات و اقشار، قبرهایی را که در بردارنده پیامبری یا امام پاکی یا ولی صالحی یا بزرگی از بزرگان دین بوده، زیارت می‌کرده و گرامی می‌داشته‌اند. به‌خصوص نسبت به زیارت قبر رسول گرامی اسلام بیش از همه شرافت قایل بوده و با صرف پول‌ها و تحمل هزینه‌ها و مشقت‌ها و پیمودن راه‌هایی به زیارت می‌رفتند و نزد مرقد آن پیامبر دعا کرده و توسل می‌نمودند و از این طریق، به خداوند تقرب می‌جستند. البته این، اختصاص به شیعه ندارد، علمای بزرگ اهل سنت هم در قرن‌های متمادی در تألیفات خود پیرامون زیارت، بحث‌های فراوان کرده‌اند.

علامه امینی در دائرة المعارف عظیم الغدیر(در جلد پنجم) به عنوان نمونه، کلمات بیش از 40 نفر از علمای مذاهب اربعه سنت را در مورد زیارت پیامبر و دعا نزد قبر آن حضرت و آداب زیارت و ورود به مدینه و ادب دیدار و کیفیت سلام بر آن حضرت و

1- همان، ص 151.

پیوند دادن زیارت پیغمبر با اعمال حج و عمره و ... نقل کرده و حتی نام برخی از تألیفات علمای اهل سنت را که به گونه مستقل در باب زیارت و آداب آن نگاشته‌اند، در کتاب خود آورده است.

زیارت، اگر زیارت شهید است، احیای فرهنگ شهادت است، اگر زیارت عبد صالح خداوند است، تجلیل از صلاح‌ها و اصلاح‌ها و عبودیت‌هاست، و اگر زیارت پیامبر و امام است، تجدید عهد و تحکیم میثاق با «ولایت» و مقام رهبری است.

زیارت، یا تجدید عهد با «خط امامت» است، یا میثاق با «خون شهید» است، یا پیمان با «محور توحید» و بیعت با «رسالت» و «وحی» است.

امام رضا علیه السلام فرموده است: «إنّ لکلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إنّ من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمتهم شفعائهم یوم القیامة». (1)

یعنی برای هر امامی بر گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است و از جمله وفاداری به این پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع آنان خواهند بود.

بر اساس همین وفای به عهد است که شیعه همواره در احیای نام و یاد و زیارت و مزار اولیای دین، چه رنج‌ها کشیده و چه شهیدها داده است و هم اکنون نیز این خط ایثار و شهادت تداوم دارد.

وقتی زیارت بزرگان و قهرمانان و چهره‌های برجسته فکری و علمی و اصلاحی و انقلابی و گرامی‌داشت آنان و تجلیل از فداکاری‌ها و خوبی‌ها و خدماتشان، سیره عقلای هر ملت و مذهب است، روشن است که زیارت سرور آدمیان و اسوه سعادت بشر، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که تمام فرشتگان زایر مرقد اویند جای خود دارد و از ارزش و تعهد و سازندگی بیشتری برخوردار است.

1- وسائل الشیعة، ج 10، ص 253، ح 5.

روح دلباخته به پاکان و قلبی که مفتون محبت خداست و با خداییان پیوند باطنی دارد، این‌گونه محبت خود را ابراز می‌کند. این شیوه‌ای جدید و بدعتی نوظهور نیست، بلکه در زمان خود پیامبر اسلام هم معمول بوده است. حتی درباره خود پیامبر اسلام، آمدن اویس قرنی به مدینه برای دیدن پیامبر اکرم معروف است.

عروة بن مسعود ثقفی در سال حدیبیه دیده است که چگونه اصحاب پیامبر، آب وضو و غسل او را به عنوان تبرک برمی‌داشتند و تار موی حضرت را نگه می‌داشتند.

پس از فراغت از نماز، دست حضرت را بوسیده و بر سر و صورت خویش می‌کشیدند. وقتی بلال حبشی مازاد آب وضوی آن حضرت را آورد، مردم برای برداشتن آن، بر سر او ریختند و حتی اگر آب به کسی نمی‌رسید، از رطوبت آبی که در دست مسلمانان دیگر بود، بر خود مسح کرده، تبرک می‌نمود .... (1) زیارت، تداوم همین خط است و تبرک و توسل و استشفا و استشفاع، فیض‌گیری از آن معنویات است، که سیره و روش گذشتگان صالح ما نیز همین بوده است.

11. زیارت، قلمرو دل و وادی محبت

توجه به این نکته لازم است که وادی زیارت، بیش و پیش از آن‌که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست؟ هرگز نمی‌پرسد: کجاست؟ به راه می‌افتد و همچون حضرت خضر، به دنبال آب حیات، و همانند حضرت موسی علیه السلام در پی «عبد صالح» روان می‌گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود. زیارت از این مقوله است. پیوند قلبی است، محبت و علاقه است.

آنچه زایر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وامی‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. اگر عشق آمد،

1- کشف الارتیاب، ص 443.

خستگی رخت برمی‌بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می‌شود.
آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است
شوق، انسان راکد را حرکت می‌بخشد و ساکن را مهاجر می‌کند و عافیت طلب را بادیه پیما می‌سازد.
برای تحلیل زیارت، می‌توان سراغ برهان علمی رفت، زیرا راه علمی می‌تواند روشنگر باشد، ولی راه معنی و دل و عشق، هم روشنی بخش است و هم گرما بخش.
به‌خصوص اگر عشق راستین به خدا باشد که معشوق کامل و محبوب مطلق است و پیوند با او، سوزنده و سازنده است. به فرموده امیر المؤمنین علیه السلام:
«حبّ اللّٰه نار لا تمرّ علی شیء إلّااحترق و نور اللّٰه لا یطلع علی شیء إلّااضاء» (1)
یعنی محبت خدا آتشی است سوزان و نور خدا، فروغی است روشنگر.
می‌بینیم که در بیان امام، محبت هم سوزاننده و هم روشنی بخش معرفی شده است.
«پرورده فیض نگاه»، از آتشی شعله‌ور است که بیان کردنی نیست. به گفته اقبال:
«سخن از تاب و تب شعله، به خس نتوان گفت ...» و به قول امرسن: «یک قلب می‌تواند هزار سال فکر خود را به کار برد، لیکن به قدر آنچه عشق، یک روز یاد می‌دهد، کسب نتواند کرد». (2) عشق، معلم انسان است. عشق، معمار عالم است. عشق، آباد کننده دل است. عشق، وسیله‌ای است که تمام دردسرهای کوچک را به یک دردسر بزرگ تبدیل می‌کند.
عشق، تحمل را می‌افزاید.
ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
داغ محبت خدا و رسول و اهل بیت را بر سینه داشتن، همراه است با رنج‌ها و

1- میزان الحکمه، ج 2، ص 226.

2- چکیده اندیشه‌ها، ج 1، ص 251.

مشقت‌هایی که در راه این محبت است. مگر می‌توان از دشت‌ها به سوی خانه و دیار محبوب گذر کرد و تیغ بیابان و خار مغیلان را در پای ندید؟!
این خصیصه عشق است ... و صد البته که همه اینها در راه «دوستی»، روا و شیرین می‌باشد که گفته‌اند: «هر چه از دوست می‌رسد نیکوست».
بعضی‌ها خدمت ائمه می‌رسیدند و ابراز می‌کردند: ما، شما اهل بیت را دوست می‌داریم. و آنان پاسخ می‌دادند: پس آماده سختی باشید و تن‌پوشی از فقر و محرومیت برای خود آماده سازید. «من أحبّنا أهل البیت فلیعد للفقر- أو للبلاء- جلباباً» (1) به قول معروف: «البلاء للولاء».

آن‌که عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می‌رود. برای عاشق شایق، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه‌ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه‌دار است و دلداده را به سوی خود می‌کشد. در زیارت چنین است. چگونه می‌شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیاء اللّه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللّه و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره‌آمیز و شوق‌انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

به گفته مرحوم علامه امینی: «اگر مدینه منوره، حرم محترم الهی شمرده شده و در سنت نبوی، برای مدینه و خاکش و اهلش و مدفونین آن‌جا ارزش‌های فراوان بیان شده است، به خاطر همان انتساب به خدا و پیامبر است. بر مبنای همین اصل، هر چیز دیگری هم که نوعی تعلق و انتساب به پیامبران و اوصیا و اولیای الهی و صدیقین و

1- میزان الحکمه، ج 2، ص 240.

شهدا و افراد مؤمن دارد ارزش پیدا می‌کند و شرافت می‌یابد ...». (1)
زیارت می‌تواند نمودی از احساس شوق درونی انسان باشد. نشانی از محبت و دلیلی بر عشق و علامتی از تعلق خاطر باشد. زیارت، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است. برای عاشق، حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه‌ای که روزی از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن‌جا می‌زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب است، دوست داشتنی و شوق‌انگیز است.
این شعر منسوب به مجنون است که درباره لیلی سروده است:
أمرّ علی الدیار، دیار لیلی اقبل ذا الجدار و ذالجدارا و ما حب الدیار شغفن قلبی و لکن حب من سکن الدیارا (2)
یعنی از دیار لیلی می‌گذرم، همه دیوارها را می‌بوسم، علاقه به دیار لیلی دلم را تسخیر نکرده است، بلکه آن کسی که در آن سکونت دارد، مرا مفتون خود ساخته است. می‌بینیم که جاذبه شهر، به خاطر حضور لیلی در آن است.
در زیارت و مزار، مسأله در ظاهر سنگ و چوب و آجر و آهن و ضریح و ساختمان مزار و گنبد و گلدسته و رواق و ... خلاصه نمی‌شود، تا به زیارت و بوسیدن و تقدیس اینها اشکال شود، بلکه نقش عمده با آن محبت و شناخت و معنویت و عشقی نهفته است که در ورای اینهاست که حتی به اینها، معنی و جهت و قداست و احترام بخشیده است. وقتی قلب، در گرو یک عشق بود، صاحب آن دل، از نام و یاد و لباس و دستمال و کفش و کوچه و شهر محبوب، خوشش می‌آید و لذت می‌برد و همه اینها برایش جاذبه دارد و در هر یک از اینها عکس رخ یار را می‌بیند.
ما با محبت وافر و علاقه و احساسی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داریم، اگر باخبر شویم که در جایی رد پایی و نشانی از آن حضرت باقی است، آیا شوق دیدنش را

1- سیرتنا و سنتنا، ص 160 و 161.

2- الغدیر، ج 5، ص 151.

نخواهیم داشت؟ «مقام ابراهیم» در مسجد الحرام، برای حاجی چرا آن‌قدر خاطره به همراه دارد؟ جز این است که سنگی است که حضرت ابراهیم در بالا بردن دیوار کعبه، به کمک پسرش اسماعیل، آن را زیر پا می‌گذاشته است و جای قدم او بر سنگ باقی است؟!

می‌بینیم که وادی زیارت، وادی عشق و علاقه و عرفان است. در قلمرو دل، گاهی پای عقل هم می‌لنگد و وقتی عشق فرمان می‌دهد، عقل چاره‌ای جز تسلیم و فرمانبرداری ندارد.

مرحوم علامه امینی نقل می‌کند: «... فقیه و ادیب بزرگوار اهل سنت، تاج الدین فاکهانی(م 734 ق) به دمشق رفت به قصد زیارت کفش پیامبر که در «دار الحدیث الاشرفیه» نگهداری می‌شد. وقتی کفش را دید، افتاد و شروع به بوسیدن کرد و صورتش را بر آن می‌مالید و اشک شوق از دیدگانش جاری بود و شعری به این مضمون را می‌خواند: اگر به مجنون گفته شود: لیلی و وصال و دیدار او را می‌خواهی، یا دنیا را و آنچه را در آن است؟ او در جواب خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی برایم محبوب‌تر و شفابخش‌تر برای دردهای من است». (1) آری وقتی عشق در کار باشد، خاک ره دوست را باید سرمه چشم نمود. برای عاشق، آنچه ارزشمند است، محبوب و دیدار او و هر چیزی است که منسوب به اوست.

این یک طرف قضیه است که محبت، انسان را به زیارت وا می‌دارد. سوی دیگر قضیه آن است که زیارت، محبت و شناخت می‌آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت کننده است.

1- همان، ص 155.

فهرست منابع

1. احیاء علوم الدین، امام محمد غزالی، دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان.
2. از آگاهان بپرسید، ترجمه استاد محمدجواد مهری، بنیاد معارف اسلامی، قم.
3. الاشارات والتنبیهات، با شرح خواجه نصیر، ابن سینا.
4. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، المکتبة الاسلامیة.
5. بررسی نقش زیارتگاه‌های بزرگ جهان اسلام.
6. بوستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات سهامی، 1381 ش.
7. التذکرة فی أحوال الموتی وامور الآخرة، محمد ابن أحمد ابن فرح الأنصاری القرطبی، ترجمه و تحقیق: محمد عبد السلام إبراهیم.
8. ترجمه و شرح حکمت الاشراق سهروردی، ترجمه کامران رحیمیان، امیرکبیر، چاپ اول.
9. جامع الأسرار ومنبع الأنوار، حیدر بن علی الآملی، تصحیح هنری کوربان و عثمان یحیی، ترجمه جواد طباطبایی، علمی فرهنگی، طهران، 1989 م.
10. الجامع لأحکام القرآن، الإمام أبو عبد اللّٰه محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، نداء الایمان.
11. چکیده اندیشه‌ها(خلاصه‌ای از شش کتاب دکتر تیجانی)، بنیاد معارف اسلامی، قم.
12. دروس اتحاد عاقل به معقول، حسن حسن‌زاده آملی، ایران، قم، قیام، چاپ اول.
13. شرح صحیح مسلم، أبی زکریا یحیی بن شرف النووی، دار الکتب العلمیة، 2000 م.
14. شرح نهج البلاغة، ابن أبی الحدید.
15. کشف الارتیاب، سید محسن امین، چاپ پنجم.
16. کنز العمال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری(م 975 ق)، مؤسسة الرسالة، 1409 ق/ 1989 م.
17. مجموعه مصنفات شیخ اشراق، شهاب الدین یحیی سهروردی، تصحیح نجفقلی حبیبی، پژوهشگاه علوم انسانی.

ص: 450
18. المحجة البيضاء، ملا محسن فيض كاشانى، جامعه مدرسين، قم، 1361 ش.
19. المحلّى بالآثار، ابن حزم الأندلسى، دار الفكر، 2001 م.
20. المطالب العالية، ابو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانى(م 852 ق).
21. المطالب العالية من العلم الإلهى، فخر الدين محمد بن عمر الرازى، وضع الحواشى:
محمد عبد السلام شاهين التوفر، 1999 م.
22. مفاتيح الغيب التفسير الكبير، فخر الدين رازى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، 1420 ق.
23. مفاتيح الغيب(تفسير كبير)، فخر رازى، طهران، دار الكتب العلميه، چاپ دوم، بى‌تا.
24. ميزان الحكمه، محمّد محمدى رى‌شهرى، دارالحديث، بيروت، چاپ دوم، 1419 ق.
25. الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، 1417 ق.
26. نزهة الارواح وروضة الأفراح، معروف به تاريخ الحكماء شهرزورى.

6. تأملی بر مبانی اجتماعی و فرهنگی زیارت

اشاره

محمد حسن شربتیان [(1)]

چکیده

زیارت موجب تحریک احساسات عاطفی، انسانی و تقویت انسجام و وحدت دینی می‌شود، و ابزاری برای بیان احساسات فردی و گروهی است. این پدیده به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه‌های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. زیارت دارای خصوصیت فرهنگی، اکتسابی است؛ که از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می‌توان آن را به دیگران آموزش داد. این پدیده از طریق سمبل‌ها، احساس تعلق و هویت فرهنگی جامعه را نشان می‌دهد. زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای‌دینی هر جامعه‌ای است؛ که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می‌شود. در کسب این هویت خانواده، مدرسه، رسانه‌های همگانی، مؤثرند. فرایند جامعه‌پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ هنگامی که در رفتارهای زیارتی بایدها و نبایدها رعایت شود، زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان‌ها به وجود می‌آید؛ زیرا این مسأله از فطرت دینی انسان ناشی می‌گردد. زیارت از نمادهای جامعه شناختی ملموس و آشکار دین باوری و هویت دینی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. و در واقع به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش‌ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می‌آید.
کلیدواژه‌ها: ارزش اجتماعی، جامعه‌شناسی، زیارت، فرهنگ، گروه اجتماعی، هنجار اجتماعی، نشانه، نیاز اجتماعی.

1- مدرس دانشگاه و عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی.

زیارت به عنوان یک واقعیت اجتماعی و دینی امری قدسی است؛ که در زندگی انسان از ابعاد جامعه شناسی و انسان شناختی بر ساختار فرهنگ دینی جامعه تأثیرگذار است. این پدیده در قالب نیاز اجتماعی و به صورت جمعی در تقویت نگرش‌های اعتقادی افراد در جامعه مؤثر است. در بعد گروه‌های اجتماعی، زیارت با توجه به کنش و فعالیت مشترک و احساسات جمعی در جامعه شناسی قابل بررسی است؛ همچنین در قالب گروه‌های نخستین که دارای اهداف مشترک همراه با فاصله اجتماعی نزدیک و صمیمیت است قابل مطالعه می‌باشد. از بعد دیگر، زیارت در فرهنگ معنوی هر جامعه‌ای دارای خصوصیت اکتسابی، عام، خاص و قابل انتقال است؛ و به عنوان میراث اجتماعی سینه به سینه اشاعه فرهنگی پیدا می‌کند. در فرایند جامعه‌پذیری، زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه‌ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می‌شود. در کسب این هویت، خانواده، مدرسه، رسانه‌های همگانی، نقش مؤثری دارند.
در قالب ارزش اجتماعی، پدیده زیارت مورد احترام و تقدس قرار می‌گیرد؛ که این مسأله ریشه در فطرت دینی و اجتماعی انسان دارد. از سوی دیگر زیارت به عنوان پدیده هنجاری، همراه با الگوها و معیارهای مشترکی است که در قالب الگوهای رفتاری «بایدها و نبایدها» قابل مطالعه است. در بعد نماد شناختی از دیدگاه جامعه‌شناسی، زیارت بیان کننده معانی است؛ این نمادها در جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ و به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش‌ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می‌آید.
زیارت به عنوان پدیده‌ای در انسان‌شناسی دینی در قالب امر قدسی در حوزه نیایش و مناسک مذهبی قابل بررسی است، در حوزه انسان‌شناسی نمادین از خلال شبکه‌های نمادی و نشانه‌های معنادار در مفهوم اجتماعی و دینی قابل توجه است؛ در

ص: 453

بعد انسان شناسی‌شناختی در قالب اندیشه‌ها، نگرش‌ها و احساسات به عنوان یک امر اجتماعی و مقدس قابل پژوهش و ارزیابی است.

طرح مسآله

اشاره

زیارت به عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختار نظام دینی، در هر فرهنگی دارای آثار متفاوتی است. این عنصر در اندیشه‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. از منظر علوم اجتماعی می‌توان در ابعاد مختلف این پدیده را مورد توجه قرار داد. در این مقاله به صورت موجزء به تشریح جایگاه زیارت براساس مبانی فرهنگی و اجتماعی می‌پردازیم.

زیارت و نیاز اجتماعی

زیارت در بعد نیاز اجتماعی و روان‌شناختی در یک جامعه انسانی به صورت فردی و جمعی می‌تواند نقش داشته باشد؛ این نقش همان برقراری وجود ارتباط میان اعضا است. از بعد جامعه شناختی «وجود ارتباط میان اعضای یک جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چون اگر جامعه قادر به برقراری ارتباط نباشد، رفتار اجتماعی اصولاً مفهومی نخواهد داشت، به همین سبب است که هر جامعه انسانی حداقل یک زبان گفتاری که ارتباط انسان‌ها را آسان می‌سازد، دارا می‌باشد». (1) زیارت که به عنوان یک واقعیت دینی در اندیشه‌های اسلامی باعث ارتباط میان اعضای یک جامعه شده است، منجر به برقراری ارتباط جمعی میان انسان‌ها در اماکن مقدس می‌گردد. زیارت از طریق برقراری ارتباط به رفتار اجتماعی و دینی معنا و مفهوم می‌دهد. از طریق زیارت کردن با یک زبان گفتاری خاص، انسان‌ها با معبود خود و با ائمه اطهار علیهم السلام ارتباط برقرار می‌کنند؛ این زبان، یک زبان احساسی و خشوع و خضوع با پروردگار است. این مقوله از بعد کارکردگرایی قابل بررسی است؛ در واقع زیارت در این مفهوم

1- مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، ص 62.

پدیده‌ای ایده‌آل می‌باشد، که نتیجه مناسب و مطلوب و سودمند برای افراد جامعه و تقویت دین دارد. انسان‌ها با خداوند از طریق زیارت کردن و خواندن متون زیارتی در زمان و مکان خاص رابطه معنوی برقرار می‌کنند؛ این نیاز، یک نوع نیاز به عزت نفس و احترام می باشد که به صورت معنوی در انسان همیشه وجود دارد؛ و انسان به دنبال پرورش آن است.
زیارت در قالب یک نیاز اجتماعی(احترام) می‌تواند در جامعه انسانی نمو پیدا کند؛ در این بعد، این نیاز نوعی قدرشناسی از خداوند متعال و صالحانش است، این نیاز و انگیزه آن در انسان بسیار قوی است؛ هر قدر که در جامعه مقیاس‌های ارزشی رنگ و بوی معنوی داشته باشد و تقویت گردد، این نیاز از منزلت خاصی در ساختار فرهنگ دینی جامعه برخوردار است؛ با توجه به این مسأله در جامعه اسلامی باید به صورت متعادل به آن پرداخت.
زیارت در اندیشه‌های اسلامی و تشیع همراه با یک نیاز دینی است، که در انسان از طریق روابط معنوی برقرار می‌شود؛ برای این‌که بتوان با خدا ارتباط برقرار کرد، از طریق زیارت به این مسأله می‌توان دست یافت. بنابراین زیارت یک وسیله است برای رسیدن به ارتباط با خداوند و کمال معنوی و اخلاقی. به عبارتی دیگر زیارت می‌تواند به عنوان یک پدیده اجتماعی و دینی بر زندگی انسان اثر گذارد.
زیارت اماکن قدسی در واقع نوعی ارتباط اجتماعی یک‌سویه را به وجود می‌آورد که انسان‌ها در تمام مراحل عمر نیازمند عبادت و ستایش خداوند متعال و محبت به پیامبر و اهل بیتش می‌باشد. این واقعیت اجتماعی و دینی به رفتارهای دینی و اخلاقی انسان جهت‌گیری معنوی می‌دهد.
از بعد جامعه شناختی در بحث زیارت، باید اشاره کنیم که زیارت در قالب روابط اجتماعی میان انسان‌ها و خداوند، پیامبر و ائمه اظهار نوعی علاقه قلبی و الفت به وجود می‌آورد؛ شیعیان در هنگام زیارت در اماکن مقدس با خواندن ادعیه‌های

ص: 455

زیارتی بدون چشمداشت‌های مادی با جان و دل در جهت رسیدن به سعادتمندی، دین خود را تقویت می‌کنند.

زیارت و گروه اجتماعی

در جامعه‌شناسی گروه اجتماعی شامل «عده‌ای افراد است که دارای: یک وجه مشترک مهم، فعالیت مشترک و کنش متقابل و احساس تعلق خاطر یا احساس ما می‌باشد.» (1) از بعد وجه مشترک تمام افرادی که در اماکن مقدس حضور پیدا می‌کنند؛ دارای اهداف مشترک هستند؛ این هدف سعادتمندی و خیرخواهی و استغاثه از درگاه احدیت است. زیارت به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه‌های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، تمام اعضای گروه در اماکن مقدس با خواندن زیارتنامه از طریق صاحب آن حرم شریف با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند. و طلب سعادتمندی و گره گشایی و دیدار مجدد می‌نمایند. این پیامدها در گروه‌های دینی و اجتماعی در ایام حج در بین تمام مسلمین مشاهده می‌شود؛ مسلمین به عنوان یک گروه مذهبی با هرگونه سلیقه و تفکر و گرایش، به دنبال بجا آوردن اعمال حج می‌باشند؛ که یک فعالیت مشترک را با راز و نیاز به درگاه خداوند متعال هدف مشترک خود را یعنی سعادت و کمال جویی را دنبال می‌کنند. بر این اساس «وجوه اشتراک و فعالیت مشترک در گروه اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در صورت تازه نگه داشتن این وجوه پایداری و استحکام پیوندهای گروهی تقویت می‌شود.» (2) از دیگر ابعاد گروه اجتماعی بر اساس فعالیت مشترک زیارت؛ احساس تعلق خاطر یا احساس مشترک دارد. زیارت در اندیشه اسلامی موجب تحریک احساسات عاطفی، انسانی و تقویت انسجام و وحدت می‌گردد. زیارت ابزاری برای بیان احساسات فردی و گروهی است؛ که می‌توان در برگزاری مناسک و مراسم‌های

1- آناتومی جامعه، ص 109.

2- همان، ص 111.

معنوی و روحانی مشاهده کرد؛ در جامعه اسلامی تشیع، ادعیه‌های زیارتی ائمه اطهار علیهم السلام یک نوع سرود جمعی و معنوی است که با آن امام مورد نظر و انسان کامل می‌توان ارتباط معنوی بر قرار کرد. تمام افرادی که در آن مکان حضور مستقیم یا غیر مستقیم دارند با خلوص نیت با معبود خود از طریق امام رئوف شان ارتباط برقرار می‌کنند؛ این ارتباط با خواندن زیارتنامه و ادعیه‌های مخصوص آن مکان و زمان مقدس شکل می‌گیرد. در ایام حج، با توجه به زمان و مکان مقدس، این احساس جمعی و تعلق خاطر، که در جهت انسجام و وحدت روحیه دین‌باوری است به وجود می‌آورد.

از دیگر ابعاد ارتباطی بین مفهوم زیارت با گروه اجتماعی در تقویت دین باوری و پرورش اخلاقی، خصوصیات ظاهری است. به عنوان مثال در هنگام زیارت خانه خداوند، لباس احرام بر تن تمام زیارت‌کنندگان نشانه انسجام و وحدت است.

همچنین در کتب اسلامی و احادیث شیعی آمده است، که زایران با لباس آراسته و شکیل به زیارت اماکن مقدس حضور یابند.

از دیگر مقوله‌های ارتباط زیارت با گروه اجتماعی، وجود تبلیغات مختلف در شهرها و روستاهای کشورمان است، که در زمان‌های خاص، عموم شهروندان را برای حضور معنوی و انسجام بخش در مراسم‌های زیارتی دعوت می‌کنند، این دعوت در واقع نوعی تقویت دین پروری و سازمان یافتگی در جهت ارتباط با معبود و گرامی‌داشت مقام شامخ ائمه علیهم السلام است.

ارتباط زیارت با گروه نخستین

گروه نخستین اصطلاحی است که چارلز هورتن کولی در جامعه‌شناسی به کار برده است. «گروه‌های نخستین برای توصیف گروه‌هایی نظیر خانواده، همسایگی، آشنایان، دوستان، و ... به‌کار برده شده است. به اعتقاد کولی احساساتی نظیر وفاداری، صمیمیت، و پیوستگی با دیگران در این گروه‌ها آموخته می‌شود. صفات مشترک

گروه‌های نخستین عبارت‌اند از رابطه چهره به چهره وفاداری، پیوستگی عاطفی، همکاری نزدیک، روابط دوستانه». (1) وجود گروه‌های زیارتی در ارتباط با خصوصیات گروه‌های نخستین، نوعی هدف تلقی می‌گردد؛ زیارت در این گروه‌ها به عنوان هدف و منبع مهمی در تأمین احساس و آرامش خاطر فرد از نظر عاطفی محسوب می‌شود. زیارت در گروه‌های اجتماعی نخستین که دارای صمیمیت، وفاداری، و ... رنگ و بوی قوی داشته، باعث پیوندهای عاطفی نزدیک و محکم می‌شود، چون در این گروه‌ها هدف معنوی است، خصایص خوب و مثبت انسان‌ها رشد بسیاری می‌کند و تمام افراد باهم برابر می‌باشند، تمام اعضا از هر طبقه اجتماعی که باشند در برابر خضوع و خشوع خداوند با هم برابر هستند، یکدلی و یکرنگی در این گروه‌ها حرف اول را می‌زند. وجود گروه‌های زیارتی به عنوان نوعی از گروه‌های نخستین منجر به انتقال ایده‌آل‌ها و ارزش‌های مهم دینی جامعه می‌گردد.
از بعد دیگر گروه‌های زیارتی به عنوان گروه نخستین که فاصله اجتماعی در آن بسیار نزدیک است، نوعی ضرورت برای حیات جمعی انسان تلقی می‌شود؛ که در بهبود روابط انسانی و کیفیت و بازده تقویت روحیه اجتماعی افراد بسیار تأثیرگذار است. به عبارت دیگر زیارت به دلیل این‌که با سنت‌ها و مناسک جمعی بیشتر پیوند خورده است؛ نوعی گروه خودی هم به حساب می‌آید. در این گروه‌های اجتماعی افراد به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند و خود را عنصری مؤثری در این گروه می‌دانند.

فرهنگ به عنوان یک واژه محاوره‌ای به فراورده‌های متعالی ذهن و سلایق دقیق و ظریف هنری، ادبی، و ... گفته می‌شود. «فرهنگ میراثی اجتماعی است که افراد از

1- مقدمات جامعه‌شناسی، ص 122.

گروه خود دریافت می‌کنند، راهی برای اندیشیدن، احساس کردن، و رفتار نمودن است. به عبارت دیگر فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد». (1) زیارت به عنوان یک میراث دینی و اجتماعی در یک جامعه وجود دارد؛ که نسل به نسل انتقال یافته و مورد احترام و ارزشگذاری قرار گرفته است. در واقع زیارت یک الگوی رفتار دینی است؛ که در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن به صورت‌های متنوع یافت می‌شود. از بعد دیگر زیارت یک نوع عقیده یا رفتار عقیدتی است؛ که در جامعه به آن احترام گذاشته می‌شود و از طرف افراد مؤمن آن جامعه آموزش داده می‌شود؛ و سینه به سینه برای حفظ شدن و ارج‌گذاری آن اشاعه می‌یابد.

زیارت به عنوان یک کالای فرهنگ معنوی در هر جامعه‌ای با توجه به ساختار دینی تولید می‌شود؛ و به صورت هنجار خاص از طرف افراد آن جامعه در ساختار فرهنگی پیروی می‌گردد. خواندن زیارتنامه و انجام دادن اعمال زیارتی، شیوه‌ای از فرهنگ دینی و تقویت دین‌باوری در جامعه است؛ زیارت به عنوان پدیده‌ای از عناصر فرهنگ دینی است؛ که خاص زندگی انسان است؛ زیرا انسان از طریق بکار گیری عناصر فرهنگی از سایر موجودات زندگیش جدا می‌گردد. به عبارت دیگر با توجه به عنصر تفکر و اندیشیدن در انسان زیارت و تدوین مناسک و اعمال زیارتی جزء خصایص فرهنگ آفرینی انسان تلقی می‌شود. زیارت به عنوان عنصری در فرهنگ دینی در خلال زمان حالت انباشتگی یافته است، براین اساس قابل اعتلا و تکامل است.

از بعد دیگر، زیارت در هر فرهنگی پدیده‌ای نسبی است؛ یعنی در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن، زیارت و مناسک زیارتی معنا، مفهوم و اشکال خاصی دارد که با سایر ساختارهای فرهنگ زیارتی متفاوت است؛ بر این اساس نمی‌توان گفت که این

1- درآمدی بر مبانی انسان‌شناسی، ص 247.

واقعیت دینی در جامعه‌ای بر جامعه دیگر رجحان دارد. زیارت به عنوان یک پدیده فرهنگ معنوی در هر جامعه‌ای قابل انتقال و آموختنی است و به صورت یک میراث معنوی به نسل‌های دیگر منتقل می‌شود. زیارت به عنوان یک پدیده آموختنی و اکتسابی در جامعه باعث ثبات دوام می‌شود، هر قدر ساختار فرهنگی جامعه از نظر دینی قوی‌تر باشد؛ کم‌تر عناصر فرهنگ معنوی تغییر می‌کند.

با توجه به این‌که فرهنگ دارای خصوصیات عام است به این معنا که «تفکر یا عمل هنگامی فرهنگی است که به طور مشترک در برخی از جمعیت‌های یا گروه‌های وجود داشته باشد ... هنگامی که درباره آداب و رسوم مشترک در یک جامعه صحبت به میان می‌آید، در حقیقت به فرهنگ آنها توجه می‌شود. وقتی درباره آداب و رسوم مشترک زیر گروهی در یک جامعه صحبت می‌کنیم- که جامعه‌شناسی بدان توجه دارد- به زیر فرهنگ و نه فرهنگ توجه کرده‌ایم ...» (1) زیارت یک عنصر فرهنگ دینی است که صورت عام دارد؛ و در تمام ادیان الهی مشاهده می‌گردد. در ادیان دیگر زیارت از مناسک و آداب و رسوم خاصی برخوردار است، با توجه به ساختار دینی هر فرهنگی آداب و رسوم و مناسک زیارتی شکل و اعمال ویژه‌ای به همراه دارد.

همان‌طور که گفته شد فرهنگ امر آموختنی‌است. «خصوصیاتی فرهنگی است که گذشته از مشترک بودن، اکتسابی نیز باشند؛ اکتسابی بودن فرهنگ گویای آن است که فرهنگ باید در فرایند اجتماعی شدن به فرد منتقل شود و بنابراین نقش آموزش در تداوم فرهنگی نقشی اساسی و غیر قابل چشم‌پوشی است». (2) زیارت دارای خصوصیت فرهنگی اکتسابی است، که از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می‌توان آن را به دیگران آموزش داد. زیارت از بعد دیگر دارای خصوصیات فرهنگی خاص است، یعنی این‌که هر فرهنگی با توجه به هویت دینی خود مناسک و آداب زیارتی خاصی‌دارد، که جزء نشانه‌های فرهنگ دینی آن جامعه

1- انسان‌شناسی عمومی، ص 237.

2- درآمدی بر مبانی انسان‌شناسی، ص 248.

تلقی می‌شود؛ که احساس تعلق و هویت فرهنگی آن جامعه را نشان می‌دهد.
از دیگر خصوصیات فرهنگ این است که فرهنگ وابسته به نشانه‌ها یا سمبول‌ها است؛ زیارت و مناسک زیارتی که در هر جامعه‌ای وجود دارد، دارای یک‌سری از نشانه‌های کاربردی است؛ که فرهنگ زیارتی آن قومیت را از سایر اقوام و جوامع متمایز می‌کند. به عنوان مثال در متون زیارتی فرهنگ شیعه از زبان عربی استفاده شده است، که از مهم‌ترین نشانه‌های زیارتی و دینی است که جانشین اعتقادات و معنویات فرهنگی شده است.

زیارت و اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری)

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، فرآیندی است که انسان از بدو تولدش با جامعه و فرهنگ جامعه‌اش که همان ارزش‌ها و هنجارهاست انطباق می‌یابد. «اجتماعی شدن فرآیندی است که انسان‌ها از طریق آن اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، و عادات را از فرهنگ اخذ می‌کنند. این فرایند همچنین به فرد امکان می‌دهد تا شخصیت ویژه‌ای را برای خویش کسب کند. فرد از طریق اجتماعی شدن درباره فرهنگ می‌آموزد(انتقال فرهنگی). هر فرد دانش‌ها، اعتقادات، هنجارها، و انتظارات جامعه را از این طریق کسب می‌نماید. از طریق یادگیری(درونی کردن) فرهنگ انسان موفق می‌شود برای خویش هویت خاص کسب نماید. در پرتو تکامل اجتماعی موجود در فرایند اجتماعی شدن شخص می‌تواند یک موجود انسانی باشد. به عنوان نتیجه‌ای از این فرایند انسان دارای «خود» یا احساس هویت می‌گردد.» [(1)] زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه‌ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می‌شود؛ در واقع آموزش هنجارها و ارزش‌های زیارتی از همان دوران طفولیت در هر جامعه‌ای نوعی انتقال

1- مقدمات جامعه‌شناسی، ص 105.

فرهنگ معنوی محسوب می‌شود. از طریق آموزش، زیارت کردن و ... انسان‌ها هویت دینی خود را کسب می‌کنند. در این زمینه خانواده، مدرسه، رسانه‌های همگانی، از طریق برگزاری مراسم‌های زیارتی نقش بارزی دارند. «از طریق اجتماعی شدن انسان نظامی از الگوهای رفتاری مکتسب را می‌آموزد که همه افراد متعلق به یک فرهنگ در آن سهیم‌اند. این الگوهای رفتاری مشترک یا معیارهای رفتار هنجار نامیده می‌شوند.
انسان از همان سنین کودکی هنجارهای تصویب شده فرهنگی‌را فرا می‌گیرد و در فراگرد اجتماعی شدن می‌افتد». (1) زیارت دارای الگوهای رفتاری دینی است، که به صورت معیار مشترک رفتاری تمام افراد جامعه آن را انجام می‌دهند. این الگوهای دینی هنجارهای فرهنگی تصویب شده‌ای است که افراد یک جامعه آن را پذیرفته‌اند.
فرایند جامعه پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ و فرد را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی که سازمان یافته، سازگار می‌کند. بنابراین، کارکرد جامعه‌پذیری زیارت این است که فرد را با نظام ارزش‌های دینی و آرمان‌های اخلاقی که فرد نیاز دارد پرورش دهد. از بعد ذهنی اجتماعی شدن از طریق زیارت، فرایندی است که فرد خود را با آرمان‌های دینی و اخلاقی که در محیط اجتماعی خود که زندگی می‌کند، سازگاری دهد.

ارزش در حقیقت در مفاهیم جامعه‌شناختی و فرهنگ‌شناسی مفهوم جمعی است.
این پدیده از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و مناسب و یا این‌که غیر مطلوب است. در هر اجتماعی ارزش‌های اجتماعی، تعیین کننده برای مردم آن جامعه هستند که چه چیز مهم است، یا چه چیز از نظر اخلاقی درست است. ارزش‌ها به عنوان ضابطه‌ای

1- درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص 74.

جهت ارزیابی اعمال دیگران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. «در بررسی ارزش اجتماعی سه عنصر باید مدنظر باشد: 1. خود" شیء" یک ارزش باشد، 2." توانایی" شیء در تأمین نیازهای اجتماعی، 3." ارزیابی" که در ذهن اشخاص از این شیء و از توانایی‌اش در تأمین نیاز می‌شود». (1)
زیارت به عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی در هر ساختار فرهنگ دینی پدیدهای مطلوب و سودمند برای افراد در جهت ابراز احساسات عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر و لذت بردن به‌کار می‌رود. در واقع زیارت یک ارزش دینی و شیء مهم است که در جهت تقویت دین‌باوری و انسجام اجتماعی به کار می‌رود. و از نظر اخلاقی ریشه در احترام به مقدسات و اعتقادات را به همراه دارد.
زیارت جزء ارزش‌ها و معیارهایی است که به فرهنگ دینی معنا می‌بخشد؛ این ارزش اجتماعی- دینی در میان تمام افراد مؤمن و معتقد به خدا مشترک می‌باشد، اکثر افراد جامعه در باره اهمیت آن به توافق رسیده‌اند؛ این توافق به نوعی وفاق اجتماعی به حساب می‌آید. از سوی دیگر زیارت به عنوان ارزش اجتماعی یک نوع قضاوت جمعی‌است؛ به این معنا که ارزیابی جمع کثیری از افراد مؤمن و معتقد به دین، به پدیده زیارت و خواندن زیارت احترام می‌گذارند. از منظر دیگر زیارت یک نوع ارزش اجتماعی است که همراه با عواطف و احساسات است؛ و افراد مؤمن و دین باور به حفظ و صیانت از این پدیده می‌پردازند؛ به عنوان مثال در طی 1430 سال که از ظهور اسلام می‌گذرد، در جامعه اسلامی هنوز مناسک و آداب زیارت اماکن مقدس حفظ گردیده است.
منبع ارزش‌گذاری اجتماعی پدیده زیارت، انسان‌های جامعه هستند؛ در جامعه اسلامی، خصوصاً در بین امت شیعه، مکان‌های مقدس که مرتبط با خداوند، پیامبر و خاندانش باشد از اهمیت والایی برای احترام و مناسک زیارتی بر خوردار است؛ شأن

1- مبانی جامعه‌شناسی، ص 280.

مقدس پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در شکل‌گیری زیارت به عنوان یک ارزش دینی و اجتماعی بسیار مهم بوده است.
الگوهای رفتاری که در مناسک زیارتی در اماکن مقدس از افراد سر می‌زند؛ نشان از اعتبار ارزشی است که در یک جامعه برای آن پدیده مقدس قائل هستند. در واقع این رسوم معنوی و اخلاقی با توجه به ارزش‌هایی که در فرهنگ آن جامعه معنا یافته، قابل درک است. الگوهای رفتاری در زیارت، به سبب ارزش‌های والای نهاد دینی در جامعه در تراز بالای رسوم اخلاقی جا دارد و با ضمانت اجرایی صحیح همراه است و در جامعه‌شناسی این الگوی رفتاری با توجه به ساختار فرهنگی برای اعضای آن جامعه معنادار است.
زیارت و الگوهای رفتاری آن به صورت یک خط پیوستاری از ارزش‌های اجتماعی بر روی شخصیت اجتماعی اثر می‌گذارد؛ در این خط پیوستار زیارت به عنوان ارزش اخلاقی نیرومند در افراد مؤمن و معتقد درونی شده است. نقض این ارزش در نزد افراد جامعه نوعی خطا و شرم تلقی می‌گردد. در این الگوی رفتاری شخص تعهد وجدانی دارد؛ که آنها را محترم شمارد و جامعه نیز فعالانه شرایط ایفای این تعهد را تأمین می‌کند. در مقابل افرادی که به این مسأله اهمیت نمی‌دهند، در آن‌سوی خط پیوستار مورد نکوهش قرار می‌گیرند. در این طبقه‌بندی از ارزش‌ها، الگوهای رفتاری زیارت برای احترام گذاشتن و انجام دادن با یک فشار وجدانی همراه است، این مسأله درونمایه اخلاق شخصی فرد را می‌سازد.
زیارت و الگوهای رفتاری آن به نوعی از لحاظ کارکردی که در تقویت انسجام و دین پروری در جامعه اسلامی دارند، از اهمیت در طبقه‌بندی ارزش‌های اجتماعی برخوردارند. در جامعه اسلامی برای این‌که دین‌باوری و اعتقادات دینی در جامعه تقویت گردد؛ برپایی مراسم‌ها و مناسک زیارتی با توجه به مکان و زمان خاص در اماکن مقدس، تبلیغ و ترغیب می‌شود. این فرایند در واقع ارزش اجتماعی زیارت را

در جهت انسجام و یگانگی دینی می‌رساند. در واقع فرایند تشویق و ترغیب افراد جامعه به مشارکت در مراسم‌های زیارتی و دینی یک پدیده سودمند و مطلوب است.

در این فرایند روابط اجتماعی که از فطرت دینی و از عشق الهی الهام می‌گیرد؛ بسیار کارساز است. بنابراین زیارت به عنوان ارزش اجتماعی- دینی در قطب پیوستار مثبت دینی با همسازی، همکاری و مانند گردی همراه است.

زیارت و هنجار اجتماعی

هنجار از مفاهیم مرکزی و هسته‌ای جامعه‌شناسی است، در کلیه شئون زندگی وجود دارد. هنجار یک نوع شیوه رفتار اجتماعی در فعالیت‌های مشترک و کنش‌های متقابل و همچنین زندگی فردی به حساب می‌آید. هنجارها در تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد نظم اجتماعی بسیار مهم هستند. هنجار اجتماعی دارای چند مشخصه است:

«1. قاعده و استاندارد رفتار اجتماعی(تنظیم روابط اجتماعی، فعالیت مشترک و کنش اجتماعی)، 2. رعایت کردن اکثریت، 3. مجازات در صورت عدم رعایت». (1) زیارت به عنوان یک رفتار دینی از نرم یا مقیاسی برای انجام برخوردار است، که در تنظیم روابط اجتماعی با دیگران بسیار مهم است. این رفتار به صورت معقول مورد قبول اکثریت برای پیروی است؛ بر این اساس چنین پدیده‌ای در ساختار فرهنگ دینی دارای کارکردهایی در تنظیم روابط اجتماعی و نظم دینی است؛ به این معنی که نظم اجتماعی عامل مؤثری در حیات زندگی افراد می‌باشد؛ هنگامی که در رفتارهای زیارتی، بایدها و نبایدها رعایت شود، افراد بهتر می‌توانند نیازهای عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر، لذت بردن از زیارت، و ... را برآورده نمایند.

این نوع رفتار دینی دارای اهمیت و الزام‌آوری است؛ به این معنا که در هنگام انجام مناسک زیارتی در اماکن مقدس با توجه به احترامی که برای این فضاها قائل هستیم

1- آناتومی جامعه، ص 182.

باید آداب زیارت را رعایت کنیم؛ این رعایت، نوعی الزام‌آوری را در هنجارهای زیارتی به عنوان سودمندی و مطلوبی به وجود می‌آورد، که جزء کارکردهای هنجاری زیارت تلقی می‌گردد. انجام آداب و مناسک زیارتی در اماکن مقدس نوعی پیروی و همشکلی را به وجود می‌آورد. این همشکلی، همان چیزی است که دیگران آن را ارزیابی می‌کنند و برایشان مهم است که ما چگونه رفتارهای زیارتی را انجام می‌دهیم. این مسأله از دیگر کارکردهای هنجاری مناسک زیارتی‌است؛ که همان احساس تعلق خاطر ما را به انجام آداب زیارت می‌رساند. زیارت در اماکن مقدس نوعی از هنجارهای آداب و رسوم دینی در نظر گرفته می‌شود.

در جامعه‌شناسی آداب و رسوم را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مدل‌های اساسی و مهم رفتار که افراد به اجبار در یک محیط اجتماعی می‌پذیرند. یا مجموعه رفتارهایی که به صورت عادت در آمده‌اند و افراد متعلق به یک طبقه به انجام می‌رسانند و جامعه نیز در ترتیب ارزش‌هایش، برای آنان معنایی نهان قایل است». (1) زیارت جزء هنجارهای است که در فضاهای دینی به صورت آداب و رسوم خاص باید اجرا گردد؛ این اجرا در واقع نوعی پیروی و احساس تعلق خاطر به آن گروه وابسته را می‌رساند.

از بعد دیگر در جامعه‌شناسی باید زیارت را نوعی هنجار درونی در نظر گرفت؛ این هنجارها درون ما نهادینه و درونی شده‌اند. زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان‌ها به وجود می‌آید؛ زیرا این مسأله از فطرت دینی انسان ناشی می‌گردد. احترام به اماکن مقدس(سلام کردن، تعظیم و احترام گذاشتن، صلوات فرستادن، لباس آراسته و پاک پوشیدن، طهارت داشتن با وضو بودن و ...) جزء هنجارهای درونی زیارت می‌تواند تلقی گردد. این هنجارهای درونی در زیارت بیشتر نانوشته می‌باشد و به صورت شفاهی به یکدیگر انتقال یافته

1- فرهنگ علوم اجتماعی، ص 233.

است. بر این اساس «هنجارهای درونی براساس مکانیسم همشکلی به وجود می‌آید و دارای نیروی پتانسیل بسیار قوی هستند، این نیرو می‌تواند جامعه را بسازد». (1) از بعد دیگر در جامعه شناسی، زیارت به عنوان یک هنجار پایدار در رفتارهای دینی که با مناسک و آداب و رسوم خاصی همراه است در هر دینی عمر طولانی یافته است و به صورت یک سنت در فرهنگ آن جامعه در آمده است. مناسک زیارتی حج تمتع- عمره، آداب زیارتی ائمه اطهار علیهم السلام و ... تمام جز هنجارهای پایداری است که از ابتدای بنای دین اسلام مورد توجه قرار گرفته و در فرهنگ شیعه و ایران به صورت سنت اجتماعی و دینی حفظ گردیده است؛ این مسأله به ثبات اجتماعی و انسجام دینی فرهنگ زیارتی در شیعه کمک فراوانی نموده است.

زیارت و نشانه

در هر فرهنگی در ابعاد مختلف آن، علایم و نشانه‌های مشخصی به طور ملموس و آشکار وجود دارد؛ که بیان کننده واقعیتی اجتماعی یا مجرد را در اعمال و افعال و اندیشه به تصویر می‌کشد. «نماد عبارت است از یک تصویر، صورت یا علامت و حاوی این ارزش که می‌تواند مظهر چیزی غیر مادی شود. نماد با واقعیت اخلاقی و یا واقعیت مربوط به جهان اندیشه که برای نشان دادن آن پدید آمده، به جهت معنایی و یا از طریق ارتباطی مبتنی بر شباهت طبیعی پیوند می‌یابد. نمادها، از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی، از آن رو که بیان کننده معنایی هستند، مورد قبول جامعه‌اند و از جانب آن به رسمیت شناخته شده، به عنوان مظاهری ملموس(در معنای اول) به حساب می‌آیند. در واقع، برای آن‌که نمادها در جریان ارتباطهای انسانی، ارزش یابند، باید از نظر اجتماعی مورد پذیرش همگان باشند.» (2) زیارت در فرهنگ دینی یکی از نمادهای ملموس و آشکار دین باوری و هویت

1- درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص 233.

2- فرهنگ علوم اجتماعی، ص 414.

دینی هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد. در واقع نماد زیارتی، واقعیتی دینی است که به صورت انتزاعی در قالب الفاظ و متون خاص آن فضا و شخصیت تدوین شده است.
از سوی دیگر دارای نمادها و نشانه‌های عملی است که با انجام دادن آن افراد پایبندی و هویت دینی خود را تثبیت‌تر می‌کنند. در واقع زیارت در قالب نماد و نشانه‌های دینی حاوی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است؛ و نشانگر فرهنگ معنوی در جامعه می‌باشد. زیارت در قالب نمادهای اخلاقی و یا واقعیت مربوط به جهان اندیشه دینی را که برای نشان دادن آن پدید آمده؛ به جهت معنایی اجتماعی و یا از طریق ارتباط مبتنی بر شباهت طبیعی شکل گرفته است.
زیارت در قالب نمادهای جامعه شناختی، بیان کننده معانی‌ای هستند که مورد قبول جامعه می‌باشند؛ این نمادها از طرف جامعه به رسمیت شناخته شده و مورد پذیرش همگان قرار گرفته‌اند. زیارت به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش‌ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می‌آید.

انسان‌شناسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به کلیت فرهنگ انسانی توجه می‌کند و از این‌رو انسان را در تمام ابعادش مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیارت جزء پدیده‌های انسان‌شناسی دینی قرار دارد. انسان‌شناسی یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های انسان‌شناسی فرهنگی است. «انسان‌شناسی دینی را می‌توان بخشی از انسان‌شناسی نمادین دانست که تمامی ابعاد نمادین زبان، هنر و فرهنگ را پوشش می‌دهد.
انسان‌شناسی دینی، انسان را به مثابه موجودی مورد مطالعه قرار می‌دهد که با آنچه خود با مافوق طبیعی یا امر قدسی می‌پندارد، وارد رابطه شده و از خلال این رابطه دست به ساختن و دگرگون ساختن نمادها می‌زند». (1) زیارت به عنوان عنصر دینی در

1- درآمدی بر مبانی انسان‌شناسی، ص 248.

فرهنگ هر جامعه‌ای به صورت امر اجتماعی کارکردهایی به همراه دارد، این کارکردها در قالب انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دینی قابل تحقیق و بررسی است.
این امر اجتماعی در بعد روانی با آرامش و رضایت خاطر و امید و ... همراه است.
هنگامی‌که مؤمنان در فضاهای قدسی قرار می‌گیرند و با خدای خود با خواندن متون زیارتی ارتباط برقرار می‌کنند، به نوعی رضایت خاطر و آرامش روحی کسب می‌نمایند. در بعد اجتماعی زیارت با تقویت دین‌پروری و انسجام و همبستگی اجتماعی روبه‌رو است؛ افراد با شرکت در مراسم‌های زیارتی و انجام دادن اعمال و آداب و رسوم زیارتی در زمان و مکان قدسی خاص به نوعی روحیه جمعی و وجدان جمعی‌شان را در جهت اتحاد و انسجام با یکدیگر بودن و پایبند بودن به معتقدات دینی مستحکم‌تر می‌کنند.
زیارت در قالب انسان‌شناسی دینی جزء مناسک جمعی هر فرهنگی محسوب می‌شود. «واژه منسک خود ریشه‌ای مذهبی دارد و به مجموعه‌ای از اعمال تکرارپذیر، رمزگذاری شده و اغلب رسمی اطلاق می‌شود که برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی، یا با حرکات و موقعیت‌های کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد و به قدرت عمل موجودات یا نیروی‌های قدسی انجام می‌گیرند، نیروهایی‌که انسان تلاش می‌کند با آنها وارد رابطه شود». (1) زیارت در واقع در حوزه مناسک مربوط به رابطه انسان با خدا می‌باشد. در این رابطه حوزه نیایش مطرح است که در این حوزه متخصصان دینی حضور مستمر در تدوین و تهیه و تقویت مناسک زیارتی را دارند. در واقع مناسک زیارتی به صورت کلامی و عملی، نوعی رابطه با نظم دینی را برقرار می‌کنند. مناسک زیارتی در اماکن مقدس یک نوع حالت گذار یا تغییر را به همراه دارد. «این مناسک به باور وان جنپ در لحظه‌های حساس زندگی

1- همان، ص 248.

انسان که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر انجام می‌گیرد، به منظور تثبیت این گذار انجام می‌گیرند. وان جنپ در مناسک گذار سه مرحله قابل تفکیک را مشاهده کرد: نخست، مرحله «گسست» یا «پیش گذار» که فرد از موقعیت یا وضعیت قبلی خود جدا می‌شود. دوم، مرحله «گذار» یعنی مرحله‌ای که فرد از حالت قبلی جدا شده، اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است؛ و سرانجام سوم، مرحله «پیوند دوباره» یا «پسا گذار» که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت ثانوی خود وارد شده و در آن پذیرفته شده است. (1) در مناسک زیارتی، مؤمنانی که به مکه معظمه و مدینه منوره و یا کربلای معلا و ...
مشرف می‌شوند، دارای چنین حالتی هستند؛ در مرحله اول که هنوز به آن‌جا مشرف نشده‌اند، در زندگی و حالات درونی‌شان شکاف و بی‌نظمی مشاهده می‌شود.
احساس و اندیشه آنها معطوف دیدار معشوق است؛ پس در حالت گسست قرار دارند. هنگامی‌که آماده رفتن به سمت زیارتگاه هستند، زندگی روزمره را فراموش می‌کنند و عطش آنان برای زیارت بیشتر می‌شود. این همان مرحله دوم است. سومین مرحله زیارت معبود است که پیوندی دوباره و نظمی جدید در خود به وجود می‌آورند و خود را با این نظم تطبیق می‌دهند. بر این اساس مناسک زیارتی به عنوان نظم جدید، در زندگی معنوی و اعتقادی و نیز در تقویت و انسجام دینی و هویت اخلاقی افراد بسیار تأثیرگذار است.
زیارت به عنوان نمادهایی از فرهنگ دینی در انسان‌شناسی نمادین قابل بررسی است. «انسان‌شناسی نمادین و تفسیری گرایشی است که عمدتاً درون انسان‌شناسی فرهنگی به وجود آمده است. و به طور کلی از این باور حرکت می‌کند که فرهنگ مجموعه‌ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود و

1- تاریخ اندیشه‌ها و نظریات انسان‌شناسی، ص 261.

بنابراین برای درک آن باید ابتدا به سراغ تحلیل این نمادها رفت». (1) زیارت به عنوان مجموعه‌ای از فرهنگ معنوی در جامعه دارای نمادها و نشانه‌های اخلاقی و اجتماعی است؛ باید این نشانه‌ها را در متون و مناسک زیارتی تحلیل و تفسیر نمود. از بعد انسان‌شناسی، فرایند دینی زیارت علاوه بر امر اجتماعی و قدسی، امری است که دارای مناسک و اعمال می‌باشد. باید در این بعد فرد و گروه اجتماعی که به انجام این مناسک می‌پردازند و در شرایط روحانی و دراماتیک قرار دارند؛ نشانه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی آنها را تفسیر کرد. در این بعد از بررسی انسان‌شناختی، زیارت، باید شبکه‌های معنایی که از خلال نمادها و نشانه‌ها شکل می‌گیرند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و فرآیندهایی را برای درک و محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد می‌کنند مطالعه کرد.

از بعد دیگر در انسان شناسی، زیارت، در قالب اندیشه انسان‌شناختی هم قابل بررسی است. «این شاخه از انسان‌شناسی، فرهنگ را به مثابه مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها، ارزش‌ها، تصاویر و احساس‌ها در نظر می‌گیرد که در ذهن انسان پرداخته شده و به صورت ابزاری به وسیله او برای انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی‌اش به کار گرفته می‌شود. بنابراین در این شاخه از انسان‌شناسی، هدف آن است که محتوای شناخت انسان‌ها از جهان بیرونی، فرایندهای این شناخت، رابطه شناخت، با رفتارهای اجتماعی و میزان اشتراک شناخت در بین انسان‌ها در یک جامعه و در جوامع مختلف، مورد مطالعه قرار گیرند». (2) زیارت در این بعد از فرهنگ دینی در قالب برداشت‌ها و نگرش‌ها می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد؛ در واقع افرادی که به اماکن مقدس(مکه، مدینه و ...) مشرف می‌شوند و مدتی برای زیارت در آن‌جا حضور دارند، چه تصویر و ذهنیتی از این

1- همان، ص 251.

2- همان، ص 241.

فضاهای قدسی دارند. از سوی دیگر چگونه می‌توانند احساسات درونی خود را در هنگام زیارت برای دیگران بیان کنند. در واقع این شاخه از انسان‌شناسی درباره زیارت، به بررسی شناخت رفتارهای اجتماعی و میزان اشتراک شناخت نگرش‌ها و احساسات از زیارت می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

زیارت به عنوان یک پدیده دینی در فرهنگ معنوی هر جامعه‌ای از اهمیت اعتقادی، اخلاقی و والایی برخوردار است. زیارت از بعد نیاز اجتماعی در یک جامعه انسانی به صورت جمعی، نقش مؤثری در برقراری ارتباط میان اعضا دارد. زیارت به عنوان یک واقعیت دینی در اندیشه‌های اسلامی به برقراری رابطه بین رفتار اجتماعی و دینی معنا می‌دهد. این پدیده با یک زبان احساسی و خشوع و خضوع همراه است و از بعد کارکردگرایی قابل بررسی می‌باشد. در واقع زیارت در این مفهوم پدیده‌ای ایده‌آل است که با نتایج مناسب و مطلوب و سودمند منجر به تقویت بنیادهای دینی در جامعه می‌گردد. زیارت با یک نوع نیاز به عزت نفس و احترام همراه است، که به صورت معنوی در انسان همیشه وجود دارد.
زیارت به عنوان یک فعالیت مشترک در میان گروه‌های مذهبی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. تمام زایران در اماکن مقدس با زیارت کردن به دنبال طلب سعادتمندی و گره‌گشایی می‌باشند. این پدیده در اندیشه‌های اسلامی موجب تحریک احساسات عاطفی و انسانی و تقویت انسجام و وحدت می‌گردد؛ و نیز ابزاری برای بیان احساسات جمعی و گروهی است. وجود گروه‌های زیارتی به نوعی مرتبط با خصوصیات گروه‌های نخستین است؛ در این گروه‌ها زیارت کردن به عنوان هدف و منبع مهمی در تأمین احساس و آرامش خاطر فرد محسوب می‌شود. زیارت در گروه‌های اجتماعی نخستین با نوعی صمیمیت و وفاداری و فاصله اجتماعی نزدیک بین افراد همراه است. این پدیده باعث پیوندهای عاطفی نزدیک و محکم

می‌شود؛ چون در این گروه‌ها هدف معنوی است، خصایص خوب و مثبت انسان‌ها رشد بسیاری می‌کنند.
در واقع زیارت یک الگوی رفتار دینی است که در هر فرهنگی با توجه به ساختار آن به صورت‌های متنوع یافت می‌شود. زیارت به عنوان یک عنصر فرهنگ معنوی در هر جامعه‌ای با توجه به ساختار دینی آن جامعه تولید می‌شود؛ و به صورت هنجار خاص از طرف افراد آن جامعه در ساختار فرهنگی رشد می‌کند؛ و سینه به سینه انتقال و اشاعه پیدا خواهد کرد. زیارت به عنوان یک عنصر از فرهنگ دینی، صورت عام دارد؛ و در تمام ادیان الهی مشاهده می‌گردد؛ و در هر جامعه‌ای با توجه به ساختار فرهنگی از مناسک و آداب و رسوم معنوی خاصی برخوردار است. زیارت دارای خصوصیت فرهنگی، اکتسابی است؛ از طریق مناسک و آداب و رسوم و متون خاص می‌توان آن را به دیگران آموزش داد. زیارت در واقع بخشی از اعتقادات و گرایشات مذهبی و هنجارهای دینی هر جامعه‌ای است که از همان اوان کودکی به فرد آموزش داده می‌شود. در واقع آموزش هنجارها و ارزش‌های زیارتی از همان دوران خردسالی در هر جامعه‌ای نوعی انتقال فرهنگ معنوی محسوب می‌شود. از طریق آموزش، زیارت کردن و ... انسان‌ها هویت دینی خود را کسب می‌کنند. در کسب این هویت، خانواده، مدرسه، رسانه‌های همگانی، از طریق برگزاری مراسم‌های زیارتی نقش بارزی دارند. فرایند جامعه‌پذیری زیارت از لحاظ عینی، آن است که جامعه فرهنگ معنوی خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده است؛ و فرد را با شیوه‌های پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان داده است.
از بعد ذهنی، اجتماعی شدن از طریق زیارت، فرایندی است که فرد خود را با آرمان‌های دینی و اخلاقی که در محیط اجتماعی‌اش نقش مؤثر دارند، سازگاری می‌دهد. زیارت به عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی در فرهنگ دینی، عملی مطلوب و سودمند برای افراد در جهت ابراز احساسات عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر و

ص: 473

لذت بردن به کار می‌رود. این پدیده از نظر اخلاقی ریشه در احترام به مقدسات و اعتقادات را داشته؛ جزء ارزش‌ها و معیارهایی است که به فرهنگ دینی معنا می‌بخشد. این ارزش اجتماعی- دینی در میان تمام افراد مؤمن و معتقد به خدا مشترک می‌باشد، اکثر افراد جامعه در باره اهمیت آن به توافق رسیده‌اند؛ این توافق به نوعی وفاق اجتماعی به حساب می‌آید.

از سوی دیگر زیارت به عنوان ارزش اجتماعی یک نوع قضاوت جمعی است؛ به این معنا که ارزیابی جمع کثیری از افراد مؤمن و معتقد به دین، به پدیده زیارت، از طریق خواندن زیارت و احترام گذاشتن است. زیارت و الگوهای رفتاری آن به صورت یک خط پیوستاری از ارزش‌های اجتماعی بر روی شخصیت اجتماعی اثر می‌گذارد؛ در این خط پیوستار زیارت به عنوان ارزش اخلاقی نیرومند در افراد مؤمن و معتقد درونی شده است. نقض این ارزش در نزد افراد جامعه نوعی خطا و شرم تلقی می‌گردد. این پدیده به عنوان یک رفتار دینی از نرم یا مقیاسی برای انجام برخوردار است، که در تنظیم روابط اجتماعی با دیگران بسیار مهم است. این رفتار به صورت معقول مورد قبول اکثریت است؛ بر این اساس چنین پدیده‌ای در ساختار فرهنگ دینی دارای کارکردهایی در تنظیم روابط اجتماعی و نظم دینی دارد. هنگامی که در رفتارهای زیارتی بایدها و نبایدها رعایت شود، افراد بهتر می‌توانند نیازهای عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر، لذت بردن از زیارت، و ... بر آورده نمایند.

زیارت به عنوان هنجاری درونی، خود به خود و با میل و بدون اجبار بیرونی در انسان‌ها به وجود می‌آید؛ زیرا از فطرت دینی انسان ناشی می‌گردد. احترام به اماکن مقدس جزء هنجارهای درونی زیارت می‌تواند تلقی گردد.

زیارت در فرهنگ دینی یکی از نمادهای ملموس و آشکار دین باوری و هویت دینی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در واقع نماد زیارتی واقعیتی دینی است که به صورت انتزاعی در قالب الفاظ و متون خاص آن فضا و شخصیت تدوین شده است؛

زیارت در قالب نمادهای جامعه شناختی، بیان کننده معانی‌ای هستند که مورد قبول جامعه باشند؛ زیارت به عنوان نماد جمعی و دینی برای بیان ارزش‌ها و باورهای مذهبی یک گروه به عنوان یک کل به حساب می‌آیند.
این پدیده به عنوان عنصر دینی در فرهنگ هر جامعه‌ای به صورت امر اجتماعی کارکردهایی به همراه دارد، این کارکردها در قالب انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی دینی قابل تحقیق و بررسی است.
زیارت به عنوان مجموعه‌ای از فرهنگ معنوی در جامعه، دارای نمادها و نشانه‌های اخلاقی و اجتماعی است؛ باید این نشانه‌ها را در متون و مناسک زیارتی تحلیل و تفسیر نمود.
از بعد انسان‌شناسی، فرایند دینی زیارت علاوه بر امر اجتماعی و قدسی، امری است که دارای مناسک و اعمال می‌باشد. زیارت در واقع در حوزه مناسک مربوط به رابطه انسان با خدا قرار دارد. در این رابطه زیارت در حوزه نیایش قابل بررسی است؛ در واقع مناسک زیارتی به صورت کلامی و عملی، نوعی رابطه را با نظم دینی برقرار می‌کنند. از بعد دیگر در اندیشه انسان‌شناسی زیارت در قالب برداشت‌ها و نگرش‌های افراد می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد؛ از سوی دیگر بررسی احساسات درونی در هنگام زیارت برای بیان کردن قابل بررسی است.

فهرست منابع

1. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، سهامی نشر، تهران، 1378.
2. انسان‌شناسی عمومی، عسگری خانقاه، شریف کمالی، محمد اصغر، سمت، تهران، 1380.
3. تاریخ اندیشه‌ها و نظریات انسان‌شناسی، ناصر فکوهی، نی، تهران، 1381.
4. درآمدی بر جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ترجمه محسن ثلاثی، معاصر، تهران، 1380.
5. درآمدی بر جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ترجمه غلام عباس توسلی رضا فاضل، سمت، تهران، 1382.
6. درآمدی بر مبانی انسان‌شناسی، کلود ریویر، ترجمه ناصر فکوهی، نی، تهران، 1379.
7. فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، کیهان، 1375.
8. مبانی جامعه‌شناسی، عبدالحسین نیک گهر، رایزن، تهران، 1375.
9. مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، منصور قنادان و همکاران، آوای نور، تهران، 1375.
10. مقدمات جامعه‌شناسی، منوچهر محسنی، دوران، تهران، 1378.
11. نظریه‌های جامعه‌شناسی، غلام عباس توسلی، سمت، تهران، 1377.
12. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، جرج ریتزر، ترجمه محسن ثلاثی، علمی، تهران، 1377.

ص: 476

سفید

بخش سه: نقد و بررسی شبهات زیارت

1. زيارت، سنت يا بدعت

اشاره

ص: 479
محمدحسن شریعت‌زاده خراسانی

چکیده

نویسنده ابتدا به بیان معنای لغوی و اصطلاحی زیارت پرداخته و سپس اشاره‌ای نموده به زیارت در منظر تاریخ اسلام. آن‌گاه زیارت را از دیدگاه قرآن و حدیث مورد بررسی قرار داده و احادیثی از منابع اهل سنت درباره جواز زیارت نقل کرده است.
فصل دوم این نوشتار پاسخ به شبهاتی درباره زیارت است که از سوی برخی منحرفان مطرح شده است، مبنی بر این‌که زیارت بدعت می‌باشد.
نگارنده برای پاسخ به اشکال مذکور، نخست بدعت را از نظر لغت و اصطلاح معنی کرده و به عنوان نمونه به صلاة تراویح اشاره نموده و سرانجام به اثبات این موضوع پرداخته که زیارت، سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده و طبق دستور قرآن بر مسلمانان لازم است که از سنت آن حضرت پیروی نمایند. سپس با بحث درباره جایگاه اهل بیت و امام به عنوان حافظ دین مقاله پایان می‌پذیرد.
کلیدواژه‌ها: زیارت، سنت، بدعت، قرآن، حدیث.

پیشگفتار

زیارت درک حضور محضر اولیای الهی است. زیارت حضوری از روی اراده در مشاهد مشرّفه است. یعنی زایر با شوقی عظیم از کوی خود حرکت می‌کند تا بر آستان جانان صورت نهد. این خضوع و تواضع فقط در برابر حق جایز است و آنچه که عنوان الهی حجت اللّٰه بر او صدق کند. نوع ارتباط قلبی و شاهد آن، چشمانی اشک‌آلود و مشتاق است. حقیقت زیارت نه فقط قلب خاشع و چشمانی اشکبار

است، بلکه فرازهایی والاتر از این عرصه خاکی باید رفت و آن معرفت و شناخت امام است، زیرا آنها مصادیق بارز جلوه الهی هستند که در معرفی آن پاکان، خدای عزوجل فرموده است: «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ کُونُواْ مَعَ الصدِقِینَ». (1)

با این توصیف می‌توان درک کرد که دستور به خواندن زیارتنامه مأثور و وارد از خاندان عصمت و طهارت است، زیرا «اهل البیت ادری بما فی البیت» و چون: «کلامکم نور و أمرکم رشد». آنچه می‌گویید چه در مشاهد مشرّفه و چه در مکان‌های دیگر با اراده الهی خودتان سخن می‌رانید: «إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا». (2)

این زیارت ا ز آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله مورد سفارش بوده است و خودشان اهل حضور و درک محضر زیارت بودند. از آن‌جایی‌که در این ایام شبهات گوناگونی به این بحث مهم وارد کردند، آن‌هم از جانب کسانی‌که خود را به ظاهر پیرو واقعی شریعت مقدس و در خط نبی اکرم می‌دانند، لازم به نظر آمد این مسأله با دقت بیشتری مورد نظر قرار گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی زیارت

زیارت از ریشه زور، به معنای میل و عدول از چیزی به چیز دیگر است و ظاهراً دروغ را از همین باب قول الزور می‌گویند، زیرا منحرف از حق گردیده است. (3) و زایر را از آن جهت زایر گویند که هنگامی‌که به زیارت تو آمد، از غیر به تو عدول کرده و شده است زایر و لذا بعضی از اهل فن زیارت را به معنای قصد و توجه گرفته‌اند. مانند صاحب المصباح المنیر در ماده زور.
قرآن کریم خود نیز همواره از منابع اصلی ادبیات عرب بوده و هست و ظاهراً تنها موردی که در قرآن از واژه زیارت استفاده شده است، در سوره تکاثر است:

1- سوره توبه، آیه 119.

2- سوره احزاب، آیه 33.

3- مقاییس اللغه، ج 3، واژه زور.

«أَلْهَلكُمُ‌التَّكَاثُرُ حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (1)
شأن نزول قرآن در مورد فخرفروشی دو طایفه بنی عبد مناف و بنی السهم بن عمرو به یکدیگر بوده است که بنی عبد مناف پیروز شدند و بنی سهم برای جبران شکست خود گفتند: از طایفه ما در قدیم بر اثر ستم و ظلم از بین رفتند، از این رو به قبرستان‌ها رفتند و به شمارش قبرهای قوم و قبیله خویش پرداختند. (2) در واقع این واژه به طور دقیق به معنای ملاقات است. یعنی قرآن هم همین معنی را مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌فرماید: آنها به سراغ و یا به دیدن و دیدار کردن و ملاقات قبرهای قوم خود رفتند.
زیارت در اصطلاح دقیق ملاقات کردن و دیدن و دیدار کردن از مشاهد مشرّفه، اعم از قبور اولیای الهی و مساجد و مکان‌های مورد عبادت حضرت حق جلّ و علا را زیارت گویند. زیارت حضور در مشهد است و تجلیل و تکریم شهید، یعنی جان باخته در راه خدا و زنده به حیات ابد. (3)

پایه‌گذار زیارت قبور مسلمانان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ که کتب سیره به گونه مبسوط آن را آورده‌اند. لازم به تذکر است این نمونه‌ها که تعدادی از آنها بیان می‌شود، معنای واقعی واژه سنت است. در صفحات آینده که این واژه را دقیق معنا می‌کنیم، تطبیق آن بر افعال خاص و عام رسول مکرم اسلام به وضوح قابل رؤیت است.

الف) سال ششم از هجرت نبوی سال صلح حدیبیه است که پیامبر در بین راه مدینه و مکه در قریه ابواء بر سر قبر مادر خود جناب آمنه بنت وهب آمد و جالب این‌که بنا بر تصریح محمد بن سعد صاحب طبقات رسول خدا گریست و بر مرمت و تجدید بنای آن قبر پرداخت [(4)] که جناب شیخ مفید اعلی اللّه مقامه نیز ناقل این خبر است و همچنین پس از حجة الوداع در سال دهم هجرت به زیارت قبر مادر شتافت

1- سوره تکاثر، آیه 1 و 2.

2- تفسیر صافی، ج 5، ص 369.

3- شوق دیدار، ص 18.

4- بحار الأنوار، ج 10، ص 441.

و در ابواء کنار مزار پاکش با تجدید خاطرات کودکی و یتیمی و دوران محنت بی‌مادری، آن رسول رحمت و شفقت در آن مکان گریست. (1) ب) سال سوم از هجرت نبوی سالی دردناک برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، زیرا یکی از جنگ‌های پیامبر اکرم در آن سال روی داد، این جنگ در نزدیکی شهر مدینه و در کنار کوه احد واقع شد. در جریان این نبرد جناب حمزه، عموی رسول خدا با هفتاد تن از مسلمانان به شهادت رسیدند.

از روزی که خبر شهادت جناب حمزه به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، تا زنده بود همگان را تشویق به زیارت مرقدش در احد می‌کرد و همواره به اهل بیت خویش، مخصوصاً صدیقه حضرت فاطمه علیها السلام زیارت قبر جناب حمزه را تأکید می‌کرد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که حضرت فاطمه علیها السلام قبر حمزه را زیارت می‌کرد و آن را مرمت و اصلاح می‌نمود و با نهادن سنگی بر آن نشان می‌گذاشت. یحیی بر این خبر می‌افزاید: بعد آن‌جا نماز می‌خواند و دعا می‌کرد و می‌گریست و این برنامه بود تا زمانی که آن بانو وفات یافت. (2) حاکم نیز همین خبر را از قول امام علی بن ابی طالب علیه السلام آورده و می‌گوید:

فاطمه علیها السلام هر جمعه قبر عمویش حمزه را زیارت می‌کرد. (3) از جمله دیگر اخبار این‌که رسول خدا در کنار قبور شهدای احد زیارتنامه می‌خواند، می‌فرمود: «سَلمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (4)

راوی این روایت می‌گوید: ابوبکر و عمر و عثمان هم به زیارت شهیدان احد می‌شتافتند. (5) ج) مسأله زیارت قبر رسول خدا که روایت در باب زیارت آن بقعه شریف و آن مسجد نورانی از حد تواتر در بین فریقین افزون گشته است.

1- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 5، مدخل ابواء.

2- وفاء الوفاء، ج 3، ص 933.

3- همان.

4- سوره رعد، آیه 24.

5- وفاء الوفاء ج 3، ص 933.

عبداللّٰه بن عمر از رسول خدا نقل می‌کند: «من جائنی زائراً لا تحمله إلّازیارتی کان حقّاً علیّ انه أکونَ له شفیعاً یوم القیامة. (1) علامه امینی رحمه الله این حدیث را از شانزده تن از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل می‌کند و می‌افزاید: چهل و یک نفر از علمای عامه از عبداللّٰه بن عمر نقل کرده‌اند که رسول خدا فرمود:
«من زار قبری وجبت له شفاعتی». (2)
امینی افزون بر این روایت بیست روایت دیگر از منابع اهل سنت نقل کرده است.
صاحب کامل الزیارات جناب ابن قولویه رحمه الله روایات متعددی در این باب از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر می‌کند که این مجال فرصت ذکر آنها نیست. (3) از جمله: عن صفوان بن سلیم عن ابیه عن النبی صلی الله علیه و آله: قال:
«من زارنی فی حیاتی أو بعد موتی کان فی جواری یوم القیامة» (4)
سمهودی در وفاء الوفاء نقل می‌کند که از جمله افرادی که برای زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفر کرده، بلال بن ریاح حبشی، مؤذن آن حضرت می‌باشد که ابن عساکر با سندی صحیح آن را نقل نموده و علتش را خوابی می‌داند که بلال دیده بوده، او رسول خدا را در رؤیا می‌بیند که خطاب به وی می‌فرماید: ای بلال این جفا چیست؟ آیا وقت آن نرسیده که به دیدارم آیی؟ بلال ترسان و غمگین بر مرکبش سوار شد و از شام قصد مدینه کرد. چون به مرقد مطهر رسید، صورتش را بر قبر نبی اکرم می‌مالید و می‌گریست و درد دل می‌کرد تا حسن و حسین علیهما السلام به سویش رفتند او آن دو را در بر گرفته می‌بوسید. (5)

فخر المحدثین شیخ عباس قمی در مقدّمه کتاب زیارت(باب سوم کتاب) نکات مهم و برجسته‌ای را ذکر می‌کند که بیان می‌کنیم.
1. داشتن طهارت(وضو و غسل).

1- الغدیر، ج 5، ص 97.

2- همان، ص 93.

3- کامل الزیارات باب 2، ص 40.

4- التهذیب، ج 6، ص 3؛ المقنعه، ص 71.

5- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1355.

2. لباس پاک و معطر پوشیدن، ظاهراً در زیارت حضرت سید الشهدا معطر کردن بدن و لباس لازم نیست، بلکه مستحب است با همان غبار راه که بر سر و روی زایر نشسته وارد حرم مطهر و حایر حسینی شود.
3. زبان را با ذکر الهی نورانی کردن.
4. داشتن وقار و خضوع ظاهر و باطن.
5. اذن دخول خواندن.
6. سجده به پیشگاه الهی از این‌که نعمت زیارت اعتاب مقدسه و مشاهد مشرّفه نصیب او شده است.
7. ذکر تکبیر و اللّٰه اکبر گفتن هنگامی که قبر مطهر را دید که جلوگیری از مبالغه می‌نماید.
8. زیارات مأثوره یعنی منقول از ائمه معصومین را بخواند و از غیر آن بپرهیزد.
9. هنگام زیارت با صدای خود و یا با کیفیت نشستن و یا راه رفتن و یا در ازدحام جمعیت نزد ضریح مطهر رفتن، مزاحمت برای دیگر زایران به وجود نیاورد.
10. دو رکعت نماز زیارت بخواند و دعاهای بعد از زیارت را فراموش نکند و به برادران و خواهران و به‌ویژه حق‌داران خود دعا کند و از آنچه درخواست دارد در پیشگاه خدا غفلت نکند.
11. در خواندن قرآن مجید به قدر توان و به‌ویژه نماز اول وقت در حرم مطهر دقت فراوان کند.

قرآن برای زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایطی را برای مؤمنین بیان می‌کند، از جمله:

1. اذن گرفتن: «یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَاتَدْخُلُواْ بُیُوتَ النَّبِیّ إِلَّآ أَن یُؤْذَنَ لَکُمْ» (1)

یعنی مؤمنین

1- سوره احزاب، آیه 53.

را موظّف می‌کند که موقع ورود به خانه رسول خدا اجازه و اذن بگیرند.

2. در حضور رسول خدا ادب سخن را رعایت کردن و صدای خود را بلند نکردن: «يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَ تَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِىّ وَ لَاتَجْهَرُواْ لَهُو بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ». (1)

3. زینت کردن و پاک بودن هنگام زیارت: «يبَنِى‌ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلّ مَسْجِدٍ». (2)

این حکم مطلق است و عام و صاحب وسائل بنابر نقل مرحوم علامه طباطبایی در المیزان روایاتی در استحباب غسل در زیارت هر امام از این آیه می‌آورد.

4. احترام فوق‌العاده به بیوت وحی و خاندان پاک آنها. «فِى بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُو يُسَبّحُ لَهُو فِيهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ». (3)

5. صلوات بر رسول خدا. «إِنَّ اللَّهَ وَ مَللكَتَهُو يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىّ يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلّمُواْ تَسْلِيمًا». (4)

که طبیعتاً بهترین مکان جهت اجرای این دستور الهی، مضجع شریف نبوی صلی الله علیه و آله است و در روایات صلوات کامل دستور داده شده مبنی بر رسول خدا و آل پاک او. (5)

روایات و زیارت

در روایات منقول از خاصه و عامه آمده است که مسأله زیارت مورد تأکید شخص رسول خدا و ائمه هدی می‌باشد. مثلاً «عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال: قال رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله: من زارنی بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی و کنت له شهیداً و شافعاً یوم القیامة». (6) برای روشن تر شدن عنوان کلی بحث، روایتی از جناب ابوایوب انصاری صحابی رسول خدا بیان می‌کنیم، بنا بر نقل مرحوم علامه امینی که در الغدیر ذکر می‌کند و سند

1- سوره حجرات، آیه 2.

2- سوره اعراف، آیه 31.

3- سوره نور، آیه 36.

4- سوره احزاب، آیه 56.

5- المیزان، ج 16، ص 366؛ مجمع البیان، ج 8، ص 369.

6- بحارالأنوار، ج 100، ص 142.

آن را مستدرک حاکم و ذهبی در تلخیص خود آن را صحیح می‌دانند؛ روایتی که داوود بن ابی صالح راوی آن است این‌گونه است.

روزی مروان در مسجد پیامبر بود، دید مردی صورت بر قبر مطهر نبوی نهاده است. گردنش را گرفت و گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ زایر به سوی مروان برگشت، او ناگهان مطّلع شد که صحابی محبوب و بزرگ رسول خدا جناب ابو ایوب انصاری است. گفت: آری چون نزد سنگ نیامدم و پیش رسول خدا آمدم.

آن‌گاه این صحابی جمله‌ای بس ارزشمند در علل انحطاط جامعه مسلمین از رسول خدا نقل کرد و گفت: از رسول خدا شنیدیم که می‌گفت: «لا تبکو علی الدین إذا ولیه أهله و لکن ابکوا علی الدین إذا ولیه غیر أهلیه». (1) زمانی که انسان‌های درستکاری بر دین ولایت یافتند گریه نکنید برای این دین، بلکه بگریید بر آن زمانی که غیر اهل بر دین خدا دست یافتند. علامه امینی در شرح و بیان این روایت می‌فرماید: این روایت به ما می‌گوید که منع از توسل به قبرهای پاک اهل البیت همانا از بدعت‌هایی است که امویان از زمان صحابه برپا کردند و کسی تاکنون این را جایی نیافته که کسی به این قبر طاهر متوسل شود و اموی زاده‌ای او را منع کند، فقط و فقط این کار این خانواده است. (2)

سنت یعنی چه؟

ما در علم منطق آموختیم که ابتدا موضوع و تعریف دقیق آن را بیان کنیم تا بدون خدشه علمی بحث گسترش یابد. اکنون ببینیم سنت یعنی چه؟
صاحب مجمع البحرین که از کتب مهم لغت است در تعریف سنت می‌گوید: سنت در لغت طریقه و سیره است و جمع آن سنن است. و در اصطلاح راه و روش نبی اکرم صلی الله علیه و آله

1- الغدیر، ج 5، ص 148؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1359.

2- الغدیر، ج 5، ص 149.

اعم از قول و فعل و تقریر آن بزرگوار، چه اصالتاً و یا نیابتاً که این را سنت می‌گویند. (1) لسان العرب نیز در تعریف لغوی و اصطلاحی آن می‌گوید: اصل در این لغت(سنت) به معنی طریقت و سیره است و در اصطلاح هنگامی‌که در شرع سخن از سیره و سنت می‌آید، مراد از سنت آنچه را که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به آن امر کرده و یا نهی کرده و یا آن را نیکو و مستحب شمرده چه از قول و چه از فعل آن حضرت فهمیده شود، در مواردی که قرآن کریم به آن نپرداخته است و لذا در ادله شرع گفته شده است الکتاب و السنه یعنی قرآن و حدیث. (2)

اکنون که دانستیم سنت چیست و مراد از آن از بعد لغوی و اصطلاحی چه می‌باشد، باید دید آیا سنت و طریقه رسول خدا که اعم از قول و فعل و تقریر آن حضرت است، در زیارت وارد است یا خیر؟ سراغی از حدیث و تاریخ بگیریم تا حقایق بیشتر روشن شود. من سعی می‌کنم از طرفین روایات صحیحی را بیاورم و قضاوت با شما باشد که سنت چه بوده است؟ مسلم در صحیح خود از ابوهریره می‌آورد که پیامبر خدا که درود خدا بر او و خاندان پاکش باشد، قبر مادرش را زیارت کرد، بعد گریست و اطرافیانش را گریاند و فرمود برای زیارت قبر وی از پروردگارم اذن گرفتم که این اذن به من داده شد، پس قبرها را زیارت کنید، زیرا یادآور مرگ است. (3) در این باب سمهودی در وفاء الوفاء لأخبار دار المصطفی روایات صحیح را آورده است، (4) از جمله از جناب امام ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین علیه السلام روایت می‌کند که جناب فاطمه علیها السلام قبر حمزه را زیارت می‌کرد. و در فراز دیگر یحیی گوید: بعد آن‌جا نماز می‌خواند و دعا می‌کرد و می‌گریست و تا زمانی که آن حضرت فوت کرد این

1- مجمع البحرین، ج 6، ص 268.

2- لسان العرب، ج 13، ص 225.

3- صحیح المسلم شرح النووی، ج 4، ص 64.

4- وفاء الوفاء، ج 3، ص 932.

برنامه او بود. و از اخبار دیگر استفاده می‌شود که آغاز این برنامه از زمان شهادت جناب حمزه سید الشهدا بوده است و حتی رسول خدا کنار قبور شهدای احد زیارتنامه می‌خواند و ایضاً کنار مرقد مسلمین و شهدای مدفون در بقیع. (1) عالم بزرگ اهل سنت ابن قدامه می‌گوید: زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحب است، زیرا از خود آن حضرت روایت شده است که کسی که حج بگزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، همانند آن است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد. «من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی» (2) و ایضاً عن النبی صلی الله علیه و آله: «من زار قبری وجبت له شفاعتی»: هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم برای او واجب می‌شود. (3) ابن هبیره می‌گوید: پیشوایان چهارگانه اهل سنت(مالک، شافعی، ابوحنیفه و احمد حنبل) بر استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند. (4) این مقال بیش از این گنجایش اشاره به مسأله زیارت و سنت رسول خدا در این مورد را ندارد.

امر قرآن به پیروی از سنت و فرمان رسول وحی

قرآن کریم بارها مردم مؤمن و مسلمان را با خطابات عام و خاص خود دستور می‌دهد که از فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرپیچی نکنید و آن کس که باعث شود رسول خدا از او آزرده خاطر شود مورد لعن و نفرین خدااست.

الف) «قُلْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللَّهَ لَايُحِبُّ الْكفِرِينَ». (5) اولاً اطاعت رسول خدا در ردیف اطاعت پروردگار آمده است و ثانیاً هر که از آن روگردان شود جزء دسته کافرین است.

1- همان، ص 933.

2- المغنی فی الشرح الکبیر، ج 3، ص 588.

3- همان.

4- الغدیر، ج 5، ص 110.

5- سوره آل عمران، آیه 32.

ب) شعار اهل ایمان چیست؟ «رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشهِدِينَ». (1) د) «يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَطِيعُواْ اللَّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِى الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِى شَىْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِرِ ذَ لِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلاً». (2) ه) «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُو لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِيناً». (3) «وَ مَآ ءَاتَلكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَلكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (4) چرا پروردگار عالم این‌گونه می‌فرماید، زیرا رسولش را قبلاً به‌گونه کامل معرفی نموده است که او وجودی است که: «وَ مَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَى». (5)

شبهات درباره زیارت

اشاره

پیش از بحث در مورد شبهات وارد شده بر زیارت، لازم است معنای بدعت روشن شود.

بدعت از ریشه بدع است. بدع یعنی به وجود آوردن چیزی که قبلًا نبوده است؛ مانند لغت قرآن در آیه شریفه: «بَدِيعُ السَّموَ تِ وَالْأَرْضِ» (6) یعنی آنها را به وجود آورد، در حالی‌که قبلاً نبودند. بدعت یعنی آنچه بعد از رسول خدا در اعمال و برنامه‌های دین به عنوان دین وارد شده است. (7) و یا این‌که صاحب لسان العرب می‌گوید: آنچه را که بعد از اکمال دین به آن اضافه کنند، یعنی برای دین بسازند آن را بدعت گویند. (8) صاحب مجمع البحرین نیز می‌گوید: بدعت یعنی امری ساختگی در دین، یعنی آنچه که اصلی برای او در کتاب خدا و سنت رسولش نیست و آن را بدعت نام نهادند، زیرا

1- سوره آل عمران، آیه 53.

2- سوره نساء، آیه 59.

3- سوره احزاب، آیه 57.

4- سوره حشر، آیه 7.

5- سوره نجم، آیه 3 و 4.

6- سوره بقره، آیه 117.

7- کتاب العین، ج 22، ص 55.

8- لسان العرب، ج 8، ص 6.

قائل به آن، آن را از پیش خود ساخته است. (1) فارغ از بحث لغوی مثالی را مطرح می‌کنیم که بهتر مراد معلوم گردد.

صلاة تراویح

تراویح: عبارت از نمازهایی است که در شب‌های ماه رمضان پس از نماز عشا توسط اهل سنت به جماعت خوانده می‌شود. این نماز از نظر مذاهب اسلامی فرض و واجب نیست، بلکه از نظر شافعیه و حنفیه و حنابله سنت مؤکد است و خواندن آن به جماعت نیز سنت می‌باشد، ولی از نظر مالکیه مستحب مؤکد است و برگزاری آن نماز به جماعت مستحب می‌باشد. (2) شیعه این نمازها را مستحب می‌شمارد، ولی کلمه تراویح را درباره آنها به کار نمی‌برد و خواندن آن را به جماعت جایز نمی‌داند و بدعت می‌شمرد، زیرا معتقد است که فقط نمازهای واجب و نماز استسقا(باران) را می‌توان به جماعت خواند و در زمان رسول خدا هم نمازهای نافله رمضان به صورت فرادی خوانده می‌شده است. این روش تا زمان خلیفه دوم ادامه داشت، تا این‌که شبی خلیفه وارد مسجد شده، می‌بیند هر کسی در گوشه‌ای مشغول نماز است، دستور می‌دهد که یک یک از نمازگزاران به امامت ایستاده و بقیه به او اقتدا نمایند و از آن پس تراویح به صورت جماعت خوانده شده است. (3) این نمونه واضح یک بدعت آشکار است. حال آیا باید گفت: این بدعت هدایت است و نه ضلالت؟ آیا این توجیه نیست؟ آیا این سپردن دین و احکام الهی به دست مردم نیست؟ بنابراین بدعت: آوردن حکمی است در مسایل شرع که در زمان شارع، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل در برنامه‌های شریعت نبوده است.

1- مجمع البحرین، ج 4، ص 298.

2- الفقه علی مذاهب الاربعه، ج 1، ص 342.

3- صحیح بخاری، ج 1، ص 223، کتاب الصلوه؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 283، باب الترغیب فی قیامه رمضان.

حرمت به چه چیز متعلق است؟

اکنون که معلوم شد زیارت یک سنت است و بدعت نیست، خوب است دقتی کنیم تا محدوده حلال و حرام را بفهمیم که آیا زیارت کردن قبر و مضجع نورانی اولیای الهی و یا دست کشیدن بر ضریح مطهر آنان چه حرمتی دارد؟ و چگونه حرمت تحقق می‌یابد لغتاً و اصطلاحاً؟

صاحب کتاب العین در تعریف واژه حرام می‌گوید: اصل آن از حرام است و حرام ضد حلال است (1) و همین اعتقاد صاحب لسان العرب است؛ (2) یعنی تصریح می‌کند «و الحرامُ ما حَرَّم اللّٰه» حرام آن چیزی است که پروردگار عالم آن را حرام کرده باشد و نه برداشت و فهم کسی از کاری باشد. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند خودبه‌خود و خودسرانه بگوید این حلال است و این حرام است، بلکه دلیل لازم دارد.

مثلاً فقها درباره تکبیرة الاحرام نماز می‌گویند: «تحریمها التکبیر، کان المصلی بالتکبیر و الدخول فی الصلاة صادر ممنوعاً فی الکلام و الافعال الخارجه عن کلام الصلاة و افعالها فقیل للتکبیر تحریمٌ لمنعه المصلی من ذلک و انما سمیت تکبیرة الاحرام ای الاحرام بالصلاة». یعنی فقها از این جهت تکبیر در ابتدای نماز را تکبیرة الاحرام می‌گویند که با گفتن آن از ابتدای نماز ارتکاب هر کاری غیر از برنامه نماز حرام است، اعم از قول و فعل باشد. یعنی هر حرکتی و هر سخنی غیر از امور مربوط به نماز حرام است. این معنای واقعی حرام است. قرآن هم همین را تأیید می‌کند و می‌فرماید: «ذَ لِکَ وَ مَن یُعَظِّمْ حُرُمتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَّهُو عِندَ رَبّهِ». (3)

بنابراین آنچه را که از جانب خدا برای مؤمن حرام شده، از ترک واجبات و فعل حرام پس برای او از جهت رعایت این حق الهی خیری نزد پروردگار است.

1- کتاب العین، ج 3، ص 223.

2- لسان العرب، ج 12، ص 119.

3- سوره حج، آیه 30.

امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء در سال 201 ق وارد ایران شدند و در مسجد جامع مرو خطبه‌ای قرائت فرمودند که یکی از زیباترین تعریف‌ها از اصل و اساس امامت به عنوان ولایت کلیه الهیه می‌باشد. (1) حاصل این خطبه شریف سه نکته مهم است که در بحث امامت هر سه آنها با قرآن هماهنگ است:

الف) امامت عهده دار تبیین، تعلیل، اجرا، حمایت و دفاع از احکام و حکم الهی در دایره تشریع و تنظیم کننده رابطه اسماء حسنای الهی و برخورداری از ولایت کلیه الهیه در مدار تکوین است.

ب) چنین مسئولیتی مستلزم داشتن برترین علم و والاترین قدرت عادلانه است.

ج) چنین مقامی اکتشافی و درخواست کردنی نیست، بلکه موهبت الهی است(عصکمم اللّٰه من الزلل) بنابراین او حجت ویژه الهی بر مردم است، لذا اطاعت از او بی قید و شرط واجب علی الامه است. و لذا یکی از شیعیان زمان امام صادق علیه السلام به نام حمزه الطیار به آن حضرت گفت:

اگر شما اناری را نصف کنی و بگویی که نصف آن حلال و نصف آن حرام است، بدون چون و چرا می‌پذیرم. (2) آن وقت میان ما و برادران اهل سنت بسیار متفاوت است. آن‌جا که صاحب شرح المقاصد ضمن بر شمردن شرایط امامت می‌گوید: «لا ینعزل‌الامام بالفسق». (3) این ادعاهایی که اکنون از طرف عده‌ای بی‌خبر از آیات و روایات، همانند وهابیت مطرح شده است، اولاً مسموع نیست، چون مخالف قرآن است. ثانیاً امام کامل شامل رسول خدا و اهل البیت و ائمه هدی تا حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف

1- بحار الأنوار، ج 25، ص 122.

2- قاموس الرجال، ج 4، ص 31.

3- شرح المقاصد، ج 5، ص 233.

والاترین مفسر و مبیّن برای کتاب اللَّه هستند، زیرا «أهل البیت أدری بما فی البیت» است.
ثالثاً همان‌طور که در بحث عنوان شد از زمان مروان این عقاید برای این‌که مردم را از محور محبت رسول و آلش دور کنند مطرح بوده است. اگر نتوانند در مورد رسول خدا این کار را انجام دهند، در مورد اهل بیتش به طریق اولی خواهند توانست، اما این کارها نتیجه ندارد، بلکه این عنایات خدا به این خاندان است که به اراده او انجام شده است و حافظ و نگهبانش هم خود او و دوستانش و خدمتگزاران صادق این مکتب هستند. «ذَ لِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَآء».

فهرست منابع

1. تحفة الزائر، ملا محمد باقر مجلسی(متوفی 1111).
2. شوق دیدار(مباحثی پیرامون زیارت)، محمد مهدی رکنی(معاصر).
3. فلاح السائل، سید بن طاووس(متوفی 664).
4. کامل الزیارات، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی(متوفی 3680).
5. مصباح الزائر و جناح المسافر، رضی الدین علی بن طاووس حلّی(متوفی 664).
6. مقدّمه زیارت جامعه، آیت اللَّه عبداللَّه جوادی آملی(معاصر).
7. هدیة الزائرین، شیخ عباس قمی(متوفی 1359 ق).

2. زیارت قبور پاکان رسم انسانی، سنت رحمانی

اشاره

زهراسادات موسوی (1)

چکیده

نگارنده در ابتدا ضمن بیان مطلبی در خصوص اهمیت موضوع بیان داشته که در فرهنگ پویا و بالنده شیعه این مسأله از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است و آن همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است و زیارتگاه‌ها دارای نقش تربیتی و تهذیبی است.
در ادامه، مباحث و مطالب مقاله تحت عناوین زیر مورد بررسی و تبیین مشروح توسط نویسنده قرار گرفته است: زیارت قبور عالمان، حضور و زیارت در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، زیارت قبور مؤمنان از دیدگاه کتاب و سنت، زیارت قبور در سنت پیامبر اکرم، زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه دانشمندان مسلمان، از دیدگاه قرآن و از دیدگاه احادیث عترت طاهره علیهم السلام زنان و زیارت قبور سرانجام در پایان نگارنده به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مباحث و موارد مطرح شده، پرداخته است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، پیامبر اسلام، سنت، شیعه، حدیث.

زیارت قبور مؤمنان بالاخص آنها که با انسان پیوند خونی دارند، یک رسم فطری و جهانی است که ملل دنیا عملاً بر آن اتفاق نظر دارند و از آیه زیر نیز می‌توان تأیید آن را استنباط کرد. قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله درباره منافقان چنین خطاب می‌کند:

1- فوق لیسان الهیات و معارف اسلامی.

«وَ لا تُصَلِّ عَلی أحَدٍ مِنْهُمْ ماتَ أبَدًا وَ لا تَقُمْ عَلی قَبْرِهِ إنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ ماتُوا وَ هُمْ فاسِقُونَ»؛ (1)
هرگز بر احدی از آنان(منافقان) آن‌گاه که بمیرد نماز مگزار، و هیچ زمان بر سر قبرشان نایست، زیرا آنان به خدا و پیامبر او کفر ورزیده‌اند و در حال فسق و معصیت مرده‌اند.
این آیه مبارکه به پیامبر دو دستور می‌دهد:
1. بر مرده آنان نماز مگزار: «لا تُصَلِّ عَلی أحَدٍ مِنْهُمْ ماتَ أبَدًا».
2. در کنار قبر آنها برای دعا توقف مکن: «وَ لا تَقُمْ عَلی قَبْرِهِ».
بخش دوم آیه برای ما اهمیت خاصی دارد، و آن این که آیا مقصود از ایستادن در کنار قبر، صرفاً توقف در هنگام دفن است، یا مفهومی گسترده‌تر از این دارد؟ مفسران معنی دوم را تأیید می‌کنند که به اختصار، کلام برخی از آنان را یادآور می‌شویم.
بیضاوی می‌گوید: «و لا تقف عند قبره للدفن أو الزیاره»؛ (2) بر سر قبر منافقان توقف مکن، خواه برای دفن و خواه برای زیارت. همین نظریه را جلال الدین سیوطی در تفسیر جلالین، (3) و عارف بورسی در تفسیر روح البیان، (4) و آلوسی بغدادی در روح المعانی (5) آورده‌اند.
بنابراین خدا پیامبرش را از هر نوع توقف بر سر خاک منافق(چه هنگام دفن، و چه پس از آن) باز داشته است و این خود حاکی از آن است که پیامبر اکرم در حالات مختلف(اعم از دفن یا پس از آن) در کنار قبور مؤمنان توقف می‌کرده و در حق آنان دعا می‌نموده، والّا نهی از این امر، وجهی نداشت. در این صورت از آیه استفاده می‌شود که منافقان از چنین فیضی محرومند. طبعاً جامعه با ایمان مشمول چنین لطف الهی خواهند بود و پیامبر اکرم هم به هنگام دفن و هم در مواقع دیگر، بر سر قبر هر مسلمانی می‌تواند بایستد و دعا کند.

1- سوره توبه، آیه 84.

2- تفسیر بیضاوی، ج 1، ص 416.

3- تفسیر جلالین؛ ذیل سوره توبه، آیه 84.

4- روح البیان، ج 3، ص 378.

5- روح المعانی، ج 10، ص 155.

آن حضرت، خود نیز به قبرستان بقیع می‌رفت و به زیارت مسلمانان می‌پرداخت.
ذیلاً به گواهی تاریخ در این باره توجه کنید.
1. مسلم در صحیح خود از عایشه نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین بخش شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می‌کرد و هر موقع وارد این قبرستان می‌شد به آنان چنین خطاب می‌نمود: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین و آتاکم ما توعدون غداً، موجلون، و انا ان شاء اللّه بکم لاحقون، اللهم اغفر لاهل بقیع الغرقد»؛ (1) درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان، آنچه به وقوع آن در آینده وعده داده می‌شدید، سراغ شما آمد و شما میان مرگ و روز رستاخیز به سر می‌برید، ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا ! اهل بقیع «فرغد» را بیامرز.
2. مسلم در صحیح از عایشه نقل می‌کند که پیامبر به او چنین فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت خدایت فرمان می‌دهد که به زیارت اهل بقیع بروید و برای آنان طلب آمرزش کنید. عایشه می‌گوید: از پیامبر پرسیدم چگونه برای آنان طلب آمرزش کنم فرمود: بگو «السلام علیکم اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و یرحم اللّه المستقدمین منّا و المستأخرین و إنا إن شاء اللّه بکم لاحقون»؛ (2) درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این دیار.
خداوند همه مؤمنان را- چه آنها که قبلاً در گذشته‌اند و چه آنها که بعداً در خواهند گذشت- رحمت کند، و ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.
3. مسلم همچنین از بریده نقل می‌کند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به یاران خود آموزش

1- در صحیح مسلم، ج 3، ص 63، کتاب جنائز، باب «ما یقال عند دخول القبر» شارحان جمله «و آتاکم ماتوعدون غداً» را چنین تفسیر می‌کنند: «أی جائکم ما توعدون بوقوعه فی الغد». همچنان که جمله «موجلون» را چنین تفسیر می‌کنند: «أی و أنتم موجلون و الأجل هنا مدّة ما بین الموت إلی النشور». در این صورت معنی جمله همان خواهد بود که در بالا گذشت و «غرقد» درختی است که در سرزمین بقیع فراوان می‌رویید، از این جهت نام بقیع، بقیع الغرقد نامیده می‌شد.

2- صحيح مسلم، ج 3، ص 64، باب ما يقال عند دخول القبور و الدعاء لأهلها، كتاب الجنائز.

می‌داد که به هنگام زیارت قبور چنین بگویند: «السلام علی أهل الدیار من المؤمنین و المسلمین و إنّا إن شاء اللّه بکم لاحقون أسأل اللّه لنا و لکم العافیه»؛ (1) درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این دیار، ما نیز به خواست خدا برای خود و شما عافیت می‌طلبیم.

با مروری بر سخنان محدثان و فقیهان، روشن می‌شود که علمای اسلام زیارت مرقد شریف پیامبر اسلام را مستحب مؤکد دانسته و مردم را به زیارت حرم مطهر او دعوت می‌کرده‌اند.
تقی الدین سبکی شافعی(م 756 ق) یکی از فقیهان چیره دست قرن هشتم است.
او در نقد سخن ابن تیمیه(م 728 ق) که استحباب زیارت قبر پیامبر را انکار کرده بود، کتابی به نام شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام نوشت و با پژوهشی گسترده، آرای فقیهان اهل سنت را از قرن چهارم تا روزگار خویش در آن کتاب گرد آورد و مبرهن ساخت که استحباب زیارت قبر آن حضرت، از مسلمات فقه اسلامی است، و محدثان و فقیهان بزرگ، روایات گوناگونی در استحباب زیارت مزبور نقل کرده و به آن فتوا داده‌اند. (2)
علامه آیت اللّه امینی(1320- 1390) در کتاب شریف الغدیر به تکمیل موضوع پرداخته و توانسته است نظریات بیش از چهل عالم و دانشمند مسلمان، اعم از فقیه و محدث را در این زمینه تا عصر خویش گرد آورد. (3) نگارنده با کاوش ناچیز خود بر فتاوای دیگری نیز که در آن دو کتاب وارد نشده، دست یافته و در رساله‌ای که در این موضوع به زبان عربی تألیف کرده آمده است.
حتی مفتی سابق عربستان سعودی «عبدالعزیز بن باز» نیز بر این خیل پیوسته و صریحاً به استحباب زیارت قبر مطهر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فتوا داده است. (4)

1- همان، ص 65.

2- ر. ک: شفاء السقام، ص 65- 79.

3- ر. ک: الغدیر، ج 5، ص 109- 125.

4- ر. ک: جریده الجزیره مورخ 24 ذی القعده، سال 1411، شماره 6826.

نقل سخن عالمان فوق، از گنجایش این نوشته و حوصله خوانندگان بیرون است و لذا نمونه‌وار، به سخنان برخی از آنان اکتفا می‌کنیم:
1. ابوعبداللَّه حلیمی جرجانی شافعی(م 403) پس از آن که درباره تعظیم و تکریم پیامبر اسلام سخن می‌گوید، یادآور می‌شود که در این زمان تعظیم او، زیارت مرقد شریف اوست. (1) 2. ابوالحسن ماوردی(م 450) می‌نویسد: راهنمای حج پس از پایان مراسم، کاروان را به راه مدینه سوق دهد تا زایران میان دو زیارت: زیارت خانه خدا و زیارت قبر رسول خدا، جمع کنند. و از این طریق احترام پیامبر صلی الله علیه و آله را رعایت کرده و حقوق اطاعت او را ادا کنند. زیارت قبر پیامبر، جزء فریضه حج نیست، اما از مستحبات به شمار می‌رود. (2) 3. غزالی(م 505) درباره زیارت قبر پیامبر به صورت گسترده سخن گفته و آداب زیارت را نیز بیان کرده است. او می‌گوید: پیامبر فرموده است: زیارت من در حال ممات، به سان زیارت من در حال حیات است، و هر کس قدرت جسمانی و مالی داشته باشد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است.
غزالی می‌افزاید: کسی که قصد زیارت پیامبر کند، بایستی در راه بر او درود بفرستد و آن‌گاه که چشمش به دیوارها و درختان مدینه افتاد بگوید: «اللّهم هذا حرم رسولک فاجعله لی وقایة من النار، و أماناً من العذاب و سوء الحساب»؛ خدایا این حرم رسول تو است، آن را برای من سپری از آتش و امانی از عذاب و بدی حساب قرار بده. غزالی سپس آداب زیارت پیامبر و کیفیت آن را یادآور شده و می‌نویسد: «زایر قبر پیامبر بعداً به سرزمین بقیع برود و قبر حسن بن علی را زیارت کند و در مسجد فاطمه نماز بگزارد ...». (3)

1- شفاء السقام، ص 65 نقل از المنهاج فی شعب الایمان.

2- الأحکام السلطانیه، ص 109.

3- احیاء علوم الدین، ج 1، ص 305 و 306.

4. قاضی عیاض مالکی(م 544 ق) می‌نویسد: زیارت قبر پیامبر اکرم، سنتی مورد اتفاق همگان است. سپس به نقل چندین حدیث درباره زیارت قبر پیامبر پرداخته و می‌افزاید: زایر قبر او، به روضه پیامبر و منبر و قبر و جایگاه او و ستونی که بر آن تکیه می‌کرد و نقطه‌ای که جبرئیل بر او فرود می‌آمد، تبرک بجوید. (1) 5. ابن الحاج محمد عبدی قیروانی مالکی(م 738 ق) پس از آن‌که درباره لزوم و کیفیت زیارت پیامبران و نحوه توسل به آنان و درخواست حاجت از ایشان سخن می‌گوید، درباره قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین یادآور می‌شود: «آنچه درباره دیگران گفتیم، در مورد زیارت سرور پیشینیان و آیندگان- سلام بر او- دو چندان باید گفت:

شایسته است انسان با تواضع و فروتنی در حرم پیامبر حاضر شود، زیرا او شفیعی است که شفاعتش رد نمی‌شود، و کسی که آهنگ او کند نا امید باز نمی‌گردد، و کسی که به حرم او وارد شود و از او استعانت بجوید و استغاثه کند، محروم نمی‌گردد».

سپس می‌گوید: «علمای ما، رحمت خدا بر آنان باد، می‌گویند: شایسته است که زایر قبر پیامبر در خود چنین احساس کند که آن حضرت را در حال حیاتش زیارت می‌کند».

6. ابن حجر هیثمی مکی شافعی(م 973 ق) در استدلال بر استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به دلایلی همچون «اجماع» متمسک شده و می‌افزاید: «مخالفت یک نفر مانند ابن تیمیه با این امر، مضر به اجماع نیست، زیرا او کسی نیست که رأی او در این مورد، مضر باشد و بسیاری از علما سخنان ناموزون او را تعقیب کرده و اشکالات او را جواب داده‌اند، یکی از آنان عز بن جماعه است». به گفته ابن حجر: ابن تیمیه فردی است که خدا او را گمراه کرده و لباس خواری و پستی بر او پوشانده است و شیخ تقی الدین سبکی که جلالت مقام و اجتهاد وی مورد قبول همگان است، کتابی مستقل در ردّ فتوای او نوشته است. (2)

1- الشفاء، ج 2، ص 194- 197.

2- الجوهر المنظم فی زیارة المکرم، ص 22.

7. عبدالرحمن جزیری نویسنده کتاب الفقه علی المذاهب الأربعه که در آن فتاوای فقهای چهار مذهب را گرد آورده است، می‌نویسد: «زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از بالاترین مستحبات بوده و در مورد آن احادیثی وارد شده است». سپس به نقل شش حدیث پرداخته و آداب زیارت را بیان می‌کند. (1) نظر به این که هیچ یک از فقیهان مذاهب چهارگانه، بر ادعای فوق، تعلیقه‌ای نزده است، در می‌یابیم که فتوای یاد شده، مورد پذیرش همه فقهای ائمه اربعه در عصر حاضر قرار دارد.

8. شیخ عبدالعزیز بن باز می‌گوید: کسی که مسجد پیامبر را زیارت کرد، مستحب است در روضه پیامبر دو رکعت نماز بگزارد، سپس بر پیامبر سلام بگوید، چنان‌که مستحب است به زیارت بقیع و شهیدان مدفون در آن رفته و سلام بگوید. (2) ما در این جا به همین چند گفتار اکتفا می‌نماییم. کسانی که علاقه‌مندند از گفتارهای دیگر آگاه شوند به رساله‌ای که در این مورد نوشته‌ایم مراجعه نمایند. (3)

زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن

قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد که به حضور پیامبر رسیده، در محضر او استغفار کنند و از آن حضرت بخواهند که درباره آنان طلب آمرزش کند: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحیماً»؛ (4)
هرگاه آنان که بر خویش ستم کرده‌اند(مرتکب خلاف و گناه شده‌اند) نزد تو(ای رسول خدا) بیایند و استغفار کنند، و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش نماید، خداوند را توبه‌پذیر و رحیم خواهند یافت.
در آیه دیگر، خداوند منافقان را نکوهش می‌کند که هرگاه به آنان گفته می‌شود به

1- ر. ک: الفقه علی المذاهب الأربعه، ج 1، ص 59.

2- جریده الجزیره، مورخ 24 ذی قعدة الحرام 1411 ه، شماره 6826.

3- ر. ک: الزیارة فی الکتاب و السنة، ص 22- 24.

4- سوره نساء، آیه 64.

حضور رسول خدا برسند تا درباره آنان طلب آمرزش کند، از این امر سرباز می‌زنند:
«وَ إِذا قيلَ لَهُمْ تَعالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ»؛ (1)
آن‌گاه که به آنان گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت کند، روی خود را به عنوان(استنکار) بر می‌گردانند و آنان را می‌بینی از سخن تو اعراض کرده و کبر می‌ورزند.
تقی الدین سبکی، محقق اهل سنت، معتقد است: مسلمانان، در حال حاضر نیز به حکم این آیه می‌توانند به حضور رسول خدا برسند و در ضمن استغفار، از او بخواهند که درباره آنان از خداوند طلب آمرزش کند. به گفته وی هر چند این آیه مربوط به دوران حیات پیامبر است، ولی درخواست آمرزش از او، اختصاص به زمان حیات او ندارد، زیرا این مقامی است که به رسول خدا(به نشانه عظمت او) داده شده است و با مرگ او از میان نمی‌رود. (2) ممکن است گفته شود: آنچه در آیات فوق آمده، حاکی از شئون پیامبر و نشانه عظمت اوست، ولی انجام این عمل از سوی پیامبر، تنها در حال حیات او امکان‌پذیر است، نه در حال ممات، که رابطه ما با او قطع شده است.
پاسخ این است: ایراد فوق وارد نیست و حق با محقق یاد شده است. دلایل زیر روشن می‌کند که مرگ رسول خدا در این مورد تأثیری نداشته و حیات و ممات او از این نظر، یکسان است:
1. مرگ از نظر قرآن پایان زندگی انسان نیست، بلکه دریچه‌ای است به جهان دیگر و بسیار گسترده‌تر و همه چیز آن برتر از جهان پیشین بوده، و انسان در آن جهان زنده و بینا و شنواست. به ویژه شهدا و صالحان، پس از مرگ نزد خدا روزی می‌خورند و از لذات روحی خاصی بهره‌مندند. (3)

1- سوره منافقون، آیه 5.

2- شفاء السقام، ص 81.

3- سوره آل عمران، آیات 169 و 171؛ سوره بقره، آیه 154؛ سوره یس، آیات 26 و 27 و غیره.

2. در روایات فروان از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است که فرشتگان، درودی را که مسلمانان بر پیامبر می‌فرستند، به او می‌رسانند و انسان در هر نقطه‌ای به آن حضرت درود بفرستد به وی می‌رسد. چنان‌که می‌فرماید:

«صلوا علیّ فإنّ صلاتکم تبلغنی حیثما کنتم»؛ (1)

بر من درود بفرستید، درود شما در هر جا باشید به من می‌رسد.

3. مسلمانان در تشهد نماز مأمورند به پیامبر سلام کنند و درود بفرستند و بگویند:

«السلام علیک أیّها النبی و رحمة اللّه و برکاته» این سلام، جنبه تشریفاتی نداشته و سلامی است کاملاً واقعی، از زنده‌ای به زنده دیگر که مثل او شنواست.

امور فوق، حاکی از این است که پیامبر در جهان برزخ زنده بوده و ارتباط او با ما برقرار است، سخن ما را می‌شنود و درخواست ما را در شرایط خاصی انجام می‌دهد.

در این صورت جا دارد که بگوییم: دو آیه مورد نظر، از وسعت خاصی برخوردار بوده و هم اکنون ما را به حضور در حرم شریف رسول اکرم دعوت می‌کنند و دستور می‌دهند که به حرم پیامبر وارد شویم و استغفار کنیم و از او بخواهیم در حق ما استغفار کند. لذا در زیارتنامه رسول خدا نیز که همگان در آن حرم مطهر می‌خوانند، وارد شده و زایر قبر آن حضرت با توجه به این آیه از ایشان درخواست می‌کند که در حق او طلب آمرزش کند. اصولاً زیارت جز حضور زایر در محضر مزور، و فرستادن درود و درخواست دعا، چیز دیگری نیست. بنابراین، دو آیه مذکور می‌توانند گواه قرآنی بر استحباب زیارت مرقد پیامبر باشند.

نکته مهم همان است که در کلام سبکی وارد شده و آن این است که دعوت مسلمانان به رفتن در حضور رسول خدا و درخواست طلب آمرزش از وی برای خویش، نشانه تعظیم و تکریم پیامبر اکرم است، و مسلماً این تکریم اختصاص به زمان حیات آن حضرت ندارد، زیرا عظمت روحی وی و مقام و منزلتش نزد خداوند،

1- التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج 2، ص 189، در این کتاب روایات صحاح پنج‌گانه گردآوری شده است.

امری ثابت و جاودان بوده و محدود و مخصوص به زمان خاصی نیست.
به همین علت، مفسران معتقدند: احترام به رسول خدا، به دوران حیات او اختصاص ندارد و پس از مرگ نیز احترام او باید محفوظ شود. حتی آیه‌ای که مسلمان را به آهسته سخن گفتن در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند، هم اینک به قوت خود باقی است، آن جا که می‌فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ»؛ (1)
ای افراد با ایمان بلندتر از رسول خدا سخن نگویید.
لذا در حرم آن حضرت، نباید داد و فریاد کرد. و این آیه مبارکه بر بالای ضریح آن حضرت نوشته شده و قرن‌هاست که نصب العین زوّار مسلمان قرار دارد.

داوری قرآن درباره زیارت قبر پیامبر اکرم را دیدیم. اکنون وقت آن رسیده است که از داوری احادیث در این مورد آگاه شویم.
روایات مربوط به زیارت مرقد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتب حدیث وارد شده است و جمعی از علمای مسلمان به گردآوری و تصحیح اسانید آنها همت گمارده‌اند که به عنوان نمونه برخی از آنان را یادآور می‌شویم:
1. تقی الدین سبکی(م 756 ق) در کتاب شفاء السقام در این باره پانزده روایت با ذکر سند نقل کرده و به تصحیح سند آنها پرداخته است. (2) 2. نور الدین علی بن احمد سمهودی(م 911 ق) در کتاب ویژه خود درباره تاریخ مدینه، هفده روایت در این مورد نقل کرده و اسانید آنها را تصحیح کرده است. (3) 3. محمد فقی از علمای ازهر با حذف اسانید، متون روایات مربوط به زیارت آن حضرت را نقل کرده و در این مورد به بیست و دو روایت دست یافته است. (4)

1- سوره حجرات، آیه 2.

2- شفاء السقام، ص 5- 35.

3- وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج 4، ص 1336- 1348.

4- التوسل و الزیارة فی الشریعة الاسلامیه، ص 48- 50.

4. علامه امینی با تتبعی شایان تقدیر، روایات مربوط به زیارت را گردآوری کرده و تنها روایت نخست را که به آن اشاره خواهیم کرد، از چهل و یک کتاب نقل نموده است. (1) نقل همه این روایات با اسانید و تصحیح آنها، در این مختصر نمی‌گنجد، لذا فقط به نقل برخی از روایات اکتفا کرده و علاقه‌مندان به تفصیل را به مدارک یاد شده در بالا ارجاع می‌دهیم.
حدیث نخست: دار قطنی، به طور مستند، از عبداللّٰه بن عمر نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (2)
هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت از او، بر من لازم می‌گردد.
حدیث دوم: طبرانی در معجم کبیر و غزالی در احیاء علوم از عبداللّٰه بن عمر نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«من جائنی زائراً لا تحمله حاجة الّا زیارتی کان حقاً علیّ أن أکون له شفیعاً یوم القیامه؛ (3)
هر کس صرفاً به انگیزه زیارت من، به زیارتم بیاید، بر من فرض و لازم است که در روز قیامت شفیع او باشم».
حدیث سوم: دار قطنی از عبداللّٰه بن عمر نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«من حجّ فزار قبری بعد وفاتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (4)
هر کس پس از درگذشت من، قبر مرا در هنگام حج زیارت کند، مثل این است که در حال حیات مرا زیارت کرده است.
حدیث چهارم: دار قطنی از ابن عمر نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من زارنی بعد

1- الغدیر، ج 5، ص 93- 96.

2- السنن دار قطنی، ج 2، ص 278، باب المواقیت، حدیث 194؛ الأحکام السلطانیه، ص 105، این حدیث راعلامه امینی از چهل و یک مصدر حدیثی و فقهی نقل کرده است.

3- طبرانی، معجم کبیر؛ غزالی، احیاء العلوم، ج 1، ص 306؛ سبکی در شفاء السقام، ص 16؛ سمهودی در وفاءالوفاء، ج 4، ص 1340 نقل کرده‌اند و علامه امینی آن را از شانزده مصدر نقل کرده است، الغدیر، ج 5، ص 97 و 98.

4- سنن دار قطنی، ج 2، ص 278، باب المواقیت، حدیث 192؛ بیهقی در سنن، ج 5، ص 246 و سبکی در شفاءالسقام، ص 21؛ سمهودی در وفاء الوفاء، ج 4، ص 1340 نقل کرده‌اند و علامه امینی آن را از بیست و پنج مصدر نقل نموده است. الغدیر، ج 5، ص 98.

موتی فکأنّما زارنی فی حیاتی»؛ (1) هر کس پس از مرگم، مرا زیارت کند، بسان این است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده است.

اکنون لازم است زیارت پیامبر را از دیدگاه عترت طاهره علیه السلام بررسی کنیم.

1. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامة»؛ (2)
هر کس مرا در حال حیات و ممات زیارت کند، روز قیامت شفیع او خواهم بود.
2. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:
«أتمّوا برسول اللّٰه حجّکم إذا خرجتم إلی بیت اللّٰه، فإنّ ترکه جفاءٌ و بذلک امِرتُم و أتمّوا بالقبور الّتی ألزمکم اللّٰه زیارتها و حقّها»؛ (3)
زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت پیامبر به پایان برسانید، زیرا ترک زیارت او جفا به آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده‌اید، و با زیارت قبوری که به زیارت آنها ملزم شده‌اید حج خود را به پایان برسانید.
3. امام صادق علیه السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:
«من أتی مکّة حاجّاً و لم یزرنی إلی المدینة جفوته یوم القیامة، و من جاءنی زائراً وجبت له شفاعتی و من وجبت له شفاعتی وجبت له الجنّة»؛ (4)
هر کس برای انجام وظیفه حج، آهنگ مکه کند و مرا در مدینه زیارت نکند، در روز قیامت به او جفا می‌کنم. شاید مقصود این است که در حق او شفاعت نمی‌کنم و آن کس که به زیارت من می‌آید، شفاعت من بر او واجب شده و هر کس که شفاعت من بر او واجب شود وارد بهشت می‌شود.

1- سنن دار قطنی، ج 2، ص 278، باب المواقیت، ج 193؛ شفاء السقام، ص 23؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1344؛ علامه امینی در الغدیر، ج 5، ص 101، حدیث را از سیزده مصدر نقل کرده است.

2- قرب الاسناد، ص 31؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 139.

3- خصال، ج 2، ص 406؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 139.

4- علل الشرائع، ص 460؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 140.

4. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر فرمود:
«من أتانی زائراً کنت شفیعه یوم القیامة»؛ (1)
هر کس به زیارت من بیاید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود.
روایاتی که فریقین در این مورد نقل کرده‌اند، از حیث مضمون کاملاً با یکدیگر موافق و هم آهنگ است و محتوای همه روایات بر محور دو چیز می‌گردد.
الف) هر کس آهنگ مکه کند و پیامبر را زیارت نکند آن حضرت در حق او شفاعت نمی‌کند.
ب) هر کس به زیارت پیامبر برود، پیامبر در حق او شفاعت می‌کند.
به منظور رعایت اختصار، به هشت روایت فوق(4 روایت از اهل سنت و 4 روایت از کتب شیعه) اکتفا کرده و طالبین تفصیل بیشتر را به مآخذ یاد شده ارجاع می‌دهیم.

1- کامل الزیارات، ص 12؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 142.

فهرست منابع

1. قرآن کریم
2. سنن ابن ماجه
3. کنز العمال
4. دیوان صادق سرمد
5. وسائل الشیعه
6. الدرر السنیه
7. تفسیر بیضاوی
8. تفسیر جلالین
9. روح البیان
10. روح المعانی
11. صحیح مسلم
12. شفاء السقام
13. الغدیر
14. جریده «الجزیره»
15. الاحکام السلطانیه
16. احیاء علوم الدین
17. الشفاء
18. الجوهر المنظم فی زیارة القبر المکرم
19. الفقه علی المذاهب الاربعه
20. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول
21. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی
22. التوسل و الزیاره فی الشریعه الاسلامیه
23. سنن دار قطنی

3. زيارت و شبهات مخالفان

اشاره

سید محمد مرتضوی هشترودی

چکیده

فرقه وهابیت که به وسیله محمّد بن عبد الوهاب تأسیس یافت و تحت تأثیر عقاید ابن تیمیه قرار داشت، معتقد است که نماز خواندن و دعا کردن نزد قبور حرام بوده و شرک است. و نیز تبرک جستن به قبور و دست ساییدن و بوسیدن آنها حرام می‌باشد. وهابیت به هر مسلمانی که این اعمال را انجام دهد نسبت شرک و کفر می‌دهد و آنها را عبادت‌کنندگان قبرها می‌نامد و عمل آنها را همانند عمل مردم دوران جاهلیت با بت‌های خود می‌داند.

در این نوشتار با اشاره به برخی از عقاید وهابیت که ذکر شد، با استفاده از منابع حدیثی و کتب اهل سنت به اشکالات آنها پاسخ داده شده و سپس به اثبات عقاید شیعه پیرامون جواز زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار و قبور صالحین و اموات پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، وهابیت، ابن تیمیه، شرک.

زیارت در منظومه کلی تفکر اسلامی جایگاه خاصی دارد و یکی از برنامه‌های عبادی- سیاسی اسلام است که در مکتب تشیع جلوه زیباتر و پرشکوه‌تری دارد و از محتوای بسیار فنی‌ای برخوردار است. در این نوشتار هدف ما ابتدا اثبات مشروعیت زیارت می‌باشد و سپس به بیان برخی اشکالات و پاسخ آنها می‌پردازیم.

دلائل مشروعیت زیارت

اشاره

زیارت به طور مطلق و بنابر چهار دلیل، امری مشروع می‌باشد:

1. قرآن

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (1)

هر گاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده‌اند نزد تو(ای رسول خدا) بیایند و استغفار کنند و پیامبر برای آنان طلب آموزش کند، خداوند را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

زیارت نوعی حاضر شدن نزد زیارت شونده است، خواه برای استغفار باشد یا غیر آن. وقتی رجحان چنین عملی در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت شود، همین امر بعد از رحلت او نیز ثابت است، چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای حیات برزخی است و سلام زایر را می‌شنود و اعمال او نزد آن حضرت عرضه می‌شود.

2. روایات

درباره زیارت احادیث بسیاری به طریق مختلف و با مضمون‌های گوناگون وارد شده است. (2) حدیث اول: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعتش بر من لازم می‌گردد». (3) این حدیث دارای چهل منبع از کتاب‌های اهل سنت است. مؤلفان این کتاب‌ها از حافظان و ائمه حدیث می‌باشند، از جمله:

1. عبید بن محمد الوراق نیشابوری(م 255 ق)؛
2. ابن ابی الدنیا ابوبکر القریشی(م 281 ق)؛

1- سوره نساء، آیه 64.

2- الغدیر، ج 5، ص 125- 144.

3- بحارالأنوار، ج 97، ص 142، ح 18.

3. ابو احمد بن عدی(م 360 ق) در کتاب الکامل؛
4. دار قطنی(م 385 ق) در سنن خود؛
5. الماوردی(م 450 ق) در کتاب الأحکام السلطانیه؛
6. تقی الدین سبکی(م 756 ق) در کتاب شفاء السقام (1) این روایت را نقل کرده‌اند.
سبکی شواهدی بر صحت سند این روایت ذکر کرده و در ادامه گفته است: با این دلایل و بلکه با کم‌ترین دلایل، دروغ‌های کسی که مدعی است تمام احادیثی که در مورد زیارت آمده جعلی است، روشن می‌شود. آیا او از خدا و رسولش در سخنانی که قبل از او نه عالم و نه جاهل و نه اهل حدیث و اصلاً هیچ یک از مسلمین به زبان نیاورده‌اند شرم نمی‌کند.
حدیث دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس حج گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم مرا زیارت نموده است». (2) این حدیث دارای 25 منبع از کتاب‌های اهل سنت است که به بعضی آنها اشاره می‌شود: 1. شیبانی(م 303 ق)، 2. ابو یعلی(م 307 ق)، در مسند خود، 3. ابن عدی(م 365 ق) در کتاب الکامل، 4. بیهقی(م 458 ق) در کتاب السنن، 5. ابن عساکر(م 571 ق) در تاریخ خود آورده‌اند.
حدیث سوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس حج خانه خدا را انجام دهد و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است». (3) بسیاری از حافظان این حدیث را نقل کرده‌اند از جمله آنهاست: 1. سمهودی(م 911 ق) در کتاب وفاء الوفاء 2. قسطلانی(م 923 ق) در المواهب الدنیه.

3. عمل اصحاب

1. عمر بن خطاب بعد از فتوحات شام، وقتی وارد مدینه شد، اولین اقدامش این بود

1- ر. ک: الغدیر، ج 5، ص 165.

2- الغدیر، ج 5، ص 146؛ بحارالأنوار، ج 97، ص 139.

3- شفاء السقام، ص 27؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1342؛ بحارالأنوار، ج 97، ص 140؛ علل الشرائع، ص 460.

که به مسجد آمد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام و درود فرستاد. (1) 2. ابن عمر هر وقت از سفر بر می‌گشت، نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و می‌گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای ابوبکر! سلام بر تو ای پدر! (2) 3. ابن اعثم کوفی در کتاب الفتوح (3) می‌گوید: شبی امام حسین بن علی علیه السلام نزد قبر جد بزرگوارش آمد و فرمود: سلام بر تو ای رسول خدا، من حسین پسر فاطمه هستم، من از ریشه تو هستم و پسر دختر تو می‌باشم و من نوه تو از ناحیه کسی هستم که تو او را جانشین خود بر امت قرار دادی. پس علیه امت خود شاهد باش ای پیامبر خدا که آنها مرا رها و تباه کردند و حفظ ننمودند. این شکوه من به تو است تا این‌که تو را ملاقات نمایم.

و نیز شب دوم نزد قبر آمد و دو رکعت نماز خواند، وقتی از نمازش فارغ گردید، شروع به گفتن این دعا نمود: خدایا، این قبر پیامبر تو محمد است و من پسر دختر محمد هستم. برایم امری پیش آمده که تو خود آن را می‌دانی. من دوستدار معروف هستم و از منکر بیزارم و من از تو مسألت می‌نمایم ای ذی الجلال و الاکرام، به حق این قبر و کسی که در آن مدفون است، آنچه که انجام می‌دهم، رضای تو در آن باشد. (4) اینها نمونه‌ای از عمل اصحاب بود. مرحوم علامه امینی بیش از چهل قول از علما و فقهای اهل سنت در استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز آداب زیارت آن حضرت در کتاب خود آورده است.

4. عقل

عقل می‌گوید: تعظیم و بزرگداشت و احترام کسی که خداوند تبارک و تعالی او را بزرگ داشته، نیکو است و زیارت هم نوعی تعظیم است، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که

1- شفاء السقام، ص 44.

2- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1340.

3- الفتوح، ج 5، ص 181.

4- همان، ص 18.

نوعی احترام به آن حضرت است، از شعایر الهی جایز و نیکو است، چرا که این عمل بر خلاف میل دشمنان و مخالفان است.

علامه مولی مهدی نراقی در کتاب جامع السعادات پیرامون زیارت می‌فرماید:

بدان که نفوس قومی و قدسی، به‌خصوص نفوس پیغمبران و امامان علیهم السلام چون از بدن‌های شریف خود رحلت نمودند و از آنها مجرد گشتند، و به عالم تجرد بالا رفتند، و نهایت احاطه و استیلا بر این عالم حاصل کردند، امور این عالم در نزد ایشان ظاهر و منکشف می‌گردد، و ایشان را توانایی و امکان تأثیر و تصرف در مواد این جهان خواهد بود، پس هر که به جهت زیارت ایشان نزد قبورشان حاضر شود، بر او آگاهی و اطلاع دارند، به‌خصوص که مقابرشان محضر ارواح مقدس و والای ایشان و جایگاه حضور اشباح برزخی و نورانی ایشان است، پس در آن‌جا حاضرند. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «بَلْ أَحْيَآءٌ عِندَ رَبّهِمْ يُرْزَقُونَ». (1)

بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

و به آنچه خداوند از فضل و کرم خود به ایشان داده است شادمانند، پس به زایران قبور خود و حاضران آرامگاه خویش علم و اطلاع تام دارند، و سؤال و توسل و تضرع و درخواست شفاعت را می‌شنوند، و نسیم الطاف ایشان بر آنان می‌وزد، و تراوش‌های انوارشان بر آنان فرو می‌ریزد، و از خدا در روا شدن حاجات و برآمدن مطالب و آمرزش گناهان و برطرف شدن گرفتاری و اندوهشان شفاعت می‌کنند. این است راز این‌که زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام مستحب مؤکد است.

علاوه بر این‌که زیارت نمودن ایشان، پیوند با آنها و نیکی در حق ایشان و اجابت آنان است، و باعث سرور ایشان و تجدید عهد ولایت و احیای امر و بلند آوازه کردن کلمه ایشان و سرکوب ساختن دشمنانشان است و پوشیده نیست که هر یک از این امور ثواب بسیار دارد.

چگونه زیارت ایشان بهترین مایه تقرب و شریف‌ترین طاعات نباشد، و حال

1- سوره آل عمران، آیه 169.

آن‌که زیارت مؤمن به تنهایی از این جهت که مؤمن است اجر و ثواب بسیار دارد، و در شریعت پاک تأکید و ترغیب بسیار به آن شده است، از این رو زندگان به زیارت مردگان خود می‌روند. این طریقه چنان میان ایشان متعارف است که سنتی طبیعی به شمار می‌رود. و نیز جلالت مؤمن در نزد خدا و ثواب پیوند با او و احسان به او و شاد ساختن او ثابت شده است، و چون حال مؤمن از این جهت که مؤمن است چنین است، پس چه گمان می‌کنی درباره کسی که خدا او را از هر خطایی محفوظ داشته و از پلیدی و گناه مطهر ساخته و او را بر همه خلایق برگزیده و برانگیخته و حجت بر عالمیان قرار داده، و او را پیشوای مؤمنان و مقتدای مسلمانان پسندیده و به خاطر او آسمان‌ها و زمین‌ها را آفریده، و او را صراط و دیده‌بان و دلیل خود قرار داده، و دری که از آن در آیند، و نوری که از آن روشنی گیرند، و امین کشور خود، و ریسمانی که مایه پیوند میان او و بندگان اوست، از رسولان و پیامبران و امامان و اولیا. (1) بر همین اساس است که در روایات اهل بیت علیهم السلام با مضامین و تعابیر مختلف به زیارت و تعمیر قبور آن بزرگواران اهمیت زیادی داده شده است که بخشی از آن عام است و مربوط به همه ائمه می‌باشد و بعضی از آن خاص است. در این‌جا چند روایت را در این مورد ذکر می‌کنیم:

1. از روایات متعددی به دست می‌آید که اگر انسان بخواهد کاملاً به عهد و پیمانش نسبت به هر کدام از ائمه وفا کند، باید به زیارت قبورشان رود و بداند که هر کس با میل و رغبت به زیارتشان رود و مکتب آنان را تصدیق نماید مشمول شفاعتشان در روز قیامت قرار می‌گیرد «إنّ لكلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إنّ من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیارة قبورهم، فمن زارهم رغبة فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان أئمّتهم شفعائهم یوم القیامة». (2)

1- علم اخلاق اسلامی، ص 496 و 497.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 116، ح 1، به نقل از عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 260، ح 24؛ علل الشرائع، ص 459.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از اجدادش و آنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا اباالحسن، خدای تعالی قبر تو و قبر فرزندان تو را خانه‌ای از خانه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های آن قرار داده است، و دل‌های برگزیدگان بندگان خود را مایل به شما ساخته، تا خواری و اذیت در راه شما را تحمل کنند، و قبور شما را آباد سازند، و برای تقرب به خدا و دوستی رسول او به زیارت آنها آیند. یا علی شفاعت من مخصوص آنهاست و بر حوض من وارد می‌شوند، و ایشانند زایران من و همسایگان فردای من در بهشت. یا علی هر که قبرهای ایشان را تعمیر و نگهداری کند، مانند کسی است که سلیمان پسر داوود را بر ساختن بیت المقدس یاری کرده است، و هر که قبور شما را زیارت کند، معادل است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام(حج واجب)، و از گناهانش بیرون آید تا بازگشت از زیارت شما، مانند روزی که از مادر متولد شده، بشارت باد تو را، و بشارت ده دوستان خود را به نعمت‌هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به خاطر هیچ انسانی خطور نکرده است. اما اشرار مردم زیارت کنندگان قبور شما را سرزنش می‌کنند، چنان‌که زن بدکار را سرزنش می‌کنند، ایشان بدترین امت من هستند، که شفاعت من به آنها نمی‌رسد و بر حوض من وارد نمی‌شوند». (1)

در سال 1115 هجری قمری در شهر عیینه از توابع نجد شخصی چشم به جهان گشود به نام محمد بن عبد الوهاب که پدرش عبدالوهاب بن سلیمان، قاضی شهر عیینه و پیرو مذهب امام احمد بن حنبل بود، محمد بن عبد الوهاب در ضمن کسب علم و فراگیری علوم اسلامی، به شدت تحت تأثیر عقاید ابوعباس احمد بن عبد العلیم، معروف به ابن تیمیه قرار گرفت و در عقایدش برای خداوند جسم قایل شد و کارهای

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 120، ح 22؛ علم اخلاق اسلامی، ج 3، ص 498.

سنتی مسلمانان را بدعت و شرک دانست و تمام آنان را مشرک و کافر قلمداد کرد. وی به تدریج بعد از چند سال به کمک محمد بن مسعود که از قبیله عنیزه و حاکم شهر عیینه بود، عقاید خود را منتشر کرد و فرقه گمراه و ضاله وهابیت را به وجود آورد و در همان زمان فتوایی داد که تمامی اماکن متبرک باید تخریب شود و چندین بار دستور حمله به شهرهای کربلا و نجف و مدینة الرسول و غیره را صادر نمود و خون تمام مسلمینی که مخالف عقیده او بودند را حلال شمرد، و دستور قتل آنان را صادر کرد.

ما در این مقاله به قسمت‌هایی از عقاید وهابیت پیرامون زیارت قبور، تبرک جستن به قبور و استغاثه و طلب حوایج و زیارت قبور زنان و نماز و دعا در کنار قبر را از کتب اهل سنت پاسخ می‌دهیم و عقاید حقه شیعه پیرامون زیارت قبر نبی اکرم و ائمه اطهار و قبور صالحین و اموات را ثابت می‌نماییم.

تبرک جستن به قبور، استغاثه و طلب حوایج

اشاره

ابن تیمیه و پیروان او تبرک جستن به قبور و دست ساییدن و بوسیدن آنها را حرام می‌دانند و به مسلمانان نسبت شرک و کفر می‌دهند و آنها را «قبوریون» و «عبادت کنندگان قبرها» می‌نامند و عمل مسلمانان را همانند عمل مردم دوران جاهلیت با بت‌های خود می‌دانند.
در رد سخنان آنها می‌گوییم:
اول: اگر نصی هم بر جواز تبرک جستن و بوسیدن قبور وارد نشده باشد، باز این اعمال رجحان شرعی دارد، چون تعظیم شعایر است. انبیا دارای احترام و مقام هستند و این احترام با مرگ آنها از بین نمی‌رود، امام مالک بن انس به منصور می‌گوید:
«احترام به پیامبر در حالی که از دنیا رفته، مثل احترام در دوران حیاتش می‌باشد». (1)

1- کشف الارتیاب، ص 343.

پس احترام به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و صالحین با مرگ آنان از بین نمی‌رود و همواره واجب است.
دوم: اگر تعظیم شعایر «عبادت شمرده شود» و حرام باشد و نیز احترام به قبور و بوسیدن آنها عبادت و شرک دانسته شود، پس احترام و تعظیم کعبه و طواف کعبه هم باید شرک باشد و همچنین تعظیم حجر الاسود و بوسیدن آن، تعظیم خانه و مقام ابراهیم و تعظیم مساجد پیامبر و مشاعر و تعظیم و احترام به پدر و مادر و به سجود ملائکه در برابر حضرت آدم و سجده برادران و پدر در برابر حضرت یوسف، احترام سربازان به فرماندهان خود، تعظیم و احترام اصحاب نبی برای پیامبر صلی الله علیه و آله، تعظیم خلفا برای پیامبران و حتی تعظیم وهابیت برای رؤسای خود، همگی باید شرک باشد! در حالی که هیچ یک از وهابیان به این امر اذعان ندارند.
سوم: عمل صحابه و صالحان در این زمینه خلاف نظر وهابیت است، آنان قبرها را مس می‌کردند و می‌بوسیدند و خود را به آن می‌ساییدند و به خاکش تبرک می‌جستند.
نمونه‌هایی چند در این زمینه نقل می‌شود:

1. تبرک جستن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به خاک قبر پدرش

حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله دفن گردید، فاطمه علیها السلام کنار قبر وی ایستاد و مقداری از خاک قبر را برداشت و بر صورت نهاد و اشک ریخت و این دو شعر را سرود: «چه می‌شود آن کس را که خاک قبر احمد را ببوید و تا زنده است از بوییدن مُشک‌های گران قیمت بی‌نیاز شود! مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر به روزهای روشن فرود می‌آمد، با شب تار تبدیل می‌گشت». (1)

1- ما ذا علی من شم تربة احمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیاً

2. تبرک جستن ابو ایوب انصاری به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

داوود بن ابی صالح می‌گوید: مروان بن حکم روزی وارد مسجد شد، دید مردی صورت خود را بر قبر پیامبر نهاده است، مروان گردن او را گرفت و به او گفت:

می‌دانی چه می‌کنی؟ آن مرد رو به مروان کرد(و معلوم شد که ابو ایوب انصاری است) و گفت: آری، من به سوی سنگ نیامده‌ام، من نزد پیامبر آمده‌ام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «زمانی که دین را اهل دین رهبری کنند برای دین گریه نکنید، آن‌گاه گریه کنید که رهبری دین را نا اهل بر عهده گیرد». (1) این حدیث را حاکم نیشابوری در مستدرک و ذهبی صحیح دانستند.

سبکی می‌گوید: اگر اسناد چنین حدیثی درست باشد دیگر لمس کردن دیوار قبر مکروه نیست. (2) از جمله چیزهایی که جای شگفتی دارد این است که حتی بنی امیه با آن‌همه الحاد و کفر باطنی و با آن همه دشمنی با اهل بیت، به شرافت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشتند.

وقتی که امام حسن مجتبی علیه السلام به شهادت رسید، به سفارش آن امام، برای تجدید عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواستند جسم شریف وی را نزد جدش ببرند، بنی امیه به خیال این‌که می‌خواهند امام را کنار قبر جدش دفن کنند، لباس سلاح بر تن کردند و با شدیدترین وجه مانع شدند و دلیل آنها این بود که آیا عثمان در دورترین جای بقیع دفن شود و امام حسن علیه السلام در کنار جد خودش؟! اگر برای قبر احترام و شرف و برکت نبود، برای چه بنی هاشم می‌خواستند جنازه امام حسن علیه السلام را بنا به وصیت حضرت، برای تجدید عهد با جدش نزد قبر پیامبر ببرند؟ آیا این جز توسل و تبرک جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله چیز دیگری هست؟ و شگفت این‌جاست که اصلاً چرا بنی امیه از این‌که عثمان در

1- مستدرک حاکم نیشابوری، ج 4، ص 560، ح 8571؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1406؛ مسند احمد، ج 5.

2- الغدیر، ج 5، ص 149. علامه امینی می‌گوید: این حدیث مطلبی را برای ما روشن می‌کند و آن این‌که منع از توسل به قبور پاکان، از بدعت‌های

اموی‌ها می‌باشد.

دورترین جای بقیع دفن شده اظهار تأسف می‌کردند و از دفن امام حسن علیه السلام ممانعت می‌کردند؟ آیا این جز شرف و فضل قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عموم مسلمین، چیز دیگری بود؟». (1) این سخن را شبراملی از شیخ ابی ضیاء(م 1087) در حاشیه المواهب اللدنیة نقل نمود و کنز المطالب(اثر حمزاوی) نیز در ج 33، ص 219 حکایت آن است. (2)

نظر تعدادی از فقهای اهل سنت

1. فتوای ابن حنبل: ابن جماعه شافعی می‌گوید: عبد اللَّه بن احمد حنبل این روایت را از پدرش نقل کرده است: «از پدرم در باره مردی که منبر و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای ثواب مس می‌کرد و تبرک می‌جست و می‌بوسید پرسیدم، در جواب گفت: اشکالی ندارد». (3) 2. فتوای رملی شافعی: اگر به قبر نبی یا ولی یا عالمی دست بکشد و یا ببوسد، آن هم به قصد تبرک اشکال ندارد. (4) 3. شیخ عدوی حمزاوی مالکی می‌گوید: شکی نیست که بوسیدن قبر شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، غیر از تبرک جستن به خدا چیز دیگری نیست و این از حدیث جواز، سزاوارتر از بوسیدن قبر اولیا آن هم به قصد تبرک است. (5)

اشاره

زیارت سایر قبور، مثل زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و درباره مشروعیت آن اختلاف نظری نیست و خود پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت قبور می‌شتافت و مسلمین را بر این عمل توصیه و ترغیب می‌کرد. آن حضرت به زیارت قبر مادرش آمنه بنت وهب می‌رفت و

1- کشف الارتیاب، ص 344، به نقل از استاد نجم الدین طبسی در مجموعه آشنایی جوانان با معارف اسلامی
2- ، ج 2، ص 24.

3- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1414.

4- این سخن را شبراملی از شیخ ابی ضیاء(م 1087) در حاشیه المواهب اللدنیة نقل نمود و کنز المطالب(اثر حمزاوی) نیز در ج 33، ص 219 حکایت آن است.

5- کنز المطالب، ص 20؛ الغدیر، ج 5، ص 196؛ مشارق الأنوار، ج 1، ص 140.

سیره مسلمانان نیز چنین بود که به زیارت قبور مسلمین می‌شتافتند. در این‌جا برای اثبات موضوع به بعضی از روایاتی که پیرامون زیارت قبور وارد شده است می‌پردازیم.
1. سلیمان بریده از پدرش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «شما را از زیارت قبور نهی کردم، آگاه باشید که این به بعد قبور را زیارت کنید (1) که آخرت را به یاد می‌آورد». (2) شیخ منصور می‌گوید: عموم علما از امر پیامبر صلی الله علیه و آله «قبور را زیارت کنید»؛ استحباب را فهمیده‌اند و ابن حزم معتقد است: «امر در این روایت دال بر وجوب است که آدمی در طول عمرش یک بار هم که شده، باید به زیارت نبی صلی الله علیه و آله برود». (3) تذکر: علت این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به طور موقت از زیارت قبور نهی کرده بود و بعد از آن اجازه فرمود: احتمال دارد نهی آن حضرت به جهت کفر اموات گذشتگان باشد که اکثراً بت‌پرست بوده‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله با نهی خود می‌خواست به مسلمانان بیاموزد که علاقه و پیوندی میان جهان اسلام و جهان شرک نیست. (4) 2. ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «آگاه باشید! از این پس قبور را زیارت کنید، چرا که شما را به دنیا بی اعتنا می‌سازد و آخرت را به یاد می‌آورد». (5) 3. امام علی علیه السلام در مورد زیارت قبور اموات می‌فرماید: «زوروا موتاکم؛ فإنّهم یفرحون بزیارتکم، و لیطلب الرجل حاجته عند قبر أبیه و أمه بعد ما یدعو لهما». (6) اموات خود را زیارت کنید، زیرا آنان از دیدار شما خوشحال می‌شوند، انسان باید بعد از آن‌که بر سر قبر پدر و مادر خود برایشان دعا کرد، حاجت خود را از خدا بخواهد.

1- سنن نسائی، ج 4، ص 89؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج 1، ص 630، ح 1385.

2- سنن ابن ماجه قزوینی، ص 501، ح 1569- 1572.

3- التاج الجامع للاصول، ج 1، ص 381؛ جامع الاصول، ج 11، ص 438.

4- آیین وهابیت، ص 107 به نقل از استاد نجم الدین طبسی، ج 3، زیارت قبور.

5- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 501، ح 1571.

6- الخصال، ص 618، ح 10.

4. در روایتی داوود رقی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: انسان سر قبر پدر خود و خویشاوندان و غریبه می‌رود. آیا این کار برای او سودی دارد؟ فرمود: آری، همان‌طور که اگر به یکی از شما هدیه‌ای داده شود خوشحال می‌گردد، مرده نیز از کار خیر شما خوشحال می‌شود. (1) 5. مولا علی علیه السلام هنگام عبور از گورستانی فرمود: سلام بر شما ای خفتگان در گور، شما رفتید و ما ماندیم و اگر خدا بخواهد به شما خواهیم پیوست. در خانه‌های شما دیگران می‌نشینند و همسرانتان ازدواج کرده‌اند و اموالتان تقسیم شده است. این خبری است که ما داریم. کاش می‌دانستم شما چه خبر دارید؟ آن‌گاه فرمود: بدانید که اگر آنها زبان داشتند، می‌گفتند: ما تقوی را بهترین ره توشه یافتیم». (2)

آیا برای زنان جایز است به زیارت قبور بروند؟

در مورد حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است: ایشان همیشه قبر حمزه سید الشهدا و سایر شهدای احد را هر جمعه یا هفته‌ای دو روز زیارت می‌کرد. این عمل در زمان حیات مبارک پیامبر صورت می‌گرفت و حتی بعد از رحلت پدر بزرگوارشان تا زمانی که از دنیا رفت ادامه می‌داد و هیچ‌گاه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و حتی از هیچ یک از صحابه، این عمل نهی نشده است.
در حالی که وی دست پرورده پدر گرامی خود بود و علم آن حضرت از دیگران نیز بیشتر بود. پس اگر این عمل اشکالی داشت، خود جناب فاطمه علیها السلام آن را انجام نمی‌داد و نیازی نبود که از طرف پدر گرامی و همسر گران‌قدرش نهی شود.
در این زمینه روایات بسیاری از علمای اهل سنت نقل شده است که به ذکر دو حدیث اکتفا می‌شود:
1. حضرت فاطمه علیها السلام هر روز جمعه قبر عموی گرامی‌اش حمزه علیه السلام را زیارت

1- بحارالأنوار.

2- همان، ج 75، ص 71، ح 35.

می‌کرد و در آن‌جا نماز بجای می‌آورد و گریه می‌نمود. (1) 2. حضرت فاطمه علیها السلام قبور شهدای احد را هر روز یا هر سه روز یک‌بار زیارت می‌کرد و در آن‌جا نماز بجای می‌آورد و گریه و دعا می‌نمود. (2)

وهابیت نماز و دعا نزد قبور را منع کرده و آن اعمال را شرک و کفر و حرام دانسته است. ابن تیمیه می‌گوید: «صحابه هر زمان که نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند بر او سلام می‌فرستادند و وقتی قصد دعا داشتند و رو به روی قبر شریف نبوی بودند، خداوند را نمی‌خواندند، بلکه از قبر برگشته و روی خود را به طرف قبله می‌کردند و سپس خداوند را می‌خواندند. چنان که در سایر بقعه‌ها، همین عمل را انجام می‌دادند. به همین دلیل هیچ کس از پیشوایان گذشته نگفته است که نماز نزد قبور و مشاهد اولیا مستحب است و نیز نگفته اند که نماز و دعا در آن‌جا افضل از جاهای دیگر است، بلکه همگی اتفاق نظر دارند که نماز در مساجد و خانه‌ها افضل از برگزاری آنها در نزد قبور اولیا و صالحان است». (3) در پاسخ به آنان باید گفت:

اولاً: عموم روایاتی که می‌گوید نماز و دعا در هر مکانی جایز است، دلالت می‌کند بر این‌که نماز و دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و قبور انبیا و صالحان نیز جایز است، لذا حکم به جواز به جهت آن عمومات و اطلاقات است.

ثانیاً: آنچه که از دین فهمیده می‌شود این است که نماز و دعا و حتی مطلق عبادات در هر مکانی که شرف و احترامش از شرع رسیده باشد، رجحان دارد. از طرفی شرف

1- مصنف عبدالرزاق، ج 3، ص 572 و 574؛ سنن الکبری، ج 4، ص 131.

2- سنن الکبری، ج 4، ص 131؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج 1، ص 533.

3- رساله زیارة القبور، ص 159 به نقل از ترجمه کتاب: روافد الایمان إلی عقائد الإسلام، استاد نجم الدین طبسی، ج 4، ص 33.

هر مکانی به کسی است که در آن مکان قرار دارد و شرف و احترام قبر به آن جسد مبارک و پاکی است که در آن جای گرفته است. آیا از نظر شرع مقدس قبر پیامبر صلی اللهِ علیه و آله شرفی ندارد؟!
ثالثاً: آیه 64 سوره نساء «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ ...» دلالت می‌کند که دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رجحان دارد، چون کلمه «جاءُوک» هم شامل حیات حضرت می‌شود و هم شامل ممات آن حضرت و حرمت احترام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت او، بسان احترام او در حال حیات است.
امام مالک در برخورد با منصور به این نکته تصریح کرده است که تفصیل قضیه بدین قرار است:
قاضی عیاض، سخنان بین منصور دوانیقی و مالک بن انس را این گونه نقل می‌کند:
«وقتی منصور وارد حرم پیامبر صلی الله علیه و آله شد، بلند، بلند سخن می‌گفت، مالک بن انس(فقیه مدینه) رو به وی کرد و گفت: ای امیر المؤمنین! صدایت را در مسجد بلند نکن، خداوند گروهی را ادب نمود و به آنان دستور داد که «لَاتَرْفَعُواْ أَصْوَ تَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ» (1) و نیز گروهی را تشویق کرد که هنگام سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله صدای خود را پایین می‌آوردند: «إِنَّ الَّذِینَ یَغُضُّونَ أَصْوَ تَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُوْلئِکَ الَّذِینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَی». (2) خداوند از کسانی که از پشت درب، فریاد می‌کشیدند و می‌گفتند:
«ای پیامبر! هر چه زودتر از اتاق بیرون بیا» نکوهش کرده، و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ یُنَادُونَکَ مِن وَرَآءِ الْحُجُرَ تِ أَکْثَرُهُمْ لَایَعْقِلُونَ». (3) بعد مالک گفت: احترام پیامبر پس از درگذشت او همانند احترام او در حال حیات است. وقتی سخن مالک به این‌جا رسید، منصور دوانیقی به خود آمد و به مالک گفت:
به هنگام دعا رو به قبله بایستیم یا رو به حجره رسول خدا؟ مالک در جواب گفت: چرا

1- سوره حجرات، آیه 2.

2- همان، آیه 3.

3- همان، آیه 4.

از رسول خدا رو بر می‌گردانی در حالی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم تا روز قیامت است. رو به حجره رسول خدا کن، خدا شفاعت او را می‌پذیرد، چرا که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» (1). (2) شمس الدین جزری می‌گوید: اگر دعا نزد قبر نبی صلی الله علیه و آله مستجاب نشود، پس در کدامین مکان به استجابت خواهد رسید؟! (3) رابعاً: سیره حضرت فاطمه علیها السلام بر خلاف رأی وهابیت است، او قبر عمویش حمزه را در هر روز جمعه زیارت می‌کرد و در کنار آن نماز می‌گزارد و گریه می‌کرد. (4)

حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت، در باره این روایت می‌گوید:

راویان این حدیث تا آخر، افرادی ثقه‌اند و من در باره احادیثی که تشویق به زیارت قبور می‌نمود، عمیقاً جست و جو کردم تا مشارکتی در امر ترغیب به زیارت قبور داشته باشم(و ثوابی برایم منظور گردد). انسان فرومایه باید بداند که زیارت قبور، سنتی حتمی است و باید توجه کرد که حضرت حمزه سید الشهدا علیه السلام در سال سوم هجری شهید شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال یازدهم هجری از دنیا رفت و فاطمه زهرا علیها السلام در این فاصله(مدت هفت سال) هر روز جمعه مدینه را ترک می‌کرد و به احد می‌رفت و قبر حضرت حمزه علیه السلام را زیارت می‌کرد.

این عمل در منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و او عمل فاطمه زهرا علیها السلام را نهی نفرمود.

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از پدرش(بنا بر قول اهل سنت) (5) شش ماه زندگی نمود و در این

1- سوره نساء، آیه 64.

2- الشفاء، ج 2، ص 1 و ج 2، ص 206؛ کشف الارتیاب به نقل از سمهودی. این ماجرا در کتب دیگر هم آمده است: الصارم المنکی، ص 244 ابن حجر در تحفة الزوار آن مطلب را صحیح دانسته و ناقلین آن را به وثاقت تأیید کرده است.

3- رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، ج 4، ص 36؛ الغدیر، ج 5، ص 186.

4- مصنف عبدالرزاق، ج 3، ص 574؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج 1، ص

377؛ سنن الکبری، ج 4، ص 131؛ سنن بیهقی، ج 4، ص 788.

5- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 127.

مدت کوتاه نیز به زیارت قبر حضرت حمزه علیه السلام می‌رفت و عملش در دید صحابه و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود و آنان او را از این عمل نهی نکرده‌اند. در روایتی آمده است: حضرت صدیقه طاهره علیها السلام قبور شهدای احد را هر دو روز و سه روز زیارت می‌کرد و در آن‌جا نماز می‌گزارد و دعا و گریه می‌کرد. (1) آیا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام(که پیامبر فرمود: خداوند با خشنودی او، خشنود می‌شود و به غضب او غضبناک می‌گردد) (2) مخفی بود؟ آیا زیارت قبوری که انجام می‌داد، مخالف با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؟
آیا این امر واقعاً بر ابن تیمیه مخفی ماند تا جرأت کند و مدعی شود: احدی از پیشوایان گذشته نگفته‌اند: نماز نزد قبور و مشاهد مستحب است؟!. (3) پیرامون زیارت قبور و مشاهد شریف و آداب آن، احادیث و روایات فراوانی در کتب شیعه و سنی وجود دارد که ما به طور خلاصه به قسمتی از این روایات اشاره کردیم و اگر کسی اهل دقت و نظر باشد درس یابد که زیارت قبور و مشاهد مشرفه، آثار و برکات فراوانی دارد و در زندگی دنیوی و اخروی ما تأثیر می‌گذارد. لذا برای نشان دادن اهمیت این زیارات در بعضی از روایات وارد شده است که مثلاً زیارت قبر امام حسین علیه السلام ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را دارد (4) و یا امر می‌فرماید که حداقل سالی یک بار به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید. (5) در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که می‌فرماید: برتری و فضیلت قبر امیر مؤمنان بر زیارت قبر حسین علیه السلام همچون برتری و فضیلت خود امیر المؤمنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام است. (6)

1- وفاء الوفاء، ج 2، ص 932؛ کشف الارتیاب، ص 377. در اوایل قرن دوم روی قبر حضرت حمزه علیه السلام مسجدی بنا کردند و این مسجد همچنان آباد بود تا این‌که وهابیان آن را ویران ساختند. وفاء الوفاء، ج 3، ص 922.

2- فتح الباری، ج 7، ص 131.

3- زیارة القبور، ص 159.

4- بحارالأنوار، ج 97، ص 257، ح 1.

5- همان، ج 98، ص 13، ح 5.

6- همان، ج 97، ص 262، ح 14.

از این قبیل روایات پیرامون زیارت قبور ائمه معصومین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و اولیا و صالحین فراوان است.
حتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس که نتواند قبرهای ما را زیارت کند، قبور برادران صالح ما را زیارت نماید. (1) علاقه‌مندان برای اطلاع بیشتر و تحقیقات گسترده‌تر می‌توانند به کتب ادعیه و زیارات و نیز کتب حدیثی مانند بحار الأنوار(ابواب زیارات و قبور)، کامل الزیارات، وسائل الشیعه همچنین کتاب گران سنگ الغدیر علامه امینی و ... و کتب برادران اهل سنت به خصوص صحاح سته و مستدرک حاکم نیشابوری و وفاء الوفاء و ... مراجعه نمایند.

1- همان، ج 71، ص 354، ح 29.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. الاخلاق، علامه شبر، ترجمه محمد رضا جهاران، هجرت، قم.
3. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسة التاریخ العربی و احیاء التراث العربی، بیروت.
4. رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت، ترجمه کتاب روافد الایمان إلی عقائد الاسلام، استاد نجم الدین طبسی، بخش فرهنگی دفتر آیت اللّٰه فاضل لنکرانی، قم.
5. زیارات، سید محمد حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
6. سنن، ابن ماجه قزوینی، دار الکتاب المعمری قاهره و دار الکتاب البنانیه، بیروت.
7. سنن، أبی داوود، المکتبه العصریه، بیروت.
8. شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید، دار احیاء التراث العربی.
9. صحیح، مسلم، دار ابن حزم، بیروت.
10. صحیح، بخاری، احیاء التراث العربی بیروت.
11. علم اخلاق اسلامی(ترجمه کتاب جامع السعادات)، علامه مولی مهدی نراقی، ترجمه دکتر سید جلال الدین، چاپ دوم 1370، حکمت، تهران.
12. الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، علامه عبد الحسین امینی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
13. کشف الارتیاب، سید محسن امین، چاپ پنجم.
14. مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، حاج میرزا حسین نوری، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
15. المسند، احمد بن محمد حنبل، دار الجبل، بیروت.
16. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

ص: 528

17. مفاتیح نوین، آیت اللّٰه مکارم شیرازی، مدرسه امام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم.
18. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دار الحدیث، قم.

4. زیارت مشاهد مشرفه و ناقدان

اشارة

سارا رضایی

چکیده

در این نوشتار، نخست به فلسفه و اهداف زیارت اشاره شده و آن گاه دیدگاه وهابیان درباره زیارت و نیز برخی فتاوای آنها در این زمینه، مورد بررسی قرار گرفته است.
سپس با استناد به آیات و روایات اهل سنت و سیره صحابه، به اثبات جواز و استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده است. زیرا وهابیان به طور عموم، زیارت قبور را حرام دانسته و فرد زایر را مشرک می‌دانند. آنها همچنین احداث بنا و ساختن گنبد و ضریح را بر روی قبور اهل بیت علیهم السلام جایز ندانسته و بر حرمت آنها پافشاری می‌کنند. آنان می‌گویند: خواندن دعا و نماز نزد قبور اهل بیت علیهم السلام شرک است. نیز اشکال و ایراد دیگری که مورد توجه قرار داده و روی آن اصرار کرده‌اند، موضوع تبرک جستن و استشفا به آثار اولیای خداست که مظهر شرک و نشانه عمل مشرکین پنداشته‌اند. نگارنده پس از بررسی و نقد دیدگاه وهابیان، در بخش پایانی مقاله چشم‌اندازی دارد به تأثیرات زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام و سرانجام با چند توصیه به زایران و مسئولان زیارتگاه‌ها، نوشته خود را خاتمه می‌دهد.
کلیدواژه‌ها: زیارت، وهابیان، قبور اهل بیت، شرک، مشروعیت زیارت.

مقدمه

در مکتب جامع و همه جانبه اسلام، برنامه‌های مختلفی منظور گشته است که از هر جهت سازنده و آموزنده است. از معارف عقلی قرآن و اسلام که بگذریم- که این خود، زیربنای برنامه‌های اسلامی است- در برنامه‌های عملی و اخلاقی، همه جا نظر

این بوده است که انسان راه اصلی زندگی را پیدا کند و سعادت دنیا و آخرت خود و همنوعانش را به دست آورد.
آری! مکتب اسلام مکتبی است که دنیا را پلی برای آخرت قرار داده است و در این جهت کوشیده است که انسان‌ها دنیا را با عزّت تمام گذرانده و به مقصد اصلی برسند.
از این رو می‌طلبد که برنامه‌های اسلام جامع باشد و انسان را در این گذرگاه خطرناک(مرز دنیا و آخرت)، کاملاً حافظ باشد و او را از انحراف دور بدارد و می‌بینیم که چنین است.
زیارت، که این نوشتار بر گرد این محور می‌چرخد، خود یکی از برنامه‌های عبادی- سیاسی اسلام است که از طرفی انسان را به سوی آخرت می‌خواند و او را آماده سفر آخرت می‌کند و از سویی او را به مقام امامت و رهبری اولیای الهی آشنا می‌سازد و اطاعت پیشوا را در همه ابعاد زندگی به زایرین می‌آموزد.
با توجه به این نکات درمی‌یابیم که یکی از عمده مسائل مهم جامعه مسلمین که شرف و کمال آنها به آن بستگی دارد، «زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام» است.
چنانچه در حدیث اربعمأة آمده است:
«أتِمّوا بِرسولِ اللّٰه صلی الله علیه و آله حجَّكُم إذا خَرَجتُم إلی بیت اللّٰه الحرام، فإنّ تَرکَهُ جفاءٌ وبذلک أمِرتُم، وأتِمّوا بِالقُبورِ الّتی ألزَمَکُمُ اللّٰه حقَّها وزیارَتَها واطلُبوا الرّزقَ عندها»؛ (1)
زمانی که به سمت بیت اللّٰه الحرام حرکت کردید، پس از انجام مناسک، حج را با زیارت رسول اللّٰه تمام کنید، زیرا ترک زیارت او، جفای به آن حضرت است. نیز حجّ خود را به قبوری که خداوند عالم، حق آنها را بر عهده شما نهاده و زیارت آنهارا بر شما الزام کرده که همان امامان معصوم علیهم السلام هستند، خصوصاً ائمه طاهرین بقیع علیهم السلام به پایان برسانید و از نزد آنها رزق و روزی دنیا و آخرت طلب کنید.
گرچه تقرّب به این باب، کار آسانی نیست، امّا با توجّه به ضرورت و اهمّیت بحث

1- وسائل الشیعة، ج 14، ص 325؛ الخصال، ص 616.

و شناخت هر چه بهتر و بیشتر این حقّ عظیم، مرا بر آن داشت که با حول و قوّه الهی بحث زیارت را که طریق عام الهی و راه رسای وصول و نیل به ساحت ربوبی است، در حدّ خود، آغاز کنم.

واژه زیارت

زیارت، آن چنان که در کتاب‌های لغت آمده، به معنای دیدار کردن و قصد چیزی نمودن است. راغب می‌گوید: «زور: الزورا علی الصدر وزدت فلاناً تلقیته بزوری أو قصدت زوره نحو جهته». (1) یعنی زور(ریشه کلمه زیارت) به بالای سینه(سر) می‌گویند، و فلانی را زیارت کردم یعنی با بالای سینه‌ام او را ملاقات کردم. یا این که قصد نمودم بالای سینه او را ببینم(چرا که انسان همیشه سر مخاطب را زیارت می‌کند و به پای او کاری ندارد). همچنین در فرهنگ فارسی، زیارت این‌طور معنا شده است:

1. دیدار کردن(شخص بزرگ و محترم)، بازدید کردن؛ 2. به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن؛ 3. دعائی که به عنوان تشرف باطنی برای امام‌ها، امامزاده‌ها و اولیا خوانند. (2) امّا در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسّی، قلب هم گرایش جدّی پیدا کرده و نسبت به مزور و زیارت شونده هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (3)

یکی از الطاف بیکران و موهبت‌های بزرگ الهی که شامل ما مسلمانان به خصوص ما شیعیان شده است، این است که خداوند ما را به سوی آشنایی با اهل بیت و مودّت آنها و ارتباط با ایشان، سوق داده است. در باب مودّت همین بس که خداوند ما را به دوستی و محبّت به ایشان دعوت نموده و مودّت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را اجر رسالت آن

1- المفردات، ص 217.

2- فرهنگ فارسی معین، ص 1767.

3- مجمع البحرین، ج 1، ربع 2، ص 305، ماده «زور».

حضرت، قرار داده است. (1) از این رو زیارت، قدردانی از زحمات آنهاست. انسان با زیارت اولیای الهی، اعلام وفاداری می‌کند و نیز محبّت و دوستی خود را به ایشان ابراز می‌دارد. در حقیقت زایر با حضور هر چه بهترش می‌گوید راه مستقیمی که خدا به من مرحمت کرده، از طریق رنج‌ها و زحمات شماست.

آری! با سفارش مؤکّد خداوند در قرآن در می‌یابیم که مودّت اهل بیت علیهم السلام، وفاداری به ایشان است و وفاداری به اهل بیت علیهم السلام وفاداری به حق است. (2) اگر این‌همه تشویش و تأکید در باب وفاداری به حق اهل بیت علیهم السلام نبود، باز هم وظیفه داشتیم که در خانه آنان رویم و پروانه‌وار گرد این شمع‌ها بگردیم و از فروغ این مشعل‌های خورشیدسان هدایت، بهره‌مند شویم.

زیارت، قرار گرفتن در این مدار، و چرخیدن بر گرد این محور، و آموختن از این مکتب و سیراب شدن از این زمزم است. (3) از سویی سوق دادن امّت به سوی پیشوایان حق و فرهنگ تشیع و خطّ اهل بیت علیهم السلام یکی از تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی امامان است؛ تا با یادشان و احیای نامشان و ... هدفشان روشن‌تر گردد. این، حقّ هر شهید بر جامعه است و شهدای آل محمّد به ویژه ائمه شهید، بیش از دیگران بر گردن امّت پیامبر صلی الله علیه و آله حق دارند؛ چون با مرگ سرخ خویش دین را زنده نگاه داشتند. پس زیارت اهل بیت علیهم السلام حق بزرگی است که بر گردن امّت پیامبر صلی الله علیه و آله نهاده شده است و چه خوب است که روز به روز سعی بر بهتر شناختن این حقّ گران و بهتر ادا کردن آن باشیم.

1- سوره شوری، آیه 23. «قُل لَّآ أَسَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَ مَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ».

2- غرر الحکم، ج 1، ص 263، ش 6169. «علیکم بحبّ آل بیتکم فإنّه حق اللّه علیکم و الموجبُ علی اللّهحقّکم، ألا ترون إلی قول اللّه تعالی: «قل لا أسئلکم ...»».

3- زیارت، ص 120.

حال چند نمونه از سیره عملی اسوه‌های خود را یاد می‌کنیم تا معلوم گردد که چگونه این پیشوایان دینی ما، این حق را ادا می‌کردند و آن فرهنگ زیارت را زنده نگاه می‌داشتند:
1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر مادرش آمنه، می‌رفت و برای او به شدّت متأثر گشته و اشک می‌ریخت. (1) 2. خَبّاب بن ارت- که از سابقین در اسلام است- با امام علی علیه السلام در کوفه بود. وی به جهت مرض سختی که داشت با امام علی علیه السلام در جنگ صفّین شرکت نکرد. وقتی امام از صفّین برگشت و خبر وفات او را شنید، بر سر قبر او حاضر شد و او را زیارت نمود. (2)

زیارت، اهداف فراوان و ارزشمندی دارد که در این مجال، با بهره‌گیری از مآثر ارزشمند قرآن و عترت، به موارد عمده آن اشاره خواهیم داشت.
قبل از هر چیز، باید دانست همان طور که در ناحیه مبدأ و فاعلی تنها یک مبدأ اولی، حقیقی و مستقل وجود دارد و هرگز برای انسان و جهان بیش از یک مبدأ که همان مبدأ المبادی است، وجود ندارد و دیگر فاعل‌ها و مبادی به اذن و اراده او فاعلند و در تحت تسخیر او فاعلیت دارند، در ناحیه غایت و هدف نیز تنها یک هدف و مقصد اصیل، برای همه هستی وجود دارد و همه به سوی او در حرکتند و غایة الغایات تنها همان حقیقت است و دیگر غایات به اذن و اراده او مقصد و هدف می‌باشند و این، همان توحید در مبدأ و غایت است. (3) آیاتی در قرآن وجود دارد که شهادت بر این دو نحوه توحید دارد.
«إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَيْهِ رَ جِعُونَ»؛ (4) ما از آنِ خدا هستیم و به سوی او برمی‌گردیم. بنابراین،

1- المستدرک، حاکم، ج 1، ص 375.

2- اسد الغابة، ج 2، ص 143.

3- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 74.

4- سوره بقره، آیه 156.

یک مبدأ برای جهان و یک مقصد برای عالم است که آن مبدأ همان مقصد و آن مقصد همان مبدأ است.
چنانچه در قرآن این گونه یاد می‌شود: «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ»؛ (1)
اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست. آری تنها یک مبدأ و یک مقصد و در نهایت، یک هدف حقیقی برای انسان و جهان وجود دارد و آن هم ذات اقدس احدیّت است. پس همه فعالیت‌ها و تلاش‌ها و اعم کارهای انسانی در مسیر الهی و مصیر الی اللّه قابل توجه است. «أَلَا إِلَی اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ»؛ (2) آگاه باش که همه کارها به خدا باز می‌گردد. مگر نه این است که خداوند در جای دیگر می‌فرماید:
«یأَیُّهَا الْإِنسنُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدْحًا فَمُلقِیهِ»؛ (3)
پس همه هدف‌ها با تلاش‌ها و فعالیت‌های انسانی در مسیر الهی به نهایت ختم می‌شود: «وأنّ إلی ربِّکَ المُنتَهی». (4) حال که مبدأ و مقصد انسان و جهان آفرینش، چیزی نیست جز هدف حقیقی که همان ذات اقدس الهی است، ببینیم زیارت، چه اهدافی را به دنبال دارد. زایر در زیارت در پی به دست آوردن چه چیزی است؟ هدف غایی زایر در زیارت چیست؟
با توجه به مطالبی که اشاره شد و به خصوص با استناد به آیات قرآن می‌توان به خوبی دریافت که هدف غایی زایر در زیارت نیز خدا و تقرّب به ساحت مقدسش است و «هدف زیارت» زنده شدن فضایل و خصلت‌های والای آن مزور و زیارت شونده در زایر و دوری جستن و برائت از بدی و بدی‌هاست. بنابراین تمامی فعالیت‌های عبادی که به انسان، جهت الهی می‌دهد، خود زیارت اللّه است. (5) از این روست که در زیارتنامه‌ها ملاک و مبنای حقیقی معرفتی را متذکر شده و همواره زایر را به مزور حقیقی متوجه می‌کند. در این‌جا به دو نمونه اشاره می‌شود:

1- سوره حدید، آیه 3.

2- سوره شوری، آیه 53.

3- سوره انشقاق، آیه 6.

4- سوره نجم، آیه 42.

5- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 76.

1. در زیارت امیر المؤمنین علیه السلام عرض می‌کنیم: «اللهمّ عبدکَ وزائرُک متَقرّبٌ إلیک بزیارة قَبرِ أخی رسولِک وعلی کلِّ مَأتی حقٌّ لِمَن أتاهُ وزارَه وأنت خیرُ مأتی وأکرَمُ مَزورٍ»؛ بارالها بنده و زایرت به سوی تو، به واسطه زیارت قبر برادر پیامبر تو، به تو نزدیک می‌شود و بر هر میزبان حقی است برای کسی که بر او وارد شده و به زیارتش آمده است و در حقیقت تو بهترین و باکرامت‌ترین زیارت شده هستی. (1) 2. در زیارت امام رضا علیه السلام به خداوند عرض می‌کنیم: «اللهمّ إلیک صَمَدتُ مِن أرضی وقَطَعتُ البِلادَ رَجاءَ رحمتِکَ فَلا تُخَیّبنی ولا تَرُدَّنی بِغَیر قَضاء حوائجی وارحم تَقَلُّبی علی قَبرِ ابن رَسولِکَ صَلَواتُکَ علیه وآله»؛ بارالها از سرزمین خود به سوی تو آمدم و طی مسیر و تحمّل سختی‌ها، به امید رحمت توست؛ پس مرا ناامید مکن و بدون برآورده شدن نیازهایم مرا باز نگردان و بر رفت و آمدم بر سر قبر پسر برادر رسولت رحمت فرما. (2)

اشاره

از صدر اسلام تاکنون همواره علما و دانشمندان اسلام به پیروی از آیات قرآن و احادیث، قبور انبیا، امامان، اولیای الهی و مخصوصاً قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را زیارت می‌کردند و برای آن فضیلتی و کرامتی خاص قایل شده‌اند و با رفتن به سوی این مشاهد، و خواندن نماز و دعا در نزد آنها و تبرّک و توسّل به آنها به خدا تقرّب می‌جستند. این کار مورد اتفاق همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی بوده است.

الف) قرآن و زیارت قبور

حال در این‌جا با استناد به آیات مختلف قرآن که مضامین گوناگونی را دارا هستند، می‌توان حکم جواز یا استحباب زیارت قبور اولیای الهی را ثابت کرد. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
1. «وَلَا تُصَلّ عَلَى أَحَدٍ مّنْهُم مَّاتَ أَبَداً وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُواْ

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 588.

2- همان، ص 406.

وَهُمْ فسِقُونَ»؛ (1)
برای کسی از آنان(منافقان) اگر بمیرد، نماز نگزار و بر قبر آنان(برای طلب مغفرت) نایست، آنان به خدا و پیامبر او کفر ورزیده و در حالی که فاسق و بدکارند، مرده‌اند.
بسیاری از علمای اهل سنت مانند بیضاوی در أنوار التنزیل (2) و آلوسی در روح المعانی (3) و دیگران به این نکته اشاره کرده‌اند که مراد از این آیه، نهی از توقّف در کنار قبر منافق در هنگام دفن یا برای زیارت است. با توجّه به این که می‌فرماید درباره منافق این کار نهی شده، پس مفهوم آیه این است که توقف برای زیارت قبر مؤمن و مسلمانان، مشروع بوده و اشکالی ندارد. (4) 2. خداوند متعال در مورد اصحاب کهف و نزاع مردم در کیفیت تعظیم و تکریم از آنان می‌فرماید: «إِذْ يَتَنزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُواْ ابْنُواْ عَلَيْهِم بُنْيناً رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»؛ (5)
تا مردمی که میانشان تنازع و اختلاف در امر آنها بود، رفع نزاعشان بشود. با این همه بعضی گفتند: باید گرد آنها حصار دنیایی بسازیم. خدا به احوال آنها آگاه‌تر است. آنان که بر واقع احوال آنها اطلاع یافتند، گفتند: البته بر ایشان مسجدی بنا کنیم. مفسرین می‌گویند: از این که برخی پیشنهاد ساختن مسجد داده‌اند، کشف می‌شود که آنان مسلمان و موحّد بوده‌اند. لذا واضح است که پیشنهاد مسجد به این جهت است که به طور مدام بر آن وارد شده تا مرقد اصحاب کهف، مزار و محل زیارت مردم گردد. (6)

ب) احادیث و زیارت قبور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها به زیارت قبور امر نمود، بلکه خود نیز به زیارت آنها می‌رفت تا عملاً استحباب و جواز این مسأله را تثبیت کند. در این جا به چند حدیث اشاره می‌شود:

1- سوره توبه، آیه 84.

2- أنوار التنزيل، ج 4، ص 499.

3- روح المعانی، ج 10، ص 155.

4- آیین وهابیت، ص 108.

5- سوره کهف، آیه 21.

6- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 295.

1. بریده اسلمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «من پیش از این، شما را از زیارت قبور نهی کردم؛ ولی به محمّد اجازه داده شده تا به زیارت قبر مادرش برود.
شما نیز قبور را زیارت کنید؛ زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندازد». (1) 2. طلحة بن عبید اللّه می‌گوید: «ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه برای زیارت قبور شهدا خارج شدیم. همین که به منطقه «حرّ واقم» رسیدیم، قبوری را مشاهده کردیم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم: آیا این قبور برادران ماست؟ فرمود: این قبور اصحاب ماست و هنگامی که به قبور شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست». (2)
3. مسلم از عایشه نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخر شب‌ها، به طرف بقیع می‌رفت و بر اهل بقیع این گونه سلام می‌کرد: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین». (3) از احادیث رسیده در این زمینه، این‌گونه به دست می‌آید که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به زیارت قبور، ممارست می‌ورزیده است. امّا در بین احادیث اسلامی، احادیثی به چشم می‌خورند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به علّت موقّتی، از زیارت قبور نهی کرده بودند ولی سپس اجازه دادند که مردم به زیارت قبور بشتابند.
«شاید علّت نهی قبلی، این باشد که در آن زمان، مردگان غالباً مشرک و بت‌پرست بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست هر گونه رابطه‌ای را میان مسلمانان و مشرکان قطع کند.
شاید علّت دیگری داشته باشد و آن این که گروه تازه مسلمان بر سر خاک مردگان خود، سخنان باطل و شرک‌آمیزی به زبان می‌آوردند. ولی پس از گسترش اسلام و پابرجایی نهال ایمان در دل افراد، این نهی برداشته شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر منافع تربیتی که در زیارت قبور است، اجازه داد مردم به زیارت قبور بشتابند». (4) حال به چند حدیث که در این زمینه وارد شده، می‌پردازیم.

1- المعجم الکبیر، ج 11، ص 202، ح 11653.

2- سنن أبی داود، ج 2، ص 319، کتاب المناسک.

3- صحیح مسلم، ج 2، ص 669، ح 102، کتاب الجنائز.

4- آیین وهّابیت، ص 111.

البته این نکته را خاطرنشان می‌کنیم که در این احادیث که «امر» بعد از «نهی» آمده، تنها برای اباحه و رفع ممنوعیت نیست، بلکه به حکم این که منافع زیارت قبور را بیان فرموده، دلیل بر ممدوحیت و استحباب موضوع نیز می‌باشد. (1) 1. بریده می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«قد کُنتُ نَهَتُکُم عن زیارة القبور فَزُورُوها فإنّها تُذَکِّرُ الآخِرة»؛ (2)

پیش از این، شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم؛ از این پس زیارت کنید که آخرت را به یاد شما می‌آورد.

2. انس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فإنّها تُذَکِّرکم الموت»؛ (3)

شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این پس زیارت کنید؛ زیرا که شما را به یاد مرگ می‌اندازد.

ج) زیارت قبور در سیره گذشتگان

با رجوع بر سیره صحابه و تابعین و علمای امت اسلام، پی می‌بریم که زیارت قبور، سیره همه آنان بوده است. اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. حاکم نیشابوری نقل می‌کند: «إنّ فاطمة بنتَ النبی کانت تزور قبر حمزة کلّ جمعة فتصلّی و تبکی عنده»؛ (4) فاطمه زهرا علیها السلام در زمان حیات پدرش، روزهای جمعه به زیارت قبر عمویش حمزة بن عبد المطلب می‌رفت و در آن جا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد.

2. نیز حاکم نیشابوری می‌نویسد: روزی عایشه از زیارت قبور باز می‌گشت. به او گفته شد که مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرد؟ پاسخ داد: «نعم کان نهی ثمّ أمر بزیارتها»؛ (5) بلی نهی کرد، ولی بعداً بدان امر نمود.

3. ابو خلال شیخ حنابله در عصر خود می‌گوید: «هیچ گاه مشکلی برایم پیدا

1- بزرگداشت اولیاء خدا، ص 49.

2- سنن الترمذی، ج 3، ص 370.

3- المستدرک، ج 1، ص 531.

4- همان، ج 1، ص 533، ح 1396.

5- همان، ج 1، ص 376.

نمی‌شد، مگر آن که قصد زیارت قبر موسی بن جعفر علیه السلام را می‌کردم و در آن‌جا به حضرت متوسل می‌شدم و خداوند نیز مشکلم را آسان می‌نمود». (1)

عقاید وهابیان درباره زیارت (2)

مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر جواز، بلکه استحباب سفر برای زیارت قبور اولیای الهی اجماع داشته‌اند. امّا از ناحیه ابن تیمیه ممنوع شد. وی اولین کسی است که از این مسأله جلوگیری کرده و شدیداً با آن مقابله نمود و به حرمت آن، فتوا داد. بعد از او شاگردانش، افکار و نظریه‌های او را دنبال کرده و تا زمان محمد بن عبد الوهاب و دیگر وهابیون- که همگی به حرمت زیارت قبور معتقدند- ادامه داشت. (3) البتّه نکته قابل توجّه این است که وهابیان و در صدر آنها ابن تیمیه، زیارت هر قبری را حرام می‌دانند؛ اعم از زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام و دیگران. و در خصوص نظرات خود درباره حرمت زیارت قبور به طور عموم، بسیار پافشاری می‌کند.

1. زیارت قبور اهل بیت و سفر به سوی آن

اشاره

اولین کسی که از رفتن به زیارت قبور جلوگیری کرد و به حرمت آن فتوا داد، ابن تیمیه بود. بعد از او شاگردانش، افکار و نظریه‌های او را دنبال کرده و تا زمان محمد بن عبد الوهاب و دیگر وهابیون- که همگی به حرمت زیارت قبور معتقدند ادامه داشت.

1- تاریخ بغداد، ج 1، ص 120.

2- نخستین کسی که مذهب وهابی را پدید آورد و در راه ترویج آن، به شدّت کوشش کرد، محمد بن عبد الوهّاب از علمای نجد در قرن دوازدهم هجری بود؛ مسلک وهابی منسوب به اوست که این نسبت از نام پدر او عبد الوهاب گرفته شده که وهّابیان این نسبت را قبول ندارند و می‌گویند نام وهابی را دشمنان به آنان اطلاق کرده‌اند و درست این است که ایشان را «محمّدیه»(در نسبت به شیخ محمّد) بنامند. ولی با همه اینها این جریان، ریشه در قرن هفتم و هشتم دارد و یکی از بزرگ‌ترین علمای حنبلی ابن تیمیه حرّانی است که محمد بن عبد الوهاب در قرن دوازدهم عقاید خود را از او گرفته است. ر. ک: تاریخ نجد آلوسی، ص 111- 113.

3- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 293.

ابن تیمیه و بعدها وهابیان در خصوص نظرات خودشان، درباره حرمت زیارت قبور به طور عموم و نیز در مورد زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دیگر اهل بیت بالاخص، بسیار پافشاری می‌کنند. همچنین او احادیثی را که مربوط به مشروع بودن و مستحب بودن زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، ضعیف و مجعول می‌داند و می‌گوید:
1. تمام احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زیارت قبرش وارد شده است، ضعیف بلکه جعلی است. (1) همچنین دست گذاشتن روی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بوسیدن قبر جائز نیست و مخالف توحید است. (2) او از جمله حدیثی را که از طرق گوناگون اهل تسنّن از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که:
«من زار قبری وجبت له شفاعتی»؛ (3)
هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعت از او، بر من واجب است، را صحیح نمی‌داند. از مستندات عمده ابن تیمیه، عمل سَلَف یعنی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین می‌باشد. امّا در مواردی از جمله در خصوص زیارت قبور و نزدیک شدن به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، عمل سَلَف را قبول ندارد و می‌گوید: عمل سلف، کافی نیست و دلیل دیگری لازم می‌باشد. وی حتّی مشاهده قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را ممنوع می‌داند. (4) 2. محمد بن عبد الوهاب در کتابُ التّوحید خویش از مالک روایتی نقل کرده که چنین است: «امام مالک درموطّأ روایت کرده است که آن رسول خدا صلی الله علیه و سلم ارشاد می‌فرماید:
اللهمَّ لاتَجعل قبری وثناً یعبد. أشتَدَّ غَضبُ اللّٰه علی قومٍ اتَّخذوا قُبورَ أنبیائِهم مساجِد»؛
ای پروردگار، قبرم را بُت مساز که از آن، پرستش به عمل آید. ملّتی که قبر پیامبرشان را به سجده‌گاه درآورند، مورد خشم شدید خداوند قرار گرفته‌اند. (5)

1- منهاج السنه، ج 1، ص 133؛ الفتاوی الکبری، ج 2، ص 428.

2- الرد علی الافنائی، ص 30 و 31.

3- احیاء العلوم، ج 4، ص 449؛ وفاء الوفا، ج 4، ص 1336.

4- همان، ص 99.

5- كتاب التوحيد، ص 144.

3. عبد العزیز بن باز می‌گوید: «امّا مردان: برای آنان زیارت قبور و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم و دو صاحبش مستحب است، البتّه بدون شدّ رحال و قصد حرکت برای زیارت؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «قبور را زیارت کنید به جهت آن که شما را به یاد آخرت می‌اندازد»، ولی قصد حرکت برای زیارت قبور، جایز نیست». (1)

ابن تیمیه احادیثی را که برخلاف نظرات و معتقدات وی می‌باشد، تضعیف و تخطئه می‌کند؛ همان طور که حدیث:
«مَن حَجَّ فَزارَ قَبری بَعدَ موتی، کان کَمَن زارنی فی حیاتی»؛
هر کس پس از رحلت من حج بگزارد، آن گاه قبر مرا زیارت کند، همانند کسی است که مرا در زمان حیات زیارت کرده است را نادرست دانسته و گفته است که حفص بن سلیمان، راوی حدیث مزبور، مؤمن نیست. همچنین حدیث «من حَجَّ ولم یزُرنی فقد جفانی»؛ هر کس حج بگزارد و مرا زیارت نکند به من ظلم کرده است و نیز حدیث «مَن زارَ قبری وَجَبَت لَه شَفاعتی»؛ هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من از او واجب است راویان این دو حدیث را تخطئه کرده است. (2) ابن تیمیه در مورد دیگری چنین می‌گوید: هر که معتقد باشد که وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات، مانند وجود او در زمان حیات است، غلط مرتکب شده است. (3)
این در حالی است که او در ضمن فتاوای خود، گفته است که مردگان در قبر سخن می‌گویند و سخن دیگران را می‌شنوند و در قبر، مورد سؤال و جواب قرار می‌گیرند. (4) امّا با این حال، احادیث مربوط به زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله را مجعول دانسته و گفته است: اگر کسی معتقد باشد که وجود آن حضرت، بعد از وفات مانند وجود او در زمان حیات است، غلط بزرگی مرتکب شده است.

1- مجموع فتاوای بن باز، ج 2، ص 754 و 755.

2- الرد علی الافنائی، ص 27 و 28.

3- همان، ص 55 و 54.

4- الفتاوی الکبری، ج 2، ص 217.

شاید مهم‌ترین دلیل و اشکالی که از جانب آنها بر حرمت زیارت قبور وارد شده است، همین مسأله باشد که وجود حضرات را بعد از وفات، منقطع با این عالم می‌دانند و از ظاهر برخی آیات استفاده کرده‌اند که اموات چیزی نمی‌شنوند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرمایند: «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَی وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِینَ»؛ (1)

پس تو ای رسول ما این مردم دلمرده را نتوانی با سخن حق بشنوانی، و دعوت خود را به گوش این کران که عمداً روی گردانند، برسانی. و در آیه دیگر آمده است: «وَ مَا یَسْتَوِی الْأَحْیَآءُ وَ لَاالْأَمْوَ تُ إِنَّ اللَّهَ یُسْمِعُ مَن یَشَآءُ وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ»؛ (2)

و ابداً زندگان با مردگان مساوی نیستند. خدا هر که را بخواهد شنوا سازد و تو آن کس را که در گورستان است، شنوا نتوانی کرد.

دلیل بر حرمت سفر برای زیارت قبور

وهابیون به حسب ظاهر، اصل زیارت قبور را تجویز می‌کنند، ولی هرگز مسافرت برای زیارت قبور را جایز نمی‌دانند. عمده دلیل وهابیون بر حرمت سفر برای زیارت قبور- حتّی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله- روایت ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«لا تُشَدُّ الرِّحال إلّاإلی ثلاثة مساجِدَ مَسجِدی هذا ومسجدِ الحرام ومَسجد الأقصی»؛ (3)

قصد مسافرت و بار سفر بستن جایز نیست، مگر به سوی سه مسجد: مسجد خودم(مسجد النبی) و مسجدالحرام و مسجد الاقصی.

ابن تیمیه می‌گوید: سفر به عنوان زیارت قبور، به قصد عبادت انجام می‌یابد و عبادت یا واجب است یا مستحب و چون علما اتفاق نظر و اجماع دارند بر این‌که سفر برای زیارت قبر نه واجب است و نه مستحب، ناگزیر این سفر بدعت خواهد بود. او سپس می‌گوید: هیچ یک از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و سلم، در زمان خلفای اربعه و تا زمانی که یک نفر از صحابه در قید حیات بود، به زیارت قبری از قبور پیغمبران و صلحا نرفت.

1- سوره روم، آیه 52.

2- سوره فاطر، آیه 22.

3- صحیح البخاری، ج 2، ص 136، کتاب الصلوة؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 126، کتاب الحج.

و اصحاب پيغمبر صلى الله عليه و سلم به بيت المقدس مى‌رفتند، ولى قبر خليل اللّه را زيارت نمى‌كردند و هيچ كدام براى زيارت قبر پيغمبر صلى الله عليه و سلم، به مدينه مسافرت نمى‌كرد. (1) همچنين او معتقد است: مسافرت به قصد زيارت قبور، گناهش از قتل نفس بزرگ‌تر است؛ زيرا اين عمل، گاهى موجب شرك و بيرون رفتن از ملّت اسلام مى‌شود. (2)

زنان و زیارت قبور

وهابیون، اگر چه زیارت قبور را برای مردان بدون قصد زیارت اجازه می‌دهند، ولی به زنان به طور مطلق، اجازه زیارت قبور را نمی‌دهند. آنها در این مورد به برخی روایات استناد کرده‌اند که ما در این‌جا به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

روایتی که آنها نقل می‌کنند چنین است:

«لَعَن رَسولُ اللّه زَوّاراتِ القبور»

؛ (3) پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان بسیار زیارت کننده قبور را لعن کرد. ما در توضیح و پاسخ به این نظریه در آینده بحث خواهیم کرد.

2. ساختن بارگاه و ضریح بر فراز قبور اهل بیت

از جمله موضوعات مورد اختلاف مسلمانان با وهابیان، موضوع احداث بنا و ساختمان و گنبد و بارگاه و گلدسته بر روی قبور است. مسلمانان در طول تاریخ به این سنّت عمل کرده و بر جواز و استحباب آن، به ادلّه‌ای از کتاب و سنّت، تمسّک جسته‌اند. خصوصاً این عمل، موافق با منطق عقل و روش عقلا است. ولی همان طور که قبلاً اشاره شد، از زمان ابن تیمیه مخالفت با این عمل شروع شد و بناها و گنبد و گلدسته‌ها از مظاهر شرک شناخته شد. تا زمان آل سعود این عقیده به حدّی اوج گرفت

1- وهابیان، ص 66؛ برگرفته از کتاب الجواهر الباب، ص 19- 14.

2- الردّ علی الافنائی، ص 155.

3- صحیح ابن ماجه، کتاب الجنائز، ج 1، ص 502، ح 1576.

که آل سعود عملاً به مخالفت با آن پرداختند و با فتوایی که از علمای وهّابی صادر شد، به تخریب گلدسته‌ها و بارگاه‌ها و بناهای قبور، دستور داده شد. تمام آنها به‌جز بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم از خوف مسلمین، تخریب گشت و با این عمل، خساراتی بزرگ بر اسلام و مسلمین وارد شد. (1) در این بخش به چند مورد از فتاوای آنها می‌پردازیم.
1. ابن تیمیه می‌گوید: «مشاهدی که روی قبور انبیا و صالحین از عامّه و اهل بیت علیهم السلام بنا شده، همه از بدعت‌های حرامی است که در دین اسلام، وارد شده است». (2) 2. او همچنین در جای دیگر می‌گوید: «شیعه بر مشاهدی که روی قبور ساخته‌اند، تعظیم می‌کنند؛ بیشتر مشرکین در آنها اعتکاف می‌کنند، برای آنها حج بجا می‌آورند؛ همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می‌دهند». (3) 3. ابن قیم شاگرد معروف ابن تیمیه چنین می‌گوید: «یجِبُ هَدمُ المَشاهد الّتی بُنِیت علی القبور، ولا یجوزُ إبقاءُها بَعد القُدرَة عَلی هَدمِها وإبطالها یوماً واحداً»؛ (4) ویران کردن بنایی که بر روی قبور ساخته شده، واجب است و پس از قدرت بر هدم و ویران کردن آن، ابقای آنها به همان صورت حتّی یک روز هم جایز نیست.
«در واقع آنها بنا و ساختن گنبد را به منزله بت می‌دانند که در زمان جاهلیت به اسم وثن و صنم وجود داشته و اسم آن را تغییر داده‌اند و تغییر نام، بت را از بت بودن و بت‌پرستی خارج نمی‌کند و همان گونه که مردم جاهلیت بت‌ها را عبادت می‌کردند، بناها و مشاهد نیز عبادت می‌شوند؛ بلکه شرک اینها اعظم از بت‌ها است و باید ساختمان‌ها و تمام مشاهد و گنبدها و ... تخریب شوند». (5) با این همه، دیگر فرقه‌های اسلامی معتقدند: ساختن مزار اولیای الهی و

1- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 315.

2- منهاج السنه، ج 2، ص 435- 437.

3- همان، ج 1، ص 247- 248.

4- زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ص 661.

5- چرا؟ چرا؟، پرسش و پاسخ در مدینه منوره، ص 134.

نگاهداری و قرار دادن ضریح بر روی قبور، از نظر شریعت اسلام جایز است و بزرگداشت شعایر دینی به شمار می‌رود که بررسی بیشتر آن در آینده می‌آید. اکنون توجه خوانندگان را بر چند حدیث درباره ساختن بارگاه، از دید وهابیان جلب می‌کنیم:

1. ابو الهیاج می‌گوید: علی بن ابی طالب به من گفت: «ألا أبعثک ما بعثنی علیه رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم أن لا تدع تمثالاً إلّاطمسته ولا قبراً مشرفاً إلّاسوّیته»؛ (1) آیا تو را به کاری برنیانگیزم که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم مرا به آن برانگیخت؟ تصویری را ترک نکن مگر این‌که آن را محو کرده باشی و نه قبر بلندی را مگر این‌که آن را مساوی زمین کنی.

2. ابو زبیر از جابر نقل می‌کند که: «نهی رسول اللّٰه صلی الله علیه و سلم أن یجصص القبر و أن یقعد علیه وأن یبنی علیه»؛ (2) پیامبر صلی الله علیه و سلم از گچکاری قبر و این‌که روی قبر بنشینند و بر آن بنایی بسازند، نهی کرد.

3. امّ سلمه می‌گوید: «نهی رسول اللّٰه أن یبنی علی القبر أو یجصص»؛ (3) پیامبر صلی الله علیه و سلم از این‌که روی قبر بنایی ساخته شود یا گچکاری شود، نهی نمود.

3. برگزاری نماز و دعا نزد قبور اولیای الهی

از جمله مسائلی که در کتاب وهابیان، مورد بحث و گفت و گو و در نتیجه باعث اختلاف نظر شده است، مسأله خواندن نماز و دعا در کنار قبور اولیا است. مسلمانان با توجه به این‌که وجود اولیای الهی را در حیات و مرگشان و نیز بقعه و بارگاه و قطعه زمینی که آنها را در خود دارد، متبرک می‌دانند، نمازشان را در کنار قبور اولیای الهی می‌خوانند تا خداوند متعال لطف کرده، به برکت آنان شیطان و وسوسه‌هایش را از آنها دور کند و تمام توجهشان مشغول خدا گردد، و نمازی با اخلاص و توجّه از آنها صادر گردد. در مقابل این نظر، تنها وهابیون هستند که با این عمل مخالفت کرده

1- صحیح مسلم، ج 2، ص 666، ح 93.

2- همان، ص 667، ح 94.

3- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 299.

و آن را تحریم کردند. (1) اینک به چند مورد از فتاوای وهابیون می‌پردازیم. 1. ابن تیمیه می‌گوید: «صحابه عادتشان بر این بود هنگامی که کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند، بر او سلام می‌دادند؛ ولی هنگامی که می‌خواستند دعا کنند، رو به قبر شریف دعا نمی‌کردند؛ بلکه از قبر منحرف شده و رو به قبله دعا می‌نمودند، مانند سایر بقعه‌ها. از همین رو هیچ یک از ائمه سلف ذکر نکرده‌اند که نماز، کنار قبور و در مشاهد مستحب و افضل است؛ بلکه همه اتفاق نظر نموده‌اند بر این که نماز در مساجد و خانه‌ها، افضل از کنار قبور انبیا و صالحین است». (2) او در جایی دیگر چنین می‌گوید: هر کس گمان برد که نماز و دعا و ذکر در مشاهد، افضل از مساجد می‌باشد، چنین کسی کافر است. (3) 2. همچنین محمد بن عبد الوهاب می‌گوید: «هیچ یک از ائمه پیشین، ذکر نکرده‌اند که نماز، کنار قبور و مشاهد مستحب و افضل است؛ بلکه همه اتّفاق نظر دارند بر این که نماز در مساجد و خانه‌ها، افضل از مقابر اولیا و صالحین است». (4) این مسأله به مرور زمان از مرحله ممنوعیت به مرحله «شرک» رسیده است، و هم اکنون در میان آنان، چنین کاری رنگ شرک دارد و انجام دهنده آن، مشرک شمرده می‌شود. (5) 3. ابن قیم جوزی می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده از نماز خواندن در کنار قبور، ولی اکثر مردم در کنار قبور نماز می‌خوانند ...». (6) ما در پاسخ به فتاوای آنهادر آینده، ثابت خواهیم کرد که برگزاری نماز و دعا نزد قبور اهل بیت علیهم السلام نه تنها جایز است، بلکه با توجّه به گواهی کتاب و سنّت مستحب

1- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 426.

2- همان، به نقل از رساله زیارة القبور، ص 159.

3- الفتاوی الکبری، ج 2، ص 431.

4- همان. «لم یذکُر أحدُ مِن أئمَّة السَّلَف أنَّ الصَّلوة عند القبور وفی مَشاهدِها مستحبَّة ولا أنّ الصّلوة والدّعاءهناک أفضل بل إتّفقوا کلّهم علی أنّ الصلوة فی المساجِد والبیوت أفضَلُ منها عند قبور اولیاء والصّالحین».

5- آیین وهابیت، ص 137.

6- شیعه‌شناسی، ج 2، ص 427، به نقل از اغاثه اللهفان، ج 1، ص 214.

می‌باشد، زیرا مدفن و مشاهد اولیای الهی از شرافت و فضیلت خاص برخوردار است.

4. تبرک و استشفا به آثار اولیا

«تبرّک به صالحین و أخیار از امّت و اماکن و مشاهد مقدس و آثار وابسته به آنان، از ناحیه وهابیون به شدّت انکار شده و آن را از مصادیق شرک شمرده‌اند و با کسانی که قصد تبرک جستن از آثار اولیا و صالحین را داشته باشند، مقابله و مبارزه می‌کنند. از همین رو، تبرک به آثار اولیا یکی از مسائل اختلاف برانگیز بین وهابیون و مسلمین است» (1) به همین جهت جا دارد که چند مورد از فتاوای وهابیون را در حرمت تبرک جستن بیان کنیم.
1. ابن عیثمین می‌گوید: «تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن از بدعت‌هاست؛ زیرا در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نرسیده است». (2) 2. گروه دائمی مفتیان وهابیون می‌گویند: «... توجه پیدا کردن مردم به این مساجد و مسح نمودن دیوارها و محراب‌ها و تبرک به آنها، بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیت است». (3) 3. ابن عیثمین در جایی دیگر می‌گوید: «برخی از زایرین دست به محراب و منبر و دیوار مسجد می‌کشند، تمام اینها بدعت است». (4) این هم یکی دیگر از ایرادهای وهابیون و وهابی مسلکان است که تبرک جستن و بوسیدن قبر و ضریح را شرک می‌دانند و این، در حالی است که برخلاف وهابیت، تمامی فرقه‌های اسلامی از شیعه و سنّی عملاً قبور بزرگان را محترم دانسته، می‌بوسند و از آن تبرک می‌جویند.

1- همان، ج 1، ص 169.

2- همان، به نقل از مجموع الفتاوی لابن عیثمین، رقم 366.

3- همان، به نقل از اللجنة اللائمة البحوث العلمیة، ح 3019.

4- دلیل الاخطاء، ص 107.

ص: 548

اکنون به بحث درباره نقد و بررسی دیدگاه وهابیان می‌پردازیم:

1. مشروعیت زیارت قبور اهل بیت و سفر به سوی آن

اشاره

چنانچه اشاره شد، وهابیان رفتن به زیارت قبور را حرام دانسته و حتی احادیثی را که مربوط به مستحب بودن زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است، جعلی می‌دانند و در واقع زیارت را مخالف با توحید می‌پندارند. همچنین وهابیان و در صدر آنها ابن تیمیه، در بیان ادله حرمت زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مهم‌ترین دلیل را این می‌دانند که ارتباط حضرات بعد از وفات با این عالم قطع می‌گردد. به طور مثال، او معتقد است که وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات مانند وجود او در زمان حیات نمی‌باشد. (1) آنها در بیان اثبات عقیده‌شان به دو آیه از قرآن تمسّک کرده‌اند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

1. «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَی وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِینَ»؛ (2) پس تو ای رسول ما، این مردم مرده دل را نتوانی سخن حق بشنوانی، و دعوت خود را به گوش این کران که عمداً روی گردانند، برسانی.

2. «وَ مَا یَسْتَوِی الْأَحْیَآءُ وَ لَاالْأَمْوَ تُ إِنَّ اللَّهَ یُسْمِعُ مَن یَشَآءُ وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ»؛ (3) و ابداً زندگان با مردگان مساوی نیستند. خدا هر که را خواهد شنوا سازد؛ و تو آن کس را که در گورستان است، شنوا نتوانی کرد.

جواب: «اولاً ممکن است که آیه، ناظر به اجسادی باشد که در قبرهاست؛ زیرا آنها تبدیل به خاک می‌شوند و چیزی درک نمی‌کنند.

ثانیاً مراد از نفی سماع، نفی انتفاع است که از آن به کنایه، تعبیر به نفی سماع شده است؛ یعنی این مشرکان آیات تو را می‌شنوند، ولی از آنها نفع نمی‌برند؛ همان گونه که اهل قبور کلام شما را می‌شنوند، ولی از آن نفع نمی‌برند؛ زیرا وقتش گذشته است». (4) 3. «ابن قیم جوزی در تفسیر آیه «وَ مَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ» می‌گوید: آیه

1- الرد علی الافنائی، ص 54.

2- سوره روم، آیه 52.

3- سوره فاطر، آیه 22.

4- شیعه‌شناسی، ص 291.

دلالت بر کافری دارد که قلبش مرده است، به نحوی که نمی‌توانی حقایق را به او برسانی تا از آن بهره‌مند شود؛ همان گونه که نمی‌توانی به کسانی که در قبر هستند، چیزی بشنوانی به حدّی که نفع برند.

وی نیز در تفسیر آیه «فَإِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتَی وَ لَاتُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِینَ» می‌گوید: «مراد از آیه، نفی اهلیت سماع است؛ به این معنی که قلب‌های مشرکان از آن جا که مرده است، تو نمی‌توانی حقایق را به آنان برسانی؛ همان گونه که اموات نیز چنین هسند». (1) آری! وهابیان با تمسّک به این آیات که از ظاهرشان استفاده کرده‌اند، برای حرمت قبور دلیل آورده‌اند.

در قرآن، آیاتی وجود دارد که به روشنی بر بقای ارواح پس از جدایی از بدن، گواهی می‌دهد. برای یادآوری به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

1. «وَلَا تَقُولُواْ لِمَن یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَ تُم بَلْ أَحْیَآءٌ وَ لکِن لَّاتَشْعُرُونَ»؛ (2)

به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، نگویید مرده‌اند؛ بلکه آنان زندگانند، ولی شما ادراک نمی‌کنید.

2. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَ تَام بَلْ أَحْیَآءٌ عِندَ رَبّهِمْ یُرْزَقُونَ ولا تحسَبَنَّ الّذین قُتِلوا فی سبیل اللّه أمواتاً بل أحیاءٌ عند ربِّهِم یرزَقونَ (3)؛ گروهی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید؛ بلکه آنان زندگانند که نزد خدایشان روزی می‌خورند.

البته لازم به تذکر است که این حیات برزخی، اختصاصی به شهدا ندارد؛ بلکه شامل تمام صالحان و کسانی که مطیع دستورات خداوند هستند، نیز می‌شود. «اگر شهدا نزد خدا زنده‌اند و روزی می‌خورند، پس هر کس مطیع خدا و رسول است- به دلیل آن که رسول نیز تابع دستورات رسالت خویش است، شامل خود حضرت نیز می‌شود- او نیز با شهداست، اگر شهدا زنده‌اند، پس اینان نیز زنده‌اند و حیات برزخی دارند». (4)

1- الروح، ص 57 و 58.

2- سوره بقره، ص 154.

3- سوره آل عمران، آیه 169.

4- شیعه‌شناسی، ج 2، ص 278.

حال که با استناد به آیات قرآن دریافتیم ارواح پس از جدایی از بدن، حیات برزخی دارند، چگونه صدای ما را نشنوند و چگونه با جهان خارج، ارتباط ندارند.
هنگامی که بقای ارواح پس از جدایی برای عموم اثبات شد، قطعاً بقای ارواح و اولیای الهی اثبات می‌شود. آن هم جایی که قرآن کریم از پیامبران و خصوصاً پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با احترام خاصّی یاد می‌کند و برای پیامبر صلی الله علیه و آله یک رشته کمالات معنوی، متذکر می‌گردد که همگی از برتری روحی و تجلّی به کمالات معنوی، حکایت می‌کند.
این آیات که بر بقای ارواح اولیای خدا دلالت می‌کند از سویی، و مشروعیت زیارت از نظر ادله اسلامی از سویی دیگر که در گذشته به آن پرداختیم، پاسخ روشنی است بر شبهات و ایرادها و دلایلی که ابن تیمیه و دیگر وهابیان، بر حرمت زیارت قبور وارد کرده‌اند.
افزون بر اینها، شواهد دیگری نیز بر وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی وجود دارد. این‌که ابن تیمیه به راحتی می‌گوید: وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات مانند وجودش در زمان حیات نیست، خود، بررسی جداگانه‌ای می‌طلبد.

وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که بین حیات برزخی و انسان، در عالم برزخ، با حیات مادی و انسان‌های زنده ارتباط برقرار است. به این معنا هنگامی که در عالم مادّی، آنها را صدا می‌زنند، می‌شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می‌کنند، به اذن خداوند متعال جواب می‌دهند. اینک به برخی از آیات و روایات در این مورد اشاره می‌کنیم. (1) الف) آیات: 1. حضرت صالح با ارواح قوم خویش سخن می‌گوید: «فَأَخَذَتْهُمُ

1- شیعه‌شناسی، ج 2، ص 280.

الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُواْ فِى دَارِهِمْ جثِمِينَ* فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبّى وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلكِن لَّاتُحِبُّونَ النصِحِينَ»؛ (1)
پس زلزله‌ای آنان را فرا گرفت و در خانه‌های خویش، بی‌جان افتادند. آن گاه(صالح) از آنان روی برگردانید و سر برتافت و گفت:
ای قوم من! پیام‌های خداوند را رسانیدم و شما را اندرز دادم ولکن شما ناصحان را دوست نمی‌دارید». این آیه گواه این است که حضرت صالح پس از مرگ و نابودی آنان، با آنها سخن می‌گوید.
2. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید با ارواح انبیا سخن گوید: «وَسَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ»؛ (2)
از پیامبران پیشین بپرس: آیا غیر از خدای رحمان، خدایی قرار دادیم که مورد پرستش قرار گیرد؟
ظاهر آیه این است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تواند از همین عالم و نشئه طبیعی، با پیامبران که در نشئه دیگر به سر می‌برند، ارتباط برقرار کند و تماس بگیرد تا روشن شود که دستور خداوند در تمام قرن‌ها و اعصار به تمام پیامبران این بود که جز خدای یگانه را نپرستید.
3. قرآن بر پیامبران گذشته درود می‌فرستد: «سَلمٌ عَلَى نُوحٍ فِى الْعلَمِينَ»، «سَلمٌ عَلَى إِبْرَ هِيمَ»، «سَلمٌ عَلَى مُوسَى وَ هرُونَ»، «سَلمٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ»، «وَ سَلمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ». (3)
از این آیات استفاده می‌شود: بین این عالم مادی و عالم برزخ ارتباط برقرار است، بدین شکل که گفته‌ها، سؤال‌ها و درودها را می‌شنوند و جواب نیز می‌دهند.
شیخ محمود شلتوت می‌گوید: «آنچه از آثار دینی استفاده می‌شود، این است که هنگام خروج روح از بدن، مرگ حاصل می‌شود و او در حالی که دارای ادراک است، باقی می‌ماند. کسی که بر او درودی فرستد، می‌شنود. زایرین قبرش را می‌شناسد و

1- سوره اعراف، آیات 78 و 79.

2- سوره زخرف، آیه 45.

3- سوره صافات، آیات 79، 109، 120، 130، 181.

لذت نعمت‌ها و درد عذاب را در عالم برزخ درک می‌کند». (1) ب) روایات:
1. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمانی بر قبر برادر مؤمنش عبور کند، در حالی که او را در دنیا می‌شناخته و از او سؤال کند، خداوند روحش را برمی‌انگیزد تا جواب او را بدهد. (2) 2. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علم من بعد از مرگم، همانند علم من در حال حیاتم است. (3)
3. دارمی در سنن خود به سندش از سعید بن عبد العزیز نقل می‌کند: او وقت نماز را به سبب همهمه‌ای که از قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شنید، می‌شناخت. (4) 4. حافظ هیثمی به سند صحیح از عبد اللَّه بن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حیات من برای شما بهتر است؛ حدیث می‌گویید و حدیث می‌شنوید. و نیز وفات من برای شما بهتر است؛ زیرا اعمالتان بر من عرضه می‌شود و هر چه از اعمال خیر شما ببینم، خدا را بر آن شکر می‌گویم؛ و آنچه از اعمال شر ببینم، برای شما استغفار می‌نمایم». (5) بعد از اثبات بقای ارواح پس از جدایی از بدن به وسیله آیات قرآن و همچنین اثبات وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی از منظر قرآن و روایات، جا دارد در این قسمت از نوشتار، به اثبات استحباب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه قرآن و روایات و سیره صحابه و همچنین استحباب زیارت قبر ائمه علیهم السلام از نظر روایات بپردازیم، تا پاسخی باشد به ایرادهای وهابیان، از جمله ابن تیمیّه که با کمال صراحت می‌گوید: «تمام احادیثی که مربوط به مشروع بودن و مستحب بودن زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، ضعیف، بلکه جعلی است». (6)

1- شلتوت الفتاوی، ص 19. «الذی ترشد إلیه الآثار الدینیه إنّها تخرج من بدن الانسان، فیکون الموت، و إنّها تبقی ذات ادراک، ...».

2- الروح، ص 7.

3- کنز العمّال، ج 1، ص 507، ح 2242؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1352.

4- سنن الدارمی، ج 1، ص 44، ح 93.

5- مجمع الزوائد، ج 9، ص 24؛ الخصائص الکبری، ج 2، ص 281.

6- منهاج السنه، ج 1، ص 133؛ الرد على الافنائى، ص 27.

الف) در قرآن: در خصوص زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توان به برخی از آیات تمسّک نمود: خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»؛ (1)
و اگر هنگامی که گروه منافق، بر خود به گناه ستم کردند، از کردار خود به خدا توبه کرده و به تو رجوع می‌کردند که بر آنها استغفار کنی، البته در این حال خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.
اگرچه ظاهر آیه شریفه، مربوط به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، ولی به دلایلی که قبلاً اشاره شد، می‌توان از این آیه یک حکم کلی استفاده کرد. زیرا رتبه و مقام حضرت به گونه‌ای است که با فوت او قطع نمی‌شود. لذا می‌توان آن را به عموم علّت تعمیم داد؛ لذا علما از این آیه عموم فهمیده‌اند. پس مستحب است هر کس به زیارت قبر آن حضرت می‌آید، این آیه را قرائت نماید.
سفیان بن عنبر از عتبی- که هر دو از مشایخ شافعی‌اند- نقل می‌کند: کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که اعرابی‌ای وارد شد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد:
سلام بر تو ای رسول خدا. خداوند متعال فرمود: «وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا». (2)
من به نزد تو آمده‌ام و از گناهان خود استغفار می‌نمایم و تو را شفیع نزد خداوند آورده‌ام. آن گاه گریه کرد و اشعاری را درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سرود. (3) سمعانی شبیه همین قضیه را از امام علی علیه السلام نقل می‌کند. (4) اگر این عمل جایز نبود، چرا صحابه، خصوصاً امام علی علیه السلام که در آن زمان حاضر

1- سوره نساء، آیه 64.

2- سوره نساء، آیه 64.

3- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1361.

4- همان.

بود، از آن منع نفرمود. (1) اصولاً مسلمانان عملاً آیاتی که پیرامون احترام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است، به حیات او مخصوص نمی‌دانند.
در موقع دفن جنازه حسن بن علی برخی در کنار قبر سر و صدایی به راه انداختند، فوراً حسین بن علی برای ساکت کردن آنها این آیه را خواند: (2)
«یأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ لَا تَرْفَعُواْ أَصْوَ تَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیّ»؛ (3)
ای افراد باایمان، از صدای خود بکاهید، و بلندتر از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن نگویید. هیچ کس حتّی امویان نگفتند که این آیه و این احترام، مخصوص دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله است. بنابراین از این آیات، یک معنی وسیع فهمیده می‌شود و آن این است که اکنون مسلمانان می‌توانند به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله برسند و ایشان را زیارت نمایند.
ب) در روایات: پیرامون مشروع بودن و همچنین استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در کتب اهل سنّت روایات زیادی وجود دارد که از حیث سند صحیح هستند. اینک به چندی از آنها اشاره می‌کنیم:
1. ابن عدی از عبد اللّٰه بن عمر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
«من حَجَّ ولم یزُرنی فقد جفانی»؛
هر کس حج خانه خدا را بجا آورد، ولی مرا زیارت نکند، به من جفا نموده است. (4) 2. عبد اللّٰه بن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند:
«مَن حَجَّ فَزارَ قَبری بَعدَ موتی، کان کَمَن زارنی فی حیاتی»؛ (5)
هر کس حج کند آن گاه قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، مانند این است که مرا در حال حیاتم زیارت کرده است.
3. همچنین وی در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:
«من زارَ قبری وَجَبَت لَه شَفاعتی»؛
هر کسی قبر مرا زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می‌شود.

1- همان.

2- آیین وهابیت، ص 125.

3- سوره حجرات، آیه 2.

4- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1342.

5- السنن الكبرى، ج 5، ص 246.

نقل همه احادیث در این زمینه از مدارک اصیل اسلامی، مایه گستردگی سخن است و حاکی از آن است که زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از مسلّمات بوده است.

ج) سیره صحابه: با مراجعه به سیره پیشینیان اعم از صحابه، تابعین و دیگران، پی‌می‌بریم که زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، همواره شیوه آنان بوده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

1. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لمّا رمس رسول اللّه صلی الله علیه و آله جائت فاطمة فوقفت علی قبره وأخذت قبضة من تراب القبر ووضعت علی عینیها وبکت»؛ (1)

بعد از دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام در کنار قبر پدر ایستاد و مشتی از خاک قبر را بر چشم خود نهاد و گریه کرد و این شعر را سرود:

ماذا علی من شمَّ تربة أحمد أن لا یشمَّ مدی الزمان غوالیا

صبّت علیّ مصائبِ لو أنّها صبّت علی الأیام صرن لیالیا

2. ابو درداء می‌گوید: «أنّ بلالًا رأی فی منامه النبی صلی الله علیه و آله وهو یقول به: ما هذه الجفوة یا بلال امّا آن لک أن تزورنی یا بلال؟ فانتبه حزیناً وجلًا خائفاً فرکب راحلته وقصد المدینة وأتی قبر النبی صلی الله علیه و آله فجعل یبکی عنده ویمرّغ وجهه علیه وأقبل الحسن و الحسین فجعل یضمّهما علی صدره ویقبّلهما»؛ (2) بلال، پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او می‌گوید: این چه جفایی است ای بلال، آیا وقت آن نرسیده که مرا زیارت کنی؟ بلال از خواب بیدار شد، در حالی که محزون و غمگین بود. پس مرکب خود را سوار شد و آهنگ مدینه کرد و به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. آن‌جا گریه می‌کرد و صورت خود را با خاک قبر، آغشته نمود. حسن و حسین آمدند، آنها را به سینه چسبانید و بوسید.

3. داود بن ابی صالح می‌گوید: «أقبل مروان یوماً فوجد رجلًا واضعاً وجهه علی القبر فقال: أتدری ما تصنع؟ فأقبل علیه فاذاً هو أبو أیّوب. فقال: نعم جئت إلی رسول اللّه ولم آت الحجر. سمعت رسول اللّه صلی الله علیه و آله یقول: لاتبکوا علی الدین اذا ولیه أهله ولکن أبکوا علی الدین إذا

1- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1405.

2- تهذیب تاریخ دمشق، ج 2، ص 259.

ولیه غیر أهله»؛ (1) روزی مروان مردی را دید که صورت خود را بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشته است. به او گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟ آن مرد، متوجّه مروان شد و او ابو ایوب بود، گفت: آری می‌دانم؛ من به سوی رسول خدا آمده‌ام و به سوی سنگ نیامده‌ام. از رسول خدا شنیدم که فرمود: وقتی افراد شایسته متصدّی دین شدند، بر حال دین گریه نکنید؛ ولی اگر نااهلان، متصدّی آن شدند، بر دین گریه کنید.

از مجموع آیات و روایاتی که دلالت بر بقای ارواح پس از جدایی از بدن و وجود ارتباط بین حیات برزخی و حیات مادّی می‌کند و همچنین آیات و روایات و سیره صحابه که قبلاً در باب مشروعیت زیارت قبور به خصوص زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کردیم درمی‌یابیم که نه تنها زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام جایز است، بلکه نشان دهنده استحباب زیارت نیز می‌باشد.

علاوه بر احادیث فراوانی که راجع به اهمیت و استحباب زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد آمده است، روایاتی بس فراوان نیز درباره استحباب زیارت قبور امامان علیهم السلام وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.
1. شیخ طوسی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «همانا برای هر امامی عهدی بر گردن اولیا و شیعیان آنان است؛ از تمامی وفا و حسن ادای به این عهد، زیارت قبور آنان است». (2) 2. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «شیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی سفارش نمایید؛ زیرا بجای آوردن آن، بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین از جانب خداوند عزّ و جل دارد، واجب است. (3) 3. علی بن میمون می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «اگر کسی از شما

1- مجمع الزوائد، ج 5، ص 245.

2- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 78 و 79، ح 3.

3- بحار الأنوار، ج 98، ص 3.

هزار حجّ انجام دهد، ولی به زیارت قبر امام حسین نرود، حقی از حقوق خداوند را ترک کرده است. از علت آن سؤال شد؟ حضرت فرمود: حقّ حسین بن علی بر هر مسلمانی واجب است. (1) اینک به بررسی فتاوای دیگر وهابیان که سفر به سوی زیارت قبور را حرام می‌دانند، می‌پردازیم.

قبلاً در فتاوای وهابیون اشاره نمودیم که متأخرین از آنان، قائل به عدم مشروعیت سفر یا بدعت بودن سفر برای زیارت قبور، حتی قبر پیامبرند، (اگر چه ابن تیمیه مطلقاً زیارت را تحریم کرده است.) حال درصدديم تا مشروعیت سفر برای زیارت، خصوصاً زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را بررسی کنیم. همان‌طور که در قسمت دلیل وهابیان بر حرمت سفر به زیارت قبور اشاره شد، مهم‌ترین دلیل وهابیان، همان روایت ابو هریره به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که متن این حدیث چنین است:

«لا تُشَدُّ الرِّحال إلّا إلى ثلاثة مساجِدَ مَسجِدی هذا ومسجدِ الحرام ومَسجد الأقصی». (2)

در جواب از استدلال به این حدیث می‌گوییم: در مستثنی منه حدیث، دو احتمال وجود دارد:

1. لا تُشَدُّ إلى «مسجد مِنَ المساجد» الا إلى ثلاثة مساجدَ ...

2. لا تُشَدُّ إلى «مکانٍ من الأمکنة» الا إلى ثلاثة مساجدَ ....

هر گاه مفاد حدیث، فرض اول باشد، در این صورت مفاد آن، این می‌شود که به هیچ مسجدی از مساجد بار سفر بسته نمی‌شود مگر به این سه مسجد؛ نه این‌که شدّ رحال(قصد سفر)، برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ زیرا قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد نیست.

اگر مفاد حدیث فرض دوم باشد، در این صورت تمام سفرهای معنوی جز سفر به

1- همان، ص 5.

2- صحیح مسلم، ج 2، ص 1014، ح 511، کتاب الحج.

این سه نقطه، ممنوع خواهد بود؛ خواه سفر برای زیارت باشد یا برای زیارت نقاط دیگر». (1) «وانگهی نهی از قصد سفر برای زیارت غیر از این سه مسجد، نهی تحریمی نیست، بلکه ارشادی است؛ زیرا در هر شهری، مسجد وجود دارد و سفر برای زیارت مسجد در شهری دیگر ضرورتی ندارد». (2) و این برخلاف زیارت قبور اولیای الهی است که آثار و برکاتی عظیم بر آن، مترتّب است که در جای خود اشاره خواهیم کرد.

«ولی با توجّه به قرائن، روشن خواهد شد که مفاد حدیث بر فرض صحت سند، همان اولی است. اولا: مستثنی، مساجد سه گانه است؛ از آن‌جا که استثنا، استثنای متصّل است، قطعاً «مستثنی منه» لفظ مساجد خواهد بود نه مکان.

ثانیاً: هر گاه هدف، ممنوع ساختن تمام مسافرت‌های معنوی است، حصر، صحیح نخواهد بود. زیرا در اعمال حج، انسان برای «عرفات» و «مشعر» و «منی»، بار سفر می‌بندد، هر گاه مسافرت مذهبی، جز برای غیر این سه مورد جایز نیست، پس چرا سفر به این نقاط سه گانه جایز شمرده شده است.

ثالثاً: مسافرت برای جهاد در راه خدا، و آموزش علم و دانش و صله رحم و زیارت والدین، از جمله مسافرت‌هایی است که در آیات و روایات بدانها تصریح گردیده است». (3) آن‌جا که می‌فرماید: «فَلَولا نَفَرَ مِن کُلِّ فِرقَةٍ طائِفةٌ لِیتَفَقَّهوا فی الدّینِ ولِینذِرُوا قَومَهُم اذا رَجَعُوا الَیهِم لَعَلَّهُم یحذَرُونَ»؛ (4)

چرا از هر قبیله‌ای، گروهی کوچ نمی‌کنند که دین را بیاموزند و قبیله خود را پس از بازگشت بترسانند؛ شاید آنان بترسند.

همچنین غزالی به این نکته توجه پیدا کرده و می‌گوید: «مسافرت، امری مستحب است؛ از جمله مسافرت به جهت زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین و سایر علما و

1- همان، ص 132.

2- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 307.

3- آیین وهابیّت، ص 133.

4- سوره توبه، آیه 122.

اولیا. پس به طور کلی هر کس که در حال حیات، به او تبرک جسته می‌شود، در حال ممات نیز می‌توان به زیارتش تبرک جست. بنابراین شدّ رحال برای تحقّق این غرض، جایز می‌گردد. این موضوع با حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله «لاتشدّ الرحال إلّا إلی ثلاثة مساجد» منافات و تعارض ندارد؛ زیرا حدیث مربوطه به مساجد از آن‌جا که همه در فضیلت یکسان‌اند، ترجیحی در سفر برای آنها نیست، مگر این سه مسجد که به جهت خصوصیتی که دارند، سفر به خاطر آنها اشکالی ندارد و این مسأله غیر از سفر برای زیارت قبور و اولیای الهی است». (1) بعد از اثبات جواز سفر برای زیارت اولیای الهی و همچنین استحباب سفر به سوی آنها، جا دارد در این مورد، به احادیث متعدّدی که در این زمینه وجود دارد و به روشنی مشروعیت سفر برای زیارت قبور را ثابت می‌کند، نیز توجه فرمایید:

1. طلحة بن عبید اللَّه می‌گوید: «خرجنا مع رسول اللَّه یرید قبور الشهداء ... فلمّا جئنا قبور الشهداء قال: هذه قبور إخواتنا»؛ (2) با پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفتیم و آن حضرت، قبور شهدا را اراده کرده بود .... وقتی به قبور شهدا رسیدیم، فرمود: این قبور برادران ماست. منظور از قبور شهدا در این‌جا قبور شهدای احد است که چند کیلومتر با مدینه فاصله دارد.

2. عن أبی الدرداء أن بلالاً رأی فی منامه النبی صلی الله علیه و آله و هو یقول له: «ما هذه الجفوة یا بلال امّا آن لک أن تزورنی یا بلال؟ فانبته حزیناً وجلًا خائفاً فرکب راحلته و قصد المدینة وأتی قبر النبی ...». (3)(این حدیث را در ذیل عنوان زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره اصحاب نقل کردیم).

3. «کان النبی یأتی مسجد قباء کلّ سبت ماشیاً وراکباً»؛ (4) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر روز شنبه به

1- احیاء العلوم، ج 2، ص 228، کتاب آداب السفر.

2- سنن ابی داود، ج 1، ص 319.

3- تهذیب تاریخ دمشق، ج 2، ص 259.

4- صحيح البخارى، ج 2، ص 137.

مسجد قبا می‌رفت، گاهی پیاده و گاهی سواره. همان گونه که در قبل گفتیم، زیارت قبور مؤمنین و اولیای خدا و به خصوص قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یک امر استحبابی است که در روایات صحیحه به آن امر شده است. بنابراین اگر کسی برای زیارت قبور، از شهری به شهری سفر کند، این سفر نیز استحبابی خواهد بود؛ زیرا که برای یک امر مستحب انجام می‌گیرد.

همان‌طور که گذشت، وهابیان مؤید حرمت زیارت قبور برای زنان را همان حدیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، می‌دانند که می‌گوید: «لَعَن رسولُ اللّهِ زَوّاراتِ القبور». (1)
در جواب این اشکال باید بگوییم:
اولاً: این حدیث، خلاف سیره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا:
- فاطمه زهرا علیها السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله روزهای جمعه به زیارت قبر حمزه می‌رفت. (2) در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام او را نهی نمی‌کردند. (3) عایشه حدیث مفصلی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که او فرمود: «پروردگارم به من دستور داد که به بقیع بروم و برای قبور آنها طلب آمرزش کنم. گفتم: من چه بگویم ای رسول خدا؟ فرمود: بگو سلام بر اهل دیار از مؤمنین و مسلمین. خداوند، گذشتگان و بازماندگانِ از ما را رحمت کند و ما به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد». (4)- انس بن مالک می‌گوید: «روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار زنی گذشت که بر سر قبری گریه می‌کرد، به او فرمود: از خدا بترس و صبر داشته باش. او گفت: مرا رها کن، تو به مصیبتی که من گرفتار شده‌ام، نشده‌ای و آن زن، پیامبر صلی الله علیه و آله را نشناخته بود. وقتی به او گفتند که او پیامبر است، به در خانه پیامبر آمد و دربانی را پیش او ندید. پس گفت: تو

1- سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز، ج 1، ص 502.

2- السنن الکبری، ج 4، ص 78؛ المصنف، ابن أبی شیبه، ج 3، ص 572.

3- همان، ص 131.

4- سنن النسائی، ج 4، ص 93.

را نشناختم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صبر در هنگام مصیبت، بهتر است». (1) می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله، آن زن را فقط به صبر دعوت نمود و او را از زیارت کردن قبر، منع نکرد. این حدیث و احادیث دیگر، به روشنی دلالت می‌کند که زن‌ها هم می‌توانند به زیارت قبور بروند. ثانیاً: این حدیث(لعن اللّٰه زوّارات القبور) از حیث سند ضعیف است؛ چون از سه طریق وارد شده است: حسان بن ثابت، ابن عبّاس و ابو هریره که در طریق هر سه سند، ضعف وجود دارد. (2) ثالثاً: این فتوا با حدیث عایشه که «قبلاً پیامبر صلی الله علیه و آله زیارت قبور را نهی کرده بود، ولی بعداً اجازه داد» معارض است. ابن ابی ملیکه می‌گوید: «روزی عایشه از طرف قبرستان می‌آمد. به او گفتم: ای ام المؤمنین از کجا می‌آیی؟ گفت: از زیارت قبر برادرم عبد الرحمن. گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرده بود؟ گفت: آری، نهی کرده بود؛ اما بعدها به زیارت قبور امر کرد». (3) بنابراین منظور پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث شاید زن‌هایی است که زیارت قبور را کار همیشگی خود قرار داده و در مظان تهمت و فتنه‌انگیزی و ایجاد فساد اخلاقی بودند. اما اگر زنی صرفاً برای کسب ثواب و عبرت‌آموزی و تذکر عالم آخرت و دادن سلام به اهل قبور، به زیارت آنها برود و خوف فتنه نباشد، کاری مشروع و مستحب انجام داده است و لعن پیامبر صلی الله علیه و آله شامل آنها نمی‌شود. (4) رابعاً: «نهی زنان از زیارت قبور به خاطر کمی صبرشان است. حال اگر زنی طاقتش زیاد باشد و شکوه نکند، زیارتش اشکالی ندارد؛ زیرا بر فرض این که مقدمه حرام، حرام است، این قاعده اطلاق ندارد، بلکه مقدمه موصوله حرام است، یعنی اگر کار

1- صحیح البخاری، ج 1، ص 541، باب زیارة القبور؛ المستدرک، حاکم، ج 1، ص 374.

2- المصّنف، ابی أبی شیبه، ج 3، ص 32، ح 11812 و 11813.

3- نیل الأوطار، ج 2، ص 810.

4- بزرگداشت اولیای خدا، ص 58.

مباحی قطعاً انسان را به حرام برساند، حرام است. لذا بزرگان اهل سنّت، زیارت اهل قبور را به شرط صبر، جایز شمرده‌اند». (1)

2. ساختن بارگاه و ضریح

اشاره

همان‌طور که در گذشته اشاره شد، از جمله موضوعاتی که وهابیان، آن را مورد ایراد قرار داده‌اند، مسأله ساختن زیارتگاه و قرار دادن ضریح روی قبور اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. همچنین فتاوای آنها را از نظر گذراندیم که آنها نه تنها این موضوع را جایز نمی‌دانند، بلکه کاری شرک‌آمیز می‌پندارند و انجام دهنده آن را مشرک می‌دانند. آنها در ادّعای خود بر حرمت بنای قبور، به مواردی استدلال کرده‌اند که به آنها پاسخ می‌دهیم:

الف. پاسخ به شبهه بنای قبور

اشاره

در پاسخ به شبهه اول(احداث بنا بر قبور از مظاهر شرک و از اعمال مشرکین است) جا دارد که به سراغ ادله شرعی رفته و جواز، بلکه رجحان بنای قبور را از این دیدگاه، مورد بررسی قرار دهیم.

قرآن کریم به مسأله احداث بنای بر قبور، به طور صریح و خاص پرداخته است؛ اما می‌توان حکم آن را از ضمن آیات قرآن استفاده نمود:

خداوند متعال در قرآن کریم امر به تعظیم شعایر الهی کرده و آن را دلیل بر تقوای قلوب می‌داند. آن‌جا که می‌فرماید: «وَ مَن یُعَظّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ»؛ (2)

و هر کس شعایر دین خدا را بزرگ و محترم دارد، این صفت دل‌های باتقواست.

«مقصود از بزرگداشت شعایر الهی چیست؟ شعایر جمع «شعیره» به معنی علامت و نشانه است. منظور در آیه، نشانه‌های وجود خدا نیست؛ زیرا همه عالم نشانه وجود خداست و هیچ کس هم نگفته است که تعظیم آنچه در عالم هستی است، نشانه

1- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 308.

2- سوره حج، آیه 32.

تقواست. بلکه مقصود، نشانه‌های دین اوست». (1) «یعنی اموری که دلیل و علامت و نشانه به سوی خداست و هر کسی که می‌خواهد به خدا برسد، با آن نشانه و علامت می‌تواند به خدا برسد. یعنی هر کس که می‌خواهد به حقیقت دین خدا رهنمون شود، برخی از امور راهنمای اویند، که باید آنهارا تعظیم کرد». (2) اگر در قرآن کریم، صفا و مروه از شعایر الهی شمرده شده است، آن‌جا که می‌فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِن شَعَآلِرِ اللّهِ»؛ (3) همانا صفا و مروه از شعایر خداست. و اگر که شتری برای نحر به منی برده می‌شود «وَ الْبُدْنَ جَعَلْنَهَا لَکُم مّن شَعلِرِ اللَّهِ»؛ (4)
و نحر شتران فربه را از شعایر دین خدا مقرّر گردانیدیم. به خاطر این است که این امور، از نشانه‌های دین حنیف ابراهیم است. اگر مجموع مناسک حج، شعایر نامیده شده‌اند، به این دلیل است که نشانه‌هایی به سوی توحید و دین حنیف است.
«اگر این امور از شعایر دین خدایند، و مردم را متذکر به توحید و دین حنیف می‌کنند، شکی نیست که وجود انبیا و اولیای الهی از بزرگ‌ترین و بارزترین نشانه‌های دین خداوند است که وسیله ابلاغ دین و مایه گسترش آن در میان مردم بوده‌اند. هیچ فرد باانصافی نمی‌تواند منکر این مطلب گردد که وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از دلایل اسلام و نشانه‌های این آیین مقدس می‌باشد». (5) حال اگر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و اوصیای او و اولیای الهی چنین خصوصیتی دارند، حفظ و صیانت آثار آنان و حفظ قبورشان و بنای قبر و گلدسته برای آنها نیز در راستای همین اهداف است. همچنین یکی از طرق بزرگداشت آن بزرگواران، حفظ آثار و قبور آنان و صیانت آن از فرسودگی و محو و نابودی است.
قرآن کریم به صراحت، به مودّت و محبت اقربای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امر نموده، آن‌جا

1- آیین وهابیت، ص 43.

2- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص 317.

3- سوره بقره، آیه 158.

4- سوره حج، آیه 32.

5- آیین وهابیت، ص 44.

که می‌فرماید: «قُل لَّآأَسَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی»؛ (1)
بگو از شما تقاضای اجر و مزدی نمی‌کنم مگر مودت ذوی القربی را. واضح است که یکی از طرق ابراز علاقه و مودت به اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله، احداث بنا بر قبور و تعمیر قبور ایشان می‌باشد؛ زیرا مودّت و محبّت بروز و ظهور دارد.
خداوند متعال در قرآن کریم اجازه داده که خانه‌هایی که در آنها یاد خدا شده، رفعت پیدا کند، آن‌جا که می‌فرماید: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُو یُسَبِّحُ لَهُو فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ* رِجَالٌ لَّاتُلْهِیهِمْ تِجرَةٌ وَ لَابَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ»؛ (2)
در خانه‌هایی که خدا رخصت داده، رفعت یابد و در آن، ذکر خدا شود و صبح و شام در آن تسبیح ذات پاک او کنند. پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند.
استدلال به آیه فوق متوقف بر بیان دو امر است:
الف) مقصود از بیوت چیست؟
در بیان لفظ «بیوت» یادآور می‌شویم که مفاد لفظ یاد شده منحصر به «مساجد» نیست؛ بلکه اعم از مساجد و اماکنی است که در آنها یاد خدا می‌شود، همانند بیوت انبیا و ائمه علیهم السلام. بلکه می‌توان مراد از بیوت را غیر از مساجد دانست؛ زیرا بیت به معنای بنایی است که دارای چهار دیوار و سقف باشد، همانند بیت اللّه الحرام. (3) همچنین در قرآن می‌خوانیم: «وَ لَوْلَآ أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَ حِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ»؛ (4)
و اگر نبود که همه مردم یک نوع و یک امّت‌اند، ما سقف خانه آنان که به خدا کافر می‌شوند از نقره خام قرار می‌دادیم». از این ادله استفاده می‌شود که بیت در لغت عرب، منحصر به مساجد نیست؛ بلکه به این معناست: «بنایی که دارای سقف باشد».

1- سوره شوری، آیه 23.

2- سوره نور، آیات 36، 37.

3- آیین وهابیت، ص 49.

4- سوره زخرف، آیه 33.

ب) مقصود از رفع در آیه شریفه چیست؟

در این‌جا دو احتمال وجود دارد:

1. مقصود از «رفع»، تعظیم و ترفیع قدر بیوت است که همان رفع معنوی است. (1) همان گونه که در قرآن می‌خوانیم: «وَ رَفَعْنٰاهُ مَکٰاناً عَلِیًّا»؛ (2) و ما مقام او را بلند و مرتبه‌اش را رفیع گردانیدیم.

2. «مقصود از رفع بالا بردن ساختمان قبر و بالا بردن پایه‌ها و دیوارها و صیانت آن از فرو ریختن آن است». (3) چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْرٰاهِیمُ الْقَوٰاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْمٰاعِیلُ ...». (4)

زمخشری در تفسیر این آیه می‌گوید: «رفع بیوت، یا به معنای بنای بیوت است، همانند آیه شریفه «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْرٰاهِیمُ ...» و یا به معنای تعظیم بیوت و بالا بردن قدر و منزلت بیوت است. (5)

با مراجعه به تاریخ مسلمین بعد از ظهور اسلام پی می‌بریم که احداث بنای بر قبور، سیره عملی مسلمین در طول تاریخ بوده و هرگز مورد اعتراض هیچ یک از صحابه و تابعین تا این زمان واقع نشده است و تنها گروهکی به نام وهابیون، در عمل و گفتار با این کار مخالفت نموده‌اند. اکنون به نمونه‌هایی که در این مورد از احادیث استخراج شده است، توجّه فرمایید:
1. ابو جعفر گفته است: «فاطمه زهرا علیها السلام، قبر حمزه را زیارت می‌کرد و آن را تعمیر و اصلاح می‌نمود و با سنگ، علامتگذاری کرده بود». (6)
2. بخاری در صحیح خود روایت کرده است: «بعد از وفات حسن بن حسن بن

1- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 319.

2- سوره مریم، آیه 57.

3- آیین وهابیت، ص 49.

4- سوره بقره، آیه 127.

5- الکشّاف، ج 3، ص 242.

6- وفاء الوفاء، ج 3، ص 932. «إنّ فاطمة علیها السلام کانت تزور قبر حمزة ترمه وتصلحه وقد تعلمته بالحجر».

علی علیه السلام همسر او تا یک سال قبّه‌ای بر قبر او زد و به عزاداری پرداخت». (1) 3. انس می‌گوید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبر عثمان بن مظعون را با صخره‌ای علامت‌گذاری کرد». (2) 4. ابن شهاب می‌گوید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سنگ تراشیده‌ای را به عنوان علامت بر قبر عثمان بن مظعون قرار داد و چون معاویه، مروان را والی مدینه کرد، او آن سنگ را از قبر عثمان بن مظعون به قبر عثمان بن عفان انتقال داد».

آری! از این نمونه‌ها در احادیث و تاریخ بسیار است و همه بیانگر این معناست که در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین، تعمیر قبور در حدّ و وضع اقتصادی آن زمان معمول بوده است و این‌که قبور انبیا و اولیای الهی، دارای دیوار و یا سقفی باشد، امر منکری نبوده است. همچنین خود آنها در مواردی به چنین کاری اقدام می‌کردند و آن را نوعی تعظیم و تکریم برای اولیای الهی می‌دانستند. حال با توجه به ادله شرعی از آیات قرآن و سیره مسلمین، نه تنها به جواز ساختن بارگاه و ضریح بر قبور اهل بیت علیهم السلام، بلکه به استحباب آن پی می‌بریم.

ب. پاسخ به شبهه موقوفه بودن زمین بقیع

از جمله ادّعاهایی که وهابیان برای توجیه تخریب قبور ائمه بقیع دارند، این است که می‌گویند: زمین بقیع موقوفه است و این بناها مخالف با نظر واقف است؛ پس باید ولی امر مسلمین آنها را خراب کند. در پاسخ می‌گوییم:
اولاً در هیچ کتابی، حدیثی یا تاریخی اشاره نشده که زمین بقیع موقوفه است، خصوصاً آن‌که زمین حجاز و مدینه، چندان ارزشی نداشته که کسی آن را وقف نماید. (3)

1- صحیح البخاری، ج 7، کتاب الجنائز، ص 112. «لمّا مات الحسن بن الحسنُ بن علی ضَرَبت إمرأتُه القُبّة علی القبر سَنَة ...».

2- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 914. «إنّ رسول اللّٰه جعل أسفل مهراس علاقه علی قبر عثمان بن مظعون لیدفن الناس حوله فلما استعمل معاویة مروان بن الحکم علی المدینة حمل المهراس علی قبر عثمان».

3- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 330.

ثانیاً «بنا بر نقل سمهودی، بقعه‌ای که در بر گیرنده اجساد ائمه طاهرین در بقیع است، خانه شخصی عقیل بن ابی طالب بوده است. لذا سمهودی می‌گوید: عبّاس بن عبدالمطلب کنار قبر فاطمه بنت اسد بن هاشم در اوّل مقابر بنی هاشم در خانه عقیل دفن شد». (1) حال با این وضع آیا می‌توان به صرف ادعای وقف، بنای بر قبور اولیای الهی را خراب نمود؟!

ج. بررسی روایات نهی

در قسمت ایرادهای وهابیون دیدیم که یکی از ایرادهای آنها، استدلال به برخی از روایات کرده‌اند که آن روایات را دلیلی بر حرمت تعمیر قبور انبیا و اولیا دانسته‌اند.

در پاسخ می‌گوییم: این روایات از لحاظ سند ضعیف هستند؛ زیرا در سند حدیث اول، افرادی قرار دارند که در کتب رجال ذم شده‌اند، مانند «وکیع» که ابن حَجر درباره او از احمد بن حنبل نقل می‌کند که وکیع در پانصد حدیث اشتباه کرده (2) و نیز مانند حبیب بن ابی ثابت که باز ابن حجر از ابو حیان نقل می‌کند که او در حدیث تدلیس می‌کرد. (3) ضمناً در تمام کتب احادیث از ابوالهیاج حدیثی جز این یک حدیث نقل نشده است. (4) در سند حدیث دوم نیز افراد مذمومی قرار گرفته‌اند، مانند ابن جریح که احمد بن حنبل می‌گوید: او احادیث منکر، نقل کرده است. (5) مالک بن انس در شأن او می‌گوید:

ابن جریح مانند کسی است که در شب، به دنبال جمع هیزم است. کنایه از این‌که هر نوع حدیثی را نقل می‌کند. (6) و مانند ابوالزبیر که ذهبی از ابو زرعه و ابو حاتم نقل می‌کند که با حدیث او نمی‌توان احتجاج کرد و از افراد دیگری نقل می‌کند که او تدلیس می‌کرد. (7)

1- وفاء الوفاء، ج 2، ص 96.

2- تهذیب التهذیب، ج 11، ص 125.

3- همان، ج 3، ص 179.

4- حاشیه سیوطی بر سنن النسائی، ج 4، ص 89.

5- تهذیب التهذیب، ج 6، ص 406.

6- همان، ص 404.

7- تذکرة الحفاظ، ج 1، ص 127.

در سند حدیث سوم ابن لهیعه است که ذهبی می‌گوید: با حدیث او نمی‌توان احتجاج کرد. (1) و نیز از ابن مُعین نقل کرده که او ضعیف است و به احادیثش احتجاج نمی‌شود. (2) اکنون ما از ضعف سند این احادیث، به خاطر ورود آنها در کتب صحاح صرف‌نظر می‌کنیم و درباره دلالت آنها سخن می‌گوییم: حدیث ابوالهیاج «مربوط به هدم و خراب کردن قبور همه عالم نیست؛ بلکه مورد خاصی بوده که حضرت او را مأمور به آن کرده است. شاید برخی از قبور مشرکین بوده که مورد پرستش آنان قرار گرفته بوده است و بر فرض که مطلق قبور بوده، چه ربطی به قبور انبیای الهی دارد که به جهت توجه مردم به خدا از طریق آنان و اقامه شعایر الهی، بدون هیچ توجه شرک‌آلود به آنان بنا شده است». (3) «همچنین اهل لغت و عرف به این نکته توجه کرده‌اند که ماده تسویه، در صورتی که قرین مساوی با او ذکر نشود، به معنای صاف کردن آن است فی نفسه. و این حدیث این چنین است؛ زیرا در آن نیامده که آن را مثلاً با زمین مساوی کنید پس معنای آن این است که هر قبری که به مانند کوهان شتر است، آن را صاف کن». (4) زیرا در روایات آمده که تمام قبور شهدا همانند سنام و کوهان شتر بوده است. (5) لذا بعد از آوردن این دلایل در می‌یابیم که اگر حرام بودن احداث و تعمیر قبور شامل قبور انبیا و اولیا هم می‌شد و این مسأله از مسلّمات اسلام بود، هرگز سیره مسلمین بر ساختن بنا روی قبور آنان، جاری نمی‌شد و این امر واضحی است.

3. برگزاری نماز و دعا نزد قبور اولیای الهی

اشاره

همان‌طور که در گذشته بیان شد، وهابیان خواندن نماز و دعا را نزد قبور اهل بیت علیهم السلام نه تنها ممنوع دانسته‌اند، بلکه این مسأله را از مرحله ممنوعیت به مرحله شرک

1- همان، ص 239.

2- میزان الاعتدال، ج 2، ص 476.

3- شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج 2، ص 327.

4- همان.

5- کنز العمال، ج 15، ص 736، ح 42932.

رسانده‌اند و برای اثبات عقایدشان فتاوایی را نقل کرده‌اند. در این قسمت به بررسی آن فتاوا می‌پردازیم، و سپس جواز بلکه رجحان آن را با گواهی از کتاب و سنّت، به اثبات می‌رسانیم.
در ابتدا باید یادآور شویم که انگیزه مسلمانان از گزاردن نماز و دعا نزد قبور اولیا، به هیچ عنوان چنین نمی‌باشد که قبر آن بزرگواران را قبله قرار داده و به سوی آن نماز بخوانند که با این عمل شرک به حساب آید و در واقع این خود تهمتی بس بزرگ است به مسلمانان به خصوص شیعیان.
زیرا هیچ مسلمان و هیچ شیعه امامیه‌ای رو به سوی هیچ قبری هرگز نماز نمی‌گزارد و هر جا که نماز بگزارد، چنانچه بخواهد نیت را بر زبان آورد می‌گوید: نماز می‌خوانم «قربة إلی اللّٰه» و هرگز به ذهن‌شان خطور نمی‌کند که- العیاذ باللّٰه- «نماز می‌خوانم قربة إلی صاحب القبة». همچنین هنگامی که آنها نماز زیارت می‌خوانند «قربة الی اللّٰه» نیت می‌کنند و سپس ثواب آن را به صاحب قبر، هدیه می‌کنند. واقعاً چگونه می‌توان مسلمان بود و قبله را کعبه دانست، آن‌گاه قبری یا جایی را قبله قرار داد!
مؤید این مطلب را کافی است در دعاهایی که بعد از نماز زیارات اهل بیت علیهم السلام آمده جست‌وجو نماییم. همان‌گونه که مثلاً در دعای بعد از نماز زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است:
«اللهمّ إنّی صلّیتُ ورکعتُ وسجدتُ لک وحدک لا شریک لک لأنّ الصّلوة والرّکوع والسّجود لا یکون إلا لک ... اللهمّ وهاتان الرّکعتان هدیة منّی الی مولای الحسین بن علی علیهما السلام». (1)
بنابر این اندیشه شرک از طرف وهابیان، پنداری بیش نخواهد بود. زیرا این مسأله زمانی شرک خواهد بود که کسی در نزد قبور، بر صاحب قبر نماز بگزارد و او را بپرستد، یا او را قبله خود قرار دهد، که به طور مسلّم این عمل شرک خواهد بود. این در حالی است که «انگیزه مسلمانان از گزاردن نماز و دعا نزد قبور اولیا، همان اندیشه تبرک به مکانی است که محبوب خدا در آن‌جا به خاک سپرده شده است و تصوّر

1- مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام.

می‌کنند که چون آن مکان، به خاطر در بر گرفتن جسد عزیزی از عزیزان خدا از شرافت خاصی برخوردار است، در نتیجه عمل‌شان ثواب بیشتری خواهد داشت». (1)

1. درباره مدفن اصحاب کهف قرآن چنین می‌فرماید: «لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»؛ (2)
ما مدفن آنان را مسجد قرار می‌دهیم. زمخشری در تفسیر آیه مذکور چنین می‌گوید:
«یصلّی فیه المسلمون ویتبرّکون بمکانهم»؛ (3)
هدف از مسجد قرار دادن مدفن آنان، جز این نبود که فرایض خود را در آن‌جا انجام بدهند. به اصطلاح در آن‌جا به نماز و نیایش بپردازند. مطمئناً آنان این چنین تصور می‌کردند که این مکان با در نظر گرفتن اجساد بندگان صالح خدا، فضیلت خاصی دارد و باید از فضیلت این مکان خاص، تبرک بجوییم و ثواب بیشتری را کسب نماییم.
لازم به تذکر است که قرآن این مطلب را از گروه موحد نقل می‌کند و در برابر آن سکوت می‌کند. اگر چنانچه این کار، یک عمل خلافی بود، هرگز قرآن در برابر آن سکوت نمی‌کرد؛ این خود دلیل بر مشروعیت عمل و پیشنهاد آنان است.
2. قرآن کریم به حجاج امر می‌کند که «نزد مقام ابراهیم علیه السلام» (4) نماز بجای آورند.
چنانچه می‌فرماید: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِيمَ مُصَلًّى»؛ (5)
و به یاد آور زمانی که کعبه را مقام امن و مرجع امر دین گردانیدیم و امر شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید. از این آیه قطعاً فهمیده می‌شود دستور خداوند برای عبادت کردن و نماز خواندن در این مکان به خاطر فضیلت و شرافتی است که این نقطه دارد و نماز خواندن در این مکان برای تبرک به مقام ابراهیم علیه السلام است.

1- آیین وهابیت، ص 137.

2- سوره کهف، آیه 21.

3- الکشاف، ذیل آیه 21 سوره کهف.

4- مقام ابراهیم علیه السلام همان صخره‌ای است که آن حضرت، روی آن

برای ساختن کعبه می‌ایستاده است.

5- سوره بقره، آیه 125.

وقتی قیام و ایستادن ابراهیم علیه السلام در نقطه‌ای موجب شرافت و مبارکی آن‌جا می‌گردد، آیا دفن اجساد شهیدان راه حق و مردان با فضیلت، مایه شرافت و فضیلت نمی‌گردد، و طبعاً نماز در آن‌جا از قداست بیشتری و نیز دعا از استجابت بهتری برخوردار نمی‌شود؟

در باب جواز خواندن نماز و دعا نزد قبور اولیای الهی احادیث و روایاتی بس معدود به چشم می‌خورد. در این‌جا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. سیوطی در باب احادیث معراج می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مدینه، طور سینا و بیت اللحم شد و در آن مکان‌ها نماز گزارد. جبرئیل به او عرض کرد: ای رسول خدا! آیا می‌دانی کجا نماز می‌گزاری؟ تو در شهر طیبی نماز خواندنی که هجرتت به سوی آن بود، تو در طور سینا نماز گزاردی؛ مکانی که خداوند با موسی سخن گفت، تو در بیت اللحم نماز گزاردی؛ مکانی که عیسی متولد شد. (1) آری! طور سینا به دلیل سخن گفتن خداوند با حضرت موسی علیه السلام و بیت اللحم به دلیل ولادت حضرت عیسی علیه السلام دارای فضیلت و قداست خاص شده است. حال از نظر فضیلت بین زادگاه و مقبره چه فرقی می‌تواند باشد؟ از این حدیث استفاده می‌شود که نماز گزاردن در نقاطی که با بدن پیامبر صلی الله علیه و آله تماس داشته است، دارای فضیلت خاصّی می‌باشد.

2. اگر نماز خواندن در کنار قبر اشکال دارد، چرا دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله که به حکم احادیث صحاح خشنودی او، خشنودی خدا و رسول او و نیز خشم او، خشم خدا و رسول اوست، هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حمزه می‌رفت و در کنار قبر نماز بجا می‌آورد و گریه می‌کرد:

«کانت فاطمة تزور قبر عمّها حمزة کُلَّ جمعة فتُصلّی وتبکی عنده». (2)

1- الخصائص الکبری، ج 1، ص 154.

2- سنن الکبری، ج 4، ص 78.

به راستی اگر مدفن پیامبر صلی الله علیه و آله شرافت خاصی ندارد، چرا عایشه تا آخر عمر در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به زندگی خود ادامه داد و در آن‌جا نماز بپا داشت؟ چرا شیخین اصرار کردند که جنازه آنان را در آن نقطه دفن کنند؟

این دلایل- به ضمیمه سیره مسلمین که پیوسته در مکان‌های مقدس که اولیا و بزرگان الهی به خاک سپرده شده‌اند، نماز می‌گزارند و به دعا و عبادت می‌پردازند-، می‌رساند که نماز و دعا در کنار قبور این عزیزان و بزرگواران، نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه با توجه به فضیلت و شرافت بسیار زیادی که این قبور دارد، دارای ارزش و ثواب بالاتری نیز می‌باشد و هدف جز این نمی‌باشد که از آن محل، تبرک جسته و عمل خود را در محلی انجام دهند که مورد توجه خداست.

4. تبرک و استشفا به آثار اهل بیت

اشاره

همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، یکی از راه‌های اظهار محبت به اولیای خدا و پاکان و مقربان درگاه او، زیارت قبور ایشان می‌باشد. اما در این گفتار می‌خواهیم با یکی دیگر از راه‌های اظهار محبت به اولیای الهی آشنا شویم که شارع مقدس هم از آن نهی نکرده است، و آن تبرک‌جویی از آثار و نشانه‌های آنان و احترام به هر چیزی است که انسان را به یاد آنها می‌اندازد.
نظر به این‌که وهابیان تبرک جستن به آثار اولیا را شرک می‌دانند و کسی که محراب و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله را ببوسد، مشرک می‌خوانند و در این نظریه فتاوایی را بیان کردند، اکنون ما در پاسخ به ایرادهای آنان بحثمان را در این قسمت بر روی بررسی آیات، روایات و سیره مسلمین متمرکز می‌کنیم:

تبرک در آیات

کلمه برکت در قرآن، با الفاظ گوناگونی به کار رفته است؛ که خداوند به جهات خاصّی برخی از اشخاص، یا مکان‌ها و یا زمان‌ها را برکت افاضه کرده است.

الف. برکت در اشخاص: 1. خداوند درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَ جَعَلَنِی مُبَارَکاً أَیْنَ مَا کُنتُ وَ أَوْصنِی بِالصَّلَوةِ وَ الزَّکَوةِ مَا دُمْتُ حَیًّا»؛ (1)
و مرا هر جا باشم برای جهانیان مایه رحمت و برکت گردانید و تا زنده‌ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد.
2. همچنین درباره اهل بیت پیامبرمان علیهم السلام یا اهل بیت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:
«رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکتُهُو عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُو حَمِیدٌ مَّجِیدٌ»؛ (2)
رحمت و برکات خدا، مخصوص شما اهل بیت رسالت است؛ زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگوار است.
ب. برکت در زمان و مکان: 1. خداوند متعال راجع به مکه مکرمه می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکاً وَهُدًی لِّلْعلَمِینَ»؛ (3)
همانا اولین خانه‌ای که برای مکان عبادت مردم بنا شده، مکه است که در آن، برکت و هدایت خلایق است.
2. درباره شب قدر می‌فرماید: «إِنَّآ أَنزَلْنهُ فِی لَیْلَةٍ مُّبرَکَةٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِینَ»؛ (4)
که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، زیرا که ما هشداردهنده بودیم.

تبرک در روایات

با مراجعه به روایات، با طیف بسیاری از کلمات گهربار نبوی و اهل بیت علیهم السلام مواجه می‌شویم که سخن از تبرک به میان آورده و محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله را اشخاص مبارک معرفی نموده‌اند:
1. پیامبر صلی الله علیه و آله در کیفیت صلوات، چنین دستور داده که بگویید: «اللهمّ صلّ علی محمّد وعلی آل محمّد کما صلّیت علی إبراهیم، وبارک علی محمد وعلی آل محمد، کما بارکت علی إبراهیم فی العالمین إنّک حمیدٌ مجید والسلام کما قد علمتهم». (5) 2. در صحیح بخاری در کیفیت صلوات به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «اللهم صلّ علی محمد عبدک ورسولک کما صلّیت علی ابراهیم وبارک علی محمد وآل

1- سوره مریم، آیه 31.

2- سوره هود، آیه 73.

3- سوره آل عمران، آیه 96.

4- سوره دخان، آیه 3.

5- صحیح مسلم، کتاب الصلوة، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله بعد التشهد، ج 1، ص 350، ح 65.

محمد كما باركت على ابراهيم». (1)

وقتی در این باب به سیره مسلمین مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم صحابه نه تنها در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه بعد از وفات آن حضرت هم از ایشان تبرک می‌جستند و خود را به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله متبرک می‌کردند.

الف. سیره صحابه در تبرک به پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش:

1. عایشه نقل می‌کند:

صحابه دائماً فرزندان خود را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آوردند تا آنان را تحنیک کرده (2) و مبارک گرداند. (3) 2. عون بن ابی جحیفه از پدرش نقل می‌کند که پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و او در خیمه‌ای از پوست دباغی شده، قرار داشت و بلال را دیدم که آب وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌گیرد.

مردم به آب وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شتابند. هر کس از آن آب می‌گیرد، آن را بر سر خود می‌کشد و هر کس که نمی‌تواند از آن آب بگیرد، از رطوبت دست رفیقش اخذ می‌کند. (4) 3. از ابراهیم بن عبدالرحمن نقل شده که «او دیده است که ابن عمر دست خود را به محل نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر، قرار می‌داد، سپس آن را بر صورت خود می‌کشید. (5) ب. تبرک صحابه و تابعین به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله: 1. بخاری در صحیح بابی را به این مضمون ذکر کرده است: «آنچه از زره، عصا، شمشیر، ظرف، انگشتر، مو، کفش و ... از چیزهایی که صحابه و دیگران به آنها بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تبرک می‌جستند». (6) 2. از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده که «چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفن شد، فاطمه آمد و

1- صحیح البخاری، ج 6، ص 218؛ کتاب التفسیر، تفسیر سوره احزاب.

2- تحنیک، عبارت است از اولین خوردنی که به طفل می‌خورانند از تربت یا چیز دیگری.

3- مسند احمد، ج 7، ص 303، ح 25243.

4- صحیح البخاری، ج 7، ص 238، ح 77.

5- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1404.

6- صحيح بخارى، ج 4، ص 184. «باب من ذكر من درع النبى صلى الله عليه و آله وعصاه وسيفه وقدمه وخاتمه وما استعمل الخلفاء بعده ...».

مقابل قبر ایستاد و مشتی از خاک قبر را گرفت و بر چشمانش نهاد و گریه کرد». (1) 3. عبداللّه بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم درباره مردی پرسیدم که منبر پیامبر خدا را مسّ می‌کند و از آن تبرک می‌جوید و آن را می‌بوسد و با قبر نیز همین گونه رفتار می‌کند و این کارها را به امید ثواب خدا انجام می‌دهد. گفت: اشکالی ندارد. (2) از مجموع این احادیث، روشن می‌شود که تبرک جویی از آثار انبیا و اولیای خدا در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین، امر معمول و مرسومی بوده و هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب از آن، نهی نکرده‌اند و این یک نوع تکریم و تعظیم و احترام نسبت به آنان بوده است.

در واقع هدف اصلی ما در این قسمت از نوشتار این است که ثابت کنیم مسأله تبرک جستن، یک مسأله عمومی و مسلّم است. حال با توجه به آیات قرآن و احادیث و سیره صحابه، چرا یک گروه کج فکر به عنوان شرک، مانع بوسیدن دیوار مسجد یا قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شوند؟ آنان چه دلیلی از قرآن و حدیث دارند؟ ولی الحمدللّه ما صدها حدیث در این زمینه از کتاب‌های معتبر اهل سنت داریم. ای کاش به جای این‌که در شرکِ تبرک به بهترین افراد اهل توحید، وسوسه کنند، کمی در فکر خود تجدید نظر می‌کردند که شرک چیست؟

1. ترسیدن از شیطان‌ها و ابرقدرت‌ها شرک است. (3) 2. خودخواهی و خودپرستی‌ها و پیروی از هوس‌ها شرک است. (4) 3. ایجاد تفرقه در مکتب اسلام و مسلمین شرک است. (5)

1- وفاء الوفاء، ج 4، ص 1405. عن علی علیه السلام: «لما رمس رسول اللّه صلی الله علیه و آله جائت فاطمه فوقفت علی قبره وأخذت قبضه من تراب القبر ووضعت علی عینیها وبکت».

2- همان. «سألت ابی عن الرجل یمسّ منبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله ویتبرّک بمسه ویقبله ویفعل بالقبر مثل ذلک رجاء ثواب اللّه تعالی. قال: لا بأس به».

3- سوره انعام، آیه 121. «وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّکُمْ لَمُشْرِکُونَ»؛ اگر از شیطان‌ها فرمانبری کنید، حتماً مشرک هستید.

4- سوره جاثیه، آیه 23. «أَفَرَءَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَوَلهُ ...».

5- سوره روم، آیات 32 و 31. «وَ لَاتَكُونُواْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ ...».

پس با توجه به مطالب یاد شده، در می‌یابیم که اساس بوسیدن قبر و ضریح و در و دیوار مشاهد مشرفه را محبوبیت و دوستی صاحب قبر و تبرک جستن به چیزی که مربوط به اولیای الهی را تشکیل می‌دهد و بر خلاف آنچه توهم شده، پرستش صاحب قبر نبوده و شرک نیست.
آری! به همین دلیل است که مسلمانان و شیعیان چون عشق و علاقه زیادی به اولیای الهی دارند و دسترسی به شخص آنها ندارند، قبر و ضریح و در و دیوار و بالأخره هر چه را متعلق به آن است می‌بوسند.

تأثیرات زیارت

روح زیارت، ارتباط و اتصال زایر با مزور است و این ارتباط زنده، مؤثر و حیاتبخش است. اکنون باید دید برقراری این رابطه، چه پیامدهایی دارد و آثار و لوازم آن چیست؟ تنها راه ارتباط و باب ملاقات با خداوند متعال، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند: «اللهمّ إنّی لا أجد سبیلا إلیک سواهم»؛ (1) بارالها جز راه اهل بیت طریقی به سوی تو نمی‌یابم. همچنین برای تحصیل آمادگی در محضر ربوبی و تشرف به حرم الهی، تنها راه اهل بیتند که باب ارتباط الهی هستند.

توجه و تذکر مدام به این نکته مهم و باور ایمانی موجب می‌شود که زایر همه اعمال و گفتارها را بر مبنای این اعتقاد پایه‌ریزی کند و شخصیت مزور یعنی اهل بیت علیهم السلام را زنده و دارای همه آثار و توابع حیاتی بداند و دقیقاً همه رفتاری که در حال حیات و حضور آنان، مناسب است انجام شود، عیناً در حال غیبت و ممات ظاهری انجام دهد. (2) پس با توجه به حقیقت مطالب بالا می‌توان به خوبی دریافت که آنچه راه وصول به جلوه‌ها و مظاهر الهی و در پرتو آن، قرب به حق و توحید را تأمین می‌کند، تنها همین طریق اهل بیت علیهم السلام است و بدون این طریق راهی نیست و هیچ کمال انسانی و الهی

1- بحار الانوار، ج 97، ص 162.

2- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 41.

جز از این راه حاصل نمی‌شود: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقّ إِلَّا الضَّللُ»؛ (1)
پس بعد از حق، چیزی جز گمراهی نیست.
زیارت، تفسیر این ارتباط و تبیین آن اتصال است. همان‌طور که ایجاد و تحکیم این رابطه، موجب خردمندی در دنیاست: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ الْأَلْبَبِ»، (2)
سبب نیکبختی در آخرت نیز هست. «لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ».
بنابر این زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، آثاری را به دنبال دارد که اعم از آثار دنیوی و اخروی است. گر چه بیان کردن آن همه عظمت از آثار زیارت، کاری بس عظیم و دشوار است و از عهده این نوشتار خارج است؛ اما با همه اینها با عنایت و الطاف الهی برای تبرک، به چندی از آنها اشاره می‌کنیم.
حضور در کنار قبور اولیای الهی و بندگان صالح خداوند متعال، انسان را به یاد ارزش‌ها و اصالت‌ها و فضیلت‌ها و تعلیماتی می‌اندازد که این بندگان شایسته الهی، همواره منادی آن بوده‌اند.
1. ادای حقوق اولیای الهی: بی تردید اولیای الهی که با رنج و زحمت فراوان و همچنین با خون‌هایی که نثار مکتب اسلام کردند، حقوقی خاص بر گردن ما(که خود را پیروان و دوستان ایشان می‌خوانیم) دارند که بخشی از این حقوق، مقتضی زیارت ایشان بعد از فوتشان است. چنانچه امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «همانا برای هر امامی، عهدی بر گردن اولیا و دوستان اوست و از تمام وفای به عهد و حسن ادای آن، زیارت قبور آنهاست. (3) 2. دعا برای اولیای الهی: این سلوک، یکی از روش‌های بلند اخلاقی است که بر حفظ کرامت اولیای الهی، حتی بعد از وفاتش دلالت دارد. علاوه بر آن روحیه محبت، دوستی و ادای حقوق آنها را نیز زنده می‌کند. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما را از زیارت

1- سوره یونس، آیه 32.

2- سوره رعد، آیه 19.

3- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 79 و 78، ح 3.

قبور نهی کردم، ولی بعد از این، قبرها را زیارت کنید و برای آنها دعا و استغفار نمایید. (1) 3. زیارت اولیای الهی یعنی ارزیابی: «در زیارت همین که انسان در برابر کامل قرار گرفت و خود را با آن بزرگواران که به حق میزان انسانیت هستند، مقایسه کرده، متوجه فاصله‌ها می‌شود آنها کجا بودند و ما کجا هستیم». (2) این‌جاست که احساس شرمندگی کرده و سعی بر آن داریم که این فاصله‌ها را به وسیله تقرب به ذات احدیت و اولیای الهی، کم‌تر نماییم تا بتوانیم خود را در طریق آنها قرار داده و آنها را در سر لوحه کردار و رفتار در زندگی خویش قرار دهیم. از این رو است که در زیارتنامه‌ها می‌خوانیم و از خدا می‌خواهیم که ما را در زمره آنها قرار دهد.

4. هشدار به ستمگران: در واقع ستمگران تاریخ، با ریختن خون اولیای الهی و زندانی و تبعید کردن آنها، می‌خواستند آن بزرگواران را به دستِ فراموشی بسپارند و حضور پر شور و هر چه بهتر مردم بر مزار ایشان، مُشت محکمی است بر دهان ستمگران، عکس العملی است تا خیال نشود با شهید کردن می‌توان فکر و هدف آنان را هم محو نمود. در زیارتنامه‌ها بر ستمگران تاریخ، انواع نفرین‌ها و لعنت‌ها شده است و به همین دلیل بود که سال‌ها از رفتن به کربلا جلوگیری می‌شد. چون کربلا جغرافی نیست؛ تاریخ نیست؛ شهر نیست؛ کتابخانه نیست؛ زمین نیست. زمینه است؛ مکتب است؛ اندیشه است؛ حزب است. این شهر جماد نیست؛ بلکه پیام است.

مسافرت به کربلا، مبارزه با طاغوت است؛ و زیارتنامه‌ها، قطعنامه و مرامنامه است؛ اشک‌ها تیرهاست؛ ناله‌ها، فریادهاست. (3) 5. یاد مرگ و آخرت: یکی دیگر از آثار تربیتی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که بالتبع مهم‌ترین اثر زیارتی به شمار می‌رود، یادآوری عالم آخرت است. زیرا زیارت قبور پرده‌های غفلت را کنار زده و به انسان فرصت می‌دهد که درباره مرگ و عالم آخرت

1- المعجم الکبیر، ج 2، ص 94، ح 1419؛ مجمع الزوائد، ج 3، ص 58.

2- روزنامه اطلاعات، سال 1370، ص 3، مورخ 22 خرداد.

3- همان.

بیندیشد و روز قیامت را به یاد آورد.
یادآوری عالم آخرت و روز جزا، در تقویت ایمان و عمل به دستورات الهی و دوری از گناهان، انگیزه بسیار نیرومندی است و انبیا و اولیا همیشه با یاد آخرت زندگی می‌کردند. چنانچه خداوند در قرآن کریم از ابراهیم و اسحاق و یعقوب- سه تن از پیامبران عالی قدر- نام می‌برد و در مقام تعریف از آنها می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ عِبدَنَآ إِبْرَ هِیمَ وَ إِسْحقَ وَیَعْقُوبَ أُوْلِی الْأَیْدِی وَ الْأَبْصرِ* إِنَّآ أَخْلَصْنهُم بِخَالِصَةٍ ذِکْرَی الدَّارِ»؛ (1)
به یادآور بندگان خاص ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که صاحبان دست‌ها و دیده‌ها بودند. ما آنها را به این ویژگی مخصوص‌شان کردیم که آخرت را یاد می‌کردند.
چنانچه احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد نقل شده است که همه بیانگر اهمیت این مسأله است؛ زیرا انسان را به یاد آخرت می‌اندازد و باعث عبرت‌آموزی است. در این‌جا به یک نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: انس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«کنت نهیتم عن زیارة القبور ألا فزوروها فإنّها ترقّ القلب وتدمع العین وتذکّر الآخرة ولا تقولوا هجراً»؛ (2) شما را از زیارت قبور، نهی کرده بودم؛ از این پس قبرها را زیارت کنید که قلب را نرم و چشم را گریان می‌کند و آخرت را به یاد شما می‌آورد. اما در آن‌جا سخن بیهوده نگویید.
لذا به خاطر همین آثار تربیتی و معنوی است که از نظر اسلام، زیارت قبور یکی از مستحبات به شمار آمده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن دستور داده است و خود، به زیارت قبور می‌رفت و آداب زیارت و کیفیت سلام دادن به اموات را به اصحاب خود تعلیم می‌کرد.

نتیجه

اسلام به عنوان یک مکتب جامع و مترقی، در طریق پیشبرد اهداف و ایجاد زمینه تلاش و سازندگی، برنامه‌های مختلفی را منظور داشته که از هر جهت، سازنده و

1- سوره ص، آیه 45- 46.

2- کنز العمال، ج 15، ص 646؛ سنن الترمذی، ج 3، ص 370.

آموزنده است. زیرا اسلام به اهداف عالی که همان رسیدن به مقصد اصلی یعنی کمال می‌باشد، ارزش بس والایی قایل است و لذا باید زمینه حرکت و جنبش و مسیر به سوی مقصد، بر اساس این برنامه‌های مورد نظر باشد.

در این رهگذر، زیارت یکی از برنامه‌های مهم و مورد نظر اسلام است که خود، یک شاخصه مهم در بحث برنامه عبادی و سیاسی آن، به شمار می‌رود.

بی‌شک مسلمانان که ایدئولوژی اسلامی را پذیرفته‌اند، زیارت به عنوان محور اصلی در بین برنامه‌های مختلف و متنوع اسلام باور داشته و به این مسأله مهم پافشاری می‌نمایند. به خصوص زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که همواره جایگاه ویژه‌ای در بین مسلمانان، خاصه شیعیان باز کرده است. این خود می‌تواند ریسمان محکم و مطمئنی باشد برای رسیدن به قله کمال بندگی. این ریسمان محکم را باید به عنوان وسیله محکم و مطمئنی به چنگ گرفته تا به صعودی موفقیت‌آمیز همراه با دلی آرام و قلبی مطمئن دست پیدا کنیم و این خود دست نایافتنی است مگر با تمسک به این ریسمان الهی. (1) به دنبال همین مسأه، اهداف و فلسفه زیارت را در این طریق مهم اشاره کردیم و بعد مشروعیت زیارت قبور را از نظر ادله شرعی به اثبات رسانیدیم که مبحث زیارت، هم در آیات قرآن به طور غیر مستقیم و در روایات و سیره صحابه نیز جایگاه خاصی داشته و دارد.

سپس دیدگاه وهابیان را که به طور عموم زیارت قبور را حرام می‌دانند، مورد نظر قرار داده و به برخی فتاوای آنها اشاره شد و دلایل آنها از این فتاوا و در کل عقایدشان نیز مورد اشاره قرار گرفت. آن‌گاه به بررسی فتاوا و همچنین عقاید آنها پرداخته شد.

چنانچه از نظر گذشت، وهابیان زیارت قبور را حتی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام را مورد اشکال قرار داده و بر این دیدگاه خود، به آیات و همچنین برخی احادیث رجوع کرده تا این مطلب خود را به اثبات برسانند. تمسک آنها در این مورد به این مطلب

1- سوره آل عمران، آیه 103. «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

است که می‌گویند: انبیا و اولیای الهی، بعد از مرگ، هیچ اراده و احاطه‌ای بر این دنیا نداشته و زندگی بعد از مرگ‌شان مانند دوران حیات‌شان نیست و با رفتن از این دنیا ارتباطشان کاملاً با اهل دنیا قطع می‌شود. آنها همچنین سفر به سوی زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام را حرام دانسته و فردی را که چنین کاری انجام دهد، مشرک می‌دانند. ما به دنبال این فتاوا، با استناد به آیات قرآن و احادیث اهل سنت و سیره صحابه به اثبات جواز و استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام پرداختیم. اشکال دیگر آنها، ساختن بنا و گنبد و ضریح بر روی قبور اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که ما به این اشکالات نیز پاسخ داده و بلکه فتاوای آنها را مورد ایراد قرار دادیم.
آنها می‌گویند: «نماز و دعا نزد قبور اهل بیت علیهم السلام شرک است» که ما در بررسی این نظریه، به چندی از آیات قرآن و روایات در سیره مسلمین استناد کرده و جواز این مطلب را به اثبات رسانیدیم. باز اشکال دیگری که آنها مورد توجه قرار داده و روی این اشکال پافشاری کرده‌اند. «تبرک و استشفا» به آثار اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که در این خصوص فتاوایی داده و از این طریق به اثبات عقایدشان پرداخته‌اند. در باب بررسی فتاوای آنها و اثبات جواز تبرک به آثار اولیای الهی، نه تنها به آیات و روایات مراجعه کردیم؛ بلکه تبرک را در سیره صحابه، هم در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین بعد از ممات ایشان مورد توجه قرار داده و حتی استحباب این امر را به اثبات رسانیدیم.
و در آخر، چشم‌اندازی داشتیم به تأثیرات بسیار زیبا و روح‌افزای زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام که به طور اجمالی آنها را مورد نظر قرار داده و به پایان رسانیدیم.

توصیه و پیشنهاد

شایان ذکر است با تمام اهمیت این مسأله و تأثیرات زیادی که زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام بر روی روح و روان انسان می‌گذارد و صیقل بخش روحیات و افکار زنگار گرفته انسان می‌باشد، اما با این حال می‌بینیم که بعضی از مسائل که باید در زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام مورد نظر و دقت باشد، به باب کم توجهی و یا اصلاً فراموشی و

غفلت سپرده می‌شود. گر چه استحباب زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام، برای ما امری ثابت شده می‌باشد و همچنین تأثیرات تربیتی آن را مهم و زندگی‌ساز می‌دانیم. اما با توجه به مسائل مهمی که باید در نظر گرفته شود، ولی همواره مورد غفلت قرار می‌گیرد و مطمئناً ثمرات بهره‌هایی که باید از زیارت به دست آید، حاصل نمی‌گردد.
چه خوب است در باب این مسأله مهم هم، زایران قبور اهل بیت علیهم السلام به تمام ضوابط و قوانین اسلامی اهمیت داده و آن را ملاک و مبنای واقعی در سر لوحه زیارت قرار دهند. به طور مثال، گاهی اوقات مشاهده می‌شود که بعضی از واجبات، فدای مستحبات می‌گردد و در نتیجه بعضی از امور واجب، کم کم جای خود را به مستحبات داده و اهمیت اعمال و مسائل واجب مورد سؤال قرار می‌گیرد. که این خود از جمله نکات و قوانین شرعی مهم است و باید بهتر و بیشتر مورد توجه زایران قرار گیرد.
یکی از نمونه‌های شایان توجه که ذکرش بسیار حایز اهمیت است، رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی در زیارتگاه‌هاست. اهمیت رعایت این مسأله تا بدان جا است که در باب زیارات، آدابی را برای ما بر شمرده‌اند تا با رعایت آن آداب، زیارتی مملو از صفا و صمیمیت، عشق، اخلاص و در نتیجه پربار داشته باشیم. گر چه در جهت رعایت ضوابط اسلامی اقداماتی صورت گرفته است، اما هنوز این مسأله به طور کامل در همه جا پیاده نشده و در نتیجه، آن تأثیرات لازمه‌ای که باید از زیارت به دست آید، حاصل نمی‌گردد.
جدا شدن محیط زن و مرد در زیارتگاه‌ها و رعایت پوشش اسلامی زنان و پوشاندن زینت‌ها و خودداری کردن از سر و صداها که بعضاً حرام و بعضاً مکروه است و رعایت سایر جهات شرعی و اخلاقی، از جمله مسائل مهمی است که باید هم مسئولین و هم افراد جامعه اسلامی دست به دست هم بکوشند که کاملاً ضوابط اسلامی در همه جای اجتماع، به ویژه در مزارها و زیارتگاه‌ها خاصه زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام رعایت گردد و در این جهت، با امر به معروف و نهی از منکر و دعوت همدیگر به خیر و توصیه یکدیگر به حق، اجتماعی اسلامی به وجود آورند.

فهرست منابع

1. آیین وهابیت، جعفر سبحانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
2. احیاء العلوم، محمد بن محمد الغزالی، بیروت، دار القلم.
3. اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ابی الحسن علی بن محمد الجزری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1417 ق/ 1996 م.
4. انوار التنزیل، حاشیه محیی الدّین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
5. ایده‌ها، عقیده‌ها، سید محمد شفیعی، بنیاد معارف اسلامی، چاپ عترت، 1379.
6. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، 1403 ق.
7. بررسی کوتاه پیرامون زیارت، سید محمد حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1364.
8. بزرگداشت اولیاء خدا، یعقوب جعفری، نشر مشعر، چاپ اول، 1372.
9. تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، بیروت، دار الکتاب العربی.
10. تاریخ نجد آلوسی، سید محمود آلوسی، مصر، بی نا، 1347 ق.
11. تذکرة الحفاظ، ابو عبداللّٰه شمس الدین محمد الذهبی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
12. تفسیر کشّاف، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دار الکتاب العربی، 1366.
13. تهذیب الاحکام، شیخ ابی جعفر محمد الحسن الطوسی، چاپخانه خورشید، دار الکتب الاسلامی، 1365.
14. تهذیب التهذیب، احمد بن علی، ابن حجر العسقلانی، بیروت، دار الفکر، 1404 ق.
15. تهذیب تاریخ دمشق، علی بن الحسن المعروف بابن عساکر، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، 1407 ق.

ص: 584

16. چرا؟ چرا؟ پرسش و پاسخ در مدینه منوره، علی عطایی اصفهانی، ویراستار: محمد فرقانی، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، 1383.
17. الخصائص الکبری، ابی الفضل جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر السیوطی، بی جا، دار الکتب العربی.
18. خصال، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی(صدوق)، تصحیح و تعلیق:
علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، 1416 ق.
19. الرد علی الافنائی، احمد بن عبد الحلیم الحرّانی(ابن تیمیه)، مصر، مطبعة السلفیه.
20. الروح، شمس الدین ابی عبداللّٰه بن قیم الجوزیّه، بیروت، مکتبة التربیة.
21. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، لابن الفضل شهاب الدین محمود الاوسی البغداد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1364 ق/ 1985 م.
22. زاد المعاد فی هدی خیر العباد، محمد بن ابی بکر معروف به ابن قیم جوزیه، بیروت، دار التراث لاحیاء العربی.
23. زیارت، جواد محدثی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1371.
24. سنن ابی داود، سلیمان بن الاشعث السجستانی، بیروت، دار الکتب العربی.
25. السنن الکبری، ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، افست، بیروت، دار المعرفه.
26. سنن النسائی، ابو عبدالرحمن نسائی، بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی، قاهره، دار الحدیث، 1407 ق/ 1987 م.
27. سنن الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی، تحقیق: احمد بن شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
28. سنن الدارمی، عبداللّٰه بن عبدالرحمن الدارمی السمرقندی، القاهره، دار الحدیث، 1420 ق/ 2000 م.
29. شلتوت الفتاوی، محمود شلتوت، دار الشروق، الطبعة الثانیة عشره، 1403 ق/ 1983 م.

30. شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر، چاپ اول، 1382.
31. صحیح ابن ماجه، ابو عبداللّٰه محمد یزید قزوینی معروف به ابن ماجه.
32. صحیح البخاری بشرح الکرمانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1401 ق/ 1981 م.
33. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج نیشابوری، بیروت، دار أحیاء التراث العربی.
34. غرر الحکم ودرر الکلم، سید حسین شیخ الاسلامی، انصاریان، قم، چاپ پنجم، 1376.
35. الفتاوی الکبری، تقی الدین ابن تیمیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
36. فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، مؤسسة انتشارات امیرکبیر، تهران، 1360.
37. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی جوادی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1383.
38. کتاب التوحید، محمد بن عبد الوهاب، بی جا، الدار العلمیه الکتاب الاسلامی، 1992 م- 1413 ق.
39. کتاب المصنّف فی الاحادیث والآثار، ابی‌بکر عبداللّٰه بن محمد بن ابی شیبة الکونی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
40. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة، 1405 ق/ 1985 م.
41. مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تحقیق: احمد حسینی، بنیاد بعثت، قم، 1414 ق.
42. مجمع الزوائد ومنهج الفوائد، نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1408 ق/ 1998 م.
43. مجموع فتاوای، عبدالعزیز بن عبداللّٰه ابن بارز، دار الوطن، المطبعه الاولی، 1416 ق.
44. المستدرک علی الصحیحین، ابوعبداللّٰه محمد حاکم نیشابوری، بیروت، دار المعرفه.
45. المسند، احمد بن حنبل، افست، بیروت، دار الفکر.
46. المعجم الکبیر، ابی القاسم سلیمان احمد الطبرانی، طبع شرکة معمل ومطبعة الزهر الحدیثة المحدوده.

ص: 586

47. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمی(م 1359 ق).
48. مفردات، حسين محمد راغب اصفهانی، دار احياء التراث العربی، بيروت، 1423 ق.
49. من لا يحضر الفقيه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسين بابويه قمی(صدوق) منشورات جماعة الدين فی الحوزة العلمية فی قم المدرسة.
50. منهاج السنّة النبويه، تقی الدين احمد بن محمد بن عبد الحليم الشهير بابن تيميه الحرّانی، بيروت، دار الكتب العلميه.
51. ميزان الاعتدال، ابو عبداللّه شمس الدين محمد الذهبی، بيروت، دار المعرفه، 1382 ق.
52. نقد و تحليلی بر وهابيگری، همايون همّتی، سازمان تبليغات اسلامی، چاپ اول، 1367.
53. نقدی بر انديشه وهابيان، سيد حسين موسوی قزوينی، ترجمه حسن طارمی، چاپ اول، 1366.
54. نيل الاوطار من اسرار منتقی الأخبار، محمد بن علی بن محمد الشوكانی، بيروت، دار الكتب الطيب.
55. وسائل الشيعه، محمد بن حسن حرّ العاملی، تحقيق: مؤسسه آل البيت، بيروت، دار احياء التراث العربی، 1414 ق.
56. وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، نور الدين علی بن احمد سمهودی، دار احياء التراث العربی، بيروت.
57. وهابيان، علی اصغر فقيهی، چاپ چهارم، 1377.

5. زیارت قبور از دیدگاه فقه تطبیقی

چکیده

دکتر محمدرضا بندرچی (1)
موضوع زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام و صالحان و مؤمنان، از جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و گفت و گو بین مذاهب اسلامی، به‌ویژه فرقه وهابیت بوده است. در بین اندیشمندان مذاهب اهل سنت فقط علمای حجاز هستند که چون تعالیم مذهبی آنها مبتنی بر عقاید فرقه وهابیت می‌باشد، از این رو هم ابنیه قبور مؤمنان را جایز نمی‌دانند و هم زیارت مراقد آنان را حرام و بدعت می‌شمردند. در میان مذاهب اسلامی، عالمان و فقیهان مذهب تشیع که آموزه‌های خود را مبتنی بر کتاب و سنت و عترت می‌دانند، با اتکا به نصوص بسیاری که در این زمینه وجود دارد، هم احداث بنا بر قبور امامان و صلحا و مؤمنین و هم زیارت آنها را جایز و بلکه مستحب دانسته و موجب ثواب می‌شمارند. مقاله حاضر عهده‌دار بررسی دیدگاه‌های مذاهب اربعه در مورد زیارت قبور مردان و زنان است.
کلیدواژه‌ها: زیارت قبور، مذاهب اربعه، وهابیت، اهل سنت.

مقدّمه

یکی از مسایلی که گفت‌وگوهای بسیاری بین مذاهب اسلامی، خصوصاً پیروان سایر فرق با طرفداران طریقه وهابیت ایجاد کرده و در قرون اخیر منشأ فتنه‌هایی شده است، موضوع زیارت قبور امامان و صلحا به طریقی که در فقه شیعه است می‌باشد.

1- استادیار دانشگاه.

طریقه امامیه که آموزه‌های خود را مبتنی بر کتاب و سنّت و عترت می‌داند، با اتکا به نصوص فراوانی که وجود دارد، هم احداث بنا بر قبور امامان و اهل بیت را جایز، بلکه مستحب می‌داند و هم زیارت آنها را برای همه مسلمانان موجب ثواب و برکت دنیا و آخرت می‌شمارد. پیروان سایر مذاهب اسلامی، اگرچه به شیوه امامیه معتقد نیستند، اما در عین حال به اتکای روایات نبوی صلی الله علیه و آله رویه امامیه را حرام نمی‌دانند، بلکه خود نیز زیارت قبور را جایز و در بعضی موارد مستحب می‌شمارند.
نمونه آن احداث بناهای مهم زیارتی در کشورهای اسلامی سنّی‌نشین مثل سوریه، اردن، مصر، ترکیه، پاکستان، افغانستان و غیره است که نه تنها از طرف علمای آن بلاد مورد انکار قرار نمی‌گیرد، بلکه زیارت آنها نیز تخطئه نشده است. و فقط علمای حجاز که آموزه‌های آنان مبتنی بر عقاید وهابیت است، هم بنای قبور را جایز نمی‌شمرند و هم زیارت آنها به کیفیت شیعی را حرام می‌دانند. در مقاله پیش رو، سعی داریم با بررسی نظرات و اقوال مذاهب اربعه سنّی و علمای آنها در مورد زیارت قبور، اثبات کنیم که اقدامات علمای وهّابی با آموزه‌های اهل سنت نیز مغایرت دارد و رفتارهای شیعیان در زیارت مقابر ائمه اطهار و اهل بیت آنان امری جایز است و با آموزه‌های دینی مغایرتی ندارد.

طرح بحث

با دقت در روایاتی که اهل سنّت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مجامع حدیثی خود نقل کرده‌اند، برمی‌آید که زیارت قبور مسلمانان و طلب آمرزش برای آنان در زمان رسول اللَّه صلی الله علیه و آله امری رایج بوده است و نه تنها خود آن بزرگوار اقدام به زیارت مقابر می‌نموده است، بلکه دیگر مسلمانان و پیروان خود را نیز بدین کار ترغیب می‌کرده است.
لازم به تذکر است که در ابتدای طلوع خورشید اسلام و بعثت مبارک نبی مکرّم صلی الله علیه و آله به علّت این که شبه جزیره عربستان، خصوصاً مکّه غرق در شرک و کفر و جاهلیت بود و مردم علی‌رغم شنیدن ندای توحید، به عادت گذشتگان سیر می‌کردند و رویه

تفاخر به مردگان از روش‌های مرسوم بود، به حدّی که سوره «أَلْهَلكُمُ التَّكَاثُرُ» در نفی این گونه عادات ناپسند نازل شد، لازم بود که مقام معظّم نبوی صلی الله علیه و آله برای مدّتی محدود مردم را از پرداختن به تکریم مردگان، به گونه‌ای که در بین اعراب جاهلی مرسوم بود بازدارد و آنان را به گرایش به تعالیم عالیه اسلام که مبتنی بر عدم بقای احدی جز ذات باری تعالی بود تشویق کند، تا آخرین پس‌مانده‌های شرک و کفر نیز در قلب‌های آنان بخشکد و برای کسی جز ذات احدیت اصالت قایل نشوند.
یکی از دانشوران سنّی مذهب ضمن تأیید مطالب مزبور، می‌نویسد: ابن عباس علت این نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را آن می‌داند که توحید در قلب‌های کفرزده آنان ریشه دوانده و بنای شرک از زمین دل آنان برافتد، ولی پس از این که این مصلحت حاصل شد و مردم به توحید و یگانه‌پرستی موفق شدند، زیارت قبور مسلمانان صالح جایز دانسته شد، چرا که باعث می‌شد مردم در ایمان خود پایدارتر شوند و با یاد بندگان صالح، ایمانی محکم‌تر یابند و بقای واقعی را در آخرت بدانند. پس نهی آن بنا بر مصلحتی و امر به آن هم مبتنی بر مصلحتی دیگر بوده است. (1)
بدین ترتیب است که بنابر نقل مجامع روایی اهل سنت در روایتی که صحیحه محسوب می‌شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:
«نَهَیتُکُم عَن زیارة القُبُور فَزُوروها فإنّ فی زِیارَتِها تذکرة ...». (2)
قبلاً شما را از زیارت قبرها نهی می‌کردم، اما از این پس می‌توانید آنها را زیارت کنید که در آن یادکرد است.
این روایت که بنابر سند مذکور آن در صحیح مسلم، از نظر علم حدیث مکتب اهل سنّت، مستندی محکم دارد، باعث شده است که اکثر دانشوران سنّی مذهب بدان استناد کرده و عمل نمایند و حتی گروهی از آنها حکم به استحباب زیارت قبور را نیز

1- معالم السنن فی شرح مختصر سنن ابی داود، ج 4، ص 394.

2- صحیح مسلم، ج 2، ص 672، کتاب الجنائز؛ سنن ترمذی، ج 3، ص 361، کتاب الجنائز؛ سنن ابی داود، ج 3، ص 218؛ شرح السنّه، ج 5، ص 462 و 463؛ مشکاة المصابیح، ج 1، ص 552؛ مرقاة المفاتیح، ج 4، ص 242.

استفاده کرده‌اند. (1) از این بالاتر، این است که عده‌ای از علمای آنان نیز حکم به وجوب زیارت داده‌اند. (2) گذشته از این روایت، احادیث دیگری نیز ذکر شده است که در آنها رسول اکرم صلی الله علیه و آله امّت را به زیارت مرقد خود تشویق کرده است و یا این که نحوه تشرّف به قبرستان بقیع را بدانان آموزش داده است. در کتب مهم روایی اهل سنت، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«مَن زارَ قبری وَجَبَت لَهُ شَفاعَتی». (3)

هر کس مزار مرا زیارت کند، واجب است که من از او شفاعت کنم.

بر این اساس علمایی مهم مثل ابن قدامه مقدسی که از اعاظم دانشمندان حنبلی مذهب است، ضمن نقل این روایت از سنن دارقطنی به استحباب زیارت قبر آن حضرت فتوا داده‌اند؛ علاوه بر آن روایتی نیز در صحاح آمده که متن آن چنین است:

«انّ النّبی صلی الله علیه و آله زار قبر امّه فی ألف مقنع یوم الفتح، فما روی باکیاً أکثر من ذلک الیوم». (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جنگ فتح، قبر مادرشان را در محلّ الف مقنع زیارت کرد، به طوری که گفته‌اند: کسی ایشان را تا آن روز این‌قدر گریان ندیده بود.

در روایت دیگری که مالک، مسلم، احمد بن حنبل و نسایی در کتاب‌های روایی خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، آمده است که آن حضرت به عایشه چنین تعلیم داد که هرگاه خواستی برای اهل قبور درخواست مغفرت کنی بگو: «السلام علی دیار من المؤمنین و المسلمین ...». (5)

1- مرقة المصابیح، ج 4، ص 248 و 249.

2- همان.

3- سنن دار قطنی، ج 2، ص 278، ح 19؛ کنزالعمال، ج 15، ص 651، ح 42582؛ الدرّ المنثور، ج 1، ص 237؛ المغنی والشرح الکبیر، ج 3، ص 599، ح 2748.

4- صحیح مسلم، ج 2، ص 671؛ سنن ابی داود، ج 3، ص 218؛ سنن نسائی، ج 4، ص 90؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 501؛ سنن بیهقی، ص 77.

5- موطأ، ج 1، ص 28- 30؛ صحيح مسلم، ج 2، ص 671، ح 974؛ مسند احمد بن حنبل، ج 2، ص 300 و 375 و 408 و ج 6، ص 71- 76؛ سنن ابى داود، ج 3، ص 219؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 494.

بررسی اقوال علمای مذاهب

الف. حنبلی‌ها

می‌دانیم که پیروان مذهب احمد بن حنبل از اکثریت عددی برخوردار نیستند، ولی مهم آن است که بیشتر مسلمانان عربستان و فرقه وهابیت در فروع فقهی از این فقیه پیروی می‌کنند، لذا بررسی اقوال علمای حنبلی مذهب در زمینه زیارت قبور، اهمیت خاصی دارد.
«ابن قُدامه مقدسی» که دانشوری بسیار مشهور است و به گفته ذهبی کتابی در فقه اهل سنت به جامعیت المغنی وی نگارش نیافته، در مورد زیارت می‌گوید: «زیارت قبور برای مردان بنابر نصّ صحیح «کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها ...» مباح است و مخالفی هم برای آن دیده نشده است و نیز اهدای ثواب به ارواح مردگان که نصوص فراوانی دلالت بر جواز آن دارد، بلااشکال است». (1) وی درباره جواز زیارت قبرها برای زنان نیز می‌نویسد: از احمد بن حنبل در این باره فتاوی گوناگونی نقل شده است، ولی مسلماً می‌توان گفت که ابتدائاً با توجه به روایت «لعن اللّٰه زوّارات القبور» زنان از آن نهی شده‌اند، اما بعداً با صدور روایت نبوی با کلام «فزوروها» که عام است و بر زن و مرد شمول دارد، باید گفت که آن نهی قبلی نسخ شده است. (2) وی در ادامه به روایت دیگری نیز اشاره می‌کند که طی آن «ابن ابی ملیکه» از عایشه می‌پرسد: ای امّ المؤمنین از کجا می‌آیی؛ وی پاسخ می‌دهد: از سر قبر برادرم عبدالرحمن برمی‌گردم. سائل می‌گوید: به وی گفتم: مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیارت قبور نهی نکرده است؟ وی پاسخ داد: آری؛ ایشان قبلاً نهی کرده بود، اما بعداً امر به آن فرمود.
ترمذی نیز در صحیح خود آورده است که عایشه قبر برادرش را زیارت می‌کرد و نیز از

1- المغنی، ابن قدامه مقدسی، ج 2، ص 565- 570.

2- همان.

وی نقل شده است که اگر برادرم را دیده بودم، دیگر قبرش را زیارت نمی‌کردم. (1) و نیز او در موضع دیگری از قول احمد بن حنبل می‌گوید: «مسلماً زیارت قبور برای مردان مستحب است، ولی آیا می‌توان آن را برای زنان مکروه دانست؛ بنابر دو روایتی که در این مورد وارد شده است که طی آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرموده است: اگر به زیارت قبور رفتی یا گذارت از آن‌جا افتاد بگو: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین» لذا نباید آن را مکروه دانست». (2) عبدالرحمن نووی فقیه بزرگ مذهب حنبلی نیز عقیده دارد: نصوص فقهی شافعی و اصحاب وی دلالت دارد بر این که زیارت قبور برای مردان مستحب است و علمای مسلمان نیز بر همین نظرند، به طوری که ابن عبدالبرّ ادعای اجماع کرده است و دلیل خود را علاوه بر این اجماع، صحیحه مشهور نبوی می‌داند. اما در مورد حکم زیارت برای زنان باید گفت: صاحب المهذّب و نیز البیان عقیده دارند که ظاهر حدیث نبوی بر عدم جواز دلالت دارد، ولی این نظری غیرمشهور و شاذّ است و باید گفت: اکثر علما به کراهت آن نظر داده‌اند، در حالی که الرویانی در کتاب البحر دو نظر را بیان کرده است:

الف. کراهت که نظر مشهور است.

ب. جواز که از نظر من نیز این قول قابل قبول است، ولی شرطش آن است که موجب فتنه نشود. (3) بدین ترتیب وی نیز نه تنها به کراهت زیارت قبور برای زنان نظر ندارد، بلکه صراحتاً در صورت عدم وجود فتنه و مشکل، به جواز آن فتوا می‌دهد.

ب. نظریه عالمان مذهب حنفی

می‌دانیم که پیروان مذهب حنفی از اکثریت عددی در جهان اسلام برخوردارند و مدرسه‌ای بزرگ همچون الازهر مروّج این اندیشه است، لذا بررسی اقوال علمای این

1- همان.

2- همان، ص 49.

3- المجموع فی شرح المهذب، ج 5، ص 309 و 310.

مذهب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:
یکی از منابع مهم فقه مذهب حنفی کتاب مراقی الفلاح است که شرنبلانی آن را بر اساس نظرات ابوحنیفه جمع‌آوری کرده است و آلوسی هم بر آن حاشیه زده و ناصرالدین البانی نیز بر آن تعلیقه دارد. در این کتاب نظر مکتب حنفی درباره زیارت قبور این گونه تشریح شده است:
زیارت قبور برای مردان و زنان جایز است و گفته شده که برای زنان حرام است، ولی بهتر آن است که بگوییم که جواز آن برای هر دو یکسان است و چه بسا قول درست آن است که برای زنان نیز همانند مردان استحباب دارد و سنّت رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله آن است که زیارت به طور ایستاده انجام شود و دعا نیز ایستاده صورت گیرد و آن حضرت در هنگام خروج از قبرستان بقیع چنین دعا می‌کرد:
«السلام علیکم دار قوم مؤمنین و انّا ان شاء اللّٰه بکم لاحقون، اسأل اللّٰه لی و لکم العافیه» و بر اساس روایات وارده مستحب است که زایر، به قرائت سوره یاسین بپردازد. (1)

ج. نظرات مالکیه

مذهب مالکی اگرچه پیروان زیادی ندارد، ولی در عین حال نظریه‌پرداز آن مالک بن انس از محدثان و فقهای بزرگ جهان اسلام است. کتاب موطّا وی که از اهمیت والایی در بین اهل سنّت برخوردار است و به همین جهت شرح‌های متعددی بر آن نگاشته شده است، حاوی نظرات این رهبر سنّی مذهب است که بر مبنای روایات منسوب به رسول اللّه صلی الله علیه و آله ذکر شده است. از دیدگاه علمای این مذهب زیارت قبور نه تنها جایز، بلکه مستحب است و در این زمینه اجماع علما نیز مورد پذیرش آنان می‌باشد.

1- مراقی الفلاح، ص 180. آلوسی در آیات البیّنات خود که تعلیقات شیخ ناصرالدین آلبانی را هم دارد این مطلب را از ابو حنیفه نقل کرده است و برای دیدن روایات دال بر جواز زیارت مردان و زنان بنگرید به: صحیح مسلم، ج 2، ص 671؛ سنن نسائی، ج 4، ص 94؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 494؛ مسند أحمد، ج 2، ص 300 و 408 و ج 6، ص 71 و 76؛ سنن ابی داود، ج 3، ص 219.

قسطانی شارح مهم صحیح بخاری، ضمن نقل اجماع ابن عبد البرّ که ما قبلاً در بررسی نظریه نووی به آن اشاره کردیم، می‌نویسد: همه مسلمانان بر استحباب زیارت قبور متفقند و حتّی فرقه ظاهریه آن را واجب می‌شمارند، لذا از عموم و خصوص روایات وارده می‌توان مطلوبیت آن را استنباط کرد، چرا که زیارت قبرها باعث بزرگداشت صاحبان قبرهاست و بزرگداشت رسول خدا نیز واجب است، پس زیارت ایشان هم واجب است. لذا بعضی از علما عقیده دارند که در مورد زیارت مزار رسول خدا تفاوتی بین مرد و زن نیست. (1) از دیدگاه این دانشور می‌توان زیارت قبور مسلمین را هم جایز، بلکه مستحب دانست و در مورد زیارت قبر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله باید قایل به استحباب بیشتر و حتّی وجوب آن شد.

بحثی درباره زیارت قبور برای زنان

اشاره

چنانچه در بحث قبلی به‌گونه گذرا اشاره کردیم، از گفته‌های دانشمندان سنّی و مذاهب گوناگون آن برمی‌آید که زیارت قبور مسلمانان برای زنان جایز است، ولی چون این امر احتیاج به بحث بیشتری دارد ذیلاً به طور مستوفی ذکر می‌شود:
فقهای اهل سنّت برای بیان جواز زیارت اهل قبور توسط زنان، به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:

اول: روایت رسول اللّه

دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان برای زیارت قبور با عبارت «فزوروها» اطلاق دارد و به طوری که در علم اصول بیان شده، اطلاق ادلّه باعث می‌شود که آن را شامل همه مصادیق بدانیم، لذا همه مکلفین، مورد خطاب پیامبر می‌باشند و زن و مرد از این حیث تفاوتی ندارند. از طرف دیگر، در متن روایات شریف، علت این دستور و لغو نهی

1- المواهب اللدنیّه بالمنح المحمدیّه، ص 210.

قبلی چنین آمده است که زیارت قبور باعث عبرت و رقّت قلب و یاد آخرت می‌شود که این امر خاص مردان نیست، بلکه هر مسلمانی اعم از زن و مرد باید از آن بهره گیرد.

ملّا علی قاری ضمن بیان این استدلال، اضافه می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی بر زنانی که در میان قبرها بر عزیز متوفای خود محزون بودند می‌گذشت، آنان را امر به صبور بودن می‌فرمود و هیچ‌گاه آنان را از زیارت قبور نهی نمی‌کرد (1) و مسلّماً فعل رسول خدا و نیز تقریر ایشان یعنی سکوت حضرت، دلیل بر عدم حرمت است.

دوم: روایت عایشه

چنانچه قبلاً هم بیان شد، در مجامع روایی اهل سنّت، روایتی از طریق عایشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله منسوب است که ایشان در پاسخ به کسی می‌گوید که از کنار قبر برادرم عبدالرحمن می‌آیم و وقتی سائل از نهی پیامبر اکرم درباره زیارت قبور می‌پرسد، عایشه می‌گوید: آن نهی مربوط به قبل بوده و پس از آن رسول اسلام امر به زیارت نموده است. و بدین ترتیب امر بعدی ناسخ نهی قبلی ایشان است. همچنین در روایت دیگری که از عایشه نقل شده، آمده است که وی در حالی که در میان هودجی نشسته بود، قبر برادرش را زیارت نمود. (2)

سوم: روایت حضرت زهرا علیها السلام

در روایت دیگری که آن را به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نسبت داده‌اند آمده است که دختر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هر جمعه قبر حضرت حمزة بن عبدالمطلب را زیارت می‌کرد و با سنگی بزرگ آن را نشانه‌گذاری کرده بود. (3) نویسنده این مطلب سپس ادامه می‌دهد که از احمد بن حنبل درباره زنی که قبر پیامبر

1- مرقاة المفاتیح، ج 4، ص 248 و 249.

2- المستدرک للحاکم حسکانی، ج 1، ص 376؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 500؛ مختصر سنن ابی داود، ج 4، ص 348.

3- التمهید، شرح موطأ مالک، ابن عبدالبرّ، ج 3، ص 233 و 234.

را زیارت می‌کند سؤال نمودند که وی پاسخ داد: ان‌شاءاللّه اشکالی ندارد، کما این که عایشه هم قبر برادرش را زیارت می‌کرد. سائل می‌پرسد: امّا از ابن عباس حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که ایشان زنان زایر قبور را لعن کرده‌اند که احمد بن حنبل پاسخ می‌دهد:
در سلسله روات این حدیث شخصی به نام ابوصالح وجود دارد که ناشناس است، لذا موجب ضعف سندی حدیث می‌باشد. وی ادامه می‌دهد که امیدوارم خدا پاداشش دهد، همان گونه که عایشه نیز قبر برادرش را زیارت می‌کرد و اشکالی نداشت. (1) فقهای سنّی مذهب در استدلال به این روایت می‌نویسند: طبق مبانی مسلّم بین عامه و خاصّه، امر عقیب حظر را باید حمل بر اباحه نمود (2) و در این مسأله نیز چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از نهی خود، امر به زیارت فرمود، می‌توان آن را دلیل بر مباح بودن زیارت قرار داد؛ گذشته از این که در بسیاری از روایات وارده، حکمت این امر را تنبیه و تذکر مرگ و فنای دنیا در نظر زایر قرار داده‌اند که شامل هر مسلمانی اعم از مرد و زن است، چرا که هم مردان و هم زنان هر دو نیاز به موعظه و تذکر دارند و حتی شاید بتوان گفت: زنان به این امر نیازمندتر از مردانند. (3) دانشور دیگری مثل حافظ البانی که عالم و محدّثی سلفی مذهب است، در نوشته‌های خود مثل الضعیف من سنن ابن ماجه و سلسلة احادیث ضعیفه حدیث «لَعن رسول اللّه زائرات القبور» را روایتی کاملاً ضعیف و فاقد وجهه لازم برای استدلال می‌داند و در همین باره استناد به حدیثی مثل:
«لعن اللّه المتخذین علیها السُّرج»
که مستند وهابیه در نفی بنای چراغ و نور بر فراز قبور ائمه شیعه است را روایتی ضعیف و غیرصحیح می‌داند و سلفی‌ها را از استناد به آن برحذر می‌نماید. (4)

1- همان.

2- المحصول فی علم اصول الفقه، ج 2، ص 96.

3- رسوخ الاحبار فی منسوخ الاخبار، برهان الدین الجعبری.

4- سلسلة الاحادیث الضعیفة واثرها السلبی فی الامّة، ص 260، ح 225.
اخیراً نیز علمای ازهر با بیان این‌که بوسیدن ضریح حضرت سید الشهدا

جایز است، گامی دیگر در طرد اندیشه‌های بی‌اساس سلفی برداشتند.

ص: 620

گلی حجت‌فر

چکیده

بی‌شک برای انجام هر کاری آدابی است که با رعایت آن ارزش آن کار و میزان تأثیرگذاری و ماندگاری آن بیشتر خواهد شد. برای حقایق دینی ضمن تبیین و تفسیر آن، اسرار و احکامی ذکر می‌کنند و آداب و آیینی خاصی بر می‌شمارند؛ و زیارت نیز به عنوان امری معنوی که در حقیقت نوعی هجرت است و زایر در واقع مهاجر به سوی خدا و اولیای اوست از این قاعده مستثنی نیست و آنان که با رعایت حدود و آداب به زیارت می‌روند، بهره‌ای بیشتر و لذتی افزون‌تر می‌برند و عقل و قلب خود را متوجه حریم و ساحت امام نموده، ضمن این‌که در این آداب لطایف و دقایقی نهفته است که با توجه به آنها ابواب دیگری از علوم و معارف برای زایر گشوده می‌شود.

این مقاله بر آن است تا با برشماری و تحلیلی از آداب زیارت زنده‌ترین و مؤثرترین راه برای شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری زایر با امام خود ایجاد نماید.

کلیدواژه‌ها: آداب، زیارت، مزور، زایر، اسلام، قرآن.

مقدمه

پیش ارباب خرد مایه ایمان ادب است لاجرم پیشه مردان سخن‌دان ادب است

بی‌ادب را به سماوات بقا منزل نیست در سماوات بقا منزل مردان ادب است

دامن عقل و ادب گیر که در راه یقین بر سر گنج وجود تو نگهبان ادب است
آدمی‌زاده اگر بی‌ادب است آدم نیست فرق در جنس بنی آدم و حیوان ادب است
عاقبت هر چه کند خواجه پشیمان گردد آن‌که از وی نشوی هیچ پشیمان ادب است
کردم از عقل سؤالی که بگو ایمان چیست عقل در گوش دلم گفت که ایمان ادب است
چشم بگشا و ببین جمله کلام اللّٰه را آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است
«کمال انسان به ادب اوست»، «ادب بهترین خلق و خوی است»، «مردم بیش از آن که نیاز به طلا و نقره داشته باشند، به ادب صحیح نیازمندند»، «زینتی برای انسان همانند آداب نیست» (1) و ... نخستین چیزی که خداوند به بنده‌اش دستور داده رعایت حدود و جمع کردن ادب است. ادب جمع شدن و گرد آمدن تمامی خیرهاست.
خداوند سبحان در دنیا بنده‌اش را عامل جمع‌کننده‌ای قرار داده تا برای وی هر چه را که به او فرمان داده جمع نماید. ادب و رعایت آن در مقابل دیگران از اهمیت به سزایی برخوردار است و در روایات و احادیث بسیاری به آن اشاره شده است. حال اگر این مسأله در برابر انسان‌ها دارای چنان اهمیتی است، پس بدون تردید در برابر خدا، انبیا، اولیا و امامان معصوم از جایگاه برتری برخوردار است.
مفهوم زیارت و زایر
برای زیارت معانی مختلفی بیان شده که فهرست‌وار بیان می‌کنیم:

1- فهرست موضوعی غرر الحکم و درر الکلم، کلمه ادب، ص 13.

الف) زیارت در لغت عبارت است از تمایل و میل کردن؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد نیز همراه باشد یا نه و اعم از این‌که با اکرام و تعظیم مزور باشد یا نه؛ از این‌رو در مورد میل و گرایش عنصری مادی همانند خورشید که هیچ یک از ویژگی‌های فوق در آن نیست نیز در قرآن کریم از واژه «زَوْر» که به معنای میل کردن می‌باشد، استفاده شده است.
ب) در اصطلاح دینی زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و به مزور نیز با تکریم و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (1) و این معنا در مرتبه برین و کامل خود همانا اقبال و توجه قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به مزور (2) را با خود دارد.
ج) زیارت ارتباط ملکوتی و معنوی با کامل‌ترین انسان‌هاست که عظمت و قدرتشان به اذن خداوند متعال تمام هستی را فرا گرفته است. (3) د) زیارت امام معصوم علیه السلام یعنی تجدید عهد و پیمانی که شیعیان ائمه با خدا بسته‌اند. (4) ه) زیارت برقراری ارتباط قلبی با حجت خداست. اظهار علاقه فطری محب به محبوب الهی خویش، نشانه وفاداری صادقانه شیعه به امام خود، وصول به حقیقت و نوشیدن از سرچشمه زلال معرفت، حضور آگاهانه در محضر جلوه‌های الهی، دیدار مشتاقانه مأموم با امام معصوم است.
اما مفهوم زایر، زایر یعنی مشتاق دیدار، عاشق و دعوت‌شده به محفل دوست، مجاهد در راه خدا، مدافع حریم و ولایت، محب باوفای اهل بیت علیهم السلام (5).

1- مجمع البحرین، ج 1، ص 305.

2- شخص یا چیزی که میل و علاقه انسان به سوی اوست یا کسی که زیارت می‌شود.

3- المکاسب، ص 153.

4- بحار الأنوار، ج 102، ص 197.

5- همان، ج 100، ص 116.

زایر کسی است که قصد زیارت پیشوای معصوم علیه السلام را داشته باشد و عارفانه و خالصانه، ارتباط فکری و قلبی با امام معصوم برقرار کند و بداند که هرگز توان فهم معرفت کامل امام را پیدا نخواهد کرد و غایت معرفت وی اظهار عجز از این معرفت است.

اهمیت و ضرورت زیارت

زیارت موجب ارتباط و وابستگی وجودی به اهل بیت علیهم السلام است که خود منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است، همچنین انصراف از آن و بی‌میلی به آن موجب انصراف رحمت و بازگشت نعمت خواهد بود و کسی که چنین علقه و علاقه‌ای را در جان نپروراند و تقویت نکند از رحمت و لطف خدا و رسولش بی‌بهره خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به ایشان عرض کرد: «فدایت گردم، به حضور شما رسیدم در حالی که توفیق زیارت قبر امیرالمؤمنین را نداشتم، حضرت در پاسخ فرمود: بسیار کار ناپسندی انجام دادی اگر نبود که تو از پیروان و شیعیان مایی هرگز به تو نگاه نمی‌کردم! چگونه زیارت نکردی شخصیتی را که خداوند با فرشتگان آسمان و همه انبیا و مؤمنان او را زیارت می‌کنند. آن شخص گفت: این مطلب را من نمی‌دانستم. حضرت فرمود: بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام در نزد خداوند از همه ائمه برتر و افضل است و برای اوست پاداش تمامی اعمال و برتری هر کسی به میزان اعمال و عملکرد آنهاست». (1) بنابراین زیارت به عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت ضروری است. حدیث مزبور موقعیت والا و عظیم و برتری امیرالمؤمنین نسبت به سایر ائمه و همچنین زیارت خداوند و انبیا و مؤمنان نسبت به آن حضرت را

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 20.

بیان می‌کند؛ پس بر اساس آنچه گفته شد، انسان همواره باید آرزوی زیارت اولیای الهی و امید وصال و دوستی مشاهد آنان را در دل زنده دارد و از خداوند به طور جدی طلب کند: «اللّهم ... حبّب إلیّ مشاهدهم و ألحقنی بهم و اجعلنی معهم فی الدنیا و الآخرة یا أرحم الراحمین». (1)

هدف زایر

هدف نهایی زایر در زیارت، خدا و تقرب به ساحت الوهی است. مراد از هدف بودن خداوند در زیارت و تقرب به سوی حضرت حق همانا تخلق به اخلاق الهی و تحصیل کمالات ربوبی است: «تخلّقوا بأخلاق اللّه» (2)

مزور حقیقی خداوند متعال است و هدف زیارت زنده شدن فضایل و خصلت‌های والای آن مزور در زایر و دوری جستن و برائت از بدها و بدی‌هاست؛ از این‌رو تمامی فعالیت‌های عبادی که به انسان جهت الهی می‌دهد، خود زیارت اللّه است.

زیارت، حقیقتی دو سویه

«و لکلّ زائر حق علی من أتاه و أنا زائرک و مولاک و ضیفک النازل بک و ...»؛ (3) برای هر زایری حقی است بر عهده کسی که به دیدار او رفته است و من زایر، دوست و مهمان شما هستم که بر شما وارد شده‌ام. بدیهی است که زیارت و ارادات در حد خود زمینه ارتباط و معیت اهل بیت با زایران و محبان را فراهم می‌آورد که با خود ولایت، شفاعت و مصاحبت در دنیا و برزخ و قیامت را همراه خواهد داشت و این همان سعادتمندی است که خداوند از آن با عنوان «عقبی الدار» یاد کرده است: «وَ الَّذینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ* وَ الَّذینَ صَبَرُوا ابْتِغاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِیَةً وَ یَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَةِ

1- همان، ص 58.

2- بحار الأنوار، ج 58، ص 129.

3- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 62.

السَّیِّئَهَ اولئِکَ لَهُمْ عُقْبَی الدّارِ». (1)
بر این اساس، هرگز زیارت یک سویه نبوده و نیست؛ به ویژه زیارت اولیای کریمی که خیر و کرامت آنها ابتدایی و بدون سابقه است؛ اهل بیت که خاندان کرامت، جود و سخا هستند، قطعاً زایر خود را بدون جواب باز نمی‌گردانند، حتی طرح حاجت، سؤال و تقاضای اجابت را خود به ما تعلیم داده‌اند و این حق که بر مبنای تفضل الهی شکل گرفته است را تثبیت و اعلام می‌کنند و برترین حق هم این است که دعاها و خواسته‌های زایر خود را بدون پاسخ نگذارند.

آداب زیارت

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ارکان زیارت، توجه به آداب و رعایت حدود آن است.

روشن است که برای هر چیزی ادب و حدی است که رعایت ادب و توجه به حد آن هم از جهت فراگیری و دریافت بهتر آن حقیقت و هم از حیث عمل و انجام آن مؤثر بوده و موجب بهره‌بری فراوان‌تری خواهد شد. این قاعده در امور معنوی و حقایق فوق مادی مسلّم و روشن است.

زیارت از جمله حقایق ارزشمند و حیاتی است که توجه به حدود و رعایت آداب آن کاملاً در تحقق صحیح و ارتباط وثیق و مطمئن‌تر با مزور نقش اساسی و تأثیر جدی دارد؛ از این‌رو با توجه به اهداف و مقاصد عالی که زایر در زیارت خود دارد و همچنین رعایت آداب آن، احساس حضور و حظّ تشرف در محضر مزور بیشتر نمایان و آشکار می‌شود. در ذیل به بررسی آداب زیارت می‌پردازیم.

آمادگی روحی

بندگان الهی هنگام توجه به پروردگار، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام باید شرایط روحی و جسمی مطلوبی را برای خود ایجاد کنند تا به سبب آن بتوانند با خدای خویش و این بزرگواران بهتر به نیایش و راز و نیاز بپردازند و عنایت و لطف ویژه

1- سوره رعد، آیات 21 و 22.

آنان را بیشتر جلب نمایند و در نتیجه خواسته‌ها و حاجاتشان بر آورده شود. از این‌رو زایر باید پیش از پیرایش ظاهری، روح خویش را برای ملاقات روحانی با معادن معنویت و روحانیت آماده کند تا طعم لذت‌بخش آن را بچشد.

زیارت در حریم دوست بودن زیارت عاشقی را آزمودن

زیارت، محبت را ستودن زیارت آشنای عشق بودن

زیارت فصل دل را وصل کردن صفا دادن به قلب و گریه کردن

نیّت خالصانه

اگر انسان نیت خالصانه برای زیارت داشته باشد، در این هنگام نامش در دیوان شهدا ثبت می‌شود. (1) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: من اتانی زائراً فی المدینه محتسبا کنت له شفیعا یوم القیامه». (2) کسی که تنها به انگیزه زیارت من، مرا زیارت کند، خداوند او را وارد بهشت می‌کند. امام صادق علیه السلام نیز درباره زیارت حسین بن علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که حسین بن علی علیه السلام را خالصانه و بدون شائبه زیارت کند و از انگیزه‌های تعدی و طغیان و یا ریا و سمعه منزه و مبرا باشد، گناهان او پاک می‌شود؛ چنان‌که لباس به وسیله آب شستشو شده و پاک می‌شود». (3) زیارت از آن جهت که مقوله خاص و مهم است، باید به آن نظر استقلالی افکند و از هرگونه نظر شرک‌آلود و مشوب خودداری کرد؛ به عبارتی دیگر زیارت در حد خود هدف و مقصدی مستقل است که باید هیچ چیزی را در کنار آن ندید. زایر باید زیارت را به تنهایی هدف مستقل و مقدس بداند، به گونه‌ای که همراه کردن آن با امور دیگر از ارزش و بهای آن کاسته و آن را بی‌محتوا و بی‌معنا می‌سازد، اگر زایر بخواهد در زیارت خود موفق باشد، باید سفر زیارتی خود را تصحیح و نیت خود را اصلاح کند. به سخن دیگر گرچه سفرهای زیارتی با دیگر سفرها از نظر صورت و شکل

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 124.

2- کامل الزیارات، ص 46.

3- همان، ص 273.

ظاهری یکسان است، اما از نظر سیرت و معنا متفاوت است. در سفرهای تفریحی، انسان برای انبساط خاطر و آسایش روان و شادابی سفر می‌کند و محصول آن هم در برخی موارد رفع خستگی و زدودن ملالت‌های تن و ایجاد طراوت و نشاط است و طبعاً در مقام عمل این نشاط و شادابی خود را می‌نمایاند و انسان با وجد و طرب مجدداً کار را آغاز می‌کند، اما در سفرهای زیارتی همین فرح و نشاط و انبساط خاطر و طرب جان برای روح، معنا و حقیقت انسانی ذاتاً و بالاصاله و برای تن و روان بالتبع وجود دارد. این‌گونه سفرها زمینه تقویت ارکان ایمان و پایه‌های اعتقادات و رافع ملالت‌های جان و آرامش نفس و روان است. این تجدید قوا برای آن است که انسان در عرصه علم و مبارزه با شبهات و آفات فکری و تحریفات ذهنی و همچنین انحرافات اخلاقی و عملی در دام وسوسه‌ها و هوس‌ها نیفتاده، بلکه بتواند آنها را شکست داده و اسوه دیگران باشد. از این رهگذر باید سفرهای زیارتی را اندوخته‌سازی علم و ایمان و تقوا دانست و بر آن اصرار ورزید. نیت خالصانه داشتن برای زایر بسیار اهمیت دارد.
از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «حسین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: اجر کسی که بعد از وفات شما به زیارت شما بیاید در حالی که چیزی جز زیارت شما را قصد نکند چیست؟ حضرت فرمود: کسی که بعد از وفات من به زیارت من بیاید، در حالی که جز زیارت من قصدی ندارد و همچنین کسی که به زیارت پدر تو بعد از وفات او بیاید و هدفی جز زیارت او نداشته باشد و نیز کسی که به زیارت برادر تو- حسن بن علی- بعد از وفاتش بیاید و انگیزه‌ای غیر از زیارت نداشته باشد و نیز کسی که به زیارت تو- حسین بن علی- بیاید و قصد و اراده‌ای جز زیارت تو نداشته باشد، اجر هر یک از این زیارت‌ها بهشت مقرر شده است». (1)

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 21.

معرفت زایر

به هر میزان که معرفت زایر به مقام مزور برتر باشد، درجه فزونی ثواب و قرابت بیشتر است؛ چراکه اولین شاخصه‌ای که در این نوع معرفت نهفته، الهی بودن امام و از ناحیه خدا بودن اوست. معرفت به حق امام، یعنی امام حجت خدا بر من است و هر فیض و رحمتی که به من می‌رسد از ناحیه وجود شریف آن حضرت است، و اطاعت از ایشان واجب است و اطاعت خدا حساب می‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ألا فمن زارنی و هو یعرف ما أوجب اللّٰه عزوجل من حقّی و طاعتی فأنا و آبائی شفعاؤه یوم القیامة ...». (1) بدیهی است که رسیدن به این معرفت و اعتقاد به لزوم تبعیت از امام علیه السلام زمانی ممکن است که اوصاف والای انسانی و الهی آنان دانسته و به شایستگی‌های وجودی آنان وقوف لازم و کافی حاصل شود؛ در شادی آنان شاد و در ناراحتی و حزن آنان محزون بوده و معتقد باشد که حالات وی در هیچ زمان و مکانی از دیده آنان پنهان نیست، پس با خود بیندیشد که در طول زندگی، برای امام و معرفت و محبتی که به او داشته چه کاری انجام داده که انتظار شفاعت، شفای مریض، رفع گرفتاری و برآوردن حاجتش را از آن بزرگوار دارد. البته نباید فراموش کرد که آنان بسیار بزرگوارند و درخواست ما را اگر به صلاحمان باشد رد نمی‌کنند، ولی بر شیعه لازم است که بداند حجت خدا کیست و چه مقامی دارد.

غسل

از مجموع روایاتی که در این زمینه نقل شده است این نکته را می‌توان استنباط کرد که طهارت ظاهر در طهارت باطن تأثیر دارد و طهارت ظاهر در حقیقت زمینه‌ساز طهارت باطن است و آب که مایه طهارت ظاهری و طهور است، مظهر ولایت کلیه در اجسام

1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 584 و 585.

است؛ زیرا قوام و حیات هر چیزی به آب است: «وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ». (1)
ادب زیارت اقتضا می‌کند که زیارت با داشتن غسل انجام گیرد؛ به گونه‌ای که طبق بیان شیخ مفید اگر غسل نقض و باطل شد، دوباره غسل کند. البته عده‌ای غسل روز را تا شام و غسل شب را تا صبح کافی می‌دانند و در این فاصله نیاز به تجدید غسل نیست. (2)
أنّ أبی عبداللّٰه علیه السلام أنّه قال: «غسل یومک یجزیک لیلتک و غسل لیلتک یجزیک لیومک». (3)
ادب غسل کردن غیر از آن‌که شهرت فقهی و فتوایی دارد و از جمله آداب زیارت معصومین است که به آن توصیه شده، به این جهت است که حرمت و احترام معصوم در حال ممات و غیبت مانند احترام و حرمت نهادن در حال حیات است: «وإنّ حرمته میتا کحرمته حیّاً»، (4) «إنّ حرمتهم بعد موتهم کحرمتهم فی حیوتهم». (5) شرفیابی به محضری که به نص آیه تطهیر از طهارت و قداست ویژه برخوردار است و باریابی به صحن و سرایی که نشان از نزاهت و پاکی الهی دارد، ایجاب می‌کند که انسان بدون تحصیل طهارت برتر، یعنی غسل به آن حریم نزدیک نشود و بدون آراستگی جان و پیراستگی تن به آن بیت رفیع قدم ننهد؛ زیرا غسل ظاهری نمادی از شستشوی روان و پاکی جان است. پس همان‌طور که شرط ورود به خانه خدا طهارت و پاکیزگی است، تشرف به حریم اهل بیت که بیت مرفوع و بیت المعمور زمینیان است نیز متوقف بر طهارت است.
ترک کلام بیهوده و پرهیز از جدال
محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام درباره چگونه رفتن به زیارت معصوم علیه السلام سؤال نمود؟ حضرت فرمود: «... سخن اندک گویی و حتی الامکان جز به خیر تکلم نکنی». (6)

1- سوره انبیاء، آیه 30.

2- هدایة الزائرین، ص 19.

3- وسائل الشیعة، ج 12، ص 328.

4- بحار الأنوار، ج 17، ص 33.

5- همان، ج 97، ص 125.

6- فضایلی از زیارت امام حسین علیه السلام، ص 53، به نقل از سفینة النجاة.

زایر باید از پرگویی و بیهوده‌گویی پرهیز نماید و بداند که از قبل از حرکت تا پایان سفر، امام زمان(عج) مراقب اوست. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر شما حرف بیهوده نمی‌زدید و قلبتان جایگاه شیطان نمی‌شد و به چرا نمی‌رفت، هر آنچه را من می‌دیدم، شما هم می‌دیدید و هر آنچه را من می‌شنیدم، شما هم می‌شنیدید». (1) و نیز زایر باید از کینه‌ورزی، جدال و دشمنی نسبت به همسفران خویش پرهیز نماید، (2) به خصوص آن که در این سفر روحانی حضور قلب را بر هم می‌زند.

پوشیدن لباس پاکیزه و نو

یکی دیگر از آداب زیارت، پوشیدن لباس پاکیزه و نظیف و جدید برای زیارت است.

و در این‌باره آمده است: «نیکوست سفید بودن رنگ آن» (3) و نیز استفاده از عطر و بوی خوش هم توصیه شده است؛ گرچه این عمل در خصوص زیارت قبر امام حسین علیه السلام متفاوت است و تصریح شده که پوشیدن لباس نو و استعمال بوی خوش از آداب زیارت آن حضرت نیست؛ بلکه دو پوشش پاک و تمیز و سفید مانند لباس احرام بهتر است. (4) امام صادق علیه السلام در خصوص آداب زیارت امام حسین به ابی‌نصیر چنین می‌فرماید: «هرگاه زیارت جدم حسین علیه السلام را اراده کردی، روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه را روزه بگیر ... چون روز جمعه به زیارت بروی غسل کن و بوی خوش و روغن استعمال مکن و از سرمه چشم نیز استفاده نکن تا به نزد قبر برسی». (5) در تفسیر حدیث و همچنین از سخنان علما و بزرگان آشکار می‌شود که به کار بردن بوی خوش در زیارت امام حسین علیه السلام شایسته نیست، اما خوشبو کردن ضریح مقدس آن حضرت، اشکال و مانعی ندارد و بعضی به آن اشاره نموده‌اند. (6)

1- همان.

2- بحار الأنوار، ج 101، ص 142.

3- هدایة الزائرین، ص 20.

4- بحار الأنوار، ج 101، ص 152.

5- تهذيب الاحكام، ج 6، ص 76.

6- هداية الزائرين، ص 20.

اذن دخول
یکی از آداب زیارت اذن دخول است. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إلاّ أنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ»؛ (1)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل اتاق‌های پیامبر مشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود. فقال علیه السلام: «
إذا سرت إلی إلباب فقف ...
؛ هنگامی که به درگاه مرقد رسیدی توقف کن». توقف کردن و اذن دخول گرفتن برای فهمیدن آن جایگاه ویژه است، برای آن است که زایر بداند این‌جا نه خانه‌ای معمولی و نه قبری معمولی است. و این‌که چه وادی مقدس‌تر از جایی که پیکر معصوم را در خود جای داده است.
جعبه‌ای که چند ساعتی پیامبر خدا حضرت موسی علیه السلام را در خود جای داده بود، آن چنان قداست یافت که سمبل آرامش بنی اسرائیل شد. «وَ قالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إنَّ آیَةَ مُلْکِهِ أنْ یَأْتِیَکُمُ التّابُوتُ فیهِ سَکینَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ». (2)
در روایتی از ابن عباس آمده است: «تابوت همان صندوقی بود که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و هنگامی که به وسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگاه‌داری می‌شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره‌انگیز را محترم می‌شمردند و به آن تبرک می‌جستند». (3) وقتی که یک صندوقی که ساعاتی پیامبر خدا موسی علیه السلام را در خود جای داده چنین جایگاهی می‌یابد، بی‌تردید مکانی که معصوم علیه السلام را در خود جای داده است نباید از قداستی ویژه برخوردار باشد و حریم آن حفظ گردد؟ پس هنگامی که زایر به در حرم رسید باید بایستد. این توقف ادب ویژه است و در حال توقف با خواندن دعا و اذکار وارده سعی کند تا رقت قلب و خشوع دل تحصیل نماید؛ «و إنّ الرقّة علامة الإذن فلا

1- سوره احزاب، آیه 53.

2- سوره بقره، آیه 248.

3- تفسیر نمونه، ج 2، ص 174.

تغفل» (1) زیرا در چنین حالتی دعا اجابت و رحمت الهی نازل می‌شود: «إنّ الرقّة علامة لاستجابة الدعاء» (2)
و نیز در برخی روایات هست اگر هنگام ورود به حرم معصوم، قلب به طپش بیفتد، اشک جاری شود و عظمت معصوم به چشم آید، اذن ورود داده شده است. (3) حفظ متانت و وقار
وقار نشانه ادب و احترام است، وقتی کسی به نزد بزرگی وارد می‌شود، سعی می‌نماید حریمش را حفظ کرده و با وقار باشد و این نشان از آن است که زایر می‌داند که زیارت امام معصوم همان زیارت امام زنده است و همان رفتاری که در زمان حیات امام علیه السلام انسان باید داشته باشد، باید همان را به هنگام زیارت آنها نیز داشته باشد. پس در هنگام ورود به حرم معصوم علیه السلام با متانت و با وقار است «ثم امش قلیلا و علیک بالسکینة و الوقار ...» یعنی با حالت آرامش و وقار راه می‌رود. فرق بین سکینه و وقار را چنین نقل کرده‌اند که سکینه آرامش و طمأنینه قلبی است و وقار آرامش بدنی. (4) در حرم معصوم علیه السلام هر دو یعنی هم آرامش قلبی و هم وقار لازم است. بر این اساس رفتارهای غیر مؤدبانه در حرم معصوم علیه السلام در شأن آن برگزیدگان جهان هستی نیست.
ذکر تکبیر و تحمید
«فإذا دخلت و رأيت القبر فقف و قل اللّه أكبر، اللّه أكبر ثلاثين مرّة». (5)
زایر باید وقتی وارد حرم شد و چشمش به قبر معصوم افتاد، بایستد تا آمادگی بیشتر برای عرض ادب پیدا کند، سپس سی مرتبه ذکر اللّه اکبر را تکرار نماید. سعد از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «... چون امام را دید تکبیر بگوید و ... و هر که پیش روی امام تکبیر بگوید» و نیز بگوید: «لا إله إلّا

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 134.

2- هداية الزائرين، ص 28.

3- بحار الأنوار، ج 100، ص 134.

4- همان، ج 102، ص 134.

5- همان، ج 24، ص 396.

اللّه وحده لا شریک له»، خدای تعالی برای او خشنودی و رضوان اکبر خود را واجب خواهد کرد و بین او و حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران الهی در قیامت در دار الجلال جمع خواهد کرد «... و من کبّر بین یدی الامام و قال: لا إله إلّااللّه وحده لا شریک له کتب اللّه له رضوانه الأکبر و من یکتب اللّه له رضوانه الأکبر یجمع بینه و بین ابراهیم و محمّد و المرسلین فی دار الجلال». (1) اما راز گفتن تکبیر و تحمید پیش از زیارت آن است که در این زیارت مقامات بلندی برای ائمه معصومین ذکر شده است و چه بسا زایر به علت سطحی‌نگری در وادی هولناک غلو بیفتد. غلو عبارت است از اعتقاد به ربوبیت پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمّه علیهم السلام و اعتقاد به این‌که آنان مستقلاً خالق و رازقند و یا اعتقاد به نبوت امامان. این‌گونه اعتقاد در حقیقت نفی الوهیت رب یا شریک قائل شدن برای او و نفی نبوت و خاتمیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. البته این نکته را نباید نادیده پنداشت که این اعتقاد که خالق هستی خداوند است و او اختیارات ویژه‌ای در این جهان و آن جهان به پیامبر و امامان واگذار کرده است، این نه تنها غلو و شرک نیست، بلکه عین توحید است، ما خالق جهان هستی را ذات مقدس ربوبی می‌دانیم و معتقدیم که خداوند آن چنان که ملائکه را مدبرات امر قرار داده «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (2)
به معصومین هم مرحله‌ای از این تدبیر را به اذن خودش تفویض کرده است. پس اعتقاد به مقامات فوق العاده برای امامان غلو نیست. اعتقاد به این‌که خداوند آنان را از هر گونه نقصی مبرا کرده است: اعتقاد به عصمت از اشتباه و خطا، گناه و عصیان، عین اعتدال در اعتقاد است نه غلو. «إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرًا»؛ (3)
خداوند چنین می‌خواهد که هرگونه پلیدی و زشتی را از شما خانواده نبوت بیرون ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند.

1- همان.

2- سوره نازعات، آیه 5.

3- سوره احزاب، آیه 33.

بوسیدن عتبه و داخل شدن با پای راست

بوسیدن عتبه و درگاه مقدس هنگام داخل شدن به حرم شریف ائمه معصومین از آداب مؤکد زیارت است. (1) بزرگان شیعه مانند شیخ مفید، سیدبن طاووس و شهید ثانی، همچنین علامه مجلسی و عده‌ای دیگر از علما نیز به امری که در روایت صفوان، در شیوه زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام آمده استناد کرده‌اند که امام صادق به صفوان فرمود: «ثم قبّل العتبة و قدّم رجلک الیمنی قبل الیسری؛ (2)

سپس آستانه را ببوس و آن‌گاه پای راست را قبل از پای چپ حرکت بده.»

بنابراین پس از آن که زایر اذن دخول طلبید و با خواندن اذکار مأثور در قلب خود احساس رقت کرد و پس از بوسیدن درگاه، ادب اقتضا می‌کند پای راست را جلو بگذارد و مستحب است در این هنگام بگوید: «بسم اللّٰه و باللّٰه و فی سبیل اللّٰه و علی ملة رسول اللّٰه ربّ اأدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا». (3) آهسته گام برداشتن

«و قارب بین خطاک ...» و گام‌هایت را کوتاه بردار. یکی دیگر از آداب زیارت قبر معصوم پس از بوسیدن عتبه و مقدم داشتن پای راست، آهسته قدم برداشتن است.

شاید راز آن این باشد که برای هر قدمی که در این مسیر برداشته می‌شود ثواب‌های فراوانی برای زایر نوشته خواهد شد. در شأن نزول این آیه از قرآن «إِنّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتی وَ نَکْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ کُلَّ شَیْ‌ءٍ أَحْصَیْناهُ فی إِمامٍ مُبینٍ»؛ (4)

ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه را پیش فرستادند و تمام آثار آنها را می‌نویسم و همه چیز را در کتاب مبین شماره کرده‌ایم، آمده است که قبیله بنوسلمه در نقطه دور دستی از شهر مدینه

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 136.

2- همان، ج 97، ص 284.

3- همان، ص 161.

4- سوره یس، آیه 12.

قرار داشتند، تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نقل مکان کنند، آیه فوق نازل شد ... پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «إنّ آثارکم تکتب» آثار شما «گام‌های شما به مسجد» در نامه اعمالتان نوشته خواهد شد و پاداش خواهید گرفت. هنگامی که بنوسلمه این سخن را شنیدند، صرف‌نظر کردند و در جای خود ماندند. (1) پس گام‌های کوتاه سبب می‌شود تا زایر از فیض و ثواب بیشتری بهره‌مند گردد و از لحاظ روانی نیز این حرکت- آهسته قدم برداشتن- بسیار مؤثر بوده و باعث تمرکز حواس و توجه و دقت نظر بیشتر می‌شود.

نزدیک شدن به ضریح و بوسیدن آن

عن أبی جعفر علیه السلام: «کان علی بن الحسین صلوات اللّٰه علیهما یقف علی قبر النبی صلی الله علیه و آله و یلتزق بالقبر و یسند ظهره إلی القبر و یستقبل القبلة و ...» (2)

امام سجاد علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستاد و به قبر می‌چسبید و پشت خود را به قبر مبارک رسول صلی الله علیه و آله تکیه می‌داد و به سمت قبله می‌ایستاد و ...» این پندار باطلی است که انسان دور بودن از ضریح را ادب بداند و بخواهد از دور زیارت کند، بلکه در روایت تصریح شده که بدن را به ضریح بچسباند و بر آن تکیه کند و ضریح را ببوسد. در جایی آمده است: «شاید مراد از کسانی که توصیه به دور بودن از ضریح می‌کنند و آن را ادب زیارت می‌شمارند، اهل سنت باشند؛ زیرا آنها دور ایستادن از قبر را از جمله آداب و چسبیدن به قبر و بوسیدن و لمس آن را مکروه می‌دانند؛ چنان‌که علمای آنان در آداب زیارت حضرت نبوی این مطلب را ذکر کرده‌اند. (3) پس بدن را به قبر و ضریح نزدیک کردن و بر آن تکیه زدن و نیز بوسیدن قبر و ضریح از آداب زیارت است و همچنین مناسب است که اگر انسان عذری مانند

1- تفسیر نمونه، ج 18، ص 335.

2- وسائل الشیعة، ج 14، ص 342 و 343.

3- هدایة الزائرین، ص 22.

ضعف جسمانی ندارد، دعا و زیارت را ایستاده بخواند. محدث قمی می‌فرماید:
«گرچه این ادب صریحاً در جایی ذکر نشده ولیکن خوبی آن از جهات بسیاری استفاده شده است» (1) نیز از جمله آدابی که در این‌باره وجود دارد، آن است که زایر دوروی صورت خود را به روی قبر یا ضریح نهد و آن را به قبر بکشد و هرگز جایز نیست که به قبر سجده کند و حتی برای نماز واجب یا مستحب و نماز زیارت پیشانی بر روی قبر بگذارد. روشن است که این‌گونه آداب، زمینه را فراهم می‌کند تا زایر قلب خود را در صحن و سرای حقیقی امام ببیند و حضور امام را لمس کند.
در جای دیگر نیز این‌گونه آمده است: «بعد از خواندن زیارت سمت راست صورت را بر قبر یا ضریح بنهد و متضرعانه از خداوند مسئلت کند، سپس قسمت چپ صورت را بر قبر بنهد و با حال سؤال و نیاز او را به حق خودش و به حق صاحب قبر سوگند دهد تا او را از اهل شفاعت و شفاعت‌شوندگان قرار دهد و در این حال با اصرار و مبالغه در دعا و طلب حاجت از خداوند متعال با همه جدیت و سعی مسئلت کند؛ زیرا تا طرح حاجت و سؤال با جدیت تمام نباشد و احساس نیاز و تشنگی در انسان نجوشد، فیض الهی طالع نمی‌گردد؛ البته بعد از رعایت این ادب به سمت بالای سر مزور حرکت و رو به قبله در پیشگاه الهی دعا و نیایش کند». (2)
آهسته سخن گفتن
«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ* إِنَّ الَّذینَ یَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ اولئِکَ الَّذینَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظیمٌ»؛ (3)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله نکنید و همچنان‌که بعضی از شما با

1- همان.

2- الدروس، ج 2، ص 23.

3- سوره حجرات، آیات 2 و 3.

بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید با آن حضرت به صدای بلند سخن مگویید، مبادا بی‌آن که بدانید اعمالتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند، همان کسانی‌اند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است».
یکی دیگر از آدابی که رعایت آن موجب حرمت نهادن و تکریم مزور است، فرود آوردن صدا در ذکر و دعاست چراکه در حرم معصوم علیه السلام نباید صدا را بلند کرد یا با زوار بلند سخن گفت. در محضر امام علیه السلام فرقی بین دیدن و ندیدن آن حضرت نیست. (1) همچنین ادب حضور در محضر حجت الهی اقتضا می‌کند که نه تنها انسان از سخن و اذکار غیر الهی که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند بپرهیزد، بلکه هنگام عبادات، زیارات و اعمال مستحبی به آرامی و آهستگی و بدون بلند کردن صدا، مناسک و اعمال زیارت را انجام دهد.
من چه گویم که تو را نازکی طبع لطیف تا به حدی است که آهسته دعا نتوان کرد (2)
رو به قبر و پشت به قبله نمودن در هنگام زیارت
زایر باید پشت به قبله و رو به سوی قبر شریف امام علیه السلام نماید و اعمال خویش را انجام دهد. رو به قبر امام بودن و پشت نکردن به آن چه در نماز و چه در غیر، از اعتقادات شیعه اثنی عشری است. (3) و خلاف آن یعنی پشت به قبر مطهر به هر دلیل هتک حرمتی عظیم محسوب می‌شود.
زایر هر جا که خوابید یا استراحت نمود، باید سعی نماید پاهایش به طرف حرم مطهر امام علیه السلام نباشد. رعایت این ادب تنها برای معصوم است و برای غیر معصوم چنین ادبی ذکر نشده، بلکه ادب در زیارت مؤمنان و اولیای خدا آن است که زایر پشت سر، یا بالای سر، رو به قبله به دعا و زیارت مشغول باشد؛ این مسأله حاوی نکته‌ای مهم است.

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 124، 126، 127.

2- دیوان حافظ شیرازی، ص 40.

3- بحار الأنوار، ج 83، ص 316.

خواندن زیارت مأثور و نماز زیارت
محدث قمی می‌فرماید: «... ترک شود خواندن زیارت‌های مخترعه که بعضی بی‌خردان از عوام آنها را با بعضی از زیارت‌ها تلفیق کرده و در مجموعه‌ای جمع‌آوری کرده و نادانان خود را به آن مشغول ساخته و خود را از فیوضات بی‌نهایت زیارت‌های مأثوره معتبره و فواید کتب علما محروم کرده‌اند». (1) علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء استحباب زیارت را تنها در زیارت به مأثور و منقول می‌داند و در نوع زیارت‌های اهل بیت این جمله را تکرار می‌فرماید: «و یستحب ان یزوره بالمنقول» (2)
و در جای دیگر آمده است: «زیارت با نفس حضور و سلام دادن حاصل می‌شود، لیکن اگر خواست زیارتش را بخواند زیارات مأثوره و صادر شده از ناحیه معصومین را بخواند» (3) بنابراین زایر باید بداند که زیارت از جانب معصوم صادر شده است. و هنگام خواندن زیارت با نهایت ادب به ضریح نگاه کند و همان‌طور که گذشت، زیارت مأثور را در حال ایستاده بخواند مگر آن که عذری داشته باشد.
یکی دیگر از آداب زیارت، خواندن نماز زیارت است. قبل از پرداختن به موضوع باید توجه داشت که بینش اسلامی بر این اساس استوار است، که خالق تمام هستی تنها خداوند است و تمامی موجودات را او آفریده است و نماز نیز حقیقتی الهی و مخصوص پروردگار عالم است و انسان به عنوان جزیی از این هستی خلق نشده مگر برای عبادت و پرستش و نیز به جای آوردن نماز که پاداش و ثواب فراوانی دارد، تمامی ارکان و اجزای آن، از قیام و قعود گرفته تا رکوع و سجود تنها به امر الهی و برای اوست. این نکات در نماز زیارت قابل توجه است و زایر به آنها التفات می‌کند و به خالق خویش عرض می‌نماید که این نماز که از آن تو و برای توست، با نیت قربة الی اللّه انجام می‌گیرد. همان‌طور که بزرگان گفته‌اند ثواب آن را به روح مطهر نبی اکرم صلی الله علیه و آله

1- الدروس، ج 2، ص 23.

2- تذکرة الفقهاء، ص 450.

3- الدروس، ج 2، ص 23.

یا فاطمه زهرا علیها السلام هدیه نماید پس شایسته است که زایر پس از خواندن دو رکعت نماز زیارت این دعا را بخواند که تذکر به نکات فوق است: «اللهم أنی صلّیت هاتین الرکعتین هدیة منّی إلی سیّدی و مولای(نام آن معصوم برده شود) اللهم فصلّ علی محمّد و آل محمّد و تقبّلها منّی و اجزنی علی ذلک جزاء المحسنین. اللّهم لک صلّیت و لک رکعت و لک سجدت وحدک لا شریک لک لانه لا تکون الصلاة و الرکوع و السجود إلا لک أنت اللّه لا إله إلا أنت اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و تقبّل منّی زیارتی و أعطنی سؤلی بمحمّد و آله طاهرین». (1) زایر برای به جای آوردن دو رکعت نماز زیارت، اگر با کیفیت مخصوصی وارد شده، به همان کیفیت نمازش را می‌خواند در غیر این صورت مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره مبارکه «یس» و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «الرحمن» قرائت شود: «ثّم انحرف إلی عند الراس فصلّ رکعتین تقرأ فی الاولی منهما فاتحة الکتاب و سورة یس، و فی الثانیة فاتحة الکتاب و سورة الرحمن». (2) همچنین زایر در موقع خواندن نماز زیارت خوب است به این نکته توجه نماید که مکان این دو رکعت در کنار قبر مزور باشد، چراکه عده‌ای از فقها در مورد نماز خواندن زایر به حالت پشت به قبر اشکال وارد نموده‌اند. و نیز آمده است: «مناسب و شایسته نیست که قبر پشت سر باشد، مگر این‌که قبر بسیار دور باشد تا انتزاع بی‌حرمتی نشود». (3) و باید توجه داشت که چون هیچ چیز و هیچ کس نه با امام علیه السلام مساوی است و نه مقدم بر امام، نماز خواندن در قسمت جلو یا سمت راست و چپ امام جایز نیست. (4) استغفار و دعا
ادب زیارت اقتضا می‌کند زایر از فرصت زیارت استفاده کرده، با شفیع قرار دادن آنها و همچنین به جهت توجه ربوبی به آن بیت و صاحبان بیت که انسان‌های معمولی

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 288.

2- همان، ص 215.

3- الدروس، ج 2، ص 23.

4- الاحتجاج، ج 2، ص 5483.

نیستند، از خداوند متعال بخواهد که او را از بدی‌ها و تباهی‌ها جدا کرده و دور سازد و توفیق ترک گناهان (1) در بقیه عمر به وی ببخشد. این عمل زایر نشان از آن است که وی از گناهان خویش پشیمان شده و درصدد عزم بر رفع اعمال پیشین خود است، لذا با ادب خاصی که در این حالت انسان به نوعی سبک‌بال نیز شده است، ضمن درخواست قبولی زیارتش، آمرزش و غفران الهی را برای ریزش گناهان خویش مسئلت می‌نماید.
خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ». (2)
می‌دانیم که در تمام زیارتنامه‌ها بخشی به دعا اختصاص دارد و یکی از مکان‌هایی که دعا مقرون به اجابت است کنار ضریح معصومین است.
«و أعلم أنّ الذی بیده خزائن السموات و الأرض قد أذن لک فی الدعاء ... فالمال لا یبقی لک و لا تبقی له» دعا فراهم آوردن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد؛ درخواست و تقاضا از کسی است که قدرت و توانش بی‌پایان و فوق قدرت‌های عالم است و از طرفی نشان بندگی و توجه به مقام ربوبیت و عامل تقویت روح و روان است. «أتیتک یا ابن رسول اللَّه مکروباً و أتیتک مغموماً و أتیتک مفتقراً إلی شفاعتک و لکل زائر حقّ علی من أتاه و أنا زائرک و مولاک و ضیفک النازل بک و الحال بفنائک ولی حوایج من حوایج الدنیا و الآخرة بک أتوجّه إلی اللَّه فی نجحها و قضائها»؛ (3) یا رسول اللَّه در حال سختی و اندوه به سوی تو مشتاقانه آمدم و در حال احتیاج و فاقه به شفاعت تو حرکت کردم و از آن جا که برای هر زایری حقی نسبت به مزور است، من که زایر و بنده و مهمان تو هستم و همواره در آستان و درگاه تو قرار دارم و حوایج فراوانی از امور دنیا و آخرت دارم، به وسیله تو به سوی خدا روی می‌آورم در بر آمدن آن حاجت‌ها.

1- ر. ک: بحار الأنوار، ج 102، ص 169.

2- سوره تحریم، آیه 8.

3- بحار الأنوار، ج 98، ص 213.

و در جایی دیگر در بخشی از زیارت امیر المؤمنین علیه السلام خداوند به عنوان کریم‌ترین و بهترین مزور در بر آوردن حاجت آمده است: «بار خدایا بنده تو و زایر درگاهت در پرتو قبر برادر رسول اللّٰه به سوی تو آمده و هر کسی که مزور واقع شده حقی نسبت به زایر متعهد است و از آن‌جا که شما بهترین و کریم‌ترین مزور هستید، از درگاه شما ای خداوند و ای رحمن و ای رحیم مسئلت می‌کنیم که آن تحفه و هدیه‌ات را به من همانا آزادی از آتش جهنم قرار دهی و مرا در زمره کسانی قرار دهی که در راه خیر شتابان است و در هر حالی، چه حال رغبت و سرور، چه حال رهبت و غم، همواره به یاد توست». (1) پس زایر اگر در زیارت خویش با انگیزه خالصانه و با معرفت اعمال خود را انجام دهد، می‌تواند برای امورات دینی و دنیوی خود دعا و حاجت خویش را از آن بزرگواران درخواست نماید، چراکه قطعاً اهل بیت علیهم السلام خاندان کرامت و سخاوت هستند و حاجات زایر را از خداوند مسئلت می‌نمایند. همان‌گونه که در روایات متعدد آمده است که هر کس آنان را بشناسد و به صاحب آن قبرهای مطهر پناهنده شود، پناه داده می‌شود و از سوی خداوند حاجت روا بر می‌گردد، زیرا این حقی است که بر مبنای تفضل الهی به زایر داده می‌شود تا حاجت خویش را مطرح نموده و اگر به خیر و صلاح وی باشد مورد قبول و عنایت حق تعالی قرار گیرد. همچنین زایر می‌تواند برای عموم دوستان و شیعیان علی علیه السلام دعا نماید و طبق روایات عدیده این دعا مقرون به اجابت است. (2) همان‌گونه که آمده است: «إنّ اللّٰه عزوجل یحبّ معالی الامور و یکره سفلسافها». (3) پس شایسته است زایر هنگام دعا حاجات همه مؤمنان را در نظر داشته و از آنها غافل نباشد.

1- همان، ج 97، ص 271 و 272.

2- همان، ج 100، ص 135.

3- همان، ج 47، ص 323.

قرائت قرآن و صلوات

مستحب است زایر در کنار ضریح مقداری قرآن قرائت نماید و ثواب آن را به صاحب قبر مطهر هدیه کند که این امر نوعی تعظیم و تکریم به مزور است، اما ثواب اصلی و نفع آن به خود زایر بر می‌گردد. (1) برخی از محققان ذکر صلوات را هنگام مطرح شدن نام پیامبر اکرم از جمله آداب زیارت ذکر کرده‌اند. از آن‌جا که صلوات و ثواب آن از بهترین و برترین خیرات و پاداش‌هاست؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
إذا ذکر النبی صلی الله علیه و آله فأکثروا الصلاة علیه فإنّه من صلّی علی النبی صلی الله علیه و آله صلاة واحدة صلی اللّه علیه ألف صلاة فی ألف من الملائکة و لم یبق شیء ممّا خلقه اللّه إلّاصلّی علی العبد لصلاة اللّه علیه و صلاة ملائکته، فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغرور قد برئ اللّه منه و رسوله و أهل بیته
»؛ (2) اگر نام رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زبان جاری شد، زیاد صلوات بفرستید، زیرا کسی که یک صلوات بر پیامبر بفرستد، هزار صف از ملائک برای او هزار صلوات می‌فرستند و هر آنچه خداوند آفریده نیز بر او صلوات و درود می‌فرستند و آن کسی که صلوات بر پیامبر نفرستد، او جاهل و مغرور است و خداوند و رسولش و اهل بیت از او برائت می‌جویند.

صدقه دادن

یکی دیگر از آداب زیارت، صدقه دادن به تهیدستان و نیازمندان است، چراکه در هنگام زیارت قوای نفسانی انسان برای تحصیل خیر و مودت آماده‌تر است.
«و رابع عشرها الصدقة علی المحاویج بتلک البقعة؛ فإنّ الصدقة مضاعفة هنا لک و خصوصاً علی الذریة الطاهرة» (3) زایر همان‌گونه که سفر خود را با صدقه دادن آغاز می‌نماید، انفاق، بخشش و کمک به نیازمندان را در ادامه سفر نیز نباید ترک

1- الغدیر، ج 5، ص 170.

2- اصول کافی، ج 2، ص 492.

3- الدروس، ج 2، ص 24.

نماید. توصیه شده است که در صدقه فقرای شیعه را مقدم بدارد. (1) در برخی از اماکن زیارتی معمولاً افراد متکدی هستند که از این فرصت سوء استفاده کرده و زایرین را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. و زایر باید سعی کند که صدقه خویش را به محتاج واقعی بدهد.

تکریم خادمین حرم

زایر قدم به خانه‌ای نهاده که بیت مقدس و حرم مطهر است و پروردگار عالم به آن بیت عظمت و مرتبه‌ای بلند بخشیده: «أذِنَ اللَّهُ أنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیها اسْمُهُ». (2)

زایر باید با رفتار و کردار خویش در حفظ حرمت آن مکان بکوشد و قطعاً حرمت نهادن و تکریم بیت مقدس در بالا رفتن مقام زایر نزد خداوند بسیار مؤثر است. همچنین زایر باید همان‌گونه که به حرمت و تکریم آن مکان می‌کوشد در کمک نمودن و تکریم خادمین حرم شریف نیز کوشا بوده و با آنان همکاری نموده، به گونه‌ای که در نگهداری و مراقب از آن مکان معنوی و نظافت و رعایت مسایلی که در آداب زیارت به آن تأکید شده دقت نماید. «و عاشرها التصدّق علی السدنة و الحفظة للمشهد و إکرامهم و إعظامهم؛ فإنّ فیه إکرام صاحب المشهد علیه الصلاة و السلام». (3)

تکرار زیارت تا هنگام خروج از آن دیار

تکرار زیارت تا هنگام خروج از آن بلاد مستحب و از آداب زیارت است چراکه زایر با قصدی جدی و انگیزه‌ای راسخ به زیارت معصوم علیه السلام اقدام کرده، از این‌رو شایسته است تا وقتی که زایر در آن دیار مقیم و حاضر است، مکرر به زیارت مشرّف گردد.

البته باید مواقعی را برای زیارت انتخاب کند که از نشاط لازم برخوردار باشد و از اکراه بپرهیزد.

1- وسائل الشیعة، ج 6، ص 332.

2- سوره نور، آیه 26.

3- الدروس، ج 2، ص 24.

تغییر و تحول زایر پس از زیارت

«... ان یکون الزائر بعد الزیارة خیراً منه قبلها؛ فإنّه تحطّ الأوزار إذا صادفت القبول»؛ (1) زایر باید پس از زیارت متفاوت باشد؛ زیرا زیارت مقبول، مایه ریزش گناهان و حطّ اوزار خواهد بود.

ثواب روزه و حج قبول آن کس بُرد که خاک میکده عشق را زیارت کرد (2)

انسان حتی اگر دارای بالاترین قدرت مالی باشد، لحظاتی در زندگی او پیش خواهد آمد که در جست‌وجوی پناهگاهی است تا بتواند خود را از این نگرانی‌ها نجات دهد، چراکه زندگی دنیایی و مادی خواسته یا ناخواسته انسان را به سمت بسیاری از آلودگی‌ها و تباهی‌ها هدایت نموده، از طرفی خداوند جایگاهی را برای ارتباط و آرامش انسان‌ها در نظر گرفته و ایشان را به زیارت شریف اهل بیت دعوت می‌نماید و زیارت پل ارتباطی است برای انسان‌هایی که می‌خواهند این خوف و اضطراب را از صفحه جان خود بزدایند و در نزد آن بزرگواران از گناهان خویش استغفار و توبه می‌نمایند و قطعاً اهل بیت علیهم السلام نیز برای آنان طلب مغفرت می‌نمایند و خداوند سبحان نسبت به گذشته توبه‌پذیر و درباره آینده آنان رحیم می‌باشد. حال که بین انسان و حضرت حق به واسطه شفاعت معصوم انس و الفتی ایجاد شده، پس زایر از نظر خلق و خوی، رفتار، کردار، اندیشه و اعتقاد تحول یافته است و در این حالت باید اعمال و کردارش با قبل از زیارت تفاوت داشته باشد و از این پس بهتر زندگی نماید.

ادب وداع

«تعجیل الخروج عند قضا الوتر من الزیارة؛ لتعظیم الحرمة و یشتدّ الشوق، و روی ان الخارج یمشی القهقری حتّی یتواری». (3) همان‌طور که زایر در هنگام ورود به حرم مطهر به نکاتی

1- همان.

2- دیوان حافظ شیرازی، ص 50.

3- الدروس، ج 2، ص 24.

توجه داشته است، در هنگام خروج نیز لازم است آدابی را رعایت نماید، به گونه‌ای که پشت به ضریح نکند چراکه ممکن است این عمل نوعی بی‌حرمتی محسوب شود، بلکه زایر سعی کند از دری خارج شود که پشت به مزور نکند، تا جایی که قبر مطهر از نظر مخفی گردد. در جایی آمده است: «مثل الإمام مثل الکعبه اذ تؤتی و لا تأتی» (1) پس این ادب ظاهری نشان از تکریم و تعظیم مزور است و همانطور که گذشت چون شأن امام همانند کعبه است، از این‌رو همواره باید به مقام حضرت توجه نمود. زایر باید به این امر دقت نماید که این‌گونه مکان‌ها و بُقاع شریف از آن‌جا که خداوند به آن بیوت رفعت داده، فرموده است: «فی بُیُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أنْ تُرْفَعَ» (2)
و ورود به آن بیوت را منوط به اجازه دانسته: «لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إلاّ أنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ» (3)
و آن سرزمین را طیب و طاهر قرار داده: «و طابت الأرض التی فیها دفنتم» (4) پس لازم است زایر تمامی معیارها و ضوابط ورود، حضور و خروج را با ملاک‌های تعریف و تعیین شده تطبیق کند تا ضمن حفظ آداب آن مکان، هم به حرمت مزور عمل نماید و هم سبب ازدیاد شوق و عشق به مزور گردد. همان‌گونه که در برخی زیارتنامه‌ها آمده است، از خدا بخواهد این زیارت را آخرین زیارت وی قرار ندهد.
مراعات سایر مسایل
علاوه بر آنچه گفته شد شایسته است زایر در حرم‌های شریف اهل بیت آداب دیگری را رعایت نماید چراکه وی به سرزمینی وارد شده که گام‌های مبارک آن بزرگواران آن‌جا را متبرک ساخته است، پس به حالات جنب یا حیض یا نفاس داخل حرم مطهر ائمه نشود و در آن‌جا از دنیا و مسایل آن صحبت ننماید و در آن هنگام که فرصتی دست داده به امور با ارزش و معنوی بیندیشد.

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 353.

2- سوره نور، آیه 26.

3- سوره احزاب، آیه 53.

4- بحار الأنوار، ج 98، ص 201.

در هنگام وارد شدن به حرم حال کسانی را که ضعیف‌تر هستند مراعات نماید، به آنان احترام بگذارد و اجازه بدهد قبل از خویش وارد آن مکان مقدس شوند تا در ثواب زیارت آنان شریک باشد. بانوان محترم در وقت زیارت با حجاب کامل و پوشیده زیارت نمایند و دقت کنند که به چه مکانی و در محضر چه بزرگی آمده‌اند.
چنان‌که آمده است: «احترام به حقوق و شخصیت یکدیگر استخفاف به زوار ائمه اطهار حتی در نگاه، از دستورات اکید زیارت است». (1) در صورت ازدحام و کثرت زوار، اگر زایر در اطراف یا نزدیک ضریح ایستاده است، زیارت خویش را کوتاه و مختصر نماید و از ضریح فاصله بگیرد تا دیگران هم به این فیض بزرگ نایل شوند. همچنین از مزاحمت و بی‌ادبی به زوار، چه با کلام و چه با عمل، پرهیز نماید، چراکه تمام زایران آن‌جا، دعوت شده از جانب آن معصومند و امر به معروف و نهی از منکر را اگر ضروری بود با آرامش و اخلاقی خوش بیان کند.
«زایر حرم اهل بیت علیهم السلام باید از اخلاق ناشایست که مانع حال معنوی وی و سایرین می‌گردد دوری نماید و از آنچه همراه دارد به همراهان خود بذل و بخشش نماید و تنگ‌نظر و بخیل نباشد». (2)

1- وسائل الشیعة، ج 8، ص 317.

2- همان.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی‌طالب طبرسی، تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی به، اسوه، قم، 1413 ق.
3. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، قم، 1414 ق.
4. تذکرة الفقهاء، جمال‌الدین، حسن بن یوسف(علامه حلی)، آل البیت، قم.
5. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، با همکاری جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
6. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، محمد بن حسن طوسی، دار الصعب، بی‌جا، 1401 ق.
7. الدروس الشرعیه، شمس الدین محمد مکی العاملی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، 1414 ق.
8. راهنمای زایرین، احمد سامعی، امیرکبیر، تهران، 1380 ش.
9. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، عبدالحسین امینی، دار الکتب العربیه، بی‌جا، 1403 ق.
10. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1388 ق.
11. کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه قمی، مطبعة المبارکة المرتضویه، بی‌جا، 1356 ق.
12. کربلا منتظر ماست بیا تا برویم، زهرا صفاکار، فرهنگ مردم، اصفهان، 1382.
13. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تحقیق احمد حسینی، بنیاد بعثت، قم، 1414 ق.
14. من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی،- معروف به شیخ صدوق- تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، 1392 ق.
15. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البیت، بی‌جا، 1414 ق.
16. هدایة الزائرین و بهجة الناظرین، عباس قمی، علمی، تبریز، 1343 ش.

2. ادب نیایش

عزت اکبری

چکیده

در متون اسلامی، آیات و روایات بسیاری درباره نیایش آمده و نیز تأکید زیادی بر آن شده است و با تعابیری مانند: مغز عبادت، اسلحه مؤمن، سپر مؤمن و ... از آن نام برده‌اند. یکی از شرایط مهم در اجابت دعا رعایت آدابی است که در لابه‌لای عبارات بزرگان دین در این زمینه وارد شده است. این آداب را به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد: اول، آدابی که قبل از دعا باید رعایت کرد؛ دوم، آدابی که همراه با دعا باید لحاظ شود؛ سوم، آدابی که بعد از استجابت دعا باید از آن غفلت نشود.

کلیدواژه‌ها: دعا، آداب دعا، تضرع، ختم دعا، صلوات.

ادب نیایش

از مضمون آیات و روایاتی که درباره دعا وارد شده، استفاده می‌شود که استجابت دعا امری قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. اگر می‌بینیم دعا ظاهراً به اجابت نمی‌رسد، باید در این که «دعا» دعای حقیقی بوده یا نه تأمل کرد والّا دعا و اجابت از قبیل علت و معلول است، هر وقت علت آمد معلول اجتناب‌ناپذیر است. برخی از بزرگان، مانند صدرالمتألهین (1) و علامه طباطبایی بر این عقیده‌اند که ارزش‌های اخلاقی از قبیل توبه، دعا و ... هرگاه تحقق پیدا کند، برکات آن آمرزش گناهان و استجابت دعا باشد تخلف‌ناپذیر خواهد بود.

1- ر. ک: تفسیر ملاصدرا، ج 4، ص 154.

کسی که معتقد است دعا صحیح است ولی قبول نمی‌شود، مانند کسی است که معتقد باشد خورشید طلوع کرده و تاریکی همچنان باقی است!! و یا لباس با صابون شسته شود، اما کثیفی همچنان باقی باشد، بلکه اگر کسی بدون توجه و شرایط لازم فقط به زبان دعا کند و بگوید: دعا کردم، مثل کسی است که فقط بگوید: لباس را شستم که با این گفتار لباس اصلاً شسته نمی‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کارهای نیک گناهان را از بین می‌برد، همان‌گونه که آب آلودگی را از بین می‌برد. (1) قرطبی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: سه چیز به امت من داده شده که به هیچ کس جز انبیا داده نشده است: 1. خداوند وقتی پیامبری را مبعوث کرد، فرمود: «ادعُونی أسْتَجِبْ لَکَ»(به صیغه مفرد)، ولی به امت پیامبر اسلام فرمود: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ» (2)

(به صیغه جمع). 2. خداوند هنگامی که پیامبری را مبعوث کرد، فرمود:

«ما جعل علیک فی الدین من حرج»(صیغه مفرد) ولی به امت پیامبر خاتم فرمود: «وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فی الدّینِ مِنْ حَرَجٍ» (3)

(به صیغه جمع). خداوند در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاد. 3. خداوند وقتی پیامبری را مبعوث کرد، او را گواه به قدم خود قرار داد، ولی این امت را گواهان بر مردم قرار داد. (4) ترمذی در نوادر الاصول از خالد ربعی نقل می‌کند که گفت: عجیب است از این امت به آنها گفته شد: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ» (5)

به آنها دستور داده شد دعا کنید و بدون شرط وعده استجابت داده شده است، ولی در آیه «وَ بَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» (6)

عمل صالح را شرط دانسته است. (7) شیخ صدوق نقل می‌کند که گروهی به امام صادق علیه السلام عرض کردند: ما دعا می‌کنیم،

1- «قال النبی: إنّ الحسنات یذهبن السیئات کما یذهب الماء الوسخ». (احیاء علوم الدین، ج 4، ص 14.)

2- سوره غافر، آیه 60.

3- سوره حج، آیه 78.

4- تفسیر قرطبی، ج 15، ص 213. «قال سمعت رسول اللَّه صلی الله

علیه و آله یقول: اعطیت امتی ثلاثاً لم یعط إلّاللأنبیاء».

5- سوره غافر، آیه 60.

6- سوره بقره، آیه 25.

7- تفسیر قرطبی، ج 15، ص 213.

ولی مستجاب نمی‌شود. فرمود: چون شما کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسید. (1) در نهج البلاغه آمده است: کسی که توفیق دعا پیدا کند، از اجابت محروم نمی‌شود، زیرا خداوند فرمود: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (2). (3)

طبرسی در الاحتجاج نقل می‌کند که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مگر شما نمی‌فرمایید که خداوند فرموده: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ پس چرا ما شخص مظلومی را می‌بینیم دعا می‌کند، ولی مستجاب نمی‌شود؟ فرمود: وای بر تو احدی نیست که خدا را بخواند مگر این که دعای او مستجاب کند، بله دعای ظالم تا توبه نکند مستجاب نمی‌شود. اما دعای آدم محق مستجاب می‌شود و یا بدون این که خودش بفهمد بلا از او دور می‌گردد، یا پاداش آن برای روز قیامتش ذخیره می‌شود. (4) آداب دعا کردن

آداب دعا کردن بسیار است، اما نگارنده آنها را گزینش نموده و به سه دسته تقسیم کرده است:

الف) آدابی که باید قبل از دعا کردن رعایت کرد

1. طهارت با غسل و وضو و پاکیزگی لباس از آلودگی‌ها و مباح بودن آن.
2. توجه به قبله و کعبه.
3. استعمال بوی خوش.
4. صدقه. خداوند می‌فرماید: «فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْواکُمْ صَدَقَةً». (5) پیش از دعا کردن صدقه دهید.
5. اعتقاد به این که خداوند بر برآوردن تمام حاجت‌ها قادر است. خداوند متعال

1- التوحید، ص 288- 289، ح 7. «قال قوم للصادق علیه السلام ندعو فلایستجاب لنا قال: لأنّکم تدعون من لا تعرفونه».

2- سوره غافر، آیه 60.

3- نهج البلاغه، حکمت 135.

4- الاحتجاج، ص 343.

5- سوره مجادله، آیه 12.

می‌فرماید: «وَ لْیُؤْمِنُوا بی». (1)
هر کس که مرا بخواند دعای او را اجابت کنم پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌فرماید: کسی که مرا بخواند و بداند که ضرر و نفع همه به دست من است، دعای او را مستجاب می‌کنم. (2) 6. حسن ظن به خداوند، یعنی نسبت به برآورده شدن حاجت خوش گمان باشد.
خداوند می‌فرماید: «وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً»؛ (3)
خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «
ادعوا اللّٰه و أنتم یوقنون بالإجابة
»؛ (4) هنگامی که از خدا چیزی می‌خواهی به اجابت آن یقین داشته باشید.
امام صادق علیه السلام فرمود: «
إذا دعوت فظنّ حاجتک بالباب
»؛ (5) وقتی که دعا می‌کنی یقین داشته باش که حاجت تو پشت در است.
ب) آدابی که باید در حال دعا کردن رعایت شود
1. عجله نکردن در استجابت دعا:
در آنچه بر پیامبران گذشته وحی شده، آمده است: شما از دعا کردن خسته نشوید، من از اجابت خسته نمی‌شوم. گاهی موردی پیش می‌آید که ما دعا می‌کنیم و اجابت هم می‌شود، ولی عمل آن در خارج روی مصالحی به تأخیر می‌افتد، در حالی که ما روی عجله و دستپاچگی توقع اجابت فوری آن را داریم. این مطلب شواهد بسیاری دارد، از آن جمله است داستان موسی و هارون که به درگاه خدا دعا کردند و موسی گفت: «رَبَّنا إِنَّکَ آتَیْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلأَهُ زینَةً وَ أَمْوالًا فی الْحَیاةِ الدُّنْیا»؛ (6)
پروردگارا! تو به فرعون و طرفدارانش در زندگی این دنیا زیورها و مال‌های فراوان دادی. پروردگارا!

1- سوره بقره، آیه 186.

2- ثواب الاعمال، ص 184؛ وسائل الشیعة، ج 7، ص 53، ح 3.

3- سوره الاعراف، آیه 56.

4- الداعوت راوندی، ص 30، ح 61؛ وسائل الشیعة، ج 7، ص 53، ح 4.

5- الکافی، ج 2، ص 473، ح 3.

6- سوره یونس، آیه 88.

تا [مردم را] از راه تو گمراه کنند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک تو را ببینند. خدای متعال در جوابشان گوید: «قَدْ أُجِیبَت دَّعْوَتُکُمَا»؛ دعای شما مستجاب شد. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: میان این دعا تا غرق شدن فرعون چهل سال طول کشید. (1) در برخی از احادیث نیز آمده است که امکان دارد میان دعا و اجابت بیست سال یا کم‌تر و بیشتر فاصله شود. (2) 2. پافشاری و سماجت کردن در دعا و درخواست:
پیامبر فرمود: «
إن اللَّه یحبّ السائل اللجوج
»؛ (3) خداوند دعاکننده سمج را دوست دارد.
از امام باقر علیه السلام روایت شده است: «
إنّ اللَّه کره إلحاح الناس بعضهم علی بعض فی المسألة واجب ذلک لنفسه
»؛ (4) خداوند سماجت و اصرار مردم را نسبت به یکدیگر ناپسند می‌دارد. اما در مورد خودش دوست دارد. قرآن هم مداومت در دعا را توصیه می‌کند.
«وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خیفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ»؛ (5)
پروردگارت را به یاد آور در درون خود، در حال تضرع و پنهان، بدون آن که صدای خود را بلند کنی صبحگاهان و شامگاهان.
3. نام‌بردن حاجت:
از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است: خداوند متعال حاجت بنده‌ای را که دعا می‌کند، می‌داند اما دوست دارد که دعاکننده حوایج خود را بر او عرضه کند. (6) 4. پنهان دعا کردن:
دعای پنهانی برای این است که از شائبه ریا در امان باشد. خداوند عزت می‌فرماید:

1- بحار الأنوار، ج 93، ص 375.

2- همان.

3- بحار الأنوار، ج 93، ص 374.

4- الکافی، ج 2، ص 475، ح 4.

5- سوره اعراف، آیه 55.

6- الکافی، ج 2، ص 476، ح 1؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 11، ح 27.

«ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً»؛ (1)
خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید.
از وجود مبارک امام هشتم علیه السلام نقل شده است که فرمود: یک دعای پنهانی معادل هفتاد دعای آشکار می‌باشد. (2) 5. نیایش دسته جمع و تعمیم در دعا:
خداوند متعال می‌فرماید: «وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ»؛ (3)
همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند وادار کن.
امام صادق علیه السلام فرمود: «
ما اجتمع أربعة رهط علی أمر واحد فدعو اللَّه إلّاتفرّقوا عن إجابة
»؛ (4) هرگز نشد که چهار گروه برای یک مطلب اجتماع کنند و از خداوند آن را بخواهند، مگر آن که خواسته آنها برآورده شود، قبل از آن که متفرق شوند. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «
ما من رهط أربعین رجلًا أجتمعوا فدعوا اللَّه فی أمر إلّااستجاب اللَّه لهم، فإن لم یکونوا أربعین فأربعة یدعون اللَّه عشرات مرّات إلّااستجاب اللَّه فإن لم یکونوا أربعة فواحد یدعو اللَّه أربعین مرة یستجیب اللَّه العزیز الجبّار له
»؛ (5) هیچ جمعیت چهل نفری نیست که خدا را بخوانند، مگر این که دعای آنها مستجاب شود، یا چهار نفر ده بار دعا کنند تا خدا دعایشان را مستجاب کند و اگر یک نفر باشد چهل مرتبه خدای را بخواند تا خداوند عزیز جبار دعای او را مستجاب کند.
6. اظهار خشوع:
خداوند می‌فرماید: «ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً». (6)

1- سوره اعراف، آیه 55.

2- الکافی، ج 2، ص 476، ح 1؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 11، ح 26.

3- سوره کهف، آیه 28.

4- ثواب الاعمال، ص 112؛ وسائل الشیعة، ج 7، ص 104، ح 2.

5- الکافی، ج 2، ص 487؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 87، ح 5.

6- سوره اعراف، آیه 55.

خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «یا موسی کن إذا دعوتنی خائفاً مشفقاً وجلاً، و عفّر وجهک فی التراب، و اسجدلی بمکارم بدنک و اقنت بین یدی فی القیام و ناجنی حیث تناجینی بخشیة من قلب وجل»؛ (1) ای موسی چون مرا می‌خوانی ترسان، بیمناک و هراسان باش و صورتت را به خاک بگذار و برای من سجده کن و در مقابل من بایست و مناجات کن و چون به مناجات می‌پردازی از روی ترس و با دلی لرزان باش.
7. مدح و ثنای الهی قبل از دعا:
امام صادق علیه السلام فرمود: «
کل دعاء لایکون فیه تمجید فهو أبتر
»؛ (2) هر دعایی که در آن تمجید خدا نیست آن ناتمام است.
محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در کتاب علی علیه السلام آمده است: مدح و ثنای خداوند قبل از درخواست لازم است، گفتم: چگونه؟ فرمود: می‌گویی: «
یا من هو أقرب إلیّ من حبل الورید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الأعلی یا من لیس کمثله شیء
». (3) 8. صلوات قبل از دعا:
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
لا یزال الدعاء محجوباً حتّی یصلّی علی محمّد و آل محمّد
»؛ (4) دعا در پشت حجاب می‌ماند، تا آن که بر محمد و آل او صلوات فرستاده شود. و نیز از آن امام همام نقل شده: «
من کانت له إلی اللّه(عزّوجّل) حاجة فلیبدأ بالصلاة علی محمّد و آله ثمّ یسأل حاجته ثمّ یختم بالصلاة علی محمّد و آل محمّد فإنّ اللّه(عزّوجلّ) أکرم من أن یقبل الطرفین و یدع الوسط إذ کانت الصلاة علی محمّد و آل محمّد لا تحجب عنه
»؛ (5) هر کس خواسته‌ای از خدا دارد، اول بر محمد و آل محمد درود بفرستد، سپس حاجت خود

1- تحف العقول، ص 790.

2- بحار الأنوار، ج 93، ص 316.

3- عدة الداعی، ص 199.

4- همان، ص 199؛ الکافی، ج 2، ص 491، ح 1؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 18، ح 8.

5- همان، ص 200؛ الکافی، ج 2، ص 494، ح 16؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 19، ح 13.

را طلب کند، آن‌گاه با صلوات بر محمد و آل او نیز آن را ختم کند، خداوند بزرگ‌تر از آن است که دعای ابتدا و انتها را قبول کند و دعای وسط را رها نماید، چراکه درود بر پیامبر و خاندان او ردّ نمی‌شود.
عبداللّٰه بن نعیم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «
إنّی دخلت البیت و لم یحضرنی شیء من الدعاء إلّاالصلاة علی محمّد وآل محمّد، فقال: أما إنّه لم یخرج أحد بأفضل ممّا خرجت به
»؛ (1) داخل مسجدالحرام شدم هیچ دعایی جز صلوات به ذهنم نرسید، حضرت فرمود: هیچ کس دست پرتر از تو از خانه خدا خارج نشده است.
9. گریه کردن در حال دعا:
ابن فهد حلی در این باره می‌گوید: این ادب بهترین آداب دعا و قله بلند آن است به چندین جهت:
1. گریه دلیل بر رقت قلب و آن دلیل بر اخلاصی که موجب استجابت دعا است.
علی علیه السلام می‌فرماید: «
بکاء العیون و خشیة القلوب من رحمة اللّٰه تعالی ذکره فإذا وجدتموها فاغتنموا الدعاء
»؛ (2) گریه چشم و خشیت دل از برکات و رحمت خداست که یاد او بالا باشد هرگاه چنین حالتی برای شما پیدا شد، دعا کرده و غنیمت شمارید.
حضرت اباعبداللّٰه الحسین علیه السلام در روز عرفه در صحرای عرفات در حال دعا چنان اشک می‌ریخت که گویی از مشک آب جاری است.
2. گریه دلیل بر انقطاع امید از مردم و زیادی خشوع است. پیامبر اکرم فرمود:
«... وانه لا یدخل الناس بکی من خشیة اللّٰه تعالی حتی یعود اللبن إلی الضرع
». (3) کسی‌که از خشیت‌خدا بگرید داخل آتش نمی‌شود، همان طور که شیر به پستان بر نمی‌گردد.
3. موافقت با امر خداوند در سفارش اولیای او به گریه کردن. خداوند به عیسی علیه السلام

1- همان.

2- شرح دعای عرفه، ص 19؛ بحار الأنوار، ج 93، ص 336.

3- عدة الداعى، ص 201؛ وسائل الشيعة، ج 7، ص 76، ح 8.

فرمود: «
یا عیسی هب لی من عینیک الدموع، و من قلبک الخشیة و قم علی قبور الأموات فنادهم بالصوت الرفیع فلعلّک تأخذ موعظتک منهم و قل إنّی لاحق فی اللاحقین
»؛ (1) ای عیسی برای من از چشمانت اشک بریز و در قلبت خشیت من باشد، در قبرستان حاضر شو و آنها را صدا بزن، شاید پند بگیری و بگو: من هم به شما ملحق می‌شوم.
4. در گریه ویژگی‌ها و فضائلی است که در طاعات دیگر یافت نمی‌شود. روایت شده: «
بین الجنّة و النار عقبه لا یجوزها إلّاالبکّاؤون من خشیة اللَّه تعالی
»؛ (2) بین بهشت و جهنم گردنه‌هایی است که جز گریه‌کنندگان از خشیت خدا از آن عبور نمی‌کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «
لمّا کلّم اللَّه موسی علیه السلام قال: إلهی ما جزاء من دمعت عیناه من خشیتک قال: یا موسی أقی وجهه من حرّ النار و آمنه یوم الفزع الأکبر
»؛ (3) موسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: پاداش کسی که از خشیت تو بگرید چیست؟ فرمود: ای موسی او را از آتش حفظ می‌کنم و از ترس بزرگ آن امان می‌دهم. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «
کلّ عین باکیه یوم القیامة إلّاثلاث: عین غضت عن محارم اللَّه و عین سهرت فی طاعة اللَّه و عین بکت فی جوف اللیل من خشیة اللَّه
»؛ (4) تمام چشم‌ها در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که از حرام‌های الهی بسته شده باشد؛ چشمی که در راه خدا بیداری کشیده باشد و چشمی که در دل شب از خوف خدا گریسته باشد.
10. اعتراف به گناه قبل از دعا و اظهار فروتنی: (5) امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «
أوحی اللَّه تعالی إلی موسی علیه السلام: أتدری لم اصطفیتک بکلامی من دون خلقی؟ قال: لا یا ربّ قال: یا موسی إنی قلّبت عبادی ظهراً لبطن فلم أر أذلّ لی نفساً منک،

1- همان، ص 201؛ امالی مفید، ص 239، ح 7؛ امالی طوسی، ص 12، ح 15.

2- همان، ص 212، امالی صدوق، ص 81؛ وسائل الشیعة، ج 7، ص 76، ح 10.

3- همان، ص 203؛ امالی صدوق، ص 277، ح 8.

4- همان، ص 203؛ الکافی، ج 2، ص 482، ح 4.

5- مرحوم ابن فهد آداب دیگری را همراه با دعا شرط می‌داند، از قبیل بالا بردن دست‌ها، دعا برای دیگران، دعا قبل از نیاز، و حضور قلب به هنگام دعا که به خاطر اختصار در کلام از آن اجتناب می‌کنیم. علاقه‌مندان به ص 211 الی 232 آن کتاب رجوع نمایند.

إنّک إذا صلّیت وضعت خدّیک علی التراب
»؛ (1) خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: می‌دانی چرا تو را از میان بندگانم به عنوان کلیم اللّٰه انتخاب کردم؟ گفت: نه. خداوند فرمود: ای موسی در میان آنها کسی را فروتن‌تر از تو نسبت به خود ندیدم، تو وقتی نماز می‌خوانی گونه‌هایت را به خاک می‌گذاری.
ابن فهد بعد از نقل احادیث گوناگون و ارزشمندی در این باره می‌نویسد: اقرار به گناه در پیشگاه خداوند پنج فایده دارد: 1. بریدن امید از همه و توجه به سوی خدا، 2. شکستن قلب، 3. رسیدن به اخلاص بر اثر شکسته شدن دل، 4. چه بسا اقرار به گناه سبب گریه که بهترین آداب دعاست می‌شود، 5. موافقت با امر امام صادق علیه السلام. (2) ج) آداب بعد از دعا
ابن فهد حلی با توجه به روایات آدابی را برای بعد از دعا به شرح ذیل بیان می‌کند:
اول: تکرار دعا، چه دعا به هدف اجابت رسیده باشد یا ظاهراً نرسیده باشد. اگر دعا به اجابت رسیده باشد ترک آن ستم است، بلکه شایسته است که دعا و ثنا را تکرار کنی، زیرا خداوند کسانی که دعا را بعد از رسیدن به هدف رها می‌کنند توبیخ کرده می‌فرماید: «وَ إذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنیباً إِلَیْهِ ثُمَّ إذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ»؛ (3)
هرگاه برای انسان فقر و مصیبتی پیش آید، با دعا و توبه به درگاه خدا رود و چون نعمت و ثروت به او عطا شود، خدایی را که پیش از این می‌خواند به کلی فراموش نماید.
اگر دعا مستجاب نشد، باز هم نباید دعا رها شود، چه بسا تأخیر به خاطر این باشد که خداوند دوست دارد صدای بنده‌اش را بشنود، لذا شایسته نیست چیزی را که خدا دوست دارد ترک بکند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «
رحمه اللّٰه عبداً طلب من اللّٰه حاجة فألحّ فی الدعاء استجیب له أو لم یستجب له و تلا هذه الآیه
: «وَأَدْعُوا رَبّی عَسَی أَلَّآ أَکُونَ بِدُعَآءِ رَبّی

1- عدة الداعی، ص 209؛ الکافی، ج 2، ص 123، ح 7؛ من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 332، ح 975.

2- عدة الداعی، ص 211.

3- سوره زمر، آیه 8.

شَقِيًّا»؛ (1)
خدا رحمت کند بنده‌ای را که بر دعا اصرار می‌ورزد. به اجابت برسد یا نرسد.
سپس این آیه را تلاوت فرمود: من خدای یکتا را می‌خوانم و امیدوارم که مرا از درگاه لطفش محروم نگرداند.
و نیز امام باقر علیه السلام فرمود: «
لا یلحّ عبداً مؤمن علی اللّٰه فی حاجته إلّاقضاها له
»؛ هر بنده مؤمنی که در دعا اصرار ورزد، خداوند حاجتش را بر آورده سازد.
ابن فهد در ادامه می‌نویسد: شخص عاقل بسیار دعا می‌کند و اصلاً دعایش را قطع نمی‌کند، به چند جهت: (2) 1. به خاطر فضیلتی که دعا دارد که از آن تعبیر به مغز عبادت شده است.
2. برخورداری از امتیاز دعا قبل از بلا، چه بسا بلایی مقدّر باشد و با دعا رفع شود.
3. وقتی زیاد دعا کنی صدایت نزد آسمان‌ها شناخته می‌شود و چون به هنگام احتیاج دعا کنی ردّ نخواهد شد.
4. برخورداری از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «
رحم اللّٰه عبداً طلب من اللّٰه
». (3) 5. اگر صدای تو محبوب پروردگار باشد، کاری را انجام داده‌ای که خدا دوست دارد و اگر محبوب هم نباشد خداوند کریم و رحیم است، چه بسا به خاطر تکرار دعا به تو رحم کند، چگونه این‌طور نباشد که هر شب منادی پروردگار ندا می‌کند: آیا کسی هست که دعا کند و اجابت کنم (4) و نمی‌بینی که امام معصوم فرمود: هرگاه دری زیاد کوبیده شود باز می‌شود. (5) 6. به فوز محبت الهی برسی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «
إنّ اللّٰه یحبّ من عباده کلّ دعّاء
»؛ (6) خداوند بنده بسیار دعاکننده را دوست دارد.

1- سوره مریم، آیه 48.

2- عدة الداعی، ص 236.

3- همان، وسائل الشیعة، ج 7، ص 69، ح 4 و 79.

4- همان.

5- همان.

6- الكافى، ج 2، ص 478، ح 9؛ ثواب الاعمال، ص 193، ح 1.

7. تأسی به امام علی علیه السلام که امام صادق علیه السلام فرمود: «
کان أمیر المؤمنین رجلاً دعّاء
»؛ (1) امیر المؤمنین بسیار دعا می‌کرد.
دوم: کشیدن دست‌ها به صورت. ابن قداح از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «
ما ابرز عبداً یده إلی اللّٰه العزیز الجبّار إلّااستحیي اللّٰه أن یردّها صفراً فإذا دعا أحدکم فلا یرد یده حتّی یمسح علی وجهه و رأسه
»؛ (2) بنده دستش را به سوی خدا دراز نمی‌کند، مگر این که خداوند حیا می‌کند آن را خالی برگرداند، وقتی دعا می‌کنید دست خود را به سر و صورت بکشید.
سوم: دعا را با صلوات ختم کند. (3) چهارم: بعد از دعا بگوید: «ما شاء اللّٰه لا حول و لا قوّة إلّاباللّٰه». (4) پنجم: پس از دعا بهتر از قبل از دعا باشد. چه بسا گناهان بعد از دعا مانع استجابت دعا شود. در ادعیه اهل بیت آمده: «أعوذ بک من الذنوب التی تردّ الدعا»؛ (5) پناه می‌برم به تو از گناهانی که مانع استجابت دعا می‌شود. گناهانی که مانع قبولی دعا می‌شود، عبارت‌اند از: سوء نیت، پلیدی باطن، نفاق با برادران، عدم اعتقاد به اجابت دعا، به تأخیر انداختن نمازها تا این که وقت آن بگذرد. (6)

1- الکافی، ج 2، ص 468، ح 8؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 26، ح 3.

2- عدة الداعی، ص 244؛ الکافی، ج 2، ص 471، ح 2؛ مکارم الاخلاق، ج 2، ص 14.

3- توضیح آن قبلاً گذشت.

4- المحاسن، ج 1، ص 113، ح 60؛ الکافی، ج 2، ص 521، ح 1.

5- همان.

6- همان.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. احیاء علوم الدین، ابوحامد محمّد غزالی، شرکت انتشار علمی فرهنگی، 1351، تهران.
3. الاحتجاج، ابی‌منصور طبرسی، مؤسسة الاعلمی، 1410 ق، بیروت.
4. الکافی، محمد کلینی، دار الکتب الاسلامیه، 1367، تهران.
5. امالی، محمدبن علی ابن بابویه(صدوق)، کتابچی، 1380، تهران.
6. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، 1363، تهران.
7. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، امیرکبیر، 1367، تهران.
8. تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، دار التعارف، بیروت.
9. الجامع لأحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، دار الکتب العلمیه، 1413 ق، بیروت.
10. شرح دعای عرفه، محمدباقر مدرس بستان‌آبادی، دار الکتب الاسلامیه، 1379، تهران.
11. عدة الداعی، ابن فهد حلّی، مؤسسة المعارف الاسلامیه، 1368، قم.
12. کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمدرضا قمی مشهدی، وزارت ارشاد اسلامی، 1411 ق، تهران.
13. من لا یحضره الفقیه، محمدبن علی ابن بابویه(صدوق)، جامعه مدرسین، بی‌تا، قم.
14. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، جامعه مدرسین، بی‌تا، قم.
15. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی.
16. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق، بیروت.

بخش پنج: آثار و فواید زیارت

1. بررسی تأثیر دعا با تأکید بر فرایندهای شناختی

سید مهران حسینی (1)
چکیده
سیستم پردازش اطلاعات انسان دارای دو بخش مغز و فرایندهای شناختی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش پیشانی، منطقه قدامی و میانی سینگولا در مغز انسان جایگاه پردازش اطلاعات مربوط به دعاست. در هنگام دعا خواندن، در جایگاه مشخصی از مغز ما برانگیختگی و فعالیت آغاز می‌شود. این فعالیت شامل پردازش کلمات دعا می‌باشد، که سبب فراخوانی اطلاعات ذخیره شده در حافظه می‌گردد. و نیز در کنار شناسایی معانی کلمات دعا، رویدادها و خاطرات مربوطه خوانده می‌شود. در نتیجه سبب کاهش استرس، فشار خون و ضربان قلب شده و به ما توانایی مواجهه صحیح با رخ‌دادهای پرمخاطره را می‌دهد. در این مقاله با اشاره به جایگاه و اهمیت دعا، فرایند دعا و زیارت با تأکید بر الگوهای مطرح در روان‌شناسی تبیین شده است.
کلیدواژه‌ها: دعا، روان‌شناسی، استرس، تأثیر دعا، بهداشت روانی.
مقدّمه
با تأمل در آیات قرآن و سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تردیدی درباره اهمیت دعا (2) و نقش سازنده آن در زندگی انسان باقی نمی‌ماند. در دین مبین اسلام

1- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی.

2- در فرهنگ فارسی معین دعا، خواندن جمله‌هایی از پیامبر و امامان در اوقات معین برای طلب آمرزش وبرآورده شدن حاجات، نیایش کردن و درخواست حاجات از خداوند تعریف شده است.

اهمیت دعا همواره مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از مکان‌های مقدسی که دعا به اجابت می‌رسد، زیارتگاه‌ها و قبور معصومان است که زیارت آنها در آموزه‌های دینی سفارش شده است. برخی از آیات قرآن که در آن به دعا اشاره شده است عبارت‌اند از:
«مرا بخوانید و درخواست کنید تا پاسخ دهم». (1) «برای خدا نام‌های نیک است، پس او را به وسیله آنها بخوانید و دعا کنید». (2) «ای پیامبر نباید آنان را که هر صبحگاه و شبانگاه خدا را می‌خوانند از نزد خود برانی». (3) «ای رسول من بگو: اگر به سوی خدا متوجه نشوید و دعا نکنید، پروردگارم به شما اعتنا نخواهد کرد». (4) «خدای خود را به تضرع و زاری و به صدای آهسته بخوانید». (5) «و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسند، بدانند که من به آنها نزدیک هستم و هر که مرا بخواند دعای او را اجابت کنم». (6) «و پروردگار دعای آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شوند مستجاب می‌گرداند و از فضل و کرم خود بر ثواب آنها می‌افزاید». (7) «زکریا پروردگارش را گفت: ای پروردگار من مرا از نزدت فرزندی پاکیزه ببخش به درستی‌که تو شنونده دعایی». (8) «زکریا عرض کرد: پروردگارا استخوان من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این، من خود را هرگز از دعا به درگاه کرم تو محروم از عطای(بی انتهای) تو ندانسته‌ام». (9)

1- سوره غافر، آیه 63.

2- سوره اعراف، آیه 180.

3- سوره انعام، آیه 53.

4- سوره فرقان، آیه 77.

5- سوره اعراف، آیه 55.

6- سوره بقره، آیه 186.

7- سوره شوری، آیه 26.

8- سوره آل عمران، آیه 34.

9- سوره مریم، آیه 4.

«پس موسی دعا کرد که ای خدا اینان مردمی سخت مجرم و بدکارند». (1) «نوح به درگاه خدا دعا کرد که من مغلوب قوم شده‌ام، مرا یاری فرما». (2) همچنین در حدیث قدسی آمده است: «ای موسی آنچه احتیاج داری از من درخواست کن، حتی علوفه گوسفندت و نمک خمیرت را از من بخواه». (3) از سوی دیگر، پیامبر اسلام حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز بر اهمیت دعا تأکید فرموده‌اند از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله: «دعا مغز عبادت است، هیچ کس از اهل دعا به هلاکت نمی‌رسد». (4) امام علی علیه السلام: «دعا کلیدهای نجات و کامیابی و گنجینه‌های رستگاری است». (5) امام علی علیه السلام: «آن خدایی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعایت را برعهده نهاده، و به تو فرموده که از او بخواهی تا به تو بدهد». (6) امام صادق علیه السلام: «دعا درمان هر دردی است». (7) امام رضا علیه السلام: «به‌راستی که دعا و بلا تا روز قیامت با یکدیگر باشند و محققاً دعا بلای مبرم را بر می‌گرداند». (8) امام صادق علیه السلام: «دعا کن و مگو کارها تمام شده است». (9) سال‌هاست پژوهشگران موضوع دعا و تأثیر آن بر انسان را بررسی می‌کنند. آنان در حوزه‌های مختلف از جمله فیزیولوژی، پزشکی و روان‌شناسی سعی دارند تا تأثیر دعا بر انسان را کشف نمایند(مک نامارا، 2002؛ هریس، 1999؛ بایرد، 1988؛ بنسون، 1978؛ گلدمن، 1990). این در حالی است که در چند سال اخیر روان‌شناسی

1- سوره دخان، آیه 22.

2- سوره قمر، آیه 11.

3- المیزان، ج 2، ص 49.

4- بحار الأنوار، ج 90، ص 300.

5- اصول کافی، ج، ص 230.

6- نهج البلاغه، نامه 31.

7- اصول کافی، ج 4، ص 234.

8- همان، ص 232.

9- همان، ص 229.

شناختی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم علم روان‌شناسی نیز به بررسی فرایند شناخت پرداخته است(کالمن، 2001). روان شناسان شناختی سعی دارند دریابند که کارکردهای شناختی مغز انسان چیست و اعمال شناختی انسان از جمله دعا چه فرایندهایی را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت نقش دعا به‌ویژه در زندگی امروزی انسان که بیش از هر زمان دیگری نیازمند یاری خداوند متعال است. در این مقاله سعی بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا دعا بر جسم انسان تأثیر می‌گذارد؟

دعا از چه الگوهای شناختی تبعیت می‌کند؟ فرایندهای شناختی در دعا چگونه تبیین می‌شوند؟

تأثیر دعا بر انسان

شاید در نگاه اول این موضوع که دعا بر جسم انسان و نحوه فعالیت اعضای بدن او تأثیر می‌گذارد، عجیب به نظر برسد. پژوهش‌های بی‌شماری که در این زمینه صورت گرفته است و در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم، این موضوع را اثبات می‌کنند.

طی قرن‌ها دعا همواره به عنوان راهی برای رهایی انسان از رنج‌هایش به‌کار برده شده است(داسی، 1997). دعای قلبی(دعا بدون آوردن کلام بر زبان) بخش زیادی از زندگی ما را شامل می‌شود(برونسکی، 1978). سادیا(1991) معتقد است که دعا به عنوان یکی از راهبردهای مقابله‌ای [(1)] مهم برای کاهش استرس ناشی از بیماری‌ها و رویدادهای ناگوار به‌کار می‌رود. مذهب و دعا به بیماران کمک می‌کند تا آنها بتوانند از خودشان مراقبت کنند و نیز بتوانند به‌خوبی با بیماری‌ها و در برابر رویدادهای پراسترس زندگی مقابله کنند(کایی، 1991).

مک نامارا(2002) این فرضیه را آزمود که بخشی از علت شرکت کردن مردم در مراسم مذهبی مانند زیارت معصومان و دعا به برانگیختگی منطقه پیشانی مغز مربوط

1- Coping strategies

می‌شود. برانگیختگی مناطق پیشانی، هم به طور ذاتی و بی‌واسطه از اهمیت و مزیت فراوانی برخوردار می‌باشد و هم لازمه کسب بسیاری از رفتارهایی است که مذاهب در جست‌وجوی پرورش دادن آن در انسان هستند، شامل این‌که شخص احساس مسئولیت کند، تنظیم کردن هیجان و تکانه، همدلی، بینش اخلاقی، امید و خوشبینی.

هر چند آزمون‌های مستقیم برای تعیین دقیق و تأیید این موضوع هنوز وجود ندارد، با این‌حال شواهد قوی در این زمینه مطرح است. بررسی‌های تصویربرداری مغز، وجود مقادیر برانگیختگی زیاد در بخش پیشین(قدامی) و افزایش جریان خون را در مناطق پیشانی مغز در هنگام دعا کردن، به‌ویژه در مکان‌های مقدس و زیارتگاه‌ها، به اثبات رسانده است.

در بررسی مشخص شد که دعا نقش زیادی در مداخله خودیاری (1) برای اشخاص مبتلا به التهاب مفاصل (2) داشته است(آرکوری، 1996). در پژوهش دیگری نیز مشخص شد که 96 درصد بیماران که تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته بودند، از دعا به عنوان یک مکانیسم مقابله با استرس جراحی قلب استفاده کرده بودند(سادیا، 1991). در پژوهش هاولی(1998) که در زمینه بررسی تأثیر تجارب و معنای دعای بیمارانی که تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته بودند، صورت گرفت مشخص شد که بیماران با دانستن این مطلب که خداوند دعاهایشان را می‌شنود و به آنها هنگامی که در جست‌وجوی آرامش هستند پاسخ می‌دهد، از آرامش روحی برخوردار می‌شدند.

همچنین ترنسی و ویلیارد(2007) با بررسی بیمارانی که تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفته بودند، دریافتند دعا کردن در بهبود سریع آنان نقش مؤثری داشته و دعا بر کنترل نشانگان استرس نیز مؤثر بوده است.

دعا همچنین تأثیر مثبتی بر بیماران مبتلا به اضطراب، افسردگی و کمبود عزت

1- Self- help.

2- Arthritis

نفس (1) داشته است(اولاویری، 1997) ..

این در حالی است که دعا و نیایش منظم همبستگی (2) مثبت با بهداشت روانی بهتر شخص دارد و دینداری و دعا کردن با سطوح بالای همدلی، بینش اخلاقی، خودبازنگری (3) و دیگر رفتارهای مثبت، و همبستگی منفی با افسردگی، تکانشی بودن (4) و رفتارهای خطرناک دارد. یافته‌های دیگر نیز نشان داده است که خودبازنگری، همدلی، امید و بینش اخلاقی با کارکرد سالم مناطق پیشانی مغز در ارتباط می‌باشند، در حالی‌که افسردگی، تکانشی بودن، سوء مصرف مواد و الکل با بدکاری این مناطق مرتبطاند(مک نامارا، 2002). همچنین در قالب استفاده از درمان‌های رفتاری- شناختی، (5) نقش و تأثیر دعا، به‌ویژه در زمینه درمان اختلال افسردگی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد(مورلی، 2003). بررسی‌های فیزیولوژیک نیز تأثیر جسمانی دعا را نشان داده است. این تأثیر شامل پایین آوردن ضربان و فشار خون، میزان و تعداد تنفس، کاهش مصرف اکسیژن و تغییر در الگوهای

GEE

(6) است(بنسون، 1978) ..

جوینگ و والاس(1992) در بررسی خود به نقش دعا و تأثیر آن بر پاسخ آرامش (7) و افزایش در میزان پاسخ گالوانیک پوست در تمرینات مراقبه اشاره کردند. از سوی دیگر، (8 IRMF) آزمودنی‌هایی که زمان زیادی را صرف دعا می‌کنند نشان داد که

Self -esteem -1

Correlation -2

Self- Monitoring -3

Impulsive -4

.Cehavioral- Behavioral -5

(Electroencep halogram(EEG -6

7- Relaxation Response

8- روش تصویر برداری بازتاب مغناطیسی عملکرد یا FMRI(Functional Magnetic Resonance I maging) از پیشرفته‌ترین شیوه‌های بررسی فعالیت مغز است. در بررسی استندیش و همکاران(2005)، دریافت محرک و کارکرد نواحی خاصی از مغز با استفاده از FMRI تأیید شد. به طور کلی با استفاده از این روش رفتارهای شناختی شخص بررسی می‌شود و کشف مراحل و فرایندهای شناختی هدفی قابل دستیابی است(وردن، 2005؛ گابریلی، 1996؛ تانگ، 2005).

سیگنال‌های کلی در FMRI کاهش می‌یابد. به طور مشخص ساختارهای عصبی در برگیرنده توجه کردن است و آن تحت کنترل سیستم عصبی خودکار (1) می‌باشد، در این حال دعای زیاد ممکن است تفاوت معناداری در کنترل فیزیولوژیک کارکردهای متابولیک نشان بدهد(گلدمن، 1990). در بررسی استندیش و همکاران(2005) با استفاده از FMRI مشخص شد که میزان قصدمندی (2) شخص برای انجام امور مذهبی از قبیل دعا با برانگیختگی نواخی خاصی از مغز، از جمله منطقه پیشانی مغز، منطقه پیشین(قدامی) و میانی سینگولا (3) مرتبط است ..

از سوی دیگر، رویکردهای مذهبی و دعا نقش مؤثری در درمان بیماری‌های روان تنی (4) دارند(هریس، 1999). بایرد(1988) در بررسی‌های خود به نقش سیستم‌های غدد درون ریز و تأثیر مثبت دعا بر فعالیت آن اشاره کرده است. همچنین بانتیا و همکاران(2007) میزان دعا، نشانگان جسمانی و کیفیت زندگی را بررسی کردند. آنان دریافتند سطح متوسط و پایین درآمد با میزان دعا، مذهبی بودن و سلامت جسمانی ارتباط مستقیم دارد. (5) دیویدسون و همکاران(1984) نیز نتایجی را گزارش کردند که حاکی از کاهش قابل توجه میزان اضطرابی در گروه‌هایی بود که به صورت طولانی مدت به دعا می‌پرداختند. از سوی دیگر از آن‌جا که فعالیت‌های مذهبی نظیر

1- Autonomic nervous system

2- Intentionaly

3- Cingulate

4- بیماری‌های روان تنی یا Psychosomatic، بیماری‌هایی است که در آن شکایات بدنی همراه با ضایعات‌و آسیب‌های بافتی همراه می‌باشد، ولی علت آن روانی است، مانند اختلالات معدی- روده‌ای، اختلالات قلبی- عروقی، سردردهای میگرنی، اختلال‌های پوستی(آزاد، 1378).

5- بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره سال‌ها پیش بر اهمیت ساده‌زیستی و مضرات‌خوی کاخ‌نشینی تأکید

فرمودند(صحیفه نور، ج 17، ص 217).

دعا کردن بر ویژگی‌های شناختی مبتنی است که با فعالیت حافظه و بخش‌هایی از سیستم لیمبیک در ارتباط می‌باشند، این قبیل فعالیت‌ها اگر به صورت مناسب انتخاب شوند می‌توانند در بهبود بزرگسالانی که مبتلا به زوال عقل (1) هستند مفید واقع شوند(ونسی، 2005). (استین 1997) تأثیر سودمندی دعا کردن بر کاهش استرس را گزارش کرد. الکساندر و همکاران(1994) هم دریافتند که براساس مطالعات همه‌گیرشناسی، کسانی‌که به دعا می‌پردازند، به طور معناداری کم‌تر بیمار، بستری، ویزیت سرپایی می‌شوند و هزینه درمانی کم‌تری را در مقایسه با گروه‌های کنترل متحمل می‌گردد. آنرو(2007) نیز بر نقش دعا در مدیریت درد (2) تأکید کرده است. به طور کلی در زمینه نقش دعا و تأثیر آن از سال 2000 میلادی تاکنون این جهت‌گیری در مقالات پژوهشی مطرح است که معنویت و ورود آن به فرایند درمان نقش تسهیل کننده و کمک کننده به پیشرفت درمان‌های جسمانی و روانی دارد(هلمیکی، 2007).

الگوهای شناختی تبیین کننده فرایند دعا

بررسی روان شناختی (3) فرایندهای مذهبی نظیر دعا، موضوع جدیدی نیست. برای مثال آغازگر برجسته در زمینه بررسی روان شناختی مذهب، تحقیقات فخنر در حوزه پسیکوفیزیک (4)(روان- فیزیک) در اکتبر سال 1850 می‌باشد که در بیشتر کتاب‌های تاریخی این واقعیت نادیده گرفته شده است. به عقیده فخنر پسیکوفیزیک به عنوان ارتباط دهنده دنیای روحانی با دنیای مادی تلقی می‌شود. با وجود این وونت، کسی که بیشتر از او به عنوان پدر روان‌شناسی علمی یاد شده است، کم‌تر از این عقاید فخنر که قابل توجه هستند، استفاده کرده است(بالس، 1993). در چند سال

1- Dementia

2- در فرهنگ وبستر(2003) مدیریت درد یا PainManagement این‌گونه تعریف شده است: فرایندمهیا کردن مراقبت‌هایی که درد را تسکین یا کاهش دهد.

3- Psychological

اخیر روان‌شناسی شناختی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم علم روان‌شناسی به بررسی فرایند شناخت شامل توجه، (1) ادراک، (2) حافظه، یادگیری ، تفکر ، زبان ، حل ..... مسأله (3) و تصمیم‌گیری پرداخته است(کالمن، 2001). موضوع دعا و تأثیر آن از جنبه. شناختی نیز مورد توجه پژوهشگران(مک نامارا، 2002؛ سیگال و همکاران، 2002؛ باتسون، 1993؛ کانلی، 2004؛ استین و همکاران، 2000؛ پاراگامنک، 1997) قرار گرفته است. آنان دریافتند که در بسیاری از مذاهب در غرب و شرق از اشکال مختلف دعای تعمقی در قالب فرایندهای روحانی و شفادهنده استفاده شده است(سیگال و همکاران، 2002). مکان فرایندهای شناختی مغز است که در انسان از دو نیمکره چپ و راست تشکیل شده است. هر نیمکره نیز به چهار قطعه پیشانی، (4) آهیانه‌ای، پس. سری (5) و گیجگاهی تقسیم می‌شود. به طور کلی مراکز اعمال شناختی و حرکتی. انسان در این مناطق واقع شده است(هافمن و همکاران، 1994).

همچنین حافظه از جمله بخش‌هایی است که در فرایندهای شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. حافظه، به معنی فرایند ذهنی کسب و نگهداری اطلاعات برای یادآوری بعدی و نیز سیستم اندوزش ذهنی می‌باشد که قادر به انجام این فرایندهاست. حافظه شامل سه فعالیت ذهنی متفاوت کسب اطلاعات(یادگیری)، نگهداری اطلاعات و بازیابی اطلاعات است(ملتون، 1963). روان‌شناسان معمولاً حافظه را به سه نوع حسی، (6)

Attention -1

Perception -2

Problem Solving -3

Frontal -4

Occipital . -5

Sensory Memory . -6

کوتاه مدت، (1) و بلند مدت (2)(یا حافظه معنایی) تقسیم می‌کنند(لوفتاس، 1992).
.. انسان هنگامی که دعایی را می‌شنود یا دعایی را می‌خواند، کلمات دعا ابتدا وارد حافظه حسی، که مخزن اطلاعات حسی و یک سیستم حافظه بسیار کوتاه مدت است، می‌شود. مغز انسان هر آنچه از این طریق دریافت می‌کند، برای مدت زمان کوتاهی(در حدود یک ثانیه) در خود نگهداری می‌کند(پاپالیا، 1992). اطلاعات در حافظه به سرعت از دست می‌روند، مگر آن‌که به حافظه کوتاه مدت منتقل شوند. در حافظه کوتاه مدت اطلاعات برای مدت زمان بیشتری(در حدود پانزده تا بیست ثانیه) ذخیره می‌گردد و اگر اطلاعات مورد مرور ذهنی (3) قرار بگیرد می‌تواند به حافظه بلند مدت منتقل شود و برای مدت زمان بیشتری(ماه و سال) در حافظه باقی بماند.
به عبارت دیگر، اگر شخص دعایی را که برای نخستین بار می‌شنود، یا می‌بیند، تکرار کند، این دعا به حافظه بلند مدت او می‌رود و قادر خواهد بود آن را برای مدت زمان بیشتری نگهداری کند. حافظه این توانایی را دارد که اطلاعاتی را که به حافظه بلند مدت فرستاده شده است، بار دیگر با فرایند بازیابی (4) به حافظه کوتاه مدت فراخواند. جالب این‌که اطلاعاتی که برای شخص از اهمیت برخوردار نباشد، و مورد توجه قرار نگیرد یا مرور ذهنی آن به‌خوبی انجام نشده باشد، فراموش خواهد شد(هافمن و همکاران، 1994). در شکل(5) انواع حافظه و ارتباط میان آن نشان داده شده است. باید توجه داشت ورود اطلاعات به حافظه بلند مدت تضمین کننده این نیست که شخص برای همیشه به آن اطلاعات دسترسی خواهد داشت و اگر برای مدت زمان طولانی شخص به بازیابی این اطلاعات نپردازد فراموشی(جزیی یا کلی) رخ خواهد داد.

Short Term Memory -1

High Term Memory -2

Rehearsal -3

Retrieval -4

شکل(1) انواع حافظه و ارتباط میان آنها.(هافمن و همکاران، 1994)
گذشته از نحوه فرایند ذخیره‌سازی اطلاعات در حافظه، شخص هنگامی که به خواندن دعا می‌پردازد، فرایندهای شناختی نیز با هدف درک بهتر موضوع فعال می‌شوند. براساس رویکرد پردازش اطلاعات (2) که تغییر شکل یافته الگوی اتکینسون و شیفرین است، سخت‌افزار در این رویکرد، شامل سه مؤلفه حافظه یعنی حافظه حسی، حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت است. هر چند شخص با خواندن یا شنیدن دعا، ورود درون داد (3) به این الگو را خاتمه می‌دهد، اما محرک محیطی(خواندن یا شنیدن دعا) در سیستم پردازش جریان می‌یابد. بخشی از اطلاعات(دعا) که مورد توجه شخص قرار گرفته و رمزگردانی (4)(عمل رمزی کردن یک درون داد) شده است، به حافظه کوتاه مدت فرستاده می‌شود و حافظه کوتاه مدت به طور موقت با بکارگیری چند فرایند کنترل به مرتب کردن آنها می‌پردازد و مجموعه آن را به حافظه بلند مدت انتقال دهد(هالیوک، 1984). اما براساس الگوی فرایند، (5) با روش ساده به تبیین فرایند شناختی پرداخته شده است.

Information Processing Approach -1

Information Processing Approach -2

Input -3

Encoding -4

.Process Model -5

به طور کلی، الگوی فرایند عبارت است از فرضیه‌هایی درباره فرایندهای ذهنی خاص که وقتی تکلیف خاصی شکل می‌گیرد، روی می‌دهد(نیسر، 1976). طبق این الگو نخستین گام در پردازش، هنگامی که شخص دعایی را می‌خواند یا می‌شنود، رمزگردانی محرک‌هاست. به این صورت که زنجیره حروف پس از دریافت شدن(به صورت بصری یا شنیداری) به مکانیسم نگهداری حافظه کوتاه مدت یا حافظه کاربردی منتقل می‌شود. در این مرحله حافظه کوتاه مدت از حافظه بلند مدت می‌پرسد که در آن‌جا چه محرک‌هایی شبیه آن ذخیره شده‌اند(آلن، 1990). این مرحله جست‌وجو شامل تفکر کردن است. به نظر می‌رسد مرحله جست‌وجو در پردازش، تا حدود زیادی تحت تأثیر فراوانی کلمه قرار داشته باشد. به عنوان نمونه در کلماتی که در زبانمان به صورت مداوم بکار می‌روند(خداوند، نام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام) یا در مورد کلماتی که به تعداد دفعات زیاد در حافظه ذخیره شده‌اند جست‌وجو با دقت و سرعت بیشتری صورت می‌گیرد(لوگان، 1988).
شکل(2) نیمکره‌های چپ و راست مغز و مناطق پردازش اطلاعات را نشان داده است.(سولسو، 1998)
به طور کلی هر عاملی که بر جست‌وجو در حافظه بلند مدت تأثیر بگذارد، در واقع مرحله جست‌وجو را در پردازش تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و تفاوت‌هایی را در زمان یا دقت به وجود می‌آورد. باید توجه داشت پردازش اطلاعات براساس نوع آن در مناطق مختلف مغز صورت می‌گیرد. همانطور که در شکل(2) نشان داده شده

است، در قسمت بالا دو بخش جانبی چپ و راست نیمکره‌های مغز و در قسمت پایین دو بخش میانی نیمکره‌های مغز از مرکز و از جلو به عقب به دو بخش برش داده شده و بخش‌های درونی آن تعیین شده است. با استفاده از اشکال هندسی بخش‌های مختلف مغز که در فرایند توجه فعال می‌باشند مشخص می‌باشند. به ترتیب مربع‌ها بخش‌های دربرگیرنده شبکه توجه، مثلث نشانگر بخشی است که با ترصد مرتبط است و لوزی نشانگر بخش پیشین شبکه توجه، دایره و بیضی نیز نشانگر بخش‌های فعال در پردازش کلمه و ایجاد ارتباطهای معنایی با اشکال بصری کلمه می‌باشد(سولسو، 1998).

با این‌حال برخی معتقدند پردازش دعا در مغز انسان(صرف نظر از مکان آن) به صورت پردازش مرحله‌های متوالی (1) صورت می‌گیرد. براساس این نظر فرایندها یا مراحل متوالی پردازش وجود دارند. به طوری که هر بار شخص دعایی می‌خواند، مجموعه‌ای از مراحل روی می‌دهند که آنها پردازش ذهنی آن جمله یا عبارت را توجیه می‌کنند. ترتیب این مراحل عمدتاً ثابت می‌باشند، به طوری که هر مرحله نتیجه‌ای را تدارک می‌بیند که برای انجام عمل در مرحله بعدی نیاز است. به عبارت دیگر پردازش متوالی نه فقط روشی است که توالی مراحل را ثابت می‌کند بلکه به طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که مراحل به دقت یکی پس از دیگری انجام می‌شوند. هر چند برخی معتقدند مراحل پردازش به صورت مستقل و فاقد همپوشی روی می‌دهند و این‌گونه فرض شده است که عمل هر مرحله منفرد به طور کامل پایان می‌پذیرد، سپس مرحله بعدی آغاز می‌شود و هر مرحله منفرد بر سایر مراحل تأثیر ندارد و آنها را در بر نمی‌گیرد(دعایی را در نظر بگیرید، بر این اساس هر یک از کلمات به صورت مجزا پردازش می‌شوند). بررسی‌های جدید فرض‌هایی که در مورد پردازش زنجیره‌ای و همپوشی نداشتن مراحل عنوان شده است، مورد تردید قرار می‌دهند. به جای یافته‌هایی که عنوان می‌کرد فرایندهای ذهنی براساس روش گام

1- Sequential of Processing

به گام عمل می‌کنند، مطالعاتی صورت گرفت که با سند و مدرک ثابت می‌کردند پردازش ذهنی می‌تواند به طور همزمان به صورت چند گانه و موازی انجام شود(همه کلمات موجود در یک جمله دعا به صورت همزمان پردازش می‌شوند)(سالتوس، 1984).
به طور خلاصه شخص با شنیدن یا خواندن دعا با مراحل، درون داد(که طی آن مطالب شنیده یا خوانده شده رمزگردانی می‌شوند)، تجزیه(در این مرحله شخص مطالب شنیده یا خوانده شده را به اجزا و بخش‌های کوچک‌تری تبدیل می‌کند)، تمرکز(یافتن معنای هر یک از کلمات مطرح شده) و اجرا(پرداختن به فعالیتی مشخص) مواجه است. این مراحل چندگانه به صورت موازی انجام می‌شوند(راینر، 2001). به عنوان مثال، شخص هنگامی که آیه شریفه «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (1)
را قرائت می‌کند یا می‌شنود با همه این مراحل مواجه می‌شود(رمزگردانی کلمات، تجزیه، تمرکز و اجرا که در مرحله آخر می‌تواند پرداختن به دعا باشد).
شواهدی جمع‌آوری شده است مبنی بر این‌که مؤلفه‌های ذهنی متفاوت به طور همزمان و به‌گونه موازی انجام می‌شوند. کامپیوترها در گذشته و بخش کثیری از آنها هم اکنون نیز به پردازش زنجیره‌ای فرایندها می‌پردازند و پژوهشگران بر این باور هستند که به طور قطعی انسان به این صورت عمل نمی‌کند. علاوه بر این قیاس کامپیوتر این موضوع را روشن کرده است که صرف نظر از سخت‌افزار باید به نرم افزار سیستم پی ببریم. بنابر سیستم قیاس برای پی بردن به شناخت نباید به مغز، ارگان فیزیکی که شناخت را در خود جای می‌دهد، خلاصه شود. به طور کلی، مغز به راه‌های بی‌شماری مؤلفه‌های مختلف شناختی را به طور پیوسته و همزمان مورد پردازش قرار می‌دهد(فودور، 1983).
براساس این الگو اطلاعات در حافظه بلندمدت فعال هستند. برای مثال به‌راحتی

1- سوره غافر، آیه 63.

اکنون می‌توان اثری حقیقی بر حافظه حسی یعنی بر مرحله درون داد محرک بیرونی گذاشت. به عنوان نمونه شخص در حالی‌که دعایی را می‌خواند به دریافتن معنی آن می‌پردازد. اگر شخص دعا را به سرعت و با کم‌ترین توجه و حضور قلب بخواند، برخی از کلمات آن را جا می‌اندازد، به این دلیل که در سریع و بی‌توجه خواندن برخی فرایندهای سطح پایین‌تر نظیر غلطگیری و توجه به اشتباه‌های تایپی، به دقت همیشگی انجام نمی‌شود. در این حال اگر اشتباه‌های تایپی در متن وجود داشته باشد به دلیل آن‌که شخص در گذشته از آن کلمه درک بسیار قوی‌ای کسب کرده است سبب می‌شود تا کلماتی که به صورت اشتباه تایپ شده‌اند توسط حافظه بلندمدت اصلاح شوند و شخص بدون توجه به اشتباه بودن، آن کلمات را به صورت صحیح بخواند(رید، 1992).

همچنین برخی از پژوهشگران با توجه به نقش حافظه معنایی به تبیین فرایندهای شناختی پرداخته‌اند. به اعتقاد آنان حافظه معنایی، حافظه پایدار ذخیره معلومات عمومی است و به صورت یک فرهنگ لغات یا دایرة المعارف توصیف شده است. به طور کلی حافظه معنایی مخزن عمومی معلومات است(هینتزمن، 1978). بر این اساس اطلاعاتی که شخص از راه‌های مختلف(خواندن کتاب، گوش دادن به رادیو ..) به دست می‌آورد، در این بخش ذخیره می‌شود. باید توجه داشت که حافظه معنایی یک شبکه است، یک مجموعه مفاهیم مرتبط با هم یا بخش‌های معلومات مرتبط با هم. هر مفهوم در این شبکه به عنوان یک گره، (1) یک نقطه یا محل در فضای معنایی تلقی می‌شود. علاوه بر این، گره‌های مفهوم از طریق گذرگاه‌ها و ارتباطهای جهت‌دار بین مفاهیم مشخص، با یکدیگر مرتبط هستند(ریسبرگ، 1997).

فرایند اصلی که در این ساختار وجود دارد، فعال‌سازی گسترش یابنده (2) است، یعنی فعالیت ذهنی دستیابی و بازیابی اطلاعات از این شبکه. در حالت عادی مفاهیم

Node -1

.Spreading Activation -2

اغلب وضع آرام و بدون فعالیت هستند. این فعال‌سازی فرایند بازیابی و فرایند دستیابی به معانی مفاهیم محسوب می‌شود. از سوی دیگر، فعال سازی در سراسر شبکه گذرگاه‌های ذخیره اطلاعات گسترش می‌یابد. یک‌بار که یک مفهوم فعال شد به دیگر مفاهیمی که با آن مفهوم نخست مربوط است گسترش می‌یابد. براین اساس فعال‌سازی در یک گره مفهوم شروع می‌شود و بعد از آن گسترش یافتن در سراسر شبکه آغاز می‌گردد(کولینز، 1975).

طبق این الگو مفاهیم مذهبی نظیر، خداوند، پیامبر، رحمت، عدالت، مذهب و ... به صورت گره در یک شبکه گسترده با یکدیگر در ارتباط می‌باشند. روند فعال‌سازی هنگامی که شخص به خواندن یا شنیدن دعا می‌پردازد برای هر یک از کلماتی که می‌خواند یا می‌شنود آغاز می‌گردد. به طور کلی فعال‌سازی گسترش یابنده هرگاه یک مفهوم در حافظه معنایی فعال می‌شود، راه‌اندازی خواهد شد. بنابر این هنگامی که دو مفهوم فعال می‌شوند، در آن‌جا به طور همزمان دو فعال‌سازی گسترش یابنده(برای هر گره مفهوم) صورت می‌گیرد. براساس فرایند فعال‌سازی گسترش یابنده هنگامی که شخص مثلاً دعای فرج امام زمان(عج) را می‌خواند، فعال‌سازی مفاهیمی چون، ظهور، غایب، حکومت، عدالت، نیمه شعبان، تعجیل، ... آغاز می‌گردد. این شبکه براساس اطلاعاتی که شخص در زندگی خود از راه‌های مختلف(مطالعه کتاب، تماشای فیلم، سخنرانی‌ها ...) کسب می‌کند، می‌تواند گسترده‌تر شود. طبق این الگو، با بالاترین ارتباط معنایی بین مفاهیم، شخص سریع‌تر قادر است که ارتباط بین آنها را دریابد. به عبارت دیگر، مفاهیمی که بیشتر با یکدیگر مربوط هستند در مقایسه با مفاهیمی که از میزان پایین‌تری از ارتباط برخوردارند، می‌توان به سرعت مورد توجه قرار داد(هامپتون، 1984).

در فرایند فعال‌سازی، نقش ماشه چکانی [(1)] از اهمیت برخوردار می‌باشد. این‌که

1- Priming

شخص با دیدن یا شنیدن کلمه معانی که در حافظه دارد به یاد می‌آورد. با خواندن یا شنیدن دعا، به طور خودکار معانی کلمات به کار رفته شده در دعا، در حافظه شخص فعال می‌شوند. به عبارت بهتر می‌توان گفت: ماشه چکانی فعال‌سازی معانی نزدیک و مرتبط با کلمه می‌باشد(دانبار، 1984). همچنین ماشه چکانی می‌تواند مفاهیم و مطالبی را که از نظر معنایی با چندین مفهوم در ارتباط هستند فعال کند.

هنگامی که شخص دعایی را می‌خواند یا می‌شنود برخورد با نخستین واژه، ماشه شماره یک نامیده می‌شود و محرکی که در پی ماشه پدید می‌آید، آماج (1) می‌باشد. به طور کلی مقصد فرایند فعال‌سازی ماشه چکانی، مفهومی است که تحت تأثیر ماشه می‌باشد. همچنین ماشه‌ها مقدم بر آماج‌ها هستند. به عبارت دیگر، هنگامی که شخص دعا خواند(یا می‌شنود)، به طور خودکار فرایند دسترسی به معنای کلمه آغاز می‌شود(نیلی، 1977).

از سوی دیگر، رابطه بین فرایند ماشه چکانی و دسترسی آن به اطلاعات ذخیره شده در حافظه نیز بدیهی است، این‌که شخص هنگام خواندن دعا با کلمات روبه‌رو می‌شود که با فرایند ماشه چکانی کلمات، خاطرات، و رویدادهایی از حافظه فراخوانده می‌شوند و شخص آن را به‌یاد می‌آورد. براساس فرایند ماشه چکانی است که شخص در هنگام خواندن کلمات و جملات در زیارت عاشورا رویداد عاشورا، نحوه شهادت امام حسین علیه السلام، شجاعت یاران آن حضرت و ... از حافظه بلندمدت فراخوانده می‌شود و شخص آن را به یاد می‌آورد. این نحوه ارتباط ماشه چکانی و حافظه بلندمدت در پژوهش‌های مختلف(مورتن، 1979؛ براون و همکاران، 1991؛ لوگان، 1990؛ جاکوبی، 1981) تأیید شده است.

از آن‌جا که خواندن دعا، به‌ویژه در مکان‌های مقدس و زیارتگاه‌ها، زنجیره‌ای از مفاهیم، باورها و رویدادهای نگهداری شده در حافظه بلندمدت شخص را

1- Target

راه‌اندازی می‌کند، ورود این اطلاعات به حافظه کوتاه مدت شخص و درک دوباره او از این اطلاعات، سبب آرامش خاطر و کاهش استرس(اولاویری، 1997؛ استین، 1997)، پایین آمدن ضربان قلب و فشار خون(بنسون، 1978)، درمان افسردگی(مورلی، 2003)، سلامت جسمانی(بانیتا و همکاران، 2007)، بهبود سریع پس از عمل جراحی قلب باز(ترنسی و ویلیارد، 2007)، بهبود زوال عقل(ونسی، 2005)، مدیریت درد(آنرو، 2007) و به همدلی، بینش اخلاقی، خوشبینی و دیگر رفتارهای مثبت(مک نامارا، 2002) منجر می‌گردد.

نتیجه گیری

در آیات مختلف قرآن کریم و سخنان پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر اهمیت، نقش و جایگاه دعا تأکید شده است. پژوهشگران در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه روان‌شناسی، فیزیولوژی و پزشکی در سال‌های اخیر به بررسی دقیق تأثیر دعا بر انسان پرداخته‌اند. یافته‌های روان‌شناسان در حوزه شناختی نیز کمک قابل توجهی به درک هر چه بهتر فرایندهای ذهنی از جمله دعا کرده است.

سیستم پردازش اطلاعات انسان از دو بخش سخت افزار(مغز) و نرم‌افزار(فرایندهای شناختی) تشکیل شده است. بررسی‌ها با تجهیزات پیشرفته از جمله
FMRI
نشان می‌دهد که بخش پیشانی، منطقه قدامی و میانی سینگولا در مغز، جایگاه پردازش اطلاعات مربوط به دعا می‌باشد. از سوی دیگر، کشف انواع حافظه(حسی، کوتاه مدت و بلند مدت یا معنایی) و نحوه ارتباط آن و همچنین الگوهای شناختی(نظیر الگوی فرایند، پردازش مرحله‌های متوالی و پردازش موازی) که پژوهشگران حوزه روان‌شناسی شناختی مطرح کرده‌اند، به درک بهتر از نحوه فرایندهای شناختی در دعا کمک می‌کند.

شخص در هنگام دعا خواندن، در جایگاه مشخصی از مغز او برانگیختگی و فعالیت آغاز می‌شود. این فعالیت شامل پردازش هر یک از کلمات در دعا می‌باشد،

این پردازش خواه به صورت متوالی یا موازی سبب فراخوانی اطلاعات ذخیره شده در حافظه بلندمدت به حافظه کوتاه مدت می‌شود. همچنین در کنار شناسایی معانی کلمات دعا، رویدادها و خاطرات مربوط نیز فراخوانده می‌شود. این موضوع یعنی، فراخوانی معانی، رویدادها، خاطرات و باورها سبب کاهش استرس، کاهش فشار خون و ضربان قلب می‌شود و به شخص این توانایی را می‌دهد تا با رویدادهای پر مخاطره مواجه شود.

فهرست منابع
1. آسیب‌شناسی روانی، حسین آزاد، بعثت، تهران، 1378.
2. بحار الأنوار، محمّد باقر مجلسی، موسسة الوفا، بیروت، 1983.
3. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، وزارت فرهنگ و ارشاد، 1364.
4. کافی، ابو جعفر محمّد بن یعقوب کلینی، المکتبة الاسلامیه، تهران، 1347.
5. فرهنگ فارسی معین، محمّد معین، سرایش، تهران، 1380.
6. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران(1370).
7. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمّد حسین طباطبایی، ترجمه باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم ..
8. Alexander, C., Robinson, P., Orme- Johnson, D.(1994). The effects oftransc endental meditation compared to other methods of relaxation andmeditation in reducting risk factors and mortality. Journal of Homeostasis, Vol 35) 4- 5
9. Allen, P.) 1990(. Evidence for a parallel input serial analysis model of wordprocessing. Journal of Experimental Psychology, Vol 16
10. Arcury, T. A.(1996). Gender and ethnic differences in alternative andconventional arthritis remedy use among community dwelling rural adultswith arthritis. Journal of)Arthrits care resarge. Vol 9) 5
11. Astin, J. A.(1997). Strees reduction through mindfulnees meditation effectson psychological symptomology and spiritual experiences. Journal ofPsychotherapy. Vol 66
12. Astin, J. A., Harkness, E., Ernest, E.(2000). The efficacy of distant healing,

ص: 685
asystematic review. Journal of Internal Medicine. Vol 13213.
Banthia, R., Tedlie, J., Folkman, S.(2007). Socioeconomic differences is theeffects of prayer on physical symptoms and)quality of life. Journal ofHealth Psychology. Vol 12) 2
Batson, C. D.(1993). Religion and individual. New York: .14 Oxford universitypress
Benson, H.(1978). Treatment of anxiety. Journal of P .15)sychotherapyP sychosomatics. Vol 30) 3- 4
Byrd, R.(1988). Positive therapeutic effects of .16 intercessory prayer incoronary care unit population. Journal of South Medicine. Vol 81
Bolles, C. D.(1993). Religion and the individual. New .17 York: oxfordunivers ity press
Bronowski, J.(1978). The Origins of knowledge and .18 imagination. Yaleuniversity press
Brown, A., Neblett, D., Jones, T. C(1991). Transfre of .19 processing inrepetition priming. Journal of Experiment Psychology. Vol 17
Canli, T.(2004). Amigdala responses to emotionally .20 valenced stimuli inolder and younger adults. Journal of)Psychological Science. Vol 15) 3
Colman, A. M.(2001). Dictionary of Psychology. Oxford .21 university press 22. Collins, A.) 1975(. A spreading activation theory of semantic processing. Journal of Psychological Review. Vol 82
Davidson, R., Goleman, D., Schwartz, E.(1984). .23 Attentional an d affective concomitants of meditation. New York: Aldine

ص: 686

Dossey, L.(1997). The return of prayer. Journal of .24 Alternative Therapies inhelth and medicien. Vol 3) 6

Dunbar, K.) 1984(. A horse race of a different color: .25 stroop interferencep atterns with transformed word. Journal of Experimental Psychology. Vol 10

Fodor, J.(1983). The modularity of mind. Cambridge, .26 MA: MIT press 27. Gabrieli, J. D.) 1996(. Functional magnetic resonance imaging of semanticmemory processes in the frontal lobes. Journal of Psychological Science. Vol 7

Goldman, R.(1990). Three casereports of the metabolic .28 andencep halographic changes during advanced buddhist meditation technigues. Journal of Behavioral Med. Vol 16

Harris, W. S., Gowda, M.(1999). A randomized, .29 controlled trial of theeffects of remote, intercessory prayer on outcomes in patients admitted tothe coronary care unit. Journal of Internal Medicine. Vol 159

Hawley, G.(1998). Seeking comfort through prayer. 30)International Journalof Nursiry practice. Vol 4) 1

Helmeke, K.(2007). Couple therapy and spirituality and .31 religion states ofart. Journal of Couple and Relationship)therapy. Vol 6) 1- 2

Holyoak, D.(1984). Cognition. Engle Wood Cliffs, NJ: .32 Prentice- Hall 33. Huffman, K., Vernoy, M., Vernoy, J.) 1994(. Psychology in action. ThirdEdition. John Willy

Hintzman, D. L.(1978). The Psycholog of Learning and .34 Memory. San

ص: 687
francisco: Freeman
Hampton, J. A.(1984). The verification of category and .35 property statements. Journal of Memory and Cognition. Vol 12
Jacoby, L., Dallas, M.(1981). On the relationshipB .36 etweena utobiographical memory and perceptual learning. Journal ofExperimental Psychology. Vol 110
Jeving, R., Wallace, R. K.(1992). The Psychology of .37 Meditation. Journal ofNeuroscience Biobehave. Vol 16
Kaye, J.(1991). Spiritulity among caregivers. TheJ .38 ournal of N ursingschol arship. Vol 26
Loftus, E.(1992). Psychology. Fourth Edition. MC .39 GRAHILL
Logan, G.) 8891(. Toward an instance theory of .40 automatization. Journal ofPsychological Review. Vol 95
Logan, G.(1990). Repetition priming and automaticity. .41 Journal ofCognitive Psychology. Vol 29
McNamara, P.(2002). The motivational origins of .42 religious practices. Zygon. Vol 37
Morelli, G.(2003). Emotion, Cognitive treatment. .43 Ocampr E. Journal. Vol 1
Melton, A. W.(1963). Implications of short term memory .44 for a generaltheory of memory. Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior. Vol 2
Morton, J.(1979). Facilitation in word recognition. .45 Journal of Processingof Visible Language. Vol 11

ص: 688

46. Nelly, J. H.(1977). Semantic priming and retrieval from lexical memory. Journal of Expremental Psychology. Vol 106

47. Neisser, U.) 1976(. Cognition and Reality. San francisco: Freeman

48. Olaoire, S.) 1997(. An expremental study of the effects of distant, intercessory prayer on self esteem, anxiety and depression. Journal ofAlternative Therapies in health)Medicine. Vol 3) 6

49. Paragamenk, K.(1997). The psychology of religion and coping: Theory, Research, Practice. New York: Guilford press

50. Papalia, D.(1992). Human Development. Fifth Edition. Mc Graw Hill 51. Rayner, A.) 2001(. Memory and Cognition. John willy

52. Reed, S.) 1992(. Cognition: Theory and Applications. Pacific Grove, CA: Brooks/ Cole

53. Reisberg, D.(1997). Cognition: Exploring the Science of the Mind. NewYork: Norton

54. Saudia, T. L.(1991). Health locus control and)helpfulness of prayer. Journalof Heart. Vol 12) 1

55. Salthous, T.(1984). Effects of skill. Journal of Experimental Psychology. Vol 13

56. Segal, Z., Williams, J. M., Teasdale, J.(2002). Mindfulness based cognitivet herapy for depression. New York: Guilford press

57. Standish, L., Lake, J., Richards, T.(2005). E vidense for correlations between distant intentional ity and brain function in recipients. Journal ofAlternative and)Complementary Medicine. Vol 11) 6

ص: 689
58. Solso, R. L.(1998). Cognitive Psychology. 5 th Edition. Boston: Allyn andBacon
59. Terrence, N., Willard, R.) 2007(. Influence of prayer coping on mentalhealth among cardiac surgery patients. Journal of Health Psychology. Vol 12) 4)
60. Tong, F.(2005). Decoding the visual and subjective contents of the humanbrain. Journal of Natural Neuroscience. Vol 8
61. Unruh, A.(2007). Spirituality, Religion and Pain. Candian Journal ofNursing Research. Vol 39) 2)
62. Vance, D.(2005). Spiritual activities for adults with alzheimer ' s disease, the cognitive components of dementia and religion. Journal of Religion, Spirituality and aging. Vol 17) 1)
63. Webster ' s New worlds. Medical Dictionary. 2 nd Edition(2003)
64. Worden, M.) 2005(. Cognitive Task D esign for F MRI. InternationalJ ournal of Learning Systems and Technology. Vol 6) 2)

اعظم ترکی (1)

چکیده
زیارت برقراری ارتباط عارفانه با ولی اللّه است، به گونه‌ای که باید با تمام وجود لب به سخن بگشایی و در لحظه دیدار، نظر از هر که غیر اوست، دور بداری و خود را از عشق الهی سیراب کنی. اصولاً یکی از فلسفه‌های زیارت، پیوند با ائمه اطهار و پیدا کردن ملکات بلند روحی است، نه این که صرفاً شخص یک حرکتی انجام داده باشد، بلکه تمام فکر و تشعشعات سلول‌های مغز باید حال و هوای خاصی پیدا کند و شخص فقط به محبوب فکر کند و بس. باید بین زایر و زیارت نیز ارتباط برقرار نمود تا حال و هوای زیارت به دل نشیند. زایر کسی است که به زیارت می‌رود تا کمال‌جویی معنوی خویش را به اثبات برساند و در این راه از بارقه‌های امید و معرفت مدد جوید.
انسان‌ها به دلیل مسایل روزمره زندگی دچار یک نوع واپس‌زدگی، دلمردگی، پوچی و ... شده‌اند. وجود معنویت در دنیای حاضر روبه فراموشی می‌رود، اضطراب، تشویش، ناراحتی‌های روحی و روانی هر روز بیشتر می‌شود و تنها چاره رفع این مشکلات رو آوردن به خالق هستی از طریق پیوند با انبیا و معصومین علیهم السلام و بالاخص رجوع به محضر شریف آنها می‌باشد.
کلیدواژه‌ها: زیارت، زیارتگاه، بهداشت روانی، ائمه معصومین علیهم السلام.

1- کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری.

مقدّمه (1)
جان گشاید سوی بالا بال‌ها تن زده اندر زمین چنگال‌ها
انسان در جهان هست از مسئولیت خطیر جانشینی خداوند در روی زمین و از موهبت ارزشمند تفکر، شعور، ادراک، اختیار، انتخاب برخوردار است که تمامیت، وحدت، تعالی و خود شکوفایی و در نهایت خداگونه شدنش با احیای رسالت عظیم خلیفه الهی به بار می‌نشیند. بر همین اساس، عمیقاً در قبال ذات احدیت، خویشتن و جهان هستی، مسئول می‌باشد.
با وجود تعهد، مسئولیت و آگاهی از آن است که آدمی همواره در دلهره و اضطراب، «چگونه زیستن» و «چگونه بودن» به سر می‌برد، تا این که در راستای رشد و سلامت روانی و واصل شدن به مبدأ حیات و دست یافتن به مأوا و مأمنی که شایسته مقامش باشد، گام نهاده و به ندای درونی‌اش که همواره به حرکت و پویایی فرا می‌خواند، گوش جان بسپارد و تا «شدن» را برای اعتلا و شکوفایی و توحیدیافتگی تجربه نماید، تا آن زمان که به ندای درونی، متعهدانه و مخلصانه و با تمام وجودش گوش دل سپرده، ترنم دل‌انگیز و روح‌نوازش را بی‌عشق و مهر بگذاریم و خواسته‌های بر حقش را سیراب نگردانیم، فطرت و وجدان را چنان حجاب و هاله‌ای ضخیم فرا می‌گیرد که دنیای صیقل یافته و آینه‌وارش را زنگار گرفته، و دیگر توان فریادش به ناتوانی، قدرت و راهبری و امامتش به تخریب، میل به شکوفایی و به بار نشستن به فساد، تجربه، وحدت و یکپارچگی‌اش به گسستگی و شکاف، رشد و تعالی‌اش به قهقرا و بیهودگی، وارستگی و خلاقیتش به بی‌ثمری، پویایی و تکاپویش به در جا ماندن و جمود، محبّت و عشقش به بی‌تفاوتی و عناد و ایمان و معنایش به پوچی، سردرگمی، تباهی و ... مبدل می‌شود، و آدمی در این دنیای وانفسا با این اوضاع

1- ر. ک: ماهنامه، سال اول، شماره 3، روان‌شناسی دین، ص 3.

روانی نابسامان و عقیم، چه سان توانایی تقبل و تحمل رسالت بزرگ و سنگین انسانی خویشتن را می‌تواند عهده‌دار باشد و چگونگی به قدرت به سر منزل رسانیدن مسئولیت والای خود را به دست خواهد آورد و با چه حالی قدم در سیر «انسان شدن» استوار خواهد کرد؟ (1) باری، انسان از توانایی و نعمت و امتیاز اندیشیدن، انتخاب، اختیار، آزادی، خودآگاهی و شناخت برخوردار است که می‌تواند به دگر بار توبه کرده و به «خویشتن» رجعت کند، تا تمامی قیدهای مادی را بشکند و حصارها را در هم فرو ریزد، این‌که دل را از زندان تنگ غفلت و بی‌شعوری رهانیده و پروازش را تا به بیکران‌ها به نظاره بنشیند و آن‌گاه اوج گرفتن و تعالی یافتنش را ایمان آورد.

اما تکامل و خودشکوفایی او به منصه ظهور نمی‌رسد، مگر در سایه رشد مفاهیم بلندی چون تعهد، مسئولیت، آزادی، ایمان، عشق و شناخت که در صورت کم رنگ شدن و عدم رشد و پرورش این صفات و عناصر تعالی‌بخش انسانی، نه تنها هیچ حرکتی در راستای رسیدن به تعادل روانی و کمال مطلوب که زیر بنایی‌ترین رسالت آدمی در جهان خلقت محسوب می‌شود، شکل نمی‌گیرد؛ بلکه نظام و سیستمی را به وجود می‌آورد که توانایی درک و تحلیل اهداف غایی آفرینش و رسالت انسان را از دست داده و آدمی را در یک ادراک و شناخت عرضی و ناسالم از پدیده‌های جهان هستی محصور ساخته است. این روند منجر به تضعیف و فروپاشی قوای درونی می‌شود، فرآیندگی، بالندگی و توحیدیافتگی را که به عنوان نیاز اساسی در وجود آدمی به ودیعه نهاده شد، سر می‌نماید.

در چنین حالتی، نابسامانی (2) و مشکلات و اختلالات روانی شکل گرفته و با ایجاد نظام بیمارگونه، سلامت و اعتلای روحی و روانی را از بین می‌برد، در آدمی انگیزه

1- همان، ص 4.

2- همان، ص 5.

قوی، پایدار، هدفمند و جهت‌دار میل به تعالی و تکامل و خودانگیخته فرآیند تحقق خود را تسهیل نموده و شوق پیوستن به مبدأ حیات را امکان‌پذیر می‌نماید، حال بدون انقلاب درونی و پویایی و حرکتی اصیل و مبتنی بر مبنای اعتقادی واصل شدن به چنین مقام و منزلت عظیمی امکان‌پذیر می‌نمایاند. مولانا در مثنوی شریف می‌فرمایند:

تازه کن ایمان، نه از گفت زبان ای هوا را تازه کرده در نهان

تا هوا تازه است، ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست

قدر مسلّم است که مقصود از تکاپو و حرکت به جلو، مبدل ساختن دنیای درونی ناپخته و خام به دنیای پالایش شده و تصفیه یافته و واصل شدن به هدف والای زندگی، یعنی شرکت در آهنگ کل هستی وابسته به کمال برین است و آن عبارت است از قرار گرفتن در جاذبه ربوبی و تصفیه روح از آلودگی‌های حیوانی و رذایل اخلاقی، انجام تکالیف مقرر شده توسط پیامبران الهی و تسلیم دستورات سازنده وجدان برین و تغییر دادن «من مجازی» به «من حقیقی» (1) که همه حرکات و سکنات جسمی و روانی آدمی را در مسیر عبادت به جریان می‌اندازد، از آن هنگام آگاهی حقیقی به لزوم شرکت در آهنگ کل هستی به وجود می‌آید و اراده حرکت برای این شرکت شکل می‌گیرد، ورود به هدف اعلای زندگی آغاز شده است.

انسان برای دست یافتن به کمال مطلوب، پختگی، بالندگی، تعهد و مسئولیت عمیقی در قبال خود و جهان هستی می‌طلبد تا انگیزه قوی، اراده، جهاد و مبارزه خستگی‌ناپذیر را سبب شود، باشد (2) که جست‌وجوگر چراها باشیم که در فرا راهمان قرار گرفته، و دنیای وجودی خود را احاطه کرده است. این تکاپو از چنان عظمت و منزلتی برخوردار است که زیستن آدمی را جهت‌دار و هدفمند کرده، بودن در جهان

1- همان، ص 5.

2- همان، ص 6 و 7.

هستی را معنی و مفهومی والا می‌بخشد، اما تا زمانی که شناخت و آگاهی از رسالت انسانی رشد نکرده باشد، هرگز تعهد و مسئولیتی بارور نخواهد شد.
در چنین شرایطی بدیهی است که توانایی و قابلیت‌های درونی و نیز ابعاد وجودی از لحاظ عاطفی و عقل و همین‌طور احیا و شکوفایی خود را از دست داده و نمی‌تواند، توانایی راهیابی به ژرفای پدیده‌ها را داشته باشد.
و مهم‌تر این‌که در این صورت، هرگز دغدغه، اضطراب و مسئولیتی برای اندیشیدن و پاسخ درباره فلسفه و اهداف زندگی و نیز «چگونه زیستن» به وجود نمی‌آید، در این حالت آدمی در جمود و بی‌خبری و بی‌شعوری غوطه‌ور شده و به پوچی و بیهودگی، شک، سرخوردگی و عصیان مبتلا می‌گردد و توانایی درک عظمت نظام خلقت و نیز غایت و هدف رسالت حاکم در آن را از دست می‌دهد و این روند به دلهره و اضطراب منتهی می‌شود که خود سرمنشأ تمامی بیماری‌های روانی و مهم‌تر از همه سد راهی در فرآیند بالندگی است.
بر همین اساس برای راه یافتن در مسیر تعالی و تکامل، مهم این است که بتوانیم از هستی خود و همچنین از استعداد و توانایی‌های بالقوه خود، شرافتمندانه، متعهدانه و مخلصانه بهره ببریم.
اما بنیادی‌ترین مفهومی که درباره «بهداشت و سلامت روانی» در اسلام مطرح بوده و آن را تنها عامل رشد و اعتلای روحی و روانی قلمداد می‌کند، عبارت است از اتخاذ رفتار و فعالیتی معتدل و متعادل در راستای تخلیه و پیرایش، تخلیه و آرامش درون با تخلیه و پیراستن خویش از اوصاف نکوهیده و ناستوده، و تخلیه و آراستن خود به اوصاف و حالات پسندیده و ستوده؛ درباره آیات زیادی از قرآن کریم توجه ما را به خود جلب می‌کند که در حل آن، آدمی به پیروی از طریق الهی تشویق می‌گردد.
بدون شک گام نهادن در راه خدا و پیروی از فرامین او، تنها راه میل به بهداشت روانی است. چنین است که ویژگی و خصوصیت غالب و فراگیر شخصیت انسان مؤمن و برخورداری عمیق افراد، آرامش قلبی است و این سکینه و آرامش دل صفت

و مشخصه مستقلی است که از احاطه و تسلّط بر دنیای درونی و شناخت از خویشتن و رسالت الهی خویش، حکایت می‌کند.
آرامش مؤمنین یک ویژگی خاصی است که نمایانگر انجام عناصر روان او و سازمندی وی در میان خواسته‌های نامتناقض و رام بودن نفس از نظر خضوع و راهوار بودن در برابر صاحب آن است. چنین موهبتی فقط به خود مؤمن اعطا شده و می‌توان این آرامش را در صحیفه چهره فرد خواند. (1)
این آرامش، آرامش ظاهری و سطحی نیست، بلکه آرامش عمیق و ژرفای بی‌نهایت است. و در ارتباط با همین آرامش و سکنات قلبی است که مؤمن یک رابطه عمیق و ژرف با خالق خود پیدا می‌کند. «ألا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».
نگاهی به پیشینه موضوع
قبل از وارد شدن به بحث درباره جنبه‌های مختلف زیارت، نگاهی می‌کنیم به سابقه دیرینه دین و تغییر و تحولات آن از ابتدا تا امروز. در تاریخ سه دوره مشخص می‌بینیم که همه مسایل انسانی را در این سه دوره می‌توان بر حسب زمان تقسیم‌بندی نمود.
اول: دوره ابتدایی و بدوی جامعه بشری است که هنوز [ادراک] خدا وجود ندارد و کتاب و تعلیم و تربیت و سازمان‌های آموزشی و ... نیست. و جامعه نمی‌تواند تجربه خودش را از جمله ادبیات، شعر، عقاید، بینش و ... به دیگران عرضه کند و برای نسل‌های دیگر بگذارد که ما بتوانیم با مطالعه آن آثار به طرز تفکر و مذهب آنها پی ببریم. بنابراین، دوره اول، جامعه بدوی یا جامعه وحشی است که جامعه‌شناسان به آن دوره آرکانیک یا جامعه باستانی گویند.
دوم: جامعه تاریخی است. جامعه تاریخی، جامعه‌ای است که تمدن دارد. کتابت

1- همان، ص 8.

دارد، تقسیم کار هست، نماد آموزش و پرورش وجود دارد، تعلیم و تربیت خاص دارد، مکتب به وجود آمده و انتقال تجربه‌های پیش به نسل‌های بعد امکان یافته است و از روی آثار هنری یا کتاب‌ها نسخه‌های خطی و خلاصه آثار مختلف می‌توان مطالعه کرد و شناخت.

سوم: دوره معاصر است که از قرن پانزدهم و شانزدهم شروع می‌شود و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. شناخت دوره معاصر و دوره تاریخی آسان است، اما شناخت دوره قبلی یعنی دوره آرکانیک که پیش از تاریخ رسمی قرار دارد، مشکل است؛ ولی شناختش مهم و حیاتی است، چراکه تا وقتی جامعه‌های بدوی و ابتدایی قبل از تاریخ را دقیق نشناخته‌ایم، نمی‌توانیم درباره فلسفه جامعه و جامعه‌شناسی اظهارنظری دقیق و عینی و عملی بکنیم. (1) آنچه مسلّم است این است که در همه زمان‌ها دین همچون گرایش شدید انسان‌ها به سوی وجود والای الهی با نیروی مافوق وجود داشته و با رسوخ به درون بشر، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده است. و ظهور و بروز بیشتر دین در مواقع حساس زندگی انسان‌ها به‌ویژه روبه‌رو شدن با مشکلات بوده است.

نقش اجتماعی دین

نقش اجتماعی دین اساساً در پیوند و مجتمع کردن آن است. دین، چنان‌که از معنای آن بر می‌آید پیوستگی‌های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت مسلمانان کمک می‌کند ازدیاد می‌بخشد. چون ارزش‌هایی که زیرساخت سیستم‌های الزام اجتماعی هستند در بین گروه‌های دینی توافق گسترده‌ای را در سطح جامعه بر آورده می‌کند، به علاوه دین متمایل به آن است که ارزش‌های اجتماعی را حفظ نماید.

با این‌که دین در جامعه نقش مجتمع‌کننده و منسجم‌کننده دارد و نیز نیرویی

1- جامعه‌شناسی ادیان، ص 54.

حفظکننده است، از جهات دیگر نیز عملکردهایی دارد. ارزش‌های دینی تا آن‌جایی در جامعه نقش دارند که آموخته شوند، مناسب حال آنها باشد و افراد آن را به درون اجتماع آورده باشند. (1) از جمله عوامل سبب ازدیاد وحدت و انسجام مسلمانان، زیارت خانه خدا در مکه و نیز سایر زیارتگاه‌ها و امکان‌های مقدس است که می‌تواند آثار سازنده بسیاری داشته باشد.

مشروعیت زیارت

همه مذاهب و فرق مسلمان به جز یک فرقه از حنبلی‌های متأخر به نام وهابیت، بر مشروعیت زیارت اتفاق نظر دارند. وهابی‌ها به استناد روایات بخاری به نقل از ابوهریره که «آهنگ زیارت جز به سوی مسجد الحرام، مسجد الرسول و مسجد الاقصی جایز نیست»، (2) ادعا می‌کنند که زیارت مشاهد و قبور ائمه مسلمین علیهم السلام امری غیر شرعی و حرام است. این در حالی است که علاوه بر سند روایت مذکور، دلالت آن نیز محل اشکال است. در این روایت بحث از مسجد است نه صرف زیارت. از سویی دیگر بحث در مطلوبیت و استحباب زیارت سه مسجد فوق الذکر است نه حصر زیارت در آنها.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فی بُیُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیها اسْمُهُ» (3)

«خدا را یاد کنید در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده تا آنها را بزرگ شمرده و قدر و منزلت آنان را بلند دارید».

ذکر این نکته نیز لازم است؛ همچنان‌که بیان می‌شود، منظور از زیارت صرف

1- درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره دین، ص 36- 37.

2- لا تشدّ الرجال إلّاإلی ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الاقصی(مزارات اهل‌البیت و تاریخها، ص 15).

3- سوره نور، آیه 36.

رفتن به سوی مراقد و مشاهد نیست؛ بلکه تأکید بر اهمیت یادداشت و بزرگداشت بزرگان دین و ارزش‌های دینی است.

زیارت در اسلام و جوامع اسلامی

احترام به گذشتگان امری است که در تمام ادوار و ازمنه مختلف زندگی بشر مطرح بوده و مختص به دین اسلام یا ادیان الهی نیست، بلکه احترام به نیاکان در آثار بر جای مانده از ادیان و تمدن‌های غیر الهی نیز به وضوح مشهود است. به طور کلی حفظ و تعمیر قبور، دفن میّت در مقابر سر پوشیده، امری نیست که در قرن‌های بعد از صدر اسلام وارد تفکرات مردم شده و مغایر با تفکر اصیل اسلامی باشد. اگر چنین بود، نخستین کاری که بر مسلمانان زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لازم بود، تخریب تمام مقابری بود که سرتاسر بلاد اسلامی را فرا گرفته بود و یا از تجدید بنای آن در تمام ادوار بشریت جلوگیری می‌نمودند.

در حالی که نه تنها این مقابر را ویران نکردند، بلکه مدت چهارده قرن در تعمیر و حفظ آن آثار پیامبران پیشین و اولیای سلف نیز کوشیدند.

با مراجعه به تاریخ مسلمانان و گشت و گذاری در بلاد گسترده اسلامی، این موضوع را مسلّم می‌سازد که تعمیر قبور و حفظ و صیانت آنها از فرسودگی، یکی از مراسم مسلمانان در تمام نقاط بوده و هم اکنون نیز در تمام شهرهای اسلامی مقابر پیامبران و اولیاء الهی و رجال نیکوکار به وفور یافت می‌شود و برای حفظ آنها که اغلب از آثار باستانی و اسلامی می‌باشند موقوفاتی نیز وجود دارد.

زیارت اهل قبور و اثرات اخلاقی و تربیتی آن

مشاهده مقابر رهبران الهی و انسان‌های باارزش که عمر خود را در راه رضای خداوند صرف نموده و اکنون از این دیار رخت برکنده‌اند، سبب می‌گردد که انسان‌ها در برنامه زندگی خود تجدید نظر کنند و از خودکامگی و بوالهوسی خویش بکاهند و به

مسئولیت‌های خود در مقابل خود و مردم بیندیشند. در آموزه‌های اسلامی زیارت قبور و تعمق در احوال گذشتگان، همواره سفارش شده است و ائمه معصومین علیهم السلام نیز همیشه بر آن تأکید نموده‌اند و حتی آن را درمان بعضی از بیماری‌های روحی و روانی معرفی کرده‌اند.
الف) زیارت قبور از دیدگاه قرآن
1. قرآن کریم درباره مدفن «اصحاب کهف» چنین می‌فرماید: «وَ کَذلِکَ أعْثَرْنا عَلَیْهِمْ لِیَعْلَمُوا أنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أنَّ السّاعَةَ لا رَیْبَ فِیها إذْ یَتَنازَعُونَ بَیْنَهُمْ أمْرَهُمْ فَقالُوا ابْنُوا عَلَیْهِمْ بُنْیاناً رَبُّهُمْ أعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذینَ غَلَبُوا عَلی أمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا»؛ (1)
و این چنین ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا(به روز معاد و زنده کردن مردگان) به حق بوده و قیامت البته بی‌هیچ شک خواهد آمد، آن‌گاه که میانشان تنازع و خلاف در امر آنها بود(یعنی در عدد یا آیین آنها که قائل به معاد و قیامت بودند) پس بعضی گفتند: باید گرد آنها حصار و بنایی بسازیم(که از خلق مستور و ممنوع شوند) خدا به احوال آنها آگاه‌تر است و آنان که بر احوال آنها اطلاع یافتند(یعنی خداپرستان و نیکان امت با خود) گفتند: البته بر ایشان مسجدی بنا کنیم.
این آیه بیانگر این حقیقت است که یک مکان به خاطر قرار گرفتن اجساد صالحان و پاکان در آن‌جا از شرافت خاصی برخوردار می‌شود.
2. خداوند به زایران خانه خود دستور می‌دهد که در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام یعنی نقطه‌ای که ابراهیم علیه السلام در آن‌جا ایستاده است، نماز بگزارند: «وَ إذْ جَعَلْنا الْبَیْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَ أمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إبْراهیمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنا إلی إبْراهیمَ وَ إسْماعیلَ أنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطّائِفینَ وَ الْعاکِفینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ»؛ (2)
و(به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع

1- سوره کهف، آیه 21.

2- سوره بقره، آیه 125.

امر دین خلق و مقام امن مقرّر داشتیم و(دستور داده شد) که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که حرم مرا(از بت) پاکیزه دارید برای اهل ایمان که به طواف و اعتکاف حرم آیند، در آن نماز و طاعت خدا بجای آرند.

3. قرآن کریم به افراد گنهکار دستور می‌دهد که به حضور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بروند تا ایشان در مورد آنان از خدا طلب آمرزش نماید. زیرا دعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان مستجاب می‌گردد: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاّ لِیُطاعَ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّاباً رَحیماً»؛ (1)

ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا اطاعت او کنند. و اگر هنگامی که آنان(منافق) بر خود ستم کردند به تو رجوع می‌کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می‌کردی و از خدا آمرزش می‌خواستی، در این حال البته خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

این آیه اختصاص به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، زیرا اولاً: آیات قرآن برای انبیا و اولیا بلکه برای افراد، حیات و برزخی قایل است و آنان را در آن جهان بینا و شنوا معرفی می‌کند. ثانیاً: طبق احادیث اسلامی فرشتگان پیامی را به خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله می‌رسانند. (2)

ثالثاً: جامعه اسلامی از همان روزهای نخست از این آیه یک معنی وسیع و کلی دریافت نمود. و همین‌طور پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آنها به زیارت مرقد پیامبر می‌رفتند و آیه فوق را می‌خواندند و از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواستند که درباره آنان طلب شفاعت و مغفرت کند.

4. خداوند محلی را که «هاجر» و «اسماعیل» در آن‌جا برای رضای خدا صبر نموده و غربت را تحمل کردند، برای عبادت قرار می‌دهد، یعنی صفا و مروه.

1- سوره نساء، آیه 64.

2- انتاج الحاج الاصول فی احادیث الرسول صلی الله علیه و آله.

ب) زیارت از نظر سنت

گرچه به اعتقاد ما شیعیان، سنت عبارت است از: قول و فعل و تقریر(گفتار، کردار و امضای) پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام اما از باب مماشات و همراهی با وهابیان، ولی به دلیل طولانی شدن این مقاله تنها به بررسی سنت و سیره عملی و قولی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اکتفا نموده و دلایل مشروعیت زیارت را از این دیدگاه باز می‌گوییم.

سنت قولی(گفتار) پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعت من برای او واجب می‌شود». (1) البته این احادیث و روایات که در منابع شیعی و سنی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است به چند دسته تقسیم می‌گردند:

دسته اول: روایاتی که در آغاز رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنین را به زیارت مزار مطهر خویش فرا خوانده، آثار و فواید دنیوی و اخروی آنها را یادآوری نموده است. این گروه از احادیث به حدی زیاد است که برخی ادعای تواتر کرده‌اند.

مرحوم علامه سید محسن امین در کتاب کشف الارتیاب تعداد هفده فقره از این احادیث را از منابع اهل سنت به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده است که برای رعایت اختصار فقط به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

1. «هر کس پس از مرگم مرا زیارت کند، گویی مرا در حال حیات زیارت کرده است». (2) 2. «کسی که حج بگزارد، و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است». (3) 3. «هر کس با قصد و توجه مرا زیارت کند، روز قیامت در کنار من خواهد بود». (4)

1- من زار قبری وجبت له شفاعتی(مزارات اهل البیت و تاریخها، ص 14.

2- همان.

3- وفاء الوفاء، ج 3.

4- کشف الارتیاب، ص 261، به نقل از وفاء الوفاء.

اکنون دو حدیث هم از منابع شیعی نقل می‌شود:
4. «هر کس مرا در زمان حیات و پس از مرگم زیارت کند، روز قیامت شفیع او می‌شوم». (1) 5. «هر کس قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در روزگار حیاتم به سوی من هجرت نموده. اگر نمی‌توانید(از نزدیک) مرا زیارت کنید،(از راه دور) به من سلام کنید، زیرا سلام شما به من می‌رسد». (2) دسته دوم: روایاتی هستند که در آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله به زیارت قبور مؤمنین فرمان داده و پاره‌ای از آثار تربیتی زیارت قبور را نیز باز گفته‌اند:
1. «قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت قبور مایه یادآوری مرگ و آخرت است». (3) 2. در جای دیگر به زیارت قبور فرمان داده‌اند، آن‌گاه ثمره و فایده این عمل را نیز چنین فرموده‌اند: «به درستی که زیارت قبور، شما را به دنیا بی‌اعتنا می‌سازد، و آخرت را به یاد می‌آورد». (4) بی‌تردید «یاد مرگ» و «توجه به آخرت» پیامدها و ثمرات پربار و سازنده تربیتی فراوانی در بر دارد. و یکی از عوامل مهم گرایش به طاعت و بندگی حق و پرهیز از معصیت و گناه و کم شدن امیال نفسانی و مال‌پرستی و ... همین یاد وحشت‌انگیز مرگ و تنهایی‌های گور و حساب و کتاب و گرفتن نامه اعمال، در آن روز عظیم و «یوم الحسرة» می‌باشد.
دسته سوم: احادیثی هستند که اشاره دارند به این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر پاره‌ای مصالح، موقتاً از زیارت قبور نهی فرموده بود، ولی پس از مدتی این نهی برداشته شد.
و علاوه بر اجازه زیارت قبور به این امر نیز تشویق و ترغیب نموده‌اند.

1- بحارالأنوار، ج 100، ص 139.

2- جامع السادات، ج 3، ص 399.

3- صحیح مسلم، ج 3، ص 65.

4- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 113.

1. «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، پس اکنون آنها را زیارت کنید». (1) 2. در حدیث دیگری عایشه می‌گوید: به درستی که پیامبر خدا زیارت قبور را اجازه داد. (2) دسته چهارم: احادیثی هستند که در خلال آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کیفیت زیارت قبور را به اطرافیان خویش آموخته‌اند:

عایشه می‌گوید: پیغمبر کیفیت زیارت قبور را به من آموخت. (3) آن‌گاه کیفیت آن را بیان می‌کند.

از مجموع این احادیث چنین بر می‌آید که از نظرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، زیارت قبور عملی ممدوح و مطلوب و در بردارنده ثمرات تربیتی، اخلاقی فراوانی بوده، هر چند مدتی نیز این عمل نهی شده بود. و به دلیل اهمیت آن رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را در هر عصر و زمان و در هر شهر و دیار به زیارت قبر خویش و سایر مؤمنین فرا می‌خوانده است و مؤمنین نیز از آغاز اسلام تاکنون به این عمل خداپسندانه با دل و جان، شتافته و بهره‌ها گرفته و خواهند گرفت.

مشروعیت زیارت از دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام

احادیث زیادی در این زمینه از ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده است، امام صادق علیه السلام فرمود: «چون یکی از شما شیعیان عمل حج را بجای آورد، حجش را با زیارت ما ختم کند، زیارت ما جزو پایانی حج است». (4) همچنین در این مورد امام رضا علیه السلام فرمود: «هر امامی را در گردن پیروانش عهدی است که وفای به آن عهد جز با زیارت قبور آن امامان تمام و کامل نمی‌شود». (5)

1- احیاء العلوم، ج 4، ص 493.

2- صحیح ابن ماجه، ج 1، ص 112.

3- آیین وهابیت.

4- بحار الأنوار، ج 100، ص 254.

5- وسائل الشیعة، ج 10، ص 253.

البته زیارت نه تنها مخصوص پیامبران و امامان، بلکه همان‌طور که در سطور گذشته آمد شامل امامزادگان و افراد صالح نیز می‌شود.

مشروعیت زیارت از نظر عقل

از دیدگاه عقل سلیم بشری، هر کردار و رفتار و حتی اندیشه‌ای که آدمی را در مسیر کمال الهی یاری دهد، و او را در رسیدن به سر منزل مقصود، و پیمودن مراتب و مراحل سلوک معنوی مدد رساند، و مایه «تقرّب» او به درگاه ربوبی، ضامن پویایی و حرکت بی‌وقفه او در طریق حق و حقیقت باشد، مطلوب و پسندیده است.

و بی‌تردید «زیارت» از جمله اعمالی است که اگر با «آداب و شرایط» آن و توأم با «معرفت» به حق نبی و وصی انجام پذیرد، آثار پربار و سازنده‌ای در پی دارد که ره‌توشه رشد و بالندگی زایران خواهد بود.

چنین زیارتی «زیور زهد» (1) را زینت بخش زندگی زایر قرار می‌دهد، و «پیراهن پارسایی» را که تنیده از تار و پود و تعظیم شعایر الهی است، بر پیکر دل‌ها می‌پوشاند. (2) چنین زیارتی، الهام‌بخش و شوق‌آفرین، ادب‌آموز و هوس سوز، روشنگر و حق‌نما، ایمان‌زا و آرمان‌بخش، گناه شوی و خطاپوش و ... است.

حال کدامین عقل سلیم و زنده و پویایی است که به حسن و مشروعیت آن حکم نکند؟!

مشروعیت زیارت از نظر اجماع

گرچه آن‌جا که حکم عملی از طریق کتاب یا سنّت روشن باشد، دگر جایی را برای روی آوردن به دلیل اجماع باقی نماند و اگر چنین شود، صرفاً برای تأیید و تقویت بیشتر مبانی آن حکم صورت می‌پذیرد. گرچه از نظر شیعه، اجماع از آن جهت که

1- اشاره به حدیث «زوروا القبور فإنها تزهد فی الدنیا».

2- اشاره به آیه(وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ)، سوره حج، آیه 32.

«کاشف از قول معصوم» است، حجیّت دارد. در هر حال اجماع و اتفاق مسلمانان در اعصار و ادوار گوناگون بر حکمی، خود دلیل استوار و گواه روشن دیگری بر حقانیت و جواز آن است. «با مراجعه به کتاب‌های حدیث و فقه و اخلاق و تاریخ، مخصوصاً مربوط به «مناسک حج» حقیقت این مطلب روشن می‌گردد.
مرحوم علامه امینی، از چهل و دو منبع اسلامی، استحباب زیارت قبر پیامبر را نقل کرده است. ایشان در کتاب الغدیر (1) نصوص و کلمات آنان را با کمال دقت نقل کرده است. (2) در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه که به قلم چهار تن از علمای مذاهب چهارگانه نوشته شده است، و همگان از افکار و آرای آنان یاد شده، چنین آمده است: «زیارة قبر النّبی أفضل مندوبات ورد فیها أحادیث»؛ (3) زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، برترین مستحباتی است که در مورد آن احادیث و اخباری وارد شده است.
در هر حال با مراجعه به عقل سلیم و آرای علمای مذاهب اسلامی، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که «مشروعیت زیارت» از مسلّمات فقه اسلامی بوده و تنها گروه کژاندیش وهابی است که با خرق اجماع و بر خلاف حکم عقل، در مشروعیت و جواز زیارت، تشکیک روا داشته و به حرمت آن فتوا داده است.
آداب زیارت
در آداب زیارت فرقی نیست(چه کربلا و چه مشهد و چه دیگر زیارتگاه‌ها)، ولی هر جا آداب خاص خود را دارد، زیرا زیارت مثل کتابی است که تدریس می‌شود، یک مقدمه و یک پایان دارد و در بین راه طی امتحانی انسان متوجه می‌شود که زیارتش مقبول واقع شده یا خیر.

1- الغدیر، ج 5، ص 106- 129.

2- آیین وهابیت، ص 119.

3- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج 1، ص 590.

زیارت مقدمه نماز است. زیارت است که دل را آماده می‌کند و خوب است وقتی انسان به زیارت می‌رود، یقین داشته باشد که دعوت شده خداوند است. زیارت دو نفر از معصومین علیهم السلام برابر ثواب زیارت خانه خداوند است؛ یکی زیارت امام حسین علیه السلام و دیگری زیارت حضرت رضا علیه السلام.
با توجه به مشابهت‌هایی که بین اعمال حج و زیارت ائمه علیهم السلام است، می‌توان به اهمیت آداب زیارت واقف شد.
نقل است از امام جواد علیه السلام که «به زیارت پدرم که می‌روید با سری پایین و تواضع قدم بر دارید. در راه ذکر اللّٰه اکبر، لا اله الا اللّٰه و سبحان اللّٰه بگویید». امام هشتم علیه السلام در راه آمدن به خراسان در جمع بسیاری از علما و محدثین، حدیث سلسلة الذهب را نقل می‌فرماید که «کلمه لا اله الا اللّٰه، دژ محکم در مقابل عذاب است».
پائولوکوئیلو نویسنده معروف، در یکی از آثار خود به این مطلب اشاره کرده است و ضمن نقل ماجرای(سفری کوتاه) این طور تفسیر می‌کند: «وقتی که به سوی متصدی می‌روی، سرت را پایین نگه دار وگرنه تعلقات محیط اطراف، تو را مشغول و از هدف اصلی دور می‌کند». (1) اعمالی که زایران در زیارتگاه‌ها باید انجام دهند عبارت‌اند از:
1. زیارت کردن.
2. خواندن زیارتنامه.
3. خواندن دو رکعت نماز زیارت.
4. ادای نذورات، بعد از حل مشکلات و گشایش کار خود و یا رفع مشکل.
5. دعا کردن، با توجه به مکان زیارتگاه‌ها و ایام مخصوص، مانند اعیاد و سوگواری‌ها و شب‌های قدر.

1- ماهنامه زایر، به نقل از حسین الهی قمشه‌ای، ش 152، ص 12 و 13.

آثار زیارت

آثار و پیامدهای زیارت در مذهب تشیع پیش از آن‌که متوجه فرد زیارت شده باشد، متوجه زایر است. در ادیان و مذاهب دیگر چه بسا هدف اصلی از زیارت ارج نهادن به شخص زیارت شده باشد و پیامد چندانی برای فرد زیارت‌کننده در بر نداشته باشد.

اما در مکتب تشیع، اگرچه این مهم دنبال می‌شود؛ یعنی شیعیان با حضور در مراقد و مشاهد مطهر ائمه علیهم السلام و اولیای دین، مفاهیم و کلمات تهنیت و فضیلت را به زبان آورده و به ستایش آنها می‌پردازند و یاد آنان را زنده می‌دارند و موجبات خشنودی آنها را فراهم می‌آورند، اما بیشتر آثار و پیامدهای این مراسم به خود زایران بر می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی زیبا به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی هر کسی بعد از وفات من و تو و فرزندانت، ما را زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که در روز قیامت او را از وحشت و گرفتاری‌های قیامت نجات دهم و او را در مقام و مرتبه خود جای دهم. (1) سنت زیارت در مذهب شیعه یک ویژگی و امتیاز به حساب می‌آید. زیارات شیعی دارای چنان غنای ادبی، فکری، سیاسی و اجتماعی هستند که در طول تاریخ نه تنها کهنه و فرسوده نشدند، بلکه با کنار رفتن پرده‌های جهل و ابهام، مفاهیم آنها روز به روز رساتر و کامل‌تر شده است.

الف) کارکردهای روحی و معنوی

اولین، فراگیرترین و ملموس‌ترین کار زیارت تأثیر مستقیم در روح و جان انسان و صیقل و صفای باطن است. این تهذیب نفس و روح و ارتباط با منبع لایزال و نامتناهی، یک جهان‌بینی و نگرش خاصی در فرد ایجاد می‌کند. این جهان‌بینی و بینش تمام مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی او را نیز در بر می‌گیرد.

1- کامل الزیارات، ص 11.

بنابراین تأثیرات معنوی و روحی زیارات در انسان که تهذیب نفس و صیقل روح را به دنبال دارد، در دو حوزه به مسایل سیاسی و اجتماعی نیز ربط پیدا می‌کند. اول این‌که موجب نگرش و جهان‌بینی خاص نسبت به تمام امور از جمله پدیده‌های سیاسی- اجتماعی می‌شود، به گونه‌ای که نگرش چنین فردی به خانواده، فرزند، پدیده‌های اجتماعی، روابط با دیگران، قدرت، حکومت، ظلم و ... با یک فرد معمولی تفاوت اساسی دارد.
دوم این‌که عملکرد و رفتار چنین فردی با سایرین فرق می‌کند. انسان خودساخته‌ای که دل در گرو عالم نامتناهی بالا دارد و عظمت خالق و خلقت را می‌بیند و از سعه صدر و وسعت نظر بالایی برخوردار است، از هر کاهی، کوهی نمی‌سازد و برای رسیدن به مقاصد خود دست به هر کار زشتی نمی‌زند. در مقابل مقام بالاتر از خود تملق و چاپلوسی نمی‌کند و هیچ نیازی هم به تملق و ستایش دیگران احساس می‌کند و هیچ تمایلی به ستم بر دیگران ندارد و در مقابل هیچ ستمگر و زورگو نیز سر تسلیم فرود نمی‌آورد و ... در این رهگذر، دلدادگان اللّٰه در چنین کانون حیات‌بخش خورشید معنویت، جان گرفته و هر کس مطابق با نیازهای خود و ظرفیت‌هایش بهره‌ای گرفته و برای حیات خویش به ارمغان می‌برد.
ب) کارکرد معرفتی
کار ویژه بعدی زیارات انتقال بخشی از معارف و مبانی فکری اسلام و تشیع به مخاطبین و نسل‌های بعدی است. در کارکرد اول، تهذیب نفس و تعالی روحی و معنوی انسان به پیدا شدن یک نگرش نوین و جهان‌بینی جدید کمک می‌کرد، ولی در این کارکرد ویژه زیارت یک سری اصول و مبانی فکری آماده‌ای را منتقل می‌کند و می‌تواند در بسیاری از حوزه‌ها مبنای معرفت بشری قرار گیرد. در هر صورت هر فردی به تناسب زمینه و استعداد و ظرفیت و توان فکری و روحی، از زیارت بهره می‌برد و چه بسا افرادی هم باشند که هیچ‌گونه بهره‌ای نبرند.

ج) کارکرد روان‌شناختی
انسان‌هایی که به زیارت می‌روند، اطمینان قلبی دارند که هرگز تنها نیستند و قدرتی مافوق آنها وجود دارد که همواره حیّ و حاضر و ناظر بوده و توان برآوردن همه نیازهای بشری را داراست. لذا با توسل و استغاثه به درگاه او و ریختن اشک شوق، به سبب داشتن چنین تکیه‌گاهی مطمئن و مسایل خود را به او واگذار نمود و تخلیه روانی شده و آرامش روحی به دست می‌آورند.
از نظر روان‌شناسی اشخاصی که دارای تکیه‌گاه روانی هستند، دارای انفعال نبوده و احساس آسیب‌پذیری ندارند. و ویژگی‌هایی همچون، اعتماد به نفس، احساس توانمندی امیدواری و تأثیرگذاری در مسیر سرنوشت خود و متأثر ساختن محیط پیرامون و جهان خارج از خود را دارا هستند. اضطراب و ترس این افراد به حداقل می‌رسد و آرامش با زندگی فرد توأم می‌شود و احساس وجود قدرت‌های روحی در فرد تقویت می‌یابد.
د) کارکرد فرهنگی
بی‌تردید یکی از آثار مهم و ارزشمند زیارت، گردآوری افراد و گردهمایی گوناگون، ملیّت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ سنتی و مذهبی و خاص در پیرامون خود می‌باشد، چنانچه یکی از آثار بسیار ارزشمند «حج» گرد آمدن پیرامون مذهب‌های اسلامی است در گرد نگینی به نام کعبه، تا در سایه این کنگره عظیم و گردهمایی بزرگ علاوه بر آثار معنوی آن، بهره‌مندی‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی را عاید ملل گوناگون بنماید.
وجود اعیاد و مناسبت‌های مذهبی به عنوان انگیزه‌هایی هستند که شهروندان مختلف از شهرها و روستاهای گوناگون کشور را به سوی اماکن متبرک جلب می‌نمایند و از آن‌جا که آداب و رسوم، ارزش‌های مذهبی و ... در بین هموطنان، بسیار فراوان و متنوع است، شاید بتوان گفت که زیارت صرف‌نظر از جنبه مذهبی و

مفهومی آن یک نوع مبادله فرهنگی نیز محسوب می‌شود. اگرچه شاید از این آداب و رسوم تقلید همه جانبه نشود، اما حداقل این مزیت را خواهد داشت که افراد با رسوم گوناگون آشنا می‌شوند، به خصوص آداب و رسومی که مخصوص اعمال زیارت و مربوط با آن است. همینطور به وجود آمدن واژه‌هایی چون رواق، شبستان، ضریح، صحن و ... که مخصوص چنین محیطهای مذهبی می‌باشد، سبب گسترش واژه‌های مذهبی شده و از دیگر جنبه‌های کارکردهای فرهنگی امامزاده می‌باشد.

ه) کارکردهای سیاسی و اجتماعی

شیعه همواره اقلیتی بوده که در طول تاریخ، سیاست و مسایل سیاسی، اجتماعی با روح و اعتقادات این گروه در هم آمیخته است. شیعه اولاً از طرفی مدعی حکومت بوده و از طرف دیگر شرایط و زمینه‌های مساعد برای به دست‌گیری قدرت وجود نداشته است. ثانیاً هیچ‌گاه از اصول خود کوتاه نمی‌آمده و اهل سازش و مصالحه نیز نبوده است. و ثالثاً به دلایل فوق همیشه درگیر مخالفت‌ها و مبارزه با قدرت‌های سیاسی زمان خود بوده است. در هر حال با توجه به مشکلات سیاسی و اجتماعی، زیارت نقش بسیار مهمی ایفا می‌نماید که به چند نقش عمده اشاره می‌شود:

1. بالا بردن ظرفیت و توان مخاطبین در برابر مشکلات و سختی‌ها.
2. امید و امیدواری در شرایط سخت و طاقت‌فرسای بحرانی در جامعه شیعی.
3. زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلاوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن.
4. ترویج روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم‌ترین آرمان شیعه.
5. احیای روحیه انتقام با تبیین ظلم‌ها و ستم‌هایی که بر ائمه شیعه علیهم السلام و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است.

6. توجه به جامعه و حکومت آرمانی، که امام زمان(عج) پس از ظهور خود آن را تشکیل خواهد داد.
7. و بالأخره زیارات، زایر را متوجه امام و رهبر معصومی می‌کند که هم اکنون زنده است و می‌تواند با آنها ارتباط برقرار نماید و مشکلات سؤالات آنها را پاسخ گوید و ....
و) کارکرد اقتصادی
یکی از عوامل شکل‌دهنده یک فرهنگ، نظام اقتصادی آن است که بدون وجود یک نظام منسجم و صحیح اقتصادی راه بردن به توسعه و توسعه شرعی بعید به نظر می‌رسد. نذورات نقدی زایران که به صندوق‌های اخذ اعانات واریز می‌شود و یا به ضریح مطهر امامزادگان ریخته می‌شود، از منابع تأمین نیازهای مالی این اماکن مقدس و زیارتی می‌باشد.
اما در بحث پیرامون رابطه مبادلات فرهنگی و اقتصادی باید گفت که در پاره‌ای موارد تعاملاتی که به شکل فرهنگی در اثر زیارت انجام می‌گیرد، منجر به گسترش روابط اقتصادی بین زایران و کسبه و حتی زوار زیارتگاه‌ها می‌شود. و مهاجرت‌های از روستاها به شهرها نیز در این تعامل نقش به سزایی را در بر دارند.
ز) کارکرد هنری
بارگاه ملکوتی امامان معصوم علیهم السلام علاوه بر تمام کارکردهای خود، کارکرد هنری را نیز در بر می‌گیرد. چراکه بارگاه آن بزرگواران قلب‌های هنرمندان و عشاق اهل بیت عصمت و طهارت را با شوق فراوانی به سوی خود جلب می‌کند و باعث خلق زیباترین اثرهای هنری و معماری در جهان اسلام می‌گردد.
از این رو دریچه‌ای به سوی جهان ملکوت گشوده می‌شود تا ترنّم‌های زیبای نور و روحانیت و انسانیت، فضای زندگی انسان‌های شیفته و از خود رهیده را معطر نموده، و آنان را به سر منزل مقصود برساند.

تأثیر زیارت در بهداشت روانی و تعالی روح
زیارت در اسلام، همان‌طور که اشاره شد و به خصوص در فرهنگ تشیع از اهمیت به سزایی برخوردار است. بزرگان و اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام در موارد بسیاری مؤمنین و افراد جامعه را به زیارت دعوت و تشویق نموده‌اند و از ارزش دنیوی و اخروی آن آنها را مطلع نموده‌اند.
زیارت هم جنبه اعتقادی و هم ابعاد اجتماعی و سیاسی و به خصوص تربیتی و سازندگی دارد و الهام‌بخش جسم و روان انسان است. زایر در هر درجه و مقامی که باشد و زیارت هرگاه انجام پذیرد و مزار مطهر ائمه معصومین علیهم السلام و سایر زیارتگاه‌ها در هر جای دنیای خاکی و هر سرزمینی که باشد، چشمه جوشان معنویت و معارف اسلامی و بشری است برای رشد و بالندگی ارزش‌های اسلامی و الهی در انسان‌ها.
زیارت چه در خانه خدا باشد و چه مرقد مطهر رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و چه قبور مطهر و مظلوم ائمه بقیع و چه کربلای سید الشهد علیه السلام و چه مشهد الرضا علیه السلام و یا سایر اماکن مطهر ائمه علیهم السلام و قبور شهدای اسلام باشد، همگی موجب انتشار نور معرفت و آگاهی و ارشاد و هدایت می‌باشد.
سؤالی که در این‌جا مطرح است، این است که آیا زیارت صرفاً عملی است عبادی یا جنبه‌های روانی و درمانی هم دارد؟ زیارت چگونه می‌تواند در پالایش روح و روان افراد و سلامت جسمی انسان‌ها نقش داشته باشد. زیارتنامه‌ها که مملو از ذخایر معنوی است و از یک دنیا تعلیمات فرهنگی و تربیتی و اجتماعی و سیاسی برخوردار است، چگونه می‌تواند در بازسازی روحی و جسمی انسان امروزی و در عصر تکنولوژی‌های پیشرفته مادی جهان معاصر نقش ایفا کند؟ اصولاً زیارت و درخواست‌های مادی و معنوی در قبور مطهر امامان علیهم السلام چگونه می‌تواند به عنوان یک فرهنگ مترقی و عامل پیشرفت علمی و معنوی برای جوامع بشری مطرح گردد؟
در این راستا سؤالات زیادی مطرح می‌باشد که بررسی آنها در این مقاله

نمی‌گنجد، همین‌قدر بر این امر باید به باور رسید که تأکید پیامبر اکرم و تمام اولیای الهی برای تشویق مردم به زیارت، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی بر جای نمی‌گذارد که به اهمیت و جایگاه آن در اسلام اشاره شده و می‌شود.

ولی آنچه که بیشتر مورد نظر است، گوشه‌ای از اثرات این فرهنگ عمیق شیعی و اعتقادی بر جسم و روان زایر است و نیز بیان حالاتی که در موقع زیارت برای افراد پیدا می‌شود که خود مستوجب برآورده شدن حاجات و استجابت دعای زایرین را فراهم می‌آورد. اکنون نقش زیارت و دعا را که در تربیت انسان و تعالی جسم و روح او مطرح است به اجمال بازبینی می‌نماییم.

با بررسی مقدمات زیارت قبور مطهر ائمه علیهم السلام و ... به ویژه بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام که در آداب زیارت وارد شده، و بسیار آموزنده و سازنده است، به جواب سؤال خود دست پیدا می‌کنیم. هیجانات روحی و عشق به دیدار معشوق حالت سازندگی جسمی و روانی را به همراه دارد. در این زمینه مطالب و روایات و آیات متعددی که پیرامون سفر زایر و اثرات آن وجود دارد، خود حدیث مفصلی است بر این مجمل! (1) در زیارت انسان با تمامی نواقص و کمبودهایش در برابر یک انسان کامل قرار می‌گیرد و از آن‌جایی که انسان یک موجود کمال‌گرا است و تلاش می‌کند خود را به کمال مطلق نزدیک کند، زیارت، اسباب این صعود را برای او فراهم می‌کند. از طرف دیگر زیارت می‌تواند در انسان تحول روحی عظیمی را ایجاد کند. و اگر کسی به زیارت برود و این تحول روحی را در خودش احساس نکند، پس هیچ سودی از زیارت عایدش نشده است. از یکی از علما نقل شده که زایر باید پس از زیارت بهتر از قبل باشد. حال اگر زایری از راه دور با سختی و مشقت رنج سفر را تحمل کند و با

1- روزنامه قدس، زیارت و تأثیر آن بر بهداشت جسم و روان، سال 1383، ص 3.

شوق و شور فراوان به زیارت بیاید، این حضورش می‌تواند تأثیرات تربیتی بیشتری داشته باشد.

دکتر عظیمی از استادان حوزه علمیه معتقد است:

زایری که قصد زیارت یک انسان بزرگ و امام و پیشوای خود را دارد، لازم است آمادگی لازم جهت این عمل را در خود ایجاد کند. فردی که موفق شود این آمادگی را در خود ایجاد کند، اثرات آن را به وضوح در خود می‌یابد، که احساس شادی و نشاط معنوی و سبکباری از مهم‌ترین تأثیرات آن است. با ایجاد این احساسات خاص است که فرد می‌تواند از زیارت خود بهره‌های فراوانی ببرد. (1) در آداب زیارت آمده است: وقتی فردی به زیارت می‌رود باید با وضو باشد، پاکیزه‌ترین و بهترین لباس خود را بپوشد، معطر باشد و ... که رعایت تمام این شرایط و آداب، تأثیر فراوانی در روح و روان او به جای خواهد گذاشت. دعاهایی که هنگام زیارت باید خوانده شود، و نیز رعایت ادب و متانت که تمامی اینها تمرینی است برای چگونگی زندگی فرد در جامعه و این فرد مبدل می‌شود به یک انسان پاک و با اخلاق که سعی می‌کند با رعایت حقوق سایر زایران در حریم کبریایی امام خویش حاضر شود. اگر این رفتارها بتواند در انسان ملکه شود، این فرد در جامعه نیز به همین شکل ظاهر خواهد شد، چراکه این حضور معنوی او را برای حضوری بزرگ‌تر در جامعه تربیت می‌کند و می‌سازد.

پس زیارت صرفاً عملی عبادی خشک و بی‌روح نیست، بلکه سایر جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، به خصوص عاطفی، روانی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد. ادعیه‌ای که در این زمینه آمده، علاوه بر بهداشت جسمی و رعایت نظافت فردی، آمادگی و بهداشت روحی و روانی زایر را نیز در دستور کار او قرار می‌دهد و برای ورود به

1- ماهنامه زایر، مروری بر آثار تربیتی زیارت، شماره 152، ص 8.

صحن مطهر و ورود به حریم مطهر قبور، و دعاهایی که باید زایر بخواند و حتی گام برداشتن را تعلیم داده است.
در آداب زیارت چقدر زیبا و دلنشین وظایف زایران تشریح شده است. همه اینها از نظر رفتار فردی و اجتماعی و در واقع بهداشت فردی و اجتماعی قابل تأمل و مطالعه است. با این آمادگی‌ها، زایر در قبل از زیارت، یک انسان عادی نمی‌باشد، بلکه یک انسان آماده، پاک و مطهر، با آداب و اخلاق در کنار سایر زایرین است که آنها هم در همین شرایط قرار دارند، پای در حریم دوست و یار و مولا و مقتدای خود می‌گذارد و دریچه دل را می‌گشاید و در خلوت خود با او راز و نیاز می‌کند.
تصور این صحنه‌ها به لحاظ علمی و مادی بشری را نمی‌توان در هیچ مکتب و یا در هیچ کتاب علمی و پزشکی یافت، که این طور نسخه صحت و سلامت جسمی و روحی را برای فرد فرد جامعه از یک انسان معمولی و عادی، حتی بی‌سواد، به علم روز گرفته تا بالاترین شخصیت‌های علمی و افراد برجسته، عالم و استاد و پزشک معالج و ... را پیچیده باشد. آنها همگی در کنار هم باید این چنین به مداوای بیماری‌های درون و نهان خود بپردازند. به اعتقاد تمام جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و اطبای جسم و اخلاق، زوایای پیچیده این حالات روحی و معنوی را باید در این حالات روحانی جست‌وجو نمود.
باید نگرش علمی و با دیدی نو این تعالیم بسیار مترقی و سازنده را به جامعه و سپس به دنیا عرضه نمود، تا بتوان در این جهان به‌هم ریخته و بی‌هویت، انسان معنوی با الگوی اسلامی را عرضه نمود، تا بشریتِ غرق در مادیات و رفتارهای غیر اخلاقی و انسانی، این انسان والای تربیت شده در مکتب اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام را شناخته برای خود الگو سازد.
زایر اکنون با این توصیف به بیان هر چه در درون دارد پرداخته و با معبود خود راز و نیاز می‌کند و شریف‌ترین و پاک‌ترین مخلوق خداوند یعنی ائمه معصومین علیهم السلام را

ناظر و شفیع خود قرار می‌دهد. در پناه آنها جرأت می‌یابد، زبان به اعتراف بگشاید و از اعمال ناپسند و رفتارهای ناهنجار فردی و اجتماعی خود عذر تقصیر آورد، و طلب عفو و بخشش نماید و درون خود را نیز همچون جسم خود مطهر و پاک سازد.
این تخلیه روانی و خالص شدن، و در یک کلمه گناه را کنار گذاردن، او را سرمشق دیگران می‌نماید و به تک تک افراد درس انسان‌سازی می‌دهد.
این است آن داروی خوشبختی که هیچ نسخه و تجویز دارو نمی‌تواند به این زیبایی انسان را آرام نماید.
چون داروهای ساخت بشر اگر مفید باشد، همگی فقط در جسم انسان اثر می‌گذارد، لذا زیارت با رعایت همه آداب و دستورات آن برای انسان‌های به ظاهر سالم، حتی پزشکان، درمانگری بسیار سازنده‌ای دارد و شفابخش آلام روحی و روانی انسان‌ها است. (1) تجریه و تحلیل مطالب
باتوجه به مطالبی که آورده شد، می‌توان چنین تجزیه و تحلیل نمود:
1. زیارتگاه مکانی است که علاوه بر عبادات، نکات تربیتی نیز در آن به وضوح به چشم می‌خورد و انسان‌ها را از آلام و رنج‌های درونی بازداشته و پیونددهنده مخلوق است با خالق جهان و همین‌طور علاوه بر زیارت سیاحت هم به شمار می‌آید.
2. زیارتگاه‌ها، مکانی است برای عبادت و این‌که افراد لحظه‌ای از مادیات و دنیای فانی چشم پوشیده و با خدای خود راز و نیاز می‌کنند، به آرامش فکری بیشتری رسیده و با استفاده از این آرامش، توانسته‌اند به زندگی خود حرکت و پویایی بیشتری داده و به تعالی روح خود نیز رسیده‌اند.
3. زیارتگاه‌ها، محیطی است که افراد برای بخشش گناهان خود به این مکان‌های مقدس رفته و از خدا طلب عفو و بخشش می‌نمایند. به طور کلی ثابت شده است که

1- روزنامه قدس، زیارت و تأثیر آن بر بهداشت جسم و روان، ص 3.

انسان‌ها همیشه به دنبال یک پناهگاه و یک نیروی مافوق بشری خواسته‌اند تکیه کنند که هم در گشایش کارها و هم در آمرزش گناهان این مکان‌ها بسیار تأثیرگذار می‌باشند.

4. زیارتگاه‌ها، محیطی است برای این‌که تنهایی انسان‌ها را پر کند. تنهایی برای انسان‌ها غیر قابل تحمل است و تنها بودن فقط از خدای یگانه است و مختص به او.

رفتن به زیارتگاه‌ها انسان امروز را از روزمرگی نجات داده و شور و نشاط تازه به او بخشیده و به تعالی روح دست پیدا می‌کنند.

5. هنگامی که انسان‌ها، دچار گرفتاری شده و از همه جا رانده می‌شوند، تنها جایی که مأمن آنهاست، درگاه خداوند است و انسان‌ها برای این‌که راحت‌تر بتوانند با خدای خود خلوت کنند، فقط در این مکان‌های مقدس است که می‌توانند خواسته خود را به خدا گفته و به آرامش برسند. و صبری که خداوند برای تحمل مشکلات به آنها می‌دهد، خیلی نتیجه‌بخش است، چراکه همین صبر بر مشکلات باعث می‌شود، افراد دچار آلام روحی و روانی شفا پیدا کرده، یعنی با توکل بر خدا و شفاعت امامان معصوم علیهم السلام به منزل یقین می‌رسد.

6. همچنین زیارتگاه‌ها محیطی است که افراد تنها از راه‌های دور می‌آیند و می‌توانند در کنار آن حریم یار به آرامش رسیده و هم به زیارت و هم به سیاحت خود دست یابند.

نتیجه‌گیری

زیارت در اسلام به ویژه در فرهنگ ارزشمند شیعیان، از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. زیارت هم جانب اعتقادی و هم ابعاد اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد، اما آنچه در این امر مهم است ابعاد تربیتی و سازندگی این عمل روحانی است، بعدی که الهام‌بخش جسم و روان انسان می‌باشد. زیارت صرفاً عملی عبادی

نیست؛ بلکه سایر جنبه‌های سیاسی، اجتماعی به خصوص عاطفی و روانی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد.
زیارت پیونددهنده انسان با ائمه معصومین علیهم السلام است. وقتی به زیارت چنین انسان‌های بزرگ و شریف نایل می‌شویم، باید به عنوان یک الگوی برتر از آنها کسب فیض کرده و اخلاق و رفتار و اعمال خود را با سایر خصوصیات آن بزرگواران منطبق سازیم، چراکه در این صورت است که زیارت معنای واقعی خود را پیدا می‌کند.
وقتی ما در برابر یک معصوم و امام قرار می‌گیریم و در مزار پیشوایان دین، با شناخت و بصیرت خود حضور می‌یابیم و می‌دانیم که اینان کمال مجسم و عینیت فضیلت و جلوه‌هایی از نور خدا و چشمه‌هایی از فیض رب و تبلوری از ایمان و خلوص و عبودیت و پاکی‌اند، در این صورت عظمت آنان ما را متوجه نقایصمان می‌کند و پاکی آنان ما را به مادیات و دنیاگرایی‌ما واقف می‌گرداند. پیروی از آنان معصیت ما را محو می‌نماید و نورانیت آنان تیره‌جانی و تاریک دلی ما را روشن می‌کند. مقام آنان ما را آگاه می‌کند که اگر آنان در قله‌اند، ما هنوز به دامنه هم نرسیده‌ایم، اگر آنان معصومند، ما گرفتار معصیتیم، اگر آنان برگزیده خدایند، ما در دام ابلیس و هوای نفس اسیریم، اگر آنان در اوج معراج معنوی‌اند، ما در هبوط مادی مانده‌ایم، اگر آنان بنده خدایند، ما در بند خود گرفتار آنیم.
زیارت زمینه‌ساز این تقابل و تقارن و مقایسه و محاسبه است و تا این سنجش انجام نگیرد، به کاستی‌های اخلاقی و ضعف‌های معنوی خود واقف نخواهیم شد.
پیشنهادات
1. در جامعه سعی شود که مردم را با این اماکن مقدس و زیارتگاه‌ها پیوند دهیم که این نقش را رسانه‌های ارتباط جمعی، آثار مکتوب، مطبوعات و ... می‌توانند به خوبی ایفا نمایند.

ص: 720

2. اگر انسان‌ها بخواهند از دام روزمرگی و ناراحتی‌های روحی و روانی نجات یابند، رفتن به اماکن متبرک و راز و نیاز با خدای احد و یگانه تنها راه نجات آنها می‌باشد، تا بتوانند به آرامش روحی مطلوب رسیده و به تعالی دست پیدا کنند.

3. رفع مشکلات انسان‌ها در این اماکن مقدس از سوی متولیان آنها، یکی از راه‌های تجمع مردم است. با تشویق و ترغیب آنها می‌توان مشکلات دیگران را همچون تجمع در مساجد حل نمود و به رتق و فتق آنها نیز رسیدگی کرد.

4. مناسب‌سازی اماکن مقدس نیز از اهمیت و جایگاهی بس بالا برخوردار است و باید متولیان و مسئولین نیز به این امر مهم توجّه داشته باشند و برای کودکان، سالمندان، گردشگران و ... مکانی بس آرام و دلنشین با توجه به حال و هوای زیارت برگزینند.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. آیین وهابیت، جعفر سبحانی.
3. احیاء العلوم الدین، ابو حامد غزالی.
4. بحار الأنوار، علامه محمّد باقر مجلسی.
5. جامع السادات، علامه محمدمهدی نراقی.
6. جامعه‌شناسی ادیان، دکتر علی شریعتی، حسینیه ارشاد، تهران، 1356.
7. درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه‌شناسان بزرگ درباره دین، دکتر مسعود جلالی مقدم، تهران، نشر مرکزی، 1379.
8. روان‌شناسی دین، ماهنامه، سال اول، شماره 3.
9. زایر، ماهنامه بین المللی و فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی، سال چهاردهم، شماره 152، مرداد 1386.
10. زمینه جامعه‌شناسی، گیدنز، ترجمه منصور صبوری، 1374.
11. سنن ابن ماجه.
12. شهید و شهادت در ادعیه و زیارات، علی اکبر علیخانه، مرتضی بحرانی، نشر شاهد، 1380.
13. صحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری.
14. صحیح، محمّد بن اسماعیل بخاری.
15. صحیح ابن ماجه.
16. الفقه علی المذاهب الاربعه.
17. روزنامه قدس، مورخ 27 آبان، 1383، مشهد.
18. کامل الزیارات، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی، تهران، صدوق، 1375.
19. کشف الارتیاب، سید محسن امین.

ص: 722

20. مزارات أهل البيت و تاريخها، ترجمه محمد حسين حسينى الجلالى، بيروت، 1995 م.
21. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى، تهران، اسوه، 1376.
22. وسائل الشيعه، شيخ حرّ العاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى.

3. نقش زیارت در بهداشت روانی و تعالی روح

داود اسدیان [(1)] و مهدی راثی [(2)]

چکیده

دنیای امروز با وجود پیشرفت و تحولی که بر حسب ظاهر پیدا کرده است، در واقع پر از نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌ها و دلواپسی‌های شخصی است که ایجاد عقده‌های روانی می‌کند. همین عقده‌ها هم منشأ بسیاری از بدبختی‌های نسل ماست و این فاجعه‌ای است که جامه غرب را در لجنزار خود فرو برده، و دردی است بی درمان که روان‌شناسان شرق و غرب به آن اعتراف می‌کنند. تقریباً همه روان‌شناسان تصریح می‌کنند که بیشتر بیماران، تحت تسلط غم‌ها، غصه‌ها و دلواپسی‌ها قرار دارند که این غم و غصه‌ها عقده زاست و عقده هم جنون‌زا، جنایت افزا و موجب گوشه‌گیری، عزلت و ... در آنان است. و هم آنها می‌گویند که این دردها را درمانی نیست جز توجه به معنویت، دین و اخلاق و تقویت آن در وجود انسان‌ها. قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام هر دو بخش سخن آنها را تأیید می‌کند. در میان آموزه‌های دینی، نقش زیارت و دعا به عنوان دو عامل در سلامت روح و بهداشت روان از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: دعا، زیارت، بهداشت روانی، سلامت روح، دین.

مقدّمه

یکی از ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین نیازهای انسان، نیاز به امنیت و آرامش درونی است. در سایه آرامش جسم و روح است که انسان می‌تواند به اهداف خویش در

1- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور واحد اهر.

2- سرپرست دانشگاه پیام نور واحد اهر.

ص: 724

زندگی دست یابد.

در واقع رسیدن به کمال انسانی و به طور کلی هدفی که خداوند انسان را برای نایل شدن به آن خلق کرده، در گرو زیستن توأم با آرامش روحی و روانی در دنیاست.

اضطراب و تشویش‌های درونی ناشی از زندگی ماشینی، همواره مانع پیشرفت انسان در همه ابعاد بوده است و چه بسا زمینه ابتلا به انواع ناراحتی‌ها و بیماری‌های جسمی و روحی را فراهم کرده است.

رسیدن به آرامش و طمأنینه قلبی و سلامت ذهنی که از سوی متخصصان به «بهداشت روانی» تعبیر می‌شود، آرزوی هر انسانی است که به واسطه آن دارای تفکری سالم، ذهنی خلاق و خاطری آسوده برای پیمودن فراز و نشیب‌های زندگی باشد.

امروزه، نقش مذهب و عقاید مذهبی و باورهای دینی و اعتقاد به خدا و انبیا و معاد، در بهداشت روانی و سلامت روحی بسیار مورد توجه محققان و دانشمندان همه جوامع بشری قرار گرفته است که این توجه منجر به انجام تحقیقات بسیار متعدد و متنوع شده است و در نهایت همه این تحقیقات، نقش مثبت و مؤثر مسایل دینی و مذهبی در بهداشت روانی را تأیید می‌نماید.

بنابراین زیارت و دعا که در آیین نورانی اسلام از جایگاه بسیار رفیع برخوردار است، می‌تواند در برطرف نمودن نیازهای معنوی و روحی و روانی انسان نقش سازنده داشته باشد. لذا لازم است این موضوع مورد توجه و اهتمام خاص قرار بگیرد. چرا که انسان، امروزه تشنه مفاهیم عمیق فطری و الهی است که متأسفانه در پیچ و خم غفلت‌های زندگی روزمره به‌تدریج به دست فراموشی سپرده می‌شود.

در زیارت انسان با توسل به ارواح پاک انبیا و ائمه و اولیای خدا، از آنان استمداد جسته و درصدد ارتباط با آن حجت‌های خداوند می‌باشد. به اعتقاد ما مسلمانان، آنان زنده و شاهد و ناظر هستند(... تشهد مقامی و تسمع کلامی و تردّ سلامی ...). در سایه این

ارتباط است که زایر روح خود را صفا بخشیده و صیقل می‌دهد و از کدورت‌ها و پلیدی‌ها، خالص و پاک می‌گردد. مقاله حاضر تلاشی در این زمینه است تا نقش زیارت و دعا را به عنوان دو عامل معنوی در سلامت روح و بهداشت روان انسان‌ها مورد بررسی قرار دهد، باشد که گامی مفید در ارائه راه و روشی بهتر برای دستیابی به آرامش روح و روان و در نتیجه سلامت جامعه باشد.

زیارت در لغت و اصطلاح

زیارت، به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیای خدا خوانند، بکار برده می‌شود. زیارت به حج و مسافرت به مشاهد متبرک و کسب فیض از قبور منور ائمه هدی علیهم السلام نیز معنی شده است. البته زیارت، سفر و بازدید از اماکن و شخصیت‌ها در ملل و فرهنگ‌های مختلف نیز وجود دارد و به دیدار و ملاقات پادشاهان و بزرگان رفتن نیز زیارت خوانده شده است.

همچنین دهخدا در لغت نامه خود زیارتکده را به معنی مزار و زیارتگاه تعریف کرده است.

رفت از آن‌جا و برگ راه ساخت به زیارتگه مقدس تاخت

(نظامی) (1) اقسام زیارت

زیارت در لغت‌نامه دهخدا به دو قسم تقسیم شده است:

الف) گاه زایر در زیارت خود مطالب و نیازهای خود را از زبان دل به پیشگاه الهی اظهار می‌دارد که این نوع را «دعای غیر مأثور یا غیر وارده» می‌نامند.

ب) مواردی هست که زایر و داعی مطالب و نیازهای خود را از قول خود بیان

1- لغت‌نامه دهخدا ذیل ماده زیارت، ص 13054.

نمی‌کند، بلکه با الفاظ مخصوص که از ناحیه حضرات معصوم علیهم السلام نقل شده است به طرح نیازهای خود می‌پردازد. این قسم ادعیه را در زیارات «دعاهای وارده یا ادعیه مأثوره و زیارات معتبر» می‌نامند. (1)

انواع ادعیه و زیارات مأثوره

در این تقسیم‌بندی کلی، دعاها و زیارات‌ها به دو بخش تقسیم می‌گردند:

الف) زیاراتی که باید آنها را در شرایط خاص خواند. مثلاً در زمان یا مکان مقدس خوانده شود، مانند زیارت بالاسر یا پایین پای حضرت ابا عبد اللّٰه الحسین علیه السلام. برای این نوع زیارت‌ها و دعاهای خاص، آداب و شرایط ویژه‌ای ذکر شده است.

ب) دعاها و زیاراتی که از جامعیت برخوردار بوده و برای آنها هیچ قید و شرطی از نظر زمانی و مکانی، دور و نزدیک بودن ذکر نشده است. این دعاها از مضامین بسیار رفیعی برخوردارند و برای همه جا کاربرد دارند و از لحاظ ثواب و فضیلت نسبت به سایر زیارات از مرتبه بالایی برخوردار هستند؛ مانند دعاهای کتاب گران‌قدر صحیفه سجادیه، زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، زیارت امین اللّٰه و .... چه ائمه هدی علیهم السلام با شناخت و معرفتی که از ذات حضرت حق دارند و نیز معرفتی که نسبت به نیازهای معنوی و امراض روحی و روانی انسان‌ها دارند، در این دعاها مضامینی را با فصاحت و شیوایی و بلاغت به کار برده‌اند که برای صلاح و فلاح ما پیروان، تعالی و نجات بخش بوده و لازم است شیعیان از این آموزه‌های ارزشمند برای رفع نیازهای روحی و معنوی خود بهره گیرند. در چنین شرایطی است که دعاهای ما به هدف اجابت خواهد رسید.

برخی از آثار زیارت

در ادامه بحث به آثار و برکات زیارت، به طور مختصر اشاره می‌شود:

الف) مأجور بودن زایر: در کتب معتبر روایی، برای زیارت قبور ائمه علیهم السلام ثواب و

1- همان، ص 13056.

حسنه بسیار وارد شده است، به طوری که موجب تعجب انسان می‌شود. اما نباید عظمت و جایگاه آن پیشوایان و مقربان درگاه الهی و نیز خزینه‌های تمام نشدنی و نامحدود حضرت احدیت فراموش شود. (1) ب) تلطیف عواطف و صیقل یافتن باطن و قلب زایر از تمایلات پست نفسانی.
ج) ایجاد و رشد خصایل و فضایل مثبت شخصیتی در زایر.
نکاتی مهم درباره زیارت و دعا
دعا و زیارت، پر و بال گشودن از گوشه تنهایی تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت جامی است زلال از معنویت ناب در کام عطشناک زندگی، زیارت معصومین علیهم السلام بارقه امید در فضای غبار آلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگام غفلت و بی‌خبری و نیز نسیمی فرحناک و برخاسته از بهشت است.
زیارت و دعا به انسان اعتماد به نفس می‌دهد و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می‌دارد و به تلاش بیشتر دعوت می‌کند. زیارت و دعا دل و قلب انسان را صفا و نورانیت بخشیده و خضوع و خشوع ناشی از آن انسان را از مرکب غرور و تکبر که سرچشمه تمام بدبختی‌ها و سیه روزی‌هاست فرود می‌آورد. برای زیارت در روایات پاداش‌های بسیار بزرگی بیان شده و وعده ورود به بهشت و شفاعت معصومین علیهم السلام از جمله آن وعده‌هاست:
امام باقر علیه السلام در مورد فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام فرمود: هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل کسی باشد که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حج و عمره و جهاد کند ملاقات نماید. (2)

1- مفاتیح الجنان، ذیل فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام.

2- همان، ص 760.

شخص زایر هرگاه این توفیق را پیدا کرد که در حرم مطهر امام معصوم واقع شود، نخست باید با ذکر جملاتی کوتاه نسبت به ساحت مقدس آن امام معصوم عرض ادب و ارادت کند، آن‌گاه باید بیشترین بهره را به وسیله دعا و استغفار برای خود و دوستان و هم‌کیشان خود از فیوضات آن مکان مقدس ببرد و وقت گران‌بها و فرصت طلایی خود را بیهوده از دست ندهد و بداند که در جایگاهی قرار گرفته و توفیق حضور در بارگاه ملکوتی حجت خدا را یافته است که مهبط فرشتگان الهی و محل رفت و آمد اولیای خداست و فیوضات و رحمت‌های الهی پیوسته بدان‌جا نازل می‌شود. و احیاناً حجج دیگر الهی در آن مکان پر برکت حضور دارند. زایر باید بداند که در آن مکان مقدس دعای او به اجابت بسیار نزدیک و امید به برآورده شده حاجت او بسیار زیاد است و از فرصت پیش آمده استفاده بهینه را ببرد.

امام سجاد علیه السلام فرمود: زایر حرم مطهر معصومان باید تلاش کند که از فرصت نصیب شده و توفیق حضور در آن مکان مقدس بیشترین استفاده را با دعا و استغفار و راز و نیاز کسب کند و توجه داشته باشد که دعاهای خود را متوجه عالم بالا و رسیدن به اوج سعادت و کمال انسانی قرار داده و از توجه و تمرکز به درخواست‌های بی‌ارزش مادی و دنیوی زود گذر و فانی اعراض نماید.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه یاد می‌دهد که چه چیزهایی را با چه زبان و بیانی از خداوند متعال درخواست نماییم. با تأمل در دعاهای عرفانی و انسان‌ساز رسیده از معصومین علیهم السلام که با جامع‌ترین بیان‌ها و فصیح‌ترین عبارت‌ها بیان شده در می‌یابیم که از خداوند متعال چه چیز و چگونه طلب کنیم که به درجه اجابت برسد و صلاح و فلاح ما را تأمین نماید. (1) نکته دیگر این‌که زایر اماکن متبرک پس از قصد زیارت حرم معصوم علیه السلام و تمهید مقدمات زیارت، همچون وضو و غسل، اعمالی را به شرح زیر انجام می‌دهد.

1- شرح زیارت امین اللَّه، ص 25.

اول: زایر پس از خواندن متن وارده موسوم به اذن دخول به عرض ارادت و سلام و تحیت بر صاحب بقعه متبرک و ائمه معصومین علیهم السلام می‌پردازد.
دوم: زایر پس از عرض ارادت شروع به رازو نیاز به ساحت باری تعالی با شفیع قرار دادن معصوم علیه السلام اقرار به بندگی و اعتراف به ضعف وجودی خود در برابر ذات ربوبی و کبریایی حضرت حق که موجب کمال و سعادت و تقرب به باری تعالی است می‌نماید و با اقامه چند رکعت نماز و ساییدن پیشانی عبودیت بر خاک مطهر صحن و عیان ساختن بندگی، فلاح و صلاح خود و دیگران را مسئلت می‌نماید.
سوم: زایر حرم متبرک با طرح خواسته‌ها و بیان مشکلات و استمداد از حضرت حق با شفیع و واسطه قرار دادن صاحب آن بقعه متبرک(با عباراتی چون یا وجیهاً عنداللّه اشفع لنا عنداللّه) (1) رفع حوایج و مشکلات را طلب می‌کند.
در ضمن زایران شیعه علاقه مند به معصومین علیهم السلام بایستی توجه داشته باشند که در طرح خواسته‌ها و بیان آرزوها طبق فرمایش حضرت زهرا علیها السلام نخست برای دیگران و مؤمنان دعا نموده و بعد حوایج خود را مسئلت نماید.(الجار ثم الدار).
زیارت همراه با دعا
همان طوری که گذشت زیارت بدون وجود دعا معنا ندارد و دعا و زیارت لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارتی هدف نهایی از دعا راز و نیاز به در گاه خداوند متعال است و معمولاً در هر زیارتی به‌خصوص از بقاع متبرک و از بارگاه ائمه معصوم علیهم السلام زایر پس از عرض ارادت و سلام و تحیت به ساحت مقدس آن بزرگوار به طرح حوایج و خواسته‌های خود می‌پردازد و با واسطه قرار دادن آن امامِ دارای شأن و منزلت در ساحت مقدس حضرت باری تعالی، درخواست‌های خود را از پروردگار متعال طلب می‌کند. به جهت اهمیت موضوع دعا که لازمه هر عمل زیارتی مؤثر،

1- مفاتیح الجنان، دعای توسل.

مفید و مقبول است به توضیح بیشتر پیرامون این موضوع می‌پردازیم.
ارزش دعا در اسلام
دعا یکی از بهترین عبادات معرفی شده و در لغت به معنای طلب، درخواست و تقاضا آمده است و در اصطلاح به اظهار نیاز و خواهش بندگان از درگاه خداوند متعال گفته می‌شود.
ارزش و اهمیت دعا در فرهنگ اسلامی تا حدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن به عنوان مغز عبادت نام می‌برد(الدُّعاء مُخّ العبادة) و نیز امام سجاد علیه السلام در مناجات الذاکرین خود از مناجات خمس عشر به خداوند چنین عرض می‌کند: «خداوندا یکی از برترین و بزرگ‌ترین نعمت‌های تو بر ما یاد توست که بر زبان‌های ما جاری است و نیز اجازه توست به ما که تو را بخوانیم و تسبیح کنیم». امام باقر علیه السلام فرمود: «
ما مِن شَیءٍ افضَلَ عِندَ اللَّه عزوجلّ مِن ان یُسألُ وَ یُطرِبُ مِما عِندَهُ
»؛ (1) در نزد خدا هیچ چیز بهتر از این نیست که از او سؤال شود و از آنچه نزد اوست درخواست گردد.
دعا وسیله‌ای است که پروردگار عالم در اختیار انسان قرار داده تا وقتی که اعضا و جوارح و روحیات انسان از مسیر تعیین شده خارج می‌شود، بتواند با توجه به این امر(دعا، ذکر، توسل و استغفار) خود را در مسیر اصلی قرار داده و مشکلات روحی و روانی خود را با آن برطرف سازد.
در فرهنگ اسلام فرد مهمان نه تنها مجاز است که خدا را بخواند و خواسته‌های خود را از او بخواهد، بلکه به این کار مأمور است. خداوند ترک دعا را سبب بی‌اعتنایی خود به بندگانش ذکر می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ مَا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْلَا دُعَآؤُکُمْ»؛ (2)
بگو اگر دعای شما نباشد خداوند به شما اعتنا نمی‌کند.
دعا ضمیر باطن انسان را جلا و نورانیت داده و باعث پرواز روح انسان به سوی

1- کافی، ج 2، ص 466، ح 2.

2- سوره فرقان، آیه 77.

ملکوت می‌شود. دعا وسیله ارتباط مخلوق با خالق بوده و برنامه‌ای عمومی برای تمام کسانی است که می‌خواهند با خدا راز و نیاز کنند. دعا ابزاری است در دست مؤمن که به او نیرو داده و روح او را آرام و مطمئن می‌سازد و در تقویت اراده، تهذیب نفس، ایجاد روحیه امید و حصول هدف مؤثر است.

خداوند متعال، انسانِ همیشه محتاج و نیازمند به خودش را دعوت به دعا نموده و با کلام وزین «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» (1)

او را به منظور رفع حوایج با اسلحه دعا مکلّف کرده است.

فلسفه زیارت و دعا

برای عمل ارزشمند زیارت در منابع دینی، فلسفه و آدابی ذکر شده است. مستحب است زایر قبل از تشرف به بقاع متبرک آنها را انجام دهد. وقتی این مقدمات بجا آمد و با جامه‌ای پاک و بدنی طاهر، با قدم‌های کوتاه، خود را نزدیک حرم مطهر کرده و تمام توجه خود را به ساحت مقدس و مقام والای امام معصوم نماید که این مکان محل رفت و آمد ملائکه مقرب خداست. سپس اذن دخول بخواند و وارد حرم نورانی بشود. (2) با مراجعه به منابع و محتوای زیارتنامه‌ها دلایلی را برای زیارت و دعا می‌توان عنوان کرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

تقویت روحیه عبادت و بندگی در انسان.

آشنایی مؤمنان و پیروان با راه و اهداف آن بزرگواران.

زنده ماندن نام ائمه اطهار علیهم السلام.

نمایش قدرت و عظمت مسلمانان.

آشنایی با طاغوت و طاغوتیان و اصحاب ظلم و مستکبران و بیزاری از آنها.

1- سوره غافر، آیه 60.

2- ادعیه و آداب حرمین، ص 20.

ترویج روحیه وحدت، اخوت و برادری در جامعه اسلامی.

ظلم‌ستیزی در بین مردم و تن ندادن به حکومت طاغوت‌های زمان.

ترویج ارزش‌های معنوی در جامعه.

اهمیت دعا در روایات

1. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
الدعاء أفضل من قراءة القرآن
»؛ (1) خواندن دعا از خواندن قرآن بهتر است.

2. دعا برترین عبادت است.

3. «الدُّعاء یَرُدُّ القضاء». دعا قضای الهی را بر می‌گرداند.

4. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «
الدّعاء مخّ العبادة
»؛ دعا مغز و اساس عبادت است.

5. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دعا کلید رحمت و چراغ تاریکی‌هاست. (2) 6. و نیز فرمود: دعا کلید پیروزی و گنجینه رستگاری است. (3) 7. امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به دعا کردن، زیرا دعا شفای هر دردی است. (4) 8. دعا عامل رفع اندوه و غم از دل مؤمن است.

9. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا اسلحه مؤمن، ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است. (5) 10. امام علی علیه السلام می‌فرماید: امواج بلا را به وسیله دعا قبل از وقوع، از خود دور کنید. (6) 11. امام صادق علیه السلام فرمود: دعا نافذتر از اسلحه برّنده است. (7) برخی از آثار دعا

در منابع اسلامی آثار متعددی برای دعا و راز و نیاز با خدا ذکر شده که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

1- تفسیر المیزان، ج 2، ص 49 به نقل از عدة الداعی ص 123.

2- بحار الأنوار، ج 90، ص 300.

3- همان، ص 341.

4- محجة البیضاء، ج 2، ص 299.

5- بحار الأنوار، ج 90، ص 294.

6- همان.

7- همان.

1. گناه زدایی: گناه اثری تاریک بر دل آدمی می‌گذارد و میل و رغبت به انجام کارهای نیک و خدایی را کاهش می‌دهد. در عوض دعا و بندگی و یاد خدا وجدان خدایی را در دل انسان پرورش می‌دهد و علاقه به انجام کار نیک را در وجود انسان بیشتر کرده و باعث تقرب به پروردگار و دوری از فساد و شرّ و گناه می‌گردد. «إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنکَرِ». (1) می‌دانیم که بخش مهمی از نماز دعاست.
2. درمان رذایل اخلاقی: در نهج البلاغه پس از اشاره به پاره‌ای از صفات رذیله در رفتار انسانی، از جمله سرکشی، ظلم و تکبر آمده است: چون بشر در معرض آفات متعدد اخلاقی و بیماری‌های روانی قرار دارد، خداوند متعال به وسیله نماز و دعا بندگان مؤمن خود را از گرفتاری در دامان این صفات شیطانی حفظ و حراست می‌کند. (2) 3. انس و لذت: در نهج البلاغه از آثار دعا لذت راز و نیاز با پروردگار ذکر شده است. اگر شرایط دعا رعایت شود، هم دعا به هدف اجابت می‌رسد و هم داعی از ارتباط با یگانه خالق هستی لذت می‌برد، همان‌طوری که مولای متقیان فرمود: خدایا یاد تو مونس اهل ایمان است و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزد به تو پناه می‌برند. (3) 4. خودیابی: انسان وقتی رو به درگاه الهی می‌کند، خود واقعی خویش را نیز که پرتوی از عالم ربوبی است «وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی» باز می‌یابد و هر چه بیشتر با یاد خدا انس پیدا می‌کند، به همان اندازه با خود واقعی و ملکوتی آشنا می‌شود.
«وَ لَاتَکُونُوا کَالَّذِینَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَلهُمْ أَنفُسَهُمْ». (4)
و مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند نیز آنان را از یاد خودشان برد.
5. نورانیت و بصیرت دل.
6. زهد و وارستگی از لذات مادی.

1- سوره عنکبوت، آیه 45.

2- نهج البلاغه، خطبه 234.

3- همان، خطبه 216.

4- سوره حشر، آیه 19.

7. جلب توجه و نظر الهی به خود.
8. آرامش قلبی و قدرت روحی. (1) «أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (2)
هان! تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.
بهداشت روانی
بهداشت روانی عبارت است از مجموعه عواملی که در پیشگیری از ایجاد و یا پیشرفت روند وخامت اختلالات شناختی، احساسی و رفتاری در انسان نقش دارند. (3) بهداشت روانی طبق تعریف فوق در سه سطح پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالثیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.
منظور از پیشگیری اولیه کاهش در مقدار بروز موارد اختلال روانی در یک جامعه است، به وسیله مقابله کردن با شرایط آسیب‌زا، قبل از این‌که ایجاد شوند. هدف این نوع پیشگیری، جلوگیری از بیمار شدن یک فرد خاص نیست، بلکه مقصود پیش‌گیری از خطر ابتلای افراد کل جامعه به اختلالات روانی است. این پیشگیری به کاربرد روش‌ها و ابزارهایی اشاره می‌کند که در جلوگیری از ظهور بیماری‌های روانی مؤثر هستند.
در پیشگیری ثانویه هدف مداخله زود هنگام در شناخت و درمان سریع نشانگان یک بیماری اعلام شده که تلاش می‌شود از شیوع و گسترش آن بیماری جلوگیری شود.
و منظور از پیشگیری ثالثی عبارت از کاستن از گسترش عوارض جانبی که در حاشیه یک بیماری یا اختلال اصلی وجود دارد. این بخش بیشتر به فعالیت‌های توانبخشی مربوط می‌شود. (4)

1- اخلاق اسلامی، ص 56.

2- سوره رعد، آیه 28.

3- بهداشت روانی.

4- همان.

جورج البی(1982) از پیشکسوتان بهداشت روانی با ارائه مدلی کوشید تا مفاهیم پیشگیری از شیوع بیماری‌های جسمی را در مورد اختلالات روانی به کار برد. به نظر البی کاهش از استرس و افزایش سه عامل 1. مهارت سازگاری، 2. عزت نفس، 3. و گروه‌های تقویت کننده در مخاطبان، منجر به کاهش شیوع اختلال روانی می‌گردد.
این امر به‌ویژه در مورد کودکان و نوجوانان و جوانان مصداق بیشتری دارد. از نظر نومی ری گرانت(1983) روانپزشک و متخصص کودکان و نوجوانان نیز می‌توان با گسترش روش‌های پیشگیرانه مداخله کننده در سطوح خانواده و اجتماع، از شیوع ناهنجاری‌های روانی در جامعه جلوگیری کرد. (1)
اصول بهداشت روانی
برای دستیابی به هدف اصلی بهداشت روانی- که پیشگیری است- باید محیط فردی و اجتماعی مناسب را برای افراد مهیا کرد. از نظر متخصصان این حوزه، اصول اساسی بهداشت روانی به شرح ذیل است:
1. احترام فرد به شخصیت خود و دیگران.
2. شناختن محدودیت‌ها در خود و افراد دیگر.
3. دانستن این حقیقت که رفتار انسان معلول عواملی است.
4 آشنایی به این‌که رفتار هر فرد تابع تمامیت وجود اوست.
5. شناسایی نیازها و محرک‌هایی که سبب ایجاد رفتار می‌شود.
بنابراین احترام به خود و دیگران(عزّت نفس)، شناخت محدودیت‌ها، فهم رفتار و عوامل ایجادکننده آن، ارادی بودن رفتارها، یا تابع فردی بودن آن و پی بردن به نیازهای اولیه بشر از ملزومات وجود بهداشت و تعادل روانی در افراد است. در واقع شخصی که این اصول را بفهمد و بپذیرد، مسلماً واقع بینانه با مشکلات زندگی مقابله

1- همان، ص 20- 22.

خواهد کرد؛ و قدرت سازگاری با واقعیت‌ها را خواهد داشت. چنین فردی به جای تفکر ایدالیستی به طرز واقع بینانه(رئالیستی) با محیط پیرامونی خود تعامل می‌کند.

توان و سازگاری وی در بهداشت روانی او اثرات مثبتی خواهد داشت. چنین فردی در صورت مواجهه با تعارض‌های روانی، با لحاظ اهداف خود تلاش و کوشش می‌کند و با حفظ عزت نفس و ارزش وجودی خود، به محرک‌های محیطی پاسخ مناسب خواهد داد. (1) در تأمین بهداشت روانیِ هر فردی عوامل مختلفی دخیل می‌باشد؛ از جمله این عوامل می‌توان به سبک تربیتی خانواده، رابطه با اولیا، اختلافات خانوادگی، وجود فرزندان و رابطه با برادران و خواهران اشاره کرد. در تمام این موارد شرع مقدس اسلام دستورالعمل‌های کاربردی مؤثری ارائه کرده است. در میان این عوامل مقوله‌هایی به‌نام خود پنداره و عزت نفس، بسیار قابل توجه می‌باشد. رعایت ایجاز و اختصار مطلب مانع از پرداختن به این موضوع است.

چگونگی تشکیل خود پنداره و عزت نفس که در منابع اسلامی بسیار به آن تأکید شده، برای متخصصان بهداشت روانی اهمیت خاصی پیدا کرده است. بدون تردید خود پنداره(چگونگی نگرش فرد به خود) و عزت نفس(احساس ارزشمندی) در تأمین بهداشت روانی فرد، نقشی بسیار تعیین کننده دارند. تصور فرد از خود و شخصیت خویش تا اندازه زیادی تصور فرد را در باره محیطش تعیین می‌کند و در طرح‌ریزی برنامه‌ها، اهداف و صدور رفتار به فرد کمک خواهد کرد. اگر تصور از خود مثبت و نسبتاً متعادل باشد، شخص دارای سلامت روانی است، اما اگر به عکس خود پنداره شخص منفی و نا متعادل باشد، فرد از لحاظ روانی ناسالم و روان رنجور شناخته خواهد شد.

1- همان، ص 22- 28.

خود پنداره و عزت نفس قابل آموختن است. این موضوع مسئولیت متولیان تربیتی و پرورشی کودکان را سنگین‌تر می‌کند. تمام مسایلی را که فرد درباره خود می‌داند و نگرشی که به خود دارد، ریشه در تجارب گذشته تربیتی فرد دارد. در زمان طفولیت این تجارب تا اندازه زیادی منحصر به روابط خانوادگی است، ولی بعدها یعنی در مراحل بعدی رشد، نقش روابط اجتماعی، گروه همسالان افراد مورد علاقه و مدرسه نیز در رشد خود پنداره و عزت نفس کودکان بیشتر می‌شود.

خود پنداره، همیشه در حال تغییر است، زیرا بر اثر روابط مداوم شخص با محیط تصویر او از وجود خودش در معرض تغییر قرار می‌گیرد. این تغییرات در دوران کودکی بسیار زیادتر از دوران بزرگسالی است. کودکانی که در خانواده‌های صمیمی و با محبت رشد می‌کنند و در آن احساس ایمنی وجود دارد و افراد بزرگ‌تر هم در حل مشکلات آنها پشتیبان کودک هستند، این چنین کودکانی می‌توانند تصور مثبت و با ثباتی از خود داشته باشند. و به راحتی با مشکلات روبه‌رو می‌شوند، بدون این‌که استرس، تشویق و اضطراب‌های ناخوشایندی را تجربه کنند. به نظر متخصصان بهداشت روانی، نیاز به پیشرفت و میل به موفقیت، واقع‌بینی، از جمله ویژگی‌های افراد با روان سالم می‌باشد. (1) رابطه احساس ارزشمندی و ایمنی با بهداشت روانی

احساس ارزش، درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص درباره خویشتن احساس می‌کند. این احساس ممکن است در مقایسه با دیگران و یا مستقل از آنها باشد. همزمان با زندگی اجتماعی، نیاز به احساس ارزشمندی به نحو سالم و متعادل آن در انسان به وجود می‌آید و برای نگاهداری سلامت و تعادل روانی و حتی تعامل وجود او بسیار ضروری است. اگر بر این نیاز خللی وارد شود، احساس

1- همان، ص 84.

حقارت و یا خود بزرگ‌بینی در فرد ایجاد می‌شود. بدین معنی که شخص یا بسیار خود کم‌بین و ناراضی از خود و متزلزل می‌شود و یا بسیار خود بزرگ‌بین و خود مدار و خودنما خواهد شد. هر دوی این قطب‌های احساسی نشان‌دهنده این واقعیت است که فرد به دلیل اختلال در احساس ارزشمندی، قادر به درک واقعیات و واکنش‌های دیگران درباره خود نخواهد بود. متخصصان بهداشت روانی، علت اصلی احساس حقارت و خود بزرگ‌بینی را، در طرد شدن مستمر و مداوم کودک از سوی والدین و دیگران اعلام کرده‌اند. به اعتقاد روان‌شناسان خصوصاً روان تحلیلگران احساس بی‌ارزشی عمیق، ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی است که در بین افراد انسان دیده می‌شود. (1) احساس ایمنی
احساس امنیت عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر. این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد در آن دارای آرامش جسمی و روحی است. ایمنی نیز مانند ارزش، از احساسات و عواطف زیر بنایی و حیاتی برای تأمین بهداشت روانی است. افراد ناامن نامتعادلند، شخصی که دایماً احساس عدم امنیت، ترس و خطر از بیرون و درون خود می‌کند(دلشوره و اضطراب دارد) نمی‌تواند انسان سالمی باشد. او با پرخاشگری و اضطراب واکنش نشان می‌دهد. در دنیای ذهنی خود مدام در حال دفع کردن خطرات احتمالی است. برای سالم بودن جسمی و روانی، وجود احساس امنیت لازم و ضروری است. البته این موضوع منافاتی با احساس ناامنی در مواقع وجود خطر جدی و واقعی ندارد. احساس عدم امنیت دایم، شخص را در حال بسیج مداوم قوا و تلاطم و بهم ریختگی متابولیسم بدن قرار می‌دهد و ادامه چنین وضعیتی به اختلالات روان- تنی منجر می‌شود. اما اهل ایمان به برکت وجود

1- همان، ص 90 و 91.

ارتباط سازنده با پروردگار، طبق تصریح قرآن (1) در آرامش و امنیت روانی کامل به سر می‌برند. (2) به اعتقاد روان‌شناسان احساس ناایمنی یک احساس نامحدود نبوده، بلکه احساسی پیچیده و مرکبی است که باید به عنوان یکی از صفات اصلی کل شخصیت انسان محسوب شود. مزلو روان‌شناس معروف انسانگرا برای روشن کردن مفهوم ناایمنی، چهارده نشانگان فرعی این احساس را برشمرده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.
به اعتقاد وی احساس طرد شدگی، مورد علاقه دیگران نبودن، مورد تنفر دیگران بودن، احساس تنهایی، احساس ترس و اضطراب و احساسِ در معرض خطر بودن، از جمله نشانگان ناامنی است که در افراد روان رنجور دیده می‌شود. تصور منفی به دنیا، تصور منفی به افراد، احساس عدم اعتماد، بدبینی به دیگران، نارضایتی از خود و محیط، احساس تنش، عصبی بودن، بی‌ثباتی خلق، ضعف اراده، خرده بینی و گرایش به عیب‌گویی، احساس گناه، یأس، دلسردی، تمایل به خودکشی، جاه‌طلبی، اختلال در سیستم احساس ارزش و پذیرش خود، احساس حقارت، وابستگی زیاد به دیگران، احساس درماندگی، خودخواهی و خود مداری از جمله نشانگانی است که مزلو برای افراد ناایمن مطرح کرده است. (3) خلاصه این‌که نابهنجاری‌های روانی و رفتاری در انسان هنگامی شروع می‌شود که احساس ناامنی در انسان به شدت بر وجود او حاکم گردد. لذا می‌توان با الهام گرفتن از آموزه‌های دینی و انجام مناسکی همچون زیارت و دعا و برقراری پیوندی قوی با خالق متعال، بر این ناامنی غلبه نمود و سرانجام به سلامت روحی و بهداشت روانی فرد کمک کرد.

1- سوره فتح، آیه 4.

2- بهداشت روانی، ص 90 و 91.

3- بهداشت روانی، ص 92- 98.

پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع مقاله

گرچه پژوهش‌های متعددی اثرات سلامت بخش دین را نشان داده‌اند، اما در خصوص اثر زیارت به عنوان یک رفتار دینی در بهداشت روانی، پژوهش‌های علمی چندانی در کشور گزارش نشده است. در سال‌های اخیر روان‌شناسان علاقه فزاینده‌ای به بررسی نقش آموزه‌های دینی و مذهب در تأمین بهداشت روانی افراد نشان داده‌اند. یافته‌های تعداد زیادی از این مطالعات حاکی است که افراد مذهبی در مجموع شادتر و سالم‌تر از افراد غیر مذهبی هستند، یا افراد مذهبی فعال، میزان مرگ و میرهای پایین‌تری در مقابل انواع بیماری‌ها در مقایسه با افراد غیر مذهبی نشان می‌دهند. آنها از نظر جسمی هم وضع بهتری نشان می‌دهند. (1) مکاتب دینی با تأکید بر انجام رفتارهای بهداشتی، سلامت روانی پیروان خود را تأمین می‌کنند، به طوری که پیروان این مکاتب با انجام ندادن رفتارهای ناسالمِ ممنوع شده، همچون مصرف الکل، تدخین و ... اختلالات جسمی و روانی کم‌تری نشان می‌دهند. (2) طبق یافته‌های جدید روان‌شناسان، افراد دارای اعتقادات مذهبی قوی و آنهایی که در جوامع فعال هستند پس از رویدادهای استرس‌آمیز در مقایسه با افراد غیر مذهبی از نظر روانی بهبود سریع‌تری می‌یابند و یا مشکلات استرس‌زا را بهتر تحمل می‌کنند. (3) ادیان و مذاهب که از ارکان اصلی فرهنگ هر ملتی می‌باشد، با ایجاد حس همبستگی و تقویت روحیه حمایتی در پیروان خود، نسبت به همدیگر به تأمین بهداشت روانی پیروان خود کمک شایانی می‌کنند. دستورات دینی و آیین‌های

1- زمینه روانشناسی هیلگارد.

2- همان.

3- همان، ص 25.

مذهبی، همه عواملی هستند که می‌توانند در امر درمان و پیشگیری اختلالات روانی و همچنین برای ارتقای سلامت روان بیماران، به نحو مؤثری به کار گرفته شوند. (1) بسیاری از پژوهشگران علوم رفتاری و روان درمانگران معتقدند که باورها و رفتارهای دینی در پیشگیری و شفا دهی بیماری‌های جسمانی و روان‌شناختی نقش اساسی دارند. (2) به نظر برخی از آنها ضعف باورهای دینی، علت اصلی بیماری‌های روانی اعلام شده و در یافته‌های پژوهشی بر آموزش باورهای دینی برای کمک به درمان درمانجویان تأکید شده است. (3) پژوهش‌های زیادی همچون یافته‌های ویلتز و کریدر(1992) وجود رابطه مثبت بین باورها، نگرش‌ها و عملکردهای دینی با شاخص‌های بهداشت روانی و حتی جسمانی نشان داده‌اند.

کوهن (4) و همکاران(1995) در مطالعه‌ای بین میزان افسردگی و دین باوری افراد، همبستگی خطی منفی به دست آوردند. به طوری که افراد متدین در مقایسه با افراد سکولارعلایم افسردگی، از قبیل فقدان علاقه و انگیزه، کناره‌گیری و انزوا، احساس دل شکستگی، بی‌قراری و ناامیدی کم‌تری را نشان دادند. (5) برخی مطالعات نیز رابطه بین دین و سازگاری را بررسی نموده و دریافته‌اند که نگرش‌ها و فعالیت‌های دینی با احساس سازگاری، همبستگی مثبتی دارند. (6) همچنین همبستگی معنادار مثبت بین انجام اعمال دینی با سازگاری بالای زناشویی و رضایت زناشویی در اثر پژوهشی گانتنز و همکاران(1996) گزارش شده و پدیده طلاق نیز

1- داویدیان، 1376.

2- بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، به نقل از نیل من و پرساد.

3- همان.

4- cohen

5- همان به نقل از ابوالقاسمی و جماران.

6- همان، به نقل از لوین و اندرو.

طبق یافته‌های این پژوهش با میزان دینداری افراد، همبستگی منفی داشته است.

بررسی‌های دیگر نیز تأثیر مداخلات دینی را در کاهش اضطراب و تحمل فشارهای روانی نشان داده‌اند، به طوری که افراد با اعتقادات دینی قوی، اضطراب و ناراحتی کم‌تری را نسبت به کسانی که به اعتقادات دینی پایبند نبوده‌اند گزارش کرده‌اند. (1) باورها و اعمال دینی از طریق ایجاد هدف و معنی در زندگی، گسترش روابط اجتماعی و با تقویت احساس همبستگی و ایجاد تعلق در افراد و از طریق ابزارهای تخلیه هیجانی، همچون شرکت در اجتماعات و مراسم‌های مذهبی مختلف، موجبات آرامش و تخفیف ناملایمات روانی، همچون افسردگی و اضطراب را فراهم می‌کنند. وطن خواه(1379) در پژوهشی رابطه معناداری را بین میزان دینی بودن جوانان و میزان سازگاری آنان گزارش کرده است و علمی(1380) نیز در بررسی خود تحت عنوان «نقش دین و اعتقادات دینی در بهداشت روانی» چنین آورده است:

مذهب با تعلیم این‌که طبیعت زندگی دنیوی با سختی‌ها و مصائب همراه است، افراد را آماده برخورد با مشکلات می‌نماید. مذهب با تبیین این‌که وجود این سختی‌ها حکمتی دارد و برای تکامل فردی و اجتماعی بشر لازم است، سازگاری با مشکلات را تسهیل می‌نماید. (2) راثی در پژوهشی همبستگی خطی مثبت بین گرایش دینی با عزت نفس و خود کارآمدی گزارش کرده است. به طوری‌که افراد با گرایش دینی قوی از عزت نفس بالا و از احساس خود کارآمدی بالاتری برخوردار هستند. طبق یافته‌های وی، هر قدر گرایش دینی در دانش آموزان بیشتر باشد، عزت نفس یا همان احساس ارزشمندی در فرد که از شاخص اساسی در سلامت روانی افراد هست نیز بالا خواهد بود. طبق

1- همان.

2- پایان‌نامه بررسی رابطه گرایش دینی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش‌آموزان شهر تبریز.

یافته‌های وی افراد دیندار، خودکارآمدی بالایی دارند و خودکارآمدی بالا نیز به افزایش عزت نفس منجر می‌شود و آن نیز اعتماد به نفس را در فرد تقویت می‌کند و این هم به نوبه خود در بهداشت روانی فرد مؤثر واقع می‌شود.

به نظر بندورا(1986) خود کارآمدی یکی از دو رکن سلامتی عزت نفس است و افراد با خودکارآمدی بالا اعتقاد دارند که می‌توانند هر کاری را برای رسیدن به هدفی انجام دهند. وی معتقد است: افراد درمانده در حل مشکلات، آنهایی هستند که به توانایی‌هایشان اطمینان نداشته و تلاششان کم‌تر بوده و یا کاملاً دست از تلاش برداشته‌اند. در مقابل افرادی که از حس خودکارآمدی بالاتری برخوردار هستند، تلاششان را تا غلبه بر موانع افزایش می‌دهند. (1) آلن برگین(1991) نیز یکی از پژوهشگرانی است که طی پژوهش‌های ده ساله(1980- 1991) با عنوان نقش ارزش‌ها و آموزه‌های دینی در روان‌درمانی و ارتباط با بهداشت روانی به ضرورت به‌کارگیری موضوعات ارزشی و دینی در آموزش‌های بالینی و آموزش‌های بیماران تأکید می‌کند. (2)

نقش زیارت در بهداشت روانی

بعد از طرح مباحثی در مورد ادیان و مذاهب و نقش آنها در بهداشت روانی، اختصاصاً به موضوع زیارت به عنوان یکی از مناسک ادیان، خصوصاً دین مبین اسلام و نقش آن در تزکیه و تهذیب نفس و بهداشت روانی می‌پردازیم.

زیارت یکی از اعمال و مناسک دینی است و به عنوان یک تجربه فردی در ارتباط با خداوند تلقی شده و در دین توحیدی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. با بررسی ادبیات پژوهشی موجود درمی‌یابیم که رفتارهای دینی مثل زیارت و عبادت در نزد مسلمانان

1- همان، به نقل از پاجارس.

2- مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روانی.

به عنوان یک ارزش محسوب شده و بر انجام آنها تأکید می‌شود. در بحث زیارت فرد با حضور در مکان مشخصی نسبت به صاحب آن مکان یا خود مکان که تشخص یافته، عرض ارادت نموده و به طرح مسایل و مشکلات خود و اجتماع با پروردگار می‌پردازد و در آن مکان مقدس با واسطه قرار دادن آن صاحب شأن و منزلت، آرزوهای خود را تعقیب می‌کند. زایر در حین زیارت با نزدیک کردن خود به پروردگار، احساس آرامش درونی کرده و تخلیه هیجانی انجام می‌دهد. این امر نیز نهایتاً به سلامت روانی فرد کمک می‌کند. (1) پارگامنت و ماتون(1992) نیز دریافتند که انجام اعمال دینی، مثل زیارت و عبادت باعث کاهش عصبانیت و اضطراب می‌گردد.
ونیس و ونیتراب(1995) در پژوهشی بر روی 400 آزمودنی به این نتیجه رسیدند که شرکت افراد در مراسم دینی از قبیل زیارت و عبادت، با کاهش اختلالات روانیِ شرکت‌کنندگان نسبت به سایر افراد همراه است. (2) پژوهشگری دیگر نیز به نام موریس(1983) با انجام پژوهشی اثر زیارت دینی را روی افسردگی و اضطراب بر 124 بیمار جسمی مطالعه کرد و دریافت که علائم مثبت بیماری آنها بعد از انجام زیارت کاهش معناداری یافته و این کاهش حداقل تا 10 ماه بعد از برگشتن از زیارت ادامه دارد.
پهلوانی و دولتشاهی(1379) در پژوهشی به بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد پرداخته و دریافته‌های خود همبستگی خطی مثبت بین زیارت دینی و سلامت روانی گزارش کردند.
این دو پژوهشگر، پرسشنامه سلامت عمومی(GHQ) که شامل وضعیت جسمانی، میزان اضطراب، میزان افسردگی و کنش‌های اجتماعی است، بر روی دو

1- بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، به نقل از کرول و سوحوچن.

2- همان به نقل از لوین و واندر.

گروه 35 نفری که شامل گروه آزمایشی افرادی که عازم سفر خانه خدا بودند و گروه کنترل که سفر سیاحتی و تفریحی به کشورهای ترکیه و دبی را داشتند، اجرا کردند و به نتایجی دست یافتند.
روش اجرایی آزمون وی به این صورت بود که پرسشنامه GHQ به صورت test- retest قبل از اعزام به مسافرت زیارتی، تفریحی و بعد از بازگشت از سفر اجرا و نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری t- test نشان داد. که دو گروه از لحاظ سلامت روانی با همدیگر متفاوت بودند. افراد گروه زیارتی به طور معناداری در مقایسه با افراد گروه سیاحتی در مرحله قبل از عزیمت به سفر از سلامت روانی بالاتری برخوردار بودند. با توجه به پیشینه تحقیقاتی موضوع که در آن شواهد بسیاری از وجود رابطه خطی مثبت بین دینداری و بهداشت روانی ارائه شده بود، در می‌یابیم که افراد گروه زیارتی عازم بیت اللّٰه الحرام از میزان دینداری بالاتری برخوردار بوده‌اند. و می‌توان نتیجه گرفت که سلامت روانی بالای گروه زیارتی به احتمال زیاد به نقش باورهای دینی آنها نسبت به گروه سیاحتی مربوط می‌شود، یافته‌های این پژوهشگران نشان داد که تفاوت موجود بین گروه زیارتی و سیاحتی در سلامت روانی بعد از بازگشت از سفر نیز وجود داشته و زایران خانه خدا سلامت روانی بهتری داشته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که زیارت باعث بهبود سلامت روانی افراد شده و این یافته با نتایج یافته‌های موریس(1983)، سن و ونیتراب(1995) نیز همخوانی دارد. یعنی زیارت اماکن مقدسه و شخصیت‌های معنوی باعث کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش سلامت روانی و بهبود عملکرد اجتماعی افراد شده است.
بر اساس یافته‌های این پژوهش، به جز علایم جسمانی، زیارت در کاهش اضطراب، افسردگی و سازگاری اجتماعی تأثیر مثبتی داشته است. یعنی زیارت دینی باعث بهبود علایم افسردگی، اضطراب و سازگاری اجتماعی افراد شده است.

در کل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زیارت دینی تأثیر بیشتری در خصوص کاهش علایم روان‌شناختی افراد داشته و در کاهش علایم جسمانی منفی افراد تأثیر زیادی نداشته است. در ضمن سفر سیاحتی نیز در کاهش علایم روان‌شناختی گروه سیاحتی با مقایسه نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون تأثیر داشته، اما تفاوت موجود معنادار نبوده است. یعنی پس از بازگشت از سفر، سلامت روانی افراد تا حدودی بهتر شده بود، اما تفاوت برخلاف گروه زایر معنادار نبوده است.

بر مبنای یافته‌های این پژوهش می‌توان اظهار داشت: افرادی که عازم سفر زیارتی هستند در مقایسه با افراد گروه سیاحتی، هم قبل از سفر از سلامت روانی بالاتری برخوردار بوده‌اند و هم این‌که سفر زیارتی در مقایسه با سفر سیاحتی باعث بهبودی و افزایش سلامت روانی افراد زایر شده است. این یافته‌ها که زیارت، سلامت روانی افراد را به طور معناداری افزایش داده، به ویژه با کاهش اضطراب و افسردگی و با افزایش سازگاری اجتماعی به بهداشت روانی افراد کمک کرده است. در راستای تحقیقات پارگامنت و ماتون؛ 1992، نیس و وینتراب؛ 1995 و موریس؛ 1983 بوده است، یعنی شرکت در مناسک دینی و زیارت باعث کاهش اضطراب، عصبانیت و اختلالات روانی می‌گردد.

شاید بتوان اثربخشی زیارت را از منظر روان‌شناختی مطابق نظر کوئینک و همکاران(1981) این‌گونه تبیین کرد که زایران با احساس نزدیکی به خدا در مراسم زیارت و همچنین تخلیه هیجانی، به احساس آرامش درونی بیشتری دست یافته و اعتماد و اطمینان آنان به یاری و کمک خداوند افزایش می‌یابد. لذا با استعانت از رحمت الهی در حل مشکلات خود، امیدوارتر می‌شوند و نگرش آنها در برخورد با استرس‌ها تغییر کرده و این تغییر نگرش نیز به شکل مثبت باعث بهبود خُلق و خو و سلامت روانی آنها می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری
جوامع بشری در طول تاریخ خود همواره به دنبال آرامش روحی و به تعبیر امروزی، سعی در دستیابی به بهداشت روانی خود و افراد جامعه بوده و هستند، امروزه اضطراب و نگرانی‌ها و تشویش ذهنی و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی گریبانگیر بشر شده و نگرانی جدی برای بشر فراهم ساخته است. اتفاقاً در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته میزان این اضطراب‌ها و استرس‌ها و مشکلات روانی بیش از سایر کشورهاست. آمار روز افزون بیماران روانی بستری در بیمارستان‌های غرب مؤید این حقیقت است.
فرهنگ انسان‌ساز قرآن کریم و تعالیم آسمانی برای دوری از این همه نگرانی‌های روحی و روانی و استرس‌ها و تشویش‌ها نسخه‌ای شفابخش ارائه می‌دهد که اگر بشر به آن عمل نماید بهترین درمان است و بایستی با دعا و ذکر خدا بر این مشکلات غلبه کرد، چرا که یاد خدا به تصریح قرآن آرام‌بخش دل‌هاست. (1) باید گفت ارتباط با خدا از طریق مکان‌های مذهبی و زیارت حضرات معصومین علیهم السلام، این انسان‌های کامل که برای بشر در هر دوره و زمان به عنوان اسوه حسنه از ناحیه خداوند باری‌تعالی ارزانی شده‌اند، می‌تواند شفابخش دل‌های بیمار و زنگ‌زده انسان‌ها باشد. و باید این موهبت الهی را جهت اصلاح و تزکیه نفس از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها، که فلسفه آمدن انبیای گرامی علیهم السلام جز این نیست، مورد بهره‌برداری قرار داد.
زیارت قبور ائمه معصومین علیهم السلام، موجب بیدار شدن ارزش‌های اصیل انسانی در وجود انسان یا بیدار شدن خود واقعی و ملکوتی، و حاکمیت روح بندگی و آرامش قلب انسان است و این آرامش و اطمینان قلبی لازمه حیات بشر است و امیدواری به

1- سوره رعد، آیه 28.

آینده را به ارمغان آورده و انسان را امیدوارتر خواهد ساخت و در چنین شرایطی است که مشکلات پیش رو هرگز نخواهند توانست انسان را به یأس و نامیدی کشیده و دچار بحران روحی و روانی سازد.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، تهران، سمت، چاپ سی ام.
3. ادعیه و آداب حرمین، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، مشعر، تهران.
4. اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب شیخ کلینی.
5. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، لبنان.
6. بررسی رابطه گرایش دینی با عزت نفس و خودکارآمدی در دانش آموزان شهر تبریز، مهدی راثی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز، 1382.
7. بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد، هاجر پهلوانی و بهروز دولتشاهی، خبرگزاری فارس، تهران، 1379.
8. بهداشت روانی، سعید شاملو، چاپ پانزدهم، رشد، تهران، 1381.
9. بیست گفتار، شهید مرتضی مطهری، دفتر فرهنگ اسلامی.
10. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی.
11. زمینه روانشناسی هیلگارد، ادوارد اسمیت و همکاران، ترجمه پورافکاری، تهران، شهرآب، چاپ دوم، 1385.
12. سلامت روح، ناصر مکارم شیرازی، نماز و عبادت در تفسیر نمونه، نبوغ، تهران.
13. شرح زیارت امین اللّه، سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
14. شرح و تفسیر دعای کمیل، حسین مظاهری.
15. صحیفه سجادیه، امام علی بن الحسین علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
16. طهارت روح، شهید مرتضی مطهری، ستاد اقامه نماز، تهران.
17. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
18. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، صولتی دهکردی و

ص: 750
همکاران، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ اول، 1382.
19. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم، بلاغت، چاپ دوم.
20. نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم.

4. نقش زیارت و دعا در بهداشت روانی و تعالی روح

دکتر سیدکامران علوی (1) و هما کاظمی (2)

چکیده

گسترش رشته‌های متعدد دانشگاهی و مراکز ارائه خدمات و ارتقای ابعاد روانی در همه جوامع و نیز استقبال گروه‌های مختلف جامعه، شواهدی بر این ادعاست که در جهان امروز به مراقبت و پرورش و ارتقای ابعاد روحی و بهداشت روانی اهمیت فراوان داده می‌شود. یک جلسه مشاوره و روان درمانی موفق، دارای سه رکن مهم درمان است که عبارتند از همدلی، صداقت و محبت.

در بین آموزه‌های دینی، دعا و زیارت و حضور در اماکن مقدس، آثار بسیاری در حفظ بهداشت روانی و درمان اختلالات رفتاری دارد. حقیقت این است که کسانی که به زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار می‌روند، در اثر حضور در محیط معنوی، احساس امنیت روانی می‌کنند، زیرا احساس می‌نمایند به نزد کسی آمده‌اند که با آنها همدل و رازدار است، به آنان محبت دارد و اسرار آنها را حفظ می‌کند. در این نوشتار مقایسه‌ای بین زیارت و جلسه روان‌درمانی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی، زیارت، دعا، زیارتگاه.

مقدّمه

در جهان امروز به مراقبت، پرورش و ارتقای ابعاد روحی- روانی انسان، همانند ابعاد جسمی او اهمیت داده می‌شود. البته در بعضی موارد، می‌بینیم که توجهات بیشتری

1- روان‌شناس، مدرس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

2- کارشناس ارشد روان‌شناسی، دبیر آموزش و پرورش.

نیز به تربیت و حفظ بهداشت روانی، نسبت به تربیت و بهداشت جسمانی، مبذول می‌گردد. گسترش رشته‌های دانشگاهی متعدد و مراکز ارائه خدمات و ارتقای ابعاد روانی برای افراد، اعم از سالم و بیمار، در همه جوامع، و نیز استقبال اقشار مختلف جامعه در سنین متفاوت و با وجود تفاوت‌های جنسی(زن و مرد) همه شواهدی بر این ادعا هستند. در کشور ما نیز نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در شهرهای کوچک و دور افتاده نیز خدمات و تبلیغاتی تحت عناوینی نظیر مشاوره، روان درمانی، کسب مهارت‌های روحی، مهارت‌های زندگی و ... وجود دارد. و روز به روز هم به دلیل کثرت تقاضا رو به افزایش است. از این رو به نظر می‌رسد که در پی این افزایش تقاضا باید افزایش اطلاعات، بهبود خدمات، و توجه بیشتر به ارائه شیوه‌های مستند و نوین داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگوی این نیاز جامعه باشیم. از شایع‌ترین دلایل توجه به مراکز مشاوره‌ای و درمانی، حفظ بهداشت روانی و یا درمان بیماری‌های روانی (1) و اختلالات رفتاری (2) است ..
بنا به شواهدی که در متن این مقاله خواهد آمد، می‌توان به اهمیت اثرات زیارت و دعا برای دستیابی به منظور فوق، یعنی بهداشت روانی و درمان بیماری‌های روانی و اختلالات رفتاری، بهره فراوان جست. در حال حاضر، فرایندهای مربوط به ارائه خدمات علمی و دانشگاهی نتوانسته آن‌گونه که شایسته است از منابعی دینی و الهی بهره‌مند گردد. از این رو بین این دو فاصله‌ای وجود دارد. این در حالی است که منابع دینی، سرچشمه بسیار مهمی در تغذیه علوم مختلف، از جمله علوم رفتاری و روانی هستند. علوم رفتاری و روانی نیز ابزاری در خدمت ارتقای روانی- اخلاقی اجتماعی انسان‌ها می‌باشند.
توصیه‌های اخلاقی دینی نظیر تأکید بر عفو و بخشش، پرهیز از خشم و مجادله، قدرشناسی و تقدیر، حفظ ارتباطات انسانی، مانند صله ارحام و عیادت از بیماران و

1- Psychologicall Illnesses.

2- Behavioural disorders

بسیاری از این موارد، همگی نمونه‌هایی از اصول صحیح رفتاری است که به بهداشت روانی و سلامت اجتماعی می‌انجامد.
بنابراین، ایجاد پیوند بین منابع غنی مذهبی و روش‌های علمی، به گونه‌ای که روش‌های علمی بتوانند از منابع مذهبی بهره بگیرند، باعث ارتقای سطح خدمات علمی خواهد شد.
در این مقاله نیز سعی می‌شود به این مطلب اشاره گردد که زیارت و دعا، به عنوان دو شیوه متداول مذهبی، چگونه می‌تواند آثار روان شناختی خود را بر روی فرد بجا بگذارند. به طور اخص، تأکید نوشتار حاضر این است که به صورت علمی نشان بدهد زیارتگاه برای زایر یک محیط امن روانی است که به دلیل احساس امنیت روانی که در فرد ایجاد می‌گردد، دو فرآیند مهم روان شناختی در آن رخ می‌دهد. اولین فرآیند عبارت است از پالایش روانی و دیگری حل مسأله و بینش. این دو فرآیند هم به منظور حفظ بهداشت روانی برای افراد سالم و ارتقای بهداشت روانی برای افرادی که دارای اختلال هستند مفید است. این دو فرآیند، در صورتی به شکل کامل تحقق پیدا می‌کند که زایر با تمام وجود احساس کند شخصی را زیارت می‌کند که زنده است و حضور دارد، یعنی زیارت‌کننده احساس کند که با او همدلی می‌کند، رازدار است و توانایی حل مسأله را دارد. البته، در طول زیارت کلمات و دعاهایی به زبان آورده می‌شود که آنها نیز دارای آثاری بر بهداشت روانی فرد هستند. با توجه به این‌که، نوع و محتوای ادعیه نیز در فرهنگ شیعه، آموزش داده شده است، لذا سعی می‌شود که آثار این دعاها بر روی بهداشت روانی مورد تحلیل قرار گیرد.
زیارت، دعا و بهداشت روانی
حضور در اماکن زیارتی و تلاوت قرآن و دعا دارای آثاری در حفظ بهداشت روانی و حتی درمان اختلالات می‌باشد. برای این‌که بتوانیم این موضوع را به خوبی توضیح دهیم، در این مقاله به مقایسه بین زیارت و تلاوت دعا، با جلسه درمانی می‌پردازیم:

یکی از ارکان مهم یک جلسه درمانی، برقراری رابطه صمیمی و همدلی (1) بین درمانگر و مراجع درمانی است. این همدلی، به اندازه‌ای مهم است که اگر همدلی برقرار نگردد، احتمال حل مشکل و درمان فرد، به مقدار قابل توجهی کاهش می‌یابد.
همدلی یعنی این‌که بیمار احساس کند که طرف مقابل، مشکلات او را درک می‌کند و در احساسات او سهیم است و در واقع، طرف مقابل، مشکل او را از دریچه چشم او می‌نگرد. (2) افراد مذهبی که به ائمه و امامزاده‌ها اعتقاد دارند، و جهت زیارت، به حضور آن بزرگواران می‌رسند، دارای این احساس و یقین هستند که آن امام یا امامزاده با آنها همدلی برقرار کرده است، او زنده است و حضور دارد و با آنها یک ارتباط حاکی از محبت و صداقت برقرار نموده است. البته در محتوای بعضی از ادعیه نیز به این مفهوم به خوبی اشاره شده است:
«پروردگارا، من به حرمت این خانه و این حرم شریف، معتقدم در غیبت و مماتش، چنان‌که در حضور و حیات او، البته می‌دانم که پیامبر تو و جانشینانش همه نزد تو زنده ابدند و روزی می‌خورند و مقام مرا نزد قبر مطهر خود می‌بینند و سلام مرا شنیده و پاسخ می‌دهند». (3) یک جلسه مشاوره و روان درمانی موفق نیز جلسه‌ای است که دارای شرایط فوق باشد. همان‌طور که راجرز (4)(1376) اشاره کرده است، سه رکن مهم درمان، که در عین حال سه خصوصیت مهم درمانگر نیز می‌باشند، عبارتند از: همدلی، صداقت و محبت. (5) منظور از محبت این است که درمانجو احساس کند درمانگر با او روراست

Empathy -1

2- زمینه روان‌شناسی.

3- مفاتیح الجنان، اذن دخول حرم‌های شریف.

Rogers -4

5- راجرز به نقل از براهینی.

است و نقش بازی نمی‌کند. در واقع، مردم علاقه ندارند که نزد آدم‌هایی که قلابی به نظر می‌آیند و رازدار نیستند، سفره دلشان را باز کنند. صاحب‌نظران معتقدند که درمانگری که از چنین صفاتی برخوردار است می‌تواند رشد و خودیابی درمان جویان را تسهیل کند. (1) اما در مورد زیارت باید گفت: در واقع، کسانی که به زیارت می‌روند و به ائمه و امامزاده‌ها اعتقاد دارند، در اثر حضور در محیط زیارتگاه دچار احساس امنیت روانی می‌گردند. زیرا احساس می‌کنند به نزد کسی آمده‌اند که با آنها همدل است، به آنها محبت دارد و اسرار آنها را صادقانه حفظ می‌کند. گاهی حتی بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی انسان‌ها به این دلیل است که فاقد فردی امانت‌دار، در زندگی خود هستند، که دارای چنین صفات و خصوصیاتی است.

احساس همدلی بین زایر با امام و معصوم سبب می‌گردد که با امنیت خاطر به درد دل و بیان مشکل خود با وی بپردازد. این امر دارای آثار روانی متعددی است که قابل قیاس با فرآیندهای درمانی است که در زیر به آن اشاره می‌گردد:

1. گروهی از مراجعه کنندگان به مراکز روان درمانی و مشاوره، به این دلیل به این مراکز مراجعه می‌کنند که نیاز دارند، شخص مطمئنی که در عین حال متخصص و رازدار می‌باشد، به حرف‌ها و درد دل‌های آنها گوش کند. هر اندازه شنونده، مطمئن‌تر باشد، فرد با خیال راحت‌تری مشکلاتش را برای او بیان می‌کند. بیان مشکل، خود بخشی از درمان است؛ زیرا که فرد احساس نوعی سبک شدن می‌کند. (2) این همان فرایندی است که در دیدگاه روان تحلیل‌گری (3) به آن تخلیه هیجانی می‌گویند. تخلیه. هیجانی، یعنی برون‌ریزی هیجان‌های فرو نشانده شده، ابراز هیجان‌های شدید یا بیان تجربه‌های غم‌انگیز کاملاً خصوصی، آن هم در یک محیط امن، غالباً فرد را تسکین

1- راجرز، 1970؛ تراکس و میچل، 1971.

2- نظریه‌های مشاوره و روان درمانی.

3- Psychoanalysis

می‌دهد. نام پالایش (1) نیز به این فرایند داده شده است. اصطلاحی که نوعی پاکسازی روانی را در نظر می‌آورد. (2) همان‌طور که اشاره شد، هر اندازه محیطی که فرد در آن قرار گرفته است امن‌تر باشد و شخصی که فرد برای او درد دل می‌کند قابل اعتمادتر باشد، فرایند تخلیه هیجانی و پالایش، که خود بخشی از درمان است، بهتر انجام خواهد پذیرفت.

در فرهنگ شیعیان(و براساس منابع شیعی)، قابل اعتمادترین موجودات عالم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومین می‌باشند. به همین دلیل زایرین در زیارتگاه‌های این بزرگواران به بهترین شکل ممکن به تخلیه هیجانی خود می‌پردازند. در این فرهنگ، همان‌طور که حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام تصریح فرموده است، اعتقاد بر این است:

«امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره‌ای است راهنما در شدت تاریکی‌ها، رهگذر شهرها و کویرها، گرداب دریاها». (3) مسلماً کسی که امام خود را با چنین توصیفی می‌شناسد، با نهایت آرامش و اطمینان در حریم او شروع به بیان مشکل خود می‌کند. این آرامش و امید، زمانی بیشتر می‌شود که زایر اعتقاد دارد که امامی که به زیارت او آمده، زنده است (4) و به او توجه دارد و همچنین قدرت حل مشکل او را نیز دارد. (5) در این‌صورت او با نهایت اطمینان خاطر و رازداری و امید، به تخلیه هیجانی خود

1- Catharisis

2- زمینه روان‌شناسی.

3- کافی، ج 1، ص 286.

4- موضوع زنده بودن امام‌ها را در محتوای مربوط به اذن دخول آنها می‌توان مطالعه کرد. از جمله دعایی که‌در صفحه قبل به آن اشاره شد(اذن دخول حرم‌های شریف).

5- موضوع توانایی ائمه علیهم السلام و امامزاده‌ها را نیز در زیارتنامه‌های آنها می‌توان دید. مثلاً در بخشی از زیارتنامه امامزاده صالح می‌خوانیم: «... شهادت می‌دهم که تو نزد خدا دارای شأن و منزلت بالایی هستی ...» این

موضوع بیانگر اعتبار و توانایی حل مشکل است.

می‌پردازد. البته توصیف معصومین بسیار وسیع‌تر از این است و اکنون مجال پرداختن به آن نیست. به هر حال خصوصیات این بزرگواران در فرهنگ شیعه به حدی است که زیارتگاه‌های آنها محل امنیت روانی غیر قابل توصیفی است که زایر با امنیت وصف‌ناپذیری می‌تواند به آن اماکن مقدس مراجعه نماید. تمام خصوصیاتی که برای یک درمانگر بر شمردیم(هزاران برابر بیشتر از آن) در ائمه اطهار وجود دارد که دارای اثرات تخلیه هیجانی و پالایش روانی است. گوشه بسیار کوچکی از این خصوصیات را می‌توان در احادیث زیر جست‌وجو کرد:
امام رضا علیه السلام: «امام پناه بندگان خدا در گرفتاری‌های سخت است». (1) امام رضا علیه السلام: «امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر و مادر دلسوز به کودک است». (2) امام رضا علیه السلام: «امام ابری است بارنده، بارانی است شتاب دهنده، خورشیدی است فروزنده و سقفی است سایه دهنده». (3) امام رضا علیه السلام: «امام آتش روشن روی تپه(راهنمای گم‌شدگان) است(فانوس)». (4) احادیث فوق و بسیاری از احادیث مشابه دیگر، شناخت شیعه را در مورد معصومین علیهم السلام بالا برده و اعتبار آنها را در ذهن زایر بیشتر می‌کند. بدون تردید هر اندازه درمانگر در ذهن درمانجو معتبرتر باشد، اثرات او بر روحیه و درمانِ درمانجو بیشتر خواهد بود. (5) زایر هر اندازه امام و امامزاده را تواناتر احساس کند، با خیال راحت‌تری در نزد او به تخلیه هیجانی می‌پردازد. البته در توانایی‌های معصومین و قدرت آنها در حل مشکلات همین بس که در منابع فرهنگ شیعه بعضی از توصیفاتی که از ائمه بیان گردیده است عبارت است از:

1- کافی، ج 1، ص 286.

2- همان.

3- همان

4- همان.

5- روان‌شناسی اجتماعی.

«... میان تو(خدا) و آنها(معصومین علیهم السلام) جدایی نیست، جز آن‌که تو خدا و آنان بنده و مخلوق تو هستند». (1) و یا آن‌که در دعای توسل، خطاب به معصومین علیهم السلام این عبارت تکرار می‌شود: «ای آبرومند نزد خدا، ما را نزد خدا شفاعت کن». (2) اکنون می‌پرسیم: کسی که چنین تصوری راجع به معصومین علیهم السلام دارد، وقتی که به زیارت آنها می‌رود چه احساسی دارد؟ چه آرامشی را در خود حس می‌کند؟ چگونه به تخلیه هیجانی و پالایش خود می‌پردازد؟ کدام درمانگر می‌تواند چنین اثرات لایزالی داشته باشد؟

در چنین شرایطی او خود را با کسی در ارتباط می‌داند که نزد خدا دارای مقام شفاعت است و می‌تواند بین او و خداوند واسطه گردد تا به خواسته‌های خود برسد.

این احساس، زمینه‌ساز تخلیه هیجانی و پالایش روانی است که قبلاً به آن اشاره گردید.

2. یکی دیگر از آثار زیارت و راز و نیاز با امام یا امامزاده‌ای که فرد به زیارت او می‌رود این است که زمینه لازم برای حل مشکل فرد فراهم می‌گردد. این موضوع را از دو دیدگاه می‌توان تبیین کرد. یک دیدگاه، دیدگاه روان‌شناختی آن است و دیدگاه دیگر، دیدگاه فرا روان‌شناختی. (3) از دیدگاه روان‌شناختی باید گفت: همین که فرد در یک فضای آکنده از پذیرش، از رویدادها و مشکلاتی سخن می‌گوید که آزارش می‌دهند، این خود رفته رفته، از بار تهدیدآمیز بودن آن مشکلات می‌کاهد. وقتی در تنهایی، مشکلاتی فکر ما را به خود مشغول می‌دارند، ممکن است این مشکلات جدی‌تر از آنچه هستند به نظر آیند، اما وقتی آنها را با کس دیگری در میان می‌گذاریم

1- مفاتیح الجنان، زیارت هر روز ماه رجب، ص 245.

2- مفاتیح الجنان، ص 200.

3- Chology Parapsy

(که واجد شرایطی است که به آن اشاره شد) (1) گویی چندان مشکلات ناراحت کننده‌ای نیستند. از دید نظریه یادگیری، (2) گفت‌وگوی چند باره از رویدادهای آزارنده، آن هم در محیط امن درمانی(که در آن تنبیهی در کار نیست) رفته رفته اضطرابی را که همراه آن رویدادها بوده خاموش می‌سازد. در واقع فرد، در لابه‌لای توضیحات خودش، به تبیینی از مشکلات خود دست می‌یابد. به این معنا که چگونگی ایجاد و استواری و پایداری آنها و راه و روش تغییر دادن آنها برای او روشن می‌شود. (3) بُعد فرا روان شناختی آن نیز این است: فردی که به حضور امام یا امامزاده رسیده است و احساس می‌کند که آن بزرگوار، بر او نظارت دارد، زنده است و به صحبت‌های او گوش فرا می‌دهد، چنان احساس امنیت می‌کند و اضطراب از او دور می‌گردد که آرامش و امنیت روانی لازم برای اندیشیدن و پیدا کردن راه حل مشکل بر او حاکم می‌شود. البته در فرهنگ شیعه این یقین وجود دارد که آن آرامش توسط آن امام یا امامزاده برقرار گردیده است.
یکی از خصوصیات افراد مبتلا به افسردگی، (4) این است که ذهن آنها در زمان حال سیر نمی‌کند. آنها یا مشغول سرزنش خود در مورد زندگی گذشته خود هستند و دائم خودشان را محاکمه و محکوم می‌کنند که چرا این کار را در گذشته انجام دادم و یا این‌که ذهن آنها مشغولِ ساختنِ آینده غم انگیزی است که هیچ نقطه امیدی در آن وجود ندارد. به هر حال این طرز استفاده از ذهن و این نوع عملکرد ذهنی باعث می‌شود که خُلق فرد پایین بیاید و نوعی نا امیدی همراه با کاهش انرژی و انگیزه بر او حاکم شود. چنین شرایطی نه تنها باعث ایجاد روحیه بد در فرد می‌گردد، بلکه به دلیل

1- نگارندگان.

2- Learning theory.

3- زمینه روان‌شناسی.

4- Depreession.

کاهش انرژی روانی موجب می‌شود که او نتواند از لیاقت‌ها و توانایی‌های هوشی و ذهنی خود نیز به خوبی استفاده نماید. (1) از سوی دیگر میشن باوم (2) اعتقاد دارد که یکی از مهم‌ترین علل این حالت، این است که فرد افسرده دائماً در حال استفاده از جملات و کلمات غم‌انگیز نسبت به گذشته و آینده است. یعنی این‌که او با استفاده از نوعی خودگویی(گفت‌وگوی درونی) به مرورِ مطالب و خاطرات غم‌انگیز، سرزنش خود و محکوم ساختن خویش می‌پردازد.

دو صاحب‌نظر فوق، به هر حال به این نکته اشاره دارند که علت غمگینی و ناامیدی تولید شده در فرد، از خود او سرچشمه می‌گیرد. با این تفاوت که بک معتقد است که افکار فرد در ایجاد افسردگی او مؤثر هستند و میشن باوم معتقد است که خودگویی‌های او باعث ایجاد افسردگی در وی می‌گردند. اما به هر حال وجه اشتراک درمانی آنها در این است که بایستی با این افکار و خودگویی‌ها مبارزه نمود. به این ترتیب که میشن باوم معتقد است که بایستی جملات و خودگویی‌های مثبت و امیدوار کننده را جایگزین جملات منفی نمود و بک نیز اعتقاد دارد که بایستی افکار مثبت و امیدوار کننده را جایگزین افکار ناامید کننده نمود. البته آنها اعتقاد دارند که گاهی نیز استفاده از تکنیک‌های فرار از این افکار و خودگویی‌هایی نیز می‌تواند مفید باشد. پس تکنیک‌های درمانی آنها در مقابل افکار و خودگویی‌های منفی را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

1. فرار.
2. جایگزینی و مبارزه. (3)

1- بِک و همکاران.. Beck, A. T.

2- Meichenbaum, D. H.

3- مارکس(Marx, E. M) و دیگران.

اینک به توضیح دو تکنیک فوق و اثرات دعا در مؤثر بودن آن می‌پردازیم:

1. فرار

ذهن فرد نمی‌تواند در عین حال و در یک زمان واحد به دو موضوع بپردازد. هر گاه که یک موضوع وارد ذهن می‌شود، موضوع دیگر اولویت خود را از دست داده و کم رنگ می‌گردد. در این تکنیک، به افراد آموزش داده می‌شود که لحظات آسیب‌پذیری خود را پیدا کنند. لحظات آسیب‌پذیری، لحظاتی هستند که افکار و خودگویی‌های ناخوشایند و ناامید کننده به سراغ فرد می‌آیند و خُلق او را پایین می‌آورند. هر کسی با دقت برخود(که اصطلاحاً به آن پاییدن خود می‌گویند) می‌تواند متوجه شود که در چه زمان‌هایی بیشترین آسیب‌پذیری را دارد و ذهن او مورد تاخت و تاز افکار یا خودگویی‌های ناخوشایند قرار می‌گیرد. البته لحظات آسیب‌پذیری افراد، با یکدیگر متفاوت است. بعضی از افراد، شب‌ها که به رختخواب می‌روند(فاصله زمانی بین ورود به رختخواب و خوابیدن)، بعضی دیگر هنگام تنهایی، بعضی صبح‌ها هنگام بیدار شدن از خواب، برخی دیگر نیمه‌های شب و ... آسیب‌پذیر هستند. به هر حال هر کسی بایستی لحظه(یا لحظه‌های) آسیب‌پذیری خود را شناسایی و ثبت کند.

بعد از آن، لازم است که از تکنیک فرار استفاده کند. در تکنیک فرار همان‌طور که گفته شد، فرد سعی می‌کند فکر و یا خود گویی‌های دیگری را جایگزین فکر و خودگویی آزارنده نماید. (1) مثلاً به یک شیء(مثل جارو برقی) فکر کند و اجزای آن را در ذهن خود به خاطر آورد. یا این‌که نقشه یک محل(خیابان‌ها، کوچه‌ها و ...) را در ذهن خود مرور نماید. این کار باعث می‌شود که ذهن فرد از موضوع آزارنده فرار کند.

اگر چه با این روش، موضوع آزارنده(مخصوصاً اگر آن موضوع یک موضوع واقعی باشد) حل نمی‌شود، اما به هر حال یک آرامش در فرد ایجاد می‌گردد تا بعدها بتواند به

1- رفتار درمان‌شناختی.

شکل عقلی و بدون اضطراب و هیجان منفی آن موضوع را حل کند. بنابراین تکنیک فرار روشی است برای ایجاد یک آرامش موقت.

موضوع مورد تأکید ما این است که اگر در این مرحله بتوانیم از خودگویی‌های دیگری استفاده کنیم که مورد توجه دین مبین اسلام است و آنها را جایگزین افکار و خودگویی‌های آزارنده‌ای کنیم که زمینه‌ساز و تشدیدکننده افسردگی هستند، اثر بهتر و بادوام‌تر و معنادارتری بر روی مراجع خواهیم داشت. یعنی این‌که از ذکر و دعا استفاده کنیم و اذکار و ادعیه توصیه شده توسط معصومین علیهم السلام را تکرار نماییم و ذهن خود را نیز بر روی معنای آن متمرکز کنیم. این اذکار و ادعیه، آثار روانی خود را بر روی فرد خواهد گذاشت. تکرار ذکر، با تمرکز و دقت و توجه، دارای این اثر است که ذهن فرد از افکار و خودگویی‌های غم‌انگیز و ناامید کننده خارج شده و به تکرار ذکر می‌پردازد. یعنی همان پدیده فرار از افکار آزارنده، با این کار اتفاق خواهد افتاد. البته همان‌طور که اشاره شد، ذکر بایستی با توجه و دقت باشد. زیرا اگر این توجه و دقت وجود نداشته باشد، در این صورت، ممکن است که زبان و کلمه، در یک مسیر حرکت کنند و فکر در مسیر دیگری حرکت نماید. یعنی این‌که فقط ظاهر امر(زبان و دهان) مشغول بیان ذکر هستند و ذهن، بازهم در حال تکرار افکار غم‌انگیز است. به همین دلیل است که گاهی افرادی را می‌بینیم که در حین ذکر گفتن، به مسایل دیگر هم می‌اندیشند. به هر حال این تکنیک، در صورتی مؤثر خواهد بود که فکر و کلام با هم هماهنگ گردند.

2. تحقیقات مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد فرد، تدریجاً به آنچه که می‌گوید اعتقاد پیدا می‌کند. (1) آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که گفتن و تکرار باعث باور کردن می‌شود. در واقع آنها نشان دادند که وقتی شخصی مطلبی را به زبان

1- فستیجر(Fextinger) و کارل اسمیت(Carlsmith, J. M)، پارسا.

می‌آورد، حتی اگر به آن اعتقاد نداشته باشد، بعد از مدتی تکرار کردن به آن معتقد می‌شود.
در آزمایش دیگر، کوهن (1)(1962)، به نتیجه مشابهی دست یافت. او نیز در تحقیق خود نشان داد که افراد به اظهارات خود اعتقاد پیدا می‌کنند.
میشن باوم (2)(1972) محقق دیگری است که معتقد است که اگر فرد، کلمات، جملات و مطالبی را تکرار کند و به محتوای آن توجه نماید، پس از مدتی به آن کلمات و جملات اعتقاد پیدا خواهد کرد. از سوی دیگر، خُلق و روحیه او نیز تحت تأثیر آن کلمات و جملات قرار خواهد گرفت.
علاوه بر تحقیقات فوق، بازهم تحقیقات و نظراتی وجود دارد که نشان می‌دهد که افکار و روحیه فرد تحت تأثیر کلمات و جملاتی که به زبان می‌آورد قرار می‌گیرد.
ولی ما به دلیل رعایت اختصار در این مقاله، فقط به نام آن تحقیقات و نظریات اشاره می‌کنیم (3):(علوی، 1379 به نقل از ورف (4) و لئونتیف. دادستان، 1383 به نقل از میشن .. باوم. شکرکن، 1376).
به هر حال با استناد به مجموعه تحقیقات و نظرات فوق نتیجه می‌گیریم که فرد، تدریجاً به آنچه که به زبان می‌آورد، اعتقاد پیدا می‌کند. یعنی فکر افراد، خود را با آنچه به زبان آورده است همانند می‌نماید. به همین دلیل است که تحقیقات و نظرات فوق نشان می‌دهد که کلام به فکر شکل می‌دهد. اگر این کلمات و خودگویی‌ها، کلمات و خود گویی‌های منفی باشد، فکر و خُلق فرد نیز به تدریج منفی خواهد شد، و اگر مثبت باشد، فکر و خُلق فرد مثبت می‌شود.
نکته مورد نظر ما در این بخش از مقاله این است: حال که کلام و خودگویی‌های ما

1- Cohen, A. R.

2- Meichenbaum, D. H.

3- علاقه‌مندان می‌توانند با توجه به منابع آخر این مقاله، به اصل مطالب دسترسی پیدا کنند.

4- Whorf .P .

بر روی فکر و خُلق ما اثر می‌گذارد، پس اگر این کلمات و خود گویی‌ها، همان ذکرها و دعاهایی باشد که از معصومین علیهم السلام نقل گردیده است، در این صورت، هم ذهن ما فرصتی برای تکرار کلمات و جملات غم‌انگیز نخواهد داشت، و آنها را بیرون می‌راند و هم این‌که فکر و روحیه ما خود را با محتوای این اذکار و ادعیه همانند می‌کند. می‌توان گفت که ذکر و دعا، اگر با دقت و توجه باشد، از کلمه شروع می‌شود و به قلب ختم می‌گردد؛ یعنی ذکر کلامی، منجر به ذکر عقلی و قلبی می‌شود.

محتوای بسیاری از ادعیه و اذکار در منابع شیعه، عمدتاً در جهت امید و حرکت و توکل بوده و جایی برای غمگینی بیمارگونه و غیرطبیعی در این دعاها و ذکرها وجود ندارد. پس وقتی که فرد این دعاها و ذکرها را با توجه و دقت به محتوای آنها تکرار می‌نماید، درون او هم با این دعاها هماهنگ می‌شود و نوعی تعادل روانی و امید را در او ایجاد می‌کند. این تعادل روانی و امید، با خلق افسرده و مضطرب همساز نمی‌باشد.

یعنی وقتی که این روحیه وارد ساختار روانی فرد می‌گردد، روحیه بیمارگونه‌ای که بیانگر اضطراب و افسردگی است، خود به خود از وجود فرد خارج می‌شود. به هر حال اجتماع نقیضین در آن واحد در ذهن و روح فرد امکان‌پذیر نمی‌باشد.

برای این‌که به بخش کوچکی از امیدهای موجود در بعضی از ادعیه اشاره کرده باشیم، به ادعیه زیر به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم:

«ای خدایی که مالک حاجت‌های فقیران و دانا به اسرار خاموشان هستی، هر حاجت سؤالی را همان لحظه می‌شنوی و پاسخ آن را آماده داری. ای خدا، وعده‌های تو همه صادق و نعمتت فراوان، و رحمتت وسیع است، پس از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و حوایج مرا در دنیا و آخرت برآورده سازی.

البته، تو بر همه چیز توانایی». (1)

1- مفاتیح الجنان، یکی از دعاهای هر روز ماه رجب.

یا این‌که در دعای دیگر می‌خوانیم:

«ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم و نزد هر شری، از خشم او ایمنی می‌جویم. ای آن‌که عطا می‌کنی بسیار را به کم، ای آن‌که به هر که درخواست کند عطا می‌کنی. ای آن‌که به هر که درخواست نکند و تو را هم نشناسد، باز از لطف و رحمتت عطا می‌کنی. مرا که از تو درخواست می‌کنم جمیع خوبی‌های دنیا و جمیع خوبی‌های آخرت را عطا فرما و به درخواستم از تو، جمع شرهای دنیا و آخرت را از من دفع فرما. زیرا عطای تو بی‌نقص است و ای خدا از فضل و کرمت، بهره مرا بیفزا». (1) یکی از خصوصیات ذهن افسرده این است که در برخورد با دنیای اطراف و استنباط از آن، بخش غم‌انگیز و ناامید کننده آن را انتخاب می‌کند. یعنی بخشی که ناامیدی و بدبینی درونی فرد را هم تأیید می‌کند و هم تشدید می‌کند. در واقع این ذهن، ذهنی است که جهت (2) دارد. در واقع ذهن افسرده دچار خطاهای منطقی است.

دو خطا از این خطاهای منطقی که در رابطه با بحث حاضر می‌باشند عبارتند از(دادستان، به نقل از بلاک برن (3) و کوترو، 1990): ..

الف) استنباط شخصی (4) یا فاعلی: یعنی نتیجه گیری‌های منفی بر مبنای دلایل اندک و حتی متضاد، به عبارت دیگر، بر مبنای خبرهای نامناسب یا ناقص و نادرست نتیجه گیری می‌کند.

ب) انتزاع گزینشی (5): که مبتنی بر تمرکز بر جزئی منفی از یک چارچوب کُلی است و موجب می‌شود که معنای کُلی موقعیت، ادراک و ضبط نشود.

دو خصوصیت فوق باعث می‌گردد که افراد افسرده، و حتی مضطرب و یا

1- همان، دعای بعد از نمازهای ماه رجب.

2- Bias

3- M. I, Blakburn .

4- Arbitrary inferences.

5- Selective abstraction.

پرخاشگر، دارای ذهنی یک جهتی بوده و همه دنیا و اتفاقات اطراف خود را به شکلی منفی ببینند. در واقع ذهن آنها نمی‌تواند اتفاقات و نکات مثبت دنیای اطراف را ببینند، (1) و اساساً نمی‌تواند نعمت‌های اطراف خود را به گونه صحیح ادراک نماید؛ به همین دلیل است که در طول جلسات درمانی با این افراد، سعی می‌شود که نوع نگاه و دیدگاه آنها و همچنین برداشت‌ها و استنباطهای آنها تغییر کرده و شکل مثبتی را به خود بگیرد. البته دعاهای ما روش‌های بسیار خوبی برای تقویت ذهن در جهت پیدا کردن نکات مثبت زندگی و توجه به آنها می‌باشند. به عنوان مثال وقتی که دعای عرفه حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه را مرور می‌کنیم، متوجه می‌شویم که با چه ریزبینی و نکته سنجی بی‌نظیری، ذهن خواننده را در جهت مشاهده نعمت‌ها پرورش می‌دهد و البته تکرار این دعا و ادعیه مشابه، ضمن این‌که به پیروی از اصل(تکرار کلام باعث اعتقاد به آن می‌شود) تفکر واگرا (2) را نیز در ذهن افراد افسرده پرورش می‌دهد که ابعاد مثبت زندگی را نیز ببینند. در قسمتی از این دعا آمده است:
«... تو در اول، که من نبودم، به من نعمت وجود بخشیدی و مرا از خاک بیافریدی. ... و پیش از این هم پیوسته با من نیکی و مهربانی کردی و به نعمت فراوانم متنعم ساختی. ... و در گهواره که کودکی ناتوان بودم مرا نگهداشتی و از شیر مادر، غذایی گوارا روزی‌ام کردی و دل‌های مادران را مهربان ساختی ... و در هر سال به تربیت تو فزون‌تر شدم و خلقتم مقام کمال یافت و قوای جسم و جانم به حد اعتدال رسید. پس قوه عقل را در من قرار دادی و معرفت خود را به قلبم الهام نمودی ...». (3) متوجه می‌شویم که این دعا چگونه با ظرافت تمام به خواننده یاد می‌دهد که بتواند به ابعاد مختلف زندگی خود دقت کند و حتی توانایی توجه به دوران قبل از تولد را

1- رفتار درمان‌شناختی.

2- Divergent thinking.

3- مفاتیح الجنان.

به شکل مثبت در او شکوفا می‌نماید. تکرار و تمرین این دعا و ادعیه مانند آن، تمرین بسیار خوبی است برای تقویت توانایی شناسایی و تکرار کلامی نعمت‌ها و نکات مثبت که در زندگی وجود دارد. در واقع با تمرین و تکرار این دعا و ادعیه مشابه می‌توان ذهن افسرده را از یک بُعدی‌نگری و توجه صرف به ابعاد منفی زندگی نجات داد. این نوع دعاها، تمرین‌های عملی هستند برای بازکردن ذهن و نجات دادن آن از خطاهای ادراکی که به آن اشاره شد. این تمرین‌های عملی، در قرآن کریم بارها و بارها به صورت نظری مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً خداوند چندین بار در قرآن کریم خطاب به قوم بنی اسرائیل فرموده است: «نعمت‌هایی که به شما ارزانی داشتم به یاد آرید». (1) و بعد از این آیه، به گذشته آنها اشاره کرده و فرموده است که شما، گذشته سختی داشتید (2) و من بر شما منت گذاشتم و شما را نجات دادم و ....

در مطالب فوق متوجه می‌شویم که خداوند هم در قرآن به ما یادآوری می‌کند که نعمت‌ها و نکات مثبت و موفقیت‌های زندگی و نعمت‌های خداوند را با خود ذکر کرده و یادآوری نماییم. قبلاً نیز به نقل از بعضی صاحب‌نظران و با استناد به برخی از تحقیقات، اشاره کردیم که تکرار یک مطلب باعث اعتقاد به آن مطلب می‌شود (3) یعنی ذکر و تکرار نعمت‌ها باعث تقویت مثبت‌نگری در ذهن افسرده می‌گردد و ذهن را برای این نوع نگرش پرورش می‌دهد. البته خداوند نیز در قرآن (4) حتی برای ذکر و یادآوری نعمت‌ها، پاداش در نظر گرفته و فرموده است: «اگر سپاس‌گزاری کنید، ما نیز نعمت‌های شما را می‌افزاییم». این خود انگیزه‌ای برای تکرار و ذکر نعمت‌هاست.

پس استفاده از ذکرهایی چون: «الحمد للّٰه‌رب العالمین»، «شکراً لِلّٰه» و ... و تکرار آنها،

1- «اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ». سوره بقره آیات 40، 47، 122 و سوره مائده، آیه 11.

2- مثلاً اسیر فرعون بودید و او هم پسران شما را می‌کشت و دختران شما را به کنیزی می‌گرفت و ....

3- باوم، 1972؛ کوهن، 1962؛ فستیجر، 1959 و ....

4- سوره ابراهیم، آیه 7.

ص: 768

گرچه دارای آثار روانی فراوانی هستند، ولی یکی از آثار آنها مبارزه با منفی‌نگری است که بر ذهن افراد افسرده حاکم است. اهمیت این ذکرهای مثبت زمانی بیشتر می‌شود که به این مطلب اشاره کنیم که بعضی از صاحب‌نظران(از جمله میشن باوم، 1972) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که افراد افسرده، در ذهن خود مشغول تکرار خودگویی‌های منفی بوده و جملات منفی و ناامید کننده را تکرار می‌کنند.

استفاده از ذکرهای مثبت، ابزاری است برای مبارزه با این‌گونه خودگویی‌های منفی، زیرا وقتی فرد، مشغول به بیان اذکار مثبت می‌گردد، دیگر ذهن او نمی‌تواند به تکرار جملات منفی بپردازد. یعنی در واقع، یکی از بهترین روش‌ها برای خارج کردن خودگویی‌های منفی از ذهن، استفاده از ذکرهای مثبت است. تکرار ذکر مثبت هم به تدریج باعث اعتقاد به آن می‌شود. تکرار این جملات مثبت می‌تواند روحیه فرد را مثبت کند که البته مثبت کردن خُلق و روحیه، بهترین روش درمان افسردگی است.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، 1357.
3. تفکر و زبان، سید کامران علوی، انتشارات دانشگاه پیام نور، 1379.
4. رفتار درمان شناختی، هاوتون کرک و کلارک سالکوس، ترجمه حبیب قاسم‌زاده، انتشارات ارجمند، 1385.
5. روان‌شناسی اجتماعی، الیوت ارونسون، ترجمه حسین شکرکن، رشد 1376.
6. روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی، پریرخ دادستان، سمت، 1383.
7. زمینه روانشناسی، ریتا ال اتکینسون و ارنست ر هیلگارد، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، رشد، 1376.
8. مفاتیح الجنان، عباس قمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1385.
9. نظریه‌های مشاوره و روان درمانی، عبداللّه شفیع آبادی و غلام‌رضا ناصری، مرکز نشر دانشگاهی، 1384.
10. هوش هیجانی، دانیل گلمن، ترجمه نسرین پارسا، رشد، 1383 ..
11. Marx, E. M: Williams, J. M. G;, Depression and social problem sohmingJornal of Abnor mal psychology,(1992), 101, 78- 86.
12. Festinger, L. S Carl smith, J, M., Cognitive C onsequences of forcedcomplia nce, Jornal of Abnormal and social Psychology 58) 1959(: 203- 210.
13. Cohen, A., An Experiment on small rewards for Discrepant complianceand attitude change, In Explorations in Cognitive Dissonance, by J. W. Brehm and A. R. Cohen(New York: Wiley, 1962)PP. 73- 78.
14. Beck, A, T; Hollon, S, D; young, J, E; Bedrosian, R, C, Treatment of

ص: 770
depression whit cognitive therapy and amitriptyline. .Archives ofG eneralP sy chiatry(1985), 42, 142- 8
Michenbaum, D, H., Cognitive modification of test .15 anxious colledges tudents. J ornal of counseling and clinical psychology,(1972)39: 370- 80

زهرا تقربی (1)

چکیده
با توجه به تغییر الگوی بیماری‌ها، یکی از مسایل مورد توجه محققین در جوامع امروزی روان‌شناسی مذهب، به طور عام و اثرات مذهب بر سلامت روان به طور خاص می‌باشد، مقوله مذهب از ابعاد رفتاری و عقیدتی قابل بحث است.
بعد رفتاری دربرگیرنده رفتارهای فردی و عمومی است؛ با توجه به تعاریف ارائه شده از زیارت، این مؤکد دینی هر دو بعد را شامل می‌شود. نظر به متفاوت بودن سطح آسیب‌پذیری سلامت روان در دو جنس، و با توجه به این‌که در پژوهش‌های متعدد انجام شده در خصوص اثرات مذهب بر ابعاد مختلف سلامت روان به آثار زیارت کم‌تر پرداخته شده، این مطالعه با هدف بررسی نقش زیارت در سلامت روان زنان مسلمانِ مراجعه کننده به پایگاه بهداشتی کارگر کاشان در سال 1386 انجام گرفت.
سرانجام معلوم شد زیارت حرم امامان و اماکن مقدس در پیشگیری از عدم سلامت روان نقش مهمی را ایفا می‌کند. شیوع عدم سلامت روان در افرادی که به حج مشرّف نشده بودند، در افرادی که شش ماه از آخرین تشرف آنها به زیارت خانه خدا می‌گذشت، و در افرادی که سه ماه از زمان آخرین تشرف آنها به زیارت مقبره امامان سپری شده بود، بیشتر بود، ولی این تفاوت‌ها معنی دار گزارش نشدند.
کلیدواژه‌ها: سلامت روان، زنان مسلمان، مذهب، زیارت.

1- این مقاله با همکاری خانم‌ها لیلا تقربی، خدیجه شریفی و زهرا سوکی نگارش یافته است.

مقدّمه

طبق تعریف WHO یکی از ابعاد سلامت، سلامت روان است؛ موردی که در ریشه‌یابی علل بسیاری از سوانح و مرگ و میرها، به درجات مختلف در حال خودنمایی است(1). بسیاری از مردم جهان، از مشکل عدم سلامت روان رنج می‌برند و متأسفانه آمارهای مربوطه در دهه‌های اخیر سیر صعودی قابل توجهی را نشان می‌دهد(3، 2). در ایران شیوع اختلالات روانی در جمعیت 18 سال به بالای کشور 1/ 17% گزارش شده که این رقم در زنان 4/ 23% و در مردان 86/ 10% می‌باشد(4). در جمعیت 15 سال به بالای مناطق شهری کاشان شیوع اختلالات روانی 7/ 23% گزارش گردیده که این آمار در مردان 2/ 15% و در زنان 5/ 31% برآورد شده است(5).

محمدی و همکاران(1382) آسیب‌پذیری بیشتر زنان را به محدود بودن نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی، استرس‌های محیطی، مشکلات خانودگی و زندگی زناشویی، و عوامل بیولوژیک مربوطه مرتبط دانسته‌اند(4). نقش مهم زنان به عنوان مادر و مربی، اهمیت توجه به سلامت روان آنها را خاطرنشان می‌سازد(6).

عوامل متعدد وضعیت سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهند(1)؛ یکی از مهم‌ترین این عوامل، مذهب است. روان‌شناسی مذهبی موضوعی است که قدمتی تاریخی دارد، ولی امروزه بیشتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است(7). مذهب به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، بایدها، نبایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم یافته از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است به زندگی معنا بخشیده و در شرایط خاص فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد(8). اکثر ادیان جهان با توصیه به پرداختن به فعالیت‌های مثبت و دوری کردن از فعالیت‌های منفی بر رفتار و شناخت فرد تأثیر می‌گذارند. مذهب به عنوان یک میانجی رویدادهای روزمره زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که فرد مذهبی، بسیاری از رخدادهای به ظاهر منفی را مثبت و معنی‌دار ارزیابی می‌کند.

به‌علاوه بسیاری معتقدند که به کمک ایمان برخورد با هیجان‌ها و شرایط

اجتماعی آسان‌تر می‌شود. مذهب باعث پدید آمدن روابط نزدیک با دیگران شده که این خود یکی از همبسته‌های احساس ذهنی بهزیستی است. ضمناً با حضور در مکان‌های مذهبی امکان برخورداری از حمایت عاطفی دیگران نیز فراهم می‌شود(9). افزون بر این حتی برخی معتقدند که تأثیر معماری مکان‌های مذهبی، بر رفتار و احساسات نباید نادیده گرفته شود(8). بسیاری از محققین با توجه به فطری بودن دین و نیاز انسان به امنیت، بیان کرده‌اند که بدون معنویت انسان به پوچی و درماندگی خواهد رسید و دچار احساس بی‌هدفی، عدم عزت نفس و بیگانگی نسبت به خود و اجتماع خواهد شد(10، 4، 3). برخی نیز فقدان باورهای دینی را علت بیماری‌های روانی دانسته و در درمان اختلالات روانی، دین درمانی را توصیه می‌کنند(11).
درباره تأثیر مذهب بر شاخص‌های سلامت روان، از جمله: رضایت از زندگی، افسردگی، اضطراب، افکار و رفتار خودکشی، سوء مصرف مواد، مصرف الکل، احساس حسادت، مشکلات زناشویی و طلاق، ترس، ناکامی، عصبانیت، پرخاشگری و خشونت، اعتماد به نفس، بی‌خوابی و ... تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است(21، 20، 19، 18، 17، 16، 15، 14، 13، 12، 9، 8، 7، 3، 6، 30، 29، 28، 27، 26، 25، 24، 23، 22، 38، 37، 36، 2، 35، 34، 33، 32، 31) که نتایج در برخی موارد تا حدی متفاوت و حتی متناقض هستند؛ ولی غالب آنها بیانگر تأثیر مثبت و قابل توجه متغیرهای مذهبی، همچون نماز، روزه، دعا، شرکت در مراسم و تشکل‌های مذهبی، اعتقادات و ارزش‌های دینی، ... بر بهداشت روان می‌باشند. در برخی از موارد محققین تأثیر مذهب را در ابعاد رفتاری و عقیدتی به طور جداگانه مورد بحث قرار داده‌اند که در ارتباط با میزان تأثیر آنها، تفاوت‌هایی با جهات متناقض مشاهده می‌شود(38، 24، 39، 10). در برخی موارد در بعد رفتاری مذهب به دو گروه رفتارهای فردی و عمومی پرداخته شده است که در خصوص میزان اثربخشی آنها و حتی تفاوت بین آنها تناقضاتی مشهود است(42، 38، 36، 41، 40، 23).
زیارت، یکی از مناسک دینی به شمار می‌رود که در اسلام از جایگاه ویژه

برخوردار است. زیارت واژه‌ای عربی است از مصدر زارَ یَزور، به معنای «برای همدمی و مؤانست یا درخواست حاجت به دیدار کسی رفتن». در فرهنگ مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، زیارت به رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها و همچنین خواندن اذکار و ادعیه به منظور تشرف باطنی به پیامبران، امامان، امامزادگان، و اولیای خدا اطلاق می‌شود. از جمله آداب آن می‌توان به خواندن نماز و دعا و زیارتنامه اشاره کرد(43).
لذا با توجه به تعریف ارائه شده، این مؤکد دینی هر دو بعد رفتارهای فردی و عمومی مذهبی را شامل می‌شود. به عبارت بهتر متغیری چند وجهی است که انتظار می‌رود با ترکیبی از عقاید، رفتارها، و ویژگی‌های محیط سلامت روان فرد را تحت تأثیر قرار دهد. صرف نظر از نماز و دعا، درباره اثرات معنوی رفتن به مکان‌های مقدسی همچون مسجد و کلیسا تحقیقات انجام شده متعدد است(38، 36، 13، 25، 22، 19، 18، 2، 8)؛ اما در خصوص تأثیر زیارت بر سلامت روان، در داخل و خارج، تحقیقات اندکی انجام شده است(46، 45، 44، 11).
لذا با توجه به تأکید اسلام بر نقش زیارت در تزکیه و تهذیب نفس، و نظر به این‌که تأثیر مذهب بر بهداشت روان در افرادی که بیشتر تحت استرس قرار دارند، مشهودتر می‌باشد(39)، و برخی تحقیقات تأییدکننده این تفاوت هستند(42، 13) با در نظر گرفتن تفاوت‌های گزارش شده بین دو جنس در ارتباط با گرایش‌های مذهبی(6، 2) و توجه به ساختار جمعیتی خانوارهای تحت پوشش پایگاه بهداشتی کارگر کاشان، مطالعه‌ای با هدف بررسی نقش زیارت در سلامت روان زنان مسلمانِ مراجعه کننده به پایگاه مذکور، در سال 1386 انجام شد. باشد که نتایج مطالعه نظر دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان امور بهداشت خانواده و سایر سازمان‌های ذی ربط را در جهت ارتقای کیفیت زندگی زنان مسلمانِ جامعه، به خود جلب نماید.
مواد و روش‌ها
در این مطالعه مقطعی با توجه به برآورد شیوع 5/ 31% عدم سلامت روان در زنان ساکن مناطق شهری کاشان(5) با درصد اطمینان 95% و با حداکثر خطای 02/ 0 شیوع،

تعداد نمونه مورد نیاز 147 نفر برآورد گردید. کلیه زنان مسلمان مراجعه کننده به پایگاه‌های بهداشتی انقلاب و کارگر کاشان در ماه‌های شهریور و مهر 1386 تا تکمیل آمار به مرز 150 نفر به طور مستمر وارد مطالعه شدند. پس از جلب همکاری نمونه‌ها و اطمینان دادن به آنها در خصوص محرمانه باقی ماندن اطلاعات، ضمن ارائه توضیحاتی درباره نحوه پاسخگویی به سوالات، پرسشنامه GHQ- 21، پرسشنامه‌ای مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک و فاکتورهای احتمالی مرتبط با بهداشت روان، و پرسشنامه شاخص‌های سنجش اثر زیارت توسط کارشناسان بهداشت در اختیار آنها قرار داده شد و زمان تکمیل پرسشنامه به سؤالات طرح شده از سوی آنها پاسخ داده شد. البته در مواردی که نمونه‌ها بیسواد بودند، اطلاعات از طریق مصاحبه تکمیل گردید.

جهت سنجش وضعیت سلامت روان از پرسشنامه سلامت عمومی (1) GHQ- 21 استفاده شد. این پرسشنامه، ابزاری سرندی و مبتنی بر روش خودگزارش دهی است که با هدف ردیابی کسانی که دارای اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرم اصلی آن دارای 60 سؤال است که توسط گلدبرگ (2) در سال 1972 طراحی شده و دارای فرم‌های کوتاه متعددی است(47، 8). در این پژوهش فرم 12 سؤالی مورد استفاده قرار گرفته است. این فرم دارای 5 سؤال با بار مثبت و 7 سؤال با بار منفی می‌باشد. در این پرسشنامه دو سبک نمره دهی پیشنهاد شده که در مطالعه حاضر سیستم 3- 2- 1- 0 مد نظر قرار گرفت. به گونه‌ای که در سؤالات مثبت به گزینه بهتر از همیشه، مثل همیشه، کم‌تر از همیشه، و خیلی کم‌تر از همیشه به ترتیب امتیازات 0، 1، 2، و 3 و در سؤالات منفی به گزینه‌های هرگز، نه بیشتر از همیشه، بیشتر از همیشه، و خیلی بیشتر از همیشه به ترتیب امتیازات 0، 1، 2، و 3 اختصاص داده شد، و در مجموع وضعیت سلامت روان در مقیاس 36- 0 تعیین گردید. این ابزار در ایران

1- General Health Questionnaire.

2- Goldberg

استاندارد شده(87/ 0/) و عدد 5/ 14 با حساسیت 89% و ویژگی 63% به عنوان نقطه برش آن معرفی شده است(47).
درباره فاکتورهای دموگرافیک و فاکتورهای احتمالی مرتبط با سلامت روان از پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل 13 سؤال، و در ارتباط با شاخص‌های سنجش اثر زیارت نیز از پرسشنامه‌ای محقق ساخته در قالب 13 سؤال استفاده شد. اعتبار صوری دو پرسشنامه اخیر، به تأیید تعدادی از اعضای هیأت علمی رسید و پایایی آن روی تعداد محدودی نمونه از طریق
Retest
- Test به فاصله 72- 48 ساعت تعیین شد که کلیه پاسخ‌ها در دو بررسی منطبق بود.
جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات در پرسشنامه GHQ- 21 نمرات 14- 0 به عنوان وضعیت طبیعیِ سلامت روان(گروه سالم) و نمرات 36- 15 به عنوان عدم سلامت روان(گروه مشکل‌دار) منظور گردید. با استفاده از نرم افزار SPSS- 11 شیوع عدم سلامت روان در نمونه‌ها بررسی و تعمیم‌پذیری آن با 95% اطمینان در جامعه مورد نظر برآورد گردید. جهت بررسی ارتباط عوامل دموگرافیک و شاخص‌های سنجش اثر زیارت با وضعیت سلامت روان از آمارهای
I CIOR ,OR ,Fisherstest ,FisherYate 59 I CIOR ,OR ,Fisher 59
- Yateschi -square ,X 2 testtestT
و Mann- Whitney U و Mann- WhitneyU Mann- WhitneyU
استفاده شد.
یافته‌ها
از 150 پرسشنامه توزیع شده دو عدد آنها به علت کامل نبودن اطلاعات حذف شد و 9 پرسشنامه نیز برگردانده نشد؛ لذا اطلاعات 139 نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.
جدول شماره یک مشخصات دموگرافیک و جدول شماره دو وضعیت شاخص‌های سنجش اثر زیارت را در واحدهای مورد بررسی نشان می‌دهد.

در نمونه‌های مورد بررسی نمره GHQ 59/ 5 78/ 10 بود. نمره سلامت روان در 33 نفر(7/ 23%)، 15 بود؛ یعنی شیوع عدم سلامت روان با 95% اطمینان در جامعه مورد نظر 91/ 30- 5/ 16% می‌باشد. نمودار شماره 1 بیانگر توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب وضعیت سلامت روان می‌باشد.

نمودار شماره 1: توزیع فراوانی 139 زن مورد بررسی بر حسب وضعیت سلامت روان

جدول شماره 3 وضعیت دو گروه سالم و مشکل‌دار را به تفکیک متغیرهای احتمالی مرتبط با سلامت روان، نشان می‌دهد. جدول، گویای آن است که تأثیر هیچ کدام از متغیرهای مورد نظر در این بررسی، معنی‌دار نمی‌باشد.

ص: 781

توزیع فراوانی واحدهای مورد پژوهش بر حسب وضعیت سلامت روان و به تفکیک شاخص‌های سنجش تأثیر زیارت در جدول شماره 4 نشان داده شده است.

جدول نشان می‌دهد که تقید به زیارت رفتن در حد متوسط به پایین، شانس بروز عدم سلامت روان را 28/ 3 برابر افزایش می‌دهد. در واقع احتمال بروز عدم سلامت روان، در افرادی که میزان تقیدشان به زیارت رفتن در حد متوسط یا کم‌تر است با 95% اطمینان 22/ 8- 31/ 1 برابر افرادی است که میزان تقیدشان در حد زیاد و یا خیلی زیاد می‌باشد. فاصله زمانی 3 ماه بین سفرهای مذهبی درون شهری شانس بروز عدم سلامت روان را 78/ 2(26/ 2- 23/ 1) برابر افزایش می‌دهد. در افرادی که با فاصله زمانی 6 ماه به سفرهای مذهبی برون شهری می‌روند، شیوع عدم سلامت روان بیشتر است، ولی این تفاوت معنی‌دار نیست؛ البته نمره GHQ در گروهی که با فاصله 6 ماه به سفرهای برون شهری می‌روند 88/ 4 5/ 8 و در گروهی که این فاصله زمانی 6 ماه می‌باشد 62/ 5 52/ 11 است که آزمون من ویتنی یو این تفاوت را معنی دار نشان می‌دهد) p/ 0/ 400(یعنی فاصله زمانی طولانی بین سفرهای مذهبی برون شهری بر نمره GHQ اثر مثبت و در واقع بر وضعیت سلامت روان اثر منفی دارد.
در افرادی که در کل یا ظرف یک‌سال گذشته به حج مشرف نشده‌اند، همچنین در افرادی که از آخرین تشرف آنها به حج 6 ماه می‌گذرد، شیوع عدم سلامت روان بیشتر است، ولی این تفاوت‌ها معنی‌دار نمی‌باشند. عدم تشرف به زیارت مقبره امامان در طول یک‌سال گذشته شانس بروز عدم سلامت روان را 34/ 3(87/ 7- 42/ 1) برابر افزایش می‌دهد. از بین افرادی که به زیارت حرم امامان در یک‌سال گذشته مشرف شده بودند، در افرادی که فقط یک‌بار سعادت تشرف داشتند، شیوع عدم سلامت روان بیشتر از گروهی است که بیش از یک‌بار مشرف شده بودند؛ ولی این تفاوت معنی دار نیست. البته نمره GHQ در افرادی که یک‌بار در طول سال گذشته به زیارت امامان مشرف شده‌اند 7/ 5 40/ 10 و در گروهی که بیش از یک‌بار مشرف شده‌اند 8/ 3 7 می‌باشد که آزمون من ویتنی اختلاف را معنی دار نشان می‌دهد

ص: 783

)p /0 /40(
یعنی تشرف بیش از یک‌بار در طول سال به زیارت مقبره امامان بر نمره GHQ اثر منفی و در اصل بر وضعیت سلامت روان اثر مثبت دارد.

شیوع عدم سلامت روان در افرادی که از آخرین تشرف آنها به زیارت حرم امامان در طول یک‌سال گذشته 3 ماه سپری شده بود، بیشتر بود؛ ولی این اختلاف نیز از نظر آماری معنی دار گزارش نشد.

تقریباً همه در طول یک‌سال گذشته به زیارت مقبره امامزاده‌ها رفته بودند(131 نفر) و ارتباطی بین رفتن به زیارت امامزاده‌ها و سلامت روان یافت نشد. با این‌حال بین تعداد دفعات تشرف به زیارت امامزاده‌ها در طول سال گذشته با سلامت روان ارتباط معنی‌دار وجود داشت؛ به طوری که تعداد دفعات تشرف در گروه مشکل دار کم‌تر بود(50 /0 /p) به علاوه سپری شدن 3 ماه یا بیشتر از آخرین تشرف به زیارت امامزاده‌ها در طول یک سال گذشته، شانس بروز عدم سلامت روان را 18 /3(26 /8- 23 /1) برابر افزایش می‌دهد.

بحث

شیوع عدم سلامت روان در افراد مورد بررسی 7 /23%(91 /30- 5 /16) بود. در مطالعه محمدی و همکاران در ایران، این عدد در سال 1380 در زنان بالای 18 سال با پرسشنامه 22 /35 -24 /45)%23 /4 SADS) و در مطالعه پالاهنگ و همکاران در سال 1374 در زنان بالای 15 سال ساکن مناطق شهری کاشان با ابزار GHQ- 82 DSM-- R, و مصاحبه بالینی 5/ 31% گزارش گردیده است(5، 4). احتمالاً تفاوت در مقطع زمانی مورد بررسی، وضعیت متغیرهای دموگرافیک؛ شیوه انتخاب نمونه، و نوع ابزار غربالگری از عوامل مهم ناهمگونی نتایج می‌باشند.

این مطالعه نشان داد که بین میزان تقید به رفتن به زیارت بقاع متبرکه، فاصله زمانی بین سفرهای مذهبی درون شهری، تشرف به زیارت مقبره امامان در داخل یا خارج از کشور در طول یک‌سال اخیر، تعداد دفعات تشرف به زیارت امامزاده‌ها در طول

یک‌سال گذشته، و مدت زمان سپری شده از آخرین تشرف به زیارت مقبره امامزاده‌ها در طول یک‌سال گذشته با وضعیت سلامت روان، رابطه وجود دارد. ضمناً وضعیت سلامت روان در افرادی که بیش از یک‌بار در طول سال گذشته به زیارت حرم امامان مشرّف شده بودند و در گروهی که فاصله زمانی بین سفرهای مذهبی برون شهری 6 ماه ذکر شده بود، مطلوب‌تر است. کوتا، سخن این‌که زیارت بر سلامت روان مؤثر است.
در پژوهشی که) Lillie)5002 در ارتباط با نقش زیارت در کیفیت زندگی افراد در حال احتضار در Birmingham انجام داد مشخص شد که از دیدگاه مراقبین افراد در حال احتضار، بردن آن افراد به اماکن مقدس می‌تواند در ارتقای کیفیت زندگی آنها مؤثر باشد(45).
در مطالعه دولتشاهی و همکاران(1379) در نمونه‌هایی که برای اولین بار عازم زیارت خانه خدا بودند، مشخص شد نمره سلامت روان قبل و پس از سفر تفاوت معنی‌داری پیدا می‌کند. یعنی سفر زیارتی، منجر به بهبود سلامت روان می‌شود. این پژوهشگران علت را به احساس نزدیکی به خدا، تخلیه هیجانی و دست یافتن به آرامش درونی، اعتماد و اطمینان به یاری و کمک خداوند، امیدواری به رحمت الهی در حل مشکلات و تغییر نگرش آنها در برخورد با استرس‌ها ارتباط داده‌اند(11).
در تحقیقی که ایرانمنش(1382) با هدف بررسی تأثیر انجام حج عمره دانشجویی بر ارزشیابی دانشجویان دختر از سلامت جسمانی روانی خویش روی 50 دانشجوی 19- 39 ساله اعزامی به سفر عمره دانشجویی انجام داد، مشخص ساخت که مقیاس‌های ترس مرضی و افکار پارانوییدی پس از حج کاهش می‌یابند، البته این اختلاف معنی دار گزارش نشد؛ به علاوه وی نشان داد که کاهش مقیاس اضطراب در گروه متأهلین از نظر آماری معنی دار می‌باشد. در هر حال علی‌رغم عدم کنترل متغیرهای مداخله گر و حجم کم نمونه، با این حال این پژوهش نیز بیانگر تأثیر

مثبت زیارت بر سلامت روان بود(46).
Morris
(1982) در پژوهشی که در ارتباط با تأثیر زیارت روی اضطراب، افسردگی، و نگرش‌های مذهبی انجام داد، وضعیت 124 بیمار مبتلا به مشکلات جسمانی را در دو مقطع زمانی 1 و 10 ماه بعد از زیارت بررسی نمود، مشخص ساخت زیارت بر کاهش اضطراب و افسردگی مؤثر بوده و این اثر حداقل تا 10 ماه بعد از برگشتن از زیارت تداوم دارد(44).
نتایج مطالعات انجام شده توسط معتمدی(1384)، Krause(2004)، Coke(1992)، Myres(2000)، سرگلزایی(1380)، شجاعیان(1381)، آلیانی(1383)، Levin(1996)، Braam(2004)، Nisbet(2000)، Hilt 0 n(2002)، Abbotts(2004)، Milstein(2003)، Baetz(2004)، Jarvis(2005)، Bosworth(2003)، Schapman(2002)، Maltby(1999)، Ho(1995)، Nonnomaker(2003) که آثار نماز، دعا، شرکت در مراسم و یا تشکل‌های مذهبی، رفتن به مسجد، یا کلیسا را بر برخی از شاخص‌های سلامت روان بررسی نمودند؛ در راستای مطالعه حاضر می‌باشد(49، 48، 13، 15، 8، 23، 14، 36، 34، 33، 42، 27، 26، 25، 22، 21، 19، 17، 35، 3). در مطالعه Lowis(2005) در سالمندان کشور انگلیس، ارتباط بین فعالیت‌های مذهبی سازماندهی شده(مثل شرکت در مراسم کلیسا) و سازماندهی نشده(مثل خواندن کتاب‌های مذهبی و نماز خواندن به صورت فرادی) با رضایت از زندگی به عنوان یکی از شاخص‌های بهداشت روان، در حد بسیار ضعیف گزارش شد که از نظر آماری معنی دار نبود(50). در پژوهش محتشمی پور(1382) نیز که با هدف بررسی رابطه نماز با میزان افسردگی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد، بین نماز خواندن با افسردگی ارتباط آماری معنی‌دار مشاهده نشد. با این حال مشخص شد مرتب نماز خواندن، میزان افسردگی را کاهش می‌دهد(2).
در ارزیابی علت تفاوت‌های جزیی مشاهده شده توجه به مشخصات

نمونه‌ها، نحوه نمونه‌گیری، تعداد نمونه و ابزارهای مورد استفاده ضروری است.

به هر حال این پژوهش، یافته‌های سودمندی را در باره تأثیر زیارت بر سلامت روان ارائه می‌کند. شرکت در گردهمایی‌های مذهبی، زیارت و آداب آن، نظیر نماز، دعا و راز و نیاز با خدا، با معنی دارساختن زندگی، افزایش امیدواری، ترویج سبک زندگی سالم، افزایش توانمندی مقابله با استرس، گسترش روابط اجتماعی، ایجاد تعلقات گروهی و برخورداری از حمایت روانی اجتماعی دیگران، تخلیه هیجانی، آرامش درونی و ... سلامت روان را تحت الشعاع قرار می‌دهند(39، 11).

نتیجه‌گیری

شیوع عدم سلامت روان در زنان مسلمان نسبتاً زیاد است. زیارت بقاع متبرکه سلامت روان زنان مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که زیارت اماکن مقدس در پیشگیری از عدم سلامت روان، نقش مهمی را ایفا می‌کند. لازم است جهت ارتقای سطح سلامت روان و در نهایت کیفیت زندگی زنان مسلمان به طور خاص و خانواده‌های آنها به طور عام، مسئولین و دست‌اندرکاران سازمان‌های مربوطه این مورد را مدنظر قرار دهند؛ پرسنل بهداشتی درمانی نیز جهت درمان و پیشگیری از مشکلات روان این مهم را نباید نادیده بگیرند.

ص: 787

فهرست منابع

1. بررسی وضعیت سلامت روانی دانش آموزان دوره متوسطه استان بوشهر و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی 83- 82، ع. سلطانیان، ف. بحرینی، س.
نمازی، م. امیری ح. قائدی، غ. کهن، طب جنوب، اسفند 1383، 7(2): 173- 182.
2. بررسی رابطه نماز با میزان افسردگی در دانشجویان دانشکده پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ع. محتشمی پور، م. محتشمی پور، ف. شادلو مشهدی، ع. عمادزاده، ح. حسن آبادی، افق دانش، بهار و تابستان 1382، 9(1): 76- 81.
3. ارتباط دعا با سلامت روانی و عملکرد شغلی کارکنان فنی صنایع مهمات سازی، ر. شجاعیان، ا. زمانی منفرد، اندیشه و رفتار، پاییز 1381؛ 2(8): 33- 39.
4. همه‌گیرشناختی اختلالات روانپزشکی در ایران سال 1380، م. محمدی، ه.
داویدیان، اع. نوربالا، ح. ملک افضلی، ح. پوراعتماد و دیگران، حکیم، بهار، 1382؛ 6(1): 55- 64.
5. بررسی همه‌گیرشناختی اختلالات روانی در شهر کاشان، ح. پالاهنگ، م. نصر، م ت. براهتی، د. شاه‌محمدی، اندیشه و رفتار، بهار 1375؛ 2(4(پیاپی 8)): 19- 27.
6. بررسی مقابله مذهبی و میزان اضطراب در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی 78- 79. ح. عظیمی، م. ضرغامی، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، بهار 1381؛ 12(34): 37- 46.
7. ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی. ه. بهرامی احسان، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، 1383؛ 34(2): 41- 63.
8. بررسی رابطه بین گرایش‌های مذهبی و سالمندی موفق. ع. معتمدی، ج. اژه‌ای، پ. آزادفلاح، ع. کیامنش، دانشور، اردیبهشت 1384؛ 12(10): 43- 56.
9. احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان، ح.
هادیانفرد، اندیشه و رفتار، تابستان 1384؛ 11(2(پیاپی 41): 224- 233.

ص: 788
10. گستره پژوهش‌های روان شناختی در حوزه دین، م. خدایاری فرد، پ. غباری بناب، م. شکوهی یکتا، اندیشه و رفتار، بهار 1380؛ 6(4): 45- 53.
11. بررسی نقش زیارت در سلامت روانی افراد. ب. دولتشاهی، ط. زهروی، ه.
پهلوانی، خلاصه مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان.
تهران: دانشگاه تهران، فروردین 1380.
12. نقش باورهای مذهبی درونی و بیرونی در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان. ف. بهرامی، ع. رمضانی قرآنی، مجله توانبخشی بهار 1384
13. Coke MM. correlates of life satisfaction among elderly African Americans. J Gerontol Sep 1992; 47(5): 316-20.
14. Ho SC. Woo J. Lau J. Chan SG. Yuen YK. Chan YK. etal. Lifesatis facti on and associated factors in older Hong kong Chinese. J. Am. Geriatr Sco Mar 1995; 43(3): 252- 5.
15. Krause N. Common facets of religion, unique facets of religion, and lifesatisf act ion among older African Americans. J Gerontol psychol sci soc sciMar 2004; 59(2): 109- 17.
16. shkolnik T. Weiner C. Malik L. Festinger Y. The effect of Jewish religiosityof elderly Israelis on their life satisfaction, health, function and activity. JCross Cult Geronto 2001; 16(3): 201- 19.
17. Levin JS. Markides KS. Ray LA. R eligious attendance andp sychologic alwell- being in M exican A mericans. G erontologist Aug 1996; 36(4): 454- 63.
18. Krause N. Religious meaning and subjective well- being in late life. JGerontol psychol sci soc sci May 2003; 58(3): 160- 70.
19. Braam AW. Hein E. Deeg DJ Twisk JW. Beekman AT. Van Tilburg W.

ص: 789
Religious involvement and 6 year course of depressive symptoms in olderDutch Citizens. J. Aging Health 2004; 16(.4): 467- 89
Braam AW. Deeg DJ. Poppelaars JL. Beekman AT. Van .20 Tilburg W. Prayerand depressive symptoms in a period of secularization: patterns amongolder adults in the Netherlands. AM J Geriatr Psychiatry Apr 2004; 15(4): 273- .81
Nisbet PA. Duberstein PR. Conwell Y. Seidlitz L. The effect .21 ofparticipation in Religious activities on suicide versus natural death inadults 50 and older. J Nerv Ment Dis Aug .2000; 188(8): 543- 6
Hilton SC. Fellingham GW. Lyon J L. Suicide rates and .22 relig iousc ommitment in young adult males in utah. Am J .Epidemol Mar 2002; 155(5): 413- 9
Nonnemaker JM. McNeely CA. Blum RW. Public and .23 private domains ofreligiosity and adolescent health risk .behaviors. SOC SCi MED Dec 2003; 75(11): 2049- 54
Dezutter J. Soenens B. Hutsebunt D. Religiosity and .24 mental Health: Afurther exploration of the relative importance of religious behaviors vs. religious attitudes. Personality and individual Differences Mar 2006; 40(4): .807- 818
Abbotts JE. Williams RGA. Sweeting H N. West PB. Is .25 going to churchgood or bad for you? Denomination, Attendance and mental Health ofchildren in West Scotland. .Social Science Medicine Feb 2004; 58(3): 645- 656

ص: 790
26. Milstein G. Bruce ML. Gargon N. Brown E. Raue PJ. MCAvay G. Religious practice and depression among geriatric home care patients.
International J of Psychiatry in medicine 2003; 33(1): 71-83.
27. Baetz M. Griffin R. Bowen R. Koenig HG. Marcoux E. Th e ass ociationbetween spiritual and religious involvement and depression symptoms in aCanadian population. J of Nervous Mental Disease Dec 2004; 192(12): 818- 22
28. اثر روزه داری بر سلامت روان، م. صادقی، م ع. مظاهری، مجله روان‌شناسی، پاییز 1384؛ 9(3(پیاپی 35): 292- 309.
29. بررسی تأثیر روزه‌داری بر وضعیت سلامت روانی، م. قهرمانی، ع. دل شاد، ج.
توکلی زاده، افق دانش، بهار و تابستان 1379؛ 6(1): 3- 13.
30. بررسی تأثیر روزه‌داری در ماه رمضان بر میزان اضطراب، م ت. مقدم نیا، ش.
مقصودی، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، بهار 1383؛ 13(49):
54- 60.
31. تأثیر روزه رمضان بر بهداشت روان و افسردگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان در سال 1383، م. کاظمی، س. کریمی، ع. انصاری، ط. نگاهبان بنایی، س ح، حسینی، ر. وزیری نژاد، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، تابستان 1385؛ 5(2(پیاپی 19)): 117- 122.
32. روزه‌داری در ماه مبارک رمضان و سلامت روانی، ش. سردارپور گودرزی، ا.
سلطانی زرندی، اندیشه و رفتار، پاییز 1381؛ 1381؛ 8(2 پیاپی 30)): 26- 32 ..
tco yrtaihcysP taireG J tnI 2003; 18(10): 905- 14. .noisserped cirtaireg no gnipoc suoigiler dna ecitcarp suoigiler fotcapmi ehT .CD sneffetS .CJ seyaH .RD diouQCM .SK kraP .BH htrowsoB .33

.33 Bosworth HB. Park KS. MCQuoid DR. Hayes JC. Steffens DC. The impactof religious practice and religious coping on geriatric depression. Int J Geriat Psychiatry oct 2003; 18(10): 905- 14.
.34 Schapman AM. Inderbitzen- Nolan HM. The role of religious behaviour inadolescent depressive and anxious symptomatology. J Adolesc Dec 2002; 25(6): 631- 43.
35. بررسی رابطه پایبندی به دعا با میزان اضطراب دانشجویان دانشگاه تبریز، زو آلیانی، ه. مهین، خلاصه مقالات دومین سمینار سراسری بهداشت روان، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، اسفند 1383 ..
.36 Maltby J. Levis CA. Day L. Religious orientation and p sy chologicalwell- being The role of the frequency of personal prayer. British J of Health psychology Nov 1999; 4(4): 363-378.
.37 Koening HG. Larson DB. Weaver AJ. Research on religion and seriousmental Health. New Dir Ment Health Serv winter 1998; 80: 81- 95.
.38 Koening HG. George LK. Peterson BL. Religiosity and remission ofdepression in medically ill older patients. AM J Psychiatry Apr 1998; 155(4): 536- 42.
.39 Moreira Almeida A. Neto FL. Koeing HG. Religiousness and mentalhealth: a review. Rev Bras Psiquiatr Sep 2006; 28(3): 771- 8.
.40 Harris KM, Edlund MJ, Larson SL. Religious involvement and the use ofmental health care. Health Serv Res Apr 2006; 41(2): 395- 410.
.41 Arcury TA. Stanfford JM. Bell RA. Golden SL. Snively BM. Quandt SA. The association of health and functional status with private and publicreligious practice among rural, ethnically diverse, older adults withdiabetes. J Rural Health summer 2007; 23(3): 246- 53.
.42 Jarvis GE. Kirmayer LJ. Weinfeld M. Lasry JC. Religious practice and

ص: 792
psychological distress. Tran Scult Psychiatry Dec 2005; 42(4): 657- 75 ..

43. پژوهشی درباره زیارت‌های جامعه، س ک. طباطبایی، مطالعات اسلامی، زمستان 1382؛ 62: 111- 132 ..

44. Morris PA. The effect of pilgrimage on anxiety, depressio n an d religious attitude. Psychol Med May 1982; 12(2): 291- 4.

45. Lillie AK. The practice of pilgrimage in palliative care: a case study ofLourdes. Int J Palliat Nurs May 2005; 11(5): 234- 9.

46. بررسی تأثیر انجام حج عمره بر ارزیابی دانشجویان دختر از سلامت جسمانی- روانی خویش، ف. ایرانمنش، پایان نامه جهت اخذ دکترای حرفه‌ای، ایران، کرمان، دانشگاه علوم پزشکی، 1382.

47. ترجمه تعیین پایایی و روایی پرسشنامه 12 سؤالی سلامت عمومی، م. عبادی، ام.
حریرچی، م. شریعتی، غ. گرمارودی، ا. فاتح، ع. منتظری، پایش، تابستان 1381؛ 1(31): 39- 46 ..

48. Myers DG. The funds, friends, and faith of happy peo pl e. A mericanp sychologist 2000, 55: 56- 67.

49. آیا فعالیت‌های مذهبی می‌تواند از افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد در دانشجویان پیشگیری نماید. م. سرگلزایی، ف. بهدانی، ا. قربانی، خلاصه مقالات ارائه شده در اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان. تهران:
دانشگاه علوم پزشکی ایران، فروردین 1380 ..

50. Lowis MJ. Edwards A. Roe C. Jewell A. Jackson M. Tidmarch W. The roleof religion in mediating the transition to residential care. J of aging studies S ep 2005; 19(3): 349- 362

6. دعا و زیارت ترجمان نیاز به معنا در حیات انسانی

دکتر مجتبی عطارزاده [(1)]

چکیده

نگاه مؤمنانه ناشی از گذر از جهان ماده و پیوند با عالم معنا که ابزار مهم تحقق آن را باید نیایش دانست، همه ظواهر را خواهد شکافت و در پسِ هر چیز- هر مفهوم انسانی- معنایی دیگر خواهد جست. به دلیل جایگاه والای نیایش و دعا و نقش ارزشمند آن در زندگی انسان، همه ادیان و مذاهب به آن توجه ویژه داشته، بر لزوم پایبندی پیروانشان به این مسأله تأکید ورزیده‌اند. دور از انتظار نیست در حالی که همگان در جست‌وجوی آرامش و نشاط معنوی و انرژی فزون‌ترند، آیین معنابخش اسلام نیز در مقام تحکیم پایه‌ها و ارکان نظم معنایی مشترک بین پیروان خویش و بلکه کل بشریت به مقوله نیایش، اهتمام و توجه ویژه مبذول داشته باشد و راهکارهایی همچون نماز و زیارت را به منظور تسهیل این مهم، تمهید نموده باشد. زیارت یعنی پیوند ناقص با کامل، علاقه به رهایی از قفسِ مادیت و بی‌معنایی، رهایی از نقص و پیوست به معنا، از این‌روست که زیارت در ارزش و پاداش همپای بسیاری از عبادات حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است.

کلیدواژه‌ها: دین، معنا، اضطراب، نیایش، زیارت.

مقدّمه

در فضای پر تنش امروز، بشریت خسته از همه منابع و مراجعی که مدعی تأمین آرامش و امنیت وجودی او هستند، در پی یافتن معنای وجودی خویش است. تحقق

1- عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان.

این مهم در گرو تجربه فردی اشخاص و نه تحت تأثیر دستورالعمل‌های تجویزی توسط دیگرانی است که طبق ایده‌آل‌های خویش راهکارهایی ارائه داده و می‌دهند. در نتیجه، این معناکاوی پیوندی صریح و بی‌واسطه را می‌طلبد که شخص از سر نیاز واقعی در جهت اتصال با منبع معنا دست به کار شود؛ همان که نیایش می‌نامند.
دعا آرامش‌بخش دل‌هاست و همین آرامش است که در روح و فکر آدمی نوعی انبساط ایجاد می‌کند و روح را از حالت خمودگی بیرون می‌آورد و به حرکت وا می‌دارد و روحیه دلاوری و قهرمانی به دعاکننده می‌بخشد. دعا به انسان متانت در رفتار، انبساط و شادی درونی، استعداد پیروزی، و استحکام در استقبال از حوادث می‌دهد و بدان وسیله آدمی توجه زیادی به منشأ معنای وجود پیدا می‌کند و مانند سایر عبادات اثر تربیتی دارد. دعا روح ایمان را در نفوس برمی‌انگیزد و انسان لذت ارتباط با خداوند را درک می‌کند، انسان را متکی به خدا و مستقل از غیر او می‌سازد و از اتکای به دیگران بی‌نیاز می‌کند. دعا حب الهی را در دل رسوخ می‌دهد و نفس را از مشغله‌های بیهوده رهایی می‌بخشد و چراغ امید را در قلب و دل انسان روشن می‌سازد. دعا کشش بنده ضعیف و نیازمند به سوی خداوند کریم و تواناست. دعا کلید و وسیله قرب الهی، لبّ عبادت و مغز و اساس طاعات و حیات روح است. دعا موجب نزول برکات و شرح صدر در انسان می‌شود. دعا چراغ جان است؛ جان‌ها را بر افروزد و زبان‌ها را معطر می‌سازد.
آری دعا در فرد و اجتماع اثر سازنده و حیاتی دارد. آنان که به درگاه الهی نیایش نمی‌کنند، همواره زیر پوشش بازتاب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند. دعا اطمینان‌بخش دل‌ها و فضیلت هر انسان خداجو است، دعا سدی در برابر گناه و انحراف و در یک کلام، عامل معنابخش به حیات انسانی است؛ همان که کلام وحی بدان اشاره دارد:

«قُلْ ما یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبّی لَوْ لا دُعاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزاماً»؛ (1)
بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد.(شما آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید.
این آیه آخرین آیه سوره فرقان و در حقیقت نتیجه تمام سوره است. گرچه از دعا در این جا معانی متعدد استنباط می‌شود، ولی ریشه همه معانی به یک اصل باز می‌گردد، مفهوم آیه چنین است: آنچه به شما ارزش و بها می‌دهد همان توجه به پروردگار است.
به راستی وقتی انسان توجه خود را یک سره معطوف به درگاه الهی می‌کند و روی به ساحت مقدس او می‌آورد، همچون آیینه‌ای که در برابر تابش آفتاب قرار گیرد، انوار فیوضات الهی را به تناسب استعداد و آمادگی خود دریافت می‌کند و آثار آن را منعکس می‌گرداند، هر اندازه دل از تیرگی‌ها و آلودگی‌ها منزه و به صفا و پاکی نزدیک‌تر باشد، به همان اندازه قدرت دریافت انوار ازلی معبود در او افزون‌تر و در نتیجه احساس خویشتن در کنار حامی قدرتی بی‌انتها، چون خداوند، تنهایی و بی‌کسی عامل اضطراب زایل می‌شود و چنان لذتی از ناحیه گسست از خلق به خالق وجود آنان را فرا می‌گیرد که هیچ لذتی را بر این لذت مقدم نمی‌دارند، این است که گفته‌اند:
تو گر لذت ترک لذت بدانی دگر هیچ لذت، تو لذت ندانی
از این‌رو در آموزه‌های اخلاقی ادیان الهی، به ویژه آیین اسلام، به منظور تأمین آرامش درونی و اجتناب از اضطراب و نگرانی‌های ناشی از دور افتادن از منبع قوی حمایتی همچون اقتدار مطلق الهی که درک لذت واقعی را در پی دارد، بر پیوند مخلوق بر خالق از رهگذر نیایش تأکید گردیده است. نیایشگران در پرتو احساس چنین لذتی به یک باره به چنان درک معناییِ مشترکی می‌رسند که هیچ ساز و کار دست

1- سوره فرقان، آیه 77.

ساخته بشری قادر به ایجاد چنین فضایی نیست. توجه به این دستاورد، زمینه درک مفهوم گفتار اسوه نیایشگران، حضرت سجاد علیه السلام در مناجات الذاکرین «
و أستغفرک من کلّ لذّة بغیر لذّة ذکرک
»؛ خدایا از هر لذتی جز لذت ذکر تو طلب مغفرت می‌کنم را فراهم می‌سازد.
حضور در جایگاه کسانی که خود، نماد بارز و سمبل مسلّم ره‌یافتگان به وصال دوست هستند، تسهیلگر تکوین چنین فضای معنوی خواهد بود. آنچه زایر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می‌دارد، همین کشش درونی و علاقه قلبی اوست. اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می‌بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می‌شود. به خصوص اگر عشق راستین به خدا باشد که معشوق کامل و محبوب مطلق است و پیوند با او، سوزنده و سازنده است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: «
حبّ اللَّه نار لا تمرّ علی شیء إلّا احترق و نور اللَّه لا یطلع علی شیء إلّاأضاء
»؛ (1) محبت خدا آتشی است سوزان و نور خدا، فروغی است روشنگر.
بدین سان عاشق سرگردان و در جست‌وجوی معنا، سراغ از کوی یار می‌گیرد و در این کاوش حتی خانه‌ای که روزی معشوق در آن ساکن بوده، کوچه‌ای که روزی دلبر از آن گذشته، زمینی که بر آن قدم نهاده، شهری که روزی در آن جا می‌زیسته، سنگی که دست محبوب به آن خورده، لباسی که بر اندام او بوده، کفشی که در پایش داشته، دلربا و جاذب، دوست‌داشتنی و شوق‌انگیز خواهد بود.
افراد و گروه‌هایی از محققان در سراسر جهان، درباره تأثیر ایمان به خدا، مذهب و محیطهای مذهبی و آداب و رسوم دینی مانند نیایش در سلامت روانی افراد، بهداشت روانی جامعه و بهبودبخشی بیماران روانی و مقاوم کردن افراد در برابر حوادث و وقایع دردناک و ایجاد آرامش، به نتایج مثبت و قابل توجّهی دست یافته‌اند.
به رغم اختلاف روش‌ها، محیطها و موضوعات مورد بررسی، تقریباً تمامی این

1- میزان الحکمة، ج 2، ص 226.

تحقیقات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در محیطهای مذهبی و جوامعی که ایمان مذهبی آنها بیش‌تر است، میزان اختلال‌های روانی و به خصوص اضطراب و افسردگی، به طور محسوسی کم‌تر از میزان آنها در محیطها و جوامع غیر مذهبی است. (1) کولکای (2) با بررسی تأثیر ایمان مذهبی، نماز و دعا در کاهش اضطراب، به این نتیجه رسید که 42% افراد نمونه او گزارش داده‌اند که نماز اضطراب را پایین می‌آورد. (3).
گاندی نیز در مقام توصیف نقش آرامش بخش نیایش می‌گوید: «دعا و نماز، زندگی‌ام را نجات داده است. بدون آن باید از مدت‌ها پیش دیوانه می‌شدم. من در تجارب زندگی عمومی و خصوصی خود، تلخ کامی‌های بسیار سخت داشته‌ام که مرا دست‌خوش نا امیدی می‌ساخت. اگر توانسته‌ام بر این نا امیدی‌ها چیره شوم، به خاطر نمازها و نیایش‌هایم بوده است.
دعا و نماز را مانند حقیقت بخشی از زندگی خود نمی‌شمارم، فقط به خاطر نیاز و احتیاج شدید روحی آنها را به کار می‌بسته‌ام؛ زیرا اغلب خود را در وضع و حالی می‌یافتم که احتمالاً بدون دعا و نماز نمی‌توانستم شادمان باشم. هر چه زمان می‌گذشت، اعتقاد من به خداوند افزایش می‌یافت و نیاز من به دعا و نماز بیشتر می‌شد و بدون آن زندگی برایم سرد و تهی بود». (4) الکسیس کارل می‌گوید: «نیایش در روح و جسم تأثیر می‌گذارد و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را توأماً تقویت می‌کند. در چهره کسانی که به نیایش

1- المیزان، ج 2، ص 407- 411.

2- Kwilecki

3- Koenig, H. G.(1994), The Relationship between Judeo Christian Religion andMental Health among Middle- Aged and Older Adults, DURHAM, NC, U. S. A, Advances, Fal: Vol 9) 4(: 33- 39.

4- همه مردم برادرند، ص 106.

می‌پردازند، حسّ وظیفه‌شناسی، قلّت حسد و شرارت و حُسن نیکی و خیرخواهی به دیگران خوانده می‌شود. نیایش، خصایل خود را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فردی نشان می‌دهد: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شادی بی‌دغدغه، چهره پر از یقین، استعداد هدایت، آمادگی برای پذیرش حق و راضی بودن به رضای پروردگار». (1) ایمان به خدا و نیایش و راز و نیاز با او به انسان امید و توان می‌دهد و انسان احساس می‌کند به پناهگاه مطمئن و با قدرتی بی‌نهایت متکی است. از این‌رو، احساس نشاط و توانمندی می‌کند و اگر این ارتباط با آن منبع عظمت و رحمت قطع باشد، احساس دلتنگی و نگرانی در او ایجاد می‌شود و به بیماری‌های روانی گرفتار می‌آید. به این حقیقت روان‌شناسان و روان‌کاوان بزرگی همچون یونگ، اریک فروم، ویلیام جیمز و دیگران اشاره کرده‌اند و ایمان به خدا و دعا را اساس آرامش و سلامت روان می‌دانند.

دعا انسان را به معرفت خدا که برترین سرمایه‌هاست دعوت می‌کند و باعث می‌شود که خود را نیازمند او ببیند و در برابرش خضوع کند و از مرکب غرور که سرچشمه انواع بدبختی‌هاست فرود آید. از سوی دیگر همه نعمت‌ها را از او ببیند و به او عشق ورزد و رابطه عاطفی او از این طریق با ساحت مقدس الهی محکم‌تر گردد.

از طرفی چون خود را نیازمند او و مرهون نعمت‌های او می‌بیند، موظف به اطاعت از خواست او می‌شود. دعا به انسان اعتماد به نفس می‌بخشد و وی را از ناامیدی دور می‌کند و به تلاش و کوشش بیشتر وا می‌دارد.

به راستی وقتی انسان توجه خود را یک‌سره معطوف به درگاه الهی می‌کند و روی به ساحت مقدس او می‌آورد، همچون آیینه‌ای که در برابر تابش آفتاب قرار گیرد، انوار فیوضات الهی را به تناسب استعداد و آمادگی خود دریافت می‌کند و آثار آن را

1- نیایش، ص 31.

منعکس می‌گرداند، هر اندازه دل از تیرگی‌ها و آلودگی‌ها منزه و به صفا و پاکی نزدیک‌تر باشد، به همان اندازه قدرت دریافت انوار ازلی معبود در او افزون‌تر می‌شود. آثار روحی و معنوی توجه به خدا و نیایش به تناسب شدت و ضعف تفکر و توجه متفاوت است که گاهی در مراتب عالی همراه با جاذبه خاصی صورت می‌پذیرد. در تعالیم اسلامی از آن تعبیر به نور دل‌ها شده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «
علیک بذکر اللّٰه فإنّه نور القلوب
». (1) قطع نظر از پاداش و اجر مترتب بر دعا و جدا از اثر استجابتی که متضمن آن است، دعا اگر از حد لقلقه زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگ شود و روح انسان به اهتزاز درآید، روحانیتی متعالی خواهد داشت. آن وقت انسان درک می‌کند که در سایر اوقات چه امور بی‌ارزشی او را به خود مشغول می‌داشته و او را آزار می‌داده، و تا چه اندازه اسیر حقارت‌ها بوده است. به راستی انسان وقتی که از غیر خدا چیزی می‌خواهد، احساس مذلت می‌کند و هنگامی که تنها از خدا می‌خواهد، احساس عزت می‌کند. از این‌رو دعا، هم طلب است و هم مطلوب، هم وسیله است و هم غایت، هم مقدمه است و هم نتیجه. بهترین لذایذ در نظر اولیای خدا لذت دعا و نیایش با خداست. آنها همه خواهش‌ها و آرزوهای دل خود را با محبوب حقیقی در میان می‌گذارند و بیش از آنچه که به مطلوب‌های خود اهمیت می‌دهند، طلب و راز و نیاز در نظر آنان اهمیت دارد و هیچ‌گونه احساس خستگی و ملالت نمی‌کنند. (2) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «پروردگارا! تو از هر مونسی برای دوستانت مونس‌تری و از همه آنها برای کسانی که به تو اعتماد کنند، برای کارگزاری، آماده‌تری.
پروردگارا! آنان را در باطن دلشان مشاهده می‌کنی و در اعماق ضمیرشان، بر حال آنان آگاهی و میزان معرفت و بصیرتشان را می‌دانی، رازهای آنان نزد تو آشکار است و

1- غرر الحکم و درر الکلم.

2- روان‌شناسی یکتاپرستی، ص 78.

دل‌های آنان در فراق تو بی‌تاب. اگر تنهایی سبب وحشت آنان گردد، یاد تو مونس آنهاست، و اگر سختی‌ها بر آنان فرو ریزد، به تو پناه می‌برند». (1)
در مجموع، تحقیقاتی که در زمینه دین مبین اسلام انجام پذیرفته است، بر وحدت‌بخشیِ نظام روان‌شناختی انسان توسط مذهب اسلام تأکید دارد. این تحقیقات نشان می‌دهند که بین ایمان مذهبی و سلامت روانی و همچنین کاهش میزان اختلالات روانی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.
به عنوان نمونه پژوهشگری در مقایسه میزان افسردگی و اضطراب دانش‌آموزان پسر و دختر عضو انجمن اسلامی با سایر دانش‌آموزان، نقش ایمان مذهبی و نیایش در سلامت روان را در مقایسه‌ای آماری مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که میانگین اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان عضو انجمن اسلامی با تفاوت معناداری از میانگین اضطراب و افسردگی سایر دانش‌آموزان کم‌تر است. (2) در مطالعه‌ای دیگر با عنوان بررسی رابطه بین عملکرد دین اسلام و افسردگی، نشان داده شده است که ایمان مذهبی نگرش‌های مذهبی و برپاداری نماز و نیایش، هر کدام به نحوی در حفظ تعادل روانی و استمرار امیدواری انسان‌ها مؤثرند.
همچنین پژوهشگری در بررسی رابطه اضطراب و گرایش مذهبی، با استفاده از مقیاسی که سطح و گرایش مذهبی اسلامی را مورد سنجش قرار داده، به این نتیجه دست یافته است که هر چه سطح و گرایش مذهبی افراد کم‌تر باشد، اضطراب عمومی آنها افزایش می‌یابد و تصریح می‌کند که عدم گرایش مذهبی اسلامی و نیز افزایش ضعف شناخت‌های اسلامی، با افزایش اضطراب رابطه دارد.

1- نهج البلاغه، خطبه 225.

2- عباسعلی باقری، «مقایسه میزان افسردگی و اضطراب دو گروه از دانش‌آموزان پسر و دختر عضو فعال انجمن اسلامی و سایر دانش‌آموزان در شهرستان علی‌آباد کتول».

زیارت؛ فرآیند الگوپذیری در تسهیل پیوست انسان به معنا
اصطلاح معنویت از ریشه معنا دریافت شده که مفهومی متافیزیکی در برابر حسی بیرونی است و اشاره به حقیقتی از وجودی ذهنی نیز در برابر حقیقت بیرونی آن دارد.
بر اساس این زبان‌شناسی ساده که از تعابیر اتیمولوژیکی اسلامی به معنویت اخذ شده است، می‌توان معنویت را به روح منتسب دانست که در برداشت سنتی نیز از آن به عنوان حقیقت درونی یاد می‌شود. این تعریف بر اساس تفاوت اصلی بین معنویت و روحانیت است و ریشه اصلیِ آن در اصل از این مسأله است که حقیقت چند لایه بوده و دارای دو جنبه بیرونی و درونی است، که جنبه دوم(بعد روحانی) دارای مراتب متعددی است، تا این‌که در نهایت به حقیقتِ واقعی دست می‌یابد. اما آنچه که در ورای این جسم فیزیکی است، لزوماً روحانی نبوده و می‌تواند نفسانی باشد.
افق معنویت و دسترسی به آن در عالم قدسی که ما به طور سنتی به آن معتقدیم، به این معنی نیست که آن به هیچ وجه با سنت ارتباط ندارد، بلکه آنچه که حقیقت و مبانی اصول ذات قدسی است، در یک شخص ویژه تجلی پیدا می‌کند و یک دنیای قدسی بر پایه این اصول صحیح و گسترده نهانی در خود جای می‌گیرد. معنویت نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که فراورده‌اش این است که حالت‌های نفسانی نامطلوبی مانند غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی و سردرگمی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی و ... تا آن‌جا که امکان‌پذیر است، در انسان پدید نمی‌آید و یا اگر پدید آمده، ناپدید خواهد شد. این نحوه مواجهه، موجب رضایت باطن می‌شود.
در روند تکاملی زندگی به تعبیر سورن کی یرکگارد، معنویت و معناخواهی جایگاه ویژه‌ای دارد. او برای انسان سه مرحله زندگی می‌شناسد که معتقد است افراد به جای اکتفا به شناخت آن، باید به انتخاب آن نیز همت گمارند:
1. مرحله زیباشناختی که در این مرحله پی‌گیری‌های لذت‌جویانه اصل است، در

این مرحله، ملامت و ناامیدی همسفر تنهایی‌های انسان است، لذت‌جویی هر چه بیشتر باشد، نتیجه‌ای جز انهدام امید، زندگی و اخلاق در پی ندارد. پوچی، بی‌معنایی و یأس مرحله زیبایی شناختی، فرد را به پیشرفت به سوی مرحله اخلاقی سوق می‌دهد.
2. مرحله اخلاقی که این مرحله یک مرحله تصمیم و تعهد راسخ است. در این عمل انتخاب است که خود واقعی و اصیل یافت می‌شود، زیرا به واسطه اراده و تعهد است که خود از قید فوریت زندگی زیباشناختی آزاد می‌شود.
تصمیم، بدون قید و شرط که بر اساس آن خود یک‌پارچگی و وحدتش را کشف می‌کند، مبتنی بر آگاهی است. انتخاب‌های اصیل همراه با باطن، شور، تنش و احساس ایجاد می‌شوند. شور درونی، معیار انتخاب حقیقی است، و آن راه را برای یک انتخاب باز می‌کند. باطن انتخاب مستلزم خودشناسی، خودالتزامی، نیل به اصالت و خود واقعی است. حکم سقراطی؛ یعنی «خود را بشناس» را باید به «خود را انتخاب کن» برگرداند. از طریق این تمایلات درونی در انتخاب خود، یک خود واقعی با کلیت یک‌پارچه، یافت می‌شود. شخصیت یک‌پارچه همبستگی وحدت‌اش را در خاطره و امید پیدا می‌کند، در حالی که ضمیر ناخوش از گذشته و آینده بیزار است. بیگانگی نسبت به گذشته حاکی از اختلال در حافظه است و بیگانگی نسبت به آینده منعکس‌کننده ناامیدی است. امید به آینده با از دست دادن حافظه، یعنی با ضمیر بیگانه از بین می‌رود. در حین تصمیم، تعهد و گرفتاری، خود، گذشته را با آینده یکی می‌کند. یک‌پارچگی خودش را به شکل یک کل یک‌پارچه بنیاد می‌نهد.
3. مرحله دینی ممیز اصلی باطن زندگی دینی، ایمان و رنج است. مراحل روند زندگی به دست آمدن خود است؛ در نتیجه خود، بیشتر از این‌که ارائه‌دهنده طبیعت انسان باشد، یک محصول است. زیرا شخص قبل از این‌که خود را کسب کند باید وجود داشته باشد. احیای علایق دینی، قدرت خلاقه‌ای به فرد خواهد داد؛ مشروط بر

آن که این علایق دینی به حرکت جست‌وجوگری در پی بعد گم شده ژرفا و توسعه پیدا کند.

آگاهی از خود معیاری مهم است، زیرا آگاهی بیشتر از خود یعنی خواست و اراده بیشتر، و خواست و اراده بیشتر یعنی خود بیشتر. انسانی که اراده ندارد، خود نیز ندارد. نومیدی، بی‌ارادگی برای خود بودن است؛ انفصال از خیر، گناه است؛ نومیدی بیشتر از این‌که گناه باشد، به نوعی باعث انفصال از خیر می‌شود. به وسیله ایمان و آموزه‌های آن مانند دعا است که بر گناه و نومیدی می‌توان استیلا یافت، یعنی با ارتباط خود با نفس خودش و به وسیله تمایل به خود شدن که خود آشکارا ریشه در قدرتی دارد که مقوم آن است.

اگر انسان کاملاً به این مقوله ایمان داشته باشد که هیچ چیزی جز به اراده و مشیت خداوند رخ نمی‌دهد، می‌آموزد که آرامش و اطمینان داشته باشد و بتواند همه چیز را تحمل کند. انسان هر قدر که بر سنش افزوده می‌شود، بیشتر احساس می‌کند که زندگی این جهان یک حبس طولانی بیش نیست و امید و اشتیاق آزادی و رهایی و گام نهادن به افق‌های بالاتر را در دل خود می‌پرورد. چون به بالا بنگرد، درخواهد یافت که امور این جهانی تا چه اندازه کوچک و حقیرند. چون رو به سوی پروردگار جهان کند، همه سختی‌ها و مرارت‌ها آسان می‌شود.

دریافت معنای زندگی، یا همان هدف خود بنیاد شخص در زندگی، دو نظریه «پلکانی یا طولی» و «موزاییکی» عرضه شده است. چکیده نظریه پلکانی آن است که شخص در زندگی خود، اهدافی میانی(مطلوب‌های لغیره) داشته باشد که در نهایت همگی به یک هدف نهایی(یا یک مطلوب لذاته) منتهی می‌شوند. اما در نظریه موزاییکی، هر یک از افعال اختیاری انسان، سرنوشت خاص خود را دارند؛ بدین معنا که یا خود هدف نهایی(مطلوب لذاته) هستند، یا با یکی دو واسطه، به یک مطلوب لذاته می‌رسند، به گونه‌ای که دیگر یک مطلوب لذاته واحد که غایة القصوای همه

افعال اختیاری انسان باشد، در میان نیست.
در رهیافت توصیفی، نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که بر پایه تفسیر «معنای زندگی» به «هدف زندگی»، افراد می‌توانند در یک الگوی معین، مثلاً الگوی پلکانی یا موزاییکی، هدف یا اهداف نهایی خاصی را برای زندگی خود کشف یا جعل کنند و از این طریق، معنای زندگی فرد را بیابند یا بدان معنا بخشند.
ضرورت معنا در زندگی و زندگی معنادار با گسترش ارتباطات که تقوای پرهیز در برخی قلمروها را اساساً ناممکن ساخته است، دو چندان می‌گردد. در تقوای پرهیز، مرز، صورت «مکانی» دارد. اما در تقوای حضور شکل «مکانتی» می‌یابد، به این معنا که فرد خود را در مرتبت و مکانتی فراتر می‌بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصون می‌ماند. در آیه شریفه «یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذا اهْتَدَیْتُمْ» (1)
فضای بحث، حضور در متن جریان‌های فاسد و دشوار و نه قرنطینه و قرار گرفتن در محفظه‌ای نفوذناپذیر است.
از این‌رو، اسلام، از هر زمینه‌ای، از هر مناسبت و فرصتی، از هر زمان و زمینی، و از هر مقام و مکانی در این مسیر استفاده می‌کند و برای هر کس، در هر جا و هر زمان و هر شرایط، تکلیفی، برنامه‌ای دستورالعملی و ... قرار داده تا با پر کشیدن و بالا بردن و رشد دادن انسان و سوق دادن او به آنچه باید باشد، و بردن به جایی که باید برود، و رساندن به جایی که باید برسد و توجه دادن انسان به اصل والای «از اویی و به سوی اویی»، نوعی آگاهی درونی نسبت به مقام و شأن خویش ایجاد کند. بی‌شک چنین انسان معنوی با سایر انسان‌ها تفاوت خواهد داشت. وی در عین این‌که خود را برتر از دیگران نمی‌داند، اما خویشتن را شدیداً دوست دارد. این نوعی «خوددوستی معنوی» است. انسان‌های معنوی برای خودشان بی‌نهایت ارزش قائل هستند و به همین دلیل همیشه مراقب‌اند که به گونه‌ای زندگی نکنند که این «خود» گرانبهایی که

1- سوره مائده، آیه 105.

در اختیارشان است، ذره‌ای ضربه ببیند. آنها به دلیل همین خوددوستی سعی دارند همیشه خود را ارتقا دهند و به وضع مطلوب‌تری برسانند.
و زیارت، تکریم این‌گونه ارزش‌هاست، و احیای قداست منسوب به اولیای خداوند با هدف ارتقای معنوی است. وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می‌گیرد و به آن مدل و الگو توجه می‌کند، انگیزه کمال‌یابی، او را به قرب معنوی به خدا می‌کشد و زیارت، مایه تقرب می‌گردد.
ابوسعید ابوالخیر، از شیخ الرئیس بوعلی سینا، درباره تشرف به زیارت، پرسشی می‌کند. ایشان در پاسخ می‌گوید: «در این هنگام(هنگام تشرف به زیارت) اذهان، صفای زیادتری پیدا کرده، خاطره‌ها با تمرکز شدیدتری جلوه نموده و باعث نزدیکی به خداوند می‌گردد». (1) جلوه‌ای از فیوضات را در خویش می‌یابد و احساس «تصعید وجودی» می‌کند، خود را به خدا نزدیک‌تر می‌یابد، دلش شکسته‌تر می‌شود، با فطرتِ خدا آشنای خود، صمیمی‌تر و درگوشی‌تر به نجوا می‌پردازد، و تصمیم بر توبه‌ها و انابه‌ها، از رهگذر همین توجه‌ها و تقرب‌ها پدید می‌آید. در مسائل اخلاقی و تربیتی، پیوند با نیکان و رابطه با صالحین و آشنایی با خانواده‌های ریشه‌دار و صاحب کرامت و شرف، سازنده است، به همان شکل که گسیختگی از تبار پاکان و بریدگی از ریشه‌های فرهنگی و اخلاقی، زمینه‌ساز فساد و گناه و بی‌مبالاتی و عدم تعهد است، زیارت، عاملی در جهت پیوند زدن با صالحان، یا تقویت رابطه معنوی با وارستگان است.
مرحوم صاحب جواهر از شهید، در کتاب دروس نقل می‌کند که ایشان فرموده است:
«از جمله آداب زیارت، این است که زایر پس از زیارت، بهتر از قبل از آن باشد». (2) این تحول و انقلاب روحی و حال زایر، پیش و پس از زیارت، نشانه اثرپذیری از جذبه‌های معنوی است که در مزار یک امام و در کنار مرقد یک پیشوای معصوم وجود دارد.

1- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 37.

2- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 20، ص 102.

همین نکته، در برخی زیارتنامه‌ها هم مطرح است. به این فقره توجه کنید: «خدایا، مرا از کسانی قرار بده که از زیارت مرقد دوستان و اولیایت، منقلب می‌شوند و رستگار و پیروز بر می‌گردند و مستوجب بخشش گناهان و پوشاندن خطا می‌شوند». (1) برای وجودهای گریزان از مرکزیت توحید و فطرت و پاکی، نیروهای جاذبه معنوی لازم است، تا این تعادل و حرکت در «خط سیر» و شناوری در «فلک فوز و فلاح» را هماهنگ و برقرار سازد.

به قول الکسیس کارل: «... در زندگی دانشمندان و قهرمانان و پاکان، یک ذخیره تمام نشدنی از انرژی معنوی وجود دارد، این مردان، چون کوه‌هایی در میان دشت، سر بالا کشیده‌اند و به ما نشان می‌دهند که تا کجا می‌توانیم بالا برویم و چقدر هدفی که طبیعتاً شعور انسانی به آن متمایل است، عالی است. فقط چنین مردانی می‌توانند برای زندگی درونی ما غذای معنوی مورد نیازش را تهیه کنند». (2) «... از حقیقت‌هایی که در انعقاد شخصیت انسان و ساختن آن سخت مؤثر است، توجه انسان است به نمونه‌های والای فکر و اعتماد و اقدام و عظمت و حماسه و جهاد. اگر این نمونه‌های والا در میان زندگان باشند، چه بهتر، ولی انسان به گونه‌ای ویژه، به اشخاص تاریخی و گذشتگان اعتقاد دارد و کمالات و عظمت‌های آنان را- تا سر حد اساطیر- تقدیس می‌کند و بزرگ می‌دارد. بنابراین، بشر به طور فطری، از توجه به آثار باقیمانده، ابزار کار، محل سکونت و قبور بزرگان تاریخ و تأمل در احوالات آنان، چیزها می‌آموزد و به عظمت‌ها می‌رسد». (3) مرحوم نراقی نیز در باب الگوپذیری از اسوه‌های مسلم معنا، جهت برقراری تعادل روحی در انسان می‌نویسد: «نفوس نیرومند قدسی، به خصوص انبیا و ائمه،

1- «و اجعلنی ممن ینقلب من زیارة مشاهدة احبائک مفلحا منجحا قد استوجب غفران الذنوب و سترالعیوب و کشف الکروب»(مفاتیح الجنان، زیارت حضرت ابوالفضل، پایین پا).

2- راه و رسم زندگی، ص 101.

3- حماسه غدیر، ص 302.

پس از آزادی از قفس تن و صعود به عالم تجرد، در نهایت احاطه و استیلا بر امور جهان‌اند. امور جهان نزد آنان آشکار است و قدرت تأثیرگذاری در مواد عالم را دارند و هر کس که به زیارتشان برود، از آن آگاه و بر او شاهدند و اطلاع کامل از زایران مرقدشان و از درخواست‌ها و توسل‌ها و تضرع‌ها و شفاعت‌طلبی‌هایشان دارند. پس نسیم لطف این اولیا بر زایران می‌وزد و رشحاتی از فروغ آنان بر زایران می‌تابد و در رفع نیاز و برآورده شدن حاجت‌ها و رسیدن به مقصودشان و بخشش گناهانشان و رفع گرفتاری‌هایشان، در پیشگاه خداوند شفاعت می‌کنند. این است رمز این همه تأکید در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام. علاوه بر این‌که در این زیارت‌ها، اجابت دعوت ائمه و پیوند با آنان و خشنود کردنشان و تجدید عهد با «ولایت» شان و احیای امرشان و بالا بردن و اعتلای سخنشان و نابودی و ذلت دشمنانشان نهفته است ... و همه اینها اجری بزرگ و پاداشی فراوان دارد ...». (1) معنویت در هر عصری با خصایص آن دوره آفریده شده و متجلی گشته است. هر رهرویی برای ارتقا تا سطح آفرینشگر آن، همواره ناگزیر است بخشی از محتوا و روح معانی دوره‌های گذشته را از رهگذر زیارت افراد صاحب آن محتوا بازآفرینی کند و علاوه بر آن، به دگرآفرینی ویژه عصر خویش نیز بپردازد و معنویت تنها با چنین آفرینشی مداومی است که امکان تکامل خویش را فراهم می‌سازد. معنویت گذشتگان آن‌گاه که از نگاه بگذرد، ادراک و احساس مشهود را می‌سازد و هنگامی که بخواهد توسط شاهدان توصیف گردد، به شعر و شور می‌زند و چون به گوش شنوندگان رسد، در اندیشه‌ها به سان افسانه و اسطوره نشسته و در ایمان و اراده به صورت احکام، محرمات و فرامین بروز یافته و در مواجهه با سنت و آداب و رسوم، به چهره شریعت بیرون می‌آید ... و زیارت، از این مقوله است. یعنی اگر انسان برود و ببیند و خود را در فضاهای خاطره‌آمیز قرار دهد و در شعاع یک پرتو قرار بگیرد، چه

1- جامع السعادات، ج 3، ص 398.

بسا که حرارت معنی، وجود یخ‌زده زایر را گرم کند و فروغ دیدار، خانه دل را روشن سازد و دیده اهل نظر، مس وجودش را کیمیا کند.
سوی دیگر قضیه آن است که «زیارت»، محبت و شناخت می‌آورد و از آن جهت، عامل سازنده و تربیت‌کننده است. گاهی موتور محرک انسان در دیدار و زیارت، شناخت و علاقه و انس قلبی است- که از آن یاد شد- و گاهی زیارت و دیدار، باعث محبت باطنی می‌گردد. چراکه از نزدیک، جمال معنی را می‌بیند و به مشاهده ارزش‌های متعالی می‌رسد و علاقه‌مند می‌شود. روشن است که اگر محبت آمد، به دنبالش، طاعت و عبادت و عبودیت و همرنگ شدن با محبوب و سنخیت یافتن با معشوق و حرکت در راستای خواسته او و عمل بر طبق رضای حق و ... همه و همه به دنبال می‌آید. محبتی کارساز است که از قلب به اندام سرایت کند و از درون، اعمال برون را کنترل و هدایت نماید. منتهی، صرف رفتن کافی نیست. «دیدن» هم لازم است. تا به شهود جمال حق نایل نشود، آتشگیره عشق، وجودش را مشتعل نمی‌سازد. اگر رفت و دید و به شهود رسید و زیبایی حقیقت و جمال فضیلت را دریافت، به طور طبیعی، «معرفت» هم می‌یابد.
به قول هاتف:
چشم دل باز کن، که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی
گر به اقلیم عشق روی آری همه آفاق، گلستان بینی
آنچه بینی، دلت همان خواهد آنچه خواهد دلت، همان بینی
بی‌سر و پا گدای آن‌جا را سر به ملک جهان، گران بینی
دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی
با یکی عشق ورز، از دل و جان تا به عین الیقین عیان بینی
که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو
به طور قطع نتیجه این معرفت آن خواهد شد که کسی که می‌داند از سرچشمه

غایی(معنا) دور افتاده است، با همین دانایی نشان می‌دهد که نه فقط جدایی حاصل آمده، بلکه وصل و وحدت دوباره رخ خواهد داد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از پیامدهای عصر جدید، تأکید بیش از حد بر «فردیت» انسان است؛ به گونه‌ای که به تدریج به پدیده «خود شیفتگی» آدمی منجر می‌شود. به اعتقاد اریک فروم «انسان خودشیفته» از مظاهر عصر جدید است؛ (1) انسانی که پیوسته منتظر است تا دیگران محبت و عشق خویش را نثارش کنند، ولی چنین وظیفه‌ای را برای خود در قبال دیگران قائل نیست تا محبت و عواطفش را نثار دیگران کند، نتیجه منطقی چنین وضعیتی، گسست عاطفی افراد از یکدیگر است؛ افرادی که انگیزه کم‌تری برای ارتباط با یکدیگر دارند مسلماً در برآورده ساختن مطالبات خود نیز کم‌تر چشم امید به هم می‌دوزند. در نتیجه هر چند بازیابی هویت انسانی به معنا و مفهوم احساس پیوند با دیگران و پذیرش از سوی آنان، درک جایگاه و منزلت فرد در جامعه و درک انتظارات متقابل فرد و جامعه، پدیده‌ای است که در آحاد انسانی چونان یک نیاز و ضرورت خودنمایی می‌کند، اما خودشیفتگی مذکور و محدودیت‌های ناشی از آن، مانع پاسخگویی مناسب به آن است.

پیامد چنین وضعیتی، پیدایش نوعی بحران معناست که هر چند آحاد انسانی از آن آگاه‌اند، اما به دلیل بی‌اعتمادی به یکدیگر که عمدتاً از فقدان آموزه‌های مشترکی که در غالب یک نظم معنایی می‌تواند زمینه پیوند را فراهم آورد ناشی می‌شود، قادر به حل آن نیستند. بدین ترتیب ضرورت یافتن راهکاری مناسب جهت برون رفت از حالت فقدان معنا، ذهن بشریت را به خود مشغول داشته است. همین ضعف و ناتوانی ذاتی انسان در اداره امورش، می‌تواند مهم‌ترین عامل در راهیابی انسان به

1- هنر عشق ورزیدن، ص 14.

خالق خود باشد. ناگفته پیداست در صورتی پرورش حس خداجویی میسّر می‌شود که انسان دائماً نقصان و فقر وجودی خود، و غنا و بی‌نیازی خداوند را متذکر شود و این مهم جز در سایه تداوم ارتباط با قدرت قاهره الهی(نیایش)، از طریق دیگری میسور نیست.

دعا و زیارت انسان را از انزوای درون بیرون آورده، به جمع پیوند می‌زند و آن در حقیقت، همدم شایسته‌ای است که تنهایی و غربت وحشتناک را به انس و الفت مبدّل می‌سازد؛ زیرا شخصی که در حال نیایش است، نه تنها خود را تنها نمی‌بیند، بلکه با چشم دل می‌یابد که در آن حالات عرفانی، مجموعه کاینات با او همنوا هستند؛ چه آن‌که به فرمایش قرآن کریم: «هر موجودی تسبیح و حمد خدا می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید». (1) به قول مولوی:

گر تو را از غیب چشمی باز شد با تو ذرّات جهان همراز شد

نطق آب و نطق خاک و نطق گِل هست محسوس حواس اهلِ دل

جمله ذرات عالم در نهان با تو گویانند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیر و با هُشیم با شما نامحرمان ما خامُشیم

در دعا و نیایش است که انسان خود را آن‌گونه که هست، می‌بیند، به نقص و عیب خویش آگاه می‌گردد و مانع این می‌شود که در او «خودپنداری» جایگزین «خود حقیقی» شود و هرگز این دو را با یکدیگر خلط نکرده، پیوسته از هم تمیز می‌دهد.

این که آدمی بپذیرد که دارای نقص است، خود یک بینش آگاهانه است و این که شوق طلب برای وصول به تکامل و کامل شدن که تلاش برای شناخت بیشتر و بهتر انسان‌ها را در پی دارد، بینشی آگاهانه‌تر می‌طلبد. دستیابی به چنین بینشی به طور قطع در سایه‌سار ارتباط با انسان‌های کاملی فراهم می‌آید که در پیمودن مسیر کمال، می‌توانند الهام‌بخش سالکان این طریق باشند. برقراری این ارتباط که مقدمه نیل به

1- سوره اسراء، آیه 44.

معرفت و شناخت حقیقی است، با رو در رو شدن و گفت‌وگو محقق می‌شود. پیوند میان دیدن و دانستن، از احساس نیاز در درون و ژرفای آدمی برای رسیدن به نوعی تکامل و پیشرفت، انسان را به پیشگاه وارستگان طریق عبودیت که ترجمان معنای انسانیت است، می‌کشاند.

صدر المتألهین شیرازی می‌گوید: هر وجودی که ناقص باشد، همواره شایق است که کامل‌تر گردد و چون همه هستی ناقصند همه شایقند که کامل شوند و شدت و قلت شوق بستگی به شدت و ضعف وجود دارد. (1)

«زیارت»، از این مقوله است، پیوند ژرف ناقص با کامل، محبت و علاقه مفرط به رهایی از نقص و پیوست به معناست. از این‌رو آنچه زایر را به پیمودن راه‌ها و طی مسافت‌ها و تحمل رنج سفر و بیم بادیه و استقبال از خوف و خطر وا می‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست. و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می‌بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می‌شود. شوق، انسان راکد را حرکت می‌بخشد و ساکن را مهاجر می‌کند و عافیت طلب را بادیه پیما می‌سازد:

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

برای عاشق شایق، نه تنها خود محبوب، جالب و جاذب است، بلکه هر چیزی هم که به گونه‌ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه‌دار است و دلداده را به سوی خود می‌کشد.

در زیارت چنین است. چگونه می‌شود که عاشق خدا و دوستدار پیامبر و اهل بیت، و محب صالحین و صدیقین و شهدا و اولیا اللّٰه، شوق دیدار خانه خدا و بیت اللّٰه و مزار و مرقد و خانه و شهر و دیار معشوق را نداشته باشد و شیفته دیدار کعبه و مدینه و مزار ائمه و قبور صالحین و شهرهای خاطره‌آمیز و شوق‌انگیزی که ریشه در فرهنگ دینی ما دارد نباشد؟!

1- دین، گفتگوی تمدن‌ها و ... به نقل از تفسیر آیه نور، ملاصدرا، ص 112، در مجموعه مقالات انسان معاصر، دین و کارکردهای آن، ص 330.

از این‌روست که «زیارت»، در ارزش و پاداش، هم‌پای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است؛ چه آن که در پیوست به معنا، پوینده طریق زندگی ارزش و معنای حیات را درک می‌کند و از فرصت ایجاد شده در جهت کمال خویش سود می‌برد.
دعا و زیارت علاوه بر کارکرد معنابخشی به حیات انسان، باعث اطمینان قلب و قدرت روحی نیز می‌شود؛ زیرا انسان در نهایت، به ویژه در وقت اضطراب، غالباً با حضور قلب و خلوص نیت رو به سوی خدای می‌آورد و با او درد دل می‌کند، عقده‌های خویش را بیرون می‌ریزد و اسرار خود را، که در نهان‌گاهش محافظت می‌شد، به زبان می‌آورد و تنها از او راه چاره و گریزگاه طلب می‌نماید و با آه و ناله تقاضای کمک می‌کند و این خود طمأنینه و آرامش کاملی در پی خواهد داشت.
به دیگر سخن، وقتی نیایشگر از بن جان و ژرفای دل، دست به دعا در اماکنی که آکنده از عطر معنویت است، بر می‌دارد، نوعی شادابی و بهجت و انبساط معنوی در درون خود احساس می‌کند که حاضر نیست به هیچ بهایی آن را از دست بدهد. دعا و زیارت در انسان حالت روشن‌دلی و روشن‌بینی و آرامش ایجاد می‌کند و در حکم چراغی می‌گردد که در درونش روشن شده باشد، بر خلاف افرادی که با دعا و یاد خدا رابطه ندارند و همیشه خانه دلشان تاریک و ظلمانی است و از درک و بینش و روشنایی بی‌نصیبند و از دعا و زیارت به عنوان نیروی بهجت‌زا، انبساط‌آفرین و لذت‌بخش محرومند.

فهرست منابع

1. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، 1346.
2. جامع السعادات، مهدی بن ابی ذر نراقی، نجف، مطبعة النجف، 1383 ق.
3. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جعفربن حسن محقق حلی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
4. حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1364.
5. دین، گفتگو تمدن‌ها و ... به نقل از تفسیر آیه نور، ملاصدرا، در مجموعه مقالات انسان معاصر، دین و کارکردهای آن، مریم السادات سنگی، انتشارات دانشگاه مازندران، 1385.
6. راه و رسم زندگی، آلکسیس کارل، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، تأیید، 1344.
7. روان‌شناسی یکتاپرستی، مهدی پروا، تهران، انتشار، 1380.
8. غرر الحکم و درر الکلم، سخنان امام علی علیه السلام، گردآوری تمیمی آمدی.
9. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
10. مقایسه میزان افسردگی و اضطراب دو گروه از دانش‌آموزان پسر و دختر عضو فعال انجمن اسلامی و سایر دانش‌آموزان در شهرستان علی‌آباد کتول، عباسعلی باقری، رساله کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، 1373.
11. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، 1383.
12. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری رجا، چاپ چهارم، 1367.
13. نهج البلاغه، سخنان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، گردآوری سید رضی.
14. نیایش، آلکسیس کارل، ترجمه علی شریعتی، تهران، الهام، 1377.

ص: 814

15. همه مردم برادرند، مهاتما گاندی، ترجمه محمود تفضّلی، تهران، امیرکبیر، 1366.

16. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید، 1366 ..

17. Koenig, H. G.(1994), The Relationship between Judeo C h ristianRelig ionand.

7. نقش زیارت در تحول رفتار و شخصیت

غلامرضا صالحی

چکیده
زیارت و تشرّف به اماکن مقدس به‌ویژه زیارت قبور مطهر حضرات اهل بیت عصمت علیهم السلام از اموری است که در منابع اسلامی بدان بسیار سفارش شده است و آن به‌خاطر اثرات عمیق و اساسی و معنوی خاصی است که در روح و روان انسان ایجاد می‌کند و رفتار و شخصیت او را تحت شعاع قرار می‌دهد و ایمان و معنویت را در قلب او استوار می‌سازد. این نوشتار بر آن است تا به اثرات و ثمرات زیارت اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السلام و نقش روحی و روانی زیارت چنین جایگاه‌های معنویت و انسانیت، در شخصیت انسان و متحول نمودن آن بپردازد. اهمیت تحول در رفتار، ارتباط رفتار و شخصیت، معیارهای شخصیت بهنجار، عوامل مؤثر در شخصیت، زیارت و امنیت روانی، زیارت و ارتباط خوب، زیارت و امیدواری در زندگی، زیارت و داشتن الگوی راستین و کامل، زیارت و عزت دنیوی و اخروی، از بحث‌های اصلی این مقاله می‌باشد که به تبیین آنها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، رفتار، شخصیت، شخصیت ایده‌آل، تعامل، امیدواری، الگوپذیری، عزت‌طلبی.

مقدّمه

همه مکاتب تربیتی در طول تاریخ می‌کوشیدند تا در رفتار و کردار انسان تغییر و تحول ایجاد نمایند و او را بر طبق اهداف و اصول تربیتی خود تربیت نمایند. در مکتب تربیتی اسلام نیز هدف اصلی آن است که انسان را از منجلاب رفتارهای

غیر اخلاقی و آداب غلط غیر الهی نجات بخشد و او را به سوی کمال و سعادت حقیقی سوق دهد و رفتار و شخصیت الهی و اسلامی را در وجودش استوار گرداند.
خداوند متعال در معرفی وجود مقدس و نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت را عامل اساسی جدا سازی بشریت از رفتارها و کنش‌های نامطلوب که مانند زنجیرهای آتشین آنها را فرا گرفته است، دانسته و در این باره چنین می‌فرماید: «وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبتِ وَیُحَرّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبلِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَلَ الَّتِی كَانَتْ عَلَیْهِمْ»؛ (1)
و او کسی است که طیبات و خوبی‌ها را برای آنان حلال و چیزهای پلید را برایشان حرام می‌سازد و سختی و زنجیرهای(آداب و رسوم غلط) را که در برابرشان بود، مرتفع سازد.
این همان چیزی است که ما از آن به تغییر رفتار یاد می‌کنیم و همه انبیا و اوصیای الهی در صدد تحقق آن بودند. برای تغییر رفتار و شخصیت انسان، با توجه به جنبه تأثیرپذیری انسان، عوامل زیادی دخالت دارند. یکی از مهم‌ترین آنها که در منابع دینی ما از آن یاد شده است، زیارت اماکن مقدس و قبور مطهر معصومین علیهم السلام می‌باشد که به نوبه خود اثرات شگرفی در شخصیت و منش انسان‌های با ایمان ایجاد می‌کند.
اگر ما اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السلام را محل نزول رحمت‌های الهی و جایگاه نور و معنویت و برکات قدسی بدانیم و در این مکان‌هاست که توفیقات الهی شامل حال بندگان خداوند متعال می‌شود، پس باید این چنین گفت که بهترین جایگاهی که مردم می‌توانند در رفتارهای خود تجدید نظر نمایند و با الگوپذیری از انسان‌های کامل و معصوم یک شخصیت الهی و مورد نظر اسلام و قرآن برای خود ایجاد کنند، همین اماکن نورانی و وحیانی می‌باشد.
قبل از هر چیز شایسته است تا به اهمیت و جایگاه این بحث پرداخته شود.
اهمیت و ضرورت بحث
بدون شک انسان موجودی ضعیف می‌باشد و نمی‌تواند بدون یاری از نیروهای متافیزیکی و غیر مادی خود را به کمال و سعادت، که همان قرب الهی است، برساند.

1- سوره اعراف، آیه 157.

در این راه ناگزیر است که خود را ملزم به استمداد از این نیروهای الهی نماید.
تصور بعضی از مردم این است که زیارت اماکن مقدس به‌ویژه قبور معصومین علیهم السلام، یک امری جزئی و فقط برای رسیدن به آرزوهای و آرمان‌های دنیوی و مانند آن می‌باشد و در نتیجه از برکات و فواید اصلی و حیاتی آن غافل می‌باشند. این در حالی است که زیارت این مکان‌های شریف، مخصوصاً زیارت معصومین علیهم السلام که حیات و مماتی برای آنان به معنای واقعی وجود ندارد، می‌تواند بهترین رفتار و شخصیت الهی و ایده‌آل را برای انسان به ارمغان آورد، تا در وهله اول بتواند یک زندگی و اخلاق و رفتار نرمالی با مردم داشته باشد و ثانیاً بتواند به سعادت و کمال نهایی که همان قرب الهی است، دست یابد.
در عالم کسی را نمی‌توان یافت که از اخلاق و شخصیت متعادل- که ما از آن به رفتار الهی تعبیر می‌کنیم- لذت نبرد و هر کسی به نوبه خود مخصوصاً اهل ایمان دوست دارد که بالأخره رفتار و کردار خود را تصحیح نماید و خود را به مرز انسان کامل، نزدیک کند. پرواضح است که با توجه به منابع دینی ما مسلمانان، انس و ارتباط دایم با اماکن مقدس و زیارت قبور معصومین علیهم السلام و وابستگان به آنها، از عوامل مهمی می‌باشد که می‌تواند ما را در دستیابی به یک شخصیت الهی و اسلامی و مورد قبول و رضایت معصومین علیهم السلام یاری رساند و آنچه را که لازمه یک زندگی مطلوب با رفتاری خداپسندانه می‌باشد، به انسان عطا نماید. پس به طور خلاصه می‌توان اهمیت این مبحث را در این موارد ارائه نمود:
1. ضعف و ناتوانی انسان، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند داعی انسان قرار گیرد تا برای تصحیح شخصیت خود و الگوپذیری از انسان‌های کامل و معصوم به زیارت آنها و اماکن مقدس مشرّف شود.
2. زیارت اماکن مقدس و قبور معصومین علیهم السلام، علاوه بر ثواب‌های فراوانی که برایش وارد شده است، یکی از وسیله‌های مهم برای رسیدن به اخلاق و رفتار

مطلوب و در نتیجه سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد و این امری است که در اکثر موارد مورد غفلت واقع شده است.
3. اخلاق و رفتار ایده‌آل، همان رفتاری است که مورد قبول منطق قرآن و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و رمز رسیدن به چنین شخصیت الهی در گرو انس و ارتباط با اماکن مذهبی و وحیانی می‌باشد و با استمداد از این ذوات مقدس علیهم السلام است که می‌توان قلّه‌های ایمان و اخلاق و رفتار و شخصیت واقعی قرآنی و اسلامی را فتح کرد و از چنگال شوم مکاتب مادی و بشری و مانند آن رهایی یافت.
تعاریف کاربردی
زیارت: واژه زیارت از ماده «زار» به معنای دیدن و ملاقات کردن و مانند آن به کار رفته است و گاهی به معنای حج و مسافرت نیز آمده است. در اصطلاح زیارت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «زیارت عبارت است از رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌های معصومین علیهم السلام به عنوان تشرف باطنی برای کسب فیض از قبور منور آن ذوات مقدس». (1)
رفتار: «رفتار در لغت به معانی سلوک، معامله، خوش رفتاری، حسن سلوک، عمل کردن، حرکت کردن و مانند آن است». (2) و در اصطلاح عبارت است از: «عملی که از فرد سر می‌زند و یا سخنی که به زبان می‌آورد». بر اساس علم روان‌شناسی، رفتار را این‌گونه تعریف می‌کنند: «هر فعالیتی که ارگانیسم(جاندار) انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری، قابل مشاهده یا اندازگیری است». (3)
شخصیت: شخصیت در لغت به معنای شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه، درجه، منش و غیره استعمال شده است. (4) برای شخصیت تعریف‌های زیادی بیان کرده‌اند که به دو تعریف اصلی اشاره می‌گردد:
1. شخصیت عبارت است از «سازمان پویای درون فرد که مشتمل است بر آن

1- ر. ک: لغت‌نامه دهخدا، ج 17، ص 89.

2- همان، ج 26، ص 534.

3- تغییر رفتار، ص 41.

4- لغت‌نامه دهخدا، ج 30، ص 279.

دسته از سیستم‌های روان تنی که رفتارها و افکار انسان را مشخص می‌سازد».
2. شخصیت به «الگوهای رفتار اطلاق می‌شود که سازگاری هر فرد را در مقابل محیط زندگی مشخص می‌کند». (1) ارتباط رفتار و شخصیت
اگر بخواهیم شخصیت هر انسانی را موشکافی و تحلیل نماییم و به ابعاد مختلف آن پی ببریم، بدون شک ناگزیریم که رفتار و کنش‌های او را بررسی نماییم. در این‌جاست که در می‌یابیم که شخصیت انسان(با توجه به تعاریفی که از شخصیت ارائه شد) چیزی جز رفتارهای او که به صورت ظاهر، نمایان می‌شود، نمی‌باشد. پس اگر در این مقاله صحبت از شخصیت و تحول در آن به میان می‌آید، همان رفتارهای ایده‌آلی می‌باشد که مورد قبول موازین عقلی و شرعی است. در نتیجه شخصیت و رفتار، دو مقوله‌ای می‌باشند که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و دو چیز جدای از یکدیگر نیستند.
معیار رفتار و شخصیت بهنجار
تغییر و تحول در شخصیت و رفتار آدمی، یکی از مقوله‌های مهمی است که در تمامی مکاتب تربیتی مطرح می‌باشد و هر مکتبی می‌کوشد که طبق اعتقادات و باورها و ارزش‌های جامعه خود، در شخصیت و رفتار انسان‌ها تحول ایجاد کند. ولی با توجه به جهان‌بینی اسلامی و قرآنی، شخصیت بهنجار مکتب اسلام با سایر مکاتب جهان مانند لیبرالیسم، اومانیسم و ... تفاوت‌های ماهوی دارد. در چنین مکاتبی، یک شخصیت و رفتار بهنجار را در پرداختن به امور مادی و این جهانی و بهره‌وری بیشتر از لذات آن، خلاصه می‌کنند و شخصیت آدمی را به مرز حیوانیت نزدیک می‌نماید، اما در مکتب انسان‌ساز اسلام، یک شخصیت بهنجار دارای خصوصیات الهی-

---

1- روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، ص 10.

انسانیِ منحصر به فردی می‌باشد که می‌توان آنها را این‌گونه بیان نمود:
1. عقل گرایی در رفتار و شخصیت
یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده است تا به واسطه آن به سعادت دنیوی و اخروی برسد و از دایره حیوانات خارج شود، نعمت عقل و فهم و شعور می‌باشد. هرگاه در اسلام سخن از شخصت و رفتار ایده‌آل به میان می‌آید، منظور همان شخصیتی است که مطابق با عقل و تحت فرمان آن می‌باشد. چنین شخصیتی است که می‌تواند فرق میان امورات مطلوب و نامطلوب را تشخیص دهد و بهترین گزینه را برای سعادت خود انتخاب کند. قرآن کریم در تمجید کسانی که از نیروی عقل خود استفاده می‌کنند، چنین می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُو أُوْلئِکَ الَّذِینَ هَدَ هُمُ اللَّهُ وَ أُوْلئِکَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَبِ»؛ (1)
ای پیامبر، بندگان مرا بشارت بده، همان‌ها که اقوال مختلف را می‌شنوند و بهترین را بر می‌گزینند و پیروی می‌کنند؛ آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده و صاحبان عقل و شعور می‌باشند.
2. فطرت جویی در رفتار و شخصیت
انسان موجودی دو بعدی است. علاوه بر جسم و تنِ مادی و فیزیکی، دارای یک روح الهی می‌باشد. در تربیت انسان می‌بایست به هر دو بعد انسان توجه کامل داشت. ولی با چنین توصیفاتی باید گفت که اصل وجود آدمی در روح او مخصوصاً فطرت الهی و توحیدی او خلاصه می‌گردد و جسم و تن انسان به عنوان یک ابزار در خدمت روح و روان وی قرار دارد. اگر ما دم از انسانیت و شخصیت اومانیستی بزنیم، ولی فطریات الهی انسان را فراموش کنیم، سخت به بیراهه رفته‌ایم. (2) یک شخصیت سالم و رفتار ایده‌آل، دقیقاً از فطریات درونی خود که چیزی جز خداپرستی و میل به کمالات

1- سوره زمر، آیات 17 و 18.

2- ر. ک: بهداشت روان در اسلام، ص 36.

انسانی نیست تبعیت می‌کند. این فطریات را خداوند به طور جاودانه در وجود انسان قرار داده است و غیر قابل تغییر می‌باشد. سعادت آدمی و رسیدن او به یک شخصیت و رفتار ایده‌آل، در گرو پیوند با این امور ذاتی می‌باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَاتَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛ (1)
آن فطرت و سرشتی که خداوند مردم را بر اساس آن خلق کرد و خلقت خدایی تغییرناپذیر است.
3. هدف گرایی در رفتار و شخصیت
از دیگر خصوصیات شخصیت و رفتار بهنجار از دیدگاه اسلام این است که بر طبق هدف خلقت باشد و مسیر اصلی سعادت خود را در یابد. اسلام بر خلاف مکاتب انسانی و مادی که هدفی جز نیل به تنعمات این جهان و رسیدن به شهوات آن ندارند، برای انسان هدفی مافوق این اغراض ترسیم کرده است.
بدون تردید خداوند متعال ما را برای عبادت و بندگی خود و انجام کارهای شایسته خلق کرده است، چنان‌که قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ»؛ (2)
و جن و انس را فقط برای عبادتم خلق کردم. در نتیجه یک رفتار و شخصیت ایده آل الهی آن است که هدف زندگی را گم نکرده باشد و فریفته زرق و برق این جهان نگردد و با انجام کارهای شایسته و خداپسندانه، خود را به سعادت دنیوی و اخروی رساند.
عوامل تحول‌زا در رفتار و شخصیت
با توجه به این‌که انسان از یک سو تأثیرگذار است و از سوی دیگر تأثیرپذیر از عوامل پیرامون خود می‌باشد، عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند رفتار و شخصیت او را متحول سازد و به سوی کمال یا هلاکت سوق دهد. مهم‌ترین این عوامل را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: خانواده، تعلیم و تربیت و محیط.

1- سوره روم، آیه 30.

2- سوره ذاریات، آیه 56.

از عوامل مهمی که نقش کلیدی را در تحول رفتار و شخصیت انسان ایفا می‌کند، عوامل محیطی می‌باشد. پرواضح است که انسان به طور دائم با محیط اطراف خود، همچون دوستان، فضای رفت و آمد، مکان‌های مختلف در تماس می‌باشد و هر انسانی به نوبه خود از چنین عواملی تأثیر می‌گیرد. عوامل محیطی به قدری در تحول رفتار و شخصیت انسان مؤثر است که خداوند متعال از ما می‌خواهد که از محیطهای آلوده و غیر سالم دوری کنیم و همیشه با افراد و محیطهای سالم و الهی معاشرت نماییم وگرنه ما هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم.

زیارت و شخصیت

یکی از عوامل محیطی قوی و مؤثری که می‌تواند شخصیت و رفتار انسان را متحول سازد و آن را به نحو شایسته و عمیقی به سوی یک رفتار و شخصیت بهنجار و مطابق با معیارهای دینی و عقلی سوق دهد، زیارت مکان‌های مقدس و حرم‌های مطهر معصومین علیهم السلام مخصوصاً حضرات اهل بیت علیهم السلام و وابستگان به آنها می‌باشد. اگر در منابع دینی ما بسیار سفارش شده است که همیشه خود را با محیطهای معنوی و دینی مأنوس کنیم و ارتباط دائمی با چنین جاهایی داشته باشیم، به خاطر تأثیراتی است که در روح و روان آدمی ایجاد می‌شود. بدون شک بالاترین و کامل‌ترین مصداق چنین محیطهای معنوی و الهی، قبور نورانی معصومین علیهم السلام و نیز مکان‌های مقدس مانند خانه خدا و غیر آن می‌باشد. در چنین فضاهایی احساس می‌کند که تمام وجودش مملو از نور و صفا و معنویت شده است و میل به رفتارهای شایسته پیدا می‌نماید. در این‌جاست که شخصیت الهی و ایده‌آل او شکل می‌گیرد و به واسطه جذابیت چنین اماکن الهی، در رفتارهای ناپسند خود تجدیدنظر می‌نماید.

قرآن کریم در توصیف این مکان‌های معنوی و نورانی، مخصوصاً حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم السلام، آنها را به مکان‌های ذکر و یاد خدا تشبیه می‌کند که در آن انسان‌ها به بندگی و عبادت او می‌پردازند و چیزی جز معنویت از آن احساس نمی‌شود. قرآن

کریم در این باره می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُو يُسَبّحُ لَهُو فِيهَا بِالْغُدُوّ وَ الْأَصَالِ ...»؛ (1) در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است که مقام و منزلت پیدا کند و ذکر خداوند در آن گفته شود و در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح و تقدیس او در آن خانه‌ها شود. سِرّ همه سفارشاتی که درباره زیارت اماکن قدسی و معنوی شده است، این است که انسان از فیوضات مادی و معنوی آنها بهره‌مند گردد و زندگانی دنیوی و اخروی خود را به واسطه آن درخشان و پر ثمر گرداند.

ما در ادامه مبحث به تأثیرات معنوی و روحی زیارت در روان انسان، که اصلی‌ترین ثمره زیارت است، می‌پردازیم.

تأثیرات زیارت در رفتار و شخصیت

زیارت و تشرف به اماکن مقدس و انس با چنین مکان‌های نورانی و معنوی، می‌توان تحولات و تغییرات مثبتی را در روح و روان و شخصیت آدمی بگذارد که مهم‌ترین این تأثیرات از این قرارند:

1. زیارت و امنیت روانی

یکی از تأثیرات روانی مهمی که زیارت اماکن مقدس در روح و روان آدمی ایجاد می‌کند و می‌تواند از او یک شخصیت ایده‌آل با رفتارهای شایسته بسازد، مسأله آرامش و آسایش قلبی و روانی زایر می‌باشد. بدون تردید یکی از نیازهای اساسی انسان که حتی امکانات مادی هم در سایه آن معنا پیدا می‌کند و بدون آن زندگی چیزی جز تحمل رنج و بدبختی و ناراحتی نمی‌باشد، آرامش روحی و روانی است. یکی از انگیزه‌هایی که روان‌شناسان و روان‌کاوان درباره آن بحث می‌کنند و موجب می‌شود که انسان از ناراحتی و اضطراب رهایی یابد، اثبات وجود و یا انگیزه امنیت‌طلبی است. (2) یعنی انسان به خودش بقبولاند و تلقین کند که یک نیرویی والا وجود دارد که

1- سوره نور، آیه 36.

2- ر. ک: بهداشت روان در اسلام، ص 170.

می‌تواند او را نجات دهد و در این صورت است که به آرامش روانی دست می‌یابد.
انسان با زیارت اماکن مقدس به‌ویژه حرم مطهر معصومین علیهم السلام، در می‌یابد که خود را متصل به یک نیروی متافیزیکی و الهی نموده است و اگر مشکلات او از راه عادی و طبیعی حل نشود، به واسطه تمسک به چنین فضاهای معنوی و توسل به آن ذوات مقدس، می‌تواند مشکلات پیش روی خود را مرتفع سازد. در این‌جاست که دغدغه و اضطراب جای خود را به آرامش و اطمینان عمیق روانی می‌دهد و شخص زایر به بهترین حالت روحی و روانی می‌رسد و این چیزی است که بارها در زندگی انسان‌های مؤمن تجربه شده است.
قرآن کریم یکی از ویژگی‌های اهل ایمان را اطمینان و آرامش قلبی و روانی می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (1)
کسانی که ایمان آورده و قلوبشان به یاد خداوند آرامش دارد همانا دل‌ها با یاد خدا آرامش می‌یابد. بدیهی است که این اهل ایمان هستند که با زیارت اماکن الهی و قبور مطهر معصومین علیهم السلام، یاد خدا را به واسطه این عرصه‌های معنویت در دل خود نهادینه می‌کنند و با توسل و التجا از ذوات مقدس معصومین علیهم السلام، سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورده و به آرامش روانی می‌رسند.
2. زیارت و روابط خوب انسانی
یکی از تأثیرات دیگری که زیارت اماکن مقدس می‌تواند در رفتار و شخصیت انسان ایجاد کند، تعامل شایسته شخص زایر با افراد جامعه و احترام به حقوق دیگران می‌باشد. از جمله خصوصیات یک انسان ایده‌آل از نظر اسلام این است که درباره حقوق دیگران بسیار حساس می‌باشد و همیشه سعی می‌کند که با تمام وجود با خلق خدا خوش رفتار باشد و نیز خواسته‌ها و نیازهای نیازمندان را بر طرف نماید. قرآن

1- سوره رعد، آیه 28.

کریم یکی از خصوصیات اساسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را، مهربانی و رأفت آن حضرت با مردم می‌داند ودر این باره می‌فرماید: «لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ»؛ (1)
و همانا رسولی از خودتان به سوی شما آمده است؛ برایش سخت است که شما در رنج و سختی باشید و بر هدایت شما حریص است و به شما مهربان و صمیمی است.
وقتی انسان وارد اماکن زیارتی، مخصوصاً حرم مطهر اهل بیت علیهم السلام می‌شود، خود را وارد دریای پاکی و صداقت و فضای معنوی می‌نماید و با توسل از آن ذوات مقدس می‌خواهد که اخلاق و رفتاری الهی و توحیدی پیدا کند و مانند رفتار و شخصیت معصومین علیهم السلام، بهترین تعامل را با خلق خدا داشته باشد. انسان زایر و کسی که با اولیای الهی حشر و نشر دارد، همیشه می‌کوشد که رفتار خود را با مردم اصلاح کند و ذره‌ای از حقوق آنان را زیر پا نگذارد.
اگر در آداب زیارت، موظف هستیم که حتی صدای خود را در موقع دعا کردن بلند نکنیم و یا در برآوردن حوایج دیگران بکوشیم، همه به این خاطر است که نیکی با دیگران و رعایت سایر حقوق دیگران به صورت ملکه و عادت در رفتار و شخصیت ما در آید و با دیگران طوری معاشرت کنیم که از رفتار و کردار ما نهایت رضایت را داشته باشند و اینها نعمت‌هایی است که انسان می‌تواند به واسطه زیارت به دست آورد.
3. زیارت و امیدواری در زندگی
یکی از دیگر اثراتی که زیارت اماکن مقدس در رفتار و شخصیت انسان ایجاد می‌کند، این است که انسان را به زندگی آینده و داشتن آینده‌ای زیبا و سعادت‌مند امیدوار می‌سازد و او را از یأس و نومیدی و بدبینی رها می‌سازد، که این یکی از نیازهای

1- سوره توبه، آیه 128.

روانی انسان می‌باشد. بدون شک انسان با امید و آرزو زنده است و اگر امیدواری به آینده را از انسان بگیرند، زندگی او متلاشی می‌گردد و هرگونه تلاش و فعالیت را از او سلب می‌کند. انسان‌های امیدوار دارای شخصیت‌های بزرگی هستند که گرمی و نشاط از چهره آنان نمایان است و به قول روان شناسان «امید به آینده مشکلات زندگی را در کامشان گوارا کرده است و کوچک‌ترین خللی در عزم و اراده آنها وارد نمی‌سازد و به دشواری‌ها لبخند می‌زنند و با قیافه‌ای باز به استقبال مشکلات می‌روند و به جای یأس و نا امیدی روح فعالیت و پشتکار را در خود ایجاد می‌کنند». [1] خداوند متعال از ما می‌خواهد که هیچ‌گاه نا امیدی را به خود راه ندهیم و از رحمت الهی غفلت نکنیم، و حتی یأس از رحمت الهی را از بزرگ‌ترین گناهان می‌شمارد، چنان‌که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَاتَاْیَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ و لَایَاْیَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکفِرُونَ»؛ [2]
هیچ‌گاه از رحمت خداوند نا امید نشوید، زیرا کسانی که از رحمت خداوند غافل می‌شوند از گروه کافران می‌باشند.
انسانی که خود را متصل به پایگاه مقدس می‌کند و خویشتن را در زمره معصومین علیهم السلام می‌داند، این احساس و هویت در رفتار و شخصیت او حاصل می‌شود که تنها و بی‌یار نمی‌باشد و می‌تواند با عنایات چنین انسان‌های الهی و توحیدی، زندگی دنیا و آخرت خود را آباد سازد. انسان زایر اگر هم از سر غفلت دچار معصیت و لغزشی شده باشد، هیچ‌گاه نا امید از غفران الهی نمی‌شود و می‌داند که در چنین اماکن نورانی می‌تواند توبه حقیقی نماید و خداوند به برکت معصومین علیهم السلام، او را از گرداب گناه نجات می‌دهد. این خود یک پتانسیل قوی برای زندگی معنوی و امیدوارانه او خواهد بود.
امام باقر علیه السلام زیارت قبور مطهر اهل بیت علیهم السلام را موجب آمرزش الهی می‌داند و می‌فرماید: «ای حمران؛ بشارت باد تو را؛ هرکس قبر شهدای آل محمد را زیارت کند

1- چگونه باید بود، ص 88.

2- سوره یوسف، آیه 87.

و هدفش پیوند با خداوند و پیامبر اکرم باشد، همانند روز تولد از مادر، از گناهان پاک شود». (1) انسان به واسطه زیارت اماکن مقدس مخصوصاً حرم معصومین علیهم السلام و توسل به آنان، سعادت دنیا و آخرت خود را از خداوند طلب می‌کند و می‌داند که با وجود چنین پشتوانه‌های الهی، نباید از زندگی خود نا امید گردد، بلکه باید با نشاط و سربلندی و با اراده‌ای قوی به زندگی هدفمند خود ادامه دهد و مشکلات را یکی پس از دیگری از جلوی راه خود بر دارد و با الگوگیری از انسان‌های کامل به شخصیت و رفتاری شایسته و مثبتی دست یابد.

4. زیارت و الگوپذیری

یکی دیگر از تأثیرات زیارت در تثبیت شخصیت و رفتار انسان این است که او را از سردرگمی و نداشتن یک برنامه مشخص نجات می‌دهد و الگوهای ایده آلی را برای داشتن یک زندگی شایسته، به انسان معرفی می‌کند. از نیازهای اساسی انسان برای داشتن یک زندگانی سعادت‌مندانه این است که همیشه کارهای خود را همراه با یک الگوی مناسب و شایسته انجام دهد و سعی کند هیچ کاری را بدون اقتباس از آن الگو انجام ندهد. انسان‌هایی که در طول تاریخ بشری، به مقامات عالیه انسانی و علمی و غیره رسیده‌اند، همگی در زندگانی خود دارای یک الگوی مشخص بوده‌اند و برنامه‌های زندگی خود را به واسطه آن الگو، تنظیم می‌کردند.

مسأله الگو به قدری اهمیت دارد که قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگویی نیکو برای اهل ایمان معرفی می‌کند و در این باره چنین می‌فرماید: «لَّقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن کَانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ الْیَوْمَ الْأَخِرَ وَ ذَکَرَ اللَّهَ کَثِیرًا»؛ (2)

همانا رسول خدا برای کسانی که امید به خداوند و جهان آخرت دارند و ذکر خدا را زیاد می‌گویند، الگوی شایسته‌ای می‌باشد.

1- ر. ک: وسائل الشیعة، ج 10، ص 259، ح 22؛ امالی شیخ صدوق، ج 2، ص 28.

2- سوره احزاب، آیه 21.

بدون شک یک انسان زایر وقتی به زیارت اماکن مقدس مشرّف می‌شود، در واقع خود را با تمام وجود وابسته به آن ذوات مقدس معصومین علیهم السلام که انسان‌های کامل هستند، می‌داند و در رفتار و گفتار، آنها را الگوی خود قرار می‌دهد تا بدین وسیله بتواند به یک شخصیت ایده‌آل که سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند دست یابد. زایر با توسل به ذوات مقدس معصومین علیهم السلام که واسطه فیض الهی می‌باشند، خود را تسلیم آنها می‌کند و از آنان می‌خواهد که در تمامی مراحل زندگی یاد و مددکار او باشند، و با الگو قرار دادن آنها، از دره‌های ضلالت و گمراهی نجات می‌یابد.

چنان‌که در زیارت وارث، شخص زایر خطاب به اهل بیت علیهم السلام چنین می‌گوید: «قلبی لقلبکم سلم و أمری لأمرکم متّبع»؛ (1) قلب من با قلب شما موافق است و امر و کار من با فرمان و امر شما همراه است.

5. زیارت و عزت نفس

از دیگر تأثیرات روحی و روانی که زیارت می‌تواند در شخصیت و رفتار انسان ایجاد کند، به دست آوردن عزت دنیوی و اخروی و سربلندی در نزد مردم جامعه می‌باشد.

روان‌شناسان و روان‌کاوان بر این عقیده‌اند که یکی از نیازهای فطری و غریزی انسان این است که دوست دارد سرافراز و با عزت زندگی کند و دیگران ارزش و هویت برای او قائل شوند. هیچ انسانی را در کره زمین نمی‌توان یافت که دوست نداشته باشد عزتمند و با احترام زندگی کند، زیرا این یک میل درونی و ذاتی آدمی می‌باشد.

انسانی که در زندگی دارای عزت و شرافت نیست، هیچ‌گاه شخصیت و رفتار ثابت و نرمالی ندارد و با چنین شرایطی تمام امید خود را از دست خواهد داد و وظیفه اصلی خویش را انجام نمی‌دهد و با ذلت و سردرگمی به زندگی خود ادامه می‌دهد.

علاوه بر عزت دنیوی، در آخرت هم انسان‌های مؤمن دوست ندارند که خوار شوند

1- ر. ک: مفاتیح الجنان، ص 429.

و امید دارند که با الطاف الهی سربلند محشور شوند. قرآن کریم، میل عزت‌طلبی را از لوازم زندگی انسان می‌داند و تنها راه عزت‌طلبی واقعی را ایمان به خداوند متعال معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لكِنَّ الْمُنفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (1)
و عزت فقط از آن خدا و رسولش و اهل ایمان می‌باشد، ولی گروه منافقین این را نمی‌دانند.
زیارت اماکن مقدس و حرم مطهر معصومین علیهم السلام از جمله جاهایی است که انسان می‌تواند با تمسک به اولیای الهی و استعانت از آنان، به درجات عالی ایمان و معنویت دست یابد و با الگوپذیری از چنین شخصیت‌های الهی است که عزت دنیوی و اخروی انسان فراهم می‌آید و انسان مؤمن در چشم سایر مردم عزیز خواهد شد و با چنین عزت الهی، در میان مردم به بالاترین فعالیت دست می‌زند و این میل ذاتی و غریزی او تأمین می‌شود. در زیارتنامه امین اللّه یکی از خواسته‌های زیارت کننده این است که خداوند او را عزت و محبوبیت عطا کند و این همان میل روانی انسان می‌باشد که دوست دارد دارای عزت و احترام باشد و از ذلت و سرشکستگی گریزان می‌باشد، چنان‌که در آن زیارت چنین می‌خوانیم: «محبوبة فی أرضک و سمائک»؛ (2) خدایا مرا در زمین و آسمان خود، محبوب گردان. بدون شک یک شخصیت والا و رفتار ایده‌آل موقعی به دست می‌آید که انسان دارای عزت و سربلندی باشد تا در سایه چنین عزت الهی، خود را به درجات عالیه انسانیت برساند و زندگی خود را وقف عبادت و خدمت به بندگان خداوند کند.
نتیجه‌گیری از مباحث
با توجه به مطالب مذکور و بررسی نقش زیارت در تغییر و تحول رفتار و شخصیت آدمی، نکات زیر قابل ارائه و دقت‌نظر می‌باشد:
1. دو عنصر رفتار و شخصیت دارای ارتباط عمیقی با یکدیگر می‌باشند و

1- سوره منافقین، آیه 8.

2- ر. ک: مفاتیح الجنان، زیارت امین اللّه، ص 575.

مجموعه رفتارهای انسان است که شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد و شخصیت آدمی چیزی جز رفتارهای مثبت و منفی او نمی‌باشد.
2. یک شخصیت نرمال دارای ویژگی‌هایی می‌باشد که عقل‌گرایی و مطابقت با فطرت و هماهنگی با هدف الهی از مهم‌ترین آنهاست.
3. نتایج زیارت را نمی‌بایست فقط در امور مادی و دنیوی خلاصه کرد و باید به اثرات روحی و روانی آن نیز توجه داشت.
4. زیارت اماکن مقدس و قبور مطهر معصومین علیهم السلام، از جمله عوامل محیطی مؤثر در تحول شخصیت و رفتار انسان می‌باشد که می‌تواند اثرات روحی وروانی زیادی در انسان ایجاد کند که امنیت روحی و آسایش روانی، ایجاد روابط خوب انسانی با مردم، ایجاد حس امیدواری و دوری از یأس و نومیدی، داشتن الگویی ایده‌آل و راهنمایی مهربان و الهی، داشتن عزت دنیوی و اخروی و ارزشمندی در نگاه مردم جامعه، از اصلی‌ترینِ این تأثیرات روحی و روانی است که شخص زایر می‌تواند با چنین نعمت‌های روانی و روحی، سعادت دنیوی و اخروی را برای خود به ارمغان آورد.
خلاصه
همواره آرزوی هر انسانی این بوده هست که دارای یک رفتار و شخصیت ایده‌آل باشد و یک زندگی شایسته را در سایه چنین شخصیتی داشته باشد. همه مکاتب تربیتی می‌کوشیده‌اند تا بر اساس ارزش‌های خود، تغییرات و تحولاتی را در رفتار و شخصیت انسان به وجود آورند. در اسلام نیز کوشش می‌شود که انسان مؤمن بهترین رفتار و شخصیت را داشته باشد، تا به واسطه آن به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند رفتار و شخصیت انسان را متحول سازد و از جمله آنها زیارت اماکن مقدس، مخصوصاً قبور معصومین علیهم السلام، می‌تواند به عنوان یک عامل محیطی بسیار اساسی، رفتار و شخصیت انسان را متحول سازد و آن را به

سوی یک شخصیت الهی و انسانی سوق دهد. اهمیت و ضرورت بحث زیارت و تحول در شخصیت، از اولین مباحث این نوشتار می‌باشد که آن را تبیین کرده‌ایم.

بررسی عوامل تأثیرگذار در شخصیت و رفتار انسان، از دیگر مباحث این مقاله است.

در مبحث پایانی و اساسی بحث، به تأثیرات روحی و روانی زیارت در رفتار و شخصیت انسان پرداخته‌ایم که در این گفتار به ایجاد آرامش و امنیت روانی در شخصیت انسان زایر، تعامل خوب و سازنده انسان زایر با مردم جامعه، ایجاد امید و نشاط در زندگی انسان، داشتن الگویی برتر در زندگی، داشتن عزت دنیوی و اخروی و داشتن وجاهت در نگاه مردم، به عنوان مهم‌ترین اثرات روانی زیارت در شخصیت و رفتار انسان، اشاره و به توضیح و بررسی آن پرداختیم.

فهرست منابع

1. امالی، ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق.
2. بهداشت روان در اسلام، مهدی صانعی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، 1382.
3. تغییر رفتار، علی اکبر سیف، تهران، آگاه، چاپ اول، 1373.
4. چگونه باید بود، مجید رشید پور، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، چاپ دوم، 1369.
5. روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، علی اصغر احمدی، تهران، سپهر، چاپ سوم، 1374.
6. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ سیروس، 1331.
7. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، چاپ اسلامیه، تهران.
8. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

8. اقتضائات نفس و رویکرد زیارت

خدیجه هاشمی

چکیده
شکی نیست که نمی‌توان با اندیشه ناقص بشری به کنه حقیقت و رموز ارزشمند ابعاد حج و زیارت خانه خدا پی برد، اما شاید بتوان با ذکر مقدمات مورد بحث، ضرورت و لزوم این زیارت عارفانه را در جهت تکامل و ترقی نفس بشری بیان نمود. لذا مقاله حاضر در صدد برآوردن این مهم می‌باشد که ضمن تبیین ماهیت نفس و تأثیر حقیقی زیارت، به‌خصوص زیارت خانه خدا(حج)، بر آن به نقش مؤثر و بی‌بدیل این فریضه بزرگ بر نفس آدمی تأکید ورزد. و به ره‌آوردهای بی‌نظیر آن در صیرورت نفس و متعالی شدن آن اشاره نماید. سعی این نوشتار بر این است که واگو کند که زیارت عارفانه، بازیافتن هویت وجودی خویش است و نیز سیراب گشتن از زلال حضور محبوب. زیارت حقیقی، خلوت گزیدن و انس گرفتن با سرچشمه رحمت و محبت الهی است.

کلیدواژه‌ها: نفس، زیارت، میل فطری، صیرورت نفس.

مقدّمه

وصال معبود و محبوب، نهایت کمالی است که جمله عارفان و عابدان و عالمان الهی در تکاپوی یافتن آن ره می‌سپرند. و حج، این زیارت معبود، جایگاه با عظمت و دریای ژرف تجلی این عشق و این اتصال معنوی است که دل و اندیشه بزرگان دین را به گونه‌ای مسخّر خود نموده است که هریک به زبانی و به طریقی در این شکوه بی مثال در پی یافتن حقیقت آن سیر عارفانه و جست‌وجوی معبود خویش و شوق وصال اویند.

اما از آن‌جا که هر طی طریقی نیاز به ابزار راه و مرکب سفر و قابلیت رفتن دارد، انسانِ زایر چگونه می‌تواند توانایی چنین طی طریق عظیمی را کسب نماید؟ چه استعداد و چه نیرویی است که انسان را در طلب یافتن کمال مطلوب خود به حرکت و هجرت وا می‌دارد؟ به عبارت دیگر نفس آدمی چه اقتضائاتی در پیمودن این مسیر دارد؟ آیا این اقتضائات از امور فطری و نهادین وجود آدمی است؟ یا ساخته فکر و اندیشه بشری اوست؟
مقاله حاضر سعی دارد ضمن تبیین مفهوم نفس و بیان ماهیت آن از دید فلاسفه مسلمان، به این هدف بپردازد که آیا می‌توان میان نفس آدمی و اقتضائات موجود در آن و کارکرد زیارت، هماهنگی مشاهده نمود و وجود جذبه و کشش دوگانه‌ای را یافت که سیر الی اللّٰه و شوق به زیارت و دیدار محبوب را در وجود نوع آدمی روشن نماید؟ با توجه به این ضرورت و هدف، مقاله در چند محور به بیان این امر می‌پردازد:
محور اول: مفهوم شناسی نفس، زیارت، و بیان ماهیت نفس.
محور دوم: بررسی رابطه بین نفس و زیارت و فطری بودن این امر.
محور سوم: بررسی نقطه اوج تجلی این رابطه در زیارت خانه خدا و فریضه حج.
محور چهارم: تجلی مراتب نفس آدمی در حقیقت حج و ره آورد این فریضه با شکوه در صیرورت نفس.
مفهوم نفس
نفس از دیدگاه اهل لغت همان روحی است که هستی و حیات جسد به آن وابسته است. «النفس: الروح الذی به حیاة الجسد، وکلّ إنسان نفس حتی آدم علیه السلام، الذکر والانثی سواء. وکلّ شئ بعینه نفس. ورجل له نفس، أی: خلق وجلادة وسخاء ...» (1) مراد از نفس همان روح است که حیات و هستی جسد و بدن به آن وابسته می‌باشد و هر انسانی به آن

1- العین، ج 7، ص 270.

نفس اطلاق می‌گردد و حتی حضرت آدم، و زن یا مرد در این مورد مساوی است و هر شیء به ملاحظه ذاتش نفس شیء گفته می‌شود و نیز گفته شده کسی که دارای نفس است یعنی صفات پسندیده داشته دارای ذکاوت و سخاوت است. همین واژه در قرآن نیز به چند معنی به کار رفته است. (1) ماهیت نفس از دیدگاه فلاسفه مسلمان

نفس در اصطلاح فلاسفه، جوهری است که ذاتاً مستقل و در فعل، نیازمند به ماده است و متعلق به اجساد و اجسام می‌باشد. به عبارت دیگر جوهری است مستقل و قائم به ذات خویش که تعلق تدبیری با بدن دارد. (2)

فلاسفه برای نفس تعاریف متعددی ارائه داده‌اند، از جمله تعریفی که مورد قبول ابن سینا، ملا صدرا و فخر رازی واقع شده، عبارت است از: «النفس کمال أوّل لجسم طبیعی یصدر عنه کمالاته الثانیة بآلات یستعین بها علی أفعال الحیاة کالإحساس والحرکة الإرادیة». (3) البته باید توجه داشت که ملاصدرا معتقد است که نفوس، حدوث جسمانی داشته و بقای آنها روحانی است؛ یعنی نفوس ناطقه انسانی از ابتدا مجرد نبوده‌اند. (4) وی برای نفس سه نشئه قائل شده و آنها را نشئات حسی، خیالی و عقلی نامیده است. (5) خواجه نصیر الدین طوسی نیز در کتاب اخلاق ناصری، نفس را چنین تعریف می‌کند: نفس انسانی جوهری بسیط است که از شأن او ادراک معقولات به ذات خویش و تدبیر و تصرف او در این بدن محسوس که بیشتر مردم آن را انسان می‌گویند به توسط قواست و آن جوهر نه جسم می‌باشد و نه جسمانی و نه محسوس به یکی از حواس است. (6)

1- علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید، ص 14.

2- الاسفار الاربعه، ج 4.

3- همان، ج 8.

4- همان، ج 4، ص 102.

5- همان، ج 4، ص 57.

6- حقيقت روح، ص 348.

در کلمات فلاسفه گاه دیده می‌شود که الفاظ دیگری نیز در معنای مترادف، یا نزدیک به معنای نفس به کار می‌رود که عبارتند از: نفس، قلب، عقل و روح. چنان‌که غزالی در کتاب خود می‌نویسد: «فی معانی الألفاظ المترادفة علی النفس و هی أربعة:
النفس و القلب و الروح و العقل». معانی الفاظی که با معنای نفس مترادف هستند چهار لفظ می‌باشند: نفس، قلب، روح و عقل. (1) مفهوم زیارت
زیارت در لغت به معنای دیدار کردن و قصد و آهنگ چیزی نمودن است. در مفردات راغب آمده است: «زور: الزور أعلی الصدور و زرت فلاناً تلقیته بزوری أو قصدت زوره نحو وجهته».
زور به بالای سینه می‌گویند و فلانی را زیارت کردم یعنی با بالای سینه‌ام او را ملاقات نمودم یا قصد نمودم بالای سینه او را هنگامی که به سویش توجه نمودم. (2) زیارت در اصطلاح، دیداری است مشتاقانه با حضور در پیشگاه محبوب، با حرکتی که از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می‌شود. حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان. (3) زیارت، هویت وجودی خویش را باز یافتن و از زلال حضور یار سیراب گشتن است. زیارت، خلوت گزیدن و انس گرفتن با سرچشمه رحمت و محبت الهی است.
نفس؛ مظهر حقیقت انسان
نفس آدمی دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را معرّف حقیقت وجودی انسان و وجه تمایز او از سایر موجودات دانسته‌اند، چنان‌که علامه همدانی در این باره می‌گوید: «حقیقت آدمی و آنچه که به سبب آن بر سایر حیوانات ترجیح پیدا می‌کند،

1- روان‌شناسی اسلامی، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام.

2- مفردات الفاظ قرآن، ج 2.

3- شوق دیدار، ص 12.

همان نفس است و بدن امری عاریتی و به قول متکلمان، حکم مرکب نفس را دارد. با این‌که بدن امری است فانی و بی‌بقا؛ اما نفس، امری است باقی که فنایی در آن نیست». (1) تمامی تعالیم انبیا و امامان معصوم علیهم السلام نیز در جهت پرورش و به کمال رساندن قوای نفس آدمی و به ظهور رساندن توانایی‌های نهفته در آن بوده و لذا همین نفس آدمی دارای قدر و منزلتی است که نمی‌توان در این عالم، همتایی برای آن یافت.

چنان‌که در تعبیری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است:

أثامن بالنفس النفیسة ربّها و لیس لها فی الخلق کلّهم ثمن (2)

من ثمن قرار می‌دهم با این نفس بسیار پر ارزش، خدای او را. در همه مخلوقات خدا موجودی پیدا نمی‌شود که ارزش آن برابر با نفس باشد.

زیارت؛ ظهور میل فطری نفس

از آن‌جا که فطرت عبارت است از ویژگی‌های آفرینشی و تکوینی وجود انسان که با حیات عقلانی او هماهنگ است، بدین جهت ملاک تعالی و تکامل انسان به شمار می‌رود و با معیارهای حیات طبیعی و غریزی انسان قابل توجیه نیست؛ از این رو فطریات از نوعی قداست برخوردارند و جنبه ارزشی دارند. بر اساس تمایلات فطری، انسان حقایق متعالی را دوست داشته و به آنها گرایش دارد و احساس یا میل به زیبایی دوستی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی و یا میل قدسی برجسته‌ترین تمایلات عالی انسانی به شمار می‌روند.

میل به دیدار و زیارت خدای تعالی نیز به عنوان یکی از مصادیق نیاز به یک امر مقدس و مفهوم قدسی و شایسته پرستش و تعظیم بشر به شمار می‌رود که در تاریخ انسانی همواره وجود داشته است. به گونه‌ای که به نظر و عقیده برخی از دین‌پژوهان، اعتقاد به امر مقدس، عنصر مشترک ادیان است و چنین اعتقادی حتی در ادیان بدوی

1- معراج السعاده، ص 22.

2- تعلیم و تربیت در اسلام، ص 218، به نقل از بحارالأنوار.

نیز به گونه‌ای وجود داشته است. (1) زیارت خانه خدا تبلور عاشقانه رابطه علت و معلول
در نظر صدرالمتألهین حقیقت انسان حقیقتی است جمعی و تألیفی و مشتمل بر اموری است که دارای یک وحدت تألیفی است که مراتب متفاوتی از حیث تجرد و تجسم را دارد. و از این نظر شبیه به وحدت تألیفیه این عالم است. همان‌طور که به نظر می‌رسد که تمام طبقات مختلف این عالم(معقول و مثالی و محسوس) با ریسمانی به یکدیگر متصل شده‌اند و مانند زنجیری که حرکت قسمت اول آن باعث به حرکت در آمدن قسمت آخر آن نیز می‌شود و اجزا و طبقات آن پشت سر هم در حال حرکت در قوس نزولی و صعودی است؛ به همین صورت مراتب وجودی حقیقت انسانی، یا عالم صغیر نیز که همان نفس و عقل و طبع است، دائماً در تصاعد و تنازل می‌باشند. به عبارت دیگر آثار نفس به بدن نزول می‌کند و یا به عکس آثاری از بدن به نفس صعود می‌کند و هر یک از دیگری متأثر می‌گردد. (2) ملّا صدرا در سلوک عرفانی خود که حکمت متعالی را با سیری صعودی به مبدأ ازلی اشراق وجودی می‌رساند، تنها علت نهایی یعنی واجب بالذات را حقیقی دانسته و ممکنات که همه معلول اویند را جهتی از جهات او می‌داند و این مجعولات را فیض آن جاعل بالذات. تأثیر جاعل، چیزی جز «تطور آن در اطوار و تنزل آن در منازل افعال» نیست. جهان ممکنات نیز با این‌که معلول آن علت بخشنده و افاضه کننده وجود است، اما در این‌جا علیت به تجلی تبدیل می‌شود و معلول به جلوه، اضافه اشراقی به کمال خود می‌رسد و معلولیت چهره تجلی و تشأن به خود می‌گیرد، لذا هرچه غیر اوست مظهر او می‌باشد.
از طرفی روشن است که میان هر علتی نسبت به معلول خود و هر مفیضی نسبت

1- کلام جدید، ص 82.

2- الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، ص 428.

به مستفیض خود مناسبتی وجود دارد که هر چه این مناسبت شدیدتر باشد، رابطه و علاقه علیت بین آنها نیز شدیدتر می‌گردد. ملّاصدرا پیش از این‌که رابطه علّی و معلولی را در فریضه حج و زیارت خانه خدا به تصویر بکشد، به ذکر این نکته می‌پردازد که برای هر حقیقت عقلیه‌ای در این عالم، مثال و مظهری جسمانی وجود دارد و هر کس که از مشاهده این حقایق عقلیه قاصر باشد، بر او لازم و واجب است که به مثال‌ها و مظاهر جسمانی آن حقایق در این عالم توجه کند، تا به طور کلی از ثواب و فضیلت مشاهده حقایق و ارتباط با آنها محروم نگشته و از حوزه و حریم خطاب الهی خارج نگردد. (1) وی آن‌گاه حج را اوج تبلور رابطه عاشقانه این علت و معلول می‌داند و چنین بیان می‌کند: «همان‌گونه که بر روح و نفس ناطقه انسان واجب است که به حضرت قدس حقیقی تمسک کند، بر جسم و بنیان صوری جسمانی او نیز واجب است که به عنوان تمثل و تشبّه از روح و اعمال آن پیروی نماید و توجه از خانه و پیکر جسمانی به خانه خدا نماید. خویشتن داری از کلیه لذات جسمانی و شهوات حیوانی از زن و استعمال عطریات و سایر اعمال منافی با حج با یک نیت خالص از شائبه ریا و به قصد رضای خداوند از جمله اموری است که روح انسان را آماده انصراف از خانه نفس و توجه به کعبه مقصود و خانه خدا و وجهه کبری می‌نماید. این به سبب تجرد از خواهش‌های قوای بدن و لذایذ دنیوی و طواف به دور خانه کعبه و انجام مناسک حج و تشبه نفوس اشخاص به نفوس اشخاص عالیه، حاصل از اشراقات مبادی عقلیه است که به قصد تشبه به مبدأ کل می‌باشد.

طواف حجاج و گردش آنان به دور خانه کعبه که مورد توجه و عنایت اوست، شباهت دارد به دوران فلک و اجرام کریمه سماویه در فضای بی انتهای عالم که مظهر و جلوه گاه قدرت و شوکت اوست. و حرکت این افلاک نیز تشبّه به مبدأ کل است،

1- همان.

زیرا او هم مبدأ وجود و هم غایت و نهایت وجود و ایجاد آنهاست و به مضمون آیه شریفه «وَ لِکُلّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلّیهَا»؛ (1)
برای هر کس راه و طریقی است به سوی خدا که او راهبر و راهنمای اوست به آن طریق. (2) زیارت خانه خدا سیر توحیدی نفس
هنگامی که حج، تجلی اتصال و رابطه مناسبت‌دار علت و معلول می‌باشد، آیا نمی‌توان این رابطه را پلکانی در جهت صعود و عروج نفس آدمی دانست؟ آیا نفس آدمی نمی‌تواند در این سیر ظاهری به سیری باطنی دست یابد و از این درگاه خاکی و ظلمت زمینی به حقیقتی آسمانی و الهی هجرت کند؟
به فرموده حضرت امام خمینی رحمه الله حج سفر الی اللَّه است. چنان‌که حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «فَفِرُّوا إِلَی اللَّهِ ...» (3)
فرمود: «حجّوا إلی اللَّه عزّوجلّ»؛ یعنی با حج گزاردن به سوی خدا رو آرید.
مسلم است که در این سفر روحانی و سیر آفاقی و انفسی، زایر خانه خدا به قدر سعه وجودی و افق معرفت خویش بهره می‌گیرد. یکی کوی دوست را می‌نگرد و زیارت می‌کند و دیگری روی دوست را، یکی دیار را نظاره می‌کند و دیگری یار را.
شنیده‌ام که به حجاج عاشقی می‌گفت: که کعبه من سرگشته کوی جانان است
به جان ملازم آن آستانه باش ای دل که بار تن به در کعبه بردن آسان است
چنان‌که عارف بزرگ، مرحوم بهاری همدانی درباره زیارت خانه خدا می‌گوید:
«حج گزار باید تأمل کند و بداند که این «سفر جسمانی الی اللَّه» است و سفر دیگری هم «سفر روحانی الی اللّه» باید بکند و آن معرفت و تکمیل نفس است». (4) ماهیت سفر حج و زیارت خانه معبود و محبوب فراتر از این سیر و سفر ظاهری

1- سوره بقره، آیه 148.

2- الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه، ص 430.

3- سوره ذاریات، آیه 50.

4- حج عارفان، ص 72.

است. در حقیقت، صیرورت است؛ یعنی شدن و به فعلیت و کمال لایق خود رسیدن و این با سیر و سفر صعودی فاصله بسیار دارد، زیرا هر سیر و سفری مستلزم صیرورت و شدن نیست. و صیرورت یعنی سفر معنوی انسان. (1) مراحل سفر معنوی زایر
زایر در نخستین قدم، باید رفع حجاب بین عبد و مولا کند. و برای رهیدن از حجاب‌ها باید از خویشتن سفر کرده و از خواسته‌های خود هجرت کند تا مصداق «وَمَن يَخْرُجْ مِنم بَيْتِهِی مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ» شود. ایام حج و مناسک آن و به‌ویژه سرزمین عرفات نیز بهترین فرصت برای رهایی از خودبینی و هجرت از بیت نفس است. (2) در حج کندن این تعلقات، اولین شرط سفر است. و زدودن همه علایق و خواسته‌های نفسانی از خود و به کنار نهادن مادیات و مظاهر دنیوی و اعلان این پیام آزادگی که حال، منم تنها و رهیده از قید و بندهای ظلمانی دنیا، فرارکننده از شهوات و هواپرستی‌ها .... که با ضمیری امیدوار به سوی خدای خویش هجرت می‌کنم.
امام صادق علیه السلام فرمود: «
إذا أردت الحج فجرّد قلبک للّٰهعزوجل من قبل عزمک من کلّ شاغل و حجب کلّ حاجب و فرض امورک کلّها إلی خالقک ...
». (3) آن‌گاه که اراده حج کردی، قبل از عزیمت، قلب خویش را برای خداوند بزرگ، خالص و خالی گردان و هرچه تو را مشغول می‌دارد و حجاب میان تو و خدا می‌شود از دل بیرون کن و همه امورت را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکنات به او توکل کن.
در اولین گام‌های زیارت خانه معبود که ندای لبّیک اللّهم لبّیک از زایر شیفته دیدار برمی‌خیزد، گونه‌ای از بیرون شدن و برهنه گردیدن از مراتب فروتر تجلی می‌یابد و رها نمودن هرگونه سرکشی و به خود بالیدن و استبداد. در این هنگام است که اتحادی

1- امام خمینی و عرفان حج، نشریه میقات حج، ش 30.

2- صهبای حج، ص 426.

3- مصباح الشریعه، ص 47.

تمام از انسانیت آغاز می‌گردد که در آن، زایر و عاشق دیدار یار به خالق و محبوب خویش روی آورده و هرچه که بیهوده و باطل است به کنار می‌گذارد.
زایر خانه خدا نیز بعد از پشت سر نهادن دعوت‌های شیطانی نفس، هنگامی که به دعوت حق پاسخ می‌گوید، خود را در جهت او قرار می‌دهد و از تمامی وجودهای دیگر چشم می‌پوشد. در مرحله پیش طرح دوستی را ریخته بود و حال، عشق و علاقه به دیدار او را دارد. زایر در مرحله نخست این سفر معنوی حامل انوار نبود و حال با خلعت‌های نوری که در بر دارد، بر گرد حقیقتی می‌چرخد که خود نیز در آن غوطه‌ور شده است.
در سفر حج نیز زایر هنگام بازگشت از سفر معنوی حج این سیر و مرحله سوم را دارد. او در حج با تمام وجود، مفهوم «هُوَ مَعَکُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ» (1) را درک نموده است و با نورانیتی از این سفر معنوی باز می‌گردد که گویی تازه از مادر متولد شده است. (2) در این حال است که مردم به زیارت او می‌روند، زیرا گذشته‌های زایر خانه خدا پاک شده و پیش از آن‌که به معصیتی مبتلا شود، این نورانیت در او هست. (3) زایری که با زیارت خود گویی خود را بر ترازو و ابزار سنجش عرضه نموده و در برابر آیینه و معیار کمال ایستاده و به اخلاق الهی متخلق شده است، حال که به میان خلق خدا آمده است وظیفه‌ای برای خود در میان آنها قائل است که با قبل از سفرِ او بسیار متفاوت است.
زایری که به این مرحله و مرتبه از سیر نفس رسیده، در حقیقت به عقل مستفاد و بام خرد و نفس، راه یافته و سلطان زمین و سلیمان زمان می‌گردد.
هرآن کس که در این خانه رهی یافت سلطان زمین است و سلیمان زمانه است
گویی تا وقتی که به این مرحله نرسیده، یک انسان مجازی بیش نیست، انسانی

1- سوره حدید، آیه 4.

2- بحارالأنوار، ج 96، ص 385.

3- عرفان حج، ص 29.

بالقوه است و در این هنگام است که به فعلیت و سرمنزل مقصود می‌رسد. (1) چنان‌که در روایت نیز آمده است که از علامات قبول حج، ترک معاصی و گناهانی است که زایر در گذشته می‌کرد و از علامات دیگر آن، بدل نمودن همنشینان بد به همنشینان خوب و مجالس لهو و غفلت را به مجالسی که در آن یاد خدا شود. (2) ره‌آورد زیارت در صیرورت نفس آدمی

علاوه بر این‌که حج، خود می‌تواند طی مراحل و مراتب چهارگانه نفس باشد، ره‌آوردهایی را نیز به طور مستقل ذکر می‌کنیم و در ضمن بیان آنها به اقوالی از فلاسفه مسلمان در تأیید این که نفس می‌تواند به چنین قابلیتی دست یابد نیز اشاره می‌کنیم.

زیارت و تحقق معرفت نفس

چنان‌که گفتیم در زیارت، ابتدا باید نفس را از تمامی زنگارها پاک نمود و آن‌گاه وارد میدان لقای الهی شد. این زدودن نفس زایر از آلودگی‌ها جز با شناخت آن امکان‌پذیر نیست. نخست باید به نقایص وجودی خود اقرار کرد و آن را باور نمود و آن‌گاه به تخلیه و تحلیه آن اقدام کرد. تخلیه از بدی‌ها و کاستی‌ها و تحلیه به نور معرفت الهی.

لذا معرفت حق پس از معرفت نفس به خود حاصل می‌گردد. ابوحامد غزالی می‌گوید: «ما از شناخت نفس به شناخت خداوند تبارک و تعالی می‌رسیم». (3) تحقق این رابطه از جمله نکاتی است که در آیات و روایات نیز توجه زیادی به آن شده است. «من عرف نفسه فقد عرف ربه عجبت لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه». (4) اما در این‌که چگونه چنین تلازمی را می‌توان برقرار نمود؛ سید عبداللّٰه شبر در کتاب مصابیح الأنوار، وجوهی را به نقل از حکما و متکلمین ذکر می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

- با توجه به این‌که نفس بر بدن اشراف دارد و احوال بدن بر او پوشیده نیست،

1- سفر نفس، ص 24 و 25.

2- معراج السعاده، ص 887.

3- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ج 1، ص 517.

4- میزان الحکمه، ج 6، ص 141.

انسان پی می‌برد که خداوند هم بر عالم اشراف دارد و هیچ چیز از علم واسع او بیرون نیست.
- نفس، واحد است و با وحدت خود به بدن نظم و سامان می‌دهد و اگر متعدد بود در تدبیر بدن تمانع رخ می‌داد، پس خدای عالم نیز واحد است وگرنه این نظم و هماهنگی نبود. «لَوْ کَانَ فِیهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ...». (1)- نفس، مدبر و محرک بدن است، لذا عالَم نیز به مدبر و محرکی نیاز دارد که خداوند است.
- نفس، محسوس و ملموس نیست، لذا خود این عالم نیز محسوس و ملموس نیست. (2) علاوه بر این تقارنی که در مسأله معرفت نفس و معرفت رب وجود دارد، رابطه علیتی که در سلسله علل ممکنات و واجب تعالی وجود دارد، موجب می‌شود که این مبدأ نامحدود و علت العلل هستی در نهایت تقرب و نزدیکی به جمیع حلقات علل باشد، قربی که نه زمانی و مکانی، بلکه ذاتی و معنوی است و در شرایطی و مواقفی به خوبی تجلی می‌یابد و زیارت بهترین نمونه این تجلی گاه است. (3) زیارت و تحقق عشق متعالی نفس
ابن سینا پس از بیان سریان عشق در تمامی موجودات، هنگامی که می‌خواهد معشوق حقیقی را معرفی نماید، پس از بیان مقدمات فلسفی لازم، به این نتیجه می‌رسد که «خداوند آن موجودی است که خیر نهایی و نهایت خیر است، پس به مقتضای کلّما زادت الخیریة زادت المعشوقیة و العاشقیة للخیر لذا وجود خداوند غایت در معشوقیت و عاشقیت است». (4) ملّاصدرا نیز به این نتیجه دست می‌یابد که «از آن جا که وجود و خیر و کمال

1- سوره انبیاء، آیه 22.

2- معرفت نفس از دیدگاه حکیمان، ص 186.

3- رحیق مختوم، ص 236.

4- مبانی فلسفی از منظر ابن سینا و ملاصدرا، ص 138.

مساوی هستند و عشق هم ملازم با خیر و کمال است، یعنی عشق و کمال بر حسب مراتب وجود است، لذا هرچه وجود کامل‌تر باشد، کمال و حسن بیشتر است و در نتیجه عشق هم شدیدتر است و به سبب این‌که حضرت حق، عین حسن و کمال بی‌انتهاست، چرا که وجود صرف و هستی محض است، از این رو حقیقت عشق بی‌انتهاست و کامل‌ترین عشق، عشق حق به ذات خود است و موجودات نیز هرکدام به حسب مرتبه وجودی‌شان دارای مرتبه کمال عشق به ذات و آثار خود و عشق به حضرت حق هستند». (1) «وَ الَّذِینَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ...»؛ (2) آنان‌که ایمان به خدا آورده‌اند، بیش از هرچیز به او محبت دارند. در حج نیز طواف کردن، خود علامت اوج علاقه و نشانه محبت زایر است، تا آن‌جا که انسان خود را فدای محبوب می‌سازد. آن‌چنان که پروانه عاشق آن‌قدر دور شمع می‌چرخد تا سرانجام خود را با بال و پری سوخته به پای شمع می‌افکند. زایر و حاجی واقعی نیز که آتش اشتیاق لقای پروردگار در دلش شعله‌ور شده و بار سفر معنوی بسته و از وطن و فرزند و همسر بریده، و لبیک‌گویان خود را به پای دیوار خانه محبوب رسانده است، پروانه وار گرد شمع فروزان خانه توحید می‌چرخد و با حرکتی دایره وار بر گرد خانه حق نشان می‌دهد که جز حق چیزی نمی‌خواهد و جز حق چیزی نمی‌جوید و عاشق هیچ عاملی جز حق نیست. (3) زیرا که «العشق هو نار فی القلب یحرق ما سوی المحبوب». (4) سالک عارف، مرحوم بهاری همدانی می‌گوید: «مقصود اصلی از خلقت انسان شناخت خدا و رسیدن به درجه دوستی و انس با خداست و رسیدن به این دو غرض جز با تصفیه و پاک نمودن قلب ممکن نباشد. و آن نیز ممکن نیست، مگر با نگه داشتن نفس از هواهای نفسانی، و برای رسیدن به این مطلوب، عبادات را به شیوه‌های

1- همان، ص 140.

2- سوره بقره، آیه 165.

3- حج عارفان، ص 120.

4- رحیق مختوم، ص 160.

گوناگون تشریع نمود که هریک رذیله‌ای از رذایل انسان را برطرف نماید. و حج، مجمع العناوین جمله‌ای از این عبادات است که هر یک صلاحیتی در تصفیه نفس را داراست. و شاید به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مبدل کردم رهبانیت را به جهاد و حج. (1) مرحوم کلینی در کافی نقل می‌کند: «أفضل الناس من عشق العبادة فعانقها و أحبّها بقلبه و باشرها بجسده»؛ (2) بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد و با آن معانقه کند و با قلب خود آن را دوست بدارد و با بدن خود با آن مباشرت نماید.

گر عشق نبودی و غم عشق نبودی چندین سخن نغز که گفتی که شنیدی؟
ور باد نبودی که سر زلف ربودی رخساره معشوق به عاشق که نمودی؟

زیارت و تحقق تعادل رفتاری نفس

غزالی از جمله فلاسفه‌ای است که به بررسی موضوع تعدیل رفتار و درمان بیماری‌های روحی زمان خود پرداخت و به گونه‌ای منطقی رفتار را تحلیل نمود و در اعماق نفس بشری جست‌وجو کرد. در نهایت همچون مسکویه بر این عقیده گشت که «اخلاق نیکو به اعتدال قوه عقل و کمال حکمت و نیز به اعتدال قوای غضب و شهوت و اطاعت این قوا از عقل و شرع باز می‌گردد. این اعتدال از دو راه حاصل می‌شود: نخست از راه بخشش الهی و کمال فطری به گونه‌ای که انسان با کمال عقل و حسن خلق آفریده شود؛ دوم از راه مجاهدت و واداشتن نفس به اعمالی که اخلاق پسندیده را برایش فراهم می‌آورد». (3) هر یک از اعمال زیارت خانه خدا تعلیمی است در فروتنی، و خشوع و تمرینی است در واداشتن نفس به اخلاق پسندیده. حج از جمله مناسکی است که در روایات فراوان، مجاهدت نفس از لوازم آن شمرده شده که با تحقق حقیقی این مجاهدت‌ها،

1- تذکرة المتقین، ص 22.

2- اصول کافی، ج 2، ص 83.

3- علم النفس، ص 193.

کرامت نفس و تعادل رفتاری آن حاصل می‌گردد.
امام رضا علیه السلام درباره این سفر معنوی می‌فرماید: «
... مع ما فیه من إخراج المال و تعب الأبدان و الاشتغال عن الأهل و الولد ...
». (1) در سفر حج باید حالت انفاق و گذشت از مال را در خود ایجاد کنی، تا در تو زمینه زراندوزی و مال پرستی نابود شود و زندگیت بر محور ثروت نچرخد و مال و ثروت خدایت نگردد. و نیز خود را بسازی تا از ناراحتی‌های جسمانی و دوری عزیزان و خاندانت و منع نفس از لذات استقبال کنی.
باید از گرما و سرما نهراسی و آنچنان سرمست و عاشق باشی و توطین نفس کنی که با همه مشکلات، راهت را ادامه دهی، آن هم نه یک روز و دو روز که در همیشه زندگی حالت خضوع و حضور در محضر محبوب را دارا باشی و بکوشی که در این هجرت و سفر روحانی ریشه کبر و غرور را بخشکانی و همواره فروتن باشی.
صاحب المراقبات نیز در باب زیارت و تأثیر آن در تعدیل رفتار شخص، می‌گوید:
«بایستی حج‌گزار را نشانه عبودیت و خشوع و ذلت باشد، چنان که در اخبار وارد شده است که یکی از دو کفش خود را به دست گیرد. به هر قدر بتواند در اظهار خشوع و تذلل جدیت کند و حال او مانند حال کسی باشد از گناهکاران در روز قیامت در موقعی که سلطنت الهی ظاهر می‌گردد. قرآن کریم به آن اشاره فرموده است: «یَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِیٍّ» (2)
».
در عین حال حج‌گزار باید از جانب کبریایی او شاکر باشد که وی را به این شرافت عظمی مشرّف ساخته و در ردیف زایران خود قرار داده است. (3) زایر حج در مراحل گوناگون، اعتدال اخلاقی و غلبه بر نفس را تجربه می‌کند. از جمله در احرام که لباس تقوا و خاکساری به تن می‌کند، شکوه بندگی و رقیت را به عمل می‌آورد و تواضع و فروتنی خود را به نمایش می‌گذارد.

1- بحارالأنوار، ج 99، ص 40.

2- سوره شوری، آیه 45.

3- حج عارفان، ص 111.

زیارت و تحقق کمال نهایی نفس

سعادت از دیدگاه فارابی رسیدن آدمی به آخرین حد کمال یعنی عقل مستفاد است، به طوری که شایستگی آن را بیابد که عقل فعال، همه معقولات را به او افاضه کند. (1) ارسطو نیز در کتاب دهم از «اخلاق نیکو ماخس» خیر برین را این گونه شرح می‌دهد:

«خیر برین نیروی فکری‌ای است که کفایت ذاتی دارد، حقیقت مطلق را درک می‌کند و خلاصه برترین فضیلت است، زیرا آدمی را به والاترین چیزی که در او قرار دارد یعنی عقل، واصل می‌سازد، خیر برین فضیلت فضایل است، زیرا به واقع هدایت کننده به سوی جنبه قدسی آدمی است». (2)

کندی نیز در فلسفه خود پیرامون سعادت نفس معتقد است که سعادت، دستیابی به محبوب‌ها و مطلوب‌های حسی و دنیویِ زوال‌پذیر نیست، بلکه سعادت حقیقی رسیدن به محبوب الهی و روحانی است و نزدیک شدن به خدای سبحان. (3) چنان که گفتیم بهترین ظهور وصال به مطلوب، در فریضه حج تجلی می‌یابد.

خدای متعال که بنی آدم را از خاک آفرید و آنان را به سوی قرب خود دعوت نمود، به لطف خویش و از عالم خودشان معموره‌ای را بنا نهاد و نام آن را «بیت اللّٰه» گذاشت که این انسانی که در ظلمات عوالم طبیعت فرو رفته و در اسارت زندان آب و گل کره خاکی است، به واسطه آن، به قرب او دست یابد. آن را مطاف زایران و خواهندگان خود قرار داد، تا به دور آن طواف کنند و با او انس گیرند و به این ترتیب برای وصول به عوالم مافوق آن آمادگی یابند. برای این زیارت آدابی نیز قرار داد که همه پله‌های ترقی و صعود از عالم ملک به عوالم ملکوت، جبروت و لاهوت است. به عبارت دیگر این مناسک، زایر را برای زیارت کعبه حقیقی مستعد و مهیا می‌سازد که درباره آن فرمود: «لا یسعنی أرضی و سمائی بل یسعنی قلب عبدی المؤمن». (4)

1- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ص 428.

2- همان، ص 70.

3- همان، ص 374.

4- المراقبات، ج 2، ص 196.

سخن پایانی

روشن گشت که زیارت حج با وجود این عظمت و شکوه ظاهریِ وصف ناشدنی، خود می‌تواند نفس آدمی را به مرتبه‌ای از عظمت برساند که شکوه ظاهر در مقابل آن عظمت درون و آن حقیقت پنهان، قطره‌ای است در برابر اقیانوس. نفس نیز می‌تواند به موهبت ماهیت مجرد خویش، عوالم مجرد و فوق طبیعت مادی را طی نموده و به مقام فنای فی اللّٰه و قرب ملکوت دست یابد. و نیز زایر به برکت تعالیم آسمانیِ حج می‌تواند به آثار و ره‌آوردهایی دست یابد که زیرا را از نشئه مادی این عالم خاکی به صیرورتی الهی برساند.

فهرست منابع

1. از میقات تا عرفات، عبداللّٰه درویش، نشر معارف، چاپ اول، قم، 1382.
2. اسرار حج، محمدتقی اشتریان، تقریرات حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، اسلام.
3. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، اسوه، تهران، 1381.
4. الاسفار الاربعه، صدرالدین محمد شیرازی، تصحیح و تحقیق: مقصود وحودی، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول، تهران، 1383.
5. امام خمینی و عرفان حج، محمدتقی رهبر، نشریه میقات حج، ش 30.
6. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، چاپ سوم، بیروت، 1403 ق.
7. تذکرة المتقین، شیخ محمد بهاری همدانی، نهاوندی، چاپ اول، قم، 1375.
8. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ بیست و ششم، تهران، 1374.
9. حج در کلام و پیام امام خمینی، امام خمینی قدس سره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، تهران، 1376.
10. حج عارفان، رحیم کارگر، مشعر، چاپ پنجم، قم، 1381.
11. حقیقت روح، احمد زمردیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، تهران، 1372.
12. رحیق مختوم، عبداللّٰه جوادی آملی، اسراء، چاپ اول، قم، 1376.
13. رساله نفس، ابو علی سینا، تصحیح موسی عبید، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تهران، 1383.
14. روان‌شناسی اسلامی، حسین حقانی زنجانی، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، قم، 1380.
15. سفر نفس، عبداللّٰه نصری، تقریرات استاد حائری یزدی، نقش جهان، چاپ اول، تهران، 1380.

ص: 851

16. الشواهد الربوبية فی مناهج السلوکیة، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تعلیق و تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، 1382.
17. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، آستان قدس رضوی، مشهد، 1362.
18. صهبای حج، عبداللّٰه جوادی آملی، اسراء، چاپ اول، قم، 1377.
19. عرفان حج، عبداللّٰه جوادی آملی، به کوشش حسین رضوانی، مشعر، چاپ پنجم، 1380.
20. علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید، شکوه السادات بنی جمالی، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم، تهران، 1380.
21. علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه‌گرا، عین اللّٰه خادمی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، 1380.
22. العین، خلیل بن احمد فراهیدی،، دارالهجره، قم، 1405 ق.
23. کلام جدید، علی ربانی گلپایگانی، هاجر، چاپ اول، تهران، 1385.
24. مبانی فلسفی از منظر ابن سینا و ملاصدرا، محمد حسین خلیلی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، 1382.
25. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، ترجمه ابراهیم محدث بندر بیگی، انتشارات اخلاق، چاپ اول، 1375.
26. مصباح الشریعه، منسوب امام صادق علیه السلام، بیروت، الاعلمی، 1413 ق.
27. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، هجرت، چاپ اول، قم، 1371.
28. معرفت نفس از دیدگاه حکیمان، عباس نیکزاد، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، بهار 1382.
29. مفاتیح الغیب، صدرالمتألهین شیرازی، ترجمه محمد خواجوی، مولی، چاپ اول تهران، 1363.

ص: 852

30. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، چاپ اول، 1363.

31. میزان الحکمه، محمّد محمدی ری شهری، مکتبة الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، 1362.

9. لوازم، ارکان و آثار تربیتی سفرهای زیارتی

مریم صادقی

چکیده
انسان‌ها گاهی در اثر بروز فشارهای روانی ناشی از مصائب دنیا یا گناهان و معاصی، نیازمند پناه بردن به ملجأیی امن می‌شوند تا از سنگینی مشکلات پدیدار شده کاسته و خود را نجات دهند. حال این سؤال مطرح است که این ملجأ و مرجع کیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا می‌توان به او دسترسی پیدا کرد؟ نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات مذکور، به بررسی مسأله زیارت می‌پردازد. زیارت یافتن همان است که درمان دردهای بشری است. همان که مزور نامیده می‌شود و با عنایت خاص خویش مربی نیازمندان است. زایر فطرتاً این ضرورت را احساس می‌کند که چنگ زدن به دامن انسانی مطهر و معصوم و کامل، متوسل شدن به وی و امیدوار گشتن به شفاعتش، از طریق زیارت امکان می‌یابد. این پژوهش با اشتمال بر مباحثی پیرامون زیارت و آداب و آثار تربیتی آن و با استفاده از روش کتابخانه‌ای در پی آن است تا با طرح مطالب در خور توجهی از آیات و روایات، به سؤالات مذکور در فوق پاسخ دهد.
کلیدواژه‌ها: زیارت، زایر، تربیت، شفاعت، توسل، ولایت.

مقدّمه
یکی از اصول و ارکان نظام فکری اسلام، پیمان‌ها و میثاق‌هایی است که از طرف پروردگار عالم اعلام شده است، مانند توحید و پذیرش ربوبیت پروردگار که میثاق الست و بزرگ‌ترین میثاق انسانی است، رسالت و نبوت انبیا علیهم السلام و قبول ره‌آورد

سفرای الهی که از پیمان‌های مسلّم دینی و قرآنی است و امامت و ولایت اوصیا علیهم السلام که از مهم‌ترین عهدها و قراردادهای ناگسستنی الهی است. شناسایی، تثبیت و تحکیم این‌گونه عهدها از رسالت‌های اولی و ضروری آحاد جامعه و امت اسلامی است. از آن جا که یکی از تأثیرات و کارکردهای حتمی و ارزشمند زیارت، همانا تثبیت میثاق و تحکیم عهد رسالت و امامت است، جای تأمل و توجه و بررسی دارد.
زیارت، عرصه بسیار مناسب و مؤثری در بازشناسی پیمان‌ها و امتیاز آنها از میثاق‌های بشری و نیز تجدید و تحکیم این قراردادهاست. بی‌تردید بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت‌های ایمانی و عهود الهی و نیز التزام فکری و روحی و التزام عملی آنها، عامل مؤثر زیارت است. همین پیمان‌هاست که گره وجودی و پیوند حقیقی بین انسان و حقایق الهی توحید، نبوت، امامت و ... ایجاد می‌کند. انسان در پناه این میثاق‌ها از لغزش‌ها مصون و از خطرات در امان است. این پیمان‌ها حلقه‌های ناگسستنی است که انسان را از فرو افتادن در ورطه زشتی‌ها و پلشتی‌ها حفظ کرده و به عالم خوبی‌ها و پسندیده‌ها وصل می‌کند. (1) از این رهگذر، جریان زیارت عهد و پیمانی مستقیم بر فرد فرد جامعه اسلامی است که با ایجاد ارتباط کامل در همه ابعاد، ضمن آماده‌سازی فضای تبلیغ و هدایت و زدودن غبار اوهام، خرافات و اندیشه‌های باطل و نیز کنار زدن دست ظالمان و بداندیشان که همواره سدّ فیض کرده و مانع از اشراق نور امام و بهره‌گیری امت هستند، جان‌های صاف و صیقلی را به بار می‌نشاند و دل‌های مکدر و زنگار گرفته را با جلای وجودش روشنی و صفا می‌بخشد. سخن مذکور که الهام گرفته از حدیث نورانی امام رضا علیه السلام است، (2) یادآور بیان الهی در قرآن مجید است که فرمود: «الَّذینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمیثاقَ* وَ الَّذینَ یَصِلُونَ ما أمَرَ اللَّهُ بِهِ أنْ یُوصَلَ»؛ (3)
هم آنان

1- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 105.

2- ر. ک: اصول کافی، ج 1، ص 200 و 201.

3- سوره رعد، آیات 20 و 21.

که به پیمان خدا وفادارند و عهد او را نمی‌شکنند و آنان که به آنچه خدا به پیوستنش فرمان داده، می‌پیوندند.
از این‌رو امام رضا علیه السلام فرمود: برای هر یک از ائمه علیهم السلام، عهد و پیمانی بر عهده موالیان و شیعیانش وجود دارد و برای اتمام وفا به آن عهد، باید قبور آنان را زیارت کنند. بی‌تردید کسانی که با میل و رغبت به زیارت امامان خود می‌روند و به آورده‌های آنان ایمان داشته و تصدیق می‌کنند، از شفاعت و همراهی آنان در روز قیامت بهره می‌برند؛ (1) بنابراین انسان همواره باید از خداوند متعال بخواهد تا او را موفق به وفای پیمان‌های الهی کند که از جمله آن دعای معروف «اللّهم لا تَجعلهُ آخِرَ العهدِ مِن زیارتی إیّاه» است. (2) معنای لغوی و اصطلاحی زیارت
زور: به فتح(زا) قصد و میل است، زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است؛ گویی زیارت‌کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل دارد و قصد او را کرده است. (3) زرتُ فلاناً: او را سینه به سینه ملاقات کردم یا رجل زائرٌ، و قوم زور: مردی و قومی زیارت‌کننده. (4) ریشه «زور» در قرآن، چهار بار به صورت زُرْتُمْ، تزاوَرُ، الزور، زوراً آمده است مثل:
«حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ». (5) لزیارةُ لغةٌ هی الحضور عندَ المزورِ ولکنّها فی عُرفِ الشیعة هی الحضورُ فی احدَی المَشاهدِ المقدّسةِ»؛ (6) حضور در پیشگاه شخص به جسم و جان، با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا زیارت است و زیارت یکی از اعمال پسندیده و سنت‌های برجسته است که در احادیث معصومین علیهم السلام به آن تأکید شده و پاداش‌های فراوانی

1- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 345.

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 266.

3- دایرة المعارف تشیع، ج 8، ص 564.

4- مفردات، ج 2، ص 169.

5- سوره تکاثر، آیه 2.

6- دايرة المعارف الاسلاميه، ج 13، ص 106.

برای زایر بیان گردیده است. (1) ضرورت و اهداف تحقیق
باتوجه به این‌که همه ما در طول عمر خود حداقل چند بار به زیارت امامان معصوم علیهم السلام و یا حتی امامزادگان نایل می‌شویم، در این تحقیق سعی خواهد شد به آداب، شرایط، ارکان و آثار سفرهای زیارتی پرداخته شود چراکه انسان با زیارت کردن در این دنیای پیچیده و مدرن، مرهمی برای دل‌مشغولی‌های خود می‌یابد که شاید هیچ جای دیگر به چنین آرامش روحی و روانی نرسد. زیرا روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که بیان می‌دارند دید و بازدید و صله ارحام، باعث افزایش طول عمر انسان می‌شود. این افزایش طول عمر، دلیلی ندارد جز انبساط خاطری که برای طرفین پیش می‌آید، پس به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که زیارت امامان معصوم علیهم السلام به طریق اولی باعث آرامش روانی انسان می‌شود.
پیشینه موضوع
زیارت، از جمله کارهایی است که از زمان خلقت آدم وجود داشته است و در واقع اولین زایر، حضرت آدم علیه السلام و اولین مزور، خداوند متعال و اولین جایی که زیارت شده، خانه کعبه است. بنابراین زیارت، قدمتی دیرینه دارد که مساوی است با قدمت آفرینش انسان. در تفسیر آیه «وَ لَا آمّینَ الْبَیْتَ الْحَرامَ یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْواناً وَ إذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أنْ صَدُّوکُمْ» (2)
آمده است که انجام عمره و زیارت خانه خدا، امری مرسوم در نزد مشرکان عصر بعثت بوده است و در شأن نزول این آیه آمده است که مشرکان برای عمره و زیارت خانه خدا راهی مکه بودند و مسلمانان، خواهان هجوم به آنان شدند که در این هنگام این آیه نازل شد. در مورد کتاب‌های نوشته شده در زمینه زیارت می‌توان گفت: قدیمی‌ترین و کامل‌ترین کتاب،

1- دایرة المعارف تشیع، ج 8، ص 564.

2- سوره مائده، آیه 2.

کامل الزیارات نوشته ابن قولویه است که در آن، به آداب و اهمیت زیارت ائمه علیهم السلام پرداخته است. (1) تاریخچه زیارت
الف) تاریخچه زیارت در میان بشر
زیارت دیداری مشتاقانه و احترام‌آمیز است، زیارت یک انگیزه فطری در بشر دارد و انسان به طور فطری پیشوایان دینی و رجال خدمتگزار سیاسی و اجتماعی را در حال حیات بزرگ می‌شمارد و به صور مختلف به آنها ادای احترام می‌کند. به همین منوال، پس از رحلت نیز به تعظیم، تکریم مدفن و آثار به جای مانده از آنها می‌پردازد و برای ادای احترام و بیان محبت خود، به زیارتشان می‌رود. بدین ترتیب، آدابی خاص همراه با خواندن ادعیه بر مرقد بزرگان دینی یا ملی میان تمام ملل و پیروان مذاهب به اشکال گوناگون رایج شده و این نشان می‌دهد که زیارت و تکریم انسان‌های برجسته و صاحب کمال، حتی بعد از مرگشان، همچون پرستش و عبادت، ریشه در فطرت بشر دارد. البته در این بحث، زیارت به معنای عامش مورد نظر است که زیارت غیر مسلمین و غیر ادیان را نیز در بر می‌گیرد و صرف نظر از بعد روحانی و معنوی آن، شامل مراسم و احترامی می‌شود که هر ملتی به پیشوا و رهبر خود ادا می‌کند.
به عبارت دقیق‌تر تعظیم و بزرگداشت بزرگان در گذشته همگانی و فطری است و به انگیزه‌ای درونی انجام می‌گیرد و مخصوص قوم و ملت خاصی نیست.
در حقیقت زیارت قبور بزرگان به بزرگداشت دین و علم و صلاح بر می‌گردد، یعنی مفاهیم والای انسانی که در نزد همه آدمیان- از هر نژاد و دینی که باشند- محترم و مقدس است و ریشه در سرشت انسان دارد و همین علاقه و انگیزه فطری، باعث ساختن معابد و زیارتگاه‌ها در دنیا شده است، (2) و حرکت گروهی زایران به این

1- تفسیر راهنما، ج 4، ص 227.

2- شوق دیدار، ص 18.

مکان‌های مقدس و باشکوه برای ستایش آفریدگار و احترام گذاردن به اولیای خدا و انسان‌های کامل و پاک، انگیزه طبیعی و درونی دارد. اعتقاد به خداوند و پذیرش پیشوایان دینی به عنوان بزرگ‌ترین مصلحین بشری، و احترام به آنها و انجام رسوم و آیین‌های مذهبی، همچون زیارت، اموری فطری است که قبل از هر تبلیغ و تعلیمی، دست خلقت در نهاد آدمیزاد نهاده است. و چون انسان طبعاً طالب و خواستار آنها بوده و گروهی سودجو هم از این میل طبیعی به نفع شخصی بهره گرفته، از اماکن مقدس، برای حکومت و قدرت خود استفاده‌های تبلیغاتی می‌کنند. به هر حال، صحنه گسترده زیارت، تمام سرزمین‌ها، ملت‌ها و اقوام گوناگون را در بر گرفته و پیروان هر مذهبی با اجرای آداب و سنن خاص، به پیشوایان خود ادای احترام می‌نمایند.

ب) زیارت در ادیان و اقوام دیگر

برای درک صحیح از واقعیت زیارت و این‌که تنها یک عبادت اسلامی نیست، کافی است بدانیم که این سنت در همه ادیان و مذاهب وجود دارد، اما شکل آن و اماکن و اشخاصی که زیارت می‌شوند و نقش حضور در مکان‌های مقدس و نوعی ادای احترام در آن جا، یک مسأله عمومی و جهانی است.

در آن سوی تاریخ، در بابل مردم بر قربانگاه‌های معابر، گوسفند به عنوان قربانی سر می‌بریدند و دعاها و اوراد مخصوصی می‌خواندند؛ بر پیکر بت‌ها روغن‌های خوشبو می‌مالیدند و در برابر آنها مواد معطر بخور می‌کردند و به ندبه و تضرع می‌پرداختند. (1) در مصر باستان نیز مردم به زیارت خدایان می‌رفتند و نذور و قربانی‌های خود را به کاهنان تقدیم می‌کردند؛ زنان و مردان مصری وقت زیارت، هدایای خود را روی

1- «زیارت در تمدن‌ها و ادیان دیگر»، ماهنامه زایر، شماره 98، بهمن 81.

میز سنگی قربانگاه که در زیر پای مجسمه الهی مصری قرار داشت، می‌گذاشتند و زانو می‌زدند و با پای برهنه به عبادت می‌نشستند. (1)
موضوع زیارت، وقتی در دین بودا مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد، جنبه احترام و تقدس آن به روشنی معلوم می‌گردد؛ زیرا در بوداییسم، زیارت اماکن مقدس و بودا پیشوایان مذهبی، جنبه پرستش آفریدگار را ندارد، بلکه فقط به عنوان احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می‌شود. زیارتگاه‌های بزرگ در چین، تبّت، سیلان، هند، برمه و کره، همگی از گسترش و عمومیت زیارت حکایت می‌کند.
سنت زیارت تنها به دین یا نژاد خاصی اختصاص ندارد؛ زیرا یکی از آداب مهم مذهبی در مسیحیت، زیارت اماکن مقدس می‌باشد. اولین زیارتگاه مسیحیان فلسطین بود، سپس در شهرهای اروپا، مقابر قدیسین و اولیا نیز به صورت زیارتگاه درآمد. در قرون وسطی، کاروان‌های عظیمی از قلب اروپا برای زیارت بیت المقدس به راه می‌افتادند که با مشکلات و سختی‌های بسیار، مسافت زیادی را طی می‌کردند تا خود را به اورشلیم برسانند. (2) بیت المقدس در نزد یهودیان و مسیحیان و مسلمانان هر سه، مقدس و زیارتگاه است و از زیارتگاه‌های مسلمانان در این شهر می‌توان از قبة الصخره و مسجد اقصی نام برد.
دیوار ندبه در نزد یهودیان مقدس است. مسیحیان مخصوصاً کلیسای قبر مقدس را تقدیس می‌کنند. کلیساها و زیارتگاه‌هایی که هر یک یادگار یکی از حوادث مذکور در کتاب قدس یا قدیسین است، در اورشلیم فراوان است. اورشلیم لااقل از قرن پانزدهم قبل از میلاد سابقه دارد و قدمت این زیارتگاه، تا حدّ زیادی گسترش عمل زیارت در بعد زمان را آشکار می‌نماید.

1- تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، مذاهب خاموش، ص 44.

2- «همه ما در دنیای پیچیده امروز نیازمند فضای معنوی مانند زیارت هستیم». قدس، 15/ 11/ 82 گفتگو بازهرا دلپذیر.

اگر دقیقاً به فلسفه زیارت مقابر مهم و اماکن مقدس در دنیای مسیحیت توجه کنیم، در می‌یابیم که هم اکنون دنیای به اصطلاح متمدن، نه تنها خود را بی‌نیاز از زیارت نمی‌داند، بلکه فطرتاً ستایش و زیارت قبور مقدس را برای تشفی آلام دنیا نیز ضروری می‌داند. زیارتگاه جایی است که انسان خالی از گرفتاری‌های تمدن جدید، می‌تواند با کسی راز و نیاز کند و درد دل خویش را با او در میان نهد و چون دوستی خالص و بی‌ریا، مکنونات قلبی خود را بیان نماید. درک این واقعیت و نیاز فطری، باعث شده است که در کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، زیارتگاه‌های بزرگ که هر یک به نام خاصی معروفند، وجود داشته باشد.

رم که پس از بیت‌المقدس، مهم‌ترین زیارتگاه‌های مسیحیت را در خود جای داده است، همه ساله زایران بی‌شماری را به خود جلب می‌نماید. در آن‌جا مردم با نذر و نیازها و استمداد و دعاهای خاص، شکل ویژه‌ای به زیارت می‌دهند.

پیچیده‌ترین شکل زیارت، در مذهب هندو وجود دارد که از یک رشته آداب و تشریفات خاصی برخوردار است. هندو باید قبل از زیارت، حتماً بدن را شست‌وشو داده و غسل کرده باشد و پاک و تمیز به زیارت برود، و نیز زایر باید گل و گلاب همراه داشته باشد که در موقع زیارت با نثار گل، فضای زیارتگاه را عطرآگین نماید. نقاط مختلف زیارتگاه با آیینه‌های بلند شفاف که پرتو شمع‌ها در آن، زیبایی خاصی به وجود آورده، تزیین شده است. فضای زیارتگاه با بوهای خوش مشک و عنبر و عود و کندور پر شده است. زایر باید هنگام زیارت، با سر پوشیده و با حجاب وارد زیارتگاه شود. این عمل درباره زنان در هر سن و سالی که هستند الزامی است؛ ولی مردان می‌توانند از همان گل‌هایی که نثار می‌شود، طوقی بر گردن اندازند یا دسته‌ای بر سر نهند. (1) بزرگ‌ترین زیارتگاه‌های هندوان در بنارس، همه ساله میلیون‌ها زایر را به

1- CD نمایه اطلاعات، مجلس شورای اسلامی: به نقل از زیارت، زدودن غبار از انزوای دل/ قدس.

سوی خود جلب می‌نماید، در شهر «امریت سر» که معبد طلایی معروف، در آن وجود دارد، شیوه زیارت و تشریفات ویژه آن واقعاً دیدنی است.

ج) زیارت در تاریخ اسلام و تشیع

زیارت و تاریخ آن در اسلام، همراه با شور و شوق‌ها و رنج و سوگ‌هاست؛ شور ایمان و شوق دیدار محبوب، با رنج سفر و آزار دشمنان و سوگ از دست دادن ائمه هدایت و اولیای خدا همراه بوده است.

برای بررسی ابعاد تاریخی زیارت در اسلام، ابتدا به دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سیره ایشان در این زمینه رجوع می‌کنیم، چون زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ما بهترین اسوه و سرمشق است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول زندگانی خود، بارها به زیارت قبور شهدا می‌رفت و در میان جمع یا تنها و در هنگام روز یا نیمه شب‌ها در کنار تربت پاک شهیدان حضور یافته، با ایشان سخن می‌گفت. همچنین نمونه نخستین زیارت‌ها و بهترین زایران در صدر اسلام، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از مادر مکرمه خویش در حجة الوداع می‌باشد که در تاریخ ثبت گردیده است.

یکی دیگر از وقایعی که در تاریخ صدر اسلام ثبت شده، سفر اویس قرنی از شهر و دیارش به سوی مدینه و به قصد زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. اویس، عاشق پیامبر صلی الله علیه و آله بود و چون به مدینه رسید، آن حضرت برای شرکت در جنگ از شهر مدینه خارج گشته بود. اویس مادر پیری داشت که از دو چشم نابینا و از شدت ضعف و پیری، دست و پایش سست شده بود. اویس به خاطر سفارش مادرش، پس از تحمل مشقات سفر و رسیدن به مدینه، با توقف کوتاهی، بدون آن‌که پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کند، به نزد مادرش بازگشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بازگشت به مدینه فرمود: «
یفوحُ روائِحَ الجنّة مِن قِبَلِ القَرَن وا شَوقاه إلیک یا اویس القرن
»؛ (1) نسیم بهشت از جانب قرن می‌وزد،

1- کتاب اویس قرن(منقول در منبع پیشین).

سپس اظهار شوق به دیدار اویس قرن نمود و فرمود: هر کس او را ملاقات نمود، سلام مرا به او برساند.
نمونه دیگری از زیارت در صدر اسلام، سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله است که در آغاز به مسجد الاقصی رفت، پس از دیدار از آن مسجد که یادگار انبیای گذشته است، به معراج صعود کرد، در همین سفر بنا بر نقل بعضی تواریخ، زیارتگاه‌های زمین را هم زیارت نمود. (1) پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و انحراف رهبری اسلام، حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و بارگاه مطهر ایشان پناهگاهی برای حق‌جویان و حقیقت‌طلبان شد. بلال حبشی موذن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر خوابی که دید و پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم رؤیا به او فرمود: «ای بلال! این جفا چیست؟ آیا وقت آن نرسید که به دیدارم بیایی؟» اندوهگین بیدار شد و به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافت. (2) زیارت حضرت زهرا علیها السلام از مرقد مطهر پدر بزرگوارش وسیله‌ای برای هدایت و آگاهی امتی بود که عهد خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر فراموش کرده بود.
یکی دیگر از زیاراتی که در تاریخ صدر اسلام ثبت شده، دیدار صعصعة بن صوحان عبدی، از مزار مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است.
در بررسی تاریخی زیارت به این نکته مهم و اساسی واقف می‌شویم که مدفن پاک حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مدینه، مرکز تبلیغ مکتب اسلام بود و در حقیقت مسجدالنبی پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توسط ائمه معصومین علیهم السلام، پایگاه دین و معرفت توحیدی و مرکز اسلام‌شناسی شناخته می‌شود.
به طور کلی، یکی از نکات جالب توجه در زندگی امامان شیعه علیهم السلام که کم‌تر در آن دقت شده است، ماندن آنها در مدینه است.

1- بررسی کوتاهی پیرامون زیارت، ص 62.

2- الغدیر، ج 5، ص 146 و 147.

آنها در گرد مشعل فروزان بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و به مردم درس حرکت و قیام و راه عشق و عرفان می‌آموختند؛ و هنگامی که به اجبار یا به ضرورت می‌خواستند از مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله دور شوند، باز هم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و با زیارت خویش مردم را بیدار می‌کردند و چهره دشمنان اسلام را از این طریق رسوا می‌نمودند. (1) امام حسین علیه السلام بر اثر فشار یزید برای بیعت، هنگامی که مجبور شد از مدینه به مکه پناه ببرد تا با خلافت کفر و نفاق بیعت نکند، در روزهای آخر چندین بار بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آید و با آن حضرت وداع می‌کند. امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز قبل از زندان و تبعید با زیارت وداع جد بزرگوارشان، حقانیت خاندان علی علیه السلام را ثابت نموده و دشمن را رسوا کردند.

در تاریخ اسلام پس از مدینه، کربلا از زیارتگاه‌های مقدس مسلمانان بود. کربلا را انبیای پیشین می‌شناختند و برای مصیبت‌های حسین علیه السلام اشک‌ها ریخته بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها داستان کربلا را برای دوستان و نزدیکان خود گفته بود.

فلسفه تأکید و ترغیب و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام و ایجاد ارتباط و پیوند معنوی با سید شهیدان، زنده ماندن دین و عقیده، از طریق زیارت است و این‌که مسلمانان در دیدار با امام تجدید پیمان نموده و وفاداری خود را به راه آن حضرت اعلام نمایند. لذا همواره کربلا پایگاه تشکل شیعه بود و دشمن از این جنبه سیاسی انقلابی زیارت که از معنویت مزور و مضامین دگرگون‌ساز زیارتنامه نشأت می‌گیرد، وحشت داشت.

مرقد امام حسین علیه السلام در تاریخ، کانونی روشنی‌بخش برای زایران حسینی بود و مردم از طریق زیارت سالار شهیدان به حقانیت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پی برده و این شناخت به گسترش و رشد فرهنگ اسلامی و شیعی کمک مؤثری می‌کرد و مزار

1- زیارت، ص 63.

امامان معصوم علیهم السلام را به دانشگاه علوم اسلامی و مرکز معرفت و عبادت و محل تجمع شیعیان و پایگاه حرکت‌های انقلابی آنان تبدیل نمود.

نیاز انسان به زیارت

الف) نیاز فطری انسان به الگو

از بارزترین تفاوت‌های عمده بینش تربیتی اسلام با نگرش‌های تربیتی مکاتب دیگر، حضور الگوهای متعالی در این مکتب و فقدان چنین الگوهایی در مکتب‌های غیر الهی است. برخورداری از الگو و اسوه‌ای که تحقق‌بخش آرمان‌ها و اهداف یک مکتب است، نشانه‌ای بارز از توفیق آن مکتب در به ثمر رساندن آرمان‌های خویش می‌باشد. از این‌رو توجه به نقش تعیین‌کننده اسوه‌ها و قدوه‌ها، در تربیت، تأثیری غیر قابل انکار دارد. متربی بیش از آنچه که از پیام‌های مربی اثر می‌گیرد، عمل و رفتار مربی را میزان و ملاک ارزشیابی قرار می‌دهد، لذا حضور اسوه‌های متعالی در هر مکتب تربیتی، تعیین‌کننده میزان پویایی و تحول‌آفرینی آن مکتب می‌باشد.

در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، اسوه‌ها و الگوها به خوبی معرفی شده‌اند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ابراهیم خلیل علیه السلام و پیروان حقیقی آنان به نام اسوه یاد شده است و به ایمان‌آورندگان تفهیم شده که اگر کسی تسلیم کامل و محض خدای تعالی باشد و اوامر او را دقیقاً اجرا نماید، خداوند او را متعالی می‌سازد و به مقام والای اسوه بودن در کنار رهبران الهی ارتقا می‌دهد. «قَدْ کانَتْ لَکُمْ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ»؛ (1)

بی‌تردید برای شما الگویی نیکو وجود دارد در ابراهیم و آنان که با اویند. «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (2)

قطعاً در رسول خدا اسوه نیکویی برای شماست. «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فیهِمْ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ ...»؛ (3)

یقیناً برای شما، در میان

1- سوره ممتحنه، آیه 4.

2- سوره احزاب، آیه 21.

3- سوره ممتحنه، آیه 6.

ایشان الگویی نیکو وجود دارد [الگو] برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد.

با توجه به آیات قرآنی و سخنان ائمه اطهار درباره اسوه‌های نیکو به این نتیجه نهایی دست می‌یابیم که روش الگویی یا روش اسوه‌سازی در ادیان الهی به عنوان بهترین روش عملی برای تربیت انسان مطرح شده و این روش، با تکیه بر اصل «همانندسازی با الگوهای برتر» می‌تواند در جهت انسان‌سازی و نیز تشکیل مدینه فاضله انسانی، راهگشای ما و پاسخگوی نیاز فطری انسان‌ها در همه اعصار و قرون باشد. همان‌گونه که رهبران الهی در زمان حیات اسوه بودند، در زمان ممات نیز الگو می‌باشند، از این‌رو یکی از آثار زیارت الگوپذیری از آنان است.

ب) فقر انسان امروز از داشتن الگوهای سالم

متأسفانه در جوامع امروزی، انسان از داشتن الگوهای سالم و کامل محروم بوده و وجود الگوهای منحط و مبتذل، ضربه مهلکی به جوامع بشری وارد آورده است. با وجود پیشرفت عظیم تکنیک و صنعت و تمدن جدید، انسان امروز بیش از هر زمان دیگری به الگوی «انسان کامل» نیازمند است و اصولاً رنج و پریشانی و سرگردانی تمدن جدید، معلول نداشتن سرمشق زندگی و سرمشق معنویت و الگوهای خوب انسانی است. (1) دکتر شریعتی می‌گوید: «اگرچه در شرایط کنونی، انسان امروز بیش از هر زمان دیگری وسیله سفر و قدرت رفتن به سوی کمال را پیدا کرده؛ اما چون راهنما ندارد و راهش مشخص نیست و علامت‌ها را برداشته‌اند، راه را گم کرده است. انسان امروز بیش از همه توانایی رفتن دارد، اما دانایی رفتن را ندارد و این پریشانی و سرگردانی، زاییده نداشتن الگو و رهبر است». (2) متأسفانه نسل جوان امروزی، در عین حال که در عصرشان علم قوی‌تر است،

1- امت و امامت، ص 99.

2- همان، ص 92.

بینش و منطق و قدرتشان قوی‌تر است، اما گمراهی و تزلزل شخصیت و پریشانی فکری آنها از نسل‌های قدیم بیشتر است و این، به دلیل نداشتن الگوهای کامل انسانی است. چنین انسانی مبدأ و منتهای حرکت و آفرینش انسان را نمی‌داند و در اثر این نادانی، در راه زندگی از رفتن به سوی کمال و رشد انسانی که همان عبودیت و بندگی خداست، باز می‌ماند و این سرنوشتی که در طول تاریخ بشریت، بسیاری از انسان‌ها دچار آن گشته و با نپذیرفتن دعوت رسولان الهی و حجت‌های خداوند، دست به دامان الگوهای غیر متعالی شده و با چنین مستمسکی، دچار ضلالت و گمراهی ابدی گشته و روی فلاح و سعادت را ندیدند و داستان چنین انسان‌هایی در قرآن ذکر شده است. (1) ج) لطف خدا در ارائه الگوهای برتر

مکتب تربیتی اسلام با احاطه بر نیاز انسان به الگو و جهت پاسخگویی به این نیاز فطری و سرشتی انسان، الگوهای متعالی را در اختیار انسان‌ها قرار داد، در هر زمان و شرایطی، امکان تماس و ایجاد ارتباط واقعی انسان با امام و الگو و اسوه حسنه را میسر می‌داند و این انسان است که باید به چنین ارتباطی، به طور دائمی توجه داشته و از آثار تربیتی چنین کمالی، برخوردار بشود.

همان‌گونه که مطرح شد، می‌دانیم که اسلام برای پاسخگویی به نیاز انسان‌ها، اصل همانندسازی با الگوهای برتر را تحت عنوان «نبوت و امامت» مطرح نموده و تمام محتوای نظری مکتب را در وجود نبی و امام، به عنوان یک حقیقت عینی و قابل لمس به نمایش گذاشته است و این چهارده معصوم را که مظهر همه صفات جمالیه خداوند و جامع جمیع کمالات روحی و ملکات نفسانی و دریای علم و حکمت و مظهر تقوا و پارسایی و مجسمه زهد و حلم و سایر خصائل ستوده هستند، به عنوان گل‌های سر

1- ر. ک: تفسیر بُشری، ج 3، ص 65.

سبد خلقت و گوهرهای درخشان آفرینش به انسان‌ها معرفی نموده است.
اسلام با عنایت به فقر ذاتی انسان در انتخاب الگوها و با توجه به نیاز فطری او به اسوه و امام، (1) با معرفی چهارده معصوم پاک و نورانی، این خلأ روحی را پر نموده و در کنار محتوای نظری مکتب، نمونه‌های عملی را به انسان‌ها معرفی کرده و آنان را بالاترین مرجع برای تربیت بشر و بهترین وسیله، جهت نیل به هدف غایی تربیت می‌داند.
د) ویژگی‌های الگوهای متعالی
در مباحث پیشین مطرح شد که چهارده معصوم علیهم السلام به عنوان الگوهای متعالی، و انسان‌های کامل معصوم، رهبرانی هدایت شده هستند که شایستگی هدایت دیگران را نیز دارند. لذا خداوند اینان را به عنوان الگوهای متعالی به بشر معرفی نموده است، مهم‌ترین ویژگی‌های الگوهای متعالی عبارتند از: 1. عصمت؛ 2. علم؛ 3. وسیله تقرب به خدا.
نظر به این‌که بحث درباره عصمت و علم پیشوایان الهی و رهبران آسمانی از عهده این نوشتار خارج می‌باشد، از این‌رو فقط در مورد وسیله تقرب به خدا بودن آنان که مهم‌ترین ویژگی الگوهای متعالی است، اشاره می‌شود.
زیارت وسیله تقرب به خداوند
از آن‌جا که والاترین هدف خلقت، الهی شدن انسان و تقرب جستن به خداوند است، و منظور از تقرب، نزدیک شدن به خداوند، از طریق کسب فضایل، آراسته شدن به مکارم اخلاق، و نیز تخلق به اخلاق اللّٰه، به وسیله بندگی و طاعت و اخلاص و تقواست، از این‌رو زیارت چون پیوند و تجدید عهد با بندگان خالص خداوند است،

1- در برخی تفاسیر، در ذیل آیه: «يَبْتَغُونَ إلى رَبِّهِمُ الْوَسيلَةَ» نوشته‌اند که مراد از الوسیله امام است.(علی بن ابراهیم‌تفسیر قمی، ج 1، ص 195.

زمینه کسب صفات شایسته و عامل رشد معنوی شده و در نتیجه سبب تقرب به خدا می‌گردد. وقتی در زیارت، انسان ناقص، در برابر انسان کامل قرار می‌گیرد و به آن نمونه و الگو توجه می‌کند، انگیزه کمال‌یابی، او را به قرب معنوی به خدا متوجه می‌کند و زیارت، مایه تقرب می‌گردد. در حقیقت تقرب به اولیای خدا، راهی است برای تقرب به خدا. (1) بنابراین، زیارت امام، وسیله نزدیک شدن و تقرب جستن به خداوند است و آراسته شدن به اوصاف و اخلاقیات معصومین علیهم السلام، آراستگی به اوصاف الهی است و در همین قرب به خدا، کمال وجود انسان نهفته است.

ارکان زیارت

الف) مربی (2)(معصوم یا مزور)

ائمه طاهرین علیهم السلام که بهترین مربی (3) انسان هستند، مرکز و محور زیارت می‌باشند و انسان زایر با اعتقاد به جاودانگی روح آنان، در مزار مقدس و حرم مطهر این اسوه‌های هدایت سر تعظیم فرود می‌آورد و حضور چنین مربیان بزرگی را در برابر خود احساس می‌کند و در چنین شرایط روحانی، عبارات ارزنده «زیارتنامه» را بر زبان جاری و با خدای متعال و امام خویش، راز و نیاز می‌کند و در چنین ارتباط و تماس معنوی، بهره‌ها و فیض‌های فراوان از محضر نورانی و مقدس امام خویش، کسب می‌نماید.

1- CD نمایه مقالات(کتابخانه مجلس شورای اسلامی) حاوی: عبداللّٰه امامی، «آثار تربیتی زیارت»، نشریه قدس 3/ 4/ 83.

2- زیارت فرآیندی تربیتی است و آثار آن موجب رشد انسان و فزونی کمالات در او می‌شود. [ربوه: فزونی]

3- انبیای عظام و اولیای الهی هم می‌توانند مربی و مزور باشند، اما ائمه به عنوان حجج نهایی و اکمل حق برزمین بیشتر مورد توجه‌اند.

اسلام، امام را زنده همیشه جاوید و شهید شاهد می‌داند و بر اساس منطق قرآن، شهدا از حیات ابدی برخوردارند و در نزد خدا متنعم می‌باشند. ائمه طاهرین علیهم السلام که همگی در راه هدایت انسان به سوی خداوند به شهادت رسیدند، مصداق بارز این آیه قرآن بوده و روح والا و بزرگ ایشان، حاضر و ناظر بر اعمال بندگان خداست: «وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ أمْواتاً بَلْ أحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ». (1)

ائمه طاهرین علیهم السلام با قدرت معنوی که دارند، برای رفع حاجت‌ها و نیازهای مردم، اقدام نموده و همان‌گونه که در دوران عمر پر برکت خویش، به یاری انسان‌ها می‌شتافتند. پس از شهادت نیز، پناه مظلومان و یار ستمدیدگان و فریادرس بیچارگان هستند. زایر با چنین درک و باوری از امام، در حرم مطهر ایشان حاضر می‌شود و با حضور قلب و توجه خالصانه به وجود نورانی و مقدس ایشان ابراز ارادت نموده و خود را از ابعاد محدود زمان و مکان خارج کرده و با توسلی پر شور و زیارتی عاشقانه به دیدار الگوهای متعالی و جاودانه می‌شتابد و در حد توان و ظرفیت روحی و معنوی خویش، از محضر پر فیض آنان کسب معرفت و نورانیت می‌نماید.

با ترسیم جایگاه والای امام در هدایت و تربیت انسان، لازم دیدیم که حقوق امام بر شیعیانش را مطرح نماییم تا زائری که به دیدار امام خود می‌شتابد با شناخت و معرفت به این حق، یک زیارت با معرفت داشته باشد و تا آن‌جا که می‌تواند در ادای دین حقوق، سعی و تلاش نماید.

1. حق وجود و بقا

خداوند به برکت وجود امام، تمام بندگانش را می‌آفریند و اگر امام نبود، هیچ کس نبود؛ بلکه اگر امام نبود، نه زمین وجود می‌یافت و نه فلک خلق می‌شد. (2) ائمه طاهرین علیهم السلام در رساندن فیض‌های خداوند به سایر مخلوقاتش، واسطه

1- سوره آل عمران، آیه 169.

2- مکیال المکارم، ج 1، ص 90.

هستند و معنی این جمله از دعای ندبه «أَیْنَ السببُ المتّصل بَینَ الارضِ وَ السماء» که امام را یک اتصالی میان آسمان و زمین می‌داند، همین است. بنابراین امامان معصوم علیهم السلام از خداوند تعالی درخواست می‌کنند و به خاطر اجابت درخواست آنها و تعظیم حقّ ایشان، به آفریده‌های خود روزی می‌دهد. (1) بنابراین وجود ائمه طاهرین علیهم السلام، ضامن وجود و بقای هستی و آفرینش است و زایر باید بداند که به برکت وجود امام، او هم از نعمتِ هستی، بهره‌مند شده و لذا با چنین درک و بینشی، زایر باید هستی خود را خالصانه فدای امام خویش نماید و زندگیش را برای رضای امام صرف کند. همان‌گونه امامان نیز برای هدایت انسان‌ها ایثار و فداکاری کردند.

اگر امام روی زمین نباشد، هیچ چیز در این دنیا برقرار نمی‌ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین بدون امام بماند، از هم می‌پاشد». (2) و نیز فرمود: «اگر زمین، یک ساعت از حجت الهی خالی بماند، اهلش را فرو می‌برد». (3) بنابراین وجود امام و حجت خدا روی زمین، ضامن بقا و تداوم هستی است.

2. حق قرابت و خویشاوندی پیامبر

طبق آیات صریح قرآن، مودت و محبت به قربی(ائمه معصومین علیهم السلام) واجب است.

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فی الْقُرْبی»؛ (4)

ای پیامبر به امت بگو که من از شما برای تبلیغ رسالت، توقع مزد و پاداش ندارم، جز این‌که درباره خویشاوندانم مودت و محبت ورزید. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «منظور از" قربی" در این آیه امامان هستند». امام حسین علیه السلام نیز در تفسیر قول خداوند عزوجل می‌فرماید که منظور از «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فی الْقُرْبی»، دوستی و قرابتی است که به

1- الاحتجاج، ج 2، ص 284(منقول در مکیال).

2- کافی، ج 1، ص 179.

3- غیبت نعمانی، ص 203(باب 10).

4- سوره شوری، آیه 23.

وسیله آن دوستی، به خداوند نزدیک‌تر شویم که این بزرگ‌ترین حق است و آن را برای ما مایه خیر قرار داده و نزدیکی به اهل بیت را بر هر مسلمانی واجب کرده است. (1) بنابراین زایر باید این مودت را در قلب و باطن خویش داشته باشد و در هنگام زیارت، معرفت خود را همراه با محبت و مودت خالصانه به ساحت مقدس ائمه طاهرین علیهم السلام ابراز نماید که این خواسته رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن است.

3. حق مُنعِم بر مُنعَمٌ علیه و حق واسطه نعمت

تمام بهره‌ها و استفاده‌هایی که به مردم می‌رسد، به برکت وجود امام آن زمان است و در زیارت جامعه می‌خوانیم که ائمه طاهرین علیهم السلام «اولیاء النِّعم» هستند، یعنی آنها ولی نعمت ما می‌باشند و زایر باید حق منعم را بر متنعم بجا آورد و در هنگام زیارت بلکه در تمام زندگی خود، به ادای چنین حقی بپردازد.

زایری که بفهمد امام ولی نعمت اوست، در برابر او شکرگزار و خاضع خواهد بود و می‌داند که هر چه دارد، خداوند به واسطه وجود امام، به او عطا کرده است و این بینش در دعا و زیارت و راز و نیاز زایر با امام، تأثیر به سزایی خواهد داشت.

4. حق پدر بر فرزند

این روایت صریح که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «
أنا و علیّ ابَوا هذهِ الامة
»؛ من و علی دو پدر این امت هستیم، بیانگر این است که زایر باید امام را پدر حقیقی خود بداند؛ (2) امام رضا علیه السلام نیز در توصیف امام فرمود: «الإمام الأنیس الرفیق و الوالد الشفیق»؛ (3) امام همدم و رفیق و پدر دلسوز و مهربان است. با تعمق و دقت بیشتر در این روایات و امثال آنها در می‌یابیم که دلسوزی امام برای هدایت امت و نگرانی حجت خدا برای سعادت انسان‌ها، بیشتر از پدر هر کسی است و امام از هر پدری، به حال فرزندانش، دلسوزتر

1- البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 124.

2- حکمت عبادات، ص 251.

3- کافی، ج 1، ص 387 و 388.

است و بر وجود انسان‌ها احاطه معنوی دارد و نوعی ارتباط روحی و قلبی میان ائمه طاهرین و مؤمنین وجود دارد.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من درختی هستم که فاطمه علیها السلام شاخه آن و علی پیوند و حسن و حسین میوه آن و دوستانشان از امت من، برگ‌های آن درخت می‌باشند». (1) بنابراین زایر همچون برگ درخت طیبه است و ریشه این درخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شاخه‌های آن ائمه طاهرین علیهم السلام می‌باشند.
این برگ اگر بخواهد همیشه سرسبز و شاداب بماند، باید از این درخت آسمانی جدا نشود و زیارت، عبادتی است که انسان را به حجت‌های الهی نزدیک می‌گرداند و با این پیوند و نزدیکی فرزند به پدر و برگ به درخت، اعتقادات زایر پابرجا و استوار خواهد ماند، و حوادث روزگار و هجوم فرهنگ‌های بیگانه، خللی بر آنها وارد نمی‌کند.
5. حق آقا و ارباب بر بنده(ولیّ و مُوَلَّی علیه)
از مجموع حقوقی که گفته شد، بیان سیادت و آقایی امامان علیهم السلام نسبت به ما ثابت می‌شود و معنی سیادت آن بزرگواران، این است که آنها از خود ما در تمام امور، اولی و سزاوارترند که خداوند فرمود: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ». (2)
بنابراین همان‌گونه که یک بنده از مولایش اطاعت می‌کند، ما نیز باید در اطاعت از مولایمان تسلیم محض باشیم و البته این اطاعت همراه با عشق و محبت و معرفت اثرات نیکویی دارد.
6. حق عالم بر متعلم
ائمه معصومین علیهم السلام راسخین در علم (3) هستند و خداوند دستور داده که مردم هر چه می‌خواهند، از خاندان وحی بپرسند که ایشان اهل ذکرند. (4) در حقیقت تفسیر و تأویل

1- جوامع الجامع، ج 3، ص 311.

2- سوره احزاب، آیه 6.

3- سوره آل عمران، آیه 7؛ «وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرّاسِخُونَ فی الْعِلْمِ».

4- سوره انبیاء، آیه 7؛ «فَسْئَلُوا أهْلَ الذِّکْرِ».

قرآن، به دست ائمه طاهرین علیهم السلام انجام می‌گیرد؛ لذا قرآن در کنار حجت خدا و امام می‌تواند انسان را هدایت نماید.
اگر زایر، خود را متعلم بداند و به شوق دیدار امام و معلم و مربی خود حرکت نماید، به این امید که از دریای علم و معرفت امام خود بهره‌مند شود، مسلماً از زیارت خود، نتایج معرفتی و شناخت بسیاری عایدش می‌شود و می‌فهمد که عالمان حقیقی ائمه طاهرین علیهم السلام هستند و علم واقعی و صحیح نزد ایشان است.
شایسته نیست که زایر در ادای وظایف متعلم نسبت به عالم کوتاهی کند و این توجه باید قبل از زیارت و در حین زیارت بلکه پس از آن و در تمام زندگی او وجود داشته باشد.
7. حق ولایت امر
یکی دیگر از حقوق، حق ولایت امر است، و از بزرگ‌ترین حق‌هایی که خداوند واجب نموده، حقّ والی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «هر که مقام ولایت امامتش را درک کند، مزه شیرین ولایت را خواهد چشید و امتیاز نیکویی اسلام را خواهد داشت؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی، امام را برای رهبری خلق خود قرار داده و او را بر اهل طبیعت و جهان خود حجت ساخته است ... خداوند جز به معرفت امام، اعمال بندگانش را نپذیرد». (1) آنان حجت‌های الهی و اعیان و داعیان مردم به سوی خدایند که با راهنمایی‌های آنان، بندگان خدا دینداری می‌کنند و سرزمین‌ها به نورشان آباد گردد و از برکت آنان، ثروت‌ها و ذخایر کهن افزوده شود. پروردگار عالم، آنان را مایه حیات و زندگی مردم ساخته و به وسیله ایشان تاریکی‌ها را روشن نموده و آنان را کلیدهای سخن و ستون‌های اسلام قرار داده است. (2) از جمله حق ولایت امر، آن است که آنچه می‌گوید،

1- کافی، ج 1، ص 203.

2- نهج البلاغه، خطبه 2.

بشنوند و او را اطاعت کنند که خداوند فرمود: «أطیعُوا اللَّهَ وَ أطیعُوا الرَّسُولَ وَ اولی الْأَمْرِ مِنْکُمْ». (1)
در مباحثی که درباره مربی(معصوم) عنوان شد، نتیجه گرفتیم که امام بر گردن شیعیان حقوقی دارد و شیعه واقعی کسی است که حقوق امام خود را ادا نماید و در حوزه رهبری امام خویش، حرکت کند و خواسته‌ها و آرزوهایش و اعمال و رفتارش، مورد رضای باطنی امام قرار گیرد که همان رضایت خداوند است.
زیارت که بهترین روش ارتباط امام با مأموم است، در حقیقت انگیزه و محرکی برای انسان است تا به دیدار مربی و معلم و ولی نعمت خویش برود و با امام خود دیدار کند و حضور امام را در زندگی به ثبوت برساند.
ب) متربی(انسان یا زایر)
اینک باید پرسید زایر واقعی کیست؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، به کلام معصومین علیهم السلام رجوع می‌کنیم. امام جواد علیه السلام درباره زیارت حضرت رضا علیه السلام فرمودند:
«اگر کسی با شناخت حق وی، او را زیارت کند، برای او ثواب هزار حج نوشته می‌شود». (2) از امام کاظم علیه السلام رسیده است: «هر کس امام رضا علیه السلام را(که در شهر غربت از دنیا می‌رود) زیارت کند، در حالی که تسلیم امر او و عارف به حقش باشد، در پیشگاه الهی از منزلت شهدای بدر برخوردار است». (3) در این زمینه از امام صادق علیه السلام پرسیدند که مقصود از عرفان به حق امام چیست؟
ایشان فرمود: «بداند او امامی است که اطاعتش(از طرف خدا) فرض و واجب است». (4) امام جواد علیه السلام معرفت و بینش زایری را مورد تأیید قرار می‌دهد که عارف به حقّ امام باشد. پس کسی که به زیارت ایشان برود، در حالی که شناسنده حق آنهاست و

1- سوره نساء، آیه 59.

2- کامل الزیارات، ص 318.

3- بحار الأنوار، ج 99، ص 41.

4- وسائل الشیعة، ص 554.

می‌داند که البته ایشان، حجت خدا بر خلق هستند و حکم دروازه‌ای را دارند که(برای کسب معرفت) از آن در باید وارد شد، [(1)] پس می‌تواند طعم حقیقی «زیارت» را از اعماق وجود بچشد.

در حقیقت، از زبان معصومین علیهم السلام، ثواب زیارت مشروط به همین عرفان است:

«عرف بِحقّه وَ حُرْمته وَ وِلایَتِه»؛ [(2)] زایر باید به حق امام و حرمت و احترام او و ولایتی که دارد، معرفت داشته باشد. جالب این‌جاست که شرط اصلی و ناگسستنی کسب ثواب زیارت، همین شناخت حقّ امام امت است و زایر حقیقی، کسی است که با شناخت بر حق امام و ادای این حق، به زیارت امام خویش برود و نتیجه چنین زیارت با معرفتی، آثار تربیتی و سازنده آن است که باعث کمال و رشد انسان خواهد بود.

بنابراین اگر سنخیت روحی میان زایر و مزور باشد و انسان، شیعه حقیقی امام خود باشد، در هنگام زیارت و دیدار، شاهد جذبه‌های روحی و معنوی خواهد بود.

اما اگر زایر با امام خویش سنخیت روحی و معنوی نداشته باشد، هنگام دیدار، قوه دافعه ایجاد می‌شود. ائمه طاهرین علیهم السلام محبوب حقیقی خداوند و غایت آفرینش هستند و دیدار آنان، لازمه کمال روحی انسان است و هر چه انسان بتواند خود را به امام نزدیک‌تر کند، حب خدا و قرب پروردگار و عشق به جمال حق در وجودش شعله‌ورتر می‌گردد. در حقیقت شدت و ضعف این ارتباط مانند شدت و ضعف نور است، هر چه انسان بتواند خود را به این ستاره‌های درخشان نزدیک‌تر نماید، از نور وجود آنان بیشتر بهره‌مند می‌گردد. البته این نزدیکی و قرب باید در هر دو جنبه نظری و عملی(قول و فعل) باشد و آن‌قدر که عمل و رفتار، معیار شیعه بودن و محبت واقعی است، زبان و گفتار، نمی‌تواند گویای عشق به ولایت باشد.

امام، جامع کلام تکوین و تدوین، واجد کتاب حقیقت و شریعت و شامل نشئه

1- کامل الزیارات، ص 320.

2- شوق دیدار، ص 136 و 137.

حقیقی و اعتباری است؛ (1) امام، مظهر کمالات است و اگر زایری با عشق و اخلاص خدمت امام خود سلام بدهد، زیباترین جواب‌ها را از ایشان خواهد شنید و جاذبه معنوی ایشان را احساس خواهد کرد.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که هر چه در این طیف گسترده، انسان خود را به حجت خدا بیشتر نزدیک کند، در مسیر عبودیت خداوند توفیق افزون‌تری حاصل خواهد کرد و صراط مستقیم تکاملی را با سرعت بیشتر طی خواهد کرد و به هدف غایی تربیت نزدیک‌تر می‌شود.

ج) محتوای زیارتنامه

زیارت یک فرآیند دینی و تربیتی است و محتوای تربیت همان سخنانی است که زایر در حضور مزور بر زبان جاری می‌سازد. پس زیارت‌نامه همان کلماتی است که در مزار هر یک از پیشوایان دینی باید خواند و در حقیقت اگر ما با معانی بلندی که زیارتنامه‌ها در بر دارد آشنا نشویم، نمی‌توانیم نظری محققانه به زیارت داشته باشیم و هرگونه قضاوتی در این زمینه سطحی خواهد بود.

به طور کلی، مبادله سلام هنگام مقابل شدن با دیگران، ساده‌ترین، آسان‌ترین و ارزشمندترین وسیله برای ابراز ارادت، تکریم و تعظیم مخاطب و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. زیارت‌کننده پس از سلام و ادای احترام، با او به گفت‌وگو می‌پردازد و محتوای زیارات، حاصل همین گفت‌وگوهاست که در آن زایر با مزور، درد دل می‌کند و با اظهار اشتیاق و محبت قلبی، از مهر و لطف امام سخن می‌گوید و محاسن و فضایل او را بازگو می‌کند. پس از اظهار محبت و اطاعت و شرح مناقب و کمالات و تصریح به امامت و رهبری وی، به دعا و نیایش می‌پردازد.

زیارتنامه‌ها را از آن‌جا که کلام معصومین علیهم السلام و آموزش امامان شیعه است، می‌توان

1- ادب فنای مقربان، ج 3، ص 46.

ملاک‌یابی و موضع‌شناسی کرد و در مورد شیعه‌ای که این کلمات را در مزار، از روی عقیده بر زبان می‌راند، می‌توان چنین حسابی گشود. اعلام مواضع، هم به صورت سخن و هم به صورت عملی، قابل اجراست. گاهی خود یک عمل، اعلام موضع است، گاهی هم سخنان و آراء، گویای مواضع انسان است. متن زیارتنامه‌ها، به صورت مؤکد و فراوان شامل این «اعلام مواضع» و تصریح به راه و خط رهبری و جناحی است که زایر امام، در آن قرار دارد و در رابطه با همان «موضع» هم به «زیارت» آمده است.

تصریح به قول یک رهبری، اعلام نفی رهبری‌های دیگر است، خود را در خط رهبری ائمه دانستن و معرفی کردن، پاسخ «لا» به همه داعیه‌داران علم‌افرازان و طاغوت‌ها و قدرت‌های ضد خدایی و مخالف حق و قانون‌های متزلزل سلطه‌های ضد بشری و قانونگذاران یک‌سونگر کافر است، به زیارت حجت خدا و امام معصوم و رهبران الهی رفتن، در بردارنده همه این اهداف و مواضع است. این همان مسأله «تولّی» و «تبرّی» را می‌رساند که از شاخه‌های اساسی دین و از نشانه‌های بارز دینداری است و ضرورت پایبندی به آنها، نه به صورت ظاهری و تنها در شکل، و نه فقط در حد حب و بغض قلبی و درونی، بلکه در متن عمل رفتار و سلوک اجتماعی و برخوردهای سیاسی، از مسلمات خط مکتبی یک مسلمان متعهد و موضع‌دار است. (1) در قسمتی از زیارت، زایر با استفاده از آن فضای روحانی، برای خود و دیگران، دعا می‌کند و به نماز و قرآن رو می‌آورد و به وعده خدا امید دارد تا تحت قبه آن امام شهید، دعاهایش مستجاب شود. قسمتی دیگر از محتوای زیارت، بیان شهادت و گواهی است که زایر در این مرحله گواهی می‌دهد که زندگانی و حیات مزور همیشه در راه حق سپری گشته و او به خاطر خدا، تبلیغ دین و خیرخواهی و نصیحت برای امت نموده و به سبب انجام چنین رسالتی رنج‌ها و سختی‌هایی را متحمل شده و در

1- کربلا، کعبه دل‌ها، ص 176 و 177.

راه خدا و برای رضای او ایثار و فداکاری و صبر کرده است. زایر گواهی می‌دهد که مزور اقامه نماز نموده، زکات را پرداخت و در راه خدا جهاد کرده و پیرو حقیقی کتاب خدا و بهترین آمر به معروف و ناهی از منکر است و وجود او از هرگونه بدی و آلودگی، پاک و مطهر است و به خاطر چنین اوصافی، شایستگی رهبری خلق و حجت بودن بر بندگان خدا را یافته است.
در قسمتی دیگر از محتوای زیارت، زایر به ایمان و اعتقاد راسخ خود به خدا و رسولان گرامی و ائمه معصومین علیهم السلام شهادت می‌دهد و بیان می‌کند که در حیات و ممات چنین ایمان و اعتقادی را دارد و از آن روی بر نمی‌گرداند و ثابت و استوار خواهد بود. زایر در فرازهایی از زیارتنامه، خدا را سپاس می‌گوید که هدایت را نصیب او نموده و توفیق محبت و ولایت برگزیدگان خداوند را عطا نموده و به این وسیله انسان‌ها را از ورطه هلاکت و نابودی و گمراهی نجات بخشیده است.
در قسمت‌هایی از زیارت که با واژه‌های «زُرتُک» یا «اتیتُک» آغاز می‌شود، حالات زایر و انگیزه‌های درونی او و هدف اصلی او از زیارت مطرح شده و زایر با توجه و توسل به مقام والای مزور، امید شفاعت گناهان و اجابت خواسته‌هایش را مطرح می‌نماید. در بررسی و تحلیل محتوای زیارات، به این نتیجه می‌رسیم که غالب زیارات از یک سیر منطقی برخوردارند که در این سیر، زایر با رعایت آداب و مقدمات زیارت، خود را برای دیدار با پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و ارواح پاک اولیاء اللّٰه مهیا می‌سازد.
زیارت و دعا
دعا، سخن گفتن با خداست و نیایش زبان خاصی است که ابعاد ناشناخته انسان را بیدار می‌کند. زیارت، دیدار با پیشوایان مکتب و سلام و درود بر آنان و راز و نیاز با آنهاست. در حقیقت زیارت هم نوعی دعاست چون انسان به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه‌های فیض با خدا گفت‌وگو می‌کند و لذا دعاهایی که در زیارت بر زبان

جاری می‌شود، زودتر مستجاب می‌گردد، چون واسطه‌های فیض در پیشگاه خداوند بسیار محبوبند و خداوند به خاطر آنان دعای زایر را مستجاب می‌گرداند.

در حقیقت، دعا نوعی معرفت اللَّه است و بسیاری از کلیدهای عرفان و شناخت در مضامین عالی دعاها یافت می‌شود. همان‌گونه که دعا، باب معرفت اللّٰه است، زیارت نیز باب معرفت ائمه معصومین علیهم السلام است و انسان زایر از این باب به عظمت امام پی می‌برد و به واسطه عظمت مقام امام، درهای رحمت الهی را به سوی خود می‌گشاید و در یک فضای ملکوتی و معنوی قرار می‌گیرد.

در حقیقت زیارت، نوعی تعظیم و بزرگداشت مزور و تعلیم زایر است. زیارت، هم ثنا و ذکر خداست که ولی همه نعمت‌هاست و هم معرفی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی که از بزرگ‌ترین نعمت‌های آفریدگارند و کامل‌ترین اسوه و نمونه برای کسانی که در راه خودسازی هستند و به دنبال مربی و مقتدا و مرشد می‌باشند. زایر، با شناختی که از امام و حجت خدا پیدا می‌کند، نمونه عملی زندگی خود را یافته و با پیروی از امام، همان صراط مستقیمی را که به بهشت منتهی می‌شود، می‌پیماید.

در حقیقت زیارت، هم صراط مستقیم و هم رهبران راه تکامل بشری را به انسان معرفی می‌نماید. زیارت، انسان را با نور هدایت ائمه هدی علیهم السلام آشنا ساخته و راه رفتن به سوی خدا را از طریق امامت و ولایت هموار می‌نماید. بنابراین دعا و زیارت به عنوان دو روش در نظام تربیتی اسلام، مطرح می‌شوند و انسان‌ها می‌توانند با تکیه بر این دو روش تربیتی، خود را به بالاترین مراحل کمال انسانی برسانند.

انواع زیارتنامه‌ها

زایر، گاهی با بیانات خود کمالات مزور را ترنم می‌کند که این‌گونه ثناخوانی فقط بیانگر میزان ارادت زایر، اعلام تولی به وی و تبری از دشمنان او، ابراز احساسات و تعیین موضع وی است که این نوع زیارت، اصطلاحاً «غیر مأثوره» نامیده می‌شود.

گاهی زایر از زبان معصوم ثنا می‌خواند که اصطلاحاً این‌گونه زیارتنامه‌ها را زیارت

«مأثور» می‌نامند. چنین زیارتنامه‌هایی نه تنها کیفیت اظهار ارادت و ابراز تولی و تبری را می‌آموزد، بلکه متنی است برای شناخت مزور و آگاهی از منزلت او؛ زیرا هر کس به مقدار معرفت خویش سخن می‌گوید و کلام هر کس، بیانگر میزان شناخت و آگاهی اوست: «الکلام صفة المتکلّم» (1) و «کل یأتی بما هو أهله». (2) در این زیارتنامه‌ها، اوصاف مزور هنگام سلام دادن تکرار می‌گردد و به ذکر اسم او بسنده نمی‌شود. این، از آن جهت است که مرتبت شخص مزور برای زایر روشن‌تر گردد و توجه پیدا کند که معشوق و محبوب او برای اعلای کلمه توحید، اقامه نماز، ادای زکات، احیای امر به معروف و نهی از منکر، تلاوت کتاب خدا و ... چه رنج‌هایی کشیده است.

همچنین زیارتنامه‌های مأثور دو گونه است:

1. زیارتنامه‌های اختصاصی که امامی خاص با آن زیارت می‌شود و زایر به سلام و اظهار ارادت به یکی از آن پیشوایان نور می‌پردازد. مانند: «السلام علیک یا رسول اللّه و رحمة اللّه برکاته، السلام علیک یا محمّد بن عبداللّه». (3) 2. زیارتنامه‌هایی که مضمونی عام و محتوایی کلی دارد و هر امامی را با آن می‌توان زیارت کرد، مانند زیارت امین اللّه، زیارت جامعه کبیره و .... (4) دسته دیگری از زیارات، زیارات مطلقه و مخصوصه هستند؛ زیارات مطلقه، مقید به وقتی از اوقات یا مکانی خاص نیست و در هر زمان و مکانی که انسان بخواهد، می‌تواند آن را بخواند؛ ولی زیارات مخصوص در شب‌ها یا روزها یا ماه‌های خاص یا در مکان‌های خاصی انجام می‌شود، مانند زیارت رجبیه یا زیارات حضرت علی علیه السلام در روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و ....

1- امثال و حکم، ج 1، ص 268.

2- همان، ص 127.

3- مفاتیح الجنان، ص 144(زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز شنبه).

4- ادب فنای مقربان، ص 36.

لوازم زیارت
الف) ولایت
مفهوم ولایت که در قرآن کریم و روایات، به صورت‌های گوناگونی مطرح شده است.
گاهی به ولایت اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و گاهی درباره ولایت هر ولی خدا و هر مؤمن صالح است. به عبارت دیگر، یک ولایت اللّه داریم: «ألا إنَّ أوْلِیاءَ اللّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ». (1)
کسانی که خود را تحت ولایت اللّه قرار می‌دهند، متقابلاً خدا هم ولی آنهاست. این ولایت، رابطه‌ای طرفینی بین مؤمنان و خداوند است. مؤمن ولی خدا و خدا هم ولی مؤمن است. این ولایت، در رابطه انسان با خدا وجود دارد.
دنباله ولایت خدا، ولایت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و ولایت اهل بیت علیهم السلام است. وقتی می‌گوییم:
ولایتی که برای خدا هست، برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز وجود دارد، منظور فقط حکومت نیست؛ بلکه تمام شئون ولایت را در بر می‌گیرد. البته در شعاع ولایت خداوند، مسأله حکومت نیز مطرح می‌شود؛ چون خداست که حاکم و قانون را تعیین می‌کند. بدین ترتیب حکومت، یکی از شئون ولایت اللّه است.
ولایتی که به خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده می‌شود، مفهومی است که تشکیک مراتب دارد. مرتبه اعلا و ذاتی آن، برای خداوند متعالی، و مرتبه بعدی آن ویژه رسول اللّه صلی الله علیه و آله است. (2) البته این تبعیت و دنباله‌روی، بر اساس محبت است و مؤمنان بالاترین رابطه محبت را با پیامبر صلی الله علیه و آله برقرار می‌سازند.
«قُلْ إنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَ اللّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ»؛ (3)
بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشاید و خداوند آمرزنده مهربان است.

1- سوره یونس، آیه 62.

2- آفتاب ولایت، ص 99.

3- سوره آل عمران، آیه 31.

اگر در دوست داشتن خدا صادق هستید، باید تابع من(پیامبر) باشید؛ چون من نماینده خدا بوده و بیان‌کننده خواسته‌های خداوند از شما هستم.
به هر حال لازمه پذیرش ولایت الهی، آن است که شناخت خود را از خدا دریافت کنیم و محبت او را به دل داشته باشیم. هرگاه چنین رابطه معرفت و محبتی با خدا برقرار کردیم، طبیعتاً رفتار ما باید تابع اراده او باشد. این همان «ولایة اللّٰه» است. مرتبه نازل این ولایت، در رسول خدا صلی الله علیه و آله تحقق پیدا می‌کند. پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این ولایت در حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام متجلی است. پس از آن حضرت نیز سایر ائمه اطهار علیهم السلام با ادله خاص مشمول این ولایت هستند. بنابراین تردیدی نیست که هر کس واقعاً ایمان داشته و تحت ولایت الهی در آمده باشد، باید از ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله بهره‌مند باشد و با تمام وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارد و از دستورات آن حضرت پیروی کند. (1) ب) توسل
ظهور تعدادی از آیات قرآن، در جواز مشروعیت توسل و نیز سفارش به آن می‌باشد که عبارتند از: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَةَ»؛ (2)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه نموده و برای رسیدن به او(خدا) وسیله بجویید. «اولئِکَ الَّذینَ یَدْعُونَ یَبْتَغُونَ إِلی رَبِّهِمُ الْوَسیلَةَ»؛ (3)
آنان که دعوت می‌کنند(به پرستش خداوند) برای نزدیکی به پروردگارشان وسیله قرار می‌دهند. «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحیماً»؛ (4)
اگر آنان هنگامی که به نفس خود ظلم روا داشتند، به سوی تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و تو نیز برای آنان طلب مغفرت می‌کردی، هر آینه خداوند را توبه‌پذیری مهربان می‌یافتند.

1- پرتو ولایت، ص 293 و 294.

2- سوره مائده، آیه 35.

3- سوره اسراء، آیه 57.

4- سوره نساء، آیه 64.

از این آیه شریفه استفاده می‌شود: چنان‌که استغفار و توبه خود انسان مجرم، وسیله کسب رحمت و مغفرت پروردگار غفار است، همچنین، رفتن به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضور در محضر او و تقاضای استغفار و شفاعت از آن حضرت نیز، وسیله دیگری برای جلب رحمت و عنایت حضرت حق می‌باشد؛ وگرنه ترغیب به رفتن به سوی آن حضرت خالی از فایده و حکمت خواهد بود؛ بلکه از آیه مبارکه، چنین به دست می‌آید که استغفار خود مجرم نیز، وقتی مؤثر است که به سوی رسول صلی الله علیه و آله آمده و در حضور وی، قیام به استغفار نماید؛ چه آن‌که می‌فرماید: «جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ»؛ نزد تو، آیند و سپس از خدا، آمرزش بخواهند. (1) در منابع روایتی امامیه احادیث بسیاری در نیکویی توسل و مشروعیت آن وارد شده است، علاوه بر آنها در بسیاری از ادعیه‌ای که از امامان روایت شده، آشکارا به شیعیان ضرورت توسل جستن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین تأکید شده است، و با توجه به مبانی اعتقادی شیعه، نه تنها توسل هیچ‌گونه منافات و تعارضی با توحید پروردگار ندارد، بلکه خود این عمل، با آگاهی از این که پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام خود برگزیدگان پروردگار بوده و برای هدایت مردم آمده‌اند، بسیار معقول و قابل توجیه است.

ج) شفاعت

در قرآن مجید به شفاعت کراراً اشاره و تصریح شده، و آیاتی چند در اثبات اصل وجود شفاعت در قرآن آمده است «مَنْ ذا الَّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إلاّ بِإذْنِهِ»؛ کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ (2)

این آیه، شفاعت با اذن الهی را ثابت می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اولین و برترین شفیع انسان‌ها و مسلمان‌هاست، مقام محمود که در قرآن به آن اشاره شده است: «عَسی أنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُودًا»؛ (3)

باشد که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده(شفاعت) بگمارد، همین شفاعت است.

1- توسل، ص 106.

2- سوره بقره، آیه 255.

3- سوره اسراء، آیه 79.

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: من شفاعتم را بر اهل کبایر(صاحبان گناهان کبیره) ذخیره کرده‌ام.
شفاعتی که شیعه مطرح می‌کند، از آیات قرآنی اقتباس شده و یک مسأله مهم تربیتی است که آثار مثبت و سازنده فراوانی دارد. برخی از این آثار عبارتند از:
1. ایجاد امید و مبارزه با روح یأس؛ وقتی انسان درک کند که گناه باعث طرد کلی از درگاه خدا نمی‌شود و می‌تواند با توسل به شفیعان، گذشته خود را جبران کند، از ناامیدی رهایی یافته، برای سازندگی خود تلاش می‌کند؛ 2. ایجاد رابطه‌ای معنوی با اولیاء اللّه؛ وقتی انسان دریابد که اولیایی وجود دارند که به واسطه تقرب خود به خداوند می‌توانند از او شفاعت کنند، سعی می‌کند که آنان را بشناسد و رابطه‌ای معنوی با آنان ایجاد کند و از فرموده‌ها و دستورهای آنان اطاعت کند. (1) در نهایت با عنایت در مباحث گذشته معلوم شد که زیارت دارای ارکان و لوازمی است که فراهم ساختن لوازم و شرایط مورد نیاز، کمک شایان توجهی به زایر در مقام متربی در راستای متأثر شدن از آثار تربیتی زیارت، توسط مزور(مربی) می‌کند. در ضمن مشخص شد که زیارت معصومین علیهم السلام اعم از انبیا، امامان و ... یا یاران معصومین علیهم السلام با در نظر گرفتن شرایط آن، منافی با توحید نبوده و از دستورات اکید و صریح قرآن کریم می‌باشد.
آداب زیارت
دانستیم زیارت، تشرف به محضر صاحبان علم، کرامت و عصمت و طهارت و بار یافتن به بارگاه اکابر فضل، تقوا و حکمت است. در همین راستا زایران نور، باید روح و جان خود را در زلال جاری آداب و بایسته‌های عرفانی و اخلاقی «زیارت» شست‌وشو دهند و با عشق و علاقه و پاکی نفس و تن، حرمت آن بزرگان را حفظ کنند.

1- دایرة المعارف تشیع، ج 10، ص 11.

زیارت حقیقی، آن‌گاه تحقق می‌یابد که با شروط خاص خود و آداب ظاهری و باطنی انجام گیرد و زایر با آگاهی، معرفت و آمادگی کامل، گام در وادی نور بنهد و به نحو شایسته، از این فیض بیکران برخوردار گردد.
ما با مراجعه به منابع دینی و مطالعه دستورات بزرگان در جهت رعایت آداب ویژه زیارت، آداب مورد نظر را به الف) آداب مربوط با طهارت ظاهری، ب) آداب مربوط با احترام عملی، ج) آداب مربوط با طهارت باطنی تقسیم می‌کنیم که به قرار ذیل است:
الف) آداب مربوط به طهارت ظاهری
1. وضو گرفتن و غسل نمودن، پیش از بیرون رفتن برای سفر و زیارت. همان‌طور که تأثیر وضو در تنویر انسان مشهود است، غسل کردن نیز می‌تواند آثار مشابه با توضُّؤ داشته باشد.
بنابراین، زیارت چون از امور مستحبی محسوب می‌شود، مشمول قاعده وضو و غسل خواهد شد. چراکه آن دو امر، هم موجب طهارت ظاهری و جسمی زایر(زدوده شدن از آلودگی‌ها و نجاسات برونی) و هم باعث طهارت باطنی و نورانیت درونی انسان می‌گردند.
2. پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه که البته بهتر است سفید رنگ بوده و با مواد معطر، خوشبو شده باشد.(به جز در زیارت سیدالشهدا علیه السلام)
از این‌رو، چه زیبا و پر معناست که وقتی زایر به زیارت و ملاقات محبوب و معشوق خود(مزور) می‌رود، خود را به بهترین شکل بیاراید، خوشبو کند و به رنگ صفا و طهارت درآید. چراکه وی عاشق است و هدفش جلب رضایت و خشنودی معشوق می‌باشد. باید توجه نمود گرچه موارد مذکور در قسمت مربوط به طهارت ظاهری و بدنی ذکر گردید، اما به طور یقین دارای آثار باطنی و نورانیت و تأثیرات معنوی نیز خواهد بود.

ب) آداب مربوط به احترام عملی
1. ترک کلام بیهوده، مخاصمه و مجادله در طول مسیر.
اولین و مهم‌ترین گام در راستای زیارتِ هدایتگران واقعی و مطهر انسان‌ها، بنا بر دستور صریح قرآن کریم، کناره‌گیری از همه اقسام معاصی و گناهان است که در این میان نسبت به ترک جدال و مشاجره لفظی که نمایانگر سوء ادب بیشتری نسبت به دیگران است، تأکید فراوان‌تری شده است.
2. بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه.
3. بجای آوردن سجده شکر برای خداوند، جهت دستیابی به نعمت ارزشمند زیارت.
4. مقدم داشتن پای راست در وقت دخول و مؤخر داشتن آن در وقت بیرون آمدن، پس از اخذ اذن دخول.
5. نزدیک شدن به ضریح مقدس و لمس کردن آن به جسم و جان در صورت عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران و عدم تماس با بانوان.
6. استدبار به قبله و استقبال به قبر منور مزور.
7. ایستادن در وقت خواندن زیارت(در صورت عدم ضعف و مشکل جسمانی).
8. گفتن تکبیر پیش از قرائت زیارت(ظاهراً حکمت آن جلوگیری از بروز حالت مبالغه یا غفلت از عظمت حق تعالی است). (1) 9. بلند نکردن صدا به هنگام خواندن زیارت.
10. وداع کردن با حضرات علیهم السلام در وقت خروج و عدم استدبار به ضریح مقدس ایشان.
11. قصد مراجعت مجدد به حرم مطهر و بازگشت به زیارت تا زمان اقامت در مشهد شریف.

1- آداب زیارت، ص 138 و 139.

ج) آداب مربوط به طهارت باطنی
1. بجا آوردن نماز زیارت(حداقل دو رکعت و حداکثر هشت رکعت) و خواندن دعا و قرآن پس از نماز و هدیه آنها به روح مقدس مزور.
2. اشتغال به نماز جماعت پیش از زیارت، در صورتی که زیارت با نماز جماعت مصادف گردد. (1) 3. نیابت کردن از پدر و مادر و اقارب در زیارت و استغفار برای ایشان.
4. بهتر کردن احوال(کردار و گفتار) پس از فراغت از زیارت نسبت به قبل از زیارت.
5. انفاق کردن و احسان بر خادمان حقیقی آستانه مبارکه، فقرا، مساکین و مجاورین حرم به قدر امکان. (2) آثار تربیتی زیارت
اینک نوبت به بیان ثمرات و آثار نیک تربیتی زیارت می‌رسد. آثار زیارت را ابتدا می‌توان به دنیوی و اخروی تقسیم نمود. سپس آثار دنیوی را به فردی و اجتماعی و آثار فردی را به اعتقادی و روانی تقسیم کرد.
آثار دنیوی زیارت
مراد از این قسم، آن است که انسان در زمان حیات خویش در دنیا، پس از زیارت مزوران مقدس به ثمراتی دست می‌یابد که آن ثمرات موجب رشد و شکوفایی زایر از جهت عقیده و امور روانی می‌گردد.
1. آثار فردی
الف) ثمرات اعتقادی
تحکیم و تقویت اعتقادات ... در این بعد، اصول اعتقادی در شخص تقویت و تثبیت می‌شود؛ چراکه انسان در هر لحظه از عمر خویش، ممکن است به دلایل گوناگون

1- شوق دیدار، ص 50.

2- آداب زیارت، ص 139.

ص: 888
دچار شبهه، تزلزل اعتقادی و در نهایت شرک و کفر گردد. بنابراین لازم است با تمسک به وسایلی چون اهل بیت علیهم السلام اصول اعتقادی خویش را از خطرات مصون بدارد که یکی از مناسب‌ترین طرق، زیارت حضرات علیهم السلام است. شک و شبهه در اعتقادات به سان طوفانی سهمگین همواره در کمین انسان‌هاست و اهل بیت علیهم السلام مانند یک کشتی نجات، می‌توانند زایر را به ساحل سلامت و یقین برسانند. در این‌باره روایات فراوانی رسیده که مطالعه آنها می‌تواند مفید باشد.

استجابت دعا

زایر وقتی به زیارت انسان‌های پاک و مقدس می‌رود، آنها را محرم و انیس دل خویش شمرده و صندوقچه دل خویش را به رویشان می‌گشاید و آنچه با اغیار ناگفتنی بوده، با آن عزیزان می‌گوید و درد دل می‌کند. انسان خسته از گناه، گرفتار در امور مادی و دنیوی، به دنبال پناهگاهی می‌گردد تا خستگی خویش وانهد و در پی کسی است که در درگاه الهی صاحب فضیلت و کرامت فراوان است و در واقع واسطه فیض الهی به شمار می‌آید. خداوند متعال فرموده: «ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ»؛ مرا بخوانید تا برایتان استجابت کنم. اما گاهی خواندن خداوند و ذکر نام انسان‌های مطهر مقدس که عزّتمداران ملکوت اعلی می‌باشند، چنان سرعتی به «استجابت» می‌بخشد که انسان متحیر و سرگردان می‌ماند.

به طور مسلم مقام و جلالت ویژه آن انسان‌های والا گهر در نزد خداوند، در نزد خلق نیز محبوبشان گردانده تا جایی که برای استجابت دعا به عنوان واسطه معرفی می‌شوند.

انفتاح باب توبه و آمرزش گناهان

یکی از الطاف خداوند به بشر گنهکار، جعل «باب توبه» است. توبه به معنای رجعت از گناه است. وقتی انسان سرگردان و غوطه‌ور در معاصی، به زیارت معصوم علیهم السلام

می‌رود، عنایت خدا شامل حال وی گشته و بسیاری از گناهان او بخشیده می‌شود. این مغفرت می‌تواند در پی توبه زایر صورت گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «
مَنْ زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّه ... غَفَرَ له ما تقدّم مِنْ ذنبه و ما تأخَّر
»؛ (1) گویا خداوند به واسطه میانجی‌گری آن حضرت علیه السلام به سوی عبد باز می‌گردد [تاب اللَّه علیه] و پس از آن بنده توفیق توبه می‌یابد [تاب العبد الی اللَّه] و سرانجام گناهانش بخشیده می‌شود.
ب) آثار روانی زیارت
1. امید به زندگی: امید یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین قدم‌های اصلاح هر کسی است و این نکته در زیارات، خیلی خوب مطرح شده که زایر به امام، به عنوان مظهر رحمت و بخشش و افاضه حق تعالی، می‌نگرد و می‌داند که امام قادر است زایر را به بهترین راه هدایت کند. از این‌رو از نظر عاطفی تمام امید و آرزویش وجود مقدس مزور است و یقین دارد که او به اذن خدا فقر را برطرف می‌کند و هراس و ترس را به ایمنی مبدل می‌سازد و به هر گناهکاری و هر بیچاره‌ای پناه می‌دهد. چون در زیارت از طریق پیوستن و احساس کمک گرفتن از یک موجود برتر به افراد، معنا و هدف داده می‌شود، لذا در رفع ناامیدی و ایجاد خوش‌بینی درباره آینده، و اعتماد به نفس مؤثر خواهد بود. تمام این حالات، ناشی از این است که ادعیه و زیارات انسان را به این شأن می‌رسانند که نیازمند ارتباط با منبع و انسان کامل است.
2. رفع افسردگی: در زیارت شخص افسرده می‌تواند هیجان‌های خود را تخلیه کند و به آرامش برسد. چراکه اولاً، از بیان کردن مشکلات، علیه او استفاده نخواهد شد و ثانیاً، احساس خجالت در او به وجود نمی‌آید. از آن جایی که تخلیه روانی یکی از مؤلفه‌های مهم در رفع افسردگی است، در روان درمانی و مشاوره نیز به این مقوله از طریق تخلیه هیجانات پرداخته می‌شود. در حال حاضر در بین روان‌شناسان غربی

1- بحار الأنوار، ج 100، ص 257.

که تجربه مذهبی ما را ندارند، این اعتقاد وجود دارد که با استفاده از بعضی مؤلفه‌های معنوی مثل دعا و زیارت می‌توان مشکلات روان‌شناختی را رفع کرد. (1) 3. احساس آرامش و نشاط: وقتی انسان به زیارت امامی نایل می‌شود، حالاتی چون حزن و گریستن، دعا و اعتکاف و نیایش، انجام می‌دهد و لطف خداوندی و نظر آن بزرگوار(مزور)، نتیجه و هدیه‌ای است که نصیب او می‌شود. زایر، تحت تأثیر فضای روحانی آن مکان مقدس قرار می‌گیرد و اشک و گریه اولین قدم زیارت است.

عرفا معتقدند: حداقل بهره‌ای که از عبادات و زیارت می‌توان برد، پیدا کردن حالات حزن و گریستن است که به آرامش و رضایتمندی از زندگی می‌انجامد و گریه برای اولیا و انبیا از شوق و پیروزی است.

وقتی که به زیارت امام رضا علیه السلام می‌رویم، همه وجود ما آرام می‌شود. انسان احساس می‌کند که به اقیانوس هستی، آمده است. کم‌تر کسی است که این آرامش را احساس نکند، انسان‌های زایر پیرو هر دینی که باشند ... به محض این‌که به حرم امام رضا علیه السلام پا می‌گذارند، موج روحانی و معنوی حضرت، ایشان را در بر می‌گیرد و آن‌جاست که به آرامش و نشاط می‌رسند. (2) ج) اثر جسمی(طولانی شدن عمر)

یکی از آثار زیارت طولانی شدن عمر است، زیرا وقتی انسان به دیدار عزیزی می‌رود، تغییرات سلولی ایجاد می‌شود و سلول‌ها منبسط می‌شوند که این انبساط خاطر، مصونیت روان و بدن است. ین‌های تولید شده در مقابل عفونت‌ها و سرطان‌ها، مصونیت می‌بخشد، در نتیجه انسان با چهره‌ای گشاده‌تر، عمری طولانی‌تر و سالم‌تر به زندگی ادامه می‌دهد. (3)

1- نشریه قدس 15/ 7/ 82، بی‌نا، «نقش زیارت در درمان افسردگی».

2- «روان‌شناسی زیارت»، نشریه زایر، شماره 90.

3- همان.

2. آثار اجتماعی
الف) تأثیر فرهنگی(مبارزه‌جویی و شهادت‌طلبی)
زایر، از زیارت مزور و از فضای زیارتگاه درس مبارزه و درس قیام علیه باطل می‌آموزد، چراکه مزور در اصل به خاطر حق‌طلبی و مبارزه با باطل به شهادت رسیده است، لذا می‌بینیم بسیاری از مبارزات و قیام‌ها از همین زیارتگاه‌ها و در کنار آنها آغاز شده است مثلاً:
1. مبارزه حضرت زهرا علیها السلام علیه حکومت زمان خود در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و گریه بر کنار آن قبر را وسیله‌ای قرار داد برای آگاهی امت غفلت‌زده.
2. امام حسین علیه السلام وقتی که مجبور می‌شود در اثر فشار یزید، مدینه را ترک کند در روزهای آخر بر سر قبر جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آید، ضمن وداع با ایشان، مبارزه خود را از آن نقطه مقدس آغاز می‌کند.
3. اکثر امامان در مدینه ماندند و جز با ضرورت از آن‌جا و از کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون نرفتند. این نبود جز این‌که مبارزه را در کنار قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و در آن زیارتگاه مقدس برنامه‌ریزی کرده و شکل می‌دادند و حقایق را به مشتاقان می‌آموختند.
4. امام هفتم علیه السلام نیز زیارتگاه پیامبر صلی الله علیه و آله را میدان مبارزه و نبرد با طاغوت زمان خود می‌نماید و آنان را رسوا می‌سازد.
5. امام هشتم علیه السلام نیز هنگامی که مجبور شد به سوی خراسان روانه شود داخل مسجد شد و مکرر با پیغمبر صلی الله علیه و آله وداع کرد و صدایش به گریه بلند بود که بدین وسیله عملاً ادامه نبرد باطل را در کنار پیغمبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد.
6. امامان نهم و دهم و یازدهم علیهم السلام نیز مادامی که بالاجبار از مدینه بیرونشان نکرده بودند در همان‌جا مردم غفلت‌زده را رهبری می‌کردند و نهال مبارزه را کنار قبر جدشان در دل و جان مردم می‌کاشتند.
با توجه به آنچه گفته شد، این نکته معلوم گردید که شخص زایر با زیارت امام و مراد

خود می‌تواند یک انسان واقعی و یک مجاهد سلحشور الهی گردد و به مصداق «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ بِأمْوالِهِمْ وَ أنْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدینَ دَرَجَةً وَ کُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ عَلَی الْقاعِدینَ أَجْرًا عَظیماً» (1)
لایق دریافت ثواب و پاداش‌های فراوانی گردد.
از این‌جا می‌توان اندکی نقش زیارت و زیارتگاه را فهمید که زیارتگاه الهام‌بخش، زندگی‌ساز و پایگاه حرکت و قیام است که از همان آغاز، پیامبر صلی الله علیه و آله و امامانِ هدایت، این درس را به ما آموختند و به پیروان خود دستور می‌دادند که به زیارت بروند، هر چند با خوف و ترس همراه باشد و حتی تا مرز دستگیری و زندان هم که شده زیارت را ترک نکنند. (2) ب) تأثیر اقتصادی و مالی
امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند: «
من زارنی غفرتُ له ذنوبه و لم یُمِت فقیراً
»؛ (3) کسی که مرا زیارت کند، فقیر نمی‌میرد. با توجه به فرمایش حضرت می‌توان دو معنا برای فقر در نظر گرفت؛ فقر اقتصادی و فقر معنوی. اگر منظور، فقر معنوی باشد، بدین معناست که ائمه علیهم السلام در مواقع هولناک، دست شیعیان را می‌گیرند و آنان از نظر معنوی فقیر از دنیا نمی‌روند. اما اگر منظور، فقر مادی باشد می‌توان این‌طور برداشت کرد که زیارت ائمه علیهم السلام در گردش و رونق چرخه اقتصادی زایران و حتی مجاوران حرم مطهر ائمه علیهم السلام تأثیر بسزایی دارد، چنانچه روایتی نیز در این زمینه نقل شده است؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام، به خاطر این‌که زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی می‌کند. (4) آثار اخروی زیارت
1. ثبت ثواب حج و عمره در نامه عمل: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
من زار الحسین علیه السلام عارفاً بحقّهِ کتب اللّه ثوابَ ألفِ حَجّةٍ مقبولةٍ وَ ألفِ عمرةٍ مقبولةٍ و غفر له ...
»؛ (5) هر کس در

1- سوره نساء، آیه 95.

2- سرزمین وحی، ص 9 و 10.

3- بحار الأنوار، ج 100، ص 145.

4- كامل الزيارات، ص 284.

5- بحار الأنوار، ج 100، ص 257.

حالی که عارف به حق حسین علیه السلام باشد و به زیارت او نایل گردد، خداوند برای زایر ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را می‌نویسد. از آن‌جا که فضایل زیادی در باب زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده، قلم و بیان از ذکر مقام والای زایر آن حضرت عاجز است.
و در یک کلام مطاف تمام انبیا و اولیا قبر شش گوشه حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد! زیارتی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «زیارت امام حسین علیه السلام برترین اعمال می‌باشد». (1)
از دیگر فضایل زیارت آن حضرت این است که زیارت ایشان افضل از زیارت ائمه است.
دیگر این‌که زیارت امام حسین علیه السلام سبب خلاصی دیگران هم می‌شود، چنانکه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «شفاعت زایر قبول می‌شود در حق صد نفر که همه مستحق جهنم شده باشند». (2) و در اخبار دیگر است که به زایران می‌گویند: «هر کس را بخواهید دست او را بگیرید و داخل بهشت نمایید». (3) 2. حرمت جسد زایر بر آتش و وجوب بهشت بر وی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی پاره تن من [امام رضا علیه السلام] در سرزمین خراسان، مدفون خواهد شد، هر مؤمنی که ایشان را زیارت نماید، خداوند عزیز و جلیل، بهشت را بر او واجب گردانده و بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد نمود.
امام هادی علیه السلام نیز در این‌باره حدیثی دارند: «
مَنْ زار عَمَّتی بِقُم فَله الجنة
»؛ (4) هر کس عمه‌ام را [حضرت معصومه علیها السلام] در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست.
3. دستگیری از مؤمن در مواقع صعب قیامت: امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند:
«من زارنی عَلی بُعدِ داری، اتیتُه یوم القیامة فی ثلاثِ مواطنَ حتّی أُخلّصَه مِن أهوالِها: اذا تَطایَرتِ الکُتُبُ یمیناً و شِمالاً و عند الصراطِ و عندَ المیزان
»؛ (5) هر کس مرا زیارت کند و از راه دور هم [احیاناً] آمده باشد، من در روز قیامت سه جا به دیدن او خواهم رفت و او

1- کامل الزیارات، ص 262.

2- بحار الأنوار، ج 98، ص 77.

3- همان، ص 27.

4- همان، ص 265.

5- همان، ص 34.

را از ترس و وحشت آن سه موضوع نجات خواهم داد: 1. هنگامی که نامه عمل از چپ و راست به او عرضه می‌شود؛ 2. هنگام عبور از صراط؛ 3. هنگام سنجش اعمال.
4. شفاعت: قال النبی صلی الله علیه و آله: «
من زارنی حیّاً و میّتاً کنت له شفیعاً یوم القیامة
». (1) بنابر فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از پاداش‌های زایر حرم نبوی چه در دوره حیات و چه در زمان ممات ایشان، شفاعت زایر است ... یعنی حضرت به عنوان یکی از شفیعان روز جزا، زایر را از عذاب الهی نجات می‌دهد و نقش میانجی را در آخرت ایفا می‌کند.
نتیجه‌گیری
زیارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان جهان و تشرف به حرم‌های مقدس و نورانی آنان است. زیارت، شرفیابی به محضر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و کسب فیض و برکات معنوی از ساحت آن بزرگواران است. زیارت، که واقعیتی اصیل، عینی و خارجی است، آثار و برکات فراوان دارد و از سه رکن اصیل مرکب است:
1. زایر، یعنی شخصی که میل و گرایش به کسی یا چیزی دارد.
2. مزور، یعنی شخصی یا چیزی که میل به اوست.
3. خصیصه‌ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است.
اگرچه معنای شرح الاسمی زیارت، آسان و گفتن آن روان است، لیکن معنای حقیقی آن با حقایق و معارفی همراه است که باید به تدریج آنها را آموخت؛ زیرا به صورت یک اصل و قاعده کلی هر حقیقتی که میزان تأثیر کمی و کیفی آن گسترده و عمیق باشد ضرورتاً از معنا و لب بیشتری برخوردار است و زیارت از این مقوله است.
از این‌رو در امر زیارت باید دو موضوع خاص مورد توجه و دقت قرار گیرد:
اول این‌که، انسان پس از مرگ از حیاتی برتر و کامل‌تر برخوردار است و ارتباط و تعلق او به عالم بالا و انس و حشر او با جواهر قدسی موجب گسترش وجود و میدان

1- همان، ج 74، ص 345.

احاطه وی می‌شود و طبعاً آثار وجودی او قوی‌تر و گسترده‌تر است و تفسیر زیارت به ارتباطی زنده میان دو حقیقت بدین معناست که نفس زائر با نفس و جان مزور ارتباط برقرار می‌کند، و هرگز زیارت ارتباط زایر با بدن مدفون مزور نیست.
دوم این‌که، ارتباط و توجه خاص مزور به بدن موجب می‌شود بدن و جسد او یک نوع مرکزیت و محوریتی پیدا کند و همین مایه توجه و زیارت قبر و بدن می‌شود.
گرچه روح و جان انسانی زمان و مکان ندارد و انسان در هر شرایطی و در هر مکان و زمانی با درود فرستادن و اهدای سلام و صلوات و ... می‌تواند مزور را شادمان کند، یا خود از او اثر وجودی بپذیرد، اما به لحاظ توجه و عنایت خاصی که آن نفس به هر جهت، به شیئی دارد موجب می‌شود در آن فرصت زمانی و مکانی موفقیت ویژه‌ای ایجاد شود. لذا، از این جهت است که مزار ائمه معصومین علیهم السلام بهترین مکان برای سیر در عبودیت و طیران در فضای معنویت است.
وقتی بار سنگین خطاها انسان را از رفتن باز می‌دارد و گناهان بسیار انسان را گرانبار می‌سازد، حالت تضرع و نیاز، شکسته دلی، پشیمانی، ندامت و خوف و رجا و بیم و امید لازم است. انکسار قلب در پیشگاه خداوند قادر قاهر در طول مسیر الزامی است و دل‌شکستگی در برابر «عظمت» خدا و «عصمت» رسول باید فراهم گردد. با واسطه قرار دادن چهره‌ای چون پیامبر و اولیای خدا در برابر پروردگار، امواج دریای رحمت و کرم او، زودتر گنه‌کار را فرا می‌گیرد و استحقاق غفران و توبه‌پذیری فراهم می‌شود.
از این رهگذر، تاریخ، بسیاری از زایران مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و عترتش را می‌شناسد که در مزار و مرقد پیامبر به پیشگاه خداوند توجه و التجا نموده و رضای الهی را کسب کرده‌اند و یا حتی از بیماری‌های سخت شفا گرفته‌اند.
این‌گونه احترام‌ها و محبت‌ها و شفاطلبی‌ها و تبرک‌جویی‌ها، از عقیده و ایمان سرچشمه می‌گیرد.

فهرست منابع
1. قرآن الکریم، ترجمه آیت اللَّه مکارم شیرازی، نشر دار القرآن الکریم، تهران، 1376.
2. آداب زیارت، میرزاحسین نوری، اپرون، بی‌جا، 1378.
3. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1383.
4. ادب فنای مقربان، عبداللَّه جوادی آملی، اسراء، قم، 1383.
5. اصول کافی، محمدبن یعقوب الکلینی، دار التعارف و المطبوعات، بیروت، 1401 ق.
6. امت و امامت، علی شریعتی، قلم، تهران، 1358.
7. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، المکتبة الاسلامیه، تهران، 1398 ق.
8. بررسی کوتاهی پیرامون زیارت، سید محمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1364.
9.* برهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، دار التفسیر، قم، 1375.
10. پرتو ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1383.
11. ترجمه اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه باقر کمره‌ای، اسلامیه، تهران، 1381.
12. توسل، سید محمد ضیاءآبادی، بنیاد بعثت، تهران، 1380.
13. حکمت عبادات، عبد اللَّه جوادی آملی، اسراء، قم، 1379.
14. دایرة المعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جوادی، شهید محبی.
15. دایرة المعارف الاسلامیه، حسن الامین،، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، 1423.
16. سرزمین وحی، مرتضی فهیم کرمانی، دارالسلام، تهران، 1375.

ص: 897

17. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، اداره امور فرهنگ آستان قدس، مشهد، مهر، 1362.
18. الغدیر، عبدالحسین الامینی النجفی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1366.
19. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب محمّد ابن ابراهیم نعمانی، مترجم: جواد غفاری، صدوق، تهران، 1363.
20. فلسفه زیارت و آیین آن، مرتضی جوادی، اسراء، قم، 1382.
21. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1372.
22. کامل الزیارات، جعفر بن محمّد ابن قولویه، صدوق، تهران، 1375.
23. کربلا، کعبه دل‌ها، جواد محدثی، نشر شعر، تهران، 1375.
24. معجم الفاظ قرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، مرتضوی، تهران، 1376.
25. مفاتیح الجنان، عباس قمی، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ایران نگین، مسجد جمکران، 1381.
26. مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مهدی حائری قزوینی، برگ شقایق، قم، 1380.
27. منتهی الامال، عباس قمی، هجرت، قم، 1373.
28. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی، (شیخ صدوق)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1383، همان کتاب با تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، بی‌تا.
29. نهج البلاغه، ابن موسی، محمد بن حسین(سید رضی)، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1370.
30. وسائل الشیعه، محمّد ابن حسن الحر العاملی، آل البیت، قم، 1412 ق.

10. مبانی فقهی، آثار روحی و روانی زیارت

محمدعلی ابراهیمی [1]

چکیده

ابن تیمیه در قرن هشتم هجری فتوای تحریم زیارت اماکن مقدس را مساوی کفر دانست و زایران مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشرک خواند. سپس وهابیت با اخذ قسمتی از فراورده‌های ذهنی ضلالت‌آور ابن تیمیه به عنوان یک فرقه جدید تأسیس شد و مشکلات و شبهات جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورد. فقهای اسلامی اعم از تشیع و تسنن کلیه شبهات این فرقه را پاسخ مستدل و مطابق با موازین علمی دادند. در این نوشتار دلایلی از منابع اهل سنت ارائه شده که آنان نیز مانند شیعه قائل به جواز زیارت مرقد رسول خدا می‌باشند. همچنین برخی از آثار روحی و روانی زیارت قبور به اختصار مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده ضمن بررسی مبانی فقهی زیارت، به سؤالات مطرح شده از سوی آن فرقه ضاله پاسخ داده و مبنای اصلی این اشکالات را صبغه سیاسی دانسته، که ناشی از تحجر و جمود فکری و نیز نیرنگ سیاسی بوده است.

کلیدواژه‌ها: ابن تیمیه، وهابیت، زیارت، آثار روحی و روانی زیارت.

مقدّمه

یک نگاه اجمالی به تاریخ فقه اسلامی نشان می‌دهد که تدوین این دانش قرن‌ها پس از نزول قرآن و شکل‌گیری سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان علیهم السلام دین صورت گرفته است. [2] اگر

1- کارشناس ارشد حقوق جزا.

2- جامع المقاصد، ص 30، این مجموعه از برخی کتاب‌های موجود در نرم‌افزار جامع فقه اهل البیت علیهم السلام و ... جمع‌آوری شده است، الدور الثانی(دور التدوین)؛ جواهر الفقه، المقدمة، ص 10، مراحل تدوین الفقه و تطویره، علی بن الحسین بن بابویه(ت 329) فقام بتدوین الفقه علی نمط جدید، و أحدث فیه تطویرا.

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تفقهی در دین صورت گرفته باشد باز دلیلی بر سامان یافتن معرفت احکام الهی نیست، فقط نمایه‌ای از تفقه در دین خواهد بود. بنابراین اختلاف نظرهایی که میان فقهای اسلام پیش آمده، مربوط به قرن‌ها بعد از نزول قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله است. حال چرا چنین اختلافات عمیقی و موضع‌گیری‌هایی میان اندیشمندان علوم اسلامی پیش آمده، سؤالی است که پاسخ آن در طی تدوین این نوشتار مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

اما آنچه که باید این جا به آن پرداخته شود این است که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ (1)

آنچه رسول خدا برای شما آورده بگیرید(و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید. از جمله چیزهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امت خود قرار داده، جواز زیارت اهل قبور است. ما در منابعی که به آن اشاره خواهیم کرد، می‌بینیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله اول این عمل را نهی نمود، اما بعداً امر فرموده است. و این جمله رسول اللّه صلی الله علیه و آله که فرمود: «

کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها» (2)

در تمام منابع و صحاح سته اهل سنت نقل شده و اسناد آن هم مورد نقد واقع نشده است. این می‌رساند که همه آنها این روایت را پذیرفته‌اند، با این که همین روایت سبب اختلاف نظر فقهای اهل سنت از لحاظ قایل شدن به وجوب، حرمت و اباحه حکم زیارت شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ»؛ (3)

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند. از آن‌جا که قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

1- سوره حشر، آیه 7.

2- مصنف ابن أبی شیبة فی الأحادیث و الأثار، ج 3، ص 223.

3- سوره احزاب، آیه 21.

زمان و مکان ندارد و در برهه‌های زمان و مکان ناپدید نمی‌گردد، لذا قابلیت استدلال و تأثیرگذاری همیشگی دارد. آیا خود پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار و عیادت برادران دینی و زیارت مردگان مسلمان نرفته است؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین عملی را انجام داده، آیا برای ما اسوه نخواهد بود؟! بدون شک پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما اسوه است و رفتار آن بزرگوار موجب جواز و اباحه عمل می‌شود. پس سؤالی که این‌جا مطرح است این خواهد بود که این نظرات افراط و تفریط فقهی موجود چه مبنایی شرعی می‌تواند داشته باشد؟! همچنین سؤال دیگری که باید به پاسخ آن برسیم این است که آثار روحی و روانی زیارت چیست؟!

از دیدگاه فقهای شیعه زیارت مؤمنین، عیادت بیماران و رفتن به قبرستان مسلمانان جهت ادای احترام، دعا و تقدیم خیرات، نذورات و نیز خواندن ادعیه، نه تنها حرام نخواهد بود، بلکه شخص زایر مستحق پاداش هم هست و برای آن اجر و ثواب نیز تعلق می‌گیرد و این عمل نه تنها هیچ شائبه و نشانی از کفر و شرک ندارد، بلکه اثرات تربیتی فراوان بر آن بار خواهد شد.

برخی از کسانی که خود را اهل سنت معرفی می‌کنند، اما بیشترین اهانت‌ها را به مقدسات و عقاید مسلمانان روا داشته و خشم توفنده علمای اسلام را برانگیخته‌اند به صراحت می‌گویند:

1. مسافرت برای زیارت مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام است.

2. ساختمان‌سازی روی قبور بدعت و شرک می‌باشد.

3. توسل به ارواح پیامبران و محبوبان درگاه الهی، شرک است و ...

4. منکر شفاعت بوده و آن را با توحید در عبادت و توحید ذاتی ناسازگار می‌دانند. (1)

1- السیف الصقیل فی الرد علی ابن زفیل، ص 177.

5. و نیز می‌گویند شفاعت موجب تجری است، قرآن آن را باطل دانسته و از لازمه پذیرش آن این است که خداوند تحت تأثیر شفیع قرار گیرد و ... (1) باید دید که مبنای اصلی این اشکالات چیست؟ آیا دلیل شرعی دارد یا با صبغه‌ای سیاسی رنگین می‌باشد؟ در این نوشته تلاش شده که مبانی فقهی و آثار روحی و روانی زیارت تحقیق شود و در ضمن آن، به سؤالات فوق پاسخ داده شده و بطلان اشکالات به شکل واضح ثابت گردیده و با یک جمع‌بندی منطقی نوشته خاتمه یابد.

مفهوم لغوی و اصطلاحی زیارت

زیارت واژه عربی است و در لغت به معنای بازدید کردن، دیدار کردن شخص بزرگ، و رفتن به مشاهد متبرکه را گویند. (2) و نیز به معنای دیدار کردن از مکان یا چیزی مهم و با ارزش نیز خواهد بود. (3) در اصطلاح دیدار کردن از آرامگاه‌های ائمه علیهم السلام، بزرگان دین، مکان‌های مقدس، به قصد ثواب و تبرک و همچنین دیدار کردن از کسی، چیزی، یا جایی که دارای ارزش و اهمیت می‌باشد را می‌گویند. (4) لازم به تذکر است که یکی از مصادیق دیگر زیارت، دیدار از مرقد شهدا و اهل قبور مسلمین می‌باشد که در میان امت اسلامی جایگاه ویژه دارد و جزء سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. (5) کلمه دیگری که در این راستا قابل توجه است «عیادت» می‌باشد، چون در منابع دینی مورد تأکید واقع شده و پیامبر صلی الله علیه و آله عنایت خاص به آن داشته است. مفهوم این کلمه نیز نوعی زیارت و دیدار کردن می‌باشد و برای دلجویی بیمارانی که در بستر مانده‌اند به کار می‌رود. در فارسی لفظ دیدار که عبارت از عمل یا فرایند دیدن کسی برای گفت‌وگوی حضوری یا رابطه‌ای عاطفی می‌باشد، قرین مفهوم زیارت خواهد

1- مجموعه آثار شهید مطهری 1، «شفاعت»، ص 243.

2- فرهنگ فارسی عمید.

3- فرهنگ معاصر فارسی.

4- فرهنگ بزرگ سخن.

5- عون المعبود شرح سنن أبی داود، مع شرح الحافظ شمس الدین ابن

قيم الجوزية، ج 6، ص 26.

بود. در انگلیسی از این عمل به «ویزیت» (1) تعبیر می‌نمایند، چون پزشک بیمار را می‌بیند، آن‌گاه دارو برایش تجویز می‌کند، و همین معنا در بعض منابع لغوی عربی نیز دیده می‌شود. «الزِّیارَة» ج: زِیَارَات، زور: مص، آمدن پزشک به بالین بیمار برای معاینه و درمان، ویزیت، رفتن به اماکن مقدس برای زیارت پیشوایان دینی و مذهبی. (2) واژه دیگری که در این جا قابل توجه است، «توریست» (3) می‌باشد که امروزه به عنوان یک صنعت مهم درآمده و در سراسر جهان نهادهای گردشگری، سیاحتی و جهانگردی دایر بوده، موجب رونق تور سیاحتی و زیارتی گردیده است. در کشورهای اسلامی سازمان حج و زیارت یا سازمان اوقاف و امور خیریه، متصدی این امر می‌باشد و سالانه میلیون‌ها مسلمان را از سراسر جهان راهی عربستان می‌نمایند که در مراسم ادای فریضه حج شرکت کنند و به زیارت خانه خدا بپردازند.

بنابراین زیارت فقط مخصوص دیدن و سفر به مشاهد نمی‌باشد، بلکه هر نوع رابطه‌ای که موجب بازدید و ملاقات میان دو یا چند نفر شود، زیارت خواهد بود، اگرچه آنها به قصد بوسیدن و لمس کردن نزد همدیگر نروند.

در شرایط کنونی به لحاظ گسترش ارتباطات، توسعه زندگی شهری و فراهم بودن امکانات حمل و نقل آسان، انواع سفرهای زیارتی، تجارتی، سیاسی، دیپلماتیکی، فرهنگی، تفریحی و ...

میان ملل جهان رایج شده و بعضی از آنها اجتناب‌ناپذیر گردیده است. مثلاً پدر در یک کشوری و فرزند در کشور دیگری زندگی می‌نمایند، عواطف انسانی ایجاب می‌کند که از همدیگر دیدن داشته باشند، اگر کسی قایل شود که سفر به قصد زیارت حرام است، این حکم موجب اختلال نظام معیشتی بشر می‌گردد و اصلاً قابل پذیرش نخواهد بود.

مخالفان زیارت می‌گویند: سه روایت از ابی هریره نقل شده که می‌توان از آنها

1- vizit

2- فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص 465.

3- turist

استفاده مفهومی کرده و حکم به تحریم سفرهای زیارتی صادر کرد. 1. «تشدّ الرحال إلی ثلاثة مساجد: مسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی» (1) 2. «ابا هریرة یخبر أن رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله قال: إنّما یسافر إلی ثلاثة مساجد: مسجد الکعبة و مسجدی و مسجد ایلیاء». (2) 3. «عن أبی هریرة، أنّ رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله قال: لا تشدّ الرحال إلّاإلی ثلاثة مساجد: مسجد الحرام و مسجدی هذا و المسجد الأقصی». (3) یعنی برای سه مسجد فقط می‌شود بار سفر بست.
مفهوم آن این است که برای غیر این موارد به مسافرت رفتن جایز نیست.
واقعیت این است که یکی از آفات تفقه در دین پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله سطحی‌گرایی و ظاهربینی در میان گروهی از مسلمانان رواج یافت، از این‌رو به حفظ روایت بیش از تدبر و اندیشه در مفهوم و مضمون آن همت گماردند. نمونه این سست‌اندیشی را ما در نظرات ابن تیمیه می‌نگریم و در مباحث آینده پیرامون آن بحث می‌کنم. آفتی که امروزه دامنگیر وهابیت شده، اتکای آنان به نظر سخیف ابن تیمیه است. چون هر چند ابن تیمیه در قرن هشتم به احادیث فوق استدلال کرد و حکم به تحریم زیارت نمود، اما وهابیت معتقد شدند که حتماً استدلال او خطاناپذیر بوده و پیوسته همان را تکرار می‌کنند. (4) از این معلوم می‌شود که آنها مقلد ابن تیمیه هستند نه مطیع خدا و رسول او.
پیشینه تاریخی زیارت
آغاز تاریخ سفرهای زیارتی بشر را کسی نمی‌تواند معین کند، این ضرورت پس از اسکان انسان بلافاصله احساس شده و فرزندان بنی آدم به هر دلیل نتوانسته از هجرت و سیاحت دست بردارند. یکی از دلایل مهم ساخت خانه کعبه توسط حضرت

1- صحیح البخاری، باب فضل الصلاة فی مسجد مکة و المدینة، الجزء الثانی، ص 58.

2- صحیح مسلم، ج 4، ص 126.

3- سنن ابن ماجة، ج 1، ص 452، باب 196، ما جاء فی الصلاة فی مسجد بیت المقدس، ح 1409.

4- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ج 3، ص 142.

ابراهیم علیه السلام همین بود که مردم به آن جا مسافرت کرده و به طواف بیت بپردازند.
بنابراین سفرهای زیارتی جزء سیره عقلای عالم است و اگر کسی کم‌ترین تأملی در این زمینه داشته باشد، منکر ارزش آن نخواهد شد.
بدون تردید بشر دلایل فراوانی برای سفرهای سیاحتی و زیارتی دارد، بعضی از آنها مربوط به عواطف انسانی است، برخی مربوط به عبرت‌آموزی از سرگذشت دیگران می‌باشد، بعضی دیگر هم پاسخ به خواسته‌های درونی و نیازهای روحی و روانی انسان است. قرآن کریم به صراحت امر می‌کند: «قُلْ سِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ»؛ (1)
بگو: در زمین سیر و سفر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند!
ما اگر بخواهیم به وسعت دامنه شرک پی ببریم باید به جاهای مختلف مسافرت کنیم، از فرهنگ ملل مختلف آگاهی یابیم تا بتوانیم راجع به عقاید حق یا باطل آنان قضاوت کنیم. ما اگر از دنیای پیرامونی خود باخبر نباشیم چگونه می‌توانیم راجع به آنها اظهار نظر کنیم؟!
به علاوه اگر سفرهای زیارتی غیر موارد سه گانه مذکور خطرزا و مشکل‌آفرین بود، قطعاً قرآن کریم به این شدت دستور نمی‌داد. حکم به تحریم سفرهای زیارتی پس از تفقه ابن تیمیه در دین خدا صادر گردید. وی روحانی قرن هشتم است، پیش از تولد او همه مسلمانان جهان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شتافتند، و این سیره عملی بزرگ‌ترین حجت بر جواز و استحباب قصد سفر برای زیارت است. (2) حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله از شهر خارج می‌شد و برای زیارت به سوی مزار مادر خود مسافرت می‌نمود. (3) عده‌ای عایشه را که معروف به ام المؤمنین است مشاهده کردند که به زیارت قبر برادر خود عبدالرحمان رفت. وی در جواب افرادی که به او اعتراض

1- سوره روم، آیه 42.

2- فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ص 147.

3- ر. ک: صحیح مسلم، ج 3، ص 65.

کردند، گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرده است. (1) باید توجه داشت که شاید علت تحریم موقتی زیارت قبور توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله این بوده که مردم جاهل عرب به طوایف، افراد قبیله و کثرت اموال خود مباهات می‌کردند و فخرفروشی می‌نمودند. از جمله عادات زشت آنان افتخار به نیاکان خود بود، حتی اقدام به شمارش قبور می‌کردند. مفسرین در ذیل آیه «أَلْهاکُمُ التَّکاثُرُ* حَتّی زُرْتُمُ الْمَقابِرَ» فرمودند: در این آیات نخست با لحنی ملامت بار می‌فرماید: «تفاخر و مباهات بر یکدیگر شما را از خدا و قیامت به خود مشغول داشت، تا آن جا که به زیارت و دیدار قبرها رفتید، و قبور مردگان خود را برشمردید. (2) بنابراین چون چنین سابقه زشتی در میان اقوام عرب وجود داشته و آنها دارای چنین روش نامناسبی بوده‌اند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را از زیارت قبور منع کرده بود. اما بعداً دید که جامعه رو به تربیت است و آثار سوء زمان جاهلیت از بین رفته، امر به زیارت کرده که اقل مراتب امر مباح بودن است، (3) پس زیارت قبور در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً مباح بوده است. چون معنای امر بعد از نهی، حداقل اباحه عمل خواهد بود. به خاطر این که امر لاحق موجب نسخ نهی سابق می‌گردد، به همین لحاظ اقوال فقهای اهل سنت در این مسأله مختلف شده و بین حرمت مطلق، وجوب مطلق و اباحه مؤکد دور می‌زند. (4) اقسام سفرهای زیارتی

سفرهای زیارتی همیشه و الزاماً جهت بازدید عتبات، آرامگاه‌های مردگان و مساجد مهم نیست. معمولاً انسان بر اساس ضرورت‌های زندگی خود برنامه‌ریزی کرده و اقدام به عملی می‌نماید. الزامات حیاتی بشر فقط در سفرهای مذکور خلاصه نمی‌شود،

1- تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج 4، ص 135.

2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 276؛ فتح القدیر، ج 5، ص 597، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 27، ص 254.

3- فیض القدیر شرح الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر، ج 5، ص 71، ح 6430.

4- تحفة الاحوذى بشرح جامع الترمذى، ج 4، ص 136.

به خاطر این که شرایط زیست محیطی در حال تحول است و هر روز پیش‌آمدهای نوینی رخ می‌دهد که انسان ناچار است از لاک خود بیرون رفته و راه جدیدی را در پیش گیرد. اینک با برخی از این ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر آشنا خواهیم شد.
1. زیارت ارحام و برادران دینی
یکی از آداب اسلامی و سنن نبوی و شعایر دینی ملاقات با برادران دینی است، این ارتباط عاطفی می‌تواند سبب پیوستگی ناگسستنی باشد. انسان‌ها همین که با هم انس پیدا کردند یک نوع علاقه و محبت درونی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند؛ زمینه‌های زیادی برای ایجاد آن وجود دارد. مثل رفاقت اتفاقی در سفر، یا بر اثر خدمت وظیفه سربازی و هم‌اتاقی شدن در دوران تحصیل و ... پس از گذشت زمان انسان به خاطره خود مراجعه می‌کند، گذشته خود را مرور می‌نماید، به یاد روزگار تلخ و شیرین خود می‌افتد و جهت تجدید خاطره اقدام خواهد کرد.
تا انسان از کسی شناختی نداشته باشد، اتفاقی به دیدن او نمی‌رود. همین که دلایل کافی برای کار خود یافت مقدمات آن را فراهم می‌کند، از عواملی که موجب تحریک انسان می‌گردد، عبارت است از روابط فامیلی(سببی یا نسبی)، روابط کاری(تجاری، صنعتی و خدماتی) روابط اخلاقی و معنوی(رابطه استادی و شاگردی) و ... می‌باشد.
در اسلام تأکید زیادی روی ارتباطات معنوی شده است، قسمتی از آن دستورات به عنوان صله ارحام مورد عنایت دین واقع گردیده و قطع آن مورد نکوهش قرار گرفته است. پس اگر واجب نباشد قریب به این معنی خواهد بود.
یک بخش از روابط انسان مربوط به ارتباطات عمومی است. جمیل بن دراج می‌گوید: روزی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه که می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللّٰهَ الَّذی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللّٰهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقیباً» پرسیدم، امام فرمود: مقصود از ارحام عمومی مردم است، زیرا خداوند به صله و احترام آن دستور داده است. آیا نمی‌بینی که

آن را با خود مقرون کرده است؟ (1) بخش دیگر آن مربوط به ارتباطات فامیلی می‌گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به حاضر و غایب امت خود و کسانی که در اصلاب پدران و ارحام مادران آینده هستند تا روز قیامت سفارش می‌کنم که صله رحم انجام دهند ولو مسافتی به طولانی یک ساله را در پیش داشته باشند، چون صله رحم هر چند با مسافرت شاق و بعد مکانی همراه باشد، جزء امور دین مقدس اسلام است. (2) بخش سوم آن مربوط به زیارت برادران دینی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس برادر خود را در خانه او دیدن کند، خداوند متعال می‌فرماید: تو مهمان و زایر من هستی، پذیرایی از تو با من است، و من بهشت را برای تو واجب کردم به خاطر این که میزبان را دوست داری. (3) این کلمات نورانی و راهکارهای دینی، دلیل ثابت و محکمی جهت اباحه سفرهای زیارتی بوده و الزامات عاطفی، انسانی و اخلاقی‌ای را برای طرفین مسلم می‌گرداند و هرگونه مانع‌تراشی و احکام غیر واقعی را مردود می‌سازد، حال از هر شیخ الاسلامی حقیقی یا خود خوانده‌ای که صادر شده باشد. (4) 2. عیادت مطلق از بیماران

بخشی از متون دینی اسلام را عیادت و دلجویی از بیماران به خود اختصاص داده است، فقهای اسلام، بدون استثنا در آثار فقهی خود بابی تحت عنوان «عیادة المریض» را به نگارش در آورده‌اند، تقریباً در میان فقهای اسلام مخالفی درباره عیادت از بیماران وجود ندارد، حتی خود آنانی که قایل به تحریم سفرهای زیارتی هستند. و

1- الکافی، ج 2، ص 150، باب صلة الرَّحِم، ح 1.

2- همان، ج 2، ص 151، ح 5.

3- همان، ج 2، ص 177، باب زیارة الإخوان، ح 6.

4- جهت اطلاعات بیشتر به التوفیق الربانی فی الرد علی ابن تیمیة الحرانی، لجماعة من العلماء، ص 20 و 21 مراجعه شود.

این حکایت از اجتماع اهل حل و عقد مسلمین دارد.
بیهقی در شعب الایمان می‌گوید: شصت و سومین شعبه ایمان عیادت مریض یعنی به دیدن بیمار رفتن، ملاقات و احوال‌پرسی با بیماران است. آن‌گاه روایات فراوانی را نقل می‌کند که یکی از آنها را با هم می‌خوانیم: « قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: أطعموا الجائع و عودوا المریض و فکّوا العانی
»؛ پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله امر می‌کند که به آدم گرسنه غذا بدهید، به دیدن مریض بروید و اسیر را رها سازید. (1) حداقل خطاب امری استحباب مؤکد خواهد بود، لذا زیارت مریض جزء ایمان تلقی شده است، چون مؤمن در برابر همه فرمایشات رسول خدا صلی الله علیه و آله تسلیم می‌باشد.
بنابراین این تفکر غلطی خواهد بود اگر کسی قایل به تحریم مطلق زیارت گردد. یکی از مهم‌ترین سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که بعد از سه روز به دیدن یاران خود می‌رفت.
3. زیارت مزار پیشوایان دین
یکی از مراسم باشکوه عبادی و سیاسی اسلام زیارت کعبه در موسم حج است. و کسی در اصل وجوب آن شک ندارد، به همین دلیل مسلمانان توانمند از سراسر عالم اسلام عید اضحی را در مکه سپری کرده و به طواف بیت می‌پردازند. فقهای اسلام فرموده‌اند: وقتی مراسم حج به انتها رسید، نوبت دیدن و زیارت مرقد رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ و نباید کسی خود را از فیض آن محروم سازد. فقط ابن تیمیه و به تبع آن وهابیت است که حکم به تحریم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله هم داده‌اند. (2) «
قَالَ الحُسَیْنُ لِرَسُولِ اللَّه صلی الله علیه و آله یَا ابَتَاه ما لِمَن زارَکَ فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ زَارَنِی حَیّاً أوْ مَیِّتاً أوْ زارَ أباکَ أوْ زارَ أخاکَ أو زارَکَ کانَ حَقّاً عَلَیَّ أن أزُورَهُ یَوْمَ القیامَةِ وَ اخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ
»؛ امام حسین علیه السلام از جد بزرگوار خود می‌پرسد: پاداش زیارت‌کننده تو چیست؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که مرا در زندگی یا بعد از مرگم یا پدرت یا برادرت یا

1- شعب الایمان، ج 6، ص 3033، باب 63، ح 9165.

2- البشارة و الاتحاف بما بین ابن تیمیة و الالبانی فی العقیدة من الاختلاف،

ص 53.

تو را زیارت کند، بر من حق پیدا می‌کند که روز قیامت به دیدار او بروم و او را از گناهانش خلاص گردانم. (1) در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «
ضَمِنْتُ لَهُ یَوْمَ الْقِیامةِ أنْ اخَلِّصَهُ مِنْ أهْوالِها وَ شَدائِدِها حَتَّی اصَیِّرَهُ مَعِی فِی دَرَجَتِی
»؛ (2) من ضامن خلاصی او در روز قیامت از ترس و گرفتاری‌های آن هستم تا او را همراه خود همرتبه گردانم.
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «
مَن أَتَی مَکَّةَ حَاجّاً وَ لَمْ یَرزُنِی إِلَی الْمَدِینَةِ جَفَوْتُهُ یَوْمَ القِیامَةِ وَ مَن أتَانِی زَائِراً وَجَبَتْ لَه شَفَاعَتِی وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفاعَتِی وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّة
»؛ (3) کسی که مکه مشرف شود ولی مرا در مدینه زیارت نکند، روز قیامت به او سخت خواهم گرفت، هر کس مرا زیارت کند، شفاعت او برایم واجب خواهد شد، و کسی که شفاعت من برای او واجب شود، بهشت برای او واجب می‌گردد.
در روایت دیگر آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «
مَنْ زَارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی کَانَ کَمَنْ هَاجَرَ إِلَیَّ فِی حَیَاتِی فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِیعُوا فَابْعَثُوا إِلَیَّ السَّلامَ فَإِنَّهُ یَبْلُغُنِی
»؛ (4) کسی که قبر مرا بعد از مرگ من زیارت کند، مثل کسی است که با من در زمان حیاتم مهاجرت کرده است، اگر نتوانست به زیارتم بیاید، از دور برایم سلام بفرستد که به من می‌رسد.
روایات در این باب بسیار زیاد است، در اکثر آنها متن روایت فریقین یک سان می‌باشد، فقط ذیل روایتی که مربوط به زیارت امامان معصوم علیهم السلام می‌شود در منابع روایی اهل سنت ذکر نشده است و الا در صدر روایت اختلافی وجود ندارد و یک‌نواختی لفظی و معنوی آن کاملاً مشهود می‌باشد.
در مورد دیدن برادران دینی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
مَنْ زَارَ أخاً فِی جانِبِ الْمِصْرِ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ فَهُوَ زَوْرُهُ وَ حَقٌّ عَلَی اللَّهِ أنْ یُکْرِمَ زَوْرَه
»؛ (5) کسی که برادر دینی خود را

1- وسائل الشیعة، ج 14، ص 326، ح 19323 و ص 329، ح 19326.

2- همان، ص 328، ح 19325.

3- همان، ص 334، ح 19337.

4- همان، ص 337، ح 19344.

5- همان، ص 581، ح 19859 و 19860.

محض رضای خدا زیارت کند، در حقیقت خدا را زیارت کرده است و حق پیدا می‌کند که خداوند زیارت کننده خود را گرامی بدارد. در این قسمت نیز روایات زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که دلالت بر اهمیت دید و بازدید می‌کند و مسلمانان را نسبت به ملاقات همدیگر تشویق می‌نماید. نکته قابل توجه در روایات این است که هر عملی که انجام می‌پذیرد، باید رنگ خدایی داشته باشد و اگر این رفتارهای معنوی با نیت پاک همراه بود مستحق پاداش معنوی می‌گردد. مفهوم روایات این است که اگر کسی برای طلب خود یا سایر نیازمندی‌های شخصی به دیدن کسی می‌رود انتظار دریافت بهشت از خدای متعال نداشته باشد.
4. زیارت قبر مسلمانان
زیارتِ آرامگاه‌های مؤمنان و صلحا بدون هیچ اختلافی جایز است. فقط طبق نظر افراطی ابن تیمیه حرام می‌باشد که آن مردود و خلاف شرع است. سند حکم او روایاتی است که مورد نسخ واقع شده چون اوامر بعد از نهی موجب نسخ مورد منهی می‌گردد.
در ذیل این نوشتار به آرای فقهای اهل سنت و شیعه اشاره خواهم کرد. آن‌گاه روشن می‌گردد که حکم جواز و مباح بودن زیارت مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبور مسلمانان مورد اتفاق فریقین است.
دیدگاه فقهای فریقین در مورد زیارت
خوش‌بختانه هر دو طایفه از علمای اسلامی در خصوص احترام مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله توافق نظر دارند و آن را شریف‌ترین عبادت و بهترین طاعت و با فضیلت‌ترین ثواب می‌دانند، و تأکید دارند که هر زایر خانه خدا، قبل یا بعد از طواف بیت اللّٰه الحرام سراغ حرم نبوی رفته و به زیارت آن بارگاه ملکوتی بپردازند. در مورد زیارت قبور مؤمنان نیز قایل به جواز بوده همه آن را جزء عمل مشروع تلقی کرده‌اند که قبلاً متذکر شوم. نمونه‌هایی از فرمایشات علمای اسلام در مورد زیارت قبر رسول

خدا صلی الله علیه و آله به قرار ذیل است.
1. نویسنده عون المعبود می‌نگارد: «و اعلم أنّ زیارة قبر النبی أشرف من أکثر الطاعات و أفضل من کثیر المندوبات لکن ینبغی لمن یسافر أن ینوی زیارة المسجد النبوی ثمّ یزور قبر النبی و یصلّی و یسلّم علیه اللهم ارزقنا زیارة المسجد النبوی و زیارة قبر النبی آمین»؛ (1) 2. نووی دمشقی می‌گوید: «فصل فی زیارة قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و أذکارها: إعلم أنه ینبغی لکلّ من حجّ أن یتوجّه إلی زیارة رسول اللّه صلی الله علیه و آله، سواء کان ذلک طریقه أو لم یکن، فإنه زیارته صلی الله علیه و آله من أهم القربات و أربح المساعی و أفضل الطلبات». (2) 3. ابوصلاح حلبی می‌نویسد: «زیارة رسول اللّه صلی الله علیه و آله عند قبره و کلّ واحد من الأئمة علیهم السلام من بعده فی مشاهدهم من السنن المؤکّدة و العبادات المعظمة، فی کلّ جمعة أو فی کلّ شهر أو فی کلّ سنة إن أمکن ذلک، و إلّافمرة فی العمر. و من لم یتمکّن من زیارة النبی صلی الله علیه و آله و الأئمة علیهم السلام بحیث قبورهم لبعد داره أو لبعض الموانع فلیزر من شاء منهم من حیث هو مصحرا أو من علوّ داره أو من مصلّاه فی کلّ یوم أو فی کلّ جمعة أو فی کلّ شهر». (3) 4. علامه حلی معتقد است که منظور از زیارت بعد از حج، عام است و استحباب آن شامل زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام می‌شود. (4) 5. شیخ حر عاملی می‌نویسد: استحباب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام بعد از حج مورد تأکید است. (5) با وجود این کلمات صریح دیگر جای هیچ ابهام و شکی باقی نمی‌ماند و اگر کسی با آن همه روایات منصوصه و تصریحات عالمانه شیوخ اسلام در احکام اسلامی ایجاد تشکیک نماید، در اصل عقیده او باید تردید کرد که آیا واقعاً از روی علم منکر احکام شرعی می‌شود یا از روی عناد یا ناتوانی علمی؟!

1- عون المعبود، ج 6، ص 25.

2- الاذکار النوویة، ص 204.

3- الکافی فی الفقه، ص 223.

4- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج 2، ص 474.

5- هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، منتخب المسائل، ج 5، ص 453.

آثار روحی و روانی زیارت
روان‌شناسان تلاش فراوان دارند که راهکارهای مناسبی جهت درمان مشکلات روانی افراد جامعه پیدا نمایند، اما متأسفانه در این‌باره از منابع دینی کمک نمی‌گیرند تا بتوانند با آموزه‌های آن مراجعه‌کنندگان خود را با اطمینان بیشتری مورد معالجه قرار دهند، علت آن شاید در کم اطلاعی آنان از منابع سرشار دینی باشد. با این که در این منبع فیاض، مخصوصاً سخنان گوهر بار ائمه علیهم السلام راهبردهای بسیار مفیدی وجود دارد که با تکیه بر آن می‌شود بحران‌های روحی و روانی جامعه را کاهش داد و آنها را جهت غلبه بر بیماری توان بخش نمود. نقش انبیا در رشد و توسعه آموزه‌های روان‌شناختی، بسیار حایز اهمیت است. انبیا یکی پس از دیگری دانش مورد نیاز انسان را که از طریق وحی به آنان عرضه می‌شد دریافت می‌کردند که در این دانش‌ها اطلاعات مربوط به انسان و تفسیر و تحلیل پدیده‌های ذهنی و رفتاری وی نیز نهفته بود. (1) در ذیل به قسمتی از این روش‌ها اشاره می‌شود.
1. رسیدن به آرامش روانی
یکی از مهم‌ترین آثار زیارت رسیدن به آرامش نسبی است. انسان به لحاظ داشتن عاطفه و احساس سرشار نمی‌تواند زندگی یک نواخت داشته باشد. یک رنگی در زندگی ملالت‌آور و کسل‌کننده است و پیامد انزواگرایی و جامعه‌گریزی و در نهایت بیماری افسردگی را در پی خواهد داشت. وقتی انسان در خود احساس دلگیری می‌کند تلاش خواهد کرد تا از این وضعیت رهایی یابد. چه چیزی می‌تواند دنیای سرد و بی‌روح آدم را در هم بشکند و شادابی را برای او هدیه کند؟!
طبیعی است که بگویم تغییر وضعیت و محیط کمک زیادی می‌کند. بنابراین وقتی انسان به ملاقات عزیزان خود مانند پدر، مادر، برادر و سایر وابستگان می‌رود و در

1- دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت اللّٰه مصباح یزدی، ص 26.

محیط فامیلی قرار می‌گیرد بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های خود را از یاد می‌برد، حالت نشاط و سرور به او دست می‌دهد. دیدن یک دوست به میزان زیادی روی روحیه طرفین اثر می‌کند، بلافاصله شکوفه خنده را بر لب می‌نشاند. چرا باید ناسنجیده و بدون تأمل این مواهب الهی را از بندگان خدا گرفت و گفت فقط انسان مجاز است برای سه مسجد بار سفر ببندد لاغیر؟!
وقتی انسان بار سفر می‌بندد و به زیارت عتبات می‌رود، با دیدن آن فضای سرشار از معنویت، بیشتر خود را در جوار رحمت و مغفرت الهی احساس می‌کند و می‌اندیشد که بعد مکانی از بین رفته، معرفت الهی حس می‌شود و او واقعاً در محضر حضرت رب است. با این که انسان همیشه در محضر خدا می‌باشد ولی غفلت باعث می‌شود که این حالت را همه جا نداشته باشد، اما مشاهد مشرفه و قبور صالحان حجاب‌ها را کنار می‌زند و انسان را متنبه می‌سازد و در فضای معنویت غرق می‌گرداند.
لذا ناب‌ترین اشک‌ها آن‌جا از دیدگان سرازیر می‌گردد، دل‌ها شست‌وشو می‌یابد، امیدها به مغفرت خدا زیادتر گردیده و دعاها خالصانه‌تر می‌شود. شاید به همین خاطر است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «
کنت نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها فإنّها تزهد فی الدنیا و تذکّر الآخرة
»؛ (1) من قبلاً شما را از زیارت قبور منع کردم پس به زیارت آنها بروید، چون زیارت اهل قبور زهد در دنیا و یادآوری آخرت را در پی دارد. این دو عنصر اثر اساسی در تربیت و سازندگی انسان خواهد داشت و راه بندگی را به سوی حضرت رب هموارتر می‌کند.
و نیز فرمود: «
... فإنّها ترقّ القلوب و تدمع العین و تذکّر الآخرة
»؛ (2) در زیارت نرمی دل، گریستن چشم و یادآوری آخرت است. انسان با دل شکسته آمادگی برای اخلاص پیدا می‌کند، با چشم جوشان از اشک، موفق به طهارت باطنی می‌گردد و یاد آخرت

1- کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج 5، ص 651، ح 42582.

2- همان، ج 5، ص 651، ح 42583.

ضمن این که اثر بیشتر در آمادگی دگرگونی را ایجاد می‌نماید، پیامد دل کندن از زرق و برق دنیا و فریب نخوردن مظاهر آن را به همراه دارد. مگر ما در بندگی خداوند به دنبال چه هستیم؟! آیا غیر از اخلاص در عبودیت و تقرب الهی را می‌طلبیم؟ بدون تردید راه رسیدن به این هدف همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس اصرار و التزام به مطلق زیارت نه تنها موجب شرک نیست که حتی شرک‌زدایی می‌کند و انسان را می‌سازد و تربیت می‌نماید.
2. یادآوری مرگ
اثر روحی و روانی دیگر زیارت این است که انسان را به یاد مرگ می‌اندازد.
گرفتاری‌های دنیا، مشغله‌های فراوان و ... گاهی به حدی پیشرفت می‌کند که انسان سال‌ها از آن دور مانده و باورش نمی‌شود که ممکن است روزی مرگ به سراغ او هم بیاید. انسان غافل در عالم خواب و خیال خویش خوش است و سرمست از باده عیش و نوش، به خود می‌بالد و به مظاهر چند روزه دنیا مباهات می‌کند.
پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: سراغ زیارتگاه‌ها و آثار مردگان بروید، شاید تکانی بخورید و از توهمات ذهنی خود رهایی یافته کمی متنبه شوید. زیارتِ بیماران، و مخصوصاً دیار مردگان، انسان را متوجه مرگ می‌کند و این که او باید روزی با دنیای خیالی خود وداع کند.
امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که با لشکریان خود از جنگ صفین بر می‌گشت، در حالی که لشکرش شکست خورده بود و سخت دچار بحران روحی گردیده بود، پشت دروازه کوفه رسیدند، نزدیک قبرستان ایستاده با مردگان سخن گفت تا زنده‌ها و اطرافیان او متوجه عالم غیر مادی شوند و بفهمند که این دنیا عمر بس کوتاهی خواهد داشت.
سخنان امام علیه السلام به حدی شورانگیز و تأثیرگذار است که هر وقت انسان می‌خواند به خود می‌لرزد و در فکر فرو می‌رود. فرمود: «
يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا

خَبَرُ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى
»؛ (1) ای ساکنان خانه‌های وحشت‌زا، گورهای تاریک، ای خفتگان در خاک، ای غریبان، ای تنهاشدگان، ای وحشت‌زدگان، شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم، و به شما خواهیم رسید. از ما درباره این دنیا می‌پرسید؟! بدانید که خبرهای بدی برای شما داریم: در خانه‌هایتان دیگران سکونت گزیدند، زنانتان با دیگران ازدواج کردند، اموال شما در میان دیگران تقسیم شد. این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید؟ سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود: بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، به شما خبر می‌دادند که بهترین توشه برای این سفر، تقواست. یعنی در آن‌جا غیر از پرهیزگاری الهی هیچ چیزی دست انسان را نمی‌گیرد.
این کلام مولی را هر وقت انسان می‌خواند عمیقاً متأثر می‌گردد. حضرت علی علیه السلام معلم انسان است، می‌خواهد نسل آدمی تربیت شود و از نظر روحی و روانی دگرگون گشته به فکر چاره باشد.
پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به این ضرورت فرمود: «
فزوروها و لیزدکم زیارتها خیرا
»؛ زیارت قبور موجب خیر است. و نیز فرمود: «
فزوروها فانّها تذکرکم الموت
»؛ (2) موجب تذکر و یادآوری مرگ می‌باشد. خلاصه این که انسان از این طریق ساخته خواهد شد و کم‌تر مرتکب عصیان، جرایم و هنجارشکنی اجتماعی می‌گردد.
3. وسیله عبرت و پندآموزی
در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به این اثر اشاره شده، در یک تعبیر فرمود: «
... فزوروها فإنّ فیها عبرة
»؛ به زیارت قبور بروید چون در زیارت آن عبرت‌آموزی است، یعنی زیارت اهل قبور مایه عبرت می‌باشد. در تعبیر دیگر آمده است: «
... فزوروها، فإنّ فی زیارتها عظة و عبرة
»؛ (3) اهل قبور را زیارت کنید، چون در زیارت آنها پند و عبرت آموختن است.

1- نهج البلاغه، ص 655، حکمت 130.

2- المستدرک على الصحيحين، ج 1، ص 375 و 376.

3- إرواء الغليل فى تخريج أحاديث منار السبيل، ج 3، ص 223، ح 772.

و نیز در یک عبارت دیگر آمده است: «
... فزوروها، فإنّ لکم فیها عبرة
»؛ (1) به سراغ اهل قبور بروید، چون برای شما عبرت‌آموزی دارد و انسان از دیدن آنها پند می‌گیرد.
بر خلاف اعتقاد ابن تیمیه کسانی که به زیارت مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله یا فرزندان پاک آن حضرت می‌روند، در برابر آنان سر به سجده نمی‌سایند، آنان را پرستش نمی‌کنند، چون این مطلب بدیهی است که عبودیت از آن خدای متعال است. بنابراین مراتب فرمانبری را کسی عبادت نمی‌داند، زایر که به آن‌جا می‌رود، چون محل مناسب برای معرفت است و یک نوع حس نزدیکی به خدا در انسان زنده می‌شود و محل بود و باش ملائکه است، شیطان در آن‌جاها راه پیدا نمی‌کند، این عوامل موجب می‌شود که انسان توان عبادت خالصانه را پیدا کند و خدا را پاکیزه‌تر نیایش نماید. اگر کسی غیر از این موارد را نیت کند مشرک است. البته مشرک اختصاص به آن مکان‌ها ندارد. مشرک همه جا مشرک است، زمان و مکان در شرک مدخلیت ندارد. بنابراین به بهانه شرک، زایران را از ابراز محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان او منع کردن، ناشی از یک تحجر و جمود فکری یا یک نیرنگی سیاسی بیش نخواهد بود.
به همین خاطر طرح این اوهام مورد پذیرش فقهای اسلام قرار نگرفت و در برابر طراح آن یعنی ابن تیمیه واکنش‌های شدید نشان داده شد که قبلاً اشاره گردید.
4. همبستگی مستحکم خویشاوندی
گفتم که مفهوم زیارت تنها دیدن از امکنه و قبور نیست، معنای عام آن شامل کلیه دید و بازدیدها و روابط اجتماعی بشر می‌گردد، از این‌رو از مطلق ملاقات‌ها تعبیر به زیارت می‌شود. بعضی از دیدارها در اسلام مورد تأکید واقع شده و جزء امور دینی می‌باشد، مثل دیدار خویشاوندان که به عنوان یک تکلیف دینی ضروری است.
از لحاظ روحی و روانی بسیاری از انسان‌ها دچار یک خلأ می‌باشند، هر کسی

1- الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، ج 2، ص 677، ح 9285.

سعی می‌کند این کاستی را به نحوی جبران و پر کند. یکی خلأهای روحی خود را از طریق مواد مضر چون الکل، شراب، مرفین، مواد مخدر، قماربازی و ... جبران می‌کند، روشی که سرانجام جز تباهی و فرو رفتن در منجلاب بیشتر ندارد. اگر نگویم نصف جمعیت بشر روی زمین به این سمت کشیده شده‌اند، حداقل بخش قابل توجهی از مردم دنیا در همین وادی گم گشته‌اند، تا جایی که به هشدارهای عقلای عالم توجه نمی‌کنند و روز به روز بر عمق فاجعه افزون می‌شود.

بخش دیگر مردم از طریق علم، تحصیلات عالیه، آموختن فنون و کسب تجارب می‌کوشند فرصت‌های خود را پر کرده، برای خود سرگرمی می‌آفرینند تا در زندگی احساس کمبود نکنند. بخش دیگر مردم از طریق برقراری روابط اجتماعی، تلاش می‌نمایند همکاران صمیمی، آشنایان فرهیخته، و نظیر آن را پیدا کرده، با هم روابط دوستانه داشته باشند، تا در موقع ضرورت به همدیگر پناه برده با مشاوره هم مشکلات روحی و روانی خویش را کاهش داده و حل نمایند.

راهکارهای مکتب حیات بخش اسلام در این زمینه قابل توجه است. اگر کسی بنا دارد در سلامت روحی و روانی به سر برد لازم است این فاکتورها را در نظر داشته باشد.

1. شناخت ضرورت‌های روحی و روانی. تا انسان از مشکلات خود آگاه نباشد، نمی‌تواند راه چاره برای آن پیدا کند، احساس درد همیشه قبل از اقدام به درمان است.

در تفسیر نور آمده است: خطاکار، ابتدا باید پشیمان شود و به سوی حقّ برگردد، سپس برای استحکام رابطه با خدا، از مقام رسالت کمک بگیرد «فَاسْتَغفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ». گناهکاران نباید مأیوس شوند، استغفار، توبه و زیارت اولیای خدا، وسیله‌ای برای بازسازی روحی آنان است «جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا ...». (1)

2. یکی از بهترین روش درمان مشکلات روحی و روانی، توکل و توجه به خدا،

1- تفسیر نور، ج 2، ص 32.

پناه بردن به ذات اقدس الهی و درخواست کمک از آن ذات کبریایی است. فلسفه عبادات هم این است که ما به خدا نزدیک شویم و بتوانیم با او سخن بگوییم. اگر عبادات ما تأثیر نمی‌داشت و دعاهای ما مثمر ثمر نمی‌بود خداوند نمی‌گفت: «ادْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ إنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ»؛ (1)

مرا بخوانید تا(دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبّر می‌ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می‌شوند.

3. راه تقرب به خدا منحصر در عبادت نیست، احترام به والدین، دلجویی و شاد کردن دل آنان، یکی از بهترین راه‌های تقرب الهی است. همه با تجربه می‌دانیم که آنچه مایه شادی و سرور بزرگان فامیل، مخصوصاً والدین است، دیدار مرتب آنان، جویا شدن از احوال‌شان و نشستن در کنار آنان می‌باشد، کمک‌های مالی در رتبه بعدی است. اما مؤثرتر از دید و بازدید نسخه‌ای وجود ندارد. این فرمایش پنجمین پیشوای دین امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: ای خثیمه سلام ما را به شیعیان ما برسان و به آنان سفارش کن که ... برای دیدن به خانه یکدیگر روند، زیرا در این دید و بازدید ولایت ما زنده می‌ماند. خدا رحمت کند بنده‌ای را که ولایت ما را زنده نگهدارد. (2) زندگی زیر سایه روشن ولایت موجب آرامش و اطمینان خاطر است و این بهترین راه برای پر کردن خلأهای روحی خواهد بود.

و نیز همان بزرگوار می‌فرماید: «
صِلَةُ الأرحامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْکَفَّ وَ تُطَیِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ تُنْسِئُ فِی الأجَلِ
»؛ پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنها خُلق انسان را نیک و او را سخی می‌نماید، باطن را مصفی، و منور می‌سازد، روزی را زیاد و عمر را طولانی می‌نماید. و این نمودار آثار و برکات روابط خانوادگی خواهد بود.

اثر دیگر صله رحم این است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «
صِلَةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ

1- سوره غافر، آیه 60.

2- وسائل الشیعة، ج 12، ص 7، ح 15501.

الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هِیَ مَنْسَأةٌ فِی الْعُمُرِ وَ تَقِی مَصَارِعَ السُّوء
»؛ (1) صله رحم و نیکی در حق آنان حساب روز قیامت را آسان نموده، عمر را طولانی و انسان را از گناه نگهداری می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه

یکی از مفاهیم دینی و مذهبی ما تحلیل مبنای فقهی مشروعیت و حرمت زیارت است. زیارت مفهوم بسیار وسیعی دارد و شامل کلیه روابط عاطفی، معنوی، فامیلی و انسانی بشر می‌شود. در دنیایی که بشر امروز از آلودگی‌های مادی و معنوی رنج می‌برد، یکی از راه‌های کاهش فشار روحی و روانی انسان برقراری روابط سالم است.

برقراری فرایند دیداری جزء ضرورت‌های روحی و روانی بشریت بوده و در هیچ زمانی تلاش در کاهش اهمیت آن انجام نگرفته است. مگر این که در قرن هشتم هجری قمری فرد سست‌اندیشی خرط القتاط کرد و فتوای تحریم زیارت را صادر نمود، مخصوصاً دیدن از اماکن مقدس و عتبات عالیات را مساوی کفر دانسته حتی زایران مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشرک خواند.

وی از طرف علما و قضات مصر مورد پیگرد قرار گرفته، بارها از نوشتن، فتوا دادن، حضور در میان مسلمانان منع و راهی زندان گردید. این شخص کسی جز ابن تیمیه نبود. افکار سخیف او می‌رفت که به قبرستان اذهان دفن گردد که وهابیت سر از بیغوله‌های حجاز در آورد و با اخذ قسمتی از فرآورده‌های ذهنی ضلالت‌آور ابن تیمیه نحله وهابیت را تأسیس کردند. حضور این فرقه ضاله مشکلاتی را برای جهان اسلام پدید آورد و شبهات جدیدی را سبب گردید.

خوش‌بختانه فقهای اسلام، اعم از تشیع و تسنن با درایت تمام و عقلانیت کامل، آستین بالا زدند و کلیه شبهات موجود را پاسخ مستدل و مطابق با موازین علمی

1- الکافی، ج 2، ص 152، ح 12 و 23.

دادند. امروز وهابیت درمانده‌تر از هر زمان دیگر میان منجلاب شک و اوهام گرفتار است. تنها کاری که از آنها بر می‌آید صدور فتوای تکفیر شیعه است. آنها با این اقدام نامعقول نه تنها کمکی به خود نمی‌کنند، بلکه مایه آبروریزی خود را فراهم می‌سازند.

در این تحلیل علمی دلایل زیادی از منابع اهل سنت ارائه شد که آنان نیز قایل به جواز زیارت ولو به معنای مصطلح آن هستند و زیارت مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء آمال آنان نیز می‌باشد. همچنین برخی از آثار روحی و روانی زیارت به اختصار مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت و دیدیم که در منابع روایی فریقین دلایل زیادی برای جواز زیارت وجود دارد که در برخی از آنها به آثار و پیامدهای روحی و روانی زیارت اشاره شده بود. مخصوصاً در احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت می‌فرماید: از هر جا به من سلام کنید به من می‌رسد، دلیلی قوی است بر بطلان آنچه که منکران زیارت مطرح می‌نمایند.

فهرست منابع
1. إرواء الغليل فی تخریج أحادیث منار السبیل، محمد ناصر الدین الألبانی، المکتب الإسلامی، بیروت، چاپ دوم، 1405 ق/ 1985 م.
2. الاذکار النوویة، محیی الدین أبی زکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
3. البشارة و الاتحاف بما بین ابن تیمیة و الالبانی فی العقیدة من الاختلاف، حسن بن علی السقاف، دار الامام النووی عمان، الاردن، چاپ اول، 1413 ق/ 1992 م.
4. تاریخ الفقه و تطوّراته(المنتخب)، جامع المقاصد، جمعی از بزرگان.
5. تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، أبی العلا محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحیم المبارکفوری، دار الکتب العلمیة بیروت، لبنان، 1382- 1353 ق.
6. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فراهانی، تهران، چاپ اول، 1360.
7. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، 1374.
8. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، 1383.
9. الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.
10. جواهر الفقه، عبدالعزیز ابن براج قاضی طرابلسی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول 1411 ق،.
11. دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت‌اللّٰه مصباح یزدی، محمد صادق شجاعی، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره قم، چاپ اول، 1385.
12. سنن ابن ماجة، محمد بن یزید القزوینی، دار الفکر، لبنان، 1409.
13. السیف الصقیل فی الرد علی ابن زفیل، أبی الحسن تقی الدین علی بن عبد الکافی السبکی، مکتبة زهران.

ص: 923

14. شعب الایمان، احمد بن الحسین البیهقی، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، 1424 ق/ 2004 م.
15. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ابن المغیرة البخاری الجعفی، باب فضل الصلاة فی مسجد مکة و المدینة، دار الفکر، 1401 ق/ 1981 م.
16. صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، دار الفکر، بیروت، لبنان.
17. عون المعبود شرح سنن أبی داود، أبی الطیب محمد شمس الحق العظیم آبادی، مع شرح الحافظ شمس الدین ابن قیم الجوزیة، دار الکتب العلمیة، بیروت.
18. فتح القدیر، محمد بن علی شوکانی، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، دمشق، بیروت، چاپ اول، 1414 ق.
19. فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، رضا مهیار، اسلامی، تهران، چاپ اول، 1410 ق.
20. فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، سخن، تهران، چاپ اول، 1381.
21. فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جعفر سبحانی، توحید، قم، چاپ اول، 1373.
22. فرهنگ معاصر فارسی، نسرین حکمی و نسترن حکمی، مؤسسه فرهنگ معاصر، تهران، چاپ سوم، 1381.
23. فیض القدیر شرح الجامع الصغیر من أحادیث البشیر النذیر، محمد عبدالرؤوف المناوی، دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان.
24. کافی، محمّد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1365.
25. الکافی فی الفقه، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین حلبی، اصفهان، چاپ اول، 1403 ق.
26. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، 1419 ق/ 1998 م.
27. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین علی بن ابی‌بکر الهیثمی، بتحریر الحافظین الجلیلین: العراقی و ابن حجر، دار الفکر، بیروت، 1425 ق/ 2005 م.

28. مجموعه آثار 1، «شفاعت»، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم، 1373.
29. المستدرک علی الصحیحین، أبی عبداللّٰه الحاکم النیسابوری، بی‌تا و بی‌جا.
30. مصنف ابن أبی شیبة في الأحادیث و الأثار، عبداللّٰه بن محمد بن أبی شیبة إبراهیم بن عثمان ابن أبی بکر بن أبی شیبة الکوفی العبسی، مکتب الدراسات و البحوث فی دار الفکر، بیروت.
31. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ایران، چاپ اول، 1412 ق.
32. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهور، قم، چاپ اول، 1379.
33. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، 1409 ق.
34. هدایة الأمة إلی أحکام الأئمة، منتخب المسائل، محمد بن حسن بن علی حرّ عاملی، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ایران، چاپ اول، 1412 ق.

11. نقش مکان‌های زیارتی در همبستگی اسلامی

محسن جان‌پرور و اکرم تقی زاده‌ساروکلایی

چکیده
تلاش برای همبستگی و اتحاد کشورهای اسلامی، موضوعی است که فکر و اندیشه مسلمانان روشنفکر و صاحب‌نظران و اندیشمندان اسلامی را به خود معطوف ساخته است.
در این راستا، فرهنگ زیارت و نقش زیارتگاه‌های اسلامی، در تقویت این همبستگی بین مسلمانان، جایگاه ویژه‌ای دارد و مسلمانان می‌توانند با تأکید و تکیه به این میراث با ارزش، در تقویت همبستگی و اتحاد میان خود، مقابله با فرهنگ‌های بیگانه استفاده کنند. در این بین، زیارتگاه‌های بزرگ جهان اسلام مانند مکه(مکرمه)، مدینه(مسجد النبی) و بیت المقدس، دارای جایگاه ویژه و ارزش والایی در بین تمامی مسلمانان(کشورهای اسلامی) هستند، و همچنین زیارتگاه‌هایی مانند نجف، کربلا، کاظمین، مشهد، سامرا که در بین مسلمانان شیعه مذهب جایگاه ویژه‌ای داشته و در بین دیگر مسلمانان نیز از احترام خاصی برخوردارند، ظرفیت بالایی در اتحاد و همبستگی بین مسلمانان دارا می‌باشند. این کشورها می‌توانند با استفاده از این ظرفیت‌ها و تقویت فرهنگ زیارت در بین مسلمانان، به عنوان یکی از عوامل اتحاد، همبستگی بین خود را تقویت نموده و باعث گسترش احترام و عزت مسلمانان در جهان و توسعه اسلام و صلح و آرامش جهانی شوند.
کلیدواژه‌ها: جهان اسلام، زیارتگاه، همبستگی اسلامی، زیارت.

مقدّمه
جهان اسلام با وجود ظرفیت‌های زیاد برای توسعه و همبستگی، امروزه با چالش‌های درونی و بیرونی بی‌نظیری مواجه شده است. این موضوع، با ورود به قرن

بیست و یکم، مسلمانان را با تجدید نظر و بحث بر سر جامعه سنتی و گاهی نیز اعاده آن با جلوه‌های نوین، در تلاش برای مقابله با معضلات عظیم در جنبه‌های مختلف قرار داده است. برخی از این موارد، به پاسداری از ارزش‌های فرهنگی متعلق به روند احیای میراث اصیل و ریشه‌دار فرهنگی و برخی دیگر با بازنگری در تنظیم مفاهیم فرهنگی، طبق ارزش‌های یاد شده و به منظور پر بار ساختن محتوای آنها با دیدگاه‌های اسلامی برگرفته از قرآن کریم، ارتباط دارد، تا بتواند در برابر چالش‌های فرهنگی معاصر، به گونه‌ای روابط فرهنگی موجود همبستگی میان مسلمانان را تقویت کنند. فرهنگ زیارت و نقش زیارتگاه‌های اسلامی، در تقویت این همبستگی بین مسلمانان، جایگاه ویژه‌ای دارد. مسلمانان می‌توانند با تأکید و تکیه به این میراث با ارزش، از آن در تقویت همبستگی و اتحاد میان خود و مقابله در برابر فرهنگ غربی و سنگ‌اندازی‌ها و مداخلات دشمنان اسلام استفاده کنند.

در این بین، زیارتگاه‌های بزرگ جهان اسلام مانند مکه(مکرمه)، مدینه(مسجد النبی) و بیت المقدس، از جایگاه ویژه و ارزش والایی در بین تمامی مسلمانان کشورهای اسلامی برخوردار هستند. همچنین زیارتگاه‌های نجف اشرف، کربلا، کاظمین، مشهد مقدس، سامرا- که در بین مسلمانان شیعه مذهب، جایگاه ویژه‌ای داشته و در بین دیگر مسلمانان نیز از احترام خاصی برخوردارند-، توان بالایی در اتحاد و همبستگی این کشورها دارند. کشورهای اسلامی می‌توانند با استفاده از این ظرفیت‌های بالای اعتقادی و ارزشی، همبستگی بین خود برای مقابله با دشمنان اسلام و همچنین برای جلوگیری از بروز اختلافات بین خود، استفاده کرده و باعث گسترش احترام و عزت مسلمانان در جهان و توسعه اسلام و صلح و آرامش جهانی شوند.

واژه زیارت

زیارت در لغت، آهنگ کردن و از نظر شرعی حاضر شدن در محضر پیامبر، امام یا مؤمنی است. بنابراین زیارت پیامبر و امام معصوم یا شهیدان در زمان زنده بودن یا

پس از رحلت آنان تفاوتی ندارد؛ زیرا آنها در حقیقت همان‌گونه که در آیه کریمه قرآن آمده است: «زنده‌اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می‌خورند» (1). (2) زیارت اکثراً برای انجام یک کردار یا فریضه دینی و در اماکن مذهبی انجام می‌شود، اماکنی که برای پیروان آن دین، مقدس به شمار می‌آیند. البته پدیده زیارت کمابیش در بیشتر ادیان جهان وجود دارد.

جهان اسلام

اکنون جهان اسلام، شامل حدود پنجاه کشور است که همه یا اکثریت جمعیت آنها مسلمان‌اند. چهل کشور از این کشورها خود را رسماً کشور اسلامی قلمداد می‌کنند.

حدود نیمی از این کشورها که یک چهارم جمعیت مسلمانان جهان را در بردارند، در خاورمیانه و شمال آفریقا جای دارند. با اختلاف زیاد، بیشترین جمعیت مسلمان در خارج از منطقه در اندونزی، بنگلادش، پاکستان و هندوستان قرار دارند. از طرف دیگر، حدود 93 درصد مردم خاورمیانه و شمال آفریقا مسلمان می‌باشند. کم‌تر از 3 درصد مسیحی و حدود 3 درصد دارای مذهب‌های قبیله‌ای هستند- عمدتاً در جنوب سودان- و کم‌تر از 2 درصد یهودی می‌باشند. (3) این مجموعه عظیم جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع- از نظر انسانی و طبیعی- شامل می‌شود.

در حال حاضر جهان اسلام، از دیدگاه جغرافیای سیاسی، به چهار بخش کاملاً متفاوت، قابل تفکیک و بررسی می‌باشد. این چهار بخش عبارتند از:

1. مرکز جهان اسلام، که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.

1- سوره آل عمران، آیه 168.

2- آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان و صحابه و تابعین، ص 15.

3- جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ص 30.

2. شمال جهان اسلام، که دربردارنده آسیای مرکزی و قفقاز است.
3. غرب جهان اسلام، که شامل کشورهای شمال افریقا و شمال شرق و بخش‌های دیگر افریقا است.
4. شرق جهان اسلام، که از مرزهای شرقی ایران آغاز شده و تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام گسترش می‌یابد. (1)(نقشه 1)

جایگاه سیاسی مکان

مکان، مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان‌ها است. مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف، تجربه زندگی می‌آموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان‌هایی معین پر اهمیت جلوه می‌کنند. علت افتراق مکان‌ها، تمرکز ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، هدف‌ها و تجربه‌های مختلف در آنهاست (2) که باعث آن می‌شود که مکان مطلوبیت سیاسی پیدا کند و توجه بازیگران را به خود جلب نمایند. به عبارتی دیگر، آنها بار سیاسی به خود می‌گیرند و بدین ترتیب ماهیت ژئوپلیتیکی می‌یابند. (3) با توجه

1- جغرافیای سیاسی جهان اسلام، ص 31- 32.

2- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج 1، ص 275.

3- اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، ص 156.

به این بار ژئوپلیتیکی است که می‌توانند نقش خود به عنوان عامل مؤثر و ارزشمند در عرصه‌های مختلف، مانند همبستگی و پیوند گروه‌های انسانی، به نمایش بگذارند.

همبستگی اسلامی

اندکی توجه به مفاهیم اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که اسلام، دین فطری و بشری و در نتیجه یک ایدئولوژی الهی برای عموم افراد انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌هاست. این مسأله مسلّم است که در دین اسلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروزه میان مردم جهان مصطلح است، به هیچ‌وجه اعتباری ندارد؛ بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قومٍ مخصوصی اختصاص نداشته است. به همین جهت از نظر قرآن، اساساً بشر خلق شده است که امت واحد باشد: «و مَا کَانَ النَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَ حِدَةً فَاخْتَلَفُوا ...»؛ (1) مردم در اصل، یک ملت واحد بودند، سپس اختلاف پیدا کردند.

نقش همبسته سازی اسلام از این جهت است که عملاً تمام جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تجویز دستورات اخلاقی، تمامی مسلمانان را بی‌توجه به نژاد یا زبان به صورت یک جامعه معنوی(امت) متحد در می‌آورد. در سراسر دارالاسلام(قلمرو اسلامی) مسلمانان باید پنج رکن دین(یا تکالیف اصلی) را رعایت کنند. شکل و محتوای این نمازها از نظر جغرافیایی تغییر چندانی نمی‌کند.

مهم این است که کلیه مسلمانان در موقع نماز، به طرف خانه خدا و کعبه در مکه می‌ایستند که این یگانگی آنها و نقش وحدت بخش اسلام را مورد تأیید قرار می‌دهد. (2) همچنان‌که علی رغم همه تفاوت‌های موجود در سراسر جهان اسلام، امت اسلامی آن‌گونه که در طول تاریخ شکل گرفته و آن طور که باید آن را باز شناخت، امتی است که نمی‌تواند گذشته خویش را از اسلام جدا سازد؛ اسلامی که جزء تاریخ و

1- سوره یونس، آیه 19.

2- جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ص 309.

فرهنگ ملت‌های اسلامی گردیده و گاهی باعث به وجود آمدن برخی از این ملت‌ها شده است. این اسلام، در مقابل مسیحیت پیچیده، آیین عبادی و اعتقادی ساده و انعطاف‌پذیری را عرضه می‌دارد که خود را با ساختارهای کهن ملت‌ها هماهنگ می‌سازد. (1) و با علقه‌های فرهنگی قوی و جهانی خود، قابلیت خاصی برای ایجاد همبستگی بین المللی می‌دهد که از دیگر ادیان جهان بسیار بیشتر است. (2) از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری اسلام است که خود، ضامن مقاومت و در نتیجه انسجام آن شده و می‌تواند باشد.
(3) مکان‌های بزرگ زیارتی جهان اسلام
1. مکه(مسجد الحرام)
شهر مکه مرکز حجاز است؛ منشأ دین مبین و قبله مؤمنین و مولد سید المرسلین، زیارتگاه مؤمنین و تمام مسلمانان جهان است. فلسفه پیدایش این شهر که به نام «امّ القری» نیز شناخته می‌شده، به دو جهت است: نخست مرکزیت عبادی و دوم مرکزیت تجاری. اسامی دیگر مکه عبارتند از: کعبه، عرش اللّه، بلد الحرام، بیت الحرام، ام رحم، بکه و ....
در سال دوم هجرت، قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر کرد و این نشان داد که مکه و کعبه همواره پایگاه اصلی اسلام بوده و خواهد بود. این اقدام، علاوه بر پیروزی فرهنگی بر یهود، پیروزی بر قریش نیز بود که کعبه را در انحصار خود و عقاید شرک آلودشان قرار داده بودند.
در واقع با این حرکت، دین ابراهیم که اساس آیین‌های توحیدی بود، به معنای واقعی احیا گردید. خداوند در قرآن در این باره فرمود: «قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَآءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَلهَا فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ

1- اسلام و تمدن اسلامی، ص 632.

2- احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ص 260.

3- اسلام و تمدن اسلامی، ص 642.

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»؛ (1)
ما به هر سو گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی، برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن؛ و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن برگردانید.

2. مدینه(مسجد النبی)

پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الأول سال 622 میلادی به یثرب آمد و با آمدن آن حضرت، نام این شهر به مدینة النبی تبدیل شد. رسول اللّه صلی الله علیه و آله در همان آغاز، مدینه را چون مکه «حرم» دانست. بر این اساس، مکه حرم خدا و مدینه حرم رسول اللّه صلی الله علیه و آله است.

بنابراین، این بهترین شرافتی بود که مدینه می‌توانست به دست آورد.

همچنان که در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «
اللّهُمَّ انَّ ابْراهیم حَرَّم مَکَّةَ فَجَعَلَها حَرَماً وَ إنّی حرّمت المدینة ما بَین مأزمَیها، أن لایهراق فیها دم و لایحمل فیها سلاح لقتال
»؛ (2) خداوندا! ابراهیم مکه را حرم قرار داد و من مدینه را که حد فاصل دو کوه عیر و ثور است؛ آن گونه که خونی در آن ریخته نشود و سلاح برای جنگ در آن حمل نگردد.

ضمناً از آن‌جا که مدفن و زیارتگاه چهار امام شیعیان در قبرستان بقیع واقع در مدینه می‌باشد، بر اهمیت و تقدّس آن افزوده است.

3. بیت المقدس(مسجد الاقصی)

اورشَلیم که در زبان عبری: یِروشالاییم، در عربی: القُدس و در فارسی: بیت المقدس نامیده شده، نام شهری است در خاورمیانه. این مکان، محل تلاقی سه دین بزرگ آسمانی یعنی اسلام و مسیحیت و یهود است. و همین امر باعث شده است که این شهر از مقدس‌ترین و مهم‌ترین مکان‌های روی زمین باشد. برای مسلمان این‌جا قبله اول و محل معراج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ حضرت سلیمان علیه السلام به فرمان خدا

1- سوره بقره، آیه 144.

2- صحیح مسلم، ج 1، ص 448- 449، ح 475.

در این مکان، معبدی ساخت و از این رو، این‌جا برای یهود مقدس‌ترین مکان شد.
حضرت عیسی علیه السلام در این مکان به عبادت می‌ایستاد و بدین جهت این‌جا برای مسیحیان مقدس شده است. همچنین در قرآن کریم، در آیه «سُبْحنَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِی لَیْلًا مّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی»؛ (1)
نام مسجدالاقصی اشاره شده که مربوط به معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است این خود، نشانگر عظمت و احترام این مکان است.
شکل(2) محدوده تأثیرگذاری مکه مکرمه، مدینه و بیت المقدس در جهان اسلام
4. نجف اشرف
نجف، یعنی سرزمین سخت و بلند و این شهر را به علت قرار گرفتن در بلندی، «نجف» نامیده‌اند. از طرف دیگر، در کنار این سرزمین، دریاچه‌ای نیزار بوده به نام «بحر النی» که به مرور زمان خشک شده است و بدین لحاظ می‌گفتند: «النی جف»؛ یعنی دریاچه نی خشک گردیده، و نجف، مخفّف آن است. شهر مقدس نجف اشرف در 180 کیلومتری جنوبی بغداد و هشتاد کیلومتری جنوب شرقی کربلا واقع شده است. (3) نجف به خاطر قرار گرفتن حرم مطهر امام اول شیعیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام در آن، از سوی شیعیان دارای جایگاه والایی است. همچنین در نظر دیگر مسلمانان جهان نیز از عزت و احترام و جایگاه خاصی برخوردار است.

1- سوره اسراء، آیه 1.

2- سوره اسراء، آیه 1.

3- راهنمای عتبات مقدسه و اماکن باستانی عراق، ص 56.

5. کربلا

اسم کربلا که از «کرب» و «بلا» گرفته شده است، به معنای سرزمین غم و اندوه، مشقت و رنج و نیز به معنای آزمون در خیر و شر می‌باشد. نام‌های دیگر این سرزمین «طف»، «نینوا» و «غاضریه» است. این شهر در جنوب غربی و در حدود صد کیلومتری بغداد واقع می‌باشد. (1) کربلا به خاطر قرار گرفتن حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و برادر بزرگوارشان حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر یاران امام حسین در قیام عاشورا، دارای جایگاه ویژه‌ای در نزد مسلمانان، به‌ویژه شیعیان است.

6. کاظمین

کاظمین یعنی دو کاظم، واژه کاظم به معنای فرو نشاننده خشم، و بردباری می‌باشد.

کاظم لقب امام هفتم بزرگوار شیعه، امام موسی بن جعفر علیه السلام بوده که ایشان را با نهمین امام جواد علیه السلام به جهت تغلیب کاظمین نامیده‌اند. به لحاظ این‌که هر دوی ایشان در این شهر مدفون هستند، به کاظمین یا کاظمیه شهرت یافته است. این شهر در شمال غربی بغداد واقع شده است؛ شهری کوچک و قدیمی که بیشتر اهالی آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. هم اکنون به جهت وسعت یافتن شهر بغداد، کاظمین به این شهر متصل گشته است. (2) از آن‌جا که این شهر در مرکز سیاسی کشور عراق واقع گردیده است، می‌تواند جایگاه خوبی برای برقراری و توسعه روابط مسالمت‌آمیز و متحد کننده بین شیعیان و اهل سنت در این کشور داشته باشد.

7. مشهد الرضا

مشهد به دو معنی است: محلّ شهود که مشاهد، جمع آن است؛ یا این‌که به معنی شهادتگاه می‌باشد. مشهد، بزرگ‌ترین شهر از شهرهای شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. این شهر با دو و نیم میلیون نفر جمعیت، دومین شهر پرجمعیت ایران است.

1- همان، ص 42.

2- همان، ص 30.

وجود زیارتگاه و بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام، هشتمین امام شیعیان جهان، در این شهر، سالانه بیش از سیزده میلیون زایر را به این دیار می‌کشاند. این شهر به لحاظ جمعیتی و به این لحاظ که در کشور شیعه مذهب ایران است از جنبه‌های مختلف سردمدار جهان اسلام، به‌ویژه شیعیان بوده و از قدرت بالای ژئوپلیتیکی در بین کشورهای جهان اسلام برخوردار است. بر این اساس می‌تواند نقش ایران در اتحاد و همبستگی بین جهان اسلام، به‌ویژه جایگاه شهر زیارتی مشهد الرضا را به خوبی نشان دهد.

8. سامرا

سامرا مخفّف «سرّ مَن رآه» به معنی شاد شدن هر بیننده می‌باشد. شهر زیارتی سامرا، در حدود 125 کیلومتری شمال بغداد، در استان صلاح الدین و در بین راه بغداد و موصل واقع شده است. حرم مطهر و زیارتگاه دهمین و یازدهمین امامان شیعیان یعنی حضرت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در آن‌جا واقع شده است. (1) البته غیر از شهرهای زیارتی مذکور، شهرهای دیگری هستند که از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند، از آن جمله است شهر مذهبی قم که مدفن حضرت معصومه علیها السلام می‌باشد.

شکل(2) محدوده تأثیرگذاری نجف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامرا در جهان اسلام

1- همان، ص 79.

نقش مکان‌های زیارتی در همبستگی اسلامی

اسلام خود را به عنوان یک دین جامع و دارای برنامه و طرح کامل از نظم اجتماعی و به عنوان شیوه‌ای برای زندگی عالی معرفی می‌کند. این دین بر پایه مجموعه‌ای از قوانین و اصولی استوار است که به صورت ابدی، از سوی خدا و مستقل از خواسته‌های پیروان آن تعیین شده است. بنابراین اسلام نقش مهمی در زندگی مسلمانان ایفا کرده و این نقش همچنان ادامه خواهد داشت. (1) چنان‌که شاهد هستیم، اسلام علاوه بر کنگره سراسری سالانه در مکه معظمه توانسته است همواره گردهمایی‌های مذهبی، و فرهنگی و اقتصادی خود را داشته باشد؛ همچنین از نظر سیاسی توانسته در صورت بروز اختلاف میان برخی کشورهای اسلامی، در رفع آن از فکر و اندیشه یکی از اعضا و یا از وجدان عمومی امت اسلامی استمداد بطلبد. یا این‌که از نقش و تأثیر فرهنگی و بار احساسی اوقات و اماکن اسلامی، مثل ماه رمضان و یا شهر مکه، پیوسته در این زمینه استفاده کند. (2) از آن‌جا مکان‌ها شامل ارزش‌های ویژه و خاص خود هستند، می‌توانند بار احساسی فراوانی برای انسان‌ها همراه داشته باشند. (3) مکان‌های زیارتی جهان اسلام از ارزش‌های والای مذهبی و فرهنگی در بین مسلمانان برخوردار می‌باشند، و به عنوان تداعی کننده چنین بار احساسی برای مسلمانان، می‌توان با استفاده و تقویت این بار احساسی اتحاد و انسجام را بین مسلمانان و کشورهای اسلامی تقویت کرد. همچنان‌که امام خمینی رحمه الله به کرات اعلام کرده است که حج- زیارت مکه که کلیه مسلمانان به انجام آن برای یک‌بار در زندگی خود سفارش شده‌اند- یک رویداد کاملاً سیاسی است. زیرا احکام اسلام، محدود به رابطه خصوصی میان انسان و خدا نیست؛ بلکه به منش حکومت و تعهد حاکم به اجرای وظیفه تاریخی خود، در جاری کردن قانون اساسی در زندگی مردم نیز

1- جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان غرب، ص 246.

2- اسلام و تمدن اسلامی، ص 643.

3- درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ص 34.

گسترش می‌یابد. (1) این امر خود باعث ارتباط، همبستگی و اتحاد کشورهای اسلامی می‌شود، که آثار و نتایجی را به دنبال خواهد داشت. این موضوع را به خوبی می‌توان در اندیشه امام خمینی رحمه الله یافت و در قالب چند محور زیر بیان کرد:

1. بازگشت مجد و عظمت مسلمین؛
2. پیروزی مسلمانان بر دشمنان؛
3. استقلال کشورهای اسلامی؛
4. آسیب‌ناپذیر شدن مسلمین. (2) نتیجه گیری

جهان اسلام با وجود ظرفیت‌های زیاد برای توسعه و همبستگی، امروزه با چالش‌های درونی و بیرونی بی‌نظیری مواجه شده است(شکل 3) که هر یک از آنها چنان که شاهد هستیم به اشکال مختلف، کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و آنها را با چالش مواجه کرده‌اند(چنان‌که آمریکا عراق و افغانستان را به اشغال در آورده و اسرائیل همچنان فلسطین را تحت اشغال خود دارد و ...) و با سنگ‌اندازی‌های خود مانع اتحاد، همبستگی و توسعه این کشورها شده‌اند. فرهنگ زیارت و مکان‌های زیارتی جهان اسلام، مانند مکه، مدینه، بیت المقدس، نجف اشرف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامرا، این ظرفیت را که نقش برجسته‌ای، هم از نظر روحی و هم از نظر همبستگی و وابستگی که می‌توانند در بین اعضا ایجاد کنند، دارا می‌باشند. کشورهای اسلامی می‌توانند از ظرفیت‌هایی که مکان‌های زیارتی در اختیارشان می‌گذارند، در مقابل توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان جهان اسلام استفاده کرده و موجب همبستگی و اتحاد خود شوند و عزت و احترام مسلمانان و کشورهای

1- احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ص 123.

2- ر. ک: وحدت کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی.

ص: 937

خود را دوباره احیا کنند و چهره ابهام‌آمیزی را که دشمنان اسلام از اسلام، به عنوان دین جنگ و خون ارائه کرده‌اند، تغییر داده و حقیقت دین اسلام را که دین صلح و آرامش است، به تمامی دنیا معرفی کنند.

فهرست منابع

1. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان و صحابه و تابعین، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1371.
2. احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب، گراهام فولر و یان لسر، ترجمه علیرضا فرشچی و علی اکبر کرمی، تهران، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، چاپ اول، 1384.
3. اسلام و تمدن اسلامی، آندره میکل و هانری لوران، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، 1381.
4. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، محمد رضا حافظ نیا، مشهد، پاپلی، 1385.
5. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، حسین شکویی، تهران، گیتاشناسی، چاپ ششم، 1382.
6. تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک، رضا حسین‌پور پویان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1385.
7. جغرافیای سیاسی جهان اسلام، عزت اللّٰه عزتی، تهران، سمت، 1378.
8. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، آلاسدایر درایسدل و جرالد اچ. بلیک، ترجمه دره میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم، 1374.
9. جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان غرب، مجموعه مقالاتی پیرامون اسلام، جهانی شدن و پست مدرنیته، ابوبکر بقادر، مترجم: مرتضی بحرانی، تهران، مجلس شورای اسلامی، 1384.
10. درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ریچارد مویر، ترجمه دره میر حیدر و یحیی صفوی.
سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، تهران، 1379.

ص: 939

11. راهنمای عتبات مقدسه و اماکن باستانی عراق، حیدر شجاعی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم.

12. صحیح مسلم، معالم المدینة المنوره.

13. وحدت فعالیت‌های اسلامی، تنها راه وحدت اسلامی، مجموعه مقالات بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، محمد بن ناصر العبودی، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1384.

14. وحدت کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی، حمید زنگنه.

سفيد

ص: 941
من الحمد لله تمهيد ع لا عز و جل ين دا فهرس د

نرگس قاسمی

چکیده
زیارت علاوه بر آثار معنوی نتایج مادی نیز دارد که در این پژوهش به بخشی از آن پرداخته شده است. در این تحقیق از کتب، مقالات و گزارش‌های موجود که به بحث نتایج اقتصادی و سیاسی زیارت پرداخته‌اند استفاده شده است. به عبارت دیگر، روش تحقیق، کتابخانه‌ای و اسنادی است. این مقاله به دنبال پاسخ این سؤالات است که اهمیت زیارت چیست؟ جایگاه سیاسی زیارت کجاست؟ نتایج اقتصادی زیارت چه می‌تواند باشد؟ نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که زیارت علاوه بر اثرهای معنوی دارای نتایج سیاسی، مانند آموزش تسلیم‌ناپذیری، دلاوری و غیرت‌ورزی نسبت به اسلام، دفاع از فضیلت و کرامت انسانی، جذب جمعیت، احیا و توسعه شهر، نشانگر اعتراض سیاسی و ... و در بعد اقتصادی نیز اشتغال‌زایی، ایجاد درآمد ارزی برای کشور، توسعه شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل و ... را موجب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، جایگاه سیاسی زیارت، جایگاه اقتصادی زیارت، جهانگردی.

مقدمه

از آن‌جا که اعتقادات هر سرزمین برای مردم آن دیار از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، نوع نگرش به آن نیز بسیار مهم است. تجربه چین، امارات متحده عربی و بسیاری از کشورهای دیگر در سال‌های اخیر، حاکی از این است که فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب در خصوص گردشگری، رشد اقتصادی و افزایش قابل

توجه درآمد را برای این کشورها به ارمغان آورده است و در برخی موارد، مانند عربستان جایگاه خاصی از نظر سیاسی برای آنان تعریف نموده است.

ویژگی‌هایی که باعث شده زیارت به عنوان یک مقوله قابل توجه در این مطالعه انتخاب شود، نتایج عمده سیاسی و اقتصادی مانند زودبازده بودن و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری کلان، مزیت‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی و ایجاد امنیت و توسعه در روابط سیاسی بین کشورهاست.

اهمیت زیارت

هدف اسلام ارتقا و رشد معنوی و مادی انسان و سوق دادن اوست به آنچه باید باشد و بردن او به جایی که باید برودو رساندن به جایی که باید برسد و توجه دادن انسان به اصل والای «از اویی و به سوی اویی». از این رو اسلام از هر زمینه، مناسبت، فرصت، زمان، زمین، مقام و مکانی در این مسیر استفاده می‌کند و برای هر کس، در هر جا و هر زمان و هر شرایط تکلیف، برنامه و دستور العملی قرار داده است.

یکی از این تکالیف زیارت است. زیارت عامل «توجه به خدا»، «تحول روحی» و «توبه» است. برای مثال قرآن کریم می‌فرماید: ابراهیم و فرزندش اسماعیل اساس خانه کعبه را نهادند،(هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بر می‌افراشتند) (1) و چون ساخته شد به ابراهیم دستور رسید که خانه را برای طواف کنندگان و اقامت کنندگان و نمازگزاران پاکیزه سازد. (2) و چون خانه پرداخته شد، خداوند به ابراهیم فرمود: مردمان را برای زیارت خانه بخواند. (3) همچنین نمونه‌های بسیاری که در کتب تاریخ و شرح حال و زیارتگاه‌ها آمده است و به زیارت قبور و تبرک و توسل به آنها و ختم قرآن برای صاحبان قبور و دعا و نماز در کنار آنها، اشاره می‌کند نشان از جایگاه والای زیارت در زندگی مسلمانان است.

1- سوره بقره، آیه 127.

2- سوره حج، آیه 26.

3- سوره حج، آیه 27.

زیارت، در ارزش و پاداش، همپای بسیاری از عبادات، بلکه برتر از حتی جهاد و شهادت به حساب آمده است. بزرگان دین زیارت را به مردم توصیه و آنان را بدین امر تشویق کرده‌اند و پاداش‌ها و ثواب‌های فراوانی برای «زایر» بیان شده است. که همه و همه نشان از آثار معنوی و اهمیت این دستور اسلامی دارد. آنچه که در این پژوهش به دنبال آن هستیم نگاهی به آثار و نتایج سیاسی و اقتصادی زیارت است.

الف. جایگاه سیاسی زیارت

نقش زیارتگاهی شهرها تنها با انجام مراسم مذهبی خود ساکنان شهرنشین تبیین شدنی نیست، مگر آن که شهر بتواند به طور مستمر و یا فصلی پیروان مذهب رابه تعداد زیاد از افق‌های دورتر به سوی خود جلب کند. میدان جاذبه بعضی از مکان‌های زیارتی، ناحیه‌ای و یا در مقیاس کشوری(مشهد و قم) و بعضی دیگر در مقیاس جهانی(مکه ومدینه) پیروان خود را جذب می‌کند (1) با توجه به آنچه گفته شد و با نگاهی به سابقه تاریخی زیارت و حوادث حال حاضر جهان می‌توان به بیان آثار و نتایج سیاسی زیارت پرداخت.

1. زیارت دین را به مردم یادآور می‌گردد و به یادشان می‌آورد که باید از سنّت نبوی و آیین محمّدی، که اهل بیت نبوّت و خاندان رسالت آن را پاس داشته‌اند، پیروی کرد.

2. زیارت درس عزّت‌طلبی، تسلیم‌ناپذیری، دلاوری و غیرت‌ورزی نسبت به اسلام و دفاع از فضیلت و کرامت انسانی و همچنین حرمت انسان‌ها را به انسان‌ها می‌آموزد. نمونه آن می‌توان پس از شهادت امام حسین علیه السلام به گروه توّابین اشاره کرد.

چون توّابین به شمار نزدیک به چهار هزار تن و به فرماندهی سلیمان بن صُرد خزاعی، با شعار خونخواهی حسین بن علی علیهما السلام و کشتن قاتلان او قیام کردند، در ربیع

1- جغرافیا و شهرشناسی، ص 300.

الأوّل سال 65 ق. به زیارت آرامگاه امام رفتند و در پیرامون این آرامگاه گرد آمدند.
آنها یک شبانه روز در کربلا ماندند و سپس به عین الورده کوچیدند. (1) 3.
زیارت نشان‌دهنده ترس حاکمان ظلم از رفت و آمد مردم به امکان زیارتی است. که تاریخ از این نمونه‌ها فراوان به یاد دارد:
ابرهه برای انهدام کعبه حرکت کرد تا آن‌جا را ویران کند و صنعا معبد عمومی عرب و مرکز شرق گردد. و مردم برای عبادت به معبدی که او در صنعا ساخته بود بروند.
نمونه دیگر زمانی که مردم برای زیارت آرامگاه امام حسین علیه السلام می‌رفتند. این امر خشم هارون را برانگیخت و او را بر آن داشت که از آن آرامگاه‌های پاک انتقام ستاند.
هارون مشتی از مردمی را که خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده و خوف خویش را از آنان ستانده است، روانه ساخت تا مرقد آن امام را که چراغ هدایت و مشعل‌فرا راه نجات امّت بود ویران سازند. فرستادگان هارون دو مسجدی را که بر مرقد امام و بر مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام برپا شده بود ویران ساختند و بنا و نشانی که از میراث فرهنگی امّت در آن‌جا بود از میان بردند. هارون همچنین از آنان خواسته بود درخت سدری را که در کنار مرقد امام علیه السلام روییده بود قطع کنند و جای قبر را نیز با خاک یکسان سازند. این همه، بدان هدف بود که زایران آن حضرت به بارگاه او راه نیابند و آهنگ زیارت او نکنند. هارون همچنین مردانی مسلّح گماشت تا مانع رسیدن مردم بدان مرقد نورانی شوند. (2) همچنین در امالی شیخ طوسی آمده است: به متوکّل خبر رسید که مردمان سواد عراق در سرزمین نینوا برای زیارت حسین علیه السلام گرد می‌آیند و شمار فراوانی آهنگ آرامگاه او می‌کنند. متوکّل یکی از فرماندهان خود را به همراه سپاهی فراوان روانه

1- نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، ص 23.

2- نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، ص 28.

ساخت و به او فرمان داد قبر امام حسین علیه السلام را ویران کند و مردم را از زیارت او و گرد آمدن بر پیرامون آرامگاهش باز بدارد. آن فرمانده در سال 236 ق. روانه سرزمین طف شد و چون به کربلا رسید فرمان خلیفه را به اجرا در آورد. امّا مردمان سواد عراق بر او شوریدند و نزد او گرد آمده، گفتند: اگر تا آخرین نفر کشته شویم بر جای ماندگان ما از زیارت او دست نخواهند شست.

در سال 237 ق. متوکّل به مرقد امام علیه السلام هجومی دوباره کرد و مردمان را از زیارت بازداشت. در نتیجه زایران کم‌تر شدند و برخی پنهانی به زیارت رفتند. اما چندی نگذشت که دیگر بار زایران رو به فزونی نهادند. بدین‌سان گاه به گاه سختگیری در این باره کاستی و فزونی می‌یافت و بسته به آن زایران نیز کاهش و افزایش می‌یافتند. (1) این وضع تا سال 237 ق. ادامه یافت تا آن که خبر زیاد شدن زایران امام علیه السلام به او رسید و همچنین وی را از این آگاهانیدند که شمار فراوانی از مردمان سواد عراق و کوفه به کربلا هجرت گزیده، خشم متوکّل از این خبر جوشید. پس سپاهی انبوه فراهم ساخت و آن را به فرماندهی دیزج روانه کرد. او بدین فرمانده دستور داد قبر و خانه‌های پیرامونش ویران شود، جای قبر شخم زده و بذر افشانده، و بدان آب بسته شود و مردم هم از زیارت آن بازداشته شوند. چون آن فرمانده به کربلا رسید جارچیی را فرمود تا بانگ برآورد: پس از سه روز هر کس را در نزد آرامگاه حسین ببینیم و هر کس که به زیارت او برود، بیگانه و بر ضدّ خویش خواهیم دانست. از آن پس، مردم ترسیدند و گریختند، آن فرمانده نیز فرمانی که داشت اجرا کرد و مضجع امام و بنایی را که بر آن ساخته شده بود ویران ساخت.

چونان که در مروج الذهب آمده است، دیزج خود تخریب آرامگاه امام را آغازید، آن‌گاه دست به کار شخم زدن، بذر افشاندن و آب افکندن در آرامگاه و اراضی مجاور

1- الأمالی شیخ طوسی، ص 209.

شد و زیارت کربلا را با وضع جریمه‌های سنگین ممنوع کردند. (1) همچنین متوکل عباسی، به سبب عنادی که با اهل بیت داشت، قبر امام علی علیه السلام را چون قبر امام حسین علیه السلام ویران کرد. (2) 4. زیارت موجب جذب جمعیت، احیا و توسعه شهر می‌شود، طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند عوامل مذهبی در بهم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی در سکونت گاه‌های انسانی و نیز تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها به‌ویژه در دوره‌های قدیم بسیار مهم بوده است. (3) برای مثال رحلت حضرت معصومه علیها السلام در شهر قم به سال 201 ق و به خاکسپاری جسد مطهر آن بانوی بزرگوار، باعث شد که مردم به تدریج خانه‌های خود را به آرامگاه و آن باغ نزدیک کنند تا به بارگاه متبرک نزدیک‌تر و از زیارت اهل بیت علیهم السلام بیشتر بهره گیرند. از این رو به مرور زمان ساختمان‌های شهر در قسمت‌های شرقی متروک ماند و مردم متوجه نواحی غربی شهر شدند. این واقعه از تاریخ وقوع تا به امروز بزرگ‌ترین عامل رونق و احیای شهر قم بوده است.

5. ایجاد قطب علمی، فرهنگی: از نقش‌های جنبی که در شهرهای زیارتی ایجاد می‌شود، مراکز آموزشی در زمینه دینی و حوزه‌های علمی معتبر است. برای نمونه شیخ طوسی در ابتدای قرن پنجم هجری، به نجف مهاجرت کرد و با تشکیل مجلس درس خود، آن شهر را به یکی از مرکزهای علمی و فرهنگی شیعی تبدیل کرد. در قرن سیزدهم هجری، به سبب وجود فقیهان و بزرگانی چون کاشف الغطا، بحر العلوم و شیخ مرتضی انصاری، اهمیت علمی گذشته را بازیافت و حوزه علمیه آن رونقی به‌سزا گرفت. (4) البته از آن هنگام تا عصر حاضر به رغم فرازها و فرودها، همچنان، به

1- مجلات تاریخ اسلام.

2- تاریخ طبرستان، ج 1، ص 95.

3- دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ص 146.

4- مزارات اهل البیت علیهم السلام.

عنوان یکی از مراکز علمی جهان تشیع مطرح و منشأ اثر است. (1) و در کلیه حوادث سیاسی ایران و عراق تا حد امکان حضور داشته است. مانند نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، مبارزات مردم عراق بر علیه استعمار انگلیس و ....

6. زیارت می‌تواند انگیزه مهمی باشد برای آزادی یکی از مقدس‌ترین اماکن مذهبی که سالیان درازی زیر سلطه و اشغال است. مثال بارز آن بیت المقدس که مکان ظهور و تجلی و ارائه ادیان بزرگ ابراهیمی بوده است. فضای بیت المقدس با انفاس قدسی پیامبران توحیدی درآمیخته است. وجود قبور پیامبران الهی و ابرار علاوه بر این‌که بر قداست این مکان مطهر می‌افزاید، سبب توجه و تذکر هر چه بیشتر مسلمانان جهان بر این مکان شریف می‌گردد.

مسجدالاقصی محل آغاز معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله یادآور این واقعه پر عظمت دینی تاریخی است. و همواره این موضوع مهم معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گوشزد کرده و به بشر خاکی پیام رهایی و رسیدن به حضرت حق را می‌رساند. در قرآن کریم نیز این موضوع چنین ذکر شده است: «سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الأَقْصَی». (2)

قدس قبله گاه اول مسلمین قبل از طعن یهود بوده است(تغییر قبله در ماه هفدهم هجرت صورت گرفته است). (3) از طرفی قدس، مکان آثار و محل مواریث اسلامی است.

7. زیارت عامل جمع شدن مسلمان در کنگره بزرگ مذهبی- سیاسی به نام حج است، حج از دیرباز تاکنون از اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار بوده است، همه ساله میلیون‌ها مسلمان مشتاق از گوشه و کنار جهان، به‌سوی سرزمین مقدس مکه و مدینه حرکت کرده، با تمامی سختی‌ها و مشقت‌ها خود را به میقات می‌رسانند

1- تاریخ طبرستان، ج 1، ص 95.

2- سوره اسرا، آیه 1.

3- تاریخ تحلیلی اسلام، ص 71.

و لبیک‌گویان آماده انجام فریضه حج می‌شوند. و گوشه‌ای از پتانسیل‌های امت واحده اسلامی را به نمایش می‌گذارند.
8. زیارت می‌تواند نشانگر اعتراض سیاسی باشد، برای مثال در شروع حرکت مشروطه پس از ایستادگی عین الدوله در برابر خواسته‌های مردم و روحانیت، آیت اللّٰه بهبهانی، آیت اللّٰه طباطبایی و آیت اللّٰه شیخ فضل اللّٰه نوری یک ماه در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. در نهایت علاء الدوله حاکم تهران عزل و بنا شد عدالتخانه تأسیس گردد. (1) و در 25 جمادی الاول 1324 ق حدود هزار نفر که در رأس آنها آیت اللّٰه بهبهانی و آیت اللّٰه طباطبایی بودند به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبیر را شروع نمودند که موجب شد مظفرالدین شاه، عین الدوله صدراعظم را برکنار کند و فرمان مشروطیت را هم صادر نمود. (2) 9. زیارت می‌تواند سرآغاز مبارزات سیاسی مردم یک کشور باشد. برای مثال در سال 1314 ش اعتراض به ماجرای کشف حجاب در مسجد گوهر شاد مشهد که در بین شهرهای ایران به دلیل وجود حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از تقدس خاصی برخوردار است و همه ساله میلیون‌ها نفر برای زیارت می‌آیند. این ویژگی موجب شده این شهر اهمیت خاص داشته و مرکز روحانی و علوم اسلامی قرار گیرد و طبعاً شهرهایی که پایگاه اسلامی دارند در مقابل مظاهر فساد بیشتر مقاومت می‌کنند که حادثه مسجد گوهرشاد نمونه آن است. (3) 10. زیارت و مکان زیارتی نقطه شروع مبارزه برخی حکومت‌ها علیه باورهای مذهبی ملت خود می‌تواند باشد .. مثلاً رضا خان چون می‌دانست مذهب ریشه‌های عمیقی در ایران دارد، تظاهر مذهبی زیادی برای جلب رضایت مردم و روحانیون داشت. به زیارت عتبات می‌رفت، مدال مولای متقیان علیه السلام به گردن می‌آویخت، در

1- تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 1، ص 115.

2- همان، ص 116 و 117.

3- همان، ص 245.

دسته‌های عزاداری محرم شرکت می‌کرد و ... به طور خلاصه خود را حامی مذهب معرفی می‌کرد. (1) اما پس از آن که به حکومت رسید، دین را مانع جدی اقدامات خود یافت و به دین‌ستیزی پرداخت. بنابراین در مراسم تحویل سال 1307 که همسر و دختران رضاخان بدون رعایت حجاب اسلامی در رواق حضرت معصومه علیها السلام حضور یافتند، نخستین قدرت نمایی و اخطار رضاخان به روحانیت و حوزه‌های علمیه اتفاق افتاد. (2) این امر زمینه‌سازی برای کشف حجاب بود. (3) 11. زیارت می‌تواند مبنای ادعای کشوری برای رهبری جهان اسلام باشد. وجود مکه و مدینه در کشور عربستان موجب شده است که این کشور مدعی رهبری جهان اسلام باشد.

12. زیارت یک نقطه می‌تواند موجب علنی شدن عناد برخی فرق علیه گروه دیگری از مسلمانان شود. انفجار در حرمین عسکریین که در سال 1385- 1386 ش رخ داد نمونه بارز آن است.

13. زیارتگاه می‌تواند محلی برای تبعید و یا هجرت رهبران سیاسی و مذهبی قرار گیرد. مثال بارز آن خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سمت مکه برای بیعت نکردن با یزید، نمونه هجرت رهبران بزرگ است. نمونه دیگر امام خمینی است که به کشور عراق و شهر نجف تبعید شدند و در اولین سال تبعید در پاسخ فضلای اصفهانی طی پیامی می‌فرمایند: «... این تبعیدها و زجرها که برای دفاع از احکام مترقی اسلام، دفع سلطه اجانب از بلاد مسلمین، جلوگیری از دستبرد به استقلال و تمامیت ارضی ممالک اسلامی می‌باشد، گوارا و موجب سرافرازی ملت مسلم است ...». (4) 14. زیارت می‌تواند به ارائه چهره‌ای واقعی از یک کشور به جهانیان کمک کند.

1- همان، ص 239.

2- زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، ج 1، ص 68.

3- همان، ص 73.

4- آوای انقلاب، ص 22.

چون زایرانی که به مکان زیارتی می‌آیند زبان گویایی برای بیان حقایق کشور مذکور هستند و تبلیغات سوء را کم اثر می‌کنند.
15. زیارت موجب گسترش امنیت می‌شود، زیرا حفظ قداست مکان زیارتی مانع از اعمال خشونت می‌گردد، شواهد تاریخی فراوانی از پناه بردن افراد مختلف به مکان زیارتی برای حفظ جانشان وجود دارد. و نمونه‌های دیگری نیز از تلاش برای حفظ حرمت این مکان‌ها دیده می‌شود، مانند خروج امام حسین علیه السلام از مکه برای جلوگیری از شکستن حرمت خانه خدا و ممانعت از خون‌ریزی در این مکان مقدسی که یزیدیان برای رسیدن به خواسته خود حاضر به حرمت‌شکنی بودند.
16. جنبه مهم دیگر زیارت برقراری صلح و دوستی است، زیرا وقتی زایران داخلی و خارجی با آداب و رسوم یکدیگر آشنا می‌شوند و دوستانی در کشورها و شهرهای دیگر پیدا می‌کنند، میان آنها ایجاد علاقه و محبت می‌شود، در مجموع باعث می‌گردد که صلح و دوستی پدید آید.
ب. جایگاه اقتصادی زیارت
جهانگردی پدیده‌ای است که از دیرباز در جوامع انسانی مختلف وجود داشته است.
اما با ورود به عصر مدرن به صورت یک صنعت سودآور در آمده و مورد توجه بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته و هر ساله با رشد و توسعه این صنعت چند وجهی مواجه بوده‌ایم.
با نگاهی گذرا به در آمدهای جهانگردی کشورهای مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که نگاه کشورهای مختلف دنیا، به توسعه جهانگردی با اهداف مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... کاملاً متفاوت بوده، اما اکثر کشورها، توسعه اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده‌اند، به این دلیل است که جهانگردی به سرعت رشد یافته و به بزرگ‌ترین صنعت دنیا تبدیل شده و منافع عمده اقتصادی را به اقتصاد ملی کشورها وارد کرده است.

در حال حاضر گردشگری فعالیتی قدرتمند و حرفه‌ای بزرگ در سطح جهان است، به نحوی که ابتدا قبل از نفت، آن‌گاه هم ردیف آن، سپس بالاتر از آن قرار گرفت. در سال 1992 از هر 15 نفر شاغل در جهان، یک نفر در بخش گردشگری فعال بوده و کل شاغلان این بخش در همان سال 130 میلیون نفر بوده است. در حال حاضر میزان 10 درصد از شاغلان دنیا در مشاغل وابسته به بخش گردشگری فعالیت دارند.

میزان درآمد فعالیت گردشگری از سال 1950 تا 1992، 132 برابر شده و طبق برآوردهای قبلی، در سال 2005 بیش از 150 میلیون نفر در این بخش مشغول به کار شده‌اند. از سال 1990 تا 2005 حدود 40 میلیون شغل در این بخش ایجاد شده و از سال 2000 تاکنون نیز هر ساله 750 میلیون نفر به گردشگری می‌پردازند. درآمد گردشگری در سال 2005 حدود 6/ 5 درصد از درآمد ناخالص جهان بوده است. بر اساس پیش‌بینی سازمان جهانی گردشگری در سال 2010 در حدود یک میلیارد و 18 میلیون نفر به گردشگری خواهند پرداخت و درآمد ناشی از گردشگری بین‌المللی در همان سال به حدود یک هزار میلیارد دلار خواهد رسید. (1)

بر اساس آمارهای موجود، جهانگردی 10 درصد از درآمدها و شغل‌های دنیا را به وجود آورده و پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال 2010 به دو برابر برسد. از دیدگاه اقتصادی، اصلی‌ترین کارکرد صنعت جهانگردی، کسب درآمدهای ارزی، توزیع مجدد درآمدها، ایجاد زمینه اشتغال، سرمایه‌گذاری و ایجاد ارزش افزوده، همچنین فروش کالاها و خدمات مورد نیاز گردشگرهاست. (2) صنعت توریسم و سهم آن در اقتصاد ملی کشورها از مباحث مهمی است که مورد توجه صاحبان امر قرار گرفته است و ارتباط تنگاتنگی با صنایع دیگری مانند هتلداری، حمل و نقل، آژانس‌های مسافرتی، صنایع‌دستی، رستوران‌داری، صنایع غذایی، کشاورزی و ... دارد.

1- روزنامه دنیای اقتصاد، 31 مرداد 1386.

2- همان.

خلاصه آن‌که زایر به خدماتی احتیاج دارد تا او را در تهیه مایحتاج سفر خود یاری کند. این خدمات نه تنها نیازهای زایر را تأمین می‌کند، بلکه موجب به وجود آمدن مشاغل جدیدی نیز می‌شود و مانع از خروج پول‌های نقد از محل مورد بازدید می‌شوند.

برای مثال، در کشور ایران، 50 درصد گردشگران را گردشگران زیارتی تشکیل می‌دهند، سال گذشته(1385) 627 هزار نفر از گردشگران ورودی به کشور برای زیارت به مشهد مقدس سفر کردند. بیش از 8 هزار بقاع متبرک در کشور وجود دارد، با معرفی این بقاع به مردم، می‌توان در جهت جذب گردشگر زیارتی، از این ظرفیت استفاده کرد. تاکنون گردشگری مذهبی کاملاً یک‌طرفه بوده به طوری که گردشگران بسیاری از ایران برای زیارت به عتبات عالیات و مکه می‌روند و در مقابل درصد بسیار کمی گردشگر زیارتی به ایران می‌آیند. (1) نتایج اقتصادی توریسم زیارتی

امروزه توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها به صنعت گردشگری به عنوان یک استراتژی توسعه اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی بیش از پیش معطوف این امر شده و آثار مثبت اقتصادی و فرهنگی آن، مورد توجه جدی دولت‌ها و ملل گوناگون قرار گرفته است. بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از این صنعت، به نقطه اوج اهداف مورد نظر دست یافته‌اند، به نحوی که بیشترین درآمد خود را از طریق آن تأمین می‌کنند و در زمره کشورهای توسعه یافته جهان مطرح شده‌اند. (2) در جغرافیای جهانگردی، مکان‌های مذهبی، به عنوان نیرومندترین قطب جذب گردشگر شناخته شده است. در تعریف توریسم مذهبی این‌طور بیان شده، که جهانگردی مذهبی عبارت‌اند از: بازدید گردشگران ویژه، از اماکن مقدس، نظیر زیارتگاه‌ها، مقابر

1- خبرگزاری مهر.

2- روزنامه دنیای اقتصاد، 31 مرداد 1386.

ص: 953

امامزاده‌ها و نظایر آنها. در این‌جا با دو دسته مختلف از جهان‌گردان روبرو می‌شویم، دسته اول: کسانی‌که از اماکن مقدس در دین خود بازدید می‌نمایند و گروه دوم: کسانی که از اماکن مقدس سایر ادیان دیدن می‌کنند. که این امر نتایج مختلف اقتصادی به دنبال دارد. به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. توریسم مذهبی، نوعی سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی در داخل کشور است و آثار آن، در کلیه بخش‌های اقتصادی، اثر توسعه‌ای دارد.

2. هر زایری، وقتی به شهر مذهبی سفر می‌کند، بعد از زیارت سعی دارد از دیدنی‌های دیگر هم بازدیدی داشته باشد. بنابراین زیارت و سیاحت توأمان صورت می‌گیرد که به رشد اقتصادی و فرهنگی شهر مذهبی می‌انجامد.

3. برای زایر خرید جاذبه خاص خود را دارد، چرا که سفر به شهر زیارتی و خرید سوغات برای اقوام و دوستان با هم عجین شده است. معمولاً بازارهای سنتی و مدرنی وجود دارد که هر مسافری را ترغیب به خرید می‌کند. این بازارها که از صدها غرفه و فروشگاه تشکیل شده است، هرساله بازدیدکنندگان و خریداران فراوانی دارد. این فعالیت‌ها موجب ایجاد درآمد و ایجاد فرصت شغلی است.

4. ایجاد درآمد ارزی برای کشور.

5. ایجاد درآمد برای دولت از راه دریافت مالیات و عوارضی که ناشی از فعالیت‌های مربوط به صنعت گردشگری زیارتی است.

6. تهیه مایحتاج زایران همچنین ایجاد کلیه زیربناهای مورد نیاز و ارائه خدمات به زایران و ... موجب اشتغال زایی است و به رونق صنایع داخلی کشور می‌انجامد.

7. توسعه شبکه حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و گاه دریایی.

8. توسعه خدمات مسافری، شامل آژانس‌های مسافرتی، کاروان‌های زیارتی، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و ....

9. توسعه خدمات مالی و پولی و مؤسسات مربوط به آن مانند بانک‌ها و ....

10. تحرک در امر ساختمان سازی با توجه به نیازهای ساخت تجهیزات مورد نیاز در شهرهای توریستی.
11. ایجاد مؤسسات بازرگانی خاص، به‌خصوص در امر صادرات و واردات.
12. توسعه امکانات زیربنایی مورد نیاز شهرهای توریستی، مانند نیروگاه‌ها، سیستم فاضلاب شهری و ....
13. توجه خاص به محیط زیست برای حفاظت از امکانات طبیعی مانند آب، هوا، خاک و ....
14. توسعه صنایع غذایی و زیرمجموعه‌های مربوطه، مانند صنایع کشاورزی، دامپروری، باغداری و ....
15. توسعه و رونق صنایع‌دستی به دلیل تقاضای فراوان زایران، برای صنایع‌دستی آن شهر زیارتی خاص و کشور مربوطه.
16. توسعه شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی، مانند تلفن، فاکس، اینترنت، روزنامه و ....

نتیجه‌گیری

هدف تعالیم اسلام ارتقا و رشد معنوی انسان و سوق دادن او به پیشرفت‌های مادی و معنوی جامعه می‌باشد. از این رو، اسلام از هر زمینه، مناسبت، زمان، مقام و مکان در این مسیر استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها زیارت است. که علاوه بر آثار معنوی، دارای نتایج دیگری از جمله سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشد.

از نتایج سیاسی می‌توان به ارائه چهره واقعی از کشورهای مسلمان در جهان، نمایش قدرت امت واحده اسلامی، نماد اعتراض سیاسی، مبدأ شروع حرکت انقلابی مردم یک جامعه، محلی برای هجرت و یا تبعید رهبران سیاسی و مذهبی، ایجاد انگیزه جهت باز پس‌گیری مواریث اسلامی و ... را می‌توان برشمرد.

و از آثار اقتصادی آن نیز، توسعه شبکه‌های حمل و نقل و ارتباطات، امکانات اقامتی و زیربنایی، افزایش درآمدهای ارزی، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، رونق صنایع داخلی، به‌خصوص صنایع‌دستی، اشتغال‌زایی و ... را می‌توان عنوان کرد.

البته همه این موارد، در سایه مدیریت صحیح امکانات و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل اماکن زیارتی ممکن است.

ص: 956

فهرست منابع

1. آوای انقلاب، گزیده‌ای از اعلامیه‌های امام خمینی، حسن روحانی.
2. الأمالی، شیخ طوسی.
3. تاریخ تحلیلی اسلام، جعفر شهیدی، نشر دانشگاهی، تهران، 1384.
4. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سیدجلال الدین مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1380.
5. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ابن اسفندیار.
6. جایگاه قدس نزد مسلمانان، حسن ستاری.
7. جغرافیا و شهرشناسی، یداللّٰه فرید، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، 1384.
8. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، حسین شکویی، سمت، تهران، 1383.
9. روزنامه دنیای اقتصاد، 31 مرداد 1386 نقش صنعت گردشگری بر متغیرهای اقتصادی، مرضیه مروج خراسانی.
10. زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا تبعید، محمدحسن رجبی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، 1370.
11. فصلنامه الکترونیکی میقات حج، جایگاه حج در اندیشه اسلامی 19، اسفند 1385.
12. مجلات تاریخ اسلام، م. دونالدسن، شماره 19، کربلا مهم‌ترین زیارتگاه شیعی، دوایت، ترجمه عباس احمدوند.
13. مزارات اهل البیت علیهم السلام، حسین جلالی.
14. نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، سید حسن صدر، چاپ کربلا.
15. خبرگزاری مهر(09/ 06/ 1386).

13. کارکرد مزارات و زیارتگاه‌ها

منصور یوسفی جولندان (1)

چکیده

پرستش و تقدس از دیرباز در بین اقوام مختلف وجود داشته و عبادت جایگاه ویژه‌ای در بین ادیان و مذاهب داراست. دین اسلام نیز در این خصوص مستثنی نبوده و در این بین زیارت قبور، توسل نمودن و شفاعت خواستن از اهم امور دینی تلقی می‌گردد. مزارات و زیارتگاه‌ها با پذیرفتن خیل عظیمی از علاقه‌مندان و مریدان تأثیرات بسیاری را در زندگی مردم مسلمان گذاشته و تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی را سبب گشته‌اند. اماکن مقدسی که قدرت تأثیرگذاری در ابعاد مختلف زندگی، حتی به لحاظ روحی و روانی را می‌توانند داشته باشند. محل دفن یک شخصیت مذهبی تاریخی توسعه عمرانی را به همراه داشته و با جذب زایر و توریست، منبع درآمد زایی برای اهالی آن دیار به شمار می‌رود. گرچه علقه‌های مذهبی و اعتقادات و باورهای مردم، تعامل خاصی را بین آنها و جایگاه‌های مقدس اسلامی رقم زده و دلبستگی‌های موجود را بیش از پیش نمایان‌تر می‌سازد. این مقاله بر آن است تا کارکردهای متنوع مزارات و زیارتگاه‌ها را به دلیل نقش پر رنگ آن در زندگی مردم مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: کارکرد، مزارات، اماکن مقدس، تبادلات فرهنگی، بقعه، حرم.

مقدّمه

زیارتگاه‌ها یکی از عناصر اجتماعی، فرهنگی یک قوم و یا یک ملت محسوب می‌شوند. عناصری که نه تنها دارای کارکردهای اجتماعی هستند، بلکه جایگاه

1- دستیار علمی دانشگاه پیام نور واحد رضوانشهر.

ص: 958

ویژه‌ای برای بروز رفتارهای فرهنگی خاص و همچنین تبادلات فرهنگی نیز به حساب می‌آیند. علت و انگیزه‌هایی برای پیدایی و به وجود آمدن این اماکن مقدس هست که ساختن یک مزار را علاوه بر تمایلات مذهبی، دارای انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و روانی نیز می‌سازد. از آن‌جا که اماکن مقدس در ارتباط مستقیم با فرهنگ یک قوم قرار دارند و فرهنگ نیز زاییده پدیده‌های اجتماعی- اقتصادی، مذهبی، تاریخی و سیاسی همان قوم است، بنابراین می‌توان زیارتگاه‌ها را در ارتباط با تمامی این پدیده‌ها دانست. کارکردهای زیارتگاه‌ها بسیار متنوع و متعدد است و در قالب هشت بخش می‌توان طبقه‌بندی نمود که در این مقاله به کارکردهای مختلف مزارات خراسان و ماوراء النهر در عصر تیموریان در دو سده 14 و 15 میلادی(8 و 9 هجری قمری) پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

پس از سپری شدن سال‌ها از عرض وجود کردن مردم به این جایگاه‌های مقدس اسلامی برای معرفی و شناساندن آنها نیاز به مطالعه، تحقیق و بررسی‌های متعددی می‌باشد. کنکاش و به دست آوردن اطلاعات لازم و تجزیه و تحلیل آن بسیار مهم و حیاتی برای انسان‌ها جلوه می‌کند و قدر مسلّم امروزه موضوع مزارات و زیارتگاه‌ها نقش مهم و پراهمیتی را در زندگی روزمره مردم مسلمان ایفا می‌نماید. گرچه کتب و مقالات و تصاویر بی‌شماری از اماکن و آرامگاه‌های مقدس در طی سال‌های متمادی تهیه و در اختیار علاقه‌مندان و مشتاقان قرار گرفته است، ولی علی‌رغم تلاش‌های به عمل آمده هنوز نواقص و کم‌وکاستی‌هایی در راه معرفی آنها وجود دارد که شاید با هر مطالعه و تحقیق نکته‌ای از ابهامات و مجهولات باقی مانده برطرف شود.

در زمینه مزارات خراسان عصر تیموری، مرحوم علی دوانی در مفاخر اسلام(1378- 2000) دکتر هیلن براند در مقابر(1988)، واله اصفهانی در خلد برین(1378)، خواندمیر در تاریخ حبیب السیر(2002)، بلینتسکی در خراسان و ماوراء النهر(1986)،

خلیل اللّٰه خلیلی در آثار هرات(2004)، حافظ نور محمد در تاریخ مزار شریف(1990)، محمد بلخی در مزارات شهر بلخ(1966)، تحقیقات گسترده‌ای را به رشته تحریر درآورده‌اند که شامل خراسان ایران و افغانستان کنونی است.
در بخش مزارات و زیارتگاه‌های ماوراء النهر درباره کارکرد این اماکن مقدس در سمرقند و بخارا واقع در کشور ازبکستان کنونی، ملّازاده در تاریخ مزارات بخارا(1960)، النرشخی در تاریخ بخارا(1973)، فضل اللّٰه روزبهان اصفهانی در مهمان نامه بخارا(1962)، دکتر غروی در آرامگاه در گسترده فرهنگ ایرانی(1376)، سلیم بخاری در دل به یار(1993)، خاوند شاه بلخی در روضة الصفا(1984)، السمرقندی در سمریه(1964)، حافظ کربلایی در روضة الجنان(1970)، ویل دورانت در تاریخ تمدن(2003)، خرم برکه در خواجه احرار ولی(2005)، محمد جوینی در تاریخ جهانگشای جوینی(2003)، منوچهر ستوده در آثار تاریخی ورارود و خوارزم(1384)، لوسین بوآت در تاریخ مغول(2003)، اشپولر در تاریخ ایران در دوره نخستین اسلامی(2001)، حسن بیک روملو در احسن التواریخ(2004)، امین مالوف در تاریخ سمرقند(1996)، عبدالملک بن حیدر سمرقندی در قندیه(1957)، بارتولد در ترکستان نامه(1974)، گروهی از پژوهشگران دانشگاه کمبریج در تاریخ ایران دوره تیموریان(2000)، سلسله مقالات آلبرت هورانی تحت عنوان طریقه نقشبندیه(1974- 1975)، بابینگر در مقاله فرامین نقشبندیه در اسلام(1923)، مطالب مبسوطی را ذکر نموده‌اند.
در مورد مزارات مورد نظر در کشور تاجیکستان فعلی، می‌توان به آثار: سفرنامه دکتر باشینو(1994)، باباجان غفوراف در تاجیکان(1997)، محمد ریاض در احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی(1995)، یاحقی و سیدی در از جیحون تا وخش(1378)، شیرین آکینو در اقوام مسلمان اتحاد شوروی(1989)، حمزه کمال در مزارهای شمال تاجیکستان و چهارده مزار(2001)، میرزا شکورزاده در تاجیکان، آریایی‌ها و فلات ایران(2004)، نذیرجان تورسان زاد در تاریخ و فرهنگ مردم خجند(2003)، جوآن گروس در خواجه احرار

و قوه ادراک و توان مذهبی(1982) اشاره نمود. پژوهش و مطالعه حاضر با بهره‌گیری از منابع فوق الذکر، به بررسی اثرات و نتایج زیارتگاه‌ها در زندگی مردم خراسان و ماوراء النهر می‌پردازد و یافته‌های جدیدی را هم در قالب پژوهش به‌عمل آمده بازگو می‌نماید.

شیوه بررسی

در پژوهش انجام شده، عمده‌ترین بخش یافته‌ها با استفاده از مطالعه میدانی بوده است که برای دستیابی به اطلاعات مدنظر از تکنیک‌هایی همچون گفت‌وگو و مصاحبه باز، مشاهده، مشاهده مشارکتی استفاده نموده و برای غنی ساختن اطلاعات از مطالعه کتابخانه‌ای نیز بهره برده و با تمسک به روش اسنادی کسب معرفت گردیده است. در بحث گفت‌وگو و مصاحبه افراد مورد نظر در دو دسته قرار می‌گیرند: دسته اول، زایرینی بودند که از نقاط دور و نزدیک به امر زیارت مبادرت می‌ورزیدند. و دسته دوم، شامل متولیان، خدام و مسئولین ذی ربط در حفظ و نگهداری اماکن اسلامی می‌شد که در محل تحقیق حضور داشتند. ضبط صوت، دوربین فیلمبرداری و دوربین عکسبرداری از جمله ابزارهای ثبت و ضبط این پژوهش به شمار می‌رفتند.

در این تحقیق از روش فونکسیونالیزم [1](کارکرد گرایی) نیز استفاده شده است، به طوری که علمای فن کارکردگرایی را در بررسی هر عمل اجتماعی و یا هر نهاد، با توجه به رابطه‌ای که با تمامی کالبد اجتماعی دارد، می‌دانند. [2] ارتباط زیارتگاه‌ها با مردم و تأثیراتی که بر زندگی آنها به جا می‌گذارد و روابط به وجود آمده، از دریچه این نظریه نگریسته شده و از اصل وحدت فونکسیونی [3] استفاده گردیده است، چنان‌که راد کلیف براون [4] وحدت فونکسیونی را «یک‌پارچگی و تعاون هماهنگ همه عناصر سازنده دستگاه اجتماعی که اختلافات پاینده را کنار

1- Functionalisme

2- مبانی انسان‌شناسی، ص 121.

3- Functional anity.

4- Radcliffe Brawn.

می‌گذارد، زیرا حل آنها ممکن نیست» (1) می‌داند و در پژوهش انجام شده، عنصر مذهب به عنوان عامل وحدت و یکپارچگی بین گروه‌های قومی و مذهبی مد نظر قرار گرفته است.

جامعه آماری

تحقیق حاضر در کشورهای ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان انجام گردیده که به صورت نمونه‌گیری شامل سیزده مزار به اسامی:

شاه قاسم انوار در تربت جام، ملاحسین کاشفی در سبزوار، گنبد هارونیه و سنگ یادبود امام محمد غزالی در توس، میر سید علی همدانی در کولاب تاجیکستان، محمد بشارا در ناحیه پنجکیت تاجیکستان، خواجه اسحاق ختلانی در کولاب تاجیکستان، مولانا یعقوب چرخی در روستای حلتکو شهر دوشنبه تاجیکستان، مزار شریف در بلخ افغانستان، خواجه عبداللّٰه انصاری در هرات افغانستان، خواجه احرار ولی در سمرقند ازبکستان، خواجه بهاء الدین نقشبندی در بخارای ازبکستان، گورمیر و بی‌بی خانم در سمرقند ازبکستان است.

از دلایل عمده نمونه‌گیری این سیزده مزار، علی‌رغم وجود مزارهای متعدد و همعصر در این چهار کشور، می‌توان به شهرت، مقبولیت، معماری، معاصر بودن و میزان تأثیرگذاری صاحبان آن مزارها اشاره نمود. این پژوهش از شهریور ماه سال 1383 شمسی آغاز و در خرداد ماه سال 1386 شمسی به پایان رسیده است.

کارکرد مزارات و زیارتگاه‌ها

کارکرد مزارها و زیارتگاه‌ها بسیار متنوع و متعدد می‌باشد و به صورت زیر طبقه‌بندی می‌گردد که عبارت‌اند از کارکردهای مذهبی، تاریخی، هنری، روان‌شناسی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

1- مبانی انسان‌شناسی، ص 127.

1. کارکرد مذهبی

زیارتگاه‌ها از جمله اماکن مذهبی هستند که پس از ورود اسلام به ایران و ماوراء النهر در این سرزمین‌ها به وجود آمده‌اند. این جایگاه‌ها یکی از مظاهر ویژه دین اسلام محسوب می‌شوند. مظهری که در طول حیات خود نه تنها کارکرد مذهبی متعددی را برای دین اسلام ارائه کرده است، بلکه وظایف مظاهر دیگر اسلامی نظیر مسجدها و حسینیه‌ها را نیز به نحو مطلوب به انجام رسانیده است.

دلایل این ادعا را می‌توان در نقشی که زیارتگاه‌ها در انجام دادن اعمال مذهبی، مانند نماز و عبادت معینی در حکم عبادتگاه و نمازخانه و همچنین مرکزی برای تصمیم‌گیری‌های اجتماعی- سیاسی، ایفا می‌کنند، جست‌وجو کرد. چون‌که «در سراسر ایران بسیاری از امامزاده‌ها به عنوان جانشین مسجد ایفای وظیفه می‌کنند». (1) و یا در تاجیکستان و ازبکستان در جوار مزارِ شخصیت‌های مذهبی، مساجدی احداث گردیده است که در مجموع جشن‌ها، عزاداری‌ها و دیگر مراسم مذهبی نیز در این اماکن برگزار می‌شود، اگر چه این مراسم از گذشته تا حال دچار تغییراتی شده و در حال حاضر به جرأت می‌توان آنها را جزئی از فرهنگ و آداب و رسوم اقوام ایرانی تاجیکی به حساب آورد، اما به دلیل سابقه مذهبی‌ای که دارند برگزاری این مراسم در زیارتگاه‌ها از دیگر کارکردهای مذهبی این ابنیه شمرده می‌شوند. ضمن آن‌که وجود خانقاه و مدارس علوم دینیه در جوار زیارتگاه‌های یاد شده، از نکات بارز این بخش به شمار می‌رود که می‌توان به خانقاه منتسب به امام محمد غزالی در گنبد هارونیه در توس و خانقاه و مدارس دینی خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا و خواجه احرار ولی در سمرقند اشاره نمود.

1- مقابر، ص 25.

2. کارکرد تاریخی

با توجه به آثار و بناهای باقی مانده از گذشته، تاریخ و سابقه یک قوم به دست می‌آید.

یکی از مهم‌ترین این آثار، بناهای تاریخی هستند که در هر گوشه از اجزای خود کلیدی نهفته دارند، کلیدی که می‌تواند گنج پنهان و گمشده تاریخ بشر را بگشاید.

زیارتگاه‌ها با تاریخ و سوابق محلی که در آن قرار گرفته‌اند و یا قومی که حیات و ثبات خود را مدیون آن هستند، عجین شده‌اند. این پیوستگی سبب شده است تا این اماکن از عناصر مهم تاریخی به شمار روند. غباری که در هر گوشه از آنها می‌توان اثری، هنری، دستمایه‌ای و جای پایی از گذشته‌ها را یافت. «چگونگی ساخت یک امامزاده و تاریخ ساخته شدن آن و انگیزه‌هایی که باعث به وجود آمدن آن شده است، روایت‌ها و حکایت‌هایی که در مورد آن نقل می‌شود، همگی به باز شدن گره‌هایی کور و نکات مبهم تاریخ کمک می‌کنند». (1) کارکردهای تاریخی زیارتگاه‌ها به دلیل ارتباط و تلفیقی که بین مذهب و فرهنگ یک قوم ایجاد کرده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه آرامگاهی گورمیر در سمرقند که مدفن امیر تیمور و فرزندانش به همراه استادش میرسید برکت است و یا مزار و مسجد بی‌بی خانم، همسر امیر تیمور گورکانی در سمرقند و بنای هارونیه، از جمله آثار تاریخی هستند که به دلیل رعایت آداب زیارت از سوی جمعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

3. کارکرد هنری

هنر پدیده‌ای است که از دیرباز فکر و اندیشه انسان را به خود مشغول داشته است.

هنر در جنبه‌های مختلف زندگی انسان شکل گرفته است، اما مانند هر پدیده دیگری که در ارتباط با زندگی انسانی قرار می‌گیرد، برای ثبات و دوام خود به تکامل احتیاج

1- اماکن متبرکه شهر کاشان، ص 159.

دارد. «تکامل یک هنر براساس محرک‌های دنیوی و دینی صورت می‌گیرد». (1) اسلام با آیین‌ها، اصول و قوانین خود یکی از قوی‌ترین محرک‌های دینی در ایران و آسیای مرکزی محسوب می‌شود. پس از فتح ایران به دست اعراب مسلمان، هنر ایرانی در خدمت دین اسلام قرار گرفت و البته به این معنی که هنر ایرانی تحت تأثیر قوانین اسلامی معنی و مفهوم جدیدی پیدا کرد، مفهومی که با کنار گذاشتن اختلاف و تضادهای هنر ایرانی با دستورات اسلامی و پیوند دادن پدیده‌های مشترک به وجود آمد. این مفهوم در بناهای مذهبی اسلامی به خوبی قابل مشاهده است. از جمله بناهای مذهبی‌ای که پس از اسلام در ایران و ماوراء النهر ساخته شده است، زیارتگاه امامزاده‌ها و آرامگاه‌های عارفان و قدیسین هستند. به طوری که آنها مجموعه‌ای از آثار هنری ایرانی و اسلامی به حساب می‌آیند. مجموعه‌ای که با بهره‌گیری از خاصیت منحصر به فرد دین اسلام یعنی «پذیرش عناصر قومی و محلی و آمیزش با آنها» (2) به وجود آمده است. بناهای مذهبی همچون مساجد و مزارات از مراکز مهم خلق آثار هنری شمرده شدند. مراکزی که نه تنها مکان مناسبی برای حفظ آثار هنری بودند، بلکه هنر اسلامی را نیز معرفی می‌کردند.

زیارتگاه‌ها با کارکردهای هنری خود، مفاهیم اسلامی را با زبان هنر، تصویر و رنگ به دیگران منتقل می‌کنند. کاشیکاری‌ها، آجر چینی‌ها، گچبری‌ها، آیینه‌کاری‌ها، نقاشی، حکاکی، کنده‌کاری و ... همگی زبان گویای هنر ایرانی و اسلامی هستند.

آنچه که موجب خرسندی در حین تحقیق گردید، وجود موزه‌ها در مجموعه آرامگاهی بود که تعداد قابل توجهی از زایرین و توریست‌های داخلی و خارجی را به سمت خود معطوف ساخته بود. این امر به‌خوبی می‌تواند در راه بسط و گسترش فرهنگ غنی اسلامی و معرفی شخصیت‌های عرفانی و مذهبی و شناساندن مناطق

1- مسجد نمونه هنر دینی در اسلام، ص 46.

2- تاریخ هنر، ص 191.

مورد نظر گام‌های اساسی و مهمی را بر دارد و با توجه به خلق آثار هنری همچون نقاشی، مینیاتور، خطاطی و تهذیب که معمولاً برای تزیین موزه‌ها و شکل دادن به ویترین‌ها و قاب‌های موجود، از آن استفاده می‌کنند، ضمن معرفی استعدادها و شاهکارهای هنرمندان بومی و محلی، همراهی این آثار با فرهنگ و تمدن اسلامی از نکات جالب توجه می‌باشد. در مزارات میر سید علی همدانی در کولاب و خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا، وجود دو موزه از اقدامات مثبت متولیان امر در این خصوص خبر می‌دهد. ضمن آن‌که در سبزوار سازمان میراث فرهنگی این شهرستان ضمن بازسازی مزار ملاحسین کاشفی به منظور حفظ این اثر، ساختمان اداری میراث فرهنگی را نیز در محوطه مزار احداث کرده و نظارت مستمری را در مراقبت و نگهداری از این بنای آرامگاهی به انجام می‌رساند.

4. کارکرد روان‌شناسی

انسان مجبور است برای زندگی و حیات خود با مشکلات و سختی‌هایی که بر سر راهش قرار می‌گیرند به مبارزه خیزد؛ اما قهرمان این نبرد همیشه انسان نیست.

هنگامی که انسان نتواند بر مشکلات زندگی فایق آید، به واسطه عواطف و احساسات خود دچار نوعی پریشانی روانی می‌شود. این پریشانی می‌تواند روح و روان او را تحت تأثیر خود قرار دهد و انسان را آزرده کند. «بر طبق تحقیقات روان‌شناسی راه‌هایی برای از بین بردن این آزردگی روح و روان وجود دارد که یکی از این راه‌ها تخلیه روانی است. دین و مذهب از جمله پدیده‌هایی هستند که توانایی آرامش روحی انسان‌ها را در خود نهفته دارند». [1] زیارتگاه‌ها به واسطه اعتباری که از نظر مذهبی در بین مردم دارند، از مکان‌های مناسبی برای تخلیه روحی و روانی به حساب می‌آیند. فضای مزارات، فضای

1- دین‌پژوهی، ص 291.

روحانی است، فضایی که می‌تواند عواطف انسانی را تحریک کند و او را وادار سازد در برابر مشکلات عکس‌العمل‌هایی خلاف زندگی عادی خود بروز دهد.
عکس العمل‌هایی همچون راز و نیاز یا گریه و زاری؛ با این عکس العمل‌ها انسان روان درمانی و تخلیه روانی می‌شود و با امید به این‌که قدرتی برتر برای حفظ و نگهداری آنها وجود دارد، به زندگی خود ادامه می‌دهند.
کارکردهای روان‌شناسی زیارتگاه‌ها، کارکردهایی است که بر روح و روان انسان اثر می‌گذارد و این اثر گذاری‌ها به حدی قوی و نیرومند است که آن‌جا به عنوان یکی از اماکنی که مراجعه به آنها آخرین امید و توسل محسوب می‌شود، در بین فرهنگ مردم ما شناخته شده‌اند. ضمن آن‌که انسان از بدو آفرینش در برابر حوادث طبیعی نیاز به نیروی مافوق و برتر را در خود احساس می‌کرد، نیرویی که بتواند او را از حوادث و بلایا و مشکلات و سختی‌ها حفظ کند. آنچه که توانست این نیاز انسان را برآورده سازد، دین و مذهب بود. اما برای اطمینان بیشتر به یک مکانی مادی و ملموس نیاز داشت. تا در کنار آن به آرامش روحی و قلبی دست یا بدو در همان‌جا با معبود خود راز و نیاز کند. به همین دلیل پرستشگاه و اماکن مذهبی را برای این کار ساخت، زیارتگاه‌ها را ساخت، تا مکانی برای آرامش روحی و قلبی و فروکش کردن هیجانات و اضطراب‌های درونی انسان‌ها باشد. در این جایگاه‌های مقدس زایرین اطمینان قلبی دارند که هرگز تنها نیستند و قدرتی مافوق آنها وجود دارد که همواره حی و حاضر بوده و توان برآوردن همه نیازهای بشری را دارد. لذا «با توسل و استغاثه به درگاه او و ریختن اشک شوق از داشتن چنین تکیه‌گاهی مطمئن، با اشک نیاز به حل مشکلاتشان، یا اشک داشتن امید به گشوده شدن گره مسایل‌شان، تخلیه روانی شده و آرامش روحی به دست می‌آورند». (1)

1- گذری بر فرهنگ زیارت، ص 241.

درخواست شفاعت زایرین در جوار مزارهای شخصیت‌های دینی و معنوی نمی‌بایست این‌گونه تلقی شود که زایر این تقاضا را از صاحب آرامگاه داشته و از او حاجت می‌طلبد. و در حالی‌که وی به دلیل قرب و منزلتی که صاحب مزار با توجه به جایگاه ارزشمند خود در نزد خداوند دارد، او را واسطه حاجت خود می‌کند، تا پروردگار عالم به دلیل اعتبار صاحب مزار، گشایشی در مشکلات فرد زایر بنماید. در اغلب زیارتگاه‌های مورد پژوهش، این موضوع به خوبی مشهود بود، به شکلی که در دو مزار خواجه احرار ولی و خواجه بهاء الدین نقشبند، متولیان امر مدام به زایرین تذکر می‌دادند که فقط از خداوند حاجت بخواهید و لا غیر.

5. کارکرد سیاسی

شاید یکی از مهم‌ترین علل به وجود آمدن زیارتگاه‌ها را بتوان در پدیده‌های سیاسی جست‌وجو کرد. ایجاد امامزاده در ایران نوعی اعتراض به اعراب مسلمانی بود که پس از ظهور اسلام، ایران را فتح کردند و در طول حکومت خود فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بر ایرانیان اعمال کردند، «امامزاده‌ها را به عنوان سمبل تمایلات سیاسی و مذهبی به وجود آوردند». (1) اماکن مقدس همواره موجب برتری سیاسی یک منطقه نسبت به مناطق دیگر بوده‌اند. وجود زیارتگاه در بالای تپه مشرف به یک روستا موقعیت سیاسی آن روستا را نسبت به روستاهای دیگر برتری می‌بخشید. شاید یکی از دلایلی که در اکثر روستاهای ایران و بعضاً تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان زیارتگاهی وجود دارد، همین امر باشد.

در تحقیقات دقیقاً این نکته نمایان بود روستاهایی که زیارتگاهی در داخل خود داشته، روستاهای همجوار را به لحاظ مختلف تحت الشعاع قرار داده و از قرب و

1- مقابر، ص 25.

منزلت بالاتری در بین مردم برخوردار بوده است. به عنوان نمونه می‌توان به روستای حلتکو در نزدیکی شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، اشاره نمود. این روستا به واسطه وجود مزار مولانا یعقوب چرخی، از شهرت و منزلت بالاتری نسبت به روستاهای همجوار بهره‌مند است، یا روستای خواجه اسحاق کولاب با مزار خواجه اسحاق ختلانی، روستای لنگر تربت جام با مزار شاه قاسم انوار و منطقه گذرگاه هرات با مزار خواجه عبداللّٰه انصاری با روستاها و مناطق همجوار متفاوت بوده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

6. کارکرد اقتصادی

کارکردهای اقتصادی یک زیارتگاه را باید در اعتبارات مالی آن جست‌وجو کرد.

افرادی که به اماکن معنوی مراجعه می‌کنند، هدایای نقدی و غیرنقدی خود را به زیارتگاه پیشکش می‌کنند. علاوه بر این، این‌گونه اماکن معمولاً دارای بناها و زمین‌های وقفی فراوانی هستند که وجود این نوع وقف‌ها به اعتبار اقتصادی زیارتگاه کمک می‌کنند. «وجود یک زیارتگاه به دلیل مراجعه افرادی که برای زیارت امامزاده می‌آیند و مخارجی را که برای این کار متقبل می‌شوند و همچنین هدایایی که به این مکان مقدس پیشکش می‌کنند، همگی در رشد و توسعه اقتصادی منطقه نقش مهمی دارند. بخش عمده‌ای از درآمد زیارتگاه صرف فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که این مسأله به رشد و توسعه اقتصادی منطقه کمک می‌کند». (1) ضمن آن‌که اختصاص نذورات بعضی از زیارتگاه‌ها به نوادگان و یا مستحقین در زندگی آنها نقش مهمی می‌تواند ایفا کند. همچنین در روزهای خاص، وجود بازارها و دستفروش‌ها که کالاهای خود را در معرض فروش زایرین قرار می‌دهند، از کارکردهای مهم اقتصادی زیارتگاه‌ها به شمار می‌رود. فروش بلیط ورودیه در

1- اماکن متبرکه شهر کاشان، ص 164.

جایگاه‌های مذهبی، مانند مجموعه آرامگاهی گورمیر و بی‌بی خانم در سمرقند و گنبد هارونیه در توس، باعث درآمد قابل توجهی به منظور تأمین هزینه‌های جاری این بناها و حقوق و مستمری خدام و متولیان آن محسوب می‌شود.

7. کارکرد اجتماعی

زیارتگاه‌ها در ساخت، بافت، روابط و قوانین اجتماعی، نقش مهمی را داشته و دارند.

«یکی از کارکردهای اجتماعی زیارتگاه نقشی است که آنها به عنوان پناهگاهی برای مظلومان و ستمدیدگان و یا توبه کنندگان و بازنشستگان ایفا کرده‌اند. این نقش از بست نشستن روحانیون برای احیای قوانین اسلامی، تا پناهنده شدن اشرار برای گرفتن تأمین جانی، قابل بررسی است». (1) زیارتگاه‌ها به دلیل قدرت و اعتبار اجتماعی که دارند، همواره به عنوان مرکزیت یک منطقه بافت مسکونی و تجاری منطقه را در اطراف خود متمرکز می‌کنند و یا با «تحت الشعاع قرار دادن فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، منطقه را به یک شهر زیارتی تبدیل می‌کنند». (2) در سال‌های اخیر مسیر شهر بخارا تا مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الدین نقشبند به‌طول دوازده کیلومتر توسط دولت ازبکستان آسفالت شده و به صورت اتوبان چهار بانده برای استفاده زایرین و توریست‌های داخلی و خارجی مشاهده می‌شود.

8. کارکرد فرهنگی

فرهنگ از جمله پدیده‌هایی است که به شدت تحت تأثیر مذاهب و آیین‌ها و مناسک آنها قرار می‌گیرد. فرهنگ ایرانیان پس از فتح ایران توسط مسلمانان در ارتباطی که با ویژگی‌های فرهنگی جدید پیدا کرد، تغییرات فراوانی را پذیرفت. به وجود آمدن اماکن مذهبی در بخش‌های مختلف ایران و ماوراء النهر، تغییرات فرهنگی و

1- تاریخ اشرار کاشان، ص 38 و 39.

2- تأثیر اسلام در ساخت شهر، 45.

همچنین رفتارهای فرهنگی خاصی به وجود آورد. افرادی که به مزارها مراجعه می‌کنند، رفتارهای خاصی را بروز می‌دهند که ریشه در آداب و رسوم، اعتقادات، اندیشه‌ها، تفکرات و به طور کلی فرهنگ آنها دارد.
مردمی که به زیارتگاه‌ها مراجعه می‌کنند، نوعی ارتباط با یکدیگر برقرار می‌کنند که نتیجه این ارتباط می‌تواند به تبادلات فرهنگی منجر شود. این افراد هر کدام ویژگی‌های فرهنگی خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهند و از این طریق فرهنگ خود را منتقل می‌کنند. از طرف دیگر، با مشاهده رفتارها و ویژگی‌های فرهنگی دیگران، از آنها تأثیر می‌پذیرند. ورود اصطلاحات و لغات جدید در زبان فارسی و تاجیکی نیز از جمله کارکردهای فرهنگی زیارتگاه‌هاست، مانند بقعه، حرم، صحن، مزار، مرقد، زایر و زیارت از این مجموعه‌اند. داستان‌هایی که از زندگی اجتماعی و مذهبی امامزاده‌ها و شخصیت‌های مذهبی نقل می‌شود، جنگ‌ها و نبردهای آنان، چگونگی مردن، یا به شهادت رسیدن آنها و دوستان و دشمنانشان در فرهنگ عامه جای معتبری دارند، یکی از عوامل اصلی در دامن زدن به این دوستی‌ها و دشمنی‌ها می‌باشند. «پس از نفوذ اسلام در ایران، ویژگی‌ها و آئین‌های تلفیقی مطرح گردید. ترکیب دو عنصر فرهنگی متفاوت با دو فرهنگ با منشأ متفاوت را آیین تلفیقی گویند (1) .syncretism) حضور زایرانی از پاکستان، هندوستان، ایران و روسیه در مزار میر سید علی همدانی در کولاب و حضور مریدان و پیروان شیخ بهاء الدین نقشبند از چین، ترکمنستان، ترکیه، هند، جاوه، ایران، عراق، آلمان، انگلیس، ژاپن، روسیه و تاجیکستان در منطقه قصر عارفان بخارا، حلقه‌ای از اتصال و تلفیق افراد با ملیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را به تصویر می‌کشاند که آنها ساعت‌ها، حتی روزها در کنار هم آداب زیارت را به‌جا آورده و به زبان اسلام با هم به گفت‌وگو و مباحثه می‌پردازند.

1- فرهنگ مردم‌شناسی، ص 68.

نتیجه‌گیری
گرایش‌های مردم به واسطه انگیزه‌های درونی و احترام غیر قابل توصیف آنها به زیارتگاه‌ها و مزارها، حضور پررنگ و چشمگیر مریدان و علاقه‌مندان به این اماکن اسلامی را سبب شده است و میزان تأثیرپذیری آنها از شخصیت‌های دینی مدفون شده را دو چندان کرده است. اولین نتیجه در پژوهش انجام شده، دستیابی به جایگاه زیارتگاه‌ها در بین زایرین است که جهت رفع حوایج مادی و معنوی و تقویت روحی و آمرزش الهی به زیارت آن بقاع مشرّف می‌شوند که نمودار تأثیر فرهنگ مذهبی در بین مردم است. بعد دیگر ایجاد جاذبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و رفاهی در این کشورهاست که به سبب وجود مزارها و زیارتگاه‌ها مهاجرپذیر بوده و سالانه تعداد بی‌شماری از زایرها و گردش‌گران داخلی و خارجی را پذیرا هستند.
از تحقیقات به عمل آمده این نتیجه حاصل گردید که زیارتگاه‌ها ویژگی خاصی را در ارتباط با زندگی مردم ایجاد نموده‌اند، علی‌رغم وجود کارکردهای بسیار متنوع و متعدد این اماکن معنوی، ایجاد آرامش روحی و روانی انسان مهم‌ترین خصیصه این ویژگی را رقم زده است. ضمن آن‌که پیوند ناگسستنی مردم با این زیارتگاه‌ها، روحیه دین‌مداری و امیدواری، انسجام و یک‌پارچگی گروه‌های قومی و مذهبی منطقه در سایه این بقاع متبرک بیش از پیش نمایان است. در این بین مسئولیت خطیری بر دوش اهل فن همواره سنگینی می‌کند که برای حفظ میراث گران‌بهای گذشته و مثبت و معرفی هویت ملت مسلمانان می‌بایست همچنان در دامنه و قلمرو و تحقیقات گام‌های اساسی برداشت.

ص: 972

فهرست منابع

1. اماکن متبرکه شهر کاشان، پایان‌نامه زهرا خلیل پور، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، 1377.
2. تاریخ اشرار کاشان، ملا عبدالرسول مدنی، کاشان، مرسل، چاپ اول، 1370.
3. تاریخ هنر، ه و جنسن، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1990.
4. تأثیر اسلام در ساخت شهر، حسین سلطان‌زاده، مجله معماری و شهرسازی، دوره پنجم و شماره 25، 1373.
5. دین پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی 1372، چاپ اول، 1372.
6. فرهنگ مردم‌شناسی، میشل پانوف و پرن شیل، ترجمه دکتر اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران، نشر ویس، 1990.
7. گذری بر فرهنگ زیارت، پایان‌نامه شریفی جهانی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، 1375.
8. مبانی انسان‌شناسی، محمد صادق فربد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، 1380.
9. مسجد نمونه هنر دینی در اسلام، الگ گرابار، ترجمه محمد سعید رضایی کاشانی، فصلنامه هنر، شماره 26، 1373.
10. مقابر، رابرت هیلن براند، ترجمه کرامت اللّٰه افسر، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1988 ..
11. Gross Joann(1982)Multipleroles and perceptions of suf ishikhsymb olicstatements of political and religious authority, New York University

در افزایش اشتغال و وضعیت اقتصادی استان ایلام

نصرت اللّه کشاورز [(1)]

چکیده

استان ایلام با بیش از 430 کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، بیشترین مرز خاکی با این کشور را دارا می‌باشد. این مرز در گذر ایام همواره نقطه تهدید، جنگ و کشتار برای مردم این دیار بوده و باعث بی‌ثباتی منطقه، فرار سرمایه‌های انسانی و مادی از استان شده و این خطه از کشور را با بحران‌های جدی عدم توسعه و امنیت مواجه کرده بود. در سایه تحولات ایجاد شده و به برکت وجود عتبات عالیات، این نقطه تهدید، تبدیل به فرصتی گران‌بها شده است. گشایش مرز بین المللی مهران و تردد زایرین اماکن مقدسه دو کشور، موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استان شده که این امر می‌تواند خارج شدن استان ایلام از بن‌بست جغرافیایی و توسعه یافتگی را در پی داشته باشد. طبق نظرات و ایده‌های متفکرین اجتماعی هر جایی که به عنوان محل تردد مسافران و زایران و تعاملات آنها با یکدیگر قرار گیرد، متأثر از آن، منطقه تحت تأثیر مسایل مختلفی خواهد بود و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را ایجاد خواهد کرد. این مقاله عهده‌دار بررسی و تحلیل نقش سفرهای زیارتی زایران عتبات عالیات بر رونق اقتصادی استان ایلام، به‌ویژه شهرستان مهران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سفر زیارتی، عتبات عالیات، ایلام، مهران.

مقدّمه

افزایش بی‌رویه جمعیت با توجه به ضعف امنیت و نگهداشت و تثبیت جمعیت در مناطق مرزی، افق بسیار پیچیده‌ای برای آینده نواحی حاشیه‌ای پدید آورده است.

1- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

در دنیای آینده، کشوری موفق خواهد بود که مشکلات جمعیتی خود را به حداقل برساند و با استفاده از راهکارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بتواند جمعیت را به ماندن در نواحی مرزی و محل تولدشان علاقه‌مند نماید. از طرفی نواحی مرزی به واسطه دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه نیافتگی و ... تفاوت فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده جمعیتی دارند. (1) از جمله نقاط مرزی ایران که در دوران هشت سال دفاع مقدس بارها مورد تهاجم نیروهای عراقی قرار گرفت و چهار بار به تصرف درآمد، مرز مهران در استان ایلام است که به دنبال شکست حکومت حزب بعث در عراق، بازگشایی شد و ترددهای مرزی جهت زیارت عتبات عالیات، به صورت گسترده‌ای در آن آغاز گردید.

رفت‌وآمدهای مرزی که در ابتدا جنبه زیارتی داشت، رفته رفته جنبه اقتصادی نیز پیدا کرد و روز به روز قوی‌تر و زیادتر گردید. آنچه که در این میان غیرقابل انکار است، تأثیرگذاری این مراودات مرزی بر استان ایلام به‌ویژه شهرستان مهران است.

در ادامه به تأثیرات آن بر وضعیت اقتصادی و اشتغال در استان ایلام می‌پردازیم.

هدف مطالعه

هدف اصلی این مقاله، پاسخ به این سؤال کلی است که بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات دو کشور ایران و عراق از آن مرز، چه تأثیراتی بر وضعیت اقتصادی و روند اشتغال در استان ایلام را در پی داشته است؟

فرضیه

بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین اماکن مقدس از آن، باعث بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است.

1- رضایی، ص 17.

روش تحقیق

روش مطالعه به دو روش اسنادی و پیمایشی بوده که در روش اسنادی، با استفاده از روش پانل، به مقایسه وضعیت استان در دو مرحله قبل و بعد از باز گشایی مرز پرداخته‌ایم ودر روش پیمایشی نیز با استفاده از روش دلفی، دیدگاه صاحب‌نظران را در مورد این تأثیرات جویا شده‌ایم.

تعریف و جامعه‌شناسی زیارت

زیارت در لغت، به معنای قصد کردن و ملاقات نمودن(به طور مطلق) است و در اصطلاح به معنای ملاقات با اشخاص خاص و یا اماکن ویژه است که از نظر زیارت کننده، آن مکان یا شخص خاص دارای احترام، برتری و شرافت ویژه‌ای است.

مفهوم زیارت به معنای اصطلاحی، ریشه در متون دینی ادیان مختلف از جمله اسلام و مسیحیت دارد. مثلاً در متون دینی مسلمانان تأکید می‌شود که به زیارت خانه خدا، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و بارگاه امامان شیعه علیهم السلام و نیز قبور امامزادگان بزرگوار بروند، چنان که در دین مسیحیت، به ویژه مذهب کاتولیک، مکانی در واتیکان وجود دارد که مسیحیان کاتولیک برای زیارت به آن‌جا می‌روند. در هر صورت رفتن به این اماکن و ملاقات با اشخاص، به این خاطر است که از اعتبار قدسی، معنوی و فضیلتی که در آن مکان یا آن شخص وجود دارد، بهره‌مند شوند. (1)

زیارت تجدید عهد و تحکیم میثاق با ولایت و خط امامت یا پیمان با محور توحید و بیعت با رسالت وحی است. (2) با این وصف، هنگامی که اصطلاح جامعه‌شناسی زیارت را به کار می‌بریم، مقصود ما بررسی و مطالعه آن دسته از رفتارهای گروهی، جمعی و جامعه‌ای است که عرفاً عمل زیارتی نامیده می‌شود. بنابراین، مطالعه منظم و روشمند رفتار یک گروه کوچک که به زیارت امامزاده روستای خود می‌روند، جامعه‌شناسی زیارت است.

همچنین مطالعه حالات، حرکات به رویه و رفتار یک جمعیت چند میلیونی که به

1- شوق دیدار، ص 6.

2- زیارت، ص 2.

زیارت خانه خدا مشرف می‌شوند نیز جامعه‌شناسی زیارت است. (1)
زیارت و سفرهای زیارتی در مذاهب مختلف
واژه زیارت، ویژه غرب است؛ اما پدیده‌ای که آن را ترسیم می‌کند، جنبه جهانی دارد و واقعیتی از یک مردم‌شناسی مذهبی است که به هیچ وجه به مذهبی که به طور نمادی ایجاد شده باشد، بستگی ندارد. اما مقتضیات دیگری دارد که عبارت‌اند از برخورد و مشارکت در امور مذهبی مقدس گروه‌های انسانی که با حضوری باطنی و صمیمانه به زیارت می‌روند. (2)
سفر زیارتی، مسافرت به سوی مکان مقدس است. در زبان لاتینی «پره گرینوس»، (3) به معنای خارجی و به مفهوم کسی است که مسافرت می‌کند. کسی که عبور می‌کند یا مسافتی را می‌پیماید و می‌خواهد از جایگاهی مقدس دیدار کند. این دیدار با حفظ تمام ویژگی‌های غیرقابل وصف خود، در نظامی پیچیده از رمزها، آیین‌ها و رفتارها سازمان می‌یابد. چارچوب آن اساساً مکانی مقدس با تصاویری از مقدسان و گروه‌های زایران و راهبان وابسته به این مکان است.
بنابراین، زیارت با اهدف بازدید از مکانی مقدس صورت می‌گیرد و تجلی یک یا چند شیء مانند مقبره یک شخص مورد احترام، شیئی معجزه‌آمیز یا یک نقش و اثر است.
عوارض جغرافیایی مانند قله‌ها، چشمه‌ها و غارها، اغلب مکان‌های جالب و جذاب برای زیارت‌اند. در اطراف این جایگاه‌ها، کسانی که تقدس آنها را باور دارند مجموعه‌های مصنوعی مانند حفاظ کلیساها، غارها، چشمه‌ها، آب‌نماها، معبدها و ... ساخته‌اند.
هنگامی که زایر از این حفاظها می‌گذرد، خود را در جهانی دیگر محاط می‌بیند.
از دیرباز زیارتگاه‌ها، نمادی از اشتیاق ژرف و نهانی انسان تلقی شده‌اند.
این مکان‌ها از روزگاران کهن، چه در غرب و چه در شرق به تعداد بسیار وجود داشته‌اند و هر زمان که

1- اماکن مذهبی و توسعه جهانگردی، ص 18.

2- جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت، ص 52.

3- peregrinus

گسترش یافته‌اند، دست‌کم ایجاد کننده برخی زیرساخت‌های جهانگردی بوده‌اند.
یونانیان عهد باستان به دلف، (1) اپی‌دور و الوزیس می‌رفتند. مسیحیان سده‌های میانه .. به سلسله مراکز و محل‌هایی رفت وآمد می‌کردند که امروز نیز مقدس شمرده می‌شوند.
مانند بیت‌المقدس، رم، سن ژاک- دو- کمپوستل، (2) شارتر، کولون و کانتربری ... .
در آن زمان، کلیسا سازمان‌دهنده واقعی مسافرت‌ها و عامل آموزش و پرورش و اطلاعات مردمی در مورد مسافرت بود. به علاوه، راه مراکز بزرگ جاذب مذهبی به مهمان‌خانه‌هایی منتهی می‌شد که به منظور استفاده زایران با امکانات پذیرایی در پایان سده چهاردهم دست‌کم نیم‌میلیون زایر را پذیرا می‌شدند. این مهمانسراها و صومعه‌ها امروز نیز مورد بازدید قرار می‌گیرند و شواهدی از اهمیت این شکل از جهانگردی‌اند.
در دین اسلام، زیارت مکه یکی از اصول اعتقادی تلقی می‌شود و برای هر بزرگسال آزادی که توانایی مالی داشته باشد، یک بار زیارت آن واجب است. این زیارت به گونه‌ای ژرف، جامعه اسلامی را مشخص ساخته است. این سفر زیارتی، فرصت آمیزش مردم با یکدیگر، جابه‌جایی دانشمندان و تشکیل جریان‌های بازرگانی را به وجود می‌آورد. زایران خانه خدا از نواحی دوری چون آفریقای شمالی، آمریکای مرکزی، آسیای جنوبی و شرقی به مکه می‌شتابند. در سده‌های میانه به هنگام فرا رسیدن ماه اصلی زیارت، نمایشگاه بازرگانی عظیمی در اطراف خانه کعبه بر پا می‌شد. به علاوه در جهان اسلام، مکان‌های مقدس دیگری وجود دارد که از مکه اهمیت کم‌تری دارد. مثلاً در عراق همه ساله صدها هزار نفر زایر به زیارت امامان شیعه در شهرهای نجف، کربلا، سامرا، کاظمین می‌روند. یا در ایران هر سال میلیون‌ها

Delphes -1

Saint -Jacques -de -compostelle -2

نفر از مشهد، قم و مقبره‌های امامزادگان دیدن می‌کنند. در آفریقا زاهدانی در تومبوکتو، (1) آگادس، توبا، کائولاک و ... وجود دارد که بسیار معروف می‌باشند ....
در مذهب هندوییسم، یکی از راه‌های منتهی به رستگاری، اقامت پارسایانه در یک مکان مقدس است. مهم‌ترین زیارتگاه، وانارسی(در بنارس) در سواحل گنگ است. در حقیقت، تقریباً در تمام دنیا، تمام جریان‌های آبی نمادی از گنگ تلقی می‌شوند. همچنین در سراسر آسیای جنوبی، زیارت به معابدی که در کرانه‌های رودخانه‌ها یا دریا ساخته شده‌اند، منتهی می‌شود. این زیارتگاه‌ها نه فقط به مناسبت جشن‌ها و اعیاد، بلکه در دوره‌ای خارج از فصل بادهای موسمی، در تمام سال موجب جابه‌جایی امواج انسانی می‌شوند.
در ژاپن، زیارت عملی بسیار گسترده است؛ به ویژه زیارت ایسه که مورد توجه پیروان شینوست سبب جابه‌جایی جمعیت بسیاری می‌شود: در نیمه سده نوزدهم، در سال گاهی تا پنج میلیون زایر به این زیارتگاه می‌رفتند. بیشتر آنها به «عبادت پنهانی» بدون اطلاع نزدیکان و خوار شمردن همه محرمات اجتماعی و قانونی به زیارت می‌روند. سرانجام باید خاطر نشان کرد که در حاشیه زیارت‌ها، از یک سو ادراک بودایی «ماندالا»(نوعی شکل اساطیری) وجود دارد که به وجود آورنده راهی برای آزادی از طریق یک راهپیمایی طولانی است و آزمونی به منظور اثبات توانایی شرکت در آیین‌های زیارتی تلقی می‌شود و از سوی دیگر، گسترش سفرهای ستوده شده در آیین «تائوییسم» چینی است. پیروانی که بر این باورند که به سبب بداقبالی یا بیماری مرتکب خطا شده‌اند، باید به اعتراف در منظر عموم یا کار در جاده‌ها به منظور اصلاح ارتباطات و ایجاد «مسافرخانه‌های دادگری» جایی که به مسافران غذا و خدمت رایگانی برای استراحت ارائه می‌شود، به جبران مافات بپردازد و خود را از گناه پاک کند.

1- Tombouctou

فلسفه زیارت در اسلام

با استناد به آیه 156 سوره بقره درمی‌یابیم که همانا در فرهنگ اسلامی، هدف اصلی رشد و ارتقا به سمتی است که باید باشد و هدایت او به نقطه‌ای است که باید برسد. از این‌رو، یکی از راه‌های تقویت معنویت و ایجاد ارتباط با معبود، از راه زیارت است که انسان وقتی به معنای عمیق زیارتنامه‌ها توجه کند و با عشق و علاقه به زیارت بپردازد، احساس می‌کند از طریق مکانی که مشغول زیارت است، به معبود خود نزدیک‌تر شده است. بسیاری از اوقات مسیر زیارت، همراه با عشق و از خودگذشتگی است.

وادی زیارت بیش و پیش از آن‌که وادی معقولات و محاسبات عقلی باشد، وادی دل و جذبه درون است. زایر اگر بداند و بشناسد که مورد زیارت کیست، هرگز نمی‌پرسد کجاست؟ به راه می‌افتد و همچون خضر به دنبال آب حیات و همچون موسی، در پی عبد صالح روان می‌گردد تا برسد و بیابد و بهره برگیرد و کامیاب شود.

زیارت از این مقوله است؛ پیوند قلبی است؛ محبت و علاقه است. آنچه زایر را به پیمودن راه‌ها دور و دراز و طی مسافت‌ها و تحمل رنج‌های سفر و بیم بادیه و استقبال خوف و خطر وا می‌دارد، کشش درونی و علاقه قلبی اوست و اگر عشق آمد، خستگی رخت بر می‌بندد و اگر محبت در کار بود، ملال متواری می‌شود.

آن‌که در راه طلب خسته نگردد هرگز پای پر آبله و بادیه پیمای من است

همه مخلوقات الهی، در سیر و سفر از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر، در جهت کمال حرکت می‌کنند. قرآن که برای هدایت بشر نازل شده است، در آیه‌های بسیار با تعابیری مانند: «قُلْ سِيرُوا فِی الْأَرْضِ ...»، «فَسِيرُواْ فِی الْأَرْضِ ...» و «أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ» بر سیر و سفر تأکید داشته و در خطابه‌های مختلف از انسان دعوت می‌کند که به مسافرت و زمین‌گردی بپردازد. (1) هدفدار بودن جهان هستی و خلقت موجودات و انسان‌ها و نیز بیهوده و عبث خلق نشدن پدیده‌ها و هستی به

1- سیمای جهانگردی اسلامی، ص 42.

نحوی صریح و گویا در قرآن کریم اشاره شده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنکُمْ عَبَثًا»؛ آیا پنداشته‌اید شما را بیهوده آفریده‌ایم؟
بنابراین چون همه پدیده‌های جهان و روابط بین آنها قانونمند و مبتنی بر اصول علمی و حساب شده است، نوعاً سیر و سیاحت و سفر نمودن انسان‌ها نیز هدفدار بوده و نقش سازنده و هدایتگر و تکامل بخش بودن آن، در قرآن مجید به صراحت بیان شده است. در احادیث نیز همین مضمون به عبارت‌های گوناگون مطرح گردیده است. سیر و سفر در زمین، خود، سبب پند گرفتن و عبرت آموختن بشر و به تبع آن رشد یافتن انسان خواهد شد.
از این‌رو قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد: «بروید در زمین بگردید و در آثار پیشینیان و ملت‌های گذشته و زمامداران و فراعنه ظالم دقت کنید و بنگرید پایان کار آنها به کجا رسید».
در بررسی آیات قرآن کریم، هفت آیه تحت عنوان «سِیرُوا فِی الْأَرْضِ» و هفت آیه با عنوان «أَوَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ» در مورد سیر و سیاحت بیان شده است. هفت آیه اول در سوره‌های آل‌عمران/ 137، انعام/ 11، نحل/ 36 و 69، عنکبوت/ 20، روم/ 42، سبأ/ 18؛ و نیز هفت آیه دوم در سوره‌های یوسف/ 11، نجم/ 46، روم/ 9، فاطر/ 46، مؤمن/ 21 و 82، محمد صلی الله علیه و آله/ 10 آمده است. (1) مسافرت‌های مذهبی و زیارتی
بدون تردید، یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین عوامل و انگیزه‌های مسافرت انسان، باورهای مذهبی و احساسات دینی بوده است. انسان از ابتدای تاریخ، مکان‌هایی را مقدس می‌دانسته است و به منظور تأمین نیازها و خواسته‌های روحی، روانی و مادی خود و از ترس بلایای طبیعی و غیرطبیعی که زندگی او را تهدید می‌کرده، به زیارت و دیدن آن مکان‌های مقدس می‌رفته است. (2)

1- بررسی نقش توانمندی‌های استان ایلام، ص 56.

2- درآمدی بر جهانگردی، ص 12.

جاذبه‌های مذهبی، زیارتگاهی و اماکن مقدس و آرامگاه‌های پیشوایان دینی و ...

هر ساله پذیرای میلیون‌ها جهانگرد هستند و در هر کشوری، از تنوع زیادی برخوردار است. این نوع از اشکال جهانگردی، همواره یکی از رایج‌ترین انواع توریسم قلمداد گردیده و سابقه آن به قرون و اعصار گذشته مربوط می‌گردد.

مدارک مستند تاریخی موجود از تمدن‌های عظیم میان رودان و مصر و نیز آثار به‌جای مانده از روزگاران پیش از تاریخ، حکایت از سفرهای مذهبی هزاران نفر از انسان‌ها از دیرباز می‌نماید.

توریسم زیارتی تنها شکلی از اشکال جهانگردی است که بر موانع آب و هوایی غلبه می‌کند. چرا که با تغییرات آب و هوایی مشاهده می‌شود که تعداد بازدید کنندگان از اماکن و شهرهای مذهبی دچار تغییر نمی‌گردد. همایش عظیم جهانی میلیون‌ها نفر از مسلمانان همه ساله در مکه و مدینه، یکی از انواع بارز این نوع جهانگردی می‌باشد. (1) وضعیت تردد زایرین عتبات از مرز مهران

با توجه به آمارهای موجود، تردد مسافران عتبات، از مرز مهران نسبت به سایر مسیرها، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است، به طوری که تنها در سه ماهه اول بازگشایی این مرز، تعداد مسافرانی که از طریق این مرز تردد داشته‌اند، بیش از آمار مسافرانی است که در طول سال 1381 از مرز بازرگان تردد داشته‌اند. (2) این موضوع، نشانگر از قابل دسترس بودن و کوتاهی این مسیر، به عتبات عالیات است البته پیش از هر عاملی باید عشق و علاقه به امامان را انگیزه این سفر دانست.

برابر با آمار ارائه شده از سوی سازمان پایانه‌ها و حمل و نقل استان ایلام، در نیمه دوم سال 1382، تعداد 559/ 393/ 2 نفربه قصد زیارت اماکن مقدس، از مرز عبور کرده‌اند که از این تعداد 285/ 121/ 2 نفر اتباع ایرانی و 274/ 272 نفر اتباع خارجی دیگر کشورها بوده‌اند.

1- جهانگردی، ص 67.

2- بررسی نقش توانمندی‌های اقتصادی استان ایلام، ص 84.

ص: 982

جدول(شماره 1) آمار تردد زایرین از مرز مهران در شش ماهه دوم سال 1382

ماهاتباع ایرانی(نفر) اتباع خارجی(نفر) مهر 44257598 آبان 1510752310 آذر 29032243663 دی 38347354583 بهمن 86413720402 اسفند 98950742729 جمع 2722742121285 جمع کل 2393559 مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور

جدول(شماره 2) آمار تردد زایران از مرز مهران در سال 1383
ماهاتباع ایرانی(نفر) اتباع خارجی(نفر) فروردین 71887188959 اردیبهشت 11166237424 خرداد 1092147 تیر 783614176 مرداد 478865686 شهریور 47486793 مهر 76179926 آبان 10631954 آذر 20901781 دی 11457361 بهمن 4279317 اسفند 4267329 جمع 594210240713 جمع کل 834923 مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور- 1383

جدول(شماره 3) آمار تردد زایران از مرز مهران در سال 1384
ماهاتباع ایرانی(نفر) اتباع خارجی(نفر) فروردین 88413322 اردیبهشت 116022293 خرداد 173332436 تیر 396902480 مرداد 541181800 شهریور 689624800 مهر 367704547 آبان 150254445 آذر 167735047 دی 1284718653 بهمن 1838831950 اسفند 1563159318 جمع 315980141091 جمع‌کل 457071 مأخذ: سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور- 1384

جدول(شماره 4) آمار تردد کاروان‌های زیارتی از مرز مهران در سال 1384
ماه‌کاروان کاروان ویزای متفرقه ایرانی ویزای متفرقه خارجی ورودی خروجی ورودی خروجی ورودی خروجی آذر 13540 174 585 314 دی 436514591 3486 4699 4718 بهمن 5016330299 2527 10838 7554 اسفند 3609498392 19325 8857 6774 جمع 13125987782 25512 24979 19360 جمع‌کل 44339386371769
لازم به توضیح است که اعزام کاروان‌های زیارتی عتبات عالیات که از سال 1383 آغاز شده بود، در 8 ماه اولیه سال 1384 با وقفه همراه بود که در ابتدای آذرماه این ترددها، دوباره از سر گرفته شد.
حال با توجه به آمارهای ذکر شده در جداول فوق می‌توان گفت که تردد این تعداد زایر از مرزهای استان ایلام در ایجاد تسهیلات و امکانات بیشتر و تخصیص اعتبارات عمرانی به منطقه بسیار مؤثر بوده است. در پی ورود سرمایه و جذب اعتبارات، منطقه نیازمند شعب اداری فعال‌تر و گسترده‌تری، نظیر بانک‌ها و گسترش بخش خدمات در بخش‌های مختلف درمانی، امدادی و پذیرایی و ... می‌باشد که نیاز به برنامه‌ریزی دارد. وجود امکانات و ایجاد زمینه‌های مختلف پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی منطقه را در پی خواهد داشت که در نهایت می‌توان به نقش مثبت سفرهای زیارتی در منطقه اذعان نمود که با رونق هر چه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی، این قلمرو از نوار مرز را در مسیر پیشرفت قرار داد و در نهایت به خروج این نواحی از انزوای جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی کمک

ص: 986

به‌سزایی نمود. از این رو می‌توان گفت: پس از این، مهران آن منطقه منزوی و دور افتاده و بدون امکانات نیست؛ بلکه جاذبه‌هایی به لحاظ جذب جمعیت از داخل و خارج در آن، ایجاد شده و به صورت یک منطقه نسبتاً مطرح معرفی شده است که گذر مرزی در این دستاورد، نقش کلیدی و اساسی دارد.

تأثیر تردد زایران عتبات بر اشتغال و ساختار نیروی کار در ایلام

وضعیت اشتغال در استان

اشتغال و بیکاری، از جمله مقولات اساسی اقتصاد جهانی است؛ به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی تلقی می‌شود.

یکی از دغدغه‌های اساسی برنامه‌های توسعه در کشور ما نیز، تلاش برای کاهش معضل بیکاری است که همواره به عنوان مهم‌ترین هدف این برنامه‌ها، مد نظر بوده است. از سویی دیگر، اطلاعات مربوط به ساختار نیروی کار، مبنایی برای ارزیابی و تحلیل سیاست‌های اقتصادی کلان یک جامعه محسوب می‌شود؛ به‌ویژه نرخ بیکاری به طور عام، به عنوان شاخص کلی عملکرد جاری اقتصاد آن جامعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در جدول(شماره 5) عمده‌ترین شاخص‌های نیروی کار و تغییرات آنها، در استان ایلام محاسبه شده است. بررسی نرخ مشارکت اقتصادی در این استان، نشان می‌دهد که در سال 1384(دو سال بعد از بازگشایی مرز مهران) 38 درصد جمعیت در سن کار(10 ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نسبت به سال 80(دو سال قبل از بازگشایی مرز) حاکی از افزایش 3 درصدی این نرخ می‌باشد.

بررسی نرخ بیکاری سنین 10 ساله و بیشتر نشان می‌دهد که در سال 1384، 3/ 14

درصد از جمعیت فعال(شاغل و بیکار) بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری نشان می‌دهد که این شاخص نسبت به سال 1380، 02/ 3 درصد کاهش یافته است. این کاهش، بیشتر تحت تأثیر افزایش شاغلان در بخش صنعت و خدمات بوده است که با بازگشایی مرز مهران و تردد زایران عتبات عالیات از آن، حیات تازه‌ای به خود گرفته است. (1) آمار ارائه شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، نشان از افزایش اشتغال در سال‌های بعد از بازگشایی مرز مهران بر روی مسافران که به قصد زیارت عتبات عالیات از این مرز تردد داشته‌اند، با نرخ بالا را دارد که منجر به کاهش نرخ بیکاری از 04/ 17/ درصد در سال 75 در شهرستان مهران به 00/ 13 درصد در سال 1383 رسیده است.

جدول(شماره 5) وضع اشتغال و فعالیت در استان ایلام در طول سال‌های 1380 -1384

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام- 1384

وضعیت اشتغال در شهرستان مهران

جدول(شماره 6) تعداد فرصت‌های شغلی به وجود آمده در طی سال‌های 75 الی 1384 برابر آمار اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهران را نشان می‌دهد.

هر چند به آمارهای ادارات کار نمی‌توان استناد کرد؛ زیرا نسبت جمعیت بیکار در ادارات کار معمولاً از مبنای علمی برخوردار نیست. به عنوان مثال، مستند بیکار بودن

1- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام سال‌های 83- 1378، ص 28.

اشخاص همان مراجعه یا اعلانی است که بر اساس یک تفکر حاکم به‌خصوص در استان به همه افراد غیرشاغل در ادارات دولتی که اصطلاحاً پشت میز نشینان می‌گویند را بیکار دانسته و مشاغلی غیر از مشاغل اداری را بیکاری می‌دانند. ولی همین آمار نیز نشان از کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی، به‌دنبال تردد زایرین و بازگشایی مرز مهران در سال‌های 1382 به بعد را دارد.

جدول(شماره 6) تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده طی سال‌های 1375- 1384 در شهرستان مهران

مأخذ: اداره کار و امور اجتماعی شهرستان مهران

تردد متوسط روزانه 300 کامیون به مرز و نیز فعالیت روزانه یکصد دستگاه سواری شخصی و پلاک قرمز در جابه‌جایی مسافران، موجب رونق بخشیدن خدمات، به‌ویژه مواد غذایی، رستوران‌ها، هتل‌ها و ... در استان ایلام و ایجاد اشتغال

غیر مستقیم در زیربخش‌های مختلف از جمله تعویض روغن، سوخت جایگاه‌ها و سایر موارد مربوط گردیده است. به عنوان مثال، نگاهی به آمار فروش جایگاه‌های سوخت شهر مهران که قبل از بازگشایی بازارچه، به علت عدم فروش در آستانه تعطیلی و ورشکستگی قرار داشته و صاحبان آنان این‌گونه جایگاه‌ها را در لیست فروش خود قرار داده بودند، اینک به یمن وجود بازارچه مرزی و ترددات بین‌المللی عتبات عالیات رونق بسیار خوبی گرفته است.

نقش سفرهای زیارتی عتبات بر رونق اقتصادی استان ایلام

دو ماه پس از سقوط دولت حزب بعث عراق در تیرماه 1382 بازارچه مرزی مهران عملاً شروع به فعالیت نمود. سقوط دیکتاتوری صدام، نبود دولت مرکزی مقتدر در عراق و سهولت رفت و آمد از مرز مهران، با در نظر گرفتن سهل‌گیری مقامات سیاسی- امنیتی کشورمان در خروج اتباع ایرانی از مرز به قصد زیارت عتبات عالیات، به زودی سیل بی‌شماری از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام از اقصی نقاط ایران و حتی کشورهای همجوار، مانند پاکستان و افغانستان که سال‌ها امید و انتظار زیارت اماکن مقدس را در دل می‌پروراندند به سبب موقعیت جغرافیایی مناسب، پایین بودن هزینه تردد، نزدیکی به مرکز عراق و شهرهای زیارتی این کشور(نجف 180 کیلومتر و کربلا 240) و ... را روانه مهران کرد.

عبور بیش از پنج میلیون زایر از مرز مهران در سال 1382 گویای عمق مسأله است، که تحول عظیمی در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی استان ایلام ایجاد نمود. اما متأسفانه به دلیل عدم ساماندهی مناسب، آماده نبودن زیرساخت‌های لازم در دو سوی مرز در آن مقطع، سیل غیرقابل کنترل و پیش‌بینی زوار به سمت استان ایلام و مرز مهران و به‌خصوص نبود یک دولت مقتدر در عراق و ناامنی‌های ناشی از آن، این روند نتوانست به رشد خود ادامه دهد. از طرفی بروز ناامنی‌های جدی و سامان یافتن نسبی حکومت مرکزی در عراق و لزوم تردد

قانونمند زوار در چارچوب مقررات کشوری، از جمله اخذ ویزا را به یک ضرورت تبدیل نمود.
در این راستا راه‌اندازی زیرساخت‌ها، جاده‌های دسترسی، امکانات رفاهی و خدماتی، ترمینال موقت و پاکسازی زمین‌های آلوده به مین و حضور مداوم و سازمان یافته‌تر نیروهای انتظامی و امنیتی منجر به ارتقای سطح کیفی و کمی تشکیلات سازمانی این نیروها و به تبع آن افزایش ضریب امنیتی استان ایلام گردید.
اقدامات عمرانی انجام گرفته، یا در حال ساخت در شهر مهران، نظیر ساخت جاده مرزی مهران به بازارچه به طول 11 کیلومتر، حذف نقاط حادثه‌خیز محورهای منتهی به مرز مهران از جمله مسیر مهران- دهلران و مهران- ایلام به‌گونه‌ای که اعتبارات شهرستان تنها در بخش راه، بیش از بیست‌وپنج میلیارد ریال بوده است.
بنا بر اعلام فرمانداری مهران در سال‌های اخیر تسهیلاتی در حدود بیست میلیارد ریال از محل بندهای مختلف ر- ز- ژ و تبصره‌های قانونی دیگر، برای احداث زیرساخت‌ها به بخش خدمات از جمله ساخت هتل، مجتمع‌های بین‌راهی و رستوران به بخش خصوصی واگذار شده است.
اخذ عوارض توسط شهرداری از کامیون‌های عازم بازارچه و اتوبوس‌های حامل زوار باعث بالا رفتن درآمدهای شهرداری و امکان بهبود زیرساخت‌های شهری مهران در یک سال اخیر شده است که احیای پارک‌ها، فضای سبز، ساخت قریب به یکصد چشمه سرویس بهداشتی عمومی، زیباسازی و آسفالت معابر، از جمله این اقدامات و تأثیر مثبت رونق بازارچه و مرز مهران در زندگی مردم است.
علاوه بر اقدامات فوق، رونق اقتصادی باعث بهبود وضعیت کسب و درآمد صنوف خدماتی و همچنین بالا رفتن ارزش افزوده املاک در شهر مهران و دیگر

شهرهای استان شده است. مجموعه این عوامل نشان دهنده آن است که تردد زایرین عتبات عالیات از مرز بین‌المللی مهران، نه تنها در وضعیت اقتصادی مهران که در توسعه استان ایلام نقش انکارناپذیری داشته است.
همچنین با از سرگیری مجدد تردد زوار بعد از مدت کوتاهی وقفه در آن که به دلیل ناامنی در کشور عراق بود، از طریق کاروان‌های مجاز، برابر مصوبات سازمان حج و زیارت، هم اکنون روزانه بالغ بر چهارده کاروان و عده زیادی نیز به صورت انفرادی از مرز مهران تردد می‌نمایند. برابر نرم‌های پذیرفته شده سازمان ملل، چنانچه تمامی زیرساخت‌های لازم آماده باشند، میزان اشتغال ناشی از هر ایرانگرد و یا جهانگرد نُه نفر است؛ یعنی در چنین وضعیتی به طور مثال در آذرماه تعداد 22408 نفر از مرز مهران خارج شده‌اند، می‌بایستی بیش از دویست‌هزار شغل ایجاد گردد. اما به دلیل نبود زیرساخت‌ها از جمله هتل‌های چند ستاره، رستوران‌های مجلل و ... و نبود اطلاعات موثق، هیچ عدد قابل استنادی را نمی‌توان به آن نسبت داد، هر چند می‌توان گفت: این امر موجب رونق کسب و کار صنوف وابسته، نظیر اماکن اقامتی، رستوران‌ها و سایر امور خدماتی در استان ایلام گردیده است.
سرمایه‌گذاری
متغیر سرمایه‌گذاری، روی دیگر متغیر پس‌انداز و به عبارت بهتر پس‌انداز مولد می‌باشد. این متغیر به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی، موتور محرک تولید و رشد اقتصادی است. متغیر سرمایه‌گذاری به دو بخش خصوصی و دولتی قابل تفکیک می‌باشد.
1. سرمایه‌گذاری دولتی
سرمایه‌گذاری دولتی را در سطح استان در قالب اعتباراتی که در استان‌ها هزینه می‌شود، می‌توان در قالب اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بیان نمود.

بر اساس مفاد ماده 76 قانون برنامه سوم توسعه، سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان، بر اساس ضریبی از درآمدهای مصوب آن استان، تعیین می‌گردد.
پس با توجه به درآمد مصوب استان در سال 83(140 میلیارد ریال) اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان ایلام در این سال برابر 772182 میلیون ریال است که معادل 551 درصد درآمدهای مصوب استانی است و در مقایسه با سال 82، 9/ 18 درصد رشد نشان می‌دهد.
مقایسه سرمایه‌گذاری بخش دولتی در سال‌های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران در استان ایلام، حاکی از رشد بسیار زیاد این بخش بوده، به طوری‌که درصد رشد این سرمایه‌گذاری در سال 83(دو سال پس از بازگشایی مرز) نسبت به سال 79(دو سال قبل از بازگشایی مرز)، 9/ 18 درصد رشد داشته است. از مجموع این اعتبارات در سال 1383، 5/ 4 درصد به طرح‌های امور عمومی، 6/ 53 درصد به طرح‌های امور اجتماعی و 9/ 39 درصد به طرح‌های امور اقتصادی، اختصاص یافته است. (1) 2.
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سال‌های اخیر در استان ایلام و به‌خصوص شهر مهران قابل توجه بوده است، به طوری که اکثر این سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه‌های کشاورزی، امکانات رفاهی و زیرساخت‌های گردش‌گری، نظیر ایجاد هتل و رستوران‌های بین‌راهی، ایجاد واحدهای اقتصادی زود بازده، مانند تأسیس کارخانه یخ، نانوایی‌های فانتزی، ایجاد شرکت‌های مسافری و باری در جهت تسهیل صدور کالا و رفت‌وآمد زایرین، توسعه ناوگان حمل و نقل مسافر و کالا، ایجاد جایگاه‌های پمپ بنزین و ... می‌باشد. ضمناً لازم به تذکر است که به دلیل این‌که از بازگشایی مرز مهران چند سالی بیشتر نمی‌گذرد، آمار دقیق و قابل استنادی در

1- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام، ص 33.

زمینه میزان دقیق سرمایه‌گذاری‌های به‌عمل آمده در بخش خصوصی، در موارد مذکور وجود ندارد.
از کلیه مباحثی که مطرح گردید می‌توان نتیجه گرفت که استان ایلام با تأکید بر نقاط قوت و رفع تنگناها و استفاده بهینه از موقعیت ایجاد شده به لحاظ قرار گرفتن در مبادی ورودی و خروجی زایرین عتبات عالیات بین دو کشور ایران و عراق می‌تواند به لحاظ درآمدهای استانی و اعتبارات عمرانی از جایگاه نسبتاً مناسبی در سطح کشور برخوردار گردد. چنانچه در برخی زمینه‌ها نظیر ساخت و تجهیز زیر بناها جهت تشویق هر چه بیشتر بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری‌های جدید، به‌ویژه در بخش راه، گسترش فعالیت‌های خدماتی، ایجاد زیر ساخت‌های توسعه اقتصادی و ایجاد شبکه منظم حمل و نقل، فعالیت‌های مؤثری صورت پذیرد.
استان ایلام در سایه مدیریت صحیح و تخصیص مناسب منابع مالی بین بخش‌ها می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر را پیش رو داشته باشد.
تأثیر مراودات مرزی بر بخش‌های مسکن، درآمدهای استانی و مالیاتی
سرانه درآمدی استان ایلام در فاصله بازگشایی مرز مهران و مراودات مرزی افزایش قابل توجهی یافته است. با توجه به این‌که کیفیت زندگی خانوارها در همه بخش‌ها، با درآمد مردم نسبت مستقیم دارد، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مبادلات مرزی از طریق استان ایلام، منجر به رونق اقتصادی و بهبود زندگی مردم در همه بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و فراهم آمدن امکان دسترسی شهروندان به شرایط بهتر برای بهره‌مندی افراد از امکانات رفاهی و ارتقای سطح زندگی مردم و توسعه متناسب و متوازن شده است. این رونق اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بخش مسکن، رشد درآمدهای استانی، افزایش و رشد درآمدهای مالیاتی در استان، به‌خصوص شهرستان مهران قابل مشاهده است.

بخش مسکن

نمودار(شماره 5)، رشد عوارض نوسازی در شهرستان مهران را نشان می‌دهد که به دنبال حضور تعداد کثیری زایر در شهر مهران و لزوم خدمات دهی به آنان، علاوه بر افزایش قیمت املاک موجود، فعالین بخش مسکن را به سمت سرمایه‌گذاری بیشتر در ساخت اماکن اقامتی و رفاهی در شهر سوق داد. افزایش درآمد شهرداری در بخش مسکن که در نمودار زیر آمده است، گویای این واقعیت است که بر خلاف گذشته، سرمایه‌گذاری در صنعت ساختمان دارای بازده نسبتاً خوبی است. عوارض نوسازی که در سال 1381 و قبل از بازگشایی مرز 000/ 000/ 5 ریال بود، به 000/ 500/ 33 ریال در سال 1383 رسیده است که درصد تغییرات آن نسبت به سال 81، 570 درصد می‌باشد.

روند درآمدی استان

از بین درآمدهای مختلف دولتی، بعضی منابع درآمدی از لحاظ موضوعیت و ماهیت در استان‌ها قابل وصول می‌باشد و از سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های انجام شده در استان‌ها ناشی می‌گردد.

درآمدهای مصوب استان از 32 میلیارد ریال در سال 78، با نرخ رشد متوسط

سالیانه 5/ 67 درصد به 140 میلیارد ریال در سال 83 افزایش یافته، وصول درآمد استان در سال 83 به میزان 162 میلیارد ریال بوده است که این رقم 6 درصد عملکرد درآمدهای کل کشور را در سال مذکور تشکیل می‌دهد.
استان ایلام به لحاظ میزان درآمد در رتبه بیست‌ویکم قرار دارد و این در حالی است که از نظر جمعیتی رتبه بیست‌وهفتم کل‌کشور را به خود اختصاص داده است. (1) مجموع درآمدهای وصولی استان ایلام در سال 83 به میزان 162 میلیارد ریال بوده که 70 درصد آن(معادل 113 میلیارد ریال) به درآمدهای مالیاتی، 4/ 7 درصد(معادل 12 میلیارد ریال) به جرایم رانندگی داخل و خارج شهری و بقیه به سایر دستگاه‌های دولتی اختصاص داشته است.
جدول(شماره 7) شاخص‌ها و اطلاعات درآمدهای مصوب و عملکرد استانی و اعتبارات استان ایلام در سال‌های 83- 79(ارقام به میلیون ریال)
چنانچه از جدول(شماره 7) استنباط می‌شود، عمده‌ترین ویژگی درآمدهای استان ایلام از یک طرف، بالا بودن سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به سایر درآمدها و

1- گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام، ص 25.

ص: 996

از طرفی دیگر این است که قسمت عمده‌ای از مالیات‌های وصولی از طریق مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی(45 درصد) می‌باشد.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که درصد تغییرات درآمدهای استانی و مالیاتی در سال‌های پس از بازگشایی مرز مهران(سال 82 به بعد)، نسبت به سال‌های قبل از آن 5/ 172 درصد بوده است که رشد چشمگیری داشته و اثر این امر بر درآمدهای استان غیرقابل انکار می‌باشد.

درآمدهای مالیاتی

جدول(شماره 8) فروش سالانه دوازده واحد از صنوف مختلف را نشان می‌دهد که توسط اداره امور مالیاتی مهران(به صورت علی الرأس) به عنوان برآورد پرداخت مالیات، در نظر گرفته شده است. نگاهی به این جدول، گویای این واقعیت است که سرانه درآمدی در فاصله گشایش مرز مهران افزایش چشمگیری یافته است.

با توجه به این‌که صنوف مختلف شهرستان مهران که تا قبل از بازگشایی مرز و ورود زایرین، با نوعی رکود و کسادی بازار مواجه بودند و عملاً تعداد زیادی از صاحبان این مشاغل را بیکار کرده بود، به‌دنبال تردد زایرین عتبات عالیات رونق گرفته

و موجب ایجاد اشتغال برای بسیاری از افراد ساکن منطقه گردید. همچنین این ترددات، به دنبال خود با افزایش درآمد و ایجاد مشاغل جدید باعث افزایش درآمدهای مالیاتی این شهرستان شد که در ادامه، به روند رشد آنها اشاره می‌کنیم. یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که این افزایش درآمد مالیاتی در حالی تحقق یافته که ضرایب مالیاتی به نفع مالیات دهندگان نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است.
جدول(شماره 8) فروش سالانه 12 واحد از صنوف شهر مهران در سال 1380 -83
مأخذ: فرمانداری مهران

جدول(شماره 9) آمار وصول مالیات و جدول(شماره 10) آمار وصولی تجمیع عوارض اداره امور مالیاتی شهرستان مهران را در خلال سال‌های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران نشان می‌دهد. این جداول، به نوعی دیگر تأییدی است بر افزایش درآمد سرانه و رونق اقتصادی ناشی از مبادلات تجاری و ترددات مرزی.
جدول شماره(شماره 9) آمار وصول مالیات اداره امور مالیاتی شهرستان مهران در سال‌های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران 83- 1381
مأخذ: اداره امور مالیاتی شهرستان مهران

ص: 1000
جدول شماره(شماره 10) آمار وصولی تجمیع عوارض اداره امور مالیاتی شهرستان مهران در خلال سال‌های قبل و بعد از بازگشایی مرز مهران 1380 -83
مأخذ: اداره امور مالیاتی شهرستان مهران
آزمون و تحلیل فرضیه
بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین اماکن مقدس از آن، باعث بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است.
الف: برای بررسی این فرضیه در ابتدا و با استفاده از روش اسنادی اطلاعاتی جمع‌آوری شده که تأثیرات مثبت اقتصادی گشایش مرز و مراودات مرزی زایرین بر وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و اشتغال در استان را کاملاً تأیید می‌کند که از جمله این موارد، عبارت‌اند از:
- نرخ رشد مشارکت اقتصادی که در سال 1381 برابر با 35% بوده، به 38% در سال 1384 رسیده(رشد معادل 3%).
- افزایش سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی در استان ایلام، مقایسه سرمایه‌گذاری بخش دولتی در سال‌های قبل و بعد از گشایش مرز مهران تأیید کننده این مدعاست. به طوری‌که درصد رشد این سرمایه‌گذاری در سال 1383 نسبت به سال 1379(دو سال قبل و دو سال بعد از گشایش مرز مهران) نشان از رشد 19% درصدی این سرمایه‌گذاری‌ها دارد.

- رشد عوارض نوسازی در شهرستان مهران که به دلیل حضور تعداد کثیری از زایران و بازرگانان در شهر مهران، علاوه بر افزایش قیمت املاک، فعالان بخش مسکن را به سمت سرمایه‌گذاری بیشتر در ساخت اماکن اقامتی و رفاهی در شهر مهران سوق داده است. به طوری که عوارض نوسازی که در سال 1381 و قبل از بازگشایی مرز 000/ 000/ 5 ریال بود، به 000/ 500/ 33 ریال در سال 1383 رسیده است که درصد تغییرات آن نسبت به سال 81، 570 درصد می‌باشد.
- رشد درآمدهای مصوب استان از 69 میلیارد ریال در سال 1381 به 234 میلیارد ریال در سال 1384 رسید که نسبت به سال قبل از بازگشایی مرز 240 درصد رشد داشته است.
- از عوامل مهم و مؤثر در توسعه و رشد بخش‌های اقتصادی، افزایش سپرده‌گذاری در بانک‌هاست که نشان از بالا بودن حجم سرمایه‌گذاری و نقدینگی در یک منطقه را دارد. مقایسه مانده سپرده‌های نزد بانک‌های استان ایلام، نشان از رشد 300 درصدی این سپرده‌ها در سال 1383(دو سال بعد از بازگشایی مرز مهران) نسبت به سال 1379(دو سال قبل از بازگشایی مرز) را دارد.
- گشایش مرز مهران و مراودات زایرین از آن، با افزایش درآمد و ایجاد مشاغل جدید، موجب افزایش درآمدهای مالیاتی استان شده، به طوری‌که میزان وصول درآمدهای مالیاتی در سال 1383 نسبت به سال 1380 نشان از رشد 236 درصدی این درآمدها را دارد.
- بررسی نرخ بیکاری سنین 10 ساله و بیشتر نشان می‌دهد که در سال 1384، 3/ 14 درصد از جمعیت فعال(شاغل و بیکار) بیکار بوده‌اند. بررسی روند نرخ بیکاری حاکی از این است که این شاخص نسبت به سال 1380، 02/ 3 درصد کاهش یافته است. این کاهش بیشتر تحت تأثیر افزایش شاغلان در بخش خدمات بوده که با بازگشایی مرز مهران، حیات تازه‌ای به خود گرفته است.
همچنین آمار ارائه شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، نشان از افزایش اشتغال در سال‌های فعالیت بازارچه مرزی با نرخ بالا را دارد که منجر به

ص: 1002
کاهش نرخ بیکاری از 04/ 17 درصد در سال 1380 در شهرستان مهران به 00/ 13 درصد در سال 1383 شده است.
- گشایش مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات همچنین موجب اشتغال 1000 نفر کارگر خدماتی، به‌کارگیری تعداد 100 نفر در ادارات دولتی مستقر در مرز و 500 نفر راننده جهت جابه‌جایی زایران را فراهم کرده است.
- تردد روزانه 300 کامیون به مرز و نیز فعالیت یکصد دستگاه سواری شخصی و پلاک قرمز در جابه‌جایی مسافران، موجب رونق بخشیدن خدمات به‌ویژه موادغذایی، رستوران‌ها، هتل‌ها و ... در استان ایلام و ایجاد اشتغال غیرمستقیم در زیر بخش‌های مختلف، از جمله تعویض روغن، سوخت جایگاه‌ها و سایر موارد مربوطه گردیده است.
ب: برای آزمون این فرضیه، علاوه بر اطلاعات به دست آمده به روش اسنادی، اطلاعات و داده‌های زیر نیز با استفاده از روش دلفی و با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصین به دست آمده است:
به منظور آزمون فرضیه سوم تعداد پنج سؤال مطرح شد:
جدول(شماره 11) نظر کارشناسان در خصوص فرضیه ارائه شده:

ص: 1003

با توجه به اطلاعات و داده‌های به دست آمده از روش اسنادی و میانگین مجموع نظرات متخصصین در ارتباط با تأثیرات گشایش مرز بر وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد شغلی، فرضیه مذکور با موافقت 95% از صاحب‌نظران همراه بوده و تنها 04% مخالف تأثیرات اقتصادی مرز بر وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال مهران بوده‌اند. لذا این فرضیه که «بازگشایی مرز مهران و تردد زایرین عتبات عالیات از آن، موجب بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه نسبی و ایجاد اشتغال در استان ایلام شده است»، تأیید می‌شود و کارشناسان بر تأثیرات مثبت بازگشایی مرز موارد یاد شده، تأکید کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

از آن‌جایی که یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین عوامل و انگیزه‌های مسافرت، باورهای مذهبی و احساسات دینی بوده و این نوع مسافرت، تنها شکلی از مسافرت است که بر موانع آب و هوایی غلبه می‌کند، لذا وجود جاذبه‌های مذهبی، همانند بارگاه منور شش امام معصوم شیعه، قبور تعدادی از پیامبران بزرگ در کشور عراق و از طرفی نزدیکی

ص: 1004

مرز مهران و به تبع آن استان ایلام، امنیت بالای منطقه، به دلیل سکونت جمعیت شیعه در دو طرف مرز مهران، موجب شده که این منطقه هر روزه شاهد تردد بیش از 6000 نفر مسافر از هموطنان عزیز باشد که به قصد زیارت عتبات عالیات وارد مهران می‌شوند، همچنین پذیرای همین تعداد زایر عراقی باشد که به قصد زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام و 8000 بقعه متبرک مدفون در ایران، وارد استان ایلام می‌شوند. گشایش مرز مهران در سال 1382 به عنوان راه اصلی زیارت عتبات عالیات و تردد هزاران زایر از اقصی نقاط ایران و دیگر کشورهای اسلامی، مانند افغانستان، پاکستان متضمن آثار زیادی از جمله موارد زیر در استان ایلام شده است:

افزایش رشد مشارکت اقتصادی، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در سال 1384 به میزان 03% نسبت به سال 1380(دو سال قبل از بازگشایی مرز)، رشد چشمگیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی، رشد بخش مسکن و عوارض نوسازی، افزایش مانده سپرده‌های نزد بانک‌ها و رشد درآمدهای مالیاتی در استان ایلام.

فهرست منابع

1. پژوهشی پیرامون تأثیرات بازارچه مرزی مهران بر وضعیت اقتصادی شهرستان مهران، حجت اللّه اسماعیلی، فرمانداری مهران، 1384.
2. سیمای جهانگردی اسلامی، علی رحیم‌پور و داوود سید حسینی، تهران، چاپ اول، 1379.
3. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1362.
4. اماکن مذهبی و توسعه جهانگردی، نادر ریاحی، تهران، بنیاد فرهنگی البرز، 1384.
5. سیمای شهرستان مهران، سال‌های 84- 1382، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام.
6. بررسی نقش توانمندی‌های استان ایلام، زکیه کرمی، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و توریسم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، واحد علوم و تحقیقات، 1384.
7. گزارش اقتصادی اجتماعی استان ایلام سال‌های 83- 1378، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام.
8. گزارش عملکرد 1384، اداره کل کار و امور اجتماعی استان ایلام.
9. گزارش عملکرد 84- 1381، سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان ایلام.
10. گزارش عملکرد 84- 1381، اداره امور مالیاتی استان ایلام.
11. جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت، روبر لانکوار، ترجمه صلاح الدین محلاتی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1377.
12. زیارت، جواد محدثی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371.
13. درآمدی بر جهانگردی، صلاح الدین محلاتی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1380.
14. جهانگردی، رحمت اللّه منشی‌زاده، تهران، چاپ اول، 1376.

بخش شش: زیارت در فرهنگ و ادب فارسی

1. تجلّی زیارت در ادب فارسی

زهرا خلفی (1)
چکیده
دین‌باوران با حضور در مشاهد متبرک و زیارتگاه امامان، از ارواح طاهر و نفوس تزکیه شده آنان استمداد می‌جویند و با ارتباط و اتصال به روح مطهر آنها، خصلت‌های زشت و ناپسند خود را با استغفار و طلب رحمت از درگاه الهی برطرف کرده، خود را از کدورت‌ها و تیرگی‌ها و غفلت‌ها بیرون آورده، به سرچشمه نور و رحمت و هدایت می‌رسانند، که همه اینها همان اثر زیارت است.
زیارت در ادبیات فارسی همواره مورد توجه شاعران نیز قرار گرفته و آنان با دید عرفانی زیارت را به عنوان ارتباطی زنده و مؤثر، جهت نیل به جلوه‌های روحانی و گسستن از دشمنی نفس و شیطان تلقی می‌کنند. در این نوشتار سروده‌هایی از خواجه عبد اللّه انصاری، ناصر خسرو، عین القضات، نجم الدین رازی، خاقانی شروانی و حافظ به عنوان نمونه ذکر گردیده و دیدگاه آنان درباره زیارت مورد بررسی قرار گرفته است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، ادب فارسی، شاعران، شعر.
مقدّمه
زیارت به مفهوم دیدار کردن شخصی بزرگ، مهم و محترم؛ و نیز بازدید کردن مَشاهد متبرّک و بقعه رفتن، کسب فیض از قبر منوّر و قبور ائمّه هدی، و نیز دعایی که به عنوان تشرّف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیا می‌خوانند، در لغت‌نامه‌های

1- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول.

فارسی به کار رفته است. زیارت که به عنوان شاخصی روشن برای کسب فیض و دور نیفتادن از وادی رحمت است، در ادبیّات فارسی مورد توجّه شاعران و نویسندگان ایرانی قرار گرفته و آنان هدف و مقصد نهایی زیارت را لقای الهی و قابلیت دیدار، عنایت حق و راهیابی و تشرّف به محضر و کوی الهی می‌دانند.

آنان زیارت مَشاهد متبرّک و قبور منوّر را به عنوان ارتباطی زنده و مؤثّر، جهت نیل به جلوه‌های روحانی و معنوی و گسستن از دشمن درونی «نفس» و دشمن بیرونی «شیاطین انس و جن» تلقّی می‌کنند.

در این مقاله از نوشته‌ها و اشعار، خواجه عبداللّٰه انصاری، ناصرخسرو، عین القضات، نجم الدین رازی، خاقانی و حافظ نمونه‌هایی چند ذکر گردیده و دیدگاه آنان را در مورد «زیارت» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

زیارت از نظر خواجه عبداللّٰه انصاری

در راه خدا دو کعبه آمد منزل یک کعبه صورت است و یک کعبه دل

تا بتوانی زیارت دل‌ها کن کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل (1)

خواجه عبداللّٰه انصاری زیارت دل را زنده‌ترین و مؤثّرترین راه برای شناخت و ایجاد ارتباط قلبی و فکری می‌داند و دل پاک و روشن و مهذّب عارف را جلوه گاه جمال حقیقت و متجلّای معشوق ازلی و آیینه تمام نمای کلّیه رازهای ناگشودنی و مبهم آفرینش به شمار می‌آورد و به گفته ابوحامد غزّالی: «... و عجب‌تر آن است که از درون دل روزنی گشاده است به ملکوت آسمان». (2) زیارت از نظر ناصرخسرو قبادیانی

... در کوه چشمه‌ای دیدم که گفتند هر سال چون نیمه شعبان بگذرد، آب جاری شود از آن‌جا و سه روز روان باشد و بعد از سه روز یک قطره نیاید تا سال دیگر. مردم آن‌جا به

1- لغت نامه دهخدا.

2- حافظنامه، ص 567.

زیارت روند و تقرّب جویند به خداوند سبحانه و تعالی، و عمارات و حوض‌ها ساخته‌اند آن‌جا ....

ناصرخسرو عقیده دارد که، ارتباط و تعلّق وجودی به پروردگار عالم را از طریق زیارت پدیده‌های متبرّک طبیعت می‌توان برقرار کرد و نزدیک شدن به اماکن پاک و مقدّس سبب ارتباط وثیق قلبی و روحی و فکری می‌شود و انسان را به محضر خدا نزدیک می‌سازد.

زیارت از دیدگاه عین القضات

ای عزیز آنچه موسی علیه السلام طالب و مشتاق کوه طور سینا بود، آن کوه سنگ نبود، بلکه حقیقت آن سنگ بود. «وَ أَنَّ الْمَسجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُواْ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». جمال کعبه نه دیوارها و سنگ‌هاست که حاجیان بینند، جمال کعبه آن نور است که به صورت زیبا در قیامت آید، و شفاعت کند از بهر زایران خود.

در هر فعلی و حرکتی در راه حجّ، سرّی و حقیقتی شد؛ امّا کسی که بینا نباشد خود نداند، طواف کعبه و سعی و حلق و تجرید و رمی حجر و احرام و احلال و قارِن و مفرد و ممتنع در همه احوال‌هاست «مَن یُعَظِّمْ شَعلِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ».

هنوز قالب ما نبود، و کعبه نبود که روح‌ها به کعبه زیارت می‌کردند. «وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالاً». دریغا که بشریت نمی‌گذارد که به کعبه ربوبیت رسیم! و بشریت نمی‌گذارد که ربوبیت، رخت بر صحرای صورت نهد! هر که نزد کعبه گِل رود خود را بیند، و هر که به کعبه دل رود، خدا را بیند. (1) عین القضات توجّه باطنی و درونی مشاهدات را پایه و اساس زیارت و دیدن حقیقتِ چیزها را شرط لازم ارتباط معنوی می‌داند. جمال حقیقی کعبه پوسته و ظاهر آن نیست، بلکه کُنه و اصل آن باید در نظر گرفته شود. زیارت حقیقی آن است که با

1- تمهیدات، ص 94 و 95.

تمام دل عظمت باری تعالی را دریابند و حضور او را حسّ کرده و از هر چه غیر اوست دل را تهی نمایند. رمز حضور در برابر حق جز خلوص نیت نیست.
عین القضات در مورد زیارت خانه خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید:
علامت محبّت خدا آن باشد که محبوبات دیگر را در بازد و همه محبّت‌ها را ترک کند و محبّت خدا را اختیار کند. اگر نکند هنوز محبّت خدا غالب نباشد. زن و فرزند و مال و جاه و حیات و وطن، همه از جمله محبوبات است؛ اگر حُبّ این محبوبات غالب باشد، نشان آن باشد که نگذارد که زکات و حجّ و صدقه از تو در وجود آید که هر یکی خود محکی است تا خود به زیارت خانه خدا و رسول او تواند رفت؛ بود که این همه محبوبات را وداع کند، و محبّت خانه خدای تعالی اختیار کند. (1) زیارت خانه خدا و رسول او دلی زدوده شده از زنگار تعین‌ها و تعلّق‌های دنیوی می‌خواهد و کسی که حُبّ محبوبات نفسانی بر دل او غلبه دارد، زایر حقیقی چنین مقام اعلا نخواهد بود. شناوری در بحر وسیع خانه خدا و رسول او با البسه تعلّق و سلسله‌های مادّی ممکن نیست و به قول بابا طاهر:
دلا راه تو پُر خار و خسک بی گذرگاه تو بر اوج فلک بی
گر از دستت برآید پوست از تن برآور تا که بارت کم‌ترک بی
شرط اوّل قدم برداشتن زایر در راه منزل لیلی، مجنون بودن است و الّا جز زیارتِ در و دیوار خانه کعبه و مدینه طرفی نخواهد بست.
ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پُر نیاوری دستمال
نفس را کنار زده و بیا، «دَعِ نَفسکَ و تعال»
نفس خود را بکش نبرد این است منتهای کمال مرد این است
راه عشق راهی بی کران است و برای پیمودن آن وادی پُرخطر جرأت و شجاعت

1- همان، ص 138.

می‌خواهد. دلی آهنین و قوی که خالی از اغراض و کینه‌ها باشد و مشمول «کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَی قُلُوبِهِم» نگردد. زیارت خانه خدا و رسول او کجا و دل پوسیده و لبریز از گرد و غبار ماسوا کجا. و به قول حافظ:

در راه عشق وسوسه اهرمن بسیست پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

و به قول اثیرالدّین اخسیکتی:

در شطّ حادثات برون آی از لباس کاوّل برهنگی است که شرط شناوریست

باید که در زیارت عشق از مس وجود دست برداریم تا به کیمیای عشق برسیم و زر شویم.

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد باللّه کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی
از پای تا سرت همه نور خدا شود در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

زیارت از نظر نجم الدّین رازی

... به هر شهر که رسند، باید که از زیارت‌ها و مواضع متبرّک بپرسند، و به نیازی تمام بروند و زیارت بجای آرند. (1) نجم الدّین رازی عقیده دارد که با کمال خضوع و نیازمندی به زیارتگاه‌های متبرّک باید رفت و با کنار گذاشتن هرگونه تکبّر و تفرعن، فروتنانه ارتباط تنگاتنگ و وثیق با مَزور برقرار نموده و زمینه تماس صحیح و لقای کامل را مهیا ساخت. نزدیک شدن به زیارتگاه‌ها نماد ارتباط استوار قلبی و روحی و فکری زایر خواهد بود و انسان حضور مَزور را در صحنه زندگی حس خواهد کرد. دلی شیفته و حاجت‌مند، زایر را از حیرت ضلالت و تاریکی جهالت خارج می‌سازد و او را به بارگاه حُسن و خورشید فروزان نزدیک می‌کند. دلِ شکسته و دردمند می‌تواند به چشمه حیات معنوی برسد و از آب زلال آن سیراب و از نسیم خوشگوار آن دلنواز گردد.

1- مرصاد العباد، ص 267.

ص: 1014

زیارت از نظر خاقانی شروانی

حق تو خاقانیا کعبه تواند شناخت زآخور سنگین طلب توشه یوم الحساب
مرد بود کعبه جوی طفل بود کعب باز چون تو شدی مرد دین روی ز کعبه متاب
***
کعبه سنگین مثال کعبه جان کرده‌اند خاصگان این را طفیل دیدن آن دیده‌اند
***
به سلام آمدگان حرم مصطفوی ادخلوها بسلام از حرم آوا شنوند
بنده خاقانی و نعت سر بالین رسول تاش تحسین ز مَلَک در صف اعلا شنوند
فخر من بنده زخاک در احمد بینند لاف دریا ز دَمِ عنبر سارا شنوند
***
سی ساله فرض بر در کعبه کنم قضا تکبیر آن فریضه به بطحا برآورم
از دست آن‌که داور فریادرس نماند فریاد در مقام و مصلّا برآورم
زمزم فشانم از مژه در زیر ناودان طوفان خون ز صخرهٔ صمّا برآورم
دریای سینه موج زند آب آتشین تا پیش کعبه لؤلؤ لالا برآورم
برآستان کعبه مصفّا کنم ضمیر زو نعت مصطفای مزکّی برآورم
دیباچه سراچه کلّ خواجه رُسُل کز خدمتش مراد مهنّا برآورم
سلطان شرع و خادم لالای او بلال من سر به پای بوسی لالا برآورم
در بارگاه صاحب معراج هر زمان معراج دل به جنّت مأوی برآورم
تا قرب قاب قوسین بر خاک درگهش آوازه دنی فتدلّی برآورم
امروز کز ثناش مرا هست کوثری رخت از گوِ ثری به ثریا برآورم
فردا هم از شفاعت او کار آن سرای در حضرت خدای تعالی برآورم
***
یعنی امسال از سر بالین پاک مصطفی خاک مشک آلود بهر حرز جان آورده‌ام

خاک بالین رسول اللَّه همه حرز شفاست حرز شافی بهر جان ناتوان آورده‌ام (1)
خاقانی از آخور سنگین(حجرالاسود و یا سنگ آب‌های چاه زمزم) توشه روز آخرت را درخواست می‌کند. او با توسّل به سنگ متبرّک در خانه کعبه، آن را ذخیره‌ای برای روز بازخواست؛ و زیارت حجرالاسود را معراجی جهت دستیابی به بهره معنوی از بارگاه الهی و استفاده از خوان نعمت حق می‌داند. کعبه ظاهری و سنگی در حقیقت طفیلی کعبه جان و معنویت است. کعبه جان اصل و مایه ارزشمند کعبه سنگی است و از طریق زیارت مَجاز پی به حقیقت برده و «المجازُ قِنطَرَةُ الحقیقه»؛ مجاز پُلی است برای رسیدن به حقیقت.
خاقانی از این‌که خاک درگاه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را زیارت می‌کند، به خود می‌بالد و این افتخار را به بالیدن دریا به سبب وجود ماهی‌ای که از آن عنبر معطّر می‌گیرند تشبیه می‌کند. او در زیر ناودان متبرّک بام کعبه اشک زلال و خالص از مژگان می‌افشاند و دلِ خون فشان خود را بدین گونه صفا و طراوت می‌بخشد. با سینه‌ای آتشین اشک‌های مرواریدگون را در برابر کعبه لبریز می‌سازد، تا بتواند در مدح و نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشعاری از دل سوزناک برآورد.
خاقانی سر به پای بوسی بلال حبشی فرود می‌آورد و در برابر خادم رسول صلی الله علیه و آله به خاک می‌افتد و بدین وسیله دل خود را به بهشت معنوی پیوند می‌زند و بر خاک درگاه رسول حق آوای «دَنَا فَتَدَلَّی» (2)
سر می‌دهد. او با ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله به کوثری دست می‌یابد که او را از گودال خاک به آسمان اعلا پرواز می‌دهد. خاقانی عقیده دارد که خاک پاک و مشک‌آلود حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دعای جان اوست و شفابخش دل‌های بیمار و ناتوان است.
خاقانی در زیارت کعبه، خود را در کنار چشمه‌ای می‌بیند که با شست و شو در این چشمه و طلب استغفار و رحمت الهی، غبار کدورت‌ها و تیرگی‌ها را از وجود خود

1- شاعر صبح، ابیاتی از ص 46، 55، 63، 89 و 97.

2- در سوره نجم، آیات 7 و 8 به این مفاهیم اشاره شده است.

پاک می‌سازد و بدین وسیله به محضر خدا تقرّب می‌جوید.
زیارت از نظر حافظ
ثواب روزه و حجّ قبول، آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد (1)
حافظ، زیارت حقیقی را شرط قبولی روزه و حجّ می‌داند. از نظر او کسی که با عشق زیارت می‌کند می‌تواند به عبادات و طاعات خود امیدوار باشد و به قرب الهی نایل گردد. زیارت خاک میکده عشق از نظر حافظ، یعنی آگاهی و درک حُسن الهی و کنارزدنِ حجاب عاشق که خود و خودی اوست. زیارت خاک میکده عشق، یعنی افتادگی و تسلیم و پاکباز بودن در برابر معشوق کامل و کمال مطلق، یعنی تهذیب و تصفیه درون، یعنی معرفت به قدرت لایزال بی چون که صاحب اختیار مطلق است و در عین حال مشفق.
از نظر حافظ، اجر «ثواب» و پاداش و جزای خیر «ثواب» روزه گرفتن و حج گزاردن پذیرفته شده «قبول» به درگاه خداوند را کسانی برده و می‌برند که به عبادتگاه عشّاق و «میکده» آمده باشند و خاک آن درگاه را زیارت کرده باشند [مقصود این‌که:
اعمال بی ریا و پاک و بی غلّ و غش در انجام فرایض دینی مقبول درگاه خداوند است و این، تنها رندان و ملامیان و عاشقان هستند که عبادت و نیایش آنها به درگاه خداوند پذیرفته می‌شود، زیرا ایشان آنچه می‌کنند از راه کمال خلوص و پاکی عقیده و بدون روی و ریاست و از انجام فرایض مذهبی هیچ گونه نظر عوام فریبی و اغواگری و تظاهر ندارند، آنچه می‌کنند تنها برای خداست و این است که نیایش آنان پذیرفته شده است، نه روزه و حجّ صوفیان متظاهر و زاهدان ریایی]. (2) حافظ در شعر دیگری درباره زیارت چنین می‌گوید:
بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود (3)

1- حافظ نامه، ص 537.

2- حافظ خراباتی، بخش چهارم، ص 2560.

3- حافظ نامه، ص 747.

همّت خواستن، همان توجّه قلب است با تمام قوای روحانی فرد به جانب حق، برای حصول کمال در خود یا دیگری. حافظ رندان جهان را زایر تربتش می‌داند و رندان از نظر او همان عاشقان حقیقی هستند که از تزویر و ریاکاری برکنارند. آنان اهل نیاز و رستگاری هستند و در راه عشق از مصلحت بینی‌های ظاهری به دورند.
آنان اهل جاه و مقام نیستند و در باطن مقام والا و افتخار آمیزی دارند.
حافظ می‌گوید: هرگاه بر گورم گذرت افتاد، از خاک گورم، کمک و مساعدت «همّت» و قصد بلند «همّت» بخواه و بدان که نیازت برآورده می‌شود و بدان که پس از این‌که درگذشتم مزارم زیارتگاه رندان و عاشقان جهان خواهد بود، آنان که از عشق بویی برده و به عشق و محبّت سرسپرده‌اند، مرا که از عشّاق و رندان نامدارم به سروری خود می‌پذیرند و از این رهگذر چون سخنانم مبشّر مهر و محبّت و سرودهایم همه سروده‌های عشق و عاطفت است، پس از مرگم نیز عشّاق و دلدادگان و رندان جهان بر سر خاکم به زیارت و فاتحه خوانی خواهند آمد و از روان پاک و قدسی‌ام همّت و کمک خواهند خواست، تا در مراحل و مسالک عشق پیروز و موفّق باشند. (1) بنابراین حافظ عقیده دارد که از تربت رهبران و بزرگان می‌توان یاری طلبید و کسب فیض نمود و انسان با نزدیک کردن خود به قبر مَزور و گذاردن دست یا صورت بر روی قبر و بوسیدن آن، ارتباط مؤکّد و وثیق قلبی و روحی و فکری با روح بزرگوارِ آن مقرّب حق ایجاد می‌نماید و خواسته‌های درونی خود را به او می‌گوید و با او مناجات می‌کند. زیارت و زیارتنامه، کتاب وجود انسان را در محضر ولی خدا باز می‌کند و به نقاط نقص و ضعف و فقر و عجز زایر اشاره می‌کند.
راه کمال و سعادت را می‌نمایاند و امام [رهبر و هر فردی که اسوه بزرگی و مقتدای هدایت است] را به شفاعت می‌طلبد و ده‌ها و صدها نکته حیاتی را تذکّر می‌دهد.
انسان را از غفلت و سهو درآورده، به وادی تنبّه و تذکّر می‌کشاند. خصلت‌های

1- حافظ خراباتی، بخش سوم، ص 1559.

ممدوح و پسندیده او را برجسته و احیا می‌کند و خصلت‌های زشت و ناپسند او را با استغفار و طلب رحمت الهی برطرف کرده و با نظر رحمت الهی جبران می‌کند.
بالأخره در کنار چشمه امامت که عین الحیات است، انسان را شست و شو می‌دهد و پاک و پاکیزه از میخانه طهور امامت خارج می‌شود و این همان اثر زیارت است.
اگر عرصه زیارت نبود، راه تماس و ارتباط مسدود بود، قطعاً این نیاز فطری و طبیعی بشر بی‌پاسخ می‌ماند؛ از همین رهگذر زیارت در نزد همه، حقیقتی فطری و مسلّم است؛ گرچه عدّه‌ای با فطرت و خواست ذاتی انسان مقابله می‌کنند؛ امّا رجوع به اهل بیت علیهم السلام [و اهل معرفت] برای رفع نیازمندی‌ها یک حقیقت و عمل کرد صحیح دینی است؛ زیرا آنان باب الهی و به اذن اللّٰه باب حوایج و رافع مشکلات هستند. (1) نتیجه
زیارت از نظر برخی از شاعران و نویسندگان ایران، رمز حضور و شهادت روح بزرگوار مَزور است که منشأ خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است.
زیارت موجب ارتباط و اتّصال به روح حی و مطهّری است که از محضر الهی مرتزق می گردد و در حرم الهی سُکنی گزیده، آن روحی پاک که به مواثیق خود با خدایش پای بند بوده و هرگز سلسله دوستی الهی را نگسلانده و به امانت حق خیانت نورزیده است. انسان با زیارت قبور منوّر راهی را برای نفوذ نور و فروغ ایمان در وجودش می‌گشاید و خود را از کدورت و تیرگی بیرون آورده و شایسته و آراسته می‌گرداند.
زیارت، انسان را هم به چشمه زندگی متّصل می‌کند و هم در پرتو حقیقت طهور، انسان را پاکیزه می‌سازد.
بنابراین همه دین باوران با حضور در مشاهد مشرّفه از ارواح طاهره و نفوس زکیه آنان استمداد می‌جویند تا در عبور از تنگناهای زمانه با هدایت و عنایت آنان راه را به پیش ببرند.

1- فلسفه زیارت و آیین آن، ص 52 و 150.

فهرست منابع

15. لغت‌نامه دهخدا
16. حافظ نامه، بهاء الدین خرمشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، تهران، چاپ پنجم، 1372.
17. سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی مروزی، محمّد دبیر سیاقی، انتشارات زوّار، تهران، چاپ سوم، 1369.
18. عین القضات، عفیف عُسیران، انتشارات منوچهری، تهران، چاپ دوم.
19. مرصاد العباد نجم الدّین رازی، محمّد امین دکتر ریاحی، انتشارات علمی، تهران، 1373.
20. شاعر صبح، گزیده اشعار خاقانی شروانی، سید ضیاء الدّین سجادی، انتشارت سخن، هران، 1373.
21. حافظ خراباتی، رکن الدّین همایون فرّخ، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، 1354.
22. فلسفه زیارت و آیین آن، عبد اللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم، آبان 1383.

مژگان حرّی

چکیده

هنر، یکی از استعدادهای منحصر به فرد آدمی است که حدیث اندیشه‌های والا و پنهان را باز می‌گوید و حسنات روح را در قالبی از صنعت یا سخن به جلوه می‌گذارد و زمانی که اصل این استعداد رخ نماید، این پدیده معنوی در همسویی با فطرت خداجوی صاحبش حدیث حق‌پرستی را در نای خود ساز می‌کند و پیمانه جان پاک‌سیرتان را لبریز می‌گرداند، پس تفاوت ندارد که هنر در چه ظرفی ریخته شود و به چه صورتی اشراق نماید، بلکه مهم اندیشه‌ای است که در پس آن نهان است و جلوه‌ای که از این اندیشه به منصه ظهور می‌رسد. یکی از قالب‌هایی که هنر در زیباترین صورتش در آن شکل می‌گیرد، دین است و یکی از مقوله‌های هنر دینی، زیارت می‌باشد. بسیاری از هنرمندان، اثر هنری خود را به اموری درباره زیارت اختصاص داده و در این باب نقش آفریده و کلام خلق کرده‌اند. هنرمندان، شعرا، و نویسندگان در پروازی روحانی به زیارت خانه خدا، آستان مبارک نبی اسلام و اولیای الهی رفته‌اند، یا از عطر جان‌فزای آن اماکن متبرک، دل را مصفی نموده‌اند و خود را مشمول فیض عظیمی گردانده‌اند که عظمت آن را حضرت رب العالمین داند و بس.

کلیدواژه‌ها: هنر، ادبیات، هنر و ادب دینی، هنر و ادبیات اسلامی، زیارت.

مقدّمه

عالم از ولوله حسن تو خاموش مباد عاشقان را سفر عشق فراموش مباد

زیارت، دیدار مشتاقانه‌ای است که با حرکت زایر از کوی خود آغاز می‌گردد و به دیدار یار می‌انجامد که این دیدار در حوزه جسمانی، نگاه را از تماشای یار محظوظ

گرداندن و در حیطه معنوی، روح‌افزایی حضور دل در محضر دلدار است. ارجحیت زیارت معنوی بر دیدار جسمانی، رجحان حقیقت بر مجاز است و درجه ارزش زیارت بسته به بلندای مرتبه آن یار است که زایر قصد قرابت با وی می‌نماید. پس گاه چنان این سفر جسم و روح دل‌انگیز است که حتی اندیشه آن سبب آرام دل است.

صفای زیارت و تأثیر آن در جلای دل زایر، پیوسته آدمی را به صرف قوه ژرف و شگرفی به نام هنر برای بیان این لذت واداشته است، به طوری که صاحبان هنر، ابعاد مختلف زیارت را در قالب‌های گوناگون هنر به تصویر کشیده‌اند تا هم هنرمند را خوش‌آید و هم مخاطب را به وجد و لذت معنوی آورد و هنر نیز در اصیل‌ترین شکل خود ماندگار شده باشد که حاصل آن بسیاری از اشعار، نوشته‌ها و تابلوهای خط، نقاشی، منبت، و بی‌شماری از مقوله‌های دیگر هنر می‌باشد که در آنها قامت خامه و صورتِ اثر تا بلندای عظمت نقش پیش رفته‌اند و اثر را برای سال‌ها و بلکه قرن‌ها باقی گردانده‌اند، به طوری که تکرار آنها هنوز هم دل و جان مخاطبان را در یک سفر دل‌انگیز روحانی به کوی یار می‌برد و صفا می‌بخشد.

تعریف هنر و ادبیات و رسالت آن

اصل واژه هنر در زبان سانسکریت، «سونر» می‌باشد که ترکیبی از دو کلمه «سو» به معنای نیک و «نر» یا «نره» به معنای زن و مرد است و همین واژه در زبان اوستایی با تغییر «سین» به «ه» به «هونر» تبدیل گردیده است و نیز در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروز «هنر» درآمده است که به معنای انسان کامل و فرزانه است و شاید این قوی‌ترین ارتباط بین صورت و معنا باشد که در واقع رسالت هنر مانند هر پدیده دیگر در جهان ماده و معنا به کمال رساندن صاحب آن است و این معنا همان است که در صورت لغت آشکار گردیده است.

رسالت تکاملیِ هنر، مقوله‌ای است که در میان تمام انسان‌ها با هر ایده و عقیده‌ای مطرح است و در کلام هنرمندان مختلف هم بدان اشاره گردیده است:

«تکامل باید هدف اولیه هنرمندان حقیقی باشد».(بتهون)
«هدف زندگی امروز زندگی است، نه زیبایی».(ویکتورهگو)
در ادبیات ایران و دوره بعد از اسلام، مفهوم واژه هنر به اصیل‌ترین هدف خود نزدیک شد و به معنای کیاست، زیرکی، خطر و اهمیت، لیاقت، کفایت و کمال به کار رفت (1) و این بارِ معنایی عام آن بود.
هنر، یکی از استعدادهای منحصر به فرد آدمی است که وسیله ظهور عواطف و احساسات انسان قرار می‌گیرد و آن‌جا که عظمت یک پدیده، زبان و قلم را از بیان و نیز عقل و منطق را از ادراک ناتوان می‌گرداند، عنصر هنر به صد زبان، ناگفته‌ها را بر زبان می‌آورد و با هزار کلام تکلم می‌کند و به قولی: «آن‌جا که طبیعت توقف کند، هنر آغاز می‌شود». (2)
همچنان که خلق اثر هنری شگفت‌انگیز است، اثرگذاری آن نیز قابل تأمل می‌باشد. هنرمند با بهره‌گیری از نیروی عاطفه و احساس، چنان اثری بر مخاطب می‌گذارد که شاید ساعت‌ها توجیه و تبیین نتواند اندیشه‌ای را بدان راحتی القا نماید.
«عقل بینداخت قلم، شخص هنر ساخت». (3) هنر با ویژگی‌های منحصر به فرد، دارای زمینه گسترده‌ای از صورت‌های تجلی می‌باشد. گاهی از رهگذر بیان آدمی، هنرهایی چون شعر، خطابه و ... به ظهور می‌رسند؛ زمانی دست آدمی آثاری از نوع نقاشی، معماری، گرافیک، خوشنویسی، و ... خلق می‌کند؛ و زمانی هم سایر اعضا و جوارح آدمی در آفرینش یک اثر هنری نقش دارند، اما ورای نقش‌آفرینی‌های تمام اعضا و جوارح، فکری آکنده از احساس و خلاقیت نهفته است که در واقع هنر، مخلوق چنین اندیشه‌ای است.
یکی از زیر مجموعه‌های هنر که از پرکاربردترین شاخه‌های هنری نیز می‌باشد،

1- فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا.

2- حافظ.

3- سعدی.

ادبیات یا سخنگان است و آن مجموعه سخن‌های انسانی است که در قالب‌های گفتاری، نوشتاری و غیر آن گرد می‌آید. ادبیات هر ملت هم‌چون تاریخ و مکتب آن، نماد هویت یک ملت است.
در جهان مقوله خاص‌تری از هنر نیز وجود دارد، به نام هنر دینی که هدف آن به کارگیری این استعداد معنویِ آدمی در جهت اقامت او در محفل انس کبریایی است. و در اسلام، هنر دینی، به نام هنر اسلامی اندیشه صاحب و مخاطب این قالب نافذ را در حیطه فطرت خداجویی و حق‌پرستی، آن هم به کامل‌ترین شکل خود که در اکمل ادیان الهی تجلی پیدا کرده است، به جولان درمی‌آورد و دل‌ها را به دلدار قرین می‌سازد.
نکهت جانبخش دارد خاک کوی دلبران عارفان آن‌جا مشام عقل مشکین کرده‌اند
در واقع آن‌جا که هنر و ادبیات فاخر، وسیله‌ای برای رساندن آدمی به فطرت خداجوی خود قرار می‌گیرند، در عالی‌ترین مراتب خود به گوهر ارزشمندی تبدیل می‌شوند که جاودانگی آثار خلق شده در آنها، خواه در قالب کلام یا در صورت نقش، گواه بلندای درجه آنها می‌باشد و این پدیده‌ای است مقدس و باشکوه که در ادبیات و هنر ایرانی بسیار دیده می‌شود. در واقع رابطه متقابلی بین هنر اسلامی و اثر به جای مانده از آن برقرار است که لطافت و اثرگذاری هنر برای نشان دادن شکوه اثر به کار می‌رود و اهمیت و ارزش اثر، هنر را تقدس می‌بخشد.
از دل و جان، شرف صحبت جانان غرض است غرض این است وگرنه دل و جان این همه نیست
هنر دینی، طرحی نو از هنر است که از زیبایی‌های حسی هنر برای به تصویر کشیدن جلوه‌های معنوی پدیده مجردی که کل وجود آدمی و بلکه هستی بدان آراسته است، استفاده می‌کند و در واقع به صورت مجرد و انتزاعی به وصف نمادین عظمت دین در جلوه‌های گوناگون آن می‌پردازد. آرامش همراه با عظمت و شکوه، سکوت آمیخته با شور و هیجان، و آسودگی همراه با حرکت و پویایی، از ویژگی‌های نهفته در دل آثار هنری

دینی هستند که نشان از نوعی الهام به قلب هنرمند دارند و مخاطب را به گونه‌ای لطیف اما پر جاذبه به مفاهیم والای نهان شده در دل خود جلب می‌نمایند. هنر دینی، در تمام جهان روایتگر زنده‌ای است که از منزلت وقایع و پدیده‌هایی روایت می‌کند که عظمت جان انسان و طبیعت جهان در گرو آنهاست و در واقع برگرفته از فطرت آدمی است.
پیش از آب و گل در دل من مهر تو بود با خود آوردم از آن‌جا نه به خود بربستم
زیارت
زیارت، رسم دیرینه‌ای است که در میان همه اقوام، ادیان و مذاهب رواج داشته است و تنها تفاوت آنها در شیوه بجای آوردن و آداب آن بوده است. زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسی که از هزار سال قبل از میلاد مسیح در تاریخ وجود داشته‌اند، گواه قدمت تاریخی این رسم کهن در میان اقوام و ملل هستند. زیارتگاه‌های اقوام آشور و بابل، معابد و زیارتگاه‌های هندوان، و همچنین مکان‌های مقدس مسیحیان، از جمله این زیارتگاه‌ها هستند. اما همچنان‌که ظهور اسلام، بسیاری از آداب و رسوم ملل و اقوام دیگر را رنگ و بوی معنویتِ نشأت گرفته از فطرت خدایی انسان بخشید، به زیارت نیز معنای تازه‌ای داد.
در اسلام زیارت، یکی از فرایض دینی و رشته‌ای از باورها و اعتقادات مذهبی است. فلسفه زیارت برقراری ارتباط با آن وجود مقدسی است که زایر قصد زیارت وی می‌کند. زیارت در اسلام، دیدار مردگان نیست، بلکه در دینی که بشر را صاحب روح جاوید می‌داند، زیارت دیدار زندگان است و زیارت بزرگان در واقع بزرگداشت بزرگی و عظمت وی است، پس هر اندازه که مقام و مرتبه کسی که فرد به زیارت او می‌رود، والاتر باشد، ارزش زیارت نیز برای زایر بیشتر است.
اصل اعتقاد به زیارت در اسلام نشأت گرفته از اعتقاد به این دین و دستورات آن است. آن‌که زایر بیت‌اللّٰه می‌گردد، عملی را انجام می‌دهد که حق تعالی در کلام

جاویدش آن را به خود مخصوص گردانده است. «وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ» (1)
و آن‌که به زیارت حرم نبی مکرم صلی الله علیه و آله یا مشهدی از مشاهد ائمه علیهم السلام می‌رود، در واقع تولی را در قلب خود زنده نگه داشته است.
زایر در زیارت، عهد و پیمان خود با خدا، پیامبر و ولی او را تجدید می‌کند و اعتقاد به توحید، نبوت و ولایت را اثبات می‌نماید و این همه ارزش‌هایی هستند که اسلام بدین رسم بالنده بخشیده است و همین تقدس و معنویت سبب گردیده است که بسیاری از هنرمندان و ادبا هنر و کلام خود را با این مقوله ارزشمند زینت بخشند و بر ارزش نقش و سخن خود بیفزایند و در حقیقت هنر و کلام خود را وسیله‌ای برای تقرب به حق تعالی و اولیای او قرار دهند.
ای دل بیا که به پناه خدا رویم زانچ آستین کوته و دست دراز است
زیارت در ادبیات و هنر
میدان هنر و ادب اسلامی، از طبیعت در شکل نمادین آن آغاز می‌گردد و تا ماوراءالطبیعه و مراحل سیر و سلوک پیش می‌رود و باورهای ارزشمندی را که از دین مقدس اسلام سرچشمه گرفته‌اند همراه با زیبایی‌های نهفته در دل هنر و ادبیات به مخاطبانشان منتقل می‌نمایند. شعاع دایره هنر اسلامی از صبحگاه «قالوا بلی» آغاز می‌گردد و تا طلوع رستگاری و تصویر بهشت و دوزخ پیش می‌رود. هنرمند، از عالم محسوسات گذر می‌نماید و صحنه آفاق را پشت سر می‌گذارد و در تجربه شهودی خود، در عالم انفس سیر می‌نماید که بسیاری از آثار هنرمندان و ادبای مسلمان گواه وسعت و شگفتی این قلمرو است.
یکی از مقوله‌هایی که در هنر و ادب اسلامی بدان پرداخته شده است، موضوع زیارت است. همچنان که زیارت در اسلام دیدار زندگان است، هنر مربوط به زیارت نیز هنر زنده است و تنها تصویرگری یک اتفاق یا یک مکان نیست، بلکه اثر ارائه شده

1- سوره آل عمران، آیه 97.

در این هنر، در هر زمان برای مخاطب، پندها و دستورالعمل‌های زندگی را به همراه دارد و در سکون جسم، جان را به آستان دوست نزدیک می‌گرداند. البته این همه تنها در قالب نقشی است که صورتگری شود و کلامی که بر زبان آید، ورنه حقیقت موضوع نه به تصویر آید و نه بر زبان جاری گردد و نه چشم و گوش زمینی را ظرفیت پذیرش آن حقایق فراهم باشد.

گر مجال گفت بودی گفتنی‌ها گفتمی تا که ارواح و ملایک زاسمان تحسین کنند

زیارت در هنرهای تصویری

قالب‌های مختلف نقاشی از جمله نقاشی قهوه‌خانه‌ای، مینیاتور، نقاشی‌های دیواری و چاپ سنگی، هر یک به طریقی، نقش خود را در به تصویر کشیدن موضوع زیارت ایفا نموده‌اند.

نقاشی ارزشی، سنتی و مذهبی قهوه‌خانه‌ای با آن بن‌مایه‌های سادگی و آینه‌صفتی که در خود دارد، سال‌هاست که محیط عارفانه بسیاری از اماکن مذهبی را با صحنه‌هایی از ضریح و بارگاه معصومین علیهم السلام زینت بخشیده است و به همین صورت مینیاتور، با ویژگی‌های تصویری خاص خود، صحنه‌هایی از این اماکن معنوی و روحِ نهفته در آنها را به تصویر کشیده است.

همین تصاویر را هنرمندان هنرهای مختلف به صورت چاپ سنگی، نقاشی‌های پشت شیشه و نقش‌های پشت آینه نیز به تصویر کشیده‌اند که هر یک جلوه خاص خود را دارند. گاهی نیز این تصاویر با هنر خطاطی توأم گردیده‌اند و بر جلوه خود افزوده‌اند. اشعار معروف شعرای شعر مذهبی که در باب زیارت معصومین علیهم السلام سروده شده‌اند، در قالب هنر خطاطی زینت‌بخش بسیاری از مکان‌ها گردیده‌اند و خلق آثار هنری معروفی را موجب شده‌اند که از میان انواع خط، خط نستعلیق که از لحاظ زیبایی در درجه اول قرار دارد، بیشتر به چشم می‌خورد.

بدون شک عدد رشته‌های هنری از آنچه گفته شد، بسیار افزون است و هر هنری بنا به ویژگی‌های خود، شیوه‌ای از انتقال پیام را در پیش می‌گیرد که این مسأله در باب زیارت و پیام‌های آن نیز صدق می‌کند.

زیارت در ادبیات

ادبا هم در بسیاری از آثار خود، موضوع زیارت را بهانه قرار داده‌اند، تا سیمرغ جان را به آستان حضرت دوست رسانند و میثاق بندگی خویش را با حضرت ذوالجلال در آفرینش آثار ادبی خود به نمایش گذارند و از این رهگذر، بیانگر هنری آن سفر شورانگیز باشند، لذا موضوعات مختلف مربوط به زیارت؛ از اشتیاق به این سفر روحانی تا سفرنامه و وصف مکانیِ آن اماکن مقدس و آثار معنوی زیارت، موضوع کلام بسیاری از ادیبان قرار گرفته است. در این مختصر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد.

شوق زیارت

یکی از مقوله‌هایی که در ادبیات زیارت بسیار بدان پرداخته شده است، شوق به این سفر است که هزاران نقش این اشتیاق قبل از آن‌که به منصه ظهور برسد، بر دل و جان هنرمند منقوش گردیده است. شعرا، بسیاری از اشعار خود را به بیان اشتیاق دیدار یار اختصاص داده‌اند و گاه این احساس را با سوز و ناله‌ای که نشان از نیاز و توسل دارد، همراه نموده‌اند.

«ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست/ منزل آن عاشق‌کش عیار کجاست». (حافظ)

«می‌کشد شوقم عنان، باد این کشش در ازدیاد/ تا شود تنگ عزیمت تنگ بر خنگ مراد».(محتشم کاشانی)

«اگرچه غرق گناهم، سفینه‌ام این‌جاست/ مراد و قبله‌ام این‌جا، مدینه‌ام این‌جاست».(محمدجواد غفورزاده)

«اسرار خرابات به جز مست نداند/ هشیار چه داند که در این کوی چه راز است»

«خواهی که درون حرم عشق خرامی/ در میکده بنشین که ره کعبه دراز است»
(فخرالدین عراقی)
«تا مگر همچون صبا باز به کوی تو رسم/ حاصلم دوش به جز ناله شبگیر نبود»
(حافظ)
«تا شنید از باد، پیغام وصال یار گل/ بر هوا می‌افکند از خرمی دستار گل»
(وحشی بافقی)
«ای دوست گر به خانه مرا راه نمی‌دهی/ بگذار تا که بوسه زنم آستانه را»
(محمدحسین بهجتی اردکانی)
«حیات سعدی آن باشد که بر خاک درت میرد/ دری دیگر نمی‌دانم مکن محروم از این بابم»(سعدی)
وصف اماکن زیارتی
از موضوعات دیگری که در باب زیارت در ادبیات فارسی بدان پرداخته شده است، توصیف مکان‌های زیارتی است. سفرنامه‌های ادبی از اماکن متبرک و خاطرات سفرها از جمله این آثار هستند. شعرا هم در بسیاری از اشعار خود به توصیف صفا و مروه و صحن و گنبد و ایوان و بارگاه معصومین علیهم السلام پرداخته‌اند. در اغلب این آثار، چنان معنویتی به قلب مخاطب القا می‌گردد که گویی نویسنده یا شاعر، هنگام خلق اثر، خود را جسماً یا روحاً در آن مکان مقدس یافته است و نوای دل خود را در آن فضای روحانی، بر صفحه کاغذ آورده است و این حالت هنرمند هنگام خلق اثر، در زمان بازخوانی آن نیز در جان مخاطب پدید می‌آید.
در واقع این تفاوت بین این گونه سفرنامه‌ها و توصیفات با وصف سایر اماکن است، به طوری که در این مورد، سخن از زیبایی گنبد و بارگاه، وصف قشنگی سنگ و آینه نیست، بلکه هدف نزدیکی دل است با آن دردانه‌های خلقت که بلندای روحشان

آن اماکن را مقدس گردانده است و این نقش دیدن و نقاش پرستیدن باشد.
«در وسط میدانی سرباز، یک اتاق خالی! نه معماری، نه هنر، نه زیبایی، نه کتیبه، نه کاشی، نه گچبری، نه ... حتی ضریح پیامبری، امامی، مرقد مطهری، مدفن بزرگی ... که زیارت کنم، که او را به یاد آرم، که به سراغ او آمده باشم، که احساسم به نقطه‌ای، چهره‌ای، واقعیتی، عینیتی، بالأخره کسی، چیزی، جایی تعلق گیرد، بنشیند، پیوند گیرد، این‌جا هیچ چیز نیست، هیچ کس نیست ... و این‌جا حرم اوست، خانه او! این‌جا خانه مردم است».
(تحلیلی از مناسک حج؛ علی شریعتی)
«کعبه، بیتی است که لا یملکه احد و لم یملکه احد. طواف این خانه انسان را آزاد می‌کند که ملک کسی نشود و بنده کسی نگردد ... حقیقت کعبه یک وجود مادی دارد در سرزمین مکه و آن همان خانه‌ای است که ابراهیم خلیل سلام اللّٰه علیه بنایش کرد و اسماعیل علیه السلام هم دستیارش بود و در عالم مثال وجود دیگری دارد. باز همین حقیقت در عالم عقل که عرش اللّٰه است، وجود دیگری دارد و نیز در نشأه تسبیح و تحمید و تکبیر که مقام الوهیت و الهیت است و اسماء الهی است، وجود دیگری دارد».
(عرفان حج، جوادی آملی)
«این بارگاه کیست که از عرش برتر است/ وز نور گنبدش همه عالم منور است
از شرم شمسه‌های زرش کعبتین شمس/ در تخته نرد چرخ چهارم به ششدر است»(خالد نقشبندی، در وصف حرم علی‌بن موسی‌الرضا علیه السلام)
«ایوان تو شانه خورشید است/ گلدسته تو نشانه خورشید است
چشمش که به گنبد تو روشن شد ماه/ دریافت که خانه، خانه خورشید است»
(محمدجواد غفورزاده)
ره‌توشه زیارت
گاهی هم شعرا و نویسندگان، در باب آثار معنوی زیارت سخن گفته‌اند و از حال زایر در آن سفر روحانی و کراماتی که نصیب وی می‌گردد، نوشته‌اند و سروده‌اند.

«صورت واقعی حج، سیرت واقعی و حقیقت زایر را می‌سازد ... حج، انسان‌ساز است و اگر کسی حاجی راستین و واقعی نبود، انسان نیست».
(جوادی آملی، عرفان حج)
ارزنده‌ترین ره‌آورد این سفر برای زایران، مصفی گردیدن قلب و نزدیکی به حضرت دوست است و این پیامد چنان ارزشمند است که زایرِ عارف برای آن دست‌افشان می‌گردد و جان به مهمانی جانان بردن را بر خود فرض می‌شمارد.
«تا به لب جام می‌آن ترک می‌آشام آورد/ از لب جانبخش خود جان بر لب جان آورد»(ملک الشعرای بهار، در منقبت امیرالمؤمنین علیه السلام)
«قبله هفتم رضا، شاهی که خاک درگهش/ مرده را روح و روان در هفت اندام آورد»
(ملک‌الشعرای بهار، در منقبت امام رضا علیه السلام)
«بخت کو تا آیم در آستانت جا کنم/ رو به جنت پشت بر دنیا و ما فیها کنم»
(محتشم کاشانی، در منقبت امام رضا علیه السلام)
نتیجه‌گیری
خلق اثر هنری و بیان نثر و نظم در باب زیارت اماکن مقدس اسلامی، از همت والای هنرمندان سالکی است که از این طریق، آرام جان جسته‌اند و قرار دل یافته‌اند و خود را در معرض انوار قدسی کرامت حضرت رب‌العالمین قرار داده‌اند و این تنها عاملی است که آثار این هنرمندان را ارزش می‌بخشد و ماندگاری آنها را رقم می‌زند، ورنه ظرف محدود وجود بشر کجا و پرداختن به مقولات ماورایی اندیشه او کجا!
سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن ای ساربان فروکش کاین راه کران ندارد
در واقع خلق اثر هنری در باب زیارت، بهانه‌ای است برای برقراری ارتباط با انوار قدسی آنها که آدمی با زیارتشان، دل را جلا می‌بخشد و جان را آینه‌دار ولایت ایشان می‌گرداند و این بهانه برای هزار رفتن و پوییدن کافی است.

ص: 1032

فهرست منابع

1. ادب زیارت، عبدالحسین نیشابوری، معرفت زایر، دلیل ما، قم، 1380.
2. زیارت، محمدمهدی رکنی، آستان قدس رضوی، مشهد، 1404 ق.

3. تجلی زیارت در شعر و ادب فارسی

علی اکبر ناری ابیانه

چکیده

شعر در سه قرن اول هجری در خدمت امرا و پادشاهان بود، اما از قرن چهارم با رویکرد به اماکن مقدس، با ستایش کعبه و پیامبر اسلام آغاز می‌شود، تا این‌که در قرن نهم جامی به زیارت عتبات شتافته و اشعار دلنشین و خالصانه سروده است. از قرن دهم با تشکیل اولین حکومت ملی صفویه و رشد و ترویج عقاید شیعی، شاعران بسیاری به مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، به‌ویژه مرثیه شهیدان کربلا پرداخته و عشق و شیدایی خود را به خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگواران نشان داده و به زیارت مشهد امام رضا علیه السلام اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. از طرفی از قرن دهم به بعد، سفرنامه نویسی منظوم درباره حج و عتبات نیز باب شد. اما امروزه زیارت به معنای اصطلاحی یعنی زیارت حرمین شریفین و حرم معصومان و دیگر اماکن مقدس جایگاه اصلی خود را در شعر و ادب فارسی پیدا کرده و بیش از پیش در حال گسترش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زایر، ادب فارسی، شعر، شاعر.

مقدّمه

سَیر و سفر، اغلب مترادف یکدیگر و با کلمه‌هایی چون حرکت، سیاحت و گردش هم‌معنی است. در قرآن کریم به «سیر» 20 مرتبه و «سفر» 7 مرتبه در آیات متعدد اشاره شده است «و واژه‌های دیگری را یادآور می‌شود که در کلیات با سیر و سفر تشابه دارند، ولی در مفاهیم، هر یک هدف خاصی را دنبال می‌کنند». این واژه‌ها عبارت‌اند

از: هجرت، نفر(رهسپاری)، عروج و .... (1) در آیه شریفه 82 سوره مبارکه غافر آمده‌است: «أَفَلَمْ یَسِیرُواْ فِی الْأَرْضِ فَیَنظُرُواْ کَیْفَ کَانَ عقِبَةُ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ»؛ آیا سیر و سفر نکرده‌اند که بنگرند سرانجام کسانی که پیش از آنان بوده‌اند چگونه بوده است؟ و در آیات دیگر به سیر در زمین اشاره و در برخی از آیات، احکام سفر تشریح و تعیین شده است. در روایات نیز سفر مورد تأکید قرار گرفته است و آداب خاصی نیز برای آن بر شمرده‌اند. (2) سفر، موجب تکامل و تعالی انسان و بیانگر عروج اوست؛ سرشت آدمی توجیه کننده سیر و سفر و سیاحت و گردش‌گری است. با سیری در تاریخ و مروری بر احوال بزرگان علم و اخلاق، به این نکته پی می‌بریم که بسیاری از چهره‌های پر فروغ جوامع بشری و راهنمایان و مربیان آدمی، برای نیل به فضایل اخلاقی و دسترسی به معارف عالی بشری سفرها کرده و مرارت‌ها و سختی‌ها کشیده‌اند. به همین دلیل در دیوان شعرای فارسی و تازی و کتب نویسندگان، مضمون‌هایی نیکو و عبارت‌هایی آموزنده در مورد آثار سفر بر تعالی روح و اخلاق آمده است.

سعدی شیرازی می‌فرماید:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

عطار سروده است:

زین بحر همچون باران بیرون شو و سفر کن زیرا که بی سفر تو هرگز گهر نگردی

ابوحامد محمد غزالی نیز در فواید سفر گفته است: «آن‌که سفر کند، خویشتن و اخلاق خویشتن را بشناسد تا به علاج صفاتی که در وی مذموم است مشغول شود ...». (3)

1- «آهنگ زیارت»، مجله زایر، ش 135، ص 13.

2- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، «سیر و سفر در قرآن و روایات»، ص 128.

3- «تأثیر جهانگردی در ارتقای فرهنگ روحی- معنوی مسافر»، زایر، ش 135، ص 31؛ امثال و حکم دهخدا، ج 2.

انواع سفر(زیارت)

اصولاً سیر و سفر دربردارنده انگیزه‌های متفاوتی است و آن در افراد، تنوع سفر را پدید می‌آورد، (1) لذا سفر انواعی دارد. به طور کلی، سفر از دیدگاه محمد غزالی بر دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود: سفر باطنی، سفر دل است و سفر در ملکوت آسمان‌هاست و سفر ظاهری بر پنج قسم است: سفر اول، در طلب علم؛ سفر دوم، برای عبادت است؛ چون حج و جهاد و زیارت؛ سفر سوم، گریختن از چیزی که مشوش دین باشد؛ چون طلب جاه و مال و ولایت و شغل دنیا؛ سفر چهارم، تجارت در طلب دنیا؛ سفر پنجم، تماشا و تفرّج باشد. (2) در یک تقسیم‌بندی جدید، سفر به چهار دسته تقسیم می‌شود: الف. سفرهای زیارتی و عبادتی؛ ب. سفرهای تبلیغی؛ ج. سفرهای جهادی؛ د. سفر آخرت(معاد) و باز هر کدام را انواعی است. اما آنچه به بحث ما مربوط می‌شود سفرهای زیارتی و عبادی است که انواع زیادی برای آن برشمرده‌اند: 1. زیارت خانه خدا(سفر حج تمتع، عمره و قِران)، 2. زیارت اماکن مقدس امامان علیهم السلام، بقاع متبرک امامزادگان و پیامبران، 3. زیارت امام زمان(عج) در مساجد و اماکن مقدس، 4. زیارت قبور مؤمنین و شهدا، شخصیت‌های دینی، علمی و ادبی و ...، 5. زیارت مساجد و دیگر اماکن متبرکه، 6. صله رحم و دیدار خویشان و دوستان و عیادت بیماران، 7. دیدار بزرگان، مشاهیر علمی و ادبی و اساتید و تکریم آنان. (3) با یک نگاه به تقسیم بندی بالا می‌توان گفت: به‌جز موارد 1 و 5(زیارت خانه خدا و مساجد و اماکن متبرک) در باقی موارد، موضوع انسانی یا شخصیتی دینی- فرهنگی زنده و یا از دنیا رفته که مورد احترام و در جایی مدفون و قبه و بارگاهی دارد، مطرح می‌باشد. برخی نیز زیارت را به دو بخش کلی زیارت معصومین علیهم السلام و زیارت مؤمنین تقسیم کرده‌اند. (4)

1- آهنگ زیارت، ص 13.

2- اماکن مذهبی ایران و توسعه گردشگری، ص 34.

3- همان، ص 95 و 96.

4- دائرة المعارف تشیع، «زیارت»، سیدمهدی حائری، ج 8، ص 564.

زیارت در لغت و تعریف آن

زیارت در لغت بر اساس گفته راغب اصفهانی در المفردات برگرفته از ریشه «زور» و به معنای بالای سینه است. فلانی را زیارت کردم یعنی با بالای سینه‌ام او را ملاقات کردم، یا این‌که قصد نمودم بالای سینه او را هنگامی که به‌سویش توجه نمودم و در فارسی دیدار با قصد، بازدید کردن و آهنگ چیزی نمودن است (1) و جمع آن «زیارات».

اما یک حدس آن است که زیارت واژه‌ای است فارسی از ریشه «زَوْر» که در زبان پهلوی «زوهر- زهور» بوده و با حذف «ه» تبدیل به «زور» شده است و در فارسی دری به یک معنی نذورات که نام یکی از عبادات و از لوازم و ابزار آن بوده، آمده است. (2) با این تعریف، زور با نذر و نذورات در زیارت و اماکن زیارتی ارتباط پیدا می‌کند.

زیارت در اصطلاح «حضور در پیشگاه شخص به جسم و جان و با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خداست». (3) که این حضور در مشاهد متبرک امامان معصوم علیهم السلام و بقاع متبرک امامزادگان، پیامبران، بزرگان دینی و ... و یا رفتن به دیدار یکدیگر و بزرگان انجام می‌شود. (4)

به سخن دیگر «به شکل خاصی از نیایش که کسی یا چیزی را مورد توجه قرار می‌دهند» (5) و دعایی را که به عنوان تشرف باطنی برای ائمه هدی علیهم السلام و اولیای خدا می‌خوانند (6) و سپس طلب حاجت می‌نمایند نیز زیارت گویند.

زیارت کننده شخص محترم و بزرگ زنده یا مرده را به جسم و جان و حضور قلب «زایر» می‌نامند.

آنچه از عنوان مقاله، نیاز به توضیح کوتاه دارد مسأله «شعر» است. در فرهنگ‌ها

1- زیارت، ص 7.

2- سبک‌شناسی، ج 1، ص 266- 268.

3- دائرة المعارف تشیع، «زیارت»، سید مهدی حائری، ج 8، ص 564.

4- فرهنگ فارسی معین، ج 2، ص 1767.

5- «جامعه‌شناسی زیارت»، زایر، ش 77، ص 8 و 9.

6- فرهنگ معین، ج 2، ص 1767.

شعر «سخن موزون و غالباً مقفی حاکی از احساس و تخیل» معنی شده است. جمع آن «اشعار» و فرق شعر و نظم را در این امر دانسته‌اند که شعر کلامی است موزون و خیال‌انگیز و نظم کلامی است موزون و قافیه‌دار (1) و شاعری به قول نظامی عروضی در چهار مقاله، صناعت و فنی است که شاعر به وسیله آن مقدمات توهم‌زا را فراهم آورد و قیاس‌های نتیجه دهنده را باهم سازگار سازد «بر آن وجه که معنی خُرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند» و به واسطه ایهام سرشت‌ها را گرفتگی و گشادگی خاطر پدید آید. (2) لذا گفته‌اند: شعر به معنی شعور و آگاهی و در حدیث، حکمت است. شعر و شاعری یکی از زیر مجموعه‌های علوم ادبی و ادبیات است. (3) با این توضیح و این‌که موضوع مقاله تجلی زیارت در شعر و ادب فارسی است، شایسته است پیش از پرداختن به مسأله زیارت در شعر و ادب فارسی، از زیارت در قرآن و روایات بحثی کوتاه به رشته تحریر درآوریم.

واژه زیارت در قرآن کریم تنها در دو مورد به طور صریح آمده است که اولی «تَّزَ وَرُ عَن کَهْفِهِمْ» (4)

به معنای مفهومی زیارت، گراییدن(در جریان غار اصحاب کهف) و دومی «حَتَّی زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (5)

به معنی اصطلاحی زیارت قبور است. (6) و آیه «... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوکَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ ...» (7) به لحاظ تفسیری در مورد استحباب و مشروعیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله استشهاد می‌شود. (8) همچنین در آیات دیگری به طور کلی به مفهوم زیارت اشاره دارد (9). (10)

1- همان.

2- چهار مقاله، ص 42.

3- فرهنگ معین، ج 1، ص 178؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج 1، ص 119 و 120.

4- سوره کهف، آیه 17.

5- سوره تکاثر، آیه 2.

6- زیارت در قرآن، ص 7 و 8.

7- سوره نساء، آیه 64.

8- «هدف از زیارت»، میراث جاویدن، ش 52، ص 24.

9- ر. ک: سوره اسراء، آیه 1؛ سوره طه، آیه 12؛ سوره کهف، آیه 21؛ سوره بقره، آیه 115.

10- . «زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت؟»، میراث جاویدان، ش 52، ص 67 و 68.

زیارت در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام یکی از اعمال پسندیده و سنت‌های برجسته اسلامی است که درباره آن تأکید و تشویق فراوان شده است. بر اساس روایات، زیارت در سه زمینه: 1. زیارت اهل قبور و شهدا؛ 2. ائمه معصومین علیهم السلام؛ 3. زیارت یکدیگر، از صدر اسلام تاکنون وجود داشته است که برای هر یک نمونه‌ای از تاریخ و روایات می‌آوریم.
1. زیارت اهل قبور و شهدا: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای زیارت به بقیع می‌رود و کیفیت زیارت اهل قبور را به بعضی از همسرانش تعلیم می‌دهد. فاطمه زهرا علیها السلام به زیارت شهدای احد می‌رود. امّ سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه یک بار به زیارت شهدای احد می‌رود و به آنها سلام می‌کند و به غلامش دستور می‌دهد که به شهدای احد سلام کند». (1) 2. زیارت ائمه معصومین علیهم السلام: امام صادق علیه السلام از قول پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «
منْ اتانی زائِراً کُنْتُ شَفیعُهُ یَوْمَ الْقیمَهِ
»؛ هر که به عنوان زیارت به سویم آید، روز قیامت شفیع او خواهم بود. همچنین ایشان در مورد زیارت امام حسین علیه السلام می‌فرماید: هر که حسین بن علی علیه السلام را با شناخت حق امام(عارِفاً بِحَقّهِ) زیارت کند، از سخنگویان با خدا بر فراز عرش اوست. (2) تقریباً در اکثر زیاراتی که برای ائمه علیهم السلام در کتب ادعیه به صورت مأثور وارد شده، عباراتی مثل عارفاً بحقّه، زائراً عارفاً و غیره در پایان زیارتنامه آمده که حاکی از اهمیت و ضرورت زیارت عارفانه و از روی معرفت و شناخت نسبت به مراقد مطهره ائمه طاهرین علیهم السلام است.
در ثواب زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر که قبر پدرم را زیارت کند، بهشت برای اوست. (3) نظیر همین روایت، روایاتی از امام نهم برای ثواب زیارت آستانه حضرت معصومه علیها السلام (4) و امام علی علیه السلام در

1- هدف از زیارت، ص 21.

2- زیارت، سید محمّد حسینی، ص 8 و 12.

3- همان، ص 26.

4- منتخب ادعیه و زیارات، به نقل از وسائل الشیعة، ج 10، ص 452.

مورد زیارت دانیال نبی علیه السلام واقع در شهر شوش وارد شده است. در مورد زیارت امامزادگان و استحباب آن نیز حدیث داریم. زیارت هر امامزاده آن‌گاه به درجه کمال می‌رسد که پیغمبر اسلام در پایان آن حدیثی که در شأن فاطمه زهرا علیها السلام فرموده: «
... وَ مَنْ زارَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ فَکَاَنَّما زارَ عَلیّاً و مَنْ زارَ ذُرِیَّتَّهما فَکَاَنَّما زارَهُما
»؛ یعنی کسی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام را زیارت کند، مثل این است که حضرت علی علیه السلام را زیارت کرده باشد و کسی که فرزندان آن دو را زیارت کند، مانند این است که آن دو بزرگوار را زیارت کرده است. پس از این حدیث این طور استنباط می‌شود که زیارت غیر معصوم و امامزادگان و توسعاً سادات، فرزندان و نوادگان ائمه علیهم السلام نیز مستحب است، (1) مانند زیارت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر ری که به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام را دارد. هدف پیشوایان عالی‌قدر درباره زیارت افراد غیر معصوم، غیر از زیارت و ثواب آن، منظورهای سیاسی و اجتماعی هم بوده است. (2) 3. زیارت یکدیگر: در مورد زیارت یکدیگر و فواید آن، حدیثی از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: به زیارت یکدیگر بروید؛ زیرا زیارت شما از یکدیگر، زنده گردانیدن دل‌های شما و یاد نمودن احادیث ماست و احادیث ما، شما را به یکدیگر متوجه می‌سازد. (3)
تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی شعر زیارت (4)
پیش از آن‌که به بحث درباره تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی شعر زیارت بپردازیم، لازم است به اوضاع دینی مسلمانان و وضع شیعه در قرن‌های اول تا پنجم هجری

1- تندیس عبادت، ص 35، به نقل از بحار الأنوار، ج 10، ص 18.

2- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص 168 و 169 از بحارالأنوار، ج 99، ص 295 و ج 71، ص 311.

3- اصول کافی، باب مذاکره و گفت‌وگوی برادران، ج 3، ص 268.

4- در مورد تاریخ ادبیات زیارت از دو منبع تاریخ ادبیات در ایران، جلدهای

1، 2، 5(قسمت یکم) و از صبا تا نیما، ج 1، استفاده بسیار برده‌ام.

نگاهی کوتاه بیفکنیم.
دکتر صفا در جلد یکم تاریخ ادبیات در ایران می‌نویسد: «در سه قرن اول هجری، ادیان و مذاهب قدیم ایران یک‌باره از میان رفت و مذاهب اسلامی خواه در ایران و خواه در خارج از ایران، با شدت کم‌نظیری ظهور کرد و اختلافات میان مسلمانان به درجه‌ای بود که می‌توان گفت: بیشتر فرق و نحل خارج از اندازه مسلمین، در همین سه قرن به وجود آمد و پایه ایجاد فرق دیگر هم در این سه قرن نهاده شد. علت این امر آن بود که هنوز مسلمین و یا نو مسلمانان مشغول یافتن حقایق دین اسلام بودند و اختلافات و مناقشات در افکار و اسلوب فکری مسلمانان و در نتیجه در شعر و نثر هم مؤثر افتاد. گذشته از آن، خود موجب اتحاد ادبیات پر دامنه دینی مسلمانان در این ایام گردید. در قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هجری، مذاهب اسلامی دنباله مذاهب دو قرن پیش و بیشتر غلبه با مذاهب شافعیه، حنفیه، حنبلیه، شیعه اثنی عشری، اسماعیلیه، قرامطه، خوارج و ... بوده است. وضع شیعه در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم از میان سایر قرون ممتاز است، زیرا در این دوره بر اثر غلبه سادات طالبیه و امرای آنان از قبیل اسفار، ماکان، مرداویج و آل بویه، قسمت بزرگی از ایران تحت تسلط دولت‌های طرفدار تشیع یا دولت‌های غیر مزاحم نسبت به شیعه قرار داشت.
آل سامان نسبت به اهل ادیان و مذاهب مختلف به‌ویژه شیعه از در مخالفت درنمی‌آمدند. در بغداد و ممالک تابعه آل بویه شیعه در اقامه مراسم مذهبی خود آزاد بودند. اما بعد از غلبه سلطان محمود غزنوی بر خراسان و عراق و تسلط سلاجقه بر ایران، شیعه دچار مخالفت سخت دولت‌ها گردید. همچنین قرن چهارم مصادف است با دوره غیبت امام منتظر(عج) و این امر از چند جهت در عالم تشیع مؤثر واقع شد. نخست جلوگیری از تشعب شیعیان و دوم پیش آمدن مسأله اجتهاد و موضوع انتخاب کسی از میان علمای شیعه به عنوان نایب امام و همین امر باعث تکامل علوم مذهبی شیعه از قبیل حدیث و فقه و کلام شد».

«فرقه اسماعیلیه از میان فرق شیعه، از باب تأثیری که در اوضاع دوره مذکور و ادب فارسی دارند، باید بیشتر از دیگران مورد توجه باشند. ظهور این فرقه اصلاً نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام با برادر او حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بوده است».
اسماعیلیه به دلیل اهمیت اصل تبلیغ و دعوت برای آنها، به تألیف کتب و رسالات متعدد و سرودن اشعار به زبان فارسی توجه زیادی داشتند.
بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده اسماعیلی، ناصر خسرو است که علاوه بر سرودن اشعار حکمی و وعظی در سفرنامه خود به موضوع زیارت خانه خدا و مقابر اولیا و انبیا عنایت وافری نشان داده است.
در این‌جا با توجه به تقسیم بندی‌ای که در مقدّمه به سفرهای زیارتی اشاره گردید، به نقش برخی از انواع زیارت در تبلور و غنا بخشی شعر در تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی شعر در ایران می‌پردازیم.
1. نقش زیارت حج(مکه) و روضه پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر فارسی
حج در لغت به معنی «قصد پی در پی» است که به فتح حاء مصدر و به کسر آن، اسم مصدر است و در اصطلاح به زیارت خانه خدا با اعمال مخصوص به آن اطلاق می‌شود و اقسام و اعمال ویژه‌ای دارد: حج تمتّع، حج افراد و حج قِران. (1) دکتر شمیسا در مورد اصطلاحات اسلامی در شعر دوره‌های نخستین می‌نویسد:
از ویژگی‌های فکری شعر سده‌های اول تا سوم، یعنی سبک خراسانی، آن است که اشاره به معارف اسلامی، حدیث و قرآن(و زیارت) در آن کم است و آنچه هست صوری است و عمیق نیست و به اصطلاح مورد بحث و فحص و بسط قرار نمی‌گیرد و شاعر از آن مضمون نمی‌سازد و یا استفاده تمثیلی نمی‌کند و از آن بیشتر در جهت مدح ممدوح(پادشاهان) یا وصف معشوق استفاده می‌کند. برای مثال فرخی

1- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج 1، ص 894- 896.

(م 429 ق) برخی از لغات و اصطلاحات اسلامی و زیارتی مانند اذان، قرآن، مکه، نبوت، پیغمبر اسلام و ... را در اشعار خود آورده. در مورد مکه گفته است:

گاه می خوردن می تو بر کف معشوق تو وقت آسایش بتت را پای تو اندر کنار

مر مرا در خدمت تو زندگانی باد دیر تا ببینم مر تو را در مکه با اهل و تبار! (1)

علت آن را باید در نوپایی عقاید اسلامی در میان شاعران این دوره جست‌وجو نمود. موضوعی که از شعر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم عهد سامانیان و غزنویان شروع شده و در دوره سلجوقی تکامل یافت، حکمت و وعظ و مناقب اهل بیت علیهم السلام است که پیش درآمدی برای اشعار زیارتی بود و کسی که قصاید تمام و کامل در این موضوع ساخت کسایی مروزی بود و بعد از او ناصر خسرو قبادیانی به تقلید از او پرداخته است. شاعران شیعی و بزرگ این دوره همچون فردوسی، کسائی، فرالاوی، غضایری رازی و ... اشعار و قصاید غرایی در مفاهیم دینی و مدح و منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام سروده‌اند؛ لیکن در باب موضوع زیارت به معنی اصطلاحی، اشعار چندانی یافته نمی‌شود. موسی فرالاوی از شعرای معروف هم‌عصر شهید بلخی و رودکی در این باره می‌گوید:

چه شغل باشد واجب‌تر از زیارت آنک اگر چه نیک بکوشم به واجبش نرسم

همی شفیع نیابم ازو به عذر گناه کریم طبعی او نزد او شفیع بسم

سبک شعر در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم تحت تأثیر سبک دوره اول غزنوی قرار داشت و حتی گاهی شاعرانی می‌کوشیدند که سبک سامانی را احیا کنند.

مانند ناصر خسرو و قطران تبریزی. دکتر وزین‌پور درباره شعر ناصر خسرو می‌نویسد: شعر ناصر خسرو مانند شعر کسایی سرشار از حکمت و موعظه و اندیشه‌های مذهبی است (2) و دکتر شمیسا در مورد سبک وی آورده است: قصاید او به

1- سبک‌شناسی شعر، ص 68 و 69.

2- گزیده سفرنامه ناصر خسرو، مقدمه.

لحاظ اوزان سنگین و قوافی مشکل و لغات اصیل کهن و مضامین مذهبی و فلسفی و انتقادی متشخص است و از این رو باید او را صاحب سبک شخصی دانست. (1) ناصرخسرو در قصیده 34 بیتی معروف خود(حاجیان آمدند با تعظیم/ شاکر از رحمت خدای رحیم) حدیثی طولانی از امام زین العابدین علیه السلام را که حاوی ادب باطنی زیارت حج و گفت‌وگویی عمیق، زیبا و بدیع امام سجاد علیه السلام با شبلی که از حج آمده بوده، به نظم کشیده است. (2) وی همچنین در سفرنامه منثور خویش به زیارت خانه خدا، مقابر و مشاهد اولیا و انبیا اشاره فراوان کرده و توصیفات دقیق، خواندنی و بدیعی دارد.
خاقانی(م 595 ق) بر خلاف نظامی که بیشتر به داستان سرایی پرداخته و چندان میل به سفر نداشت، شیفته سفر بوده، به‌ویژه، سفر زیارتی خانه خدا. وی تحفة العراقین را درباره سفر مکه در شروان سروده است. به دلیل اهمیتی که خاقانی در سرودن اشعار زیارتی در شعر و ادب فارسی داشته است، به نقش زیارت کعبه و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر او به طور ویژه نگاه می‌افکنیم.
نقش زیارت کعبه و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعر خاقانی (3)
خاقانی در پرتو ابیات و تصاویر بلند به معبود و نشانه‌های معبود خود عشق می‌ورزد و شگفتا که در عین عاشقی، عقل و خرد و تخیلش را در حد کمال به کار می‌گیرد تا با استفاده از آیات و احادیث و تلمیحات، آداب و برکات زیارت را ذکر نماید. زایر از منظر وی، ابتدا عاشقی است عاقل، اما به تدریج عاقلی عاشق می‌شود که هیچ وقت زیارت بی‌معرفت و حکمت را روا نمی‌دارد. از این رو در قربانگاه حق، نفس را

1- سبک‌شناسی شعر، ص 63 و 64.

2- زیارت، جواد محدثی، ص 39 و 40؛ دیوان ناصر خسرو، ص 300 و 301.

3- «تجلی زیارت در شعر خاقانی»، زائر، ش 75، ص 9 و 10 و نیز ر. ک: «توصیف کعبه و مدینه و خراسان در شعر خاقانی» مجله مشکوة، ش 5.

قربانی می‌کند نه گوسفند را:
بامدادان نفس حیوان کرده قربان در منی لیک قربان خواص از نفس انسان دیده‌اند
به گفته دکتر زرین کوب در با کاروان حله تمایلات پارسایی در طی سفر مکه و تأثیر زیارت روضه پیغمبر صلی الله علیه و آله در وی، قوت پیشتر یافت و چون به سبب غرور باطنی در دل از ستایشگری شاهان ناخرسند بود، این داعیه تازه در جانش آویخت که از این پس «حسان عجم» شود و مثل حسان که ستایشگر پیغمبر بود وی نیز به مدح پیغمبر بسنده کند و از ستایش دیگران کنار جوید. خاقانی در ادامه قصیده مذکور گوید:
هر کبوتر کز حریم کعبه جان آمده از پر پرش نامه توفیق پنهان دیده‌اند
اما تنها وصف کعبه نیست که در نزد خاقانی این قدر ارج و قرب دارد، بلکه پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز در پرتو قصاید فخیم و استواری مورد ستایش او قرار گرفته است.
آن‌گونه که برخی استادانِ خاقانی‌شناس همچون دکتر کزازی در رخسار صبح عنوان نموده‌اند، ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله و کعبه، زمینه‌های گسترده از سخن خاقانی را در بر می‌گیرد، بلندترین و شیواترین ستایش در پهنه ادب فارسی، از آنِ اوست.
ابوالعلاء گنجوی، استاد و پدرزن خاقانی نیز از شاعران قرن ششم حوزه شمال غربی ایران، در قصیده‌ای در فخریه و تبرای از تهمت به مدح شروان شاه منوچهر، ضمن سوگند و احترام به کتب پیامبران، کعبه، سنگ سیاه(حجر الاسود) و کوه صفا، از سخن بد گویان خود را پاک و منزه می‌دارد:
به حق حرمت انجیل و عزت تورات به سرّ صحف براهیم و رتبت بطحا
به عزت شب معراج و حرمت حجاج به حق کعبه و سنگ سیاه و کوه صفا
منزهم چو محمد زگفته کفار مقدسم چو معبد زکعبه ترسا (1)

1- سبک شناسی شعر، ص 142- 145.

دکتر ذبیح اللّه صفا می‌نگارد:
از اواسط قرن پنجم شاهد نهضت تازه و پراهمیتی در دربار غزنویان می‌شویم و آن کوشش‌های شاعرانی مانند مسعود سعد، ابوالفرج رونی، سنایی، سید حسن غزنوی و همعصران آنان است که از آن میان در شیوه سنایی، زهد و وعظ و افکار صوفیانه و زاهدانه، با منطق حکیمانه در آمیخت و منظومه‌های وی به‌ویژه سیر العباد و حدیقة الحقیقه دارای ابیاتی است که جز با اطلاع کامل از حکمت و یک دوره علوم مذهبی و معقول قابل حل نیست. (1) از شعرای شیعی نیمه اول قرن ششم هجری، قوامی رازی، سید حسن غزنوی، حسن متکلم کاشی و حمزه کوچک نیز به سرایش مواعظ و حکم و مناقب خاندان رسالت شهرت دارند. سید حسن غزنوی بعد از سال(544 ق) از نیشابور به بغداد و از آن‌جا به مکه رفت و سپس به زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شتافت و این قصیده زیبا را بگفت:
یا رب این ماییم و این صدر مصطفاست یا رب این ماییم و این فرق عزیز مجتباست
در زمان صفویه از سده دهم هجری به بعد، سفرنامه نویسی زیارت حج به صورت شعر نیز مرسوم گردیده است؛ مانند فتوح الحرمین تألیف محیی الدین لاری از ادیبان و شعرای قرن دهم که نسخه خطی آن وقف کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی شده است (2) و پس از آن سفرنامه حج تحفة الحرمین یوسف ناجی(1052- 1124) شاعر برجسته ترک که در شرح سفر طولانی خود از استانبول به حرمین شریفین در سال 1090 سروده است. (3) شرف الدین حسن شفایی(م 1037 ق) نیز به تقلید از تحفة العراقین خاقانی، مثنوی مطلع الأنوار را ساخته است. (4)

1- تاریخ ادبیات در ایران، ج 2، ص 336- 345.

2- زائر، «اخبار حرم»، ش 135، ص 23.

3- «سفرنامه حج تحفة العراقین»، زائر، ش 131، ص 33.

4- تاریخ ادبیات ایران، ج 1، ص 537.

2. زیارت امام زمان(عج) در زیارت حج و اماکن مقدس

غیبت امام عصر(عج) در قرن سوم اتفاق افتاده، و آن حضرت از طریق نوّاب اربعه با مردم در ارتباط بوده است، اما بعداً اشخاص و بزرگانی در بیداری یا رؤیا و خواب به زیارت آن حضرت نائل آمده‌اند. این ملاقات‌ها و زیارت‌ها از ابتدا در منزل امام عسکری علیه السلام و سپس در سفر حج و دیگر اماکن مقدس رخ می‌داده است. لذا به دلیل توالی تاریخی و اهمیت زیارت ایشان به عنوان «امام زنده زمان» و نیز معرفی یکی از انواع سفرهای زیارتی به بحث درباره زیارت امام زمان(عج) در این قسمت اشارت می‌نماییم.

«آنچه مسلّم است این است که تشرف به خدمت حضرت مهدی(عج)، لطف و عنایت الهی را می‌طلبد؛ اگر چه باید دانست که عدم رؤیت و زیارت حضرت، دلیل بر بی‌توجهی و بی‌عنایتی از ناحیه حضرت نمی‌باشد. نکته قابل تأمل این است که رؤیت حضرت مصلحت دینی و شخصی را می‌پذیرد، چه بسا اصرار بر دیدن حضرت، بدون آمادگی و عدم خلوص سبب شود که انسان نتواند حقیقت و سرّ آن را درک کند و جبراً کشف سرّ کند. این کشف سرّ امام، مانند محاربه با امام است و کسی که با امام خود، چه در حضور و چه در غیاب محاربه کند، فی الواقع مشرک گردیده است».

چنان‌که شیخ طوسی در کتاب غیبت این مطلب را در حدیثی از حضرت حجت(عج) به حسین بن روح، نایب خاصش نقل می‌نماید. لذا طبق مصلحت باید حضرت مهدی(عج) از انظار عموم دور باشد و اگر تفحص و تجسس برای پیدا کردن و رؤیت صورت گیرد، این عمل منافی با حکمت غیبت و نقض غرض حکیم مطلق است. (1) مسأله زیارت امام زمان(عج) همیشه سؤال برانگیز بوده و عوام و خواص در این باره ابهاماتی داشته‌اند.

1- سؤال از امام مهدی(عج) در روایات، ص 131- 135؛ به نقل از دار السلام، شیخ محمود عراقی، ص 251.

حجت الاسلام حسین گنجی در کتاب چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)(ص 20- 24) در مورد امکان زیارت حضرت می‌نویسد:
«سید بن طاووس رحمه الله درباره ملاقات با امام زمان(عج) در کتاب کشف المحجه لثمره المهجة می‌فرماید: «اعْلَمْ انَّ الطَّریقَ الی امامِکَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ یُریدُ اللّه عزَّوَجَلّ کَرامَتَهُ عَلَیْه»؛ بدان که راه به سوی امام توبرای کسی که خداوند اراده فرموده است آنها را اکرام کند باز است.
مرحوم آیت الحق سید علی قاضی در پاسخ به پرسش برخی از شاگردانش درباره رسیدن به خدمت امام زمان(عج) فرمود: خدمت خدا در نماز می‌شود رسید، خدمت بنده خدا نمی‌توان رسید؟! پس زیارت و باریافتن به حضور آن حضرت امکان‌پذیر است، اما به اذن و توفیق الهی؛ خوشا به حال افرادی که به زیارت حضرت نائل و با آن حضرت همنشین شده‌اند! و چه بسا حضرت برای افرادی ظاهر می‌شوند ولی آن حضرت را نمی‌شناسند و یا این‌که بعداً ایشان را می‌شناسند. روایات در این زمینه‌ها بسیار است، چنان‌که شیخ طوسی در کتاب الغیبة خود به برخی از آنها اشاره و صاحبدلان و بزرگانی را که موفق به زیارت قطب عالم امکان، حضرت صاحب الزمان(عج) در دوره غیبت شده‌اند معرفی نموده است. از جمله علما و بزرگانی که به زیارت آن حضرت نائل آمده‌اند، عبارت‌اند از: ابوجعفر اودی(ازدی) در سال 300 ق در طواف کعبه، محمد خلف در سال 293 در طواف کعبه، یوسف بن احمد جعفری 306 پس از سفر حج در راه شام، احمد بن عبداللّه هاشمی 260 در منزل امام عسکری علیه السلام، محمد بن احمد انصاری 293 در مکه، علی بن مهزیار اهوازی در سفر حج، (1) سید احمد رشتی 1280 در سفر به مکه، (2) شیخ مفید، علامه حلّی، سید بحرالعلوم، شیخ رجبعلی خیاط و ...».

1- خورشید در نهان، ج 2، ص 354.

2- مفاتیح الجنان، ص 1011 و 1012. علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج 53 قضایای متشرفین به محضر حضرت را نقل می‌کند. ر. ک: چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)، ص 29.

ص: 1048

در مورد حالات، ویژگی‌ها، ظهور، مدح و منقبت و انتظار حضرت صاحب الامر(عج) در میان دیوان‌های شاعران فارسی و تازی سروده‌های خالصانه بسیاری یافته می‌شود، اما به جریان زیارت‌ها و ملاقات‌های بزرگان با آن حضرت به صورت شعر و منظومه‌های داستانی کم‌تر پرداخته شده است که در این باب، همت شاعران فرهیخته را در سرایش منظومه‌های داستانی در زمینه زیارت امام منتظر(عج) می‌طلبد. با این حال، برای زندگانی و شرح احوال امام زمان(عج) کتاب نامه‌هایی تهیه شده است که یکی از آنها کتاب در جست‌وجوی قائم(عج) درباره معرفی 1850 جلد کتاب پیرامون زندگی حضرت بقیّة اللّه الاعظم(عج) تألیف حجت الاسلام سید مجید پور طباطبایی از انتشارات مسجد مقدس جمکران است. این اثر در دو بخش باریافتگان به حضور حضرت قائم(عج)(ص 366 و 367) و مهدی(عج) در آینه شعر و ادبیات(ص 221- 229) به معرفی کتاب‌هایی در زمینه نثر زیارت امام زمان(عج) و شعر در مدح و منقبت آن حضرت پرداخته است.

3. زیارت عتبات عالیات در شعر

زیارت عتبات عالیات در عراق، به‌ویژه کربلا و نجف پس از زیارت کعبه معظمه و مدینه منوره، مورد توجه خاص ائمه معصومین علیهم السلام در روایات بوده است و بیشترین ارادت و احترام را در نزد علما، دانشمندان، شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان را به خود جلب نموده است. چه آنها با زیارت و تشرف به عتبات و یا در شهر و موطن خود و در آرزوی زیارت عتبات اشعاری ناب از خود به یادگار نهاده‌اند.

چنان‌که گفتیم از قرون سه تا پنج هجری اشعاری درباره زیارت وجود نداشت، اما از قرن ششم به بعد زیارت عتبات در شعر شعرا، نمود پیدا می‌کند. خاقانی مشتاق زیارت عراق هست و از شروان زادگاه خود گلایه دارد:

در همه شروان مرا حاصل نیامد دوست دوست خود ناممکن است ای کاش بودی آشنا
من حسین وقت و نااهلان یزد و شمر من روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا
ای عراق اللّٰه جارک سخت مشغولم به تو وی خراسان عمرک اللّٰه سخت مشتاقم تو را (1)
زیارت در شعر سبک عراقی
در حمله مغولان و دگرگونی کامل اوضاع اجتماعی، یکسره سبک خراسانی محو شد و سبک عراقی رواج تام یافت. سبک عراقی دو ویژگی مهم دارد و آن شیوع عرفان و غزل است. شیوه سنایی و خاقانی و نظامی سرانجام به شعر عرفانی کشید و از طریق عطار به مولانا رسید و به قول سلطان ولد در مقابل شعر شعرا، شعر اولیا پدید آمد.
نظامی در مخزن الاسرار تأکید دارد که شعر باید مبتنی بر شرع باشد و ظاهراً مراد از آن معنویات و اخلاق است و شعر به این معنی در شعر سنایی و عطار هم سابقه دارد. (2) شعر شرعی در آثار سعدی نیز به‌ویژه در حکایات بوستان علاوه بر مدح و نعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، «آل رسول» و «بنی فاطمه» در دیباچه آثارش، از اصطلاحات زیارت، زیارتگاه، مسجد و ... بسیار استفاده نموده است. در حکایت دهم باب دوم بوستان(شرح خزائلی ص 175 و 176) درباره کرم، کار خیر و زیارتگاه گفته است:
کرم کن چنان کت برآید زدست جهانبان درِ خیر برکس نبست
گرت در بیابان نباشد چهی چراغی بنه در زیارتگهی
سعدی در گلستان هم حکایت‌های لطیف و نغزی در مورد زیارت مکه، حجاج، زیارتگاه دارد که ذکر یکی از حکایات او در زمینه حجاج و حاجی در این‌جا خالی از

1- سبک‌شناسی شعر، ص 110.

2- همان، ص 192- 209.

لطف نیست. «سالی نزاعی میان پیادگان حجاج افتاده بود و داعی در آن سفر هم پیاده بود. انصاف در سر و روی هم فتادیم و داد فسوق و جدال بدادیم. کجاوه نشینی را دیدیم که با عدیل خویش می‌گفت: یا للعجب! پیاده حجاج(چون) عرصه شطرنج به‌سر می‌برد فرزین می‌شود یعنی به از آن می‌شود که بود و پیادگان حاج بادیه به‌سر بردند و بتر شدند!
از من بگوی حاجی مردم گزای را کو پوستین خلق به آزار می‌درد
حاجی تونیستی شترست از برای آنک بیچاره خار می‌خورد و بار می‌برد» (1)
عطار و مولانا هم در مدح و ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شخصیت عرفانی امیر المؤمنین علیه السلام اشعار نغز، مؤثر و بی‌بدیلی را در تاریخ شعر فارسی انشاد نموده‌اند.
مولانا در سفر بلخ به قونیه به زیارت عتبات مقدس و از آن‌جا از راه دمشق(نزدیک سال 618 ق) به قونیه رفت. (2) اما حافظ که در قرن هشتم شعر شعرا و شعر اولیا را در هم آمیخت و «شعر کیمیا» ساخت، (3) دو غزل مشهور(زان یار دلنوازم شکریست با شکایت ....) و(دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند ...). در ابیاتی به عبارات «رندان تشنه لب» و «سرهای بریده» و «شب‌قدر» به جریان شهادت امیر المؤمنین علیه السلام و قضیه شهدای کربلا اشارات و تلویحاتی دارد و همچنین به طور صریح یک رباعی در مدح امیر المؤمنین علیه السلام به او منسوب است:
مردی ز کننده در خیبر پرس اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس
گر طالب فیض حق به صدقی حافظ سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس
در مقطع غزلی همت(شحنه نجف) را بدرقه راه صادقانه خویش نسبت به خاندان پیامبر، به‌ویژه زیارت امیر المؤمنین، علی علیه السلام می‌داند:
حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به‌صدق بدرقه رهت شود همت شحنه نجف (4)

1- گلستان سعدی، ص 159.

2- تاریخ ادبیات ایران، ج 1، ص 434.

3- ر. ک: سبک شناسی شعر، 192- 209.

4- دیوان حافظ، ص 212 و 372.

ص: 1051

حافظ همچنین از زیارت، زیارتگاه، آرامگاه و ... در معانی حقیقی و استعاری و عرفانی آن بهره برده است.

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

***

ثواب روزه و حج قبول آن‌کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد

جامی و زیارت عتبات

توجه به موضوع‌های مذهبی و زیارت با اقبال «عبدالرحمن جامی» در قرن نهم معطوف می‌شود.

«جامی خاضعانه نسبت به آل اللَّه به‌ویژه امیر مؤمنان، علی علیه السلام ابراز ارادت کرده است. حکّام عهد جامی هر جا کسی را می‌یافتند که حب علی علیه السلام را در سینه داشت به‌سختی مجازات می‌کردند و جامی نیز با این‌که در تقیه عقاید خود را در ایران پنهان می‌داشته، در سفر عراق با دلی مطمئن و خاطری آسوده به زیارت حرم علوی علیه السلام می‌شتابد. سروده او در مدح سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام حاکی است که وی به کربلا سفر کرده است.

کرده‌ام از دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین

خدام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین» (1)

با تشکیل دولت صفویه(907- 1148 ق) و از سده دهم هجری به بعد سفرنامه‌نویسی به صورت شعر هم رایج شد. از جمله این سفرنامه‌های منظوم، سفرنامه سید مهدی بحرانی در گذشته به سال 1243 ق در باره کاظمین است که آن را با

1- جامی و سروده‌های ولایی، ص 17؛ مفاتیح الجنان، ص 928؛ چند مرثیه از شاعران پارسی‌گوی، ص 2- 12.

عنوان رحلة الشّتاء و الصّیف به رشته تحریر درآورده است. (1) 4. زیارت مشهد الرضا علیه السلام در شعر
در جغرافیای کهن، دو منطقه اصلی و مهم ایران، خراسان و عراق(ایران) است و از این رو شعر به اعتبار شاعران، یا خراسانی است یا عراقی و شاعران، شعر خود را به یکی از این دو منطقه نسبت می‌دهند.
- خاقانی شروانی(م 595) مدام در آرزوی دیدن خراسان و زیارت فضلای آن‌جا بود.
به خراسان شوم انشاء اللّه آن ره آسان شوم انشاء اللّه
عندلیبم چه کنم خارستان به گلستان شوم انشاء اللّه (2)
در سال 549 ق خاقانی با اجازه شروان شاه اخستان به شوق دیدار خراسان که آرزوی دیرینه او بود، از شروان بیرون آمد، اما چون در شهرری بیمار شد و خراسان نیز بر اثر فتنه غز و حبس سلطان سنجر و قتل محمد بن یحیی گرفتار هرج و مرج و آشوب گشت، به دستور پادشاه مجبور به چشم پوشی از مسافرت شد و این گونه به حسرت در قصیده‌ای مویه می‌کند:
چه سبب سوی خراسان شدنم نگذارند عندلیبم، به گلستان شدنم نگذارند
نیست بستان خراسان را چون من مرغی مرغم آوخ سوی بستان شدنم نگذارند
یا در قصیده‌ای دیگر گوید:
رهروم مقصد امکان به خراسان یابم تشنه‌ام مشرب احسان به خراسان یابم
این‌گونه قصاید زیبا و غرای خاقانی درباره خراسان را «خراسانیه‌های دیوان خاقانی» نامیده‌اند. (3)

1- «بقاع متبرکه و صنعت گردشگری»، میراث جاویدان، ش 52، ص 118 و 119.

2- سبک‌شناسی شعر، ص 109.

3- «به خراسان روم ان‌شاء اللّه، بررسی خراسانیه‌های خاقانی شروانی»، زائر، ش 77، ص 30.

- نورالدین عبدالرحمن جامی نیز در قرن نهم در مدح و منقبت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌ویژه علی بن موسی الرضا علیه السلام، حریم درگاه آن امام همام را قبله گاه سلاطین می‌داند:

سَلامٌ عَلی آلِ طاها وَ یس سَلامٌ عَلی آلِ خَیرِ النَّبِّیین
سَلامٌ عَلی رَوْضَةٍ حَلَّ فیها امام یُباهی بِهِ الْمُلْکُ وَالدّین
امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین

منقبت‌گویی و مرثیه‌سرایی در عهد صفوی

با مرگ جامی دوره شعر کلاسیک که با رودکی آغاز شده بود، پایان یافت. در روزگار پرعظمت پادشاهان صفوی هیچ شاعر مبتکر و بزرگی که در تاریخ ادبیات ایران نام و مقام شایسته‌ای یابد برنخاست. این امر را باید در سیاست کلی پادشاهان صفوی جست که به دلایل داشتن مقام شیخی و رهبری طریقت و تماس با رؤسای مذاهب و رقبایی چون شاهان عثمانی و هند به شعر و شاعری توجه یک‌سویه داشتند (1) و بیشتر همّ خود را صرف ترویج مذهب تشیع می‌کردند و اکثر اشعار به جای مدیحه و غزل در مدح و منقبت اولیای دین و ذکر کرامات ائمه اطهار علیهم السلام و مصیبت شهیدان کربلا و بزرگداشت امام زادگان در ایران بود. محرک‌های شاعران در سرودن این‌گونه اشعار، هدفمندی، (2) پرداختن به باورداشت‌های مذهبی و کسب ثواب اخروی را نیز نباید از نظر دور داشت. لازم به یادآوری است که منقبت‌گویی و مرثیه‌سرایی ویژه شعر عهد صفوی و حتی زبان فارسی نبوده است، چه این دو موضوع در اشعار شعرای سده‌های پیشین، به‌ویژه قرن‌های هشتم و نهم و در زبان عربی در اشعار ابوالاسود دوئلی در منقبت امیرالمؤمنین علیه السلام، قصیده میمیه فرزدق در مدح امام زین العابدین علیه السلام،

1- سبک‌شناسی شعر، ص 288.

2- دایرة المعارف تشیع، مقاله «رابطه فرهنگی و هنری ایران در عهد صفوی و ویژگی‌های ادب شیعه»، ج 2، ص 37 و 38.

هاشمیات کمیت اسدی و قصیده تائیه دعبل خزاعی سابقه داشته است. (1) پیداست که غلبه نهایی تشیع و رسمی شدن آن می‌توانست در این امر تأثیر تازه‌ای داشته باشد، به‌ویژه که پس از شاه اسماعیل، شاه تهماسب(مدفون در جوار مرقد منور امام رضا علیه السلام) سیاست دینی پدر را دنبال نمود و بعد از آن(به‌جز اسماعیل دوم فرزند شاه تهماسب) در عهد پادشاهی شاه عباس و جانشینانش تا به آخر عهد صفوی، همان سیاست با قوت تمام دنبال شد و گویندگان و ستایندگان بزرگ زمان شاه تهماسب، مانند حیرتی تونی(م 961 ق)، محتشم کاشانی(م 996 ق) سرگرم ساختن اشعار دینی، به‌ویژه مناقب آل رسول صلی الله علیه و آله و مرثیه با حال و هوای زیارت کربلا و مشهد مقدس در قالب‌های قصیده، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند بوده و حتی برخی اموال خود را وقف آستانه امام رضا علیه السلام نموده‌اند؛ مانند قاسمی گنابادی از شعرای قرن دهم.

همچنین پادشاهان صفوی در راستای سیاست، علاقه و نذر و نیازهایی که به مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام داشته‌اند، همواره به زیارت مشهد مقدس می‌شتافته و علما و دانشمندان و شاعران را به همراه می‌برده‌اند و اموال و املاک شخصی خود را وقف و نذر حرم مطهر می‌کرده و به تعمیر و توسعه حرم اقدام می‌نموده و خدام و متولیان امر را تحت حمایت خویش می‌نواخته‌اند.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان(ص 925- 927) به نقل از صاحب مطلع الشمس در خصوص زیارت‌های شاه عباس از اصفهان به مرقد مطهر امام رضا علیه السلام می‌نویسد: در اواخر سنه 1008 مجدداً شاه عباس به مشهد مقدس رفته، زمستان را در آن‌جا گذرانید و خدمت خادم باشی آستانه مقدسه را خود متقلّد و مشغول بود، چنانچه شبی با مقراض(قیچی) سرشمع‌ها را می‌گرفت. شیخ بهایی رحمه الله بالبدیهه این

1- همان.

اشعار را انشا کرد:
پیوسته بود ملایک علیین پروانه شمع روضه خلد آیین
مقراض به احتیاط زن ای خادم! ترسم ببری شهپر جبریل امین
و در سنه 1009 بنا به نذری که شاه عباس کرده بود که پیاده به مشهد برود، پیاده به مشهد مشرف گشت و در 28 روز آن راه طولانی را طی نمود و صاحب تاریخ عالم آرا این اشعار را در این باب نگاشته است:
غلام شاه مردان شاه عباس شه والاگر خاقان امجد
به طواف مرقد شاه خراسان پیاده رفت با اخلاص بیحدّ ...
پیاده رفت شد تاریخ رفتن زاصفاهان پیاده تا به مشهد
مصرع آخر، به حساب ابجد 1009 می‌شود که تاریخ سفر شاه عباس به مشهد مقدس است.
رویکرد پادشاهان صفوی در تشویق شاعران به منقبت‌گویی و مرثیه اهل بیت علیهم السلام و از سویی بی‌مهری به شاعران مداح باعث شد که شعر در این دوره از محیط دربار قدم بیرون نهاد و به دست عامه افتاد و گویندگان غزلسرا و مثنوی ساز به دربار سلاطین عثمانی و بارگاه شاهان گورکانی هند روی آوردند و به تشویق آنان «سبک هندی» در شعر فارسی رسوخ یافت و در معماری و نقاشی و سایر مظاهر فرهنگی و هنری، سبک تازه‌ای به وجود آمد که آن را سبک «هند و ایرانی» یا «هند و اسلامی» نامیده‌اند. (1) در این راستا بارگاه‌هایی نمادین از ائمه طاهرین علیهم السلام در هند شکل می‌گیرد.
همزمان با احداث شهر تاریخی حیدرآباد(دکن) هند در سال 1006 ق در شرق این شهر و بالای کوه یک رواق به نام بارگاه امام رضا علیه السلام به حکم علامه میر مؤمن استر آبادی گرگانی ساخته شده و به همین خاطر این کوه را «کوه مبارک امام ضامن علیه السلام»

1- همان.

نامیده‌اند. شیعیان شهر حیدرآباد در شب ذی القعده به مناسبت سالروز ولادت با سعادت امام رضا علیه السلام به زیارت کوه مزبور مشرف و به جشن و شعر خوانی و مداحی در فضایل و منقبت آن حضرت می‌پردازند. (1)

تألیف کتب مربوط به زیارت در قرن سیزده و چهارده

موضوع زیارت در قرن سیزدهم و چهاردهم به اندازه‌ای شیوع و اهمیت پیدا می‌کند که کتاب‌های بسیاری در زمینه زیارت، زایرین و شرح زیارات معصومین علیهم السلام به نثر و نظم به زبان‌های فارسی و عربی تألیف گردیده است.

از جمله کتاب‌های زیارتی منظوم تحفة الزائرین بالهادین است که عارف و شاعر قرن سیزدهم میرزا علی خان صفاء السلطنه نایینی متخلص به «مشتاقی» آن را سروده و حاوی مجموعه‌ای از زیارات و مناجات و قصاید در مدیح ثامن الائمه علیه السلام و خواهرش حضرت معصومه علیها السلام می‌باشد و آن را در سنه 1300 وقف آستان قدس رضوی نموده است. از اشعار مشتاقی در مورد زیارت آستانه مبارک حضرت رضا علیه السلام قصیده «معبد ملائکه» است:

این معبد ملائکه یا عرش کبریاست یا بقعه منور سلطان دین رضاست؟

پاداش یک زیارت تو صد هزار حج چونان‌که یک اشارت تو خلد را بهاست

خاکی که زایر تو گذارد قدم بر آن فرخنده تربتی است که بهتر ز کیمیاست

(2). (3)

1- «کوه مبارک امام ضامن علیه السلام، زائر، ش 77، ص 33.

2- «معبد ملائکه»، زائر، ش 3، ص 19.

3- درباره کتاب های زیارتی به نثر و شعر، ر. ک: الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی، جلد های 3، 13، 14، 15، 18، 20، 25؛ زیارت، سید محمد حسینی، ص 165 و 166.

5. نهضت بازگشت ادبی و زیارت حضرت معصومه علیها السلام

دکتر آرین‌پور در از صبا تا نیما می‌نویسد: «در نیمه دوم قرن دوازدهم، اواخر دوره افشارها و کمی پیش از فتحعلی شاه نهضت نسبتاً مهمی در شعر و نثر فارسی به نام «بازگشت» آغاز شد. شهر اصفهان کانون نهضت جدید شد و شاعرانی از سبک رایج هندی برتافتند و به تقلید و تتبع طرز و شیوه استادان سبک خراسانی در پنج شش قرن پیش پرداختند». (1) بر اثر هدایت و تشویق مهم‌ترین آنها یعنی میر سید علی مشتاق از سادات حسینی اصفهان منظومه‌ای از گویندگان جوان بر گرد او جمع شدند، مانند محمد خیاط عاشق اصفهانی، صهبای قمی، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی و حاجی سلیمان بیدگلی کاشانی را که مشاهیر شعرای عهد فتحعلی شاه بیشتر شاگردان آنها بودند می‌توان نام برد. این شاعران علاوه بر قصاید و غزلیات به سبک خراسانی و عراقی، ترکیب بندهایی بسیار فصیح و سوزناکی به تقلید از ترکیب بند محتشم کاشی سروده‌اند و ضمن زیارت حرم‌های ائمه علیهم السلام و اولاد پاک آنان در ایران، قصاید محکم و غرایی در ستایش آن حضرات و شهرهای مذهبی و اماکن زیارتی به‌ویژه آستانه حضرت معصومه علیها السلام از خود به یادگار گذارده‌اند؛ برای مثال سید احمد هاتف اصفهانی قصیده‌ای(ماده تاریخ) در ستایش شهر قم و حرم حضرت معصومه علیها السلام دارد به مطلع:

حبّذا شهری که سالار است در وی سروری عدل پرور شهریاری دادگستر داوری

و همو در تاریخ مرمّت گلدسته حرم(1191) گفته است:

سپهر مجد و خورشید سماحت اختر عزت نظام عالم و دستور گیتی آصف دوران

1- از صبا تا نیما، ج 1، ص 13.

دبیرخامه هاتف پی تاریخ اتمامش رقم زد: شد زحکم آصف این گلدسته آبادان
(دیوان هاتف)
دکتر آرین پور وضع ادبی دوره قاجار را چنین توصیف می‌نماید: «آغا محمد خان، مؤسس قاجاریه به واسطه اشتغال به جنگ و پیروزی، طبعاً فرصتی برای تشویق شعرا و گویندگان نداشت، اما برادرزاده و جانشین او فتحعلی شاه دربار باشکوهی در تهران تشکیل داد و صدها شاعر و قصیده گو و غزلسرا که محور آنها ملک الشعرای صبا(م 1238 ق) بوده، از هر سو پیرامون شاه شاعر و شعرشناس گرد آمدند». ملک الشعرای صبا که به قول علامه دهخدا روزگاری را نیز به حکومت قم و کاشان گذرانید و گویند وقتی به کلیدداری آستانه نیز منصوب گشت، (1) از جمله شاعرانی بود که بیشترین قصاید و ماده تاریخ‌های محکم و غرایی را در کتیبه‌های منظوم فارسی در موضوع زیارت آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام در قم، امامزاده جعفر در پیشوای ورامین و دیگر آستانه‌ها و اماکن مذهبی در تهران و ری به خود اختصاص داده است. معروف‌ترین اشعار کتیبه‌های حرم مطهر حضرت ستّی فاطمه معصومه علیها السلام یعنی کتیبه‌های گرداگرد گنبد، پایه مرمرین ضریح مرقد منوّر، سردر ورودی سابق(از سوی شمال) و در میانی ایوان طلا و حرم مطهر از سروده‌های طبع شیرین صباست. ابیاتی از یکی از کتیبه‌ها که به منظور تذهیب گنبد در سال 1218 ق در بحر رمل(فاعلاتن) سروده و به خط نستعلیق آقا مهدی ملک الکتاب طهرانی مزین گردیده است را در زیر می‌آوریم:
آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا که زرین بارگه بضعه موساستی
بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طرّه حوراستی

1- لغت‌نامه هخدا، ج 27، ص 116 و 117.

نوگلی رنگین زطرف گلشن یاسین بود آیتی روشن به صدر نامه طاهاستی
پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفاست زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی
...
شاعران دیگر عهد قاجار همچون غیاثای حلوایی(م 1052)، میرزا صادق ناطق اصفهانی(م 1230) صاحب قصیده(ماده تاریخ) معروف معجزیه، اشراق(قرن 13)، خادم، عبداللّه محرم(کتیبه ضریح)، دانش، حاج محمد تقی بن عباس شیرازی متخلص به شوریده(م 1247)، شیبانی کاشانی(م 1308) صاحب دو قصیده 53 و 36 بیتی مطوّلِ گرداگرد ایوان‌های صحن نو، سید غمخوار(قرن 14) قصاید و ماده تاریخ‌های شیوایی در ستایش حرم حضرت معصومه علیها السلام و سال ساخت و تعمیر و تزیین حرم و بناهای اطراف آن سروده و به حرم مطهر تقدیم نموده‌اند که حاکی از محبت و ارادت آن شاعران به آستان پر برکت حضرت معصومه علیها السلام و توجه به سرزمین مقدس قم است. نگارنده درباره کتیبه‌های آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام پژوهشی مفصل و ادبی تهیه و در سفر اخیر به آستانه مطهر قم عکس‌هایی از این کتیبه‌های نستعلیق صحن شرقی تهیه و مشاهده نموده است که کتیبه‌های شعری جدید به خط ثلث هم زینت بخش نمای کاشی‌های معرق حیاط ورودی به مرقد مطهر(مجاور صحن مزبور) گردیده است.
6. زیارت و امامزاده‌ها پیامبران در ایران
در مرحله اول، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم اسلام مورد سفارش واقع شده است. اما اگر افرادی به زیارت آن بزرگواران دست نیافتند، یا زیارت آنان را انجام داده‌اند، نوبت به زیارت امامزادگان، اولیا و صالحان و پیامبران می‌رسد که به حمداللّه در غالب بلاد شیعه به‌ویژه ایران، قبورشان ملجأ و پناه دردمندان و حاجتمندان است و به استحباب زیارت آنان در روایات و احادیث و نظر علمای اعلام تصریح شده است.
در حدیثی که در مقدّمه مقاله گفته آمد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در شأن فاطمه اطهر علیها السلام زیارت

فرزندان امام حسن و امام حسین علیه السلام را به منزله زیارت آن دو بزرگوار ذکر نموده که از این حدیث زیارت امامزاده‌ها استنباط شد. حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «
من لم یقدر علی زیارتنا فلیزر صالحی موالینا یکتب ثواب زیارتنا
»؛ هر کس نمی‌تواند به زیارت ما بیاید، باید دوستداران صالح ما را زیارت کند و برای چنین زیارتی، ثواب زیارت ما برای او نوشته می‌شود. بر اساس این‌گونه روایات و احادیث به تدریج در میان مردم ما این عقیده ریشه‌دار گردیده که زیارت غیر امامان معصوم را هم مورد توجه قرار دهند. (1) این موضوع از دوره صفوی آغاز می‌شود. یان ریپکا درباره رویکرد شاعران صفوی به امامزاده‌ها می‌نویسد: «شاعران شیعی عهد صفوی و پس از آن، از آن‌جا که به جای مدح و قصیده به ستایش پیغمبر و علی یا سوگنامه امامان پرداخته‌اند. اما از دیگر سو بی‌مهری آشکار به شاعران باعث شد که دلبستگی به امامزادگان، فرزندان امامان و به آرامگاه ایشان که به امامزاده هم بلند آوازه‌اند بسیار چشمگیر باشد». (2) از این رو شاعران علاقه‌مند و شیفته امامزاده‌ها، بقاع متبرک و پیامبران آثار ادبی خالصانه، احساسی و عاطفی خود را به آستان آن بزرگواران تقدیم داشته و بدین‌وسیله سر ارادت و احترام خود را به آستان خاندان پاک رسالت ساییده‌اند و برخی از اشعار آنها همراه با آیات و احادیث بر کتیبه کاشی بناها، قبور و ضریح‌های مطهر به صورت خوشنویسی نقش بسته است.
علاوه بر اشعاری که شعرای دوره بازگشت ادبی و پس از آن درباره حرم حضرت معصومه علیها السلام قم سروده و در قسمت پیشین از آن بحث شد، نمونه‌هایی از شعر شعرای قرون اخیر و معاصر را در وصف و منقبت و زیارت امامزادگان بقاع متبرکه و پیامبران

1- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص 168 و 169 به نقل از بحار الأنوار؛ مفاتیح الجنان، ص 562.

2- تاریخ ادبیات ایران، ج 1، ص 526.

که در کتاب‌های مربوط به شرح احوال، آثار تاریخی و مدفن آن بزرگان تألیف گردیده به دست می‌دهیم. صبای کاشانی(م 1238 ق) قصیده‌ای 25 بیتی ماده تاریخ برای ایوان بقعه مبارک امامزاده جعفر علیه السلام پیشوای ورامین در سال 1227 ق سروده که روی کاشی نوشته شده و نمونه ابیات آن چنین است:

مالک رقاب عالم دارای دادگستر شمس الملوک اعظم خاقان پاک گوهر

ایوان و گنبد و صحن چون عرش و چرخ جنت آراست خوب و جانبخش افراخت نغز و دلبر

کلک صبا رقم زد از بهر سال تاریخ بنیاد شد زدارا این بارگاه جعفر (1)

شاعران اواخر روزگار قاجار همچون سروش اصفهانی(1270 تاریخ کتیبه گنبد)، مشرق(کتیبه ضریح) و ... قصاید و ماده تاریخ‌های شیوایی را برای حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام و امامزادگان طاهر و حمزه علیهما السلام واقع در شهرری انشا نموده‌اند که به خط نستعلیق بر کتیبه کاشی‌های معرق و آیینه کاری‌های حرم‌های مطهر قصارنویسی و تذهیب شده است. (2) همچنین بالای در ورودی بقعه متبرک امامزادگان خطیب و نجیب واقع در بلده نور آیات و ابیاتی با خط نستعلیق خوش نوشته شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ فَاللّٰهُ خَیْرٌ حفِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّ حِمِینَ».

آید از این لاله زار بوی خطیب و نجیب می وزد از این مزار بوی خطیب و نجیب (3)

1- آشنایی با سلاله پاکان(امامزاده جعفربن موسی الکاظم(ع)، ص 72-74.

2- دائرة المعارف تشیع، ج 1، ص 81؛ نیز ر. ک: زندگی نامه حضرت عبدالعظیم(ع)، ص 318؛ آثار تاریخی تهران، ص 151.

3- از آستارا تا استارباد، ج 3، ص 265.

از اشعار معاصر در مدیحه علیا جناب خاتون زینب علیها السلام واقع در ارزنان اثر طبع مرحوم سید مجتبی کیوان(1330- 1412 ق) در موضوع زیارت امامزادگان است:

معطر می‌شود جانی که زی کوی تو می‌آید که بوی اولیای حق زمشکوی تو می‌آید

به‌یاد خاکبوس جدّ والای تو می‌افتد به آهنگ زیارت هرکس سوی تو می‌آید (1)

و نیز همواره مراقد پیامبران مورد توجه علما و شاعران بوده است. شیخ کمال الدین همایون فراهانی در مدیحه اشموئیل نبی علیه السلام واقع در ساوه اشعاری به شرح ذیل دارد:

نهفته است در این بارگاه با تجلیل پیام آور یزدان جناب اشموئیل

به هوش باش که این مرقد سراسر نور بود مزار ملائک مطاف جبرائیل

به شهر ساوه مزارش منادی توحید به خاک کشور جمشید مایه تجمیل (2)

7. زیارت بزرگان، مشاهیر علمی و شاعران

همان‌گونه که در بحث زیارت در روایات عرض شد، از نخستین زمینه‌های زیارت در اسلام زیارت(دیدار) برادران دینی با یکدیگر بوده است و در حدیث امام صادق علیه السلام فوایدی برای آن ذکر شد که دیدار بزرگان، مشاهیر، علمی و ادبی و اساتید، یکی از مصداق‌های آن است. بر اساس این، صورت دیگری از زیارت و دیدار شاعران، مشایخ، عرفا و دانشمندان در تاریخ ادبیات فارسی رقم خورده است که طی آن دیدارها و زیارت‌هایی بین بزرگان و شاعران رخ داده و اشعاری برای هم سروده‌اند که حاکی از بزرگواری‌ها، گذشت‌ها و گاهی فخر فروشی، طعنه، طنز و ... آنان نسبت به هم بوده است: ابوسعید ابوالخیر، عارف نامی سده چهارم و پنجم با مشایخ و اساتیدی

1- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب

2- شکوه اعجاز، ص 103 و 104.

چون ابوالحسن خرقانی، ابوعبداللّٰه محمد بن احمد خضری مروزی(م 400 ق)، استادش حسن سرخسی و ... دیدارهایی علمی و ادبی داشته و اشعاری خطاب به آنها سروده و پاسخ گرفته است. ابوسعید یک رباعی شگفت و شطح گونه نیز در موضوع زیارت به معنی دیدار دارد که در کتاب سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، تألیف مرحوم سعید نفیسی، صفحه 59 آمده و شرحی در تعلیقات از سیّد عزالدین آملی در صفحه 151 ذکر شده و آن رباعی چنین آغاز می‌گردد: دی بر سر گور زلّه غارت کردم ....
همچنین در قرم ششم دو زیارت و ملاقات بین شعرا اتفاق افتاده که حاوی حکایت‌های شیرین و خواندنی است. یکی در ابتدای قرن ششم در سال 506 ق است که نظامی عروضی بر اساس حکایتی در چهار مقاله، خیام را به شهر بلخ در کوی برده‌فروشان در سرای امیر ابوسعد جرّه ملاقات کرده بود و خیام بدو گفته: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می‌کند» و به سال 530 وقتی به نیشابور رسید، چهار سال بود که آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود. عروضی می‌افزاید: «آدینه‌ای به زیارت او رفتم و یکی را با خود بردم که خاک او به من بخش نماید. مرا به گورستان حیره بیرون آورد ... و چندان برگ شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایت که به شهر بلخ از او شنیده بودم ...». (1) این حکایت حاوی کرامت و پیشگویی خیام نیشابوری در مورد محل دفن خود بوده است. حکایت دیگر، دیدار شرف الدین حسام النسفی از علمای دینی و شاعر، با خاقانی شروانی است که حاکی از بزرگواری و گذشت خاقانی نسبت به حسام در مورد شاعری وی است. (2) در قرن هفتم نیز عطار، قسمتی از عمر خود را به رسم سالکان طریقت در سفر

1- چهار مقاله، ص 100 و 101؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج 2، ص 527.

2- سبک‌شناسی، ص 47 و 48.

گذراند و از مکه تا ماوراء النهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرد. (1)
همچنین شیخ مظهر الدین باخرزی در سفر به قونیه توقع داشته که مولانا به دیدار او برود، اما مولانا به دلیل داشتن مقامات عرفانی، زیارت خود را اولی دانسته و می‌گوید:
ما به بغدادِ جهانِ جان انا الحق می‌زدیم پیش از آن کاین داروگیر نکته منصور بود (2)
8. زیارت قبور مؤمنین و شهدا
در یک تقسیم‌بندی کلی زیارت به دو بخش تقسیم می‌شود: زیارت معصومین علیهم السلام و زیارت مؤمنین(اهل قبور). درباره زیارت اهل قبور هم دستورهای فراوانی از سوی پیشوایان اسلام وارد شده است و این عمل به عنوان یک وظیفه اخلاقی برای زندگان معرفی شده است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «زُوروا مَوْتاكُمْ فَاِنَّهُمْ یَفْرَحُونَ بِزِیارَتِكُمْ ...»؛ به زیارت مردگان خود بروید، زیرا آنان به خاطر زیارت شما خرسند می‌گردند. امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت مرده رفتن، مثل هدیه بردن در زنده بودن اوست و سبب خوشحالی او می‌گردد. (3) مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان می‌نویسد: «زیارت قبور مؤمنین ثواب بسیار دارد و علاوه بر فواید عظیمی که بر آن مترتب است، باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی‌میلی به دنیا و رغبت در آخرت است». بر این اساس، شاعران و نویسندگان خوش قریحه پارسی نیز با زیارت قبور در سوگ مؤمنین، دوستان و شهدا، طبع آزمایی نموده و اشعاری سوزناک و مرثیه‌ای را سروده و یا حتی بعضی از شاعران اشعاری برای گورخود گفته‌اند که برخی از این اشعار بر سنگ قبور و مزارها به زیبایی و به اشکال و خطوط گوناگون نقش بسته است که بررسی و پژوهش درباره آنها، «روشنگر بعضی پیچیدگی‌های مسایل در تدوین تاریخ و زندگی‌نامه مردم هر

1- تاریخ ادبیات در ایران، ج 2، ص 861.

2- سبک‌شناسی شعر، ص 232.

3- فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، ص 164 و 165.

عصر که در جامعه‌شناسی نمودار اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم ملت ایران است» (1) که همه اینها را می‌توان در قالب دانش «مزار پژوهی» مطرح و عرضه داشت.
در این زمینه کارهایی انجام گرفته است؛ از جمله بررسی ویژگی‌های سنگ نوشته مزار شهدای جنگ تحمیلی است که کتاب‌ها و مقالاتی پیرامون آن نگاشته شده است.
محض نمونه می‌توان به مقاله‌ای در مورد اشعار علی معلم دامغانی که در موضوع سنگ قبر شهدا و اموات گورستان‌های محل تولد وی سروده و نگارنده در یکی از روزنامه‌های رسمی آن مقاله را دیده است و نیز کتاب بررسی سنگ نبشته مزار شهدا، نوشته کارشناسان مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی که به متون و اشعار نوشته بر قبور شهدا اشاره و تحلیل دارد و ... اشاره نمود.
نتیجه
شاعران در سه قرن اول هجری از اصطلاحات دینی و مذهبی به صورت ابزاری و خام برای مدح و توصیف امرا، پادشاهان و معشوق استفاده کرده‌اند، اما از قرن چهارم تا ششم زیارت به معنای خاص اماکن مقدس مانند مکه مکرمه و مدینه منوره، با ستایش کعبه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در شعر خاقانی به اوج می‌رسد آغاز و نیز زیارت در معنای عام یعنی دیدار شاعران و بزرگان با یکدیگر نیز رخ داده است، تا این‌که در قرن نهم جامی با این‌که حکام وقت ضدیتی بسیار با شیعه داشته‌اند، به زیارت عتبات شتافته و اشعار دلنشین و خالصانه سروده است. از قرن دهم با تشکیل اولین حکومت ملی، صفویه و رشد و ترویج عقاید شیعی و طرد قصاید ستایشی توسط آنها، شاعران بی‌آن‌که به زیارت عتبات مشرف شوند، به مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه مرثیه شهیدان کربلا پرداخته و به طور صریح و یا تلویحی عشق و شیدایی خود را به خاندان پاک رسول صلی الله علیه و آله و زیارت آن بزرگواران نشان داده و علاوه بر آن به زیارت مشهد مقدس اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. و از طرفی از قرن دهم به بعد، سفرنامه‌نویسی منظوم

1- «بقعه امامزاده قاسم علیه السلام»، مجله دانشمند، ش 11، ص 76.

حج و عتبات نیز باب می‌شود و پس از آن در دوره قاجاریه(قرن 12 و 13) توجه و اهتمام شاعران به زیارت امامزادگان و بقاع متبرک قم به‌ویژه آستانه مبارک حضرت معصومه علیها السلام و امامزادگان مدفون در ایران، به‌ویژه در تهران و ری جلب و سوق داده می‌شود.
اما امروزه زیارت به معنای اصطلاحی آن یعنی زیارت حرمین شریفین(حج) و عتبات عالیات در عراق، سوریه و دیگر کشورهای اسلامی و زیارت امام هشتم علیه السلام، امامزادگان بزرگوار، پیامبران عظام، قبور مؤمنین و شهدا و ... در ایران در شعر برخی شعرای معاصر، دیوان‌ها، مجموعه‌های اشعار مذهبی و کتب مربوط به معرفی اماکن مقدس و بقاع متبرک، در حال پیدا کردن جایگاه اصلی خود است. به طوری که اشعار سنتی و نو در برخی قالب‌ها و زبان‌های شعری، به‌ویژه محاوره به صورت موضوعی به خصوص در باب زیارت امام رضا علیه السلام اندکی شکل گرفته است، اما زیارت به صورت کلی و عام یعنی اصطلاحات و لغات زیارت بقاع و اماکن متبرک در برخی اشعار با کمی جست‌وجو و کاوش پیدا می‌شود که تلاش و همت عالی شاعران متعهد و مکتبی را برای بهره بردن از موضوع زیارت با مطالعه و پژوهش بیشتر می‌طلبد و پیرو آن تألیف و تدوین کتاب‌ها، مجموعه‌ها و منظومه‌های داستانی در زمینه شعر و نثر زیارت به طور تخصصی ضرورت پیدا می‌کند. و از سویی مسئولیت تهیه و تدوین «دایرة المعارف زیارت» و یا دست کم دانشنامه زیارت توسط سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط را دو چندان می‌نماید که برگزاری همایش زیارت و تداوم آن در سال‌های آینده می‌تواند تمهیدات و مقدمات لازم را برای این مهم فراهم آورد. در این‌جا برای نمونه و حسن ختام چند شعر موضوعی و گزیده ابیاتی در خصوص زیارت آل رسول صلی الله علیه و آله و ذریه طیبه، امامزادگان بزرگوار علیهم السلام از شعر و ادب معاصر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی به دست می‌دهیم:
الف. اشعار موضوعی زیارت درباره حضرت امام رضا علیه السلام و خواهر مکرمه‌اش.

دوس دارم صدات کنم تو هم منو نیگا کنی من تورو نیگات کنم، تو هم منو صدا کنی
(سهیل محمودی، می‌خواهم عاشقانه‌تر بخوانیم)
اومدم با یک اشارت اومدم به زیارت اومدم.
حاجتم رواکن.
به طواف بارگاهت اومدم به پناهت اومدم.
دردمو دواکن.
هر دو شعر فوق به صورت محاوره و سرود درآمده و شعر اول در میلاد آن حضرت از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود و شعر دوم در سایت اینترنتی موجود است.
می‌روم تا کبود حقارت بقعه بیکسی را زیارت
(علی معلم دامغانی، رجعت سرخ ستاره)
وقتی که با توهستم، انگار توی بهشتم من تو تموم خوابام، اسم تو رو نوشتم
دور سرم می‌چرخن، کفترا دسته دسته بیا بریم زیارت تو هم دلت شکسته
(علیرضا قزوه، شعر زیارت، عشق علیه السلام)
هر که ز روی معرفت زیارت رضا کند ز نعمت زیارتش زیارت خدا کند
ببین مقام زایرش که از طواف قبر او ثواب صد هزار حج، خدا به او عطا کند
(ژولیده نیشابوری، دلا بسوز که)
مثنوی «جهان از جوی عصمت می‌خورد آب»(گل‌های زهرایی) اثر احمد عزیزی به مطلع:

خوشا صحرای قم وان ابرو بارش گل معصومه می‌روید بهارش (1)
ب. ابیات برگزیده شاعران معاصر با موضوع زیارت ائمه معصومین علیهم السلام، امامزادگان و پیامبران.
فلک تبرک جوید، فرشته کحل بصر زخاک مقدم زوار سیدالشهدا علیه السلام.
(قدرت قمی)
سلام بر توکه دارد زیارت حرمت ثواب گفتن تسبیح و خواندن تهلیل
(ریاضی یزدی برای حضرت مسلم علیه السلام، چراغ صاعقه)
آن طنین زنگ زیارت می‌دهد آن صدا بوی بشارت می‌دهد
بر سر خاکش پرستوها شدند زایرانش فوج آهوها شدند
من هم از آداب دانان توام از زیارتنامه خوانان توام
من شهید هرشب خویشم بیا من مزار آباد تشویشم بیا
گنبدی این‌جاست از روح طلا زایران قرن آتش الصلا !
(احمد عزیزی، کفش‌های مکاشفه)
قسمت نشود روی مزارم بگذارند سنگی که گل لاله بر آن نقش نبسته
با اشتیاق زیارت، یاران همدل گذشتند انگار تنها دل من از عاشقی بی‌نصیب است
تو آن امامزاده ای که ماه و خورشید دخیل بر ضریح دیده تو بسته است
(علیرضا قزوه، از نخلستان تا خیابان)
شیون کند زمانه و زاری کند زمین این در عزای لاله و آن بر مزار گل
(سهیل محمودی، سوگند من ...)

1- روزنامه کیهان، 31 فروردین 1374، ش 15327، ص 12.

به چشم توتیا کردم غبار پای زوارش زنور عشق او بر دل خیال دیگری دیدم
(ابوالقاسم ابوالحسنی، درباره امامزاده داود علیه السلام)
در بارگه زاده زهرا داود علیه السلام از لطف خداوند کریم معبود
هر کس که شود عازم آن مرقد پاک انوار الهی شود اورا مشهود
(شیخ علی اکبر، کوماسیان) (1) ج. گاهی شاعران معاصر بر مزار شاعران متقدم حاضر شده و اشعاری در مدح یا سوگ آنها سروده‌اند. رهی معیری بر مزار مولوی طی مرثیه‌ای سوزناک گوید:
گفتم چو غنچه خنده زنم در دیار تو دردا که غرق گریه شدم بر مزار تو
هنگام نوبهار که دوران خرمی است دردا و حسرتا ! که خزان شد بهار تو (2)

1- زندگی و پرتوی از کرامات امامزاده داود علیه السلام، ص 81.

2- آزاده(مجموعه شعر)، ص 91.

فهرست منابع

1. آثار تاریخی تهران، دکتر سید محمد تقی مصطفوی.
2. آزاده(مجموعه شعر)، رهی معیری.
3. آشنایی با سلاله پاکان(امامزاده جعفر بن موسی الکاظم علیه السلام)، پیشوا، حسن اصلانی.
4. آهنگ زیارت(مقاله)، پروانه صادقی، مجله زایر، ش 135.
5. اخبار حرم، زایر، ش 135.
6. از آستارا تا استارباد، دکتر منوچهر ستوده.
7. از صبا تا نیما، دکتر یحیی آرین پور.
8. اصول کافی، ابی جعفر محمّد بن یعقوب کلینی، علمیه اسلامی.
9. اماکن مذهبی ایران و توسعه گردشگری، نادر ریاحی سامانی.
10. امثال و حکم دهخدا، علی اکبر دهخدا.
11. بحار الأنوار، علامه محمدباقر مجلسی.
12. بقاع متبرکه و صنعت گردشگری، سید حسین امیدیانی، میراث جاویدان، ش 52.
13. بقعه امامزاده قاسم علیه السلام، پرویز متین خو، مجله دانشمند، ش 11، 1373.
14. به خراسان روم انشاء اللّٰه، بررسی خراسانیه‌های خاقانی شروانی، سید هادی آقایی، زایر، ش 77.
15. تاریخ ادبیات ایران، یان ریپکا، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری.
16. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح اللّٰه صفا.
17. تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون علیها السلام، علامه فقید سید مصلح الدین مهدوی.
18. تأثیر جهانگردی در ارتقای فرهنگ روحی- معنوی مسافر، صلاح الدین محلاتی، زایر، ش 135.
19. تجلی زیارت در شعر خاقانی، تیمور غلامی، زایر، ش 75.

ص: 1071

20. تندیس عبادت، داود نعیمی.
21. توصیف کعبه و مدینه و خراسان در شعر خاقانی، دکتر جلیل تجلیل، مجله مشکوة، ش 5.
22. جامعه‌شناسی زیارت، سید مجتبی فاضل رضوی، زایر، ش 77.
23. جامی و سروده‌های ولایی، زایر، ش 77.
24. چند مرثیه از شاعران پارسی گوی، ابوالقاسم رادفر، مقدّمه.
25. چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)، حسین گنجی.
26. چهار مقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به اهتمام دکتر محمد معین.
27. خورشید در نهان، ترجمه الغیبة شیخ طوسی، عباس جلالی.
28. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی، سیر و سفر در قرآن و روایات(مقاله)، محسن معینی.
29. دایره المعارف تشیع،.
30. دیوان حافظ، خوشنویسی استاد عباس اخوین.
31. دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق.
32. زندگی نامه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، عزیز اللّٰه عطاردی.
33. زندگی و پرتوی از کرامات امامزاده داود علیه السلام، محمد علی کوشا.
34. زیارت، سید محمد حسینی.
35. زیارت، جواد محدثی.
36. زیارت در قرآن، سید محمد حسینی.
37. زیارت و دیانت یا جهانگردی و سیاحت، دکتر حکمت اللّٰه ملاصالحی، میراث جاویدان، ش 52.
38. سبک‌شناسی، محمد تقی بهار(ملک الشعرا).
39. سبک‌شناسی شعر، دکتر سیروس شمیسا.
40. سفرنامه حج تحفة الحرمین، معصومه طاهر پور، زایر، ش 131.

ص: 1072

41. سؤال از امام مهدی(عج) در روایات، سید فخر الدین موسوی.
42. شکوه اعجاز، کمال الدین همایون فراهانی.
43. فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام و تذکره آقا علی عباس علیه السلام، احمد صادقی اردستانی.
44. فرهنگ فارسی معین،.
45. کوه مبارک امام ضامن، زایر، ش 77.
46. گزیده سفرنامه ناصر خسرو، دکتر نادر وزین‌پور.
47. گلستان سعدی، تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی.
48. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا.
49. معبد ملائکه، زایر، ش 3.
50. مفاتیح الجنان، انتشارات علمی.
51. منتخب ادعیه و زیارات، تهیه و تنظیم انتشارات زایر، قم.
52. هدف از زیارت، سید هادی رفیعی پور، نشریه میراث جاویدان، ش 52.

فاطمه شعبانی اصل (1)

چکیده
یکی از آیین‌های دینی و مراسم مذهبی سفر به اماکن مقدس می‌باشد که زیارت نامیده شده است. زیارت حرکتی است ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان. زیارت حضور جسم و روح است در برابر اولیای الهی. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی با حجت خداست. آنچه در زیارت بسیار چشمگیر است، اهمیت آن و ثواب‌های بسیاری می‌باشد که در روایات ائمه اطهار بیان شده است. سفرهای زیارتی که با عشق و آرزومندی و با پس‌انداز مختصر انجام می‌شد، در هر شهر و دیاری از ایران قدیم آداب و رسوم خاصی داشت. مانند تهیه توشه راه، طلب حلالیت، پرداخت خمس یا زکات مال، نوشتن وصیّت‌نامه، پرداخت بدهی به طلبکاران، رفع کدورت و آشتی با افراد قهر، تعیین وکیل در غیاب خود، چاووشی‌خوانی و بوسیدن قرآن هنگام خروج از منزل، وداع با خانواده و بستگان. و نیز هنگام بازگشت همراه با مراسمی بود. مانند آوردن سوغات، استقبال اهالی و فامیل همراه چاووشی‌خوانی از زایر، قربانی کردن، برپایی سفره ولیمه.
کلیدواژه‌ها: زیارت، آیین، حج، زایر، سفر زیارتی.

مقدّمه

دین (2) نتیجه کوشش اندیشه انسان برای دستیابی به نوعی احساس امنیت در جهان

1- پژوهشگر واحد فرهنگ و مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما.

2- از نظر لغوی، دین کلمه‌ای است فارسی پهلوی از ریشه اوستایی دئنا(Deana) به معنی نفس، ذات ووجدان که در زبان عربی وارد شده و به معنای اطاعت به کار رفته است. معنی دیگر دین در زبان فارسی: کیش و آیین است. در زبان‌های اروپایی واژه Religion از ریشه لاتینی Religio به معنی عقد و اعتقاد، به یکدیگر بستن و در معنای عمومی، پرستش، آداب و مناسک مذهبی به کار رفته است.(انسان‌شناسی فرهنگی، ص 239).

است. دین مظهر توجه انسان به موجود الهی یا نیروهای فرا طبیعی است و یا دست کم احساس ساده وابستگی بدانهاست، که نظامی از اعتقادات به نیروهای فوق طبیعی، نمادها و مناسک (1) را در بر می‌گیرد. نظامی که در جهت معنی‌دار کردن و قابل فهم ساختن زندگی عمل می‌کند. از این حیث دین را می‌توان از دو منظر متفاوت مورد نظر قرار داد:

1. احکام و اصول اعتقادی و قوانین امر و نهی و شایست و ناشایست دینی.

2. آیین‌ها، اعمال و مناسکی که بر اساس سنت و اعتقاد در یک جامعه دینی برگزار می‌شود. آنچه در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرد قسمت دوم یعنی اعمال و مناسک دینی است که فرد مؤمن به عنوان عضو جامعه انجام می‌دهد.

از این رو یکی از انواع آیین‌های دینی مراسم زیارت رفتن و حضور در اماکن مقدس و رویارویی با اولیای خدا و ائمه دین است، که با حرکت از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می‌شود، و نوعی آیین دینی محسوب می‌گردد و می‌توان گفت: حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان، زیارت حضور جسم و جان است در برابر خلیفه اللّٰه و رهایی از عالم ظاهر و باطن، روشنگر راه زندگی و مشعل فروزان در مسیر الی اللّٰه. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا؛ قرار دادن خویش در حوزه روحانیت و معنویت و فیض به بخشی از انسانیت. زیارت به معنی دیدار، پیشواز، تمایل، اعراض، آهنگ سفر کردن، مهیای سفر شدن، عزیمت به سوی مقصود است. آنچه در زیارت بسیار چشمگیر است، ثواب‌های بسیار و پاداش‌های

1- مناسک، جمع منسک به معنای جاهای عبادت، اعمال، حج، جای قربانی کردن و همچنین راه و روش‌عبادت است.

عظیم است که در روایات ائمه، برای آن بیان شده است. از این رو سفرهای زیارتی از اهمیت خاصی برخوردار هستند.
هوگارت سفر زیارتی را چنین تعریف می‌کند: «سفر به اماکن مقدس به قصد کسب فضیلت معنوی، یا شفا یا شکرگزاری». یک تعریف رسمی این ایده را نیز در بر دارد که سفر زیارتی باید دارای مراتب خاص مناسک گزار باشد: «آغاز سفر، خود سفر، اقامت در زیارتگاه یا مکان مقدس و بازگشت به خانه». (1) از نظر وان ژنپ در هر مناسکی به طور کل سه فرایند در نظر است: 1. مرحله جدایی یا گسستن: یعنی جدا شدن فرد یا گروه از موقعیت پیشین، یا وضعیت زندگی قبلی خود. در فرایند گسستن از گذشته، فرد جزئیات فرهنگ جامعه را برای بازسازی و ادامه شیوه زندگی می‌آموزد و این خود می‌تواند برای وی «جواز عبور» باشد.
2. مرحله عبور یا انتقال: پس از گسستن از وضعیت پیشین، فرد یا گروه طی مراسمی گاه طاقت فرسا که با توسل به نیروهای فوق طبیعی و نوعی ابهام و پیچیدگی عاطفی و روانی شدید نیز همراه است، از پایگاه قبلی خود گذر می‌کند و به دنیای جدید وارد می‌گردد. در چنین مراسمی نمایش، نوخاسته به عنوان نوزاد تلقی شده و در فرایند «عبور» گویی دوباره به دنیا می‌آید.
3. مرحله پیوستن: پس از عبور از مرحله دوم، فرد به پایگاه جدید اجتماعی‌اش پیوند می‌خورد و در واقع «پیوستن» و یا گرفتن نام تازه، امتیازهای نو دستاوردهای این دوران است. (2) بنابراین، زیارت را می‌توان دارای دو عنصر جدایی و پیوند دانست. جدایی از مبدأ و پیوند به مقصد و آنچه که به نحوی با آنها ارتباط دارد، همان درد جدایی و شادی پیوند است.

1- درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری، ص 142.

2- مردم‌شناسی اعتقادات دینی، ص 138.

روش تحقیق

روش این پژوهش میدانی غیر مستقیم است. به این معنی که از اسناد و گزارش‌هایی استفاده می‌شود که از دهه چهل در بایگانی واحد فرهنگ مردم در مرکز تحقیقات صدا و سیما نگهداری شده است. این اسناد از اقصی نقاط کشور از سوی فرهنگیاران (1) و به درخواست برنامه «سفینه فرهنگ مردم» که توسط مرحوم سید ابوالقاسم انجوی شیرازی اجرا می‌شد که خصوص سفرهای زیارتی شامل قم، مشهد، عتبات عالیات و بالأخره سفر روحانی «حج» و آداب و مراسم ویژه این‌گونه سفرها گردآوری شده است می‌باشد.

مبانی نظری

بر اساس مکتب کارکردگرایی (2) هر یک از ویژگی‌های فرهنگ دارای Function هدف، غایت، قصد، منظور، انگیزه هستند، که باعث به وجود آمدن نظم اجتماعی می‌شوند.

ساختار یک جامعه، به واسطه عمل این کارکردها معیّن می‌شود. مراسم و آیین‌های دینی نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید مؤمنان ایجاد می‌کنند و این نظم و ترتیب‌ها تأثیر به‌سزایی در موضوعات مختلف زندگی روزمره و فضای روزانه فهم عمومی و واکنش‌های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس یعنی هم در حالتی روحی و معنوی مسلط و هم در تمایل و انگیزه‌ای ویژه ایجاد می‌کند. رابطه دین با جامعه رابطه‌ای یک سویه و منفعلانه نیست، بلکه دین فعالانه وارد میدان می‌شود و نه تنها نظم اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کند، بلکه آن را ایجاد کرده و بدان شکل و ماهیت می‌بخشد. زیارت در فرهنگ مردم یک عمل و اقدام اجتماعی است و دیگر آن

1- فرهنگیاران: راویان و یا افرادی هستند که بومی منطقه‌های گوناگون ایران می‌باشند. و در موردموضوعات مختلف برای واحد فرهنگ مردم مطلب ارسال می‌کنند. که از دهه چهل به صورت افتخاری به سفینه فرهنگ مردم همکاری می‌کردند.

2- Function

که چنین فعالیتی به طور جمعی و مشترک انجام می‌شود. به منظور توصیف دقیق‌تر این عمل اجتماعی، این گونه بیان می‌کنیم که زیارت شامل یک ارتباط منظم نمادین(سمبولیک) از طریق آیین‌ها و اعتقادات دینی انجام می‌شود.

در هر زیارتی، آیین، آداب و رسوم خاصی وجود دارد. کلیفورد گیرتز (1) انسان‌شناس برجسته امریکایی آیین را چنین تعریف می‌کند. آیین‌ها پذیرش اقتداری که در ورای نگرش دینی نهفته است. نگرشی که خود آیین‌ها آن را منسجم و عینیت می‌بخشد، و از تحقیق و فرآیند اجرای خود آیین‌ها ناشی می‌شوند. با ایجاد مجموعه‌ای از حالات معنوی و انگیزه‌ها و نیز ارائه تصویرهایی از نظم جهان هستی(جهان‌بینی) و به وسیله واحدی از نمادها، اجرای آیین‌های دینی جنبه مدل برای و از، باورها و عقاید دینی را جایگزین منحصر به فرد یکدیگر خبر کنند. (2) مراسمی که با قصد و اراده برای انجام سفر زیارتی آغاز می‌شد، این گونه می‌باشند، تهیه توشه راه، طلب حلالیت، پرداخت زکات مال، رفع کدورت، مکتوب کردن وصیّت، رضایت از فرزندان و همسر و پرداخت مهر او در صورت خواست همسر، همه از مواردی بودند که فرد زایر، قبل از حرکت به آن اهتمام می‌ورزید. در این بین اطلاع‌رسانی این سفر با چاووش بود که خود این حضور، اشعار و مراثی آن از آداب پیش از سفر شمرده می‌شد. همراهی چاووش در روز حرکت و بدرقه اهالی از زایر نیز بخش مهمی از سفرها بود. آن‌گاه با جدایی زایر از خانواده و دوری او از روستا، شهر و دیار خود، خانواده او نیز آدابی را به‌جا می‌آورد که از آن جمله‌اند؛ برگزاری مجالس قرآن به شکرانه سلامتی زایر، پختن آش پشت‌پا، نصب بیرق و بالأخره انتظار برای بازگشت.

شادمانی خبر مربوط به بازگشت مسافر و زایر آغازی بر برخی آداب دیگر سفر بود: پرداخت انعام به کسی که خبر بازگشت زایران را می‌رساند، مراسم استقبال

1- Clifford Geertz

2- دین به مثابه نظام فرهنگی، ص 90.

اهالی، انجام استقبال و همراه با آن چاووش‌خوانی دوباره، ذبح گوسفند، دیده‌بوسی، زیارت قبولی و بالأخره برپایی سفره ولیمه، آداب انتهایی این‌گونه سفرها بود که با تقدیم هدایا و سوغاتی‌های متبرک از سوی زایر به اوج خود می‌رسید و مرحله پیوند دوباره زایر با خانواده خود، پس از دوره‌ای از فراق و جدایی موقت به شمار می‌رفت.
پس از آن، زندگی عادی و روزمره آغاز می‌شد. با این تفاوت که شخص زایر هویت جدیدی یافته بود و در ارتباطات اجتماعی لقب جدیدی چون حاجی، کربلایی و یا مشهدی داشت. بنابراین، در چرخه‌ای از جدایی و پیوند، زایر علاوه بر بهره معنوی از سفر زیارتی، جایگاه معنوی خاصی را نیز نصیب خود می‌کرد.
جلوه‌های زیارت در فرهنگ مردم
سفرهای زیارتی با عشق و آرزومندی و با پس‌انداز مختصر انجام می‌شد. چه بسا افراد با صرفه‌جویی در زندگی روزمره، پس‌انداز چند سال خود را به این قبیل سفرهای زیارتی اختصاص می‌دادند. در ابتدا تأمین مخارج سفر برای سفر زیارتی حج «مستطیع شدن» از الزامات سفر مکه است. در دستجرد گلپایگان اگر یک نفر ثروتش به اندازه‌ای شود که بتواند به زیارت خانه خدا برود، مستطیع می‌شود. زایرین سیوند فارس که قصد زیارت خانه خدا را داشتند و جواز سفر دریافت کرده بودند به ترتیب زیر آماده می‌شدند: آنها به محض دریافت جواز، سهمیه خمس و زکات مال خود را جدا می‌کردند و به سادات و فقرای محل می‌پرداختند. سپس بدهی و حساب خود را با طرف حساب‌های خود تسویه کرده، اگر با کسی کدورت و یا قهر بوده، حتی اگر کوچک‌تر از خودش بود، با او صلح و سازش می‌کرد. آن‌گاه وسایل ایاب و ذهاب و حتی مخارج بازگشت خود را معیّن و یک نفر از فرزندان بزرگ، عیال یا داماد خود را وکیل مخارج بازگشت خود می‌کرد و دستورات لازم را به او می‌داد. در عین حال وصیت‌نامه خود را تجدید می‌کرد و دست عیال یا شخص مورد اعتماد دیگری می‌داد. (1)

1- سیف اللّه پیوندزاده، فرهنگیار.

زیارت و پابوسی امام رضا علیه السلام نیز از آرزوهای مردم بوده است و همه ساله گروه بسیاری به زیارت بارگاه ملکوتی آن حضرت در مشهد طوس نایل می‌شدند. در شهر کازرون «زن‌ها خیلی علاقه‌مند به زیارت، مخصوصاً زیارت حضرت رضا علیه السلام هستند و این است که به تدریج با پس‌انداز، «روارچینی» (1) خیاطی و ترشی‌سازی، مخارج رفتن به زیارت آن حضرت را فراهم می‌کنند». (2) بنابراین، سفرهای زیارتی جدای از سفر واجب حج بود که لازمه آن برخورداری از تمکّن مالی فرد بود.

در سال‌های گذشته وصیت، پرداخت خمس و زکات، تسویه حساب، پرداخت بدهی به طلبکاران و آسودگی خاطر از مهم‌ترین اقدامات سفرهای زیارتی، به‌ویژه حج و عتبات عالیات به شمار می‌رفت. در دستجرد گلپایگان، زایر خانه خدا «ابتدا پیش یکی از آقایان(روحانیون) می‌رود و حساب ثروت خود را می‌کند و هر چه بدهکار باشد، می‌دهد. سپس چند روز قبل از عزیمت، کلیه دوستان و اقوام را می‌بیند و از آنها عذرخواهی می‌کند تا مبادا اگر روزی حرفی زده باشد که آنها از دست او ناراحت شده باشند، از او بگذرند و او را حلال کنند. وی قبل از بستن بار سفر باید وصیت کند و «وصیت نامه» بنویسد، که اگر رفت و بازنگشت، مالش چطور بین فرزندان و زنش تقسیم شود. وقتی وصیت‌نامه را نوشت آن را به دست زنش می‌دهد».

در زمان‌های قدیم اهالی روستاهای کاشان برای سفر زیارتی بارگاه امام حسین علیه السلام از الاغ و قاطر استفاده می‌کردند. «چند روز پیش از رفتن، زایر یک نفر سواددار کامل را به خانه دعوت می‌کرد و وصیت‌نامه خود را می‌نوشت و نزد یکی از بزرگان ده می‌گذاشت تا در صورت فوت احتمالی مطابق آن عمل کنند». (3) سفر زیارتی نزد مردمان با ایمان، همواره یادآور سفر آخرت بوده است. از این‌رو مردم در سفرهای زیارتی قبل از حرکت از اهالی محل و روستا، از خویشان، نزدیکان

1- rovar cini

2- مظلوم‌زاده، فرهنگیار.

3- پهلوانیان، فرهنگیار.

و همسایگان خود حلالیت می‌طلبید تا با خاطر آسوده قصد زیارت کنند.
اهالی دستجرد گلپایگان نیز به این اعتقاد دارند که «مسافر خانه خدا قبل از سفر یکی از کارهایی که باید انجام دهد تا حج او مورد قبول واقع شود، این است که اگر در طول عمرش با کسی نزاع کرده باشد و تا آن هنگام با او صلح نکرده باشد، باید هر طور شده با او صلح کند و فرد را از دست خود راضی کند، حتی اگر آن شخص بگوید که مثلاً من مبلغی از تو می‌گیرم و با تو آشتی می‌کنم، باید به خواسته او تن دهد و او را راضی کند تا بدین ترتیب با طلب حلالیت، حج او مورد قبول خداوند قرار گیرد». (1) در سفرهای زیارتی، پیوستن به مکانی مقدّس برای تلطیف روح و بهره‌مندی از معنویات آن از سویی این رنج دوری و دردِ جدایی بیشتر از سوی وابستگان، خود را نشان می‌داد و آنان باید این جدایی را به نحوی تحمّل کنند و تا اتمام سفر زایر و بازگشت او، در تب‌وتاب باشند. از این‌رو، به آداب و رسومی خاص متوسل می‌شوند تا با انجام آن و برای ایمنی مسافر از گزند حوادث سفر، زایر خود را بیمه کنند.
در اسفرجان شهرضا نیز «باید زایر مشهد روی آردی که قبلاً در ظرفی تهیه شده، تیمّم نماید- از این آرد آش پخته و به فقرا می‌دادند- و از خانه که بیرون می‌آمد در کوچه، قرآن را می‌بوسید و از زیر آن رد می‌شد، سپس در هنگام رفتن، کاسه‌ای آب پشت زایر ریخته می‌شد». (2) جا دارد اشاره ای هر چند کوتاه به مراسم رفتن به زیارت که توسط جلال آل احمد بیان شده، بپردازیم. وی بیان می‌دارد که در هنگام رفتن به سفر زیارتی این مراسم را اجرا کردند: «سه بار از زیر قرآن و آب رد شدم و در مرتبه سوم قرآن را بوسیدم و به پیشانی نهادم و در میان هوایی که در اثر دمیدن «آیة الکرسی» ها و «چهار قل» های نزدیکانم، بوی مسجد و حرم از آن می‌آمد، هوای حرمی که دود پیه‌سوز و بوی تند شمع‌های پی‌اش کم بود. و در میان اشک‌هایی که از چشم خواهران و برادران کوچکم

1- احمدی، فرهنگیار.

2- سلطانیان، فرهنگیار.

روانه بود، از خانه بیرون آمدم تا سر کوچه هر که می‌رسید از آشنا و غریبه، از اهل محل یا دیگران همین که می‌فهمید به زیارت می‌روم از ته دل التماس دعا می‌گفت ...». (1) پختن آش پشتِ‌پا و توزیع آن بین اهالی محل و خویشان و نزدیکان، از آداب سفر به شمار می‌رود که خانواده زایر با حرکت مسافر خود، برای سلامتی و ایمنی مسافر به پخت آن مبادرت می‌ورزند. در مبارکه لنجان رسم بود که هنگام خروج زایر از منزل، یک سفره می‌آوردند که مقداری آرد در آن بود. سپس شخص زایر باید روی آن آردها را تیمّم می‌کرد و از خانه خارج می‌شد. پس از حرکت زایر، سه روز بعد برای او آش پشتِ‌پا می‌پختند و در این آش باید از همان آرد استفاده می‌شد. (2) تبرّک این آش نیز از همان آردی است که زایر روی آن را تیمن کرده است. این مراسم در روستای بهمن از توابع آباده به شکل جالبی برگزار می‌شود. در این روستا صبح روز سوم آردی را که زایر در آن را تیمّم کرده و هنوز دست نخورده باقی مانده است، می‌آورند و مقدار یک من شاه(معادل شش کیلو) آرد به آن اضافه و سپس آن را خمیر می‌کنند. آن‌گاه اقوام زایر در خانه او جمع شده و مقداری عدس، نخود و مقداری سبزی‌های خشک از قبیل برگ چغندر، پیاز خشکه- پیاز را می‌کوبند و خشک می‌کنند- شِوید خشک و مقداری ادویه می‌آورند، سپس خمیر را چانه می‌کنند و چانه‌ها را روی تخته‌ای می‌گذارند و با چوبی گرد به نام تیر «بَلَک بُری» (3) خمیر را پهن می‌کنند و با چاقویی آنها را به شکل‌های ریزتر از برگ می‌برند. دو برگ اولی را که بریده شد، به صحرا می‌اندازند و می‌گویند: «را زَوارُمونُ بریدم» (4) یعنی «راه زوّارمان را کوتاه کردیم». آن‌گاه تمام چانه‌ها که پهن و بریده شد، دو چانه آخری را به شکل یک زن و یک مرد درست می‌کنند و اسم آنها را «مومو هوا» و «بومو هوا» می‌گذارند. وقتی

1- زیارت(مجموعه داستان‌های مذهبی)، ص 47.

2- ایران‌پور، فرهنگیار.

3- balak bori

4- r zavaromono boridam

بَلَک‌بری تمام شد، مقداری سبزی خشک کرده را با روغن داخل ظرفی سرخ می‌کنند و بعد مقداری کشک به سبزی سرخ کرده می‌افزایند. آن‌گاه عدس و نخود پخته شده را با کمی آب در ظرف می‌ریزند و آنها را می‌جوشانند. هنگامی که آب جوش آمد، بَلک‌های بریده شده را داخل ظرف- دیگ- می‌ریزند و «موموهوا و بومو هوا» را هم داخل دیگ قرار می‌دهند تا پخته شود. وقتی آش پخته شد، آن‌گاه آش «بَلک» یا آش «پس پا» را کاسه کاسه به خانه دوستان، همسایگان و اهل ده می‌فرستند. سپس «بوموهوا و موموهوا» را داخل ظرفی گذاشته و آن را به یک زن می‌دادند تا به همراه ظرف، بدون آن که پشت سر خود را نگاه کند، سر جوی آب رود و «بوموهوا و موموهوا» را در آب اندازد و بگوید: «همین جور که شما خود او میریک، مسافر مَنُم زید بیا». (1).

سپس بدون آن‌که به پشت سر خود را نگاه کند، به خانه برمی‌گشت. در واقع آش «پس پا» را برای سلامتی مسافر می‌پختند. (2) از آن‌جا که زیارت اماکن متبرک یکی از آرزوهای دیرینه مردم به حساب می‌آمد، چاووش را می‌توان سمبل سفر زیارتی به شمار آورد، زیرا بدون حضور چاووش‌خوان، سفر زیارتی شور و هیجان نداشت.

در سابق زمانی که اهالی ده‌نمک اراک به زیارت مکه، کربلا و مشهد می‌رفتند، چون وسیله نقلیه بسیار کم بود و معمولاً این مسافرت‌ها طولانی بود، از چند روز قبل از سفر، یک نفر با سواد و خوش صدا همه روزه صبح هنگام، سوار اسبی شده و در کوچه‌ها به راه می‌افتاد و چاووشی می‌خواند. بسیار اتفاق می‌افتاد که کسی قصد زیارت نداشت، ولی با شنیدن صدای چاووش، تشویق شده، عازم زیارت می‌شد. (3) در فریدن کمران از توابع اصفهان، اشعار یک چاووشی که با صلوات همراه بود،

1- hamin jur ke oma xod ow miriyk mosafere manom zid baya

2- کریمی، فرهنگیار.

3- نمکی، فرهنگیار.

بدین قرار است:

اول سلام بر احمد، دوم به ساقی کوثر سوم به فاطمه، چهارم به سبزپوش پیمبر

سلام پنجم ما باد به کشته نیزه خنجر ز بعد پنج تن حق، سلام بر همه یک سر

همین کلام بود امر واجب ما که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات

به یازده پسران علی ابوطالب به ماه عارض هر یک جدا جدا صلوات

در کرب و بلا به شمر ملعون لعنت در طوس غریب‌الغربا را صلوات

چاووشی دیگری که برای اهالی این روستا آشنا بود، این ابیات است:

ای کعبه به خود مناز، هر که جایی دارد بین شاه رضا چه بارگاهی دارد

خاک در او سجده‌گه شاه و گدا با ورد زبان حمد و ثنایی دارد

که خدا گفته در همه آیات در طوس غریب‌الغربا را صلوات (1)

در فریدون‌شهر اصفهان نیز روز سفر زایران به کربلا یا مشهد، همه اقوام و نزدیکان زایر از زن و مرد، کوچک و بزرگ، وی را بدرقه می‌کنند و از میان جمعیت یکی از مردان روستا در حالی که سوار بر اسبی است و عَلم سیاه رنگی در دست دارد، با صدای رسا «ورد علی» می‌خواند:

چه کربلاست که آدم به هوش می‌آید هنوز ناله زینب به گوش می‌آید

چه کربلاست عزیزان خدا نصیب کند خدا مرا به فدای شه غریب کند

که خدا فرموده در همه آیات به باب فاطمه پیغمبر خدا صلوات (2)

زایر با انجام عبادات و اعمال زیارت و با تمام شدن سفر و پس از گذراندن فراز و نشیب‌های راه، بالأخره به مقصد و محل زندگی خود می‌رسد که پس از آن خانواده زایر، بستگان و نزدیکانش متناسب با موقعیت اجتماعی زایر، طبق آداب و مراسمی خاص به پیشواز او می‌روند.

در گومیشان، دو سه روز قبل از رسیدن حجاج به تهران چند نفر از فامیل‌های هر

1- موکویی، فرهنگیار.

2- لاچینانی، فرهنگیار.

حاجی برای استقبال به تهران می‌رفتند، سپس در روز ورود حجاج به تهران یکی از فامیل‌ها چیزی را از حاجی به عنوان نشانی (1) می‌گرفت و سریع‌تر به آبادی بازمی‌گشت تا خانواده زایر را از سلامتی و ورود حاجی به تهران با خبر سازد. بعد از آن‌که «بُشگل‌چی» (2) بازگشت زایر را به خانواده‌اش خبر می‌داد، هدیه خوبی به عنوان مژدگانی (3) دریافت می‌کرد. آن‌گاه خبر ورود حاجی را به سایر اقوام می‌داد و از آنها نیز مژدگانی می‌گرفت». (4) در اصفهان حاجی به هنگام بازگشت از مکه، تا یک هفته بنا به رسم خود در منزل می‌نشست و از غریب و آشنا که برای عرض تبریک و زیارت قبولی می‌آمدند، پذیرایی می‌کرد. در ضمن، هر یک از میهمانان که حضور می‌یافتند کادویی مانند کله‌قند، طاقه پارچه و نظایر آن به حاجی تقدیم می‌کردند و حاجی هم سوغاتی‌هایی که از سفر حج آورده بود، مانند آب زمزم، مهر، قرآن، مسواک‌های چوبی و مرسوم آن زمان و مومیایی عربستان که به قول خودشان برای علاج کمردرد و بهبود زانو استعمال داشت، به آنها می‌داد. (5) نتیجه

یکی از برنامه‌های مسلمانان از صدر اسلام تا به امروز، مانند همه پیروان مذاهب آسمانی، تجلیل و بزرگداشت از مقام نبوت و اولیای خدا و ادای احترام به آنها به نام زیارت معروف است. این احترام و بزرگداشت در اثر تعلیمات قرآن مجید و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آمده است که یکی از اعمال و عبادات مستحب محسوب می‌گردد. پیروان قرآن از دور و نزدیک خود را به سوی مدفن پیشوایان مذهبی

1- نشانی شامل شب کلاه، پیراهن یا چاقوی متعلق به حاجی بود.

2- bogelci

3- مژدگانی شامل کت و شلوار، پیراهن یا مبلغی پول بود.

4- حسینی، فرهنگیار.

5- داوری، فرهنگیار.

رسانده و در کنار آنها حاضر می‌شوند و بر آنان درود می‌فرستند و به راز و نیاز می‌پردازند. با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت: سفرهای زیارتی از قداست و اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند؛ زیرا فرد در این نوع سفرها با انجام اعمال خاصی به پرورش روح خود می‌پرداخته و برای استحکام دین خود از مقام شامخ این معصومین، سعادت دنیوی و اخروی خود را طلب می‌کرده است.

از سوی دیگر، تأثیر معنوی این زیارت‌ها را می‌توان این گونه بیان کرد:

صرفه‌جویی در زندگی روزمره، تسویه حساب کردن، پرداخت بدهی به طلبکاران و حلالیت طلبیدن از خویشان، نزدیکان و همسایگان خود تا با خاطر آسوده زیارت کنند. زیارت مؤمن را در آستانه ایمان مجسم و در عتبه اسوه‌های اخلاقی می‌نشاند. در زیارت انسان متوجه خطاهایش شده و به آن اعتراف می‌کند و به این طریق در او بارقه امید و مغفرت به وجود می‌آورد.

بدین گونه، زیارت عامل تزکیه نفس و خودسازی و تربیت است. عامل توجه به خدا، تقرب به خدا تحول روحی و توجه و گناه‌زدایی است. بار معنوی زیارت تا حدی است که گاهی یک انقلاب روحی، یک تحول، یک توجه در مزار معصوم، منشأ اثر در یک عمر است. لحظات «شب قدر» گونه‌ای که برای زایر در کنار قبر اولیای پاک خدا حاصل می‌شود. اینهاست آثار تربیتی و نقش سازنده زیارت اولیای خدا.

بنابر این می‌توان گفت نقش دین در زندگی مردم بالاخص کارکرد معنا بخشی آن بسیار مهم‌تر و عمیق‌تر از آن است که بتوان به سادگی آن را نادیده گرفت. دین یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع معنایی در حیات روز مره مردم و انعکاس آن را می‌توان در صدها اعمال، از جمله زیارت نیز به وضوح دید.

ص: 1086

فهرست منابع

1. انسان‌شناسی فرهنگی، امان اللّٰه قرایی مقدم، تهران، ابجد، 1382.
2. زیارت(مجموعه داستان‌های مذهبی)، جلال آل احمد، تهران، تیرگان، 1383.
3. درآمدی بر مردم‌شناسی گردش‌گری، پیتر برنز، ترجمه هاجر هوشمند، تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی، 1385.
4. دین به مثابه نظام فرهنگی، جبار رحمانی، کلیفورد گیرتز، تهران فصلنامه انسان‌شناسی، شماره 2 و 3، 1384.
5. مردم‌شناسی اعتقادات دینی، یعقوب شربتیان، تهران، ندای آریانا، 1384.

فرهنگیاران

1. امیر ایران‌پور مبارکه، مبارکه لنجان، 1346.
2. ژاله نمکی، ده نمک، اراک، 1349.
3. سیف اللّٰه احمدی، دستجرد، گلپایگان، 1360.
4. سیف‌اللّٰه پیوندزاده، سیوند فارس، 1354.
5. سیمین حسینی، گومیشان، بندر ترکمن، 1346.
6. صابر سلطانیان، اسفرجان، شهرضا، 1346.
7. صفرعلی موکویی، کمران، فریدن، اصفهان، 1356.
8. علیرضا لاچینانی فریدونشهری، فریدونشهر، اصفهان، بی‌تا.
9. محمدمهدی مظلوم‌زاده، کازرون، 1352.
10. محمدعلی پهلوانیان، جهق، قمصر، کاشان، 1348.
11. مهرزاد داوری، اصفهان، 1350.
12. محمد مسعود کریمی، بهمن، آباده، 1347.

5. زیارت در ادب‌عامه [(1)]

مصطفی خلعت‌بری لیماکی [(2)]

چکیده
در فرهنگ عامه ایرانیان قدیم زیارت رفتن دارای آداب و سنن و آیین‌های خاصی بوده است. یکی از آداب سفرهای زیارتی چاوش‌خوانی بوده که هنوز هم در برخی از روستاها پایدار مانده است. چاوش به عنوان منادی سفر زیارتی مسئولیت ارتباطی و نقش فرهنگی ویژه‌ای بر عهده داشته است. و با خواندن اشعار مخصوصی در محلات می‌گشته و ندای تشکیل و حرکت کاروان سفر را می‌داده است. آنها چه در هنگام رفتن و چه در بازگشت زایران با خواندن اشعار قافله سالار زایران بودند.
نویسنده در ادامه این نوشتار به بازتاب زیارت و آداب آن در ادب و فرهنگ عامه به گونه اختصار پرداخته و زیارت را در موضوعات و مفاهیمی مانند ضرب المثل‌ها، قصه‌ها، تمثیل‌ها، ترانه‌ها و اشعار محلی و غیره که از اجزای مهم فولکلور یا فرهنگ عامه است مورد بررسی قرار داده و نمونه‌هایی را برای هر کدام ذکر کرده است.
کلیدواژه‌ها: زیارت، چاوش‌خوانی، فرهنگ عامه، مَثل.

مقدّمه
در فرهنگ لغات «زیارت» به معنی رفتن به جایی به قصد ملاقات و دیدار کسی یا جایی است. دیدارکننده را زایر و محل ملاقات را مزار، می‌نامند. [(3)] در لغت‌نامه دهخدا نیز «زیارت» چنین معنی شده است: به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعایی که به عنوان

1- در تحریر بخشی از این مقاله از اسناد موجود در گنجینه فرهنگ مردم صدا و سیما بهره بردم.

2- پژوهشگر رسمی سازمان صدا و سیما.

3- المنجد، واژه زور، زار.

تشرف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیا خوانند. (1) واژه زیارت در دواوین شعرا هم بسیار آمده است که گزیده‌ای از آنها در این‌جا می‌آوریم:
روزم به نیابت شب آمد جانم به زیارت لب آمد
(خاقانی)
در راه خدا در کعبه آمد منزل یک کعبه صورت است و یک کعبه دل
تا بتوانی زیارت دل‌ها کن کافزون ز هزار کعبه آمد یک دل
(خواجه عبداللّٰه انصاری)
گویی به فلان جای یکی قبر شریف است هرکس که زیارت کُنَدش هست موقر
(ناصر خسرو)
ثواب روزه و حج قبول، آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد
(حافظ)
همچنین واژه «زیارتگاه» نیز در اشعار شاعران به کار رفته است:
ز سمرقند بسی کس به دعای تو شدند به زیارتگه کاشان و عبادتگه اوش
(سوزنی‌سمرقندی)
رفت از آن‌جا و برگ راه بساخت به زیارتگه مقدس تاخت
(نظامی)
زیارتگه اصل داران پاک ولی نعمت فرع داران خاک
(نظامی)
وزین حال اگر نیز گردان شوم زیارتگه نیکمردان شوم
(نظامی)

1- لغت‌نامه دهخدا، ج 9، ص 13054.

ص: 1089

گرت در بیابان نباشد چَهی چراغی بِنه در زیارتگَهی

(بوستان سعدی)

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

(حافظ)

در دستورات شریعت نیز رفتن بر سر مزار و قبور، ادای سلام کردن و فاتحه خواندن، توصیه و تأکید شده است. همچنین زیارت یکی از آداب دینی مهم مسلمانان به ویژه شیعیان می‌باشد. در فرهنگ عامه ما ایرانیان آداب و آیین‌های خاصی در مورد زیارت و زیارت رفتن وجود دارد. زیارت شکل خاصی از نیایش است که کسی یا چیزی را مورد توجه قرار می‌دهند و به وسیله آن مستقیماً از خداوند طلب حاجت می‌شود. این خواهش‌ها و طلب‌ها ممکن است بر اساس نیازهای مادی یا معنوی افراد باشد که در جهان‌بینی و ایدئولوژی مکاتب و مذاهب مختلف درجات خاصی دارند. گاهی اوقات زیارت، توأماً با مراسم ویژه و نهادینه شده در افراد صورت می‌گیرد، که فرد دارای درجه و رتبه‌ای خاص می‌شود و از نظر اجتماعی از احترام ویژه‌ای نزد افراد همکیش خود برخوردار می‌گردد. برای مثال می‌بینیم که بسیاری از افراد کشورمان پس از تشرّف به مکان‌های مذهبی با پیشوند حاجی، مشهدی(مشدی) و کربلایی(کبلایی) و غیره خوانده می‌شوند.

ترانه‌ها و اشعار محلی

ترانه یکی از ژانرهای مهم فرهنگ عامه می‌باشد که در آن خصوصیات روحی، اخلاقی، فردی و غیره مردم تبلور یافته، به عینیّت می‌رسد. در ترانه‌های محلی مفهوم زیارت و فحوای آن بازتاب وسیعی یافته است. همچنین در اشعار محلی شعرای گمنام، به ویژه در چاوشی‌ها نیز بسیار آمده است. در زیر به برخی از این ترانه‌ها و اشعار اشاره می‌شود:

دوبیتی‌ها
شتر ره بار کردن بار قالی زیارت می‌روم جای تو خالی
زیارت می‌روم حضرت رضا ره ببوسم گنبد زرد طلا ره
***
این راه زیارت است، قدرش دریاب از شدت سرما رخ از راه متاب
شک نیست که با عینک ارباب نظر برفش پرقو باشد و خارش سنجاب
***
تو که چُپق‌کشی دود از هوا کن به مشهد می‌روی ما را دعا کن
به مشهد می‌روی با قرضِ بسیار مرا بفروش و قرض خود را ادا کن
***
تو که سیگارکشی دود از هوا کن به مشهد می‌روی ما را دعا کن
به مشهد می‌روی پای پیاده بیا پا در رکاب اسب ما کن
***
شتر بار کرده‌ام با بار قالی زیارت می‌روم جای تو خالی
زیارت می‌کنم شاه خراسو ببوسم گنبد زرد آقا رو
***
دلم می‌خواد از این‌جا پر بگیرُم زمین کربلا لنگر بگیرُم
زمین کربلا خاک شهیدان سراغی از علی‌اکبر بگیرُم
در پیشواز رفتن زایر مشهد این اشعار را می‌خواندند:
من ز مشهد از رضای تو سلام آوردم من پیام از جانب هشتم امام آورده‌ام
گرچه من خود لایق اکرام و حرمت نیستم هدیه‌ای دارم کز آن والامقام آورده‌ام

چهره را ساییده‌ام بر درگه شمس الشموس من سلام از صاحب دارالسلام آورده‌ام
نیست جای حرف دیگر در حریم پاک تو من که از سلطان دین خیرالکلام آورده‌ام
بیت‌الاحزان تو را دارم پیام دیگری یعنی از معصومه قم این سلام آورده‌ام
(محمود احمدی، همدان، گنجینه فرهنگ مردم)
خواهی اگر ای دل که شود مشکلت آسان در برزخ و در حشر نشوی هراسان
بگشای به درگاه رضا دست گدایی بنشین به درِ خانه سلطان خراسان
چاوش و چاوش‌خوانی
در فرهنگ مردم ایران، چاوش‌خوان کسی است که در سفرهای زیارتی(پیش یا پس از سفر یا در هنگام سفر) با خواندن اشعار و آوازهای مهیج و مناسب، وظیفه تشویق و ترغیب و همراهی مسافران و نیز تذکر به آنها و حفظ شئون سفر برای کاروانیان را بر عهده دارد. هرچند واژه چاوش یا چاووش در گذر زمان دستخوش تحول معنایی شده است، اما کاربری آن همواره در پیوند با مراسم و تشریفات و سیر و حرکت بوده است، به ویژه در دوره‌های اخیر که چاوش به عنوان یکی از عناصر اصلی سفرهای زیارتی و کاروانی، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرده است.
هنوز هم کم و بیش در شهرها و روستاهایی که سنت‌های سفر تا اندازه‌ای پایدار مانده است، چاوشان به عنوان «منادیان سفر» و «مغنیان نواخوان» در سفرهای زیارتی مسئولیت ارتباطی و نقش فرهنگی ویژه‌ای به عهده دارند. بنا بر اسناد فرهنگ مردم، سابقاً هر یک از محلات دارای یک یا چند نفر چاوش‌خوان بود که در تمام طول سال،

مسئولیت هماهنگی و همراهی و انجام خدمات ارتباطی و فرهنگی مورد نیاز زوّار و مسافران کاروان‌های زیارتی را به عهده داشتند.
چاوش‌خوان‌ها غالباً به هنگام انجام وظیفه، لباس پاکیزه بر تن می‌کردند و شال و کلاه فاخر و اسب و عَلَم به همراه داشتند و با خواندن اشعار و پیام‌های زیبا و مناسب، در کوچه‌ها و محلات می‌گشتند و ندای تشکیل و حرکت کاروان سفر را می‌دادند و به این وسیله کسانی که نیّت سیاحت و زیارت داشتند، برای سفر آماده می‌شدند. لازم به تذکر است برخی از اشعاری که توسط چاوش‌خوانان خوانده می‌شد، فی‌البداهه بود و چندان از وزن و قافیه پیروی نمی‌کرد. برخی از اشعار چاوش‌خوانی را در زیر می‌آورم:
چاوش‌خوانی در سفر به مشهد مقدس
ابتدای سخن ز بسم‌اللَّه
بعد از آن حضرت رسول‌اللَّه بعد از آن امام هشت و چهار
بشنو از من حکایتی موزون داد از مکر و حیله مأمون
کرد درخواست یا امام رضا در مدینه برون شد آن مولا
بروانه به طوس می‌گردید به منزلی به نیشابور برسید
دید آهویی بسته به صیادی کرد اندر آن وادی دادی
چشم آهو بر آن جناب افتاد اشک از دیده‌اش به راه افتاد
عرض کرد السلام ای آقا جان به فدای تو یا امام رضا
هفت روز است این سگ بدبخت در کمین بود تا مرا بگرفت
هفت طفل است بر من محزون جمله بی‌مادرند در هامون
می‌روم ای امام همچون تیر تا دهم بچه‌های خود را شیر
باز آیم ایا امام مُبین من به پابوس تو مباش غمین
رو به صیاد کرد شاه انام از لب دلفشان نمود کلام
گفت مرد صیاد این سخن تو مگو: (1)
که محال است وحشی صحرا که رود باز آید این‌جا
گفت اسب و شمشیر خود نهم گرو
کرد در دم قبول آن صیاد صید خود را در این زمین سر داد
آهو این دست همچو برق دوید رفت تا نزد بچه‌ها رسید
دید گرگی ستاده (2) بر در غار همچنان در کمین شکار
خواست تا بازگردد این آهو به زبان فصیح گفت تو بیُو (3)
تو مکن خوف ای دل خسته من ملک هستم ای زبان بسته
صورتم را کردست خدای، ژیان که کِشم پاسبانی طفلان
آهو این گرگ را همچو احسان دید رفت تا نزد بچه‌ها برسید
بچه‌ها روی مادرشان دیدند همه از ذوق و شوق نالیدند

گفتند مهربان مادر کجا بودی؟ بر دل ما تو داغ بنهادی
گفت نور دیدگان تَرَم هفت روز است زار و خونین جگرم
دیدم از دور نوری پیدا شد گر امام رضا هویدا شد
گرگ گفتا که من به خاک درش می‌نمایم که جان فدای سرش
گرگ از پیش و بچه‌ها به میان شدند سوی صیاد روان
عاقبت کافر از صدق دل مسلمان شد خاک پای شه خراسان شد
(ابراهیم پورغلامعلی، فومن، گیلان)

معمولاً برای سفر نجف و زیارت بارگاه حضرت علی علیه السلام اشعار متعدد از جمله دوبیتی‌های زیر توسط چاوش‌خوانان خوانده می‌شد:

ای دل به کجا روی که جا در نجف است فریادرسِ هر دو سرا در نجف است

1- این قسمت را معمولاً چاوش‌خوان با کلام روایت می‌کند.

2- ایستاده.

3- بیا.

خواهی که مس قلب تو خالص گردد خود را برسان که کیمیا در نجف است
***
هرکس که به دل هوای کوثر دارد باید که دل از مال جهان بردارد
گر جاه و جهان خواهی و کوثر طلبی این هر دو محال، خوشه یک سر دارد
برای سفر کربلا و زیارت ابا عبداللّٰه الحسین علیه السلام اشعار زیر خوانده می‌شد:
هر که دارد هوس کربلا بسم‌اللّٰه هر که دارد سر همراهی ما بسم‌اللّٰه
بیا دلا رویم سوی کربلای حسین بپا کنیم در آن غم‌سرا عزای حسین
بیا رویم ببینیم تا فتاده کجا؟ ز صد رزین به زمین قامت رسای حسین
بیا رویم ببین حضرت عباس کجا نموده سرو دست خود فدای حسین
*** در شهرستان آباده موقع عزیمت زایران به مشهد مقدس، این اشعار توسط چاوش‌خوانان خوانده می‌شد:
ای روهرو مشهد غریب‌الغربا عازم شده بر زیارت آن مولا
ز احسان چو ترا به کوی خود کرده طلب باشد به تو یار، آن معین الضعفا (1)
خواهی که روز قیامت شوی از اهل نجات بگشا لب و بفرست بهر محمد صلوات
دوستان رو به خراسان رضا باید کرد جان به قربانی ایوان طلا باید کرد
بارگاهی که در مشهد شده بر پا بر نثار حرمش جان به فدا باید کرد
بگو بلند اگر شوق مرقدش داری به صاحب حرم و گنبد طلا صلوات
ای دوستان دمی به خراسان سفر کنید بر بارگاه قبله هشتم نظر کنید
روشن کنید ز دیده دیدار گنبدش خاک حریم وی همه کحل بصر کنید
نشود ناطقه‌ای لال به هنگام ممات آن زبانی که فرستد به محمد صلوات
در طوس عجب دارالشفایی برپاست زان دارالشفا درد همه خلق دواست
از چیست شده دارالشفای زن و مرد از معجزه حضرت علی موسی الرضاست
ای شیعه اگر می‌طلبی راه نجات بفرست از دل و جان بهر محمد صلوات
شیعه به خراسان چه مقامی دارد آن حضرت عجب نام گرامی دارد
در حشر کند شفاعت زوّارش زوّار رضا عجب مقامی دارد
نشود خسته و درمانده و هم بی‌حرکات آن زبانی که فرستد به محمد صلوات
خطّه طوس عجب خاک غم فزایی دارد شهر مشهد چه غریب‌الغربایی دارد
دردمندان همه بر درگه او روی آرند خاک آن شهر عجب دارالشفایی دارد
بلند گوی اگر نیست بر زبانت عیب به صاحب حرم و روضه رضا صلوات
ایوان طلا عجب صفایی دارد درب یک، عجب آب شفایی دارد

ای حاجی حج عبث به خود غرّه مباش زوّار رضا نگر چه جایی دارد
وصف سلطان خراسان نکند این ابیات دم به دم بر گل رخسار محمد صلوات
ای زایر شاهنشه دین بشنو سخنی ز قدر آن شاه مبین
گشتی چو تو رهسپار در کوی رضا حامی به تو در سفر بود روح‌الامین
بریده باد زبانی که نگوید این کلمات به مادر حسنین خیرة النسا صلوات
در طوس ز کی بارگاهی برپاست در بارگهش صنع خدایی پیداست

1- در این‌جا مردم صلوات می‌فرستادند.

ای دل قدمی درون آن بارگه نه بنگر که حریم کبریایی آن‌جاست
به یازده پسران علی‌بن‌ابی‌طالب به ماه عارض هریک جدا جدا صلوات (1)
*** برای سفر زیارتی به حرم حضرت امام رضا علیه السلام چاوش‌خوان‌ها اشعار و نغمات گوناگون دیگری نیز می‌خواندند. آنها چه در هنگام رفتن و چه در زمان بازگشت از سفر زیارتی، همواره با ترنم‌ها و خواندن‌های‌شان قافله‌سالار زایران بودند. مثلاً هنگام بازگشت از زیارت مشهد مقدس و حرم امام رضا، این اشعار را برای پیشوازکنندگان می‌خواندند:
ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم یک نسیمی از علی موسی‌الرضا آورده‌ایم
بسی که رخ مالیدیم بر قد شاه رضا بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده‌ایم
یا هنگام بازگشت از حج چنین می‌خواندند:
آمدند از راه حج و رویشان دارد شرف از طواف کعبه و پیغمبر و شاه نجف
اشعار دیگر چاوش‌خوانی:
به حیرتم که چرا حاجیان به مکه روند شوند زایر سنگی که رکن ایمان است
اگر که خانه سنگی شده زیارتگاه شرافتش ز وجود علی عمران است
***
ایوان نجف عجب صفایی دارد حیدر بنگر چه بارگاهی دارد
ای کعبه به خود مبال از روی شرف جایت بنشین که هر که جایی دارد
***

1- محمدمسعود کریمی، آباده فارس.

یوسفی از مصر کنعان در خراسان آمده سنگ بر تعظیم او از کوه غلطان آمده
قبله هفتم شه هشتم علی موسی‌الرضا از عرب شاه غریبی در خراسان آمده
چلچراغی دیدم از نزدیک چو نخل بهشت لیل سوزان دیده گریان چون دل غمناک ما
بر در اول که سقاخانه آن حضرت است آب کوثر در میانش شربت بیمار ما
هر که زو یک جام نوشد درد او زایل شود از حکیمان و طبیبان جهان فارغ شود
***
هر که دارد هوس کرب و بلا بسم‌اللّٰه هر که دارد سر همراهی ما بسم‌اللّٰه
مرغ دل می‌طپد اندر برم از شوق حسین می‌روم خدمت شاه شهدا بسم‌اللّٰه
فرموده حسین که خیمه‌ها بار کنید هفتاد و دو تن شهید بیدار کنید
گهواره اصغر به شتر بربندید رحمی به دل عابد بیمار کنید
***
بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا
تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا
***
چه کربلاست عزیزان خدا نصیب کند خدا مرا به فدای شه غریب کند
چه کربلاست که آدم به هوش می‌آید هنوز ناله زینب به گوش می‌آید
***
صبا به کوی غریبان سلام ما برسان سلام ما به شهیدان کربلا برسان
بگو به مادر قاسم که قاسم که داماد به خواب رفته، عزیزان پیام ما برسان
***
می‌روم من به کربلای حسین تا کنم جان خود فدای حسین
هر که را آرزوی کرب و بلاست با من آید به خاک پای حسین
***
مدام مرغ دلم همچو نی نوا دارد به سر هوای گلستان کربلا دارد
چو دید غم زده لیلا که نوجوان اکبر خیال رفتن میدان اشقیا دارد
***
می‌روم در خدمت شاهی که ایوانش طلاست پادشاه هفت کشور پیش احسانش گداست
یک طواف مرقدش فرموده پیغمبر است هفت هزار و هفتصد و هفتاد حجّ اکبر است

***
ز تربت شهدا بوی سیب می‌آید ز طوس بوی رضای غریب می‌آید
رضا به شهر خراسان عجب دلش تنگ است ز طوس تا به مدینه هزار فرسنگ است
***
اگر خیال تو سوی رضاست بسم‌اللّه به سر هوای رضای خداست بسم‌اللّه
بریده مرغ دلم گر به سوی کربلا گهی به روضه پاک رضاست بسم‌اللّه
*** همچنین در بازگشت زوّار، این چاوشی‌ها خوانده می‌شود:
ما سلام از روضه شاه رضا آورده‌ایم در حریمش پا نهادیم و صفا آورده‌ایم
بس که رخ مالیده‌ایم بر مرقد شاه رضا بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده‌ایم
***
یک شب به زمین کربلا خوابیدم در عالم خواب این ندا بشنیدم
کای قافله سالار بیابان نجف صد ساله گناهان تو را بخشیدم
***
از کرب و بلا برهنه پا آمده‌ام بنگر تو ببین که تا کجا آمده‌ام
از وصف علی زبان فرو می‌مالم خاک در او به آبرو می‌مالم
در گذشته‌های نه چندان دور، چاوشی‌ها علاوه بر خواندن اشعار در تهییج مردم به سفرهای زیارتی، اشعاری را در مورد تهیه اسباب و لوازم سفر می‌خواندند که در گنجینه فرهنگ مردم، اشعار زیبایی از آنها موجود است که نشان‌دهنده وسایل و اثاثیه سفر حجاج و مسافران حج در زمان‌های قدیم بوده است که باید یک زایر با خود همراه داشته باشد:
ای محب علی و آل، همه خُرد و کِبار خواب تا کی، همه گردید به یک دم بیدار
هرکه شب راه رود، روز رسد بر منزل هرکه شب خواب کند، هست خجل آخر کار

چشم بگشا و نما جمع ز اسباب سفر تا نمانی عقب از قافله‌های زوّار
پاکش (1) خویش بیاور ز برش توبره فکن بر سر مال (2) بزن، یا دهنه یا افسار
کوس زد بانگ رحیل به یاد از قُر (3) و زنگ زود بر کَن ز دل خاک در این دم بسمار (4)
آنچه داری بُنه (5) همراه فراموش نکن شمع و فانوس و فنر، سیخ فنر (6) را یاد آر
کُپه (7) را با دبه و تنگ (8) و دیگر آفتابه چنته (9) و چاپُق (10) و قلیان، زچوب سیگار
قوری و کتر (11) و سماور، سینی و نعلبکی استکان و دگر آن قندشکن را بردار
تنگ روی و دیگر آن قوطی چایی برگیر کیسه قند مکرر به کناری مگذار
از کماجدان و دیگر دیگ بَر و از کفگیر بلکه بشقاب و دگر دوری (12) خود را بشمار

1- هر حیوانی که پا روی آن گذارند و سوار شوند مانند: اسب، قاطر، شتر و غیره.

2- منظور حیوان است.

3- زنگوله اسب یا خر.

4- کلمه‌ای عربی به معنی «میخ‌طویله» می‌باشد.

5- وسیله، اثاثیه، توشه.

6- فرن نوعی چراغ روشنایی بود که اگر می‌خواستند چراغ را ثابت نگهدارند، ابتدا میله را عمودی بر زمین می‌کوبیدند و چراغ(فنر) را به آن آویزان می‌کردند.

7- وسیله‌ای مانند کفه ترازو یا سبد که اثاثیه را در آن می‌گذاشتند.

8- دبّه و تنگ ظروفی بودند که در آن روغن، شیره و یا آب می‌ریختند.

9- صندوقی که به شکل مکعب مستطیل و از چوپ ساخته شده بود.

10- . چُپُق.

11- . کتری.

12- . بشقاب بزرگ.

کاسه و جام و دیگر قابلمه و طاسِ کباب بنما یاد که گم می‌شود اندر شب تار
سفره نان و دیگر قاشق و از کیسه نمک با توجه همه را در نظرت یاد بیار
کیسه‌ات گر ز توتون است یا تنباکو جعبه و قوطی گوگرد که شد مایه نار
آنچه اسباب ز جیب است بکن کم تو عبث ذره‌بین و دیگر از آینه و قبله نما
مهر و تسبیح و ز انگشتر و قفل و منقاش (1) چاقو و قطب، (2) ز زنجیر مسلسل رفتار
جعبه سوزن خود را تو به غیری مسپار شال و پاتابه (3) به پا پیچ و به سر نِه دستار
موزه در پا، عصا در کف و بر دوش ردا رو به ره آر، به توفیق خدای غفّار
نِه بر خورجین همه اسباب و بزن قفل بر او بار بنما و به مرکب بشو این لحظه سوار
چتر بردار و نما هیکل خود قرآن (4) را تا که محفوظ بمانی تو به هر لیل و نهار
کن نصیب از کرم خویش «رجا» را یارب کربلا و نجف و مشهد شاه ابرار (5)

1- نوعی انبر کوچک و مخصوص کندن مو.

2- منظور قطب نماست.

3- مچ پیچ.

4- قرآنی به هیکل(پیکر) آویزان می کردند و تسمه ای چرمی داشت که آن را به گردن و شانه می آویختند.

5- مروری بر آداب سفرهای زیارتی، ص 45- 49.

تمثیل و مثل

مشک خالی و پرهیز آب

پرهیز آب عبارتی بود که سقایان و آبکشان هنگامی‌که با مشک یا سبوی پرآب از جایی پر تردد می‌گذشتند بانگ می‌کردند تا عابران را توجه دهند که خیس نشوند.

عبداللّٰه مستوفی می‌نویسد: «با مشک خالی پرهیز آب گفتن، نظیر با دست خالی توپ زدن، کنایه از سر و صدای بی اساس راه انداختن و به دروغ خود را صاحب قدرت و اختیار جلوه دادن است. یکی از کارهای بامزه داش‌های تهران این بود که مشکی پیدا می‌کردند و در آن دمیده آن را مانند مشک پرآب، به کول گرفته، دهن گشاد مشک در دست، با صدای" پرهیز آب، پرهیز آب" مردم را از دور و ور طوق یا علم متفرق می‌کردند تا از ازدحام زیاد جلوگیری شود». (1) اما این مثل در فرهنگ مردم ایران در مورد کسی به کار می‌رود که بخواهد هنر نداشته‌اش یا کار انجام نداده را به رخ دیگران بکشد و از قِبل آن منفعتی ببرد. حکایت زیر از این مثل روایت شده است:

قصه مثل: در زمان قدیم که مردم با اسب و شتر و امثال آن به زیارت می‌رفتند، رسم بود وقتی که کسی از سفر حج باز می‌گشت به نسبت نفوذ و شخصیتی که داشت، خویشان و آشنایانش هرکدام از محل اقامت و شهر حاجی، مشکی تهیه می‌کردند و آن را پر از آب کرده و به پیشواز حاجی می‌رفتند و سر راه حاجی را آبپاشی می‌کردند.

البته هرچه تعداد افراد مشک به دوش بیشتر بود و سر راه حاجی‌بیشتر آبپاشی می‌شد، بر اهمیت و شخصیت حاج آقا افزوده می‌شد. مثلاً می‌گفتند: این همان حاجی است که جلو راهش دو فرسخ آب پاشیدند. از قضا یک مرتبه که یکی از حاجی‌های اسم و رسم دار از مکه بر می‌گشت، یکی از آشناهایش که مجبور بود حتماً مشکی تهیه کند و

1- مستوفی، ج 3، ص 581، حاشیه 1.

به پیشواز حاج آقا برود، با خودش فکر کرد که حاجی از آن حاجی‌ها نیست که دور و برش خالی باشد و حتماً چند نفری برای آبپاشی به پیشواز او می‌روند. پس چه بهتر من مشکم را از باد پرکنم و ببرم، چون با بار سنگین تحمل این همه راه برایم دشوار است. بالأخره آن‌جا یک کلکی خواهم زد. همین کار را هم کرد، یعنی مشک خود را در خانه پر باد کرد و گلوی مشک را محکم بست و به راه افتاد تا محل تجمع مشک به دوشان رسید. هن و هن کنان خود را خسته و کوفته نشان داد و منتظر موقعیت شد که کارش را شروع کند.
به هر حال، حاج آقا از راه رسید. جمعیت خوشحالی کردند و هر کدام با مشک‌های خود دست حاج آقا را بوسیدند. تا وقت کار و فعالیت مشک به دوشان رسید. در این وقت آن بابایی که مشک پر از باد به دوش داشت، با سر و صدای زیاد خود را میان مشکیان انداخت و" پرهیز آب، پرهیز آب" گویان به تقلا افتاد و منتظر شد که مشک رفیق بغل دستی اش باز شود، آن وقت کار خود را شروع کند، بلکه مشتش باز نشود و رسوا نگردد. هرچه بیشتر انتظار کشید کم‌تر به نتیجه رسید و این انتظار طولانی شد. تا این‌که رفیقش پرسید: پس چرا سر مشکت را باز نمی‌کنی؟ آن بابا گفت: راستش را بخواهی، می‌ترسم رسوا شوم؛ چون مشک من عوض آب، باد دارد، حالا از تو خواهش می‌کنم اول تو سر مشکت را باز کن و نگذار من آبرویم پیش حاج آقا بریزد و مرا پیش او روسیاه نکن. بیچاره آن مرد که مشکش را به امید دیگران پر باد کرده بود، گفت: رفیق، حقیقت را بخواهی مشک من هم پر از باد است و از آب خبری نیست و باید فکری‌کرد که رسوا نشویم. تقلّا بیشتر شد و از هر سو صدای" پرهیز آب پرهیز آب" بلند بود. اما حتی یک قطره آب هم از مشکی سرازیر نشد که نشد، تا این‌که معلوم شد همه مشکیان در خانه خود همان فکر را کردند که باید مشکشان را عوض آب از باد پر کنند و زحمت و مرارت حمل این همه آب را بر خود نگذارند.
از آن طرف حاج آقا هرچه انتظار کشیدند دید سر مشکی باز نشد و آبی هم پاشیده

نشد. با ناراحتی پرسید: پس چرا مشکیان کار خود را شروع نمی‌کنند؟ ملتزمین رکاب حاج‌آقا پرسان پرسان رفتند و باز گشتند و به حاج آقا خبر دادند که مشک‌ها عوض آب، باد دارد و مثل این‌که خبری نیست و بقیه راه را بایستی آبپاشی نشده برویم. حاج آقا هم وقتی ماجرا را فهمید با ناراحتی مرتب می‌گفت: مشک خالی پرهیز آب؟ مشک خالی پرهیز آب؟ (1)

حاجی ما هم شریک!

قصه مثل: در قدیم موقعی که حجاج ایرانی از راه مدینه به زیارت خانه خدا و یا بالعکس می‌رفتند، همین که شامگاهان در یکی از مراحل بین راه رحل اقامت افکنده و دیگ‌های پلو یا آش را بر سر بار می‌گذاشتند، ناگهان یک دسته عرب نتراشیده و نخراشیده با سوسماری یا موش صحرایی از راه می‌رسیدند و موش‌ها سوسمارها را در دیگ آش یا پلو می‌انداختند و می‌گفتند: «حاجی ماهم شریکیم» چون حجاج بخت برگشته هرگز طبع آنها حاضر به خوردن پلو سوسمار یا آش موش نمی‌شد، مجبور بودند که دیگ پلو یا آش نیمه پخته را یک‌جا تحویل آن گرو بدهند. این مثل از آن زمان رایج شده است. (2)

حالا که حاجیش نیست کربلاییش هم نباشد

قصه مثل: مردی روستایی به نام باقر در آرزوی این که حاجی شود، صد تومان به تدریج جمع کرد و برای زیارت خانه خدا عازم مکه شد. چون به کربلا رسید، به مرضی سخت مبتلا شد و به حکم ضرورت در همان‌جا متوقف شد. وقتی بهبود یافت که زمان حج گذشته بود. ناچار به وطن بازگشت. هموطنان او را کربلایی باقر خواندند و او هر وقت این خطاب را می‌شنید با نهایت تأثر و تأسف می‌گفت: حالا که حاجیش نیست کربلاییش هم نباشد. (3)

1- قاسم بنائیان، خراسان، نیشابور.

2- داستان‌های امثال، ص 114.

3- داستان‌نامه بهمنیاری، ص 194.

عجب سرگذشتی داشت کل علی!
قصه مثل: شخصی مستطیع شده و به زیارت مکه رفته و برگشته بود و شده بود حاجی و همه به او می‌گفتند: «حاج‌علی». اما دوستی قدیمی داشت که مثل گذشته به او می‌گفت: «کللی(» کل علی» کربلایی علی)» مثل این که اصلاً قبول نداشت که این بابا حاجی شده!
حاج علی هم از آن آدم‌هایی بود که تشنه عنوان و لقب هستند و دلشان لک‌زده برای عنوان! حاج علی پیش خودش گفت: «باید کاری کنم تا رفیقم یادش بماند که من حاجی شده‌ام» به این جهت یک شب شام مفصلی تهیه دید و رفیقش را دعوت کرد.
بعد از این که شام خوردند و نشستند به صحبت کردن و او صحبت را به سفر مکه‌اش کشاند و تا توانست توی کله رفیقش کرد که به زیارت حج رفته و الان حاجی شده! او گفت: توی راه حجاج یک نفر سرش به کجاوه خورد و شکست و یک همچین دهن وا کرد، آمدند و به من گفتند: حاج علی از آن روغن عقربی که همراهت آورده‌ای به این پنبه‌بزن، بعد گذاشتند روی زخم، فردا خوب شد. همه گفتند: خیر ببینی حاج علی که جان بابا را خریدی. در مدینه منوره که داشتم زیارت می‌خواندم یکی از پشت سر صدا زد: «حاج علی» من خیال کردم شما هستی، برگشتم، دیدم یکی از همسفرهاست، به یاد شما افتادم و نایب‌الزیاره بودم. توی کشتی که بودیم دو نفر دعوایشان شد، نزدیک بود خون راه بیفتد همه پیش من آمدند که حاج علی به داد برس که الآن خون راه می‌افتد. وسط افتادم و آشتی‌شان دادم، همسفرها گفتند: خیر ببینی حاج علی که همیشه قدمت خیر است. نزدیکی‌های جده بودیم که دریا طوفانی شد، نزدیک بود کشتی غرق شود که یکی از مسافرها گفت: حاج علی! از آن تربت اعلایت یک ذره بینداز توی دریا تا دریا آرام بشود. همین که تربت را توی دریا انداختم، دریا مثل حوض خانه‌مان شد. همه همسفرها گفتند: خدا عوضت بده حاج علی که جان همه ما را نجات دادی.

خلاصه گفت و گفت تا رسید به در خانه‌شان، ادامه داد که: همه اهل محل با قرابه‌های (1) گلاب آمدند پیشواز و صلوات فرستادند و گفتند: حاج علی زیارت قبول.

همین که پایم را گذاشتم در دالان خانه و مادر بچه‌ها چشمش به من افتاد گفت: وای حاج علی جان ... همین را گفت و از حال رفت. خلاصه مدام حاج علی حاج علی کرد تا قصه سفر مکه‌اش را به آخر رساند. وقتی که خوب حرف‌هایش را زد، ساکت شد تا اثر حرف‌هایش را در رفیقش ببیند، رفیقش با تعجب فراوان گفت: عجب سرگذشتی داشتی کل علی؟! (2)

ناخوانده به زیارت خانه خدا نتوان رفت

قصه مثل: یکی از توانگران به زیارت خانه خدا رفت. بعد از طواف و فراغت از اعمال حج چنان که رسم تجارت است در بازار منی مال و اسباب خود را گشود و به خرید و فروش مشغول بود که ناگاه گدایی که نان خود را جز در سفره دیگران ندیده بود، از آن‌جا گذشت و آن سوداگر را با آن همه جمعیت دید. رشک و حسرت بر او برد و ایستاد و زبان به طعن بر او گشود و گفت: «ای دنیادار بی‌رحم و ای سخت‌دل از خدا دور! فردای قیامت مکافات من و تو به یکسان چون خواهد بود؟ که تو با این همه سامان و نعمت و من با این همه رنج و محنت آمده و بینوا و بی‌چیز باشم؟ بازرگان چون این فقره را شنید گفت: «حاشا مکافات ما یکسان باشد، ای گدای فضول و ای طالع بی اصول! طرز درویشی و فقیری چنین نمی‌باشد که رشک و حسد بر اموال مسلمانان برند، مطلب تو از آمدن به این‌جا گدایی است نه طواف خانه کعبه، اگر می‌دانستم فردای قیامت جزای ما یکسان خواهد بود کجا روی به این راه می‌آوردم. گدا گفت: ای دنیادار این سخن از کجا غلط کردی؟ بازرگان گفت:

استغفراللَّه، من آنچه حق بود گفتم من به فرمان خدا آمده‌ام، آن‌جا که اذن فرموده:

1- ظرف شیشه‌ای برای نگهداری گلاب و آب لیمو و غیره.

2- تمثیل و مثل، ج 1، ص 231.

«وَ أَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا»، (1)
که خطاب به ابراهیم علیه السلام بوده که مردمان را به این خانه بخوان و کسانی را که قدرت و استطاعت داشته باشند ندا در ده و بطلب تا بیایند.
پس چون مرا حکم شده به فرمان آمده‌ام و تو بی‌طلب ناخوانده آمده و فضولی کردی و آن‌گاه این مثل را گفت: ناخوانده به خانه خدا نتوان رفت.
ای گدا تو را نخوانده و تو خود را به مهلکه انداختی و چنین راهی را بی‌اذن و زاد و با هزار محنت به جهت گدایی و طمع و طلب آمده‌ای. عزت و حرمت مهمان و طفیلی یکسان نبُود. پس آن گدا خجل و شرمنده شد و جماعتی که آن‌جا بودند بازرگان را آفرین گفته و تحسین کردند، پس بازرگان چیزی به گدا داد و او را از خود خشنود کرد. (2) چند ضرب‌المثل
- زیارت پول حلال می‌خواهد و قلب صاف.
- هر که زیارت برود استخوانش سبک می‌شود.
- نگفتی گیوه‌ات مبارک، می‌گوید مرا ببر زیارت.
- تا به یکی بگی عیدت مبارک، می‌گه من رو کول کن ببر زیارت. (3)- هر کس به زیارت می‌رود تو چاوش‌خوان او باش(ضرب‌المثل مازندرانی)

1- سوره حج، آیه 27.

2- مجمع الامثال، ص 383.

3- فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی، ص 605.

فهرست منابع

1. تمثیل و مثل، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، ج 1، تهران، امیرکبیر، 1353.
2. داستان‌نامه بهمنیاری، احمد بهمنیاری، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، 1381.
3. داستان‌های امثال، امیرقلی امینی، اصفهان، 1324.
4. شرح زندگانی من، عبداللّٰه مستوفی، چاپ سوم، تهران، زوّار، 1374.
5. فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی، بهمن دهگان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، 1382.
6. مجمع‌الامثال، محمدعلی حبله رودی، به کوشش صادق کیا، تهران، اداره فرهنگ عامه، بی‌تا.
7. مروری بر آداب سفرهای زیارتی، سیدعلیرضا هاشمی، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، 1384.

راویان(گنجینه فرهنگ‌مردم):

قاسم بنائیان، نیشابور، خراسان

محمدمسعود کریمی، آباده، فارس

ابراهیم پورغلامعلی، فومن، گیلان

محمود احمدی، همدان

6. بررسی نماد شناسانه و روانکاوانه مفهوم زیارت و پیوند آن با واژه تشرّف در سه روایت از داستان پرندگان

به قلم ابن سینا، محمّد غزالی و عطار
دکتر ویدا احمدی

چکیده
این نوشتار از این‌جا آغاز می‌شود که از چشم‌اندازی نمادشناسانه و روانکاوانه چرا واژه «تشرّف» در زمره مأنوس‌ترین واژه‌ها با «زیارت» است و بدین ترتیب به تبیین اساسی‌ترین هدف زیارت می‌پردازد. از آن‌جا که زبان داستان در چنین مواردی، زبانی قدرتمند است، از این رو به تحلیل این مهم از چشم‌انداز سه روایت از داستان پرندگان به قلم ابن سینا، محمد غزالی و عطار پرداخته می‌شود، زیرا «زیارت» سیمرغ، هدف اساسی پرندگان در این داستان‌هاست، سیمرغی که مظهر خداست و پرندگانی که زایران عارفند.
کلیدواژه‌ها: تشرف، سرسپاری، زیارت، افسانه سیمرغ.

1. آیین تشّرف یا سرسپاری (1).

در فرهنگ نمادها، «سرسپاری(تشرف) یک آیین‌گذار و نماد تولد یک موجود جدید است». (2) این‌که سرسپاری اصلا به چه معناست، نکته حایز اهمیتی است که هم با حوزه معنا شناختی و هم حوزه زبانی داستان پرندگان همسو است، «سرسپاری به

1- Initiation

2- فرهنگ نمادها، ج 3، ص 576.

معنای میراندن است. سرسپردن یعنی جدا شدن سر از بدن و مردن. اما این‌که مرگ به معنی خروج و عبور از دری است که به جایی دیگر باز می‌شود. پشت این در خروجی، یک ورودی قرار گرفته است. سرسپردن یا تشرف یعنی وارد شدن». (1) اکنون باید دید سرسپرده کیست؟ «سرسپرده از پرده آتش(بندها و رنج‌ها) می‌گذرد، دیواری که غیر قدسی را از قدسی جدا می‌کند، او از دنیایی به دنیای دیگر می‌گذرد و پس از آن تحول صورت می‌گیرد، سطح او عوض می‌شود و تفاوت می‌کند. استحاله فلزات(در مفهوم نمادین کیمیاگری) نیز نوعی سرسپاری است که فلز در این سرسپاری خواستار مرگ و عبور است، سرسپاری باعث دگردیسی می‌شود». (2) شکل این تشرف در داستان پرندگان، تشرف به «مقام بندگی خدا» است که در جریان حرکتی فرارونده محقق می‌شود و این همان تحقق هدف زیارت و فناء فی اللّٰه است، به تعبیر عطار:

در میان عاشقان مرغان درند کز قفس پیش از اجل بر می‌پرند (3)

2. نمادشناسی زیارت به مثابه حرکتی فرارونده در داستان پرندگان

اما این حرکت استعلایی برای نیل به زیارت سیمرغ در داستان پرندگان با نمادهای زیر نشان داده شده است:

الف) سفر

«نمادگرایی سفر نشانگر میل به تغییر درونی است و نیاز به تجربه‌ای جدید و حتی بیش از آن نشانه جابه‌جایی. به عقیده یونگ، سفر نشانه نارضایی است و منجر به جست و جو و کشف افق‌های تازه می‌شود. آیا همان‌گونه که یونگ عقیده دارد، میل به سفر، جست‌وجوی مادر گم شده است؟ اما به زعم سیرلوت، سفر برعکس، ممکن

1- همان.

2- همان، ص 757.

3- منطق الطیر، ص 250.

است به دلیل گریز از مادر باشد. در واقع باید دو جنبه مختلف مادر را به یاد داشته باشیم که هم بخشنده است و هم تملک جو». (1) در نمادشناسی سفر، یادآوری نکته‌ای ضروری است و آن این است که آنچه به عنوان مادر مطرح شده و دارای وجوهی متضاد است، در سفر پرندگان ازسویی موانعی است که به ظاهر به آن پناه برده‌اند، اما با شناختی که حاصل می‌کنند در می‌یابند که باید آن را رها کنند و در جای دیگری در جست‌وجوی آن باشند و آن وجهه راستین مادر در مقام ملجأ و پناهگاه، سیمرغ و بارگاه اوست، این نکته با تحلیل روانکاوانه یونگ از نماد مادر همخوانی دارد که می‌گوید: «سایر مظاهر مادر به مفهوم مجازی آن در چیزهایی متجلی می‌شوند که مبین غایت آرزوی ما برای نجات و رستگاری است، مانند فردوس، ملکوت خدا و اورشلیم بهشتی. بسیاری از چیزهایی که احساس فداکاری و حرمت‌گذاری را برمی‌انگیزد می‌توان از مظاهر مادر به شمار آورد ... همه این مظاهر ممکن است دارای معنایی مثبت و مطلوب و یا معنایی منفی و اهریمنی باشد». (2) سفر در زمره اساسی‌ترین و نمودارترین عناصر نمادینی است که از رهگذارآن هویت دگرگونی پذیر پرندگان این داستان‌ها کاملاً آشکار می‌گردد. اما این عنصر در هر کدام از داستان‌های مورد نظر به گونه‌ای نمود یافته است:

1. در داستان ابن سینا، سفر به شکل گذار از هفت کوه برای رسیدن به کوه نهم که شهر ملک سیمرغ پس از آن است، نشان داده شده است.

2. در داستان محمد غزالی، سفر را در قالب پرواز بر فراز دریا برای رسیدن به جزیره ملک عنقا مشاهده می‌کنیم.

3. و سرانجام در منطق الطیر عطار، سفر را در عالی‌ترین شکل خود، یعنی عبور از هفت وادی تا رسیدن به کوه قاف که آشیانه سیمرغ بر بلندای آن است، می‌بینیم.

سفر در این داستان‌ها در قالب سفر زمینی، دریایی و درونی نشان داده شده است.

1- فرهنگ نمادها، ج 3، ص 587.

2- چهار صورت مثالی، ص 25 و 26.

ب) زایر

پس از سفر پر از رنج و مرارت پرندگان، شاهد دیگری که دال بر تحقق فرایند دگرگونی در آنهاست، همگنی ایشان با کسانی است که در سرزمین مقصد حضور دارند، یعنی در حضرت ملک سیمرغ و همین مطلب، حضور نماد دیگری را در این داستان‌ها نشان می‌دهد که نماد «زایر» است.

مقوله سنخیت که در نمادگرایی زایر (1) قابل طرح است با نماد سفر که پیش از این مطرح شد و نیز بن مایه آن یعنی طلب که در رسالة الطیرها جایگاه ویژه‌ای دارد، پیوند اساسی خورده است. زایر «نمادی مذهبی در ارتباط با وضعیت انسان در زمین است که آزمون‌های خود را به انجام رسانده تا به لحظه مرگ در سرزمین موعود یا بهشت گمشده برسد. این واژه به معنی انسانی است که خود را در جایی که زندگی می‌کند غریب احساس می‌کند و در آن‌جا تنها گذر عمر می‌کند و به دنبال مدینه فاضله است.

این نماد نه تنها ویژگی زود گذر تمام وضعیت‌ها، بلکه وارستگی درونی نسبت به حال و پیوستگی به اهداف دور و طبیعت است». (2) پرندگان رسالة الطیرها، زایران طالبی هستند که پا در این سفر زیارتی گذارده‌اند تا به آغوش سیمرغ پناه ببرند؛ چرا که از دست دادن موانعی که پیش از این تنها دوست داشتنی و عزیزترین چیز برای آنان در زندگیشان بود، حال می‌طلبد تا عشق برتری را جایگزین خود سازد و این عشق، با تجربه زایرانه آنهاست که محقق می‌شود و سنخیت، کلید حل این معماست، زیرا: «زایر با حضور در زیارتگاه به جست و جوی هم ذات شدن و متجانس شدن با کسی است که این محل را نام‌آور کرده است». (3) آیا این همان سیمرغ یا مادر یا پناهگاه موعود نیست؟

الف) ابن سینا در داستان خود این همگنی را به این صورت بیان کرده است: «چون

1- Pilgrim

2- فرهنگ نمادها، ج 3، ص 430.

3- همان.

والی آن ولایت ما را با خویشتن گستاخ کرد و انبساطی پدید آمد و او را از رنج خویش واقف گردانیدیم و شرح آنچه بر ما گذشته بود پیش وی بگفتیم و رنجور شد». (1) از این عبارت دو نکته قابل فهم است:
نخست آن‌که والی که خود از شخصیت‌های برجسته داستان است، یعنی از کارگزاران و مقربان ملک سیمرغ، پرندگان را با خود، خودمانی کرده است و این خودمانی شدن زمانی محقق می‌شود که کسی، مخاطب یا مخاطبان خود را از سلک و سنخ خویش بیابد.
دوم آن‌که رنجوری والی از رنج پرندگان نیز دلالت زبانی دیگری است که مبین همگن شدن پرندگان با اوست. گویی ابن سینا قصد دارد تا در پرده دلالت‌های پوشیده زبانی این نکته را به مخاطب خود بفهماند که والی هم روزی همانند همین پرندگانی بوده است که کوه‌ها را با رنج پس پشت گذاشته تا به سر منزل مقصود رسیده است.
سهروردی، مترجم رسالة الطیر ابن سینا، درباره مفهوم سنخیت در رساله تأمل برانگیز لغت موران به مطلب بسیار قابل توجهی اشاره می‌کند، آن‌جا که مورچه‌ها درباره این‌که قطرات ژاله که سرگرم نظاره آنند سرانجام چه تقدیری دارند، می‌نویسد:
«موری متصرف در میان ایشان بود. گفت: لحظه‌ای صبر کنید تا میل او از کدام جانب باشد، که هرکسی را زی(به سوی) جهت اصلی خویش کششی باشد و به لحوق معدن و منبع خود شوقی بود. همه چیزها به سنخ خود منجذب باشد». (2) و در ادامه، پاسخ مورچه سالخورده زیباست: «یکی سالخورده در میان ایشان بود، آواز داد که اگر وعده «يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ» راست باشد و قضیه «كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ» (3)
و «إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ» (4)
و

1- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 3، رسالة الطیر، ص 203.

2- همان، ج 3، رساله لغت موران، ص 298.

3- سوره یس، آیه 32.

4- سوره غاشیه، آیه 25.

«فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ» (1)
درست آید، طریق آن است که چون ملک سلیمان در آشیانه ما نگنجد، ما نیز به ترک آشیانه بگوییم و به نزدیک او شویم و دگر ملاقات میسر نگردد». (2) ب) محمد غزالی این تحول را از طریق طرح آیات قرآنی بیان کرده است. این‌که می‌گوییم، پرندگان در این داستان‌ها نمودگار آدم در معنای حقیقی آن می‌باشند، در این‌جا آشکارتر می‌گردد. یکی از مهم‌ترین این دلالت‌ها که می‌توانیم به آن اشاره کنیم، این آیه شریفه است که می‌فرماید: «یأَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً» (3). (4)
و این بازگشت زمانی محقق می‌شود که پرندگان شایسته دیدار با ملک سیمرغ شده‌اند. غزالی می‌گوید: «و هر که به حقیقت نیازمند و مسکین است، ملک سیمرغ را ندیم و جلیس است. پس همگان با قرار و سکون آمدند و در ریاض و نزهت فرو آمدند و لباس شادی پوشیدند و در خدمت ملک ایستادند و پیش تخت وی صف زدند». (5) ج) عطار این همگونی را در وادی توحید، ضمن بیان حکایت زیبایی مطرح کرده و این چنین سروده است:

از قضا افتاد معشوقی به آب عاشقش خود را درافکند از شتاب
چون رسیدند آن دوتن با یکدگر این یکی پرسید از آن کای بی خبر
گر من افتادم در آن آب روان از چه افکندی تو خود را در میان
گفت من خود را درآب انداختم ز آن‌که خود را از تو می‌نشناختم
روزگاری شد که تا شد بی‌شکی با تویی تو یکی من یکی

1- سوره قمر، آیه 55.

2- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 3، رساله لغت موران، ص 298.

3- سوره فجر، آیات 27 و 28.

4- رسالة الطیور، ص 85.

5- همان، ص 83.

تو منی یا من توام، چند از دوی با توام من یا توام یا تو تویی
چون تو من باشی و من تو بردوام هر دو تن باشیم یک تن والسلام
تا توی برخاست در شرکست یافت چون دوی برخاست توحیدت بیافت
تو در و گم گرد توحید این بود گم شدن کم کن تو تفرید این بود (1)

ج) بارگاه(آستانه)

حضرت، درگاه، بارگاه در مقام نماد دگرگونی، بارها و بارها در داستان پرندگان مطرح شده است. برد نمادین این مفهوم از غنای بسیاری برخوردار است. آن چنان که هم در عرفان و فلسفه و هم در روانکاوی و کیمیاگری و نیز در ادبیات که مجموعه‌ای از همه اینهاست، در محل تحلیل و بررسی است. این‌که بارگاه سیمرغ و گذار از آن یکی دیگر از عناصر بنیادین رسالة الطیرهاست که کارکردی قابل توجه در بیان فرآیند تحول قهرمانان داستان دارد و شواهد آن در داستان‌های نامبرده بسیار با آنچه که در فرهنگ نمادها مطرح شده است، همسویی و همخوانی دارد. در این‌جا بررسی و تحلیل این مفهوم را به همراه چشم‌انداز کلی‌تر آن مطرح می‌کنم و آن نماد در می‌باشد. «مفهوم باطنی درگاه(آستانه) از نقش آن به عنوان معبر میان بیرون(پلشت) و درون(قدسی) می‌آید» (2) آن‌چنان‌که پرندگان دربند ریسمان‌ها و موانع و مشکلات راه سفر با گذار از آستانه حضرت سیمرغ و حضور در آن، گویا از آن پلشتی پا در این قداست و پاکی گذاشته اند، زیرا: «گذار از آستانه دو شرط دارد: یکی طهارت خاص برای جسم و دوم نیت روح، که کفش در آوردن بر صحن یک مسجد یا جلوی یک خانه ژاپنی از همین نماد نشأت گرفته است». (3) این نمادگرایی، آیه شریفه «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (4)
را به یادمان

1- منطق الطیر، ص 209 و 210.

2- فرهنگ نمادها، ج 3، ص 204.

3- همان، ص 183.

4- پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی.(سوره طه، آیه 12)

می‌آورد که خداوند به پیامبرش حضرت موسی فرمان می‌دهد که در آستانه وادی مقدس طوی کفش‌های خود را از پا درآورد. در حقیقت نعلین‌های حضرت موسی علیه السلام همان دنیا و آخرت است که برای دیدار با خداوند باید به آن پشت پا زد.
درست همان اتفاقی که برای پرندگان رسالة الطیرها به وقوع می‌پیوندد. آن هنگام که از همه دلبستگی‌ها و موانع می‌گذرند تا به دیدار سیمرغ نایل شوند. از همین روست که «در، به عنوان محل عبور و به خصوص محل ورود به طور طبیعی تبدیل به نمادی برای تقرب به خدا و امکان تقرب به حقیقتی برتر می‌شود. بدین گونه است که بازگشت مسیح به عنوان مسافری که بر در می‌کوبد، بشارت داده می‌شود، پسر انسان بر در است (1) ... مسیح در مکاشفات (2) می‌گوید: اینک بر در ایستاده می‌کوبم، اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من». (3) پیوند نماد بارگاه با کیمیاگری و فرآیند استحاله‌ای آن هم جالب است. «به زعم اسقف پرنتی(396) برای کیمیاگران و فلاسفه، در به معنای کلید و به معنای ورود یا وسیله عمل کردن در طول مدت عمل بزرگ (4) است. در، ربط با وسیله‌ای سری و ابزاری مخفی است». (5) اما از سویی دیگر، تیتوس بورکهارت بر اهمیت ترکیب نماد در و درگاه از طرفی و غار از طرفی دیگر، تأکید دارد. این پیوند، یادآور تحلیل روانکاوانه یونگ از نماد غار در تفسیر نمادینی است که از سوره مبارکه کهف قرآن شریف ارائه کرده است. یونگ در این باره این طور نوشته است: «تمامی این سوره(کهف) به راز ولادت مجدد اختصاص دارد و غار محل ولادت مجدد است، یعنی آن گودال مخفی که انسان در آن

1- مرقس 29: 13.

2- 20: 3.

3- فرهنگ نمادها، ج 3، ص 183.

4- Opus

5- همان، ص 186.

محبوس می‌شود تا پرورده و تجدید شود. قرآن راجع به آن می‌فرماید: و خورشید را ببینی که چون برآید از غارشان به طرف راست مایل شوند و چون فرو رود به جانب چپشان برگردد و ایشان(هفت خفته) [میان] غارند و میان، مرکزی است که گوهر در آن می‌آرمد، مکانی است که پرورده شدن یا مناسک قربانی و یا دگرگونی در آن رخ می‌دهد». (1) این بررسی نمادین یادآور پرورده شدن آدمی در رحم مادر است که با آنچه قبلاً در پیرامون نمادگرایی مادر گفته شد و مطالب حاضر همسویی عمیقی پیدا می‌کند. و این همان انقلابی است که برای پرندگان رسالة الطیرها به وقوع می‌پیوندد.

سرانجام وادی فقر و فنا که آخرین وادی از هفت وادی عطار است و پس از آن سی مرغ در پیشگاه سیمرغ حضور می‌یابند، دلالت دیگری بر طرح مقوله سرسپاری و تشرف در منطق الطیر است:

چون وصال دلبرش معلوم گشت فانی مطلق شد و معدوم گشت

سالکان دانند در میدان درد تا فنای عشق با مردان چه کرد

ای وجودت با عدم آمیخته لذت تو با عدم آمیخته

تا نیاری مدتی زیر و زبر کی توانی یافت ز آسایش خبر ...

این چه کار توست مردانه درآی عقل بر هم سوز دیوانه درآی

گر نخواهی کرد تو این کیمیا یک نفس باری به نظاره بیا

چنداندیشی چون من بی خویش شو یک نفس در خویش پیش اندیش شو

تا دمی آخر به درویشی رسی در کمال ذوق بی خویشی رسی

من که نه من مانده‌ام نه غیر من برترست از عقل شرّ و خیر من

گم شدم در خویشتن یک بارگی چاره من نیست جز بیچارگی

آفتاب فقر چون بر من بتافت هر دو عالم هم ز یک روزن بتافت

1- چهار صورت مثالی، ص 89.

من چو دیدم پرتو آن آفتاب من بماندم باز شد آبی به آب
هر چه گاهی بردم و گه باختم جمله در آب سیاه انداختم
محو گشتم، گم شدم د ر بحر راز می‌نیابم آن زمان آن قطره باز
گرچه گم گشتن نه کار هر کسی است درفنا گم گشتم و چون من بسی است
3. گسترش شخصیت (1) به عنوان شکلی از تولد دوباره (2) در روانکاوی یونگ و. پیوند آن با مفهوم زیارت و طرح آن در داستان پرندگان:
از آن‌جا که فلسفه کیمیاگری و فرآیند نو شدن آدمی از مباحث بسیار جدی در حوزه روانکاوی، خصوصاً روانکاوی یونگ است، وی در این باره می‌گوید: «ولادت مجدد(نو شدن (3)) به مفهوم دقیق آن یعنی تولدی تازه در گردونه حیات فردی». (4) اصطلاح انگلیسی این مفهوم «Renovation» است که یونگ از آن به تجربه استعلای حیات تعبیر کرده است. او در توضیح این‌که منظورش از چنین اصطلاحی چیست می‌گوید:
«منظور من از تجربه استعلای حیات، آن تجارب نوآموزی است که در مناسک مقدسی شرکت می‌جوید که تداوم جاویدان حیات را از طریق دگرگونی و تجدید بر او فاش می‌سازد». (5) وی در ادامه همین مطالب، ثمره این تجربه فراورنده را در مثل به سیمرغ (6) همانند کرده است. مناسک مقدسی که یونگ در بررسی خود از آن نام می‌برد، به گونه‌ای دیگر در شکل سفر در دریا و کوه‌ها و هفت وادی پر فراز و نشیب در داستان پرندگان نیز نشان داده شده است که سرانجام به استعلای حیات و تولد دوباره قهرمانان داستان می‌انجامد.
در روانکاوی یونگ تولد دوباره در اشکال گوناگونی تحقق می‌پذیرد که به باور ما

Enlargement of personality -1

Rebirth -2

Renovation -3

4- چهار صورت مثالی، ص 64.

5- چهار صورت مثالی، ص 68.

6- همان، ص 69.

همسوترین این اشکال با آنچه که در داستان پرندگان و هدف ایشان از زیارت سیمرغ واقع می‌شود «گسترش شخصیت» است. به تعبیر یونگ: «آدمی با عظمت کارش رشد می‌کند، اما او باید در درون خویش ظرفیت این رشد را داشته باشد، در غیر این‌صورت حتی دشوارترین کارها هم برای رشد او سودی نخواهد داشت. محتملاً این‌که [حتی] به وسیله آن کار خورد و شکسته خواهد شد». (1) یونگ اساسی‌ترین دلیل نیاز به گسترش شخصیت را «فقر درونی (2)» (3) دانسته که بی‌شباهت به مفهوم این آیه. شریفه قرآن کریم نیست: «یأَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ». (4)
در این‌جا تلاش ما بر این است تا از رهگذر چنین چشم اندازی در راستای یافتن افق‌های همسو میان نظریه روانکاوانه یونگ، مفهوم زیارت در داستان پرندگان به تحلیل نمادگرایانه و معنا شناسانه این داستان‌ها بپردازیم. در بررسی نماد تشرف یافتگی، سرسپاری و بارگاه گفتیم که تحمل رنج برای سالک همانند عبور از پرده آتش است که مقدس را از نامقدس جدا می‌کند. آن چنان‌که از فحوای این داستان‌ها نیز برمی‌آید، چنین واقعه‌ای برای مرغان، از رهگذر سفر برای زیارت سیمرغ رخ می‌دهد. غزالی در سطرهای پایانی رسالة الطیور خود می‌گوید: «و تازه کردن عهد به تازه کردن باطن است از جمله آلودگی و خبائث و طهارت ظاهر از جمله نجاسات و احداث». (5) این‌که پس از آن به نماز و برپایی آن اشاره می‌کند: «پس از آن ملازم اوقات نماز باشد». (6) اشاره به همین مناسک مذهبی در رخداد ولادت جدیدی دارد که یونگ هم آن را مطرح نموده است و گذار از کوه‌های داستان ابن سینا و هفت وادی عطار هم به گونه‌ای همین مناسک مذهبی و مقدسند که در ساحتی نمادین طرح شده‌اند. کاربرد

1- چهار صورت مثالی.

2- InnerPoverty

3- 2 .- 021.

4- ای مردم شما همه به خدا محتاج هستید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است.(سوره فاطر، آیه 15)

5- رسالة الطيور، ص 86.

6- همان.

مکرر اصطلاح پاکبازی در منطق الطیر، دلالت بر همین ثمره عظیم دارد:
دیگری گفتش که در راه خدای پاک بازی چون بودای پاک رای ...
گفت این ره نه ره هر کس بود پاک بازی زاد این ره بس بود ...
هرکه او در باخت هرچش بود پاک رفت در پاکی فرو آسوده پاک ...
دستها اول ز خود کوتاه کن بعد از آن آن‌گاه عزم راه کن
تا در اول پاکبازی نبودت این سفر کردن نمازی نبودت (1)
دلیل این پاکبازی و برپایی مناسک مقدس مذهبی(که زیارت در زمره شاخص‌ترین آنهاست) در داستان پرندگان در مقایسه با آنچه که در روانکاوی یونگ، به عنوان گونه‌ای از ولادت جدید یعنی گسترش شخصیت مطرح شده، بدین معناست که این منی که هست، من راستین نیست و این هویت حقیقی باید از رهگذر شناخت و رنج و عشق، کشف شود. سی مرغی که تنها مشتی پَر و استخوان باشد، نیست، بلکه سیمرغی است که با گذار از کوه‌ها و وادی‌های پر رنج و مرارت آشکار می‌گردد.
یونگ می‌گوید: «هنگامی که نقطه اوجی از زندگی فرا می‌رسد وقتی شکوفه می‌شکفد و از کوچک‌تر، بزرگ‌تر پدید می‌آید، آن‌گاه به قول نیچه، یک، دو می‌شود و شخصیت برتر که فرد همواره بوده، اما ناپیدا به نیروی الهام بر شخصیت حقیرتر متجلی می‌شود و کسی که در درون خویش بزرگ است خواهد دانست که رفیق روحش آن‌که از دیرباز چشم انتظارش بود، آن رفیق جاویدان اکنون به راستی از راه رسیده است تا اسارت را به اسیری برد، یعنی کسی را گریبان گیرد که همیشه این شخصیت فناناپذیر را اسیر و در بند داشته است و آن‌گاه با این عمل، حیات او را به سوی آن حیات عالی‌تر جاری کند». (2) به عناصر مشترکی که در این دیدگاه یونگ و

1- منطق الطیر، ص 42.

2- چهار صورت مثالی، ص 72 و 73.

داستان پرندگان قابل بررسی است توجه کنیم:
1. فرا رسیدن نقطه اوج زندگی: رسیدن سی مرغ به بارگاه سیمرغ و زیارت او.
2. شخصیت برتری که فرد همواره بوده است: سیمرغ.
3. فرد یا شخصیت حقیرتر: سی مرغ.
4. نیروی الهام: هدهد هادی شده.
5. حیات عالی‌تر: حضور ابدی سی مرغ در بارگاه سیمرغ و فنای در او.
و طرح مقوله گسترش شخصیت مرغان(سی مرغ) در سیمرغ این‌گونه است:
جمله گفتند آمدیم این جایگاه تا بود سیمرغ ما را پادشاه
ما همه سرگشتگان درگهیم بیدلان و بی قراران رهیم
مدتی شد تا در این راه آمدیم از هزاران، سی به درگاه آمدیم
کی پسندد رنج ما آن پادشاه آخر از لطفی کند در ما نگاه (1)
این مقام عبودیت است که چنین تحلیل روانکاوانه عمیقی را در بطن خود جای داده است، زیرا عبودیت تجلی خود الوهی و راستین آدمی است. طرح این مقوله‌های معرفت شناختی در آثار برجسته عارفان و حکیمان مسلمان، نشانگر التفات ایشان به بعد معناشناسانه کلام خدا و بزرگان دین است که صد البته راه را روی افق‌های تازه‌تر می‌گشاید.

1- منطق الطیر، ص 231.

7. مراسم و مناسک در مزارات خراسان و ماوراء النهر

منصور یوسفی جولندان (1)

چکیده

آنچه که در ادوار مختلف تاریخی عامل مهمی در بقا و جاودانگی اماکن مقدس اسلامی در بین مسلمین گردیده بدون شک مراسم و مناسکی است که در ایام و فصول مختلف سال در این جایگاه‌ها برگزار می‌گردد. پیوستگی و انسجام آحاد مردم در حضوری پر رنگ به منظور برپایی مناسبت‌های مذهبی، ادعیه، زیارت، قربانی، دخیل شدن و سایر موارد موجود در آرامگاه‌ها و بقاع حکایت از پویایی و زنده ماندن فرهنگ دینی و حیات معنوی در بین اقوام و ملل مسلمان در اقصی نقاط کره خاکی می‌باشد. در پژوهش انجام شده در خراسان و ماوراء النهر نیز این امر مشاهده گردید که چگونه زن و مرد با اعتقادات و باورهای مذهبی عجین بوده و بدون کوچک‌ترین قصور و مسامحه‌ای سعی در انجام هرچه بهتر و صحیح‌تر جزئیات مراسم در مزارات دارند. در اعیاد مذهبی همچون عید فطر، عید قربان و عید غدیر، بعثت و سالروز میلاد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بعضی روزهای سرور و شادمانی خاص، جمعیت بسیاری در مکان‌های زیارتی حضور یافته و ضمن زیارت قبور بزرگواران، به خواندن نماز و قرائت قرآن و دعاهای مختلف می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: مناسک، مزارات، قربانی، فاتحه، زیارت قبور، استغاثه، زایرین.

مقدّمه

همواره در تاریخ پس از پرداختن به دوران حیات و زندگی پرفراز و نشیب انسان به مرگ و خاستگاه ابدی او نیز اشاره شده و وضعیت دو دوره(حیات و مرگ) انسان را

1- دستیار علمی دانشگاه پیام نور واحد رضوانشهر.

متأثر و در ارتباط با هم جست‌وجو کرده‌اند. در این بین تاریخ همچون آیینه‌ای تمام‌نما از روابط و تعاملات انسانی پرده برداشته و نظام‌های فرهنگی را در ادوار مختلف نشانه می‌رود و تمدن بشری را دوباره احیا می‌سازد. تلاش و کوشش‌های فردی و گروهی را در جوامع متفاوت تعریف می‌کند تا از آثار و احوال گذشتگان بی‌خبر نمانیم و از آن سوابق ره توشه‌ای برای خود بجوییم.

در همین تاریخ هیچ تمدن و مردمی را بی‌ریشه نیافته تا نسبت به اعتقادات و باورهای خود و پدرانشان بی‌تفاوت عمل کنند. وقتی عزت و احترام به بزرگ‌تر معنا می‌یابد در کم‌تر سرزمینی یاد و خاطره بزرگان به بوته فراموشی سپرده می‌شود. در کنار پدر و مادر، اساتید، معلمان و راهنمایان بشری که همیشه خیر و صلاح فرد را به او آموزش داده و از علوم مختلف و پیچیده مردمی گلچینی را در اختیار او نهادند، به نیکی یاد شد تا حتی پس از وداع گفتن دار فانی نیز عزیز و محترم شمرده شوند. برای آنها مراسم تشیع، تدفین و مجالس ختم گرفته و در سوگ آنها به ماتم نشسته‌اند.

هر قدر میزان علم و تقوا و تعهد متوفی بیشتر بوده، به همان مقدار از قرب و منزلت بالاتری در نزد مردم برخوردار شده‌اند.

با ظهور ادیان الهی و بروز اعتقادات مذهبی پیامبران و اولیای الهی برای هدایت صحیح مردم و اجرای فرامین خدا ارتباط تنگاتنگی با قوم و امت خویش برقرار کرده و در اثر این تعامل از محبوبیت غیر قابل وصفی در بین مردم بهره‌مند شدند، به طوری‌که در زمان حیات از مریدان آن قدیس بوده و پس از مرگ مزار او قبله جانان و محل وصل یار قلمداد می‌شود.

مفهوم مزار را دکتر معین به گور، قبر به ویژه قبری که زیارتگاه باشد معنی کرده است (1) و دهخدا از آن به عنوان مدفن اشخاص مقدس اسلامی نام می‌برد. (2) واژه زیارت را حسن عمید به معنی بازدید کردن، دیدار کردن شخص بزرگ، رفتن به

1- فرهنگ فارسی معین، ص 1038.

2- لغت‌نامه دهخدا، ص 254.

مشاهد متبرک عنوان کرده است (1) و در فرهنگ فارسی معین به دیدار کردن، رفتن به مکان مقدس تعبیر می‌شود (2) ضمن آن‌که دهخدا زیارت را به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امامان و امامزاده‌ها و اولیا خوانند، معنی می‌کند. (3) برای زیارت مزارات یا همان اماکن و جایگاه‌های مقدس اسلامی افرادی که در آن‌جا حضور پیدا می‌کنند به زایر معروفند. واژه زایر را عمید به معنای زیارت کننده و یا دیدار کننده و یا به کسی اطلاق می‌شود که برای زیارت و یا دیدار با امامزاده یا مکانی مقدس حضور پیدا می‌کند، می‌نویسد (4) و معین نیز آن را به زیارت کننده و جمع آن را زوار معنی کرده است. (5)
هر جا که یک شخصیت مذهبی مدفون شد، تحولات سیاسی- اجتماعی و حتی اقتصادی را سبب گشت. محل دفن که گاهی یک روستایی بیش نبود، با پیشرفت عمرانی و مهاجرت معتقدین، بافت شهری به خود گرفت که برای نمونه می‌توان از شهرهایی همچون مشهد، نجف، کربلا، قم، سمرقند، بخارا و امثال آنها و نواحی همانند ناحیه پنجکیت در تاجیکستان و ناحیه سیده زینب در سوریه و ده‌ها جای دیگر نام برد که اماکن مقدس اسلامی در این مناطق باعث جذب زایر و توریست بوده و منبع درآمد زایی بسیار بالایی برای اهالی آن دیار به حساب می‌آید. ایجاد مشاغل مختلف در جوار مرقد آن بزرگواران، علاوه بر دلبستگی‌های دینی و مذهبی، به نوعی حکایت از وابستگی‌های اقتصادی نیز می‌کند.
در این مقاله به مراسم و مناسک موجود در تعدادی از مزارات خراسان و ماوراء النهر در قالب چهار کشور ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان پرداخته تا شاید گوشه‌هایی از سنت‌های موجود در آن اماکن مقدس اسلامی را بتوان معرفی نمود.

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 582.

2- فرهنگ فارسی معین، ص 1054.

3- لغت‌نامه دهخدا، ص 13054.

4- فرهنگ فارسی عمید، ص 562.

5- فرهنگ فارسی معین، ص 594.

ص: 1126

پیشینه تحقیق

در خصوص بر پایی مراسم و مناسک و وجود سنت‌های متعدد در ارتباط با زیارتگاه‌های خراسان و ماوراء النهر، تحقیقات وسیعی توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام پذیرفته و به عنوان منبع و سرچشمه‌های پژوهش در مطالعات اسنادی کاربرد قابل قبول را دارد، اما هنوز نواقص و کم و کاستی‌هایی در مسیر معرفی و شناساندن مزار یک شخصیت تاریخی یا مذهبی مشاهده می‌گردد. اما با هر مطالعه و تحقیق جدیدی قدر مسلّم از نکات مبهم کاسته شده و آگاهی و معرفت جامع‌تری در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد.

در زمینه برگزاری مراسم و مناسک در مزارات و زیارتگاه‌های مورد تحقیق، کتب و مقالات متعددی به‌چاپ رسیده است. از اهم آنها در مبحث آداب زیارت می‌توان به رکنی یزدی در شوق دیدار(1362)؛ خان محمدی در طرح توسعه حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام(1369)؛ خرم برکه در خواجه احرار ولی(2005)؛ فضل اللّه روزبهان اصفهانی در مهمان‌نامه بخارا(1962)؛ خلیلی در آثار هرات(2004)؛ فسلفد در مقاله رهبریت صوفی در دهلی(1920) اشاره نمود.

در بخش قربانی، میرچاالیاده در رساله در تاریخ ادیان(1993)؛ هاشم رضی در مردم‌شناسی اجتماعی(1355)؛ حمزه کمال در مزارهای شمال تاجیکستان(2004)؛ سلیم بخاری در دل به یار(1993)؛ یا حقی و سیدی در از جیحون تا وخش(1378)؛ اللّه وردی در قربانی(1382) مطالبی را بیان نموده‌اند.

و در بر پایی باورها و سایر مناسک و عنعنات موجود در مزارات: روح الامینی در مبانی انسان‌شناسی(1362)؛ هیلن براند در مقابر(1988)؛ تفضلی و فضائلی جوان در فرهنگ بزرگان اسلام و ایران(1372)؛ بار تولد در ترکستان نامه(1974)؛ باباجان غفور اف در تاجیکان(1997)؛ دکتر عبید الکبیسی در احکام وقف در شریعت اسلام(1986)؛ پطروشفسکی در اسلام در ایران(1985)؛ بلر و بلوم در هنر و معماری اسلامی در ایران و

آسیای مرکزی(2003)؛ آلبرهورانی در مقاله فرمان نقشبندیه(1974)؛ براون با مقاله درویش یا روحانیت شرقی(1968) و دکتر عسکری خانقاه در مردم شناسی روش بینش تجربه(1373) در تألیفات خود بدان پرداخته‌اند.

شیوه بررسی

در تحقیق انجام شده برای این‌که جامعه مورد پژوهش به طور عمیق مورد مشاهده و مطالعه قرار گیرد، از روش ژرفانگر استفاده شده است. این روش را علمای فن نیز معتقدند و آن را بهترین شیوه برای مطالعه می‌دانند. «مردم نگاری عمقی مبتنی بر ملاحظه دقیق و عمیق یک قبیله است که باید در عین حال کامل و جامع بوده و هیچ داده‌ای را از یاد نبرد». (1) برای دستیابی به اطلاعات لازم از تکنیک‌هایی همچون گفت‌وگو و مصاحبه باز و مشاهده استفاده شده است که از ویژگی اساسی آن «مشاهده و مشارکت در زندگی مردم است ... دستیابی به هدف و نتایج لازم زودتر و دقیق‌تر خواهد بود، به علاوه نتیجه کار اطمینان و اعتماد بیشتری در پی خواهد داشت». (2) حضور فیزیکی و مشارکت با افراد، برای بجا آوردن آداب زیارت، تکنیک مشاهده مشارکتی را هم در این تحقیق دخالت داده است. «نخستین شرط در مطالعات مردم‌شناسی، رفتن به محل و اقامت در آن‌جاست. بدین ترتیب ارتباط بین محقق و جامعه مورد مطالعه برقرار می‌گردد و همه زمینه‌های ذهنی، که می‌تواند محقق را وادار به پیش داوری نماید، از بین می‌رود». (3) برای غنی ساختن اطلاعات مدنظر از مطالعه کتابخانه‌ای نیز سود برده و به روش اسنادی، اقدام به جمع‌آوری مطالب گردیده است. به منظور ثبت و ضبط یافته‌های تحقیق از ضبط صوت، دوربین فیلمبرداری و دوربین عکسبرداری استفاده شده است.

1- مردم‌شناسی، ص 88.

2- مردم‌شناسی اجتماعی، ص 3.

3- مبانی انسان‌شناسی، ص 63.

جامعه آماری

تحقیق حاضر در چهار کشور ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان انجام گردیده و با ملاک قرار دادن شهرت، مقبولیت، معماری، معاصر بودن و میزان تأثیرگذاری صاحبان مزارات به صورت نمونه گیری در سیزده مزار مورد بررسی قرار گرفته است. مجموعه آرامگاهی شاه قاسم انوار در تربت جام، ملاحسین کاشفی در سبزوار، هارونیه در توس، میر سید علی همدانی در کولاب تاجیکستان، محمد بشارا در ناحیه پنجکیت تاجیکستان، خواجه اسحاق ختلانی در کولاب تاجیکستان، مولانا یعقوب چرخی در شهر دوشنبه تاجیکستان، مزار شریف در بلخ افغانستان، خواجه عبداللّه انصاری در هرات افغانستان، خواجه احرار ولی در سمرقند ازبکستان، خواجه بهاء الدین نقشبندی در بخارای ازبکستان، گورمیر و بی بی خانم در سمرقند ازبکستان، به عنوان جامعه آماری، مورد پژوهش واقع شده است. این تحقیق در تابستان سال 1383 شمسی آغاز و در بهار سال 1386 شمسی به اتمام رسیده است.

مراسم و مناسک در زیارتگاه‌ها

به منظور پرداختن به تعدادی از مناسک و مراسم موجود در مزارات و زیارتگاه‌های مورد تحقیق، ابتدا سعی در ریشه‌یابی و ذکر علل تاریخی آن کرده و سپس به بیان نمونه‌هایی در جامعه مورد پژوهش خواهیم پرداخت:

1. دعا

در کلیه فرهنگ لغات دعا به معنی نیایش کردن با پروردگار و نیز «به معنی درخواست نیایش و درخواست از خداوند است» (1) تضرع، التماس و استغاثه به درگاه خداوند نیز معنی شده است. (2) فلسفه دعا نیز از بین بردن و میراندن روح کبر و استکبار در انسان، توجه به توحید باری‌تعالی و یأس و قطع امید کردن از غیر خداست.

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 501.

2- لغت‌نامه دهخدا، ص 10920.

ص: 1129

دعا در ادیان

دعا در دین زرتشت

در کتاب مقدس زرتشتیان(اوستا) متونی است که نحوه و طریقه پرستش و عبادات و آداب و رسوم مذهبی را معیّن می‌کند. قسمت بزرگی از متون موجود حتی امروزه در جوامع زرتشتی ایران و هند به صورت دعا و نیایش در مراسم گوناگون مذهبی خوانده می‌شود. بر هر زرتشتی مؤمنی فرض است که در هر بیست‌وچهار ساعت که به پنج دوره یا گاه تقسیم می‌شود، ادعیه و مناجات‌های خاصی بخوانند. این ادعیه و مراسم که بندگی یا فرضیات خوانده می‌شود، با سرودن ادعیه و نیایش‌هایی در ستایش و تمجید اورمزد همراه است. امروزه اکثر زرتشتیان به خواندن ادعیه در صبحگاه و شامگاه اکتفا می‌کنند.

دعا در دین مسیحیت

مسیحیان معتقدند که دعا همان خدمتی است که افراد انسانی به عنوان وظیفه و تکلیف دینی، به در خانه خدای خود بجای می‌آورند. بسیاری از دعاها مشتمل بر عبارت(شکوه و عظمت بر خداوند) و یا حمد و آداب مذهبی، اقرار به گناهان، انکسار و توبه است. دعا و ثنای الهی به صورت رسمی و مدون آن از قبیل مراسم و آیین‌های دعا در کلیسا محدود نمی‌شود، بلکه همواره به صورت فردی و جمعی به نیایش در می‌آید. یک چنین مراسم دعا و نیایشی برای یهودیان نیز وجود دارد که در کنیسه‌ها برگزار می‌گردد.

دعا در دین اسلام

دعا در دین اسلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به طوری‌که در مقایسه ارزش دعا با سایر اعمال و نیز فواید دنیوی و اخروی آنها، عنایت خاص اسلام را به دعا می‌توان دریافت. دعا به عنوان اصلی‌ترین نیاز معنوی انسان‌ها برای رسیدن به اوج کمالات روحی و قلبی و آمادگی برای عروج، از جاذبه‌های دروغین و پست دنیای مادی به قرب و بقای الهی است. در اسلام درباره همه چیز و همه جا و همه

زمان‌ها دعا هست. از دعاهای روزانه، هفتگی و فصلی گرفته تا دعا برای شفای انواع دردها و دعا برای شئون مختلف زندگی انسان، مانند دعا در هنگام بیدار شدن، خوابیدن، غذا خوردن، مسواک کردن، عطسه کردن، دست شستن، مسافرت و ... در این دین همه اقسام عبادت، دعا می‌باشند و تمام اقسام دعا، عبادت.

در آیات قرآن از دعا معانی مختلفی همچون خواندن و خواستن، کمک خواستن، تشویق و ترغیب کردن، ذکر گردیده است. رایج‌ترین ادعیه در مزارات و زیارات قبور مورد تحقیق، قرائت سوره فاتحه است که در اغلب اماکن مقدس اسلامی از آداب مهم زیارت به حساب می‌آید. زایرین با استقرار در فضای معنوی، حضور قلبی برای قرائت فاتحه پیدا می‌کنند. ملا یا متولی یا خادم مزار نیز با قرائت آیاتی از سوره‌های قرآن، و یا خواندن دعا و طلب آمرزش برای حاضرین می‌پردازد. آنها در پایان دست‌های بلند شده به سمت آسمان را به عنوان تبرک به سر و صورت خود کشیده و سپس نذورات خود را به صندوق نذورات مزار ریخته یا به فرد دعا کننده و یا خادم آن‌جا تحویل می‌دهند. این سنت را به‌وضوح می‌توان در اماکن زیارتی و مزارات مشاهده کرد.

2. زیارت

زیارت در لغت به معنی بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ، رفتن به مشاهد متبرک (1) و به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعایی که به فرهنگ تشرف باطنی برای امامان و امامزاده‌ها و اولیا خوانند، (2) آمده است.

زیارت در آیین یهود و مسیح آدابی داشته و در این ادیان نیز وجود دارد.

در اسلام زیارت جایگاه ویژه ای در بین مسلمین دارد و در آموزه‌های اسلامی در این باره توصیه‌هایی شده است.

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 582.

2- لغت‌نامه دهخدا، ص 13056.

زیارت دیداری است مشتاقانه با حضور در پیشگاه آن‌که دوستش داریم و بزرگش می‌شمریم. زیارت حضور در اماکن مقدس است و رویارویی با اولیای خدا و ائمه دین که با حرکت از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می‌شود، حرکتی ظاهراً در مکان و به حقیقت در دل و جان، «زیارت حضور جسم و جان است در برابر خلیفه اللّه در زمین، رهنمای عالم ظاهر و باطن، روشنگر راه زندگی و مشعل فروزان در مسیر الی اللّه. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، قرار دادن خویشتن است در حوزه روحانیت و فیض بخشی امام. و امام انسانی است متعالی و خدا نمای با ابعاد وجودی گسترده که بار معنویتش را از آفریدگار می‌گیرد و واسطه رحمت و خیر رسانی است به آفریده‌ها». (1) برخی از زیارت کنندگان به جهت بزرگداشت امامان معصوم که حجت‌های خداوند متعال هستند، ضریح آنها را می‌بوسند. بوسیدن و دست مالیدن بر در و دیوار و ضریح زیارتگاه‌ها هیچ‌گاه مستقلاً مورد توجه زایر نیست، بلکه از نظر انتسابی که بر امام یافته و قرب بسیاری که خداوند دارد محبوب گشته و احترام و تکریم می‌شود.

در واقع چون زایر به شوق دیدار پیشوای عزیز و کریم خود به خانه‌اش رو می‌آورد، اما دسترسی به او پیدا نمی‌کند، بدین طریق شعله عشق مقدس خود را نمایان می‌کند و التهاب درون را آرامش می‌بخشد. (2) زیارت قبور از دیدگاه قرآن

در قرآن آیات متعددی در خصوص زیارت قبور وجود دارد که برای نمونه به سه آیه از سوره‌های بقره، نساء و کهف اشاره می‌شود:

در آیه 25 سوره بقره خداوند به حضرت ابراهیم می‌فرماید: «و به‌یاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و مرجع امر دین خلق و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت بپردازید و از هر پلیدی پاکیزه دارید، برای این‌که اهل

1- شوق دیدار، ص 6 و 7.

2- همان، ص 43.

ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا بجا می‌آرند».
همچنین در آیه 64 سوره نساء آمده است: «ما رسول نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا او را اطاعت کنند(و هدایت شوند) و اگر هنگامی‌که گروه منافق بر خود به‌گناه ستم کردند، از کردار خود به‌خدا توبه نموده و به تو رجوع می‌کردند که برای آنها استغفار کنی و از خدا آمرزش خواهی، البته در این حال خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند».
در آیه 21 سوره کهف نیز خداوند می‌فرماید: «بهشت‌های عدن که نهرها زیر درختانش جاری است، خاص آنهاست، در حالی‌که در آن بهشت برین زیورهای زرین بیارایند و لباس‌های سبز حریر و دیبا در پوشند و بر تخت‌ها(به عزت) تکیه زنند(که آن بهشت) نیکو اجری و خوش آرامگاهی است». علاقه‌مندان درباره توضیح آیات مذکور می‌توانند به تفاسیر مراجعه کنند.
زیارت قبور از نظر سنت
1. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «
زوروا القبور فإنّها تذكّركم الآخره
». قبرها را زیارت کنید، زیرا زیارت آنها مایه یادآوری سرای دیگر است».
2. در معراج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نقاطی مانند(طبیه، طور سینا و بیت اللحم) نماز گزارد و جبرئیل به او گفت: ای پیامبر خدا می‌دانی که آن‌جا کجا بود که نماز خواندی؟
تو در زادگاه عیسی علیه السلام نماز گزاردی.
3. در روایات آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام هر روز جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه علیه السلام می‌رفت و نماز بپا می‌داشت و می‌گریست. (1) زیارت قبور از منظر اهل سنت
زیارت قبور از دیدگاه مذهب حنبلی مباح بوده و مخالفتی در آن وجود ندارد. از نظر مذهب حنفی زیارت قبور برای مردان و زنان مستحب است، بدون این‌که از قبرها

1- طرح توسعه مجموعه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، ص 47.

عبور کنند. از دیدگاه مذهب مالکی نیز زیارت قبور مستحب است و در زیارت فرقی بین مردان و زنان نیست و همچنین از نظر مذهب شافعی زیارت قبور مستحب بوده و هیچ منعی برای زیارت زنان وجود ندارد.

در اماکن مقدس مورد پژوهش، زایرین با شور و اشتیاق غیر قابل وصفی به زیارت مزارات می‌پرداختند و اغلب می‌بایست آداب زیارت را بجا آورده تا زیارت آنها مورد قبول درگاه حق تعالی واقع گردد. معمولاً این آداب در بسیاری از بقاع متبرک نزدیک به هم اجرا می‌شود، به طوری‌که داشتن اعتقاد قلبی خالصانه به امر زیارت و به مکان و شخصیت مدفون در آن، پاک بودن، داشتن وضو، قرائت قرآن، اقامه نماز، دعای فاتحه، قرائت زیارتنامه و سایر ادعیه، از آداب زیارت است.

جمعی از مردم پاکستان و هندوستان به دلیل ارادتی که به میرسیدعلی همدانی دارند سالانه به کرات برای زیارت به شهر کولاب تاجیکستان می‌روند و در طول مدت اقامت خود به دعا و توسل به درگاه احدیت در این مکان مشغول می‌شوند.

بارها در طول سال مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا زایرینی را در خود جای می‌دهد که از کشورهای مختلف، به‌ویژه اسلامی برای زیارت رفته‌اند. (1) در مزار شاه قاسم انوار در تربت جام به دلیل تنوع مذهبی در آن‌جا در ایام سوگواری ماه محرم و صفر افراد سنی و شیعه در کنار یکدیگر به خیرات می‌پردازند و شب‌های بسیاری سفره‌های شام برای احسان به مردم در این مکان پهن است. در این ایام مراسم سینه‌زنی و روضه‌خوانی توسط شیعیان برگزار می‌شود.

از نکات ویژه آداب زیارت در این اماکن مقدس اسلامی، می‌توان به روزهای خاص زیارت و چگونگی اعمال آن اشاره کرد. اصولاً منعی در زیارت مزارات در طول هفته برای زن و مرد مسلمان وجود ندارد، اما برای بعضی از این بزرگواران

1- در حین تحقیق یک هیأت عالی‌رتبه از عربستان سعودی مشغول زیارت و بازدید از این مجموعه‌آرامگاهی بودند(1384).

روزهای به‌خصوص را برای زیارت کردن و یا حضور در مزار نقل کرده‌اند که ثواب بیشتری از سایر روزهای هفته دارد.

3. شفاعت در قرآن

شفاعت در لغت به معنی خواهش کردن، درخواست عفو یا کمک از کسی برای دیگری، خواهشگری، شفاعتگر است. (1) در قرآن کریم درباره شفاعت آیات متعددی وجود دارد که برای نمونه به آیاتی از سوره‌های بقره، سبأ، طه و مدثر اشاره می‌شود:

در آیه 255 سوره بقره خداوند می‌فرماید: «خدای یکتاست که جز او خدایی نیست و زنده و پاینده است هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به‌خواب رود، اوست مالک آنچه در آسمان‌ها و زمین است. که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد؟ مگر به فرمان او. علم او محیط است بر آنچه پیش نظر خلق آمده است ...» و در آیه 23 سوره سبأ آمده است: «و شفاعت کسی جز آن‌که خدا به او اذن شفاعت داده سودمند نیست(پس خاصان و انبیا را شفیع خود قرار دهید) تا چون آن خاصان از دل‌هاشان اضطراب جلال و سطوت الهی برطرف شود، گویند خدا چه(در باب شفاعت) فرمود پاسخ دهند که حق(و درستکاری و شفاعت مؤمنان نه مشرکان) که او خدای بلند مرتبه بزرگوار است». در آیه 109 سوره طه نیز خداوند می‌فرماید: «و در آن روز، شفاعت هیچ‌کس سود نبخشد، جز آن‌کس که خدای رحمان به او رخصت شفاعت داده و سخنش پسند او گردید». و همچنین در آیه 48 سوره مدثر در خصوص اهل باطل آمده است: «پس در آن‌روز شفاعت شفیعان در حق آنان هیچ پذیرفته نشود».

در مزارهای مورد تحقیق نیز همچون سایر آرامگاه‌های مقدس اسلامی شفاعت طلبیدن و استغاثه جایگاه مهمی را برای خود دارد. در اغلب مناطق، مزارها در حکم یک طبیب عمل کرده و به قول حمزه کمال رسالت طبابتی نیز داشته‌اند. (2) در مزارات

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 674.

2- مزارهای شمال تاجیکستان، ص 181.

زایرین آنها را شفیع قرار داده تا خداوند بیماری‌های همچون: نازایی، جنون، لکنت زبان کودکان، سردردهای شدید و امثال آنها را شفاعت کند. و نیز برای حل مشکلات از جمله مشکل بیکاری و نداشتن درآمد مکفی خدا را می‌خوانند و دعا می‌کنند و بزرگواران مدفون در آن آرامگاه را شفیع قرار می‌دهند.

4. قربانی

قربان یا قربانی در لغت به معنی هر چیزی که به وسیله آن به‌سوی خداوند تقرب پیدا کنند، آنچه که در راه خدا تصدق می‌کنند مثل گاو و گوسفند و شتر که در راه خدا بکشند و گوشت آن را بین فقرا پخش کنند. (1) از زمانی که بشر هنوز پا به مرحله تاریخ نگذاشته به این کار آشنایی و اعتقاد داشته و به قربانی کردن می‌پرداخته است. وقتی فرزند حضرت آدم از خوردن و خوابیدن خیالش آسوده شد و کمی فراغت یافت، به اندیشیدن افتاد، به مفهوم ترس و محبت و چیزهایی عاطفی از این قبیل پی برد، حوادث روزمره‌اش را از کوچک و بزرگ، از آمدن شب و روز، طلوع و غروب ماه و خورشید و ستارگان، گرفتن ماه و خورشید و طوفان و خشکسالی و زلزله تا رؤیا و بیماری و مرگ همه را با فکر محدود خود توجیه کرد، به طوری‌که ذکر نیروی برتر، قوای ماوراء الطبیعه که دست‌اندر کار جهان هستند و این همه حوادث ساخته و پرداخته آنهاست، ذهنش را به خود مشغول داشت، از آنها ترسید یا به آنها محبت ورزید، آن وقت برای جلب دوستی یا دفع گزند آنها به فکر ساده و بد وی خود چنین پنداشت که با نثار پیشکش‌ها و قربانی‌ها، این قوای برتر را که برای او سرنوشت‌ساز هستند با خود همراه و سازگار کند، بسیاری از نیایش‌ها و قربانی‌ها و نیازها که به پای خدایان و نیروهای ماوراء الطبیعه نثار شده، در آغاز علتی چنین داشته است.

بدیهی است در طول قرن‌ها و با گذشت روزگاران، این اعتقادات و سنت‌ها، صورت روز به خود گرفته، تلطیف شده و مانند همه عادات و عقاید بشر از صافی

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 790.

ص: 1136

قرون و اعصار گذشته و جنبه انسانی‌تر و عالی‌تر یافته تا جایی که به تدریج و در طول زمان، به صورت یک عادت درآمده و شکلی ارتباط گونه، ولی روحانی و ملکوتی، میان خالق و مخلوق به خود گرفته است. آیین قربانی به عنوان یک نیایش نیز این مراحل را پیموده، از جمله قربانی‌های اسلامی، عقیقه است که در هفته نخستین تولد کودک برای سلامتی او گوسفندی قربانی می‌کنند و ضیافت می‌دهند، سرِ طفل را می‌تراشند و به اندازه موی سر او طلا یا نقره انفاق می‌کنند.

قربانی کردن انسان

مدارک و دلایلی حاکی از قربان کردن انسان به خاطر برداشت کشت و درو در چندین جامعه، مثلاً در یونان و بعضی قبایل آمریکای مرکزی و آمریکای شمالی و در چندین منطقه افریقا و جزایر اقیانوس آرام و نزد بسیاری از جماعات دراویدی هند در دست است. به عنوان مثال به آیین‌های ذرت مرسوم نزد آزتک‌های مکزیک می‌پردازیم: به محض جوانه زدن گیاه به جست‌وجوی خدای ذرت یعنی جوانه به کشتزار می‌رفتند و آن را به خانه می‌بردند و به آن خوردنی تقدیم می‌داشتند. درست مثل آن‌که با خدایی سرو کار دارند. شب هنگام، گیاه را به معبد الهه توشه و قوت یا chivome- coatl می‌بردند که در آن دختران جوان‌سالی گرد می‌آمدند و هر کدام دسته‌ای از هفت خوشه ذرت متعلق به محصول سال پیش را که در کاغذی قرمز رنگ پیچیده و بر آن(شیره) کائوچو مالیده بودند، در دست داشتند. نامی که به این دسته داده بودند chicomolotl(یعنی هفت خوشه)، نام الهه ذرت نیز بود. دختران جوان‌سال از سه سن مختلف بودند: بچه سال، نوجوان و بزرگسال که بی‌تردید به نحوی رمزی، مراحل رشد ذرت را مجسم می‌کردند و بازوها و ساق پاهایشان پوشیده از پرهای قرمز رنگ، رنگ خدایان ذرت بود.

هدف از این مراسم گرامیداشت الهه ذرت و تبرک جادویی درون ذرت بود که تازه جوانه زده بود، و ضرورت قربانی اقتضا نداشت. اما سه ماه بعد، وقتی که محصول رسیده بود، دختر جوانی را که نمودار ذرت نورس یعنی xilonen بود، سر می‌بریدند.

این قربانی سرآغاز مصرف(دنیوی) ذرت تازه بود. از این‌رو گمان می‌کردند که قربانی مزبور، بیشتر کار ویژه قربان کردن نخستین محصول و ثمره اول یا نوبر را داشته است. وقتی شصت روز بعد درو کردن پایان می‌یافت، قربانی تازه‌ای صورت می‌گرفت. این بار زنی را که نمودار الهه Toci(مادرما) الهه ذرت درو شده و خوردنی بود، سر می‌بریدند و بی‌درنگ پوست از پیکرش باز می‌کردند. کاهن آن پوست را به دوش می‌افکند و پاره‌ای از پوست ران قربانی را به معبد cinteotl خدای ذرت می‌برد و در آن‌جا برای خود نقابی می‌ساخت. چندین هفته با این شخص چون زائو رفتار می‌کردند، زیرا محتملاً معنای آن رسم این بود که Toci پس از کشته شدن در وجود پسرش، ذرت خشک شده، در دانه‌هایی که سراسر زمستان قوت مردم بود دوباره ولادت می‌یابد. یا نزد دیگر اقوام آمریکایی به عنوان مثال پونی Pawnee ها، پیکر دختر جوان قربانی شده را پاره پاره کرده و هر پاره را در کشتزاری مدفون می‌ساختند. (1) یونانیان نیز در آغاز از قربانی کردن انسان‌ها ابایی نداشتند، مثلاً: کاممنون دختر خود ژینا را قربانی کرد و آخیلوس دو تن از جوانان ترویا را به خاطر دوستش پاتروکل قربانی ساخت. در معبد دیان در اسپارت، هر سال یک نفر با قرعه انتخاب و در صحن معبد قربانی می‌شد؛ لیکورگ این رسم را ممنوع کرد، ولی برای احترام به معتقدات عامه مردم، مقرر داشت تا طفلی که باید خونش نثار شود شلاق بخورد.

بی گمان قربانی کردن حیوان به جای انسان از گام‌های بلند تمدن انسان به شمار می‌رود که در یونان بیشتر گاو، گوسفند و خوک قربانی می‌کنند. در بین مسلمین، به‌خصوص در روز عید قربان که دهم ذی الحجه است، حیواناتی چون گوسفند، گاو و شتر ذبح می‌کنند تا به یکی از فرایض دینی خود جامه عمل بپوشانند، یا همچنین پس از برآورده شدن حاجت، گوسفندی را به عنوان نذر، قربانی کرده و گوشتش را در بین مردم به تساوی توزیع می‌کنند ....

1- رساله در تاریخ ادیان، ص 322 و 323.

در کتاب مزارهای شمال تاجیکستان از قول هاشم رضی در مورد ایران باستان می‌نویسد: «ایرانی‌ها در کنار رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و چشمه سارها مراسم عبادت و قربانی بجا می‌آوردند، بدون این‌که آلودگی در آب به وجود بیاید ... ایرانی‌ها گوشت قربانی را در جای منزه و پاک فرش می‌کردند. آن‌گاه که قربانی را سر بریده فرشی از الیاف نرم می‌سازد و تمام گوشت را به روی آن قرار می‌دهد و در مدتی که او قربانی را مرتب می‌کند، موقعی در کنارش به خواندن سرود و دعا می‌پردازد». (1) رضی در کتاب تاریخ مطالعات دین‌های ایرانی، به این نکته نیز اشاره کرده است که ایرانی‌ها قربانی را با کارد نمی‌بریدند، بلکه به سرش می‌کوبیدند و دلیل این عمل، تقدس زمین و آب در نزد ایرانی‌ها بود و آنها برای جلوگیری از آلودگی زمین و آب بدین شکل رفتار می‌کردند. (2) از جمله حاجاتی که برای برآورده شدنش قربانی نذر می‌کنند می‌توان از: شفای بیماران، فرزند زایی، سالم ماندن دام‌ها، سلامت جستن از بلایای آسمانی، پر آب شدن نهرها و رودخانه‌ها و رفع خشکسالی، بازگشتن از سفرهای زیارتی به‌خصوص سفر حج، خرید خانه یا اتومبیل رفع مشکل بیکاری و امثال آنها نام برد. نکته جالب رسمی است که اغلب در بین تاجیکان متداول است و آن رسم در مورد گوسفندی است که در روز عید سعید قربان به دنیا بیاید. طبق این رسم می‌بایست این گوسفند در عید قربان سال بعد در یک چنین روزی قربانی شود.

در بیشتر مزارهای مورد پژوهش بهترین نذر پس از برآورده شدن حاجت، قربانی است که می‌توان به نمونه‌هایی از این سنت حسنه اشاره کرد: آیین قربانی در مزاراتی همچون میرسیدعلی همدانی، شاه قاسم انوار، محمد بشارا، گورمیر وجود دارد، اما بیشتر جنبه توزیع در آن‌جا شکل می‌گیرد. در مزار بی‌بی خانم در سمرقند علاوه بر گوسفند از مرغ هم برای نذر قربانی استفاده می‌کنند و در مزار خواجه احرار ولی محلی را برای سر بریدن قربانی درنظر گرفته‌اند که پس از انجام این سنت آن را بین

1- مزارهای شمال تاجیکستان، ص 143.

2- مردم‌شناسی اجتماعی، ص 189.

خدام، رفتگران، فقرا، ساکنین محل و معلولین مستمند، به شکل مساوی توزیع می‌کنند. در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند در بخارا برای قربانی رسمی وجود دارد.
در این مکان قربانی که در راه خدا سربریده می‌شود، می‌بایست گوشت آن به هفت قسمت مساوی تقسیم شده و بین هفت نفر مستحق توزیع شود.
سایر مناسک
در بعضی از مزارات یاد شده نماز جمعه به شکل باشکوهی برگزار می‌شود که می‌توان به مساجدی در مجموعه آرامگاهی خواجه احرار ولی و بهاء الدین نقشبند اشاره کرد که در این مزارات در اعیاد فطر و قربان، نماز مخصوص دو عید بزرگ مسلمین اقامه می‌شود، ضمن آن‌که نمازهای یومیه به جماعت در اماکن مقدس ذکر شده برقرار است. وجود سقاخانه حکایت از آب متبرک مزارات این بزرگواران دارد و زایرین مقداری از آب سقاخانه‌ها را نوشیده و یا برای استفاده در خانه داخل بطری‌هایی، آب را ریخته و با خود به دیارشان می‌برند. وجود سقاخانه در مزاراتی همچون محمد بشارا، خواجه بهاء الدین نقشبند و خواجه احرار ولی، مثال زدنی است و آب لوله کشی شده در مزار شاه قاسم انوار نیز در یک چنین وضعیتی برای اهالی و زایرین قرار دارد. در محوطه آرامگاه خواجه بهاء الدین نقشبند حوض آبی وجود دارد که در کنار آن تنوری را جاسازی کرده‌اند و به محل شربت کوثر معروف است. مدت‌ها قبل داخل این تنور شربتی از آب میوه‌های مختلف می‌ریختند تا زایرین که از راه‌های دور به این مکان می‌آیند و خسته و تشنه هستند، از این شربت بنوشند و نفسی تازه نمایند. اکنون دیگر در این محل از شربت خبری نیست و فقط به عنوان یک اثر تاریخی و مذهبی مورد بازدید عموم مردم و زایرین قرار می‌گیرد.
نقل است زایرین بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام که مسیر نیشابور و سبزوار را برای رسیدن به مشهد انتخاب کرده‌اند در سبزوار به زیارت مزار ملاحسین کاشفی رفته و ساعاتی را در این مکان سپری می‌کنند، به طوری‌که این مزار به دلیل در مسیر

زایرین قرار گرفتن، میزبان علاقه‌مندان حضرت امام رضا علیه السلام می‌باشد.
در برخی از مزارات مورد پژوهش، وجود موزه مردم‌شناسی و تاریخی باعث افزایش اطلاعات زایرین و محققین مختلف می‌باشد که حال و هوای خاصی به این اماکن مقدس اسلامی بخشیده است. وجود موزه آستان قدس رضوی در جنب بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام و نیز موزه‌های دیگر مانند موزه تاریخ و فرهنگ کولاب در محوطه زیارتگاه میرسیدعلی همدانی، موزه طریقت نقشبندی در مجموعه آرامگاهی خواجه بهاء الدین نقشبند و اشیاء تاریخی به نمایش درآمده سازمان میراث فرهنگی در محوطه آرامگاه ملاحسین کاشفی در سبزوار، نمونه‌هایی از وجود موزه‌ها در مزارات خراسان و ماوراء النهر می‌باشد.
از جمله مراسم دیگری که در بعضی از مزارها برگزار می‌شود، مراسم خشوم و عید گل سرخ و نکچه مانی (1) است. مراسم خشوم پنج روز آخر سال و به عبارتی پنج روز مانده به اول فروردین یا اول بهار، مردم با گذاشتن انواع غذا و نوشیدنی بر سر قبور یاد و خاطره عزیزان از دست رفته شان را گرامی می‌دارند. واژه خشوم از نام ماه دوازده تقویم سغدیان بجا مانده و در بین مردمان آسیای مرکزی رایج بوده است.
گرچه حمزه کمال از قول نرشخی مؤلف کتاب تاریخ بخارا می‌نویسد: «در آخر ماه خشوم مغان بخارا سر مرقد سیاوش پسر کیکاوس آیند و هر سال هر مردی آن‌جا یک خروس بدو بیکشد پیش از برآمدن آفتاب روز نوروز». (2) مراسم نکچه مانی به روشن نگهداشتن چراغ بر سر مزار گفته می‌شود که بعضاً بر مزار تازه فوت شده سه روز چراغ روشن نگه می‌دارند. این رسم در بیشتر مزارات وجود دارد، اما در تاجیکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند، رسمی به نام عید گل سرخ در روزهای آغازین بهار و هنگام شگفتن گل صد برگ و یا گل محمدی آغاز می‌گردید که زایرین با

1- حمزه کمال محقق تاجیکی در کتاب مزارهای شمال تاجیکستان به این رسوم اشاره کرده است.

2- مزارهای شمال تاجیکستان، ص 133.

گذاشتن گل سرخ بر مزار خواجه، در مسجد این مزار به نماز و عبادت مشغول شده و سپس در محوطه آرامگاه به گردش می‌پرداختند. البته در حال حاضر مراسم عیدگل سرخ به شکل قبل برگزار نمی‌شود.

باورها

باورها براساس ویژگی‌های قومی، ملی، مذهبی، نژادی، تاریخی و جغرافیایی به وجود می‌آیند و همواره از جایگاه خاصی در فرهنگ عامه برخوردار بوده‌اند. باورها نقش مؤثری را در تفکرات، اندیشه‌ها، عقاید و ویژگی‌های شخصیتی و عکس‌العمل‌های ما ایفا می‌کنند. باورهایی که در مورد زیارتگاه‌ها وجود دارد متعدد، متنوع و شاید متضاد باشد، اما آنچه که مسلّم است این باورها وجود دارند و همه ما هنگامی که در ارتباط با مزارات قرار می‌گیریم خواسته و ناخواسته از آنها تأثیر می‌پذیریم.

باورهایی که درباره این اماکن هستند را می‌توان به دو گروه کلی حرام و حلال تقسیم کرد. کلیه اعمال، رفتارها، حرکات و حتی تفکرات و اندیشه‌هایی که پرداختن به آنها در محدوده یک مزار ممنوع و لازم الاجتناب شمرده می‌شود، در گروه حرام جای می‌گیرند. کارهایی مانند ربودن اشیای داخل زیارتگاه، صدمه زدن به مزار، آلوده کردن محیط و رعایت نکردن بهداشت از جمله اعمال و رفتارهای این گروه هستند.

علاوه بر این اندیشه‌های نادرست درباره زیارتگاه مانند انکار کردن در مورد سابقه مذهبی یک امامزاده و یا به مسخره گرفتن نذر و نیازها، جزء گروه حرام به شمار می‌روند. این‌گونه اعمال و رفتارهای ممنوع در قلمرو مزارات نوعی تابو (1) به شمار می‌روند. (2).

تابوهایی که در محدوده یک زیارتگاه قرار دارند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول تابوهایی هستند که ریشه در مذهب دارند، یعنی اعمالی که آیین‌ها و قوانین مذهبی آنها را منع کرده است، مانند سرقت و یا به مسخره گرفتن اعمال مذهبی.

اما گروه دوم تابوهایی هستند که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم ما دارند، مانند تخریب

1- Tabou

2- مبانی انسان‌شناسی، ص 296.

کردن زیارتگاه و یا بی احترامی به خادم آرامگاه. در برابر گروه اول که اعمال حرام است، گروه دیگری هم وجود دارد که شامل اعمال و رفتارهای حلال یا پسندیده است. هر نوع رفتاری که در گروه اول جای نگیرد جزء این گروه شمرده می‌شود. در میان باورهای مردم امامزاده‌ها و آرامگاه‌ها و هر آنچه که در آن وجود دارد و کلیه متعلقات آن متبرک و مورد احترام هستند، برای مثال اشیایی که در داخل آن وجود دارد، اعم از قرآن، آیینه، چراغ، جانماز، که می‌توان آنها را با اصطلاح توتم (1) که در مردم‌شناسی کاربرد دارد، برابر دانست؛ چرا که توتم به معنی اشیایی است که مورد احترام می‌باشد. (2) آیین قربانی، حضور در روزهای خاص زیارت، رعایت کردن آداب زیارت، پاک بودن حین زیارت و وضو ساختن قبل از زیارت، خودداری از اعمال و افعال بد و حرام در محوطه آرامگاه، عدم رعایت بهداشت فردی، از جمله باورهای مردم در ارتباط با مزارها نقل می‌شود. ضمن آن‌که نخندیدن با صدای بلند و قهقهه، کفش‌ها را کندن و حرکت با پای برهنه به سمت مزار و دعوا و درگیر نشدن با احدی در محوطه این مکان‌های در اغلب مزارات به عنوان یک باور در بین مردم محلی و زایرین مشاهده گردیده است. در سال‌های دور، شکار حیوانات اهلی و یا وحشی در نزدیکی و یا جوار مزارها ممنوع بوده و در صورت عمل به آن برای فرد و خانواده شکارچی بد یمن جلوه می‌کرد و آنها دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شدند.

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه، مشاهده و بررسی‌های انجام شده در خصوص مزارات و زیارتگاه‌های مورد تحقیق می‌توان با حصول به نتیجه و جمع‌بندی از مشاهدات، منابع و اطلاعات به دست آورده به مواردی اشاره کرد که در هر صورت به اهمیت موضوع می‌پردازد و احترام به اماکن یاد شده را در بین مسلمین با فرق و قومیت‌های

1- Totem

2- مبانی انسان‌شناسی، ص 296.

مختلف یادآور می‌شود. فضای معنوی حاکم بر این اماکن، اعتبار ویژه‌ای به آن بخشیده و از دوام و پایندگی ممتازی برخوردار است. در حین پژوهش به کرات مشاهده شد که چگونه معتقدین پای بند به سنت‌ها و مراسم و مناسک موجود در این مزارات هستند. آنها با فهم و استنباط دقیق و صحیح از آداب زیارت برای عرض وجود پا به محوطه و صحن مزار می‌گذارند و همواره یک نوع دغدغه و تشویش خاطری دارند که مبادا از آنها عملی سر بزند که خلاف عرف و آداب زیارت باشد، به طوری‌که حتی خنده بلند و سخنان بیهوده را در آن مکان‌ها به هیچ وجه جایز ندانسته و در صورت مشاهده به افراد خاطی تذکر نیز می‌دهند.

حضور آنها در این اماکن یک نهایت و آرزوی قلبی و باطنی بوده و برای این‌گونه سفرهای زیارتی، از قبل برنامه‌ریزی کرده و پولی را هم فراهم می‌سازند. التماس و تضرعی که در قالب دعا در اماکن مقدس اسلامی توسط زایرین انجام می‌گیرد، به شکلی خفیف‌تر در سایر ادیان و مذاهب جهان نیز دیده می‌شود و مهم‌ترین دلیل آن در کنار اعتقادات افراد کارکرد روانی مکان‌ها و فضاهای معنوی برای آنها می‌تواند باشد.

در دین اسلام نیز دعا جایگاه ویژه‌ای داشته و به عنوان مسیر رسیدن به تقرب الهی به شمار می‌رود. سپردن نذورات، توزیع گوشت قربانی در بین مستمندان، اقامه نمازهای جمعه و جماعات، برگزاری مراسم در اعیاد دینی از جمله اعمال نیکی است که در این زیارتگاه‌ها به طور مستمر انجام می‌شود و مردم این‌گونه اعمال را سنت‌های حسنه دانسته و سعی می‌کنند در انجام آنها هیچ‌گاه کوتاهی ننمایند. آنها معتقدند حضور در مزارات و بر پایی یک چنین مراسمی ضمن ایجاد پیوستگی و انسجام لازم بین مسلمین، به بقای فرهنگ دینی کمک قابل توجه و شایانی را می‌بخشد.

با توجه به این‌که مزارات برای شناساندن هویت فرهنگی یک ملت یا قوم به عنوان میراث فرهنگی آن سرزمین محسوب می‌شود و همواره این آثار به منزله تاریخ و پیشینه یک قوم به شمار می‌رود، مع الوصف لزوم حفظ، ترمیم و بازسازی این ابنیه‌های تاریخی، مذهبی بر مسئولین ذی ربط توصیه می‌شود تا پاسدار و نگهبان شایسته‌ای از این مجموعه‌های فرهنگی باشند.

ص: 1144

فهرست منابع

1. پایان نامه طرح توسعه مجموعه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، علی اکبر خان محمدی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، 1369.
2. رساله در تاریخ ادیان، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش، چاپ اول، 1993.
3. شوق دیدار، محمد مهدی رکنی یزدی، مشهد، اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1362.
4. فرهنگ فارسی معین، محمّد معین، تهران، معین، چاپ چهارم، 1383.
5. فرهنگی فارسی عمید، حسن عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ هجدهم، 1362.
6. لغت نامه فارسی، علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، چاپ دوم دوره جدید، 1377.
7. مبانی انسان‌شناسی، محمود روح الامینی، تهران، زمان، چاپ دوم، 1362.
8. مبانی انسان‌شناسی، محمد صادق فربد، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، 1380.
9. مردم‌شناسی اجتماعی، هاشم رضی، تهران، آسیا، چاپ اول، 1355.
10. مردم‌شناسی(روش، بینش، تجربه)، اصغر عسکری خانقاه، تهران، شب‌تاب، چاپ اول، 1373.
11. مزارهای شمال تاجیکستان، حمزه کمال، دوشنبه، بنیاد فرهنگ تاجیکستان، چاپ اول، 2004.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

